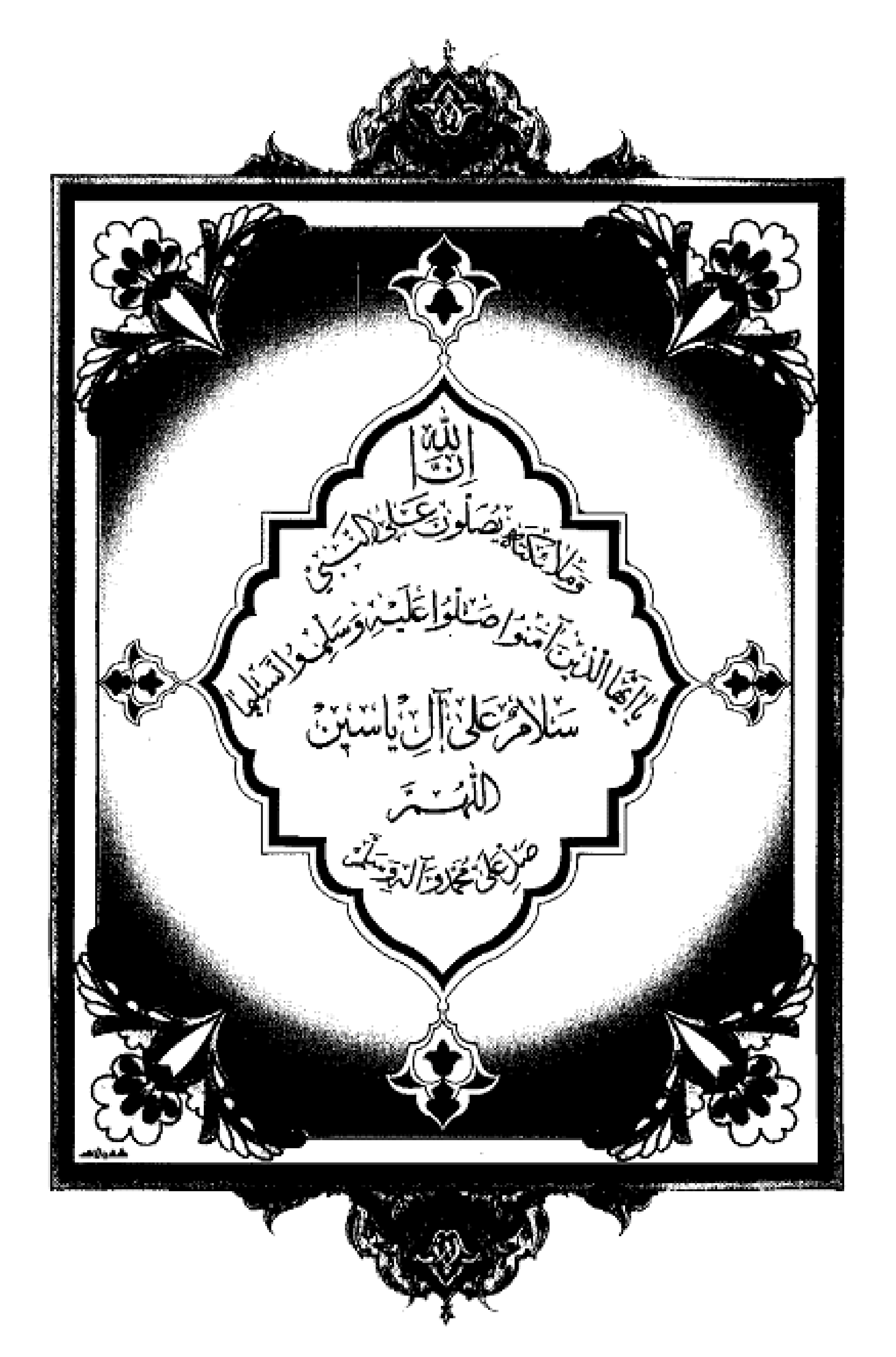
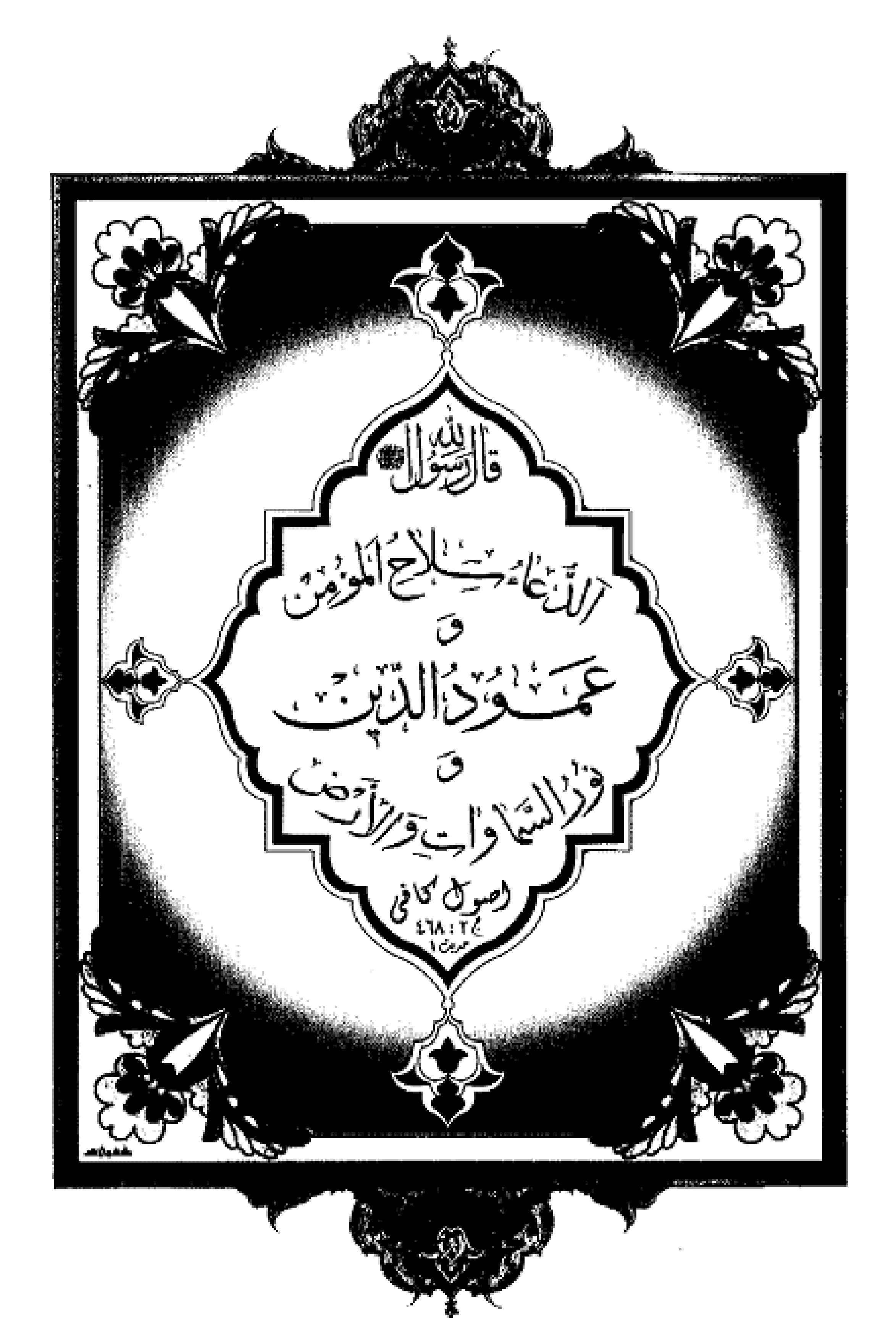



إن الله
وملائكته يصلون على النبي
يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما
سلام على آل ياسين
اللهم
صل على محمد وآل محمد

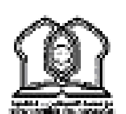


قال رسول الله ﷺ
الدعاء سلاح المؤمن
و
عمود الدين
و
نور السماوات والأرض
اصول كافي
٢: ٤٦٨
حديث ١


هدية الزائرين
و
بهجة الناظرين


بسم الله الرحمن الرحيم

قمی، عبّاس، ۱۲۵۴ ـ ۱۳۱۹.
هدیة الزائرین و بهجة الناظرین / عبّاس قمّی.
قم، مؤسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)، ۱۳۸۳.
۷۲۴ ص.
ISBN 964-06-4378-5
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
چاپ قبلی: دهقان، ۱۳۷۹.
فارسی ـ عربی.
۱. دعاها. ۲. زیارتنامه‌ها. الف. عنوان.
۴هـ ۸ ق / ۸ / BP ۲۶۷ ۲۹۷/۷۷۷
۱۳۸۳
کتابخانه ملی ایران ۸۵ ـ ۸۳ م



هدیة الزائرین و بهجة الناظرین

تألیف: مرحوم حاج شیخ عبّاس قمّی

تحقیق: مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام
ناشر: مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام
سال نشر: ۱۳۸۳ هـ. ش
نوبت چاپ: اوّل
چاپ: برهان
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: RLS

قم ـ خ انقلاب (چهارمردان) ـ کوی ۲۶ ـ پلاک ۴۷ و ۴۹
تلفن ـ ۷۷۰۳۳۳۰ فاکس ـ ۷۷۰۶۲۳۸
URL: www.sibtayn.com – E-mail: sibtayn@sibtayn.com
URL: www.alsibtayn.com – E-mail: alsibtayn@alsibtayn.com

سخن مؤسسه

ادعیه و زیارات از هنگام فرود الهامات ربانی بر وجود پاک و شریف پیامبر گرامی ﷺ و از آغاز نزول قرآن و ظهور اسلام یکی از بهترین آموزه های شکوهمند و معنوی دین اسلام و مکتب تشیع بوده و همواره مورد تأکید و تشویق امامان معصوم علیهم السلام قرار داشته است.

کتاب هدیة الزائرین و بهجة الناظرین اثر گرانسنگ مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی رحمه الله، مجموعه ای است از زیارات و آداب آن که در نوع خود بی نظیر بوده و می توان یکی از کاملترین کتاب زیارتی و نیایشی آن محدث بزرگ به حساب آورد، هر چند ایشان را با کتاب مفاتیح الجنان بیشتری شناسیم در حالی که از آن مرحوم بیش از هشتاد اثر به جا مانده است.

ویژگی های عمده این کتاب شریف:

۱ـ نویسنده کوشیده است با بررسی اسناد و مدارک حدیثی و به کار بردن قواعد درایة الحدیث به صحیح ترین آداب ادعیه و زیارات دست یافته و از ذکر روایات و احادیث جعلی در این زمینه خودداری نماید.

۲ـ بر اساس نیاز و به قدر کافی درباره مطالب جعلی و بی اساس بحث نموده است.

۳ـ مرحوم مؤلف کوشیده است که در موضوع بحث، استقرای کامل نموده و هر چه در خور موضوع است، گردآوری نماید به گونه ای که می توان گفت آنچه در کتاب نیامده است به نادرستی و جعل و سستی سند متهم می باشد.

۴ـ مؤلف هیچ زیارتی را از قلم فروگذار نکرده و در عین حال از درازگویی پرهیز نموده است.

۵ـ در تبویب و تفصیل بحث، نظم منطقی خاصی رعایت شده تا خواننده به آسانی به مطالب مورد نیاز خود دست یابد.

و نیز از ویژگی های مهم و مزیت برجسته این کتاب شریف نسبت به کتب ادعیه و زیارتی دیگر مانند کتاب مفاتیح الجنان و ... این است که:

۱ـ زیارات آن بر اساس مناطق زیارتی دسته بندی و تنظیم گردیده است بطور مثال از باب دوم تا پایان باب پنجم به عراق و اماکن مشرفه در سرزمین عراق اختصاص یافته و باب ششم به اماکن زیارتی مکه و مدینه.

۲ـ وضعیت و موقعیت جغرافیایی عراق مشرفه و اماکن مقدسه و تغییرات تاریخی در آنها به تفصیل ذکر گردیده.

۳ـ در بیان مزارهای امامزادگان و علماء و صلحاء و قبور سایر مؤمنین در مقایسه با کتب مشابه اهتمام ویژه‌ای شده است.

۴ـ فضیلت و کیفیت اعمال ماه‌های سال و نیز ایام هفته به نحو کامل و تمام در آن مطرح گشته است.

مؤسسه جهانی سبطین ﷺ در راستای اهداف دینی و فرهنگی خود، به سفارش حضرت آیت الله سید مرتضی موسوی اصفهانی فرزند آیت الله فقید سید محمد موسوی اصفهانی تغمده الله برحمته الواسعة که مدرسه علوم حوزوی و مؤسسه جهانی سبطین ﷺ به همت ایشان تأسیس گردیده و اداره می‌شوند و بر اساس نیاز جامعه اسلامی به کتابی چنین پربها، اقدام به تحقیق، چاپ و نشر آن نموده است تا مورد بهره‌گیری مؤمنین، بخصوص زائرین گرامی قرار گیرد.

این مؤسسه برای بهسازی و تصحیح این اثر گرانمایه اقدامات علمی و فنی زیر را انجام داده است:

۱ـ با نسخه چاپ سنگی واژه به واژه مقابله شد.

۲ـ ویرایش صوری و محتوایی بدون هیچ دخل و تصرفی انجام پذیرفته است.

۳ـ هر جا که جمله نارسا است و نیاز به افزودگی در آن احساس می‌شد، واژه‌ای را افزوده و درون کروشه [ ] نهادیم تا در قلم مؤلف تصرفی نکرده باشیم.

۴ـ ابهام معنوی و پیچیدگی بعضی عبارت‌ها را با جابجایی فعل و رعایت ترتیب نحوی و دستوری و نظم نهادی و گزاره‌ای برطرف کردیم به گونه‌ای که شیوه نوشتاری مؤلف هرگز تغییر نیابد.

۵ـ کلیه متون عربی دعاها، زیارتها، آیه‌ها و نقل قول‌های مستقیم را اعراب گذاری نموده و برای اطمینان از درستی آن بارها بازخوانی کردیم.

۶ـ کلیه ارجاعات درون متن را که مؤلف گاهی حتی باب یا فصل را هم ذکر نمی‌کند، در جای خود با ذکر شماره صفحه مشخص کردیم.

۷ـ برای واژه‌گان دشوار اعلام و اسم‌های خاص و موارد مورد نیاز، در پانوشت توضیح کاملی آوردیم، بی آنکه با پانوشت مؤلف که همیشه با عبارت (منه رحمه الله) پایان یافته خلط شوند.

۸ـ پاراگراف بندی و صفحه پردازی و آسان خوانی متن را با رعایت اصول سفید خوانی بر اساس استانداردهای چاپ و نشر انجام داده و بر پایه هنر اسلامی در تمامی صفحات از طرح اسلیمی استفاده کردیم.

۹ـ استفاده از قلم‌های زیبا و رعایت فواصل استاندارد و نیز از مواردی است که در این رساله شریفه به دقت لحاظ شده است.

در پایان شایسته است از فاضل محترم جناب آقای علی ربیعی که در کلیه مراحل تحقیق و تنظیم این کتاب شریف، نقش عمده و تلاش‌های ارزنده و خالصانه داشته است، تقدیر و تشکر نموده و نیز از سایر عزیزان در معاونت مطالعات و پژوهشها که در کلیه مراحل ویراستاری، مراجعه منابع، مقابله، استخراج، صفحه‌آرایی و طرح‌های جلد و صفحات این اثر، یاورمان بوده‌اند، نهایت تشکر و امتنان بنماییم.

از خوانندگان محترم التماس دعا داریم والله الحمد، وله المنة

والسلام

بهار ۱۳۸۳ هجری شمسی

۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۵ هجری قمری

مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام

هٰذا
كتاب المستطاب
هدية الزائرين
و
بهجة الناظرين
وبه ثقتي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة على محمد وآله الطاهرين
واللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

وبعد بر ارباب بينش و دانش مخفى نماند كه چون دنيا مزرع و متجر آخرت است، بايد هر عاقل دانشمند اين ايام قليله را غنيمت دانسته و در صدد تحصيل توشه و زاد براى سفر هولناك

معاد بوده باشد، و از این جهت است که در کتاب الهی و کلمات اهل بیت رسالت

پناهی ﷺ ترغیب و تحریص بر این امر بسیار شده و اکثر کلمات حضرت

امیرالمؤمنین ؑ متضمن این مطلب است و پیوسته مردم را در این باب امر می نمود

و می فرمود به اصحاب خویش، «مهیا کنید جهاز سفر خودتان را، خدا رحمت کند شما ها را همانا که

منادی رحیل در میان شما ندا کرده». و شبهه ای نیست که بهتر زادی برای این سفر و محکم تر

وسیله ای برای آسودگی از این شداید راه پرخطر بعد از تکمیل معارف الهی و ادای واجبات

و ترک محرمات تشبث و تمسک به دامان حجج طاهرین (صلوات الله علیهم اجمعین) است، و از

برای آن طرق بسیار است مانند، نشر علوم ایشان، و ذکر فضایل و مناقب آن

بزرگواران و تشرف زیارت آن ها و اقامهٔ تعزیه و ماتم و احسان به موالی و دوستان

و زائرین قبور ایشان و امثال این ها از طرق دیگر که لاتعد و لاتحصی است، پس

هوشمند بصیر و مؤمن مطلع خبیر با قدرت بر چنگ زدن به دامان این رقم از اعمال خیریه

هرگز دست از آن نخواهد کشید.

لهذا عالی جناب زائر ائمه انام ؑ مشهدی عباسعلی خیشام تبریزی در این مقام برآمد

که یک مرتبهٔ رفیعه را از این طرق اختیار کند، که جامع باشد شعب بسیاری از خیرات

و توسّلات راحت عالی خود را بر آن گماشت که مجموعهٔ مختصره که مشتمل باشد بر زیارات حجج

طاهرین ﷺ و آداب و وظایف زائرین، و جمله‌ای از اعمال شهور و اسابیع و مختصری از

آداب یوم و لیله که محل حاجت و ابتلای مؤمنین است به زیور طبع درآورد تا آن که

صدقهٔ جاریهٔ مستمرّه باشد که کافّهٔ مردم از عالم و عامی و مرد و زن و مجاور و زائر همه در

تمام اوقات از آن بهره‌مند شوند و در آنای لیل و نهار به فیوضات غیر متناهیهٔ آن رسند، تا آن که

از آن چه رسد به آن جماعت از اجر و ثواب بی حساب در حیات و ممات حظّی وافر و سهمی

متکاثر برده باشد، و چون رساله‌ای که مشتمل بر این امور و از مآخذ صحیحه جمع شده باشد

در دست نبود، خواهش نمود تألیف و جمع‌آوری آن را از بعض احبّا و اخوان مؤمنین

جعله الله فی درع الحصین پس جناب ایشان به جهت کثرت اشتغال و عدم مساعدت

حال، این امر را ارجاع فرمودند به این فقیر بی بضاعت و متمسّک به احادیث اهل بیت

رسالت ﷺ عبّاس بن محمد رضا القمّی (عفی الله عنهما) پس حسب امتثال خواهش ایشان انگشت قبول

نهادم بر دیده و گفتم نصرتی لکم معدّة، و این رسالهٔ شریفه را از کتب معتبره و مآخذ صحیحه

جمع آورده و هدیهٔ زائران بقاع مطهره چهارده معصومین علیهم السلام و یاران اخوان مؤمنین قرار داده،

و نامیدم آن را به

هدیّة الزائرین و بهجة النّاظرین

و رجای واثق و امید

صادق آن که در هنگام عمل و زیارت، این غریق بحر معاصی و همچنین ساعی و بانی آن را از دعای خیر فراموش نفرمایند، و اگر بر سهو و خطایی از این حقیر مطّلع شدند از مؤاخذه اغماض فرموده و اصلاح فساد و ترویج کساد نمایند که این نهایت احسان است و حق تعالی ضایع نخواهد فرمود اجر محسنین را.

و مرتّب گردانیدم این مجموعه را بر یک مقدّمه و چهارده باب.

والله الموفّق للصواب فی کلّ باب.

فهرست عناوین

مقدمه. در آداب سفر

باب اوّل. در آداب زیارت

باب دوم. در زیارت امام کاظم علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام و تکالیف زوار در کاظمین

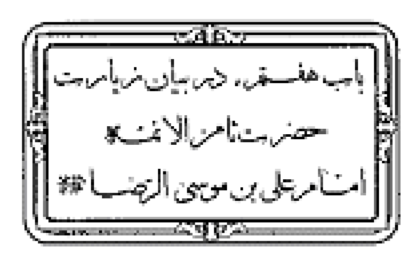
باب سوم. در زیارت ائمهٔ سرّ من رای و تکلیف زوار در آن جا

باب چهارم: در زیارات مطلقه و مخصوصهٔ سید الشهداء(ع)

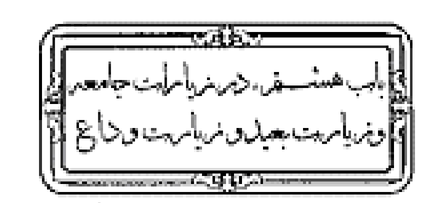


باب پنجم، در بیان زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اعمال مسجد کوفه و زیارت جناب مسلم و هانی و عمل مساجد سهله و زید و صعصعه

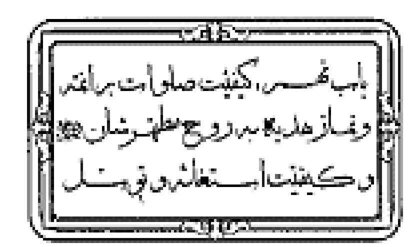
باب ششم. در بیان فضیلت و کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و فاطمهٔ زهرا علیها السلام و ائمهٔ بقیع علیهم السلام در مدینهٔ طیّبه و ذکر مختصری از تکالیف حاج در مدینه و مکّهٔ معظّمه



باب هفتم، در بیان زیارت
حضرت ثامن الائمه
امام علی بن موسی الرضا



باب هشتم، در زیارات جامعه
و زیارت بعید و زیارت وداع



باب نهم، کیفیت صلوات بر ائمه
و نماز هدیه به روح مطهرشان
و کیفیت استغاثه و توسل



باب دوازدهم، در اعمال هر ماه و عمل عید نوروز

باب سیزدهم، در اعمال پنجشنبه و جمعه و مختصری از سایر الرقعة

باب چهاردهم، در آداب و اعمال هر روز و هر شب



پس در بیان مختصری از آداب سفر است

چون ارادهٔ سفر کنی سزاوار آن است که اختیار کنی روز شنبه را، که وارد شده اگر سنگی از کوه جدا گردد در روز شنبه، البتّه خدای تعالی آن را به جای خود برگرداند.

و روز سه شنبه هم نیک است و روز سهل و آسانی است به خصوص برای کسی که کار بر او دشوار شده باشد. و روزی است که حق تعالی آهن را برای حضرت داود عليه السلام، نرم کرد.

و روایت شده که حضرت رسول صلى الله عليه وآله در روز پنجشنبه به سفر می‌رفتند و می‌فرمودند که: «روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست می‌دارند».

و امّا روز دوشنبه پس سفر کردن در آن نیک نیست و در بعضی از روایات امر شده به ترک سفر در آن روز و وارد شده که هیچ روز شوم‌تر از روز دوشنبه نیست، و سفر کردن در روز چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه نیز نیک نیست، و لکن از حضرت امام رضا عليه السلام منقول است که: «هرکه در چهارشنبهٔ آخر ماه سفر کند ـ بر ردّ آن جماعتی که به فال بد می‌دانند ـ از هر بلائی نگاه داشته می‌شود و حاجتش را خدا برمی‌آورد».

و سفر کردن در روز سوّم، چهارم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیست و یکم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم‌نیک نیست، و در روایتی وارد شده که روز چهارم و ششم و بیست ویکم برای سفر خوب است و در روز هشتم و بیست و یکم خوب نیست و اگر روزهای ماه با

روزهای هفته معارض شود رعایت روزهای هفته اولیٰ است، چه آن که احادیث معتبره در ایّام هفته بیشتر است. و سفر مکن در حالی که قمر در برج عقرب باشد که روایت شده که هرکه سفر کند یا زن بخواهد و قمر در عقرب باشد عاقبت نیکو نیست و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این اوقات تصدّق کند و بیرون رود، چنانچه حضرت صادق‌عليه‌السلام فرمودند که افتتاح کن سفر خود را به صدقه و بیرون رو هر وقت که خواهی، به درستی که سلامتی سفر خود را می‌خری، پس دست خود را از حقّ مردم خلاص کن و وصیّت کن، پس جمع کن اهل خود را نزد خود و دو رکعت نماز گذار و از خدا خیر خود را سؤال کن و آیة الکرسی را بخوان و حمد و ثنای الهی را بجای آور و صلوات بر حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله و آل او بفرست و دعاهای سفر را بخوان و آن‌ها بسیار است و این مختصر گنجایش ذکر آن‌ها را ندارد، و از جناب رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله مروی است هیچ چیز بهتر از آن نیست که آدمی هنگام سفر دو رکعت نماز نزد اهلش به ودیعه گذارد. پس بگو: **اَللّٰهُمَّ إنّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَذُرِّيَّتي وَدُنْيايَ وَآخِرَتي وَأَمانَتي وَخاتِمَةَ عَمَلي** و با خود بردار عصایی از چوب بادام تلخ.

و از حضرت امیر المؤمنین‌عليه‌السلام منقول است که حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که هرکه به سفری برود و با خود بردارد عصایی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند از هر سبع درّنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا به اهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد، و آن آیات در سورهٔ قَصص است[1] و اوّل آن این است: **﴿وَلَمّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ﴾** و آخر آن **﴿وَاللّٰهُ عَلىٰ ما نَقُولُ وَكيلٌ﴾**.

و نیز با خود بردار تسبیح تربت سیّد الشّهداءعليه‌السلام و چیزهایی که در سفر لازم می‌باشد و از دواها آنچه تو یا رفیقان تو به آن محتاج می‌شوند و منقول است که حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه به سفر می‌رفتند پنج چیز با خود برمی‌داشتند: آینه و سرمه‌دان و مسواک و شانه و مقراض[2].

و در روایت دیگر آن‌که با خود برمی‌داشتند غیر از این‌ها: سوزن و ریسمان و چیزی که به آن کفش را پینه کنند و غیر این‌ها. و از حضرت صادق‌عليه‌السلام روایت شده که، هرکه سورهٔ عَبَس را در کاغذی سفید بنویسد و به هر راهی که رود با خود دارد در آن راه به جز نیکی نبیند و از مفاسد آن

---

۱. سوره (۲۸) آیه ۲۲ تا ۲۸.
۲. قیچی.

راه محفوظ باشد إن شاء اللّه تعالى. و چون برخاستی که متوجّه سفر شوی بخوان دعای نبوی ﷺ را: اَللّٰهُمَّ بِكَ انْتَشَرْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، أَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي، اَللّٰهُمَّ اكْفِني ما أَهَمَّني وَما لا أَهتَمُّ لَهُ وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي، اَللّٰهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوىٰ وَاغْفِرْ لي وَوَجِّهْني إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُما تَوَجَّهْتُ. پس از خانه بیرون بیا در حالی که عمامه بر سر بسته باشی و سر عمّامه را در زیر حنک[1] انداخته باشی، چون بیرون آمدی بایست رو به قبله [جلوی] در خانه و بخوان سورهٔ مبارکهٔ حمد و آیة الکرسی را، از پیش رو و جانب راست و جانب چپ پس از آن بگو: اَللّٰهُمَّ احْفَظْني وَاحْفَظْ ما مَعِيَ، وَسَلِّمْني وَسَلِّمْ ما مَعِيَ، وَبَلِّغْني وَبَلِّغْ ما مَعِيَ بِبَلاغِكَ الْحَسَنِ الْجَميلِ.

و در خصوص سفر مشهد مقدّس از حضرت رضا ﷺ دعایی وارد است که در باب زیارت آن حضرت در جزء زیارت نقل خواهیم نمود إن شاء اللّه. و توشه از برای سفر خود بردارد. از شرف آدمی است که توشهٔ خود را نیکو گرداند به خصوص در سفر مکّه. بلی در سفر زیارت امام حسین ﷺ توشه را از چیزهای لذیذ قرار دادن مانند: بریانی و حلواها و غیره محبوب نیست، و تنها سفر مکن که کسی که تنها سفر رود ملعون است و شیطان با اوست، و دو نفری هم به سفر رفتن نیکو نیست، و بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند واقلّ رفیقان سه و اکثر هفت، و زیاده از هفت نفر در صورتی که هم‌توشه و هم‌سفره باشند خوب نیست و باعث بلند شدن صداهاست، و اگر به جهت ضرورتی تنها به سفر روی بگو: ماشاءَ اللّٰهُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتي، وَأَعِنّي عَلىٰ وَحْدَتي، وَأَدِّ غَيْبَتي.

و در سفر مصاحبت مکن با کسی که فضیلت تو را بر خود نداند آن قدر که تو از فضیلت او بر خود می‌دانی، و همچنین با کسی که او به تو زینت یابد، بلکه مصاحبت کن با کسی که تو به او زینت یابی، یعنی کسب علم و کمالات از او توانی نمود. و نیز مصاحبت مکن با کسی که مالدار است و توانگری تو مثل آن نیست که موجب مذلّت و خواری تو است بلکه با مثل خود رفاقت کن.

---

1. چانه.

و چون با رفقای خود هم‌سفره و هم‌توشه شدی سزاوار است که اوّل خرجی‌های خود را بدر آورید و بر روی یکدیگر بگذارید که این بیشتر باعث خشنودی خاطر و نیکی اخلاق شماها شود، و چون به راه افتادی، اگر در پیش تو حاضر شد چیزی که شوم است دیدن او و به فال بد است و از دیدن آن‌ها ترسی در خاطر تو گذشت بگو: **اِعْتَصَمْتُ بِكَ يا رَبِّ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ في نَفْسي فَاعْصِمْني مِنْ ذٰلِكَ**، چون این را بگویی حذری به تو نرسد إن شاء اللّه تعالی.

و وارد شده از حضرت صادق عليه السلام که: چون در سفر باشی بگو: **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسيري عِبَراً، وَصَمْتي تَفَكُّراً، وَكَلامي ذِكْراً**. و حضرت رسول صلى الله عليه وآله چون در سفرها سراشیب می‌رفتند **سُبْحانَ اللّٰهِ** می‌گفتند و چون سربالا می‌رفتند **اَللّٰهُ اَكْبَرُ** می‌گفتند. و از آن حضرت روایت شده ثواب بسیاری برای کسی که وقتی که به رودخانه پایین رود بگوید: **لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ**.

و اگر در سفر پیاده هستی کمربند را بر روی شکم محکم ببند که پیاده رفتن را بر تو آسان کند. و بر تو باد به راه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می‌شود و وارد شده که چون راه را غلط [طی] کنی به جانب راست میل کن، و در روایتی از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام منقول است که: چون راه را گم کنی فریاد کن: **يا صالِحُ يا صالِحُ**[1] **اَرْشِدُونا اِلَى الطَّريقِ رَحِمَكُمُ اللّٰهُ**.

و هر گاه در بیابان از جنّیان یا غیر ایشان بترسی، دست راست خود را بر سر بگذار و به صدای بلند بگو: **﴿اَفَغَيْرَ دينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾**.

و چون در منزل فرود آیی بگو: **اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْني مُنْزَلاً مُبارَكاً وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلينَ**. پس دو رکعت نماز تحیّت منزل بجای آور، پیش از آن‌که بنشینی بگو: **اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا خَيْرَ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعِذْنا مِنْ شَرِّها، اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنا مِنْ جَناها، وَاَعِذْنا مِنْ**

---

۱. يا أبا صالح خ ل.

وَباها، وَحَبِّبْنا اِلیٰ اَهْلِها، وَحَبِّبْ صالِحِي اَهْلِها اِلَیْنا. و حضرت صادق؈ فرمود که: چون با جماعتی رفیق شوی مگو: این‌جا فرود آیید یا این‌جا فرود می‌آیید، که در میان ایشان کسی هست که این کار را بکند اگر تو به ایشان بگذاری. و بر تو باد در سفر به اعانت مؤمنین و محافظت از رفیقان و صرف کردن توشه و بسیار یاد کردن خدا را در هر بلندی و پستی و در همهٔ حالات. و سنّت است خوش‌خلقی با همراهان و ملازمان و مکاریان و خشم فرو خوردن از ایشان.

و چون ارادهٔ داخل شدن در شهری یا دهی داشته باشی، چون نظرت به آن افتد بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ خَیْرَها وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها، اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنا مِنْ جَناها وَاَعِذْنا مِنْ وَباها، وَحَبِّبْنا اِلیٰ اَهْلِها، وَحَبِّبْ صالِحِي اَهْلِها اِلَیْنا.

و بر تو باد به خواندن قرآن و دعا و بجای آوردن نمازها در اوّل اوقات و مستحب مؤکّد است از برای مسافر که سی مرتبه عقب نمازهای شکسته ـ که نماز ظهر و عصر و عشا است ـ بگوید: سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ. و اگر خواسته باشی در منزل از دزد محفوظ باشی چون نماز خفتن را گذاشتی، بعد از نماز پهلو را به رختخواب بگذار و تسبیح حضرت فاطمه؊ بخوان، پس از آن آیة الکرسی را، تا محفوظ باشی إن شاء اللّٰه تعالیٰ.

و بعضی از علما فرموده‌اند که: چون خواهی بار کنی، دو رکعت نماز بگذار و از خدا بطلب حفظ و حمایت او را دربارهٔ خود، و آن موضع و اهل آن را وداع کن که هر موضعی را اهل بیتی است از ملایکه پس بگو: اَلسَّلامُ عَلیٰ مَلائِکَةِ اللّٰهِ الْحافِظینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَعَلیٰ عِبادِ اللّٰهِ الصّالِحینَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ.

و هرگاه در سفر محتاج شدی به سوار شدن بر کشتی چون سوار شدی، صد مرتبه تکبیر بگو و صد مرتبه صلوات بفرست و صد مرتبه لعن کن بر کسانی که ظلم کردند آل محمّد؇ را، پس بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالصَّلاةُ عَلیٰ رَسُولِ اللّٰهِ تا آخر دعا که در *تحفة الزائر* مذکور است. و از حضرت امام رضا؈ منقول است که فرموده: چون به کشتی سوار شوی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ مَجْراها وَمُرْساها اِنَّ رَبّي لَغَفُورٌ رَحیمٌ، و چون دریا به موج آید بر جانب چپ

تکیه کن و به دست راست به سوی موج اشاره کن و بگو: قَرّي بِقَرارِ اللّهِ ♦ وَاسْكُني بِسَكينَةِ اللّهِ ♦ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. و اگر از غرق شدن ترسی بگو: ﴿بِسْمِ اللّهِ مَجْراها وَمُرْساها إِنَّ رَبّي لَغَفُورٌ رَحيمٌ﴾ ♦ بِسْمِ اللّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ ♦ ﴿وَما قَدَرُوا اللّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَميعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَالسَّمٰواتُ مَطْوِيّاتٌ بِيَمينِهِ سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ عَمّا يُشْرِكُونَ﴾.

و بدان که وارد شده که بر بلندی هر جسری و پلی شیطانی هست چون به آن‌جا رسی و قدم خود را بر آن گذاشتی بگو: بِسْمِ اللّهِ ♦ اللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنّي الشَّيْطانَ الرَّجيمَ.

و از برای سواری آدابی چند است که مراعات آن‌ها لازم است، از آن جمله آن‌که چون خواهی سوار آن شوی و خواستی آن را لجام کنی «بِسْمِ اللّهِ» بگویی که در بینی هر چهارپایی شیطانی هست، و اگر چموشی کند در گوشش بخوان این آیه را که گذشت ﴿أَفَغَيْرَ دينِ اللّهِ يَبْغُونَ﴾ تا آخر آیه، و چون سوار شوی «بِسْمِ اللّهِ» بگو تا ملکی ردیف تو شود و تو را نگه دارد تا وقت پایین آمدن و کسی که ترک کند بسم اللّه را شیطان ردیف او شود و او را وادارد به خوانندگی کردن و آرزوهای باطل و محال نمودن تا پایین آید، و سزاوار است نیز خواندن این دعا: بِسْمِ اللّهِ ♦ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ ♦ ﴿الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانَا اللّهُ﴾ ♦ ﴿سُبْحانَ الَّذي سَخَّرَ لَنا هٰذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ﴾.
وسزاوار است نیز خواندن «آیةالکرسی» و زنهار از خوانندگی کردن در وقت سواری و خیلاء[1] و تبختر[2] و شرم کن که تو چنین کنی و حال آن که آن حیوان در زیر پای تو تسبیح خدا کند؛ و چهارپای خود را به زراعت و کشتزار مردم نران.

و بدان که از برای چهارپا بر صاحبش حقوقی چند است که باید رعایت کند آن‌ها را چون: ابتدا کردن به علف او وقتی که فرود آید، و آب بر او عرضه کند چون به آب رسد، و بر رویش چیزی نزند که تسبیح پروردگار خود می‌کند، و سواره بر روی او نایستد مگر در وقتی که جهاد می‌کند در راه خدا، و زیاده از طاقت و توانایی او بارش نکند، و تکلیف رفتار آن قدر بکند که او

---

۱. فخرفروشی.
۲. با ناز و تکبر راه رفتن.

طاقت دارد، و این حقوق اختصاصی به مال خود ندارد، بلکه مال مکاری نیز چنین است، پس باید ملاحظهٔ حیوان را نماید، آن بی‌انصافی که هر چه ممکن می‌شود بر مال مکاری[1] حمل می‌کند که اگر مال خویش بود نصف آن را حمل بر آن نمی‌نمود، و اگر مکاری در این باب حرفی زند اگر قوی باشد او را بزند و اگر نه به جزیی پول یا غذایی زبان او را ببندد، پس آن حیوان بی‌زبان به اندک زمانی زخمی و شکسته و لاغر شود. و بالجمله باید بر مرکوب خود مهربان باشی که روایت شده که هر دابّه‌ای که صاحبش خواهد بر او سوار شود در آن وقت [آن چهار پا] می‌گوید: **اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ بِي رَحِيْماً**. یعنی خداوندا او را به من مهربان گردان، و چون در وقت راه رفتن به سر در آید، او را مزن و به او بد مگو، و سه نفر بر یک چهارپا ردیف سوار مشوند که هرکه چنین کند یکی از ایشان ملعون است.

و از برای مسافر آداب و ادعیهٔ کثیر است و بنای ما بر اختصار است، و لهذا آنچه ذکر شد به جهت اختصار به صورت روایت ذکر ننمودیم با آن‌که تمام مضامین روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. و از جناب لقمان وصیّتی است شریف متعلّق به امر سفر، سزاوار است که او را ذکر کنیم و این مقدّمه را به آن ختم نمایم:

از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون با گروهی سفر کنی بسیار با ایشان مشورت کن در کارهای خود و کارهای ایشان، و بر روی ایشان بسیار تبسّم بکن، و در توشهٔ خود صاحب کرم باش، و چون تو را به ضیافت طلبند قبول کن، و اگر از تو مدد طلبند ایشان را یاری بکن، و به سه چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه، و اگر گواهی از تو بطلبند یا بر امر حقی خواهند تو را گواه کنند، بکن، و چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن که رأی نیکو برایشان اختیار کنی، و زود عزم مکن و رأی خود را با ایشان مگو تا تأمّل کنی و فکر کنی، و جواب ایشان مگو در مشورت ایشان تا آن‌که در آن فکر برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی، و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورت ایشان بکار بری، زیرا که هرکه خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت کند خالص نگرداند حق تعالی رأی و عقل او را از او سلب می‌کند و امانت را از او بر می‌دارد، و هرگاه بینی که کاری می‌کنند با ایشان بکن، و اگر تصدّق کنند یا قرضی دهند تو نیز با ایشان بده، و بشنو

---

۱. کرایه‌ای.

سخن کسی را که از تو بزرگ‌تر باشد، و هرگاه رفیقان کاری به تو فرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی و نه مگو، که نه گفتن علامت عجز و موجب ملامت است، و چون راه گم کنید و حیران بمانید فرود آیید، و اگر در راه مقصود شک کنید با یکدیگر مشورت کنید و مصلحت ببینید، و اگر یک کس را ببینید خبر راه را از او مپرسید و مصلحت از او مبینید که یک شخص در بیابان این کس را به شک می‌اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطانی باشد که خواهد شما را حیران کند، و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آن‌که چیزی چند ببینند از علامت‌ها و قرینه‌ها که من نبینم، زیرا که عاقل بدیدهٔ خود نظر که می‌کند به سوی چیزی آنچه خواست از آن می‌شناسد و حاضر چیزی چند می‌بیند که غایب نمی‌بیند.

ای فرزند چون وقت نماز در آید از برای امری آن را به تأخیر می‌انداز ونماز را بجا آور و راحت بیاب، زیرا که نماز قرضی است هر چند پیش‌تر ادا کنی سبک‌بار می‌شوی. نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه باشی. و بر روی چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن شود و این از کردار دانایان نیست مگر آن‌که در میان کجاوه یا محمل باشی که مُمکنت باشد که بخوابی برای سستی مفاصل، و چون نزدیک شوی به منزل از چهارپای خود فرود آی که آن چهارپا یاور توست و ابتدا کن به علف دادن آن پیش از آن که خود چیزی بخوری و چون خواهید که آن که فرود آیید اختیار کنید از بقعه‌های زمین مکانی را که خوش رنگ‌تر و پرگیاه‌تر باشد، و چون فرود آیید پیش از آن که بنشینی دو رکعت نماز بکن، و چون خواهی به قضای حاجت روی بسیار دور برو، پس چون خواهی که بار کنی دو رکعت نماز بکن، پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که هر بقعه‌ای از زمین را اهل چند هست از ملایکه، و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آن‌که قدری از آن را تصدّق کنی، و بر تو باد به خواندن کتاب خدای تعالی مادام که سوار باشی، و بر تو باد به تنزیه و یاد خدای تعالی کردن تا مشغول کار باشی، و بر تو باد به دعا کردن در وقتی که تنها و بیکار باشی، و زینهار که در اوّل شب راه مرو بلکه در اوّل شب فرود آی و نصف آخر شب راه رو، و زینهار که در راه رفتن صدا را بلند مکن.

باب اوّل

در ذکر آداب زیارت و دخول در مشاهد مشرفه و اذن دخول در همه حرم های شریفه

و در آن دو فصل است



فصل اوّل

در آداب زیارت و آن بسیار است

و شیخ شهید رحمه الله در کتاب دروس اکثر آن را در ضمن چهارده عدد ذکر نموده، و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در تحفه در هفده عدد ذکر نموده، و شیخ مرحوم ثقة الإسلام نوری در کتاب *تحیّة الزائر* که آخرین تألیف آن مرحوم بود و به دست حقیر خاتمهٔ آن ختم شد زیاده بر چهل گردانیده، و ما به جهت آن‌که این مجموعه را جامع کنیم، جمع کنیم بین تمام آن‌ها ولکن به جهت اختصار ادلّهٔ آن‌ها را ذکر نمی‌کنیم مگر بعضی از آن‌ها را به طور مختصر:

اوّل: از آداب غسل کردن پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت؛

دوّم: ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه؛

سوّم: غسل برای زیارت هر امامی، و علّامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده که افضل آن است که پیش از آن که حدثی از او صادر شود زیارت را واقع سازد و محتمل است که غسلی که روز کند تا شام کافی باشد و غسلی که در شب کند تا صبح کافی باشد، و شیخ شهید از شیخ مفید رحمه الله نقل فرموده که اگر این شخص مُحْدِث شد غسل را اعاده نماید.

چهارم: دعا خواندن در حال غسل، و شاید بعضی از آن دعاها در احادیث کیفیّت زیارت ائمّه علیهم السلام مذکور شود، و شیخ کفعمی رحمه الله از کتاب اغسال ابن عیاش نقل کرده که مستحبّ است این دعا را در [هنگام و] اثنای غسل بخوانند: **اَللّٰهُمَّ طَهِّرْني مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ ، وَنَجِّني مِنْ كُلِّ كَرْبٍ ، وَذَلِّلْ لي كُلَّ صَعْبٍ ، اِنَّكَ نِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ الرَّبُّ ، رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ يابِسٍ وَرَطْبٍ.** و شیخ طوسی نوّر الله مرقده در کتاب *تهذیب* مسنداً روایت کرده از محمّد بن ابراهیم ثقفی که گفت: چون حضرت صادق علیه السلام از غسل زیارت فارغ می‌شدند این دعا را می‌خواندند: **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لي نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَكافِياً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعاهَةٍ ، وَطَهِّرْ بِهِ قَلْبي وَجَوارِحي ، وَعِظامي وَلَحْمي وَدَمي ،**

وَشَعْري وَبَشَري • وَمُخّي وَعَصَبي • وَما اَقَلَّتِ الاَرْضُ مِنّي • وَاجْعَلْهُ لي شاهِداً يَوْمَ القِيامَةِ يَوْمَ حاجَتي وَفَقْري وَفاقَتي. و احتمال می‌رود که مراد غسل طواف زیارت باشد چنانچه علاّمهٔ مجلسی احتمال داده، لکن جمعی از علما این حدیث را در باب غسل زیارت ائمه‌ﻋﻠﻴﻬﻢ‌السلام ذکر کرده‌اند.

پنجم: طهارت از حدث کبری و صغری.

ششم: پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو، چنانچه در دروس تصریح به آن شده و نیکو است سفید بودن رنگ آن.

هفتم: در وقت رفتن به روضهٔ مقدّسه گام‌ها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن.

هشتم: با موزه[1] یا کفش و امثال آن داخل حرم نشدن.

نهم: خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت حضرت امام حسین‌علیه‌السلام چنانچه به سند معتبر منقول است که حضرت صادق‌علیه‌السلام به ابی بصیر فرمود که: «می‌خواهی تو را خبر دهم که جدّم علی‌بن الحسین‌علیه‌السلام چگونه زیارت امام حسین‌علیه‌السلام می‌کرد؟» گفت: بلی. فرمود که: «چون خواهی به زیارت آن حضرت بیرون روی، پیش از بیرون رفتن روز چهارشنبه و پنجشنبه را روزه بدار، پس چون شب جمعه شود نماز شب بکن و برخیز و نظر به اطراف آسمان بکن، و در آن شب پیش از شام غسل بکن و با طهارت بخواب، پس چون می‌خواهی به زیارت بروی غسل بکن، و بوی خوش مکن و روغن بر خود ممال و سرمه مکش تا بروی نزد قبر».

مؤلّف گوید که: از این حدیث و غیره و از کلمات علما ظاهر می‌شود که بوی خوش به‌کار بردن در زیارت امام حسین‌علیه‌السلام نیکو نیست و فعل جابر بن عبد اللّه انصاری در روز اربعین باعث رجحان آن نمی‌شود، و امّا خوشبو کردن ضریح مقدّس و بخور در روضهٔ مقدّسه برای تطییب آن مکان شریف درآن منعی وارد نشده و بعضی تصریح کرده‌اند به خوبی آن.

دهم: در وقت رفتن به حرم مطهّر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید

---

۱. در نگارش قدیم معنای عام آن کفش است، ولی معنای خاص ودقیق آن کفش کاملی است که امروزه به‌آن، چکمه اطلاق می‌شود.

خداوند تبارک و تعالی مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل اطهارش علیهم السلام دهان را معطّر نمودن.

یازدهم: بر درِ حرم شریف ایستادن و اذن دخول در آن‌جا طلبیدن به کلمات مأثوره یا به سلام کردن بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام و سعی در تحصیل رقّت قلب و سوزش دل و خضوع و شکستگی خاطر نمودن با تصوّر و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منوّر و این‌که می‌بیند ایستادن او را و می‌شنود کلام او را و جواب می‌دهد سلام او را، چنانچه به همه این‌ها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبّر در محبّت و لطف و مکرمتی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمّل در خرابی‌های حال خود و خلاف‌ها که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌حد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیّت‌ها که از او به ایشان یا به خاصّان و دوستانشان رسانده که برگشت آن به آزردن ایشان است، و اگر براستی در خود نگرد قدم‌هایش از رفتن باز افتد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود، و روح تمام آداب بلکه زیارت در همین است که اگر این نعمت روزی شد بسیاری از آداب قهراً و ندانسته به عمل آید. و برای فهمیدن اذن دادن صاحب آن مرقد شریف در دخول در آن محضر انور علامت باشد، و شیخ شهید رحمه الله در دروس فرموده بعد از ذکر این ادب، اگر در قلب خود خشوع و رقّتی دید داخل شود و الّا در صدد تحصیل زمانی برآید که در قلب خود رقّتی یابد، چه غرض اهمّ، حضور قلب است به جهت تلقّی رحمت که از پروردگار فرود می‌آید، یعنی قلب قاسی غافل ساهی، قابل نیست برای نزول رحمت خاصّه در آن، پس زیارتش جسدی شود بی روح، و لفظی بی معنی، مالی رفته و بدنی خسته برایش بماند.

دوازدهم: بوسیدن عتبهٔ علیّه و آستانهٔ مبارکه است، چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه الله تصریح بدان نموده و فرموده بعضی در استحبابش تأمّل دارند، و شیخ شهید رحمه الله فرموده که مطّلع نشدم در باب بوسیدن عتبه بر نصّی که اعتماد بر آن داشته باشیم و لیکن فرقهٔ امامیّه برآنند که خوب است... الخ.

سیزدهم: سجدهٔ شکر برای خداوند بر این نعمت سَنیّه و رسیدن بر این تربت زکیّه، چنانچه شیخ شهید رحمه الله بعد از کلام سابق فرموده: و اگر زیارت کنند، سجده کند و نیّت کند که از برای خدا سجده می‌کنم به شکر این‌که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود از بوسیدن عتبه.

چهاردهم: مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون

آمدن مانند مساجد.

پانزدهم: رفتن به نزدیک ضریح مقدّس به نحوی که خود را بتواند به آن بچسباند چنانچه شهید؟ؤ تصریح به آن فرموده و گفته توهّم آن‌که دور ایستادن ادب است وهم است، زیرا که نصّ وارد شده بر تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن، انتهی. و شاید مراد از متوهّم اهل سنّت باشند، زیرا که آن‌ها از جملهٔ آداب می‌شمارند دور ایستادن از قبر را و مکروه می‌دانند چسبیدن به قبر و بوسیدن و لمس آن را چنانچه علمایشان در آداب زیارت حضرت نبوی؟ص؟ این مطلب را ذکر نموده‌اند.

شانزدهم: بوسیدن قبر مطهّر.

هفدهم: گذاشتن و مالیدن طرف روی راست و چپ را بر قبر منوّر.

هجدهم: پشت به قبله و رو به قبر منوّر ایستادن و ظاهراً این ادب مختصّ به معصوم است و امّا در غیر آن‌ها در پشت سر رو به قبله یا در بالای سر چنانچه در زیارت حضرت فاطمه دختر امام موسی؟ع؟ گفته‌اند و شیخ شهید؟ره؟ بعد از ذکر این ادب فرموده: پس بگذارد بعد از فراغ از زیارت جانب راست روی را بر قبر و دعا کند با حال تضرّع، پس بگذارد جانب چپ صورت را و بخواند خدا را و قسم دهد او را به حقّ خود حق تعالی و به حقّ صاحب قبر که شفاعت او را شامل حال او گرداند و بسیار مبالغه و اصرار کند در دعا، پس برگردد به جانب سر مقدّس و رو به قبله کند و دعا نماید.

نوزدهم: ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها، و این ادب صریحاً در جایی ذکر نشده و لکن خوبی آن از جهات کثیره استفاده شده، که ذکرش مناسب این‌جا نیست.

بیستم: در وقت رفتن به حرم و هنگام زیارت خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات ننمودن.

بیست و یکم: گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهّر پیش از شروع خواندن زیارت چنانچه ظاهر می‌شود بودن آن از آداب، از تتبّع در جمله از زیارات و از خبر شریف *بصائرالدّرجات* و خبر چنان است که شیخ جلیل محمّد بن الحسن الصّفار روایت کرده به سند معتبر از حضرت امام محمّد

باقر علیه السلام که به سعد بن طریف فرمود در ضمن ذکر ثواب رفتن خدمت امام علیه السلام: پس چون امام را دید تکبیر گوید که از برای او در روز قیامت سنگی بزرگ خواهد بود که در میزان او سنگین‌تر است از هفت آسمان و هفت زمین و آنچه در آن‌ها است و آنچه در بین آن‌ها و آنچه در زیر آن‌ها است، تا آن‌که می‌فرماید و هرکه تکبیر بگوید در پیش روی امام علیه السلام و بگوید: **لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ** خواهد نوشت خدای تعالی برای او خشنودی بزرگ خود را، و هرکه نوشته شود برای او رضوان اکبر خدای تعالی، واجب شده که جمع شود میان او و میان ابراهیم و محمّد و پیغمبران -صلوات الله علیهم- در دار جلال.

و ظاهر این خبر اگرچه دلالت دارد بر آن که تکبیر از آداب ملاقات کردن امام علیه السلام است در زمان حیات و لکن در این قسم مطالب فرقی میان حیات و ممات و خانه و حرم نباشد.

بیست و دوّم: خواندن زیارات مأثوره وارده از سادات أنام علیهم السّلام که علمای أعلام -شکرالله تعالی مساعیهم- بعد از رنج و تعب بسیار آن‌ها را جمع و در کتب و اسفار خود ثبت کرده‌اند و بحمد الله چنان شایع است که دست هر کسی به آن می‌رسد، پس باید در باب زیارات رجوع به آن‌ها شود و خواندن زیارت‌های مخترعه ترک شود که بعضی بی‌خردان از عوام آن‌ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و در مجموعه جمع آورده و نادانان خود را به آن مشغول ساخته و از فیوضات بی‌نهایت زیارات مأثورهٔ معتبر و فواید کتب علما، خود را محروم نموده‌اند.

بیست و سوّم: بجا آوردن نماز زیارت که اقلّ آن دو رکعت است و اگر در بالای سر کند بهتر است.

بیست و چهارم: خواندن سورهٔ «یٰس» در رکعت اوّل و سورهٔ «الرّحمٰن» در رکعت دوّم، اگر برای آن زیارتی که نماز آن می‌خواند کیفیّت مخصوصی ذکر نفرموده باشند و استحباب این دو سوره در نماز زیارت از خبر طولانی ابو حمزهٔ ثمالی ظاهر شده.

بیست و پنجم: خواندن دعا بعد از نماز زیارت به آنچه وارد شده و اگر خواهد دعا کند به آنچه در خاطر او می‌رسد از جهت دین و دنیای خویش و تعمیم دهد در دعا کردن، چه آن به اجابت نزدیک‌تر است.

بیست و ششم: شیخ شهید رحمه الله در دروس فرموده که: مستحبّ است تلاوت کردن قرآن نزد

ضریح هر امامی و هدیّه کردن ثواب آن را به روح مقدّس آن امام و نفع آن به زیارت کننده عاید می‌شود و متضمّن تعظیم امام علیه السلام است.

بیست و هفتم: مقدّم داشتن نماز واجبی بر نماز زیارت؛ و شهید فرموده که کسی که داخل حرم شود و بیند که نماز جماعت منعقد شده، ابتدا نماز کند پیش از آن که زیارت کند، و همچنین ترک کند زیارت را و داخل نماز شود، اگر وقت نماز شود، وگرنه ابتدا کردن به زیارت اولیٰ است چه آن غایت مقصد اوست، و اگر در بین زیارت، جماعت بپا شد مستحبّ است از برای زائران که زیارت را قطع کنند و رو آورند به نماز.

بیست و هشتم: علّامهٔ مجلسی و مرحوم شیخ ـقدّس الله روحهماـ طواف کردن دور ضریح مقدّس را از جملهٔ آداب زیارت شمرده‌اند، و بعضی را اعتقاد آن است که خوب نیست و از برای طرفین ادلّه‌ای است که ذکر آن منافات با اختصار دارد، ولکن مراعات ترک طواف در خصوص حرمین شریفین نجف و کربلا مهمّ است به جهت ملاحظهٔ امری که در مقام خودش إن شاء اللّه تعالی ذکر شود.

بیست و نهم: مرحوم شیخ فرموده: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است، خصوصاً در این بقاع مطهّره و قباب سامیه که خدای تعالی خبر می‌دهد از بزرگی مقامش و جلالت شأنش در کلام مجید خود در سورهٔ نور ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾ الخ.

سی‌ام: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت، چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه الله و غیره تصریح نموده‌اند، و مستند عمومات اخفای ذکر و آیهٔ شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ تا آخر، و روایت و حدیث طویل کافی که در باب دفن حضرت مجتبی علیه السلام و منع عایشه است و مقام را گنجایش تفصیل آن نیست. و شیخ ما علّامهٔ نوری ـطاب ثراهـ که بعد از ذکر آیهٔ شریفه و حدیث فرموده که مرحوم مجلسی در کتاب *بحار* و *تحفه* از این آیه و روایت استظهار فرموده که بلند نمودن آواز در حرم مطهّر نبوی و مشاهد شریفه چه در

زیارت و چه در غیر آن منهیّ و مذموم است. و چه نیک فرموده و این ادبی است خاص کـه در مرحلهٔ احترام و تعظیم رسول خدا و ذرّیهٔ طاهره‌اش ـصلوات الله علیهم ـ به آن امتیاز و اختصاص داده و پردهٔ ناموسی برای تکریم و توقیر ایشان در میانشان گذاشته [است] پس هرکه آواز را بلند کند هر چند در عبادتی باشد که بلند نمودن صدا در آن ممدوح باشد مانند اذان پردهٔ ناموس الهی را دریده، بلند نمودن آواز در اذان مرغوب است امّا در مکان مرتفع مثل مناره و بام و مساجد و امثال آن که این محذور و مزاحمتی برایش نیست، چنانچه در این‌جاست و نظیر آن که چشم پیغمبر یا امامی در خواب رفته جاهلی برای نماز با آواز بلند اذان گوید و خواب را از چشم ایشان بیرون برد، و از این‌جا معلوم می‌شود قباحت و شناعت آنچه متعارف و مرسوم شده در حرم مطهّر علوی و بقعهٔ منوّرهٔ حسینی﷣ که در اوقات نماز خصوص در صبح و شام جماعت بسیاری که گاه شود عدد ایشان زیاده باشد از عدد گوش کنندگان به غایت بلندی آواز برخیزند اذان گویند و دعا کنند و صداها در هم پیچد و فقرات اذان در یکدیگر مخلوط شود، عابدان محل را از زائرین و نمازگذاران و متضرّعین و گریه کنندگان از کار خود باز دارند و داخل در زمرهٔ «صادّین عن سبیل اللّه» شوند، و پاس حرمت نبوّت و امامت را از هم درند و حکایت اذان را که از مستحبّات اکیده است از میان برند چه سامع نداند که کدام را حکایت کند، با این مفاسد و غیر آن گمان دارد ثوابی برده و بـه فیضی رسیده و حال آن که می‌بایست از منکرات شرع شمرده شود نه عبادات، و در موبقات داخل شود نه قربات.

سی و یکم: مرحوم شیخ فرموده: بوسیدن زمین در رو به روی امام﷣ است، و استدلال کرده برای این ادب به روایاتی که متضمّن است: بوسیدن جمعی روی زمین را در مقابل امام، و بوسیدن ابوقرّه صاحب جاثلیق بساط حضرت امام رضا﷣ را و گـفتن او کـه در دیـن مـا ـیعنی دیـن عیسوی ـ بر ما لازم است که با اشراف خود چنین کنیم، و به بوسیدن محمّد بن عیسی زمین را در مقابل جناب صاحب الأمر ـصلوات الله علیه ـ وقت تشرّف او به خدمت آن حـضرت در زمـان غیبت به جهت مسأله انار، و وزیر ناصبی حاکم بحرین که ذکرش منافی با اختصار است و تفصیل آن در بحار مذکور است.

سی و دوّم: وداع کردن امام‌ﷺ در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به آنچه از ایشان رسیده، با آدابی که برای آن مقرّر فرموده‌اند.

سی و سوّم: بیرون آمدن از حرم مطهّر به آرامی و اندک اندک و قهقراء یعنی روی خود به ضریح کرده باشد و پشت به بیرون تا آن‌که از نظر غایب شود و این ادب علاوه بر آن‌که موافق تعظیم و توقیر متعارف رعایا با ملوک است در چند حدیث معتبر به آن تصریح شده.

سی و چهارم: بیرون نرفتن از بلد امام است پیش از انتظار روز جمعه، چنانچه شیخ در تهذیب به سند صحیح روایت کرده که هرکه «از مکّه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حایر امام حسین‌ﷺ بیرون رود پیش از آن‌که انتظار روز جمعه را بکشد ملائکه او را ندا کنند که کجا می‌روی خدا تو را برنگرداند» و علما ـ رضوان اللّه علیهم ـ در این خبر دو احتمال ذکر فرموده‌اند:

یکی آن که غرض، کردن نماز جمعه باشد و این تهدید برای کسانی باشد که پیش از ظهر روز جمعه مسافرت کنند و انتظار نکشند که نماز جمعه را بکنند، و بنابراین در این اعصار که در مشاهد مشرّفه اقامهٔ جمعه نمی‌شود مسافرت پیش از ظهر روز جمعه محذوری ندارد.

دوّم آن‌که چون جمعه نزدیک شود انتظار کشد که به فیوضات زیارت و ادعیهٔ شب و روز جمعه برسد. پس در روز پنجشنبه از آن بلد بیرون نرود.

سی و پنجم: قصد مراجعت داشتن به حرم مطهّر و عود به زیارت هر وقت که برگشت به منزل خود مادامی که در آن مشهد شریف اقامه دارد چنانچه شیخ شهید‌ﷺ و دیگران فرموده‌اند و بعضی مورد این مستحب را بعد از قصد مراجعت و بیرون آمدن از بلد امام‌ﷺ دانسته‌اند و هر دو را رعایت کردن اولیٰ است.

سی و ششم: توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان، و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه پیش از زیارت دارا بود، چنانچه شیخ شهید‌ﷺ و دیگران گفته‌اند، و علّت گرفته‌اند از برای این مطلب آن‌که زیارت گناهان و اوزار[1] را برطرف کند در وقتی که قبول شود، و معلوم است که زائر چون آمرزیده و بی‌گناه شد البتّه اطوار و افعالش تغییر کند ﴿لَا

---

۱. اوزار: جمع وِزر به‌معنای گناه.

يَسْتَوِي أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ» و احادیث بسیار دلالت بر این مطلب دارد، چنانچه وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علامت قبول حج ترک نمودن بنده است از گناهانی را که به آن مشغول بوده. و در خبر دیگر که قریب به همین مضمون است فرمود: و اگر برگشت و به شدّت مشغول شد به کارهایی که داشت از زنا یا خیانت یا معصیت پس به تحقیق که حج او را برگرداندند. پس باید در صدد اصلاح حال خود باشد آن شخص که از حج یا زیارت فارغ شده و بپردازد به حال خود و تهذیب اخلاق کند و نفس خود را به حلیه صلاح و ورع و تقوی مزیّن کند، و از معاصی که در سابق مشغول آن بوده دست کشد و آن را ترک کند، و اگر نه فکری برای مال رفته و رنج کشیدهٔ خود کند که از آن زیارت جز خسارت در دنیا و آخرت محصولی نبرده، چنانچه مشاهده می‌شود از بعضی از حجّاج و زائرین خصوصاً متظاهرین از ایشان مثل ریش تراشندگان که صورت بر حجرالاسود یا ضریح مقدّس مالند و باقی ماندهٔ مو را تبرّک کنند و هنوز از آن مکان‌های شریفه بیرون نیامده صورت را به دست دلّاک دهند و آن موهای تبرّک شده را در مزبله ریزند و حیا و شرم نکنند.

سی و هفتم: انفاق کردن به قدر میسور و توانایی بر خادمان آستانهٔ شریفه و اکرام و اعظام ایشان، زیرا که در این کار اکرامی است از برای صاحب قبر علیه السلام و شیخ شهید رحمه الله و مجلسی رحمه الله و دیگران فرموده‌اند که: سزاوار است که خدّام آستانهٔ شریفه از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند، و تحمل نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آن‌ها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آن‌ها ننمایند و بر قضای حوایج محتاجین اقدام کنند و غربا را دلالت کنند بر منازلشان اگر گم کنند.

و بالجمله بایست خدّام را که به حقیقت و راستی مشغول شوند در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، و بایست دانست که این انفاق و احسانی که زائر به خادم می‌کند دخلی به اجرت زیارت‌نامه خوان و حقّ کفشدار ندارد.

سی و هشتم: انفاق و احسان بر فقرای مجاورین و مساکین متعفّفین بلد امام علیه السلام خصوصاً سادات و اهل علم و منقطعین که به مرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره عَلَم تعظیم شعائرالله

را برپا نموده، و جهاتی را دارا هستند که ملاحظهٔ هر یک از آن‌ها در لزوم امانت و رعایت کافی است.

سی و نهم: شیخ شهید رحمه الله فرموده است که از جملهٔ آداب تعجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که درک کرد حظّ خود را از زیارت، برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع. و نیز فرموده که در وقتی که زن‌ها می‌خواهند زیارت کنند بایست که خود را جدا کنند از مردان و تنها زیارت کنند، و اگر در شب زیارت کنند بهتر است، و باید که تغییر وضع کنند و مخفی و پنهان آیند که کسی ایشان را کمتر بیند و شناسد، و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است. و سزاوار آن است که وقتی که زوّار بسیار است، کسانی که سبقت به ضریح گرفته‌اند، تخفیف دهند زیارت را، و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آن‌ها به قرب ضریح فایز گردند.

چهلم: زیارت کردن برای پدر و مادر و اقارب و دوستان و جمیع مؤمنان و به نیابت ایشان سلام کردن چنانچه بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ** من فلان بن فلان **أَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ**، و به جای فلان بن فلان، اسم او و پدر او را بگوید، و دعا کنند از برای او، و کیفیّت زیارت به نیابت در مقام خود ذکر خواهد شد إن شاء الله تعالی.



فصل دوم

در ذکر اذن دخولی که در هر یک از حرم‌های شریفه خوانده می‌شود

و آنچنان است که عالم جلیل شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب *بلد الأمین* و در کتاب *الجُنّة الواقیه* که معروف است به *مصباح کفعمی* ذکر نموده است که در همهٔ مشاهد شریفه خوانده شود و در کتاب ثانی گفته که چون خواستی داخل شوی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله یعنی در مسجد شریف آن جناب یا در یکی از مشاهد ائمه علیهم السلام پس بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّي وَقَفْتُ عَلىٰ بابٍ بَيْتٍ مِنْ أَبْوابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ

وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ اَنْ يَدْخُلُوا اِلّا بِاِذْنِهِ، فَقُلْتَ: ﴿يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾، اَللّٰهُمَّ وَاِنّي اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّريفِ في غَيْبَتِهِ كَما اَعْتَقِدُها في حَضْرَتِهِ، وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفاءَكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَحْياءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقامي وَيَسْمَعُونَ كَلامي وَيَرُدُّونَ سَلامي، وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعي كَلامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمي بِلَذيذِ مُناجاتِهِمْ، وَاِنّي اَسْتَأْذِنُكَ يا رَبِّ اَوَّلاً، وَاَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً، وَاَسْتَأْذِنُ خَليفَتَكَ الْإِمامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ فلان بن فلان[1] وَالْمَلائِكَةَ الْمُوَكَّلينَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ ثالِثاً، ءَاَدْخُلُ يا رَسُولَ اللّٰهِ، ءَاَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، ءَاَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللّٰهِ الْمُقَرَّبينَ الْمُقيمينَ في هٰذَا الْمَشْهَدِ، فَأْذَنْ لي يا مَوْلايَ فِي الدُّخُولِ اَفْضَلَ ما اَذِنْتَ لِاَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ، فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلاً لِذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلٌ لَهُ.

پس عتبهٔ مبارکه را ببوس و داخل شو و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفي سَبيلِ اللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

---

۱. به جای «فلان بن فلان» آن امامی را که می‌خواهد زیارت کند نام ببرد و همچنین نام پدرش را، و اگر در زیارت رسول خدا ﷺ باشد فلان بن فلان را نگوید، یعنی به جای او اسم آن حضرت را نمی‌خواهد ذکر کند چنانچه نظیر این در اذن دخول آن حضرت ذکر شود إن شاء اللّه. (منه رحمه اللّه).

باب دوّم

در بیان مختصری از فضیلت و کیفیت زیارت امام موسی کاظم و امام محمّد تقی علیهما السلام و مختصری از تکالیف زائرین در بلد شریف آن دو امام یعنی کاظمین

و مشتمل بر سه فصل است





فصل اول

در بیان مختصری از فضیلت زیارت کاظمین علیهما السلام است

بدان که از برای زیارت این دو امام علیهما السلام فضل بسیاری ذکر شده و در احادیث بسیار وارد شده که زیارت حضرت امام موسی علیه السلام مثل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است، و در روایتی است که هرکه او را زیارت کند مثل آن است که زیارت کرده باشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام را، و در روایت دیگر مثل آن است که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، و در حدیث دیگر هرکه او را زیارت کند بهشت از برای اوست، و شیخ جلیل محمّد ابن شهرآشوب در مناقب از *تاریخ بغداد* نقل کرده که خطیب مؤلّف آن کتاب به سند خود از علی بن خلال نقل نموده، که گفت: هیچ امر دشواری مرا روی نداد که بعد از آن بروم به نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و متوسّل به آن جناب شوم مگر آن که خدا آن را برای من آسان کرد. و نیز گفته که دیده شد در بغداد زنی که می‌دوید، پس به او گفتند که به کجا می‌روی؟ گفت: به سوی قبر موسی بن جعفر علیه السلام که دعا کنم برای پسرم که او را حبس کرده‌اند. مردی حنبلی مذهب در آن‌جا حاضر بود، استهزا کرد به آن زن و گفت: پسرت در زندان مرد، آن زن گفت: خداوندا از تو سؤال می‌کنم به حق آن کسی که او را در زندان شهید کردند ـ که مرادش همان حضرت است ـ که قدرت خود را به من بنمایی، ناگاه پسر آن زن را رها کردند و پسر آن مرد حنبلی را که استهزا کرده بود به خیانت او گرفتند.

و فقیر دیدم به خطّ علّامهٔ مجلسی رحمه الله که نقل فرموده بود از کتاب عتیق غروی که به زعم آن جناب تألیف شیخ تلعکبری است که در آن کتاب روایت شده از حسن بن محمّد جمهور عمّی که گفت: در سال دویست و نود و شش ـ و آن سالی بود که علیّ بن محمّد بن موسی ابن الفرات وزیر مقتدر شده بود ـ دیدم احمد بن ربیعهٔ الأنباری کاتب خلیفه را که در دستش علّت خوره به هم رسیده بود و به مرتبه‌ای سخت شده بود که سیاه شده و بوی گند می‌داد، و یزید که طبیب او بود گفت که دست او را ببرند و هرکه او را می‌دید شک نمی‌کرد که او خواهد مرد. پس احمد در خواب دید مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام را، او عرض کرد: یا امیرالمؤمنین از خدا نمی‌خواهی که دست مرا به من ببخشد. فرمود که: «من مشغولم و به تو نمی‌رسم و لیکن برو به سوی موسی بن جعفر علیه السلام که او شفای دست تو را از خدا خواهد گرفت». پس چون صبح شد محملی طلبید و گفت فرش‌ها را در آن محمل انداختند و گفت: مرا حمل کنید به مقابر قریش، پس او را غسل دادند و خوشبو

کردند و در آن محمل خوابانیدند و جامه بر روی او انداختند و او را بردند به مقابر قریش نزد قبر حضرت موسی بن جعفر ـ صلوات الله علیه ـ پس پناه به آن حضرت برد و استغاثه و دعا کرد و از تربت آن حضرت گرفت و بر دستش تا کتف مالید و دستش را بست، چون روز دیگر شد دستش را گشود دید که هر گوشت و پوست که بر دستش بوده است همه ریخته است و به غیر از استخوان‌ها و رگ‌ها و پی‌ها چیزی دیگر نمانده و بویش برطرف شده است. خبر شفای او به سمع وزیر رسیده امر به احضارش نمود. او را به محمل نشاندند و به سوی وزیر بردند، تا آن حال را مشاهده کرد، و به زمان کمی گوشت و پوست دستش روید و به کار کتابت خود مشغول شد. و صالح دیلمی در شعر خود اشاره به همین قضیّه نموده:

وَموسَیٰ قَدْ شَفَیٰ الکَفَّ ... مِنَ الکاتِبِ إذْ زَارا

و شیخ صدوق در *عیون اخبار الرّضا* از ابراهیم بن عقبه روایت کرده که گفت: [نامه‌ای] نوشتم به خدمت امام علی النّقی و در نامه سؤال کرده بودم از زیارت ابی عبدالله الحسین و از زیارت امام موسی و امام محمّد تقی ـ یعنی آن‌که کدام یک از این دو زیارت بهتر است ـ پس حضرت در جواب مرقوم فرموده بودند: «ابو عبد الله مقدّم است و زیارت این دو معصوم جامع‌تر و ثوابش بزرگ‌تر است».

مؤلّف گوید که: محتمل است که معنی کلام امام این باشد چنانچه علّامهٔ مجلسی فرموده که زیارت امام حسین افضل است از زیارت هر یک از معصومین امّا زیارت این هر دو امام جامع‌تر و بهتر است از زیارت آن حضرت، و یا آن که مراد این باشد که زیارت امام حسین را مقدّم باید داشت و این زیارت‌ها را که به آن ضمّ کنند جامع‌تر و ثوابش بیشتر می‌شود و احتمال دوّم بعید است، و چون بنای اختصار است به همین مقدار کفایت کنیم.



فصل دوّم

در بیان کیفیّت زیارت کاظمین است

بدان که بعضی زیارات در آن حرم انور مختص است به هر یک از آن دو بزرگوار و بعضی مشترک ما بین آن دو امام همام است، امّا زیارت مختص به حضرت امام موسی پس چنان است که شیخ مفید و محمّد بن المشهدی و شهید اوّل در مزارشان فرموده‌اند: چون خواهی زیارت کنی آن جناب را در بغداد پس غسل کن برای زیارت و قصد کن مشهد شریف را و بایست

بر درِ حرم و اذن دخول بطلب و داخل شو.

مؤلّف گوید که: برای این بزرگواران دعای اذن دخول ذکر نکرده‌اند، پس بهتر آن که زائر بخواند همان اذن دخولی که در فصل دوّم از باب اوّل صفحه ۴۱ ذکر کردیم.

زیارت حضرت امام موسی علیه السلام

و سیّد جلیل علیّ بن طاووس رحمه الله در یکی از زیارات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام اذن دخولی ذکر کرده [است که] اگر او را اختیار کند نیز خوب است. فرموده: همین که خواستی آن حضرت را زیارت کنی سزاوار است که غسل کنی، پس با تأنّی و وقار روانه شوی به زیارت، همین که به درِ حرم رسیدی بایست و بگو:

اللّهُ أَكْبَرُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ، اَلْحَمْدُ لِلّهِ عَلىٰ هِدايَتِهِ لِدِينِهِ وَالتَّوْفِيقِ لِما دَعا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ، اللّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَأَكْرَمُ مَأْتِيٍّ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَيْكَ بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ الطّاهِرِينَ وَأَبْنائِهِ الطَّيِّبِينَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

پس داخل شو و مقدّم دار پای راست خود را و بگو:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَفِي سَبِيلِ اللّهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ.

پس همین که رسیدی به در قبّهٔ شریفه بایست و اذن طلب کن و بگو:

أَأَدْخُلُ يا رَسُولَ اللّهِ، أَأَدْخُلُ يا نَبِيَّ اللّهِ، أَأَدْخُلُ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللّهِ، أَأَدْخُلُ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَأَدْخُلُ يا أَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، أَأَدْخُلُ يا أَبا عَبْدِاللّهِ الْحُسَيْنَ، أَأَدْخُلُ يا أَبا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، أَأَدْخُلُ يا أَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَأَدْخُلُ يا أَبا عَبْدِاللّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ

يا اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ءَاَدْخُلُ يا مَوْلايَ يا اَبا جَعْفَرٍ ءَاَدْخُلُ يا مَوْلايَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ.

پس علمای سابق‌الذّکر ـ رضوان الله علیهم ـ فرموده‌اند داخل حرم شو در حالتی که می‌گویی:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَفي سَبيلِ اللّهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ ﷺ وَالسَّلامُ عَلىٰ اَوْلِياءِ اللّهِ، بعد از آن برو تا آن‌که مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر ؑ شوی، پس چون ایستادی نزد قبر آن جناب، بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللّهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ في جَنْبِهِ مُحْتَسِباً، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ اَوْلىٰ بِاللّهِ وَرَسُولِهِ، وَاَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللّهِ حَقّاً، اَبْرَاُ اِلَى اللّهِ مِنْ اَعْدائِكَ، وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللّهِ بِمُوالاتِكَ، اَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ، مُعادِياً لِاَعْدائِكَ، فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس خود را بر قبر بیفکن ـ این عبارت ترجمهٔ ثمّ انکبّ علی القبر است ـ ولکن افتادن بر روی قبر در این زمان‌ها که ضریح به این بزرگی احاطه نموده است به این قبور منوّره، ممکن نیست، پس اگر خود را به ضریح بچسباند در عوض افتادن روی قبر دور نیست که مناسب باشد، چنانچه بعض علما فرموده‌اند وعلّامهٔ مجلسی ؒ نیز در این مقامات این عبارت را به چسبانیدن ترجمه فرموده در تحفه، و لهذا ما هم متابعت ایشان می‌نماییم در ترجمه در مقامات دیگر إن شاء الله. و بوسه کن و گونه‌های خود را بر او بگذار، پس بگردان[1] آن‌جا و بیا به جانب سر و بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ صادِقٌ، اَدَّيْتَ ناصِحاً، وَقُلْتَ اَميناً، وَمَضَيْتَ شَهيداً، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلَى الْهُدىٰ، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ اِلىٰ

۱. طواف کن.

باطِلٍ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ وَاَبْنائِكَ الطّاهِرينَ.

پس ببوس قبر منوّر را و دو رکعت نماز زیارت گذار و بعد از این دو رکعت، هر نماز که خواهی بکن، پس از آن به سجده برو و بگو:

اَللّهُمَّ اِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ، وَاِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَبِفَضْلِكَ رَجَوْتُ، وَقَبْرَ إِمامِيَ الَّذي اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طاعَتَهُ زُرْتُ، وَبِهِ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، فَبِحَقِّهِمُ الَّذي اَوْجَبْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ اغْفِرْلي وَلِوالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنينَ ياكَريمُ.

پس روی راست خود را بگذار و بگو:

اَللّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوائِجي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِها.

پس جانب چپ روی را بگذار و بگو:

اَللّهُمَّ قَدْ اَحْصَيْتَ ذُنُوبي، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْها لي، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِما اَنْتَ اَهْلُهُ.

پس برگرد به سجده و بگو: شُكْراً شُكْراً صد مرتبه، پس سر از سجده بردار و دعا کن به آنچه خواهی از برای هرکه می‌خواهی و دوست داری آن را.

صلوات بعد از زیارت

مؤلّف گوید سیّد جلیل علیّ بن طاووس رحمه‌الله در *مصباح الزّائر* در یکی از زیارات حضرت موسی بن جعفر صلوات اللّه علیه، این صلوات را بر آن حضرت که محتوی است بر شمه‌ای از فضایل و مناقب و عبادت و مصائب آن جناب نقل کرده ـ البتّه زائر از فیض خواندن آن خود را محروم نکند ـ:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْاَبْرارِ، وَإِمامِ الْاَخْيارِ، وَعَيْبَةِ الْاَنْوارِ، وَوارِثِ السَّكينَةِ وَالْوَقارِ، وَالْحِكَمِ وَالْآثارِ، الَّذي كانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ إِلَى السَّحَرِ بِمُواصَلَةِ الْاِسْتِغْفارِ، حَليفِ السَّجْدَةِ الطَّويلَةِ، وَالدُّمُوعِ الْغَزيرَةِ، وَالْمُناجاةِ

الْكَثيرَةِ، وَالضَّراعاتِ الْمُتَّصِلَةِ[1]، وَمَقَرِّ النُّهى وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدىٰ وَالْبَذْلِ، وَمَأْلَفِ الْبَلْوىٰ وَالصَّبْرِ، وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ، وَالْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ، وَالْمُعَذَّبِ في قَعْرِ السُّجُونِ وَظُلَمِ الْمَطاميرِ، ذِي السّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقُيُودِ، وَالْجَنازَةِ الْمُنادىٰ عَلَيْها بِذُلِّ الْاسْتِخْفافِ، وَالْوارِدِ عَلىٰ جَدِّهِ الْمُصْطَفىٰ وَأَبيهِ الْمُرْتَضىٰ وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النِّساءِ بِإِرْثٍ مَغْصُوبٍ، وَوَلاءٍ مَسْلُوبٍ، وَأَمْرٍ مَغْلُوبٍ، وَدَمٍ مَطْلُوبٍ، وَسَمٍّ مَشْرُوبٍ، اللّٰهُمَّ وَكَما صَبَرَ عَلىٰ غَليظِ الْمِحَنِ، وَتَجَرَّعَ[2] غُصَصَ الْكُرَبِ، وَاسْتَسْلَمَ لِرِضاكَ، وَأَخْلَصَ الطّاعَةَ لَكَ، وَمَحَضَ الْخُشُوعَ، وَاسْتَشْعَرَ الْخُضُوعَ، وَعادَى الْبِدْعَةَ وَأَهْلَها، وَلَمْ تَلْحِقْهُ في شَيْءٍ مِنْ أَوامِرِكَ وَنَواهيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ، صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً نامِيَةً مُنيفَةً زاكِيَةً تُوجِبُ لَهُ بِها شَفاعَةَ أُمَمٍ مِنْ خَلْقِكَ وَقُرُونٍ مِنْ بَراياكَ، وَبَلِّغْهُ عَنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ في مُوالاتِهِ فَضْلاً وَإِحْساناً، وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً، إِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَميمِ، وَالتَّجاوُزِ الْعَظيمِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

زیارت امام محمّد تقی علیه السلام

امّا زیارت مختص به حضرت امام محمّد تقی علیه السلام پس در همان سه مزار شریف مسطور است که: پس متوجّه شو به سوی قبر ابی جعفر محمّد بن علیّ الجواد علیه السلام که در پشت سر جدّ بزرگوار خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آن حضرت بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبْنائِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ

---

۱. الْمُتَّصِلَة خ ل.
۲. فيك خ ل.

اَوْلِيائِكَ. اَشْهَدُ اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلاةَ. وَآتَيْتَ الزَّكاةَ. وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ. وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ. وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ. وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ. وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ فِي جَنْبِهِ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ. اَتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ. مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ. مُعادِياً لِاَعْدائِكَ. فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس ببوس قبر را و روی خود را بر آن بنه. پس دو رکعت نماز زیارت کن، و بعد از آن هر نماز که خواهی بگذار، پس برو به سجده و بگو: اِرْحَمْ مَنْ اَساءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ. پس جانب روی راست را بگذار و بگو: اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَاَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ. پس روی چپ خود را بگذار و بگو: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا كَريمُ. پس برگرد به سجده و صد مرتبه بگو: شُكْراً شُكْراً. پس برو به کار خود.

صلوات بعد از زیارت

و نیز سیّد ابن طاووس رحمه الله در مصباح صلوات بر آن حضرت را بعد از زیارت چنین نقل کرده، زائر به فیض خواندن آن خود را نایل کند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ. وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ. وَالْبَرِّ الْوَفِيِّ. وَالْمُهَذَّبِ الصَّفِيِّ. هادِي الْاُمَّةِ. وَوارِثِ الْاَئِمَّةِ. وَخازِنِ الرَّحْمَةِ. وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ. وَقائِدِ الْبَرَكَةِ. وَعَديلِ الْقُرْآنِ فِي الطّاعَةِ. وَواحِدِ الْاَوْصِياءِ فِي الْاِخْلاصِ وَالْعِبادَةِ. وَحُجَّتِكَ الْعُلْيا. وَمَثَلِكَ الْاَعْلىٰ. وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنىٰ. الدّاعي اِلَيْكَ. وَالدّالِّ عَلَيْكَ. الَّذي نَصَبْتَهُ عَلَماً لِعِبادِكَ وَمُتَرْجِماً لِكِتابِكَ. وَصادِعاً بِاَمْرِكَ. وَناصِراً لِدينِكَ. وَحُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ. وَنُوراً تَخْرِقُ بِهِ الظُّلَمَ. وَقُدْوَةً تُدْرَكُ بِهَا الْهِدايَةُ. وَشَفيعاً تُنالُ بِهِ الْجَنَّةُ.

اللّهُمَّ وَكَما اَخَذَ في خُشُوعِهِ لَكَ حَقَّهُ[1] وَاسْتَوْفىٰ مِنْ خَشْيَتِكَ نَصيبَهُ. فَصَلِّ عَلَيْهِ اَضْعافَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ وَلِيٍّ ارْتَضَيْتَ طاعَتَهُ. وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ. وَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً. وَآتِنا في مُوالاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلاً وَاِحْساناً. وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً. اِنَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَديمِ وَالصَّفْحِ الْجَميلِ.

زیارت دیگر مختص به آن حضرت

شیخ صدوق در فقیه روایت کرده که: چون خواهی زیارت کنی آن حضرت را، پس غسل کن و خود را پاکیزه نما، و دو جامهٔ پاک بپوش، و بگو در زیارت آن جناب:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. الْإِمامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الْمُرْتَضىٰ. حُجَّتِكَ عَلىٰ مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرىٰ. صَلاةً كَثيرَةً نامِيَةً زاكِيَةً مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً مُتَواتِرَةً. كَاَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ. اَتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ. مُعادِياً لِاَعْدائِكَ. مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ. فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.

آن‌گاه، حاجت خود را سؤال کن، بعد از آن نماز کن در قبّه، که در آن قبر حضرت امام محمّد تقی علیه السلام است چهار رکعت، دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم و دو رکعت برای امام محمّد تقی علیه السلام، و نماز مکن در نزد سر امام موسی کاظم علیه السلام که آن مقابل قبور قریش است، و جایز نیست آن‌ها را قبلهٔ خود گردانیدن.

مؤلّف گوید که: از کلام شیخ صدوق رحمه الله ظاهر می‌شود که در آن زمان‌ها قبر شریف حضرت امام موسی علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه السلام جدا و قبّه و درِ علی‌حده داشته، بعد از زیارت از آن‌جا بیرون می‌آمدند و در قبّهٔ حضرت جواد علیه السلام می‌رفتند، که آن هم بنای علی‌حده داشته.

---

۱. في نسخة: حَظَّهُ.

زیارت مشترك امامین کاظمین علیهما السلام

و امّا زیارت مشترک میان دو امام همام علیهما السلام، پس آن هم بر دو قسم است:

زیارت هر يك از دو امام علیهما السلام

قسم اوّل: آن‌که آن را برای هر کدام علی‌حده باید خواند. شیخ جلیل جعفر بن محمّد بن قولویه قمّی رحمه الله در *کامل الزّیاره* از حضرت امام علیّ نقی علیه السلام روایت کرده که در زیارت هر کدام از آن دو امام علیهما السلام چنین بگو: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بَدا لِلّهِ في شَأْنِهِ. اَتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ. مُعادِياً لِاَعْدائِكَ. مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ. اِشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ يا مَوْلايَ.**

و این زیارت در نهایت اعتبار است، و شیخ صدوق و شیخ کلینی رحمهما الله نیز به اختلافی آن را ذکر نموده‌اند.

زیارت هر دو امام علیهما السلام

قسم دوّم: زیارتی است که با خواندن آن هر دو امام علیهما السلام زیارت می‌شوند و آن، چنان است که شیخ مفید و شهید و محمد بن المشهدی رحمهم الله ذکر کرده‌اند که در زیارت آن دو بزرگوار همین که ایستادی نزد ضریح طاهر می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَيِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا نُورَيِ اللّهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ. اَشْهَدُ اَنَّكُما قَدْ بَلَّغْتُما عَنِ اللّهِ ما حَمَّلَكُما. وَحَفِظْتُما مَا اسْتُودِعْتُما. وَحَلَّلْتُما حَلالَ اللّهِ. وَحَرَّمْتُما حَرامَ اللّهِ. وَاَقَمْتُما حُدُودَ اللّهِ. وَتَلَوْتُما كِتابَ اللّهِ. وَصَبَرْتُما عَلَى الْاَذى في جَنْبِ اللّهِ مُحْتَسِبَيْنِ حَتّى اَتاكُما الْيَقينُ. اَبْرَأُ اِلَى اللّهِ مِنْ اَعْدائِكُما. وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللّهِ بِوِلايَتِكُما. اَتَيْتُكُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُما. مُوالِياً

لِاَوْلِيائِكُما، مُعادِياً لِاَعْدائِكُما، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذي اَنْتُما عَلَيْهِ، عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُما، فَاشْفَعا لي عِنْدَ رَبِّكُما، فَاِنَّ لَكُما عِنْدَ اللّهِ جاهاً عَظيماً وَمَقاماً مَحْمُوداً.

پس ببوس تربت شریف آن‌جا را و بگذار روی راست را بر آن، پس برو به جانب سر مقدّس و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَيِ اللّهِ في اَرْضِهِ وَسَمائِهِ، عَبْدُكُما وَوَلِيُّكُما زائِرُكُما[1] مُتَقَرِّباً اِلَى اللّهِ بِزِيارَتِكُما، اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي لِسانَ صِدْقٍ في اَوْلِيائِكَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَحَبِّبْ اِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ، وَاجْعَلْني مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس نماز زیارت کن از برای هر امامی دو رکعت، و بخوان خدا را به آنچه می‌خواهی.

مؤلّف گوید که: چون در آن زمان‌ها تقیّه بسیار شدید بوده است، زیارت‌های مختصر برای زیارت این دو امام علیهما السلام تعلیم می‌فرمودند، که شیعیان از آسیب طاغیان زمان محفوظ باشند، و اگر زائر طالب زیارت طولی باشد، بخواند زیارات جامعه را که بهترین زیارت است از برای ایشان، خصوصاً یک زیارت از آن که از حدیثش ظاهر می‌شود که مزید اختصاصی به حضرت امام موسی علیه السلام دارد، واین زیارت بعدازاین دراوّل زیارات‌جامعه مرقوم خواهدشد، رجوع به آن‌جاشود.

دعای وداع

و چون زائر خواست از بلد آن دو امام علیهما السلام بیرون رود وداع کند آن دو جناب را به دعاهای وداع، که از آن جمله است آنچه شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب ذکر نموده فرموده که چون خواهی وداع کنی امام موسی علیه السلام را بایست نزد قبر و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكَ

---

۱. زائِرُكُما ط.

اللّٰهَ وَاَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ • آمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ • اللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ.

و هم‌چنین در وداع حضرت امام محمّد تقی علیه السلام فرموده می‌گویی: السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ • اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَاَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ • آمَنّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ • اللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ.

پس سؤال کن از خدا که این آخر زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیابی و قبر را ببوس و روی‌های خود را بر قبر گذار، انتهی.

و بدان‌که زیارت این دو بزرگوار در ایّام و لیالی شریفه خصوصاً در اوقاتی که به ایشان اختصاص دارد افضل و اولی است. پس زائر اگر این اوقات را در آن‌جا درک نمود غنیمت شمرد، چون روز ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که موافق مشهور هفتم صفر است و روز وفات آن جناب که بیست و پنجم ماه رجب است بنا بر مشهور، یا در ششم آن ماه است ـ چنانچه در *کافی* شریف است ـ یا پنجم آن ـ چنان‌که شیخ طبرسی رحمه الله نقل نموده ـ و روز امامت آن حضرت که روز وفات پدر آن بزرگوار است و در نیمهٔ رجب می‌باشد یا شوّال، بنا بر اختلاف، و مثل روز ولادت حضرت جواد علیه السلام ـ که در دهم رجب است بنابر روایت ابن عیّاش که شیخ طوسی رحمه الله در *مصباح* ذکر فرموده ـ یا نیمهٔ ماه رمضان است ـ چنان که شیخ رحمه الله مفید اختیار فرموده ـ و روز وفات آن حضرت که آخر ذی القعده است و روز امامت آن حضرت که روز شهادت حضرت امام رضا علیه السلام است که بیست و سوّم ذی القعده یا غیر آن است، چنانچه مذکور خواهد شد إن شاء اللّه تعالی.

کیفیت دو قبر در صحن مطهر

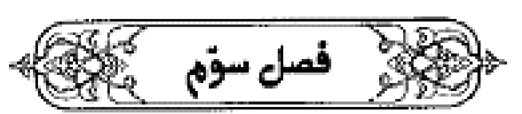
و بدان که در صحن مطهّر کاظمین علیهما السلام دو قبری است که با بقعه و قبّهٔ عالیه، نسبت می‌دهند آن‌ها را به دو فرزند حضرت امام موسی علیه السلام و حال ایشان مخفی است و تا به حال مطّلع نشدم بر کتابی که درست متعرّض حال آن‌ها شده باشد. و جناب سیّد العلما والفقها آقا سیّد مهدی قزوینی در کتاب *مزار فلک النّجاة* فرموده که: «از اولاد ائمّه دو قبری است مشهور در مشهد امام موسی علیه السلام از اولاد آن حضرت، لکن معروف نیستند. و بعضی گفته‌اند که یکی از آن دو قبر مسمّی به عبّاس

پسر حضرت امام موسی علیه السلام است، که در حقّ او قدح شده». تمام شد کلام مرحوم سیّد.

و فقیر گوید که آنچه معروف است در لوح زیارت آن‌ها نوشته شده یکی ابراهیم و یکی اسماعیل است. و شاید قبری که معروف به اسماعیل است همان عبّاس بن موسی علیه السلام باشد، چه آن که اسماعیل که کتاب جعفریات از او نقل شده، ظاهر آن است که در مصر باشد و چون در جناح سفر و اسباب تعیین این مطلب حاضر نبود به اجمال خود بماند. و اما ابراهیم، پس حضرت امام موسی علیه السلام را دو ابراهیم بوده و ظاهر آن است که این همان ابراهیم اکبر که مُکنّی به أبی‌السّرایا است، چنانچه صاحب *انساب الطالبیین* گفته که ابراهیم اکبر فرزند حضرت موسی علیه السلام در یمن خروج کرد و مردم را دعوت می‌کرد به بیعت محمّد بن ابراهیم طباطبا، پس بعضی مردم را به بیعت خود خواند و در سال دویست و دو، حجّ کرد، و مأمون در آن وقت در خراسان بود، لشکری همراه حمدویه بن علی روانه کرد به سمت ابراهیم و با او محاربه کردند تا ابراهیم منهزم شد و فرار کرد به سمت عراق آمد و مأمون او را امان داده و در بغداد وفات نمود، انتهی.

و اگر این حکایت که صاحب انساب نقل کرده واقع داشته باشد یقیناً این ابراهیم همان است که ذکر نموده، چه آن‌که این موضع مقابر قریش بوده و نیز موضع قبر مطهّر والد بزرگوارش بوده است. والله اعلم.

و امّا اسماعیل بن موسی بن جعفر علیهما السلام ، پس مردی است جلیل‌القدر، و اگرچه علمای رجال اشاره به جلالت او نکرده‌اند. لکن کافی است در مدح او روایتی که شیخ کشّی نقل فرموده در حال ثقهٔ جلیل القدر صفوان بن یحیی، که چون صفوان از دنیا رحلت فرموده، حضرت امام محمّد تقی علیه السلام کفن و حنوط برای او فرستاد و امر کرد اسماعیل فرزند امام موسی علیه السلام را که بر او نماز کند. و استاد اکبر علّامة‌البشر، آقای بهبهانی ـ طاب‌ثراه ـ در *تعلیقه* فرموده: «و کثرت تصانیف اسماعیل بن موسی اشاره می‌کند به مدح او». و شاید مراد ایشان از کثرت تصانیف کتاب *جعفریات* باشد که مشتمل است بر جمله‌ای از کتب فقهیّه و جمیع احادیث آن الّا قلیلی به یک سند است، که تمام را از پدران بزرگوار خود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است، و شیخ مرحوم در خاتمه مستدرک اشاره به آن فرموده و کتاب در نهایت اعتبار است، و لکن مخفی نباشد که این اسماعیل مولدش در مصر بوده و در همان جا نیز ساکن بوده، و بودن قبرش در کاظمین خیلی بعید است، پس شاید که قبر دیگر عبّاس بن موسی باشد چنانچه سیّد العلماء العظام آقا سیّد مهدی قزوینی فرموده است، و الله العالم.



فصل سوّم

در سایر تکالیف زوّار ومناسك مؤمنین در بلد طیّبهٔ کاظمین

و آن مشتمل است بر چهار مقام:

مقام اوّل: در زیارت مشاهیر از علما که در این بلد شریف مدفون‌اند

بدان که از چیزهایی که سزاوار است از برای زایر مراعات آن در این مشاهد مشرّفه، زیارت کردن علمای آن‌جاست حیّاً و میّتاً که بر زیارت آن‌ها فواید عظیمه و مثوبات جلیله مترتّب است، و شیخ جلیل احمد بن فهد حلّی در *عدّة الدّاعی* روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین که: «زیارت علما محبوب‌تر است نزد خداوند از هفتاد طواف دور خانهٔ خدا، و بهتر است از هفتاد حج و عمرهٔ پسندیدهٔ قبول شده، و بلند می‌کند خداوند برای او هفتاد درجه، و نازل می‌کند بر او رحمت را، و گواهی می‌دهند برای او ملایکه که بهشت بر او واجب شده». بلکه زیارت ایشان را بدل زیارت ائمه قرار دادند با آن همه اجرها و خیرها که در آن است، وبسیاری از زائرین از این حظّ عظیم و فیض عمیم محروم می‌مانند، و منشأ آن دو چیز است: یکی: جهل زائر به عظمت و جلال و مرتبهٔ علما ـ علیهم رضوان اللّه المتعال ـ. دوّم: ندانستن او اشخاص و قبور آن‌ها را، و ما إن شاء اللّه در باب زیارات مشاهد مشرّفه، جزئی اشاره به مطلب دوّم می‌نماییم.

و در این‌جا لازم است دو امر را یادآور شویم: یکی ذکر فضیلت و جلالت آن‌ها، و دیگر ذکر علمایی که در خصوص بلدهٔ شریفهٔ کاظمین مدفون‌اند.

پس گوییم در امر اوّل که: پوشیده نماند آنچه از آیات و اخبار در فضیلت علم و علما وارد شده زیاده از آن است که احصا آن توان نمود، لکن ما به‌جهت تبرّک و تیمّن چند خبر در این مختصر ایراد می‌نماییم، در کتاب *من لا یحضره الفقیه* مروی است که: «نظر کردن به سوی کعبه عبادت است، و نظر به سوی ائمه عبادت است، و نظر به سوی والدین عبادت است و نظر به سوی قرآن بدون قرائت نیز عبادت است، و نظر به روی عالم عبادت است، و نظر به سوی آل محمّد عبادت است».

و در عیون و غیره از حضرت رسول مروی است که سه مرتبه فرمودند: «بار خدایا رحم کن خلفای مرا». کسی عرض کرد: کیست‌اند خلفای شما یا رسول اللّه؟ فرمود: «کسانی که

روایت می‌کنند احادیث مرا و سنّت مرا، پس یاد می‌دهند آن‌ها را به امّت من».

و مقتضای این خبر شریف آن است که باید رفتار کرد با علما در مقام تعظیم و تکریم، به‌نحوی که رفتار باید کرد با خود آن جناب، زیرا که ایشان را جانشین خود خوانده، و خلیفه و جانشین شریک است با کسی که او را در جایش نشانده در اجرای احکام، مگر در آنچه معلوم شود که از خصایص اوست.

و آیت الله علّامه حلّی در اوّل کتاب *تحریر* روایت نموده از حضرت رسول خدا که فرمودند: «علمای امّت من به منزلهٔ انبیای بنی‌اسراییل‌اند». پس هر چه معلوم شود که از خصائص خاصّهٔ انبیا است، چون عصمت فطری و نزول وحی و مثل آن‌ها علما را از آن بهره نیست، و در باقی احکام فضایل و احکام و آداب متعلّق به ایشان شریک‌اند، چنانچه تصریح به این مطلب نموده، شیخ ما علّامهٔ نوری ـطاب‌ثراهـ در *کلمهٔ طیبه*؛ و از این قبیل است آنچه رسیده که ایشان وارث انبیا و نوّاب ائمّه‌اند و حجّت‌اند بر خلایق از جانب ایشان، چنانچه در *کافی* شریف، و در مقبولهٔ عمربن‌حنظله و غیره، اشاره به این مطلب شده. و در *اکمال الدّین* شیخ صدوق مروی است که: حضرت حجّت عصر ـصلوات الله علیهـ در توقیع اسحاق بن یعقوب نوشتند: «امّا حوادث واقعه، پس رجوع کنید در آن‌ها به سوی روات حدیث ما، پس به درستی که آن‌ها حجّتند از جانب ما بر شما و من حجّت خدایم». در *احتجاج* مروی است که حضرت صادق به حسن بصری فرمودند در تفسیر آیهٔ شریفه ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ ٱلْقُرَى ٱلَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا ٱلسَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّاماً ءَامِنِينَ﴾ که: «ماییم آن قریه‌ها که برکت داده خداوند در آن‌ها، و قُرای ظاهره، رسولان و نقل کنندگان از مایند به سوی شیعیان ما، و شیعیان ما به سوی شیعیان ما». و در *جامع الاخبار* از حضرت رسول روایت نموده که: «یک نظر به روی عالم بهتر است نزد خداوند از عبادت شصت سال». و در روایت *عدّة الدّاعی* از حضرت امیر مروی است که: «یک نظر به روی عالم بهتر است از اعتکاف یک سال در بیت الله الحرام». بلکه وارد شده: «نظر کردن به در خانهٔ عالم عبادت است». و در موت عالم از امام کاظم روایت شده که فرمود: «چون بمیرد بگریند بر او ملائکه و بقعه‌های زمین که عبادت می‌کرد خدا را در آن‌ها و درهای آسمان که از آن‌جا اعمال او را بالا می‌بردند، و در اسلام شکستگی پیدا شود که سد نکند او را چیزی، زیرا که مؤمنین فقها، قلعه‌های اسلامند، مانند قلعه‌ای

که بر دور شهر می‌سازند». و از امام صادق‌ﷺ روایت شده که: «یک عالم افضل است از هزار عابد و هزار زاهد». و غیر این اخبار که ذکر جزیی از آن منافی با اختصار است، پس انسان که به مقتضای آیهٔ شریفه: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ از سایر موجودات ممتاز و به خلعت تکریم معظم و سرافراز شده بود، از نوشیدن شربت علم زنده و بینا و شنوا شود، و از زندگی او مرده‌ها زنده شوند، واز نور علم او ظلمت‌ها روشن شود، پس گوهری گردد گران‌مایه، و درختی شود پر شاخ و میوه، پس چون واقف گشتی بر بعضی از فضایل علما، پس دست از دامن این قوم مکش، و در توقیر و احترام آن‌ها کوتاهی مکن، و از فیض زیارت اموات و احیاء[1] آن‌ها خود را محروم منما.

در ذکر علمایی که در بلدهٔ طیّبهٔ کاظمین‌ﷺ مدفون‌اند

و امّا امر دوّم پس بدان‌که در خصوص بلدهٔ شریفهٔ کاظمین جمعی از اعاظم و مشایخ علما مدفون‌اند که یکّه و فرید دهر بودند و روزگار مثل آن‌ها را دیگر ندید.

از جمله شیخ اجل سعید ابو عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان است که ملقّب است به مفید؛ افادت پناهی که عقل مستفاد، از قوّت قدسیّهٔ او مستفید، و فکر فلک‌پیمای او با ملأ اعلی در گفت و شنید بود، علمای سابق و لاحق از بحر علم او مغترف، و عامّه و خاصّه به کثرت مناقب و فضایل آن جناب معترف‌اند، ابن‌حجرعسقلانی گفته که: «شیخ مفید را منّتی است بر گردن هر یک از امامیّه». و خطیب و غیر او گفته‌اند که خداوند به‌موت او اهل سنّت را راحت داد. و گفته شد که در تشییع جنازهٔ او هشتاد هزار شیعه حاضر بود، و کافی است از برای علوّ مرتبت و منزلت او توقیعات شریفه که حضرت صاحب الامرﷺ به او نوشته‌اند، و قبر شریفش در بقعهٔ منوّرهٔ کاظمیّه در پایین پای مبارک حضرت جوادﷺ است، و سیّد شهید قاضی نور الله ـ نوّر الله قبره ـ در مجالس خود فرموده که: این چند بیت منسوب است به حضرت صاحب الامرﷺ که در مرثیهٔ شیخ مفیدﷺ گفته‌اند و بر قبر او نوشته دیدند:

لا صَوَّتَ النّاعِي بِفَقْدِكَ أَنَّهُ	يَومٌ عَلى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمُ
إنْ كَانَ قَدْ غُيِّبْتَ فِي جَدَثِ الثَّرىٰ	فَالْعِلْمُ[2] وَالتَّوحِيدُ فِيكَ مُقِيمُ
وَالقَائِمُ المَهدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا	تُلِيَتْ عَلَيْكَ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومُ

---

۱. آنان که در قید حیات‌اند، زنده‌اند.

۲. فالعدل غ ل.

و از جمله شیخ اقدم اعظم ابوالقاسم جعفر بن محمّد بن قولویه قمّی‌﷫ است، که از مشایخ اهل حدیث است، و کافی است در مدح او آن که جناب شیخ مفید﷫ تلمیذ اوست، و از او روایت می‌کند، و کتاب *کامل الزّیاره* از مصنّفات اوست، مزار شریفش در همان بقعهٔ شریفه در جنب قبر شیخ مفید﷫ است، چنانچه جمعی از علما در رجال و غیره ذکر نموده‌اند و در *نامهٔ دانشوران* است که آن جناب در سنه ۳۶۹ هجری وفات کرد و در ارض قم مدفون گردید، و ظاهر چنان است که بر ایشان اشتباه شده قبر شیخ مذکور به والد ماجدش محمّد بن قولویه که در قم مدفون است.

و از جمله علّامة البشر و العقل الحادی‌عشر، افضل‌المحققین، سلطان الحکما والمتکلّمین، محمّد ابن محمّد بن الحسن الطوسی است، که مشهور است به خواجه نصیرالدّین، و فاضل ماهر نقاد قطب الدّین اشکوری لاهیجی در کتاب *محبوب القلوب* در ترجمهٔ محقّق طوسی مذکور گفته که: وفات آن بزرگوار در سنهٔ ششصد و هفتاد و دو بوده، و مدت عمر گرامی‌اش هفتاد سال و هفت ماه و هفت روز، و مدفن شریفش مشهد مولانا الکاظم﵇ است، و از اتفاقات حسنه آن که وقتی که حفر قبر می‌کردند یافتند قبری مرتّب و ساخته، که در سابق کنده بودند برای دفن ناصر عبّاسی، و ناصر موفّق نشده بود به دفن در این‌جا و در رصافه دفن شده بود، و یافتند در آن‌جا سنگی را که تاریخ قبر بر او منقوش بود، همین که حساب تاریخ او را نمودند دیدند موافق شده کندن این قبر با روز تولّد محقّق مذکور، و راست گفته آن که گفته:

مسکین پدر ز زادن فرزند شادمان؛ دهقان به باغ بهر کفن، پنبه کاشته

انتهی. و گفته شده که اصل محقّق طوسی از جهرود است که فعلاً جهرود می‌گویند، و جناب آقا میرزا عبدالله در *ریاض العلما* در ترجمهٔ بدرالدّین حسن بن علی گفته که دستجرد از ملوک جهرود است که از توابع و قرای قم است، و همین دستجرد است، که اصل خواجه نصیر از بعض مواضع او بوده که وشارَه می‌گفتند و جلالت شأن و مرتبهٔ او به اندازه‌ای است که در حیطهٔ بیان نیاید. مزار شریفش در مسجد بالا سر حرم مطهّر کاظمین﵉ در زاویهٔ شرقی آن واقع است، و در کتیبهٔ جدار آن اشاره به مزار و اسم آن عالی‌جناب نموده‌اند.

و از جمله سیّد اجل نحریر ذوالمجدین ابو القاسم الشّریف علیّ بن الحسین بن موسی بن محمّد ابن ابراهیم بن الامام موسی الکاظم﵉ است، که مشهور به سیّد مرتضی، و ملقّب است از جدّ ولایت پناه خود به علم الهدی، و آن جناب، شریف عراق و مجتهد علی‌الاطلاق، و مرجع

فضلای آفاق بوده، و عامّه و خاصّه به ذکر مدایح جلیلهٔ او رطب اللّسان و عذب البیان‌اند، و علمای امامیّه از زمان او تا این زمان از علوم او استفاده می‌نمایند، و او رکن ایشان و معلّم ایشان است -جزاه اللّه عن اجداده خیر الجزاء- مزار شریفش در خانهٔ خود است، که الحال در بازاری که منتهی می‌شود به‌باب‌القبله صحن مطهّر کاظمین علیهما السلام واقع است در بقعه که از او شبکه مفتوح است به سمت بازار، و از برای اوست صحن محقّری، و بعضی از علمای انساب و غیره گفته‌اند که آن جناب را حمل کردند به کربلا و در نزدیکی حرم مطهّر حضرت أبی عبد اللّه علیه السلام دفن نمودند.

و از جمله برادر آن جناب سیّد شریف محمّد بن الحسین مشهور به سیّد رضی است که نقیب علویّه و شریف اشراف بغداد، بلکه قطب فلک ارشاد و مرکز دایرهٔ رشاد بود، پایهٔ فضل و کمال و معالی وافضال آن عالی‌جناب از آن گذشته است که زبان تواند ستایش و ثنای او کند، چه ظاهر است که چون جمال به غایت رسد دست مشاطه بی‌کار ماند، و چون بزرگی و جلال به حدّ کمال رسد بازار وصّافان شکسته گردد، و علمای عامّه به ذکر معالی او شرف‌اند و ذکر دیده‌اند، و کتاب *نهج‌البلاغه* از مجموعات آن جناب است، وفاتش پیش از سیّد مرتضی واقع شد، قبر شریفش در کوچهٔ قریب به بازاری که مقبرهٔ سیّد مرتضی در اوست واقع است، و از برای اوست بقعهٔ مختصره، و صاحب *عمدة الطّالب فی انساب آل أبی طالب* گفته که آن جناب را نقل کردند به سوی مشهد امام حسین علیه السلام و نزد قبر پدرش او را دفن کردند. و گفته که قبر آن جناب ظاهر و معروف است.

فقیر گوید که: اگر نقل این بزرگواران از کاظمین علیهما السلام به کربلا صحیح باشد، ظاهر آن است که مدفنشان در رواق در طرف بالا سر در نزد آن ضریح است، که نسبت به سیّد ابراهیم می‌دهند، و بعضی می‌گویند که این همان ابراهیم است که جدّ اعلای سیّدین است، و این مطلب که گفته شد مجرّد سماع است و مستند صحیحی از برای آن ندارم.

و از جمله شیخ اجلّ عالی مقام شیخ محدّثین الحافظ محمّد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرّازی ثقة الاسلام است، که شیخ و رئیس شیعه و اوثق و اثبت ایشان بود. در حدیث، کتاب شریف *کافی* را که روشنی چشم شیعه و مدار احادیث بر اوست و هشتاد هزار بیت است در مدّت بیست سال تألیف نمود، والحق منّتی عظیم و حقّ کثیری بر شیعه خصوص اهل علم نهاد، و به جهت جلالت و عظمت شأن آن جناب جماعتی از علمای عامّه مانند ابن اثیر و غیره او را مجدّد مذهب امامیّه در رأس مائهٔ ثالثه شمرده‌اند، بعد از آن که حضرت ثامن الائمّه را مجدّد این مذهب در مائهٔ

ثانیه شمردند.

و بالجمله جلالت آن شیخ معظم زیاده از آن است که ذکر شود. قبر شریفش در بغداد شرقیّه معروف است. همین که شخص از جسر [= پل] عبور کند و داخل بازار شود به فاصلهٔ کمی در طرف چپ خود شباکی بیند مفتوح به بازار، و این شباک بقعهٔ همان شیخ جلیل است، و حکایت شکافتن قبر آن جناب به امر بعضی از حکّام بغداد و یافتن جسد پاک او را، تازه و بدون تغییر با کفن خود مشهور است؛ و جناب سیّد العلما و الفقها در کتاب *مزار فلک النّجاة* فرموده که با شیخ کلینی قبر دیگری هست که گفته شده قبر شیخ کراجکی و یا کندری که اوست شارح نهج البلاغه.

و غیر ایشان از علما و فقها و متقدّمین و متأخرین که در آن بلد مدفون‌اند، چون سیّد جلیل و عالم بی‌بدیل صاحب تصانیف جمّه آقا سیّد عبد اللّه شبّر ﷺ که قبرش واقع است در رواق حرم مطهّر کاظمین ﷺ در حجره که قریب به باب القبله است در یمین کسی که داخل شود؛ و چون شیخ جلیل عالی مقام آقا شیخ اسد اللّه کاظمی ﷺ؛ و مثل فاضل نبیل شیخ علیّ بن عیسی اربلی، که از علمای امامیّه است که در سند اجازات مذکور است، و قبرش در بغداد، فعلاً واقع است در وسط عمارت کارپرداز خانهٔ دولت ایران؛ و غیر ایشان که زیاده از آن است که ذکر شود و مقام را گنجایش تطویل نیست، و ما بعد از این اشاره خواهیم نمود إن شاء اللّه تعالی به کیفیّت زیارت علما و مؤمنین رجوع به آن‌جا شود.

از جمله ابن‌حجّاج شاعر امامی معروف که معاصر سیّد مرتضی ﷺ و صاحب قصیدهٔ معروفه:

یا صاحِبَ القُبَّةِ البَیْضاءِ عَلَی النَّجَفِ   مَنْ زارَ قَبْرَکَ وَاسْتَشْفی لَدَیْكَ شُفِي

است نیز قبرش در پایین پاهای حضرت امام موسی ﷺ چنانکه ابن خلکان نقل کرده، که ابن حجّاج در وقت وفات خود وصیّت کرد که مرا در پایین پای آن حضرت دفن نمایید و بر لوح بنویسید: ﴿وَکَلْبُهُمْ باسِطٌ ذِراعَیْهِ بِالْوَصِیدِ﴾.

مقام دوّم: رفتن به مسجد شریف بُراثا و نماز خواندن در آن

بدان‌که مسجد براثا از مساجد شریفهٔ معروفهٔ متبرّکه است، و واقع شده در بین بغداد و کاظمین ﷺ در راه زوّار و غالباً از فیض آن محروم و اعتنایی به آن ندارند با همه فضایل و شرافتی که در اخبار از برای او روایت شده. شیخ جلیل ابوعلی نجل شیخ الطّائفه در امالی خود به

سند معتبر روایت کرده از حضرت امام محمّد باقر﷣ که فرمود: «چون حضرت امیر المؤمنین﷣ از جنگ خوارج نهروان برگشت، گذشت به زَوْراء که محلّ شهر بغداد بوده است. پس گفت به مردم که: این زوراء است، پس راه روید و اجتناب کنید از داخل شدن آن، که خسف و فرو رفتن زمین به آن نزدیک‌تر است از فرو رفتن میخ در میان سبوس. و چون به موضع دیگر رسید پرسید که: این چه موضع است؟ گفتند: نجراست. فرمود که این زمین شوره است به جانب راست این زمین کنید. پس به راهبی رسید که در صومعهٔ خود بود، به آن راهب خطاب نمود که: در این‌جا فرودآییم؟ راهب گفت که با لشکر خود در این‌جا فرود میا. فرمود: چرا؟ راهب گفت که: در این موضع فرود نمی‌آید مگر پیغمبر یا وصیّ پیغمبر با لشکر خود که جهاد کند در راه خدا، چنین خوانده‌ایم ما در کتاب‌های خود. حضرت امیر المؤمنین﷣ فرمود که: من آن وصیّ پیغمبرم. پس راهب از صومعهٔ خود فرود آمد به سوی آن حضرت و گفت: عرض کن بر من دین اسلام را و بگیر از من پیمان شریعت‌های آن را که من در انجیل خوانده‌ام وصف تو را و خوانده‌ام که فرود خواهی آمد در زمین براثا که خانهٔ حضرت مریم و زمین حضرت عیسی است. پس حضرت فرمود: بایست و به ما چیزی خبر مده که ما بهتر از تو می‌دانیم. پس رفت به موضعی از آن صحرا و امر کرد که خاک را دور کردند، پس سنگی عظیم ظاهر شد، پس سرپایی بر آن سنگ زد و از زیر آن چشمهٔ بزرگی ظاهر شد، پس فرمود که: این چشمه‌ای است که از برای مریم ظاهر گردید. پس هفده ذرع از آن چشمه دور شد و فرمود که: بشکافید این مکان را، چون شکافتند سنگ سفیدی ظاهر شد، فرمود که: حضرت مریم﷤ حضرت عیسی﷣ را از دوش خود گرفت و بر این سنگ گذاشت، و در این موضع نماز کرد. پس حضرت امیر المؤمنین﷣ آن سنگ را نصب کرد و به سوی آن نماز کرد، و چهار روز در آن‌جا ماند، و حرم خود را در موضعی فرود آورده بود که آن قدر دور بود که اگر صدا زنند توان شنید، پس فرمود که: این زمین براثا است، این خانهٔ مریم است، این موضع مقدّس است که پیغمبران در آن نماز کرده‌اند.

حضرت امام محمد باقر﷣ فرمود که: «ما در کتب یافته‌ایم که حضرت ابراهیم پیش از عیسی در آن [مکان و] موضع نماز کرده است». و شیخ شهید اوّل﷫ در کتاب ذکری فرموده: از مساجد شریفه، مسجد براثا است که در غربی بغداد واقع است و آن باقی است الی الآن، و من آن را دیدم و در آن نماز کردم، و جماعتی روایت کرده‌اند از جابرانصاری که گفت: امیر المؤمنین﷣ با ما نماز

گذارد در براثا، بعد از برگشتن از جنگ خوارج و ما زیاده از صد هزار مرد بودیم، پس نصرانی از صومعهٔ خود فرود آمد و پرسید که: سر کردهٔ این لشکر کیست؟ ما اشاره به امیر المؤمنین علیه السلام کردیم که این است، پس به نزد آن حضرت آمد و سلام کرد و گفت: ای آقای من تو پیغمبری؟ فرمود: نه، بلکه پیغمبر سیّد و آقای من است. گفت: پس تو وصیّ پیغمبری؟ فرمود: بلی. گفت: من این صومعه را از برای این موضع بنا کرده‌ام که براثا نام دارد، و در کتب آسمانی خوانده‌ام که در این موضع با این جمعیّت نماز نمی‌کند مگر پیغمبری یا وصیّ پیغمبری پس مسلمان شد، و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمود که: کی در این جا نماز کرده است؟ عرض کرد: حضرت عیسی و مادرش، حضرت فرمود که: حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام نیز در این جا نماز کرده است.

و آیت الله علامهٔ حلّی رحمه الله در *کشف الیقین* فرموده که یافتم به‌خطّ شیخ محدّث محمّد بن المشهدی رحمه الله که به سند خود روایت کرده بود از جابر بن عبدالله انصاری و او از انس بن مالک که گفت: چون امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ خوارج برگشت در براثا فرود آمد، و در آن‌جا راهبی در دیر خود بود، آن راهب چون آن لشکر را دید از دیر خود فرود آمد و پرسید که: سرکردهٔ این لشکر کیست؟ گفتند: امیر المؤمنین علیه السلام است، و از جنگ اهل نهروان برگشته است، پس به خدمت حضرت شتافت و با ادب ایستاد و گفت: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ حَقّاً حَقّاً.**

حضرت فرمود که: چه می‌دانی که من امیرالمؤمنین هستم به حقیقت و راستی؟ گفت: چنین خبر داده‌اند ما را رهبانان و دانایان ما. حضرت فرمود که: ای حباب، راهب گفت که: نام مرا چه می‌دانی؟ فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا چنین خبر داده. حباب گفت که: دست دراز کن که من شهادت می‌دهم به وحدانیّت خدا، و به رسالت محمّد صلی الله علیه و آله، و شهادت می‌دهم که تو علیّ بن ابی طالب و وصیّ آن حضرتی. فرمود که: در کجا می‌باشی؟ گفت: در این دیر می‌باشم. فرمود که: بعد از این، این‌جا مباش، و لیکن در این‌جا مسجدی بنا کن، و به اسم بنا کننده‌اش نام کن آن را. پس بنا کرد آن را مردی که نامش براثا بود، پس مسجد را براثا نام کرد. و امیر المؤمنین علیه السلام از راهب پرسید که: از کجا آب می‌خوری؟ گفت: از دجله. فرمود که: چرا در این‌جا چشمه یا چاهی نمی‌کنی؟ گفت: یا امیر المؤمنین هر چاهی که کندیم آبش شور بود. حضرت جایی را نشان داد و فرمود که: این‌جا چاهی بکن. چون کندند سنگی بزرگ ظاهر شد که نتوانستند کندن آن را، پس آن حضرت سنگ را کند و از زیرش چشمه‌ای ظاهر شد از عسل شیرین‌تر و از کره لذیذتر، پس

فرمود که: ای حباب از این چشمه آب بخور، ای حباب زود باشد که در پهلوی مسجد تو شهری بنا شود که جبّاران در آن بسیار باشند و بلا و فتنه در آن عظیم باشد، حتّی آن‌که در هر شب جمعه هفتاد هزار فرج را به حرام جماع کنند. انتهی.

و مراد این شهر بغداد تو است. و ابن شهرآشوب در مناقب، مضامین این اخبار را به اسانید متعدّده نقل کرده و بعد از آن روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین عليه السلام صیحه زد به آن چاه به زبان عبرانی که نزدیک من بیا. پس چون عبور کرد به مسجد، در آن‌جا درخت عوسجی[1] بود که خار بسیار داشت پس شمشیر خود را کشید و خارها را از آن درخت دور کرد و فرمود: در این‌جا قبر پیغمبری است از پیغمبران خداوند. و امر فرمود آفتاب را که برگردد[2]، پس برگشت و با آن حضرت سیزده کس از اصحابش همراه بودند، پس قبله را به‌خطّ مستقیم درست کرد و به سوی آن نماز کرد.

و بالجمله از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد شریف معلوم می‌شود که اگر هر کدام از آن در هر مسجدی باشد، سزاوار است که انسان شدّ رحال نماید و منازلی طی کند و به فیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرّک شود:

اوّل: مقرّر نمودن حق تعالی، که در آن زمین فرود نیاید رئیسی با لشکرش جز پیغمبر یا وصیّ آن.

دوّم: آن‌که خانهٔ حضرت مریم است.

سوّم: آن‌که زمین حضرت عیسی عليه السلام است.

چهارم: بودن چشمه‌ای در آن‌جا که برای مریم ظاهر شد.

پنجم: ظاهر کردن حضرت امیر عليه السلام آن چشمه را به اعجاز خود.

ششم: بودن سنگ سفید متبرّک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشته در آن‌جا.

هفتم: بردن حضرت آن سنگ را از آن‌جا به اعجاز و نماز کردن به سوی آن یعنی آن را به جای دیوار قبلی محراب نماز خود قرار داد. و شیخ مرحوم ما ـطاب‌ثراهـ فرموده که: این سنگ مبارکِ مقدّس هنوز موجود و در آن‌جا منصوب، و لکن مکرّر جهّال بیگانگان آن را در آورده و

---

۱. درختچه‌ای است خاردار با ثمره‌ای کوچک وعقیق گون وگرد که ترش مزه می‌باشد.

۲. یعنی أمیرالمؤمنین امر فرمود به‌آفتاب که برگردد.

در چاه می‌اندازند. پس از اطّلاع باز بعضی مؤمنین آن را در آورده نصب می‌کنند. و چون به‌جهت غفلت و بی‌اعتنایی شیعیان به این مسجد عظیم الشّأن معمور و آباد نیست، لهذا این رشته باقی است تا به کجا بکشد!

هشتم: نماز کردن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دو نوباوهٔ او حضرت مجتبی و سیّد الشهداء علیهما السلام در آن‌جا.

نهم: توقّف حضرت در آن‌جا چهار روز به‌جهت شرافت مکان و مقدّس بودن زمین آن.

دهم: نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرّحمن علیه السلام در آن‌جا.

یازدهم: بودن قبر پیغمبری در آن‌جا.

دوازدهم: برگشتن آفتاب برای حضرت امیر علیه السلام در آن‌جا.

و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الٰهیّه و معاجز حیدریّه در آن، معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی به آن‌جا برود، با آن‌که در سر راهشان واقع است و مکرّر از آن‌جا می‌گذرند، و اگر اتّفاقاً کسی بخواهد درک این فیض‌ها را نماید چون به آن‌جا رسد و بیند درِ مسجد بسته است از دادن پولی جزیی به جهت باز کردن آن در مضایقه نکند و خود را از این همه فیوضات عظیمه محروم نماید، و حال آن‌که گاه شود برای محض تماشای بغداد و عمارات جبّارین در آن مصرف‌ها کند، چه رسد به مصارف عظیمهٔ قیمت فضول معاش و امتعهٔ نجسهٔ نجسهٔ یهودیان آن، که گرفتن آن از متمّمات زیارت غالب از زوّار است، والله المستعان.

در فضیلت مسجد ردّ الشمس و مسجد جمجمه

و در این‌جا لازم است تنبیه بر امری که شیخ مرحوم علّامهٔ نوری ـ طاب‌ثراه ـ در *تحیّة الزّائر* به آن اشاره فرموده، و آن امر آن است که مشهور در نزد اصحاب و مقتضای اخبار کثیره برگشتن آفتاب است برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دو مرتبه:

اوّل: در حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قریب به مسجد قبا که در آن‌جا مسجدی بنا کردند و آن را مسجد ردّالشمس می‌گویند و مسجد فَضیخ نیز گویند، و فَضیخ اسم نخلی است که در آن‌جا بود. و این از مساجدی است که مستحبّ مؤکّد است که حاجی‌ها چون به‌مدینهٔ طیّبه مشرّف شدند به آن‌جاها بروند و نماز کنند. و این مسجد الان سقف و دیوار ندارد.

دوّم: [سال‌ها] بعد از وفات حضرت رسولﷺ [و] بعد از مراجعت [حضرت امیرالمؤمنین‌ﷺ] از جنگ نهروان چون به خرابهٔ شهر بابل رسیدند فرود آمدند و نماز ظهر را با اصحاب کردند، پس جمجمهٔ پوسیده در آن‌جا دیدند، فرمود آن جمجمه را حاضر کردند، و از او پرسید از اسم و شغل و حالش؛ پس اسم خود را گفت که یکی از عظمای ملوک جبّارین بود، و شرح سلطنت و طغیان و عقوبات بعد از هلاک شدن خود را در کلامی طولانی عرض کرد، پس موکب همایونی از آن‌جا حرکت کرد و در عبور از فرات هم معجزات غریبه از آن حضرت بروز کرد که در کتب فضایل مسطور است، و چون از فرات گذشتند و به جهت طول کشیدن سخن جمجمه وقت تنگ شد و به زمین شوره زار رسیدند که روا نیست نبیّ یا وصیّ در آن نماز کند، اصحاب را امر کردند به نماز و خود به‌سرعت سیر کردند یک نفر یا دو نفر در خدمت آن حضرت بود، چون از آن زمین گذشتند فرود آمدند تا وضو را تجدید کردند آفتاب غروب کرد و همه آفاق را برگرفته غیر از آن افق، پس آفتاب را امر فرمودند برگردد اطاعت کرد، نماز عصر را به‌جای آوردند و از محلّ نماز ظهر تا محلّ نماز عصر یک فرسخ است تقریباً و در آن دو محلّ شریف که یکی محلّ نماز ظهر و بروز آیهٔ باهره سخن گفتن جمجمه بود با آن حضرت، و دیگری که مکان نماز عصر و ظهور معجزهٔ باهرهٔ برگشتن آفتاب بود برای آن جناب دو مسجدی بنا کردند، اوّل را مسجد جمجمه می‌گویند و دوّم را مسجد ردّ شمس و به این دو مطلب از ردّالشمس اشاره کرد سیّد حمیری‌ﷺ در قصیدهٔ بائیه معروفه به‌مذهّبه:

رُدَّتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ لَمَّا فَاتَهُ	وَقْتُ الصَّلاةِ وَقَدْ دَنَتْ لِلْمَغْرِبِ
حَتَّىٰ تَبَلَّجَ نُورُها فِي وَقْتِها	لِلْعَصْرِ ثُمَّ هَوَتْ هَوِيَ الْكَوْكَبِ
وَعَلَيْهِ قَدْ حُبِسَتْ بِبابِلَ مَرَّةً	أُخْرَىٰ وَلَمْ تُحْبَسْ لِخَلْقٍ مُعْرَبِ
إلّا لأَحْمَدَ[1] أوله وَلِرَدِّها	وَلِحَبْسِها تَأْوِيلُ أَمْرٍ مُعْجِبِ

و چون در سنه (۴۹۸ هـ) شهر حلّه بنا شد و اتّفاقاً در جنب مسجد ردّالشمس واقع شد، و امرا و ملوک و علما و اعیان آن بلد غالباً از امامیّه و مخلصین اهل بیت‌ﷺ بودند این مسجد همیشه معمور و آباد بوده، و اگر گاهی خرابی به‌هم رسانیده فوراً اصلاح شده به‌خلاف مسجد جمجمه،

---

۱. لیوشع خ ل.

زیرا که چون در کنار راه واقع شده و از عبور و مرور شیعیان دور، لهذا بـه‌مرور ایّـام متروک و مهجور و خراب و ویران و اندک اندک اسمش هم از میان رفت، با آن‌که جماعتی از بزرگان علما مثل شیخ محمّد بن شهرآشوب، و قطب راوندی، و ابن حمزهٔ طوسی، و غیرهم، این مسجد شریف را در باب معاجز و در باب فضایل و مساجد منسوبه به آن حضرت ذکر کرده‌اند.

و بالجمله این مسجد همینطور متروک و مهجور بود، تا چهار سال قبل شیخ معظّم ما ثقة الإسلام نوری ـ جزاه اللّه خیرالجزاء ـ از نجف اشرف حرکت کرد و رفت به حلّه به‌جهت پیدا کردن آن مسجد شریف و به‌تعب شدید مکان آن را پیدا نموده و به همّت ایشان آن مسجد معلوم گشت و به دویست لیره مصارف آن را تعیین نمودند و مشافهةً و مکاتبةً به اهل خیر و ثروت اطّلاع داده و تحریص بر تعظیم این مشعر بزرگ خداوندی که افتخار شیعه است می‌نمود، و کسی پیدا نشد که غیرت دینی و عصبیّت مذهبی او را حرکت دهد تنها یا به اعانت و شراکت و راغبین در خیر اقدام نموده و این خانهٔ خراب خداوند را آباد و مصلّای جناب امیر المؤمنین عليه السلام را معمور و سخنان محو شد: کلّهٔ پوسیده را زنده و جماعت شیعه را مفتخر و سرافراز نماید، وَلَعَلَّ اللّهَ يُحدِثُ بَعدَ ذلكَ أمراً، و چون معلوم شد که آفتاب مطابق اخبار کثیره و مشهور میان امامیّه دو مرتبه بـرای آن جـناب برگشت حال می‌گوییم مطابق خبر آخر که از ابن شهر آشوب نقل نمودیم در مسجد بـراثـا نـیز برگشت، و این غریب نباشد، زیرا که در مقام بروز معجزه فرقی میان دو مرتبه و ده و صد نیست و برای انحصار در دو نوبت وجهی نیست، نهایت آن‌که دو مرتبه مشهور شد مثل جمله‌ای از معاجز و بعضی نشد. بلکه بزرگان اهل فن حدیث پیش از این نقل کرده‌اند و ابو الحسن بن شاذان در بیان، که کتابی است که نامیده آن را بیان برای ردّ شمس برای علی عليه السلام، و ذکر کرده که آفتاب برای آن حضرت مکرّر برگشته و هفده موضع بلکه زیاده از آن شماره کرده چنانچه بر متتبّع خبیر، ظاهر و مستتر است.

فضایل نواب اربعه که در بغداد مدفون‌اند

مقام سوم: زیارت نـوّاب اربعه عليهم السلام است

بدان‌که از جمله تکالیف زوّار در ایّام توقّف در بلدهٔ طیّبهٔ کاظمین عليهما السلام رفتن به بغداد است به جهت زیارت چهار نایب خاصّ امام عصر ـ صلوات اللّه علیه ـ که اگر هر یک از آن‌ها در بـلاد

بعیده بودند، سزاوار بود که انسان منازل بعیده طی کند و رنج و تعب سفر کشد و به فیض زیارت آن‌ها نایل گردد، زیرا که در میان تمام اصحاب خاص ائمه علیهم السلام به بزرگی و جلالت قدر ایشان کسی نمی‌رسد، قریب هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت میان امام علیه السلام و رعیّت فائز شدند، و بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی‌شمار جاری گردید و گفته شده که بعضی از علما قائل به‌عصمت ایشان شده، و مخفی نیست که هم‌چنانچه این بزرگواران در حیات خود واسطه بودند میان ولیّ عصر ـصلوات الله علیهـ و رعیّت، و از جملهٔ مناصب ایشان رسانیدن عرایض و رقعه‌های حاجت خلق بود به آن حضرت، حال نیز به‌همان منصب شریف مفتخرند، و باید رقاع حاجت که در شداید و سختی‌ها نوشته می‌شود به‌توسّط ایشان به آن حضرت برسد، چنانچه بعد از این معلوم گردد إن شاء الله تعالی.

و بالجمله فضایل و مناقب ایشان زیاده از آن است که ذکر شود و همین مقدار برای ترغیب زوّار به زیارتشان کافی است. و تفصیل اسامی و قبور شریفهٔ ایشان از این قرار است:

اوّل ایشان، ابوعمرو عثمان بن سعید اسدی است که حضرت هادی علیه السلام نصّ بر عدالت و امانت او فرموده بودند، و به شیعیان فرموده بود که: «آنچه او می‌گوید حق است، و از جانب ما می‌گوید». و وکالت و نیابت از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام نیز داشت، قبر شریفش در راه زوّار است اگر از بغداد عبور کنند، و چون از کاظمین علیهما السلام به آن‌جا روند، چون از کوچهٔ سرایه و دارالحکومه بگذرند در کوچهٔ دیگر به بازارچه‌ای رسند، در اوایل آن دری دارد و داخل شوند حیاط محقّری است که در آن درخت سدر و ایوان کوچکی که غالباً در آن معلّم اطفال می‌نشیند، و در آن‌جا قبّهٔ مختصری است، و قبر آن بزرگوار در آن‌جا در میان صندوقی است.

دوّم: ابوجعفر محمّد بن عثمان رحمه الله است که قائم‌مقام پدر بزرگوار خود گردید به نصّ او از جانب حجّت عصر ـصلوات الله علیهـ، و بعد از فوت پدرش، حضرت برای او نامه‌ای نوشتند مشتمل بر تعزیهٔ والد او و ذکر سعادت و صلاحیّت او آن مقام رفیع را، و چندین توقیع شریف از ناحیهٔ مقدّسه مشتمل بر سعادت او برای شیعیان بیرون آمد، و اجماع شیعه بر عدالت و نیابت او منعقد شده بود، و پیوسته در امور به او رجوع می‌کردند و کرامت‌ها وخوارق‌عادات بسیار از او ظاهر می‌شد، و کتاب‌ها در فقه نوشته و می‌فرمود، چنانچه شیخ صدوق رحمه الله از او روایت کرده: به خدا سوگند که حضرت صاحب الامر علیه السلام هر سال در موسم حجّ در مکّه و مشاعر حاضر می‌شود،

و مردم را می‌بیند و می‌شناسد، و مردم هم او را می‌بینند و نمی‌شناسند، و از آن‌جناب پرسیدند که آن حضرت را دیده؟ گفت: بلی، در این نزدیکی دیدم که به پرده‌های کعبه چسبیده بود در مستجار و می‌گفت: خداوندا با من انتقام بکش از دشمنان خود.

و شیخ طوسی رحمه الله و دیگران روایت کرده‌اند که آن بزرگوار خبر روز فوت خود را به مردم داد، و پیش از موت خود مهیّا شده بود، و قبری برای خود ساخته، و نقّاشی را امر کرده بود که در ساجه، آیات قرآنی و اسماء ائمه علیهم السلام در آن نقش کند، که او را تکیه‌گاه او قرار دهند، و روز فوتش همان روزی بود که خبر داده بود. و سال وفات آن‌جناب یا سیصد و پنج یا سیصد و چهار بود علی اختلاف. و قریب به پنجاه سال به این منصب عظیم مفتخر بود. و قبر شریفش در بغداد در نزدیک دروازه سلمان در میان قبرستان وسیعی با قبّهٔ عالیه و بنای محکم است، و در آن جاها معروف است به شیخ خلّانی.

سوّم: جناب ابوالقاسم حسین بن روح است که از طائفهٔ جلیلهٔ نوبختیین است که پیوسته آن طائفه علما و متکلّمین و صاحب تألیف بوده‌اند. و بعد از فوت محمّد بن عثمان تاج نیابت بر سر گذاشت و قائم مقام او شد به نصّ او از جانب صاحب الأمر علیه السلام، چنانچه جماعت بسیاری از محدّثین روایت کرده‌اند که چون نزدیک شد وفات محمّد بن عثمان، اکابر شیعه را طلبید و به همه گفت: اگر مرا مرگ دریابد امر نیابت و سفارت، با ابوالقاسم حسین بن روح است، و از جانب حضرت مأمور شده‌ام که او را نایب کنم، بعد از من رجوع به او کنید در امور خود. پس جمیع شیعه رجوع به او نمودند، و جناب ابوالقاسم زیاده از بیست و یک سال مشغول به امر سفارت بود، و مرجع جمیع امور شیعه بود، و به‌نحوی آن جناب در باب تقیّه تأکید داشت و مراعات این امر را می‌نمود، که اکثر مخالفان، او را از خود می‌دانستند و نهایت محبّت به او داشتند و اکرام و احترام او را فروگذاری نمی‌نمودند، و حکایات او در باب تقیّه معروف است از آن جمله آن‌که مسموع آن جناب شد که غلام دربان او، سبّ معاویه نموده او را از خدمت خود عزل نموده و بیرون کرد. و در سنه ۳۲۶ هـ به رحمت ایزدی پیوست. قبر شریفش در آخر کوچهٔ در بسته‌ای است که از وسط بازار عطّاران به آن‌جا داخل می‌شود در میان خانه‌ای است، و از قراری‌که شیخ ما علّامهٔ نوری ـطاب‌ثراهـ فرموده وقف است آن خانه، و لکن در سال طاعون عظیم، ارباب وقف هلاک و وقف‌نامه مفقود شد، لهذا بدست دیگران افتاده باید استیذان کرد و داخل شد، ایوان وقبّه و صندوقی باقی است، هنوز اهل خیری پیدا نشد این خانه را بخرد و صحن مختصر و چند ایوان و حوضی بسازد، که منافع خیریّه آن احصا ندارد علاوه بر تبجیل و تعظیم صاحب آن قبر شریف، زیرا که

غالب زوّار که شغل خرید و داد و ستد در بغداد دارند به زیارت این بزرگواران مشرّف شوند محلّ استراحت چند ساعتی به‌جهت خوردن غذا و انقضاء شدّت گرما و تطهیر و نماز لازم دارند، و در بغداد برای شیعه چنین محلّی نیست و غالباً خسته و گرسنه و نماز نکرده در آخر وقت خود را به کاظمین علیهما السلام می‌رسانند، و اگر این محل ساخته شود هزارها اعانت دینی و دنیوی و عرضی و جانی به هزارها از زوّار در هفته و ماه کرده می‌شود، چه مصارف‌های عظیمه در وجوه خیریّه کرده می‌شود که جز صورت تعظیم شعائر و نشر اسم بانی فایده‌ای ندارد، و از این خیرات جاریه و منافع متواتره غافل [نباید بود] به جهت غرور و اعتماد بر عقل ناقص خود و اعراض و مشورت نکردن با اهل دانش و بینش؛ و از این‌جاست که در خبر رسیده که میزان شناختن عقل آدمی دیدن مصارف خیریّهٔ اوست که به چه کسی می‌دهد، و در چه محلّی صرف می‌کند.

چهارم: شیخ جلیل معظّم ابوالحسن علیّ بن محمد سمری، که آخر نوّاب و وصیّ و قائم مقام حسین بن روح شد در سنه ۳۲۶، و سه سال امر نیابت در دست او بود، و در نیمهٔ شعبان سنه ۳۲۹ به رحمت حق تعالی واصل شد، و آن سال تناثرنجوم بود، زیراکه اکثر علما و محدّثین شیعه در آن سال به عالم بقا ارتحال نمودند، و ابتدای غیبت کبری شد، و این جناب روز وفات خود را معیّن کرد حسب توقیع شریف، که شش روز پیش از موتش رسیده بود، و چون در وقت احتضار بزرگان شیعه از نایب بعد از او سؤال کردند گفت: للّه امر هو بالغه. خدا را امری و حکمتی است کـه آن به‌عمل خواهد آمد. کنایه از آن‌که امر نیابت منقطع و ظلمت غیبت کبری عالم را فرو خواهد گرفت. قبر شریفش در نزدیک محراب مسجدی بزرگ در میان حجرهٔ بسیار تنگی که از آن حجره پنجره در میان بازار هراج باز می‌شود، و از این جهت بعضی به همان خواندن فـاتحه از مـقابل پنجره قناعت می‌کنند و خود را از تشرّف به زیارت آن جناب محروم می‌نمایند.

زیارت نواب اربعه

و امّا کیفیّت زیارت ایشان، پس به نحوی‌که شیخ طوسی رحمه الله در *تهذیب* و سیّد ابن طاووس رحمه الله در *مصباح الزّائر* ذکر کرده‌اند و نسبت داده‌اند آن را به جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله که فرموده در باب زیارت ایشان که: سلام می‌کنی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد از او به امیر المؤمنین و بر خدیجهٔ کبری و بر فاطمهٔ زهرا و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمه علیهم السلام تا صاحب الزّمان ـ صلوات اللّه علیه ـ پس می‌گوئی:

السّلامُ عَلَيْكَ يا فلان بن فلان[1] • أَشْهَدُ أَنَّكَ بابُ الوَلِيِّ أَدَّيْتَ عَنْهُ وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ • ما خالَفْتَهُ وَلا خالَفْتَ عَلَيْهِ • قُمْتَ خاصّاً وَانْصَرَفْتَ سابِقاً • جِئْتُكَ عارِفاً بِالْحَقِّ الَّذي أَنْتَ عَلَيْهِ • وَأَنَّكَ ما خُنْتَ[2] فِي التَّأْدِيَةِ وَالسِّفارَةِ • السَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ بابٍ ما أَوْسَعَكَ • وَمِنْ سَفيرٍ ما آمَنَكَ • وَمِنْ ثِقَةٍ ما أَمْكَنَكَ • أَشْهَدُ أَنَّ اللّهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتّى عايَنْتَ الشَّخْصَ فَأَدَّيْتَ عَنْهُ وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ.

پس برمی‌گردی و باز سلام می‌کنی بر رسول خدا ﷺ تا صاحب الزّمان ﷺ پس از آن می‌گویی:

جِئْتُكَ مُخْلِصاً بِتَوْحيدِ اللّهِ وَمُوالاةِ أَوْلِيائِهِ • وَالبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِهِمْ وَمِنَ الَّذينَ خالَفُوكَ يا حُجَّةَ المَوْلى • وَبِكَ اللّهُمَّ تَوَجُّهي • وَبِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسُّلي.

پس دعا می‌کنی و سؤال می‌کنی از حق تعالی آنچه را که می‌خواهی که اجابت می‌شود إن شاء اللّه تعالی.

و علامهٔ مجلسی ﷺ در بحار زیارت طویلی از برای جناب عثمان‌بن‌سعید از مؤلّفات اصحاب نقل کرده، مقام را گنجایش ذکر آن نیست، و مخفی نماند که زیارت مذکور اگر چه از نایب سوّم ابوالقاسم حسین بن روح مأثور است امّا می‌توان گفت که از حضرت حجّت عصر ـ صلوات اللّه علیه ـ شنیده، و از آن ناحیهٔ مقدّسه به او رسیده، چه آن‌که ایشان هر چه گویند از آن‌جا مأخوذ است چنانچه خود جناب ابوالقاسم ﷺ در خبری فرموده: «لَئِنْ أَخِرُّ مِنَ السَّماءِ فَتَخْطَفُنِي الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِيَ الرِّيحُ فِي مَكانٍ سَحيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللّهِ تَعالَى ذِكْرُهُ بِرَأْيِي وَمِنْ عِنْدِ نَفْسِي» [یعنی] اگر از آسمان بیفتم بر روی زمین پس بربایند مرا مرغان یا باد مرا ببرد در مکان‌های دور بیندازد، بهتر است نزد من از آن‌که بگویم در دین خدای تعالی به رأی خود و از پیش نفس خودم. و این مطلب نزد کثیری از

---

۱. به جای فلان بن فلان اسم صاحب قبر و پدرش را باید ببرد.
۲. خُنْتَ خ ل.

علما در حیّز قبول واقع شده، و لهذا علّامهٔ مجلسی‌ﷺ در *تحفة الزّائر* و کتاب *زادالمعاد* دعاهایی که از آن‌ها نقل شده به حضرت صاحب الامرﷺ نسبت می‌دهد، چنانچه بر ناظر حدیث مبشّر بن عبدالعزیز که در آخر فصل زیارت حضرت رسول خدا ﷺ در *تحفه* واقع شده و دعای افتتاح و دعای بعد از نماز صبح روز فطر که در *زاد المعاد* است ظاهر است.

و از جملهٔ قبور مشهوره در بغداد نزد عامّهٔ مردم قبر قنبر است، و فقیر گوید که بودن این قبر، قبر جناب قنبر غلام امیر المؤمنینﷺ بعید است، زیرا که حجّاج لعین او را بـه درجـهٔ شـهادت رسانید آن زمانی که حجّاج در کوفه بود و در آن زمان بغداد هنوز بنا نشده بود و ظاهر آن است که قبر جناب قنبر در همان نزدیکی قبر جناب کمیل است که آن‌جناب هم به دست حجّاج ملعون شهید شده در کوفه. و علما نوشته‌اند که از اصحاب جناب امیر المؤمنینﷺ در آن‌جا جـماعت بسیاری مدفون هستند، که یکی از آن‌ها است جناب کمیل، و امّا این قبر که در بغداد معروف به قبر قنبر است شنیدم از بعضی علما ناقدین بصیر، که احتمال می‌داد که آن، قبر قنبر غلام امـام عـلیّ نقی‌ﷺ بوده باشد، والله اعلم.

مقام چهارم: در زیارت جناب سلمان است

بدان‌که از تکالیف مهمّهٔ زوّار در کاظمینﷺ رفتن به مداین است به جهت زیـارت سـلمان محمّدی که جلالت قدر و عظمت شأنش بر همه کس معلوم است، و مودّت و اختصاص او نسبت به آستان مقدّس نبویﷺ به جایی رسید که از زبان مبارک آن سرور به مضمون عنایت مشحون «سلمان منّا اهل البیت» سرافراز گردید، ولنعم ما قیل:

کَانَتْ مَوَدَّةُ سَـلْمَانٍ لَـهُ نَسَـباً   وَلَمْ یَکُنْ بَیْنَ نُوحٍ وَابْنِهِ رَحِماً

و توسّل و اختصاص او به حضرت مرتضی ـ صلوات الله علیه ـ و تابعیّت او در جمیع امور روشن‌تر از نور بر شاهق طور است. و قاضی نور الله شهید گفته که شیخ شهیدﷺ در حاشیهٔ قواعد از کتاب *صفوة الصّفوة* نقل نموده که سلمان از بنی کنده زن خواسته بود، و به تحقیق که او را دو پسر بوده، و از ایشان نسل و نتایج بسیار حاصل شد، و بعضی از ایشان در آن ولایت بودند و همه اهل فضل و دانش بوده‌اند، چنانکه کتب رجال بر آن دالّ است، و آنچه میان جهّال و قلندران مشهور

است که سلمان محبوب[1] بوده و این که می‌گویند هرگز تأهل نکرده، غلط و مهمل است.

و از تاریخ گزیده نقل شده که مدّت عمر سلمان به روایت اقلّ دویست و پنجاه سال و به روایت اکثر سیصد و پنجاه سال بود، و در سنهٔ (۳۶ هـ) در مداین وفات یافت. و برای شوق زائرین و رغبتشان به زیارت آن جناب کافی است تأمّل در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امّت به این‌که حضرت امیرالمؤمنین﷣ در یک شب از مدینه به مداین رفت و به دست مبارک او را غسل داد و کفن نمود و نماز کرد بر او با صفوفی از ملائکه، و همان شب به مدینه مراجعت فرمود. زهی شرافت مودّت و محبّت به خانواده رسالت که انسان را به این مرتبه از جلال و عظمت رساند.

و شیخ مرحوم علّامه نوری﵀ فرموده که: در قدیم الایّام از بعضی فضلا شنیدم روایتی که مضمونش این بود: «إتمام الزّيارة بزيارة سرّ من رأى و إكمالها بزيارة سلمان». [یعنی] در عراق به زیارت ائمهٔ سرّ من رأی﷨ زیارت تمام می‌شود و به زیارت سلمان کامل می‌شود.

و بعد از آن، آنچه تفحّص کردم اثری از آن نیافتم، حتّی در پشت کتابی مثل چند خبر دیگر که شهرتی دارد در عراق و اصلی ندارد و در هیچ کتابی دیده نشده. چنانچه از حضرت رضا﷣ نقل کنند که فرمود: «هر کس قدرت ندارد به زیارت من بیاید، پس زیارت کند برادرم قاسم را، که در عذارات که از توابع حلّه است مدفون است». و اهل نجف را عقیده آن‌که حضرت سیّد الشّهداء﷣ فرمود: «هرکه نتواند به زیارت من بیاید در ایّام زیارات مخصوصه مثل اوّل و نیمهٔ رجب و نیمهٔ شعبان و لیالی قدر و عیدین و عرفه و عاشورا و اربعین پس زیارت کند پسر عمّم مسلم را در کوفه». و لهذا در این ایّام ازدحام عجیبی شود در مرقد جناب مسلم، و بسیار شود که در آن روز حضرت امیر المؤمنین﷣ را اصلا در نجف اشرف زیارت نکنند. و به جهت این خبر که تاکنون کسی از اصل آن نشانی نداده از فیض آن روز شریف خود را محروم نمایند.

به هر حال علوّ مقام جناب سلمان اجلّ از آن است که برای ترغیب زیارتش متمسّک به امور واهیه شد، و کافی است که شیخ طوسی در تهذیب بعد از زیارت ائمّه﷨ وشهدا و ثواب برای احدی زیارتی نقل نکرده جز از برای آن جناب، و فرموده زیارت سلمان﵀:

•

---

1. ظاهراً مراد مرحوم مؤلف «محبور» به معنی کاهن و تارک الدنیایی است که ازدواج نکرده باشد نه محبوب.

زيارت سلمان

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ سَلْمانَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا تابِعَ صِفْوَةِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ لَمْ يَتَمَيَّزْ مِنْ اَهْلِ الْإيمانِ[1]. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خالَفَ حِزْبَ الشَّيْطانِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ وَلَمْ يَخَفْ صَوْلَةَ السُّلْطانِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نابَذَ عَبَدَةَ الْاَوْثانِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ مَنْ تَبِعَ[2] الْوَصِيَّ زَوْجَ سَيِّدَةِ النِّسْوانِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يامَنْ جاهَدَ فِي اللّهِ مَرَّتَيْنِ مَعَ النَّبِيِّ وَالْوَصِيِّ اَبِي السِّبْطَيْنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ صَدَقَ فَكَذَّبَهُ اَقْوامٌ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ قالَ لَهُ سَيِّدُ الْخَلْقِ مِنَ الْإنْسِ وَالْجانِّ اَنْتَ مِنّا اَهْلَ الْبَيْتِ لا يُدانيكَ اِنْسانٌ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَوَلّى اَمْرَهُ عِنْدَ وَفاتِهِ اَبُوالْحَسَنَيْنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ جُوزِيتَ عَنْهُ بِكُلِّ اِحْسانٍ. السَّلامُ عَلَيْكَ فَلَقَدْ كُنْتَ عَلى خَيْرِ اَدْيانٍ. السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَتَيْتُكَ يا اَبا عَبْدِاللّهِ زائِراً قاضِياً فيكَ حَقَّ الْإمامِ. وَشاكِراً لِبَلائِكَ فِي الْإسْلامِ فَاَسْاَلُ اللّهَ الَّذي خَصَّكَ بِصِدْقِ الدّينِ وَمُتابَعَةِ الْخَيِّرينَ الْفاضِلينَ اَنْ يُحْيِيَني حَياتَكَ وَاَنْ يُميتَني مَماتَكَ. وَيَحْشُرَني مَحْشَرَكَ. وَعَلى اِنْكارِ مااَنْكَرْتَ. وَمُنابَذَةِ مَنْ نابَذْتَ. وَالرَّدِّ عَلى مَنْ خالَفْتَ. اَلا لَعْنَةُ اللّهِ عَلى الظّالِمينَ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ. فَكُنْ لي يا اَبا عَبْدِاللّهِ شاهِداً لي بِهٰذِهِ الزِّيارَةِ عِنْدَ اِمامي وَاِمامِكَ. جَمَعَ اللّهُ بَيْني وَبَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ في مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ. اِنَّهُ وَلِيُّ ذٰلِكَ وَالْقادِرُ عَلَيْهِ اِنْ شاءَ اللّهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ

---

۱. مِنْ أهل البيت خ ل. ۲. تابع ن و ل.

وَبَرَكاتُهُ. وَهُوَ قَريبٌ مُجيبٌ. وَصَلَّى اللهُ عَلى خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.

و بدان كه عالم جليل شيخ خضر شلال در مزار خود فرموده، سزاوار نيست ترک زيارت سلمان به آنچه ذكر نموده آن را در تهذيب از آنچه شكى نيست در روايت بودن آن هر چند روايت آن را نسبت نداده. و سيّد جليل علىّ بن طاووس در مصباح الزّائر اين زيارت را با سه زيارت ديگر نقل كرده و در كيفيّت زيارت گفته كه مى‌ايستى بر سر قبر او، و رو به قبله مى‌كنى و زيارت مى‌خوانى، و در آخر اين زيارت گفته: آن‌گاه نماز مى‌كنى نماز زيارت و آنچه خواهى، و بسيار دعا كن براى خود و از براى مؤمنين، و چون خواستى كه از زيارت او برگردى، پس بايست نزد قبر براى وداع و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ. أَنْتَ بابُ اللهِ الْمُؤْتىٰ مِنْهُ وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقّاً. وَنَطَقْتَ صِدْقاً. وَدَعَوْتَ إِلىٰ مَوْلايَ وَمَوْلاكَ عَلانِيَةً وَسِرّاً. أَتَيْتُكَ زائِراً وَحاجاتي لَكَ مُسْتَوْدِعاً. وَها أَنَا ذا مُوَدِّعُكَ. أَسْتَوْدِعُكَ ديني وَأَمانَتي وَخَواتيمَ عَمَلي. وَجَوامِعَ أَمَلي إِلىٰ مُنْتَهىٰ أَجَلي. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيارِ.

آنگاه خداى را بسيار بخوان و برگرد.

و شيخ مرحوم در تحفة الزّائر فرموده كه چون زائر به زيارت سلمان مشرّف شد، پس از زيارت دو تكليف ديگر دارد:

اوّل: نماز كردن در طاق كسرى دو ركعت يا زياده، چون آن‌جا مصلّاى حضرت اميرالمؤمنين است، چنانچه خبر آن را در نفس الرّحمن و كتاب مستدرک ذكر كرديم.

دوّم: زيارت كردن جناب حذيفه كه از بزرگان اصحاب رسول خدا و خاصّان امير المؤمنين است، و در ميان صحابه مخصوص بود به شناختن منافقين و دانستن نام‌هاى ايشان، و اگر در نماز جنازهٔ كسى حاضر نمى‌شد، خليفهٔ ثانى بر او نماز نمى‌كرد، و از جانب او سال‌ها در مداين والى بود، پس او را عزل كرد، و جناب سلمان والى آن‌جا شد، چون وفات كرد دوباره

حذیفه والی آن‌جا شد، و مستقر بود تا نوبت خلافت به شاه ولایت عليه السلام رسید؛ پس از مدینه رقمی مبارک به او، و فرمان همایونی به اهل مداین صادر شد و از خلافت خود و استقرار* حذیفه در آن‌جا به نحوی که بود اطّلاع دادند، و لکن حذیفه بعد از حرکت آن حضرت از مدینه به‌جانب بصره به‌جهت دفع شرّ اصحاب جمل و قبل از نزول موکب همایون به کوفه وفات کرد و در همان مداین مدفون شد، و در صحن آن جناب قبری دیگر هست معلوم نیست کیست، معروف است به قبر عبد الله انصاری، و معروف به این اسم دو نفرند یکی عبد الله بن حزام پدر جابر جلیل انصاری، و او از شهدای احد و با شهدا در آن‌جا مدفون است، دیگری عبدالله انصاری صوفی سنّی صاحب مناجات معروفه، و قبر او نیز در هرات است.

و در جنب حرم جناب سلمان مسجد جامع مداین است که منسوب است به حضرت امام حسن عليه السلام، که آن را ساخته یا در آن‌جا [فقط] نماز کرده [است]، معلوم نیست، از فیض دو رکعت نماز تحیّت در آن محلّ شریف خود را محروم نکند. و در میان ضریح مقدّس آن جناب ظرف آب‌خوری سفالی است کهنه، خدّام آن آستانه را اعتقاد آن است که این ظرف از خود آن جناب است و در این طول سنین و مرور ایّام و حوادث بی‌حساب [و غیر منتظره] سالم و از کرامت آن جناب باقی، و از زهد و قناعت آن معظّم با آن ریاست و ولایت که داشت به یادگار مانده، انتهی، والله العالم.

باب سوّم

دربیان فضیلت وکیفیّت زیارت ائمّهٔ سرّمن رأی علیهم السلام وتکلیف زوّار درآن جا

ومشتمل بر دو فصل است





فصل اوّل

در فضیلت و کیفیت زیارت عسکریین علیهما السلام و تکلیف زوّار در آن حرم شریف

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب *تهذیب* روایت کرده به سند معتبر از ابی‌هاشم جعفری که گفت: فرمود به من حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که: «قبر من در سرّ من رأی[1] امان است از برای اهل دو جانب» یعنی، امان است از برای اهل مشرق و مغرب از بلاها و عذاب خدا.

مؤلّف گوید که از احادیث، فضایل زیارت ائمّه عموماً فضیلت زیارت عسکریین علیهما السلام معلوم می‌شود و با بنای ما بر اختصار مناسب ذکر آن نیست.

بدان‌که عالم جلیل و فقیه نبیل صاحب کرامات باهره شیخ خضر شلال نجفی رحمه الله در کتاب *مزار* خود در باب زیارت عسکریین علیهما السلام فرموده که: شکی نیست در آن‌که ارجح در وقت زیارت حضرت امام علی نقی علیه السلام، متأخّر بودن از ضریح مبارک است به مقدار یک ذراع یا زیاده، زیرا که به ما رسیده که قبر مطهّر پیش از شباکی[2] است که در عصر ما منصوب است بر آن قبر شریف، و تأیید می‌کند این مقال را آن‌که من با جماعتی از علما و صلحا به زیارت آن حضرت مشرّف شدیم و با ما بود یکی از علویّین که حامل علم بود، پس مرا خبر داد به چیزی که ایشان را مشوّش و مضطرب کرده بود، به این‌که نزدیک ضریح مقدّس پشت به قبله ایستاده بود که ناگاه آوازی از ضریح مبارک بیرون آمد که از آن‌جا که ایستاده به عقب رود، و سببی برای دور شدن از آن مکان نیست، مگر آنچه ذکر شد که قبر مطهّر بیرون است از ضریح، انتهی.

و ضریح، همان ضریح پولادی شاه سلطان حسین مرحوم است که در عصر ایشان و تاکنون منصوب است. و مراد آن مرحوم از علوی حامل علم، آیت الله بحرالعلوم است به قراین عدیده، علاوه بر آن‌که صریحاً شنیدم از شیخ خود علّامهٔ نوری ـ طاب ثراه ـ که ایشان نیز شنیده بودند از شیخ خود، فقیه دهره و علّامهٔ عصره شیخ عبد الحسین طهرانی ـ طاب ثراه ـ که مراد آن مرحوم همان سیّد معظّم است، و شیخ مرحوم رحمه الله نیز در *تحفة الزّائر* این مطلب را ذکر نموده.

پس به کیفیت زیارت ایشان می‌پردازیم: چون زیارت کنی قبر امام علی نقی و امام حسن

---

۱. اکنون «سامراء» نامیده می‌شود.

۲. شُبّاک: ضریح، پنجرهٔ فولاد.

عسکری ﷺ را، پس غسل کن، و بعد از رعایت آداب دخول در حرم‌های شریفه، با تأنّی و وقار روانه شو تا به درِ حرم مطهّر، و اذن دخول عمومی سابق را، پس داخل حرم شو و آن دو امام ﷺ را به این الفاظ که اصحّ زیارات است زیارت کن:

السَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللّهِ ۞ السَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَيِ اللّهِ ۞ السَّلامُ عَلَيْكُما يا نُورَيِ اللّهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ ۞ السَّلامُ عَلَيْكُما يا مَنْ بَدا[1] لِلّهِ في شَأْنِكُما ۞ أَتَيْتُكُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُما ۞ مُعادِياً لِأَعْدائِكُما ۞ مُوالِياً لِأَوْلِيائِكُما ۞ مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ ۞ كافِراً بِما كَفَرْتُما بِهِ ۞ مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما ۞ مُبْطِلاً لِما أَبْطَلْتُما ۞ أَسْأَلُ اللّهَ رَبِّي وَرَبَّكُما أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكُمَا الصَّلاةَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ۞ وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرافَقَتَكُما فِي الْجِنانِ مَعَ آبائِكُما الصّالِحينَ ۞ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ ۞ وَيَرْزُقَنِي شَفاعَتَكُما وَمُصاحَبَتَكُما ۞ وَيُعَرِّفَ بَيْني وَبَيْنَكُما ۞ وَلا يَسْلُبَنِي حُبَّكُما وَحُبَّ آبائِكُمَا الصّالِحينَ ۞ وَأَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما ۞ وَيَحْشُرَني مَعَكُما[2] فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ ۞ اَللّهُمَّ ارْزُقْني حُبَّهُما ۞ وَتَوَفَّني عَلى مِلَّتِهِما ۞ اَللّهُمَّ الْعَنْ ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ ۞ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ ۞ اَللّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ ۞ وَأَبْلِغْ بِهِمْ وَبِأَشْياعِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمُتَّبِعيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ ۞ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ۞ اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ ۞ وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ فَرَجِهِمْ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و جهد [و تلاش] می‌کنی در دعا کردن از برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن، و اگر توانی به نزدیک قبر ایشان بروی، دو رکعت نماز نزد قبر بکن، و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن، و هر دعا که خواهی بکن که مستجاب است، و این مسجد پهلوی خانهٔ ایشان است، و حضرت امام علیّ نقی و امام حسن عسکری ﷺ در آن نماز می‌کرده‌اند.

---

۱. بَدأ اللهُ خ ل.

۲. وَيَجْمَعَ بَيْني وَبَيْنَكُما، كذا في مزار محمّد ابن المشهدي ومزار الشهيد (منه ﷺ).

مؤلّف گوید که: این زیارت موافق روایت *کامل الزیارات* بود. و شیخ محمّد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در *مزار* خود نقل کرده‌اند با اختلافی جزئی، و بعد از فقرهٔ: «فـي الجنّة برحمته» فرموده‌اند: آن‌گاه برو و بینداز خود را بر هر یک از آن دو قبر و ببوس آن را و بگذار طرف روی راست، و چپ خود را بر قبر، و بعد از آن سر بردار و بگـو: **اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِمْ...** تا آخر زیارت که گذشت. پس گفته‌اند که چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر مقدّس، و بعد از نماز زیارت، هر قدر نماز که خواهی بگذار... الخ.

و مستور نماند که آن دو بزرگوار در خانهٔ خود دفن شدند، و برای آن دري بود که گاهی باز می‌کردند و شیعیان داخل می‌شدند، و در نزد قبر زیارت می‌کردند، و گاهي بسته بود از بیرون مقابل شباکی[1] که در دیوار مقابل قبر مطهّر بود زیارت می‌کردند؛ و در صدر همین خبر زیارت مذکور است که: غسل می‌کنی و به نزد قبر ایشان می‌روی اگر توانی رفت، و اگرنه اشاره می‌کنی به سلام مقابل شبکه که باز می‌شود به سوی قبر، و چنین زائر، نماز زیارت خود را در مسجد بکند، و چون به همّت موالیان آن خانه برداشته شد و به جای آن قبّه و حرم و رواق و ایوان ساخته شد، آن مسجد داخل در حرم شد، و الان معروف است که ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین علیهما السلام متّصل است به رواق همان مسجد مذکور است، به هر حال زوّار از آن جهت آسوده شدند. و برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوصه به هر کدام، و مشترک میان هر دو بزرگوار در کتب مزاریّه مذکور است، اگر راغب شدند نسخهٔ آن بسیار است، و اگر زائر را حالی [و فرصت] ومجالي باشد بسیار مناسب است که زیارت جامعهٔ کبیره را، که بعد از این مذکور گردد إن شاء اللّه تعالی بخواند، زیرا که صدور آن کلمات بلیغه دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلّل و اعتراف به عظمت و جلالت ائمه علیهم السلام از مصدر جلال حضرت هادی علیه السلام است.

و بدان که زیارت عسکریین علیهما السلام در اوقات شریفه و ازمنهٔ مخصوصه به ایشان اولی و انسب است، خصوصاً روز ولادت حضرت هادی علیه السلام که موافق مشهور پانزدهم ذي‌الحجّه است، و به روایت ابن عیّاش دوّم رجب یا پنجم آن، و به روایت ابراهیم بن هاشم قمی سیزدهم رجب است. و روز وفات آن حضرت که سوّم ماه رجب است بنابر مشهور، یا بیست و هفتم ماه ذي‌الحجّه است

---

۱. شُبّاک: ضریح، پنجرهٔ فولاد.

بنابر قول شیخ کلینی و مسعودی صاحب مروج الذّهب. و روز امامت آن حضرت که آخر ذی‌القعده یا یازدهم اوست. و روز ولادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که دهم ماه ربیع‌الثّانی است بنابر قول شیخ طوسی ومفید، یا هشتم یا چهارم آن ماه. و روز وفات آن حضرت که هشتم ماه ربیع الأوّل است به قول شیخ کلینی و ابن طاووس و شهید و اکثر علما، یا اوّل آن [ماه] به قول شیخ طوسی و کفعمی. و روز خلافت آن حضرت که روز وفات والد بزرگوار اوست.

و امّا تکلیف زوّار در آن حرم شریف پس از زیارت آن دو امام علیهما السلام سه چیز است:

اوّل: مکرّر خواندن این دعای شریف را پیش از نماز زیارت و بعد از آن، و در هر حال، چنانچه در حدیث معتبر منقول است که منصوری به خدمت حضرت امام علیّ نقی علیه السلام عرض کرد که: ای سیّد من، دعایی تعلیم من بفرما، که تقرّب جویم به سوی حق تعالی به آن دعا. حضرت فرمود: «این دعایی است که من بسیار می‌خوانم، و از خدا سؤال کرده‌ام که هرکه این دعا را در روضهٔ من بخواند خدا او را نا امید بر نگرداند، و آن دعا این است:

يا عُدَّتي عِنْدَ الْعُدَدِ ﴿ وَيا رَجائي وَالْمُعْتَمَدُ ﴿ وَيا كَهْفي وَالسَّنَدُ ﴿ وَيا واحِدُ يا اَحَدُ ﴿ وَيا قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ﴿ أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَلَمْ تَجْعَلْ في خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ اَحَداً ﴿ صَلِّ عَلىٰ جَماعَتِهِمْ ﴿ وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا» و به جای [وافعل بی کذا وکذا] ، حاجات خود را بخواهد.

زیارت جناب نرجس خاتون

دوّم: زیارت کردن ملکهٔ دنیا و آخرت و حامل خاتم ولایت و بقیّهٔ اهل بیت رسالت نرجس خاتون مادر حضرت صاحب الامر علیه السلام به آنچه شیخ مفید و سیّد و شهید در *مزار* خود نقل کرده‌اند و شیخ محمّد بن المشهدی در *مزار* خود فرموده که این زیارت را شخصی از اهل بحرین برای من خواند و شنیدم که آن معظّمه را به این قسم زیارت می‌کرد، و آن زیارت این است که می‌ایستی پشت سر ضریح مقدّس عسکریین علیهما السلام و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ الصّادِقِ الْأَمينِ ﴿ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَوْلانا عَلِيٍّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ ﴿ اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الطّاهِرينَ الْحُجَجِ الْمَيامينَ ﴿ اَلسَّلامُ عَلىٰ

والِدَةِ الإِمامِ وَالْمُودَعَةِ اَسْرارِ الْمَلِكِ الْعَلّامِ. وَالْحامِلَةِ لِاَشْرَفِ الْاَنامِ. السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا شَبِيهَةَ اُمِّ مُوسى. وَابْنَةَ حَوارِيِّ عِيسىٰ. السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ. السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ. السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْاِنْجِيلِ. الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللّٰهِ الْاَمِينِ. وَمَنْ رَغِبَ فِي وُصْلَتِها مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ. وَالْمُسْتَوْدَعَةُ اَسْرارَ رَبِّ الْعالَمِينَ. السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ آبائِكِ الْحَوارِيِّينَ. السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ بَعْلِكِ وَوَلَدِكِ. السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ الطّاهِرِ. اَشْهَدُ اَنَّكِ اَحْسَنْتِ الْكَفالَةَ. وَاَدَّيْتِ الْاَمانَةَ وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضاتِ اللّٰهِ. وَصَبَرْتِ فِي ذاتِ اللّٰهِ. وَحَفِظْتِ سِرَّ اللّٰهِ. وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللّٰهِ. وَبالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللّٰهِ. وَرَغِبْتِ فِي وُصْلَةِ اَبْناءِ رَسُولِ اللّٰهِ. عارِفَةً بِحَقِّهِمْ. مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ. مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ. مُسْتَبْصِرَةً بِاَمْرِهِمْ. مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ. مُؤْثِرَةً هَواهُمْ. وَاَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ اَمْرِكِ مُقْتَدِيَةً بِالصّالِحِينَ. راضِيَةً مَرْضِيَّةً. تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً. فَرَضِيَ اللّٰهُ عَنْكِ وَاَرْضاكِ. وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَمَأْواكِ. فَلَقَدْ اَوْلاكِ مِنَ الْخَيْراتِ ما اَوْلاكِ. وَاَعْطاكِ مِنَ الشَّرَفِ ما بِهِ اَغْناكِ. فَهَنَّاكِ اللّٰهُ بِما مَنَحَكِ مِنَ الْكَرامَةِ وَاَمْراكِ.

پس سر خود را بالا می‌کنی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اِيّاكَ اعْتَمَدْتُ. وَلِرِضاكَ طَلَبْتُ. وَبِاَوْلِيائِكَ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ. وَعَلىٰ غُفْرانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ. وَبِكَ اعْتَصَمْتُ. وَبِقَبْرِ اُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. وَانْفَعْنِي بِزِيارَتِها. وَثَبِّتْنِي عَلىٰ مَحَبَّتِها. وَلا تَحْرِمْنِي شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ وَلَدِها. وَارْزُقْنِي مُرافَقَتَها. وَاحْشُرْنِي مَعَها وَمَعَ وَلَدِها. كَما وَفَّقْتَنِي لِزِيارَةِ وَلَدِها وَزِيارَتِها. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِالْاَئِمَّةِ الطّاهِرِينَ. وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيامِينِ مِنْ آلِ طٰهٰ وَيٰسٓ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ ۞ وَأَنْ تَجْعَلَني مِنَ الْمُطْمَئِنّينَ الْفائِزينَ الْفَرِحينَ الْمُسْتَبْشِرينَ ۞ الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ ۞ وَاجْعَلْني مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ ۞ وَيَسَّرْتَ أَمْرَهُ ۞ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ ۞ وَآمَنْتَ خَوْفَهُ ۞ اللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ۞ وَعَجِّلْ لَهُمْ بِانْتِقامِكَ ۞ وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي إيّاها ۞ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إلَيْها أبَداً ما أبْقَيْتَني ۞ وَإذا تَوَفَّيْتَني فَاحْشُرْني في زُمْرَتِها ۞ وَأدْخِلْني في شَفاعَةِ وَلَدِها وَشَفاعَتِها ۞ وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ ۞ وَ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ ۞ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا ساداتي وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

و بدان که قبر شریف نرجس خاتون در پشت سر حضرت عسکری علیه السلام است، و قبر آن حضرت پشت سر والد بزرگوارش امام علیّ النقیّ علیه السلام است.

زیارت حضرت حکیمه خاتون

سوّم: زیارت کردن حکیمه خاتون نه حلیمه که در ألسنهٔ عوام[1] دایر شده، و این معظّمهٔ جلیلهٔ نجیبه دختر امام محمّد تقی علیه السلام و خواهر امام علی النقی علیه السلام و عمّهٔ امام حسن عسکری علیه السلام و درک خدمت چهار امام نموده، و حضرت هادی علیه السلام مکرّمه نرجس خاتون را به او سپرد که معالم دین و احکام شرع را به او بیاموزد، و به آداب الهیّه او را تربیت کند، و بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منصب سفارت داشت از جانب امام عصر ـ صلوات اللّه علیه ـ و عرایض خلق را به آن حضرت و توقیعات شریفه که از آن ناحیهٔ مقدّسه صادر می‌شد به مردم می‌رساند، و مفتخر شد به قابله گری صاحب الامر علیه السلام و به رسیدگی به امور ولادت آن جناب، چنانچه عمّهٔ این معظّمه، حکیمه خاتون دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرّف شده به منصب قابله‌گری [فرزند] برادرش امام محمّد تقی علیه السلام، چنانچه تصریح فرموده به این مطلب علّامهٔ بحر العلوم در کتاب رجال خود، و این جلیله اوّل کسی است که به شرف دیدن حجّت عصر علیه السلام فائز شد بعد از والدهٔ مکرّمه‌اش، و اوّل کسی است که آن جناب را بوسید و در آغوش گرفت، و به نزد پدر

---

۱. زبان‌های عوام.

بزرگوارش برد، و دوباره به نرجس خاتون برگردانید.

و بالجمله در میان سادات علویّه وبنات هاشمیّه از جهت فضایل و مناقب و عبادت و تقوی و علم ممتاز، و به حمل اسرار امامت سر افراز بود. و علما تصریح کرده‌اند به استحباب زیارت آن مخدّره، و قبر شریفش در پایین پا ملاصق به ضریح حضرت عسکریین علیهما السلام است، و ضریح علی حده دارد، و در کتب مزار زیارت مخصوصی برای او ذکر نشده. علّامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده: نمی‌دانم به چه سبب علما متعرّض نشدند از برای زیارت آن مخدّره با آن مرتبه فضیلت و جلالت که از برای اوست. و علّامهٔ طباطبایی بحرالعلوم رحمه الله فرموده که: ذکر نکردن زیارت آن معظّمه با این جلالت چنانچه خال مفضالم [= دایی فاضلم] یعنی مجلسی فرموده: عجیب است و عجیب‌تر آن‌که جمعی از صاحبان تواریخ و سیر، آن حضرت را در اولاد حضرت جواد علیه السلام ذکر نفرموده‌اند.

و بالجمله، پس سزاوار است از برای زائر در زیارت آن مخدّره آن‌که او را زیارت کند به الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام بعد از این ذکر می‌شود، یا زیارت کند او را به آنچه جاری می‌شود بر لسان او از الفاظی که مناسب با شأن آن جلیله است، چنانچه علّامهٔ مجلسی فرموده. و فقیر گمان می‌کنم که انسب آن است که زیارت کرده شود به این الفاظ که در زیارت عمّهٔ او حضرت فاطمه بنت موسی علیهما السلام وارد شده، وبعضی از علما در مزار خود تصریح کرده به خوبی [ومناسب بودن] خواندن آن در سایر روضات اولاد ائمه علیهم السلام، و خود هم در زیارت جناب عبد العظیم رحمه الله چنین نموده، چنانچه در باب خودْ اشاره به آن خواهیم نمود إن شاء اللّه تعالی. و آن زیارت چنین است که می‌ایستی رو به قبله و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلى آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلى نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلى اِبْراهيمَ خَليلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلى مُوسى كَليمِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلى عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللّٰهِ خاتَمَ النَّبِيّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلِيَّ بْنَ اَبي طالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا سِبْطَيِ [نَبِيِّ] الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعابِدينَ وَقُرَّةَ عَيْنِ النّاظِرينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ باقِرَ الْعِلْمِ

بَعْدَ النَّبِيِّ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ الْبارَّ الْأَمينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الطُّهْرَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضى. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيَّ النّاصِحَ الْأَمينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. السَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نُورِكَ وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ وَخَديجَةَ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا أُخْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكِ عَرَّفَ اللّٰهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَحَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ. وَأَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللّٰهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ. وَأَنْ يَجْمَعَنا وَإِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنْ لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ. إِنَّهُ وَلِيٌّ قَديرٌ. أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ. وَالتَّسْليمِ إِلَى اللّٰهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ. وَعَلى يَقينِ ما أَتىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ راضٍ. نَطْلُبُ بِذٰلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدي اَللّٰهُمَّ وَرِضاكَ وَالدّارَ الْآخِرَةَ. يا حَكيمَةُ اشْفَعي لي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكِ عِنْدَ اللّٰهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعادَةِ فَلا تَسْلُبْ مِنّي ما أَنَا فيهِ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعافِيَتِكَ. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و معروف است که در نزد قبر حضرت عسکریین علیهما السلام قبور جمله‌ای از سادات عظام است، مثل

حسین پسر امام علیّ النّقی علیه السلام وغیره، و چون خواستی وداع کنی ایشان را، پس چنانچه شیخ طوسی رحمه الله گفته نزد قبر بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللّٰهِ، اَسْتَوْدِعُكُما اللّٰهَ، وَاَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلامَ آمَنّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُما بِهِ، وَدَلَلْتُما عَلَيْهِ، اللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ.

این فقره را شیخ ذکر نکرده، بلکه فرموده پس سؤال کن از خدا عود[1] به زیارت آن دو جناب را، و بخوان آنچه می‌خواهی:

اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي اِيّاهُما، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ اِلَيْهِماوَاحْشُرْني مَعَهُما وَمَعَ آبائِهِما الطّاهِرينَ وَالْقائِمِ الْحُجَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِما يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

فصل دوّم

در آداب دخول سرداب مطهّر و کیفیّت زیارت ولیّ زمان و بقیّة الله فی الأرضین حضرت صاحب الأمر حجّت ابن الحسن

ـ صلوات الله و سلامه علیه و کحّل الله عیوننا بالنّظر الیه ـ

و قبل از شروع تنبیه کنیم بر امری که شیخ مرحوم در کتاب تحیّه اشاره به آن نموده و آن امر آن است که این سرداب مطهّر داخل در خانه آن بزرگواران بود، و راه دخول در آن سرداب در قدیم قبل از بنای جدید و ساختن صحن و قبّه و حرم از پشت سر نزدیک به قبر نرجس خاتون بود، و شاید حال در رواق باشد آن‌جا پایین می‌رفتند و دالان دراز تاریکی داشت، چون از آن‌جا می‌گذشتند به در سرداب غیبت می‌رسیدند، که حال آیینه کاری شده و پنجره از آن، از طرف قبله به صحن عسکریین علیهما السلام باز می‌شود، و آن در از وسط این سرداب باز می‌شد، که حال کاشی دیوار به جای آن را به شکل محرابی ساخته‌اند. و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از یک حرم می‌شد، و لهذا شهید اوّل در مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده، پس از آن زیارت

---

۱. برگشتن.

نرجس خاتون و حکیمه خاتون را. و در یکصد سال و اندی قبل، مؤیّد مسدّد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر خرج کرد و صحن آن دو امام علیهما السلام را به نحوی که الان موجود است جدا نمود، و برای آن روضه و رواق و قبّهٔ عالیه برپا نمود، و برای سرداب مطهّر صحنی علی‌حده و ایوانی و راهی و پله‌ای جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت، چنانچه حال دیده می‌شود، و آن راه اوّل و پلّه‌ها و درِ سرداب بالمرّه مسدود شد و نشانی از آن‌ها نیست. و محلّی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نماند، و لکن محلّ جمله‌ای از زیارات که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده و امّا استیذان و خواندن اذن دخول، پس به حسب استقرا در همه زیارت و تصریح علما بر هر دری که از آن‌جا مرسوم شده دخول در آن حرم از هر امامی که باشد باید رعایت کرد، و در آن حرم محترم بی‌اذن داخل نباید شد. الحال شروع کنیم در کیفیّت زیارت:

زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مطهّر

و بدان که اذن دخول خاصّ به سرداب مطهّر همان زیارت طویله است که علّامهٔ مجلسی رحمه الله در تحفه ایراد فرموده و صدر آن این است: **السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ اللهِ وَخَليفَةَ آبائِهِ الْمَهْدِيّينَ**، و در آخر آن استیذان می‌شود، و باید آن را در درِ سرداب پیش از پایین رفتن از پلّه‌ها خواند. و سیّد ابن طاووس اذن دخولی دیگر نقل فرموده قریب به همان اذن دخولی [است] که در فصل دوّم از باب اوّل [صفحه ۴۱] ذکر نمودیم و ما اکتفا به همان می‌نماییم، پس به آن‌جا رجوع شود، و به آن کلمات استیذان شود. پس از آن برود داخل سرداب مطهّر شود [و] زیارت کند آن حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده‌اند، چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی رحمه الله در کتاب شریف *احتجاج* روایت کرده که از ناحیهٔ مقدّسه بیرون آمد به سوی محمّد حمیری بعد از جواب از مسایلی که از آن حضرت سؤال کرده بود:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ ◆ لا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلا مِنْ أَوْلِيائِهِ تَقْبَلُونَ ﴿حِكْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِي النُّذُرُ﴾ ◆ السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى عِبادِهِ الصّالِحينَ.

هرگاه خواستید به وسیلهٔ ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما توجّه کنید، پس بگویید چنانچه خدای تعالی فرموده:

سَلامٌ عَلىٰ آلِ ياسينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا داعِيَ اللّٰهِ وَرَبّانِيَّ آياتِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللّٰهِ وَدَيّانَ دينِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ اللّٰهِ وَناصِرَ حَقِّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ وَدَليلَ إِرادَتِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ كِتابِ اللّٰهِ وَتَرْجُمانَهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ في آناءِ لَيْلِكَ وَأَطْرافِ نَهارِكَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ اللّٰهِ في أَرْضِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا ميثاقَ اللّٰهِ الَّذي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَعْدَ اللّٰهِ الَّذي ضَمِنَهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ. وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ. وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْواسِعَةُ وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقُومُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقْعُدُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُصَلّي وَتَقْنُتُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ. السَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُصْبِحُ وَتُمْسي. السَّلامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشىٰ وَالنَّهارِ إِذا تَجَلّىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُونُ. السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ. السَّلامُ عَلَيْكَ بِجَوامِعِ السَّلامِ. أُشْهِدُكَ يا مَوْلايَ أَنّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ. وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. لا حَبيبَ إِلّا هُوَ وَأَهْلُهُ. وَأُشْهِدُكَ يا مَوْلايَ أَنَّ عَلِيّاً أَميرَ الْمُؤْمِنينَ حُجَّتُهُ. وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ. وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ. وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ. وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ. وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ. وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ. وَعَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ حُجَّتُهُ. وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ. وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ. وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ. أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ. وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لا رَيْبَ فيها يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ في إيمانِها خَيْراً. وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ. وَأَنَّ ناكِراً

وَنَكيراً حَقٌّ، وَاَشْهَدُ اَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَاَنَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَالْميزانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ حَقٌّ، وَالنّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعيدَ بِهِما حَقٌّ، يا مَوْلايَ شَقِيَ مَنْ خالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ اَطاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلىٰ ما اَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَاَنَا وَلِيٌّ لَكَ بَريءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ ما رَضيتُمُوهُ، وَالْباطِلُ ما اَسْخَطْتُمُوهُ[1]، وَالْمَعْرُوفُ ما اَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ ما نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسي مُؤْمِنَةٌ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَبِكُمْ يا مَوْلايَ اَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتي خالِصَةٌ لَكُمْ آمينَ آمينَ.

و بعد از آن این دعا خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَاَنْ تَمْلَاَ قَلْبي نُورَ الْيَقينِ، وَصَدْري نُورَ الْإيمانِ، وَفِكْري نُورَ النِّيّاتِ، وَعَزْمي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِساني نُورَ الصِّدْقِ، وَديني نُورَ الْبَصائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَري نُورَ الضِّياءِ، وَسَمْعي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتي نُورَ الْمُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، حَتّىٰ اَلْقاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَميثاقِكَ، فَتُغَشِّيَني رَحْمَتُكَ يا وَلِيُّ يا حَميدُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ [بْنِ الحسنِ] حُجَّتِكَ في اَرْضِكَ، وَخَليفَتِكَ في بِلادِكَ، وَالدّاعي اِلىٰ سَبيلِكَ، وَالْقائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثّائِرِ بِاَمْرِكَ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنينَ، وَبَوارِ الْكافِرينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنيرِ الْحَقِّ، وَالنّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التّامَّةِ في اَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخائِفِ، وَالْوَلِيِّ النّاصِحِ، سَفينَةِ النَّجاةِ، وَعَلَمِ الْهُدىٰ، وَنُورِ اَبْصارِ الْوَرىٰ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدىٰ، وَمُجَلِّي الْعَماءِ[2] الَّذي يَمْلَاُ

---

۱. سَخِطْتُمُوهُ خ ل. ۲. الْعَمىٰ خ ل.

الْاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً. اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيائِكَ الَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ. وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ. وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً. اللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدينِكَ. وَانْصُرْ بِهِ اَوْلِياءَكَ وَاَوْلِياءَهُ وَشيعَتَهُ وَاَنْصارَهُ. وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ. اللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِكَ. وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ. وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ اَنْ يُوصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ. وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ. وَآلَ رَسُولِكَ. وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ. وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ. وَانْصُرْ ناصِريهِ. وَاخْذُلْ خاذِليهِ. وَاقْصِمْ قاصِميهِ. وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ. وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفّارَ وَالْمُنافِقينَ وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها بَرِّها وَبَحْرِها. وَامْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلاً. وَاَظْهِرْ بِهِ دينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصارِهِ وَاَعْوانِهِ وَاَتْباعِهِ وَشيعَتِهِ. وَاَرِني في آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ما يَأْمُلُونَ. وَفي عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ. اِلٰهَ الْحَقِّ آمينَ. يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

زیارت دیگر در سرداب مقدّس

زیارت دیگر از برای آن حضرت، شیخ محمّد بن المشهدی و سیّد بن طاووس و دیگران گفته‌اند در زیارت آن حضرت، که می‌روی به نزد سرداب شریف و بایست مابین دو در، و درها را به دست خود بگیر و تنحنح کن مثل کسی که استیذان و رخصت داخل شدن طلبد، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ بگو و با تأنّی و وقار پایین رو، و نماز کن دو رکعت در عرصهٔ سرداب پس بگو:

اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ. لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِهٰذا وَعَرَّفَنا اَوْلِياءَهُ وَاَعْداءَهُ وَوَفَّقَنا لِزِيارَةِ اَئِمَّتِنا. وَلَمْ يَجْعَلْنا مِنَ الْمُعانِدينَ

النّاصِبينَ. وَلا مِنَ الْغُلاةِ الْمُفَوِّضينَ. وَلا مِنَ الْمُرْتابينَ الْمُقَصِّرينَ. السَّلامُ عَلىٰ وَلِيِّ اللّٰهِ وَابْنِ اَوْليائِهِ. السَّلامُ عَلَى الْمُدَّخَرِ لِكَرامَةِ اَوْلياءِ اللّٰهِ وَبَوارِ اَعْدائِهِ. السَّلامُ عَلَى النُّورِ الَّذي اَرادَ اَهْلُ الْكُفْرِ اِطْفاءَهُ فَاَبَى اللّٰهُ اِلّا اَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ. وَاَيَّدَهُ بِالْحَياةِ حَتّىٰ يُظْهِرَ عَلىٰ يَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ. اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ اصْطَفاكَ صَغيراً وَاَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبيراً. وَاَنَّكَ حَيٌّ لا تَمُوتُ حَتّىٰ تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطّاغُوتَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ خُدّامِهِ وَاَعْوانِهِ عَلىٰ[1] غَيْبَتِهِ وَنَأْيِهِ. وَاسْتُرْهُ سَتْراً عَزيزاً. وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلاً حَريزاً. وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ وَطْأَتَكَ عَلىٰ مُعانِديهِ. وَاحْرُسْ مَواليهِ وَزائِريهِ. اَللّٰهُمَّ كَما جَعَلْتَ قَلْبي بِذِكْرِهِ مَعْمُوراً فَاجْعَلْ سِلاحي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً. وَاِنْ حالَ بَيْني وَبَيْنَ لِقائِهِ الْمَوْتُ الَّذي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبادِكَ حَتْماً. وَقَدَّرْتَ بِهِ عَلىٰ خَليقَتِكَ رَغْماً. فَابْعَثْني عِنْدَ خُرُوجِهِ ظاهِراً مِنْ حُفْرَتي. مُؤْتَزِراً كَفَني. حَتّىٰ اُجاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذي اَثْنَيْتَ عَلىٰ اَهْلِهِ في كِتابِكَ فَقُلْتَ: «كَاَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ» اَللّٰهُمَّ طالَ الْاِنْتِظارُ. وَشَمِتَ بِنَا الْفُجّارُ. وَصَعُبَ عَلَيْنَا الْاِنْتِصارُ. اَللّٰهُمَّ اَرِنا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونَ في حَياتِنا وَبَعْدَ الْمَنُونِ. اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صاحِبِ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ. اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ يا صاحِبَ الزَّمانِ. قَطَعْتُ في وُصْلَتِكَ الْخِلّانَ. وَهَجَرْتُ لِزِيارَتِكَ الْاَوْطانَ. وَاَخْفَيْتُ اَمْري عَنْ اَهْلِ الْبُلْدانِ. لِتَكُونَ شَفيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبّي وَاِلىٰ آبائِكَ وَمَواليَّ في حُسْنِ التَّوْفيقِ لي. وَاِسْباغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ. وَسَوْقِ الْاِحْسانِ اِلَيَّ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَصْحابِ الْحَقِّ وَقادَةِ الْخَلْقِ وَاسْتَجِبْ مِنّي ما دَعَوْتُكَ. وَاَعْطِني ما لَمْ اَنْطِقْ بِهِ في دُعائي مِنْ صَلاحِ ديني وَدُنْيايَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

---

۱. في خ ل.

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ.

پس داخل در صفّه شو و دو رکعت نماز کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزّائِرُ في فِناءِ وَلِيِّكَ الْمَزورِ الَّذي فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَى الْعَبيدِ وَالْاَحرارِ، وَاَنْقَذْتَ بِهِ اَوْلِياءَكَ مِنْ عَذابِ النّارِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها زِيارَةً مَقْبولَةً ذاتَ دُعاءٍ مُسْتَجابٍ مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتابٍ، اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلا بِزِيارَتِهِ، وَلا تَقْطَعْ اَثَري مِنْ مَشْهَدِهِ، وَزِيارَةِ اَبيهِ وَجَدِّهِ، اَللّٰهُمَّ اَخْلِفْ عَلَىٰ نَفَقَتي وَانْفَعْني بِما رَزَقْتَني في دُنْيايَ وَآخِرَتي لي وَلِاِخْواني وَاَبَوَيَّ وَجَميعِ عِتْرَتي، اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ اَيُّهَا الْاِمامُ الَّذي يَفوزُ بِهِ الْمُؤْمِنونَ، وَيَهْلِكُ عَلىٰ يَدَيْهِ الْكافِرونَ الْمُكَذِّبونَ، يا مَوْلايَ يَابْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ زائِراً لَكَ وَلِاَبيكَ وَجَدِّكَ، مُتَيَقِّناً الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِداً اِمامَتَكُمْ، اَللّٰهُمَّ اكْتُبْ هٰذِهِ الشَّهادَةَ وَالزِّيارَةَ لي عِنْدَكَ في عِلِّيّينَ، وَبَلِّغْني بَلاغَ الصّالِحينَ، وَانْفَعْني بِحُبِّهِمْ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

زیارت دیگر

شیخ مفید رحمه الله بعد از نقل زیارت سابق فرموده که به روایت دیگر منقول است که بعد از داخل شدن در سرداب مقدّس می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَديدِ، وَالْعالِمِ الَّذي عِلْمُهُ لا يَبيدُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحْيِي الْمُؤْمِنينَ وَمُبيرِ الظّالِمينَ[1]، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَهْدِيِّ الْاُمَمِ وَجامِعِ الْكَلِمِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْخَلَفِ[2] السَّلَفِ وَصاحِبِ الشَّرَفِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ الْمَعْبودِ وَكَلِمَةِ الْمَحْمودِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُعِزِّ الْاَوْلِياءِ وَمُذِلِّ الْاَعْداءِ، اَلسَّلامُ

---

۱. الْكافِرينَ خ ل. ۲. خلف خ ل.

عَلىٰ وارِثِ الْاَنْبِياءِ وَخاتِمِ الْاَوْصِياءِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْغائِبِ[۱] الْمُسْتَتِرِ. اَلسَّلامُ عَلَى السَّيْفِ الشّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزّاهِرِ وَالنُّورِ الْباهِرِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ شَمْسِ الظَّلامِ وَالْبَدْرِ التَّمامِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ رَبيعِ الْاَيْتامِ[۲] وَنَضْرَةِ الْاَيّامِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الصَّمْصامِ وَفَلّاقِ الْهامِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الدّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتابِ الْمَسْطُورِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ بَقِيَّةِ اللّٰهِ في بِلادِهِ وَحُجَّتِهِ عَلىٰ عِبادِهِ. وَالْمُنْتَهىٰ اِلَيْهِ مَواريثُ الْاَنْبِياءِ وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثارُ الْاَصْفِياءِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْاَمْرِ[۳]. وَالسَّلامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذي وَعَدَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْاُمَمَ اَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً وَيُمَكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنينَ. اَشْهَدُ يا مَوْلايَ اِنَّكَ وَالْاَئِمَّةَ مِنْ آبائِكَ اَئِمَّتي وَمَوالِيَّ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَيَوْمَ يَقُومُ الْاَشْهادُ. اَسْأَلُكَ يا مَوْلايَ اَنْ تَسْأَلَ اللّٰهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ في صَلاحِ شَأْني. وَقَضاءِ حَوائِجي. وَغُفْرانِ ذُنُوبي. وَالْاَخْذِ بِيَدي في ديني وَدُنْيايَ وَآخِرَتي. لي وَلِكافَّةِ اِخْوانِيَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ اِنَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَآلِهِ الطّاهِرينَ.

پس دوازده رکعت نماز زیارت می‌کنی هر دو رکعت به یک سلام، و می‌خوانی بعد از آن دعایی را که از آن حضرت روایت شده و آن این است:

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ. وَبَرِحَ الْخَفاءُ. وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ. وَضاقَتِ الْاَرْضُ. وَمُنِعَتِ[۴] السَّماءُ. وَاِلَيْكَ يا رَبِّ الْمُشْتَكىٰ وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الَّذينَ فَرَضْتَ عَلَيْنا طاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنا

---

۱. وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهِرِ خ ل.

۲. الْإِمامِ خ ل.

۳. لِلْاَمْرِ خ ل.

۴. وَسُكِّنَتْ خ ل.

بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ. فَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ مِنْ ذٰلِكَ. يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ. يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ. انْصُرانِي فَاِنَّكُما ناصِرايَ. وَاكْفِيانِي فَاِنَّكُما كافِيايَ. يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ. اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي.

بدان که سزاوار است خواندن این دعای شریف **اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ** که مروی از حضرت صاحب الامر عليه السلام است در آن‌جا مکرّراً، چنانچه علما گفته‌اند و در غیر آن مکان نیز وارد شده خواندن آن، و سزاوار است نیز خواندن دعای ندبه که از ناحیهٔ مقدّسه به سوی حمیری بیرون آمده است، و امر فرموده که در سرداب مقدّس بخوانند و ما ـ إن شاء اللّه ـ آن را در اعمال روز جمعه [صفحه ۶۴۰] نقل خواهیم نمود.

صلوات برای حضرت حجّت عليه السلام

و نیز سزاوار است فرستادن صلوات بر آن وجود مبارک و تقدیم آن بر ذکر حاجات خود، و برای آن اقسام عدیده است، و مختصر آن به نحوی که سیّد جلیل ابن طاووس در *مصباح الزائر* نقل فرموده این است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ. وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوارِثِهِ. اَلْقائِمِ بِاَمْرِكَ. وَالْغائِبِ فِي خَلْقِكَ. وَالْمُنْتَظِرِ لِاِذْنِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ. وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ. وَاَوْفِ عَهْدَهُ. وَاكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجابَ الْغَيْبَةِ. وَاَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحائِفَ الْمِحْنَةِ. وَقَدِّمْ اَمامَهُ الرُّعْبَ. وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ. وَاَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ. وَاَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. وَسَلِّطْهُ عَلىٰ اَعْداءِ دِينِكَ اَجْمَعِينَ. وَاَلْهِمْهُ اَنْ لا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْناً اِلّا هَدَّهُ. وَلا هاماً اِلّا قَدَّهُ. وَلا كَيْداً اِلّا رَدَّهُ. وَلا فاسِقاً اِلّا حَدَّهُ. وَلا فِرْعَوْناً اِلّا اَهْلَكَهُ. وَلا سِتْراً [1] اِلّا هَتَكَهُ. وَلا عَلَماً اِلّا نَكَّسَهُ. وَلا سُلْطاناً [2] اِلّا كَسَبَهُ. وَلا

---

۱. ستراً خ ل.

۲. ولا شیطاناً خ ل.

رُمْحاً اِلّا قَصَفَهُ، وَلا مِطْرَداً اِلّا غَرَّقَهُ، وَلا جُنْداً اِلّا فَرَّقَهُ، وَلا مِنْبَراً اِلّا اَحْرَقَهُ، وَلا سَيْفاً اِلّا كَسَرَهُ، وَلا صَنَماً اِلّا رَضَّهُ، وَلا دَماً اِلّا اَراقَهُ، وَلا جَوْراً اِلّا اَبادَهُ، وَلا حِصْناً اِلّا هَدَمَهُ، وَلا باباً اِلّا رَدَمَهُ، وَلا قَصْراً اِلّا اَخْرَبَهُ، وَلا مَسْكَناً اِلّا فَتَّشَهُ، وَلا سَهْلاً اِلّا اَوْطَأَهُ، وَلا جَبَلاً اِلّا صَعِدَهُ، وَلا كَنْزاً اِلّا اَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

نماز حضرت حجّت عجّل الله فرجه

و شیخ مرحوم ـ طاب‌ثراه ـ در کتاب *تحفة الزائر* از جملهٔ اعمال در سرداب ذکر کرد نماز آن حضرت را به جهت مطالب مهمّه و حوایج عظیمه، و آن دو رکعت است با سورهٔ «حمد» و ﴿قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ﴾ و چون در حمد به آیهٔ ﴿اِيّاكَ نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعينُ﴾ برسد آن را صد مرتبه بگوید، و گفته بهتر آن‌که تسبیح رکوع و سجود، تسبیح کُبری باشد، و آن را هفت مرتبه بگوید، و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد، و بعد از آن دعای عظم البلاء مذکور را بخواند، آن‌گاه حاجت خود را بخواهد، و این نماز را در هر جا و در هر وقت می‌توان کرد، و لکن در سحر شب جمعه و روز جمعه مخصوصاً وارد شده، و این نماز از اعمال نفیسه و کنوز مخفیّه است، که نبایست از فواید آن غفلت نمود.

و علّامهٔ مجلسی‌﵀ فرموده که: زیارت آن حضرت در سرداب و جمیع بلاد مرغوب است، خصوصاً در امکنهٔ شریفه، مثل ضرایح مقدّسهٔ اجداد طاهرین آن حضرت، و در ازمنهٔ متبرّکه خصوصاً شب ولادت آن حضرت که موافق مشهور شب پانزدهم شعبان است، و در شب قدر که ملائکه و روح بر آن حضرت نازل می‌شوند.

مؤلّف گوید که: از برای سرداب شریف زیارت و اعمال کثیره است، و ما به جهت اختصار به همین قدر اکتفا کردیم، پس سزاوار است از برای زائر دانا که به حال خرابی خود مطّلع، و به زحمت بسیار خود را به آن‌جا رسانیده فرصت غنیمت شمارد و تا تواند با سوز دل و حضور قلب در آن‌جا بگرید، و از کردار زشت خود معذرت جوید و از خواندن زیارات و دعاهای واردهٔ آن‌جا کوتاهی نکند، و از فیوضات آن محلّ شریف خود را محروم نگرداند، چه آن‌که این سرداب شریف علاوه بر دارایی شرافت از جهات عدیده، بودن آن خانه [برای] سه امام‌﵈ و طول اقامت آن

بزرگواران در آن‌جا به آن اعمال و عبادات و بروز آیات باهرات و توجّه خاص امام عصر عليه السلام به آن محل، حسب تجربهٔ بزرگان و سالکان طریق هدایت و رشد از تضرّع و انابه و دعا و استغاثه در آن محلّ شریف به فیوضات خاصّه و مقامات عالیه رسیده‌اند. حتّی از آیت اللّه بحر العلوم ـطاب‌ثراه ـ معروف است که فرموده‌اند آنچه داشتند و به ایشان رسیده بود از برکت آن مقام یا مسجد سهله بود.

و بدان‌که دعاهای بسیار وارد شده، که متعلّق به حضرت حجّت ـصلوات اللّه علیه ـاست که اختصاص به سرداب ندارد، و در همه جا می‌توان خواند چون دعای شریف **اللّٰهُمَّ عَرِّفْني نَفْسَكَ...** الخ، که امر فرموده‌اند به خواندن آن در زمان غیبت، و دعای یونس بن عبد الرّحمٰن **اللّٰهُمَّ ادفع عَنْ وَلِيِّكَ...** الخ، که حضرت امام رضا عليه السلام او را یاد دادند و امر فرمودند او را به خواندن آن از برای حضرت صاحب الأمر عليه السلام، و دعای عهد که چهل صباح باید خواند، و غیر اینها که مقام را گنجایش ذکر آن‌ها نیست، طالبین به *تحفة الزّائر* رجوع نمایند.

زیارت امام عصر عليه السلام هر روز بعد از نماز صبح

و سیّد ابن طاووس رحمه الله ذکر کرده است که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر عليه السلام را چنین زیارت کنند:

اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلايَ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيهِ عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها ، وَبَرِّها وَبَحْرِها ، وَسَهْلِها وَجَبَلِها ، حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ ، وَعَنْ والِدَيَّ وَوُلْدي وَعَنّي مِنَ الصَّلَواتِ وَالتَّحِيّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ ، وَمِدادَ كَلِماتِهِ ، وَمُنْتَهىٰ رِضاهُ ، وَعَدَدَ ما أَحْصاهُ كِتابُهُ ، وَأَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ ، اللّٰهُمَّ إِنّي أُجَدِّدُ لَهُ في هٰذَا الْيَوْمِ وَفي كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في رَقَبَتي ، اللّٰهُمَّ كَما شَرَّفْتَني بِهٰذَا التَّشْريفِ ، وَفَضَّلْتَني بِهٰذِهِ الْفَضيلَةِ وَخَصَصْتَني بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ ، فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلايَ وَسَيِّدي صاحِبِ الزَّمانِ وَاجْعَلْني مِنْ أَنْصارِهِ وَأَشْياعِهِ وَالذّابّينَ عَنْهُ ، وَاجْعَلْني مِنَ الْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّ أَهْلَهُ في

كِتابِكَ ۞ فَقُلْتَ: «صَفّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ» عَلىٰ طاعَتِكَ وطاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ۞ اللّهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

وجه تسمیهٔ سرداب به سرداب غیبت

مؤلّف گوید که در این‌جا مناسب دیدم ذکر کنم دو فائدهٔ عظیمه و این باب را به آن ختم نمایم:

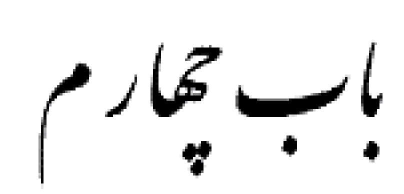
اوّل: آن‌که این سرداب شریف در اَلسنه و در کتب مزار جمله‌ای از متأخّرین معروف است به سرداب غیبت، و در کتب مختصّه و ابواب متعلّقه به حالات شریفهٔ حضرت صاحب الامر ـصلوات اللّٰه علیهـ وجهی از برای آن یافته نشده، و سببی برای نامیدن آن به این اسم معلوم نگشته، بلی کافّهٔ علمای اهل سنّت به معاشر امامیّه در کتب خود نسبت می‌دهند که ایشان معتقدند که حضرت صاحب الامر علیه السلام در کودکی داخل در آن سرداب شد و مادرش نرجس خاتون ایستاده و نگاه می‌کرد تا از نظرش غایب شد، و مقام آن حضرت تاکنون در آن‌جا است، و أحدی در این طول مدّت آن جناب را ندیده و در آن‌جا باقی است، تا از آن‌جا بیرون آید و دنیا را پر از عدل و داد گرداند. و شیخ ما علّامهٔ نوری ـطاب‌ثراهـ در چند سال قبل در رسالهٔ *کشف الأستار* که در جواب شبهات ابن آلوسی بغدادی است بر اصل ولادت حضرت حجّت بن الحسن علیه السلام مکشوف داشته که تمام آنچه نسبت می‌دهند به ما در این مقام افترا است، و در کتب ما اثری از هیچ یک از این‌ها نیست، هرکه خواست به آن کتاب شریف رجوع نماید. و در باب معجزات آن حضرت قضیّه‌ای از معتضد عبّاسی به طرق مختلفه موجود است، که‌حاصل یکی از آن‌ها آن‌که: بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سوارانی چند فرستاد به سامرا که شب در خانهٔ آن حضرت داخل شوند، و هرکه را دیدند بگیرند. آن‌ها رفتند شب داخل شدند و کسی را ندیدند و از سرداب صدای تلاوت قرآنی شنیدند به آن‌جا رفتند دریاچهٔ آبی دیدند در وسط آن حصیری مفروش، و کسی بر روی آن مشغول به نماز است، یکی از آن‌ها تهوّر کرد و خود را در آب انداخت، غرق شد و نزدیک به هلاکت رسید، رفقا نجاتش دادند. دیگری چنین، پس هراسان شدند، و بنا بر توبه و استغاثه گذاشتند. ابداً در این حالات اعتنایی به آن‌ها نشد. پس مأیوسانه مراجعت کردند، و در شب معتضد را خبر کردند، از ایشان عهد گرفت که این سرّ را افشا نکنند. و شاید به سبب این باشد یا چیز دیگر که در دست نیست. و اللّٰه العالم.

دوّم: آن‌که در میان صفّه و سرداب مقدّس شبّاکی است با دری از چوب ساج که آن را به امر

احمد ناصر باللّه عبّاسی که در سال ششصد و دوازده ساخته‌اند. چنانچه صورت آن با بعضی آیات شریفه در کتیبهٔ آن‌جا مرقوم است. و آنچه از مشایخ دست به دست به ما رسیده آن است که این صفّه محلّ حوضی بود به جهت وضو گرفتن آن بزرگواران در آن سرداب، و پس از آن بزرگواران عرایض و رقاع حاجات که شیعیان به حضرت صاحب الأمر ـ صلوات اللّٰه علیه ـ می‌نوشتند و به آن‌جا می‌گذاشتند و هر وقت صلاح بود جواب عریضه از آن‌جا یا از خارج به صاحبش می‌رسید. و به ملاحظهٔ این سیرت و عادت در طرف راست در وسط شبّاک سوراخی به قدر آن‌که دست در میان آن برود و رقعه را بیندازند گذاشتند ولی در طرف دیگر نظیر آن نیست، و هر کس تأمّل کند می‌داند که این سوراخ ساخته برای همین کار بود، و آن محل در میان همهٔ آن سرداب امتیازی پیدا کرد در تبرّک و شرافت و احترام و بوسیدن و استشفا به تربت، تا آن‌که صحن و راه سرداب مقدّس، از آن صحن مطهّر جدا شد و از غیر جنس[1] برای آن خدمه پیدا شد، و دیدند حرص و رغبت شیعه را به آن محلّ شریف و غلبه و استیلا خود را بر آن غربا و زائران بی‌معین، لهذا از برای کسب غیر طیب خود سرمایه کردند و برای جلب منافع از ایشان آن را شبکه قرار دادند و به اقسام حیله‌ها از آن‌ها فائده بردند و کم‌کم به دادن ریگ وخاک آن‌جا به آن بیچارگان و گرفتن چیزی، مقداری از آن‌جا گود شد، تا زمانی که عالم جلیل شیخ العراقین مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی ـ طاب‌ثراه ـ به جهت تذهیب گنبد مطهّر واصلاح صحن منوّر به آن‌جا مشرّف شد. پس از مشاهدهٔ آن خرابی و زیاد شدن آن در هر روز و خوف صدمه رسیدن به اساس عمارت مقرّر فرمودند آن‌جا را پر کردند تا به مقدار دو پلّه به بالا مانده، و آن را با آجر و گچ محکم نمودند، پس از وفات آن مرحوم چون در سرمایهٔ آن جماعت به جهت بنّایی خللی پیدا شد، دوباره آن بنا را خراب کردند و به دادن ریگ و سنگ آن‌جا به جهّال زوّار و بردن عوام را در آن‌جا به اسم تبرّک، بازار کسب خود را رونقی دادند، و کم‌کم به منزله چاهی شد و اسم آن را چاه صاحب‌الزّمان گذاشتند. و جزو مناسک زوّار شد، که چون به آن‌جا روند از چاه صاحب الزّمان عليه السلام سؤال کنند و به انواع بی‌ادبی و جسارت خود را در میان چاه افکنند و مقداری ریگ بردارند. تمام این حرکات بی‌اصل و بی‌پایه و خلاف ادب و احترام، بلکه در بعضی مواضع شبههٔ حرمت دارد، و لکن درد مزمن جهل را دوایی جز پرسش از عالم یا تنبیه و نهی عالم نیست، و هر دو از میان رفته، واللّٰه المستعان.

---

۱. غیر شیعه.



در زیارات مطلقه و مختصهٔ حضرت سیّد الشهداء علیه السلام

ومشتمل بر دو مقصد است

مقصد اوّل

در ثواب زیارت آن حضرت و فضیلت کربلا و تربت شریف آن و آداب زیارت آن‌حضرت وذکر زیارات مطلقه که مخصوص به‌وقتی وحالی نیست وغیر این‌ها از چیزهایی که متعلّق است به‌این مقام

و در آن هفت فصل و یک خاتمه است:

فصل اوّل

در ذکر مختصری از فضیلت زیارت امام حسین عليه السلام

بدان که اخباری که در باب زیارت آن حضرت وارد شده از حدّ حصر و احصا بیرون است. و احادیث کثیره روایت شده که دلالت دارد بر وجوب زیارت آن مظلوم عليه السلام و از دسته‌ای از اخبار ظاهر می‌شود که هرکه ترک کند آن را، ترک کرده حقّ خدا و رسول صلى الله عليه وآله را، و ترک آن باعث عقوق پیغمبر و ائمه عليهم السلام است، و سبب نقصان ایمان شخص تارک است، و در خبری است هرکه ترک کند جفا کرده بر آن حضرت. و در روایت دیگر هرکه ترک زیارت آن حضرت کند تا بمیرد و گمان کند که شیعهٔ ما است از شیعهٔ ما نیست، و اگر او از اهل بهشت باشد مهمان است بر اهل آن.

و از حضرت صادق عليه السلام منقول است که از او سؤال کردند از حال کسی که ترک کند زیارت امام حسین عليه السلام را. فرمود: «او فودی است از اهل جهنّم».

و وارد شده که آن حضرت به ابان بن تغلب فرمود که: «چند گاه است که زیارت امام حسین عليه السلام نکرده‌ای؟» گفت: مدّتی است. حضرت فرمود که: «سبحان اللّه العظیم، تو از سرکرده‌های شیعیانی و ترک زیارت آن حضرت می‌کنی؟»

و به اسانید صحیحه و معتبره وارد شده که حق و لازم است بر مالدار که هر سال دو مرتبه به زیارت آن حضرت برود، و بر فقیر آن‌که سالی یک مرتبه برود. و به سندهای صحیح دیگر وارد است که: «بروید به زیارت قبر حسین عليه السلام هر سالی یک مرتبه».

و از این احادیث و غیرها ظاهر می‌شود وجوب زیارت آن حضرت و معارض ظاهری ندارد، و لکن مشهور میان علما ـ رضوان اللّه علیهم ـ آن است که سنّت مؤکّد است. و علّامهٔ مجلسی رحمه الله

در تحفه فرموده که: به حسب احادیث وجوب زیارت آن حضرت در عمری یک مرتبه نهایت قوّت دارد، و شیعه که بر این تهدیدات و تاکیدات مطّلع شود و با قدرت ترک کند، در غایت ضعف ایمان خواهد بود. و احوط آن است که در زیارت آن حضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بلکه در زیارت هر امامی در مرتبهٔ اوّل قصد سنّت نکند، بلکه به قصد قربت تنها به عمل آورد. و نیز در مقام دیگر بعد از ذکر اخبار کثیره در این باب فرموده که موافق این اخبار معتبره احوط آن است آن‌ها که نزدیک اند مثل اهل بغداد و حلّه و نجف اشرف هر ماه یک مرتبه به زیارت بروند اگر خوفی نباشد، و اقلّش هر چهار ماه یک مرتبه، و با خوف سالی یک مرتبه، واگر دور باشند هر سه سال یک مرتبه، و اگر بسیار دور باشند هر چهار سال یک مرتبه به زیارت روند یا آن‌که اغنیای متوسّط‌الحال هر چهار سال یک‌مرتبه، و اغنیای بسیار مال‌دار هر سه سال یک مرتبه بروند، انتهی.

واما ثواب زیارت آن حضرت، پس از حیطهٔ بیان بیرون است، و حدّ معیّنی برای آن نیست.

شیخ عالم کامل جعفر بن قولویه رحمه الله در *کامل الزیاره* به سند معتبر از محمّد بن مسلم ثقفی روایت کرده که آن جناب از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «اگر مردم بدانند که چه فضیلت در زیارت امام حسین علیه السلام هست، هرآینه بمیرند از اشتیاق و جان‌های ایشان پاره پاره شود از حسرت». محمّد بن مسلم عرض کرد که: چه فضیلت دارد؟ فرمود: «هرکه به زیارت آن حضرت برود از روی نهایت شوق، بنویسد حق تعالی از برای او ثواب هزار حجّ مقبول، و هزار عمرهٔ مقبوله، و اجر هزار شهید از شهدای بدر، و مزد هزار روزه دار، و اجر هزار صدقه مقبوله، و ثواب آزاد کردن هزار بنده از برای خدا، و تا یک سال محفوظ باشد از هر آفتی خصوصاً از شیطان، و موکّل گرداند حق تعالی ملکی را بر او که او را نگاه دارد از پیش رو و از پشت سر و از جانب راست و از جانب چپ و از بالای سر و از پایین پای او، و اگر در آن سال بمیرد حاضر شوند فرشتگان رحمت نزد غسل دادن و کفن کردن او و طلب آمرزش کنند از برای او و مشایعت نمایند او را تا قبر او و از برای او در راه استغفار کنند، و فراخ کنند قبر او را آن‌قدر که دیدهٔ او بیند، و ایمن گرداند خدا او را از فشردن قبر و از ترس منکر و نکیر، و بگشایند دری از برای او به سوی بهشت و در قیامت نامه‌اش را به دست راستش دهند، و حق تعالی نوری به او عطا کند که روشن گرداند مابین مشرق و مغرب را و منادی ندا کند که: این، از آن‌ها است که زیارت قبر امام حسین علیه السلام کرده‌اند از روی شوق و خواهش. پس نماند احدی در قیامت مگر آن‌که آرزو کند که از زیارت کنندگان آن حضرت باشد».

و در اخبار بسیار وارد شده که زیارت آن حضرت معادل حج و عمرهٔ مقبوله، و برابر جهاد در راه خدا، و آزاد کردن بنده، و موجب مغفرت گناهان، و سبکی حساب، و رفع درجات و اجابت دعوات و افضل اعمال است، و کمتر ثوابی که به زائر رسد آن است که گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده می‌شود، و به‌زیاده از صد سند معتبر از ائمه علیهم السلام منقول است که زیارت آن حضرت موجب آمرزش گناهان گذشته و آینده است. و در روایات معادل بیست حج و بیست عمره و مقابل هشتاد حج مقبول و مقابل صد حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله به اختلاف وارد شده. و در روایت استعجاب عایشه، به نود حج از حج‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر حج با عمره باشد معادل شده، بلکه روایت شده که مطلق زیارت آن حضرت بهتر است از بیست حج، و در روز عرفه معادل هزار هزار حجّهٔ مقبوله، و هزار هزار عمرهٔ مقبوله، وهزار هزار غزوه با پیغمبر یا امام است در حالی که زائر به حقّ آن حضرت عارف باشد.

و غیر این‌ها از اخبار دیگر به اختلاف رسیده و محتمل است وجه اختلاف در ثواب زیارت آن حضرت اختلاف اشخاص در زیارات و تفاوت طرق و حالات و مراتب اخلاص و نیّت‌ها باشد، یا سبب آن تفاوت حج‌ها و عمره باشد یا غیر این‌ها، که مقام را گنجایش بسط آن نیست.

و به اسانید معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «زیارت امام حسین علیه السلام بهترین اعمال و محبوب‌ترین عبادات است». و از احادیث کثیره ظاهر می‌شود، که زیارت آن حضرت موجب طول عمر و حفظ بدن و مال، و زیادتی روزی و برآمدن حاجات است و آنچه خرج می‌کنند به اضعاف آن عوض می‌یابند، و پیغمبران و اوصیای ایشان و ائمه معصومین و ملائکه علیهم السلام به زیارت آن حضرت می‌آیند، و دعا از برای زوّار آن حضرت می‌کنند، و ایشان را بشارت‌ها می‌دهند، و از برای انفاق در زیارت آن حضرت ثواب‌های عظیم وارد شده، بلکه روایت شده که هر درهمی معادل ده هزار درهم است.

و از برای نماز در روضهٔ‌مقدّسه و حوالی آن نیز فضل عظیم روایت شده، و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مروی است که «نماز واجبی نزد آن حضرت برابر است با حج و نماز نافله با عمره». بلکه منقول است که حضرت صادق علیه السلام به مفضّل فرمود که: «هر گاه یک رکعت نماز که نزد حضرت امام حسین علیه السلام بکنی ثوابش مثل ثواب کسی است، که هزار حج، و هزار عمره کرده باشد، و هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار مرتبه با پیغمبر مرسل به جهاد فی سبیل‌الله رفته باشد».



فصل دوّم

در فضیلت کربلای معلّی و مراتب شرافت آن زمین و بیان حائر

بدان که از اخبار کثیره ظاهر می‌شود فضیلت زمین کربلا بر زمین کعبهٔ معظّمه و آن‌که او پیش از زمین مکّهٔ معظّمه خلق شده به بیست و چهار هزار سال، و زمین کربلا از زمین‌های بهشت است، و به بهشت برگردد با خاکش، و بگردد بهترین باغی از باغ‌های بهشت. و حدیث مفاخرت کعبه با کربلا و خطاب قهر الهی به زمین کعبه که اگر کربلا نبود، تورا فضیلت نمی‌دادم، و اگر صاحب آن تربت نبود، تورا و خانهٔ فخر تورا خلق نمی‌کردم، ذلیل و متواضع باش، و تکبّر مکن بر کربلا، و الّا فرو برم تورا در آتش جهنّم، معروف است. و علّامهٔ بحر العلوم‌؆ نیز در دُرّه اشاره به آن فرموده، چنانچه گفته:

و مِن حدیثِ کربلا و الکعبة   لِکربلا بانَ عُلوُّ الرّتبة

از حضرت باقر؈ منقول است که فرمود: «غاضریّه یعنی کربلا، بقعه‌ای است که در آن بقعه حق تعالی سخن گفت با موسی بن عمران؈، و مناجات کرد در آن با نوح؈، و آن گرامی‌ترین زمین‌های خداوند است».

و حضرت صادق؈ فرمود که: «غاضریّه از تربت بیت المقدّس است».

و از حضرت امام زین العابدین؈ منقول است که: «حضرت مریم به اعجاز از دمشق به کربلا آمد، و حضرت عیسی؈ در موضع قبر امام حسین؈ از او متولّد شد، و در همان شب به دمشق برگشت».

و از حضرت صادق؈ مروی است که: «حضرت امیر المؤمنین؈ در بعضی از سفرها چون نزدیک کربلا رسید، از لشکر پیش افتاد، و چون به محلّ شهادت امام حسین؈ و اصحاب او رسید، فرمود که: در این‌جا دویست پیغمبر، و دویست وصیّ پیغمبر، و دویست فرزندزادهٔ پیغمبر شهید شده‌اند با اتباع ایشان. پس دور صحرا می‌گردید و می‌فرمود که: این‌جا محلّ خوابیدن شتران ایشان است، و این‌جا محلّ فرود آوردن بارهای ایشان است، و این محلّ شهادت گروهی چند است که پیش از ایشان بهتر از ایشان نبوده است و بعد از ایشان مثل ایشان نخواهد بود. و فرمود که خوشا حال تو ای خاک که بر روی تو ریخته خواهد شد خون‌های دوستان خدا».

و در حدیث معتبر از حضرت صادق؈ منقول است که فرمود: «برکت قبر امام حسین؈ تا

ده میل است. که سه فرسخ و ثلث فرسخ باشد». و در خبر دیگر فرمود که: «حریم قبر آن حضرت از هر طرف یک فرسخ است». و در روایت دیگر. «پنج فرسخ است از چهار جانب». و در حدیثی دیگر از طرف سر و طرف پا به بیست و پنج ذراع بیان شده. و غیر این‌ها از احادیث دیگر که اختلاف در تحدید آن شده و علما جمع میان آن‌ها به حمل بر اختلاف مراتب فضیلت کرده‌اند. و ظاهراً أقوال علما این است که تربت استشفا و سجود و سبحه را از همه آن‌ها می‌توان برداشت. و لکن اگر در تربت استشفا اقتصار شود بر بعضی از مراتب آن زمین مانند یک فرسخ و ثلث، یا از یک میل از اطراف قبر مقدّس به احتیاط عمل شده و احسن و احوط حوالی ضریح است. و آرای اکابر در حدّ حائر مختلف است. بعضی گفته‌اند که حائر آن است که احاطه کرده بر آن دیوارهای صحن، و برخی گفته‌اند که اصل ضریح است و بس، وبعضی گفته‌اند که ضریح است با عمارات متّصله به آن، و علّامهٔ مجلسی گفته که: دور نیست که آنچه از صحن گودتر است داخل حائر باشد، و آنچه بلندتر است داخل نباشد.

و در معنی حائر نیز اختلاف است، ابن ادریس حلّی فرموده که: حائر مکان پست است، زیرا که آب در آن حیران و ساکن می‌گردد. و شیخ شهید اوّل و جمعی دیگر گفته‌اند که برای این مسمّیٰ به حائر شده، که در زمان متوکّل که به أمر او آب بر قبر شریف بستند، که اثرش را منطمس [و نابود] سازند. به اعجاز آن حضرت آب بر دور حائر بلند شد و ساکن گردید و داخل نشد، انتهیٰ.



فصل سوّم

در فواید تربت آن حضرت و آداب خوردن آن

بدان که از جمله نعمتهای عظیمهٔ الهی بر بندگان، این تربت مقدّسهٔ حضرت سیّد الشّهداء است، که حق تعالی آن را برای امراض و دردها شفا گردانیده است، و امان از برای مخاوف و بلاها. و از برای آن فوائد کثیرهٔ لاتحصی است. از آن جمله آن‌که مستحب است با میّت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن و دیگر استحباب سجده بر آن است، که وارد شده به سند معتبر از معاویة بن عمّار که حضرت صادق خریطه داشتند از دیبای زرد، که در آن تربت حضرت امام حسین بود و چون وقت نماز می‌شد آن را بر سجّاده می‌ریختند و بر آن سجده می‌کردند، و می‌فرمودند که: «سجده بر تربت آن حضرت هفت حجاب را می‌درد» یعنی باعث قبولی نماز می‌شود که به

آسمان‌ها بالا می‌رود. و احادیث در فضیلت سجده بر تربت آن حضرت بسیار است.

و دیگر آن‌که تسبیح از تربت آن حضرت ساختن، و به آن تسبیح و ذکر کردن، و در دست داشتن آن فضیلت عظیم دارد. و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که: «باید مؤمن خالی نباشد از پنج چیز: مسواک و شانه و سجّاده و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی».

و در روایت دیگر فرمودند که: «شیعهٔ ما مستغنی نیستند از چهار چیز...» تا آن‌که فرمود: «و تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام که در آن سی و سه حبّه باشد، که هرگاه آن را بگردانند و ذکر خدا بکنند به هر دانه برای او چهل حسنه نوشته می‌شود، و اگر بدون ذکر آن را بگردانند به هر دانه بیست حسنه نوشته شود».

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هرکه بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید: **سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ** با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه، و محو کند از او شش هزار سیّئه، وبلند کند از برای او شش هزار درجه، و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت». و وارد شده که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را ببینند که از برای کاری به زمین می‌آید، از او التماس می‌کنند که تسبیح و تربت قبر حسین علیه السلام از برای ما هدیّه بیاور.

و بالجمله: فضیلت و فواید تربت مقدّسهٔ آن حضرت از حد زیاده است، و احترام آن، از ضروریات دین شیعه است. و مشهور میان علما آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست، مگر خاک قبر امام حسین علیه السلام آن هم به قصد شفا به مقدار نخودی، و احوط به قدر عدسی، و احوط آن‌که تربت را از مواضع نزدیک به قبر برداشته باشند و با دعاها و از آداب‌های منقوله برداشته باشند و در وقت خوردن به آداب و ادعیهٔ مأثوره بخورند. و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرکه خاک قبر امام حسین علیه السلام را بخورد، نه از برای طلب شفا، چنان است که گوشت ما را خورده است، پس اگر کسی محتاج شود بخوردن آن از برای شفا بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ الطّاهِرَةِ، وَرَبَّ النُّورِ الَّذي اُنْزِلَ فيهِ، وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذي سَكَنَ فيهِ، وَرَبَّ الْمَلائِكَةِ الْمُوَكَّلينَ بِهِ، اجْعَلْهُ لي شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ كَذا وَ كَذا» و [بجای کذا و کذا] درد خود را نام

ببرد. و فرمود که: «بعد از آن جرعه‌ای از آب بخور و بگو: اللّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً وَعِلْماً نافِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ. اگر چنین کنی خدا دفع می‌کند آنچه می‌یابی در خود از بیماری». و هم در روایت دیگر فرمود که: «هرگاه تربت را بخوری، یا به کسی بخورانی بگو: بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، اللّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ، اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ».

و آداب و ادعیهٔ تربت شریف بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست، و اللّه الموفّق.

فصل چهارم

در آداب زیارت آن حضرت است

بدان که ما در اوّل این کتاب آداب عمومی زیارات ائمه علیهم السلام را ذکر کردیم، و لکن چون در خصوص زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز آدابی مخصوصه ذکر شده، لهذا این فصل را از برای آن قرار دادیم، و آن آداب از ذکر چند حدیث معتبر ظاهر می‌گردد: شیخ صدوق رحمه الله در *ثواب الأعمال*، و شیخ طوسی رحمه الله در *تهذیب*، و ابن قولویه رحمه الله در *کامل الزیاره* به سند معتبر روایت کرده‌اند از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند: «چون به زیارت امام حسین علیه السلام بروی، زیارت کن آن حضرت را محزون و غمگین و ژولیده مو و غبار آلوده، و گرسنه و تشنه، که آن حضرت با این احوال شهید شده است، و حاجات خود را طلب نما و برگرد، و آن را وطن خود قرار مده».

و در *کامل الزیاره* به سند معتبر منقول است که حضرت امام صادق علیه السلام به مفضّل بن عمر فرمود که: «زیارت کنید امام حسین را بهتر از آن است که زیارت نکنید، و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید». مفضّل عرض کرد که: کمر مرا شکستی! فرمود که: «واللّه اگر یکی از شماها به زیارت پدر خود رود غمگین و محزون می‌رود، و لکن به زیارت آن حضرت که می‌روید سفره‌ها با خود برمی‌دارید! چنین نیست، بلکه باید ژولیده مو و گردآلود بروید». و در خبری دیگر راوی پرسید که: چه چیز بخوریم؟ فرمود: «نان با لبن» یعنی ماست یا دوغ. و مراد از سفره‌ها یعنی سفره‌هایی که در آن طعام‌های لذیذ و بریانی و حلویّات باشد، نه مطلق سفره.

و در *کامل الزیاره* مروی است از محمّد بن مسلم که گفت: عرض کردم خدمت حضرت امام

محمّد باقر علیه السلام که: چون ما به زیارت پدرت حسین بن علی علیه السلام می‌رویم، آیا نه چنان است که ما در حجّیم؟ فرمود: «آری». گفتم: پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازم است؟ فرمود که: «بر تو لازم است که نیکو مصاحبت بنمایی با هرکه رفیق توست، و بر تو لازم است که کم سخن بگویی مگر سخن خیر، و لازم است بر تو که یاد خدا بسیار کنی، و لازم است که جامه‌هایت پاکیزه باشد، و لازم است که غسل کنی پیش از آن‌که داخل حائر شوی، و لازم است که با خشوع و رقّت باشی، و نماز بسیار کنی، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بسیار بفرستی، و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که تو را سزاوار نیست، و باید که دیدهٔ خود را از حرام و شبهه بپوشانی، و احسان به برادران مؤمن پریشان خود بکنی، و اگر کسی را ببینی که خرجی‌اش تمام شده او را دستگیری کنی، و خرجی خود را در میان خود و ایشان برابر قسمت کنی، و لازم است بر تو تقیّه که قوام دین به آن است، و پرهیزکاری از چیزهایی که خدا از آن‌ها نهی کرده، و ترک کنی خصومت، و بسیار قسم خوردن، و مجادله و منازعه کردن را، پس چون چنین کنی تمام می‌شود ثواب حج و عمره از برای تو، و مستوجب می‌شوی از جانب آن کسی که طلب ثواب او کرده‌ای به مال خرج کردن، و از اهل خود دور افتادن، آن‌که برگردی به آمرزش گناهان و رحمت و خوشنودی خدا».

و نیز در آن کتاب شریف مسنداً از أبی الصّامت منقول است که گفت: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که: «هرکه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پیاده برود حق تعالی بنویسد از برای او به عدد هر گامی هزار حسنه، و محو کند از او هزار گناه، و بلند کند از برای او در بهشت هزار درجه». پس فرمود: «چون به شطّ فرات برسی غسل کن، و پاهای خود را برهنه کن، و نعل‌های خود را در دست بگیر، و راه‌رو مانند راه رفتن بندهٔ ذلیل، پس چون به در حائر برسی چهار مرتبه بگو: **اللهُ أكبر**، پس اندکی راه رو پس چهار مرتبه بگو: **اللهُ أكبر**، پس برو به نزد سر مقدّس آن حضرت و بایست و چهار مرتبه **اللهُ أكبر** بگو، و نماز کن نزد آن حضرت و از خدا حاجات خود را بطلب».

و در روایتی وارد است که: «چون خواهی به زیارت آن حضرت بروی، غسل کن و بوی خوش مکن و روغن بر خود ممال و سرمه مکش تا برسی به نزد قبر».

مؤلّف گوید که: تمام این حدیث با بعضی چیزهایی که مناسب این مقام است در فصل آداب زیارت ائمّه علیهم السلام [صفحه ۳۳] به شرح رفت، به آن‌جا رجوع شود.



فصل پنجم

در زیارات مطلقهٔ حضرت سیّد الشّهدا ﷺ که در هر وقت می‌توان خواند

مخفی و پوشیده نماند که آنچه مأثور است از زیارات حضرت امام حسین ﷺ و زیارات حضرت امیر المؤمنین ﷺ و هم‌چنین ادعیه و أوْرادی که وارد شده در تعقیب نمازها و ادعیهٔ بامداد و پسین و اعمال روز عرفه و شب‌های قدر و دعاهای وقت خواب و غیرها زیاده بر اوقات خود هستند، و وقت را گنجایش امتثال [و ذکر] تمام آن‌ها نیست، و اگر گنجایش داشته باشد همّت‌ها از آن کمتر است، و اگر همّت هم باشد غالباً کارهای اهمّ متعلّقه به نظم امور معاش و معاد در پیش است که با ابتلای به آن‌ها عقلاً و شرعاً نتوان اوقات را در آن ادعیه و اعمال و زیارات صرف نمود. پس مؤمن [هوشمند و] فطن ذکی را چاره نیست جز آن‌که اختیار کنند از آن‌ها آنچه را که به تقدیم اهمّ و اولی است، پس به قدر گنجایش وقت آن را بخواند و [عمل] بکند، و از برای اختیار این امر چند طریق است:

یکی ملاحظهٔ سند آن؛ پس آنچه صحیح و اتقن است آن را اختیار کند، چنانچه مختار علّامهٔ مجلسی ﷺ است.

دیگر آنچه از [ظاهر و] فحاوی کلمات سیّد ابن طاووس ﷺ ظاهر می‌شود که آنچه در دلش افتاد که آن را بکند یا بخواند همان را اختیار نماید، و این طریق منحصر به امثال خود آن سیّد معظّم جلیل است که نفس شریفش را از خاشاک هوا و هوس پاک نموده، و مجاری شیاطین را از قلب خود مسدود گردانیده. پس آنچه به قلب او القاء شود، الهام الهی است و ما بین ما و او بُعد مشرقین است.

او نمی‌ماند به ما گرچه زما است　　　ما همه مِسّیم احمد کیمیا است

دیگر آنچه ظاهر می‌شود از خبر شریفی که شیخ طبرسی ﷺ از حضرت صادق ﷺ روایت نموده که حاصل آن، آن است که: «دوست ندارم کسی از دنیا بیرون رود و ادبی از آداب رسول خدا ﷺ مانده که او نکرده باشد».

یعنی آنچه را که فرموده باید عمل به آن شود، اگرچه در مدّت عمر یک مرتبه آن را به جای آورد، و سالک این طریق باید آن آداب و اعمال را تقسیم نماید در موارد خود و در هر وقت به قدر میسور سهمی از آن را به جای آورد تا در تمام عمر به فیض تمام آن‌ها رسیده باشد، و این راه نیز سخت و متعسّر، بلکه برای حجّاج و خیلی از زائرین غیر میسّر است.

طریق اختیار کردن زیارت و ادعیه

دیگر آن‌که به حسب اختلاف مقاصد و حاجات اختیار کند آنچه را که برای آن مقصد معیّن نموده‌اند، و این راه نیز برای عموم مردم، خالی از صعوبت نیست علاوه بر آن‌که در اعمالی که شرحی برای جز او خواص آن نشده، و در امثال زیارات و ادعیهٔ عرفه و غیره راه اختیار مسدود است.

دیگر آنچه ظاهر می‌شود از طریقه و سیرهٔ غالب علما و محدّثین آن‌که اختیار کند از بین آن‌ها آنچه را که مسطور است در کتاب شریف *کافی* و *فقیه* و *تهذیب*، در عداد این سه کتاب، کتاب *استبصار* شیخ نیز شمرده می‌شود، و لکن چون *تهذیب* از آن مغنی و باب مزار ـ که ما نحن فیه است ـ در آن وجود نداشت، او را ذکر نکردیم، چه آن‌که این کتب همیشه ملاذ و مرجع کافّهٔ علما در احکام دینیّه و مسایل فرعیّه و غیرها بوده، و انتساب آن‌ها به صاحبانش معلوم، و نُسَخش همیشه منتشر، و از غلط و سقط محفوظ، و محلّ نظر و مقابله و تصحیح و مرجع درس و تدریس و حاشیه و شرح کثیری از علما و محدّثین و فقهای راشدین بوده، به خلاف سایر کتب احادیث. پس در مقام دوران امر، میان آن‌که به جای آورد عملی را که در یکی از این سه کتاب، یا در دو، یا در هر سهٔ آن موجود باشد، و [انجام دادن] عملی که در غیر آن‌ها باشد موافق طریقهٔ فقها و مذاق محدّثین و اعاظم، باید اوّل را اختیار کند و اگر آن عمل در هر سه کتاب موجود باشد، البتّه متعیّن، و طرف مقابلش را قابلیّت مقابله و طرف بودن نیست.

پس از تمهید این مقدّمه گوییم، چون زائر خواهد زیارت کند قبر شریف حضرت سیّد الشّهدا ـ ارواحنا له الفداء ـ را و خواست که اختیار کند زیارتی از همهٔ آن زیارات وارده که قریب به سی زیارت می‌شود، اختیار کند آن زیارتی را که به روایت معتبر در این سه کتاب نقل شده و آن منحصر است در یک زیارت شریفه که ممتاز است از سایر زیارات به جهاتی چند:

یکی آن‌که ذکر شد که مشایخ ثلاثه به علاوه آن‌که دیگران چون جعفر بن‌محمّد بن‌قولویه و غیره نیز او را نقل نموده‌اند.

دیگر آن‌که آداب مشکل، که غالباً [به] خصوص در اوقات ازدحام و کثرت زائرین از عهدهٔ آن نتوان بیرون آمد، علاوه بر آن‌که نه بسیار مختصر است و نه مطوّل.

و دیگر آن‌که متضمّن مضامین عالیه است که در غیر آن یافت نمی‌شود، چنانچه بر اهلش مخفی نیست.

و ديگر شهادت شيخ صدوق است در كتاب من لا يحضره الفقيه بر آن، كه اين زيارت اصحّ زيارات است، علاوه بر آن شهادتي كه در اوّل كتاب بر صحّت تمام اخبار موجوده در آن داده چنانچه فرموده: **و اخترت هذه لهذا الكتاب لأنّها أصحّ الزّيارات عندي من طريق الرّواية و فيها بلاغ و كفاية.** و اين زيارت با اين مناقب شريفه و نعوت جميله مهجور و بسيار كم خوانده مى‌شود. و اين جهتش آن است كه شيخ مرحوم در تحفة الزائر به آن اشاره فرموده، چنانكه بعد از اين مطالب كه ذكر شد گفته: امّا جلّ عوام كالانعام را كه نه خود بصيرتي دارند، و نه از بصيرى پرسش كنند، شيطان از فيض غالب زيارات مأثوره و ثواب الفاظ مرويه محروم كرده، زيارت بافتهٔ آخوند بى‌خبره يا روضه‌خوان بى‌سوادى كه اسم آن را زيارت مفجعه گذاشته به دست ايشان داده به همان مشغول و مشعوف و از آب زلال گوارا به سرابى قانع و از طلاى احمر بى‌غش به سفالى راضى. از آن جعّال بى‌سواد كسى نپرسيده كه در تمام زيارات مأثوره از ائمّه طاهرين عليهم السلام هرگز اسمى از خواهران و دختران مكرّمات آن حضرت برده نشد، و مناسبتى هم ندارد، سبب اين فضولى چه بود؟ كسى نپرسيده كه اين «عاتكه» يا «عاتقه» و «صفيّه» كيانند، دختر كى؟ خواهر كى؟ زن كى؟ در كدام كتاب مذكورند؟ به چه مناسبت سلام بر ايشان كردى؟ و هكذا و الحق اين زيارت و آن دعاى بافتهٔ عارف سنّى إلهي بأخصّ صفاتك... الخ. بعد از آن، چون جمع شود مقصد شيطان، كه محروم نمودن زوّار از فيض اين حرم مطهّر وقبّهٔ ساميه است، به دست آمده. و بر بعض عوام چون حقيقت حال منكشف شده، عذر آورده كه در اين زيارت بعضى فقرات جانسوز و كلمات آتش افروز است كه مناسب حال زوّار و سبب تكسّر قلب و گريستن در اين بيت الأحزان است، كه غايت آمال و آرزوى ايشان است؛ و اين عذر با آن كار تباه در يک قطار است، زيرا كه براى چنين اشخاص كه راغب تذكر مصائب آن حضرت و گريستن در آن حرم شريفند نيز دستور العمل دادند و زيارت مشجيّهٔ مبكيه، كه بهتر از شنيدن خواندنِ چندين روضه خوان است مقرّر داشتند.

توضيح اين اجمال آن‌كه يكى از زيارات روز عاشورا زيارتى است كه از ناحيهٔ مقدّسه رسيده و مشتمل است بر بسيارى از مصائب آن حضرت كه آن آخوند جعّال جمله‌اى از فقرات زيارت مفجعه بافتهٔ خود را از آن دزديده [است] و چون به حسب روايت مختصّ روز عاشورا است زوّار غالباً از فيض خواندن آن محرومند.

بیان مأثور بودن زیارت طویله
که علاّمهٔ مجلسی آن را به سیّد مرتضی نسبت داده است

و سیّد جلیل علیّ بن طاووس رحمه الله در *مصباح الزائر* در ضمن زیارات مطلقه زیارتی نقل کرده، که مشتمل است بر تمام فقرات آن زیارت، و لکن با اذن دخول مبسوطی که در آن نیز اشاره به جمله‌ای از مصائب شده، و تقسیم کردن آن‌که بعضی در پیش رو وبعضی در پشت سر و پایین پا باید خواند، و سیّد فرموده که این زیارتی است که سیّد مرتضی به آن زیارت [عمل] کرده. علاّمهٔ مجلسی رحمه الله در *بحار* این زیارت را از *مصباح الزائر* نقل کرده و در آخر آن فرموده: مظنون آن است که این زیارت از مؤلّفات سیّد مرتضی باشد، که از فقرات ناحیهٔ مقدّسه آن را ترکیب نموده و چیزی بر آن افزوده [است] و از این جهت این زیارت را در کتاب *تحفه* نقل نکرده، و غالب عوام را ـ که جزء آداب و سنتی که در کتب آن مرحوم بینند، به کتاب و گفتهٔ دیگران اعتنایی ندارند ـ از فیض آن زیارت محروم کردند. و در *مزار* قدیم همین زیارت را نقل کرده و در اوّل آن فرموده: زیارة اُخری تختصّ بالحسین صلوات اللّه علیه، و هي مرویّة بأسانید، و هي أوّل زیارة زار بها المرتضی علم الهدی رضوان اللّه علیه، فإذا بلغت المقتل... الخ.

حاصل ترجمه: این زیارت به چند سند روایت شده و این اوّل زیارتی است که به آن زیارت کرد علم‌الهدی سیّد مرتضی. پس معلوم شد که این زیارت شریفهٔ مرویّه و معتبر [را] در هر وقت می‌شود خواند، و ظنّ آن مرحوم بی‌اصل، بلکه با طریقهٔ سیّد مرتضی ابداً مناسبتی ندارد، به هر حال نسخهٔ آن زیارت بسیار [است و] هرکه راغب به ذکر مصائب و سوختن دل و گریستن بر آن حضرت است به راستی آن را بخواند، و غرض از این کلمات اتمام حجّت و رفع عُذر و دلالت بر خیر است که از حقوق لازمهٔ اخوان مؤمنین است، که بایست از عهدهٔ آن درآمد با ظنّ به بی ثمری و نتیجه نداشتن آن و دست نکشیدن عوام و جهّال از خواندن آن زیارت مجعوله، و گفتن بعضی اکاذیب در آن محضر عظیم الشّأن.

و امّا نوع دانایان غالباً از زیارت وارث و زیارت امین اللّه یا جامعهٔ صغیره نگذرند، اگر موفق به خواندن زیارت عاشورا نشدند، و الحمد للّه که ظاهر و مکشوف شد تقدّم این زیارت بر همهٔ آن‌ها و غیر آن‌ها، انتهی.

زیارت حضرت أبی عبدالله الحسین﷣

پس شیخ مرحوم﷬ زیارت مذکور را از کافی نقل کرده، و به همان زیارت در کتاب *تحفة الزائر* اکتفا نموده، و ما نیز به جهت ملاحظهٔ اختصار به ذکر آن زیارت و زیارت وارث اکتفا می‌نماییم، و چون در نُسخ آن زیارت که در *کافی* و *فقیه* و *تهذیب* و *کامل* [آمده است،] اختلاف است، ما نیز آن زیارت را از نسخهٔ ثقة الاسلام شیخ کلینی نقل کنیم.

در *کافی* شریف به سند خود روایت کرده از حسین بن ثویر که گفت: من و یونس بن ظبیان و مفضّل بن عمر و ابو سلمهٔ سرّاج نشسته بودیم نزد حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمّد﷣ و سخنگو در میان ما یونس بود که سنّش از همهٔ ما بزرگ‌تر بود، پس به حضرت عرض کرد: فدایت شوم، من حاضر می‌شوم در مجلس این قوم ـ یعنی اولاد عبّاس ـ پس چه بگویم؟ فرمود: «هرگاه حاضر شدی و ما را بیاد آوردی پس بگو: اَللّٰهُمَّ اَرِنَا الرَّخاءَ وَالسُّرُورَ که آنچه می‌خواهی یعنی از ثواب یا رجوع در رجعت، خواهی یافت». گفت: گفتم: فدایت شوم من بسیار می‌شود که امام حسین﷣ را یاد می‌کنم، پس در آن وقت چه بگویم؟ فرمود که: «سه مرتبه بگو: صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ، که سلام می‌رسد به آن حضرت از نزدیک و دور». پس حضرت فرمود: «زمانی که حضرت ابوعبد الله الحسین﷣ شهید شد، گریه کرد بر آن حضرت آسمان‌های هفتگانه و هفت زمین، و آنچه در آن‌ها و آنچه در مابین آن‌ها است، و هرکه در بهشت و در آتش است از مخلوق پروردگار ما، و آنچه دیده می‌شود، و آنچه دیده نمی‌شود، همه گریستند بر أبی عبدالله الحسین﷣ مگر سه چیز که گریه نکرد بر آن حضرت». گفتم: فدایت شوم، آن سه چیز کدام است؟ فرمود: «نگریست بر آن حضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان». گفتم: فدای تو شوم من می‌خواهم به زیارت آن حضرت بروم، پس چه بگویم و چه بکنم؟ فرمود: «چون به زیارت آن حضرت روی، پس غسل کن در کنار فرات پس بپوش جامه‌های پاک خود را، پس با پای برهنه روانه شو، پس به درستی که تو در حرمی از حرم‌های خدا و حرم رسول خدا هستی، و بسیار بگو در وقت رفتن: «اَللّٰهُ اَكْبَرُ»، و «لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ»، و «سُبْحانَ اللّٰهِ»، و هر ذکری که متضمّن تمجید و تعظیم حق تعالی باشد، و صلوات بسیار فرست بر محمّد و اهل بیت او، تا آن‌که برسی به درِ حائر.

پس بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ

يا مَلائِكَةَ اللّهِ وَزُوّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللّهِ • پس ده گام بردار، پس بایست و سی مرتبه بگو اللّهُ أكبر، پس برو به جانب قبر از پیش رو و مقابل کن روی خود را با روی آن حضرت و قرار بده قبله را ما بین دو کتف خود ـ یعنی پشت به قبله باش ـ پس بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتيلَ اللّهِ وَابْنَ قَتيلِهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وِتْرَ اللّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ • أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ • وَبَكىٰ لَهُ جَميعُ الْخَلائِقِ • وَبَكَتْ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَالْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ • وَمَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنا • وَما يُرىٰ وَما لا يُرىٰ • أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ • وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتيلُ اللّهِ وَابْنُ قَتيلِهِ • وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ثارُ اللّهِ[1] وَابْنُ ثارِهِ • وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وِتْرُ اللّهِ الْمَوْتُورُ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ • وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ وَأَوْفَيْتَ[2] • وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّهِ[3] وَمَضَيْتَ لِلَّذي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهيداً وَمُسْتَشْهَداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً • أَنَا عَبْدُ اللّهِ وَمَوْلاكَ وَفي طاعَتِكَ وَالْوافِدُ إِلَيْكَ • أَلْتَمِسُ كَمالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللّهِ وَثَباتَ الْقَدَمِ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ • وَالسَّبيلَ الَّذي لا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ في كَفالَتِكَ الَّتي أُمِرْتَ بِها • مَنْ أَرادَ اللّهَ بَدَأَ بِكُمْ • بِكُمْ يُبَيِّنُ اللّهُ الْكَذِبَ • وَبِكُمْ يُباعِدُ اللّهُ الزَّمانَ الْكَلِبَ • وَبِكُمْ فَتَحَ اللّهُ • وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللّهُ • وَبِكُمْ يَمْحَقُ[4] ما يَشاءُ • وَبِكُمْ يُثْبِتُ • وَبِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقابِنا • وَبِكُم يُدْرِكُ اللّهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِها • وَبِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجارَها • وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ

---

۱. في الأرض خ ل.
۲. ووافَيْتَ. خ ل.
۳. وَبِك خ ل.
۴. يَمْحَقُ اللّه خ ل.

ثِمارَها[1]. وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّماءُ قَطْرَها وَرِزْقَها. وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللهُ الْكَرْبَ. وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللهُ الْغَيْثَ. وَبِكُمْ تُسَبِّحُ[2] الْأَرْضُ الَّتي تَحْمِلُ اَبْدانَكُمْ وَتَسْتَقِرُّ[3] جِبالُها عَلىٰ مَراسيها[4]. اِرادَةُ الرَّبِّ في مَقاديرِ اُمُورِهِ تَهْبِطُ اِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ. وَالصّادِرُ عَمّا فُصِّلَ مِنْ اَحْكامِ الْعِبادِ. لُعِنَتْ اُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ. وَاُمَّةٌ خالَفَتْكُمْ. وَاُمَّةٌ جَحَدَتْ وِلايَتَكُمْ. وَاُمَّةٌ ظاهَرَتْ عَلَيْكُمْ. وَاُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ النّارَ مَأْواهُمْ[5] وَبِئْسَ وِرْدُ الْوارِدينَ. وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ. پس سه مرتبه بگو: وَصَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللهِ. پس بگو سه مرتبه: اَنَا اِلَى اللهِ مِمَّنْ خالَفَكَ بَريءٌ.

پس می‌روی به نزد قبر فرزند آن حضرت عليّ بن الحسين عليه السلام که در نزد پای پدرش مدفون است و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَديجَةَ وَفاطِمَةَ[6]. پس می‌گویی سه مرتبه: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، و سه مرتبه: لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ. و سه مرتبه: اَنَا اِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَريءٌ.

پس برمی‌خیزی و اشاره می‌کنی با دست خود به سوی شهدا عليهم السلام و می‌گویی سه مرتبه: اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ. پس می‌گویی: فُزْتُمْ وَاللهِ فُزْتُمْ وَاللهِ[7] فَلَيْتَ اَنّي مَعَكُمْ فَاَفُوزَ فَوْزاً عَظيماً. پس برمی‌گردی و می‌روی پشت قبر و شش رکعت نماز می‌کنی و چون چنین کردی

---

۱. الأشجارُ أثمارَها خ ل.
۲. تُسَبِّحُ خ ل.
۳. وَتَسْتَقِلُّ خ ل.
۴. مَراتِبِها خ ل.
۵. مَثْواهُمْ خ ل.
۶. خَديجَةَ الكُبْرىٰ وَفاطِمَةَ الزَّهْراءِ خ ل.
۷. فُزْتُمْ وَاللهِ خ ل.

زیارت تمام می‌شود. پس اگر خواهی آن‌جا بمان و اگر خواهی برگرد.

مؤلّف گوید که در این خبر شریف بیانی از این شش رکعت نماز شده و ظاهر آن است که هر شش رکعت، نمازِ زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام باشد، و شیخ ما علّامۀ نوری را گمان آن بود که دو رکعت از این شش رکعت نماز زیارت آن حضرت است و چهار رکعت دیگر، دو رکعت برای جناب علیّ بن الحسین علیه السلام و دو رکعت دیگرش برای شهدا است.

زیارت مطلقۀ سیّد الشهداء علیه السلام

و زیارتی است در تحفه که علّامۀ مجلسی رحمه الله آن را زیارت دهم قرار داده، و فرموده به سند معتبر منقول است از جابر بن [یزید] جُعفی که حضرت صادق علیه السلام فرمود به مفضّل بن عمر که: «چه مقدار فاصله است میان تو و میان قبر امام حسین علیه السلام؟» گفت: پدرم و مادرم فدای تو باد، یک روز و بعضی از روز دیگر. فرمود که: «به زیارت آن حضرت می‌روی؟» گفت: بلی. فرمود که: «آیا بشارت دهم تو را! آیا شاد گردانم تو را به ذکر کردن بعضی از ثواب زیارت آن حضرت؟» گفت: بلی. فرمود که: «چون احدی از شما شروع می‌کند در تهیّه و کار سازی زیارت آن حضرت، بَشاشت و شادی می‌کند به سبب او، اهل آسمان و او، را بشارت می‌دهند، پس چون از در خانۀ خود بیرون می‌آید خواه سواره و خواه پیاده، موکّل می‌گرداند حق تعالی به او چهار هزار ملک از ملائکه که صلوات می‌فرستند به او تا برسد به قبر آن حضرت. ای مفضّل چون برسی به قبر آن حضرت بر درِ روضه بایست و این کلمات را بخوان که تو را به هر کلمه‌ای نصیبی بزرگ از رحمت الهی خواهد بود». پرسید: آن کلمات چیست؟ فرمود که: «می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهيمَ خَليلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ بِنْتِ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدّيقُ الشَّهيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبارُّ التَّقِيُّ. السَّلامُ عَلَى الْأَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ. السَّلامُ عَلى مَلائِكَةِ اللّهِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ. وَآتَيْتَ الزَّكاةَ. وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ. وَعَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً حَتّى أَتاكَ الْيَقِينُ. السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس به سوی قبر روانه می‌شوی و به هر قدمی که برمی‌داری یا می‌گذاری مثل ثواب کسی داری که در خون خود دست و پا زده باشد در راه خدا. پس چون به نزدیک قبر رسی دست بر قبر بمال و بگو: **السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ في سَمائِهِ وَأَرْضِهِ** پس می‌روی و متوجّه نماز می‌شوی و به هر رکعت که می‌کنی مثل ثواب کسی داری که هزار حج و هزار عمره کرده باشد، و هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار مرتبه از برای خدا به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل، پس چون بر می‌گردی از نزد قبر آن حضرت منادی تو را ندا می‌کند که اگر سخن او را بشنوی در جمیع عمر خود نزد قبر آن حضرت بمانی. آن منادی می‌گوید: خوشا حال تو ای بنده، غنیمت یافتی و سالم گردانیدی، و گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، پس از سر گیر عمل را. پس اگر در آن سال یا در آن روز یا در آن شب بمیرد، متوجّه قبض روح او نمی‌شود به غیر از خدا، و می‌آیند با او ملائکه و استغفار از برای او می‌کنند، و صلوات بر او می‌فرستند، تا به منزل خود برگردد. پس ملائکه می‌گویند: پروردگارا این بندهٔ توست و نزد قبر پسر پیغمبرت ﷺ آمد و به منزل خود برگشت، پس به کجا برویم ما؟ پس ندا می‌رسد با ایشان از آسمان که: ای ملائکهٔ من به درِ خانهٔ بندهٔ من بایستید، و تسبیح و تقدیس من بکنید و ثوابش را در حسنات او بنویسید تا روز مردن او. پس پیوسته آن ملائکه در درِ خانهٔ او هستند، و تسبیح و تنزیه خدا می‌نمایند و ثوابش را در حسنات او می‌نویسند تا روزی که به دار بقا رحلت نماید. پس آن ملائکه، به جنازهٔ او حاضر می‌شوند و در وقت غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن بر او حاضر می‌شوند و می‌گویند: پروردگارا ما را موکّل کرده بودی به در خانهٔ بندهٔ خود و او فوت شد، پس به کجا رویم؟ پس حق تعالی ندا کند ایشان را که: «ای ملائکه من بایستید نزد قبر بندهٔ من، و تسبیح مرا بکنید، و ثواب آن را در حسنات او بنویسید تا روز قیامت». انتهی.

زیارت وارث

مخفی نماند که این زیارت شریفه نیز از زیارات مأثورهٔ معتبره است، و شیخ مفید آن را در *مزار* خود ایراد نموده، و شیخ طوسی نیز در کتاب *مصباح متهجّد* در باب زیارات حضرت امام حسین این زیارت را اختیار نموده، و علّامهٔ مجلسی این زیارت را از مصباح شیخ نقل کرده، و زیارت دوازدهم *تحفة الزّائر* قرار داده، و چون فعلاً مصباح در نزد حقیر حاضر نیست، از *تحفه* نقل می‌کنم زیارت مذکور را، به سند معتبر منقول است از صفوان جمّال که گفت: رخصت طلبیدم از حضرت صادق از برای زیارت مولایم حسین بن علی و سؤال کردم که تعلیم نماید مرا که چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟ فرمود: «ای صفوان، سه روز روزه بدار پیش از آن‌که از خانه بیرون بروی و در روز سوّم غسل کن، پس اهل خانهٔ خود را جمع کن نزد خود و بگو:

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَوَلَدي، وَمَنْ كانَ مِنّي بِسَبيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنينَ، الشّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغائِبَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنا بِحِفْظِ الْإيمانِ، وَاحْفَظْ عَلَيْنا، اللّٰهُمَّ اجْعَلْنا في حِرْزِكَ، وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ عافِيَتِكَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ، اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ، وَمِنْ كَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَمِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ، اللّٰهُمَّ ارْزُقْنا حَلاوَةَ الْإيمانِ، وَبَرْدَ الْمَغْفِرَةِ، وَآمِنّا مِنْ عَذابِكَ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ، وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النّارِ، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پس چون برسی به نهر فرات یعنی شریعهٔ حضرت صادق در کنار نهر علقمی بگو:

اللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَتْ إِلَيْهِ الرِّجالُ، وَشُدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحالُ، وَأَنْتَ سَيِّدي أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَأَفْضَلُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً، وَلِكُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَقَدْ

قَصَدْتُ وَلِيَّكَ وَابْنَ نَبِيِّكَ، وَصَفِيَّكَ وَابْنَ صَفِيِّكَ، وَنَجِيَّكَ وَابْنَ نَجِيِّكَ، وَحَبِيبَكَ وَابْنَ حَبِيبِكَ، اللَّهُمَّ فَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ لِيَ السَّبِيلَ إِلَىٰ زِيَارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ حَتَّىٰ بَلَّغْتَنِي هٰذَا الْمَكَانَ، اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ نَعْمَائِكَ كُلِّهَا، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَىٰ مِنَنِكَ كُلِّهَا.

پس غسل کن از فرات، به درستی که پدرم مرا از پدرانش خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: «این پسر من حسین، کشته خواهد شد بعد از من در کنار شطّ فرات، پس هرکه او را زیارت کند و از فرات غسل کند، گناهان از او بریزد مانند روزی که از مادر متولّد شده بوده است». و چون غسل می‌کنی در اثنای غسل بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآفَةٍ وَسُقْمٍ وَعَاهَةٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ بِهِ أَمْرِي.

و چون از غسل فارغ شوی دو جامهٔ طاهر بپوش و دو رکعت نماز کن در بیرون مشرعه که آن همان مکان است که حق تعالی در شأن او فرموده که: ﴿وَفِي ٱلْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي ٱلْأُكُلِ﴾، پس چون از نماز فارغ شوی، به جانب حائر روانه شو با یاد خدا، و با تأنّی گام‌های خود را بردار کوتاه، که حق تعالی برای تو به هر گامی حجّی و عمره می‌نویسد و راه رو با دل خاشع و دیدهٔ گریان و بسیار بگو: اللّٰهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ و ثنای خدا و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و به خصوص صلوات بر حسین علیه السلام ، ولعنت کن بر کشندگان او و بیزاری جو از آن‌ها که در اوّل اساس این ظلم را بر اهل بیت گذاشتند، و چون برسی به درِ حائر بایست و بگو:

اللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً، الْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّٰهُ. لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ.

پس بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتَمَ النَّبِيّينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُرْسَلينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيّينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدّيقُ الشَّهيدُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ اللّٰهِ الْمُقيمينَ في هٰذَا الْمَقامِ الشَّريفِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّيَ الْمُحْدِقينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ مِنّي اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

پس بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ. عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الْمُقِرُّ بِالرِّقِّ وَالتّارِكُ لِلْخِلافِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوالي لِوَلِيِّكُمْ وَالْمُعادي لِعَدُوِّكُمْ. قَصَدَ حَرَمَكَ وَاسْتَجارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ اِلَيْكَ بِقَصْدِهِ[1]. ءَاَدْخُلُ يا رَسُولَ اللّٰهِ. ءَاَدْخُلُ يا نَبِيَّ اللّٰهِ. ءَاَدْخُلُ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ. ءَاَدْخُلُ يا سَيِّدَ الْوَصِيّينَ. ءَاَدْخُلُ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ. ءَاَدْخُلُ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ. ءَاَدْخُلُ يا مَوْلايَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ.

پس اگر دلت خاشع و دیده‌ات گریان شود علامت رخصت است پس داخل شو و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْواحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذي هَداني لِوِلايَتِكَ وَخَصَّني

---

۱. بِقَصْدِكَ خ ل.

بِزِيارَتِكَ وَسَهِّلْ لِي قَصْدَكَ. پس برو به در روضهٔ مقدّسه و محاذى [و موازى] بالاى سر بايست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ. وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ. أشْهَدُ أنَّكَ قَدْ أقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَأمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأطَعْتَ اللّهَ وَرَسُولَهُ حَتّىٰ أتاكَ الْيَقِينُ. فَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ. وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ. يا مَوْلايَ يا أبا عَبْدِاللّهِ أشْهَدُ أنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْأرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ. لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِأنْجاسِها. وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها. وَأشْهَدُ أنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدِّينِ وَأرْكانِ الْمُؤْمِنِينَ. وَأشْهَدُ أنَّكَ الْإمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ. وَأشْهَدُ أنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَأعْلامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أهْلِ الدُّنْيا. وَاُشْهِدُ اللّهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرائِعِ دِينِي وَخَواتِيمِ عَمَلِي. وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ. وَأمْرِي لِأمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ. صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أرْواحِكُمْ وَعَلىٰ أجْسادِكُمْ وَعَلىٰ أجْسامِكُمْ وَعَلىٰ شاهِدِكُمْ وَعَلىٰ غائِبِكُمْ وَعَلىٰ ظاهِرِكُمْ وَعَلىٰ باطِنِكُمْ.

پس خود را به ضریح بچسبان و ضریح را ببوس و بگو:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمّي يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمّي يا أَبا عَبْدِ اللّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَميعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ، يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللّهَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس برخیز و دو رکعت نماز در بالای سر آن حضرت بکن، و در این دو رکعت هر سوره‌ای که خواهی بخوان، و چون فارغ شوی بگو:

اللّهُمَّ إِنّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لا تَكُونُ إِلّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللّهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنّي أَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، اللّهُمَّ فَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ مَوْلايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْها[1] مِنّي وَأْجُرْني عَلىٰ ذٰلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلي وَرَجائي فيكَ وَفي وَلِيِّكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ.

پس برخیز وبه نزد پا برو، و نزد علیّ بن الحسین علیه السلام بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهيدُ وَابْنُ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ،

---

۱. وَتَقَبَّلْ خ ل.

لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

پس خود را به قبر بچسبان و ضریح را ببوس و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَميعِ الْمُسْلِمينَ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَاَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكَ مِنْهُمْ.

پس برو از جانب پای علیّ بن الحسین علیه السلام به سوی شهدا، و متوجّه شو به سوی ایشان و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَوْلِياءَ اللّٰهِ وَاَحِبّاءَهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَصْفِياءَ اللّٰهِ وَاَوِدّاءَهُ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ دينِ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ رَسُولِ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النّاصِحِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي عَبْدِ اللّٰهِ، بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتي فيها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً، فَيالَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ.

پس برگرد به جانب سر حضرت امام حسین علیه السلام ودعا بسیار بکن از برای خود و از برای پدر و مادر و اهل و فرزندان و برادران مؤمن خود که در روضهٔ آن حضرت دعای دعاکننده و سؤالِ سؤال‌کننده رد نمی‌شود، و چون خواهی که بیرون آیی خود را به قبر بچسبان و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللّٰهِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ، فَاِنْ اَمْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللّٰهُ الصّابِرينَ، وَلا جَعَلَهُ اللّٰهُ

يا مَوْلايَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ ، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ إِلى مَشْهَدِكَ وَالْمَقامَ في حَرَمِكَ ، وَإِيّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَني بِكَ وَبِالأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ ، وَيَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ. پس برخیز و از روضه بیرون رو و پشت را به جانب قبر مکن و بسیار بگو: إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ. تا پنهان شوی از قبر».

پس فرمود که: «هرکه آن حضرت را به این نحو زیارت کند حق تعالیٰ از برای او به هر گامی صد هزار حسنه بنویسد، و محو کند از او صد هزار گناه، و بلند کند از برای او صد هزار درجه، و برآورد از برای او صد هزار حاجت که آسان‌ترین آن‌ها آن باشد که او را از آتش جهنّم دور گرداند، و چنان باشد که با حضرت امام حسین علیه السلام شهید شده باشد تا شریک شود با شهدای کربلا در درجات ایشان».

مؤلّف گوید که: نهر علقمی در این زمان منطمس شده [و اثری از آن نمانده] و در عقب قبر حضرت عبّاس علیه السلام بوده است، و شریعهٔ حضرت صادق علیه السلام ظاهراً آن [مکان و] موضع می‌باشد که اکنون مشهور است به مقام آن حضرت و در آن موضع عمارتی ساخته‌اند. اگر ممکن باشد از آن جانب از نهرهایی که از فرات منشعب می‌شود غسل کند و در آن مقام نماز کند و متوجّه زیارت شود بهتر است، واگر از سایر نهرها که از فرات جدا می‌شود از هر جانب که باشد غسل کند خوب است. تمام شد کلام علّامهٔ مجلسی رحمه الله.

مؤلّف گوید که: در این‌جا لازم است بر چند امر [تذکر و] تنبیه کنیم:

اوّل: آن که غالب عوام را اعتقاد آن است که قبور شهدا ـ رضوان اللّه علیهم ـ در پشت آن شبّاک[1] نقره‌ای است که در پایین پای حضرت علیّ بن الحسین علیه السلام در سمت قبله به دیوار منصوب است، و لهذا شهدا را در آن موضع زیارت می‌کنند و این خطای محض است، بلکه شهدا تمام در پایین پای حضرت سیّد الشّهدا و علیّ بن الحسین علیهما السلام مدفون‌اند و معلوم نیست که غیر از جناب ابی‌الفضل علیه السلام سایر شهدا هر یک در کدام موضع، دفن شده‌اند؟ مگر آن‌که این مطلب معیّن و معلوم است که حایر شریف محیط است بر آن‌ها. شیخ مفید رحمه الله در *ارشاد* فرموده آنچه حاصلش این است که حضرت علیّ بن الحسین علیه السلام را در نزد پای پدرش دفن کردند و گودالی کندند برای شهدا

---

۱. ضریح، پنجره.

از اهل بیت و اصحابش از طرف پاهای آن حضرت و همه را جمع کرده و دفن نمودند. بنابراین سزاوار است از برای زائری که می‌خواهد شهدا را زیارت کند آن‌که در طرف پای مبارک علیّ بن الحسین علیه السلام رو به قبله بایستد و به شهدا اشاره کند و ایشان را زیارت کند، تا آن‌که در محذور اهانت و لگد زدن به قبور شهدا علیهم السلام واقع نشود. و از این بیان نیز معلوم شد که طواف کردن در آن حرم شریف به سبب این محذور رجحان ندارد، بلکه ترکش احوط است، و امّا آنچه ظاهر می‌شود از بعض اخبار زیارت سیّد الشهدا علیه السلام از امر کردن به گردیدن دور ضریح و بوسیدن آن از چهار جانب، پس آن بر زمان سابق محمول است که برای قبر مطهّر آن حضرت وقبر علیّ بن الحسین شبّاکی نبوده، بلکه بقعهٔ کوچکی بوده که در بعض اخبار تعبیر از آن فرموده‌اند به سقیفه و برای سایر شهدا نیز سقیفه‌ای بوده علی حده، و چون از زیارت آن حضرت فارغ می‌شدند، از آن سقیفه بیرون می‌آمدند، آنگاه داخل می‌شدند در سقیفهٔ شهدا. چنانچه ظاهر می‌شود این مطلب نیز از عبارت زیارت مخصوصهٔ عرفه که بعد از زیارت علیّ بن الحسین علیه السلام فرموده‌اند: ثُمَّ اخْرُجْ مِنَ الْبابِ الَّذي عِندَ رِجْلِ عليِّ بن الحسين علیه السلام فَتَوَجَّهْ هُناكَ إلى الشُّهداءِ وَزُرْهُمْ. یعنی پس از آن‌که فارغ شدی از زیارت حضرت سیّد الشّهدا وعلیّ بن الحسین علیه السلام از دری که در نزد پای علیّ بن الحسین است بیرون رو، پس متوجّه شهدا شو در آن‌جا و زیارت کن ایشان را، و چون قبر مطهّر در آن وقت معلوم وجدا بود، و حدّ قبور آن‌ها نیز معلوم بوده، پس در گردیدن به دور قبر آن حضرت محذوری نبوده به خلاف این زمان که آن بنا به هم خورده و شبّاکی به این عظمت بر دور قبر آن حضرت و قبر علیّ بن الحسین علیه السلام احاطه کرده و آن ممر [و راه] بسته شده و دیگر جایی برای امتثال آن امر نماند، و خوف اهانت و استخفاف به قبور شهدا حاصل گردید.

دوّم: آن‌که در این زیارت معتبرهٔ وارث آخر زیارت شهدا همان است که مذکور شد، پس آنچه در مابین عوام متعارف شده که بعد از زیارت شهدا به آواز بلند در هر شب و روز در حضور مرقد مطهّر حضرت سیّد الشّهدا علیه السلام که محضر انبیا و مرسلین و مطاف ملائکهٔ مقرّبین است می‌خوانند: **السَّلامُ عَلى أَبْيَضِكُمْ وَعَلىٰ أَسْوَدِكُمْ، وَعَلىٰ مَنْ كانَ فِي الْحائِرِ مِنكُمْ وَعَلىٰ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحائِرِ مَعَكُمْ، خُصُوصاً سَيِّدِي وَمَوْلايَ أَبَاالْفَضْلِ الْعَبّاسِ ابنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقاسِمَ بْنَ الْحَسَنِ وَمُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ**

وَهَانِيَ بْنَ عُرْوَةِ وَحَبِيْبَ بْنَ مَظَاهِرِ والحُرَّ الشَّهيدَ الرِّياحيّ. والسَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَمَوالِيَّ جَمِيْعاً وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ. تمام بی‌اصل و بی‌مأخذ است، بلکه به ظاهر معنی متضمّن چند دروغ واضح است، علاوه بر جسارت افزودن بر فرمودهٔ امام علیه السلام واین ناشی است از عدم مراجعه به کتب علما با آن‌که به حمد الله تعالی کتب مزاریّهٔ علما از عربی و فارسی موجود است، که با بودن آن‌ها سزاوار نیست رجوع به مجموعات عوام که دارای تمیز [و تشخیص] نیستند و هر باطل و صحیحی را ضبط می‌نمایند و از مفاسد آن خبر ندارند.

و شیخ مرحوم ـطاب‌ثراهـ در کتاب *لؤلؤ ومرجان* در طعن و تشنیع منشی این فقرهٔ مزیده و کسانی که آن را در مجموعهٔ خود نویسند و آن را در زیارت بخوانند کلام طویلی دارد که مقام را مجال ذکر آن نیست.

سوّم: آن‌که ظاهر آن است که حضرت علیّ بن الحسین مشهور به علی اکبر از حضرت سیّد سجّاد علیه السلام در سن بزرگ‌تر بوده، چنانچه جمعی از ارباب سیر و تواریخ ذکر نموده‌اند، و ابن ادریس و کفعمی و شهید اوّل نیز اختیار آن نموده‌اند، و لکن شیخ مفید و شیخ محمّد بن الحسن القمّی صاحب *تاریخ قم* و برخی دیگر گفته‌اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام اکبر سنّاً بوده، و ابن ادریس در *سرائر* کلامی بس نغز و لطیف در این مقام ایراد نموده ذکر آن مناسب است در باب زیارات بعد از ذکر جمله‌ای از آداب زیارت گفته، آنچه حاصلش این است که زائر همین که زیارت کند حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام را، زیارت کند بعد از آن فرزند آن حضرت علی اکبر را، و مادر او لیلی بنت ابی مرة بن عروة بن مسعود الثّقفی است، و از آل ابی طالب نخستین کسی که در یوم الطّف به سعادت شهادت مبادرت جست آن جناب بود، تولّدش در عهد امارت عثمان افتاده از جدّ بزرگوارش امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده، خداوندان سخن در ستایش وی اشعار آبدار پرداخته‌اند. ابو عبیده و خلف الاحمر گفته‌اند که این ابیات فصیح در مدیح آن جناب است. ابیات مذکوره این است:

لَمْ تَرَ عَيْنٌ نَظَرَتْ مِثْلَهُ	مِنْ مُحْتَفٍ يَمْشِي وَلا نَاعِلِ
يَغْلِي نَيِيَّ اللَّحْمِ حَتَّى إذا	أنْضَجَ لَمْ يَغْلِ عَلَى الآكِلِ
كَانَ إذا شَبَّتْ لَهُ نَارُهُ	يُوقِدُهَا بِالشَّرَفِ الكَامِلِ
كَيْمَا يَرَاهَا بَائِسٌ مُرْمِلٌ	أوْ فَرْدُ حَيٍّ لَيْسَ بِالآهِلِ

أَعْنِي ابْنَ لَيْلَىٰ ذا السَّدىٰ وَالنَّدىٰ / أَعْنِي ابْنَ بِنْتِ الْحَسَبِ الْفاضِلِ

لا يُؤْثِرُ الدُّنْيا عَلىٰ دِينِهِ / وَلا يَبِيعُ الْحَقَّ بِالْباطِلِ

حاصل معنی این اشعار رشیقه آن‌که: همانا در تمام جهانیان هیچ دیده‌ای مانند وی ندیده، بر اطعام مساکین و اکرام واردین چندان حریص و مولع است که پیوسته انواع لحوم[1] واطعمه با قیمتی گزاف و بهایی گران بخرد و در بازارِ مردی و مصرف میزبانی بسی آن را به کار برده، و همواره بر عادت اشراف به سر پنجهٔ همّت نار قری[2] بیفروزد تا مردم نیازمند از هر طرف به آستان وی بشتابند و برخوان نعمتش گرد آیند، و آن ممدوح عظیم الشّأن، فرزند لیلی باشد که خود خداوندِ جود، عطا و دست پرور در آیهٔ حسب و شرافت است، هیچ گاه دین بر دنیا نگزیند و حقّ بر باطل نفروشد ـ علیه و علیٰ ابیه السلام ـ.

پس از نقل اشعار گفته شیخنا المفید رحمه الله در کتاب *ارشاد* بدین مذهب رفته، که علیّ بن الحسین المقتول، علی اصغر است، که فرزند ثقفیّه بوده است، و علی اکبر، حضرت امام زین العابدین علیه السلام باشد، که از شاه زنان دختر یزدگرد کسری پدید آمده، ولی در این باب کلام صاحبان خبرت و اهل صناعت که نسّابین و اصحاب سِیَر و مؤرّخین و ارباب اخبار باشند بر عقیدت فقیه مقدّم است. زبیر بن بکّار و بلاذری و مزنی و عمری و ابن قتیبه و ابن‌ابی الأزهر و ابوالفرج وابن‌جریر طبری وابوحنیفه دینوری و جامع کتاب *الزّواجر والمواعظ* و مصنّف کتاب *الفاخر* و ابوعلیّ بن‌همام، همگی به لسان واحد اتّفاق کرده‌اند که علیّ بن الحسین الأکبر همان است که در رکاب پدر به فیض شهادت رسید، انتهی.

و چون ظاهر گشت که حضرت علی اکبر از حضرت سجّاد علیه السلام بزرگ‌تر بوده، پس سنّ شریفش از هجده زیاده بوده، بلکه قریب به بیست و پنج سال عمر فرموده، چنانچه از بعضی نقل شده و تأیید می‌کند این مدّعی را آنچه ابن ادریس و دیگران فرموده‌اند، که حضرت سیّد سجّاد علیه السلام روز طف بیست و سه سال داشت، و از عمر شریف حضرت باقر علیه السلام در آن حال سه سال و چند ماه گذشته بود. و بنابراین پس آنچه را که بعضی از ذاکرین در مصیبت حضرت علی اکبر می‌خوانند در ضمن نظم و نثر که مشعر است بر آن‌که آن حضرت داماد نگشته از دنیا رفت کلامی است بی

---

۱. گوشت‌ها.

۲. نار القری: آتشی است که برخی نهاوندان آن را هنگام غروب آفتاب در حاشیه شهر می‌افروختند تا مسافران در راه مانده با دیدن آن خود را به شهر برسانند. معمولاً کسی که بسیار سخاوتمند بود خانهٔ خود را در حاشیه شهر می‌ساخت تا مسافران را پذیرایی کند. در تاریخ آمده است که حضرت علی اکبر علیه السلام نار القری می‌افروخت.

وقع. چه دور است از سیرهٔ خانوادهٔ اهل بیت نبوّت که تا این مقدار از سن را درک کنند و عزب و بدون ترویج بمانند. به علاوه آن‌که در زیارت طویلهٔ ابی‌حمزهٔ ثمالی که از حضرت صادق علیه السلام مروی است، در زیارت علیّ بن الحسین علیه السلام دارد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ عِتْرَتِكَ وَأَهلِ بَيْتِكَ... الخ، واین زیارت را علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *تحفه* اوّل زیارات حضرت سیّد الشّهدا علیه السلام قرار داده، هرکه خواهد به آن‌جا رجوع کند.



فصل ششم

در بیان اعمالی که مستحب است در روضهٔ مقدّسهٔ حضرت امام حسین علیه السلام واقع سازند

بدان که عمدهٔ اعمال در این روضهٔ مطهّره دعا است، زیرا که اجابت در تحت آن قبّهٔ سامیه یکی از چیزهائی است که در عوض شهادت، حق تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند. و در طیّ زیارات آن حضرت پیش از نماز زیارت و بعد از نماز، ادعیهٔ بسیاری با مضامین عالیه وارد شده، و چون بنا بر اختصار است، ما از آن ادعیه دو دعا را اختیار کردیم، امید از خوانندن آن تغافل و تکاسل نکنند، و این مجرم روسیاه را به دعایی یاد و شاد فرمایند:

دعای اوّل: دعایی است که شیخ مفید و محمّد بن المشهدی در مزار خود در ضمن یکی از زیارات قبل از نماز زیارت نقل کرده‌اند و فرموده‌اند که رو را به سمت قبله و دست‌ها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَأَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَضائِلِهِ وَعَطاياهُ، فَإِلَيْكَ يا رَبِّ كانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَإِعْدادِي وَاسْتِعْدادِي وَسَفَرِي، وَإِلىٰ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَفَدْتُ، وَبِزِيارَتِهِ إِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ رَجاءَ رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَعَطاياكَ وَفَواضِلِكَ، اَللّٰهُمَّ وَقَدْ رَجَوْتُ كَرِيمَ عَفْوِكَ وَواسِعَ مَغْفِرَتِكَ فَلا تَرُدَّنِي خائِباً، فَإِلَيْكَ

قَصَدْتُ. وَما عِنْدَكَ اَرَدْتُ. وَقَبْرَ اِمامِيَ[1] الَّذي اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طاعَتَهُ زُرْتُ. فَاجْعَلْني بِهِ عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ[2]. وَاَعْطِني بِهِ جَميعَ سُؤْلي. وَاقْضِ لي بِهِ جَميعَ حَوائِجي. وَلا تَقْطَعْ رَجائي. وَلا تُخَيِّبْ دُعائي. وَارْحَمْ ضَعْفي وَقِلَّةَ حيلَتي. وَلا تَكِلْني اِلىٰ نَفْسي وَلا اِلىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ. مَوْلايَ فَقَدْ اَفْحَمَتْني ذُنُوبي. وَقَطَعَتْ حُجَّتي. وَابْتُلِيتُ بِخَطيئَتي. وَارْتُهِنْتُ بِعَمَلي. وَاَوْبَقْتُ نَفْسي وَوَقَفْتُها مَوْقِفَ الأَذِلّاءِ الْمُذْنِبينَ الْمُجْتَرِئينَ عَلَيْكَ. التّارِكينَ اَمْرَكَ. الْمُغْتَرّينَ بِكَ. الْمُسْتَخِفّينَ بِوَعْدِكَ. وَقَدْ اَوْبَقَني ما كانَ مِنْ قَبيحِ جُرْمي وَسُوءِ نَظَري لِنَفْسي. فَارْحَمْ تَضَرُّعي وَنَدامَتي. وَاَقِلْني عَثْرَتي. وَارْحَمْ عَبْرَتي. وَاقْبَلْ مَعْذِرَتي. وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلي. وَبِاِحْسانِكَ عَلىٰ اِساءَتي. وَبِعَفْوِكَ عَلىٰ جُرْمي. فَاِلَيْكَ اَشْكُو ضَعْفَ عَمَلي. فَارْحَمْني يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي فَاِنّي مُقِرٌّ بِذَنْبي. مُعْتَرِفٌ بِخَطيئَتي. وَهٰذِهِ يَدي وَناصِيَتي بِالْقَوَدِ مِنّي يا سَيِّدي. فَاقْبَلْ تَوْبَتي. وَنَفِّسْ كُرْبَتي[3]. وَارْحَمْ خُشُوعي وَخُضُوعي وَاَسَفي عَلىٰ ما كانَ مِنّي. وَوُقُوفي عِنْدَ قَبْرِ وَلِيِّكَ. وَذُلّي بَيْنَ يَدَيْكَ. فَاَنْتَ رَجائي وَمُعْتَمَدي وَظَهْري وَعُدَّتي. فَلا تَرُدَّني خائِباً. وَتَقَبَّلْ عَمَلي. وَاسْتُرْ عَوْرَتي. وَآمِنْ رَوْعَتي. وَلا تُخَيِّبْني وَلا تَقْطَعْ رَجائي مِنْ بَيْنِ خَلْقِكَ يا سَيِّدي. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ قُلْتَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اُدْعُوني اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرينَ». يا رَبِّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ الَّذي لا تُخْلِفُ الْميعادَ. فَاسْتَجِبْ لي يا رَبِّ.

---

۱. الإمام خ ل.
۲. وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ خ ل.
۳. كُرُوبي خ ل.

فَقَدْ سَأَلَكَ السّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ. وَطَلَبَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ. وَرَغِبَ الرّاغِبُونَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ. وَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ لا تُخَيِّبَني وَلا تَقْطَعَ رَجائي. وَعَرِّفْني الْإِجابَةَ يا سَيِّدي. وَاقْضِ لي حَوائِجَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

دوّم: دعایی است که سیّد ابن طاووس رحمه الله در *مصباح الزائر* بعد از ذکر یکی از زیارات آن حضرت به عنوان صلوات و ثنا بر آن حضرت ذکر نموده است، و علامهٔ مجلسی رحمه الله آن زیارت را در *تحفة الزائر*، زیارت چهاردهم قرار داده است. و آن صلوات چنین است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ قَتيلِ الْعَبَراتِ وَأَسيرِ الْكُرُباتِ. صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً. يَصْعَدُ أَوَّلُها وَلا يَنْفَدُ آخِرُها. أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلادِ الْأَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمامِ الشَّهيدِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ وَالسَّيِّدِ الْقائِدِ وَالْعابِدِ الزّاهِدِ. الْوَصِيِّ الْخَليفَةِ. الْإِمامِ الصِّدّيقِ الطُّهْرِ الطّاهِرِ الطَّيِّبِ الْمُبارَكِ. الرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ. التَّقِيِّ الْهادِي الْمَهْدِيِّ. الزّاهِدِ الذّائِدِ الْمُجاهِدِ الْعالِمِ. إِمامِ الْهُدىٰ. سِبْطِ الرَّسُولِ وَقُرَّةِ عَيْنِ الْبَتُولِ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ سَيِّدي وَمَوْلايَ كَما عَمِلَ بِطاعَتِكَ. وَنَهىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ. وَبالَغَ في رِضْوانِكَ. وَأَقْبَلَ عَلىٰ إيمانِكَ. غَيْرَ قابِلٍ فيكَ عُذْراً سِرّاً وَعَلانِيَةً. يَدْعُو الْعِبادَ إِلَيْكَ وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ. وَقامَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَهْدِمُ الْجَوْرَ بِالصَّوابِ. وَيُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتابِ. فَعاشَ في رِضْوانِكَ مَكْدُوداً. وَمَضىٰ عَلىٰ طاعَتِكَ وَفي أَوْلِيائِكَ[1] مَكْدُوحاً. وَمَضىٰ إِلَيْكَ مَفْقُوداً. لَمْ يَعْصِكَ في لَيْلٍ وَلا نَهارٍ. بَلْ جاهَدَ فيكَ الْمُنافِقينَ وَالْكُفّارَ. اللّهُمَّ فَاجْزِهِ[2] خَيْرَ جَزاءِ الصّادِقينَ الْأَبْرارِ.

۱. ولائك خ ل.
۲. عنّا خ ل.

وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ وَلِقاتِليهِ الْعِقابَ. فَقَدْ قاتَلَ كَريماً. وَقُتِلَ مَظْلُوماً. وَمَضىٰ مَرْحُوماً. يَقُولُ: اَنَا ابْنُ رَسُولِ اللّٰهِ مُحَمَّدٍ. وَابْنُ مَنْ زَكّىٰ وَعَبَدَ. فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ. قَتَلُوهُ عَلَى الْإيمانِ وَأَطاعُوا في قَتْلِهِ الشَّيْطانَ. وَلَمْ يُراقِبُوا فيهِ الرَّحْمٰنَ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ على سَيِّدي وَمَوْلايَ. صَلاةً تَرْفَعُ بِها ذِكْرَهُ. وَتُظْهِرُ بِها اَمْرَهُ. وَتُعَجِّلُ بِها نَصْرَهُ. وَاخْصُصْهُ بِأَفْضَلِ قِسَمِ الْفَضائِلِ يَوْمَ الْقِيامَةِ. وَزِدْهُ شَرَفاً في أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ. وَبَلِّغْهُ أَعْلىٰ شَرَفِ الْمُكَرَّمينَ وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ رَحْمَتِكَ في شَرَفِ الْمُقَرَّبينَ فِي الرَّفيعِ الْأَعْلىٰ. وَبَلِّغْهُ الْوَسيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْجَليلَةَ. وَالْفَضْلَ وَالْفَضيلَةَ. وَالْكَرامَةَ الْجَزيلَةَ. اَللّٰهُمَّ وَاجْزِهِ عَنّا اَفْضَلَ ما جازَيْتَ[1] إماماً عَنْ رَعِيَّتِهِ. وَصَلِّ عَلىٰ سَيِّدي وَمَوْلايَ كُلَّما ذُكِرَ وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ. يا سَيِّدي وَمَوْلايَ اَدْخِلْني في حِزْبِكَ وَزُمْرَتِكَ. وَاسْتَوْهِبْني مِنْ رَبِّكَ وَرَبّي. فَإنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ جاهاً وَقَدْراً وَمَنْزِلَةً رَفيعَةً. إنْ سَأَلْتَ أُعْطيتَ. وَإنْ شَفَعْتَ شُفِّعْتَ. اَللّٰهَ اللّٰهَ في عَبْدِكَ وَمَولاكَ. لا تُخَلِّني عِنْدَ الشَّدائِدِ وَالْأَهْوالِ لِسُوءِ عَمَلي وَقَبيحِ فِعْلي وَعَظيمِ جُرْمي. فَإنَّكَ أَمَلي وَرَجائي وَثِقَتي وَمُعْتَمَدي وَوَسيلَتي إلَى اللّٰهِ رَبّي وَرَبِّكَ. لَمْ يَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ إلَى اللّٰهِ بِوَسيلَةٍ هِيَ أَعْظَمُ حَقّاً وَلا أَوْجَبُ حُرْمَةً وَلا أَجَلُّ قَدْراً عِنْدَهُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ. لا خَلَّفَنِيَ اللّٰهُ عَنْكُمْ بِذُنُوبي. وَجَمَعَني وَإيّاكُمْ في جَنَّةِ عَدْنٍ الَّتي أَعَدَّها لَكُمْ وَلِأَوْلِيائِكُمْ إنَّهُ خَيْرُ الْغافِرينَ وَأَرْحَمُ الرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ أَبْلِغْ سَيِّدي وَمَوْلايَ تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً. وَارْدُدْ عَلَيْنا مِنْهُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ إنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ. وَصَلِّ عَلَيْهِ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

---

۱. جَزَيْتَ خ ل.

دعای مظلوم بر ظالم

و از جملهٔ اعمال این روضهٔ منوّره دعای مظلوم بر ظالم است؛ یعنی سزاوار است از برای کسی که از ظلم ظالمی مضطر شده باشد، این دعا را در آن حرم منوّر بخواند، و دعا چنان است که شیخ الطّائفه رحمه الله در مصباح متهجّد در اعمال روز جمعه ذکر نموده و فرموده: مستحب است دعای مظلوم را نزد قبر ابی عبد اللّه الحسین بخوانند، و آن دعا این است:

اللّهُمَّ إِنّي أَعْتَزُّ بِدينِكَ وَأُكْرَمُ بِهِدايَتِكَ وَفُلانٌ[1] يُذِلُّني بِشَرِّهِ، وَيُهينُني بِأَذِيَّتِهِ، وَيُعيبُني بِوَلاءِ أَوْلِيائِكَ، وَيَبْهَتُني بِدَعْواهُ، وَقَدْ جِئْتُ إِلىٰ مَوْضِعِ الدُّعاءِ وَضَمانُكَ الْإِجابَةُ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْدِني عَلَيْهِ السّاعَةَ السّاعَةَ. پس خود را بر قبر بینداز و بگو: مَوْلايَ إِمامي، مَظْلُومٌ اسْتَعْدىٰ عَلىٰ ظالِمِهِ، النَّصْرَ النَّصْرَ آن قدر مکرّر کن النّصر را تا نَفَس منقطع شود.

دعای قضای حوائج

واز جملهٔ اعمال در آن حرم دعایی است که شیخ ابن فهد حلّی رحمه الله در عدّة الدّاعی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «هرکه از برای او حاجتی باشد به سوی خداوند ـ عزّوجلّ ـ پس بایستد در نزد سر امام حسین علیه السلام و بگوید: يا أَبا عَبْدِاللّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقامي وَتَسْمَعُ كَلامي وَعِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ فَاسْأَلْ رَبَّكَ[2] في قَضاءِ حَوائِجي، به درستی که حاجت او برآورده می‌شود إن شاء اللّه تعالی».

نماز در روضهٔ منوّره

و از جملهٔ اعمال دو رکعت نماز است در آن حرم مطهّر با سورهٔ «الرّحمن» و سورهٔ «تبارک»، هرکه آن را بخواند خداوند منّان برای او بیست و پنج حجّهٔ مقبولهٔ مبروره می‌نویسد که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد، چنانچه سیّد ابن طاووس رحمه الله در مصباح الزّائر نقل کرده.

مؤلّف گوید که: سیّد ابن طاووس غیر از این نماز چند طریق دیگر نیز نماز ذکر کرده که باید

---

۱. به جای فلان نام آن ظالم را ببرد.

۲. وَرَبّي خ ل.

در روضهٔ منوّره بجای آورد، و چون متضمّن بود بر دعاهای طویله و بنای ما بر اختصار است به همین دو رکعت قناعت کردیم و طالبین رجوع کنند به *مصباح الزّائر* یا اگر دستشان به مصباح نمی‌رسد به فصل پنجم از باب هفتم *تحفة الزّائر*.

استخاره در قبّهٔ امام حسین عليه‌السلام

و از جملهٔ اعمال در آن قبّهٔ سامیه استخاره است و کیفیّت آن چنان است که علّامهٔ مجلسی نقل نموده، و اصل روایت در کتاب *قرب الإسناد* حمیری است، فرموده به سند صحیح از حضرت صادق عليه‌السلام منقول است که: «هر بنده‌ای که در امری از امور، صدْ مرتبه طلب خیر از خداوند عالمیان بکند که بایستد نزد سر حضرت امام حسین عليه‌السلام: **وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَسُبْحانَ اللّٰهِ** بگوید و خدا را به بزرگواری یاد کند و حمد و ثنای خدا بگوید چنانچه سزاوار است، و صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند، البتّه حق تعالی آنچه خیر اوست در آن امر به او می‌نماید و پیش او می‌آورد. و موافق روایات دیگر طلب خیر به این نحو می‌کند که صد مرتبه می‌گوید: **أَسْتَخيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً في عافِيَةٍ.**

فصل هفتم

در کیفیّت زیارت جناب ابوالفضل، عبّاس بن امیرالمؤمنین عليهما‌السلام است

شیخ مفید و محمّد بن المشهدی و دیگران روایت کرده‌اند که چون خواهی زیارت حضرت عبّاس کنی می‌روی به سمت حرم آن جناب، همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو:

سَلامُ اللّٰهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَأَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلينَ وَعِبادِهِ الصّالِحينَ وَجَميعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدّيقينَ وَالزّاكِياتِ الطَّيِّباتِ فيما تَغْتَدي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ. أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْليمِ وَالتَّصْديقِ وَالْوَفاءِ وَالنَّصيحَةِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَالدَّليلِ الْعالِمِ وَالْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ. فَجَزاكَ اللّٰهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَعَنْ

فاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَينِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِمْ اَفْضَلَ الْجَزاءِ بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ واَعَنْتَ. فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ. لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ. وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ. وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ حالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ماءِ الْفُراتِ. اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَاَنَّ اللّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ. جِئْتُكَ يَابْنَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وافِداً اِلَيْكُمْ وَقَلْبي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَاَنَا لَكُمْ تابِعٌ[1] وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ. لا مَعَ عَدُوِّكُمْ. اِنّي بِكُمْ وَبِاِيابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ. وَبِمَنْ خالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكافِرينَ. قَتَلَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُم بِالْاَيْدي وَالْاَلْسُنِ.

پس داخل شو و بچسبان خود را به ضریح و بگو در حالی که رو به قبله باشی ـ تقیید رو به قبله بودن [در] لفظ خبر نیست بلکه خبر مطلق است، و لیکن به جهت امتیاز معصوم از غیر او، از اخبار استفاده شده که مواجهه و رو به رو شدن در وقت زیارت از خصایص معصوم است، حتی آن‌که در حضرت علیّ بن الحسین علیه‌السلام تصریح شده در زیارت ناحیه که رو به قبله بایست، به علاوه آن‌که علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله نقل اتّفاق قول و عمل اصحاب ـ رضوان الله علیهم ـ بر این معنی که رو به قبله بودن در زیارت غیر معصوم نموده، پس تقیید کردن خبر به ظاهر اخبار دیگر، و اتّفاق قولی و عملی اصحاب لازم است، هر چند محتمل است بزرگی و جلالت شأن ایشان این اقتضا نموده که از سایر مؤمنین ممتاز شوند و با مولای خود دراین منقبت شریک باشند ـ و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوانُهُ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. اَشْهَدُ وَاُشْهِدُ اللّهَ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضىٰ عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجاهِدُونَ في سَبيلِ اللّهِ الْمُناصِحُونَ لَهُ في جِهادِ اَعْدائِهِ. الْمُبالِغُونَ في نُصْرَةِ اَوْلِيائِهِ. الذّابُّونَ عَنْ اَحِبّائِهِ. فَجَزاكَ اللّهُ اَفْضَلَ الْجَزاءِ وَاَكْثَرَ الْجَزاءِ وَاَوْفَرَ الْجَزاءِ وَاَوْفىٰ جَزاءِ

---

۱. وَتابِعٌ خ ل.

أَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَأَطاعَ وُلاةَ أَمْرِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غايَةَ الْمَجْهُودِ. فَبَعَثَكَ اللّٰهُ فِي الشُّهَداءِ. وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْواحِ السُّعَداءِ. وَأَعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ أَفْسَحَها مَنْزِلاً. وَأَفْضَلَها غُرَفاً. وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ. وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً. أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ. مُقْتَدِياً بِالصّالِحِينَ وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيِّينَ. فَجَمَعَ اللّٰهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكَ. وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيائِهِ فِي مَنازِلِ الْمُخْبِتِينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.

پس برو به سوی بالای سر و دو رکعت نماز کن و بعد از این دو رکعت هر چه خواستی نماز کن و بسیار بخوان خدا را، و بگو در عقب نمازها:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَلا تَدَعْ لِي فِي هٰذَا الْمَكانِ الْمُكَرَّمِ وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ. وَلا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ. وَلا مَرَضاً إِلَّا شَفَيْتَهُ. وَلا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ. وَلا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ. وَلا خَوْفاً إِلَّا آمَنْتَهُ. وَلا شَمْلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ. وَلا غائِباً إِلَّا حَفِظْتَهُ. وَلا دَيْناً إِلَّا أَدَّيْتَهُ. وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيها رِضاً وَلِيَ فِيها صَلاحٌ إِلَّا قَضَيْتَها. يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برگرد به سوی ضریح و در نزد پا بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَقْدَمِهِمْ إِيماناً وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللّٰهِ وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلامِ. أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ. فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُواسِي[1]. فَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ

---

۱. لأخيه خ ل.

أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ وَانْتَهَكَتْ[1] حُرْمَةَ الْإِسْلامِ، فَنِعْمَ الصّابِرُ الْمُجاهِدُ الْمُحامِي، النّاصِرُ، وَالْأَخُ الدّافِعُ عَنْ أَخيهِ، الْمُجيبُ إِلىٰ طاعَةِ رَبِّهِ، الرّاغِبُ فيما زَهِدَ فيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوابِ الْجَزيلِ وَالثَّناءِ الْجَميلِ، فَأَلْحَقَكَ اللّهُ بِدَرَجَةِ آبائِكَ في دارِ[2] النَّعيمِ، اَللّهُمَّ إِنّي تَعَرَّضْتُ لِزِيارَةِ أَوْلِيائِكَ رَغْبَةً في ثَوابِكَ، وَرَجاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزيلِ إِحْسانِكَ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ، وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقي بِهِمْ دارّاً، وَعَيْشي بِهِمْ قارّاً، وَزِيارَتي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَحَياتي بِهِمْ طَيِّبَةً، وَأَدْرِجْني إِدْراجَ الْمُكْرَمينَ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيارَةِ مَشاهِدِ أَحِبّائِكَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً قَدِ اسْتَوْجَبَ غُفْرانَ الذُّنُوبِ، وَسَتْرَ الْعُيُوبِ، وَكَشْفَ الْكُرُوبِ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را به‌جهت بیرون آمدن، پس نزد قبر برو و بگو:

أَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَأَسْتَرْعيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتابِهِ وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللّهِ، اَللّهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ، اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي قَبْرَ ابْنِ أَخي رَسُولِكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَارْزُقْني زِيارَتَهُ أَبَداً ما أَبْقَيْتَني، وَاحْشُرْني مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ فِي الْجِنانِ، وَعَرِّفْ بَيْني[3] وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيائِكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّني عَلَى الْإيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ وَالْأَئِمَّةِ[4] عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَالْبَراءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَإِنّي رَضيتُ بِذٰلِكَ وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود و به جهت والدین خود و از برای مردان مؤمن و زن‌های مؤمنه و اختیار کن از دعاها هر دعایی را که می‌خواهی.

---

۱. في قَتْلِكَ خ ل.
۲. جَنّاتِ خ ل.
۳. وَبَيْنَهُ خ ل.
۴. مِنْ وُلْدِهِ خ ل.

خاتـمه

در ذکر بعض مطالبی که متعلّق است به این باب

پوشیده نماند که چون این رسالهٔ شریفه حسب خواهش عالی‌جناب مشهدی عبّاسعلی جمع و تألیف شده، لهذا ما در ترتیب و جمع و اختصار در بعض مطالب، و اطالهٔ کلام در چیزهای دیگر، و اکثار در نقل از *تحفة الزّائر* و غیر این‌ها، تمام به خواهش و میل ایشان رفتار نمودیم، و آنچه از ما خواسته در آن درج نمودیم، و از جمله چیزهایی که خواهش نموده آن است که در مکتوب خود به این صورت درج کرده که زیارت جناب حرّ، و جناب عون، و مختصر از مقام امام جعفر صادق عليه السلام و مقام حضرت حجّت ـ عجّل اللّه فرجه ـ که در کربلا است و سایر مقامات مثل خیمه‌گاه و وادی ایمن و زیارت اهل قبور اشاره دهید.

در تعیین مدفن جناب حرّ بن یزید رحمه الله

گویم مخفی نماند که در این کتب مزاریّه که معروف و مرجع است و علّامهٔ مجلسی رحمه الله غالب مزار *بحار* را از اکثر آن‌ها جمع نموده مانند *کامل الزّیاره*، و *مصباح الزّائر*، و *مزار* شیخ مفید، و *مزار* محمّد بن المشهدی که در *بحار* تعبیر از او شده به *مزار کبیر*، و *مزار* شهید اوّل رحمه الله، و *مزار قدیم*، و غیر این‌ها از مزارات علمای متأخّرین، چون مزار *بحار*، و *تحفة الزّائر* علّامهٔ مجلسی، و *مزار* آقا جمال الدّین و *مزار* شیخ خضر، و *هدیّة الرّضویّه*، و *مزار فلک النّجاة* و غیرها، که تمام بحمداللّه تعالی موجود و به نظر این حقیر رسیده و از آن نقل نموده‌ام، هنوز واقف نشدم برکلامی که متعرّض یکی از این‌ها جز زیارت اهل قبور شده باشد. بلکه در خصوص مدفن جناب حرّ و عون نیز در این کتب مزاریّه و سایر کتب چیزی متعرض نشده‌اند. بلی سیّدالعلما والفقها آقا سیّد مهدی قزوینی در مزار کتاب خود که موسوم به *فلک النّجاة* است گفته که مستحبّ است زیارت کسانی که در راه امام حسین عليه السلام شهید شده‌اند، چه آن‌ها که در حائر نزد آن حضرت مدفون‌اند، و چه آنان که بیرون از حائرند مثل عبّاس و حبیب و حرّ و مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در کوفه و عون بن عبد اللّه بن جعفر. این کلام ظاهر، بلکه صریح است که بودن عون در این مکان نزد ایشان معتبر بوده، و امّا در باب جناب حرّ، علاوه بر این عبارت سیّد مرحوم نیز صاحب کتاب *حجّة السّعادة فی حجّة الشّهادة* در وقعه بعد از شهادت حضرت سیّد الشّهدا عليه السلام گفته که عمر ابن سعد روز شهادت را در کربلا بود تا روز دیگر به وقت زوال، و جمعی متعهدان بر امام زین‌العابدین عليه السلام و دختران امیرالمؤمنین عليه السلام و دیگر زنان موکّل کرد؛ جمله بیست زن بودند، وامام زین‌العابدین عليه السلام آن روز

بیست و دو ساله بود، و امام محمّد باقر علیه‌السلام چهار ساله و هر دو در کربلا حضور داشتند، وحق تعالی ایشان را حراست فرمود. چون عمربن‌سعد از کربلا رحلت کرد، قومی از بنی اسد کوچ کرده، می‌رفتند. چون به کربلا رسیدند و آن حالت را دیدند، امام حسین علیه‌السلام را تنها دفن کردند، و علیّ بن الحسین علیه‌السلام را پایین پای او، و حضرت عبّاس را بر کنار فرات جایی که شهید شده بود، و باقی را قبری بزرگ کندند و دفن کردند، و حرّ بن یزید را اقربای او در جایی که به شهادت رسیده بود دفن نمودند، و قبرهای شهدا معیّن نیست که از آن هر یک، کدام است، الّا آن‌که لاشکّ حائر محیط است بر جمله، انتهی.

و مستندش در این کلام کتاب *کامل بهائی* است، که از مؤلّفات شیخ عالم جلیل حسن بن علی الطبرسی ـ طاب سرّه القدسی است ـ، و چون حقیر تمام *کامل* را نیافتم، بلکه قطعه‌ای از آن را درک نمودم و هر چند تفحّص کردم مطّلع نشدم تا عبارت او را به عینه نقل کنم، و یکی از فضلا و مهرهٔ فنّ منبر خبر داد مرا به چیزی‌که حاصلش آن است؛ وقتی مراجعه کردم در یکی از شروح قاموس که به لسان ترکی بود به جهت تعیین معنی نواویس، که در خطبهٔ حضرت سیّد الشّهدا علیه‌السلام در وقت عزیمت به عراق واقع است: کَأنّي بِأوْصالي تُقَطِّعُها عُسلانُ الْفَلَواتِ بَيْنَ النَّواويسِ و كربلاء، در آن‌جا دیدم که صاحب کتاب متعرّض شده مدفن جناب حرّ را، و بیان کرده سبب دفنش را در آن‌جا، و چون عباراتش را درست مستحضر نیستم ذکر نمی‌کنم.

و بالجمله، ما را در مقام تعیین همین قدر کافی است، به علاوه آن‌که شیخ شهید رحمه‌الله در کتاب شریف دروس بعد از ذکر فضایل زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه‌السلام می‌فرماید: و هرگاه زیارت کرد آن جناب را، پس زیارت کند فرزندش علیّ بن الحسین علیه‌السلام را و زیارت کند شهدا را و برادرش حضرت عبّاس علیه‌السلام را و زیارت کند حرّ بن یزید را... الخ. واین کلام ظاهر بلکه صریح است که در عصر شهید، قبر حرّ بن یزید در آن‌جا معروف و نزد آن شیخ جلیل به صفت اعتبار موصوف بوده [است و] زیاده بر این دیگر ما چیزی نمی‌خواهیم.

و امّا در باب مقامین که یکی واقع است در کنار نهر حسینی، با قبّهٔ مختصره و معروف است به مقام مهدی ـصلوات الله علیهـ و دیگری که واقع است در میان بستانی، نزدیک به همان مقام، با قبّه‌ای و عالی‌تر از مقام اوّلی و معروف است به مقام حضرت صادق علیه‌السلام، مفصّلاً نیز چیزی در باب آن‌ها ندیدم، و شاید مقام حضرت صادق علیه‌السلام همان شریعهٔ آن حضرت باشد، که مستحب است در آن‌جا غسل زیارت کرده شود، چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله استظهار فرموده و کلام آن مرحوم در ذیل زیارت وارث نقل شد. و امّا زیارت اهل قبور را، پس از این إن شاء الله در مقام خودش ذکر خواهیم نمود به آن‌جا رجوع شود.

ذکر علمایی که در بلد کربلای معلّی مدفون‌اند

مؤلّف گوید که: ما در باب زیارت کاظمین ﷺ اشاره کردیم به فضیلت زیارت علما و ذکر نمودیم جمله از آن بزرگواران را که در آن بلدهٔ طیّبه مدفون‌اند، و الحال نیز مختصراً گویم که جمله‌ای از علمای کبار در کربلای معلّی مدفون‌اند، که بایست به فیض زیارت و هدیهٔ تلاوت قرآن به روح پر فتوح آن‌ها رسید. مانند:

شیخ جلیل و فقیه بی بدیل جمال السّالکین احمد بن فهد الحلّی الأسدی، که قبرش نزدیک به خیمه‌گاه در بستانی واقع است، و بقعه و قبّهٔ عالیه دارد، و آن بستان سابقاً باغ نقیب علویّین بوده، و ارباب تقوا و قدس چون به خاک وی بگذرند شرط تعظیم بجای آورند و از باطن آن شیخ بزرگوار استمداد نمایند، و صاحب *نامهٔ دانشوران گفته که* کراماتی چند از آن مزار شریف حکایت می‌شود که نگارش آن‌ها موجب اطناب گردد.

و مانند شیخ مشایخ متأخّرین و عمادِ علما و مجتهدین استادِ اکبر آقای بهبهانی، که اسم شریفش محمّد باقر است، قبر شریفش واقع است در روضهٔ منوّرهٔ حضرت ابی عبداللّه الحسین ﷺ در رواق پایین پای شهدا در صندوقی بزرگ، و با اوست سیّد اجلّ اکمل آقا سیّد علی صاحب *ریاض شرح نافع* در فقه.

و مانند شیخ محقّق جلیل و عالم بی‌بدیل محدّث بحرانی ﷺ صاحب *حدائق*، قبر شریفش در روضهٔ مطهّره پایین پای شهدا واقع است، و در سابق به شرح رفت، که علمای انساب گفته‌اند که سیّد مرتضی و رضي نیز در کربلا مدفون‌اند در نزدیکی حرم حضرت ابی عبد اللّه ﷺ.

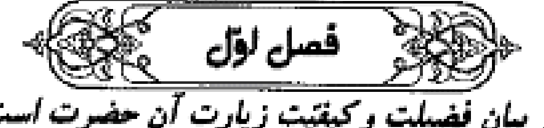
و مانند سیّد جلیل، عالم عابد آقا سیّد محمّد مجاهد، نجل آقا سیّد علی مذکور که مزارش در بقعه‌ای که در وسط بازار ابی الفضل ﷺ است واقع است.

و مانند جمعی دیگر از اکابر، چون: عالمِ کامل، جامع منقول و معقول آقا شیخ محمّد حسین صاحب *فصول در اصول* که قبرش واقع است در نزدیک درِ صحن حضرت ابی عبداللّه ﷺ، آن دری که به بازار حضرت عبّاس ﷺ مفتوح می‌شود؛ و مقابل قبر آن جناب مزار فاضل اردکانی، و آقا سیّد ابراهیم صاحب *ضوابط* است، و قبر مرحوم آقا شیخ زین العابدین ﷺ نزدیک باب قاضی الحاجات است؛ و مزار شیخ العراقین مرحوم شیخ عبدالحسین، استاد شیخ ما علّامهٔ نوری ـ طاب‌ثراهما ـ واقع است در باب سلطانیّه و غیر ایشان، و چون بنا بر استقصا نیست و مراعات اختصار باید شود در این مقام، به همین جزیی قناعت کردیم.

مقصد دوّم

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارات مخصوصهٔ حضرت ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام است

و در آن نیز هفت فصل است:



فصل اوّل

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارت آن حضرت است در اوّل رجب و نیمهٔ آن

شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس و جعفر بن محمّد بن قولویه و شیخ مفید رحمهم‌الله و دیگران به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «هرکه زیارت کند امام حسین علیه‌السلام را در روز اوّل ماه رجب، البتّه حق تعالی بیامرزد او را». و به سندهای صحیح و معتبر مروی است که ابن ابی نصر بزنطی از حضرت امام رضا علیه‌السلام سؤال کرد که: در کدام وقت بهتر است که زیارت کنم حضرت امام حسین علیه‌السلام را؟ فرمود که: «در نصف رجب و نصف شعبان».

مؤلّف گوید که: کافی است این حدیث شریف از برای بیان فضیلت زیارت آن حضرت در نیمهٔ رجب؛ چه واقع شدن آن در مقابل نیمهٔ شعبان با آن فضایلی که از برای زیارت نیمهٔ شعبان است ـ چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد إن شاء الله تعالی ـ دلالت دارد بر تمام فضیلت از برای زیارت نیمهٔ رجب و کمال شأن و علوّ مرتبت آن. و امّا ذکر الفاظ زیارت در این دو وقت شریف پس از این قرار است:

زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام در اوّل رجب

زیارت اوّل رجب: شیخ مفید و سیّد بن طاووس تصریح نموده‌اند که این زیارت که ذکر می‌شود برای روز اوّل رجب و شب آن، و شب نیمهٔ شعبان است، و لکن شهید اوّل در *مزار* فرموده که: از جملهٔ زیارت‌های مخصوصه، زیارت روز اوّل ماه رجب و شب آن روز و شب نیمهٔ ماه رجب که شب غفیله گویند و روز آن شب و شب نصف شعبان و روز آن است. پس شروع کرده در الفاظ زیارت، پس حسب فرمودهٔ ایشان این زیارت برای شش وقت است.

و مخفی نماند که در اصل زیارت حضرت با هم متّفقند، و لکن شیخ مفید زیارت علیّ بن الحسین علیهماالسلام و شهدا را ذکر نموده مخالف آنچه ابن طاووس در *مصباح* و *اقبال* نقل کرده، و شهید

در مزار جمع ما بین هر دو فرموده، ما نیز چنین کنیم؛ پس گوییم هر گاه خواهی زیارت کنی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام را در آن اوقاتی که گفته شد، پس غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و بایست بر در قبهٔ مطهرهٔ آن حضرت رو به قبله، و سلام کن بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و بر امیر المؤمنین و فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و هم‌چنین باقی ائمهٔ هدی علیهم‌السلام و بعد از آن داخل شو و نزد ضریح مقدّس بایست و صد مرتبه بگو: اللّهُ أَكْبَرُ، و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّهِ وَابْنَ حَبِيبِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفِيرَ اللّهِ وَابْنَ سَفِيرِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خازِنَ الْكِتابِ الْمَسْطُورِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ التَّوْراةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ الرَّحْمٰنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ حِطَّةِ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كانَ مِنَ الْآمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ عِلْمِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْضِعَ سِرِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يا أَبا عَبْدِاللّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ، فَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ وَأَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللّهُ فِيها، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي يا أَبا

عَبْدِاللّهِ. اَشْهَدُ لَقَدِ اقْشَعَرَّتْ لِدِمائِكُمْ اَظِلَّةُ الْعَرْشِ مَعَ اَظِلَّةِ الْخَلائِقِ. وَبَكَتْكُمُ السَّماءُ وَالْاَرْضُ وَسُكّانُ الْجِنانِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ. صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ ما في عِلْمِ اللّهِ. لَبَّيْكَ داعِيَ اللّهِ. اِنْ كانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَني عِنْدَ اسْتِغاثَتِكَ وَلِساني عِنْدَ اسْتِنْصارِكَ فَقَدْ اَجابَكَ قَلْبي وَسَمْعي وَبَصَري. سُبْحانَ رَبِّي[1] اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً. اَشْهَدُ اَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ. طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ بِكَ الْبِلادُ. وَطَهُرَتْ اَرْضٌ اَنْتَ بِها. وَطَهُرَ حَرَمُكَ.

اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ اِلَيْهِما. وَاَنَّكَ صادِقٌ صِدّيقٌ صَدَقْتَ فيما دَعَوْتَ اِلَيْهِ. وَاَنَّكَ ثارُ اللّهِ فِي الْاَرْضِ. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللّهِ. وَعَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللّهِ. وَعَنْ اَبيكَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. وَعَنْ اَخيكَ الْحَسَنِ. وَنَصَحْتَ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّهِ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّى اَتاكَ الْيَقينُ. فَجَزاكَ اللّهُ خَيْرَ جَزاءِ السّابِقينَ. وَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ الرَّشيدِ. قَتيلِ الْعَبَراتِ وَاَسيرِ الْكُرُباتِ. صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً يَصْعَدُ اَوَّلُها وَلا يَنْفَدُ آخِرُها. اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلادِ اَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلينَ يا اِلهَ الْعالَمينَ.

آن‌گاه قبر مطهّر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار بعد از آن روی چپ را، آن‌گاه دور قبر بگرد و طواف کن و چهار جانب قبر را ببوس. شیخ مفید رحمه الله فرموده: آن‌گاه برو به سوی قبر علیّ بن الحسین علیهما السلام وبایست نزد قبر آن جناب وبگو:

---

۱. ربّنا خ ل.

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الطَّيِّبُ الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ وَابْنُ رَيْحانَةِ رَسُولِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. ما أَكْرَمَ مَقامَكَ وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ. أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللّهُ سَعْيَكَ. وَأَجْزَلَ ثَوابَكَ. وَأَلْحَقَكَ بِالذُّرْوَةِ الْعالِيَةِ حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ وَفِي الْغُرَفِ السّامِيَةِ كَما مَنَّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً. صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ وَرِضْوانُهُ. فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطّاهِرُ إِلىٰ رَبِّكَ في حَطِّ الْأَثْقالِ عَنْ ظَهْري وَتَخْفِيفِها عَنّي. وَارْحَمْ ذُلّي وَخُضُوعي لِلّهِ وَلِلسَّيِّدِ أَبِيكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْكُما.

پس خود را بر قبر بچسبان و بگو:

زادَ اللّهُ في شَرَفِكُمْ فِي الْآخِرَةِ كَما شَرَّفَكُمْ فِي الدُّنْيا. وَأَسْعَدَكُمْ كَما أَسْعَدَ بِكُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَعْلامُ الدِّينِ وَنُجُومُ الْعالَمِينَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس رو کن به سوی شهدا و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ اللّهِ وَأَنْصارَ رَسُولِهِ وَأَنْصارَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ وَأَنْصارَ فاطِمَةَ وَأَنْصارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَأَنْصارَ الْإِسْلامِ. أَشْهَدُ لَقَدْ[1] نَصَحْتُمْ لِلّهِ وَجاهَدْتُمْ في سَبِيلِهِ. فَجَزاكُمُ اللّهُ عَنِ الْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزاءِ. فُزْتُمْ وَاللّهِ فَوْزاً عَظِيماً. يا لَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ. أَشْهَدُ أَنَّكُمُ الشُّهَداءُ وَالسُّعَداءُ وَأَنَّكُمُ الْفائِزُونَ في دَرَجاتِ الْعُلىٰ. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

بعد از آن بازگرد و بیا نزدیک سر مبارک آن حضرت و نماز زیارت بکن و دعا کن برای خود

---

۱. أَنَّكُمْ خ ل.

و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن.

و سیّد اجلّ علیّ بن طاووس رحمه‌الله در کتاب *اقبال* و مصباح بعد از ذکر زیارت حضرت و گذاردن روی راست و چپ بر قبر و بوسیدن چهار طرف، فرموده: پس برو و بایست نزد قبر علیّ بن الحسین علیه‌السلام رو به قبله و بگو:

السَّلامُ مِنَ اللّٰهِ وَالسَّلامُ مِنْ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَاَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلينَ وَعِبادِهِ الصّالِحينَ وَجَميعِ اَهْلِ طاعَتِهِ مِنْ اَهْلِ السَّماواتِ وَالْاَرَضينَ عَلىٰ اَبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَوَّلَ قَتيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَليلٍ مِنْ سُلالَةِ اِبْراهيمَ الْخَليلِ. صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ اَبيكَ اِذْ قالَ فيكَ: قَتَلَ اللّٰهُ قَوْماً قَتَلُوكَ يا بُنَيَّ. ما اَجْرَأَهُمْ عَلَى الرَّحْمٰنِ وَعَلَى انْتِهاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ. عَلَى الدُّنْيا بَعْدَكَ الْعَفا. اَشْهَدُ اَنَّكَ ابْنُ حُجَّةِ اللّٰهِ وَابْنُ اَمينِهِ. حَكَمَ اللّٰهُ لَكَ عَلىٰ قاتِليكَ وَاَصْلاهُمْ جَهَنَّمَ وَساءَتْ مَصيراً. وَجَعَلَنَا اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ مِنْ مُلاقيكَ وَمُرافِقيكَ وَمُرافِقي جَدِّكَ وَاَبيكَ وَعَمِّكَ وَاَخيكَ وَاُمِّكَ الْمَظْلُومَةِ الطّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ. اَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ مِمَّنْ قَتَلَكَ وَقاتَلَكَ[1]. وَاَسْاَلُ اللّٰهَ مُرافَقَتَكُمْ في دارِ الْخُلُودِ. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطِّفْلِ الرَّضيعِ. لَعَنَ اللّٰهُ رامِيَهُ حَرْمَلَةَ ابْنَ كاهِلٍ الْاَسَدِيِّ وَذَويهِ.

در بعض نسخ مصباح و مزار شهید: السَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلىٰ عُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلىٰ اَبي بَكْرٍ[2] ابْنِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلىٰ عُثْمانَ بْنِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلَى الْقاسِمِ بْنِ

---

۱. وَمِمَّنْ نَصَبَ لَكُم العَداوَةَ. خ ل.

۲. مُحَمَّدٍ خ ل.

الْحَسَنِ بْنِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ اَبي بَكْرِ بْنِ الْحَسَنِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ الْحَسَنِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اَبي طالِبٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ عَقيلٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَقيلٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقيلٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ اَبي سَعيدِ ابْنِ عَقيلٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَوْنِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ اَبي طالِبٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ اللّٰهِ[1] بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقيلٍ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ بَيْتِ الْمُصْطَفىٰ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الشُّكْرِ وَالرِّضا. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اللّٰهِ وَرِجالَهُ مِنْ اَهْلِ الْحَقِّ وَالْبَلْوىٰ وَالْمُجاهِدينَ عَلىٰ بَصيرَةٍ في سَبيلِهِ. اَشْهَدُ اَنَّكُمْ كَما قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثيرٌ فَما وَهَنُوا لِما اَصابَهُمْ في سَبيلِ اللّٰهِ وَما ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكانُوا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّابِرينَ». فَما ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتّىٰ لَقيتُمُ اللّٰهَ عَلىٰ سَبيلِ الْحَقِّ وَنَصْرِهِ وَكَلِمَةِ اللّٰهِ التّامَّةِ. صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ اَرْواحِكُمْ وَاَبْدانِكُمْ وَسَلَّمَ تَسْليماً. فُزْتُمْ وَاللّٰهِ وَلَوَدِدْتُ اَنّي كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ فَوْزاً عَظيماً. اَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللّٰهِ الَّذي[2] لا خُلْفَ لَهُ[3] اِنَّهُ لا يُخْلِفُ الْميعادَ. اَشْهَدُ اَنَّكُمُ النُّجَباءُ وَسادَةُ الشُّهَداءِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. وَاَشْهَدُ اَنَّكُمْ جاهَدْتُمْ في سَبيلِ اللّٰهِ وَقُتِلْتُمْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ اللّٰهِ. اَنْتُمُ[4] السّابِقُونَ وَالْمُجاهِدُونَ. اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَنْصارُ اللّٰهِ وَاَنْصارُ رَسُولِهِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَاَراكُمْ ما تُحِبُّونَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

---

۱. عبيد الله خ ل.
۲. بموعد الله التي خ ل.
۳. له خ ل.
۴. وانكم خ ل.

زیارت سایر شهداء رضوان الله علیهم

بعد از آن متوجّه شو و سلام کن بر شهدا و بگو:

السَّلامُ عَلىٰ سَعيدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْحَنَفِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ حُرِّ بْنِ يَزيدَ الرِّياحِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ، السَّلامُ عَلىٰ حَبيبِ بْنِ مُظاهِرٍ، السَّلامُ عَلىٰ مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ، السَّلامُ عَلىٰ عُقْبَةَ بْنِ سَمْعانَ، السَّلامُ عَلىٰ بُرَيرِ بْنِ خُضَيرٍ، السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عُمَيْرٍ، السَّلامُ عَلىٰ نافِعِ بْنِ هِلالٍ، السَّلامُ عَلىٰ مُنْذِرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْجُعْفِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ عَمْرِو بْنِ قُرْظَةَ الْأَنصارِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ أَبي ثُمامَةَ[1] الصّائِدِيِّ[2]، السَّلامُ عَلىٰ جَوْنٍ مَوْلىٰ أَبي‌ذَرٍّ الْغِفارِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْأَزْدِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللّٰهِ وَعَبْدِ الرَّحْمٰنِ ابْنَيْ عُرْوَةَ، السَّلامُ عَلىٰ سَيْفِ بْنِ الْحارِثِ، السَّلامُ عَلىٰ مالِكِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْحائِرِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدَ[3] الشّامِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ قاسِمِ بْنِ الْحارِثِ الْكاهِلِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ بَشيرِ[4] بْنِ عَمْرٍو الْحَضْرَمِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ عابِسِ بْنِ[5] شَبيبٍ الشّاكِرِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ حَجّاجِ بْنِ مَسْرُوقٍ الْجُعْفِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ عَمْرِو بْنِ خَلَفٍ وَسَعيدٍ مَوْلاهُ، السَّلامُ عَلىٰ حَيّانِ[6] بْنِ الْحارِثِ، السَّلامُ عَلىٰ مُجَمِّعِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الْعائِذِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ نُعَيْمِ بْنِ عَجْلانَ، السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ يَزيدَ، السَّلامُ عَلىٰ عَمْرِو بْنِ أَبي كَعْبٍ، السَّلامُ عَلىٰ سُلَيْمانَ بْنِ عَوْفٍ[7] الْحَضْرَمِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ قَيْسِ بْنِ مُسْهِرٍ الصَّيْداوِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ عُثْمانَ بْنِ عُرْوَةَ الْغِفارِيِّ، السَّلامُ عَلىٰ

---

۱. ثمامَةَ خ ل.
۲. الصَّيْداوي خ ل.
۳. سَعْدِ الشَّيْباني خ ل.
۴. بشر خ ل.
۵. بن أبي خ ل.
۶. حسان خ ل.
۷. عون خ ل.

غَيْلانِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ. السَّلامُ عَلىٰ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الْهَمْدانيّ. السَّلامُ عَلىٰ عُمَيْرِ[1] بْنِ كَنّادٍ. السَّلامُ عَلىٰ جَبَلَةَ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلىٰ مُسْلِمِ بْنِ كَنّادٍ. السَّلامُ عَلىٰ سُلَيْمانَ بْنِ سُلَيْمانِ الْأَزْديّ. السَّلامُ عَلىٰ حَمّادِ بْنِ حَمّادِ الْخُزاعيّ الْمُراديّ. السَّلامُ عَلىٰ عامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ ومولاهُ مسلم. السَّلامُ عَلىٰ بَدْرِ بْنِ رُقَيْطٍ وَابْنَيْهِ عَبْدِاللّٰهِ وَعُبَيْدِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلىٰ رُمَيْثِ بْنِ عَمْروٍ. السَّلامُ عَلىٰ سُفْيانِ بْنِ مالِكٍ. السَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ سَيّارٍ. السَّلامُ عَلىٰ قاسِطٍ وَكَرْشٍ ابْنَي زُهَيْرٍ. السَّلامُ عَلىٰ كِنانَةَ بْنِ عَتيقٍ. السَّلامُ عَلىٰ عامِرِ بْنِ مالِكٍ. السَّلامُ عَلىٰ مَنيعِ بْنِ زيادٍ. السَّلامُ عَلىٰ نُعْمانَ بْنِ عَمْروٍ. السَّلامُ عَلىٰ جَلّاسِ بْنِ عَمْروٍ. السَّلامُ عَلىٰ عامِرِ بْنِ جُلَيْدَةٍ. السَّلامُ عَلىٰ زائِدَةَ بْنِ مُهاجِرٍ. السَّلامُ عَلىٰ شَبيبِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ النَّهْشَليّ. السَّلامُ عَلىٰ حَجّاجِ بْنِ يَزيدٍ. السَّلامُ عَلىٰ جُوَيْنِ بْنِ مالِكٍ. السَّلامُ عَلىٰ ضُبَيْعَةَ بْنِ عَمْروٍ[2]. السَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ بَشيرٍ. السَّلامُ عَلىٰ مَسْعُودِ بْنِ الْحَجّاجِ. السَّلامُ عَلىٰ عَمّارِ بْنِ حَسّانٍ. السَّلامُ عَلىٰ جُنْدَبِ بْنِ حُجَيْرٍ. السَّلامُ عَلىٰ سُلَيْمانَ بْنِ كَثيرٍ. السَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بن سُلَيْمانَ[3]. السَّلامُ عَلىٰ قاسِمِ بْنِ حَبيبٍ. السَّلامُ عَلىٰ أَنَسِ بْنِ الْكاهِلِ الْأَسَديّ. السَّلامُ عَلىٰ ضِرْغامَةِ بْنِ مالِكٍ. السَّلامُ عَلىٰ زاهِرٍ مَوْلىٰ عَمْروِ بْنِ الْحَمِقِ. السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ يَقْطِرَ رَضيعِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. السَّلامُ عَلىٰ مُنْجِحٍ مَوْلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. السَّلامُ عَلىٰ سُوَيْدٍ مَوْلىٰ شاكِرٍ.

السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبّانِيُّونَ. أَنْتُمْ خِيَرَةُ اللّٰهِ اخْتارَكُمُ اللّٰهُ لِأَبي

---

۱. عمرخ ل.
۲. عمر خ ل.
۳. سلمان خ ل.

عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلامُ. وَاَنْتُمْ خاصَّتُهُ اخْتَصَّكُمُ اللهُ. اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى الدُّعاءِ اِلَى الْحَقِّ. وَنَصَرْتُمْ وَوَفَيْتُمْ وَبَذَلْتُمْ مُهَجَكُمْ مَعَ ابْنِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَاَنْتُمُ[1] الشُّهَداءُ. سُعِدْتُمْ وَفُزْتُمْ بِالدَّرَجاتِ الْعُلى. فَجَزاكُمُ اللهُ مِنْ اَعْوانٍ وَاِخْوانٍ خَيْرَ ما جازى مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ. هَنيئاً لَكُمْ ما اُعْطيتُمْ. وَهَنيئاً لَكُمْ ما حُيّيتُمْ. طافَتْ عَلَيْكُمْ مِنَ اللهِ الرَّحْمَةُ وَبَلَغْتُمْ بِها شَرَفَ الآخِرَةِ.

آن‌گاه نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام برگرد و نماز زیارت کن و آنچه خواهی نمازگذار و برای خود و والدین خود و برادران بسیار دعا کن که مستجاب خواهد شد إن شاء الله تعالی.

زیارت نیمهٔ رجب

بدان که از برای نیمهٔ رجب دو زیارت است:

اوّل: زیارت گذشته، چنانچه تاج الفقها شهید اوّل رحمه الله تصریح فرموده در *مزار* که در شب و روز نیمهٔ رجب آن را بخوانند و عبارت *مزار* گذشت.

دوّم: زیارتی است که شیخ مفید رحمه الله در *مزار* نقل کرده که از زیارت مخصوصهٔ نصف رجب است که آن را غفیله می‌گویند.

مؤلّف گوید یعنی نصف رجب را غفیله می‌گویند نه زیارت را، و وجه تسمیه آن به غفیله غفلت عامهٔ مردم است از فضیلت آن، چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *بحار* فرموده است، انتهی.

چون قصد کردی زیارت آن حضرت را در این وقت و آمدی در صحن شریف پس داخل شو؛ یعنی در حرم مطهّر و سه مرتبه بگو: **اَللهُ اَکْبَر**، و در نزد قبر منوّر بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا آلَ اللهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا صَفْوَةَ اللهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا خِيَرَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا سادَةَ السّاداتِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا لُيُوثَ الْغاباتِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا سُفُنَ النَّجاةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا

---

۱. واَنْکُمْ خ ل.

عَبْدِاللّهِ الْحُسَیْنِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِیاءِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ اِبْراهیمَ خَلیلِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ اِسْماعیلَ ذَبیحِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُوسیٰ کَلیمِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عیسیٰ رُوحِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفیٰ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضیٰ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ خَدیجَةَ الْکُبْریٰ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا شَهیدَ ابْنَ الشَّهیدِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا قَتیلَ ابْنَ الْقَتیلِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وَلِیَّ اللّهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ. اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلیٰ خَلْقِهِ. اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَیْتَ الزَّکاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَبَرَرْتَ بِوالِدَیْكَ وَجاهَدْتَ عَدُوَّكَ. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ الْکَلامَ وَتَرُدُّ الْجَوابَ. وَاَنَّكَ حَبیبُ اللّهِ وَخَلیلُهُ وَنَجیبُهُ وَصَفِیُّهُ وَابْنُ صَفِیِّهِ. یا مَوْلایَ[1] زُرْتُكَ مُشْتاقاً فَکُنْ لي شَفیعاً اِلَی اللّهِ. یا سَیِّدي وَاَسْتَشْفِعُ اِلَی اللّهِ بِجَدِّكَ سَیِّدِ النَّبِیّینَ وَبِاَبیكَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَبِاُمِّكَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ. اَلا لَعَنَ اللّهُ قاتِلیكَ وَلَعَنَ اللّهُ ظالِمیكَ وَلَعَنَ اللّهُ سالِبیكَ وَمُبْغِضیكَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ. وَصَلَّی اللّهُ عَلیٰ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ.

آنگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو به سوی علیّ بن‌الحسین علیه‌السلام و آن جناب را زیارت کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ. لَعَنَ اللّهُ قاتِلیكَ وَلَعَنَ اللّهُ

---

۱. وابن مولاي خ ل.

ظالِميكَ. إنّي أتَقَرَّبُ إلَى اللّهِ بِزِيارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ وَأبْرَأُ إلَى اللّهِ مِنْ أعْدائِكُمْ. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس برو تا برسی به قبور شهدا ـ رضوان اللّه علیهم ـ پس بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَى الْأرْواحِ الْمُنيخَةِ بِقَبْرِ أبي عَبْدِاللّهِ الْحُسَيْنِ؇. السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا طاهِرينَ مِنَ الدَّنَسِ. السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَهْدِيُّونَ[1] السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أبْرارَ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافّينَ بِقُبُورِكُمْ أجْمَعينَ. جَمَعَنَا اللّهُ وَإيّاكُمْ في مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ إنَّهُ أرْحَمُ الرّاحِمينَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

بعد از آن برو به حرم عبّاس بن امیر المؤمنین؇؛ چون به آن‌جا برسی بایست بر درِ قبّهٔ آن جناب و بگو: سَلامُ اللّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ... تا آخر زیارت معروفهٔ آن حضرت که در [مقصد اوّل] فصل [هفتم] همین باب [در صفحه ۱۳۲] مذکور شد.

فصل دوّم

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارت جناب ابی عبداللّه الحسین؇ است در نیمهٔ شعبان

بدان که احادیث بسیار در فضل زیارت آن حضرت در نصف شعبان وارد شده است و ذکر تمام آن‌ها منافی با اختصار است، لکن به‌جهت تیمّن و تبرّک به ذکر چند حدیث اکتفا می‌کنیم:

به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین و امام جعفر صادق؇ منقول است که: «هرکه خواهد مصافحه کند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر؇ پس باید که زیارت کند قبر ابی عبداللّه الحسین؇ را در نیمهٔ شعبان، به درستی که ملائکه و ارواح پیغمبران رخصت می‌طلبند و به زیارت آن حضرت می‌آیند، پس خوشا به حال آن‌که مصافحه کند با ایشان، و ایشان

---

۱. يا مُهَذَّبينَ خ ل.

مصافحه کنند با او، و با ایشانند پنج پیغمبر اولوالعزم: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمّد صلوات اللّٰه علیهم».

راوی گفت: پرسیدم که به چه سبب ایشان را اولوالعزم می‌نامند؟ فرمود: «به جهت آن‌که ایشان مبعوث شده‌اند به مشرق و مغرب و جنّ و انس».

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که فرمودند: «هرکه زیارت قبر آن حضرت بکند در شب نیمهٔ شعبان و غرض او محض رضای خدا باشد و غیر از حق تعالی کسی منظورش نباشد، خدای تعالی در آن شب گناهانش را بیامرزد هر چند به‌عدد موی بزهای قبیلهٔ کُلیب باشد». راوی تعجّب کرد که همهٔ گناهانش آمرزیده می‌شود، فرمود که: «آیا این ثواب را از برای زیارت کنندهٔ حسین علیه‌السلام بسیار می‌دانی؟ چگونه خدا او را نیامرزد و حال آن‌که او به منزلهٔ کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد».

و سیّد ابن طاووس رحمه‌الله از شیخ جلیل محمّد بن احمد بن داود قمّی روایت کرده که او به سند خود روایت کرده از یونس بن یعقوب که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: «ای یونس، آمرزیده می‌شود گناهان گذشته و آیندهٔ هر مؤمنی که زیارت کند حضرت امام حسین علیه‌السلام را در شب نیمهٔ شعبان، و به او می‌گویند که عمل خود را از سرگیر». یونس گفت که به خدمت آن حضرت عرض کردم که این همه برای کسی است که زیارت آن حضرت کند در شب نیمهٔ شعبان؟ فرمود: «یا یونس، لو خَبَّرتُ النّاسَ بِما فِیها لِمَن زارَ الحسین علیه‌السلام لَقامَتْ ذُکُورُ الرِّجالِ عَلَی الخَشَبِ».

حاصل معنی به طور احتمال و طریق اجمال آن‌که: بدان ای یونس که اگر من خبر دهم مردم را به آن چیزهائی که در شب نیمهٔ شعبان است از برای زائر حسین علیه‌السلام هر آینه باعث شود که فحول مردان کشیده شوند بدار، یعنی از جهت عظمت و کثرت فضیلت و ثواب زیارت آن حضرت در این شب مردان مرد طاقت نیاورند و مبادرت کنند به زیارت آن حضرت بدون تقیّه، پس ائمّهٔ جور و ضلال آن‌ها را گرفته و بدار کشند. چنانچه نظیر این مطلب واقع شد از برای سحرهٔ از فرعون، هنگامی که به حضرت موسی علیه‌السلام ایمان آوردند و به تهدیدات و تخویفات فرعون اعتنائی ننمودند و گفتند: ﴿لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ﴾.

و سیّد ابن طاووس رحمه‌الله فرموده که: شاید معنی این باشد که ایشان را بدار کشند از جهت عظمت آنچه که این جماعت نقل و روایت می‌کنند در فضیلت زیارت آن حضرت در این شب، و معانی دیگر نیز شده است که ذکرش مناسب نیست.

واما الفاظ زیارت پس [به] دو نحو رسیده است:

اوّل: همان زیارت اوّل رجب است که شیخ مفید و دیگران صریحاً فرموده‌اند، که آن را در شب نیمهٔ شعبان نیز بخوانند. و سیّد أجل علیّ بن طاووس رحمه‌الله نیز در *مصباح الزائر* این زیارت را در اوّل رجب در فصل زیارت نیمهٔ شعبان ذکر فرموده است. و امّا زیارت مخصوصه به این شب، پس به تحقیق که روایت شده، که آن حضرت را زیارت کنند در این شب به آن زیارتی که در اوّل رجب ذکر کردیم. پس از آن‌جا بگیرند و زیارت کنند. و این کلام صریح است که الفاظ آن زیارت و اختصاص آن به اوّل رجب و شب نیمهٔ شعبان هر دو مرویست.

زیارت نیمهٔ شعبان

دوّم: زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب *بلد الامین* در زیارت نصف شعبان ذکر کرده و آن را از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمودند: «در زیارت امام حسین علیه‌السلام نزد قبر می‌ایستی و می‌گویی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الزَّكِيُّ، اُودِعُكَ شَهادَةً مِنّي لَكَ تُقَرِّبُني اِلَيْكَ في يَوْمِ شَفاعَتِكَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ، بَلْ بِرَجاءِ حَياتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ شيعَتِكَ، وَبِضِياءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطّالِبُونَ اِلَيْكَ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ نُورُ اللّٰهِ الَّذي لَمْ يُطْفَأْ وَلا يُطْفَأُ اَبَداً، وَاَنَّكَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذي لَمْ يَهْلِكْ وَلا يُهْلَكُ اَبَداً، وَاَشْهَدُ اَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ، لا ذَليلَ وَاللّٰهُ مُعِزُّكَ، وَلا مَغْلُوبَ وَاللّٰهُ ناصِرُكَ، هٰذِهِ شَهادَةٌ لي عِنْدَكَ اِلىٰ يَوْمِ قَبْضِ رُوحي بِحَضْرَتِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ».

مؤلّف گوید که: علامهٔ مجلسی رحمه‌الله این زیارت را در *تحفه* نقل فرموده و احتمال داده که از زیارات مطلقه باشد و در *بحار* نیز فرموده: ظاهر این است که این زیارت مطلقه است یعنی مختص به نیمهٔ شعبان نیست، و لکن کفعمی آن را برای نیمهٔ شعبان نقل کرده و ظاهر آن است که برای ظهور مذکور محلّی نباشد، زیرا که هرگز عالمی عمل مطلق را به میل خود به وقتی معیّن نکند و آن را از وظائف آن وقت نشمرد، پس لابد باید حمل کرد این مطلب را بر آن‌که در خبر مذکور یا در

خبر دیگر تصریح به اختصاص شده که به نظر شیخ کفعمی‌ رحمه‌الله رسیده، و اللّه العالم.



فصل سوّم

در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام در ماه رمضان وکیفیّت زیارت آن حضرت در شبهای قدر

به سند معتبر از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده است که سؤال کردند از فضیلت زیارت ابی عبد اللّه الحسین علیه‌السلام در ماه رمضان فرمود که: «هرکه به زیارت آن حضرت برود از روی خشوع و از برای خدا و پشیمان از گناهان و طلب آمرزش کننده از آن‌ها، در یکی از سه شب از ماه رمضان، در شب اوّل ماه، یا در شب نیمه، یا در شب آخر آن ماه، گناهان و خطاهای او فرو ریزد، چنانکه برگهای خشکیده به باد تند از درختان می‌ریزد، تا آن‌که از گناه پاک شود مانند روزی که از مادر متولّد شده است و با این ثواب از برای او باشد مثل ثواب کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد. و دو ملک او را ندا کنند که ندای ایشان را هر صاحب روحی بشنود به غیر از جنّ و انس؛ یکی از آن‌ها گوید که: ای بندهٔ خدا پاک شدی پس عمل را از سر گیر، و دیگری گوید که: ای بندهٔ خدا دعایت مستجاب شد، پس بشارت باد تو را به آمرزش از جانب خدا و فضل بزرگ».

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «شب قدر در دههٔ آخر ماه رمضان است هرکه آن شب را نزد قبر امام حسین علیه‌السلام دریابد و دو رکعت یا بیشتر نماز در آن‌جا بکند و از حق تعالی بهشت را سؤال کند و پناه برد به سوی او از آتش جهنّم، حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که سؤال کرده است، و پناه دهد او را از آنچه از آن پناه جسته است، و همچنین اگر سؤال کند که خدا بدهد به او بهترین چیزهایی که در این شب مقدّر شده است، و نگاه دارد او را از چیزهای بدی که در این شب مقدّر شده است، یا حاجتی از خدا بطلبد که در آن گناهی نباشد، امیدوارم که سؤالش به او داده شود، و از چیزهایی که حذر کرده است نگاه داشته شود، و شفاعت او را قبول کند حق تعالی در حقّ ده کس از اهل بیت او که همه مستوجب عذاب شده باشند، و حق تعالی بسیار خیر رساننده است به سؤال کننده و بندهٔ خود».

و از امامزادهٔ لازم التّعظیم حضرت عبد العظیم منقول است که حضرت امام محمّد تقی علیه‌السلام

فرمود که: «هرکه زیارت کند جدّم حضرت امام حسین ﷺ را در شب بیست و سوّم ماه رمضان المبارک ـ و آن شبی است که امید هست شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدّر می‌شود ـ مصافحه کنند با او روح صدو بیست و چهار هزار پیغمبر که همه رخصت می‌طلبند از خدا در زیارت آن حضرت در این شب».

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ﷺ مروی است که: «چون شب قدر می‌شود منادی از آسمان هفتم از بطنان عرش ندا می‌کند، که حق تعالی آمرزید هرکه را که به زیارت قبر حسین ﷺ آمده».

و احادیث دیگری که بعد از این ذکر می‌شود إن شاء اللّٰه تعالی.

زیارت حضرت امام حسین ﷺ در لیالی قدر

و امّا الفاظی که زیارت کرده می‌شود حضرت امام حسین ﷺ به آن در لیالی قدر، چنان است که شیخ مفید و محمّد بن المشهدی و ابن طاووس و شهید ﷺ در کتب مزار ذکر نموده‌اند و آن زیارت را مختصّ به این شب و عیدین[1] قرار داده‌اند، و شیخ محمّد بن المشهدی به اسناد معتبر خود آن را از حضرت صادق ﷺ روایت کرده، و گفته که آن حضرت فرمودند: «وقتی که اراده کردی زیارت کنی ابی عبد اللّٰه الحسین ﷺ را، پس برو به مشهد آن حضرت بعد از آن‌که غسل کرده باشی و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را پوشیده باشی، پس چون ایستادی نزد قبر آن حضرت، روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار داده و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ في

۱. و شیخ محمّد بن المشهدی مقیّد کرده آن را به روز عیدین یعنی عید فطر و اضحی. (منه ﷺ).

جَنْبِهِ مُحْتَسِباً، حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ، اَشْهَدُ اَنَّ الَّذينَ خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ وَالَّذينَ خَذَلُوكَ وَالَّذينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ، وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَرىٰ، لَعَنَ اللّٰهُ الظّالِمينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْاَليمَ، اَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ، مُعادِياً لِاَعْدائِكَ، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذي اَنْتَ عَلَيْهِ، عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ، فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس بچسبان خود را بر قبر و روی خود را بر آن گذار. آن گاه می‌روی به جانب سر مقدّس و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ في اَرْضِهِ وَسَمائِهِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطّاهِرِ، وَعَلَيْكَ السَّلامُ يا مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس بچسبان خود را به قبر و صورت خود را بر آن بگذار و به جانب سر بگرد. پس دو رکعت نماز زیارت گذار، و نماز کن بعد از آن دو رکعت، آنچه میسّر شود تو را، پس از آن برو به سمت پا و زیارت کن علیّ بن الحسین(علیه السلام) را و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْاَليمَ. و دعا کن به آنچه می‌خواهی.

پس شهدا را زیارت کن و در حالی که از سمت پا به طرف قبله می‌روی، بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الصِّدّيقُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَداءُ الصّابِرُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ جاهَدْتُمْ في سَبيلِ اللّٰهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْاَذىٰ في جَنْبِ اللّٰهِ وَنَصَحْتُمْ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ حَتّىٰ اَتاكُمُ الْيَقينُ، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزاكُمُ اللّٰهُ عَنِ الْاِسْلامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ جَزاءِ



الْمُحْسِنِينَ ، وَجَمَعَ اللّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ في مَحَلِّ النَّعيمِ.

پس می‌روی به زیارت عبّاس بن امیر المؤمنین علیه السلام ، همین که آن‌جا رسیدی و ایستادی نزد آن جناب، بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ ، السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ ، لَعَنَ اللّهُ الظّالِمينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَاَلْحَقَهُمْ بِدَرَكِ الْجَحيمِ.

پس نماز تطوّع کند در مسجد آن جناب هر چه خواهد و بیرون رود».



فصل چهارم

در زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام است در عیدین، یعنی عید فطر و عید قربان

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرکه در یک شب از سه شبِ عید فطر یا شب عید اضحی یا شب نیمهٔ شعبان، قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده می‌شود».

و به روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که فرمود: «سه شب است که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شب‌ها گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده می‌شود: شب نصف شعبان و شب بیست و سوّم ماه رمضان و شب عید فطر».

و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مروی است که: «هرکه شب عرفه در زمین کربلا باشد و بماند آن‌جا تا زیارت روز عید کند و برگردد، نگاه دارد حق تعالیٰ او را از شرّ آن سال».

بدان‌که از برای عید فطر و اضحیٰ دو زیارت است:

اوّل: زیارت سابقه که به جهت شب‌های قدر [در صفحه ۱۵۳] ذکر شد. چنانچه شیخ مفید و

ابن طاووس و شهید﵀ تصریح کرده‌اند، و محمّد بن المشهدی﵀ گفته آن را در عیدین نیز بخوانند.

زیارت شب عید فطر و شب عید قربان

دوّم: زیارتی است که شیخ مفید و سیّد ابن طاووس و شیخ شهید﵀ آن را ذکر نموده‌اند و آن را از زیارات مختصّهٔ شب عید فطر و شب عید قربان شمرده‌اند و از اذن دخول شروع کرده‌اند. و محمّد بن المشهدی آن را در عداد مطلقات شمرده و لکن گفته که در عیدین نیز بخوانند و ظاهر عیدین روز است و برای زیارت مقدّماتی نیز ذکر نموده و لکن ما در این‌جا متابعت کنیم در نقل زیارت کلام مفید و سیّد و شهید را که فرمودند: چون اراده کنی زیارت آن حضرت را در این دو شب، پس بایست بر در قبّهٔ سامیه، و نظر بیفکن به جانب قبر و بگو به جهت استیذان:

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ • يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ • عَبْدُكَ وَابْنُ أَمَتِكَ • الذَّليلُ بَيْنَ يَدَيْكَ • وَالْمُصَغَّرُ في عُلُوِّ قَدْرِكَ • وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ • جاءَكَ مُسْتَجيراً بِكَ • قاصِداً إِلىٰ حَرَمِكَ • مُتَوَجِّهاً إِلىٰ مَقامِكَ • مُتَوَسِّلاً إِلَى اللّهِ تَعالىٰ بِكَ أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ • أَأَدْخُلُ يا وَلِيَّ اللّهِ • أَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللّهِ الْمُحْدِقينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ الْمُقيمينَ في هٰذَا الْمَشْهَدِ.

پس اگر دلت خاشع شد و چشمت گریان شد، پس داخل شو و مقدّم دار پای راست را بر پای چپ و بگو:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَفي سَبيلِ اللّهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ • اللّٰهُمَّ أَنْزِلْني مُنْزَلاً مُبارَكاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلينَ.

پس بگو:

اللّهُ أَكْبَرُ كَبيراً وَالْحَمْدُ لِلّهِ كَثيراً وَسُبْحانَ اللّهِ بُكْرَةً وَأَصيلاً • وَالْحَمْدُ لِلّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْماجِدِ الْأَحَدِ • الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنّانِ • الَّذي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لي زِيارَةَ مَوْلايَ بِإِحْسانِهِ • وَلَمْ يَجْعَلْني عَنْ زِيارَتِهِ مَمْنُوعاً • وَلا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوعاً • بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

پس داخل شو و چون به میان روضه رسیدی بایست محاذی قبر مطهّر با حال خضوع و گریه و

تضرّع و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ أَمينِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهيمَ خَليلِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبيبِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ اللّهِ[1][2] • السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ • وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ • أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ • وَآتَيْتَ الزَّكاةَ • وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ • وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّىٰ اسْتُبيحَ حَرَمُكَ وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً.

پس بایست در نزد سر مقدّس با دل خاشع و چشم گریان، پس بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَطَلَ الْمُسْلِمينَ • يا مَوْلايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ • لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ مُدْلَهِمّاتُ ثِيابِها • وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَأَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ • وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ • وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَأَعْلامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا.

پس بچسبان خود را به قبر و بگو:

إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ • يا مَوْلايَ أَنَا مُوالٍ لِوَلِيِّكُمْ وَمُعادٍ لِعَدُوِّكُمْ • وَأَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرائِعِ ديني وَخَواتيمِ عَمَلي • وَقَلْبي

---

۱. وَلِيِّ اللّهِ وَحُجَّتِهِ خ ل.

۲. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ خ ل.

لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ ◆ وَأَمْري لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ ◆ يا مَوْلايَ أَتَيْتُكَ خائِفاً فَآمِنّي ◆ وَأَتَيْتُكَ مُسْتَجيراً فَأَجِرْني ◆ وَأَتَيْتُكَ فَقيراً فَأَغْنِني ◆ سَيِّدي وَمَوْلايَ أَنْتَ مَوْلايَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعينَ ◆ آمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ وَبِظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ ◆ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ التّالي لِكِتابِ اللّٰهِ ◆ وَأَمينُ اللّٰهِ الدّاعي إِلَى اللّٰهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ◆ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ[1] وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

پس دو ركعت نماز نزد سر آن حضرت بكن و چون سلام گفتی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّي لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ ◆ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ ◆ فَإِنَّهُ لا تَجُوزُ الصَّلاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلّا لَكَ ◆ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ◆ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْهُمْ عَنّي أَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ ◆ اَللّٰهُمَّ وَهاتانِ رَكْعَتانِ[2] هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ سَيِّدِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ ◆ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهُما مِنّي ◆ وَأْجُرْني عَلَيْهِما أَفْضَلَ أَمَلي وَرَجائي فيكَ وَفي وَلِيِّكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ.

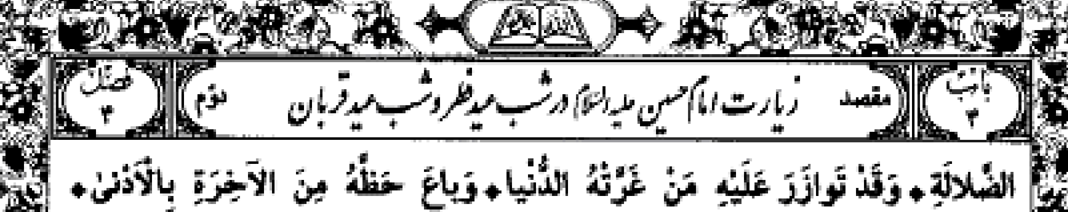
پس بچسبان خود را بر قبر و ببوس آن را و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ ◆ قَتيلِ الْعَبَراتِ وَأَسيرِ الْكُرُباتِ ◆ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ ◆ وَصَفِيُّكَ الثّائِرُ بِحَقِّكَ ◆ أَكْرَمْتَهُ بِكَرامَتِكَ ◆ وَخَتَمْتَ لَهُ بِالشَّهادَةِ ◆ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّادَةِ ◆ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ ◆ وَأَكْرَمْتَهُ بِطيبِ الْوِلادَةِ ◆ وَأَعْطَيْتَهُ مَواريثَ الْأَنْبِياءِ ◆ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِياءِ ◆ فَأَعْذَرَ فِي الدُّعاءِ ◆ وَمَنَحَ النَّصيحَةَ ◆ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ ◆ حَتّىٰ اسْتَنْقَذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَيْرَةِ

---

۱. وأُمّةً قَتَلَتْكَ خ ل.

۲. وَاجْعَلْ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ خ ل.



الضَّلالَةِ • وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا • وَباعَ حَظَّهُ مِنَ الآخِرَةِ بِالأَدْنىٰ • وَتَرَدّىٰ في هَواهُ • وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ • وَأَطاعَ مِنْ عِبادِكَ أُولِي الشِّقاقِ وَحَمَلَةَ الأَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ النّارَ • فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً مُحْتَسِباً • مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ • لا تَأْخُذُهُ فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لائِمٍ • حَتّىٰ سُفِكَ في طاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ • اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْناً وَبيلاً • وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً أَليماً.

پس بگرد به جانب عليّ بن الحسين عليه السلام و آن جناب در طرف پای مبارک حضرت حسين عليه السلام است، پس بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهيدُ • بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي عِشْتَ سَعيداً وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً شَهيداً.

پس رو كن به سوى قبر شهدا ـ رضوان الله عليهم ـ و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الذّابُّونَ عَنْ تَوْحيدِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ • بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي فُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً.

پس برو به مشهد عبّاس بن على عليه السلام و بايست نزد ضريح شريف آن جناب و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ وَالصِّدّيقُ الْمُواسي • أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللّٰهِ • وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ • وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبيلِ اللّٰهِ • وَواسَيْتَ بِنَفْسِكَ • فَعَلَيْكَ مِنَ اللّٰهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

پس بچسبان خود را به قبر و بگو:

بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا ناصِرَ دينِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ الْحُسَيْنِ الصِّدّيقِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ • عَلَيْكَ مِنّي السَّلامُ ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

پس نماز کن در نزد سر آن حضرت دو رکعت، و بگو بعد آن آنچه را که می‌گفتی در نزد سر حضرت حسین‌ عليه السلام یعنی بخوان دعای **اللّهُمَّ اِنّي لَكَ صَلَّيْتُ**... [در صفحه ۱۵۸ مذکور شد].

پس برگرد به سوی مشهد [امام] حسین‌ عليه السلام و بمان در نزد آن حضرت آنچه خواهی مگر آن‌که مستحب است که آن‌جا را مکان بیتوته ـ یعنی خوابگاه ـ قرار ندهی.

زیارت وداع

و چون خواهی وداع کنی آن حضرت را بایست در نزد سر و گریه کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ • فَاِنْ اَنْصَرِفْ فَلا عَنْ مَلالَةٍ • وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللّهُ الصّابِرينَ • يا مَوْلايَ لا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ • وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ اِلَيْكَ وَالْمُقامَ في حَرَمِكَ وَالْكَوْنَ في مَشْهَدِكَ • آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

پس ببوس ضریح را، و جمیع بدن خود را بر آن بمال، به درستی که آن باعث امان می‌شود و حرز تو است، و بیرون برو از نزد آن حضرت به طوری که رویت به جانب قبر باشد و پشت بر او مکن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ الْمُقامِ • اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَريكَ الْقُرْآنِ • اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ الْخِصامِ • اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفينَةَ النَّجاةِ • اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّي الْمُقيمينَ في هذَا الْحَرَمِ • اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

و بگو: **اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ • وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.** پس برو بیرون.

و سیّد ابن طاووس و محمّد بن المشهدی گفته‌اند پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی مانی که زیارت کرده خدا را در عرش.



فصل پنجم

در فضیلت و کیفیّت زیارت حضرت سیّد الشّهداء علیه‌السلام است در روز عرفه

بدان که آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در باب زیارت عرفه رسیده از کثرت اخبار و بسیاری فضیلت و ثواب ممکن نیست که تمام ضبط شود و اشتهار آن مستغنی است از ذکر بعض، لکن ما به جهت تشویق زائرین و تبرّکاً و تیمّناً به ذکر چند حدیث اکتفا می‌نماییم.

به سند معتبر منقول است از بشیر دهّان که گفت: عرض کردم به خدمت حضرت صادق علیه‌السلام که: گاه هست حجّ از من فوت می‌شود و روز عرفه را نزد قبر امام حسین علیه‌السلام می‌گذرانم. فرمود که: «نیک می‌کنی ای بشیر، هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام برود با شناسائی حقّ آن حضرت در غیر روز عید نوشته شود برای او ثواب بیست حج و بیست عمرهٔ مقبوله و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل. و هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه با معرفت حقّ آن حضرت، نوشته شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمرهٔ پسندیدهٔ مقبوله، و هزار جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل». گفتم: کجا حاصل می‌شود برای من ثواب موقف عرفات؟ پس آن حضرت نظر کرد به سوی من مانند کسی که خشمناک باشد و فرمود که: «ای بشیر هرگاه مؤمنی برود به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه و غسل کند در نهر فرات، پس متوجّه شود به سوی قبر آن حضرت بنویسد حق تعالی از برای او به هر گامی که برمی‌دارد، حجّی که با همه مناسک به عمل آورده باشد». و چنین گمان دارم که فرمود: «و عمره‌ای».

و در احادیث کثیره بسیار معتبر وارد شده که حق تعالی در روز عرفه اوّل نظر رحمت به سوی زائران قبر حسین علیه‌السلام می‌افکند پیش از آن‌که نظر به اهل موقف عرفات کند.

و در حدیث معتبر از رفاعه منقول است که حضرت صادق علیه‌السلام به من فرمود که: «امسال حج کردی؟» گفتم: فدایت شوم زری نداشتم که به حج روم، و لیکن عرفه را نزد قبر امام حسین گذرانیدم. فرمود که: «ای رفاعه هیچ کوتاهی نکردی از آنچه اهل منیٰ در آن بودند؛ اگر نه این بود که کراهت دارم که مردم ترک حج کنند، هر آینه حدیثی برای تو می‌گفتم که هرگز ترک زیارت قبر آن حضرت نکنی».

پس ساعتی ساکت شد و بعد از آن فرمود که: «خبر داد مرا پدرم که هرکه بیرون رود به سوی قبر امام حسین علیه‌السلام و عارف به حقّ آن حضرت باشد و با تکبّر نرود، همراه او می‌شوند هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و نوشته شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمره که پیغمبر یا وصیّ پیغمبر کرده باشد».

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «هرکه پریشان باشد و او را میسّر نشود حجّت الاسلام، پس برود و روز عرفه را نزد قبر امام حسین علیه‌السلام بگذراند که آن مجزی است از حجّت الاسلام، و نمی‌گویم که از حج مجزی است، مگر از برای کسی که پریشان باشد. امّا مالدار هرگاه حجّ واجب خود را کرده باشد و خواهد که حجّ سنّت یا عمرهٔ سنّت بکند و شغل دنیایی یا عایقی او را مانع شود برود نزد قبر آن حضرت در روز عرفه، که او را مجزی است از ادا کردن حج و عمره و مضاعف گرداند حق تعالی ثواب آن را از برای او باضعاف بسیار». راوی پرسید که: برابر چند حجّ و چند عمره است؟ فرمود: «آن را نمی‌توان احصا کرد». پرسید که: صد برابر؟ فرمود که: «کی احصا می‌تواند کرد». پرسید که: هزار برابر. فرمود: «بیشتر». پس این آیه را خواند که مضمونش این است که اگر بشمارید نعمت‌های خدا را احصا نمی‌توانید کرد آن‌ها را، به درستی که خدا واسع العطا و کریم است.

و غیر از این اخبار از احادیث دیگر ذکرشان موجب تطویل کلام است.

زیارت روز عرفه

و امّا کیفیّت زیارت روز عرفه پس چنان است که محمّد بن المشهدی در *مزار*، و سیّد ابن طاووس در *اقبال* و *مصباح*، و شیخ مفید و شهید در *مزار* خود ذکر نموده‌اند، و همگی آن را از برای روز عرفه گرفته‌اند، و لکن علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در *بحار* شب را نیز ملحق به روز فرموده‌اند و مستند ایشان از نظر ما مخفی است.

و بالجمله این بزرگواران فرموده‌اند که چون خواستی آن حضرت را در این روز زیارت کنی، پس اگر ممکن شد تو را که از فرات غسل کنی چنان کن، و اگرنه از هر آبی که تو را ممکن باشد، و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش، و قصد زیارت آن حضرت کن در حالی که با آرامی و وقار و تأنّی باشی.

پس چون به درِ حایر برسی بگو: **اَللّٰهُ اَكْبَرُ** و بگو:

اَللهُ اَكْبَرُ كَبيراً، وَالْحَمْدُ لِلهِ كَثيراً، وَسُبْحانَ اللهِ بُكْرَةً وَاَصيلاً، وَالْحَمْدُ لِلهِ الَّذي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللهُ، لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ اَميرِالْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَى الْخَلَفِ الصّالِحِ الْمُنْتَظَرِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الْمُوالي لِوَلِيِّكَ الْمُعادي لِعَدُوِّكَ اسْتَجارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ اِلَى اللهِ بِقَصْدِكَ، اَلْحَمْدُ لِلهِ الَّذي هَداني لِوِلايَتِكَ وَخَصَّني بِزِيارَتِكَ وَسَهَّلَ لي قَصْدَكَ.

پس داخل روضه شو و بایست محاذی سر و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْراهيمَ خَليلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَديجَةَ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَاَمَرْتَ

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ. يامَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ أُشْهِدُ اللَّهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرائِعِ ديني وَخَواتيمِ عَمَلي[1]. فَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَعَلىٰ أَجْسادِكُمْ وَعَلىٰ شاهِدِكُمْ وَعَلىٰ غائِبِكُمْ وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ وَابْنَ إِمامِ الْمُتَّقينَ وَابْنَ قائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ إِلىٰ جَنّاتِ النَّعيمِ، وَكَيْفَ لا تَكُونُ كَذٰلِكَ وَأَنْتَ بابُ الْهُدىٰ وَإِمامُ التُّقىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا وَخامِسُ أَصْحابِ[2] الْكِساءِ؟ غَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإيمانِ وَرُبّيتَ في حِجْرِ الْإِسْلامِ، فَالنَّفْسُ غَيْرُ راضِيَةٍ بِفِراقِكَ وَلا شاكَّةٍ في حَياتِكَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ وَأَبْنائِكَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَريعَ الْعَبْرَةِ السّاكِبَةِ وَقَرينَ الْمُصيبَةِ الرّاتِبَةِ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ، فَقُتِلْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُوراً وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِكَ مَوْتُوراً وَأَصْبَحَ كِتابُ اللَّهِ لِفَقْدِكَ مَهْجُوراً. السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَأَخيكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنيكَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافّينَ بِقَبْرِكَ وَالشّاهِدينَ لِزُوّارِكَ الْمُؤْمِنينَ بِالْقَبُولِ عَلىٰ دُعاءِ شيعَتِكَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ. بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا أَبا عَبْدِاللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَميعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللَّهِ. قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ. أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ

---

۱. وَمُنْقَلَبي إِلىٰ رَبّي خ ل.
۲. أَهْلِ خ ل.



يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ.

پس ببوس ضریح را، و دو رکعت نماز کن در بالای سر و در این دو رکعت هر سوره‌ای که می‌خواهی بخوان و چون فارغ شوی بگو:

اللّهُمَّ اِنّي لَكَ صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، لِاَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لا يَكُونُ اِلّا لَكَ، لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْهُمْ عَنّي اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ، اللّهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّي اِلىٰ مَوْلايَ وَسَيِّدي وَاِمامِيَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِما السَّلامُ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنّي وَاَجْزِني عَلىٰ ذٰلِكَ اَفْضَلَ اَمَلي وَرَجائي فيكَ وَفي وَلِيِّكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس برخیز و برو به سوی پای مبارک حضرت [امام] حسین علیه السلام و زیارت کن علیّ بن الحسین علیه السلام را که سر آن جناب در نزد پای ابی عبد الله علیه السلام است پس بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهيدُ بْنُ الشَّهيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ بْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

پس خود را به قبر بچسبان و ببوس آن را و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ، فَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَاَبْرَاُ اِلَى اللّهِ

وَاِلَیْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ.

پس توجه کن به جانب شهدا و زیارت کن ایشان را و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَوْلِياءَ اللّهِ وَاَحِبّاءَهُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَصْفِياءَ اللّهِ وَاَوِدّاءَهُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ دينِ اللّهِ وَاَنْصارَ نَبِيِّهِ وَاَنْصارَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَاَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النّاصِحِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي عَبْدِاللّهِ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ الْمَظْلُومِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ. بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتي فيها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ وَاللّهِ فَوْزاً عَظيماً يا لَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجِنانِ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولئِكَ رَفيقاً. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس برگرد به جانب سر امام حسین علیه‌السلام و بسیار دعا کن از برای خود و از برای اهل و عیال و برادران مؤمن خود. وشیخ مفید رحمه‌الله فرمود که چون اراده کردی بیرون آیی بچسبان خود را بر قبر و ببوس آن را و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللّهِ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَمْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللّهُ الصّابِرينَ. لا جَعَلَهُ اللّهُ يا مَوْلايَ آخِرَ الْعَهْدِ لِزِيارَتِكَ وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ اِلى مَشْهَدِكَ وَالْمُقامَ في حَرَمِكَ. وَاَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ.

پس بیرون برو و پشت به قبر مکن و بسیار بگو: اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ.

زیارت حضرت عباس علیه‌السلام

پس برو به زیارتگاه عبّاس بن علی علیهماالسلام. همین که آن‌جا رسیدی بایست نزد قبر و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا العَبْدُ الصَّالِحُ المُطِيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ المُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ عَلَىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ اللّهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضَىٰ [عَلَيهِ] الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجاهِدُونَ في سَبِيلِ اللّهِ. الْمُناصِحُونَ في جِهادِ أَعْدائِهِ. الْمُبالِغُونَ في نُصْرَةِ أَوْلِيائِهِ. فَجَزاكَ اللّهُ أَفْضَلَ الْجَزاءِ وَأَوْفَرَ جَزاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ. وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالشُّهَداءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً.

پس دو رکعت نماز کن در نزد سر، و بخوان خدا را بعد از آن به هر دعا که می‌خواهی، پس چون ارادهٔ بیرون آمدن کنی وداع کن آن جناب را و بگو:

أَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ. آمَنّا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللّهِ. اللّهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ. اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي قَبْرَ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ. وَارْزُقْنِي زِيارَتَهُ ما أَبْقَيْتَنِي. وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ فِي الْجِنانِ.

و دعا کن از برای خود و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خود.

وداع با حضرت سیّد الشهداء علیه‌السلام

پس برگرد به سوی قبر حسین علیه‌السلام به جهت وداع آن حضرت، پس چون خواستی وداع کنی بایست نزد قبر چنانچه بار اوّل ایستادی و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ. أَنْتَ لِي جُنَّةٌ مِنَ الْعَذابِ. وَهٰذا أَوانُ انْصِرافِي غَيْرَ راغِبٍ عَنْكَ وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِواكَ. وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلا زاهِدٍ فِي قُرْبِكَ. أَسْأَلُ اللّهَ تَعالىٰ أَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رُجُوعِي. وَأَسْأَلُ اللّهَ الَّذِي أَرانِي مَكانَكَ وَهَدانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَلِزِيارَتِي إِيّاكَ أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ وَيَرْزُقَنِي مُرافَقَتَكُمْ فِي الْجِنانِ مَعَ آبائِكَ الصّالِحِينَ.

پس سلام کن بر پیغمبر و هر یک از امامان علیهم‌السلام و دعا کن به آنچه می‌خواهی، پس رو کن به قبور شهدا و وداع کن ایشان را و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي إِيّاهُمْ وَأَشْرِكْني مَعَهُمْ في صالِحِ ما أَعْطَيْتَهُمْ عَلىٰ نَصْرِهِمْ ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ. اللّهُمَّ اجْعَلْنا وَإِيّاهُمْ في جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً. أَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ. اللّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ وَاحْشُرْني مَعَهُمْ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس بیرون رو و پشت به قبر مکن تا آن‌که از نظرت پنهان شود، و بایست در نزد در، روی به سوی قبله و دعا کن به آنچه خواهی و برو به کار خود إن شاء الله.

مؤلّف گوید که: چون از زیارت عرفه فارغ شوی بمان به جهت زیارت عید قربان. و زیارت مخصوصه آن را ما در سابق نقل کردیم، رجوع کن به آن‌جا و بخوان آن را در شب عید و روز آن.

فصل ششم

در فضیلت و کیفیت زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه‌السلام در شب و روز عاشورا

سید ابن طاووس به سند معتبر روایت کرده از جابر جُعفی که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود که: «هرکه شب عاشورا نزد قبر حسین علیه‌السلام تا صبح بماند در روز قیامت خدا را ملاقات کند آلوده به خون خود، و چنان باشد که در عرصهٔ کربلا با آن حضرت شهید شده باشد».

و در احادیث کثیره وارد شد، که هرکه روز عاشورا آن حضرت را زیارت کند بهشت بر او واجب شود. و در روایات دیگر، مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

و در *کامل الزیارات* به سند معتبر روایت شده که: «هرکه در روز عاشورا نزد قبر امام حسین علیه‌السلام مردم را آب دهد، مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد، و با آن حضرت در کربلا حاضر شده باشد».

شیخ صدوق رحمه‌الله در جمله‌ای از کتب خود از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت کرده است که

فرمودند: «هرکه ترک کند سعی کردن در حاجت‌های خود در روز عاشورا حق تعالی حاجت‌های دنیا و آخرت او را برآورد، و هرکه روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریهٔ او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و خوشحالی او گرداند و دیده‌اش در بهشت به ما روشن گردد، و هرکه روز عاشورا را روز برکت نام کند و در خانهٔ خود چیزی ذخیره کند برکت نیابد در آنچه ذخیره کرده است و محشور شود روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد ـ علیهم اللّعنة ـ در اسفل طبقهٔ آتش جهنم».

و نیز آن شیخ معظّم در کتب خود روایت کرده از ریّان بن شبیب که گفت: شرفیاب شدم به خدمت حضرت امام رضا ﷺ در روز اوّل ماه محرّم، پس آن حضرت فرمود که: «ای پسر شبیب امروز روزه هستی؟» عرض کردم: نه. فرمود: «این روز روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریّا را در آن مستجاب فرمود». پس روایت را ذکر نموده تا آن‌که گفت که آن حضرت فرمود: «ای پسر شبیب اگر برای چیزی خواستی گریه کنی گریه کن از برای حسین بن علی ﷺ که او را مانند گوسفند سر بریدند و کشته شد با آن حضرت از اهل بیت او هجده تن که در زمین شبیه خود نداشتند. و به تحقیق که آسمان‌های هفتگانه و زمینها برای شهادت آن حضرت گریستند و به درستی که چهار هزار ملک به سوی زمین آمدند برای یاری آن حضرت و وقتی رسیدند که آن حضرت شهید شده بود، پس ایشان نزد قبر آن حضرت‌اند ژولیده مو و گردآلوده تا آن‌که قائم آل‌محمّد ـ صلوات الله علیه ـ ظاهر شود، پس ایشان یاوران آن حضرت باشند و شعار ایشان در جنگ این کلمه است: **یا لثارات الحسین** ﷺ. ای پسر شبیب خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدّش که چون جدّم حسین ﷺ شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید. ای پسر شبیب اگر گریه کنی بر حسین ﷺ تا آب از دیده بر رویت جاری شود حق تعالی هر گناه صغیره و کبیرهٔ تو را بیامرزد. ای پسر شبیب اگر خواهی که در قیامت هیچ گناهی بر تو نباشد زیارت بکن آن حضرت را. ای پسر شبیب اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت با رسول خدا و آلش ساکن شوی لعنت کن بر قاتلان آن حضرت. ای پسر شبیب اگر خواهی که مثل ثواب کسی داشته باشی که با آن حضرت شهید شده باشد هرگاه که او را یاد کنی بگو: **یا لَیْتَنِي کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظیماً**. ای پسر شبیب اگر خواهی که در درجات عالیهٔ بهشت با ما باشی محزون باش از برای حزن ما، و شاد باش از برای شادی ما و بر تو باد به محبّت و ولایت ما، اگر مردی سنگی را دوست دارد خدا او را با آن محشور گرداند در روز قیامت».

کیفیّت زیارت سیّد الشهداء علیه‌السلام در روز عاشورا

و امّا زیارات منقوله در روز عاشورا، پس چند زیارت است و ما به ذکر دو زیارت از آن اکتفا می‌نماییم.

اوّل: زیارت عاشورای غیر معروفه

زیارتی است که در *مزار قدیم* که نسخهٔ کهنه ای از آن به دست شیخ مرحوم علّامهٔ نوری ـ طاب ثراه ـ آمده و از بعضی قراین مستفاد شده بود ایشان را که آن از مؤلّفات قطب راوندی یا بعضی از معاصرین او باشد و ایشان را به آن کتاب اعتماد تامّ بود. و در *مستدرک وسائل* و سایر کتب خود از او نقل فرموده و چون این زیارت مثل زیارت عاشورای معروفه است در ثواب، و فضیلت و خواندن آن سهل وآسان است، لهذا ما آن را اختیار کردیم تا زائرین و غیره به فیض آن نایل شوند و کیفیّت آن زیارت چنانچه در آن کتاب شریف است چنین روایت شده:

از علقمه بن محمّد حضرمی، از ابی جعفر امام محمّد باقر علیه‌السلام که فرمود: «هر کس اراده کرده زیارت کند حسین بن علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام را در روز عاشورا ـ و آن روز دهم از محرّم است ـ پس آن روز را به سر آورد با حالت گریه و تفجّع و اندوه، که ملاقات خواهد نمود خداوند ـ عزّ وجلّ ـ را با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب هر حجّ و عمره و جهاد آن مانند ثواب آن‌که حج کند و عمره نماید و جهاد کند با رسول خدا و با ائمّه صلوات اللّه علیهم أجمعین». علقمه بن محمّد حضرمی گفت که به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم پس چه کند آن‌که از کربلا دور و در بلاد بعیده است و متمکّن نیست از آن‌که خود را به کربلا برساند در آن روز؟ فرمود: «چون چنین روزی شد ـ یعنی روز عاشورا ـ هر کس که دوست دارد زیارت کند آن حضرت را از بلاد دور یا نزدیک، پس غسل کند و برود به صحرا یا بر بام خانهٔ خود، آن‌گاه دو رکعت نماز بکند و بخواند در آن سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾ چون سلام گفت اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و متوجّه به این سلام و اشاره و نیّت به آن جهتی که در آن است ابو عبد اللّه الحسین علیه‌السلام، یعنی رو کند به کربلای معلّی آن‌گاه با خشوع و استکانت بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشيرِ النَّذيرِ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللّٰهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثارِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ. السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْإِمامُ الْهادِيُ الزَّكِيُّ وَعَلىٰ اَرْواحٍ[1] حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَاَقامَتْ في جِوارِكَ وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِكَ. السَّلامُ عَلَيْكَ مِنّي ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ. فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ فِي الْمُؤْمِنينَ وَالْمُسْلِمينَ وَفي اَهْلِ السَّماواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضينَ اَجْمَعينَ. فَاِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ. صَلَواتُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنَ وَعَلىٰ آبائِكَ الطَّيِّبينَ الْمُنْتَجَبينَ وَعَلىٰ ذُرِّيّاتِكُمُ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ. لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً خَذَلَتْكَ وَتَرَكَتْ نُصْرَتَكَ وَمَعُونَتَكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ لَكُمْ. وَمَهَّدَتِ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ. وَطَرَّقَتْ اِلىٰ اَذِيَّتِكُمْ وَتَحَيُّفِكُمْ وَجارَتْ ذٰلِكَ في دِيارِكُم وَاَشْياعِكُمْ. بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاِلَيْكُمْ يا ساداتي وَمَوالِيَّ وَاَئِمَّتي مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذي اَكْرَمَ يا مَوالِيَّ مَقامَكُمْ وَشَرَّفَ مَنْزِلَتَكُمْ وَشَأْنَكُمْ اَنْ يُكْرِمَني بِوِلايَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَالْاِئْتِمامِ بِكُمْ وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكُمْ. وَاَسْأَلُ اللّٰهَ الْبَرَّ الرَّحيمَ اَنْ يَرْزُقَني مَوَدَّتَكُمْ وَاَنْ يُوَفِّقَني لِلطَّلَبِ بِثارِكُمْ مَعَ الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْهادي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. وَاَنْ يُبَلِّغَنِيَ الْمَقامَ الْمَحْمودَ لَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ. وَاَسْأَلُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذي جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ. اَنْ يُعْطِيَني بِمُصابي بِكُمْ اَفْضَلَ ما اَعْطىٰ

---

۱. الْاَرْواحِ الَّتي خ ل.

مُصاباً بِمُصيبَةٍ إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ. يا لَها مِنْ مُصيبَةٍ ما أَفْجَعَها وَأَنْكاها لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُسْلِمينَ فَإِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني في مَقامي هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ. وَاجْعَلْني عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ. فَإِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ اللّهُمَّ وَإِنّي أَتَوَسَّلُ وَأَتَوَجَّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالطَّيِّبينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِما. اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ واجْعَلْ مَحْيايَ مَحْياهُمْ وَمَماتي مَماتَهُمْ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ. اللّهُمَّ وَهٰذا يَوْمٌ تُجَدَّدُ[1] فيهِ النِّقْمَةُ وَتُنَزَّلُ فيهِ اللَّعْنَةُ عَلَى اللَّعينِ يَزيدَ وَعَلىٰ آلِ يَزيدَ وَعَلىٰ آلِ زِيادٍ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَالشِّمْرِ. اللّهُمَّ الْعَنْهُمْ وَالْعَنْ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ وَفِعْلِهِمْ مِنْ أَوَّلٍ وَآخِرٍ لَعْناً كَثيراً. وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ وَأَسْكِنْهُمْ جَهَنَّمَ وَساءَتْ مَصيراً. وَأَوْجِبْ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ كُلِّ مَنْ شايَعَهُمْ وَبايَعَهُمْ وَتابَعَهُمْ وَساعَدَهُمْ وَرَضِيَ بِفِعْلِهِمْ. وَافْتَحْ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَعَلىٰ كُلِّ مَنْ رَضِيَ بِذٰلِكَ لَعَناتِكَ الَّتي لَعَنْتَ بِها كُلَّ ظالِمٍ وَكُلَّ غاصِبٍ وَكُلَّ جاحِدٍ وَكُلَّ كافِرٍ وَكُلَّ مُشْرِكٍ وَكُلَّ شَيْطانٍ رَجيمٍ وَكُلَّ جَبّارٍ عَنيدٍ. اللّهُمَّ الْعَنْ يَزيدَ وَآلَ يَزيدَ وَبَني مَرْوانَ جَميعاً. اللّهُمَّ وَضَعِّفْ غَضَبَكَ وَسَخَطَكَ وَعَذابَكَ وَنَقِمَتَكَ عَلىٰ أَوَّلِ ظالِمٍ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اللّهُمَّ وَالْعَنْ جَميعَ الظّالِمينَ لَهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمينَ. اللّهُمَّ وَالْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ أَرْواحَهُمْ

---

۱. تجدّدُ خ ل.

وَدِيارَهُمْ وَقُبُورَهُمْ. وَالْعَنِ اللّهُمَّ الْعِصابَةَ الَّتي نازَلَتِ الْحُسَيْنَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَحارَبَتْهُ وَقَتَلَتْ[1] اَصْحابَهُ وَاَنْصارَهُ وَاَعْوانَهُ وَاَوْلِياءَهُ وَشيعَتَهُ وَمُحِبّيهِ وَاَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ. وَالْعَنِ اللّهُمَّ الَّذينَ نَهَبُوا مالَهُ وَسَلَبُوا[2] حَريمَهُ وَلَمْ يَسْمَعُوا كَلامَهُ وَلا مَقالَهُ. اللّهُمَّ وَالْعَنْ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَالْخَلائِقِ اَجْمَعينَ اِلىٰ يَوْمِ الدّينِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللّهِ الْحُسَيْنَ وَعَلىٰ مَنْ ساعَدَكَ وَعاوَنَكَ وَواساكَ بِنَفْسِهِ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِي الذَّبِّ عَنْكَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ اَرْواحِهِمْ وَعَلىٰ تُرْبَتِكَ وَعَلىٰ تُرْبَتِهِمْ. اللّهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَيْحاناً. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِاللّهِ يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَيَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ وَيَابْنَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهيدُ يَابْنَ الشَّهيدِ. اللّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰذَا الْيَوْمِ وَفي هٰذَا الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً وَسَلاماً. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْعالَمينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدينَ مَعَكَ سَلاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ بِالنَّهارِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهيدِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ الشَّهيدِ. اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقيلٍ. اَلسَّلامُ عَلىٰ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنّي تَحِيَّةً وَسَلاماً. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّهِ وَعَلَيْكَ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَحْسَنَ اللّهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ

---

۱. وقاتلت خ ل. ۲. وَسَبَوا خ ل.

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الْحَسَنِ يا اَميرَالْمُؤْمِنينَ وَعَلَيْكَ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَحْسَنَ اللّهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ يا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ وَعَلَيْكِ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَحْسَنَ اللّهُ لَكِ الْعَزاءَ في وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ وَعَلَيْكَ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ اَحْسَنَ اللّهُ لَكَ الْعَزاءَ في اَخيكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. السَّلامُ عَلىٰ اَرْواحِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ اَحْسَنَ اللّهُ لَهُمُ الْعَزاءَ في مَوْلاهُمُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِنَ الطّالِبينَ بِثارِهِ مَعَ اِمامٍ عَدْلٍ تُعِزُّ بِهِ الْإِسْلامَ وَاَهْلَهُ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

پس به سجده برو و بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ جَميعِ ما نابَ مِنْ خَطْبٍ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ اَمْرٍ. وَاِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ في عَظيمِ الْمُهِمّاتِ بِخِيَرَتِكَ وَاَوْلِيائِكَ وَذٰلِكَ لِما اَوْجَبْتَ لَهُمْ مِنَ الْكَرامَةِ وَالْفَضْلِ الْكَثيرِ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْني شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَالْمَقامِ الْمَشْهُودِ وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ. وَاجْعَلْ لي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ الَّذينَ واسَوْهُ بِاَنْفُسِهِمْ وَبَذَلُوا دُونَهُ مُهَجَهُمْ وَجاهَدُوا مَعَهُ اَعْداءَكَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَرَجاءَكَ وَتَصْديقاً بِوَعْدِكَ وَخَوْفاً مِنْ وَعيدِكَ اِنَّكَ لَطيفٌ لِما تَشاءُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود: «زیارت کنید حسین بن علی علیه‌السلام را به این زیارت نزد قبر امیر المؤمنین علیه‌السلام نزد سر مطهر آن حضرت».

علقمه بن محمّد حضرمی روایت کرد از حضرت ابی جعفر باقر علیه‌السلام که آن حضرت فرمود: «ای علقمه اگر توانی هر روز زیارت کنی آن حضرت را به این زیارت در خانهٔ خود و در هر کجا که باشی از شهرها در زمین خدای تعالی، پس به جای آور این زیارت را که تمام این ثواب‌ها برای تو خواهد بود، پس سعی و کوشش کن در لعن بر قاتلان و دشمنان آن حضرت و بوده باشد این عمل در اوّل روز پیش از زوال. ای علقمه پس ندبه کنید و بگریید بر آن حضرت و هر آینه امر کنید هرکه در خانهٔ شماها است بگریستن بر آن حضرت و برپا کنید در خانه عزای آن جناب را به اظهار اندوه و گریه بر آن حضرت و یکدیگر را در این روز ملاقات کنید در خانه‌ها یا هر جا که باشند با گریه، و یکدیگر را تعزیت بگویید به مصیبت امام حسین علیه‌السلام». راوی گفت عرض کردم: اصلحك الله چگونه تعزیت بگوئیم یکدیگر را؟ فرمود بگویید:

«أَحْسَنَ اللهُ أُجُورَنا بِمُصابِنا بِأَبي عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا مِنَ الطّالِبينَ بِثأرِهِ مَعَ الْإمامِ الْمَهْدِيِّ إلى الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ».

واگر توانستید در آن روز از پی کاری نروید، که آن روز روزِ نحسی است که حاجت مؤمن در آن روز برآورده نمی‌شود، و اگر برآورده شد برکت از آن برداشته و خیر و رشدی در آن نخواهد بود، و مبادا ذخیره کند از شما کسی در منزل خود چیزی را، زیرا که برکت برای او ندارد. راوی می‌گوید حضرت باقر علیه‌السلام فرمود که: «من ضامنم برای آن‌که چنین کند در نزد خدای عزّ وجلّ آنچه گذشت از ثواب‌های عظیم و خدایش حشر کند در زمرهٔ آنان که شهید شدند با حضرت امام حسین علیه‌السلام». راوی گفت خدمت آن حضرت عرض کردم که: روزه بگیرم در آن روز. فرمود: «روزه بگیر بی‌آن‌که در شب نیّت روزه کنی و افطار کن نه از روی شماتت، چنانچه دشمنان می‌کردند و تأمّل کن تا وقت عصر، پس چون هنگام عصر شد افطار کن به یک شربت آبی، که در آن وقت جنگ برطرف شد از آن حضرت و اصحاب او در حالتی که همه شهید شده بودند. صَلَواتُ اللهِ عَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَأَجْسادِهِمْ أَجْمَعين. وَلَعْنَةُ اللهِ وَسَخَطُهُ وَعَذابُهُ وَنَكالُهُ وَنَقِمَتُهُ عَلىٰ مَنْ كانَ السَّبَبَ في قَتْلِهِمْ وَجَدِّدْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ».

دوّم: زیارت عاشورای معروفه

و کیفیّت آن همچنان که در کتاب سابق الذّکر مسطور است چنین است که گفته. زیارت روز عاشورا از نزدیک و دور: سزاوار است که زیارت کنی حضرت حسین صلوات اللّه علیه را روز عاشورا به این زیارت و اگر بوده باشی در مشهد او یعنی در کربلا باشی، پس برو به سوی آن جناب و بایست نزد قبرش و بگردان قبله را در میان دو کتف خود و تکبیر بگو و زیارت کن آن حضرت را به این زیارت. و اگر در غیر کربلا باشی پس برو به صحرا یا بالای بام خانهٔ خود در هر کجا که باشی از شهرها و تکبیر بگو و اشاره کن به جانب امام حسین عليه السلام و بگو بعد از تکبیر:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ اللّهِ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ يابْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ ◆ السَّلامُ عَلَيْكُمْ مِنّي جَميعاً سَلامُ اللّهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ ◆ يا أَبا عَبْدِ اللّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ وَعَظُمَتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَميعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ ◆ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصيبَتُكَ فِي السَّماواتِ[1] وَعَلى جَميعِ أَهْلِ الْأَرَضينَ ◆ فَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوانِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ◆ وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ وَأَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتي رَتَّبَكُمُ اللّهُ فيها ◆ وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ ◆ وَلَعَنَ اللّهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ ◆ بَرِئْتُ إِلَى اللّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ وَأَوْلِيائِهِمْ ◆ يا أَبا عَبْدِاللّهِ إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ[2] وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ[3] إِلى يَوْمِ

---

۱. عَلى جَميعِ أَهْلِ السَّماواتِ خ ل.
۲. سالَمَكَ خ ل.
۳. حارَبَكَ خ ل.

الْقِيامَةِ. وَلَعَنَ اللّهُ آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ. وَلَعَنَ اللّهُ بَني أُمَيَّةَ قاطِبَةً. وَلَعَنَ اللّهُ ابْنَ مَرْجانَةَ. وَلَعَنَ اللّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ. وَلَعَنَ اللّهُ شِمْراً. وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ. بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا أَبا عَبْدِ اللّهِ لَقَدْ عَظُمَ مُصابي بِكَ فَأَسْأَلُ اللّهَ الَّذي أَكْرَمَ مَقامَكَ وَأَكْرَمَني بِكَ أَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ ثارِكَ مَعَ إِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ. اللّهُمَّ اجْعَلْني عِنْدَكَ وَجيهاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. يا أَبا عَبْدِاللّهِ إِنّي أَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللّهِ وَإِلى رَسُولِهِ وَإِلى أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَإِلى فاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُوالاتِكَ وَبِمُوالاتِهِمْ وَبِالْبَراءَةِ مِمَّنْ قاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَراءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ. وَأَبْرَأُ إِلَى اللّهِ وَرَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ ذٰلِكَ وَبَنى عَلَيْهِ بُنْيانَهُ وَجَرى في ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلى أَشْياعِكُمْ. بَرِئْتُ إِلَى اللّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَالنّاصِبينَ لَكُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ. إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ. فَأَسْأَلُ اللّهَ الَّذي أَكْرَمَني بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبَراءَةَ مِنْ أَعْدائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذي لَكُمْ عِنْدَ اللّهِ وَأَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ ثارِكُم مَعَ إِمامٍ مَهْدِيٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ [بِالحَقِّ] مِنْكُمْ. وَأَسْأَلُ اللّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَني بِمُصابي بِكُمْ أَفْضَلَ ما يُعْطي مُصاباً بِمُصيبَتِهِ. مُصيبَةً ما أَعْظَمَها وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَها فِي الْإِسْلامِ وَفي جَميعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضينَ. اللّهُمَّ اجْعَلْني

فِي مَقامِي هٰذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا (و اگر در غیر روز عاشورا باشد به جای إنَّ هذا بگوید: إنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ) يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبادِ اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ عَلىٰ لِسانِكَ وَلِسانِ نَبِيِّكَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَبا سُفْيانَ وَمُعاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْآبِدِينَ. وَهٰذا يَوْمٌ (و به جای وهذا بگوید: وَيَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ) فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيادٍ وَآلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلامُ. اَللّٰهُمَّ فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذابَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هٰذا وَأَيّامِ حَياتِي بِالْبَراءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوالاةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.

پس می‌گویی صد مرتبه: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتِي جاهَدَتِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلامُ وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ عَلىٰ قَتْلِهِ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً.

پس می‌گویی صد مرتبه: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ. عَلَيْكَ مِنِّي سَلامُ اللّٰهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِكُمْ. اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَوْلادِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَصْحابِ الْحُسَيْنِ.

پس می‌گویی: اَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الثّانِيَ وَالثّالِثَ وَالرّابِعَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ خامِساً. وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ. وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ أَبِي سُفْيانَ وَآلَ

زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

پس به سجده می‌روی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاكِرِينَ لَكَ عَلىٰ مُصابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ.

پس دو رکعت نماز می‌گذاری. و اگر توانستی که زیارت کنی حضرت امام حسین‌ عليه السلام را به این زیارت از خانهٔ خودت در هر روز پس بکن، که در آن ثواب جزیلی است و مروی است از جناب باقر عليه السلام و روایت کرده آن را از آن حضرت، علقمة بن محمّد حضرمی، انتهیٰ.

مؤلّف گوید که: شیخ ما علّامهٔ نوری طاب‌ثراه در کتاب *سلامة المرصاد* این زیارت را از همین کتاب نقل کرده و در بیان سبب نقل زیارت گفته چون از عهد شیخ ابراهیم کفعمی طاب‌ثراه تاکنون این زیارت محلّ نظر علما شده، و به جهت فی الجملة اجمالی که در صدر آن زیارت است. در روایت *مصباح متهجّد* شیخ طوسی‌ رحمه الله و *کامل الزّیارات* جعفر بن قولویه‌ رحمه الله انظار علما مختلف و وجوهاتی ذکر فرموده‌اند که اگر خواننده بخواهد به احتیاط عمل کند از عهدهٔ آن عاجز شود، و لهذا بسیاری از فیض آن به جهت همین اختلاف محروم مانده‌اند، و عجب است با این همه زحمت و دقّت و ذکر وجوه عدیده، در صدد تفحّص برنیامدند که شاید در روایت دیگران، عبارت واضح و اشکالی نداشته باشد آن وقت اجمال آن عبارت را به سبب وضوح در روایت دیگران، واضح کنند و احتمالات عدیده از میان برود بالمرّة. لهذا زیارت معروفه را از این کتاب شریف نقل کردم، که ابداً اجمالی و اشکالی ندارد و ناچار عبارت عربی آن را و سایرین باید نقل کرد، که مبادا اهل علم احتمال بدهند که در ترجمهٔ متن حدیث عمداً یا سهواً تصرّفی شده، پس عبارت متن حدیث را که ترجمه‌اش را ما به عین الفاظ ایشان ذکر کردیم تا عبارات مزار محمّد بن المشهدی‌ رحمه الله و عبارات *مزار* شیخ شهید و عبارت علّامهٔ حلّی‌ رحمه الله در کتاب *منهاج الصّلاح* نقل کرده، پس از آن فرموده: بلکه از عبارت شیخ مفید ـ افاض اللّه علی تربته الغفران ـ در کتاب *إشراف* نیز این مطلب مستفاد می‌شود، چه در آن‌جا در ابواب نمازهای مستحبّه می‌فرماید: باب صلاة یوم عاشورا: و صلاة یوم عاشوراء رکعتان لمن لم یحضر مشهد الحسین‌ عليه السلام فلیصلّها ثمّ یومي بالسّلام الیه، و ظاهر آن است که مراد ایشان از سلام همین زیارت عاشورای معروفه باشد و این‌که نماز را فرمودند پیش از

زیارت بخواند بنابر آن مذهب است که نماز زیارت را از دور پیش از زیارت باید خواند، چنانچه در بعض اخبار رسیده و جماعتی فتوی دادند، بلکه محقّق میرداماد اصراری بر آن دارد و در کتاب *اربعة ایّام* خود فرموده: آنچه ذکر کردیم که زیارت هرگاه از دور باشد و در تحت قبّهٔ هیچ معصومی نباشد نماز زیارت بر زیارت مقدّم است حکمی است مطّرد در زیارت رسول و زیارت امیر المؤمنین و زیارت هر یک از ائمّهٔ معصومین ـ صلوات اللّٰه علیهم أجمعین ـ و این مسأله از خفایای مسائل و خفیّات احکام است، و تا کسی کمال مهارت و تمام بضاعت و رفعت در حدیث نداشته، اطّلاع بر این دقیقه نمی‌یابد، و از این جهت اکثر اهل روزگار از حکم این فرع و تحقیق این فرع غافلند. پس شیخ مرحوم نقل کرده حکایت تعلیم کردن میرداماد زیارت را به مرحوم شاه عبّاس و مباحثه یکی از فضلا را با آن مرحوم در باب تقدیم نماز زیارت و جواب دادن آن مرحوم فاضل معاصر را به همین فرق، و ساکت شدن معاصر مناظر. پس از آن فرموده و لکن با این اصرار مرحوم، جماعتی تصریح فرمودند که نماز زیارت بعد از زیارت است چه از دور باشد چه نزدیک. بلکه فاضل محقّق سبزواری‌ رحمه‌الله در کتاب کبیر شریف *مفاتیح النّجاة* که از کتب نفیسهٔ ادعیّه است در اعمال محرّم فرموده روز دهم که روز عاشورا است، سنّت است زیارت امام حسین‌ علیه‌السلام. پس فرموده: و طریق زیارت آن حضرت در این روز از برای کسی که نزد روضهٔ آن حضرت نباشد آن است که به بام بلندی رود و صد نوبت تکبیر بگوید آن‌گاه بگوید: **السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِ اللّٰهِ** تا آخر آنچه گذشت. پس از ذکر دعای سجده فرموده آن‌گاه دو رکعت نماز زیارت امام حسین‌ علیه‌السلام به‌جا آورد، و بعضی از علما گمان کرده‌اند که دو رکعت نماز زیارت را در این‌جا پیش از زیارت باید کرد، امّا صحیح و مشهور میان علما آن است که نماز زیارت مطلقاً بعد از زیارت است و زیارت مذکور ثواب بسیار دارد، انتهی.

مؤلف گوید: این اختلاف از روی اختلاف اخبار است و از این جهت علّامهٔ مجلسی‌ رحمه‌الله فرموده: بعید نیست که مخیّر باشد آن کس که از دور زیارت می‌کند در پیش انداختن نماز از زیارت و بجا آوردن آن بعد از آن. پس شیخ مرحوم فرموده: و بالجمله، از عبارات سابقه جمیعاً واضح و روشن شد که کیفیّت زیارت عاشورا همان است که در *مفاتیح النّجاة* تصریح فرموده، و غیر از تکبیرات این زیارت معروفه مقدّمهٔ ندارد و این تکبیر می‌شود جزء زیارت، چنانچه در مزار قدیم تصریح فرموده، و همچنین در *مصباح متهجّد* شیخ طوسی‌ رحمه‌الله، و *مصباح الزّائر* ابن طاووس‌ رحمه‌الله. و می‌شود داخل در آداب زیارت باشد مطلقاً مثل غسل و پاکیزگی جامه و غیر آن، چنانچه از ملاحظهٔ جملهٔ آن زیارات معلوم می‌شود. تمام شد آنچه مقصود ما بود از کلام شیخ مرحوم‌ رحمه‌الله.

شیخ مفید و شهید اوّل رحمهما الله در مزار خود در باب زیارت عاشوراء گفته‌اند یکی از زیارات مخصوصه زیارت روز عاشورا است پیش از زوال شمس ازنزدیک و دور. چون خواستی زیارت کنی آن حضرت را در این روز، پس اشاره کن به سوی آن حضرت به سلام و اجتهاد کن در نفرین کردن بر قاتلان آن حضرت پس بگو در وقت اشاره به سوی آن حضرت: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ**، پس زیارت را تا آخر نقل کرده‌اند مثل آنچه ما نیز ذکر کردیم، پس گفته‌اند و اگر بوده باشی در مشهد مقدّس غری یعنی نجف اشرف و زیارت کردی امام حسین علیه السلام را به این زیارت از بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام، پس دو رکعت نماز بکن و وداع کن بعد از نماز امیر المؤمنین علیه السلام را، و رو به جانب قبر امام حسین علیه السلام کن، پس بگو:

دعای مشهور علقمه

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ • يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ • وَيا كاشِفَ كُرَبِ الْمَكْرُوبينَ • و يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ • وَيا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ • وَيا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ • وَيا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ • وَيا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ وَبِالْاُفُقِ الْمُبينِ • وَيا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ • وَيا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ • وَيا مَنْ لا يَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ وَيا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْواتُ • وَيا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْحاجاتُ • وَيا مَنْ لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ • يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ • وَيا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ • وَيا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ • يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ • يا قاضِيَ الْحاجاتِ • يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ • وَيا مُعْطِيَ السُّؤُلاتِ • يا وَلِيَّ الرَّغَباتِ يا كافِيَ الْمُهِمّاتِ • يا مَنْ يَكْفي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّماواتِ وَالْاَرْضِ • أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَاِنّي بِهِمْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ في مَقامي هٰذا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ اَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ • وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ عَلَيْكَ • وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ

وَبِالْقَدْرِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ. وَبِاسْمِكَ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعالَمينَ. وَبِهِ اَبَنْتَهُمْ وَاَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعالَمينَ حَتّىٰ فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعالَمينَ جَميعاً. أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنّي هَمّي وَغَمّي وَكَرْبي. وَتَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ مِنْ اُمُوري. وَتَقْضِيَ عَنّي دَيْني. وَتُجيرَني مِنَ الْفَقْرِ. وَتُجيرَني مِنَ الْفاقَةِ وَتُغْنِيَني عَنِ الْمَسْأَلَةِ اِلَى الْمَخْلُوقينَ. وَتَكْفِيَني هَمَّ مَنْ اَخافُ هَمَّهُ وَعُسْرَ مَنْ اَخافُ عُسْرَهُ. وَحُزُونَةَ مَنْ اَخافُ حُزُونَتَهُ. وَشَرَّ مَنْ اَخافُ شَرَّهُ. وَمَكْرَ مَنْ اَخافُ مَكْرَهُ. وَبَغْيَ مَنْ اَخافُ بَغْيَهُ. وَجَوْرَ مَنْ اَخافُ جَوْرَهُ. وَسُلْطانَ مَنْ اَخافُ سُلْطانَهُ. وَكَيْدَ مَنْ اَخافُ كَيْدَهُ. وَمَقْدُرَةَ مَنْ اَخافُ بَلاءَ مَقْدُرَتِهِ عَلَيَّ. وَتَرُدَّ عَنّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ. اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرادَني بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ. وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ. وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَاَمانِيَّهُ. وَامْنَعْهُ عَنّي كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّىٰ شِئْتَ. اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ. وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ. وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها. وَبِسُقْمٍ لا تُعافيهِ. وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ. وَبِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها. اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ. وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ في مَنْزِلِهِ. وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ في بَدَنِهِ. حَتّىٰ تَشْغَلَهُ عَنّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ. وَاَنْسِهِ ذِكْري كَما اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ. وَخُذْ عَنّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَميعِ جَوارِحِهِ. وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ في جَميعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ وَلا تَشْفِهِ حَتّىٰ تَجْعَلَ ذٰلِكَ لَهُ شُغْلاً شاغِلاً عَنّي وَعَنْ ذِكْري. وَاكْفِني ياكافِيَ ما لا يَكْفي سِواكَ. فَاِنَّكَ الْكافي لا كافِيَ سِواكَ. وَمُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواكَ. وَمُغيثٌ لا مُغيثَ سِواكَ. وَجارٌ لا جارَ سِواكَ. خابَ مَنْ كانَ رَجاؤُهُ سِواكَ وَمُغيثُهُ سِواكَ وَمَفْزَعُهُ اِلىٰ سِواكَ وَمَهْرَبُهُ وَمَلْجَؤُهُ اِلىٰ غَيْرِكَ. وَمَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

غَيْرِكَ فَأَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي وَمَفْزَعي وَمَهْرَبي وَمَلْجَئي وَمَنْجايَ . فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ . فَأَسْأَلُكَ يا أَللهُ يا أَللهُ يا أَللهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ وَأَنْتَ الْمُسْتَعانُ . فَأَسْأَلُكَ يا أَللهُ يا أَللهُ يا أَللهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنّي غَمّي وَهَمّي وَكَرْبي في مَقامي هٰذا كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ . فَاكْشِفْ عَنّي كَما كَشَفْتَ عَنْهُ . وَفَرِّجْ عَنّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ . وَاكْفِني كَما كَفَيْتَهُ . وَاصْرِفْ عَنّي هَوْلَ ما أَخافُ هَوْلَهُ . وَمَؤُونَةَ ما أَخافُ مَؤُونَتَهُ . وَهَمَّ ما أَخافُ هَمَّهُ . بِلا مَؤُونَةٍ عَلىٰ نَفْسي مِنْ ذٰلِكَ . وَاصْرِفْني بِقَضاءِ حَوائِجي وَكِفايَةِ ما أَهَمَّني هَمُّهُ . مِنْ أَمْرِ آخِرَتي وَدُنْيايَ . يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَيا أَبا عَبْدِاللهِ عَلَيْكُما مِنّي سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ . وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما وَلا فَرَّقَ اللهُ بَيْني وَبَيْنَكُما . اَللّٰهُمَّ أَحْيِني حَياةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمِتْني مَماتَهُمْ وَتَوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِهِمْ وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَيا أَبا عَبْدِاللهِ أَتَيْتُكُما زائِراً (قَصَدْتُكُما زائِراً بگويد در وقتى از دور بخواند) وَمُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ رَبّي وَرَبِّكُما . وَمُتَوَجِّهاً إِلَيْهِ بِكُما وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما إِلَى اللهِ في حاجَتي هٰذِهِ . فَاشْفَعا لي فَإِنَّ لَكُما عِنْدَ اللهِ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ وَالْجاهَ الْوَجيهَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفيعَ وَالْوَسيلَةَ . إِنّي أَنْقَلِبُ عَنْكُما مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَةِ وَقَضائِها وَنَجاحِها مِنَ اللهِ بِشَفاعَتِكُما لي إِلَى اللهِ في ذٰلِكَ . فَلا أَخيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبي مُنْقَلَباً خائِباً خاسِراً . بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبي مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لي بِقَضاءِ جَميعِ حَوائِجي

وَتَشفَعا لي اِلَى اللّهِ. اَنْقَلِبُ عَلىٰ ما شاءَ اللّهُ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ. مُفَوِّضاً اَمْري اِلَى اللّهِ. مُلْجِئاً ظَهْري اِلَى اللّهِ. وَمُتَوَكِّلاً عَلَى اللّهِ وَاَقُولُ حَسْبِيَ اللّهُ وَكَفىٰ. سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ دَعا. لَيْسَ لي وَراءَ اللّهِ وَوَراءَكُمْ يا سادَتي مُنْتَهىً. ما شاءَ رَبّي كانَ. وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ. اَسْتَوْدِعُكُمَا اللّهَ وَلا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي اِلَيْكُما. اِنْصَرَفْتُ يا سَيِّدي يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَمَوْلايَ. وَاَنْتَ يا اَبا عَبْدِاللّهِ. يا سَيِّدَيَّ وَسَلامي عَلَيْكُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ. واصِلُ ذٰلِكَ اِلَيْكُما غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامي اِنْ شاءَ اللّهُ. وَاَسْاَلُهُ بِحَقِّكُما اَنْ يَشاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ. اِنْقَلَبْتُ يا سَيِّدَيَّ عَنْكُما تائِباً حامِداً لِلّهِ شاكِراً راجِياً لِلاِجابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلا قانِطٍ آئِباً عائِداً راجِعاً اِلىٰ زِيارَتِكُما. غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما وَلا مِنْ زِيارَتِكُما. بَلْ راجِعٌ عائِدٌ اِنْ شاءَ اللّهُ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. يا سادَتي رَغِبْتُ اِلَيْكُما وَاِلىٰ زِيارَتِكُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فيكُما وَفي زِيارَتِكُما اَهْلُ الدُّنْيا فَلا خَيَّبَنِيَ اللّهُ مِمّا رَجَوْتُ وَما اَمَّلْتُ في زِيارَتِكُما اِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ.

زیارت ناحیهٔ مقدّسه[1]

مخفی نماند و بدان که چون جناب مصنّف ـ جزاه اللّه عن أهل بیت النبوّة ـ علی الظاهر به جهت احتراز از تطویل، از زیارت ناحیهٔ مقدّسه صرف نظر فرموده طالبین از فیض آن محروم بودند، لهذا از کتاب *تحفة الزائر* علامه مجلسی ـ أعلی اللّه مقامه ـ با عین عبارت آن در حاشیه نقل شد.

شیخ مفید رحمه‌الله فرموده است که زیارت دیگر است در روز عاشورا که به روایت دیگر شیخ محمّد بن المشهدی رحمه‌الله ذکر کرده است که زیارت دیگر است در روز عاشورا که از ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت صاحب الأمر

---

۱. این زیارت در حاشیه نسخه سنگی ذکر شده بود. و بنابر اهمیّت آن و به جهت بهره‌وری خوانندگان و زوّار مؤمن، مؤسسه تشخیص نمود آن را در متن این رسالهٔ شریفه در اینجا (پاورقی) درج نماید.

ـ عجل الله فرجه ـ از سوی نایبان آن حضرت بیرون آمده است و می‌بایستی نزد قبر آن حضرت و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ مِنْ خَليقَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ شَيْثٍ وَلِيِّ اللّٰهِ وَخِيَرَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ إِدْريسَ الْقائِمِ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ نُوحٍ الْمُجابِ في دَعْوَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللّٰهِ بِمَعُونَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ صالِحٍ الَّذي تَوَّجَهُ اللّٰهُ بِكَرامَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ إِبْراهيمَ الَّذي حَباهُ اللّٰهُ بِخُلَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ إِسْماعيلَ الَّذي فَداهُ اللّٰهُ بِذِبْحٍ عَظيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ إِسْحاقَ الَّذي جَعَلَ اللّٰهُ النُّبُوَّةَ في ذُرِّيَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ يَعْقُوبَ الَّذي رَدَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ يُوسُفَ الَّذي نَجّاهُ اللّٰهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسَى الَّذي فَلَقَ اللّٰهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ هارُونَ الَّذي خَصَّهُ اللّٰهُ بِنُبُوَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ شُعَيْبٍ الَّذي نَصَرَهُ اللّٰهُ عَلىٰ أُمَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ داوُدَ الَّذي تابَ اللّٰهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطيئَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ سُلَيْمانَ الَّذي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ أَيُّوبَ الَّذي شَفاهُ اللّٰهُ مِنْ عِلَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ يُونُسَ الَّذي أَنْجَزَ اللّٰهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ عُزَيْرٍ الَّذي أَحْياهُ اللّٰهُ بَعْدَ مَيْتَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ زَكَرِيَّا الصّابِرِ في مِحْنَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ يَحْيَى الَّذي أَزْلَفَهُ اللّٰهُ بِشَهادَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ وَكَلِمَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّٰهِ وَصَفْوَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ ابْنَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبيهِ وَخَليفَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أَطاعَ اللّٰهَ في سِرِّهِ وَعَلانِيَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ جَعَلَ اللّٰهُ الشِّفاءَ في تُرْبَتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ الْإِجابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ خاتَمِ الْأَنْبِياءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِياءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ خَديجَةَ الْكُبْرىٰ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوىٰ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفا ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْمُرَمَّلِ بِالدِّماءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِباءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ خامِسِ أَصْحابِ الْكِساءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ غَريبِ الْغُرَباءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ شَهيدِ الشُّهَداءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ قَتيلِ الْأَدْعِياءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ ساكِنِ كَرْبَلاءَ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ بَكَتْهُ مَلائِكَةُ السَّماءِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِياءُ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ يَعْسُوبِ الدّينِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنازِلِ الْبَراهينِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ السّاداتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجاتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الشِّفاهِ الذّابِلاتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَماتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْأَرْواحِ الْمُخْتَلَساتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْأَجْسادِ الْعارِياتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْجُسُومِ الشّاحِباتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الدِّماءِ السّائِلاتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الْأَعْضاءِ الْمُقَطَّعاتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشالاتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلَى النِّسْوَةِ الْبارِزاتِ ◆ اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ ◆ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ الطّاهِرينَ ◆ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبْنائِكَ الْمُسْتَشْهَدينَ ◆ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِكَ النّاصِرينَ ◆ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُضاجِعينَ.

السَّلامُ عَلَى الْقَتيلِ الْمَظْلُومِ ◆ السَّلامُ عَلى أَخيهِ الْمَسْمُومِ ◆ السَّلامُ عَلى عَلِيٍّ الْكَبيرِ ◆ السَّلامُ عَلَى الرَّضيعِ الصَّغيرِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْأَبْدانِ السَّليبَةِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَريبَةِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمُجَدَّلينَ فِي الْفَلَواتِ ◆ السَّلامُ عَلَى النّازِحينَ عَنِ الْأَوْطانِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونينَ بِلا أَكْفانٍ ◆ السَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدانِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصّابِرِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلا ناصِرٍ ◆ السَّلامُ عَلى ساكِنِ التُّرْبَةِ الزّاكِيَةِ ◆ السَّلامُ عَلى صاحِبِ الْقُبَّةِ السّامِيَةِ ◆ السَّلامُ عَلى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَليلُ ◆ السَّلامُ عَلى مَنِ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَئيلُ ◆ السَّلامُ عَلى مَنْ ناغاهُ فِي الْمَهْدِ ميكائيلُ ◆ السَّلامُ عَلى مَنْ نُكِثَتْ ذِمَّتُهُ ◆ السَّلامُ عَلى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ ◆ السَّلامُ عَلى مَنْ أُريقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِراحِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكاساتِ الرِّماحِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمُضامِ الْمُسْتَباحِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرى ◆ السَّلامُ عَلى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرى ◆ السَّلامُ عَلى مَقْطُوعِ الْوَتينِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْمُحامي بِلا مُعينٍ ◆ السَّلامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضيبِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْخَدِّ التَّريبِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّليبِ ◆ السَّلامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضيبِ ◆ السَّلامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ ◆ السَّلامُ عَلَى الْأَجْسامِ الْعارِيَةِ فِي الْفَلَواتِ ◆ تَنْهَشُهَا الذِّئابُ الْعادِياتُ ◆ وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السِّباعُ الضّارِياتُ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُرَفْرِفينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ ◆ الْحافّينَ بِتُرْبَتِكَ ◆ الطّائِفينَ بِعَرْصَتِكَ ◆ الْوارِدينَ لِزِيارَتِكَ.

السَّلامُ عَلَيْكَ فَإِنّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ ◆ وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ الْعارِفِ بِحُرْمَتِكَ ◆ الْمُخْلِصِ في وِلايَتِكَ ◆ الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللّهِ بِمَحَبَّتِكَ ◆ الْبَريءِ مِنْ أَعْدائِكَ ◆ سَلامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصابِكَ مَقْرُوحٌ ◆ وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ ◆ سَلامَ الْمَفْجُوعِ الْمَحْزُونِ ◆ الْوالِهِ الْمُسْتَكينِ ◆ سَلامَ مَنْ لَوْ كانَ مَعَكَ فِي الطُّفُوفِ لَوَقاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ ◆ وَبَذَلَ حُشاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ ◆ وَجاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ ◆ وَنَصَرَكَ عَلى مَنْ بَغى عَلَيْكَ ◆ وَفَداكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمالِهِ وَوَلَدِهِ ◆ وَرُوحُهُ لِرُوحِكَ فِداءٌ ◆ وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وِقاءٌ ◆ فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِي الدُّهُورُ ◆ وَعاقَني عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ ◆ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حارَبَكَ مُحارِباً ◆ وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَداوَةَ مُناصِباً ◆ فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَباحاً وَمَساءً ◆ وَلَأَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً ◆ حَسْرَةً عَلَيْكَ ◆ وَتَأَسُّفاً عَلى ما دَهاكَ وَتَلَهُّفاً ◆ حَتّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصابِ ◆ وَغُصَّةِ الْاِكْتِئابِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ ◆ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ ◆ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ◆ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوانِ ◆ وَأَطَعْتَ اللّهَ وَما عَصَيْتَهُ ◆ وَتَمَسَّكْتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ ◆ وَخَشيتَهُ وَراقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ ◆ وَسَنَنْتَ السُّنَنَ ◆ وَأَطْفَأْتَ الْفِتَنَ ◆ وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشادِ ◆ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدادِ ◆ وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ الْجِهادِ ◆ وَكُنْتَ لِلّهِ طائِعاً ◆ وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تابِعاً ◆ وَلِقَوْلِ أَبيكَ سامِعاً ◆ وَإِلى وَصِيَّةِ أَخيكَ مُسارِعاً ◆ وَلِعِمادِ الدّينِ رافِعاً ◆ وَلِلطُّغْيانِ قامِعاً ◆ وَلِلطُّغاةِ مُقارِعاً ◆ وَلِلْأُمَّةِ ناصِحاً ◆ وَفي غَمَراتِ الْمَوْتِ سابِحاً ◆ وَلِلْفُسّاقِ مُكافِحاً ◆ وَبِحُجَجِ اللّهِ

قائِماً ۔ وَلِلْإِسْلامِ وَالْمُسْلِمينَ راحِماً ۔ وَلِلْحَقِّ ناصِراً ۔ وَعِنْدَ الْبَلاءِ صابِراً ۔ وَلِلدّينِ كالِئاً ۔ وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرامِياً ۔ تَحُوطُ الْهُدى وَتَنْصُرُهُ ۔ وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ ۔ وَتَنْصُرُ الدّينَ وَتُظْهِرُهُ ۔ وَتَكُفُّ الْعابِثَ[1] وَتَزْجُرُهُ ۔ وَتَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ الشَّريفِ ۔ وَتُساوي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعيفِ ۔ كُنْتَ رَبيعَ الْأَيْتامِ ۔ وَعِصْمَةَ الْأَنامِ ۔ وَعِزَّ الْإِسْلامِ ۔ وَمَعْدِنَ الْأَحْكامِ ۔ وَحَليفَ الْإِنْعامِ ۔ سالِكاً طَرائِقَ جَدِّكَ وَأَبيكَ ۔ مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخيكَ ۔ وَفِيَّ الذِّمَمِ ۔ رَضِيَّ الشِّيَمِ ۔ ظاهِرَ الْكَرَمِ ۔ مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ ۔ قَويمَ الطَّرائِقِ ۔ كَريمَ الْخَلائِقِ ۔ عَظيمَ السَّوابِقِ ۔ شَريفَ النَّسَبِ ۔ مُنيفَ الْحَسَبِ ۔ رَفيعَ الرُّتَبِ ۔ كَثيرَ الْمَناقِبِ ۔ مَحْمُودَ الضَّرائِبِ ۔ جَزيلَ الْمَواهِبِ ۔ حَليمٌ رَشيدٌ مُنيبٌ ۔ جَوادٌ عَليمٌ شَديدٌ ۔ إِمامٌ شَهيدٌ ۔ أَوّاهٌ مُنيبٌ ۔ حَبيبٌ مَهيبٌ ۔ كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَداً ۔ وَلِلْقُرْآنِ سَنَداً مُنْقِذاً وَلِلْأُمَّةِ عَضُداً ۔ وَفِي الطّاعَةِ مُجْتَهِداً ۔ حافِظاً لِلْعَهْدِ وَالْميثاقِ ۔ ناكِباً عَنْ سُبُلِ الْفُسّاقِ ۔ باذِلاً لِلْمَجْهُودِ ۔ طَويلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ۔ زاهِداً فِي الدُّنْيا زُهْدَ الرّاحِلِ عَنْها ۔ ناظِراً إِلَيْها بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشينَ مِنْها ۔ آمالُكَ عَنْها مَكْفُوفَةٌ ۔ وَهِمَّتُكَ عَنْ زينَتِها مَصْرُوفَةٌ ۔ وَأَلْحاظُكَ عَنْ بَهْجَتِها مَطْرُوفَةٌ ۔ وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ ۔ حَتّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ باعَهُ ۔ وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِناعَهُ ۔ وَدَعَا الْغَيُّ أَتْباعَهُ ۔ وَأَنْتَ في حَرَمِ جَدِّكَ قاطِنٌ ۔ وَلِلظّالِمينَ[2] مُبايِنٌ ۔ جَليسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرابِ ۔ مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ ۔ تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسانِكَ ۔ عَلىٰ حَسَبِ طاقَتِكَ وَإِمْكانِكَ ۔ ثُمَّ اقْتَضاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكارِ ۔ وَلَزِمَكَ أَنْ تُجاهِدَ الْفُجّارَ ۔ فَسِرْتَ في أَوْلادِكَ وَأَهاليكَ ۔ وَشيعَتِكَ وَمَواليكَ ۔ وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ ۔ وَدَعَوْتَ إِلَى اللّٰهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۔ وَأَمَرْتَ بِإِقامَةِ الْحُدُودِ ۔ وَالطّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ ۔ وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبائِثِ وَالطُّغْيانِ ۔ وَواجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوانِ ۔ فَجاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإيعازِ إِلَيْهِمْ وَتَأْكيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ ۔ فَنَكَثُوا ذِمامَكَ وَبَيْعَتَكَ ۔ وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ ۔ وَبَدَؤُوكَ بِالْحَرْبِ ۔ فَثَبَتَّ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ ۔ وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفُجّارِ ۔ وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبارِ ۔ مُجالِداً بِذِي الْفَقارِ ۔ كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتارُ ۔ فَلَمّا رَأَوْكَ ثابِتَ الْجَأْشِ ۔ غَيْرَ خائِفٍ وَلا خاشٍ ۔ نَصَبُوا لَكَ غَوائِلَ مَكْرِهِمْ ۔ وَقاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ ۔ وَأَمَرَ اللَّعينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ الْماءَ وَوُرُودَهُ ۔ وَناجَزُوكَ الْقِتالَ ۔ وَعاجَلُوكَ النِّزالَ ۔ وَرَشَقُوكَ بِالسِّهامِ وَالنِّبالِ ۔ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكُفَّ الْاِصْطِلامِ ۔ وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِماماً ۔ وَلا راقَبُوا فيكَ أَثاماً ۔ في قَتْلِهِمْ أَوْلِياءَكَ ۔ وَنَهْبِهِمْ رِحالَكَ ۔ وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَواتِ ۔ وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيّاتِ ۔ قَدْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِكَ مَلائِكَةُ السَّماواتِ ۔ فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهاتِ ۔ وَأَثْخَنُوكَ بِالْجِراحِ ۔ وَحالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّواحِ ۔ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ ناصِرٌ ۔ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صابِرٌ ۔ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلادِكَ ۔ حَتّى نَكَسُوكَ عَنْ جَوادِكَ ۔ فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَريحاً ۔ تَطَؤُكَ الْخُيُولُ بِحَوافِرِها ۔ وَتَعْلُوكَ الطُّغاةُ بِبَواتِرِها ۔ قَدْ

---

۱. العابث خ ل.

۲. وللطاغين خ ل.

رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبينُكَ ♦ وَاخْتَلَفَ بِالْانْقِباضِ وَالْانْبِساطِ شِمالُكَ وَيَمينُكَ ♦ تُديرُ طَرْفاً خَفِيّاً إِلىٰ رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ ♦ وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهاليكَ ♦ وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شارِداً ♦ إِلىٰ خِيامِكَ قاصِداً ♦ مُهَمْهِماً باكِياً ♦ فَلَمّا رَأَيْنَ النِّساءُ جَوادَكَ مَخْزِيّاً ♦ وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلْوِيّاً ♦ بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ ♦ ناشِراتِ الشُّعُورِ ♦ عَلَى الْخُدُودِ لاطِماتٍ [♦ وَعَنِ] الْوُجُوهِ سافِراتٍ ♦ وَبِالْعَوِيلِ داعِياتٍ ♦ وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلاتٍ ♦ وَإِلىٰ مَصْرَعِكَ مُبادِراتٍ ♦ وَالشِّمْرُ جالِسٌ عَلىٰ صَدْرِكَ ♦ وَمُولِغٌ سَيْفَهُ عَلىٰ نَحْرِكَ ♦ قابِضٌ عَلىٰ شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ♦ ذابِحٌ لَكَ بِمُهَنَّدِهِ ♦ قَدْ سَكَنَتْ حَواسُّكَ ♦ وَخَفِيَتْ أَنْفاسُكَ ♦ وَرُفِعَ عَلَى الْقَناةِ رَأْسُكَ ♦ وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبيدِ ♦ وَصُفِّدُوا فِي الْحَديدِ ♦ فَوْقَ أَقْتابِ الْمَطِيّاتِ ♦ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهاجِراتِ ♦ يُساقُونَ فِي الْبَراري وَالْفَلَواتِ ♦ أَيْديهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْناقِ ♦ يُطافُ بِهِمْ فِي الْأَسْواقِ ♦ فَالْوَيْلُ لِلْعُصاةِ الْفُسّاقِ ♦ لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلامَ ♦ وَعَطَّلُوا الصَّلاةَ وَالصِّيامَ ♦ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكامَ ♦ وَهَدَمُوا قَواعِدَ الْإيمانِ ♦ وَحَرَّفُوا آياتِ الْقُرْآنِ ♦ وَهَمْلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوانِ.

لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَجْلِكَ مَوْتُوراً ♦ وَعادَ كِتابُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُوراً ♦ وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُوراً ♦ وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبيرُ وَالتَّهْليلُ ♦ وَالتَّحْريمُ وَالتَّحْليلُ ♦ وَالتَّنْزيلُ وَالتَّأْويلُ ♦ وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْييرُ وَالتَّبْديلُ ♦ وَالْإِلْحادُ وَالتَّعْطيلُ ♦ وَالْأَهْواءُ وَالْأَضاليلُ ♦ وَالْفِتَنُ وَالْأَباطيلُ ♦ فَقامَ ناعيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ♦ فَنَعاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ ♦ قائِلاً: يا رَسُولَ اللّٰهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتاكَ ♦ وَاسْتُبيحَ أَهْلُكَ وَحِماكَ ♦ وَسُبِيَتْ بَعْدَكَ ذَراريكَ ♦ وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِكَ وَذَويكَ ♦ فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ ♦ وَبَكىٰ قَلْبُهُ الْمَهُولُ ♦ وَعَزّاهُ بِكَ الْمَلائِكَةُ وَالْأَنْبِياءُ ♦ وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْراءُ ♦ وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ ♦ تُعَزّي أَباكَ أَميرَالْمُؤْمِنينَ ♦ وَأُقيمَتْ لَكَ الْمَآتِمُ في أَعْلىٰ عِلِّيّينَ ♦ وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعينُ ♦ وَبَكَتِ السَّماءُ وَسُكّانُها ♦ وَالْجِبالُ وَخُزّانُها ♦ وَالْهِضابُ وَأَقْطارُها ♦ وَالْبِحارُ وَحيتانُها ♦ وَمَكَّةُ وَبُنْيانُها ♦ وَالْجِنانُ وَوِلْدانُها ♦ وَالْبَيْتُ وَالْمَقامُ ♦ وَالْمَشْعَرُ الْحَرامُ ♦ وَالْحِلُّ وَالْإِحْرامُ.

اَللّٰهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هٰذَا الْمَكانِ الْمُنيفِ ♦ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ♦ وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ ♦ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِمْ ♦ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يا أَسْرَعَ الْحاسِبينَ ♦ وَيا أَكْرَمَ الْأَكْرَمينَ ♦ وَيا أَحْكَمَ الْحاكِمينَ ♦ بِمُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ ♦ رَسُولِكَ إِلَى الْعالَمينَ أَجْمَعينَ ♦ وَبِأَخيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطينِ ♦ الْعالِمِ الْمَكينِ ♦ عَلِيٍّ أَميرِالْمُؤْمِنينَ ♦ وَبِفاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ ♦ وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقينَ ♦ وَبِأَبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهَدينَ ♦ وَبِأَوْلادِهِ الْمَقْتُولينَ ♦ وَبِعِتْرَتِهِ الْمَظْلُومينَ ♦ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعابِدينَ ♦ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةِ الْأَوّابينَ ♦ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصّادِقينَ ♦ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَراهينِ ♦ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ ناصِرِ الدّينِ ♦ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدينَ ♦ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزّاهِدينَ ♦ وَالْحَسَنِ بْنِ

عَلِيٍّ وارِثِ الْمُسْتَخْلَفينَ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعينَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصّادِقينَ الْأَبْرارِ * آلِ طه وَيس * وَأَنْ تَجْعَلَني فِي الْقِيامَةِ مِنَ الْآمِنينَ الْمُطْمَئِنّينَ * الْفائِزينَ الْفَرِحينَ الْمُسْتَبْشِرينَ.

اللّهُمَّ اكْتُبْني فِي الْمُسْلِمينَ * وَأَلْحِقْني بِالصّالِحينَ * وَاجْعَلْ لي لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرينَ * وَانْصُرْني عَلَى الْباغينَ * وَاكْفِني كَيْدَ الْحاسِدينَ * وَاصْرِفْ عَنّي مَكْرَ الْماكِرينَ * وَاقْبِضْ عَنّي أَيْدِيَ الظّالِمينَ * وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ السّادَةِ الْمَيامينِ في أَعْلى عِلِّيّينَ * مَعَ الَّذينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ * بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اللّهُمَّ إِنّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصومِ * وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتومِ * وَنَهْيِكَ الْمَكْتومِ * وَبِهذَا الْقَبْرِ الْمَلْمومِ * الْمُوَسَّدِ في كَنَفِهِ الْإِمامُ الْمَعْصومُ * الْمَقْتولُ الْمَظْلومُ * أَنْ تَكْشِفَ ما بي مِنَ الْغُمومِ * وَتَصْرِفَ عَنّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتومِ * وَتُجيرَني مِنَ النّارِ ذاتِ السَّمومِ.

اللّهُمَّ جَلِّلْني بِنِعْمَتِكَ * وَرَضِّني بِقَسْمِكَ * وَتَغَمَّدْني بِجودِكَ وَكَرَمِكَ * وَباعِدْني مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ * اللّهُمَّ اعْصِمْني مِنَ الزَّلَلِ * وَسَدِّدْني فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ * وَافْسَحْ لي في مُدَّةِ الْأَجَلِ * وَعافِني مِنَ الْأَوْجاعِ وَالْعِلَلِ * وَبَلِّغْني بِمَوالِيَّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتي * وَارْحَمْ عَبْرَتي * وَأَقِلْني عَثْرَتي * وَنَفِّسْ كُرْبَتي * وَاغْفِرْ لي خَطيئَتي * وَأَصْلِحْ لي في ذُرِّيَّتي.

اللّهُمَّ لا تَدَعْ لي في هذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ ذَنْباً إِلّا غَفَرْتَهُ * وَلا عَيْباً إِلّا سَتَرْتَهُ * وَلا غَمّاً إِلّا كَشَفْتَهُ * وَلا رِزْقاً إِلّا بَسَطْتَهُ * وَلا جاهاً إِلّا عَمَرْتَهُ * وَلا فَساداً إِلّا أَصْلَحْتَهُ * وَلا أَمَلاً إِلّا بَلَّغْتَهُ * وَلا دُعاءً إِلّا أَجَبْتَهُ * وَلا مَضيقاً إِلّا فَرَّجْتَهُ * وَلا شَمْلاً إِلّا جَمَعْتَهُ * وَلا أَمْراً إِلّا أَتْمَمْتَهُ * وَلا مالاً إِلّا كَثَّرْتَهُ * وَلا خُلْقاً إِلّا حَسَّنْتَهُ * وَلا إِنْفاقاً إِلّا أَخْلَفْتَهُ * وَلا حالاً إِلّا عَمَرْتَهُ * وَلا حَسوداً إِلّا قَمَعْتَهُ * وَلا عَدُوّاً إِلّا أَرْدَيْتَهُ * وَلا شَرّاً إِلّا كَفَيْتَهُ * وَلا مَرَضاً إِلّا شَفَيْتَهُ * وَلا بَعيداً إِلّا أَدْنَيْتَهُ * وَلا شَعَثاً إِلّا لَمَمْتَهُ * وَلا سُؤالاً إِلّا أَعْطَيْتَهُ.

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعاجِلَةِ * وَثَوابَ الْآجِلَةِ * اللّهُمَّ أَغْنِني بِحَلالِكَ عَنِ الْحَرامِ * وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَميعِ الْأَنامِ * اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نافِعاً وَقَلْباً خاشِعاً * وَيَقيناً صادِقاً * وَعَمَلاً زاكِياً * وَصَبْراً جَميلاً * وَأَجْراً جَزيلاً اللّهُمَّ ارْزُقْني شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ * وَزِدْ في إِحْسانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ * وَاجْعَلْ قَوْلي فِي النّاسِ مَسْموعاً * وَعَمَلي عِنْدَكَ مَرْفوعاً * وَأَثَري فِي الْخَيْراتِ مَتْبوعاً * وَعَدُوّي مَقْموعاً.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيارِ * في آناءِ اللَّيْلِ وَأَطْرافِ النَّهارِ * وَاكْفِني شَرَّ الْأَشْرارِ * وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنوبِ وَالْأَوْزارِ * وَأَجِرْني مِنَ النّارِ * وَأَحِلَّني دارَ الْقَرارِ * وَاغْفِرْ لي وَلِجَميعِ إِخْواني فيكَ وَإِخْواتِيَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ * بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس رو به قبله کن و دو رکعت نماز دیگر بگذار و در رکعت اول سورهٔ «انبیاء» و در رکعت دوم سورهٔ «حشر» بخوان و در قنوت این دعا را بخوان:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ • لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ • لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ • وَما فِيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ خِلافاً لِأَعْدائِهِ • وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ • وَإِقْراراً لِرُبُوبِيَّتِهِ • وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ • الْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ • وَالْآخِرُ إِلىٰ غَيْرِ آخِرٍ • الظّاهِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ • الْباطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ • لا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلىٰ كُنْهِ عَظَمَتِهِ • وَلا تُدْرِكُ الْأَوْهامُ حَقِيقَةَ ماهِيَّتِهِ • وَلا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعانِيَ كَيْفِيَّتِهِ • مُطَّلِعاً عَلَى الضَّمائِرِ • عارِفاً بِالسَّرائِرِ • يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ عَلىٰ تَصْدِيقِي رَسُولَكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِيمانِي بِهِ • وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ • وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ • وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِياءُ بِهِ • وَدَعَتْ إِلَى الْإِقْرارِ بِما جاءَ بِهِ • وَحَثَّتْ عَلىٰ تَصْدِيقِهِ • بِقَوْلِهِ تَعالىٰ: «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلالَ الَّتِي كانَتْ عَلَيْهِمْ» • فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ • وَسَيِّدِ الْأَنْبِياءِ الْمُصْطَفَيْنَ • وَعَلىٰ أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ • اللَّذَيْنِ لَمْ يُشْرِكا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً • وَعَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ • وَعَلىٰ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ • صَلاةً خالِدَةَ الدَّوامِ • عَدَدَ قَطْرِ الرِّهامِ • وَزِنَةَ الْجِبالِ وَالْآكامِ • ما أَوْرَقَ السَّلامُ • وَاخْتَلَفَ الضِّياءُ وَالظَّلامُ • وَعَلىٰ آلِهِ الطّاهِرِينَ • الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ • الذّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ • عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ • الْقَوّامِ بِالْقِسْطِ • وَسُلالَةِ السِّبْطِ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْإِمامِ فَرَجاً قَرِيباً • وَصَبْراً جَمِيلاً • وَنَصْراً عَزِيزاً • وَغِنىً عَنِ الْخَلْقِ • وَثَباتاً فِي الْهُدىٰ • وَالتَّوْفِيقَ لِما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ • وَرِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً • مَرِيعاً دارّاً سائِغاً • فاضِلاً مُفْضِلاً صَبّاً صَبّاً • مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا نَكَدٍ • وَلا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ • وَعافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ • وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَالنَّعْماءِ • وَإِذا جاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنا عَلىٰ أَحْسَنِ ما يَكُونُ لَكَ طاعَةً عَلىٰ ما أَمَرْتَنا مُحافِظِينَ حَتّىٰ تُؤَدِّيَنا إِلىٰ جَنّاتِ النَّعِيمِ • بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيا وَآنِسْنِي بِالْآخِرَةِ • فَإِنَّهُ لا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيا إِلَّا خَوْفُكَ • وَلا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجاؤُكَ • اللّٰهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لا عَلَيْكَ • وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ لا مِنْكَ • فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي عَلىٰ نَفْسِيَ الظّالِمَةِ الْعاصِيَةِ • وَشَهْوَتِيَ الْغالِبَةِ • وَاخْتِمْ لِي بِالْعافِيَةِ • اللّٰهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفارِي إِيّاكَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلىٰ مانَهَيْتَ قِلَّةُ حَياءٍ • وَتَرْكِيَ الْاِسْتِغْفارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجاءِ • اللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤْيِسُنِي أَنْ أَرْجُوَكَ • وَإِنَّ

عِلْمي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُني أَنْ أَخْشاكَ ◆ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ◆ وَصَدِّقْ رَجائي لَكَ ◆ وَكَذِّبْ خَوْفي مِنْكَ ◆ وَكُنْ لي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنّي بِكَ يا أَكْرَمَ الأَكْرَمينَ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيِّدْني بِالْعِصْمَةِ ◆ وَأَنْطِقْ لِساني بِالْحِكْمَةِ ◆ وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَنْدَمُ عَلىٰ ما ضَيَّعَهُ في أَمْسِهِ ◆ وَلا يَغْبِنُ حَظَّهُ في يَوْمِهِ ◆ وَلا يَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ ◆ اللّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ ◆ وَالْفَقيرَ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِخَلْقِكَ عَنْكَ ◆ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ◆ وَأَغْنِني عَنْ خَلْقِكَ بِكَ ◆ وَاجْعَلْني مِمَّنْ لا يَبْسُطُ كَفّاً إِلّا إِلَيْكَ.

اللّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَأَمامَهُ التَّوْبَةُ وَوَراءَهُ الرَّحْمَةُ ◆ وَإِنْ كُنْتُ ضَعيفَ الْعَمَلِ فَإِنّي في رَحْمَتِكَ قَوِيُّ الأَمَلِ ◆ فَهَبْ لي ضَعْفَ عَمَلي لِقُوَّةِ أَمَلي ◆ اللّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ ما في عِبادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسىٰ قَلْباً مِنّي وَأَعْظَمُ مِنّي ذَنْباً فَإِنّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لا مَوْلىٰ أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلاً ◆ وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْواً ◆ فَيا مَنْ هُوَ أَوْحَدُ في رَحْمَتِهِ اغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدَ في خَطيئَتِهِ.

اللّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنا فَعَصَيْنا ◆ وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنا ◆ وَذَكَّرْتَ فَتَناسَيْنا ◆ وَبَصَّرْتَ فَتَعامَيْنا ◆ وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنا ◆ وَما كانَ ذٰلِكَ جَزاءَ إِحْسانِكَ إِلَيْنا ◆ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِما أَعْلَنّا وَأَخْفَيْنا ◆ وَأَخْبَرُ بِما نَأْتي وَما أَتَيْنا ◆ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تُؤاخِذْنا بِما أَخْطَأْنا وَنَسينا ◆ وَهَبْ لَنا حُقُوقَكَ لَدَيْنا ◆ وَأَتِمَّ إِحْسانَكَ إِلَيْنا ◆ وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنا.

اللّهُمَّ إِنّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهٰذَا الصِّدّيقِ الإِمامِ ◆ وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذي جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ وَلِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَفاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ ◆ إِدْرارَ الرِّزْقِ الَّذي بِهِ قِوامُ حَياتِنا ◆ وَصَلاحُ أَحْوالِ عِيالِنا ◆ فَأَنْتَ الْكَريمُ الَّذي تُعْطي مِنْ سَعَةٍ ◆ وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ ◆ وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ ما يَكُونُ صَلاحاً لِلدُّنْيا ◆ وَبَلاغاً لِلآخِرَةِ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ◆ وَاغْفِرْ لَنا وَلِوالِدَيْنا ◆ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ ◆ وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ ◆ الأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالأَمْواتِ ◆ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ.

پس رکوع و سجود میکنی و تشهّد می‌خوانی وسلام می‌گویی. پس چون تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام بخوانی چهل مرتبه بگو: «سبحانَ اللّهِ والحمد للّه و لا إله إلّا اللّهُ وَاللّهُ أكبر» و از خدا سؤال کن که تو را از گناهان نگاه دارد و از عذاب خود نجات بخشد، و توفیق عمل نیک کرامت فرماید و اعمال را قبول نماید. و بایست نزد قبر و دو رکعت نماز بکن به نحوی که گذشت. پس خود را به ضریح بچسبان و ببوس و بگو: «زادَ اللّهُ في تشرُّفِكم والسلامُ عَلَيكُم ورحمةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ» و دعا کن برای خود و پدر و مادر خود و هرکه را خواهی.

فصل هفتم

در زیارت اربعین است یعنی بیستم ماه صفر

شیخ طوسی‌رحمه‌الله در تهذیب و سیّد ابن طاووس‌رحمه‌الله روایت کرده‌اند از حضرت ابی محمّد امام حسن عسکری‌علیه‌السلام که فرمودند: «علامات مؤمن پنج چیز است، نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن وجبین را در سجده بر خاک گذاشتن، و بسم اللّهِ الرّحمن الرّحیم را بلند گفتن».

و کیفیّت زیارت حضرت ابی عبد اللّه‌علیه‌السلام در این روز به دو نحو رسیده:

اوّل: زیارتی است که شیخ ـطاب‌ثراه ـ در تهذیب و غیر او به سندهای معتبره روایت کرده‌اند از صفوان بن مهران جمّال که گفت: فرمود به من مولایم حضرت صادق‌علیه‌السلام در باب زیارت اربعین که «زیارت می‌کنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و می‌گویی:

السَّلامُ عَلیٰ وَلِیِّ اللّٰهِ وَحَبیبِهِ. السَّلامُ عَلیٰ خَلیلِ اللّٰهِ وَنَجیبِهِ[1]. السَّلامُ عَلیٰ صَفِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ. السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ. السَّلامُ عَلیٰ اَسیرِ الْکُرُباتِ وَقَتیلِ الْعَبَراتِ. اَللّٰهُمَّ اِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّكَ وَابْنُ وَلِیِّكَ وَصَفِیُّكَ وَابْنُ صَفِیِّكَ. الْفائِزُ بِکَرامَتِكَ. اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ. وَاجْتَبَیْتَهُ بِطیبِ الْوِلادَةِ. وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ. وَاَعْطَیْتَهُ مَواریثَ الْاَنْبِیاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلیٰ خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِیاءِ. فَاَعْذَرَ فِي الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیكَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ. وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیا. وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنیٰ وَشَریٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ

---

۱. ونجیّه خ ل.

الْاَوْكَسِ، وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّىٰ في هَواهُ، وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَاَطاعَ مِنْ عِبادِكَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ النّارَ، فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّىٰ سُفِكَ في طاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ، اَللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَليماً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْاَوْصِياءِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمينِهِ، عِشْتَ سَعيداً وَمَضَيْتَ حَميداً وَمُتَّ فَقيداً مَظْلُوماً شَهيداً، وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكَ ما وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّٰهِ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ، فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ، بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الطّاهِرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِيابِها، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَاَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ، وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَاَعْلامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةُ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا وَاَشْهَدُ اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرائِعِ ديني وَخَواتيمِ عَمَلي وَقَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْري لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يَاْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ

اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ. آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی و برمی‌گردی.

وداع

و سیّد ابن طاووس گفته که من برای این زیارت وداعی یافتم که مخصوص است به این زیارت، و آن، چنان است که بایستی پیش روی ضریح و بگویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ في اَرْضِهِ وَشاهِدَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ الشَّهيدَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ.

اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّٰهِ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ. اَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ زائِراً وافِداً راغِباً مُقِرّاً لَكَ بِالذُّنُوبِ. هارِباً اِلَيْكَ مِنَ الْخَطايا. لِتَشْفَعَ لي عِنْدَ رَبِّكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ. صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً. فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً.

لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ خَذَلَكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللّٰهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبيكَ وَاَخيكَ.

وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ لَعْناً كَثيراً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً.

اللّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ. وَسَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ. وَارْزُقْنيهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَحَييتُ يا رَبِّ. وَإِنْ مِتُّ فَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِ. يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

دوّم: زیارتی است که از جابر منقول است و کیفیّت آن چنان است که از عطا روایت شده که گفت: با جابر بن عبد اللّه انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر، چون به غاضریّه رسیدیم در آب فرات غسل کرد، و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید، پس گفت که: آیا با تو چیزی هست از بوی خوش ای عطا! گفتم: با من سعد هست، پس قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پای برهنه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک امام حسین‌ﷺ و سه مرتبه اللّهُ أَكْبَرُ گفت، پس افتاد و بیهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می‌گفت: السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا آلَ اللّهِ... تا آخر زیارت، که به عینه همان زیارت نیمهٔ رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند کلمه، که شاید از اختلاف نسخ باشد، چنانچه شیخ مرحوم احتمال داده. پس اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند رجوع کند به زیارت نصف رجب [در صفحه ۱۴۷] و همان را بخواند.

زیارت سید الشّهداءﷺ در اوقات شریفه

مؤلّف گوید که: زیارت حضرت سیّد الشّهداﷺ در اوقات شریفه و لیالی و ایّام متبرّکه بغیر این اوقات که ذکر شد نیز افضل است، خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت منسوب است مثل روز مباهله، و روز نزول ﴿هَل أتی﴾، و روز ولادت شریف آن حضرت که سوّم یا پنجم ماه شعبان واقع شده، و همچنین در چهاردهم ماه ربیع الاوّل که یزید به جهنّم واصل شده و اوقات شریفه دیگر.

و به سند معتبر منقول است که از حضرت صادقﷺ پرسیدند که: آیا زیارت حضرت امام

حسین علیه السلام را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد؟ فرمود که: «زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آن حضرت خیر مقرّری است، هرکه آن‌را بیشتر به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت، و هرکه کمتر کند کمتر خواهد یافت، و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آن‌ها ثوابش مضاف است، و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می‌شوند از برای زیارت آن حضرت... الخ». و از برای خصوص این اوقات مذکوره زیارت منقولی یافت نشده، بلکه در روز سوّم ماه شعبان که روز تولّد حضرت امام حسین علیه السلام است دعایی از ناحیهٔ شریفه بیرون آمده که بایست آن را خواند، و ما إن شاء اللّه آن را در عمل شعبان ذکر می‌کنیم زیرا که مناسبتش با آن‌جا بیشتر است. و بدان نیز که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد، و ما إن شاء اللّه بعد از این به زیارت بعیده اشاره خواهیم نمود، و لکن در این جا یک حدیث نقل می‌کنم و این باب را به آن ختم می‌نمایم.

زیارت امام حسین علیه السلام از دور

به سندهای معتبره از سدیر صرّاف منقول است که گفت: فرمود به من حضرت صادق علیه السلام که: «چه مانع است تو را از آن‌که زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنج مرتبه، یا در هر روز یک مرتبه؟» گفتم: فدای تو شوم، میان من و آن حضرت فرسخ‌های بسیار هست. فرمود که: «بالا می‌روی به بام خانهٔ خود پس ملتفت می‌شوی به جانب راست و جانب چپ خود، پس سر خود را به سوی آسمان بلند می‌کنی و می‌گویی: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.** تا نوشته شود برای تو ثواب حجّ و عمره.»

سدیر گفت که: بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه زیارت امام حسین علیه السلام می‌کنم.

باب پنجم

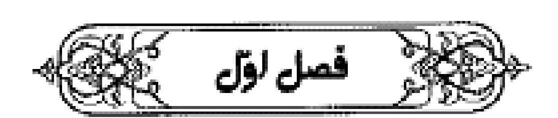
دربیان زیارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام
واعمال مسجد کوفه و زیارت
جناب مسلم و هانی و عمل مساجد
سهله و زید و صعصعه و ذکر مجملی از
تکالیف زوّار در نجف اشرف

و در آن چهار مقام است

مقام اوّل

در ذکر فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت نجف اشرف و بیان موضع قبر منوّر و ذکر چند زیارت مطلقه که مخصوص به وقتی نیست

و مشتمل است بر سه فصل:



در فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت نجف اشرف است

شیخ جلیل جعفر بن قولویه در *کامل الزیارات* به سند معتبر روایت کرده که ابووهب قصری گفت: داخل مدینه شدم و به خدمت حضرت صادق‌ علیه‌السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم به نزد شما آمدم و زیارت امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام نکردم. حضرت فرمود که: «بد کردی، اگرنه این بود، که تو از شیعیان ما بودی، من به سوی تو نگاه نمی‌کردم، آیا زیارت نمی‌کنی کسی را که خدا با ملائکه او را زیارت می‌کند، و پیغمبران و مؤمنان او را زیارت می‌کنند؟!» گفتم: فدای تو شوم من این را نمی‌دانستم. فرمود: «و بدان که امیرالمؤمنین‌ علیه‌السلام نزد خدا بهتر است از جمیع ائمه‌ علیهم‌السلام، و از برای او هست ثواب اعمال همهٔ ائمه، و به قدر اعمال خود زیادتی و فضیلت یافته‌اند».

و سیّد عبد الکریم بن طاووس‌ رحمه‌الله در *فرحة الغریّ* از آن حضرت روایت کرده که فرمودند: «هرکه پیاده به زیارت امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام برود حق تعالی به هر گامی ثواب دو حج و دو عمره از برای او بنویسد».

و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابن مارد فرمود: «ای پسر مارد هرکه زیارت کند جدّم امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام را، بنویسد حق تعالی از برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمرهٔ پسندیده، ای پسر مارد، و اللّه که نمی‌خورد آتش جهنّم قدمی را که غبار آلوده شود در زیارت حضرت امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام خواه پیاده رود، خواه سوار، ای پسر مارد، بنویس این حدیث را به آب طلا».

و نیز از حضرت صادق‌ علیه‌السلام روایت کرده که فرمودند: «ما می‌گوییم که در پشت کوفه قبری هست که پناه نمی‌برد به آن قبر دردناکی مگر آن‌که حق تعالی او را شفا کرامت می‌فرماید». و در حدیثی دیگر فرمودند: «خداوند عرض کرد ولایت و دوستی ما را بر آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها

و شهرها، قبول نکردند هیچ یک، مثل قبول کردن اهل کوفه، به درستی که در پهلوی ایشان قبری هست که هیچ غمناکی به سوی آن قبر نمی‌رود مگر آن‌که حق تعالی غمش را زایل می‌گرداند و دعایش را مستجاب، و او را به اهلش شاد برمی‌گرداند».

و در روایتی از حضرت امام رضاؑ مروی است که فرمود: «فضیلت زیارت قبر امیر المؤمنینؑ بر زیارت قبر امام حسینؑ مثل فضیلت امیر المؤمنین است بر امام حسینؑ».

و شیخ محمّد بن المشهدی به سند خود روایت کرده از اسحاق بن عمّار که گفت: شنیدم از حضرت صادقؑ که می‌فرمود: «شخصی اعرابی به خدمت رسول خداﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله منزل من از منزل شما دور است، و من مشتاق زیارت و دیدن شما می‌شوم و می‌آیم و شما را نمی‌بینم و علیّ بن ابی طالبؑ را می‌بینم و مونس من می‌شود به حدیث گفتن و موعظه کردن، و برمی‌گردم با تأسّف بر ندیدن شما. حضرت رسولﷺ فرمود که: «هرکه علی را زیارت کند مرا زیارت کرده است، و هرکه او را دوست دارد مرا دوست داشته، و هرکه او را دشمن دارد مرا دشمن داشته است، این حدیث را از من به قوم خود برسان و هرکه برود بعد از وفات علیؑ به زیارت او چنان است که به زیارت من آمده باشد، و من جزا می‌دهم او را در قیامت، و جبرئیل و صالح مؤمنان که امیر المؤمنین است»، و غیر این‌ها از اخبار دیگر.

وامّا فضیلت نجف اشرف پس زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود، و شیخ عالم جلیل و فقیه بی‌بدیل شیخ خضر شلالؒ در مزار خود فرموده که: استفاده می‌شود از وجوه عقل و نقل که روضهٔ حضرت رسول و روضهٔ پسر عمّش و هم‌چنین روضات سائر ائمّهؑ أفضل است از مسجد الحرام که فضیلت نماز در آن مقابل هزار نماز در جای دیگر، با آن‌که نماز در مسجد پیغمبرﷺ مقابل ده هزار نمازی است که در جای دیگر کرده شود، به خصوص بعد از ملاحظهٔ روایتی که از حضرت صادقؑ منقول است که فرمودند که: «بیتوته ـ یعنی شب به روز آوردن ـ در نزد امیر المؤمنینؑ مقابل عبادت هفتصد سال است، و بیتوته نزد سیّد الشّهداءؑ مقابل هفتاد سال عبادت است، و نماز نزد امیر المؤمنینؑ مقابل دویست هزار نماز است».

و از مولای ما حضرت امام رضاؑ مروی است که فرمودند: «یک روز جوار امیرالمؤمنینؑ بودن بهتر است از عبادت هفتصد سال، و نزد سیّد الشّهداءؑ از هفتاد سال»، انتهی. تمام شد کلام آن مرحوم.

و جناب سیّد العلماء و الفقهاء آقا سیّد مهدی قزوینی در کتاب *فلک النجاة* فرموده که: شنیدم از بعض مشایخ خود که همه ثقه بودند آن‌که یک نفس کشیدن در نزد امیر المؤمنین علیه السلام مقابل عبادت چهار صد سال است. تمام شد کلام مرحوم سیّد.

و روایت شده از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «اوّل بقعه‌ای که خدا را در آن عبادت کردند پشت کوفه است. چون خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند، در این جا سجده کردند».

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «نجف کوهی بود و آن همان کوهی بود که پسر نوح علیه السلام گفت که پناه می‌برم به آن از غرق شدن، و بر روی زمین کوهی از آن بزرگ‌تر نبود، پس حق تعالی وحی نمود به آن کوه که آیا به تو پناه می‌برند از عذاب من؟ پس آن کوه پاره پاره شد، و در بلاد شام ظاهر شد، و ریگ بسیار ریزه شد و بعد از آن جای آن کوه دریای عظیمی شد و آن دریا را، نَیْ می‌گفتند، و چون آن دریا خشک شد گفتند: نَیْ جَفّ»، یعنی دریای نی خشکید، پس به بسیاری استعمال برای آسانی گفتار «نجف» گفتند.

و وارد شده: «نجف قطعه‌ای است از کوهی که حق تعالی با حضرت موسی علیه السلام بر آن سخن گفت، و حضرت عیسی علیه السلام را بر این موضع تقدیس کرد و بزرگ گردانید، و حضرت ابراهیم علیه السلام را در این مکان خلیل خود گردانید، و حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را در این محل حبیب خود گردانید، و آن را مسکن پیغمبران ساخت».

و نیز روایت شده که: «هیچ مؤمنی نمی‌میرد در بقعه‌ای از بقعه‌های زمین مگر آن‌که به روحش میگویند که ملحق شو به وادی السّلام که صحرای نجف است، و آن بقعه‌ای است از جنّت عدن».

و به سند معتبر از اصبغ بن نباته منقول است که: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به صحرای نجف رفت و ما از عقب آن حضرت رفتیم دیدیم که بر پشت خوابیده است بر روی زمین، قنبر گفت: یا امیر المؤمنین جامه در زیر شما بیندازم. فرمود که: «نه، نیست مگر تربت مؤمنی یا نشستن در پهلوی مؤمنی»، پس فرمود: «ای پسر نباته اگر پرده از روی شما بردارند هر آینه خواهید یافت ارواح مؤمنان آن را که در این صحرا حلقه حلقه نشسته‌اند و به زیارت یکدیگر می‌روند و با یکدیگر سخن می‌گویند، و روح هر مؤمنی در این جا است ولی روح هر کافری در برهوت است». و برهوت وادی است نزدیک یمن.

و در *ارشاد القلوب* و *فرحة الغري* روایت کرده‌اند که مرد صالحی از اهل کوفه گفت: من در شبی

بارانی در مسجد کوفه بودم، ناگاه دری را که در جانب قبر مسلم است کوبیدند، چون در را گشودند جنازه‌ای را داخل کردند و در صفّه‌ای که برابر قبر مسلم است گذاشتند. یکی از ایشان را خواب برد. در خواب دید که دو شخص نزد جنازه حاضر شدند و یکی به دیگری گفت که: بیین ما را با او حسابی هست تا از او بگیریم پیش از آن‌که از رصافه بگذرد، که بعد از آن ما را به نزدیک او نمی‌توانیم رفت. پس بیدار شد و خواب را برای رفیقان خود نقل کرد و در همان ساعت آن جنازه را برداشتند و داخل نجف کردند که از حساب و عذاب نجات یابد. و فضیلت کوفه بعد از این ذکر می‌شود إن شاء الله تعالی.

فصل دوّم

در بیان موضع قبر منوّر آن حضرت و قبور شریفهٔ انبیاء و اوصیاء که در جوار آن حضرت مدفون‌اند

بدان که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام وصیّت نمود که آن حضرت را در شب، به صورت پنهان دفن کنند از خوف خوارج و غیر ایشان، به این سبب قبر آن حضرت مخفی بود و مطّلع نبود بر آن مگر قلیلی از خواصّ شیعیان، تا آن‌که حضرت صادق علیه السلام در زمان سفّاح به عراق تشریف آوردند، به جمع کثیری از شیعیان و اصحاب خود نمودند قبر آن حضرت را، و فرمودند که علامت قبر را ساختند. و در زمان هارون تجدید کردند به سببی که در مقام خودش مذکور است. و به این سبب در میان مخالفان در باب قبر منوّر آن حضرت اختلاف است، و لکن اجماع شیعه منعقد گردیده است به نقل‌های متواتره که مرقد شریف آن حضرت همین موضع معروف در نجف است، و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام به آن خبر داده‌اند و زیارت کرده‌اند. و شکی نیست که اولاد هر شخصی اعرف‌اند به قبر پدرشان از غیرشان.

و شیخ علی بیاضی رحمه الله در *صراط المستقیم* از ابن جوزی نقل کرده که در تاریخ خود گفته که: ابو الغنایم که از عبّاد و محدّثین اهل سنّت است گفته است که در کوفه سیصد نفر از صحابه مُردند که قبر هیچ یک از آن‌ها معلوم نیست به جز قبر امیر المؤمنین علیه السلام، و آن همین قبری است که الآن مردم او را زیارت می‌کنند. و پیدا شدن آن به سبب آمدن حضرت صادق و باقر علیهما السلام بود که آمدند و زیارت آن کردند. انتهی.

و سید اجلّ عبد الکریم بن طاووس رحمه الله در این باب کتابی تألیف کرده است که مسمّی به فرحة الغري است و احادیث بسیار در این باب در آن ایراد نموده است با معجزات بسیار که از این قبر مطهّر ظاهر گشته. و علامهٔ مجلسی رحمه الله آن کتاب شریف را ترجمه نموده است. ولکن بحمد الله در هر عصری از اعصار آن قبر شریف از کرامات و معجزات آن قدر ظاهر می‌گردد که محتاج به نقل کلمات سابقین نیست. و اگر نبود ملاحظهٔ اختصار هر آینه به ذکر بعضی از آن‌ها به تبرک می‌جستم.

و در روایت معتبر منقول است که ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که: امیر المؤمنین علیه السلام در کجا مدفون گردیده است؟ فرمود که: «در قبر پدرش نوح علیه السلام». ابو بصیر گفت که: مردم می‌گویند حضرت نوح علیه السلام در مسجد کوفه مدفون است. فرمود که: «نه، در پشت کوفه مدفون است».

و به سند معتبر منقول است از یزید بن عمرو که حضرت صادق علیه السلام در وقتی که در حیره بود، روزی به من گفت که: «آیا می‌خواهی به عمل آورم آنچه تو را وعده داده بودم، که قبر امیر المؤمنین را به تو نشان دهم؟» گفتم: بلی. پس آن حضرت سوار شد و اسماعیل فرزند آن حضرت سوار شد و من با ایشان سوار شدم، تا آن‌که از تلّ کوچک گذشت و میان حیره و نجف نزد تل‌هایی سفید فرود آمد، و من و اسماعیل هم فرود آمدیم، پس حضرت نماز کرد و ما هم نماز کردیم، پس به اسماعیل گفت که: «برخیز و سلام کن بر جدّت حسین بن علی علیهما السلام». گفتم: فدایت شوم مگر حسین علیه السلام در کربلا نیست. فرمود: «بلی، امّا چون سر مبارک آن حضرت را به شام بردند یکی از شیعیان ما آن سر را دزدید و او را دفن کرد در پهلوی قبر امیر المؤمنین علیه السلام».

و به سند معتبر دیگر از أبان بن تغلب مروی است که گفت: با حضرت صادق علیه السلام رفتیم به پشت کوفه پس اندکی راه رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز گذاردند. پس اندکی دیگر رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند. پس اندکی دیگر رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند. پس فرمودند که: «آن موضع اوّل محل قبر امیر المؤمنین علیه السلام بود، و موضع دوّم محلّ سر مبارک امام حسین علیه السلام بود، و موضع سوّم محلّ منبر حضرت قائم آل محمد علیه السلام خواهد بود».

و نیز به سند معتبر منقول است که آن حضرت فرمود: «چون به نجف می‌روی دو قبر می‌بینی،

قبری بزرگ و قبری کوچک. قبر بزرگ قبر امیر المؤمنین﷣ است، و قبر کوچک مدفن سر مبارک حضرت حسین﷣ است».

و نیز به سند معتبر از حضرت صادق﷣ منقول است که: «حضرت امیر المؤمنین﷣ حضرت امام حسن﷣ را امر فرمود که برای آن‌که دشمنانش موضع قبرش را ندانند قبر آن حضرت را در چهار موضع بکنند در مسجد و در نجف و دو موضع دیگر».

و وارد شده که حضرت امام حسن و امام حسین﷣ و محمّد بن حنفیّه و عبد الله بن جعفر و جمعی از اهل بیت، حضرت امیر المؤمنین﷣ را در شب بیرون آوردند و در پشت کوفه دفن کردند، از ترس این‌که مبادا خوارج و غیر ایشان قبر را بشکافند و آن حضرت [را] بیرون آورند.

و در حدیث معتبر از حضرت صادق﷣ منقول است که فرمود: «در کوفه است قبر نوح و ابراهیم﷣ و قبر سیصد و هفتاد پیغمبر و ششصد وصیّ پیغمبر و قبر بهترین اوصیاء پیغمبران یعنی امیر مؤمنان علیه و علیهم السلام».

مؤلّف گوید که: چون در روایات معتبره بسیار وارد است که حضرت آدم﷣ و نوح﷣ نزد امیر المؤمنین﷣ مدفون‌اند، و در بعض روایات حضرت هود﷣ نیز وارد شده است، و حضرت صالح﷣ نیز مشهور است که در حوالی آن حضرت مدفون است، و حضرت یونس﷣ نیز در این زمان قبرش معروف است و در این حدیث نیز حضرت ابراهیم﷣ با سایر انبیا و اوصیا وارد شده است، اگر در وقت زیارت آن حضرت، همه را زیارت کنند مناسب است آنچه به خصوص [در روایات] مذکورند، و باقی را عموماً. چنانچه علّامهٔ مجلسی﷫ فرموده، و در حدیث صفوان نیز مذکور است که با حضرت صادق﷣ از قادسیه روانه شدیم تا به نجف، تا آن‌که گفته که حضرت رفت تا رسید به غریّ، پس بر قبری ایستاد و سلام کرد بر پیغمبران یک یک از آدم گرفته تا به پیغمبر آخر الزّمانﷺ و من با او سلام می‌فرستادم، پس بر روی قبر افتاد و بر صاحب قبر سلام کرد و صدای گریهٔ آن حضرت بلند شد...الخ.

و بدان که این احادیث منافاتی ندارد با احادیثی که وارد شده است، که بعضی از ایشان در مواضع دیگر دفن شده‌اند زیرا که ممکن است مثل حضرت آدم﷣ در جای دیگر مدفون شده باشند، و از برای شرف مجاورت آن حضرت ایشان را به این محلّ شریف نقل کرده باشند.



فصل سوّم

در زیارات مطلقهٔ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که مقیّد به وقتی از اوقات نیست

بدان که زیارات مطلقهٔ آن حضرت قریب به بیست زیارت می‌شود و لکن ما در این‌جا به نقل چند زیارت معتبر اکتفا می‌نماییم به سبب آن چیزی که در باب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام به شرح رفت.

اوّل: زیارتی است که شیخ مفید و سیّد ابن طاووس و شیخ شهید و غیر ایشان ـ قدّس اللّه ارواحهم ـ در کتب خود ذکر کرده‌اند و به روایت نسبت داده‌اند، و کیفیّت آن چنان است که شیخ مفید فرموده است که: مروی است از صفوان که عرض نمود به خدمت حضرت صادق علیه السلام که: چگونه زیارت کنم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را؟ فرمود که: «ای صفوان هرگاه ارادهٔ زیارت نمایی غسل کن و دو جامهٔ پاک بپوش، و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر نیابی و نکنی نیز مجزی است، و چون از خانهٔ خود بیرون می‌روی بگو: **اَللّٰهُمَّ اِنّي خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلي**».

پس این دعا را با دعاهای دیگر نقل کرده که خوانده می‌شود در وقت رسیدن به خندق، و در وقت دیدن قبّهٔ شریفه و رسیدن به حنّانه، و وقت رسیدن به دروازهٔ شهر، و به درگاه صحن مقدّس، و نزد داخل شدن در صحن. تا آن‌که فرموده‌اند: «پس چون به درِ رواق برسی بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ اَمينِ اللّٰهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ اَمْرِهِ، اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ السَّكينَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدينَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ اَبِي الْقاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس داخل رواق شو و در وقت داخل شدن پای راست را مقدّم دار و بگو:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ

اللّهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللّهِ وَخِيَرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ اَميرِالْمُؤْمِنينَ عَبْدِاللّهِ وَاَخي رَسُولِ اللّهِ. يا مَوْلايَ يا اَميرَالْمُؤْمِنينَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ جاءَكَ مُسْتَجيراً بِذِمَّتِكَ. قاصِداً اِلىٰ حَرَمِكَ. مُتَوَجِّهاً اِلىٰ مَقامِكَ. مُتَوَسِّلاً اِلَى اللّهِ تَعالىٰ بِكَ. ءَاَدْخُلُ يا مَوْلايَ. ءَاَدْخُلُ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ. ءَاَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللّهِ. ءَاَدْخُلُ يا اَمينَ اللّهِ. ءَاَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللّهِ الْمُقيمينَ في هٰذَا الْمَشْهَدِ. يا مَوْلايَ اَتَأْذَنُ لي بِالدُّخُولِ اَفْضَلَ ما اَذِنْتَ لِاَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ لَهُ اَهْلاً فَاَنْتَ اَهْلٌ لِذٰلِكَ.

پس [آستانه و] عتبه را ببوس و مقدّم دار پای راست را پیش از پای چپ و داخل شو و در حال داخل شدن بگو:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَفي سَبيلِ اللّهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللّهُمَّ اغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

پس برو تا [موازی و] محاذی قبر شوی، و توقّف نما پیش از رسیدن به قبر و بگو:

اَلسَّلامُ مِنَ اللّهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ. اَمينِ اللّهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَرِسالاتِهِ وَعَزائِمِ اَمْرِهِ وَمَعْدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزيلِ. اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالْفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ. اَلشّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ اَلسِّراجِ الْمُنيرِ. وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومينَ. اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ وَاَرْفَعَ وَاَشْرَفَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَصْفِيائِكَ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ اَميرِالْمُؤْمِنينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ. وَاَخي رَسُولِكَ. وَوَصِيِّ حَبيبِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ. وَالدَّليلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِكَ. وَدَيّانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ. وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ. اَلْقَوّامينَ بِاَمْرِكَ مِنْ

بَعْدِهِ. الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصاراً لِدِينِكَ. وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ. وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِكَ. وَأَعْلاماً لِعِبادِكَ. صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

السَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ وَخَلِيفَتِهِ. وَالْقائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ. سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ. السَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرّاشِدِينَ. السَّلامُ عَلَى الْأَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلِينَ. السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ. السَّلامُ عَلىٰ خاصَّةِ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ. السَّلامُ عَلَى الْمُتَوَسِّمِينَ. السَّلامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قامُوا بِأَمْرِهِ وَوازَرُوا أَوْلِياءَ اللّٰهِ وَخافُوا بِخَوْفِهِمْ. السَّلامُ عَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ. السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ اللّٰهِ الصّالِحِينَ[1].

پس برو تا بایستی نزدیک قبر، و رو به قبر و پشت به قبله کن و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ الْهُدىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ التُّقىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدِّينِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ. وَأَمِينَ رَبِّ الْعالَمِينَ. وَدَيّانَ يَوْمِ الدِّينِ. وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ. وَسَيِّدَ الصِّدِّيقِينَ. وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلالَةِ النَّبِيِّينَ. وَبابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ. وَخازِنَ وَحْيِهِ. وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ. وَالنّاصِحَ لِأُمَّةِ نَبِيِّهِ. وَالتّالِيَ لِرَسُولِهِ. وَالْمُواسِيَ لَهُ بِنَفْسِهِ. وَالنّاطِقَ بِحُجَّتِهِ.

---

۱. وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ خ ل.

وَالدّاعِيَ اِلىٰ شَرِيعَتِهِ. وَالْماضِيَ عَلىٰ سُنَّتِهِ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ اَبْلَغَ عَنْ رَسُولِكَ ما حُمِّلَ. وَرَعىٰ مَا اسْتُحْفِظَ. وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ. وَحَلَّلَ حَلالَكَ. وَحَرَّمَ حَرامَكَ. وَاَقامَ اَحْكامَكَ وَجاهَدَ النّاكِثينَ في سَبيلِكَ. وَالْقاسِطينَ في حُكْمِكَ. وَالْمارِقينَ عَنْ اَمْرِكَ. صابِراً مُحْتَسِباً. لا تَأْخُذُهُ فيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَاَصْفِيائِكَ وَاَوْصِياءِ اَنْبِيائِكَ. اَللّٰهُمَّ هٰذا قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذي فَرَضْتَ طاعَتَهُ وَجَعَلْتَ في اَعْناقِ عِبادِكَ مُبايَعَتَهُ. وَخَليفَتِكَ الَّذي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطي. وَبِهِ تُثيبُ وَتُعاقِبُ. وَقَدْ قَصَدْتُهُ طَمَعاً لِما اَعْدَدْتَهُ لِاَوْلِيائِكَ. فَبِعَظيمِ قَدْرِهِ عِنْدَكَ وَجَليلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ وَقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَافْعَلْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْجُودِ. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلىٰ ضَجيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس ضريح را ببوس و در جانب سر بايست و بگو:

يا مَوْلايَ اِلَيْكَ وُفُودي. وَبِكَ اَتَوَسَّلُ اِلىٰ رَبّي في بُلُوغِ مَقْصُودي. وَاَشْهَدُ اَنَّ الْمُتَوَسِّلَ بِكَ غَيْرُ خائِبٍ. وَالطّالِبَ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةٍ غَيْرُ مَرْدُودٍ اِلّا بِقَضاءِ حَوائِجِهِ. فَكُنْ لي شَفيعاً اِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبّي في قَضاءِ حَوائِجي. وَتَيْسيرِ اُمُوري. وَكَشْفِ شِدَّتي. وَغُفْرانِ ذُنُوبي. وَسَعَةِ رِزْقي. وَتَطْويلِ عُمْري. وَاِعْطاءِ سُؤْلي في آخِرَتي وَدُنْيايَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْاَئِمَّةِ وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَليماً لا تُعَذِّبُهُ اَحَداً مِنَ الْعالَمينَ. عَذاباً كَثيراً لَا انْقِطاعَ لَهُ وَلا اَجَلَ وَلا اَمَدَ بِما شاقُّوا وُلاةَ اَمْرِكَ. وَاَعِدَّ لَهُمْ عَذاباً لَمْ تُحِلَّهُ بِاَحَدٍ مِنْ

خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ وَاَدْخِلْ عَلىٰ قَتَلَةِ اَنْصارِ رَسُولِكَ وَعَلىٰ قَتَلَةِ اَنْصارِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَعَلىٰ قَتَلَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَتَلَةِ مَنْ قُتِلَ في وِلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ اَجْمَعينَ عَذاباً اَليماً مُضاعَفاً في اَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحيمِ. لا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَهُمْ فيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ ناكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ. قَدْ عايَنُوا النَّدامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّويلَ لِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَتْباعَهُمْ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحينَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ في مُسْتَسَرِّ السِّرِّ وَظاهِرِ الْعَلانِيَةِ في اَرْضِكَ وَسَمائِكَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي قَدَمَ[1] صِدْقٍ في اَوْلِيائِكَ. وَحَبِّبْ اِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ حَتّىٰ تُلْحِقَني بِهِمْ وَتَجْعَلَني لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس ضریح را ببوس، و پشت به قبله بایست و رو به جانب قبر امام حسین عليه السلام کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الْاَئِمَّةِ الْهادينَ الْمَهْدِيّينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَريعَ الدَّمْعَةِ السّاكِبَةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمُصيبَةِ الرّاتِبَةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَاَبيكَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ اُمِّكَ وَاَخيكَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَبَنيكَ. اَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللّٰهُ بِكَ التُّرابَ. وَاَوْضَحَ بِكَ الْكِتابَ. وَجَعَلَكَ وَاَباكَ وَجَدَّكَ وَاَخاكَ وَاُمَّكَ وَبَنيكَ عِبْرَةً لِاُولِي الْاَلْبابِ. يَابْنَ الْمَيامينَ الْاَطْيابِ. التّالينَ الْكِتابَ. وَجَّهْتُ سَلامي اِلَيْكَ صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ وَجَعَلَ اَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوي اِلَيْكَ. ما خابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَ [اَمِنَ مَنْ] لَجَاَ اِلَيْكَ.

---

۱. لسان ع ل.

پس برو نزد پای قبر بایست و بگو:

السَّلامُ عَلیٰ اَبِي الْاَئِمَّةِ وَخَلیلِ النُّبُوَّةِ وَالْمَخْصُوصِ بِالْاُخُوَّةِ. السَّلامُ عَلیٰ یَعْسُوبِ الدّینِ وَالْإیمانِ وَکَلِمَةِ الرَّحْمٰنِ. السَّلامُ عَلیٰ میزانِ الْاَعْمالِ وَمُقَلِّبِ الْأَحْوالِ وَسَیْفِ ذِي الْجَلالِ وَساقِي السَّلْسَبیلِ الزُّلالِ. السَّلامُ عَلیٰ صالِحِ الْمُؤْمِنینَ وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِیّینَ وَالْحاکِمِ یَوْمَ الدّینِ. السَّلامُ عَلیٰ شَجَرَةِ التَّقْویٰ وَسامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْویٰ. السَّلامُ عَلیٰ حُجَّةِ اللّٰهِ الْبالِغَةِ وَنِعْمَتِهِ السّابِغَةِ وَنِقْمَتِهِ الدّامِغَةِ. السَّلامُ عَلَی الصِّراطِ الْواضِحِ وَالنَّجْمِ اللّائِحِ وَالْإِمامِ النّاصِحِ وَالزِّنادِ الْقادِحِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ اَخي نَبِیِّكَ وَوَلِیِّهِ. وَناصِرِهِ وَوَصِیِّهِ. وَوَزیرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ. وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبابِ حِکْمَتِهِ. وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعي اِلیٰ شَریعَتِهِ. وَخَلیفَتِهِ في اُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ. قاصِمِ الْکَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ. الَّذي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِیِّكَ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسیٰ. اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ. وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَداوَةَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ. وَصَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْصِیاءِ اَنْبِیائِكَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.

زیارت حضرت آدم علیه السلام

پس برگرد به جانب سر از برای زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام، و در زیارت آدم علیه السلام بگو:

السَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِيَّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَیْكَ یا نَبِيَّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَیْكَ

يا أَمِينَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيفَةَ اللّٰهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْبَشَرِ. السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلَى الطّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ. وَذُرِّيَّتِكَ صَلاةً لا يُحْصِيها إِلّا هُوَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

زیارت حضرت نوح علیه السلام

و در زیارت حضرت نوح علیه السلام بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللّٰهِ فِي أَرْضِهِ. صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الطّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

نماز زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

پس شش رکعت نماز بکن که دو رکعت آن برای امیر المؤمنین علیه السلام است. در رکعت اوّل بعد از سورهٔ «حمد» سورهٔ «الرّحمن» بخوان، و در رکعت دوّم سورهٔ «یس»، و بعد از نماز تسبیح حضرت فاطمهٔ زهراء علیها السلام را بخوان و طلب آمرزش از خدا بکن و از برای خود دعا کن و بگو:

اللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلىٰ سَيِّدِي وَمَوْلايَ وَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ. اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْها مِنِّي. وَاجْزِنِي عَلىٰ ذٰلِكَ جَزاءَ الْمُحْسِنِينَ. اللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ. لِأَنَّهُ لا تَكُونُ[1] الصَّلاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ

---

۱. لا تَجُوزُ خ ل.

إِلّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللّهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنّي زِيارَتي وَأَعْطِني سُؤْلي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ.

و چهار رکعت دیگر را هدیهٔ آدم و نوح علیهما السلام گردان. پس سجدهٔ شکر بجای آور، و در سجده بگو: اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي. فَاكْفِني ما أَهَمَّني وَما لا يُهِمُّني وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي. عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا إِلٰهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ.

پس جانب راست صورت را بر زمین گذار و بگو: اِرْحَمْ ذُلّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعي إِلَيْكَ وَوَحْشَتي مِنَ النّاسِ وَأُنْسي بِكَ ياكَريمُ ياكَريمُ ياكَريمُ.

پس جانب چپ صورت را بر زمین گذار و بگو: لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ رَبّي حَقّاً حَقّاً، سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً. اَللّٰهُمَّ إِنَّ عَمَلي ضَعيفٌ فَضاعِفْهُ لي ياكَريمُ ياكَريمُ ياكَريمُ.

پس برگرد به سجود و صد مرتبه شکراً شکراً بگو، و جهد کن در دعا که این موضع طلبیدن مطالب [و حاجات] است. و استغفار بسیار بکن که محلّ آمرزش گناهان است، و حاجات خود را از خدا طلب نما که مقام استجابت دعاها است.

زیارت امین الله

دوّم: زیارتی است مشهور به «امین الله» که در نهایت صحّت و اعتبار است، و در تمام کتب مزاریّه بلکه در غیر آن‌ها نیز این زیارت شریف نقل شده است، وعلّامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده که: آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدّسه بر این مواظبت نمایند، و کیفیّت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت شده از جابر، از امام محمّد باقر علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمينَ اللّهِ في أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا مَوْلايَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللّهُ إِلى جِوارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ لَكَ كَرِيمَ ثَوابِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيّاكَ مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضائِكَ، مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمائِكَ، صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِكَ، شاكِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِكَ، ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ، مُشْتاقَةً إِلى فَرْحَةِ لِقائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوى لِيَوْمِ جَزائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيائِكَ، مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ.

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ الرّاغِبِينَ إِلَيْكَ شارِعَةٌ، وَأَعْلامَ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ واضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةَ الْوافِدِينَ إِلَيْكَ فارِغَةٌ[1]، وَأَصْواتَ الدّاعِينَ إِلَيْكَ صاعِدَةٌ، وَأَبْوابَ الْإِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ، وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ، وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ، وَأَعْمالَ الْعامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزاقَ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ، وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ واصِلَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَحَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ

---

۱. بدان که «فارغة» در این جا به راء بی نقطه و غین با نقطه است از [مصدر] «فراغ» به معنی تهی و خالی، و در بعضی نسخ چنین است: «وَأَفْئِدَةَ العارِفِينَ مِنْكَ فازِعَةٌ»، و بنا بر این نسخهٔ «فازعة» به زای معجمه و عین بی نقطه است از «فزع» به معنی هول و ترس، یعنی دل‌های عارفین از تو ترسان و هراسان است، و بنابر نسخهٔ اول معنی چنین است: دل‌های وارد شوندگان بر تو تهی و پرداخته شده است از هر غم و اندوهی زیرا می‌دانند که تو به حال ایشان می‌رسی و ایشان را نبایست در فکر خویشتن بودن (منه ﷺ).

مَقْضِيَّةٌ، وَجَوائِزَ السّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ، وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ الظِّماءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائِي وَاقْبَلْ ثَنائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ عليهم السلام إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائِي، وَمُنْتَهىٰ مُنايَ وَغايَةُ رَجائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ.

و در نسخهٔ *کامل الزیارات* بعد از این زیارت، این فقرات نیز مسطور است:

أَنْتَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيائِنا، وَكُفَّ عَنّا أَعْداءَنا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذانا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلىٰ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس حضرت امام محمّد باقر عليه السلام فرمود که: «هرکه از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیر المؤمنین عليه السلام یا نزد قبر یکی از ائمّه عليهم السلام بخواند، البتّه حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد و مهر محمّد صلى الله عليه وآله را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا تسلیم نمایند به قائم آل محمّد عليهم السلام، پس استقبال نماید صاحبش را به بشارت و تحیّت و کرامت إن شاء اللّه تعالی».
جابر گفت که: من این حدیث را به حضرت امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم، فرمود: «هرگاه خواهی وداع یکی از ائمّه عليهم السلام بکنی این دعا را نیز اضافه کن:

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الإِمامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَعَلَيْكَ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، آمَنّا بِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي وَلِيِّكَ، اللّهُمَّ لا تَحْرِمْنِي ثَوابَ مَزارِهِ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُ، وَيَسِّرْ لَنَا الْعَوْدَ إِلَيْهِ إِنْ شاءَ اللّهُ تَعالىٰ».

مؤلّف گوید که: این زیارت شریف هم از زیارات مطلقه محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصهٔ روز غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدّسه ائمّه عليهم السلام خوانده می‌شود.

سوّم: زیارتی است که از حضرت امام علیّ النّقی علیه السلام مروی است، و مشایخ ثلاثه یعنی ثقة الاسلام و رئیس المحدّثین و شیخ الطّائفه ـ قدّس اللّٰه ارواحهم ـ آن را روایت کرده‌اند، و در *کامل الزّیارات* شیخ جعفر بن قولویه و کتاب جامع محمّد بن الحسن بن الولید، استاد صدوق نیز ذکر شده است، و کیفیّت آن چنانچه در کتاب *من لا یحضره الفقیه* است به این طریق است که فرموده: چون رسیدی به غری یعنی نجف اشرف، پس غسل کن و به آرامی و وقار برو تا برسی نزد امیر المؤمنین علیه السلام: پس روی خود را به طرف آن حضرت کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُومٍ وَاَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتّٰى اَتاكَ الْيَقينُ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ لَقيتَ اللّٰهَ وَاَنْتَ شَهيدٌ، عَذَّبَ اللّٰهُ قاتِلَكَ بِاَنْواعِ الْعَذابِ وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذابَ، جِئْتُكَ عارِفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ مُعادِياً لِاَعْدائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، اَلْقىٰ عَلىٰ ذٰلِكَ رَبّي اِنْ شاءَ اللّٰهُ، يا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ لي ذُنُوباً كَثيرَةً فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ جاهاً وَشَفاعَةً، وَقَدْ قالَ اللّٰهُ تَعالىٰ: ﴿وَلا يَشْفَعُونَ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضىٰ﴾.

چهارم: زیارتی است مروی در کتاب شریف *کافی* و *تهذیب*، و آن چنان است که می‌گویی در زیارت آن حضرت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدّينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ النَّبِيّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَسيمَ النّارِ وَالْجَنَّةِ وَصاحِبَ الْعَصا وَالْمَيْسِمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَبابُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحَبْلُ الْمَتينُ وَالصِّراطُ الْمُسْتَقيمُ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ وَشاهِدُهُ عَلىٰ عِبادِهِ وَاَمينُهُ عَلىٰ عِلْمِهِ وَخازِنُ سِرِّهِ وَمَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَاَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاَشْهَدُ اَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَكُلَّ

داعٍ مَنْعُوتٌ[1] دُونَكَ باطِلٌ مَدْحُوضٌ. اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُومٍ وَاَوَّلُ مَغْصُوبٍ حَقُّهُ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ. لَعَنَ اللّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَتَقَدَّمَ عَلَيْكَ وَصَدَّ عَنْكَ لَعْناً كَثيراً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤمِنٍ مُمْتَحَنٍ. صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤمِنينَ. وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. اَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُ اللّهِ وَاَمينُهُ بَلَّغْتَ ناصِحاً وَاَدَّيْتَ اَميناً وَقُتِلْتَ صِدّيقاً وَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقينٍ. لَمْ تُؤثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً. وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ اِلىٰ باطِلٍ. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ. وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَنَصَحْتَ لِلْاُمَّةِ وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَدَعَوْتَ اِلىٰ سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ. اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَدَعَوْتَ اِلَيْهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ وَبَلَّغْتَ ما اُمِرْتَ بِهِ وَقُمْتَ بِحَقِّ اللّهِ غَيْرَ واهِنٍ وَلا مُوهِنٍ. وَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ صَلاةً مُتَّبِعَةً مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً لَا انْقِطاعَ لَها وَلا اَمَدَ وَلا اَجَلَ. وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ وَجَزاكَ اللّهُ مِنْ صِدّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِهِ. اَشْهَدُ اَنَّ الْجِهادَ مَعَكَ جِهادٌ. وَاَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَاِلَيْكَ وَاَنْتَ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَميراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ. فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْليماً. وَعَذَّبَ اللّهُ قاتِلَكَ بِاَنْواعِ الْعَذابِ. اَتَيْتُكَ يا اَميرَ الْمُؤمِنينَ عارِفاً بِحَقِّكَ. مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ. مُعادِياً لِاَعْدائِكَ. مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ. بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي اَتَيْتُكَ عائِذاً بِكَ مِنْ نارٍ اسْتَحَقَّها مِثْلي بِما جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسي. اَتَيْتُكَ زائِراً اَبْتَغي بِزِيارَتِكَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ. اَتَيْتُكَ هارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْري. اَتَيْتُكَ وافِداً لِعَظيمِ حالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبّي.

---

۱. متصرف خ ل.

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ فَإِنَّ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَجاهاً عَظِيماً وَشَأْناً كَبِيراً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً. وَقَدْ قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضىٰ». اللّٰهُمَّ رَبَّ الْأَرْبابِ صَرِيخَ الْأَحْبابِ[1] إِنِّي عُذْتُ بِأَخِي رَسُولِكَ مُعاذاً. فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ. آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَأَتَوَلّىٰ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ. وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّىٰ.

زیارت حضرت امیر علیه السلام معروف به زیارت ششم

پنجم: زیارتی است که [چون] علامهٔ مجلسی آن را زیارت ششم *تحفة الزائر* قرار داده [است]، به این جهت به زیارت ششم مشهور شده، و آن‌را از شیخ مفید و محمّد بن المشهدی نقل کرده با شرحی طویل که ذکرش مناسب این مختصر نیست، و فقرهٔ اخیرهٔ شرح آن این است، که صفوان گفت که: حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «ای صفوان هرگاه تو را حاجتی در درگاه خدا باشد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و حاجت خود را سؤال کن که البتّه برآورده می‌شود، و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام این است. رو به قبر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلىٰ مَنِ اصْطَفاهُ اللّٰهُ وَاخْتَصَّهُ وَاخْتارَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيلَ اللّٰهِ ما دَجَى اللَّيْلُ وَغَسَقَ وَأَضاءَ النَّهارُ وَأَشْرَقَ. السَّلامُ عَلَيْكَ ما صَمَتَ صامِتٌ وَنَطَقَ ناطِقٌ وَذَرَّ شارِقٌ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلىٰ مَوْلانا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ. صاحِبِ السَّوابِقِ وَالْمَناقِبِ وَالنَّجْدَةِ. وَمُبِيدِ الْكَتائِبِ. الشَّدِيدِ الْبَأْسِ. الْعَظِيمِ الْمِراسِ. الْمَكِينِ الْأَساسِ. ساقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ مِنْ حَوْضِ

---

۱. الأحبار خ ل.

الرَّسُولِ الْمَكِينِ الْاَمينِ. السَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ النُّهىٰ وَالْفَضْلِ وَالطَّوائِلِ وَالْمَكْرُماتِ وَالنَّوائِلِ. السَّلامُ عَلىٰ فارِسِ الْمُؤْمِنينَ وَلَيْثِ الْمُوَحِّدينَ وَقاتِلِ الْمُشْرِكينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلىٰ مَنْ اَيَّدَهُ اللّٰهُ بِجَبْرَئيلَ وَاَعانَهُ بِميكائيلَ وَاَزْلَفَهُ فِي الدّارَيْنِ وَحَباهُ بِكُلِّ ما تَقَرُّ بِهِ الْعَيْنُ. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ الطّاهِرينَ وَعَلىٰ اَوْلادِهِ الْمُنْتَجَبينَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ الرّاشِدينَ الَّذينَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَفَرَضُوا عَلَيْنَا الصَّلَواتِ وَاَمَرُوا بِايتاءِ الزَّكاةِ وَعَرَّفُونا صِيامَ شَهْرِ رَمَضانَ وَقِراءَةَ الْقُرْآنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَيَعْسُوبَ الدّينِ وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اللّٰهِ النّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْباسِطَةَ وَاُذُنَهُ الْواعِيَةَ وَحِكْمَتَهُ[1] الْبالِغَةَ وَنِعْمَتَهُ السّابِغَةَ وَنِقْمَتَهُ الدّامِغَةَ. السَّلامُ عَلىٰ قَسيمِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ. السَّلامُ عَلىٰ نِعْمَةِ اللّٰهِ عَلَى الْاَبْرارِ وَنِقْمَتِهِ عَلَى الْفُجّارِ. السَّلامُ عَلىٰ سَيِّدِ الْمُتَّقينَ الْاَخْيارِ. السَّلامُ عَلىٰ اَخي رَسُولِ اللّٰهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طينَتِهِ. السَّلامُ عَلَى الْاَصْلِ الْقَديمِ وَالْفَرْعِ الْكَريمِ. السَّلامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِيِّ. السَّلامُ عَلىٰ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ. السَّلامُ عَلىٰ شَجَرَةِ طُوبىٰ وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ. السَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ وَنُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ وَاِبْراهيمَ خَليلِ اللّٰهِ وَمُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ وَعيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ وَمُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّٰهِ وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفيقاً. السَّلامُ عَلىٰ نُورِ الْاَنْوارِ وَسَليلِ الْاَطْهارِ وَعَناصِرِ الْاَخْيارِ. السَّلامُ عَلىٰ والِدِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرارِ. السَّلامُ عَلىٰ حَبْلِ اللّٰهِ الْمَتينِ وَجَنْبِهِ الْمَكينِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلىٰ اَمينِ اللّٰهِ في اَرْضِهِ وَخَليفَتِهِ

---

۱. وكلمته خ ل.

وَالْحاكِمِ بِأَمْرِهِ وَالْقَيِّمِ بِدينِهِ وَالنّاطِقِ[1] بِحِكْمَتِهِ وَالْعامِلِ بِكِتابِهِ • اَخِ الرَّسُولِ وَزَوْجِ الْبَتُولِ وَسَيْفِ اللّهِ الْمَسْلُولِ • اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الدَّلالاتِ وَالْآياتِ الْباهِراتِ وَالْمُعْجِزاتِ الْقاهِراتِ[2] وَالْمُنْجي مِنَ الْهَلَكاتِ الَّذي ذَكَرَهُ اللّهُ في مُحْكَمِ الْآياتِ فَقالَ تَعالىٰ: ﴿وَاِنَّهُ في اُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكيمٌ﴾ • اَلسَّلامُ عَلىٰ اسْمِ اللّهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضيءِ وَجَنْبِهِ الْعَلِيِّ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ • اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَجِ اللّهِ وَاَوْصِيائِهِ وَخاصَّةِ اللّهِ وَاَصْفِيائِهِ وَخالِصَتِهِ وَاُمَنائِهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ • قَصَدْتُكَ يا مَوْلايَ يا اَمينَ اللّهِ وَحُجَّتَهُ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ مُعادِياً لِاَعْدائِكَ مُتَقَرِّباً اِلَى اللّهِ بِزِيارَتِكَ فَاشْفَعْ لي عِنْدَ اللّهِ رَبّي وَرَبِّكَ في خَلاصِ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَقَضاءِ حَوائِجي حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو:

سَلامُ اللّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ • وَالْمُسَلِّمينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ • وَالنّاطِقينَ بِفَضْلِكَ وَالشّاهِدينَ عَلىٰ اَنَّكَ صادِقٌ اَمينٌ صِدّيقٌ • عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ • اَشْهَدُ اَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ • اَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْاَداءِ • وَاَشْهَدُ اَنَّكَ جَنْبُ اللّهِ وَبابُهُ • وَاَنَّكَ حَبيبُ اللّهِ وَوَجْهُهُ الَّذي يُؤْتىٰ مِنْهُ • وَاَنَّكَ سَبيلُ اللّهِ • وَاَنَّكَ عَبْدُ اللّهِ وَاَخُو رَسُولِ اللّهِ[3] صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ • اَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً اِلَى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيارَتِكَ • راغِباً اِلَيْكَ فِي الشَّفاعَةِ • اَبْتَغي بِشَفاعَتِكَ خَلاصَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ • مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النّارِ • هارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتي

---

۱. وَالْنَهْيِ خ ل. ۲. الزاهرات خ ل.
۳. رسوله خ ل.

اِحْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْري • فَزِعاً اِلَيْكَ راجِياً رَحْمَةَ رَبّي • اَتَيْتُكَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلايَ وَاَتَقَرَّبُ بِكَ[1] اِلَى اللّهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوائِجي • فَاشْفَعْ لي يا اَميرَالْمُؤْمِنينَ اِلَى اللّهِ فَاِنّي عَبْدُ اللّهِ وَمَوْلاكَ وَزائِرُكَ وَلَكَ عِنْدَ اللّهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْجاهُ الْعَظيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ • اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضىٰ وَاَمينِكَ الْاَوْفىٰ • وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقىٰ وَيَدِكَ الْعُلْيا • وَجَنْبِكَ الْاَعْلىٰ وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنىٰ وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرىٰ • وَصِدّيقِكَ الْاَكْبَرِ وَسَيِّدِ الْاَوْصِياءِ وَرُكْنِ الْاَوْلِياءِ وَعِمادِ الْاَصْفِياءِ • اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَيَعْسُوبِ الدّينِ وَقُدْوَةِ الصّالِحينَ[2] وَاِمامِ الْمُخْلِصينَ[3] الْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ • الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ • الْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَيْبِ • الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ • اَخي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ • الْبائِتِ عَلىٰ فِراشِهِ وَالْمُواسي لَهُ بِنَفْسِهِ وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ • الَّذي جَعَلْتَهُ سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ • وَآيَةً لِرِسالَتِهِ • وَشاهِداً عَلىٰ اُمَّتِهِ • وَدَلالَةً عَلىٰ حُجَّتِهِ • وَحامِلاً لِرايَتِهِ وَوِقايَةً لِمُهْجَتِهِ • وَهادِياً لِاُمَّتِهِ • وَيَداً لِبَأْسِهِ • وَتاجاً لِرَأْسِهِ • وَباباً لِسِرِّهِ • وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ حَتّىٰ هَزَمَ جُيُوشَ الشِّرْكِ بِاِذْنِكَ • وَاَبادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِاَمْرِكَ • وَبَذَلَ نَفْسَهُ في مَرْضاتِ رَسُولِكَ وَجَعَلَها وَقْفاً عَلىٰ طاعَتِهِ • فَصَلِّ اللّهُمَّ عَلَيْهِ صَلاةً دائِمَةً باقِيَةً.

پس بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَالشِّهابَ الثّاقِبَ وَالنُّورَ الْعاقِبَ • يا سَليلَ الْاَطائِبِ • يا سِرَّ اللّهِ اِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّهِ تَعالىٰ ذُنُوباً قَدْ اَثْقَلَتْ ظَهْري وَلا يَأْتي عَلَيْها اِلّا رِضاهُ[4] • فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ •

---

۱. اِلَى اللّهِ بِزِيارَتِكَ خ.
۲. الصِّدّيقينَ خ ل.
۳. الْقائِلينَ خ ل.
۴. رِضاكَ خ ل.

وَاسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ كُنْ لِي إِلَى اللّهِ شَفيعاً. وَمِنَ النّارِ مُجيراً وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً. فَإِنّي عَبْدُ اللّهِ وَوَلِيُّكَ وَزائِرُكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ.

پس شش رکعت نماز زیارت بکن و هر دعا که می‌خواهی بخوان و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ. عَلَيْكَ مِنّي سَلامُ اللّهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

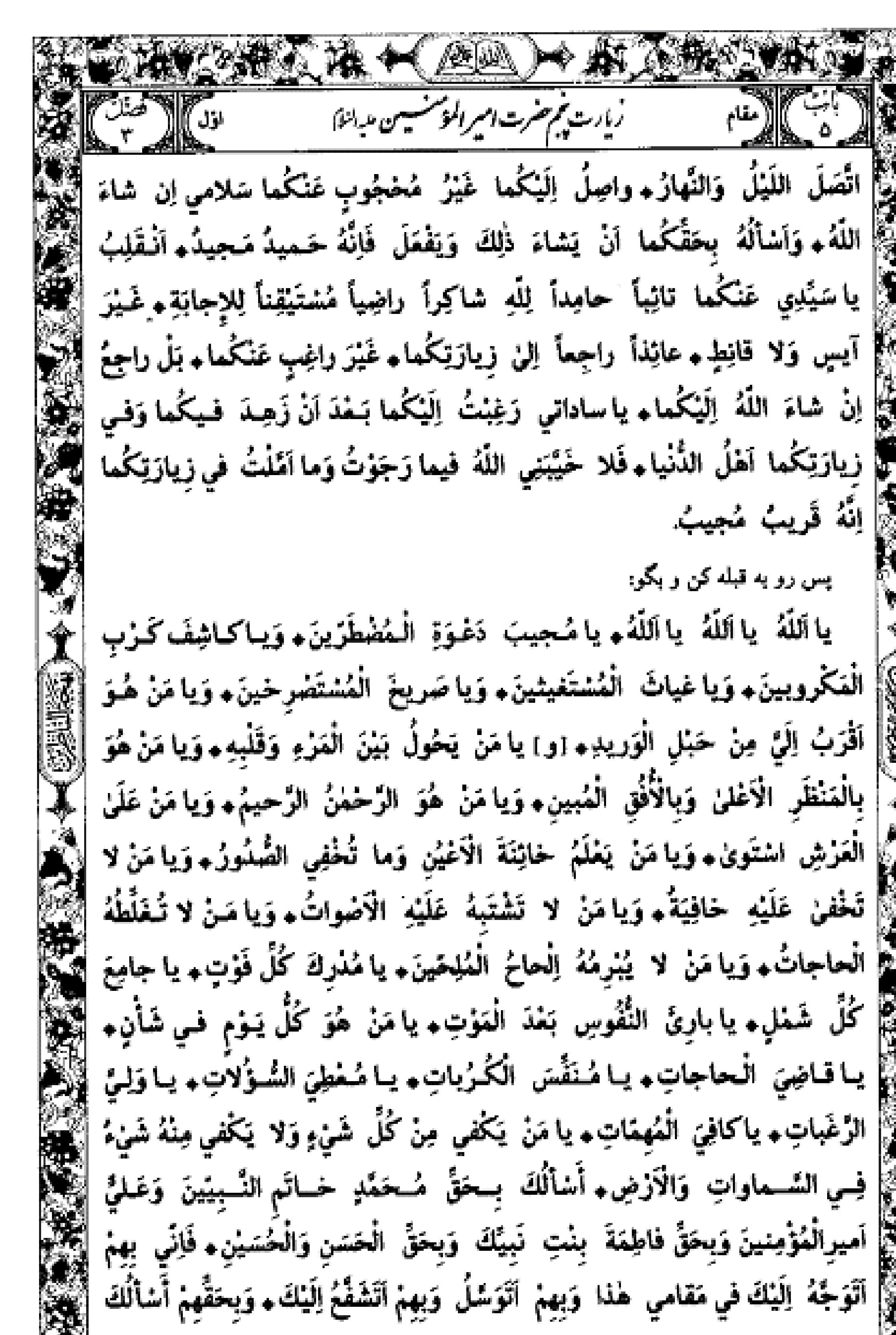
زیارت سیّد الشهدا در بالای سر

پس اشاره کن و متوجّه شو به جانب قبر امام حسین عليه السلام و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. أَتَيْتُكُما زائِراً وَمُتَوَسِّلاً إِلَى اللّهِ رَبّي وَرَبِّكُما وَمُتَوَجِّهاً إِلَى اللّهِ بِكُما وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما. إِلَى اللّهِ في حاجَتي هٰذِهِ. فَاشْفَعا لي فَإِنَّ لَكُما عِنْدَ اللّهِ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ والْجاهَ الْوَجيهَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفيعَ وَالْوَسيلَةَ. إِنّي أَنْقَلِبُ عَنْكُما مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَةِ وَقَضائِها وَنَجاحِها مِنَ اللّهِ بِشَفاعَتِكُما لي إِلَى اللّهِ في ذٰلِكَ. فَلا أَخيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبي عَنْكُما مُنْقَلَباً خائِباً خاسِراً. بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبي مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لي بِقَضاءِ جَميعِ حَوائِجي[1]. فَاشْفَعا لي. أَنْقَلِبُ عَلى ما شاءَ اللّهُ. لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ. مُفَوِّضاً أَمْري إِلَى اللّهِ. مُلْجِئاً ظَهْري إِلَى اللّهِ. مُتَوَكِّلاً عَلَى اللّهِ وَأَقُولُ: حَسْبِيَ اللّهُ وَكَفى. سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ دَعا. لَيْسَ لي وَراءَ اللّهِ وَوَراءَكُمْ يا سادَتي مُنْتَهىً. ما شاءَ اللّهُ رَبّي كانَ وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ. يا سَيِّدي يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَمَوْلايَ وَأَنْتَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ سَلامي عَلَيْكُما مُتَّصِلٌ ما

---

۱. الحوائج خ ل.



اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، واصِلٌ اِلَيْكُما غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامي اِنْ شاءَ
اللهُ، وَاَسْاَلُهُ بِحَقِّكُما اَنْ يَشاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، اَنْقَلِبُ
يا سَيِّدَيَّ عَنْكُما تائِباً حامِداً لِلّٰهِ شاكِراً راضِياً مُسْتَيْقِناً لِلاِجابَةِ، غَيْرَ
آيِسٍ وَلا قانِطٍ، عائِداً راجِعاً اِلىٰ زِيارَتِكُما، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما، بَلْ راجِعٌ
اِنْ شاءَ اللهُ اِلَيْكُما، يا ساداتي رَغِبْتُ اِلَيْكُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فيكُما وَفي
زِيارَتِكُما اَهْلُ الدُّنْيا، فَلا خَيَّبَنِيَ اللهُ فيما رَجَوْتُ وَما اَمَّلْتُ في زِيارَتِكُما
اِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ.

پس رو به قبله کن و بگو:

يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، وَيا كاشِفَ كَرْبِ
الْمَكْرُوبينَ، وَيا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، وَيا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَيا مَنْ هُوَ
اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، [وَ] يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيا مَنْ هُوَ
بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ وَبِالْاُفُقِ الْمُبينِ، وَيا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ، وَيا مَنْ عَلَى
الْعَرْشِ اسْتَوىٰ، وَيا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيا مَنْ لا
تَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ، وَيا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْواتُ، وَيا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ
الْحاجاتُ، وَيا مَنْ لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ، يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، يا جامِعَ
كُلِّ شَمْلٍ، يا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ،
يا قاضِيَ الْحاجاتِ، يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ، يا مُعْطِيَ السُّؤُلاتِ، يا وَلِيَّ
الرَّغَباتِ، يا كافِيَ الْمُهِمّاتِ، يا مَنْ يَكْفي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفي مِنْهُ شَيْءٌ
فِي السَّماواتِ وَالْاَرْضِ، اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَعَلِيٍّ
اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَاِنّي بِهِمْ
اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ في مَقامي هٰذا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ اَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ اَسْاَلُكَ

وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ عَلَيْكَ. وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ. وَبِالْقَدْرِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ. وَبِالَّذي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ. وَبِاسْمِكَ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعالَمينَ وَبِهِ اَبَنْتَهُمْ وَاَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ حَتّى فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعالَمينَ جَميعاً. وَأَسأَلُكَ[1] اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنّي غَمّي وَهَمّي وَكَرْبي. وَاَنْ تَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ مِنْ اَمْري. وَتَقْضِيَ عَنّي دَيْني. وَتُجيرَني مِنَ الْفَقْرِ. وَتُجيرَني مِنَ الْفاقَةِ. وَتُغْنِيَني عَنِ الْمَسْأَلَةِ اِلَى الْمَخْلُوقينَ. وَتَكْفِيَني هَمَّ مَنْ اَخافُ هَمَّهُ. وَعُسْرَ مَنْ اَخافُ عُسْرَهُ. وَحُزُونَةَ مَنْ اَخافُ حُزُونَتَهُ. وَشَرَّ مَنْ اَخافُ شَرَّهُ. وَمَكْرَ مَنْ اَخافُ مَكْرَهُ. وَبَغْيَ مَنْ اَخافُ بَغْيَهُ. وَجَوْرَ مَنْ اَخافُ جَوْرَهُ. وَسُلْطانَ مَنْ اَخافُ سُلْطانَهُ. وَكَيْدَ مَنْ اَخافُ كَيْدَهُ. وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَمَقْدُرَةَ مَنْ اَخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ. وَتَرُدَّ عَنّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ. اَللّهُمَّ مَنْ اَرادَني بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ. وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ. وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَاَمانِيَّهُ. وَامْنَعْهُ عَنّي كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّى شِئْتَ. اَللّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ. وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ. وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها. وَبِسُقْمٍ لا تُعافيهِ. وَبِذُلٍّ لا تُعِزُّهُ. وَبِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها. اَللّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ. وَاَدْخِلِ الْفَقْرَ في مَنْزِلِهِ. وَالسُّقْمَ في بَدَنِهِ. حَتّى تَشْغَلَهُ عَنّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ. وَاَنْسِهِ ذِكْري كَما اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ. وَخُذْ عَنّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَميعِ جَوارِحِهِ. وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ في جَميعِ ذلِكَ السُّقْمَ. وَلا تَشْفِهِ حَتّى تَجْعَلَ ذلِكَ لَهُ شُغْلاً شاغِلاً بِهِ عَنّي وَعَنْ ذِكْري. وَاكْفِني يا كافِيَ مَنْ لا يَكْفي سِواكَ[2]. يا مُفَرِّجَ مَنْ لا مُفَرِّجَ لَهُ سِواكَ. وَمُغيثَ مَنْ لا مُغيثَ لَهُ

---

١. وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ عَلَيْكَ خ ل.
٢. فَاِنَّكَ الْكافي لا كافِيَ سِواكَ خ.

سِواكَ. وَجارَ مَنْ لا جارَ لَهُ سِواكَ. وَمَلْجأَ مَنْ لا مَلْجأَ لَهُ غَيْرُكَ. خابَ مَنْ كانَ رَجاؤُهُ سِواكَ. وَمُغيثُهُ سِواكَ وَمَفْزَعُهُ إِلىٰ سِواكَ. وَمَهْرَبُهُ وَمَلْجَؤُهُ إِلىٰ غَيْرِكَ وَمَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ. أَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي. وَمَفْزَعي وَمَهْرَبي وَمَلْجَئي وَمَنْجايَ. فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ. يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ. وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَلَكَ الْمِنَّةُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ وَأَنْتَ الْمُسْتَعانُ. فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تَكْشِفَ عَنّي هَمّي وَغَمّي وَكَرْبي في مَقامي هٰذا. كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ غَمَّهُ وَهَمَّهُ وَكَرْبَهُ. وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ. فَاكْشِفْ عَنّي كَما كَشَفْتَ عَنْهُ. وَفَرِّجْ عَنّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ. وَاكْفِني كَما كَفَيْتَهُ. وَاصْرِفْ عَنّي هَوْلَ ما أَخافُ هَوْلَهُ. وَمَؤُونَةَ مَنْ أَخافُ مَؤُونَتَهُ. وَهَمَّ مَنْ أَخافُ هَمَّهُ. بِلا مَؤُونَةٍ عَلىٰ نَفْسي مِنْ ذٰلِكَ. وَاصْرِفْني بِقَضاءِ حاجَتي وَكِفايَةِ ما أَهَمَّني هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتي يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس ملتفت شو به جانب قبر امير المؤمنين عليه السلام و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ وَالسَّلامُ عَلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ. لا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكُما. وَلا فَرَّقَ اللّٰهُ بَيْني وَبَيْنَكُما.

مؤلف گويد: اگر [كسى] خواهد بين احاديث جمع كند ـ چنانچه علّامهٔ مجلسى رحمه الله فرموده: اين زيارت را تا فَإِنّي عَبْدُ اللّٰهِ وَوَلِيُّكَ وَزائِرُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ بخواند، و پس از نماز شروع كند و زيارت عاشوراى معروفه را به تمامه بخواند و دعاى علقمه را هم بخواند تا به همهٔ احاديث عمل شود و فضيلت اين زيارت [را] درک كند.

و نيز مؤلف گويد: مناسب است در اين جا به چند امر تذكر دهيم:

اوّل: آن‌که مخفی و پوشیده نماند که در تمام کتب مزاریّه دیده نشده که در این مشاهد مشرّفهٔ هفتگانه ـ علی مُشرّفها آلاف السّلام و التّحیّة ـ زیارت غیر صاحب آن بقعهٔ منوّره را، چه یکی باشد چه متعدّد، و دیده نشده که زیارتی مخصوص باشد از برای آن مثل زیارت حضرت رسول ﷺ در حرم امیر المؤمنین علیه السلام و زیارت این هر دو بزرگوار در حرم ابی عبد الله علیه السلام و هم‌چنین در سایر حرم‌ها بالنّسبه به غیر صاحبش از سایر حجج طاهره علیهم السلام، جز زیارت حضرت امام حسین که در حرم امیر المؤمنین علیه السلام مستحبّ و در اخبار عدیده امر به آن شده. و این نه از جهت فضایل زیارت آن حضرت که احصا نتوان کرد، چه آن فضایل به هر درجه برسد باز به فضل زیارت پدر بزرگوارش نرسد، و با این حال زیارت پدرش امیر المؤمنین علیه السلام در حرم آن حضرت و سایر حرم‌ها مخصوصاً مستحب نیست و ابداً در اخبار اشاره به آن نفرمودند. و هکذا زیارت رسول الله ﷺ در سایر حرم‌ها، بلکه زیارت خود حضرت ابی عبد الله علیه السلام در غیر حرم امیر المؤمنین علیه السلام. پس باید این مطلب، به ملاحظهٔ امر دیگری باشد غیر از بزرگی فضیلت زیارت، و آن امر نیست مگر رعایت قبر سر مبارک آن حضرت که حسب اخبار سابقه و غیرها در بالا سر قبر امیر المؤمنین آن سر مقدّس دفن شده، و در قدیم الأیّام اثر قبر نیز ظاهر بوده، و به همین ملاحظه جمعی از علما و اتقیا و صلحا از آن طرف عبور نمی‌کنند و به مقتضای احتیاط، گذشتن از آن‌جا را شایسته نمی‌دانند، بلکه بعضی از ایشان از صحن از طرف بالا سر هم نمی‌گذرند، و بعضی اگر عبور کنند پا را برهنه می‌نمایند، و از این جهت است که در اخبار عدیده محلّ زیارت آن حضرت را در این حرم شریف در بالای سر مقرّر فرمودند. حتّی مواضع مخصوصهٔ زیارت عاشورا، همین محلّ شریف است. و در زیارت اوّل حضرت امیر علیه السلام که روایت شده بود از صفوان [و پیش از این] گذشت که فرموده بودند: در جانب سر بایست و بگو: **يا مَولاي إليك وُفودي**... الخ. آن‌گاه ضریح را ببوس و پشت به قبله بایست و رو به قبر امام حسین علیه السلام کن و بگو **السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِاللّٰهِ**، پس هر کس زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در این حرم مطهّر لکن در پایین پا یا در پشت سر یا مواضع دیگر غیر از سمت سر، زیارت واردهٔ آن حضرت را در آن‌جا نکرده، بلکه از آن‌جا که زیارت آن حضرت در هر محلّ و مکان چه دور و چه نزدیک و در هر زمان مندوب و مرغوب است البتّه به اجر و ثواب آن خواهد رسید إن شاء الله، و لکن به ادب مخصوص ورود به این حرم مطهّر عمل نشده. و چون این مطلب معلوم شد پس بدان که در این محلّ شریف چند زیارت است که حضرت ابی عبد الله علیه السلام با آن‌ها زیارت می‌شود.

اوّل و دوّم: زیارت عاشورای معروفه و عاشورای غیر معروفه است که هر دو در باب زیارات حضرت ابی عبد الله‌ؑ [صفحه ۱۷۰] ذکر شد.

سوّم: زیارتی که خواهد آمد در اعمال مسجد حنّانه [صفحه ۲۹۷] بنا بر فرمودهٔ علّامهٔ مجلسیؒ در *تحفة الزائر*.

چهارم: زیارت معروفهٔ متداوله که شیخ مفید و سیّد و شهیدؒ از صفوان روایت کرده‌اند و در ضمن زیارت اوّل حضرت امیر المؤمنینؑ [صفحه ۲۰۴] مذکور شد. پس اگر کسی زیارت کرد حضرت امیر المؤمنینؑ را به غیر زیارت اوّل در مقام زیارت حضرت امام حسینؑ، رجوع کند به یکی از این زیارات مذکوره.

امر دوّم: آن‌که چون به حسب اخبار فراوان معلوم شده که [استخوان‌ها و] عظام حضرت آدمؑ و بدن جناب نوحؑ در همان مرقد شریف امیر المؤمنینؑ است، لهذا باید زائر در آن حرم مطهّر، آن دو پیغمبر معظّم را نیز زیارت کند و از آن حرم عظیم الشّأن بی‌سلام کردن بر ایشان بیرون نرود والّا ادای حقّ تعظیم ایشان نشده، چه آن‌که تعظیم و توقیر هر یک از پیغمبران و اوصیا صلوات الله علیهم بر همهٔ مکلّفین لازم است عقلاً و شرعاً چه از امّت ایشان باشند یا نباشند، چنانچه در قرآن کریم اشاره به این امر شده ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ﴾ و احترام و اکرام ایشان در حیات و ممات فرقی نکند. پس اگر در زمان حضور یکی از ایشان کسی در محضر شریفش حاضر شود و سلام نمی‌کند و تحیّت نگوید البتّه اهانت کرده و حقیر شمرده آن رسول معظّم پروردگار را، هم چنین بعد از وفات اگر در نزد مرقد شریفش حاضر شد البتّه باید چنان رفتار کند که گویا زنده و حاضر و ناظر است.

و امّا الفاظ زیارت این دو پیغمبر مکرّم همان است که در ضمن زیارت اوّل جناب امیر المؤمنینؑ ذکر شد، ومحلّ زیارتشان در بالای سر است در همان‌جا که زیارت حضرت سیّد الشّهداؑ را باید کرد، پشت به قبله و رو به ایشان. چنانچه در آداب زیارت معصوم ذکر شد و در عنوان زیارتشان نیز اشاره به همین مطلب شده. پس آنچه مرسوم شده میان عوام و خدّام و غیره که در پشت سر رو به قبله می‌ایستند و آن دو رسول معظّم پروردگار را در حکم رعایا و غیر معصوم در آورده زیارت می‌کنند، علاوه بر آن‌که به آداب مقرّرهٔ وارده عمل نکرده‌اند در تعظیم وتبجیل ایشان ندانسته کوتاهی کرده‌اند.

و بدان که ما بعد از این در زیارات جامعه زیارتی نقل کنیم إن شاء اللّه که در همهٔ مواضع و مشاهد بتوان خواند آن را، و آن را زیارت اوّل جوامع قرار دهیم، اگر خواستی جناب آدم و نوحعليه‌السلام را به آن زیارت کنی چنانچه بعضی از علما گفته‌اند مناسب است.

صلوات بعد از زیارت حضرت آدمعليه‌السلام

و علّامهٔ مجلسیرحمه‌الله فرموده که زائر اگر بعد از زیارت حضرت آدمعليه‌السلام یا بعد از نماز زیارت آن حضرت، بخواند صلواتی را که از حضرت امام زین العابدینعليه‌السلام منقول است برای آن حضرت و در بعضی از نسخ *صحیفهٔ کامله* الحاق نموده‌اند مناسب است و آن این است:

اَللّٰهُمَّ وَآدَمُ بَديعُ فِطْرَتِكَ، وَأَوَّلُ مُعْتَرِفٍ مِنَ الطّينِ بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَبِكْرُ حُجَّتِكَ عَلىٰ عِبادِكَ وَبَرِيَّتِكَ، وَالدَّليلُ عَلَى الْاِسْتِجارَةِ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ، وَالنّاهِجُ سُبُلَ تَوْبَتِكَ، وَالْوَسيلَةُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِكَ، وَالَّذي لَقَّنْتَهُ ما رَضيتَ بِهِ عَنْهُ بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ لَهُ، وَالْمُنيبُ الَّذي لَمْ يُصِرَّ عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ، وَسابِقُ الْمُتَذَلِّلينَ بِحَلْقِ رَأْسِهِ في حَرَمِكَ، وَالْمُتَوَسِّلُ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ بِالطّاعَةِ إِلىٰ عَفْوِكَ، وَأَبُو الْأَنْبِياءِ الَّذينَ أُوذُوا في جَنْبِكَ، وَأَكْثَرُ سُكّانِ الْأَرْضِ سَعْياً في طاعَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَنْتَ يا رَحْمٰنُ وَمَلائِكَتُكَ وَسُكّانُ سَماواتِكَ وَأَرْضِكَ كَما عَظَّمَ حُرُماتِكَ وَدَلَّنا عَلىٰ سَبيلِ مَرْضاتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

امر سوّم: آن‌که در قبر مطهّر امیر المؤمنینعليه‌السلام در پیش رو نزدیک به بالای سر دو سوراخ است و مشهور است به جای دو انگشت، و می‌گویند که این جای دو انگشت مبارک آن حضرت است که از قبر مطهّر بیرون آمده و مُرّة قیس کافر را با آن، دو نیم ساخته. و این معجزه از آن حضرت اگر چه در کتب معتبره یافت نشده لکن در نزد شیعه به مرتبه‌ای از شهرت رسیده که بر احدی مخفی نیست و جمعی از شعرای سابقین در اشعار خود به این مطلب اشاره کرده‌اند و آن را از مناقب مسلّمهٔ آن حضرت شمرده‌اند، چنانچه حکیم ابوالقاسم فردوسی که از شعرای حدود سنه

چهار صد است گفته:

شهی که زد به دو انگشت مرّه را به دو نیم ... برای قتل عدو ساخت ذوالفقار انگشت

و حکیم سنائی معروف که در حدود سنه پانصد بوده گفته:

خواب و آرام مرّه و عنتر ... کرده در مغز عقل زیر و زبر

و دیگری گفته است:

آن است امام کز دو انگشت ... چون مرّهٔ قیس کافری کشت

و ملّا حسن کاشی آملی در خصوص این معجزه قصیده‌ای ساخته، و ملخّص این قضیّه را عالم فاضل شمس الدّین محمّد رضوی که یکی از علمای صفویّه است در کتاب *حبل المتین* که در معجزات امیر المؤمنین علیه السلام است ـ از کتاب *تبصرة المؤمنین* نقل کرده، و گفته که بعضی از علما این را به تفصیل ذکر نموده‌اند. و هم‌چنین عالم فاضل محمد صالح حسینی ترمذی متخلّص به کشفی که از علمای اهل سنّت است در کتاب *مناقب* نقل نموده و گفته که این مطلب ثابت شده به اسانید صحیحه، و آن حکایت چنان است که مرّة بن قیس مردی از کفار بود که مال و خدم و حشم بسیار داشت. روزی با قوم خود درباره آبا و اجداد و بزرگان قوم خود سخن گفت. به او گفتند که بسیاری از ایشان را علی بن ابی طالب علیه السلام کشته. همین که آن احمق پلید این مطلب را از ایشان شنید، از مدفن آن حضرت سؤال کرد، دلالت کردند او را به نجف اشرف. پس با دو هزار سوار، چند هزار پیاده به سمت نجف شتافت. همین‌که به نواحی نجف رسید به اهل آن‌جا خبر رسید خود را متحصّن[1] کنند و آن ملعون تا مدّت شش روز با آن‌ها محاربه نمود تا آن‌که موضعی از حصار ولایت را خراب کرده با لشکر خود داخل شدند. مسلمین که چنین دیدند روی به هزیمت نهادند. و آن خبیث آمد تا داخل روضهٔ مطهّر شد و به آن حضرت عتاب نمود که یا علی تو پدران و اجداد مرا کُشتی؟ و خواست که قبر مطهّر را بشکافد، که ناگاه دو انگشت مبارک مانند ذوالفقار از قبر بیرون آمد و بر کمر او زده و او را به دو نیمه ساخت، و در همان وقت آن دو نصف به دو سنگ سیاه [تبدیل] شد. پس او را آوردند و در پشت دروازهٔ نجف انداختند و پیوسته آن‌جا بود و هرکه به زیارت نجف می‌آمد پایی بر آن می‌زد. و از خاصیّت او آن بود که هیچ حیوانی از نزد او عبور نمی‌کرد مگر آن‌که بول می‌کرد بر او. پس بعضی از جهّال آن را برداشته و به مسجد کوفه برد که او را سرمایه [کاسبی] خود کند و از کسانی که به تماشای او می‌آیند [سودی و] انتفاعی برد، پس

---

۱. پناه بگیرند. حصن در این جا به معنی سنگر است.

آن سنگ بود تا آن‌که به مرور ایّام مضمحل [و نابود] شده و از هم پاشید.

صاحب کتاب مذکور گفته که حدیث کرد از برای من شیخ یونس ـ که از صلحای نجف است ـ که من عضوی از اعضای آن را در آن‌جا دیدم، انتهی.

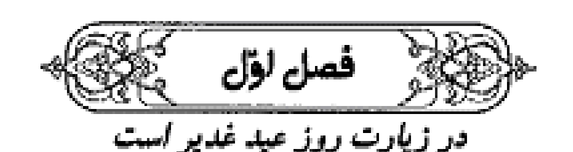
و از شیخ عالم جلیل شیخ قاسم کاظمینی نجفی صاحب *شرح استبصار* حکایت شده که او بسیار نفرین می‌نمود در حق آن‌که این سنگ را از نجف بیرون برده بود و می‌گفت: خَذَلَ اللّهُ مَن أخرجَ هٰذا الملعونَ من تلكَ العَتَبةِ المقدّسةِ وأبطلَ هٰذه المعجزةَ الباهرةَ؛ خدا رسوا کند آن‌که را که این ملعون یعنی مرّة [بن] قیس را از نجف بیرون برد و این معجزهٔ باهره را نابود کرد.

مؤلف گوید که: از کلام خاتم الفقهاء الفخام و شیخ العلماء صاحب *جواهر الکلام* ظاهر می‌شود که این مطلب نزد ایشان معتبر بوده و به سبب آن‌که این موضع از قبر مطهّر محلّ بروز معجزهٔ و کرامت صاحب آن قبر منوّر است آن جا را از مکان‌های شریفهٔ این حرم شمرده، چنانچه در کتاب *لعان جواهر* در شرح قول محقّق‌ رحمه‌الله : «و قد یغلّظ اللعان بالقول و المکان» گفته که از امکنهٔ شریفهٔ این مکان است که معروف است به دو انگشت در مشهد امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام در نزدیکی سر معظّم آن حضرت صلوات اللّه علیه.

مقام دوّم

در بیان زیارات مخصوصهٔ امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام است

و در آن چند فصل است:



فصل اوّل

در زیارت روز عید غدیر است

شیخ طوسی و سید ابن طاووس‌ رحمهما‌الله به سند خود از شیخ معظّم جلیل جناب ابن ابی نصر بزنطی روایت کرده‌اند که گفت: فرمود به من حضرت امام رضا علیه‌السلام که: «ای ابن ابی نصر هرجا که باشی، در روز غدیر حاضر شو نزد قبر امیر المؤمنین‌ علیه‌السلام، به درستی که حق تعالی می‌آمرزد در این روز از مرد مؤمن وزن مؤمنه گناه شصت ساله را، و آزاد می‌کند از آتش جهنّم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و در شب قدر و در شب فطر، و یک درهم در این روز برابر است با هزار

درهم اگر به برادران مؤمن عارف به حقّ اهل بیت بدهی، و به برادران مؤمن بسیار عطا بکن، و شاد کن در این روز هر مؤمن و مؤمنه را». پس فرمود که: «ای اهل کوفه خدا به شما خیر بسیار داده است و شما از آن جماعتی هستید که خدا دل ایشان را برای ایمان امتحان کرده است، پس پیوسته خوار و مظلوم و [در معرض] امتحان هستید. بر شما ریخته می‌شود بلا به فراوانی، پس بر طرف می‌کند و دور می‌کند از شما خداوندی که دفع کننده بلاهای عظیم است، و اللّه که اگر مردم، فضیلت این روز چنانچه باید بدانند هر آینه ملائکه با ایشان هر روز ده مرتبه مصافحه می‌کنند».

و بدان که علما برای این روز شریف سه زیارت نقل کرده‌اند:

اوّل: زیارتی است که در زیارت دوّم از زیارات مطلقه گذشت، و آن زیارت معروف به امین اللّه است.

دوّم: زیارتی است که سید ابن طاووس رحمه الله آن را روایت کرده است و در اعمال روز غدیر إن شاء اللّه تعالی می‌آید.

سوّم: زیارتی است که شیخ مفید و شیخ شهید ـ علیهما الرّحمه ـ و دیگران روایت کرده‌اند به این کیفیّت که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خبر دادند از پدر بزرگوار خود امام علیّ النّقی علیه السلام که در سالی که معتصم آن حضرت را در روز عید غدیر طلبیده بود، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را به آن لفظ زیارت کرده‌اند، و نسبت آن زیارت شریفه به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام چنانچه در کتاب مستطاب *تحفه* واقع شده از قلم مبارک مؤلّفش سهوی شده، و صحیح همان است که در *بحار* است و نسخهٔ *مزار* مفید و شهید فعلاً نیز در نزد حقیر موجود است و عبارت متن ترجمه عبارات ایشان است، به علاوه آن‌که معتصم قبل از ولادت با سعادت حضرت عسکری علیه السلام، هلاک شده.

و شیخ مفید رحمه الله فرموده که چون ارادهٔ زیارت نمائی بایست بر در قبّهٔ منوّره و رخصت طلب نما، پس پای راست را مقدّم دار و داخل شو و برو نزدیک ضریح مطهّر و پشت به قبله در برابر قبر منوّر بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلينَ وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعالَمينَ، اَمينِ اللّٰهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ اَمْرِهِ، وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالْفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَالسَّلامُ عَلىٰ اَنْبِياءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ

وَعِبادِهِ الصّالِحينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أميرَالْمُؤْمِنينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيّينَ وَوارِثَ عِلْمِ النَّبِيّينَ وَوَلِيَّ رَبِّ الْعالَمينَ، وَمَوْلايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أميرَالْمُؤْمِنينَ يا أمينَ اللّهِ في أرْضِهِ وَسَفيرَهُ في خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ الْبالِغَةَ عَلَى عِبادِهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أمينَ اللّهِ الْقَويمَ وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ. السَّلامُ عَلَيْكَ أيُّهَا النَّبَأُ الْعَظيمُ الَّذي هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أميرَالْمُؤْمِنينَ. آمَنْتَ بِاللّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ. وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ. وَجاهَدْتَ وَهُمْ مُحْجِمُونَ. وَعَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدّينَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّى أتاكَ الْيَقينُ. ألا لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظّالِمينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُسْلِمينَ وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنينَ وَإمامَ الْمُتَّقينَ وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. أشْهَدُ أنَّكَ أخُو رَسُولِ اللّهِ وَوَصِيُّهُ وَوارِثُ عِلْمِهِ وَأمينُهُ عَلَى شَرْعِهِ وَخَليفَتُهُ في اُمَّتِهِ. وَأوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَصَدَّقَ بِما اُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّهِ. وَأشْهَدُ أنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنِ اللّهِ ما أنْزَلَهُ فيكَ فَصَدَعَ بِأمْرِهِ وَأوْجَبَ عَلَى اُمَّتِهِ فَرْضَ طاعَتِكَ وَوِلايَتِكَ وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ وَجَعَلَكَ أوْلَى بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ أنْفُسِهِمْ كَما جَعَلَهُ اللّهُ كَذٰلِكَ. ثُمَّ أشْهَدَ اللّهَ تَعالَى عَلَيْهِمْ فَقالَ: ألَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقالُوا: اللّهُمَّ بَلَى. فَقالَ: اللّهُمَّ اشْهَدْ وَكَفَى بِكَ شَهيداً وَحاكِماً بَيْنَ الْعِبادِ. فَلَعَنَ اللّهُ جاحِدَ وِلايَتِكَ بَعْدَ الْإقْرارِ وَناكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْميثاقِ. وَأشْهَدُ أنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّهِ تَعالَى وَأنَّ اللّهَ مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ ﴿وَمَنْ أوْفَى بِما عاهَدَ عَلَيْهُ اللّهَ فَسَيُؤْتيهِ أجْراً عَظيماً﴾. وَأشْهَدُ أنَّكَ أميرُ الْمُؤْمِنينَ. الْحَقُّ الَّذي نَطَقَ بِوِلايَتِكَ التَّنْزيلُ. وَأخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْاُمَّةِ بِذٰلِكَ الرَّسُولُ. وَأشْهَدُ أنَّ

عَمِّكَ وَأَخاكَ الَّذينَ تاجَرْتُمُ اللّهَ بِنُفُوسِكُمْ فَأَنْزَلَ اللّهُ فيكُمْ ﴿إِنَّ اللّهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقاتِلُونَ في سَبيلِ اللّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً فِي التَّوراةِ وَالْإِنْجيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذي بايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ * اَلتّائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ السّائِحُونَ الرّاكِعُونَ السّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ﴾. أَشْهَدُ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ أَنَّ الشّاكَّ فيكَ ما آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمينِ، وَأَنَّ الْعادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عائِدٌ[1] عَنِ الدّينِ الْقَويمِ الَّذِي ارْتَضاهُ لَنا رَبُّ الْعالَمينَ وَأَكْمَلَهُ بِوِلايَتِكَ يَوْمَ الْغَديرِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزيزِ الرَّحيمِ ﴿وَأَنَّ هٰذا صِراطي مُسْتَقيماً فَاتَّبِعُوهُ وَلا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبيلِهِ﴾. ضَلَّ وَاللّهِ وَأَضَلَّ مَنِ اتَّبَعَ سِواكَ، وَعَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عاداكَ. اَللّٰهُمَّ سَمِعْنا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنا وَاتَّبَعْنا صِراطَكَ الْمُسْتَقيمَ. فَاهْدِنا رَبَّنا وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا إِلىٰ طاعَتِكَ وَاجْعَلْنا مِنَ الشّاكِرينَ لِأَنْعُمِكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوىٰ مُخالِفاً، وَلِلتُّقىٰ مُحالِفاً، وَعَلىٰ كَظْمِ الْغَيْظِ قادِراً، وَعَنِ النّاسِ عافِياً غافِراً، وَإِذا عُصِيَ اللّهُ ساخِطاً، وَإِذا أُطيعَ اللّهُ راضِياً، وَبِما عَهِدَ إِلَيْكَ عامِلاً، راعِياً لِمَا اسْتُحْفِظْتَ، حافِظاً لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغاً ما حُمِّلْتَ، مُنْتَظِراً ما وُعِدْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضارِعاً، وَلا أَمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جازِعاً، وَلا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجاهَدَةِ غاصِبيكَ ناكِلاً، وَلا أَظْهَرْتَ الرِّضا بِخِلافِ ما يُرْضِي اللّهَ مُداهِناً، وَلا وَهَنْتَ لِما أَصابَكَ في سَبيلِ اللّهِ، وَلا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكَنْتَ عَنْ

---

۱. عادل ع ل. وفي البحار: عاند.

طَلَبِ حَقِّكَ مُراقِباً[1]. مَعاذَ اللّهِ اَنْ تَكُونَ كَذلِكَ. بَلْ اِذْ ظُلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ وَفَوَّضْتَ اِلَيْهِ اَمْرَكَ. وَذَكَّرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَرُوا. وَوَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا. وَخَوَّفْتَهُمُ اللّهَ فَما تَخَوَّفُوا[2]. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ جاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ. حَتّىٰ دَعاكَ اللّهُ اِلىٰ جِوارِهِ. وَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ. وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ اِيّاكَ لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ. عَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ صابِراً وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً. وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ. وَاَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ. مُبْتَغِياً ما عِنْدَ اللّهِ راغِباً في ما وَعَدَ اللّهُ. لا تَحْفِلُ بِالنَّوائِبِ وَلا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدائِدِ وَلا تُحْجِمُ عَنْ مُحارِبٍ. اَفِكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذٰلِكَ اِلَيْكَ وَافْتَرىٰ باطِلاً عَلَيْكَ وَاَوْلىٰ لِمَنْ عَنِدَ عَنْكَ. لَقَدْ جاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ الْجِهادِ. وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ صَبْرَ احْتِسابٍ. وَاَنْتَ اَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَصَلّىٰ لَهُ وَجاهَدَ وَاَبْدىٰ صَفْحَتَهُ في دارِ الشِّرْكِ وَالْاَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلالَةً وَالشَّيْطانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً. وَاَنْتَ الْقائِلُ: لا تَزيدُني كَثْرَةُ النّاسِ حَوْلي عِزَّةً وَلا تَفَرُّقُهُمْ عَنّي وَحْشَةً وَلَوْ اَسْلَمَنِي النّاسُ جَميعاً لَمْ اَكُنْ مُتَضَرِّعاً. اِعْتَصَمْتَ بِاللّهِ فَعَزَزْتَ. وَآثَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْاُولىٰ فَزَهِدْتَ. وَاَيَّدَكَ اللّهُ وَهَداكَ وَاَخْلَصَكَ وَاجْتَباكَ فَما تَناقَضَتْ اَفْعالُكَ وَلا اخْتَلَفَتْ اَقْوالُكَ وَلا تَقَلَّبَتْ اَحْوالُكَ. وَلا ادَّعَيْتَ وَلا افْتَرَيْتَ عَلَى اللّهِ كَذِباً. وَلا شَرِهْتَ اِلَى الْحُطامِ وَلا دَنَّسَتْكَ الْآثامُ. وَلَمْ تَزَلْ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَيَقينٍ مِنْ اَمْرِكَ تَهْدي اِلَى الْحَقِّ

---

۱. مُراغِباً خ ل. ۲. فَلَمْ يَخافُوا خ ل.

وَإِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ. أَشْهَدُ شَهادَةَ حَقٍّ وَأُقْسِمُ بِاللّٰهِ قَسَمَ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّداً وَآلَهُ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ ساداتُ الْخَلْقِ. وَأَنَّكَ مَوْلايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنينَ. وَأَنَّكَ عَبْدُ اللّٰهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوارِثُهُ. وَأَنَّهُ الْقائِلُ لَكَ: وَالَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ ما آمَنَ بي مَنْ كَفَرَ بِكَ وَلا أَقَرَّ بِاللّٰهِ مَنْ جَحَدَكَ وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللّٰهِ وَلا إِلَيَّ مَنْ لا يَهْتَدي بِكَ. وَهُوَ قَوْلُ رَبّي عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدىٰ» إِلىٰ وِلايَتِكَ. مَوْلايَ فَضْلُكَ لا يَخْفىٰ وَنُورُكَ لا يُطْفَأُ. وَأَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظَّلُومُ الْأَشْقىٰ. مَوْلايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبادِ وَالْهادي إِلَى الرَّشادِ وَالْعُدَّةُ لِلْمَعادِ. مَوْلايَ لَقَدْ رَفَعَ اللّٰهُ فِي الْأُولىٰ مَنْزِلَتَكَ وَأَعْلىٰ فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَبَصَّرَكَ ما عَمِيَ عَلىٰ مَنْ خالَفَكَ وَحالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَواهِبِ اللّٰهِ لَكَ. فَلَعَنَ اللّٰهُ مُسْتَحِلّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَذائِدي الْحَقِّ عَنْكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذينَ «تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النّارُ وَهُمْ فيها كالِحُونَ». وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ما أَقْدَمْتَ وَلا أَحْجَمْتَ وَلا نَطَقْتَ وَلا أَمْسَكْتَ إِلّا بِأَمْرٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ. قُلْتَ: وَالَّذي نَفْسي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدُماً[1] فَقالَ: يا عَلِيُّ أَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ إِلّا أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدي. وَأُعْلِمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَياتَكَ مَعي وَعَلىٰ سُنَّتي. فَوَاللّٰهِ ما كَذِبْتُ وَلا كُذِّبْتُ وَلا ضَلَلْتُ وَلا ضُلَّ بي وَلا نَسيتُ ما عَهِدَ إِلَيَّ رَبّي. وَإِنّي لَعَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبّي بَيَّنَها لِنَبِيِّهِ وَبَيَّنَهَا النَّبِيُّ لي. وَإِنّي لَعَلَى الطَّريقِ الْواضِحِ أَلْفِظُهُ لَفْظاً. صَدَقْتَ وَاللّٰهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ. فَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ساواكَ بِمَنْ ناواكَ وَاللّٰهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذينَ لا يَعْلَمُونَ». فَلَعَنَ اللّٰهُ

---

١. قُدامَهُ خ ل.

مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وِلايَتَكَ وَأَنْتَ وَلِيُّ اللّٰهِ وَأَخُو رَسُولِهِ وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ . قالَ اللّٰهُ تَعالىٰ: «وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجاهِدِينَ عَلَى الْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً * دَرَجاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكانَ اللّٰهُ غَفُوراً رَحِيماً» . وَقالَ اللّٰهُ تَعالىٰ: «أَجَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَعِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَهاجَرُوا وَجاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوانٍ وَجَنّاتٍ لَهُمْ فِيها نَعِيمٌ مُقِيمٌ * خالِدِينَ فِيها أَبَداً إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللّٰهِ الْمُخْلِصُ لِطاعَةِ اللّٰهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدىٰ بَدَلاً وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّكَ أَحَداً . وَأَنَّ اللّٰهَ تَعالىٰ اسْتَجابَ لِنَبِيِّهِ ﷺ فِيكَ دَعْوَتَهُ . ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهارِ ما أَوْلاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلاءً لِشَأْنِكَ . وَإِعْلاناً لِبُرْهانِكَ وَدَحْضاً لِلْأَباطِيلِ وَقَطْعاً لِلْمَعاذِيرِ . فَلَمّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفاسِقِينَ وَاتَّقىٰ فِيكَ الْمُنافِقِينَ أَوْحىٰ إِلَيْهِ رَبُّ الْعالَمِينَ: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللّٰهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ» . فَوَضَعَ عَلىٰ نَفْسِهِ أَوْزارَ الْمَسِيرِ . وَنَهَضَ فِي رَمْضاءِ الْهَجِيرِ . فَخَطَبَ وَأَسْمَعَ وَنادىٰ فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ فَقالَ: هَلْ بَلَّغْتُ؟ فَقالُوا: اللّٰهُمَّ بَلىٰ . فَقالَ: اللّٰهُمَّ اشْهَدْ . ثُمَّ قالَ: أَلَسْتُ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ فَقالُوا: بَلىٰ . فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَهٰذا عَلِيٌّ مَوْلاهُ . اللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ . فَما آمَنَ بِما أَنْزَلَ اللّٰهُ فِيكَ عَلىٰ نَبِيِّهِ إِلّا قَلِيلٌ وَلا زادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ . وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللّٰهُ تَعالىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ

كارِهُونَ: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يُجاهِدُونَ في سَبيلِ اللهِ وَلا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَاللهُ واسِعٌ عَليمٌ * إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكوٰةَ وَهُمْ راكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغالِبُونَ﴾. رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ. رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ. اللّهُمَّ إِنّا نَعْلَمُ أَنَّ هذا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنْ مَنْ عارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ. وَسَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.

السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيّينَ وَأَوَّلَ الْعابِدينَ وَأَزْهَدَ الزّاهِدينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ. أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعامِ عَلىٰ حُبِّهِ مِسْكيناً وَيَتيماً وَأَسيراً لِوَجْهِ اللهِ لا تُريدُ مِنْهُمْ جَزاءً وَلا شُكُوراً. وَفيكَ أَنْزَلَ اللهُ تَعالىٰ ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. وَأَنْتَ الْكاظِمُ لِلْغَيْظِ وَالْعافي عَنِ النّاسِ وَاللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ. وَأَنْتَ الصّابِرُ فِي الْبَأْساءِ وَالضَّرّاءِ وَحينَ الْبَأْسِ. وَأَنْتَ الْقاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَالْعادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَالْعالِمُ بِحُدُودِ اللهِ مِنْ جَميعِ الْبَرِيَّةِ. وَاللهُ تَعالىٰ أَخْبَرَ عَمّا أَوْلاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: ﴿أَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ * أَمَّا الَّذينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنّاتُ الْمَأْوىٰ نُزُلاً بِما كانُوا يَعْمَلُونَ﴾.

وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزيلِ وَحُكْمِ التَّأْويلِ وَنَصِّ الرَّسُولِ. وَلَكَ

الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَةُ وَالْمَقاماتُ الْمَشْهُورَةُ وَالْأَيّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزابِ ﴿إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونا * هُنالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزالاً شَدِيداً * وَإِذْ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً * وَإِذْ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ يا أَهْلَ يَثْرِبَ لا مُقامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَما هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِراراً﴾. وَقالَ اللَّهُ تَعالىٰ: ﴿وَلَمّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هٰذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَما زادَهُمْ إِلَّا إِيماناً وَتَسْلِيماً﴾. فَقَتَلْتَ عَمْرَوهُمْ وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ ﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنالُوا خَيْراً وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتالَ وَكانَ اللَّهُ قَوِيّاً عَزِيزاً﴾.

وَيَوْمَ أُحُدٍ إِذْ يُصْعِدُونَ وَلا يَلْوُونَ عَلىٰ أَحَدٍ، وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ في أُخْراهُمْ، وَأَنْتَ تَذُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذاتَ الْيَمِينِ وَذاتَ الشِّمالِ، حَتّىٰ رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعالىٰ عَنْكُما خائِفِينَ وَنَصَرَ بِكَ الْخاذِلِينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلىٰ ما نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ: ﴿إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ * ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمُّكَ الْعَبّاسُ يُنادِي الْمُنْهَزِمِينَ: يا أَصْحابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ يا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ حَتَّى اسْتَجابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَؤُونَةَ، وَتَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ، فَعادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ راجِينَ وَعْدَ اللَّهِ تَعالىٰ بِالتَّوْبَةِ وَذٰلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلىٰ مَنْ يَشاءُ﴾. وَأَنْتَ حائِزٌ

دَرَجَةَ الصَّبْرِ فائِزٌ بِعَظيمِ الْأَجْرِ.

وَيَوْمَ خَيْبَرٍ إِذْ أَظْهَرَ اللّهُ خَوَرَ الْمُنافِقينَ وَقَطَعَ دابِرَ الْكافِرينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ «وَلَقَدْ كانُوا عاهَدُوا اللّهَ مِنْ قَبْلُ لا يُوَلُّونَ الْأَدْبارَ وَكانَ عَهْدُ اللّهِ مَسْؤُولاً».

مَوْلايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ وَالْمَحَجَّةُ الْواضِحَةُ وَالنِّعْمَةُ السّابِغَةُ وَالْبُرْهانُ الْمُنيرُ. فَهَنيئاً لَكَ بِما آتاكَ اللّهُ مِنْ فَضْلٍ وَتَبّاً لِشانِئِكَ ذِي الْجَهْلِ.

شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَميعَ حُرُوبِهِ وَمَغازيهِ. تَحْمِلُ الرّايَةَ أَمامَهُ وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدّامَهُ. ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَبَصيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ أَمَّرَكَ فِي الْمَواطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَميرٌ. وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضاءِ عَزْمِكَ فيهِ التُّقى وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ في مِثْلِهِ الْهَوى. فَظَنَّ الْجاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمّا إِلَيْهِ انْتَهى. ضَلَّ وَاللّهِ الظّانُّ لِذٰلِكَ وَمَا اهْتَدى وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ ما أَشْكَلَ مِنْ ذٰلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَامْتَرى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ: قَدْ يَرَى الْحُوَّلُ الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحيلَةِ وَدُونَها حاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللّهِ فَيَدَعُها رَأْيَ الْعَيْنِ. وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَها مَنْ لا حَريجَةَ لَهُ فِي الدّينِ. صَدَقْتَ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ. وَإِذْ ماكَرَكَ النّاكِثانِ فَقالا: نُريدُ الْعُمْرَةَ. فَقُلْتَ لَهُما: لَعَمْرُكُما ما تُريدانِ الْعُمْرَةَ لٰكِنْ تُريدانِ الْغَدْرَةَ. فَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِما وَجَدَّدْتَ الْميثاقَ فَجَدّا فِي النِّفاقِ. فَلَمّا نَبَّهْتَهُما عَلى فِعْلِهِما أَغْفَلا وَعادا وَمَا انْتَفَعا وَكانَ عاقِبَةُ أَمْرِهِما خُسْراً. ثُمَّ تَلاهُما أَهْلُ الشّامِ فَسِرْتَ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْذارِ وَهُمْ لا يَدينُونَ دينَ الْحَقِّ وَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ. هَمَجٌ رَعاعٌ ضالُّونَ. وَبِالَّذي أَنْزَلَ عَلى مُحَمَّدٍ ﷺ فيكَ كافِرُونَ. وَلِأَهْلِ الْخِلافِ عَلَيْكَ ناصِرُونَ. وَقَدْ أَمَرَ اللّهُ

تَعالىٰ بِاتِّباعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنينَ إِلىٰ نَصْرِكَ، وَقالَ عَزَّ وَجَلَّ: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقينَ».

مَوْلايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمْسِ، فَلَكَ سابِقَةُ الْجِهادِ عَلىٰ تَصْديقِ التَّنْزيلِ، وَلَكَ فَضيلَةُ الْجِهادِ عَلىٰ تَحْقيقِ التَّأْويلِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللّٰهِ جاحِدٌ لِرَسُولِ اللّٰهِ، يَدْعُو باطِلاً وَيَحْكُمُ جائِراً وَيَتَأَمَّرُ غاصِباً وَيَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النّارِ، وَعَمّارٌ يُجاهِدُ وَيُنادي بَيْنَ الصَّفَّيْنِ:

الرَّواحُ الرَّواحُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَلَمَّا اسْتَسْقىٰ فَسُقِيَ اللَّبَنَ كَبَّرَ وَقالَ: قالَ لي رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ: آخِرُ شَرابِكَ مِنَ الدُّنْيا ضَياحٌ مِنْ لَبَنٍ وَتَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْباغِيَةُ، فَاعْتَرَضَهُ أَبُو العادِيَةِ الْفَزارِي فَقَتَلَهُ، فَعَلىٰ أَبِي الْعادِيَةِ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَلَعْنَةُ مَلائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعينَ، وَعَلىٰ مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَسَلَلْتَ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ مِنَ الْمُشْرِكينَ وَالْمُنافِقينَ إِلىٰ يَوْمِ الدّينِ، وَعَلىٰ مَنْ رَضِيَ بِما ساءَكَ وَلَمْ يَكْرَهْهُ وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ، أَوْ أَعانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسانٍ أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَجَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللّٰهُ أَوْلىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَصَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَسَلامُهُ وَتَحِيّاتُهُ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ الطّاهِرينَ إِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ.

وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ غَصْبُ الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ النِّساءِ فَدَكاً، وَرَدُّ شَهادَتِكَ وَشَهادَةِ السَّيِّدَيْنِ سُلالَتِكَ وَعِتْرَةِ الْمُصْطَفىٰ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ أَعْلَى اللّٰهُ تَعالىٰ عَلىٰ

الْاُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ. وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ وَاَبانَ فَضْلَكُمْ وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعالَمِينَ. فَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً. قالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «اِنَّ الْاِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً اِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَاِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً اِلَّا الْمُصَلِّينَ». فَاسْتَثْنَى اللّهُ تَعالى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفى وَاَنْتَ يا سَيِّدَ الْاَوْصِياءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ. فَما اَعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ. ثُمَّ اَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبى مَكْراً وَاَحادُوهُ عَنْ اَهْلِهِ جَوْراً. فَلَمّا آلَ الْاَمْرُ اِلَيْكَ اَجْرَيْتَهُمْ عَلى ما اَجْرَيا رَغْبَةً عَنْهُما بِما عِنْدَ اللّهِ لَكَ. فَاَشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِما مِحَنَ الْاَنْبِياءِ ﷺ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْاَنْصارِ. وَاَشْبَهْتَ فِي الْبَياتِ عَلَى الْفِراشِ الذَّبِيحَ ﷺ. اِذْ اَجَبْتَ كَما اَجابَ وَاَطَعْتَ كَما اَطاعَ اِسْماعِيلُ صابِراً مُحْتَسِباً اِذْ قالَ لَهُ: «يا بُنَيَّ اِنِّي اَرى فِي الْمَنامِ اَنِّي اَذْبَحُكَ فَانْظُرْ ماذا تَرى قالَ يا اَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي اِنْ شاءَ اللّهُ مِنَ الصّابِرِينَ». وَكَذٰلِكَ اَنْتَ لَمّا اَباتَكَ النَّبِيُّ ﷺ وَاَمَرَكَ اَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ واقِياً لَهُ بِنَفْسِكَ. اَسْرَعْتَ اِلى اِجابَتِهِ مُطِيعاً. وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّناً. فَشَكَرَ اللّهُ تَعالى طاعَتَكَ. وَاَبانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَمِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ».

ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ حِيلَةً وَمَكْراً ـ فَاُعْرِضَ الشَّكُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ وَاتُّبِعَ الظَّنُّ ـ اَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هارُونَ اِذْ اَمَّرَهُ مُوسى عَلى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَهارُونُ يُنادِي بِهِمْ وَيَقُولُ: «يا قَوْمِ اِنَّما فُتِنْتُمْ بِهِ وَاِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِي وَاَطِيعُوا اَمْرِي قالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عاكِفِينَ حَتّى يَرْجِعَ اِلَيْنا مُوسى». وَكَذٰلِكَ اَنْتَ لَمّا رُفِعَتِ الْمَصاحِفُ قُلْتَ: يا قَوْمِ اِنَّما

فُتِنْتُمْ بِها وَخُدِعْتُمْ فَعَصَوْكَ وَخالَفُوا عَلَيْكَ وَاسْتَدْعَوا نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ • فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَرَّأْتَ إِلَى اللّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ • فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ وَأَلْزَمُوكَ عَلىٰ سَفَهٍ التَّحْكِيمَ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَأَحَبُّوهُ وَحَظَرْتَهُ وَأَباحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ • وَأَنْتَ عَلىٰ نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهُدىً وَهُمْ عَلىٰ سُنَنِ ضَلالَةٍ وَعَمىً • فَما زالُوا عَلَى النِّفاقِ مُصِرِّينَ وَفِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتّىٰ أَذاقَهُمُ اللّهُ وَبالَ أَمْرِهِمْ فَأَماتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عانَدَكَ فَشَقِيَ وَهَوىٰ • وَأَحْيا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدىٰ • صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكَ غادِيَةً وَرائِحَةً وَعاكِفَةً وَذاهِبَةً فَما يُحِيطُ الْمادِحُ وَصْفَكَ • وَلا يُحْبِطُ الطّاعِنُ فَضْلَكَ • أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهادَةً وَأَذَبُّهُمْ عَنِ الدِّينِ • أَقَمْتَ حُدُودَ اللّهِ بِجُهْدِكَ وَفَلَلْتَ عَساكِرَ الْمارِقِينَ بِسَيْفِكَ • تُخْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنانِكَ • وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبَهِ بِبَيانِكَ وَتَكْشِفُ لَبْسَ الْباطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لا تَأْخُذُكَ فِي اللّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ وَفِي مَدْحِ اللّهِ تَعالىٰ لَكَ غِنىً عَنْ مَدْحِ الْمادِحِينَ وَتَقْرِيظِ الْواصِفِينَ • قالَ اللّهُ تَعالىٰ: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَما بَدَّلُوا تَبْدِيلاً﴾.

وَلَمّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ النّاكِثِينَ وَالْقاسِطِينَ وَالْمارِقِينَ وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ وَعْدَهُ فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ قُلْتَ: أَما آنَ أَنْ تُخْضَبَ هٰذِهِ مِنْ هٰذِهِ؟ أَمْ مَتىٰ يَبْعَثُ[1] أَشْقاها؟ واثِقاً بِأَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ • قادِمٌ عَلَى اللّهِ مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بايَعْتَهُ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

---

۱. يَنْبَعِثُ خ ل.

الْعَظيمِ.

اللّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَنْبِيائِكَ وَاَوْصِياءِ اَنْبِيائِكَ بِجَميعِ لَعَنائِكَ، وَاَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِيَّكَ حَقَّهُ وَاَنْكَرَ عَهْدَهُ وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقينِ وَالْاِقْرارِ بِالْوِلايَةِ لَهُ، يَوْمَ اَكْمَلْتَ لَهُ الدّينَ، اَللّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ وَاَشْياعَهُمْ وَاَنْصارَهُمْ، اَللّهُمَّ الْعَنْ ظالِمِي الْحُسَيْنِ وَقاتِليهِ وَالْمُتابِعينَ عَدُوَّهُ وَناصِريهِ وَالرّاضينَ بِقَتْلِهِ وَخاذِليهِ لَعْناً وَبيلاً، اَللّهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمانِعيهِمْ حُقُوقَهُمْ، اَللّهُمَّ خُصَّ اَوَّلَ ظالِمٍ وَغاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلَّ مُسْتَنٍّ بِما سَنَّ اِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَعَلى عَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ وَآلِهِ الطّاهِرينَ، وَاجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّكينَ، وَبِوِلايَتِهِمْ مِنَ الْفائِزينَ الْآمِنينَ الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ.

مؤلف گويد: كه مناسب ديدم در اين‌جا ذكر كنم دو فايدهٔ عظيمه [و مهم را]:

اوّل: آن‌كه شيخ جليل محمّد بن المشهدی‌؛ كه از بزرگان علما است در مزار كبير براى اين زيارت شريفه، به سند بسيار معتبرى ذكر نموده، كه كمتر خبرى به قوّت سند او مى‌رسد، و عبارت او در اين مقام چنين است: وأخبرني الفقيه الأجلّ أبو الفضل شاذان بن جبرئيل القمّي؛، عن الفقيه العماد محمّد بن أبي القاسم الطبري، عن أبي علي، عن والده محمّد بن الحسن، عن الشيخ المفيد محمّد بن محمّد بن النعمان، عن أبي القاسم جعفر بن قولويه، عن محمّد بن يعقوب الكليني، عن عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن أبي القاسم بن روح و عثمان بن سعيد العمري، عن أبي محمّد الحسن بن عليّ العسكري، عن أبيه صلوات اللّه عليهما... الخ.

و اين سلسلهٔ شريفه همه از اعيان علما و شيوخ طايفه ورؤساى مذهب‌اند. و جناب ابو القاسم بن روح و عثمان بن سعيد هردو از نوّاب امام عصر ـ صلوات اللّه عليه ـ اند. و بعد از تأمّل معلوم

می‌شود که در تمام زیارات مأثوره زیارتی به این درجه از صحّت و اعتبار و قوّت سند پیدا نمی‌شود. و در مزار قدیم که مؤلّفش معاصر محمّد بن المشهدی است نیز این زیارت به همین سند مذکور است به اختلاف جزئی، به این قسم که تا شیخ کلینی موافقت کرده پس از آن گفته: عن عليّ بن إبراهيم، عن الشّيخ أبي القاسم بن روح، عن الشّيخ الجليل عثمان بن سعيد. و به ملاحظهٔ طبقات روات، این سند به صواب اقرب است.

دوّم: آن‌که در مزار قدیم بعد از ذکر سند این زیارت چنین فرموده: عن الشّيخ الجليل عثمان بن سعيد العمري قدّس الله أرواحهم، عن مولانا أبي محمّد الحسن العسكري، عن مولانا أبيه عليّ بن محمد الهادي صلوات الله عليهم، وذكر أنّه عليه السلام زار بها مولانا أميرالمؤمنين عليه السلام يوم الغدير في السّنة الّتي أشخصه فيها المعتصم، فتقف على ضريح مولانا أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب صلوات الله عليه و كلّما حضرت مشهده الشّريف وأين حللت من البلاد فزره بهذه الزّيارة و خصوصاً يوم الغدير.

حاصل معنی آن‌که عثمان بن سعید رحمه الله از امام حسن عسکری عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود پدر بزرگوارش به این زیارت امیر المؤمنین عليه السلام را در روز غدیر زیارت کرده در آن سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود. پس می‌ایستی بر سر قبر حضرت امیر المؤمنین عليه السلام و هر وقت که حاضر شدی در آن مشهد شریف و در هر بلد که باشی پس آن حضرت را زیارت کن به این زیارت بخصوص در روز غدیر، و این عبارت صریح است در آن‌که این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می‌شود خواند و این فائدهٔ جلیله‌ای است که البتّه راغبین در عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه ولایت عليه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد.



فصل دوم

زیارت امیرالمؤمنین عليه السلام در روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله

در زیارت روز مولود است، یعنی روزی که ولادت با سعادت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله واقع شده، و آن موافق مشهور هفدهم ربیع الاوّل است. و این زیارت که نقل می‌شود بهترین زیارت است چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده و جماعت بسیاری از علما آن را روایت نموده‌اند.

شیخ مفید و شیخ شهید و سیّد ابن طاووس رحمهم الله روایت کرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام

زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در هفدهم ماه ربیع الأوّل به این زیارت و تعلیم فرمود زیارت را به ثقهٔ عظیم الشّأن جناب محمّد بن مسلم ثقفی رحمه الله و به او فرمود که: چون آمدی به مشهد امیر المؤمنین علیه السلام پس غسل زیارت بکن، و بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و به بوی خوشی خود را معطّر نما و برو با آرامی، پس چون برسی به باب السّلام یعنی در حرم مطهّر رو به قبله بایست و سی مرتبه بگو اللهُ أکبَر، و بگو:

السَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلیٰ خِیَرَةِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَی الْبَشیرِ النَّذیرِ السِّراجِ الْمُنیرِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَی الطُّهْرِ الطّاهِرِ، السَّلامُ عَلَی الْعَلَمِ الزّاهِرِ، السَّلامُ عَلَی الْمَنْصُورِ الْمُؤَیَّدِ، السَّلامُ عَلیٰ أبِي الْقاسِمِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلیٰ أنْبِیاءِ اللّهِ الْمُرْسَلینَ وَعِبادِ اللّهِ الصّالِحینَ، السَّلامُ عَلیٰ مَلائِکَةِ اللّهِ الْحافّینَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا الضَّریحِ اللّائِذینَ بِهِ.

پس به نزدیک قبر برو و بگو: السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِيَّ الْأوْصِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عِمادَ الْأتْقِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِيَّ الْأوْلِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الشُّهَداءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا آیَةَ اللّهِ الْعُظْمیٰ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خامِسَ أهْلِ الْعَباءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ الْأتْقِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا عِصْمَةَ الْأوْلِیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ الْمُوَحِّدینَ النُّجَباءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَ الْأخِلّاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا والِدَ الْأئِمَّةِ الْأُمَناءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قَسیمَ الْجَنَّةِ وَاللَّظیٰ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَکَّةُ وَمِنیٰ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَحْرَ الْعُلُومِ وَکَهْفَ الْفُقَراءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ وُلِدَ فِي الْکَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّماءِ بِسَیِّدَةِ النِّساءِ وَکانَ شُهُودَهَا الْمَلائِکَةُ الْأصْفِیاءُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِصْباحَ الضِّیاءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزیلِ الْحِباءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ

يا مَنْ باتَ عَلىٰ فِراشِ خاتَمِ الْاَنْبِياءِ وَوَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْاَعْداءِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسامىٰ شَمْعُونَ الصَّفا. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ اَنْجَى اللّٰهُ سَفينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ اَخيهِ حَيْثُ الْتَطَمَ الْماءُ حَوْلَها وَطَمىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تابَ اللّٰهُ بِهِ وَبِاَخيهِ عَلىٰ آدَمَ اِذْ غَوىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا فُلْكَ النَّجاةِ الَّذي مَنْ رَكِبَهُ نَجا وَمَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَوىٰ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خاطَبَ الثُّعْبانَ وَذِئْبَ الْفَلا. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ مَنْ كَفَرَ وَاَنابَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ ذَوِي الْاَلْبابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلَ الْخِطابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا ميزانَ يَوْمِ الْحِسابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا فاصِلَ الْحُكْمِ النّاطِقِ بِالصَّوابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ فِي الْمِحْرابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنينَ الْقِتالَ بِهِ يَوْمَ الْاَحْزابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ اَخْلَصَ لِلّٰهِ بِالْوَحْدانِيَّةِ وَاَنابَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا قاتِلَ مَرْحَبٍ[1] وَقالِعَ الْبابِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ دَعاهُ خَيْرُ الْاَنامِ لِلْمَبيتِ عَلىٰ فِراشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَاَجابَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ لَهُ طُوبىٰ وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ[2] الدّينِ وَيا سَيِّدَ السّاداتِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نَزَلَتْ في فَضْلِهِ سُورَةُ الْعادِياتِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّماءِ عَلَى السُّرادِقاتِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْعَجائِبِ وَالْآياتِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْغَزَواتِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُخْبِراً بِما غَبَرَ

---

۱. و در نسخهٔ اقبال: يا قالِعَ خَيْبَرِ الصَّخْرِ مِنَ الصِّلابِ.

۲. عِصْمَةَ غ ل.

وَبِما هُوَ آتٍ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتِمَ الْحَصىٰ وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلاتِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِي الْوَغىٰ مَلائِكَةُ السَّماواتِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يامَنْ ناجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْواهُ الصَّدَقاتِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ الْاَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السّاداتِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ الْمَبْعُوثِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ياسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ الْمُتَّقِينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا غِياثَ الْمَكْرُوبِينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْبَراهِينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلاتِهِ بِخاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْماءِ الْمَعِينِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اللّٰهِ النّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْباسِطَةَ وَلِسانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ اَجْمَعِينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصاحِبَ لِواءِ الْحَمْدِ وَساقِيَ اَوْلِيائِهِ مِنْ حَوْضِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوالِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ ۔ اَلسَّلامُ عَلَى اسْمِ اللّٰهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ الْقَوِيِّ وَصِراطِهِ السَّوِيِّ ۔ اَلسَّلامُ عَلَى الْاِمامِ التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ ۔ اَلسَّلامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ ۔ اَلسَّلامُ عَلَى الْاِمامِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ ۔ اَلسَّلامُ عَلىٰ اَئِمَّةِ الْهُدىٰ وَمَصابِيحِ الدُّجىٰ وَاَعْلامِ التُّقىٰ وَمَنارِ الْهُدىٰ وَذَوِي النُّهىٰ وَكَهْفِ الْوَرىٰ وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةِ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ الْاَنْوارِ وَحُجَّةِ الْجَبّارِ وَوالِدِ الْاَئِمَّةِ الْاَطْهارِ وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ ۔ الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثارِ الْمُدَمِّرِ عَلَى الْكُفّارِ ۔ مُسْتَنْقِذِ الشِّيعَةِ

الْمُخْلِصينَ مِنْ عَظيمِ الْأَوْزارِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتارِ. الْمَوْلُودِ فِي الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتارِ. الْمُزَوَّجِ فِي السَّماءِ بِالْبَرَّةِ الطّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ والِدَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهارِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَى النَّبَأِ الْعَظيمِ الَّذي هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ. اَلسَّلامُ عَلى نُورِ اللّهِ الْأَنْوَرِ وَضِيائِهِ الْأَزْهَرِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَحُجَّتَهُ وَخالِصَةَ اللّهِ وَخاصَّتَهُ. أَشْهَدُ يا وَلِيَّ اللّهِ لَقَدْ جاهَدْتَ في سَبيلِ اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ. وَاتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وآله وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللّهِ وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللّهِ[1] وَشَرَعْتَ أَحْكامَهُ. وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللّهِ. وَأَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ. وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّهِ صابِراً ناصِحاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً عِنْدَ اللّهِ عَظيمَ الْأَجْرِ حَتّى أَتاكَ الْيَقينُ. فَلَعَنَ اللّهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ وَأَزالَكَ عَنْ مَقامِكَ. وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ. أُشْهِدُ اللّهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاكَ. وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو:

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلامي وَتَشْهَدُ مَقامي. وَأَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللّهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ. يا مَوْلايَ يا حُجَّةَ اللّهِ يا أَمينَ اللّهِ يا وَلِيَّ اللّهِ. إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْري. وَمَنَعَتْني مِنَ الرُّقادِ وَذِكْرُها يُقَلْقِلُ أَحْشائي. وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ. فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلى سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ. كُنْ لي إِلَى اللّهِ شَفيعاً وَمِنَ النّارِ مُجيراً وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً.

---

۱. حَرامَهُ خ ل.

پس باز خود را به قبر بچسبان و ببوس آن را و بگو:

يا وَلِيَّ اللّهِ يا حُجَّةَ اللّهِ يا بابَ حِطَّةِ اللّهِ، وَلِيُّكَ وَزائِرُكَ وَاللّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنّازِلُ بِفِنائِكَ وَالْمُنيخُ رَحْلَهُ في جِوارِكَ، يَسْأَلُكَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَى اللّهِ في قَضاءِ حاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّهِ الْجاهَ الْعَظيمَ وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ، فَاجْعَلْني يا مَوْلايَ مِنْ هَمِّكَ وَاَدْخِلْني في حِزْبِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى ضَجيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

آن‌گاه شش رکعت نماز بکن: دو رکعت برای زیارت حضرت امیر المؤمنین ﷺ و دو رکعت برای جناب آدم ﷺ و دو رکعت برای جناب نوح ﷺ و بسیار بخوان خدای تعالی را که به اجابت خواهد رسید إن شاء اللّه تعالی.



فصل سوّم

در زیارت شب و روز مبعث است یعنی بیست و هفتم ماه رجب

بدان که علما از برای این شب و روز سه زیارت ذکر کرده‌اند:

اوّل: زیارتی است که معروف است به زیارت هفتم، چون در تحفة الزّائر علّامهٔ مجلسی ﷺ آن را هفتمین زیارات مطلقه امیر المؤمنین ﷺ قرار داده و آن را از کتاب عتیق غروی که به اعتقاد آن مرحوم از مؤلّفات شیخ جلیل هارون بن موسی تلّعُکْبَری است از صفوان جمّال نقل کرده، و صاحب مزار قدیم همین زیارت را بی‌سند ذکر نموده و گفته است که مختص است به شب بیست و هفتم ماه رجب، می‌ایستی مقابل قبر شریف امیر المؤمنین ﷺ و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الاَئِمَّةِ وَمَعْدِنَ النُّبُوَّةِ وَالْمَخْصُوصَ بِالاُخُوَّةِ، اَلسَّلامُ عَلى يَعْسُوبِ الدّينِ وَالاِيمانِ وَكَلِمَةِ الرَّحْمنِ وَكَهْفِ الاَنامِ، اَلسَّلامُ عَلى ميزانِ الاَعْمالِ وَمُقَلِّبِ الاَحْوالِ وَسَيْفِ ذِي الْجَلالِ، اَلسَّلامُ عَلى صالِحِ

الْمُؤْمِنِينَ وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْحاكِمِ يَوْمَ الدِّينِ، السَّلامُ عَلىٰ شَجَرَةِ التَّقْوىٰ وسامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوىٰ وَمُنْزِلِ الْمَنِّ وَالسَّلْوىٰ، السَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ اللّهِ الْبالِغَةِ وَنِعْمَتِهِ السّابِغَةِ وَنِقْمَتِهِ الدّامِغَةِ، السَّلامُ عَلىٰ إِسْرائيلِ الْأُمَّةِ وَبابِ الرَّحْمَةِ وَأَبِي الْأَئِمَّةِ، السَّلامُ عَلىٰ صِراطِ اللّهِ الْواضِحِ وَالنَّجْمِ اللّائِحِ وَالْإِمامِ النّاصِحِ وَالزِّنادِ الْقادِحِ، السَّلامُ عَلىٰ وَجْهِ اللّهِ الَّذي مَنْ آمَنَ بِهِ أَمِنَ، السَّلامُ عَلىٰ نَفْسِ اللّهِ الْقائِمَةِ فيهِ بِالسُّنَنِ وَعَيْنِهِ الَّتي مَنْ عَرَفَها يَطْمَئِنُّ، السَّلامُ عَلىٰ أُذُنِ اللّهِ الْواعِيَةِ فِي الْأُمَمِ وَيَدِهِ الْباسِطَةِ بِالنِّعَمِ وَجَنْبِهِ الَّذي مَنْ فَرَّطَ فيهِ نَدِمَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مُجازِي الْخَلْقِ وَشافِعُ الرِّزْقِ وَالْحاكِمُ بِالْحَقِّ، بَعَثَكَ اللّهُ عَلَماً لِعِبادِهِ فَوَفَيْتَ بِمُرادِهِ وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ، فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكُمْ وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوي إِلَيْكُمْ، فَالْخَيْرُ مِنْكَ وَإِلَيْكَ، عَبْدُكَ الزّائِرُ لِحَرَمِكَ اللّائِذُ بِكَرَمِكَ الشّاكِرُ لِنِعَمِكَ قَدْ هَرَبَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَرَجاكَ لِكَشْفِ كُرُوبِهِ فَأَنْتَ ساتِرُ عُيُوبِهِ، فَكُنْ لي إِلَى اللّهِ سَبيلاً وَشَفيعاً، وَمِنَ النّارِ مُقيلاً، وَلِما أَرْجُو فيكَ كَفيلاً، أَنْجُو نَجاءَ مَنْ وَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَسَلَكَ بِكَ إِلَى اللّهِ سَبيلاً، فَأَنْتَ سامِعُ الدُّعاءِ وَوَلِيُّ الْجَزاءِ، عَلَيْنا مِنْكَ السَّلامُ وَأَنْتَ السَّيِّدُ الْكَريمُ وَالْإِمامُ الْعَظيمُ، فَكُنْ بِنا رَحيماً يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

دوّم: زیارت رجبیّهٔ معروفه است که در ماه رجب در هر یک از مشاهد مشرّفه خوانده می‌شود، و صاحب مزار قدیم و شیخ محمّد بن المشهدی رحمه‌الله آن را زیارت مخصوصهٔ شب مبعث نیز شمرده‌اند و این منافات ندارد که این زیارت مخصوصه باشد و از زیارات جامعهٔ عامیه نیز باشد نظیر زیارت امین اللّه و عاشورا و زیارت غدیر گذشته، به هر حال این زیارت را ما در ماه رجب ذکر خواهیم نمود إن شاء اللّه. اگر خواستی به آن‌جا [صفحه ۴۷۴] رجوع کن.

سوّم: زیارت مخصوصهٔ معروفه است که در شب و روز مبعث باید خواند چنانچه شیخ مفید

و سيّد و شهيد نقل نموده‌اند به اين طريق كه چون خواستى در اين شب يا روز آن، زيارت كنى حضرت أمير را، پس بايست بر در قبّهٔ شريفه مقابل قبر آن حضرت و بگو:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَاَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبي طالِبٍ اَميرَالْمُؤْمِنينَ عَبْدُ اللّٰهِ وَاَخُو رَسُولِهِ، وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ الطّاهِرينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

پس داخل شو و بايست نزديک قبر آن حضرت به نحوى كه روى خود را به جانب قبر كرده باشى، و قبله را در پشت خود قرار دهى آنگاه صد مرتبه تكبير بگو، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ خَليفَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْراهيمَ خَليلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ الْمُتَّقينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبَأُ الْعَظيمُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّراطُ الْمُسْتَقيمُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَريمُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُضيءُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدّيقُ الْاَكْبَرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْفارُوقُ الْاَعْظَمُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّراجُ الْمُنيرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ الْهُدىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ التُّقىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللّٰهِ وَخالِصَتَهُ، وَاَمينَ اللّٰهِ وَصَفْوَتَهُ، وَبابَ اللّٰهِ وَحُجَّتَهُ، وَمَعْدِنَ حِكَمِ اللّٰهِ وَسِرِّهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللّٰهِ وَخازِنَهُ، وَسَفيرَ اللّٰهِ في خَلْقِهِ.

اَشْهَدُ اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

الْمُنْكَرِ • وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ • وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ • وَبَلَّغْتَ عَنِ اللّهِ • وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّهِ • وَتَمَّتْ بِكَ كَلِماتُ اللّهِ • وَجاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ • وَنَصَحْتَ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ • وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صابِراً مُحْتَسِباً • مُجاهِداً عَنْ دينِ اللّهِ • مُوَقِّياً لِرَسُولِ اللّهِ • طالِباً ما عِنْدَ اللّهِ • راغِباً فيما وَعَدَ اللّهُ • وَمَضَيْتَ لِلَّذي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهيداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً • فَجَزاكَ اللّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صِدّيقٍ أَفْضَلَ الْجَزاءِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً • وَأَخْلَصَهُمْ إيماناً • وَأَشَدَّهُمْ يَقيناً • وَأَخْوَفَهُمْ لِلّهِ • وَأَعْظَمَهُمْ عَناءً • وَأَحْوَطَهُمْ عَلىٰ رَسُولِ اللّهِ • وَأَفْضَلَهُمْ مَناقِبَ • وأَكْثَرَهُمْ سَوابِقَ • وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً • وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ • فَقَوَيْتَ حينَ وَهَنُوا • وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَليفَتَهُ حَقّاً • لَمْ تُنازَعْ بِرَغْمِ الْمُنافِقينَ وَغَيْظِ الْكافِرينَ وَضِغْنِ الفاسِقينَ • وَقُمْتَ بِالْأَمْرِ حينَ فَشِلُوا • وَنَطَقْتَ حينَ تَتَعْتَعُوا • وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللّهِ إِذْ وَقَفُوا • فَمَنِ اتَّبَعَكَ فَقَدِ اهْتَدىٰ • كُنْتَ أَوَّلَهُمْ كَلاماً • وَأَشَدَّهُمْ خِصاماً • وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً • وَأَسَدَّهُمْ رَأْياً • وَأَشْجَعَهُمْ قَلْباً وَأَكْثَرَهُمْ يَقيناً وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلاً وَأَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ • وَكُنْتَ لِلْمُؤْمِنينَ أَباً رَحيماً إِذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالاً • فَحَمَلْتَ أَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا • وَحَفِظْتَ ما أَضاعُوا • وَرَعَيْتَ ما أَهْمَلُوا • وَشَمَّرْتَ إِذْ جَبُنُوا • وَعَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا • وَصَبَرْتَ إِذْ جَزِعُوا • كُنْتَ عَلَى الْكافِرينَ عَذاباً صَبّاً وَغِلْظَةً وَغَيْظاً • وَلِلْمُؤْمِنينَ غَيْثاً وَخَصْباً وَعِلْماً • لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ • وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ • وَلَمْ تَضْعُفْ بَصيرَتُكَ • وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ • كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ الْعَواصِفُ وَلا تُزيلُهُ الْقَواصِفُ • كُنْتَ كَما قالَ رَسُولُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ • قَوِيّاً في

بَدَنِكَ، مُتَواضِعاً في نَفْسِكَ، عَظيماً عِنْدَ اللّهِ، كَبيراً فِي الْأَرْضِ، جَليلاً فِي السَّماءِ، لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فيكَ مَهْمَزٌ، وَلا لِقائِلٍ فيكَ مَغْمَزٌ، وَلا لِخَلْقٍ فيكَ مَطْمَعٌ، وَلا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوادَةٌ، يُوجَدُ الضَّعيفُ الذَّليلُ عِنْدَكَ قَوِيّاً عَزيزاً حَتّىٰ تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِيُّ الْعَزيزُ عِنْدَكَ ضَعيفاً حَتّىٰ تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ، الْقَريبُ وَالْبَعيدُ عِنْدَكَ في ذٰلِكَ سَواءٌ، شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَعَزْمٌ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَحَزْمٌ، اعْتَدَلَ بِكَ الدّينُ، وَسَهُلَ بِكَ الْعَسيرُ، وَأُطْفِئَتْ بِكَ النّيرانُ، وَقَوِيَ بِكَ الْإيمانُ، وَثَبَتَ بِكَ الْإِسْلامُ، وَهَدَّتْ مُصيبَتُكَ الْأَنامَ فَإِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ. لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ خالَفَكَ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنِ افْتَرىٰ عَلَيْكَ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَغَصَبَكَ حَقَّكَ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، إِنّا إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ بُراءٌ، لَعَنَ اللّهُ أُمَّةً خالَفَتْكَ وَجَحَدَتْ وِلايَتَكَ وَتَظاهَرَتْ عَلَيْكَ وَقَتَلَتْكَ وَحادَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ، اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي جَعَلَ النّارَ مَثْواهُمْ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ.

أَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللّهِ وَبابُهُ، وَأَنَّكَ حَبيبُ اللّهِ وَوَجْهُهُ الَّذي مِنْهُ يُؤْتىٰ، وَأَنَّكَ سَبيلُ اللّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، أَتَيْتُكَ زائِراً لِعَظيمِ جَلالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّباً إِلَى اللّهِ بِزِيارَتِكَ، راغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفاعَةِ، أَبْتَغي بِشَفاعَتِكَ خَلاصَ نَفْسي، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النّارِ، هارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْري، فَزِعاً إِلَيْكَ رَجاءَ رَحْمَةِ رَبّي، أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلايَ إِلَى اللّهِ وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حَوائِجي، فَاشْفَعْ لي يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ إِلَى اللّهِ فَإِنّي عَبْدُ اللّهِ وَمَوْلاكَ وَزائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللّهِ

الْمَقامُ الْمَعْلُومُ، وَالْجاهُ الْعَظيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلىٰ عَبْدِكَ وَأَمينِكَ الْأَوْفىٰ، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقىٰ، وَيَدِكَ الْعُلْيا، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنىٰ، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرىٰ، وَصِدّيقِكَ الْأَكْبَرِ، وَسَيِّدِ الْأَوْصِياءِ، وَرُكْنِ الْأَوْلِياءِ، وَعِمادِ الْأَصْفِياءِ، أَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبِ الْمُتَّقينَ، وَقُدْوَةِ الصِّدّيقينَ، وَإِمامِ الصّالِحينَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ، وَالْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَيْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ، أَخي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَالْبائِتِ عَلىٰ فِراشِهِ وَالْمُواسي لَهُ بِنَفْسِهِ وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذي جَعَلْتَهُ سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَمُعْجِزاً لِرِسالَتِهِ، وَدَلالَةً واضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَحامِلاً لِرايَتِهِ، وَوِقايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهادِياً لِأُمَّتِهِ، وَيَداً لِبَأْسِهِ، وَتاجاً لِرَأْسِهِ، وَباباً لِنَصْرِهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّىٰ هَزَمَ جُنُودَ الشِّرْكِ بِإِذْنِكَ، وَأَبادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ في مَرْضاةِ رَسُولِكَ، وَجَعَلَها وَقْفاً عَلىٰ طاعَتِهِ، وَمِجَنّاً دُونَ نَكْبَتِهِ، حَتّىٰ فاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ في كَفِّهِ، وَاسْتَلَبَ بَرْدَها وَمَسَحَهُ عَلىٰ وَجْهِهِ، وَأَعانَتْهُ مَلائِكَتُكَ عَلىٰ غُسْلِهِ وَتَجْهيزِهِ، وَصَلّىٰ عَلَيْهِ وَوارىٰ شَخْصَهُ، وَقَضىٰ دَيْنَهُ وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَلَزِمَ عَهْدَهُ وَاحْتَذىٰ مِثالَهُ وَحَفِظَ وَصِيَّتَهُ، وَحينَ وَجَدَ أَنْصاراً نَهَضَ مُسْتَقِلّاً بِأَعْباءِ الْخِلافَةِ مُضْطَلِعاً بِأَثْقالِ الْإِمامَةِ، فَنَصَبَ رايَةَ الْهُدىٰ في عِبادِكَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ في بِلادِكَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ في بَرِيَّتِكَ، وَحَكَمَ بِكِتابِكَ في خَليقَتِكَ، وَأَقامَ الْحُدُودَ وَقَمَعَ أَحْكامَ الْجُحُودِ وَقَوَّمَ الزَّيْغَ، وَسَكَّنَ الْغَمْرَةَ، وَأَبادَ الْفَتْرَةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَقَتَلَ النّاكِثَةَ وَالْقاسِطَةَ وَالْمارِقَةَ، وَلَمْ يَزَلْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ اللّهِ وَوَتيرَتِهِ وَلُطْفِ شاكِلَتِهِ وَجَمالِ سيرَتِهِ، مُقْتَدِياً بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقاً

بِهِمَّتِهِ. مُباشِراً لِطَريقَتِهِ. وَاَمْثِلَتُهُ نَصْبُ عَيْنَيْهِ. يَحْمِلُ عِبادَكَ عَلَيْها وَيَدْعُوهُمْ اِلَيْها. اِلىٰ اَنْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ. اَللّٰهُمَّ فَكَما لَمْ يُؤْثِرْ في طاعَتِكَ شَكّاً عَلىٰ يَقينٍ وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً يَلْحَقُ بِها دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ في جَنَّتِكَ. وَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً. وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ في مُوالاتِهِ فَضْلاً وَاِحْساناً وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً. اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسيمِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس ببوس ضریح را و روی راست خود را بگذار بر آن، و بعد از آن روی چپ را، و میل کن به سمت قبله و نماز زیارت بجای آر، و آنچه خواهی بعد از نماز دعا کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح حضرت زهرا عليها السلام:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ بَشَّرْتَني عَلىٰ لِسانِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتَ: «وَبَشِّرِ الَّذينَ آمَنُوا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ». اَللّٰهُمَّ اِنّي مُؤْمِنٌ بِجَميعِ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ. فَلا تَقِفْني بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُني فيهِ عَلىٰ رُؤُوسِ الْاَشْهادِ بَلْ قِفْني مَعَهُمْ وَتَوَفَّني عَلَى التَّصْديقِ بِهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَاَنْتَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ وَاَمَرْتَني بِاتِّباعِهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَاِنّي عَبْدُكَ وَزائِرُكَ مُتَقَرِّباً اِلَيْكَ بِزِيارَةِ اَخي رَسُولِكَ. وَعَلىٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ اَتاهُ وَزارَهُ. وَاَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَاَكْرَمُ مَزُورٍ. فَاَسْأَلُكَ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ. يا جَوادُ يا ماجِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ. يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَلَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ اِيّايَ مِنْ زِيارَتي اَخا رَسُولِكَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ. وَاَنْ تَجْعَلَني مِمَّنْ يُسارِعُ فِي الْخَيْراتِ. وَيَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً. وَتَجْعَلَني لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيارَةِ مَوْلايَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ عليه السلام

وَوِلايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْني مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ ۔ وَمُنَّ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِدينِكَ ۔ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْني مِنْ شيعَتِهِ ۔ وَتَوَفَّني عَلىٰ دينِهِ ۔ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لي مِنَ الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ ۔ وَالْمَغْفِرَةِ وَالْاِحْسانِ ۔ وَالرِّزْقِ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ۔ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

فصل چهارم

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام در روز شهادت آن بزرگوار که روز بیست و یکم ماه رمضان می‌باشد

مناسب است زیارت کردن آن حضرت را در این روز به کلماتی که جناب خضر علیه‌السلام گفته است. چنانچه در *اکمال الدّین* شیخ صدوق مذکور است، و شیخ کلینی رحمه‌الله نیز آن را روایت کرده به سند خود از اسد بن صفوان که گفت: در آن روزی که شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام واقع شد، تمام مواضع به اضطراب در آمد از گریه و شیون، و مردم مدهوش شده بودند، و آن روز مثل روزی بود که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دنیا رحلت نمودند. پس مردی گریه کنان به سرعت آمد و استرجاع می‌گفت، و می‌گفت: امروز خلافت نبوّت منقطع شد، پس آمد تا آنکه ایستاد بر در خانه‌ای که امیر المؤمنین علیه‌السلام در آن بود[1]، پس گفت این کلمات را[2]:

رَحِمَكَ اللّٰهُ يا اَبَا الْحَسَنِ ۔ كُنْتَ اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلاماً ۔ وَاَخْلَصَهُمْ ايماناً وَاَشَدَّهُمْ يَقيناً ۔ وَاَخْوَفَهُمْ لِلّٰهِ ۔ وَاَعْظَمَهُمْ عَناءً ۔ وَاَحْوَطَهُمْ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله ۔ وَآمَنَهُمْ عَلىٰ اَصْحابِهِ ۔ وَاَفْضَلَهُمْ مَناقِبَ ۔ وَاَكْرَمَهُمْ سَوابِقَ ۔ وَاَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً ۔ وَاَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللّٰهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله ۔ وَاَشْبَهَهُمْ بِهِ هَدْياً وَخُلْقاً وَسَمْتاً وَفِعْلاً ۔ وَاَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَاَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ ۔ فَجَزاكَ اللّٰهُ عَنِ الْاِسْلامِ وَعَنْ

---

۱. از این عبارت ظاهر می‌شود که آمدن جناب خضر و تکلّمات او در روز ضربت خوردن حضرت امیر علیه‌السلام بوده. پس اگر کسی در روز نوزدهم آن حضرت را نیز زیارت کند به این کلمات شاید مناسب باشد (منه رحمه الله).

۲. این زیارت موافق روایت کافی است.

رَسُولِهِ وَعَنِ الْمُسْلِمينَ خَيْراً. قَوِيتَ حينَ ضَعُفَ اَصْحابُهُ. وَبَرَزْتَ حينَ اسْتَكانُوا. وَنَهَضْتَ حينَ وَهَنُوا. وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللّهِ ﷺ اِذْ هَمَّ اَصْحابُهُ. كُنْتَ خَليفَتَهُ حَقّاً لَمْ تُنازَعْ وَلَمْ تَضْرَعْ بِرَغْمِ الْمُخالِفينَ. وَغَيْظِ الْكافِرينَ. وَكُرْهِ الْحاسِدينَ. وَضِغْنِ الْفاسِقينَ. فَقُمْتَ بِالْاَمْرِ حينَ فَشِلُوا. وَنَطَقْتَ حينَ تَتَعْتَعُوا. وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللّهِ اِذْ وَقَفُوا. فَاتَّبَعُوكَ فَهُدُوا. وَكُنْتَ اَخْفَضَهُمْ صَوْتاً. وَاَعْلاهُمْ قُدُماً. وَاَقَلَّهُمْ كَلاماً. وَاَصْوَبَهُمْ نُطْقاً. وَاَكْبَرَهُمْ رَأْياً وَاَشْجَعَهُمْ قَلْباً. وَاَشَدَّهُمْ يَقيناً. وَاَحْسَنَهُمْ عَمَلاً. وَاَعْرَفَهُمْ بِالْاُمُورِ. كُنْتَ وَاللّهِ يَعْسُوباً لِلدّينِ اَوَّلاً وَآخِراً. الْاَوَّلُ حينَ تَفَرَّقَ النّاسُ وَالْآخِرُ حينَ فَشِلُوا. كُنْتَ لِلْمُؤْمِنينَ اَباً رَحيماً اِذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالاً. فَحَمَلْتَ اَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا. وَحَفِظْتَ ما اَضاعُوا. وَرَعَيْتَ ما اَهْمَلُوا. وَشَمَّرْتَ اِذِ اجْتَمَعُوا. وَعَلَوْتَ اِذْ هَلِعُوا. وَصَبَرْتَ اِذْ اَسْرَعُوا. وَاَدْرَكْتَ اَوْتارَ ما طَلَبُوا. وَنالُوا بِكَ ما لَمْ يَحْتَسِبُوا. كُنْتَ عَلَى الْكافِرينَ عَذاباً صَبّاً وَنَهْباً. وَلِلْمُؤْمِنينَ عَمَداً وَحِصْناً[1]. فَطِرْتَ وَاللّهِ بِنَعْمائِها. وَفُزْتَ بِحِبائِها. وَاَحْرَزْتَ سَوابِقَها. وَذَهَبْتَ بِفَضائِلِها. لَمْ تَفْلُلْ حُجَّتُكَ. وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ. وَلَمْ تَضْعُفْ بَصيرَتُكَ. وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ. وَلَمْ تَخِرْ[2]. كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ الْعَواصِفُ. وَكُنْتَ كَما قالَ عَلَيْهِ السَّلامُ: اَمِنَ النّاسُ في صُحْبَتِكَ وَذاتِ يَدِكَ. وَكُنْتَ كَما قالَ عَلَيْهِ السَّلامُ: ضَعيفاً في بَدَنِكَ قَوِيّاً في اَمْرِ اللّهِ. مُتَواضِعاً في نَفْسِكَ. عَظيماً عِنْدَ اللّهِ. كَبيراً فِي الْاَرْضِ. جَليلاً عِنْدَ الْمُؤْمِنينَ. لَمْ يَكُنْ لِاَحَدٍ فيكَ مَهْمَزٌ. وَلا لِقائِلٍ فيكَ مَغْمَزٌ. وَلا لِاَحَدٍ فيكَ مَطْمَعٌ وَلا لِاَحَدٍ عِنْدَكَ هَوادَةٌ. الضَّعيفُ الذَّليلُ عِنْدَكَ قَوِيٌّ عَزيزٌ حَتّى تَأْخُذَ

---

۱. غيثاً وَخِصباً خ ل.
۲. تَخُنْ خ ل.

لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ ضَعيفٌ ذَليلٌ حَتّىٰ تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ، وَالْقَريبُ وَالْبَعيدُ عِنْدَكَ في ذٰلِكَ سَواءٌ، شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَاَمْرُكَ حِلْمٌ وَحَزْمٌ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَعَزْمٌ فيما فَعَلْتَ، وَقَدْ نَهَجَ بِكَ السَّبيلُ وَسَهُلَ بِكَ الْعَسيرُ، وَاُطْفِئَتْ بِكَ النّيرانُ، وَاعْتَدَلَ بِكَ الدّينُ، وَقَوِيَ بِكَ الْإِسْلامُ[1] وَالْمُؤْمِنُونَ، وَسَبَقْتَ سَبْقاً بَعيداً، وَاَتْعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَباً شَديداً، فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكاءِ، وَعَظُمَتْ رَزِيَّتُكَ فِي السَّماءِ، وَهَدَّتْ مُصيبَتُكَ الْاَنامَ، فَاِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ، رَضينا عَنِ اللّٰهِ قَضاءَهُ، وَسَلَّمْنا لِلّٰهِ اَمْرَهُ، فَوَاللّٰهِ لَنْ يُصابَ الْمُسْلِمُونَ بِمِثْلِكَ اَبَداً، كُنْتَ لِلْمُؤْمِنينَ كَهْفاً وَحِصْناً وَقُنَّةً راسِياً[2]، وَعَلَى الْكافِرينَ غِلْظَةً وَغَيْظاً، فَاَلْحَقَكَ اللّٰهُ بِنَبِيِّهِ، وَلا اَحْرَمَنا اَجْرَكَ، وَلا اَضَلَّنا بَعْدَكَ.

چون آن مرد کلامش منقضی شد به گریه در آمد و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز گریه کردند، پس پنهان شد، پس در طلب آن شخص بر آمدند ولی او را نیافتند.

اوقات زیارت امیر المؤمنین علیه السلام

و بدان که زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در غیر این اوقات از ایّام شریفه مثل سایر اعمال خیر فضیلت تمام دارد خصوصاً ایّامی که اختصاص به آن حضرت دارد.

مثل روز ولادت آن حضرت که موافق مشهور سیزدهم رجب است.

و روزی که ضربت بر فرق مبارکش خورده شد به دست ابن ملجم ملعون.

و شبی که آن حضرت بر فراش خاتم النّبیّین صلی الله علیه و آله خوابید و جان خود را فدای آن حضرت نمود که موافق مشهور شب اوّل ماه ربیع الاوّل است.

و روزی که فتح بدر به دست آن حضرت شد که هفدهم ماه مبارک است موافق احادیث.

و روزی که در حمایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله جلالت خود را ظاهر ساخت در جنگ اُحُد و جبرئیل علیه السلام در شأن آن حضرت در آسمان ندا کرد:

---

۱. وَظَهَرَ اَمْرُ اللّٰهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ وَثَبَتَ بِكَ الْإِسْلامُ ع ل.

۲. راسِيَةً ط.

«لا سَيْفَ إِلّا ذُو الفَقار وَلا فَتىٰ إِلّا عَلِيّ»

و آن وقعه در نيمهٔ شوّال بود بنا بر قول شيخ مفيد يا هفدهم آن، چنانچه مختار شيخ بهائي و علّامهٔ مجلسي است.

و در مثل همين روز يعني هفدهم شوّال آفتاب براي آن حضرت برگرديد.

و روزي كه فتح خيبر و قتل مرحب بر دست معجز نماي آن حضرت واقع شد كه بيست و چهارم رجب است. و علّامهٔ مجلسي در *تحفه* و *بحار* بيست و هفتم را اختيار كرده، و مشهور همان است كه در *زاد المعاد* است و ما در اين جا و *فوائد الرجبيّه* ذكر كرديم.

و روز بيستم ماه رمضان كه آن حضرت پا بر دوش مبارك حضرت رسول ﷺ گذاشت و بت‌ها را از بام كعبه افكند و شكست، و مثل همين روز نيز فتح مكّه واقع شد.

و روز فتح بصره كه نيمهٔ جمادى الاولى است.

و روزي كه از جانب حق تعالي منصوب شد از براي تبليغ سورهٔ برائت و اوّلي از آن امر معزول شد كه روز اوّل ماه ذي الحجّه است.

و روزي كه پيغمبر ﷺ امر فرمود صحابه را كه درِ خانه‌هايشان كه به مسجد باز مي‌شد ببندند مگر درِ خانهٔ آن حضرت كه باز باشد و آن در روز عرفه بود.

و روزي كه در ركوع نماز، انگشتر تصدّق كرد و نصّ امامت در شأنش نازل شد كه آيهٔ شريفه ﴿إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ باشد و آن روز بيست و چهارم ذي‌الحجّه است، و چون بنابر مشهور روز مباهله نيز هست از اين جهت نيز به آن حضرت اختصاص دارد.

و روزي كه سورهٔ «هَلْ أَتىٰ» در حقّ او و اهل بيتش نازل شد كه روز بيست و پنجم ذي‌الحجّه است.

و روز تزويج حضرت فاطمه با آن حضرت عليهما السلام كه پانزدهم رجب يا اوّل ذي الحجّه است.

و شب زفاف آن حضرت كه شب بيست و يكم محرّم است.

و روزي كه بعد از قتل عثمان مردم با آن حضرت بيعت كردند كه هيجدهم ذي الحجّه يا روز ديگر است.

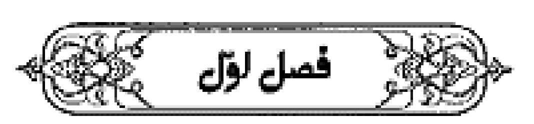
و روز نوروز كه موافق بعضي از روايات روز بيعت آن حضرت است.

و هم‌چنين ساير ايّام كه كرامتي و فضيلتي از آن حضرت در آن ظاهر شده باشد و آن‌ها بسيار است و مقام گنجايش بيش از اين نيست، و اللّه الموفق.

مقام سوّم

در ذکر فضیلت و اعمال مسجد کوفه
و زیارت جناب مسلم و هانی
و عمل مسجد سهله و زید و صعصعه است

و در آن چهار فصل است:



فصل اوّل

در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن است

بدان که احادیث بسیار در فضیلت کوفه وارد شده؛ و کوفه یکی از آن چهار بلدی است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سینین تفسیر به آن شده و حرم امیر المؤمنین﷣ است.

و از امام حسن مجتبی﷣ منقول است که: «به قدر جای پایی در کوفه نزد من بهتر است، و دوست‌تر می‌دارم از خانه‌ای که در مدینه داشته باشم».

و به سند معتبر از حضرت امیر المؤمنین﷣ روایت شده که آن حضرت خطاب نمود به کوفه و فرمود که: «فتنه‌های عظیم در تو حادث خواهد شد، و من می‌دانم که هیچ‌کس ارادهٔ بدی نسبت به تو نمی‌کند مگر آن‌که خدا او را مبتلا می‌گرداند به بلائی که از تو مشغول شود یا به امری که موجب کشته شدن او گردد».

و نیز از آن حضرت منقول است که: «حق تعالی بلا را از کوفه دفع می‌کند چنانچه از خیمه‌های پیغمبرﷺ [بلا را] دفع می‌کند».

و در روایت معتبر از حضرت صادق﷣ منقول است که فرمود: «دوستان ما در کوفه بیش از همهٔ شهرهاست».

و به روایت معتبر دیگر فرمود که: «یک درهم که در کوفه تصدّق نمائی حساب می‌شود به صد درهم که در جاهای دیگر داده شود، و دو رکعت نماز در کوفه به صد رکعت محسوب می‌شود».

وامّا فضیلت مسجد کوفه پس زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود و ما به جهت تبرّک به مختصری از فضیلت آن اشاره می‌کنیم.

بدان که این مسجد شریف یکی از آن چهار مسجدی است که سزاوار است [همت سفر کرد و] شدّ رحال نمود به سمت آن‌ها به جهت درک فیوضات آن‌ها، و یکی از آن مواطن است که مسافر مخیّر است در آن ما بین قصر و اتمام نماز، و نماز فریضه در آن معادل حجّ مقبول و معادل هزار

نماز است که در جای دیگر به جای آورده شود. و در روایات وارد شده که محلّ نماز پیغمبران است و محلّ نماز حضرت مهدی صلوات اللّه علیه خواهد شد. و در روایتی هزار پیغمبر و هزار وصیّ پیغمبر در آن نماز کرده‌اند. و در چند روایت از امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده که تنور حضرت نوح علیه السلام از گوشهٔ راست مسجد از جانب قبله جوشید و از اساس اوّل مسجد، که در زمان حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه السلام بوده دوازده هزار ذرع کم کرده‌اند.

و شیخ جلیل جعفر بن قولویه روایت کرده از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: «اگر مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه هر آینه از شهرهای دور تهیّهٔ زاد و راحله کنند و به سوی این مسجد بیایند» و فرمود که: «نماز واجب در آن برابر است با حجّ مقبول و نماز نافله برابر عمرهٔ مقبوله» و به روایت دیگر: «نماز فریضه و نافله در آن مثل حجّ و عمره‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشند».

وثقة الاسلام در کافی از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت نموده که فرمودند: «مسجد کوفه باغی است از باغ‌های بهشت، نماز کرده است در آن هفتاد هزار پیغمبر، در جانب راستش رحمت است و در جانب چپش مکر است. در آن است عصای موسی و درخت کدو که برای حضرت یونس علیه السلام رویید و انگشتر سلیمان، و از آن موضع جوشید تنور در طوفان نوح علیه السلام، و کشتی را در آن مسجد ساخت و آن اشرف جاهای بابل و یا وسط بابل است و مجمع پیغمبران علیهم السلام است.

علّامهٔ مجلسی رحمه الله در معنی این حدیث فرموده که: گویا مراد این است که در جانب راستش قبر امیر المؤمنین و قبر امام حسین علیهما السلام است که محلّ رحمت خدایند و در جانب چپش خانه‌های خلفای جور بوده است که معدن مکر و حیله بوده‌اند.

و رئیس المحدّثین در امالی به سند معتبر از هارون بن خارجه روایت کرده که گفت: فرمود به من حضرت صادق علیه السلام که: «چه مقدار مسافت است میان خانهٔ تو و مسجد کوفه»؟ گفت: من عرض کردم که: یک میل است. فرمود که: «هیچ ملک مقرّب و پیغمبر مرسل و بندهٔ صالحی نیست که داخل کوفه شده و نماز در آن مسجد نکرده باشد، و به درستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گذشت به آن مسجد در شب معراج و رخصت طلبید و فرود آمد و دو رکعت نماز در آن مسجد کرد، و نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز، و نماز نافله با پانصد نماز، و نشستن در آن بدون تلاوت قرآن نیز عبادت است، پس برو به سوی آن مسجد، اگر چه به روش کودکان خود را بر زمین کشی». و در روایتی وارد شده که: «هیچ غمگینی دعا نمی‌کند در این مسجد، که حاجتی از خدا طلب کند مگر آن‌که دعایش مستجاب می‌شود و غمش زایل می‌گردد».

فصل دوّم

در اعمال مسجد کوفه است

سیّد ابن طاووس - رضوان اللّه علیه - در باب اعمال این مسجد فرموده که چون به شریعهٔ کوفه رسیدی غسل کن و نماز کن در آن مسجدی که نزد شریعه است که آن موضع شریفی است، و روایت شده که امیر المؤمنین‌ علیه السلام در آن‌جا نماز کرده، پس متوجّه شو به سوی زیارت یونس بن متّی‌ علیه السلام و بایست نزد در و استیذان کن و بخوان اذن دخولی که در مدینه به جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانی و داخل شو، پس همین که ایستادی نزد قبر آن حضرت بگو: **اَلسَّلامُ عَلی أَولیاءِ اللّه** ... الخ، پس این زیارت را با دعای استقاله نقل کرده و ما إن شاء اللّه محلّ ذکر آن را در باب زیارت پیغمبران نقل می‌کنیم. پس همین که از زیارت جناب یونس‌ علیه السلام فارغ شدی وداع کن آن حضرت را و روانه شو به سوی کوفه همانا که روایت شده کوفه حرم خدا و حرم رسول‌ صلی الله علیه و آله و حرم امیر المؤمنین‌ علیه السلام است، و چون داخل کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَفي سَبيلِ اللّهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ ۞ اَللّهُمَّ أَنْزِلْني مُنْزَلاً مُبارَكاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلينَ.

پس روانه شو به سوی مسجد کوفه و در حال رفتن تکبیر و تهلیل بگو و حمد کن خدا را و تسبیح بفرست و تعظیم و تمجید کن ذات اقدس باری تعالی را، پس چون به مسجد رسیدی بایست در نزد دری که معروف است به باب الفیل که باب اعظم است، و روایت شده که داخل مسجد شوید از باب اعظم که آن روضه‌ای است از روضه‌های بهشت، پس چون خواستی داخل مسجد شوی بایست نزد در و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ سَيِّدِنا رَسُولِ اللّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطّاهِرينَ ۞ اَلسَّلامُ عَلىٰ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ ۞ وَعَلىٰ مَجالِسِهِ وَمَشاهِدِهِ وَمَقامِ حِكْمَتِهِ وَآثارِ آبائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ وَإِبْراهيمَ وَإِسْماعيلَ وَتِبْيانِ بَيِّناتِهِ ۞ اَلسَّلامُ عَلَى الْإِمامِ الْحَكيمِ الْعَدْلِ الصِّدّيقِ الْأَكْبَرِ الْفارُوقِ بِالْقِسْطِ ۞ اَلَّذي فَرَّقَ اللّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ

وَالْكُفْرِ وَالْإِيمانِ وَالشِّرْكِ وَالتَّوْحيدِ. «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ». أَشْهَدُ أَنَّكَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ وَخاصَّةُ نَفْسِ الْمُنْتَجَبينَ وَزَيْنُ الصِّدّيقينَ وَصابِرُ الْمُمْتَحَنينَ. وَأَنَّكَ حَكَمُ اللّهِ في أَرْضِهِ. وَقاضي أَمْرِهِ. وَبابُ حِكْمَتِهِ. وَعاقِدُ عَهْدِهِ. وَالنّاطِقُ بِوَعْدِهِ. وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبادِهِ. وَكَهْفُ النَّجاةِ. وَمِنْهاجُ التُّقىٰ. وَالدَّرَجَةُ الْعُلْيا وَمُهَيْمِنُ الْقاضي الْأَعْلىٰ. يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ بِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّهِ زُلْفىٰ. أَنْتَ وَلِيّي وَسَيِّدي وَوَسيلَتي فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس داخل مسجد می‌شوی و می‌گویی:

اَللّهُ أَكْبَرُ اَللّهُ أَكْبَرُ اَللّهُ أَكْبَرُ. هٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِاللّهِ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِوِلايَةِ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ الصّادِقينَ النّاطِقينَ الرّاشِدينَ. الَّذينَ أَذْهَبَ اللّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيراً. رَضيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً[1] وَهُداةً وَمَوالِيَ. سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللّهِ لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلا أَتَّخِذُ مَعَ اللّهِ وَلِيّاً. كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللّهِ وَضَلُّوا ضَلالاً بَعيداً. حَسْبِيَ اللّهُ وَأَوْلِياءُ اللّهِ. أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنَّ عَلِيّاً وَالْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ أَوْلِياؤُهُ وَحُجَّةُ اللّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

اعمال ستون چهارم

آنگاه برو به جانب ستون چهارم که در جنب باب انماط و برابر ستون پنجم است، و آن ستون حضرت ابراهیم علیه‌السلام است. پس چهار رکعت نماز کن: دو رکعت از آن را با «حمد» و «قل هو اللّه احد»، و دو رکعت دیگر را با «حمد» و «انّا انزلناه فی لیلة القدر»، پس چون فارغ شدی از نماز،

---

۱. در بعضی نسخ: وسادَةً وَقادَةً.

تسبیح حضرت زهرا(علیها السلام) را بخوان، و بعد از آن بگو:

السَّلامُ عَلىٰ عِبادِ اللّٰهِ الصّالِحينَ الرّاشِدينَ الَّذينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيراً، وَ جَعَلَهُمْ اَنْبِياءَ[1] مُرْسَلينَ وَحُجَّةً عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعينَ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، ذٰلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ.

و هفت مرتبه بگو: ﴿سَلامٌ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمينَ﴾.

پس بگو: نَحْنُ عَلىٰ وَصِيَّتِكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ الَّتي اَوْصَيْتَ بِها ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلينَ وَالصِّدّيقينَ، نَحْنُ مِنْ شيعَتِكَ وَشيعَةِ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكَ وَعَلىٰ جَميعِ الْمُرْسَلينَ وَالْاَنْبِياءِ وَالصّادِقينَ، وَنَحْنُ عَلىٰ مِلَّةِ اِبْراهيمَ وَدينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَالْاَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ وَوِلايَةِ مَوْلانا عَلِيٍّ اَميرِالْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَى الْبَشيرِ النَّذيرِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوانُهُ وَبَرَكاتُهُ، وَعَلىٰ وَصِيِّهِ وَخَليفَتِهِ الشّاهِدِ لِلّٰهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ عَلِيٍّ اَميرِالْمُؤْمِنينَ الصِّدّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْفارُوقِ الْمُبينِ الَّذي اَخَذْتَ بَيْعَتَهُ[2] عَلَى الْعالَمينَ، رَضيتُ بِهِمْ اَوْلِياءَ وَمَوالِيَ وَحُكّاماً في نَفْسي وَوُلْدي وَاَهْلي وَمالي وَقِسْمي وَحِلّي وَاِحْرامي وَاِسْلامي وَديني وَدُنْيايَ وَ آخِرَتي وَمَحْيايَ وَمَماتي، اَنْتُمُ الْاَئِمَّةُ فِي الْكِتابِ وَفَصْلُ الْمَقامِ وَفَصْلُ الْخِطابِ وَاَعْيُنُ الْحَيِّ الَّذي لا يَنامُ، وَاَنْتُمْ حُكَماءُ اللّٰهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ اللّٰهُ، وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللّٰهِ، لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ، اَنْتُمْ نُورُ اللّٰهِ مِنْ بَيْنِ اَيْدينا وَمِنْ خَلْفِنا، اَنْتُمْ سُنَّةُ اللّٰهِ الَّتي بِها سَبَقَ الْقَضاءُ، يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ اَنَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ تَسْليماً لا اُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئاً وَلا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَداني

---

۱. امناء خ ل. ۲. أخذْتَ بَيْعَتَهُ ظ.

بِكُمْ وَما كُنْتُ لِاَهْتَدِيَ لَوْلا اَنْ هَداني اللّٰهُ. اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ ما هَدانا.

پس سیّد ابن طاووس اعمال دکّة القضا و بیت الطّشت را ذکر نموده، و لکن چون خلاف ترتیب مشهور است ما نیز به طریق مشهور آن را ذکر می‌نماییم.

بیان نماز و دعا در وسط مسجد

دو رکعت نماز می‌کنی در وسط مسجد، در رکعت اوّل «حمد» می‌خوانی با «قل هو اللّه احد» و در رکعت دوّم «حمد» و «قل یا أیّها الکافرون»، پس وقتی که سلام دادی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوان و بگو:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ وَدارُكَ دارُ السَّلامِ. حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ بِالسَّلامِ. اَللّٰهُمَّ اِنّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلاةَ ابْتِغاءَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَتَعْظيماً لِمَسْجِدِكَ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْها في اَعْلىٰ عِلِّيّينَ وَتَقَبَّلْها مِنّي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اعمال ستون هفتم

پس برو به طرف ستون هفتم و بایست در نزد آن رو به قبله و بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ اَبينا آدَمَ وَاُمِّنا حَوّاءَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ هابيلَ الْمَقْتُولِ ظُلْماً وَعُدْواناً. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَواهِبِ اللّٰهِ وَرِضْوانِهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ شَيْثٍ صَفْوَةِ اللّٰهِ الْمُخْتارِ الْاَمينِ. وَعَلَى الصَّفْوَةِ الصّادِقينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ اَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ. اَلسَّلامُ عَلىٰ اِبْراهيمَ وَاِسْماعيلَ وَاِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُخْتارينَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ.

السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيٍّ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكُمْ فِي الْاَوَّلينَ. السَّلامُ عَلَيْكُمْ فِي الْآخِرينَ. السَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ. السَّلامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْهادِينَ شُهَداءِ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ. السَّلامُ عَلَى الرَّقيبِ الشّاهِدِ عَلَى الْاُمَمِ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

پس نماز می‌کنی نزد آن ستون چهار رکعت، و می‌خوانی در رکعت اوّل «حمد» و «انّا انزلناه»، و در رکعت دوّم «حمد» و «قل هو اللّه احد»، و در رکعت سوّم و چهارم به همین نحو و چون فارغ شدی تسبیح حضرت زهرا عليها السلام بفرست، پس بگو:

اللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنّي قَدْ اَطَعْتُكَ فِي الْإيمانِ بِكَ. مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ لا مَنّاً مِنّي عَلَيْكَ. وَاَطَعْتُكَ في اَحَبِّ الْاَشْياءِ اِلَيْكَ لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً وَلَمْ اَدْعُ لَكَ شَريكاً. وَقَدْ عَصَيْتُكَ في اَشْياءَ كَثيرَةٍ عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ لَكَ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ. وَلٰكِنِ اتَّبَعْتُ هَوايَ وَاَزَلَّنِي الشَّيْطانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيانِ. فَاِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي غَيْرَ ظالِمٍ. وَاِنْ تَعْفُ عَنّي وَتَرْحَمْني فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ياكَريمُ. اللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبي لَمْ يَبْقَ لَها اِلَّا رَجاءُ عَفْوِكَ. وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ فَاَنَا اَسْاَلُكَ اللّٰهُمَّ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ وَاَطْلُبُ مِنْكَ مالا اَسْتَحِقُّهُ. اللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي وَلَمْ تَظْلِمْني شَيْئاً. وَاِنْ تَغْفِرْ لي فَخَيْرُ راحِمٍ اَنْتَ ياسَيِّدي. اللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ وَاَنَا اَنَا. اَنْتَ الْعَوّادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَاَنَا الْعَوّادُ بِالذُّنُوبِ. وَاَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ وَاَنَا الْعَوّادُ بِالْجَهْلِ. اللّٰهُمَّ فَاِنّي اَسْاَلُكَ ياكَنْزَ الضُّعَفاءِ يا عَظيمَ الرَّجاءِ. يا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ يا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ يا مُميتَ الْاَحْياءِ يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ. اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ. اَنْتَ الَّذي سَجَدَ لَكَ شُعاعُ

الشَّمْسِ وَدَوِيِّ الْماءِ، وَحَفيفِ الشَّجَرِ وَنُورِ الْقَمَرِ وَظُلْمَةِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهارِ وَخَفَقانِ الطَّيْرِ، فَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ يا عَظيمُ بِحَقِّكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصّادِقينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصّادِقينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلىٰ عَلِيٍّ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، [وَبِحَقِّكَ عَلىٰ فاطِمَةَ] وَبِحَقِّ فاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَاِنَّ حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ اَفْضَلِ اِنْعامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يا رَبِّ صَلاةً دائِمَةً مُنْتَهىٰ رِضاكَ، وَاغْفِرْ لي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتي بَيْني وَبَيْنَكَ، وَاَرْضِ عَنّي خَلْقَكَ، وَاَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ كَما اَتْمَمْتَها عَلىٰ آبائي مِنْ قَبْلُ، وَلا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقينَ عَلَيَّ فيها امْتِناناً، وَامْنُنْ عَلَيَّ كَما مَنَنْتَ عَلىٰ آبائي مِنْ قَبْلُ يا كهيعص، اللّٰهُمَّ كَما صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَاسْتَجِبْ لي دُعائي فيما سَأَلْتُكَ، يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ.

پس برو به سجده و در سجده بگو:

يا مَنْ يَقْدِرُ عَلىٰ حَوائِجِ السّائِلينَ وَيَعْلَمُ ما في ضَميرِ الصّامِتينَ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ اِلَى التَّفْسيرِ، يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ، يا مَنْ اَنْزَلَ الْعَذابَ عَلىٰ قَوْمِ يُونُسَ وَهُوَ يُريدُ اَنْ يُعَذِّبَهُمْ فَدَعَوْهُ وَتَضَرَّعُوا اِلَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمُ الْعَذابَ وَمَتَّعَهُمْ اِلىٰ حينٍ، قَدْ تَرىٰ مَكاني وَتَسْمَعُ دُعائي وَتَعْلَمُ سِرّي وَعَلانِيَتي وَحالي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِني ما اَهَمَّني مِنْ اَمْرِ ديني وَدُنْيايَ وَآخِرَتي.

پس هفتاد مرتبه بگو: يا سَيِّدي.

پس سر از سجده بردار و بگو:

يا رَبِّ اَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هٰذَا الْمَوْضِعِ وَبَرَكَةَ اَهْلِهِ، وَاَسْأَلُكَ اَنْ تَرْزُقَني مِنْ

رِزْقَكَ رِزْقاً حَلالاً طَيِّباً تَسُوقُهُ اِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَاَنَا خائِضٌ في عافِيَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

مؤلف گوید که: احادیث در فضیلت ستون هفتم بسیار وارد شده، و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده که امیر المؤمنین رو به این ستون نماز می‌کرد و نزدیک می‌ایستاد که میان آن حضرت و ستون آن قدر فاصله بود که بُزی بگذرد. و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که: «در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می‌شوند و نزد ستون هفتم نماز می‌کنند، و در شب دیگر ملائکه‌ای دیگر به این عدد می‌آیند، و دیگر هیچ یک عود نمی‌کنند تا روز قیامت». و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که: «ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم است». و نیز شیخ کلینی در *کافی* و شیخ طوسی در *تهذیب* به سند معتبر از ابو حمزه روایت کرده‌اند که گفت: اصبغ بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت که: این ستون مقام حضرت امیر المؤمنین است که نزد آن نماز می‌کرد، و امام حسن در نزد ستون پنجم نماز می‌کرد، و چون امیر المؤمنین حاضر نبود امام حسن در جای او نماز می‌خواند. و بالجمله اخبار در فضیلت این ستون بسیار است و بنای ما بر اختصار است.

عمل ستون پنجم

بدان که از جمله مواضع ممتازهٔ مسجد کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن نماز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند، زیرا که در روایات معتبره وارد شده است که محلّ نماز حضرت ابراهیم خلیل الرّحمن بوده است، و منافات ندارد با روایات دیگر، زیرا که ممکن است که آن حضرت در همهٔ این مواضع نماز کرده باشد. و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است، که ستون پنجم مقام جبرئیل است، و از حدیث سابق ظاهر است که مقام امام حسن است.

و بالجمله آن چه از احادیث معلوم می‌شود آن است که نزدیک ستون هفتم و پنجم اشرف است از سایر جاهای مسجد. و سیّد ابن طاووس گفته که در نزد ستون پنجم دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون سلام گفتی و تسبیح فرستادی پس بگو:

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِجَميعِ اَسْمائِكَ كُلِّها ما عَلِمْنا مِنْها وَما لا نَعْلَمُ. وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْاَعْظَمِ. الْكَبيرِ الْاَكْبَرِ الَّذي مَنْ دَعاكَ بِهِ اَجَبْتَهُ.

وَمَنْ سَأَلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ، وَمَنِ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ، وَمَنِ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَمَنِ اسْتَمانَكَ بِهِ اَعَنْتَهُ، وَمَنِ اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ، وَمَنِ اسْتَغاثَكَ بِهِ اَغَثْتَهُ، وَمَنِ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَمَنِ اسْتَجارَكَ بِهِ اَجَرْتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ، وَمَنِ اسْتَعْصَمَكَ بِهِ عَصَمْتَهُ، وَمَنِ اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنَ النّارِ اَنْقَذْتَهُ، وَمَنِ اسْتَعْطَفَكَ بِهِ تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ اَمَّلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ، الَّذِي اتَّخَذْتَ بِهِ آدَمَ صَفِيّاً وَنُوحاً نَجِيّاً وَاِبْراهيمَ خَليلاً وَمُوسىٰ كَليماً وَعيسىٰ رُوحاً وَمُحَمَّداً حَبيباً وَعَلِيّاً وَصِيّاً، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ، اَنْ تَقْضِيَ لي حَوائِجي، وَتَعْفُوَ عَمّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبي، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ وَيا غِياثَ الْمَلْهُوفينَ، لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ[1].

عمل ستون سوّم

آنگاه برو به سوی دکّهٔ امام زین العابدین﵇ که نزدیک ستون سوّم است از طرف متّصل به باب کنده. پس نماز کن در آن‌جا دو رکعت و بخوان در آن «حمد» و هر سوره که خواستی، پس همین که سلام دادی و تسبیح فرستادی پس بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبي قَدْ كَثُرَتْ وَلَمْ يَبْقَ لَها اِلّا رَجاءُ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ اِلَيْكَ، فَاَنَا اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ وَاَطْلُبُ مِنْكَ ما لا اَسْتَحِقُّهُ، اَللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي وَلَمْ تَظْلِمْني شَيْئاً وَاِنْ تَغْفِرْ لي فَخَيْرُ راحِمٍ اَنْتَ يا سَيِّدي، اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ وَاَنَا اَنَا، اَنْتَ الْعَوّادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَاَنَا الْعَوّادُ بِالذُّنُوبِ، وَاَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ

---

۱. و بعضی علما ذکر کرده‌اند که بخواند در نزد ستون پنجم نیز دعائی را که در نزد ستون هفتم رو به قبله خوانده می‌شد مراد این دعا است: السلام علی أبینا آدم و اُمّنا حواء تا آخر آن چه گذشت. (منه﵀).

وَاَنَا الْعَوّادُ بِالْجَهْلِ. اللّهُمَّ فَاِنّي اَسْاَلُكَ يا كَنْزَ الضُّعَفاءِ يا عَظيمَ الرَّجاءِ. يا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ يا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ. يا مُميتَ الْاَحْياءِ يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ. اَنْتَ اللّهُ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ. اَنْتَ الَّذي سَجَدَ لَكَ شُعاعُ الشَّمْسِ وَنُورُ الْقَمَرِ. وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهارِ وَخَفَقانُ الطَّيْرِ. فَاَسْاَلُكَ اللّهُمَّ يا عَظيمُ يا كَريمُ بِحَقِّكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصّادِقينَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصّادِقينَ عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلىٰ عَلِيٍّ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلىٰ فاطِمَةَ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ. فَاِنَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ اَفْضَلِ اِنْعامِكَ عَلَيْهِمْ. وَبِالشَّاْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ. صَلِّ يا رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلاةً دائِمَةً مُنْتَهىٰ رِضاكَ. وَاغْفِرْ لي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتي بَيْني وَبَيْنَكَ. وَاَتْمِمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ كَما اَتْمَمْتَها عَلىٰ آبائي مِنْ قَبْلُ يا كهيعص. اللّهُمَّ كَما صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَجِبْ لي دُعائي فيما سَاَلْتُكَ.

پس برو به سجده و جانب راست صورت را به زمین گذار و بگو:

يا سَيِّدي يا سَيِّدي يا سَيِّدي. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاغْفِرْ لي وَاغْفِرلي. و بسیار بگو این کلمه را با خشوع و گریه. پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و این کلمات را بگو و چنین کن در سجده آخره پس دعا کن به آنچه می‌خواهی.

مؤلّف گوید که: در بعضی مجامع غیر معتبره و مشهور بین مردم آن است که در این مقام بجا می‌آورند عملی را که حضرت صادق علیه‌السلام تعلیم یکی از اصحاب خود نموده و لکن مقیّد به این مقام نیست، و کیفیّت آن چنان است که از آن حضرت نقل شده که به بعضی از اصحاب خود فرمودند که: «آیا بامداد پی حاجتی نمی‌روی که گذر کنی به مسجد بزرگ کوفه؟» عرض کرد: بلی. فرمود که: «چهار رکعت نماز بکن در آن مسجد، پس بگو:

اِلٰهي اِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَاِنّي قَدْ اَطَعْتُكَ في اَحَبِّ الْاَشْياءِ اِلَيْكَ لَمْ اَتَّخِذْ

لَكَ وَلَداً وَلَمْ اَدَّعِ لَكَ شَريكاً، وَقَدْ عَصَيْتُكَ في اَشياءَ كَثيرَةٍ عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ لَكَ، وَلَا الْاِسْتِكْبارِ عَنْ عِبادَتِكَ، وَلا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ الْعُبُودِيَّةِ لَكَ، وَلكِنِ اتَّبَعْتُ هَوايَ وَاَزَلَّنِي الشَّيْطانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبَيانِ، فَاِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي غَيْرَ ظالِمٍ لي اَنْتَ، وَاِنْ تَعْفُ عَنّي وَتَرْحَمْني فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ياكَريمُ.

و باز می‌گویی: غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ، غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنّي وَلا قُوَّةٍ، وَلٰكِنْ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ، يا رَبِّ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هٰذَا الْبَيْتِ وَبَرَكَةَ اَهْلِهِ وَأَسْأَلُكَ اَنْ تَرْزُقَني رِزْقاً حَلالاً طَيِّباً تَسُوقُهُ اِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَاَنَا خائِضٌ في عافِيَتِكَ.

و شیخ مفید و شهید و محمّد بن المشهدی این عمل را از برای صحن مسجد که بعد از عمل ستون چهارم است ذکر نموده‌اند.

عمل صفّه در نزدیکی محراب حضرت امیر عليه السلام

چون از عمل ستون سوّم فارغ شدی برو به دکّهٔ باب امیر المؤمنین عليه السلام و آن صُفّه‌ای است که متّصل است به دری که از مسجد به سوی خانهٔ امیر المؤمنین عليه السلام مفتوح می‌شد. پس چهار رکعت نماز کن به «حمد» و هر سوره که خواستی از قرآن، و چون فارغ شدی تسبیح بفرست پس بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ حاجَتي يا اَللّٰهُ، يا مَنْ لا يَخيبُ سائِلُهُ وَلا يَنْفَدُ نائِلُهُ، يا قاضِيَ الْحاجاتِ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ، يا رَبَّ الْاَرَضينَ وَالسَّماواتِ، يا كاشِفَ الْكُرُباتِ، يا واسِعَ الْعَطِيّاتِ، يا دافِعَ النَّقِماتِ، يا مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ حَسَناتٍ، عُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ وَاِحْسانِكَ، وَاسْتَجِبْ دُعائي فيما سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَوَصِيِّكَ وَاَوْلِيائِكَ الصّالِحينَ.

صفت نماز دیگر در این مقام: و آن نماز دو رکعت است همین که فارغ شدی و تسبیح کردی پس بگو:

اللّهُمَّ اِنّي حَلَلْتُ بِساحَتِكَ لِعِلْمي بِوَحْدانِيَّتِكَ وَصَمَدانِيَّتِكَ وَاَنَّهُ لا قادِرَ عَلىٰ قَضاءِ حاجَتي غَيْرُكَ. وَقَدْ عَلِمْتُ يا رَبِّ اَنَّهُ كُلَّما شاهَدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فاقَتي اِلَيْكَ. وَقَدْ طَرَقَني يا رَبِّ مِنْ مُهِمِّ اَمْري ما قَدْ عَرَفْتَهُ لِاَنَّكَ عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ. وَأَسأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّماواتِ فَانْشَقَّتْ وَعَلَى الْاَرَضينَ فَانْبَسَطَتْ وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ وَعَلَى الْجِبالِ فَاسْتَقَرَّتْ. وَأَسأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِيٍّ وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَيْنِ وَعِنْدَ الْاَئِمَّةِ كُلِّهِمْ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ. اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ لي يا رَبِّ حاجَتي وَتُيَسِّرَ عَسيرَها وَتَكْفِيَني مُهِمَّها وَتَفْتَحَ لي قُفْلَها. فَاِنْ فَعَلْتَ ذٰلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ. غَيْرَ جائِرٍ في حُكْمِكَ وَلا حائِفٍ في عَدْلِكَ.

پس می‌گذاری طرف راست رو را بر زمین و می‌گویی:

اللّهُمَّ اِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتّىٰ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ دَعاكَ في بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَنَا اَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و دعا کن به آن چه می‌خواهی. پس طرف چپ را بگذار و بگو:

اللّهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَ بِالدُّعاءِ وَتَكَفَّلْتَ بِالْاِجابَةِ وَاَنَا اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني يا كَريمُ.

پس پیشانی را بر زمین گذار و بگو:

يا مُعِزَّ كُلِّ ذَليلٍ وَيا مُذِلَّ كُلِّ عَزيزٍ. تَعْلَمُ كُرْبَتي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنّي يا كَريمُ.

اعمال مصلّای امیرالمؤمنین ﷺ

آن‌گاه نماز کن در مکانی که ضربت زدند در آن‌جا امیر المؤمنین ﷺ را دو رکعت به «حمد» و سوره، و هرگاه که سلام دادی و تسبیح کردی پس بگو:

يا مَنْ اَظْهَرَ الْجَميلَ وَسَتَرَ الْقَبيحَ، يا مَنْ لا يُؤاخِذُ بِالْجَريرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ وَالسَّريرَةَ، يا عَظيمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ، يا مُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ، يا كَريمَ الصَّفْحِ، يا عَظيمَ الرَّجاءِ، يا سَيِّدي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ يا كَريمُ.

و شیخ شهید و محمّد بن المشهدی و دیگران گفته‌اند که می‌گویی نیز:

اِلٰهي قَدْ مَدَّ اِلَيْكَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ يَدَيْهِ لِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ، اِلٰهي قَدْ جَلَسَ الْمُسيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ راجِياً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ، اِلٰهي قَدْ رَفَعَ الظّالِمُ كَفَّيْهِ اِلَيْكَ راجِياً لِما بَيْنَ يَدَيْكَ فَلا تُخَيِّبْهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ، اِلٰهي قَدْ جَثَا الْعائِدُ اِلَى الْمَعاصي بَيْنَ يَدَيْكَ خائِفاً مِنْ يَوْمٍ تَجْثُو فيهِ الْخَلائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ، اِلٰهي جاءَكَ الْعَبْدُ الْخاطِئُ فَزِعاً مُشْفِقاً وَرَفَعَ اِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً راجِياً وَفاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً نادِماً، اِلٰهي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي بِرَحْمَتِكَ يا خَيْرَ الْغافِرينَ.

پس گفته‌اند:

مناجات حضرت امیرالمؤمنین ﷺ

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ الْاَمانَ يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ اِلّا مَنْ اَتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَليمٍ،

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ: يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصي وَالْأَقْدامِ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا يَجْزي والِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلا مَوْلُودٌ هُوَ جازٍ عَنْ والِدِهِ شَيْئاً إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا يَنْفَعُ الظَّالِمينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ لا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخيهِ وَأُمِّهِ وَأَبيهِ وَصاحِبَتِهِ وَبَنيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ.

وَأَسْأَلُكَ الْأَمانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدي مِنْ عَذابِ يَوْمَئِذٍ بِبَنيهِ وَصاحِبَتِهِ وَأَخيهِ وَفَصيلَتِهِ الَّتي تُؤْويهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَميعاً ثُمَّ يُنْجيهِ كَلَّا إِنَّها لَظىٰ نَزَّاعَةً لِلشَّوىٰ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْمَوْلىٰ وَأَنَا الْعَبْدُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلىٰ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْمالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمالِكُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْعَزيزُ وَأَنَا الذَّليلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّليلَ إِلَّا الْعَزيزُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْخالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخالِقُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْعَظيمُ وَأَنَا الْحَقيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْحَقيرَ إِلَّا الْعَظيمُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعيفُ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْمُعْطي وَاَنَا السّائِلُ وَهَلْ يَرْحَمُ السّائِلَ اِلَّا الْمُعْطي.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْحَيُّ وَاَنَا الْمَيِّتُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ اِلَّا الْحَيُّ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْباقي وَاَنَا الْفاني وَهَلْ يَرْحَمُ الْفانِيَ اِلَّا الْباقي.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الدّائِمُ وَاَنَا الزّائِلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الزّائِلَ اِلَّا الدّائِمُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الرّازِقُ وَاَنَا الْمَرْزُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ اِلَّا الرّازِقُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْجَوادُ وَاَنَا الْبَخيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْبَخيلَ اِلَّا الْجَوادُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْمُعافي وَاَنَا الْمُبْتَلىٰ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلىٰ اِلَّا الْمُعافي.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْكَبيرُ وَاَنَا الصَّغيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغيرَ اِلَّا الْكَبيرُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْهادي وَاَنَا الضّالُّ وَهَلْ يَرْحَمُ الضّالَّ اِلَّا الْهادي.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الرَّحْمٰنُ وَاَنَا الْمَرْحُومُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ اِلَّا الرَّحْمٰنُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ السُّلْطانُ وَاَنَا الْمُمْتَحَنُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ اِلَّا السُّلْطانُ. مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الدَّليلُ وَاَنَا الْمُتَحَيِّرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ اِلَّا الدَّليلُ. مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْمُذْنِبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ اِلَّا الْغَفُورُ. مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْغالِبُ وَاَنَا الْمَغْلُوبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ اِلَّا الْغالِبُ. مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْمَرْبُوبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ اِلَّا الرَّبُّ. مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَاَنَا الْخاشِعُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْخاشِعَ اِلَّا الْمُتَكَبِّرُ.

مَوْلايَ يا مَوْلايَ ارْحَمْني بِرَحْمَتِكَ وَارْضَ عَنّي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ يا ذَا الْجُودِ وَالْاِحْسانِ وَالطَّوْلِ وَالْاِمْتِنانِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اعمال دکّهٔ حضرت صادق علیه السلام

پس برو به سوی مقام حضرت صادق علیه السلام که واقع است در نزدیکی مسلم بن عقیل علیه السلام. پس آن‌جا دو رکعت نماز کن، و چون سلام دادی تسبیح کن، پس بگو:

يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَيا جابِرَ كُلِّ كَسيرٍ، وَيا حاضِرَ كُلِّ مَلأٍ، وَيا شاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ، وَيا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيا شاهِداً غَيْرَ غائِبٍ، وَيا غالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، وَيا قَريباً غَيْرَ بَعيدٍ، وَيا مُؤْنِسَ كُلِّ وَحيدٍ، وَيا حَيُّ حينَ لا حَيَّ غَيْرُهُ، وَيا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ وَمُميتَ الْاَحْياءِ، الْقائِمُ عَلىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس بخوان هر چه دوست داری.

اعمال دکّة القضاء

پس برو به سوی دکّة القضا و در آن‌جا دو رکعت نماز کن به «حمد» و هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بفرست و بگو:

يا مالِكي وَمُمَلِّكي وَمُتَغَمِّدي بِالنِّعَمِ الْجِسامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ، وَجْهي خاضِعٌ لِما تَعْلُوهُ الْاَقْدامُ لِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، لا تَجْعَلْ هٰذِهِ الشِّدَّةَ وَلا هٰذِهِ الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِئْصالِ الشَّأْفَةِ، وَامْنَحْني مِنْ فَضْلِكَ ما لَمْ تَمْنَحْ بِهِ اَحَداً مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ، اَنْتَ الْقَديمُ الْاَوَّلُ الَّذي لَمْ تَزَلْ وَلا تَزالُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَزَكِّ عَمَلي وَبارِكْ لي في اَجَلي وَاجْعَلْني مِنْ عُتَقائِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اَعْمالِ بیت الطّشت

که متّصل است به دکّة القضاء، نماز کن در آن‌جا دو رکعت و بعد از سلام تسبیح بفرست، پس بگو:

اَللّهُمَّ اِنّي ذَخَرْتُ تَوْحيدي اِيّاكَ، وَمَعْرِفَتي بِكَ، وَاِخْلاصي لَكَ، وَاِقْراري بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَذَخَرْتُ وِلايَةَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِمْ لِيَوْمِ فَزَعي اِلَيْكَ عاجِلاً وَآجِلاً، وَقَدْ فَزِعْتُ اِلَيْكَ وَاِلَيْهِمْ يا مَوْلايَ في هٰذَا الْيَوْمِ وَفي مَوْقِفي هٰذا وَسَأَلْتُكَ ما زَكىٰ مِنْ نِعْمَتِكَ، وَاِزاحَةَ ما اَخْشاهُ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَالْبَرَكَةَ فيما رَزَقْتَنيهِ، وَتَحْصينَ صَدْري مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَجائِحَةٍ وَمَعْصِيَةٍ في ديني وَدُنْيايَ وَآخِرَتي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

مؤلّف گوید که: در این‌جا چند فایده عظیمه است که اشاره به آن مهمّ است:

در تعیین محراب شهادت آن حضرت

اوّل: آن‌که محلّ ضربت خوردن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که محراب آن بزرگوار است، حسب معروف متداول، نزدیک باب کنده، که معروف است به باب آن جناب متّصل به منبر موجود است. و به ملاحظهٔ کثرت بی‌احترامی که از عموم عوام در آن‌جا می‌شد، بعضی از علمای اعلام رحمهم الله بر آن شبّاکی ساخته و خلق از فیض نماز در آن محروم شده‌اند. ولکن مقام دیگری است در صف همین محراب، در نزدیک آخر دیوار قبلی به شکل محراب، و محتمل است محراب ضربت و محلّ به جا آوردن اعمال محراب سابق در این‌جا باشد.

و علامهٔ مجلسی رحمه الله در بحار نقل کرده از عالم کامل بارع امیر شرف الدّین شولستانی مجاور نجف اشرف که یکی از مشایخ کبار آن مرحوم است که ایشان فرمودند در ضمن کلامی که در تحقیق قبلهٔ مسجد کوفه کرده‌اند، که در وسط دیوار مذکور یعنی دیوار قبلی، محراب بزرگی است

که عبادت در آن متروک است، و مشهور نیست به مقام امیر المؤمنین علیه السلام و نه به محراب احدی از انبیا و ائمه علیهم السلام. و چون مسجد خراب شد و ستون‌ها که در آن بود منهدم، و فرش اصلی مسجد که از سنگ و خاک بود، مخفی شد.

وزیر کبیر میرزا تقیّ الدّین محمّد رحمه الله اراده کرد که مسجد را از کثافات که در آن‌جا بود پاک کند و دیوار قبلی مسجد را بسازد، و خاک و سنگ که در آن‌جا ریخته بود پاک کرد، و به فرش اصلی رسید و آن را پاک و نظیف کرد و دو دکّه، در دو طرف شرقی و غربی ساخت، پس مکشوف شد که محراب و در که مشهورند به محراب و درِ منسوب به آن حضرت، متّصل به فرش اصلی نبودند، بلکه از آن مرتفع بودند قریب به دو ذراع، و محراب متروکی که در وسط دیوار قبلی است متّصل و به فرش اصلی رسیده، و ظاهر شد درِ بزرگی در نزدیکی محراب و از اوّل تا آخر دیوار قبلی ستون‌ها و سنگ‌ها بود. وزیر امجد عمارت خود را بر آن بنا کرد و نزد آن محراب صفّهٔ بزرگی بود به قدر دو صفّه در اطراف، و در آن‌جا اثر ستونی نبود و چون این محراب بزرگ کهنه و کثیف شده بود، وزیر امر کرد که روی آن را بردارند تا آن‌را سفید کنند چون آن کثافات را از روی آن برداشتند معلوم شد که سه نوبت آن را سفید کرده‌اند و آن‌را به سرخی رنگین کرده‌اند و در هر طبقه سفیدی بود با قرمزی مایل به طرف چپ محراب. پس امیر در این امر متحیّر و مرا احضار کرد و آن را به من نشان داد و با او جمع کثیری بودند از علما و عقلا و اخیار و همه در این امر حیران و متفکّر بودند. پس به خاطرم رسید که این محراب همان محراب امیر المؤمنین علیه السلام است که نماز را در آن‌جا می‌خواندند، چون به فرش اصلی مسجد رسیده، و به جهت بودنش در صفّهٔ بزرگی که در آن‌جا علمای اخیار در پشت سر امام علیه السلام جمع می‌شدند. و همچنین این در، درِ منسوب به آن حضرت است که از آن‌جا، از خانه به مسجد تشریف می‌آوردند چون متّصل است به فرش اصلی مسجد و چون دیوار کهنه و محراب در آن واقع شده و قبلهٔ آن موافق جهت شرعی نبود، یعنی مطابق نبود با خطی که از جنوب دوازده درجه و کسری منحرف باشد به سمت مغرب. حضرت در آن محراب مُتیاسراً [و با تمایل به چپ] نماز می‌خواندند و بعد از آن مسلمین آن را منحرف کردند و سفیدی و سرخی را به سمت چپ مایل کردند تا مردم بدانند که آن جناب در آن محراب تیاسر می‌کرد و آن را با سرخی رنگین کردند تا بدانند که آن جناب در آن‌جا شهید شد، و تکرار

سفیدی و سرخی به جهت تکرار اندراس و کثافات است.

و چون مسجد خراب شد و ستون‌ها و سنگ‌ها منهدم شد، و فرش اصلی مستور شد و فرش جدیدی حادث شد، بعضی از مردمان این محراب صغیر را احداث کردند، و این دَرِ صغیر نزدیک به آن را باز کردند بر روی سطح آن، و شهرت دادند که این محراب و باب آن جناب است. و چون این مطلب را بر وزیر و حاضرین معروض داشتم همه تصدیق کردند مرا، و قبول نمودند، و نمازهای مقرّرهٔ معهوده که بایست در نزد محراب آن حضرت کرد، در این‌جا بجا آوردند. و دعای مشهور که باید بعد از آن نماز خواند، در آن‌جا خواندند، و نماز را متیاسراً کردند چنانچه در آن محراب دیدند و وزیر امر کرد که آن‌را زینت دهند زیاده بر زینت سایر محراب‌ها و معمار در این باب تساهل کرد، و در عراق حادث شد آنچه حادث شد، یعنی از فتنه و اغتشاش، و این محراب به حال خود ماند مثل سایر محراب‌ها وَالسَّلام عَلىٰ مَنْ اتَّبع الهدىٰ، انتهی.

فقیر گوید که: شیخ مرحوم علّامهٔ نوری ـطاب‌ثراهـ این عبارت را به عینه از *بحار* نقل کرده در رسالهٔ *سلامة المرصاد*، و پس از آن گفته که ظاهر این مطلب را در کتاب *توضیح المقال* دیدم که شرح اوست، یعنی [شرح] سیّد شولستانی؈ بر *اثنی عشریّة [فی الصلاة]* مرحوم صاحب معالم؈.

و نیز گفته که مرحوم خلدآشیان حاجی ملّا علی طهرانی؈ که ازهد علمای عصر بود، اطمینان تام داشت که این محراب همان محراب ضربت است و در عبادت در آن‌جا به غایت مواظبت داشت، و حقیر یک مرتبه یا دو مرتبه در خواب دیدم که حضرت امیر؈ در آن‌جا نماز می‌کرد. بلکه یک مرتبه دیدم که حضرت مجتبی و سیّد الشّهداء؈ نیز با آن جناب نماز می‌خوانند، و مرحوم مغفور می‌فرمود: در این محراب اصحاب یمین در صف جماعت زیاد می‌شوند به خلاف آن محراب، و البتّه این‌مطلب را آن‌حضرت رعایت می‌کردند. تمام شد کلام شیخ مرحوم ـطاب‌ثراهـ. به هرحال نهایت احتیاط درآن است که اعمال محراب را در هردوجا بکنند یا گاهی درآن وگاهی دراین.

ذکر نماز هفت سوره

دوّم: آن‌که علما؈ نمازهای بسیار نقل کرده‌اند که از برای حاجات خوانده می‌شود در این مسجد شریف، ولکن معتبرتر از همه که به تجربه هم رسیده نمازی است که از حضرت صادق؈

روایت شده و کیفیّت آن چنان است که شیخ طوسی‌ﷺ در *امالی* به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده که فرمودند: «هرکه را به خدا حاجتی باشد برود به مسجد کوفه و وضوی کامل بسازد و در آن مسجد دو رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتی سورهٔ «حمد» و هفت سورهٔ دیگر، که آن‌ها: معوذتین، و﴿قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ﴾، و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الكافِرون﴾، و ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّهِ وَالْفَتْح﴾، و﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الأَعْلى﴾، و﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ القَدْرِ﴾ است. و چون از دو رکعت نماز خود فارغ شد حاجت خود را از خدا بخواهد که إن شاء اللّه تعالی بر آورده است».

علیّ بن حسن بن فضّال که یکی از راویان این حدیث شریف است گفته که من این نماز را کردم و از خدا طلبیدم که روزیم را فراخ گرداند و امروز نعمت بسیار دارم، و دعا کردم برای حج و مرا روزی شد، و به دیگری تعلیم کردم که روزیش تنگ بود بجا آورد و حق تعالی روزیش را فراخ گردانید.

ذکر قبر مختار

سوّم: آن‌که در زاویهٔ شرقی مسجد کوفه موضعی است که آن را به مختار نسبت می‌دهند و عوام را چنان گمان است که آن‌جا قبر مختار است، و لهذا چون از عمل محراب امیر المؤمنین‌ﷺ فارغ می‌شدند و رو به سوی دکّهٔ حضرت صادق‌ﷺ که می‌آورند به آن موضع می‌گذرند. پس مختار را زیارت می‌کنند، و بعد از آن متوجّه می‌شوند به مقام حضرت صادق‌ﷺ و به همین است عمل خدّام آن مسجد شریف، و این زعم فاسدی است، زیرا که تا به حال مأخذی از برای آن دیده نشد، بلکه شیخ جلیل و محقّق فقیه نجم الدّین ابن نما، که از مشایخ محقّق و علّامه‌ﷺ شمرده شده در کتاب *شرح ثار در احوال مختار* فرموده: «**قبّة لكلّ من خرج من باب مسلم كالنّجم اللامع**»، قبّهٔ مختار برای هر کس که از درِ مسلم‌ﷺ بیرون رود مانند ستارهٔ درخشان پیداست. از این عبارت معلوم می‌شود در زمان آن مرحوم قبر مختار ظاهر، و از صحن مسلم هم دور بوده، نه در این موضع که الحال معیّن کرده‌اند. و شیخ مرحوم علّامهٔ نوری‌ﷺ فرمودند که: زمانی مبلغی پول قریب به چهار صد تومان بعضی خوانین قاجاریّه از طهران نزد مرحوم خلد آشیان فقیه عصره و علّامهٔ دهره شیخ عبدالحسین طهرانی ـطاب‌ثراهـ فرستاد به جهت تعیین قبر مختار. نوشتند قبر

معلوم نیست مصرف دیگر شود. در جواب اصرار بلیغ کرد که باید در همین محل صرف شود. شیخ مرحوم در مقام تفحّص برآمدند. حقیر هم در خدمت ایشان بودم غیر از عبارت ابن نما چیزی در دست نیامد، اعراض فرمودند. انتهی.

و از برای قبر مختار که فعلاً تعیین شده نظیر بسیار است از جمله قبر مقداد در شهروان که ظاهراً از بعض مشایخ عرب باشد، وجلّ عوام را اعتقاد آن است که مدفن مقداد است و حال آن‌که مقداد بن اسود کندی که از صحابهٔ کبار است، در جُرف که یک فرسخی مدینه است فوت شد و از آن‌جا او را حمل کردند به مدینه و در بقیع دفنش نمودند، و غیر ذلک که مقام را مناسب با ذکرش نیست، و اللّه العالم.

فصل سوّم

در زیارت جناب مسلم بن عقیل علیه السلام و هانی بن عروه است

سیّد اجلّ علی بن طاووس رحمه الله در مصباح الزّائر فرموده که: چون از اعمال مسجد کوفه فارغ شدی برو به سمت قبر مسلم بن عقیل علیه السلام و بایست در نزد قبر آن جناب و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبينِ ۞ الْمُتَصاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبابِرَةُ الطّاغينَ ۞ الْمُعْتَرِفِ بِرُبُوبِيَّتِهِ جَميعُ اَهْلِ السَّماواتِ وَالْاَرَضينَ ۞ الْمُقِرِّ بِتَوْحيدِهِ سائِرُ الْخَلْقِ اَجْمَعينَ ۞ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِ الْاَنامِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْكِرامِ صَلاةً تُقَرُّ بِها اَعْيُنُهُمْ ۞ وَتُرْغِمُ بِها اَنْفَ شانِئِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اَجْمَعينَ ۞ سَلامُ اللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبينَ وَاَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلينَ وَاَئِمَّتِهِ الْمُنْتَجَبينَ وَعِبادِهِ الصّالِحينَ وَجَميعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدّيقينَ ۞ وَالزّاكِياتُ الطَّيِّباتُ فيما تَغْتَدي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يا مُسْلِمَ بْنَ عَقيلِ بْنِ اَبي طالِبٍ

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَقُتِلْتَ عَلىٰ مِنْهاجِ الْمُجاهِدينَ في سَبيلِهِ حَتّىٰ لَقيتَ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ عَنْكَ راضٍ. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ في نُصْرَةِ حُجَّتِهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ. اَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْليمِ وَالْوَفاءِ وَالنَّصيحَةِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَالسِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَالدَّليلِ الْعالِمِ وَالْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ. فَجَزاكَ اللّٰهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَعَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اَفْضَلَ الْجَزاءِ بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَاَعَنْتَ. فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ. لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ اَمَرَ بِقَتْلِكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنِ افْتَرىٰ عَلَيْكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ بايَعَكَ وَغَشَّكَ وَخَذَلَكَ وَاَسْلَمَكَ وَمَنْ اَلَّبَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ النّارَ مَثْواهُمْ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ. اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَاَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ. جِئْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُمْ مُسَلِّماً لَكُمْ. تابِعاً لِسُنَّتِكُمْ. نُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّٰهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لامَعَ عَدُوِّكُمْ. صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. قَتَلَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْاَيْدي وَالْاَلْسُنِ.

پس سیّد فرموده که: اشاره کن به ضریح آن جناب و بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ... الخ.

زيارت نزد ضريح

و شيخ محمّد بن المشهدی نيز عبارات سابقه را به منزلهٔ اذن دخول قرار داده كه در نزد در، بايد خوانده شود، پس گفته كه داخل شو و بچسبان خود را به قبر و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامَ. اَلْحَمْدُ لِلّهِ وَسَلامٌ عَلىٰ عِبادِهِ الَّذينَ اصْطَفىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضىٰ بِهِ الْبَدْرِيُّونَ. وَالْمُجاهِدُونَ في سَبيلِ اللّهِ الْمُبالِغُونَ في جِهادِ اَعْدائِهِ وَنُصْرَةِ اَوْلِيائِهِ. فَجَزاكَ اللّهُ اَفْضَلَ الْجَزاءِ وَاَكْثَرَ الْجَزاءِ. وَاَوْفَرَ جَزاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَاَطاعَ وُلاةَ اَمْرِهِ. اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِي النَّصيحَةِ. وَاَعْطَيْتَ غايَةَ الْمَجْهُودِ حَتّىٰ بَعَثَكَ اللّهُ فِي الشُّهَداءِ. وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ اَرْواحِ السُّعَداءِ. وَاَعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ اَفْسَحَها مَنْزِلاً وَاَفْضَلَها غُرَفاً. وَرَفَعَ ذِكْرَكَ في عِلِّيّينَ. وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفيقاً. اَشْهَدُ اَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ. وَاَنَّكَ قَدْ مَضَيتَ عَلىٰ بَصيرَةٍ مِنْ اَمْرِكَ مُقْتَدِياً بِالصّالِحينَ. وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيّينَ. فَجَمَعَ اللّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَوْلِيائِهِ في مَنازِلِ الْمُخْبِتينَ فَاِنَّهُ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ.

پس نماز كن دو ركعت. و شيخ مشهدی گفته كه در نزد بالای سر ضريح مطهّر باشد، پس آن نماز را هديهٔ جناب مسلم كن، پس بگو:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَدَعْ لي ذَنْباً اِلّا غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً اِلّا فَرَّجْتَهُ، وَلا مَرَضاً اِلّا شَفَيْتَهُ، وَلا عَيْباً اِلّا سَتَرْتَهُ، وَلا شَمْلاً اِلّا جَمَعْتَهُ، وَلا غائِباً اِلّا حَفِظْتَهُ وَاَدَّيْتَهُ[1]، وَلا عُرْياً اِلّا كَسَوْتَهُ، وَلا رِزْقاً اِلّا بَسَطْتَهُ، وَلا خَوْفاً اِلّا آمَنْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ لَكَ فيها رِضىً وَلِيَ فيها صَلاحٌ اِلّا قَضَيْتَها يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را، وداع کن او را به همان نحو وداعی که در زیارت حضرت ابی الفضل عليه السلام [صفحه ۱۳۵] مذکور شد.

زیارت دیگر برای جناب مسلم عليه السلام

و این زیارت را نیز سیّد ابن طاووس رحمه الله نقل کرده، گفته همین که به ضریح آن جناب رسیدی بایست رو به قبله و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْفادي بِنَفْسِهِ وَمُهْجَتِهِ الشَّهيدُ الْفَقيدُ الْمَظْلُومُ الْمَغْصُوبُ حَقُّهُ الْمُنْتَهَكُ حُرْمَتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ فادىٰ بِنَفْسِهِ ابْنَ عَمِّهِ وَفَدىٰ بِدَمِهِ دَمَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَوَّلَ الشُّهَداءِ وَاِمامَ السُّعَداءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُسْلِمُ يا مَنْ اَسْلَمَ نَفْسَهُ وَسَكَنَ عَلىٰ طاعَةِ اللّهِ رَمْسَهُ وَاَخْمَدَ حِسَّهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ السّادَةِ الْاَبْرارِ وَيَابْنَ اَخي جَعْفَرٍ الطَّيّارِ وَابْنَ اَخي عَلِيٍّ الْفارِسِ الْكَرّارِ الضّارِبِ بِذِي الْفَقارِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، يا مَنْ اَرْضىٰ بِفِعالِهِ مُحَمَّدَ الْمُخْتارَ وَالْمَلِكَ الْجَبّارَ، اَلسَّلامُ

---

۱. وادیته کذا.

عَلَيْكَ لَقَدْ صَبَرْتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَحيداً غَريباً عَنْ اَهْلِهِ بَيْنَ الْاَعْداءِ بِلا ناصِرٍ وَلا مُجيبٍ. اَشْهَدُ بَيْنَ يَدَيِ اللّهِ اَنَّكَ جاهَدْتَ وَصابَرْتَ وَخاصَمْتَ اَعْداءَ اللّهِ عَلىٰ طاعَتِهِ وَطاعَةِ نَبِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَلِيِّهِ فَمَضَيْتَ شَهيداً وَتَوَلَّيْتَ حَميداً. اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ. اَللّهُمَّ احْشُرْني مَعَهُ وَمَعَ اَبيهِ وَعُمُومَتِهِ وَبَنيهِمْ وَلا تَحْرِمْني في بَقِيَّةِ عُمْري زِيارَتَهُ.

پس ببوس ضریح را و نماز زیارت بجا آور و هدیّه کن ثواب آن را به روح آن جناب. پس وداع کن آن حضرت را و بیرون رو.

ذکر زیارت هانی بن عروهٔ مرادی

پس سیّد فرموده: می‌ایستی در نزد قبر او وسلام می‌کنی بر رسول خدا ﷺ و می‌گویی:

سَلامُ اللّهِ الْعَظيمِ وَصَلَواتُهُ عَلَيْكَ يا هانِيَ بْنَ عُرْوَةَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ النّاصِحُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً فَلَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ وَحَشَى اللّهُ قُبُورَهُمْ ناراً. اَشْهَدُ اَنَّكَ لَقيتَ اللّهَ وَهُوَ راضٍ عَنْكَ بِما فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ. وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَداءِ وَجُعِلَ رُوحُكَ مَعَ اَرْواحِ الشُّهَداءِ بِما نَصَحْتَ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ. مُجْتَهِداً في ذاتِ اللّهِ وَمَرْضاتِهِ. فَرَحِمَكَ اللّهُ وَرَضِيَ عَنْكَ وَحَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ. وَجَمَعَنا وَاِيّاكُمْ مَعَهُمْ في دارِ النَّعيمِ. وَسَلامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس دو رکعت نماز کن و هدیّه کن آن را به روح هانی، و دعا کن از برای خود به آنچه می‌خواهی، و وداع کن او را به آن چه در وداع مسلم علیه السلام می‌گفتی.

در فضایل جناب مسلم

مؤلّف گوید که: چون جناب مسلم در روز هشتم ذی الحجّه سنهٔ شصت‌ام از هجرت در کوفه خروج کرد و روز چهارشنبه نهم که روز عرفه بوده به شهادت فایز گشته، اگر در این دو روز خصوص روز شهادتش، آن بزرگوار را زیارت کنند، و قاتلان او را لعنت کنند بسیار مناسب خواهد بود، چنانچه علّامهٔ مجلسی فرموده، و ما در باب زیارت سلمان ذکر نمودیم که آن چه اهل نجف را عقیده گشته که حضرت سیّد الشّهدا فرموده‌اند: «که هرکه نتواند به زیارت من بیاید در ایّام زیارات مخصوصه پس زیارت کند پسر عمّم مسلم را در کوفه»، بی مأخذ است و تا به حال کسی از اصل آن نشانی نداده، ولکن جلالت شأن و فضل زیارت حضرت مسلم بالاتر از آن است که کسی به جهت ترغیب به زیارتش، متمسّک به چیزهای واهی شود.

شیخ مفید در کتاب *ارشاد*، و دیگران نوشته‌اند که پس از این که کاغذهای متواترهٔ اهل کوفه برای حضرت امام حسین آمد، حضرت در جواب آن‌ها کاغذی نوشت به این مضمون:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى الْمَلَإِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ:

امّا بعد... و تا آن‌که نوشتند: وَأَنَا باعِثُ إِلَيْكُمْ أَخِي وَابْنَ عَمِّي وثقتي من أهل بيتي مُسلمَ بنَ عقيل... الخ. من فرستادم به سوی شماها برادر و پسر عمّم و ثقهٔ اهل بیتم مسلم بن عقیل را. و این کلام حضرت در حقّ مسلم، دلالت می‌کند بر عظمت شأن و رفعت مقام او تا آن‌جا که عقل تصوّر نمی‌کند.

و شیخ صدوق در *امالی* به سند خود از ابن عبّاس روایت کرده که وقتی امیر المؤمنین به رسول خدا عرضه کرد که: «یا رسول اللّه، شما عقیل را دوست می‌دارید؟». فرمود: «بلی، به خدا قسم من دوست می‌دارم او را از دو جهت، یکی به جهت محبوبیّت خودش، و دیگر از جهت دوستی که ابو طالب با او داشت»، پس فرمود: «و به درستی که فرزند عقیل یعنی مسلم در راه محبّت

فرزند تو شهید خواهد شد، پس گریه خواهد کرد بر او چشمان مؤمنین و صلوات فرستند بر او ملائکهٔ مقرّبین»، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله گریه کرد تا آن‌که اشک نازنینش به سینه‌اش جاری گشت، پس گفت: «به خدا شکایت می‌کنم آنچه را که بر عترت من وارد می‌شود از بعد من».

و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در تحفه فرموده، و فضل زیارت آن بزرگوار یعنی مسلم، محتاج به ورود اخبار نیست، و در بعضی از زیارات شهدا مندرج است، انتهی.

ذکر خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و بدان که در پشت مسجد کوفه موضعی است که قبّهٔ کاشی برای اوست و مشهور است به خانهٔ امیر المؤمنین علیه السلام، و شیخ مرحوم رحمه الله اصرار بلیغی داشت بر فساد این شهرت و می‌فرمود که تا حال در هیچ کتابی دیده نشده و عالمی نگفته و سندی هر چند بسیار ضعیف باشد برای این نسبت، یعنی نسبت آن مقام را به حضرت امیر علیه السلام، ذکر نشده، ولکن علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *تحفة الزائر* فرموده: و امّا خانهٔ امیر المؤمنین علیه السلام، اگر چه روایتی در نماز و زیارت در آن وارد نشده است، امّا چون به شرف سکنای آن حضرت مشرّف گردیده است، نماز و دعا در آن فضل عظیم خواهد داشت، و حدیث مطلقی در تعظیم مطلق مساکن و مشاهد شریفهٔ ایشان وارد شده است. و نیز فرموده که مزار بعضی از دختران امیر المؤمنین علیه السلام در حوالی مسجد کوفه معروف است، انتهی.

و نیز در نزدیکی خانهٔ مشهور، بقعه و قبّه‌ای است منسوب به میثم تمّار که از بزرگان اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است، و در سال قبل بعضی از اهل خیر صحنی از برای آن بنا کرد، و قریب به قبر جناب میثم در طرف راست راه نجف، بقعه‌ای عالی است که ظاهراً از اولاد حسن مثنّی است و اسم او ابراهیم است، چنانچه شرح آن را سیّد الفقها آقا سیّد مهدی قزوینی در مزار کتاب خود *فلک النجاة* ذکر نموده.



فصل چهارم

در بیان فضیلت مسجد سهله و اعمال آن و اعمال مسجد زید و صعصعه

در بیان فضیلت مسجد سهله

بدان که بعد از مسجد کبیر کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست. و عالم جلیل قطب راوندی در *قصص الأنبیاء* از حضرت صادق ﷺ روایت نموده که فرمود: «چون داخل کوفه شوی برو به مسجد سهله و نماز بکن و حاجت دین و دنیای خود را از خدا بطلب، به درستی که مسجد سهله خانهٔ حضرت ادریس ﷺ است که در آن‌جا خیّاطی می‌کرده، و نماز می‌گذارده است. و هرکه در آن مسجد خدا را بخواند، به هر حاجتی که خواهد حاجاتش بر آورده شود. و حق تعالی در روز قیامت به سوی مقامی بلند که درجهٔ حضرت ادریس است او را بالا برد، و از مکروهات دنیا و مکر دشمنان امان یابد». ۰

و در چند حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «مسجد سهله خانهٔ حضرت ابراهیم ﷺ بود، که از آن‌جا به جنگ عمالقه رفت، و خانهٔ ادریس بود که در آن خیّاطی می‌کرد، و در آن سنگ سبزی هست که در آن صورت هر پیغمبری هست، و از زیر آن سنگ طینت هر پیغمبری را برداشته‌اند. و محلّ ورود حضرت خضر ﷺ و مسکن آن حضرت است». پس فرمود که: «اگر عموی من زید ﷺ در هنگامی که خروج کرد به آن مسجد می‌رفت و نماز می‌کرد و از خدا امان می‌خواست، بیست سال امان می‌یافت. و هیچ غمناک به آن مسجد نمی‌رود که نماز کند، ـ میان نماز شام و خفتن ـ و دعا کند مگر حق تعالی غمش را زایل می‌گرداند».

راوی در بعض احادیث پرسید که: این پیغمبران در کجا سکنی می‌کرده‌اند؟ فرمود که: «در گوشه‌های آن مسجد». و شیخ محمّد بن المشهدی ﷺ در *مزار کبیر* به روایت معتبر از ابی بصیر، روایت کرده که گفت: فرمود به من حضرت صادق ﷺ که: «ای ابا محمّد، گویا من می‌بینم حضرت صاحب الأمر ﷺ در مسجد سهله فرود آید با اهل و عیالش و منزل آن حضرت باشد، و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر آن‌که در آن مسجد نماز کرده است، و هرکه در آن مسجد اقامت نماید چنان است که در خیمهٔ رسول خدا ﷺ اقامت نموده است. و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آن‌که دلش مایل است به سوی آن مسجد، و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیغمبری هست، و هیچ کس با نیّت صادق نماز و دعا نمی‌کند در آن مسجد مگر آن‌که برمی‌گردد با

حاجت بر آمده شده، و هیچ کس در آن مسجد امان نمی‌طلبد مگر آن‌که امان می‌یابد از هرچه که می‌ترسد». گفتم: فضیلت این است، که از برای این مسجد است؟ حضرت فرمود: «زیادتر بگویم از برایت». عرض کردم: بلی. فرمود که: «آن از جمله بقعه‌هایی است که خدا دوست می‌دارد که او را در آن‌ها بخوانند، و هیچ شب و روزی نیست، مگر آن‌که ملائکه می‌آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می‌کنند خدا را در آن». پس فرمود که: «اگر من نزدیک می‌بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می‌کردم». پس فرمود که: «ای ابا محمّد، آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد بیشتر از آن است که گفتم». من عرض کردم: فدایت شوم، حضرت قائم‌ عليه السلام همیشه در آن مسجد خواهد بود؟ فرمود: «بلی...» الخ.

و از حضرت امام زین العابدین‌ عليه السلام منقول است که فرمود: «هرکه دو رکعت نماز کند در مسجد سهله، حق تعالی بر عمرش بیفزاید دو سال».

و بالجمله احادیث در فضایل این مسجد بسیار است و این مختصر گنجایش ذکر آن‌ها را ندارد، به همین جزئی قناعت می‌کنیم.

اعمال مسجد سهله

و امّا اعمال مسجد سهله، پس دو رکعت نماز میان شام و خفتن سنّت است، چنانچه شیخ طوسی‌ رحمه الله در تهذیب از حضرت صادق‌ عليه السلام روایت کرده و فرمودند که: «هرکه چنین کند و دعا کند حق تعالی غمش را زایل کند». و سیّد ابن طاووس فرموده که: چون اراده کردی که به مسجد سهله روی، پس ما بین مغرب و عشا در شب چهارشنبه وارد آن مسجد شو که افضل اوقات دیگر است، پس همان گاه که وارد شدی نماز مغرب و نافله‌اش را بجای آور، پس برخیز دو رکعت نماز تحیّت مسجد کن قربة الی اللّه، و چون فارغ شدی دست‌ها را به سمت آسمان بلند کن و بگو:

أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خالِقُ الْخَلْقِ وَرازِقُهُمْ، وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْقابِضُ الْباسِطُ، وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَباعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ وارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْها، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ عالِمُ السِّرِّ وَأَخْفىٰ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذا دُعِيتَ بِهِ

اَجَبْتَ وَاِذا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ. وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَبِحَقِّهِمُ الَّذي اَوْجَبْتَهُ عَلىٰ نَفْسِكَ. اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَقْضِيَ لي حاجَتي السّاعَةَ السّاعَةَ. يا سامِعَ الدُّعاءِ يا سَيِّداهُ يا مَوْلاهُ يا غِياثاهُ. أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ اَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ في عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَنا السّاعَةَ السّاعَةَ. يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصارِ يا سَميعَ الدُّعاءِ.

پس به سجده برو و خشوع کن و بخوان خدا را به جهت هرچه که می‌خواهی.

مؤلف گوید که: شیخ شهید این دعا را مرسلاً، و شیخ محمّد بن المشهدی به سند معتبر از حضرت صادق روایت کرده‌اند، که به جهت خلاصی زنی از شیعه که لعن به ظالمان حضرت فاطمه نموده بود و اعوان خلفای جور او را زده و حبس کرده بودند، آن حضرت با بشّار مکاری به مسجد رفتند و این دعا را بعد از نماز خواندند، و حق تعالی آن زن را از زندان رهایی داد، و چون حدیث طولانی بود، ذکر ننمودم.

و نیز محمّد بن المشهدی و شهید و صاحب مزار قدیم روایت کرده‌اند از ابن بابویه و او از محمّد بن یعقوب که گفت: حدیث کرد مرا علی بن ابراهیم، از پدرش که گفت: من قصد کردم حجّ بیت اللّه الحرام را، پس وارد کوفه شدیم و داخل شدیم در مسجد سهله، پس دیدیم شخصی را که مشغول رکوع و سجود بود، پس چون فارغ شد خواند: اَنْتَ اللّهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ... تا آخر دعا که مذکور شد، آن گاه برخاست و رفت به گوشهٔ مسجد، پس ایستاد و دو رکعت نماز کرد و ما با او بودیم، و چون از نماز فارغ شد، تسبیح حضرت زهرا گفت، و این دعا خواند:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّريفَةِ وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيها. قَدْ عَلِمْتَ حَوائِجي. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِها. وَقَدْ اَحْصَيْتَ ذُنُوبي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْها لي. اَللّٰهُمَّ اَحْيِني ما كانَتِ الْحَياةُ خَيْراً لي. وَاَمِتْني اِذا كانَتِ الْوَفاةُ خَيْراً لي عَلىٰ مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ. وَافْعَلْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس برخاست، پرسیدیم از او که این چه موضع است؟ گفت: «این موضع خانهٔ ابراهیم خلیل است، که از این‌جا به جنگ عمالقه رفت». پس رفت به آن گوشهٔ مسجد که در جانب مغرب است و دو رکعت نماز کرد، و به روایت مزار قدیم، چون سلام داد تسبیح فرستاد، پس دست‌ها را برداشت و گفت:

اللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلاةَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَطَلَبَ نائِلِكَ وَرَجاءَ رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْها مِنّي بِأَحْسَنِ قَبُولٍ. وَبَلِّغْني بِرَحْمَتِكَ[1] الْمَأْمُولَ. وَافْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس برخاست و رفت به گوشه‌ای که در جانب مشرق است و دو رکعت نماز کرد و دستها را گشود و گفت:

اللّٰهُمَّ إِنْ كانَتِ الذُّنُوبُ وَالْخَطايا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ فَلَمْ تَرْفَعْ لي إِلَيْكَ صَوْتاً وَلَمْ تَسْتَجِبْ لي دَعْوَةً. فَإِنّي أَسْأَلُكَ بِكَ يا أَللّٰهُ. فَإِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ أَحَدٌ. وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تُقْبِلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَتُقْبِلَ بِوَجْهي إِلَيْكَ. وَلا تُخَيِّبْني حينَ أَدْعُوكَ وَلا تَحْرِمْني حينَ أَرْجُوكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس به سجده رفت و پهلوهای روی خود را به خاک گذاشت و برخاست و بیرون آمد، پرسیدیم که این مکان به چه نامیده می‌شود؟ گفت که: «این مقام صالحین و انبیا و مرسلین است». پس صاحب مزار قدیم گفته که آن شخص رفت به خانه‌ای که در صحن[2] مسجد است. پس دو

---

۱. نهایة خ ل مزار قدیم.

۲. بدان‌که این مکان شریف ـ یعنی خانه‌ای که در صحن مسجد است ـ الحال معروف است به مقام امام زین العابدین علیه‌السلام، و سید ابن طاووس و علامهٔ مجلسی رحمه‌الله گفته‌اند که در این جا دو رکعت نماز گذار و بگو: «یا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، يا فَعّالاً لِما يُريدُ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحُلْ بَيْنَنا وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذينا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ. يا كافِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفي مِنْهُ شَيْءٌ اِكْفِنَا الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ». پس روی خود را بر خاک بنه و دعا کن. (منه رحمه‌الله).

رکعت نماز کرد و دستها را گشود و گفت:

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ يا مَنْ لا تَراهُ الْعُيُونُ، وَلا تُحيطُ بِهِ الظُّنُونُ، وَلا يَصِفُهُ الواصِفُونَ، وَلا تُغَيِّرُهُ الْحَوادِثُ، وَلا تُفْنيهِ الدُّهُورُ، يَعْلَمُ مَثاقيلَ الْجِبالِ، وَمَكاييلَ الْبِحارِ، وَوَرَقَ الأَشْجارِ، وَرَمْلَ الْقِفارِ، وَما أضاءَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَأظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَوَضَحَ عَلَيْهِ النَّهارُ، لا تُواري مِنْهُ سَماءٌ سَماءً، وَلا أرْضٌ أرْضاً، وَلا جَبَلٌ ما في أصْلِهِ، وَلا بَحْرٌ ما في قَعْرِهِ، أسألُكَ أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأنْ تَجْعَلَ خَيْرَ أمْري آخِرَهُ، وَخَيْرَ أعْمالي خَواتِمَها، وَخَيْرَ أيّامي يَوْمَ ألْقاكَ إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

اللّهُمَّ مَنْ أرادَني بِسُوءٍ فَأرِدْهُ، وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ، وَمَنْ بَغاني بِهَلَكَةٍ فَأهْلِكْهُ، وَاكْفِني ما أهَمَّني مِمَّنْ أدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ. اللّهُمَّ أدْخِلْني في دِرْعِكَ الْحَصينَةِ وَاسْتُرْني بِسِتْرِكَ الْواقي، يا مَنْ يَكْفي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفي مِنْهُ شَيْءٌ اكْفِني ما أهَمَّني مِنْ أمْرِ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَصَدِّقْ قَوْلي وَفِعالي، يا شَفيقُ يا رَفيقُ فَرِّجْ عَنّي الْمَضيقَ وَلا تُحَمِّلْني ما لا اُطيقُ.

اللّهُمَّ احْرُسْني بِعَيْنِكَ الَّتي لا تَنامُ، وَارْحَمْني بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا عَلِيُّ يا عَظيمُ أنْتَ عالِمٌ بِحاجَتي وَعَلىٰ قَضائِها قَديرٌ، وَهِيَ لَدَيْكَ يَسيرٌ وَأنَا إلَيْها فَقيرٌ، فَمُنَّ عَلَيَّ بِها ياكَريمُ إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، اللّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوائِجي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِها، وَقَدْ أحْصَيْتَ ذُنُوبي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْها ياكَريمُ.

پس به خاک گذاشت دو طرف روی خود را. پس شیخ شهید و صاحب مزار کبیر و صاحب

مزار قدیم گفته‌اند که آن شخص از مسجد سهله بیرون آمد، رفت به مسجد کوچکی که در پیش روی[1] مسجد سهله است. پس به آرامی و وقار دو رکعت نماز کرد و دست‌ها را گشود و این دعا را خواند:

إِلٰهي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ يَدَيْهِ لِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ • إِلٰهي قَدْ جَلَسَ الْمُسيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ وَراجِياً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ • إِلٰهي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظّالِمُ كَفَّيْهِ راجِياً لِما لَدَيْكَ فَلا تُخَيِّبْهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ • إِلٰهي قَدْ جَثَا الْعائِدُ إِلَى الْمَعاصي بَيْنَ يَدَيْكَ خائِفاً مِنْ يَوْمٍ تَجْثُو فيهِ الْخَلائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ • إِلٰهي قَدْ جاءَكَ الْعَبْدُ الْخاطِئُ فَزِعاً مُشْفِقاً • وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً راجِياً • وَفاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً نادِماً • وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ ما أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتي مُخالَفَتَكَ • وَما عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِكَ جاهِلٌ • وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلا لِنَظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ • وَلٰكِنْ سَوَّلَتْ لي نَفْسي وَأَعانَتْني[2] عَلىٰ ذٰلِكَ شِقْوَتي • وَغَرَّني سِتْرُكَ الْمُرْخىٰ عَلَيَّ • فَمِنَ الْآنَ مِنْ عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُني؟ وَبِحَبْلِ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّي؟ فَياسَوْأَتاهُ[3] غَداً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذا قيلَ لِلْمُخِفّينَ: جُوزُوا وَلِلْمُثْقِلينَ حُطُّوا • أَفَمَعَ الْمُخِفّينَ أَجُوزُ أَمْ مَعَ الْمُثْقِلينَ أَحُطُّ؟ • وَيْلي كُلَّما كَبُرَ سِنّي كَثُرَتْ ذُنُوبي! وَيْلي كُلَّما طالَ عُمْري كَثُرَتْ مَعاصِيَّ! فَكَمْ أَتُوبُ وَلَمْ أَعُدْ؟ أَما آنَ لي أَنْ أَسْتَحْيِيَ مِنْ رَبّي؟ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْلي وَارْحَمْني يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَخَيْرَ الْغافِرينَ.

---

۱. مراد از پیش رو، سمت قبله است. چنانچه مشاهد است مسجد زید در پشت دیوار قبلی سهله واقع است، نه آن‌که مراد مقابل در مسجد باشد چنانچه شاید توهّم شود، و مسجد صعصعه را که مقابل در است مسجد زید پندارد (منه رحمه اللّٰه).

۲. واعانتني خ ل.

۳. فياشقوتا خ ل مزار قدیم.

پس گریست و پهلوی راست روی خود را بر زمین گذاشت و گفت[1]: اِرْحَمْ مَنْ اَساءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ، پس پهلوی چپ روی خود را بر زمین گذاشت و گفت: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا كَريمُ، پس برخاست و بیرون رفت.

از عقب او روانه شدم و از او پرسیدم که: ای آقای من چه نام دارد این مسجد؟ فرمود: «این مسجد زید بن صوحان است، که از صحابهٔ امیر المؤمنین عليه السلام بوده است و این دعای اوست، که در نماز شب می‌خواند». پس آن شخص از نظر ما غایب شد. رفیقم به من گفت که این خضر عليه السلام بود.

مؤلف گوید: که سخن رفیق از روی حدس بوده و احتمال قوی می‌رود که، شخص غایب، امام غایب حضرت صاحب الامر عليه السلام بوده، چنانچه نظیر آن بیاید در عمل مسجد صعصعه، برادر زید مذکور.

در اعمال مسجد صعصعه

و امّا عمل مسجد صعصعه پس چنان است که علمای سابق الذّکر، روایت کرده‌اند از علیّ بن محمّد بن عبدالرّحمن شوشتری، و در مزار قدیم روایت را از محمّد پدر علی نقل کرده که گفت: گذشتم به طایفهٔ بنی رواس، یکی از ایشان گفت که: بیا برویم به مسجد صعصعه و در آن‌جا نماز کنیم، که این ماه رجب است، و سنّت است در این ماه زیارت این مواضع شریفه، که امامان ما قدمهای مبارکشان به آن‌جا رسیده است، و در آن‌ها نماز کرده‌اند و مسجد صعصعه از آن‌ها است. پس با او رفتیم به سوی آن مسجد، دیدیم ناقه‌ای را که جلوی درِ مسجد بسته و عقال کرده بودند، یعنی دست او را بسته بودند. چون داخل مسجد شدیم، دیدیم مردی نشسته و جامه‌های حجازی پوشیده است، و عمامه‌ای مثل عمامهٔ آن‌ها بر سر دارد و این دعا را می‌خواند، که من و رفیقم او را حفظ کردیم، و در مزار قدیم است، که این دعا را خواند بعد از آن‌که دو رکعت نماز کرد، و تسبیح فرستاد:

اَللّهُمَّ يا ذَا الْمِنَنِ السّابِغَةِ، وَالآلاءِ الْوازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ

---

۱. و صاحب مزار قدیم گفته که این دعا را در سجده خواند و چون روی راست را بر زمین گذاشت و گفت: «اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَاَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ»، پس روی چپ را گذاشت و گفت: عظم... الخ. و در روایت سیّد ابن طاووس است که بعد از همه سر را به سجده گذار و صد مرتبه العفو بگو (منه رحمه اللّه).

الْجامِعَةِ. وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ. وَالْمَواهِبِ الْعَظِيمَةِ. وَالْأَيادِي الْجَمِيلَةِ. وَالْعَطايا الْجَزِيلَةِ. يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ وَلا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ. يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ. وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلا فَارْتَفَعَ. وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ. وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ. وَأَعْطىٰ فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ. يا مَنْ سَما فِي الْعِزِّ فَفاتَ خَواطِرَ الْأَبْصارِ. وَدَنا فِي اللُّطْفِ فَجازَ هَواجِسَ الْأَفْكارِ. يا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطانِهِ. وَتَفَرَّدَ بِالْآلاءِ وَالْكِبْرِياءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ. يا مَنْ حارَتْ فِي كِبْرِياءِ هَيْبَتِهِ[1] دَقائِقُ لَطائِفِ الْأَوْهامِ. وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْراكِ عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أَبْصارِ الْأَنامِ. يا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ. وَخَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمَتِهِ. وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ. أَسْأَلُكَ بِهٰذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ. وَبِما وَأَيْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِداعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. وَبِما ضَمِنْتَ الْإِجابَةَ فِيهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِلدّاعِينَ. يا أَسْمَعَ السّامِعِينَ وَأَبْصَرَ النّاظِرِينَ وَأَسْرَعَ الْحاسِبِينَ. يا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرِينَ. وَاقْسِمْ لِي[2] فِي شَهْرِنا هٰذا خَيْرَ ما قَسَمْتَ. وَاخْتِمْ لِي فِي قَضائِكَ خَيْرَ ما خَتَمْتَ. وَاخْتِمْ لِي بِالسَّعادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ. وَأَحْيِنِي ما أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً. وَأَمِتْنِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً. وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجاتِي مِنْ مُساءَلَةِ الْبَرْزَخِ. وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَراً وَنَكِيراً. وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّراً وَبَشِيراً. وَاجْعَلْ لِي إِلىٰ رِضْوانِكَ وَجِنانِكَ مَصِيراً وَعَيْشاً قَرِيراً وَمُلْكاً كَبِيراً. وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيراً.

---

۱. في المزار الكبير: هويّته خ ل.
۲. لنا خ ل.

پس سجده طولانی کرد، و برخاست و بر ناقه سوار شد و رفت. رفیقم گفت که این حضرت خضر ﷺ بود، چرا با او سخن نگفتیم. گویا زبان ما را بسته بودند. چون بیرون آمدیم، ابن ابی روّاد[1] روّاسی به ما برخورد، پرسید که: از کجا می‌آیید؟ گفتیم که: از مسجد صعصعه، و خبر را برای او نقل کردیم. گفت: این سوار هر دو روز یا سه روز یک مرتبه به این مسجد می‌آید و با کسی سخن نمی‌گوید. پرسیدیم: کیست؟ گفت: شما چه گمان می‌کنید؟ او را گفتیم: گمان می‌کنیم که او حضرت خضر ﷺ باشد. گفت: و اللّه نمی‌شناسم او را، مگر کسی که خضر ﷺ نیز محتاج است به دیدن او. برگردید به استقامت و هدایت. پس رفیق من به من گفت که: او و اللّه صاحب الزّمان ﷺ است.

مؤلف گوید که: احتمال قوی می‌رود که کلام ابن ابی روّاد، از روی حدس و از پیش نفس نبوده، بلکه از برای او نظیر این واقعه اتّفاق افتاده بود، و او گمان کرده که آن، جناب خضر است، پس آن حضرت همین کلام را به او فرموده، و ابن ابی روّاد همان کلام شریف را به عینه به آن شخص شوشتری و رفیقش گفت و نخواست به جهت غرضی قصّهٔ خود را برای آن‌ها نقل کند، و مؤیّد این احتمال است روایت سیّد ابن طاووس ﷺ در کتاب *اقبال*، چنانچه در اعمال ماه رجب از همین ابن ابی روّاد نقل کرده که او در روزی از روزهای ماه مبارک رجب، با محمّد بن جعفر دهّان به مسجد سهله رفت. پس محمّد بن جعفر گفت که بیا برویم به مسجد صعصعه که آن مسجد مبارکی است، و امیر المؤمنین ﷺ در آن نماز کرده است و قدمهای امامان به آن رسیده است. چون داخل مسجد شدیم و مشغول نماز شدیم، ناگاه مردی را دیدیم که از ناقهٔ خود فرود آمد و پای ناقه را بست و داخل مسجد شد، و دو رکعت نماز کرد و بسیار طول داد نماز را، پس دستها را بلند کرد و آن دعا که در روایت سابق مذکور شد، خواند، و چون فارغ شد، بر ناقه سوار شد. محمّد بن جعفر گفت که: بیا بپرسیم که این کیست؟ رفتیم و او را به خدا قسم دادیم که کیستی؟ فرمود: «به گمان شما من کیستم؟» گفتیم: ما گمان داریم که شما حضرت خضر ﷺ باشید، فرمود که: «من آن کس‌ام که خضر محتاج است به دیدن او. برگردید که من امام زمان شمایم».

---

۱. در مزار کبیر: ابن ابی داود، و در معجم رجال: ابن ابی دؤاد.

و بدان‌که در کوفه مسجدهای بسیار بوده، که بعضی مبارک و بعضی ملعون بوده و علما ـ رضوان الله علیهم ـ از برای مسجد غنی و مسجد جُعفی و مسجد کاهل که از مساجد مبارکه هستند، اعمال و ادعیه روایت کرده‌اند، و چون موضع آن‌ها در این زمان معلوم نیست، ما از ذکر آن اعراض نمودیم.

مقام چهارم

در ذکر مجملی از تکالیف زوّار در بلد نجف اشرف

و در آن سه امر است:

امر اوّل: رفتن به مسجد حنّانه و بجا آوردن اعمال آن است

بدان ایّدک الله تعالی که نزدیک ارض مقدّس نجف، از طرف شرق به فاصلهٔ سه هزار ذراع، تقریباً مکانی است که در آن در قدیم بنایی داشته، گویا شبیه به میل که آن را قائم و علَم می‌نامیدند. وجه تسمیهٔ آن به این اسم معلوم نیست، و محتمل است که، نشانهٔ فرسخ بوده، چه از آن‌جا تا شهر کوفه همین مقدار مسافت دارد، و چون جنازهٔ حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام را در شب حرکت دادند که در تربت پاک نجف دفن کنند، عبورشان به آن بنا افتاد. آن میل به جهت تعظیم و احترام حضرت، چون رکوع کنندگان منحنی و کج شد، پس آن را حنّانه نامیدند و گاهی «قائم مایل» می‌گویند، و این یک جهت شرافت این محلّ است. و جهت دیگر آن‌که چون سر مبارک حضرت امام حسین عليه‌السلام را از کربلا به کوفه می‌بردند، شب در این موضع گذاشتند، و از این جهت نماز و دعا و زیارت در آن‌جا مقرّر شده و عامّهٔ زوّار از فیض این محل محروم، به جهت نادانی و تنبیه نکردن دانایان ایشان را، و به جهت قلّت تردّد و ندانستن بزرگی و مقام آن، این محل شریف مهجور و متروک و خراب مانده، و حال آن‌که منزل اوّل سر مبارک حضرت ابی عبد الله الحسین عليه‌السلام است، بلکه بنا بر احتمالی که بعض علما داده‌اند، مدفن آن، یعنی مدفن بعضی از اجزای شریفهٔ سر است، که جرأت بر ذکر آن نیست.

و شیخ محمّد بن المشهدی در مزار کبیر گفته: فقد جاء في الأثر أنّ رأس الحسين عليه‌السلام هناك؛ در خبر آمده، که سر مبارک امام حسین عليه‌السلام آن‌جا است، و علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در *بحار* احتمال داده که، اصل نسخه وُضِعَ هناك بوده؛ یعنی سر مقدّس در آن‌جا گذاشته شده. و بالجمله مسجدی با این

شرافت اگر در بلاد بعیده بود دوستان و موالیان که از شوق و محبّت، هر ساله آلاف و الوف در راه آن حضرت صرف می‌کنند، به قدر مقدور در تعظیم وتبجیل آن می‌کوشیدند، و در بنا و عمارت و زینت آن، و عبادت و اعمال در آن، مجهود [و تلاش] خود را صرف می‌نمودند و نمی‌گذاشتند که با این حال بماند، که فعلاً نه مطاف زوّار و نه مورد صرف وجوه برّیه و نه معبد طالبین خیر است. قبور بسیاری در قرب همین مسجد شریف، با بناهای عالیه و قباب رفیعه و شموع معلّقه است، و این مسجد چنین خراب و ویران و بی خادم، و گویا روشنایی و چراغ را تا کنون در شب به خود ندیده، تا روز جزا در نزد مالک یوم الدّین، چه شکایت‌ها کند و از مصدر جلال حضرت جبّار منتقم، چه حکم در آید.

اعمال مسجد حنّانه

امّا آداب وارده برای این مسجد شریف، پس چند چیز است:

اوّل: دو رکعت نماز؛ شیخ مفید و سیّد و شهیدﷺ در کتب *مزار* خود روایت کرده‌اند از مفضّل بن عمر، که گفت: گذشت حضرت امام جعفر صادقﷺ به قائم مایل در راه غریّ - یعنی آن علم که کج شده بود به جهت جنازهٔ حضرت امیرﷺ - پس دو رکعت نماز کرد. پس به آن حضرت عرض کردند: این چه نمازی است؟ فرمود: «این موضع سر جدّم حسین بن علیﷺ است که چون از کربلا آوردند، آن را در این‌جا گذاشته‌اند، آن‌گاه آن را به نزد عبید اللّه بن زیاد بردند».

دوّم: خواندن این دعا است. چنانچه علمای مذکور از صفوان جمّال روایت کردند، که حضرت صادقﷺ به او فرمود: «چون به عَلَم - یعنی حنّانه - رسیدی بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرىٰ مَكاني وَتَسْمَعُ كَلامي وَلا يَخْفىٰ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ اَمْري • وَكَيْفَ يَخْفىٰ عَلَيْكَ ما اَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبارِؤُهُ • وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ • فَاَسْاَلُكَ بِهِما ثَباتَ الْقَدَمِ وَالْهُدىٰ وَالْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ».

زیارت سیّد الشهداء؈ در مسجد حنّانه

سوّم: علاّمهٔ مجلسی فرموده، که شیخ محمّد بن المشهدی روایت کرده که حضرت صادق؈ در مسجد حنّانه، حضرت امام حسین؈ را چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز گذارد، و زیارت این است:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ وَآتَيْتَ الزَّكاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذىٰ في جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذينَ خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ وَأَنَّ الَّذينَ خَذَلُوكَ وَالَّذينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ. وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَرىٰ. لَعَنَ اللهُ الظّالِمينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ. وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ. أَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ. مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ. مُعادِياً لِأَعْدائِكَ. مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذي أَنْتَ عَلَيْهِ. عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس فرموده، که اگر همین زیارت را در بالای سر حضرت امیر المؤمنین؈ برای سر مبارک امام حسین؈ نیز بخواند مناسب است.

در زیارت جناب کمیل ورُشَید وأحنَف؇

مؤلّف گوید که: نزدیک مسجد حنّانه از طرف شرق، تلّ کوچکی است که آن را ثویّه می‌گویند، و شیخ مرحوم علاّمهٔ نوری ـطاب ثراهـ فرموده که ثویّه در قدیم محلّ معروفی بود، و آبی داشت و در آن‌جا جمعی از بزرگان اصحاب حضرت امیر المؤمنین؈ مدفون‌اند که یکی از

آن‌ها کمیل است، که قبرش ظاهر است و از ما بقی اثری نیست، و فرموده، که گمانم رُشَید هَجَری ـ که جلالت قدرش از کمیل خیلی بالاتر است ـ در آن‌جا می‌باشد. و احنف بن قیس معروف که در حلم به او مثل زنند، نیز در آن‌جا است، بلکه جبّار عنید، زیاد پدر عبید اللّه، و مغیره نیز در آن‌جایند. حقیر گوید که: مراد از مغیره، مغیرة بن شعبه است چنانچه ابن اثیر در لغت «ثویّه» متعرّض شده و گفته که در همان موضع قبر ابی موسی اشعری نیز واقع است. انتهی.

پس زائر چون به آن‌جا رسید.

اوّلاً: دو رکعت نماز کند چنانچه صفوان از حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت کرده که به او فرمودند چنین کند.

و **ثانیاً:** این دعا را بخواند که در همان روایت مذکور است:

اَلْحَمْدُ لِلّهِ عَلىٰ مَا اخْتَصَّني بِهِ مِنْ طيبِ الْمَوْلِدِ ۞ وَاسْتَخْلَصَني اِكْراماً بِهِ مِنْ مُوالاةِ الْاَبْرارِ السَّفَرَةِ الْاَطْهارِ وَالْخِيَرَةِ الْاَعْلامِ ۞ اَللّهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيي اِلَيْكَ وَتَضَرُّعي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاغْفِرْ لي الذُّنُوبَ الَّتي لا تَخْفىٰ عَلَيْكَ اِنَّكَ الْمَلِكُ الْغَفّارُ.

وَثالِثاً: زیارت کند جناب کمیل را و سلام کند بر او و بر همه اصحاب حضرت که در آن‌جا مدفون‌اند و آنچه تواند بخواند از سور و آیات قرآنی که مقرّر است خواندن آن برای اهل قبور مثل سورهٔ «یٰس» و «حمد» و یازده مرتبه «توحید» و هفت مرتبه «إنّا انزلناه» و «آیة الکرسي» و همه را به آن شریک کند و از فیض همه بهره‌مند شود، و به توسّل ارواح مقدّسهٔ ایشان، متقرّب شود به مولای ایشان، و مولای هر مؤمن و مؤمنه امیر المؤمنین(ع).

ورابعاً: مناسب است که از آن جبّار ظالم عنید زیاد، یاد کند، و از آنچه به شیعیان خاص آن حضرت کرد از انواع ظلم و اذیّت و قتل و دار کشیدن و میل آهن گداخته در چشمشان کشیدن، بلکه سبّ [و ناسزا گفتن به] کردن حضرت و جمع کردن مردم در مسجد برای این عمل منکر، که در همان روز به مقصد خود نرسیده به طاعون یا به فلج مبتلا و دنیا را از لوث وجود خود پاک نمود، و غیر این‌ها به خاطر آرد، و تا تواند دهان را از لعن او و لعن امثال او از جبابره، پاک و پاکیزه و خوشبو و معطّر کند.

ذکر مقام صاحب الزمان عجل الله فرجه در آخر وادی

بدان که در غربی قبرستان وادی السّلام مکانی است معروف به مقام حضرت مهدی علیه السلام و از برای اوست صحن محقّر و قبّه و محرابی، و صلحا و بزرگان احترام آن موضع را نگاه دارند و در نماز و دعا و توسّلات به آن حضرت در آن‌جا مواظبت دارند، و سببی از برای آن دیده نشده، و شاید که کسی به لقای آن حضرت در آن مکان شریف فائز شده یا معجزه‌ای از آن حضرت در آن‌جا ظاهر شده باشد، یا آن‌که آن‌جا محلّ منبر آن حضرت باشد، که در اخبار اشاره به آن شده، و حقیر چند سال قبل دیدم مکتوبی به خطّ سیّد محمّد سعید افندی، خطیب نجف که کرامتی از آن مقام شریف دیده بودند، در آن درج کرده بود و برای شیخ مرحوم فرستاده بود. و آن مرحوم به عینه آن را در رسالهٔ *کشف الاستار* ایراد فرموده، پس از آن، گفته که این مقام در قدیم نیز موجود بوده و یکی از علمای قرن یازدهم در *جامع کبیر* خود ذکر نموده قصّهٔ مرد کاشانی را که مریض و مأیوس از خود شده بوده به آن موضع رفته حق تعالی او را شفا بخشیده، و از آن قصّه معلوم می‌شود که در آن زمان نیز این مکان معروف و ظاهر بوده و الله العالم.

امر دوّم: از تکالیف زوّار در نجف اشرف

خواندن دعای شریف مخصوصی است در عقب نماز زیارت و سایرنمازها از واجب و مستحبّ، مادامی که در آن بلد شریف اقامه دارد چنانچه علما فرموده‌اند، و ما دعا را از کتاب *تهذیب* نقل کنیم، پس از آن تصریح علما را بر این مطلب ذکر می‌نماییم. شیخ طوسی رحمه الله در *تهذیب* روایت کرده از شیخ قمّیّین محمّد بن احمد بن داود صاحب *مزارکبیر* که معروف بوده و او به سند خود روایت کرده از یونس بن ظبیان که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق علیه السلام در وقتی که در حیره تشریف داشتند، پس مرا با خود برد به مکانی و در آن‌جا ایستاد و دست‌ها را بلند کرد و دعایی آهسته خواند که من نفهمیدم، پس دو رکعت نماز کرد به جهر [و آشکاری] و سوره‌ای کوچک خواند در آن نماز، و من نیز چنان کردم، پس دعایی خواند که من فهمیدم و تعلیم من نمود. پس فرمود که: «ای یونس آیا می‌دانی این چه مکانی است؟» گفتم: فدای تو شوم نمی‌دانم. همین قدر می‌دانم که در صحرایم. فرمود که: «این قبر امیر المؤمنین علیه السلام است و با رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات

می‌نماید تا روز قیامت» یعنی آن حضرت از رسول خدا ﷺ جدا نیست هر چند قبرهایشان از هم دور است، و دعا این است:

اللّهُمَّ لابُدَّ مِنْ اَمْرِكَ وَلابُدَّ مِنْ قَدَرِكَ وَلابُدَّ مِنْ قَضائِكَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِكَ. اللّهُمَّ فَما قَضَيْتَ عَلَيْنا مِنْ قَضاءٍ وَقَدَّرْتَ عَلَيْنا مِنْ قَدَرٍ فَاَعْطِنا مَعَهُ صَبْراً يَقْهَرُهُ وَيَدْمَغُهُ وَاجْعَلْهُ لَنا صاعِداً في رِضْوانِكَ. يُنْمي في حَسَناتِنا وَتَفْضيلِنا وَسُؤْدَدِنا[1] وَمَجْدِنا وَنَعْمائِنا وَكَرامَتِنا فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَلا تَنْقُصْ مِنْ حَسَناتِنا. اللّهُمَّ وَما اَعْطَيْتَنا مِنْ عَطاءٍ اَوْ فَضَّلْتَنا بِهِ مِنْ فَضيلَةٍ اَوْ اَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ كَرامَةٍ فَاَعْطِنا مَعَهُ شُكْراً يَقْهَرُهُ وَيَدْمَغُهُ. وَاجْعَلْهُ لَنا صاعِداً في رِضْوانِكَ وَحَسَناتِنا وَسُؤْدَدِنا وَشَرَفِنا وَنَعْمائِكَ وَكَرامَتِكَ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ. وَلا تَجْعَلْهُ لَنا اَشَراً وَلا بَطَراً وَلا فِتْنَةً وَلا مَقْتاً وَلا عَذاباً وَلا خِزْياً فِي الدُّنْيا وَلا فِي الآخِرَةِ. اللّهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ عَثَراتِ[2] اللِّسانِ وَسُوءِ الْمَقامِ وَخِفَّةِ الْميزانِ. اللّهُمَّ لَقِّنا حَسَناتِنا فِي الْمَماتِ وَلا تُرِنا اَعْمالَنا عَلَيْنا حَسَراتٍ وَلا تُخْزِنا عِنْدَ قَضائِكَ وَلا تَفْضَحْنا بِسَيِّئاتِنا يَوْمَ نَلْقاكَ. وَاجْعَلْ قُلُوبَنا تَذْكُرُكَ وَلا تَنْساكَ وَتَخْشاكَ كَاَنَّها تَراكَ حَتّى تَلْقاكَ. وَبَدِّلْ سَيِّئاتِنا حَسَناتٍ وَاجْعَلْ حَسَناتِنا دَرَجاتٍ وَاجْعَلْ دَرَجاتِنا غُرُفاتٍ وَاجْعَلْ غُرُفاتِنا عالِياتٍ. اللّهُمَّ وَاَوْسِعْ لِفَقيرِنا[3] مِنْ سَعَتِكَ ما قَضَيْتَ عَلى نَفْسِكَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمُنَّ عَلَيْنا بِالْهُدى ما اَبْقَيْتَنا. وَالْكَرامَةِ ما اَحْيَيْتَنا. وَالْكَرامَةِ

---

۱. وَشَرَفِنا خ ل.
۲. عثرة خ ل.
۳. لِفَقْرِنا خ ل.

إذا تَوَفَّيْتَنا وَالحِفْظِ فيما يَبقىٰ[1] مِنْ عُمُرِنا. وَالْبَرَكَةِ فيما رَزَقْتَنا. وَالْعَوْنِ عَلىٰ ما حَمَّلْتَنا. وَالثَّباتِ عَلىٰ ما طَوَّقْتَنا. وَلا تُؤاخِذْنا بِظُلْمِنا وَلا تُعاقِبْنا بِجَهْلِنا وَلا تَسْتَدْرِجْنا بِخَطيئاتِنا وَاجْعَلْ أحْسَنَ ما نَقُولُ ثابِتاً في قُلُوبِنا. وَاجْعَلْنا عُظَماءَ عِنْدَكَ. أذِلَّةً في أنْفُسِنا. وَانْفَعْنا بِما عَلَّمْتَنا. وَزِدْنا عِلْماً نافِعاً. اللّهُمَّ إنّي أعُوذُ[2] بِكَ مِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَعَيْنٍ لا تَدْمَعُ وَصَلاةٍ لا تُرْفَعُ[3]. وَأجِرْنا مِنْ سُوءِ الْفِتَنِ يا وَلِيَّ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ.

ذکر دعا بعد از هر نماز در نجف

و سیّد عبد الکریم بن طاووس﵀ در فرحة این خبر را به سند دیگر نیز نقل کرده، و شیخ مفید و سیّد ابن طاووس﵀ بعد از ذکر زیارت دوره به روایت صفوان که همان زیارت است که ما آن را اوّل زیارات حضرت امیر المؤمنین﵇ قرار دادیم فرموده‌اند: «**و کلّما صلّیت صلاةً فرضاً کانت أو نفلاً مدّة مقامك بمشهد أمیرالمؤمنین﵇ فادعُ بهذا الدّعاء**» هر زمان یا هر چه که نماز کردی چه نماز واجب باشد چه مستحبّ مدّتی که در مشهد امیر المؤمنین﵇ اقامه داری، پس این دعا را بخوان. و شیخ ما علّامه نوری﵀ فرموده: که بعید نیست که این از تتمهٔ کلام حضرت صادق﵇ باشد در روایت صفوان نه از کلام شیخ و سیّد. و نیز فرموده که این دعای شریف با این مضامین عالیه و اشتمال آن بر امور مهمّ دنیا و آخرت و اهتمام در خواندن آن در این ارض مقدّسه به این کثرت، چنان مهجور و متروک شده که در این طول مجاورت گاهی در حرم مطهّر به گوشم نرسیده از زائری یا مجاوری یا مزوری[4] فقرات این دعا، در حالی که هزاران دعای آن عارف سنّی را با آن فقرات موحشه، شنیده و خواهیم شنید. این نیست، مگر از ضعف اسلام و رفتن غیرت از اهل ایمان...الخ. و مراد آن مرحوم از دعای عارف سنّی دعای: الهی بأخصّ صفاتك است تا آخر، چنانچه در باب زیارت حضرت سیّد الشّهداء﵇ به

---

۱. تَبقىٰ خ ل.
۲. إنّا نَعُوذُ خ ل.
۳. تُقبَلُ خ ل.
۴. مزوّر: کسی که دیگران را در زیارت کردن کمک می‌کند﵀ زیارت‌نامه خوان.

آن اشاره شد. و بدان نیز که سیّد ابن طاووس و شیخ شهید بعد از ذکر این دعا گفته‌اند: دعای دیگری نیز هست که سنّت است در عقب نماز زیارت امیر المؤمنین بخواند و آن دعا این است: **یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ...** تا آخر، و این دعا همان دعایی است که ما در باب سابق بعد از زیارت عاشورا ذکر نمودیم و در این جا محتاج به ذکر نیست. هرکه خواهد به آن‌جا رجوع کند و به فیض خواندن آن خود را نایل کند.

امر سوّم: زیارت علما و صلحا و بزرگان و مؤمنین است که در آن بلد شریف مدفون‌اند

بدان‌که زمین نجف اشرف مملوّ است از علما و اعاظم و مؤمنین به خصوص وادی السّلام که بقعه‌ای است از جنّت عدن و محلّ ارواح مؤمنین است. چنانچه در کافی به سند معتبر منقول است که شخصی به حضرت صادق عرض کرد که: برادرم در بغداد است و می‌ترسم که در آن‌جا بمیرد. فرمود که: «پروا مکن هرجا که خواهد بمیرد به درستی که نمی‌میرد مؤمنی در مشرق و مغرب زمین مگر آن‌که حق تعالی روحش را محشور می‌گرداند به سوی وادی السّلام». پرسید که: وادی السّلام کجا است؟ فرمود که: «پشت کوفه است. گویا می‌بینم که ایشان حلقه حلقه نشسته‌اند و با یکدیگر سخن می‌گویند».

پس باید زیارت آن‌ها را غنیمت دانست و از فیض آن خود را محروم ننمود، زیرا که بر زیارت آن‌ها ثواب بسیار و اجر بی‌شمار و فواید عظیمه مترتّب است. چنانچه در باب زیارت اموات بیاید، و نیز در آن‌جا ادعیه و سُوَری از قرآن نقل می‌کنیم که مقرّر شده برای آن‌ها. پس به آن‌جا رجوع و به دستور العملی که در آن‌جا ذکر می‌شود رفتار شود.

و ثقة الاسلام در کافی به سند معتبر نقل کرده که از حبهٔ عرنی که گفت: بیرون رفتم با حضرت امیر المؤمنین به پشت کوفه. چون به صحرای نجف رسیدند ایستادند گویا با جماعتی مخاطبه می‌کردند، من نیز در خدمت آن حضرت آن‌قدر ایستادم که مانده شدم. پس نشستم به اندازه‌ای که از نشستن هم ملالی به هم رسانیدم. باز برخاستم و ایستادم تا مانده شدم باز نشستم تا دلتنگ شدم، پس برخاستم و ردای خود را جمع کردم و گفتم: یا امیر المؤمنین می‌ترسم بر شما که از

بسیاری ایستادن تعب بکشید، ساعتی استراحت فرمایید. پس ردای خود را انداختم که آن حضرت بر روی آن بنشیند. فرمود که: «این ایستادن نیست مگر برای سخن گفتن با مؤمنی یا انس گرفتن با مونسی». گفتم: یا امیر المؤمنین ﷺ ارواح مؤمنین چنین است؟ فرمود: «بلی، اگر پرده از پیش دیدهٔ تو برداشته شود هر آینه خواهی دید ایشان را که گروه گروه و حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر سخن می‌گویند». گفتم: بدن‌اند یا روح‌اند؟ فرمود که: «روحند و هیچ مؤمنی نمی‌میرد در بقعه‌ای از بقعه‌های زمین مگر آن‌که به روحش می‌گویند که به وادی السّلام ملحق شو که صحرای نجف است، و آن بقعه‌ای است از جنّت عدن».

و مخفی نماند که زیارت اموات و مجاورت و انس با آن‌ها وقتی نفع دهد که انسان تفکّر در حال آن‌ها کند، و عبرت و آگاهی از حال آن‌ها نماید، نه چنانکه بعض از غافلین و جهّال می‌کنند؛ و در غالب بلاد رسم شده که قبرستان را موضع گشت و سیر خود قرار دهند، و دسته دسته تفرّج کنان با خنده‌های قهقهه و گفتگوهای لغو و سخنان ناشایسته ـ که از هر چیز اثرش بیشتر است در قساوت قلب ـ به آن‌جا رفته و با این حال برگردند. و باید امتیاز داد در تعظیم و تکریم و کثرت تلاوت قرآن و ادعیهٔ مقرّره آتیهٔ علما و مشایخی که در آن بلد شریف مدفون‌اند مانند: شیخ معظّم جلیل و عالم بی بدیل فخر الأعاجم شیخ الطّائفه ابو جعفر محمّد بن الحسن الطّوسی ـ قدّس الله روحه القدسی ـ، و علّامهٔ عصر خود، صاحب کرامات باهره السّیّد السّند مولانا السّیّد مهدی طباطبائی معروف به بحر العلوم ـ طیّب الله رمسه ـ که این هر دو بزرگوار با بعض دیگر در مسجد طوسی در نزدیکی صحن مقدّس مدفون‌اند.

و مانند سیّد العلماء و المجتهدین حجّت الاسلام و المسلمین آقای حاجی میرزا محمّد حسن شیرازی ـ طاب ثراه ـ که در جنب باب طوسی صحن شریف در مدرسه معروفه به اسم خود مدفون است.

و مانند خاتم الفقهاء و المجتهدین و شیخ مشایخ المتأخّرین جناب شیخ محمّد حسن صاحب جواهر الکلام ـ نوّر الله مرقده ـ که در محلّهٔ عمارهٔ نجف قبر شریفش با بقعه و قبّهٔ رفیعه معروف است.

و در مقابل قبر این بزرگوار قبور جمله‌ای از اعاظم علماء است که دارای قبّه و بقعه هستند که

از جملهٔ آن‌ها است عماد العلماء و سناد الفقهاء و الاتقیاء مولانا السیّد مهدی قزوینی ساکن حلّه. و جناب آقا سیّد حسین ترک و غیره رضوان الله علیهم.

و در نزدیکی آن‌ها به فاصلهٔ چند کوچه قبر فقیه اهل البیت شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء ـ رضوان الله علیه ـ است.

و در مقابل او قبر عالم فاضل شیخ راضی عرب است.

و در مقابل کوچهٔ سلام قبر عالم جلیل و فقیه نبیل صاحب کرامات[1] باهره شیخ خضر شلال است.

و در محلّهٔ براق، قبر شیخ فخر الدّین طریحی صاحب *مجمع البحرین* است.

و مانند شیخ اجلّ اعلم و استاد اعظم استاد مجتهدین و خاتمهٔ فقها و محقّقین شیخ مرتضی انصاری﷫ قبرش واقع است در بقعه‌ای که متّصل به باب القبله صحن مطهّر است در طرف چپ آن‌که داخل شود.

و در مقابلش قبر سیّد سند نجل حجّة الاسلام آقا سیّد اسد الله اصفهانی﷫ است با قبر جناب آقا سیّد علی شیرازی﷫.

و مانند شیخ و استاد ما، خاتم الفقهاء و المحدّثین غوّاص بحار الاخبار و محیی ماالندرست من الآثار[2] علّامهٔ دهر و زینت و برکت عصر خود ثقة الاسلام حاجی میرزا حسین نوری طبرسی ـ افاض الله علی تربته صفو فیضه القدسی ـ قبر شریفش واقع است در ایوان سوم از ایوان‌های شرقی باب القبله.

و قبر شریف عالم جلیل و مجمع تقوی و ورع و مخزن اخبار و تفسیر آیات قرآن و غیره صاحب کرامات باهره، جناب حاجی ملّا فتحعلی ـ طاب‌ثراه ـ که از جمله مشایخ شیخ ما علّامهٔ نوری است، با جمله‌ای از اکابر علما در بقعه‌ای است که متّصل است به باب سلطانیه، در طرف راست آن‌که داخل شود.

و قبر محقّق نراقی﷫ واقع است در زمین صحن، در طرف پشت سر متّصل به دری که گاهی به

---

۱. شیخ ما جملهٔ کرامات این بزرگوار را در کتاب دار السّلام ایراد فرموده. (منه رحمه الله).

۲. ترجمه: خاتم فقیهان و محدثان، غواص دریای احادیث و اخبار، زنده کنندهٔ آثار محو شده.

رواق مطهّر باز شود، و روی قبر مفروش است به سنگی که امتیاز تمام دارد از سایر سنگها که زمین صحن به آن فرش شده.

و قبر مرحوم عماد الاسلام و ثقته الشّیخ الأورع الأفخر مرحوم حاجی شیخ جعفر شوشتری‌﴿ره﴾.

و مرحوم حجّة الاسلام حاجی میرزا حسن آشتیانی‌﴿ره﴾ واقع است در صحن، در حجرهٔ اوّل در زیر دالان بالای سر در سمت یمین[1] کسی که از پشت سر داخل دالان شود.

و قبر شریف خاتم العلماء و المجتهدین و افضل المدقّقین و المحقّقین جناب حاج میرزا حبیب اللّه رشتی ـ طاب ثراه ـ واقع است در بقعه‌ای که متّصل است به باب شرقی صحن، در طرف راست آن کسی که از صحن بیرون رود.

و مانند شیخ اجلّ اکمل آیة اللّه في العالمین، جمال الملّة و الحق و الدّین، افضل العلماء و المحقّقین، فخر الشّیعة و مروّج الشّریعة مولانا الحسن بن مطهّر الحلّی مشهور به علّامه ـ رفع اللّه فی الخلد مقامه ـ که قبر شریفش واقع است در ایوان مطهّر در بقعه‌ای که منتهی می‌شود به حرم مطهّر در طرف یمین[2] کسی که داخل حرم می‌شود.

و بقعهٔ دیگر که محاذی و قرین اوست، مدفن شیخ فقیه نبیه عماد العلماء و الفقهاء و سناد الاتقیاء و الصلحاء المولی المحقّق حاجی ملّا احمد اردبیلی ـ طیّب اللّه رمسه و رزقنا من علمه و قدسه ـ است.

و بقعه‌ای که متّصل است به بقعهٔ آیة اللّه علّامهٔ حلّی، مدفن مروّج مذهب جعفری آقا شیخ محمّد جعفر استرآبادی ـ طاب ثراه ـ است. و غیر ایشان از علمای دیگر ـ رضوان اللّه علیهم ـ که زیاده از آنند که در این مختصر ذکر شود، بلکه خصوص صحن مطهّر و حجرات آن تمام مملوّ است از بزرگان دین و علما و مجتهدین که ذکر اسامی شریفهٔ آن‌ها باعث تطویل و اطناب است، و چه قدر سزاوار است از برای ارباب علم و تقوی و قدس که از خاک این بزرگواران بگذرند یا در وقتی که در صحن مطهّر در نزد قبرهای آن‌ها نشینند شرط ادب و تعظیم بجای آورند و از باطن آن بزرگواران استمداد نمایند، و ملاحظه فرمایند که این‌ها همه شیوخ و مشایخ، مشایخ کسانی

---

۱ و ۲. یمین = راست.

بوده‌اند، که الحال باب مجلس افاده و درس و بحث را بر روی خود بسته و از این نشأت فانیه خود را وارسته نموده‌اند، پس تأسّف خورند بر فراقشان و اندوهناک شوند برای فقدان ینابیع [و چشمه‌های] علم ایشان.

فاضل اشکوری در کتاب *محبوب القلوب* در احوال خاتم الحکمای یونانی‌ها ارسطاطالیس فرموده که: چون ارسطو در مدینهٔ اسطاغیرا از دنیا رحلت نمود اهل آن‌جا جمع کردند استخوانهای او را پس از آن‌که پوسیده شده بود و در ظرفی از مس گذاردند، و او را دفن کردند در یک موضعی، و آن مکان را مجمع [و محل گردهمایی] خود قرار داده و در آن‌جا جمع می‌شدند از برای مشاوره در اُمور و کارهای بزرگ و هر وقت از فنون علم و حکمت برایشان مشکل می‌شد، قصد آن‌جا را می‌نمودند و در سر قبر او نشسته و مشغول به مناظره و مباحثه می‌شدند، تا آن‌که واضح می‌شد برایشان مشکلاتشان. و چنان اعتقاد داشتند که آمدن به موضعی که استخوان‌های ارسطاطالیس در آن دفن شده، بر عقل ایشان می‌افزاید و اذهان ایشان را پاکیزه و تلطیف می‌کند، و نیز این را تعظیمی از برای ارسطو می‌دانستند بعد از مرگ او، و باعث تأسّف بر فراق و حزن و اندوه بر آن فجیعه و مصیبت فقدان ینابیع حکمت او می‌دانستند.

باب ششم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت حضرت رسول ﷺ و فاطمه زهراء و ائمه بقیع علیهم السلام و ذکر مختصری از تکالیف حاج در مدینه و مکه معظمه

و در آن سه مقام و یک خاتمه است

مقام اوّل

در فضیلت و کیفیّت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام

و در آن چهار فصل است:



فصل اوّل

در فضیلت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

بدان که مستحبّ مؤکّد است در حقّ قاطبهٔ مردم، به خصوص حجّاج، مشرّف شدن به زیارت روضهٔ مطهّره و آستانهٔ منوّره فخر عالمیان حضرت سیّد المرسلین محمّد بن عبد اللّه صلوات اللّه و سلامه علیه و آله، و ترک زیارت آن حضرت باعث آن می‌شود که در روز قیامت در حقّ او جفا شود.

و شیخ شهید اوّل در کتاب *دروس* فرموده که اگر مردم ترک زیارت آن حضرت کنند بر امام است که ایشان را مجبور کند به رفتن به زیارت آن حضرت، زیرا که ترک زیارتشان موجب جفای محرّم است.

و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب *علل الشّرایع* و *عیون الاخبار* به روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «هر گاه احدی از شما حج کرد باید که حجّش را ختم کند به زیارت ما، زیرا که این از تمامی حج است».

و نیز در *خصال* روایت کرده، از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «تمام کنید حجّ خود را به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ترک زیارت آن حضرت بعد از حج، جفا و خلاف ادب است. و شما را امر به این کرده‌اند و بروید به زیارت چند قبری که حق تعالی، حقّ آن‌ها وزیارت آن‌ها را بر شما لازم گردانیده است، و نزد آن قبرها از حق تعالی طلب روزی کنید».

و نیز در کتاب *عیون اخبار الرّضا* علیه السلام از اباصّلت هروی روایت شده که گفت: به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که: چه می‌فرمایی یابن رسول اللّه در حدیثی که اهل حدیث روایت می‌کنند، که مؤمنین در بهشت زیارت می‌کنند پروردگارشان را از منازل خودشان. ـ کنایه از آن‌که معنی حدیث اگر درست باشد چیست، با آن‌که متضمّن است چیزی را که به حسب ظاهر با اعتقاد حقّ درست نمی‌آید؟ ـ پس حضرت جواب او را فرمودند به این طریق که: «ای ابا صّلت، حق

تعالی پیغمبرش محمّدﷺ را افضل گردانید از جمیع خلقش از پیغمبران و ملائکه، و طاعت او را اطاعت خود، و بیعت او را بیعت خود و زیارت او را زیارت خود شمرده است چنانچه فرموده:

﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ و حضرت رسولﷺ فرموده که: هرکه مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت چنان است که حق تعالی را زیارت کرده باشد...» الخ.

و حِمْیَری در *قرب الإسناد* از حضرت صادقؑ روایت کرده که فرمود: «رسول خداﷺ فرموده: هرکه مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من، شفیع او گردم در روز قیامت». و به روایت *کامل الزّیاره*: «در جوار من باشد در روز قیامت». و به سندهای معتبر چنانچه در *علل* و *کامل* است از حضرت صادقؑ روایت شده که: «رسول خداﷺ فرمود: هرکه به سوی مکّه آید برای حج و مرا زیارت نکند در مدینه، در روز قیامت جفا می‌کنم او را، و هرکه به زیارت من بیاید شفاعت من برای او واجب می‌شود، و هرکه واجب شود او را شفاعت من، بهشت برای او واجب می‌گردد». و به روایت کامل: «و هرکه در حرم مکّه یا حرم مدینه بمیرد او را در قیامت حساب نکنند، و مانند هجرت کننده به سوی خدا مرده باشد، وروز قیامت با شهیدان بدر محشور شود».

و به چندین سند معتبر نیز در همان دو کتاب از آن حضرت منقول است که حضرت امام حسنؑ از حضرت رسولﷺ پرسید که: «کسی که تو را زیارت کند چه ثوابی دارد؟ فرمود که: ای فرزند، هرکه مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از ممات من، یا پدر یا برادرت را زیارت کند یا تو را زیارت کند لازم است بر من که او را در روز قیامت زیارت کنم، پس خلاص گردانم او را از گناهانش و او را داخل بهشت گردانم». و در *کامل الزّیاره* از امیر المؤمنینؑ روایت کرده که رسول خداﷺ فرمود: «هرکه زیارت کند مرا بعد از فوت من، چنان است که مرا زیارت کرده باشد در حیات من، و من گواه و شفاعت کنندهٔ او باشم در روز قیامت». و نیز به سند معتبر از علیّ بن الحسینؑ روایت کرده که حضرت رسولﷺ فرمود که: «هرکه قبر مرا زیارت کند بعد از موت من چنان است که هجرت کرده باشد به سوی من در حیات من، و اگر نتوانید که به زیارت من آیید، از دور به من سلام بفرستید که به من می‌رسد».

و نیز به سند معتبر از حسن بن جهم روایت کرده که گفت: به خدمت حضرت امام رضاؑ عرض کردم که: بفرمایید کدام بهتر است: مردی که حج کند و به مدینه نرود یا به زیارت پیغمبرﷺ

برود و به مکّه نرود؟ پس آن حضرت به من فرمود که: «شما در این باب چه می‌گویید؟» عرض کردم که: ما زیارت حضرت امام حسین ﷺ را چنین، یعنی بهتر از حج می‌دانیم، چگونه زیارت حضرت رسول ﷺ را بهتر ندانیم. پس حضرت فرمود: «الحال که این را گفتی و بدان که حضرت ابو عبد الله ـ یعني حضرت صادق ﷺ ـ روز عیدی در مدینه بود پس رفت به زیارت حضرت رسول ﷺ و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود که: ما بر اهل همه شهرها فضیلت داریم، خواه مکّه و خواه غیر مکّه، به سبب زیارت و سلام ما بر رسول خدا ﷺ».

و شیخ طوسی ﷺ در تهذیب از یزید بن عبد الملک روایت کرده، و او از پدر و جدّش که گفت: به خدمت حضرت فاطمه ﷺ مشرّف شدم. پس آن حضرت ابتدا فرمود به سلام بر من، پس از من پرسید: «برای چه آمده‌ای؟» عرض کردم: از برای طلب برکت و ثواب. فرمود که: «خبر داد مرا پدرم ـ و اینک حاضر است ـ که هرکه بر او و بر من سه روز سلام کند حق تعالی بهشت را از برای او واجب می‌گرداند». گفتم: در حیات او و شما؟ فرمود: «بلی و هم‌چنین بعد از موت ما».

علّامهٔ مجلسی فرموده که: در حدیث معتبر از عبد الله بن عبّاس منقول است که حضرت رسول ﷺ فرمود که: «هرکه حضرت امام حسن ﷺ را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط، در روزی که قدمها از آن لغزد، ثابت می‌باشد». و در مناقب از حضرت صادق ﷺ روایت شده که فرمود: «هرکه مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده می‌شود و فقیر و پریشان نمی‌میرد». و در تهذیب از حضرت امام حسن عسکری ﷺ منقول است که: «هرکه زیارت کند امام جعفر صادق ﷺ و پدرش حضرت باقر ﷺ را، آزار چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلا به بلای بدی نشود تا بمیرد».

و ابن قولویه ﷺ در کامل حدیث طولاني از هشام بن سالم از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که از جمله فقرات او این است که: مردی به خدمت حضرت صادق ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد که: آیا زیارت باید کرد پدرت را؟ فرمود: «بلی». عرض کرد: چه چیز است از برای زائر. فرمود که: «بهشت از برای اوست اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و متابعت او کند». عرض کرد: کسی که اعراض [و روی گردانی] کند از زیارت آن حضرت چه خواهد داشت؟ فرمود: «حسرت خواهد داشت در روز حسرت، که روز قیامت است...» الخ.

و احادیث این باب بسیار است و ما را همین مقدار کافی و وافی است.



فصل دوّم

در بیان کیفیّت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و آداب آن

علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *تحفة الزّائر* در مثل چنین مقامی فرموده: بدان که غسل کردن سنّت است، و علما دو غسل را مستحبّ دانسته‌اند: یکی برای داخل شدن مدینهٔ مشرّفه و یکی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله. و آنچه از احادیث ظاهر می‌شود آن است که یک غسل سنّت است، و اگر آن را پیش از دخول مدینه واقع سازد بهتر است، و اگر در آن غسل قصد دخول مدینه و دخول مسجد و زیارت حضرت رسول و حضرت فاطمه علیها السلام بلکه توبه از گناهان بکند شاید بهتر باشد، و بهتر آن است که در درِ مسجد بایستد و رخصت داخل شدن بطلبد، و بعد از حصول رقّت، با خضوع و خشوع وحضورقلب وآرام تن داخل شود، چنانچه درباب سابق یعنی باب‌آداب زیارت مذکور شد.

دعای إذن دخول

و اگر دعای اذنی که علما ذکر کرده‌اند بخواند مناسب است، و دعا این است:

اللّهُمَّ إنّي وَقَفْتُ عَلىٰ بابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ الدُّخُولَ إلىٰ بُيُوتِهِ إلّا بِإذْنِ نَبِيِّكَ فَقُلْتَ: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إلّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾، اللّهُمَّ وَإنّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ في غَيْبَتِهِ كَما أَعْتَقِدُها في حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفاءَكَ أَحْياءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَكاني في وَقْتي هٰذا وَزَماني وَيَسْمَعُونَ كَلامي في وَقْتي هٰذا[1] وَيَرُدُّونَ عَلَيَّ سَلامي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعي كَلامَهُمْ وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمي[2] بِلَذيذِ مُناجاتِهِمْ، فَإنّي أَسْتَأْذِنُكَ يا رَبِّ أَوَّلاً، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً، وَأَسْتَأْذِنُ خَليفَتَكَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ في ساعَتي هٰذِهِ إلىٰ

---

۱. وزماني خ ل.

۲. وفهمي خ ل.

بَيْتِهِ. وَاسْتَأْذِنُ مَلائِكَتَكَ الْمُوَكَّلِينَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ الْمُطيعَةِ لِلّٰهِ السّامِعَةِ. السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلائِكَةُ الْمُوَكَّلُونَ بِهٰذِهِ الْمَشاهِدِ الْمُبارَكَةِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. بِإِذْنِ اللّٰهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ وَإِذْنِ خُلَفائِهِ وَإِذْنِكُمْ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعينَ أَدْخُلُ هٰذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ. فَكُونُوا مَلائِكَةَ اللّٰهِ أَعْواني وَكُونُوا أَنْصاري حَتّىٰ أَدْخُلَ هٰذَا الْبَيْتَ وَأَدْعُوَ اللّٰهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ وَأَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِيَّةِ وَلِلرَّسُولِ وَلِأَبْنائِهِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ بِالطّاعَةِ.

پس «بِسْمِ اللّٰهِ» بگو و داخل[1] شو و علما گفته‌اند که بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفي سَبيلِ اللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ. رَبِّ أَدْخِلْني مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْني مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً.

زیارت حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

و در اکثر کتب مذکور است که بعد از داخل شدن صد مرتبه **اللّٰه اکبر** بگوید. پس بیاید به جانب بالای سر حضرت و در پیش ستون دوّم، که برابر سر مبارک حضرت است رو به قبله بایستد و زیارت کند، و اگر تقیّه باشد به برابر روی حضرت برود و زیارت کند، چنانچه سنّیان می‌کنند، انتهی.

و سیّد ابن طاووس گفته که: چون داخل شود دو رکعت نماز تحیّت مسجد بگذارد و بعد برود به سمت حجرهٔ شریفه، به جهت زیارت. و در *کامل الزیاره* به سند صحیح از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند که: «چون خواستی داخل مدینه شوی پیش از داخل شدن یا در حین دخول غسل کن، پس می‌روی به نزد قبر رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، پس سلام می‌کنی بر آن حضرت، پس می‌ایستی نزد ستون پیش، که از جانب راست قبر است رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر، که آن موضع سر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و می‌گویی:

---

۱. شیخ صدوق رحمه‌الله در من لا یحضره فرموده که: داخل مسجد شو از درِ جبرئیل، انتهی. و درِ جبرئیل آن دری است که به جانب بقیع مفتوح می‌شود، یا درِ دیگر که در آن سمت بوده است (منه علی عنه).

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللّٰهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللّٰهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَّيْتَ الَّذي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ. وَأَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ وَغَلُظْتَ عَلَى الْكافِرينَ. فَبَلَغَ اللّٰهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكْرَمينَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلالَةِ. اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ وَعِبادِكَ الصّالِحينَ وَأَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلينَ وَأَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمينِكَ وَنَجِيبِكَ[1] وَحَبيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللّٰهُمَّ وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ. اللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوّاباً رَحيماً». وَإِنّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبي وَإِنّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يا مُحَمَّدُ إِنّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللّٰهِ رَبّي وَرَبِّكَ بِكَ لِيَغْفِرَ لي ذُنُوبي.

و اگر تو را حاجتی باشد بگردان قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در پشت کتف خود و رو به قبله کن و دست‌ها را بردار و حاجت خود را بطلب، به درستی که سزاوار است که بر آورده شود إن شاء الله».

علامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده که: گویا مراد به گرفتن در پشت کتف، آن باشد که از آن محل که زیارت کرده است اندکی پیشتر رود که محاذی قبر نباشد و چون مقابل حقیقی قبر نیست باکی نیست، و از کلام جمعی، موافق ظاهر بعضی از اخبار، ظاهر می‌شود که اگر محاذی قبر نیز پشت به

---

۱. ونجيّك خ ل.

قبر و رو به قبله کند، به قصد استظهار به آن حضرت و توجّه به جناب مقدّس الهی خوب است. و آنچه اوّل مذکور شد به گمان فقیر أحوط و اولی است، با آنکه در این زمان‌ها باعتبار تقیّه غالباً موجب ضرر عظیم است و مشروع نیست، انتهی.

فقیر گوید که: تأیید می‌کند فرمایش علّامهٔ مجلسی را، روایت *قرب الاسناد* که به سند موثق از ابن فضّال روایت کرده که گفت: به حضرت امام رضا عرض کردم که: شما را دیدم که سلام می‌کردید بر حضرت رسول در غیر آن موضعی که ما سلام می‌کنیم رو به روی قبر. حضرت فرمود که: «تو سلام کن در آن موضعی که دیگران سلام می‌کنند». و ابن قولویه در *کامل الزیارة* به سند معتبر روایت کرده از محمّد بن مسعود که گفت: دیدم حضرت صادق را که به نزد قبر حضرت رسول آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

أَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَىٰ بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ.

پس فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً».

و به سند معتبر از ابن ابی نصر بزنطی منقول است که گفت: به خدمت حضرت ابی الحسن ـ یعنی امام رضا ـ عرض کردم که: چگونه باید سلام کرد بر رسول خدا؟ فرمود که:

«اَلسَّلَامُ عَلَىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّٰهِ. اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللّٰهِ. اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللّٰهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَجَزَاكَ اللّٰهُ أَفْضَلَ مَا جَزَىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

و نیز در معتبرهٔ *کامل الزیارة* از ابراهیم بن ابی البلاد روایت شده که حضرت امام رضا به من فرمود که: «چگونه سلام می‌کنی بر حضرت رسول؟» عرض کردم: آنچه می‌دانم و به ما رسیده است. فرمود: «آیا تعلیم نکنم تو را چیزی که آن افضل است از این؟» گفتم: بلی فدایت شوم. پس آن حضرت نوشت برای من بخطّ شریفش در همان حال که من نشسته بودم و خواند آن را برای

من به این کیفیّت که: «چون ایستادی نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بگو:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللّٰهِ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ خاتَمُ النَّبِيّينَ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّىٰ اَتاكَ الْيَقينُ وَاَدَّيْتَ الَّذي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجيبِكَ وَاَمينِكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ، اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمْتَ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمينَ، وَامْنُنْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنْتَ عَلىٰ مُوسىٰ وَهارُونَ، وبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكْتَ عَلىٰ اِبْراهيمَ وَآلِ اِبْراهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنّي السَّلامَ».

دعای حرم حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

و نیز در همان کتاب از علیّ بن جعفر روایت کرده که آن جناب از پدر و جدّش نقل کرده که فرمودند: حضرت امام زین العابدین علیه السلام می‌ایستادند نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلام می‌کردند و شهادت می‌دادند از برای آن حضرت به تبلیغ رسالت، و آنچه می‌توانستند دعا می‌کردند. پس پشت می‌دادند به جانب قبر آن حضرت، بر سنگ مرمر سبز باریکی که نزدیک قبر است و پشت را بر قبر می‌چسبانیدند و رو به قبله می‌کردند و این دعا می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَلْجَأْتُ اَمْري، وَاِلىٰ قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدِكَ

وَرَسُولِكَ اَسْنَدْتُ ظَهْري • وَالْقِبْلَةَ الَّتي رَضيتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اسْتَقْبَلْتُ • اللّٰهُمَّ اِنّي اَصْبَحْتُ لا اَمْلِكُ لِنَفْسي خَيْرَ ما اَرْجُو لَها • وَلا اَدْفَعُ عَنْها شَرَّ ما اَحْذَرُ عَلَيْها • وَاَصْبَحَتِ الْاُمُورُ بِيَدِكَ وَلا فَقيرَ اَفْقَرُ مِنّي • اِنّي لِما اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقيرٌ • اللّٰهُمَّ ارْدُدْني مِنْكَ بِخَيْرٍ وَلا رادَّ لِفَضْلِكَ • اللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تُبَدِّلَ اسْمي • اَوْ تُغَيِّرَ جِسْمي اَوْ تُزيلَ نِعْمَتَكَ عَنّي • اللّٰهُمَّ زَيِّنّي بِالتَّقْوىٰ • وَجَمِّلْني بِالنِّعَمِ • وَاغْمُرْني بِالْعافِيَةِ وَارْزُقْني شُكْرَ الْعافِيَةِ.

اعمال مدینهٔ طیّبه

و شیخ مفید و سید ابن طاووس و شهید اوّل و شیخ محمّد بن المشهدی و دیگران گفته‌اند در باب زیارت آن حضرت که، چون این دعا را خواندی، پس یازده مرتبه بخوان سورهٔ «انّا انزلناه» را. و گفته‌اند پس برو به سوی مقام آن حضرت که ما بین قبر و منبر است، پس بایست نزد ستونی که نزدیک منبر است. و آن را پیش روی خود قرار ده و چهار رکعت نماز زیارت بکن و اگر ممکن نشود دو رکعت کن، پس چون سلام گفتی و تسبیح فرستادی یعنی تسبیح زهرا علیها السلام پس بگو:

اللّٰهُمَّ هٰذا مَقامُ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ • جَعَلْتَهُ رَوْضَةً مِنْ رِياضِ جَنَّتِكَ • وَشَرَّفْتَهُ عَلىٰ بِقاعِ اَرْضِكَ بِرَسُولِكَ • وَفَضَّلْتَهُ بِهِ • وَعَظَّمْتَ حُرْمَتَهُ • وَاَظْهَرْتَ جَلالَتَهُ • وَاَوْجَبْتَ عَلىٰ عِبادِكَ التَّبَرُّكَ بِالصَّلاةِ وَالدُّعاءِ فيهِ • وَقَدْ اَقَمْتَني فيهِ بِلا حَوْلٍ وَلا قُوَّةٍ كانَ مِنّي في ذٰلِكَ اِلّا بِرَحْمَتِكَ • اللّٰهُمَّ وَكَما اَنَّ حَبيبَكَ لا يَتَقَدَّمُهُ فِي الْفَضْلِ خَليلُكَ • فَاجْعَلِ اسْتِجابَةَ الدُّعاءِ في مَقامِ حَبيبِكَ اَفْضَلَ ما جَعَلْتَهُ في مَقامِ خَليلِكَ • اللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ في هٰذَا الْمَقامِ الطّاهِرِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَاَنْ تُعيذَني مِنَ النّارِ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ • وَتَرْحَمَ مَوْقِفي وَتَغْفِرَ زَلَّتي وَتُزَكِّيَ عَمَلي • وَتُوَسِّعَ

لي في رِزْقي وَتُديمَ عافِيَتي وَرُشْدي وَتُسْبِغَ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ ۔ وَتَحْفَظَني في أهْلي وَمالي ۔ وَتَحْرُسَني مِنْ كُلِّ مُتَعَدٍّ عَلَيَّ وَظالِمٍ لي ۔ وَتُطيلَ عُمُري وَتُوَفِّقَني لِما يُرْضيكَ عَنّي وَتَعْصِمَني عَمّا يُسْخِطُكَ عَلَيَّ ۔ اَللّٰهُمَّ إنّي أتَوَسَّلُ إلَيْكَ بِنَبِيِّكَ وَأهْلِ بَيْتِهِ ۔ حُجَجِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ وَ آياتِكَ في أرْضِكَ ۔ أنْ تَسْتَجيبَ لي دُعائي ۔ وَتُبَلِّغَني فِي الدّينِ وَالدُّنْيا أمَلي وَرَجائي ۔ يا سَيِّدي وَمَوْلايَ قَدْ سَألْتُكَ فَلا تُخَيِّبْني ۔ وَرَجَوْتُ فَضْلَكَ فَلا تَحْرِمْني ۔ فَأنَا الْفَقيرُ إلىٰ رَحْمَتِكَ الَّذي لَيْسَ لي غَيْرُ إحْسانِكَ وَتَفَضُّلِكَ ۔ فَأسْألُكَ أنْ تُحَرِّمَ شَعْري وَبَشَري عَلَى النّارِ ۔ وَتُؤْتِيَني مِنَ الْخَيْرِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أعْلَمْ ۔ وَادْفَعْ عَنّي وَعَنْ وُلْدي وَإخْواني وَأخَواتي مِنَ الشَّرِّ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أعْلَمْ ۔ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ[1]

پس برو به نزد منبر و دست بر آن بمال و دو قبّهٔ[2] پائین منبر را بگیر و چشم‌ها و روی خود را بر آن بمال و بخوان کلمات فرج یعنی دعای لا إلٰهَ إلَّا اللّٰهُ الْحَليمُ الْكَريمُ را تا به آخر و بگو بعد از آن:

أشْهَدُ أنْ لا إلٰهَ إلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ ۔ وَأشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ﷺ ۔ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي عَقَدَ بِكَ عِزَّ الْإسْلامِ ۔ وَجَعَلَكَ مُرْتَقىٰ خَيْرِ

---

۱. ابن قولویه به سند معتبر از معاویه بن عمار روایت کرده که حضرت صادق ﷺ فرمود که: «چون از دعای نزد قبر فارغ شوی، برو نزد منبر و دست بر آن بمال و دو قبّهٔ پایین منبر را بگیر، و بر چشم‌ها و روی خود بمال که گفته شده آن باعث شفای چشم است و بایست نزد منبر و حمد و ثنای الهی بجا آور و حاجت خود را بطلب به‌درستی که رسول خدا ﷺ فرمود که: میان منبر و خانهٔ من باغی است از باغ‌های بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت و قوائم آن در بهشت نصب شده یا ترتیب یافته است». و مخفی نماند که این منبری که حال موجود است در مسجد شریف آن سرور عالم ظاهر است که منبر موجود در عصر شریف آن حضرت نیست. لکن ظاهر کلام شیخ شهید در دروس آن است که استحباب دست مالیدن به دو قبّهٔ پایین منبر و مالیدن آن به چشم، در این حال نیز ثابت است چنانچه فرموده: و يستحب للزائر أن يأتي بعد الزيارة منبر رسول الله ﷺ و يمسح رُمّانتيه وإن لم يكن منبر رسول الله صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ باقياً. (منه عفي عنه).

۲. قبّه در این‌جا به معنای گنبد نیست، بلکه مراد برجستگی گنبدگونی است به اندازهٔ انار که در منبر کارسازی می‌کنند.

الْأَنامِ. وَمَصْعَدَ الدّاعِي إِلىٰ دارِ السَّلامِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي خَفَضَ بِانْتِصابِكَ عُلُوَّ الْكِبْرِ وَسُمُوَّ الشِّرْكِ. وَنَكَسَ بِكَ عَلَمَ الْباطِلِ وَرايَةَ الضَّلالِ. اَشْهَدُ اَنَّكَ لَمْ تُنْصَبْ إِلَّا لِتَوْحيدِ اللّٰهِ سُبْحانَهُ وَتَمْجيدِهِ. وَتَعْظيمِ اللّٰهِ وَتَحْميدِهِ. وَلِمَواعِظِ عِبادِ اللّٰهِ وَالدُّعاءِ إِلىٰ عَفْوِهِ وَغُفْرانِهِ. اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدِ اسْتَوْفَيْتَ مِنْ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ بِارْتِقائِهِ في مَراقيكَ. وَاسْتِوائِهِ عَلَيْكَ. حَظَّ شَرَفِكَ وَفَضْلِكَ. وَنَصيبَ عِزِّكَ وَذُخْرِكَ. وَنِلْتَ كَمالَ ذِكْرِكَ. وَعَظَّمَ اللّٰهُ حُرْمَتَكَ وَاَوْجَبَ التَّمَسُّحَ بِكَ. فَكَمْ قَدْ وَضَعَ الْمُصْطَفىٰ ﷺ قَدَمَهُ عَلَيْكَ. وَقامَ لِلنّاسِ خَطيباً فَوْقَكَ. وَوَحَّدَ اللّٰهَ وَحَمِدَهُ وَاَثْنىٰ عَلَيْهِ وَمَجَّدَهُ. وَكَمْ بَلَّغَ عَلَيْكَ مِنَ الرِّسالَةِ. وَاَدّىٰ مِنَ الْاَمانَةِ. وَتَلا مِنَ الْقُرْآنِ. وَقَرَأَ مِنَ الْفُرْقانِ. وَاَخْبَرَ مِنَ الْوَحْيِ وَبَيَّنَ الْاَمْرَ وَالنَّهْيَ. وَفَصَّلَ بَيْنَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ. وَاَمَرَ بِالصَّلاةِ وَالصِّيامِ. وَحَثَّ الْعِبادَ عَلَى الْجِهادِ وَاَنْبَأَ عَنْ ثَوابِهِ فِي الْمَعادِ.

پس بایست در روضه و آن ما بین منبر و قبر مطهّر است و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِياضِ جَنَّتِكَ. وَشُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ رَحْمَتِكَ الَّتي ذَكَرَها رَسُولُكَ. وَاَبانَ عَنْ فَضْلِها وَشَرَفِ التَّعَبُّدِ لَكَ فيها. وَ قَدْ بَلَّغْتَنيها في سَلامَةِ نَفْسي. فَلَكَ الْحَمْدُ يا سَيِّدي عَلىٰ عَظيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ في ذٰلِكَ. وَعَلىٰ ما رَزَقْتَنيهِ مِنْ طاعَتِكَ وَطَلَبِ مَرْضاتِكَ. وَتَعْظيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ ﷺ بِزِيارَةِ قَبْرِهِ. وَالتَّسْليمِ عَلَيْهِ وَالتَّرَدُّدِ في مَشاهِدِهِ وَمَواقِفِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ يا مَوْلايَ حَمْداً يَنْتَظِمُ بِهِ مَحامِدُ حَمَلَةِ عَرْشِكَ وَسُكّانِ سَماواتِكَ لَكَ. وَيَقْصُرُ عَنْهُ حَمْدُ مَنْ مَضىٰ. وَيَفْضُلُ حَمْدَ مَنْ بَقِيَ مِنْ خَلْقِكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ يا مَوْلايَ. حَمْدَ مَنْ عَرَفَ الْحَمْدَ لَكَ وَالتَّوْفيقَ لِلْحَمْدِ مِنْكَ. حَمْداً يَمْلَأُ ما خَلَقْتَ وَيَبْلُغُ حَيْثُ ما اَرَدْتَ وَلا يُحْجَبُ عَنْكَ. وَلا يَنْقَضي

دُونَكَ. وَيَبْلُغُ اَقْصىٰ رِضاكَ. وَلا يَبْلُغُ آخِرَهُ اَوائِلُ مَحامِدِ خَلْقِكَ. وَلَكَ الْحَمْدُ ما عُرِفَ الْحَمْدُ. وَاعْتُقِدَ وَجُعِلَ ابْتِداءَ الْكَلامِ الْحَمْدُ. يا باقِيَ الْعِزِّ وَالْعَظَمَةِ. وَدائِمَ السُّلْطانِ وَالْقُدْرَةِ. وَشَديدَ الْبَطْشِ وَالْقُوَّةِ. وَنافِذَ الْاَمْرِ وَالإرادَةِ. وَواسِعَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. وَرَبَّ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ. كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ يَقْصُرُ عَنْ اَيْسَرِها حَمْدي. وَلا يَبْلُغُ اَدْناها شُكْري. وَكَمْ مِنْ صَنايِعَ مِنْكَ اِلَيَّ لا يُحيطُ بِكَثْرَتِها وَهْمي. وَلا يُقَيِّدُها فِكْري. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفىٰ عَيْنِ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً وَخَيْرِها شاباً وَكَهْلاً. اَطْهَرِ الْمُطَهَّرينَ شيمَةً. وَاَجْوَدِ الْمُسْتَمْطَرينَ دِيمَةً. وَاَعْظَمِ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً. اَلَّذي اَوْضَحْتَ بِهِ الدَّلالاتِ. وَاَقَمْتَ بِهِ الرِّسالاتِ وَخَتَمْتَ بِهِ النُّبُواتِ. وَفَتَحْتَ بِهِ بابَ الْخَيْراتِ. وَاَظْهَرْتَهُ مُظْهِراً. وَابْتَعَثْتَهُ نَبِيّاً وَهادِياً. وَ اَميناً مَهْدِيّاً. داعِياً اِلَيْكَ وَدالّاً عَلَيْكَ وَحُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمَعْصُومينَ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالطَّيِّبينَ مِنْ اُسْرَتِهِ. وَشَرِّفْ لَدَيْكَ بِهِ مَنازِلَهُمْ. وَعَظِّمْ عِنْدَكَ مَراتِبَهُمْ. وَاجْعَلْ فِي الرَّفيقِ الْاَعْلىٰ مَجالِسَهُمْ. وَارْفَعْ اِلىٰ قُرْبِ رَسُولِكَ دَرَجاتِهِمْ. وَتَمِّمْ بِلِقائِهِ سُرُورَهُمْ. وَوَفِّرْ بِمَكانِهِ اُنْسَهُمْ.

فضیلت روضهٔ شریفه

مؤلف گوید که: بعضی از علما پس از این دعا گفته‌اند: پس زیارت کن فاطمه ؏ را در روضه، و ما بعد از این [در صفحه ۳۲۸] ذکر می‌کنیم زیارت آن مظلومه سلام الله علیها را، و بدان که این مکان از مکان‌های شریفه است.

و شیخ کلینی؛ به سند حسن از جعفر صادق؛ روایت کرده که: «رسول خدا ﷺ فرمود که: میان خانهٔ من و منبر من باغی است از باغ‌های بهشت، و منبر من بر دری است از درهای بهشت، و قائمه‌های منبر من در بهشت نصب شده». راوی از حضرت صادق؛ پرسید که: روضه، امروز هم باغی است؟ فرمود: «بلی، اگر پرده برداشته شود، هر آینه خواهید دید».

علّامهٔ مجلسی‌ﷺ فرمود که: وصف این موضع شریف به باغ بهشت، یا از جهت این است که اعمال صالحه در این موضع سبب دخول بهشت است، یا از جهت این است که این موضع چون در عصر حضرت رسالت پناه‌ﷺ منبت اشجار ذائقه حقایق و مواعظ بوده است که هر یک مثمر انواع ریاحین و ثمار طاعات و عبادات است به این سبب آن را تشبیه به ریاض بهشت فرموده‌اند. و آنچه حضرت صادق‌ﷺ فرمود گویا مراد این است که اگر پردهٔ غفلت و حجب حبّ شهوات دنیا از پیش دیدهٔ دل بر خیزد، هر آینه معلوم خواهد شد که باغستان‌های معنوی مرغوب‌تر از جنّات صوری است، و درخت‌های حقایق و معارف و میوه‌های طاعات و عبادات برای تقویت عقل و روح اقوی و انفع و خوش‌آینده‌ترند از اشجار و انهار و ثمار ظاهره که مورث تقویت و تفریح قوای جسمانی می‌گردند، و محتمل است که محمول بر ظاهر باشد که در زیر این موضع باغی از باغ‌های بهشت بوده باشد، یا این‌که در قیامت این محلّ شریف را به بهشت ببرند و وسعت دهند و بهترین باغستان‌های بهشت گردانند. وحدّ روضه در طول از قبر مقدّس حضرت رسول‌ﷺ است تا منبر، و در عرض از منبر است تا چهار ستون که بشماری از مسجد.

چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق‌ﷺ پرسیدند که: حدّ روضه چیست؟ فرمود که: «چهار ستون می‌شماری از منبر به سوی آنچه سقف دارد از مسجد». پرسیدند که: از صحن مسجد چیزی در روضه داخل است؟ فرمودند: «نه». انتهی.

دعای مقام حضرت جبرئیل‌ﷺ

پس علما بعد از ذکر اعمال روضه گفته‌اند برو به سوی مقام جبرئیل‌ﷺ که در زیر ناودانی است که هرگاه بیرون می‌روی از دری که آن را درِ فاطمه‌ﷺ می‌گویند، هرگاه محاذی در بایستی و ناودان در بالای سرت باشد و در از پشت سرت، پس دو رکعت نماز مستحبّی بجا آور و بگو:

يا مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَمَلَأَها جُنُوداً مِنَ الْمُسَبِّحينَ لَهُ مِنْ مَلائِكَتِهِ • وَالْمُمَجِّدينَ لِقُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ • وَأَفْرَغَ عَلىٰ أَبْدانِهِمْ حُلَلَ الْكَراماتِ • وَأَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغاتِ • وَأَلْبَسَهُمْ شِعارَ التَّقْوىٰ • وَقَلَّدَهُمْ قَلائِدَ النُّهىٰ • وَجَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْناسِ خَلْقِهِ مَعْرِفَةً بِوَحْدانِيَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ وَجَلالَتِهِ وَعَظَمَتِهِ • وَأَكْمَلَهُمْ عِلْماً بِهِ • وَأَشَدَّهُمْ فَرَقاً • وَأَدْوَمَهُمْ لَهُ طاعَةً وَخُضُوعاً وَاسْتِكانَةً

وَخُشُوعاً. یامَنْ فَضَّلَ الْاَمینَ جِبْرَئیلَ علیه السلام بِخَصائِصِهِ وَدَرَجاتِهِ وَمَنازِلِهِ. وَاخْتارَهُ لِوَحْیِهِ وَسَفارَتِهِ وَعَهْدِهِ وَاَمانَتِهِ. وَاِنْزالِ كُتُبِهِ وَاَوامِرِهِ عَلىٰ اَنْبِیائِهِ وَرُسُلِهِ. وَجَعَلَهُ واسِطَةً بَیْنَ نَفْسِهِ وَبَیْنَهُمْ. اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ جَمیعِ مَلائِكَتِكَ وَسُكّانِ سَماواتِكَ. اَعْلَمِ خَلْقِكَ بِكَ. وَاَخْوَفِ خَلْقِكَ لَكَ. وَاَقْرَبِ خَلْقِكَ مِنْكَ. وَاَعْمَلِ خَلْقِكَ بِطاعَتِكَ. الَّذینَ لا یَغْشاهُمْ نَوْمُ الْعُیُونِ وَلا سَهْوُ الْعُقُولِ وَلا فَتْرَةُ الْاَبْدانِ. الْمُكَرَّمینَ بِجِوارِكَ وَالْمُؤْتَمَنینَ عَلىٰ وَحْیِكَ. الْمُجْتَنِبینَ الْآفاتِ وَالْمُوقَیْنَ السَّیِّئاتِ. اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصِ الرُّوحَ الْاَمینَ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ بِاَضْعافِها مِنْكَ. وَعَلىٰ مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبینَ وَطَبَقاتِ الْكَرُوبِیّینَ وَالرُّوحانِیّینَ. وَزِدْ فی مَراتِبِهِ عِنْدَكَ وَحُقُوقِهِ الَّتي لَهُ عَلىٰ اَهْلِ الْاَرْضِ بِما كانَ یَنْزِلُ بِهِ مِنْ شَرائِعِ دینِكَ. وَما بَیَّنَتْهُ عَلىٰ اَلْسِنَةِ اَنْبِیائِكَ مِنْ مُحَلَّلاتِكَ وَمُحَرَّماتِكَ. اَللّٰهُمَّ اَكْثِرْ صَلَواتِكَ عَلىٰ جِبْرَئیلَ. فَاِنَّهُ قُدْوَةُ الْاَنْبِیاءِ وَهادِي الْاَصْفِیاءِ. وَسادِسُ اَصْحابِ الْكِساءِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ وُقُوفي في مَقامِهِ هٰذا سَبَباً لِنُزُولِ رَحْمَتِكَ عَلَيَّ وَتَجاوُزِكَ عَنّي.

پس بگو: یاجَوادُ یاكَریمُ. یاقَریبُ یابَعیدُ. اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُوَفِّقَني لِطاعَتِكَ. وَلا تُزیلَ عَنّي نِعْمَتَكَ. وَاَنْ تَرْزُقَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ. وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ. وَتُغْنِیَني عَنْ شِرارِ خَلْقِكَ. وَتُلْهِمَني شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ. وَلا تُخَیِّبْ یارَبِّ دُعائي وَلا تَقْطَعْ رَجائي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

مؤلّف گوید که: این مقام نیز از مکان‌های شریفه است، و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: «چون جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل می‌شد، آن‌جا می‌ایستاد و رخصت می‌طلبید و بعد از رخصت داخل می‌شد». و در روایت دیگر فرمودند: «اگر توانی که دو رکعت نماز مستحبّی در آن‌جا بکنی بکن که هیچ‌کس در آن‌جا دعا نمی‌کند مگر آن‌که دعایش

مستجاب می‌شود».

و حقیر گمان می‌کنم که خواندن دعاهای اوّل صحیفهٔ سجّادیّه، چون دعای تحمید و صلوات بر رسول‌ﷺ و حملهٔ عرش در مسجد شریف مناسب باشد، به خصوص دعای اخیر را در این مقام که بسیار مناسبت دارد. و نیز از آن حضرت منقول است که فرمود: «هر زنی که خون[1] استحاضه‌اش منقطع نشود، اگر در این مقام رو به قبله کند و دعای دم[2] را بخواند البتّه خونش منقطع می‌شود و طُهر می‌بیند»، و دعای دم این است:

يَاجَوادُ يَاكَرِيمُ، يَاقَرِيبُ يَابَعِيدُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ.

و شیخ صدوق دعا را به نحو دیگر نقل کرده و در *تحفة الزّائر* مذکور است و در کتاب *فقه الرّضا* ـ علیٰ مَن نُسِبَ الیه السّلام ـ مذکور است که در مقام جبرئیل‌ﷺ دو رکعت نماز بکن و بگو:

يَا جَوادُ يَاكَرِيمُ، يَاقَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَهالِكِ، وَأَنْ تُسْلِمَنِي مِنْ آفاتِ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَوَعْثاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تَرُدَّنِي سالِماً إِلىٰ وَطَنِي بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

دعای نزد ستون أبی لبابه

پس علما بعد از اعمال مقام جبرئیل‌ﷺ گفته‌اند که دو رکعت نماز کن در نزد ستون ابی لبابه و آن ستون توبه است و بگو بعد از نماز:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللّٰهُمَّ لا تُهِنِّي بِالْفَقْرِ، وَلا تُذِلَّنِي بِالدَّيْنِ، وَلا تَرُدَّنِي إِلَى الْهَلَكَةِ، وَاعْصِمْنِي كَيْ أَعْتَصِمَ، وَأَصْلِحْنِي كَيْ أَنْصَلِحَ، وَاهْدِنِي كَيْ

---

۱. روایت حایض دارد و چون علّامهٔ مجلسی‌ﷺ حایض را استحاضه مراد گرفته و چنین ترجمه فرموده، ما نیز متابعت ایشان نمودیم در ترجمه حدیث. (منه‌ﷺ).

۲. دَم = خون.

اَهْتَدِيَ ♦ اللّهُمَّ اَعِنّي عَلىٰ اجْتِهادِ نَفْسي ♦ وَلا تُعَذِّبْني بِسُوءِ ظَنّي ♦ وَلا تُهْلِكْني وَاَنْتَ رَجائي وَاَنْتَ اَهْلُ اَنْ تَغْفِرَ لي ♦ وَقَدْ اَخْطَأْتُ وَاَنْتَ اَهْلُ اَنْ تَعْفُوَ عَنّي ♦ وَقَدْ اَقْرَرْتُ وَاَنْتَ اَهْلُ اَنْ تُقيلَ ♦ وَقَدْ عَثَرْتُ وَاَنْتَ اَهْلُ اَنْ تُحْسِنَ ♦ وَقَدْ اَسَأْتُ وَاَنْتَ اَهْلُ التَّقْوىٰ وَالْمَغْفِرَةِ ♦ فَوَفِّقْني لِما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ ♦ وَيَسِّرْ لِيَ الْيَسيرَ وَجَنِّبْني كُلَّ عَسيرٍ ♦ اللّهُمَّ اَغْنِنِي بِالْحَلالِ عَنِ الْحَرامِ ♦ وَبِالطّاعاتِ عَنِ الْمَعاصِيَ ♦ وَبِالْغِنىٰ عَنِ الْفَقْرِ ♦ وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النّارِ ♦ وَبِالْاَبْرارِ عَنِ الْفُجّارِ ♦ يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

وجه اشتهار ستون أبي لبابه

مؤلّف گويد كه: مكاني كه در نزد ستون ابى لبابه است نيز از مكان‌هاى شريفهٔ مسجد است، و نماز در نزد آن و اعتكاف در پاى آن و نشستن در نزد آن هر يک مندوب است، چنانچه بعد از اين مذكور شود. و اسم ابى لبابه رفاعة بن المنذر است. شهيد فرموده كه نامش بشير بن عبد المنذر است و از انصار و حاضران بدر است. وجه اشتهار اين ستون به اسطوانهٔ ابى لبابه و اسطوانهٔ توبه، چنانچه در بعضى از كتب معتبر ديدم اين است كه ابو لبابه با جمعى ديگر در بعضى از اسفار[1] كه جناب رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله به جهاد تشريف مى‌بردند تخلّف نمود، و خود را از شرافت ركاب آن سرور محروم نمود. بعد به شدّت نادم شد و لحوق [و پيوستن] به آن حضرت ممكن نبود. آمد خود را به آن ستون محكم بست و سوگند ياد نمود كه آب و طعام نخورد تا آن‌كه بميرد يا خداوند عالم توبه او را قبول فرمايد، و در بعضى احاديث وارد شده كه تا هفت روز چنين بود و از شدّت عطش و جوع بيهوش شد. جناب رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله از سفر معاودت فرمودند و نظر به عادت شريفه داخل مسجد شدند به جهت نماز، بعد از ملاحظهٔ حال ابى لبابه و غيره از حال آن‌ها تفحّص فرمودند، حقيقت حال را به آن سرور عرض كردند، و به عرض ايشان رسانيدند كه ابو لبابه قسم ياد نموده

---

۱. اسفار = جمع سفر.

که تا جناب رسول خدا به دست مبارک خود او را نگشاید، خود را نمی‌گشاید. حضرت فرمودند که: «من هم سبقت در این امر نخواهم نمود تا خطابی از جانب خداوند عالم برسد». بعد از آن آیهٔ بشارت قبول توبه نازل شد: ﴿وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلاً صَالِحاً وَآخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ آن وقت جناب رسول خدا ﷺ بند را گشود، و این اسطوانه مشهور است و در آن هم نوشته شده اسطوانهٔ توبه.

ذکر ایامی که مناسب است زیارت حضرت رسول الله ﷺ

بدان که علما از برای حضرت رسول ﷺ زیارات بسیاری بدون روایت ذکر نموده‌اند، وچون بنای ما بر اختصار است به همین مقدار کفایت می‌کنیم، و زیارت آن حضرت در اوقات شریفه و ایّام متبرّکه ثوابش مضاعف است، چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه الله تصریح فرموده خصوصاً ایّامی که به آن حضرت اختصاصی دارد:

مثل روز ولادت شریف آن حضرت که موافق مشهور هفدهم ربیع الاوّل است و بعضی دوازدهم گفته‌اند.

و روز وفات که بیست و هشتم صفر است، و روز مبعث، و روز فتح بدر، و روز فتح مکّه، و روز جنگ اُحد، و روز فتح خیبر، و روز مباهله، و همچنین سایر ایّام فتوحات آن حضرت و تعیین این روزها در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مذکور شد.

و شب هجرت آن حضرت از مکّه به مدینه که شب اوّل ماه ربیع الاوّل است، و روزی که داخل مدینه شد که دوازدهم ماه مذکور است.

و روزی که از شعب ابی طالب بیرون آمدند که نیمهٔ رجب است.

و شبی که حضرت آمنه ـ رحمة الله علیها ـ به آن حضرت حامل شد که نوزدهم جمادی‌الآخر است.

و شب معراج که شب بیست و یکم ماه رمضان است و بعضی نهم ذی‌الحجّه گفته‌اند و بعضی هفدهم ربیع الاوّل نیز گفته‌اند.

و روزی که حضرت خدیجه را به عقد خود در آورد که دهم ماه ربیع الاوّل است.



فصل سوّم

در وداع حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و فضیلت و کیفیّت زیارت آن حضرت در بلاد بعیده

در احادیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی از مدینه بیرون آیی غسل بکن و برو به نزد قبر پیغمبر صلّی الله علیه و آله بعد از آن‌که از کارهای خود فارغ شده باشی، پس وداع کن و به عمل آور آنچه پیش‌تر می‌کردی نزد داخل شدن مسجد و بگو:

اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَني قَبْلَ ذٰلِكَ فَإِنّي اَشْهَدُ في مَماتي عَلىٰ ما شَهِدْتُ عَلَيْهِ في حَياتي، اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ[1].

و نیز در *کامل الزیارة* از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از کیفیّت وداع قبر پیغمبر صلّی الله علیه و آله فرمود می‌گویی: «**صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ، لا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ تَسْليمي عَلَيْكَ**».

مؤلّف گوید: که اگر بعد از این وداع، دعای وداع اوّل را بخوانی موافق می‌شود با وداعی که شیخ صدوق در کتاب *فقیه* نقل فرموده، و در *فقه الرضوی* علیه السلام دعای وداع چنین مذکور است:

اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَحَرَمِهِ، فَإِنّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ في حَياتي اِنْ تَوَفَّيْتَني قَبْلَ ذٰلِكَ، وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و فرموده وداع قبر مکن مگر با غسل، و اگر غسل ممکن نباشد وضو بساز.

---

۱. و شیخ مفید و دیگران در کیفیّت وداع همان دعای اوّل را ذکر نموده‌اند به این زیادتی چنانچه بعد از: وَرَسُولُكَ، گفته‌اند: وَاَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَئِمَّةَ الطّاهِرينَ الَّذينَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً. فَاحْشُرْنا مَعَهُمْ وَفي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ، وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ. (منه رحمه الله)

زیارت حضرت رسول اللهﷺ از شهرهای دور

و امّا احادیث در فضیلت زیارت آن حضرت در بلاد بعیده پس بسیار است. شیخ صدوق در *امالی* از حضرت رسولﷺ روایت کرده که، فرمودند که: «خدا را ملکی چند هست که می‌گردند در زمین و هرکه از امّت من بر من سلام می‌فرستد به من می‌رسانند». و شیخ طوسیؒ از امام محمّد باقرؑ روایت کرده که فرمودند: «ملکی از ملائکه از حق تعالی سؤال نمود که هر چه بندگانِ خدا گویند او بشنود، حق تعالی سؤال او را به اجابت مقرون فرموده، شنوائی به او عطا فرموده پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هرکه از مؤمنان بگوید صلّی الله علیه وآله وسلّم، البتّه آن ملک گوید وَعَلَيْكَ، یعنی بر تو باد نیز سلام، پس آن ملک می‌گوید: یا رسول اللهﷺ فلان شخص سلام رسانیده است به شما. پس حضرت می‌فرماید: وَعَلَيْهِ السَّلامُ، یعنی بر او باد نیز سلام». و ثقة الاسلام در *کافی* به سند صحیح از معاویة بن وهب روایت کرده که حضرت صادقؑ فرمودکه: «صلوات بفرستید بر حضرت رسولﷺ در پهلوی قبر آن حضرت، صلوات مؤمنان هرچند، هرجا که باشند به آن حضرت می‌رسد».

صلوات بر حضرت رسولﷺ بعد از هر نماز

مؤلّف گوید که: صلوات در این حدیث احتمال می‌رود که مراد به آن نماز باشد، پس حدیث دلالت دارد بنابر این احتمال بر استحباب نماز هدیّه از دور و نزدیک که هدیهٔ روح مقدّس آن حضرت شود، و احادیث صلوات و سلام بر آن حضرت در شهرهای دور بسیار است.

و امّا کیفیّت زیارت بعیدهٔ آن حضرت با سایر ائمّه در باب زیارات بعیده، مذکور خواهد شد. إن شاء الله، و در این‌جا اکتفا کنیم به ذکر یک حدیث صحیح عبد الله بن جعفر حمیری در *قرب الاسناد* از ابن ابی الخطّاب از بزنطی یعنی محمّد بن ابی نصر روایت کرده که: به خدمت حضرت امام رضاؑ عرض کردم که: بعد از نمازهای مکتوبه چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسولﷺ باید فرستاد؟ فرمود که: «می‌گویی:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ

اللّهِ ♦ السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللّهِ ♦ السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمينَ اللّهِ ♦ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللّهِ ♦ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللّهِ ♦ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ في سَبيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقينُ ♦ فَجَزاكَ اللّهُ يا رَسُولَ اللّهِ أَفْضَلَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ ♦ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

فصل چهارم

در کیفیّت زیارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها است

بدان که چون حضرت فاطمه عليها السلام وصیّت نمود که او را در شب دفن کنند و کسانی که بر او ظلم کردند به نماز و جنازه‌اش حاضر نشوند. پس او را در شب دفن کردند و به این سبب محلّ قبر شریف آن حضرت مُخْتَلَفٌ فيهِ میان علمای خاصّه و عامّه گشت.

و ظاهر اکثر احادیث معتبر آن است که آن حضرت در خانهٔ خود مدفون گردیده است که متّصل به حجرهٔ طاهرهٔ حضرت رسول صلى الله عليه وآله است و اکنون ضریحی نیز از برای آن حضرت ساخته‌اند.

و بعضی گفته‌اند که در روضه مدفون است که میان قبر و منبر باشد.

و بعضی گفته‌اند که در بقیع نزدیک قبر ائمّهٔ اربعه عليهم السلام مدفون است.

و احوط آن است که در هر سه موضع زیارت شود. اگرچه بودن قبر آن حضرت در بقیع بعید است و اظهر نزد جماعتی آن است که در خانهٔ خود مدفون است، و همین است مختارِ شیخ صدوق رحمه الله و بعضی دیگر. و شیخ طوسی رحمه الله فرموده که: افضل نزد من آن است که در خانه و روضه هر دو جا زیارت شود و این ضرری از برای زائر ندارد و باعث بزرگی اجر او می‌شود.

و شیخ صدوق و غیره از ابن ابی نصر روایت کرده‌اند که گفت: از حضرت امام رضا عليه السلام سؤال نمودم از قبر حضرت فاطمه عليها السلام؟ فرمود که: «در خانهٔ خود مدفون شد، پس چون زیاد کردند بنی امیّه مسجد را، داخل مسجد شد». و حمیری نیز از بزنطی روایت کرده که او همین سؤال را از آن حضرت نمود پس حضرت فرمود که: «این سؤال از حضرت جعفر عليه السلام نیز شد، در حالی که عیسی بن موسی حاضر بود، پس عیسی جواب سائل را داد که: حضرت فاطمه عليها السلام در بقیع مدفون شده

پس سائل به حضرت امام جعفر عرض کرد که: شما چه می‌فرمایید؟ فرمود که: عیسی جواب تو را داده» ابن ابی نصر بزنطی گوید که: چون حضرت امام رضا این فرمایش را بیان نمود، من به آن حضرت عرض کردم که: اصلحک الله مرا چه به حرف عیسی بن موسی (یعنی رأی آن مرد به چه کار من می‌خورد)، خبر بده مرا از پدران بزرگوارانت که آن‌ها چه فرموده‌اند؟ فرمود که: «آن حضرت در خانهٔ خود مدفون شده».

و نیز شیخ صدوق در *معانی الاخبار* از حضرت صادق روایت کرده، آن چه را که حاصلش این است که حضرت فاطمه در روضه مدفون است، و به این سبب حضرت رسول فرمود که: «روضهٔ او از روضه‌های بهشت است». و فرمود که: «دری از درهای بهشت است». زیرا که قبر فاطمه باغی از باغ‌های بهشت است و به سوی آن گشود شده است دری از درهای بهشت، علّامهٔ مجلسی [این مطالب را] در *تحفه* بعد از ذکر این احادیث فرموده.

مؤلف گوید که: چون سابقاً مذکور شد که روضه به قدر چهار ستون عرض دارد، و مذکور شد که پاره‌ای از خانهٔ حضرت فاطمه را داخل مسجد کرده‌اند، پس ممکن است جمع میانهٔ این حدیث و احادیث پیش کردند که حضرت در خانهٔ خود مدفون شده باشد در جانب مسجد، که محاذی ما بین قبر و منبر و داخل روضه باشد. و آنچه در روایت سابق مذکور شد مؤیّد این است که خانهٔ حضرت داخل روضه و بهترین جاهای روضه است، انتهی. و بدان که در احادیث مستفیضه وارد شده که نماز در خانهٔ حضرت فاطمه افضل است از نماز در روضه.

کیفیّت زیارت حضرت فاطمه

و امّا کیفیّت زیارت آن حضرت، پس شیخ طوسی در *تهذیب* از ابراهیم بن محمّد عریضی روایت کرده که گفت: روزی حضرت ابو جعفر یعنی امام محمّد تقی حدیث کرد ما را و فرمود که: «چون می‌روی به سوی قبر جدّهٔ خود فاطمه پس بگو:

یا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ اللهُ الَّذي خَلَقَكِ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ صابِرَةً، وَزَعَمْنا اَنّا لَكِ اَوْلِياءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصابِرُونَ لِكُلِّ ما اَتانا بِهِ اَبُوكِ وَاَتانا بِهِ وَصِيُّهُ، فَاِنّا نَسْاَلُكِ اِنْ كُنّا صَدَّقْناكِ اِلاّ اَلْحَقْتِنا بِتَصْديقِنا لَهُما، لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنا بِاَنّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ».

و سیّد ابن طاووس در کتاب *اقبال* ذکر کرده است چیزی که ملخّصش این است که ما در کتاب *تعریف* روایت کرده‌ایم از جماعتی از اصحاب که وفات حضرت فاطمه در روز سیّم ماه جمادی الآخره بوده است، پس سزاوار است که اهل وفا در آن روز محزون باشند، و زیارت شود آن حضرت به آن چیزی که در کتاب *جمال الأسبوع* ایراد نمودیم در نزد حجرهٔ پیغمبر از برای کسی که در آن‌جا حاضر باشد و اگر نه هر مکانی که باشد.

و روایت کرده است، در جامع کتاب *مسائل* که ابراهیم بن محمّد همدانی عریضه‌ای به خدمت امام علیّ النّقی نوشت که: مرا خبر بده از قبر حضرت فاطمه که آیا در مدینه است یا در بقیع است چنانچه مردم می‌گویند؟ حضرت جواب نوشت که: «مادرم فاطمه با جدّم رسول خدا ـ صلّی الله علیهما وآلهما ـ مدفون است». و سیّد گفته است که: پس می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النّاسِ اَجْمَعينَ ۔ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها.

پس بگو: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ اَمَتِكَ ۔ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ ۔ وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ ۔ صَلاةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفىٰ عِبادِكَ الْمُكَرَّمينَ مِنْ اَهْلِ السَّماواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضينَ.**

به تحقیق که روایت رسیده است که هرکه به این زیارت، آن حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند.

مؤلف گوید که: نجل سیّد ابن طاووس نیز این زیارت را در کتاب *زوائد الفوائد* نقل کرده و گفته که مختصّ است به روز وفات آن حضرت که سیّم ماه جمادی الآخرة باشد، و کیفیّت زیارت را به این طریق فرموده که: نماز می‌کنی نماز زیارت یا نماز خود آن حضرت را، و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سورهٔ «قُل هُوَ اللّهُ اَحَدٌ» می‌خوانی، و اگر نتوانی، در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «قُل هُوَ اللّهُ» یک مرتبه بخوان و در رکعت دوّم سورهٔ «قُل یا اَیُّهَا الکافِرُون» یک مرتبه، و چون سلام گفتی بگو **اَلسَّلامُ عَلَيْكِ** تا آخر زیارت مذکوره. و بدان که علما این زیارت را از برای آن حضرت در روضه نقل نموده‌اند وگفته‌اند که می‌ایستی در روضه و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَى الْبَتُولَةِ الطّاهِرَةِ ۔ وَالصِّدّيقَةِ الْمَعْصُومَةِ ۔ وَالْبَرَّةِ التَّقِيَّةِ ۔ سَليلَةِ الْمُصْطَفىٰ ۔ وَحَليلَةِ الْمُرْتَضىٰ ۔ وَاُمِّ الْاَئِمَّةِ النُّجَباءِ ۔ اَللّٰهُمَّ اِنَّها خَرَجَتْ

مِنْ دُنیاها مَظْلُومَةً مَغْشُومَةً. قَدْ مُلِئَتْ داءً وَحَسْرَةً وَكَمَداً وَغُصَّةً. تَشْكُو إِلَيْكَ وَإِلىٰ أَبِيها ما فُعِلَ بِها. اَللّٰهُمَّ انْتَقِمْ لَها وَخُذْ لَها بِحَقِّها. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الزَّهْراءِ الزَّكِيَّةِ الْمُبارَكَةِ الْمَيْمُونَةِ. صَلاةً تَزِيدُ في شَرَفِ مَحَلِّها عِنْدَكَ. وَجَلالَةِ مَنْزِلَتِها لَدَيْكَ. وَبَلِّغْها مِنّي السَّلامَ. وَالسَّلامُ عَلَيْها وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

و شیخ طوسی‌ؒ در تهذیب چون زیارت اوّل را ذکر نموده فرموده که: این زیارت را ـ یعنی زیارتی که ما در سابق ذکر نمودیم ـ به طریق روایت یافتم، و امّا اصحاب ما در زیارت آن حضرت چنین گفته‌اند که می‌ایستی در یکی از دو موضع ـ یعنی در خانهٔ آن حضرت یا در روضه ـ و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ نَبِيِّ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ حَبِيبِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَلِيلِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ صَفِيِّ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَمِينِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِياءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِكَتِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللّٰهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللّٰهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْحَوْراءُ الْإِنْسِيَّةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَغْصُوبَةُ الْمَظْلُومَةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ. أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكِ. وَأَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ

سَرَّ رَسُولَ اللّهِ، وَمَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا رَسُولَ اللّهِ، وَمَنْ آذاكِ فَقَدْ آذىٰ رَسُولَ اللّهِ، وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللّهِ، وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللّهِ، لِاَنَّكِ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَما قالَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اُشْهِدُ اللّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلائِكَتَهُ اَنّي راضٍ عَمَّنْ رَضيتِ عَنْهُ، ساخِطٌ عَلىٰ مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ والَيْتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ اَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ اَحْبَبْتِ، وَكَفىٰ بِاللّهِ شَهيداً وَحَسيباً وَجازِياً وَمُثيباً.

پس صلوات می‌فرستی بر رسول خدا و إمامان علیهم السلام.

صلوات بر پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام

و شیخ صدوق این زیارت را در فقیه نقل فرموده و صلوات بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام را به این کیفیّت گفته:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلىٰ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّهِ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَخَيْرِ الْخَلائِقِ اَجْمَعينَ، وَصَلِّ عَلىٰ وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَاِمامِ الْمُسْلِمينَ وَخَيْرِ الْوَصِيّينَ، وَصَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، وَصَلِّ عَلىٰ سَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلىٰ زَيْنِ الْعابِدينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ الْعِلْمِ، وَصَلِّ عَلَى الصّادِقِ عَنِ اللّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الْكاظِمِ الْغَيْظَ فِي اللّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَصَلِّ عَلَى الرِّضا عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلِّ عَلَى الْحُجَّةِ الْقائِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَللّٰهُمَّ اَحْيِ بِهِ الْعَدْلَ وَاَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الْاَرْضَ وَاَظْهِرْ بِهِ

دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتّى لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَاجْعَلْنا مِنْ أَعْوانِهِ وَأَشْياعِهِ وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيائِهِ يا رَبَّ الْعالَمِينَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

و نیز شیخ صدوق‌ فرموده که: من وقتی که از حج بیت الله الحرام رجوع کردم، به مدینه آمدم، بعد از فراغ از زیارت رسول خدا قصد خانهٔ فاطمه نمودم و پشت به قبله کردم، در حالی که با غسل بودم و این زیارت را خواندم. و چون نیافتم من در باب زیارتِ فاطمه در احادیث، زیارت موظّف محدودی[1]، پس این زیارت را در کتاب خود ذکر کردم و پسندیدم از برای ناظر در کتاب خودم آنچه را که از برای خودم پسندیده‌ام. تمام شد محصّل عبارت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه*.

و بدان که زیارت آن حضرت در اوقات شریفه و ازمنهٔ مخصوصه به آن حضرت اولی و انسب است مثل: روز ولادت آن حضرت که بیستم ماه جمادی الآخره است بنابر قول شیخ مفید و سیّد ابن طاووس، یا دهم آن بر قول جمعی.

و روز وفات آن حضرت که سیّم ماه مذکور است بنابر قول سیّد و جمعی؛ یا در ایّام البیض ماه جمادی الاولی بنابر روایت هفتاد و پنج روز بعد از وفات پدر بزرگوارش؛ یا بیست و یکّم ماه رجب چنانچه به ابن عیّاش نسبت داده شد.

و روز تزویج آن حضرت [در نیمهٔ رجب یا اول ذی الحجه یا ششم آن].

و شب زفاف آن حضرت [در نوزدهم ذی الحجه یا بیست و یکم ماه محرم].

و روز مباهله [در بیست و چهارم ذی الحجه].

و روز نزول «هل أتی» [در بیست و پنجم ذی الحجه].

و غیر این‌ها از ایّامی که فضیلت یا کرامتی از آن مظلومه نقل شده، و تعیین این اوقات در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین مذکور شد.

---

۱. زیارت مشخص ودقیقی که آداب خاصی دارد.

مقام دوم

در زیارت ائمة بقیع یعنی حضرت امام حسن مجتبی وامام زین العابدین و امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام و زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله وفاطمه بنت أسد مادر امیر المؤمنین علیه السلام و اشاره به قبور جمعی از بنی هاشم و اصحاب که در بقیع مدفون‌اند

و در آن دو فصل است:



فصل اوّل

در کیفیّت زیارت ائمّة بقیع علیهم السلام

باید آدابی که در باب اوّل مذکور شد از غسل و تطهیر جامه‌ها و بوی خوش کردن و رخصت طلبیدن در دخول و غیر این‌ها را به عمل بیاورد و اگر در دعای اذن دخول آنچه شیخ محمّد بن المشهدی رحمه الله ذکر کرده است، بخواند، بد نیست. گفته است که بر در بایستد و بگوید:

يا مَوالِيَّ يا أَبْناءَ رَسُولِ اللهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أَمَتِكُمُ الذَّليلُ بَيْنَ أَيْديكُمْ وَالْمُضْعَفُ في عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جاءَكُمْ مُسْتَجيراً بِكُمْ، قاصِداً إِلىٰ حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً إِلىٰ مَقامِكُمْ مُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ تَعالىٰ بِكُمْ، أَأَدْخُلُ يا مَوالِيَّ، أَأَدْخُلُ يا أَوْلِياءَ اللهِ، أَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللهِ الْمُحْدِقينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ الْمُقيمينَ بِهٰذَا الْمَشْهَدِ.

وبعد از خضوع و خشوع و رقّت داخل شود و پای راست را مقدّم دارد و بسم الله بگوید، پس بگوید آنچه محمّد بن المشهدی گفته است:

اللهُ أَكْبَرُ كَبيراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثيراً وَسُبْحانَ اللهِ بُكْرَةً وَأَصيلاً، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْماجِدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ الْمُتَطَوِّلِ، الْحَنّانِ الَّذي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِيارَةَ ساداتي بِإِحْسانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْني عَنْ زِيارَتِهِمْ مَمْنُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

پس نزدیک قبور مقدّسه ایشان برود و پشت به قبله و رو به قبور ایشان کرده بگوید آنچه شیخ کلینی و ابن قولویه و شیخ طوسی و غیرهم ـ رضوان الله علیهم ـ روایت کرده‌اند از ائمه علیهم السلام که فرموده‌اند: چون بروی به نزد قبور امامان علیهم السلام که در بقیع مدفون‌اند بایست نزد ایشان و قبر را پیش روی خود قرار ده و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدىٰ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ التَّقْوىٰ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ [أَيُّها] الْحُجَجَ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْقُوّامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ النَّجْوىٰ، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ في ذاتِ اللّٰهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسيءَ اِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ وَاَنَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَاَنَّ قَوْلَكُمُ الصِّدْقُ، وَاَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا وَاَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَاَنَّكُمْ دَعائِمُ الدّينِ وَاَرْكانُ الْاَرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللّٰهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ اَصْلابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ اَرْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجاهِلِيَّةُ الْجَهْلاءُ وَلَمْ تَشْرَكْ فيكُمْ فِتَنُ الْاَهْواءِ، طِبْتُمْ وَطابَ مَنْبَتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيّانُ الدّينِ فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَواتِنا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنا وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا، اِذِ اخْتارَكُمُ اللّٰهُ لَنا، وَطَيَّبَ خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَيْنا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَكُنّا عِنْدَهُ مُسَمّينَ[1] بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفينَ بِتَصْديقِنا اِيّاكُمْ، وَهٰذا مَقامُ مَنْ اَسْرَفَ وَاَخْطَاَ، وَاسْتَكانَ وَاَقَرَّ بِما جَنىٰ، وَرَجا بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَاَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكىٰ مِنَ الرَّدىٰ، فَكُونُوا لي شُفَعاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَيْكُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ اَهْلُ الدُّنْيا، وَاتَّخَذُوا آياتِ اللّٰهِ هُزُواً وَاسْتَكْبَرُوا عَنْها[2].

---

۱. مُسَلِّمينَ خ ل.

۲. شیخ محمّد بن المشهدی بعد از وَاسْتَكْبَرُوا عَنْها گفته است که سر را بالا می‌کنی و می‌گویی: يا مَنْ هُوَ قائِمٌ... تا آخر (منه رحمه الله).

يا مَنْ هُوَ قائِمٌ لا يَسْهُو، وَدائِمٌ لا يَلْهُو وَمُحيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَني وَعَرَّفْتَني بِما اَقَمْتَني عَلَيْهِ، اِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُكَ، وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمالُوا اِلىٰ سِواهُ، فَكانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ اَقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَني بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ في مَقامي هٰذا مَذْكُوراً مَكْتُوباً فَلا تَحْرِمْني ما رَجَوْتُ، وَلا تُخَيِّبْني مِمّا[1] دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا كن از براى خود به هر چه خواهى.

و شيخ طوسى رحمه الله در تهذيب فرموده كه: بعد از آن هشت ركعت نماز زيارت بكن؛ يعنى از براى هر امامى دو ركعت.

و سيّد ابن طاووس رحمه الله گفته است كه: چون خواهى ايشان را وداع كنى بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكُمُ اللّٰهَ وَاَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ.

پس دعا بسيار كن و از خدا سؤال كن كه ديگر تورا به زيارت ايشان برگرداند و آخر عهد تو نباشد از زيارت ايشان، و علّامهٔ مجلسى رحمه الله در بحار، زيارت مبسوطى از يكى از نسخ قديمه ايراد فرموده، و چون به تصريح ايشان و ديگران بهترين زيارات براى ايشان زيارات جامعه است كه إن شاء اللّه بعضى از آن‌ها بعد از اين مذكور خواهد شد، ما در اين مقام به همين قدر قناعت كرديم.

زيارت امام حسن عليه السلام

و در كامل الزّيارة به سند معتبر نقل شده كه محمّد بن الحنفيّه رضى الله عنه به زيارت برادر خود امام حسن عليه السلام مى‌رفت و مى‌گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ الْمُؤْمِنينَ وَابْنَ اَوَّلِ الْمُسْلِمينَ، وَكَيْفَ لا تَكُونُ كَذٰلِكَ وَاَنْتَ سَليلُ[2] الْهُدىٰ، وَحَليفُ التُّقىٰ، وَخامِسُ اَهْلِ[3] الْكِساءِ،

---

۱. فيما خ ل.
۲. سَبيلُ خ ل.
۳. أصحاب خ ل.

غَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُبّيتَ في حِجْرِ الْإِسْلامِ، وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإيمانِ، فَطِبْتَ حَيّاً وَطِبْتَ مَيّتاً، غَيْرَ أَنَّ الْأَنْفُسَ غَيْرُ طَيِّبَةٍ بِفِراقِكَ وَلا شاكَّةٍ في الْحَياةِ لَكَ يَرْحَمُكَ اللّهُ.

زیارت امام جعفر صادق عليه السلام

و نیز در *کامل الزیارة* از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده، که می‌فرمود: «در نزد قبر علیّ بن الحسین عليه السلام هر چه خواهی بگو» یعنی به هر لفظ که زیارت کنی خوب است. و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در بحار از کتاب عتیق که به زعم آن مرحوم از مؤلّفات تلعکبری است نقل کرده که در آن‌جا سنداً روایت شده از جناب عثمان بن سعید عُمَری که با ابو القاسم بن روح که هر دو از نائبان خاصّ امام عصراند، به زیارت حضرت ابی عبد اللّه جعفر بن محمّد عليه السلام مشرّف شدند، پس ایستادند نزد باب السّلام و گفتند:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَآبا مَوالِيَّ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهيدَ دارِ الْفَناءِ وَزَعيمَ دارِ الْبَقاءِ، إِنّا خالِصَتُكَ وَمَواليكَ وَنَعْتَرِفُ بِأُولاكَ وَأُخْراكَ فَاشْفَعْ لَنا إِلى مُشَفِّعِكَ، اللّهُ تَعالى رَبُّنا وَرَبُّكَ، فَما خابَ عَبْدٌ قَصَدَ بِكَ رَبَّهُ وَأَتْعَبَ فيكَ قَلْبَهُ وَهَجَرَ فيكَ أَهْلَهُ وَصَحْبَهُ وَاتَّخَذَكَ وَلِيَّهُ وَحَسْبَهُ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

علّامهٔ مجلسی رحمه الله بعد از نقل فرموده: بعید نیست که این زیارت از برای ابی عبد اللّه الحسین عليه السلام باشد و ناسخین آن را تصحیف کرده باشند.

مؤلّف گوید که: در بقعهٔ ائمّهٔ اربعه عليهم السلام که اصل آن از بناهای ناصر بن المُستضیء است دو نفر دیگر نیز مدفون‌اند: یکی عبّاس عموی حضرت رسول صلی الله علیه و آله که قبرش متّصل به قبر ائمّه عليهم السلام است و در طرف غربی است، و دیگر قبری است که در طرف قبله بقعه، متّصل به دیوار است و ضریح کوچکی دارد و آن را نسبت به حضرت فاطمه عليها السلام می‌دهند، و جماعت بسیاری از عامّه معتقدند که آن قبر فاطمهٔ زهرا عليها السلام است، و قبر فاطمه بنت اسد همان است که در زاویهٔ قبرستان بقیع در طرف شمالی قبّهٔ عثمان معروف است. و در سابق به شرح رفت که مفاد اخبار و مذهب اکثر علمای شیعه آن است که مدفن حضرت طاهره عليها السلام یا خانهٔ خود است یا روضهٔ مطهّره. و بعید نیست که این قبری که در پیش روی ائمّهٔ بقیع است محلّ قبر فاطمه بنت اسد باشد که اشتباه شده. و شیخ رحمه الله در

تهذیب در باب نسب حضرت صادق علیه السلام فرموده که: قبر آن حضرت با پدر و جدّ و عمّ بزرگوارش حضرت حسن علیه السلام در بقیع است. و در بعض اخبار است که آن‌ها نازل شده‌اند بر جدّه‌شان فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف ـ رضوان الله علیهم ـ یعنی قبر آن بزرگواران در نزد قبر فاطمه مادر حضرت امیر علیه السلام است. پس اظهر همان است که از کلام شیخ مفهوم می‌شود و بقعه‌ای که نسبت به فاطمه بنت اسد می‌دهند، مشهد سعد بن معاذ اشهلی است که یکی از صحابهٔ رسول صلی الله علیه و آله است چنانچه در *تلخیص معالم الهجره* گفته شده، و سمهودی که از علمای عامّه است در کتاب *خلاصة الوفاء با اخبار دار المصطفی* نیز اختیار کرده که فاطمه بنت اسد نزد ائمه بقیع علیهم السلام مدفون است. پس سزاوار است که آن حضرت نیز در این جا زیارت شود، و از فیض زیارت جناب عبّاس نیز محروم نباید شد. شیخ شهید رحمه الله در دروس فرموده: و مستحب است زیارت کردن منتجبین از صحابه ـ رضوان الله علیهم اجمعین ـ بخصوص جعفر بن ابی طالب که [در] موته[1] مدفون است و عبّاس و اولاد او و سلمان در مدائن و عمّار در صفّین و حذیفه رضوان الله علیهم اجمعین، انتهی.

و بدان که زیارت ائمه بقیع علیهم السلام در اوقات متبرّکه و ازمنه مخصوصه به ایشان اولیٰ است مثل:

روز ولادت حضرت امام حسن علیه السلام که موافق مشهور نیمهٔ ماه رمضان است.

و روز وفات آن حضرت که هفتم یا بیست و هشتم یا آخر ماه صفر است.

و روزی که ران مبارکش را مجروح کردند که بیست و سیّم ماه رجب است.

و روز مباهله، و روز نزول «هل أتی» که تعیین آن گذشت.

و روز خلافت آن حضرت که روز شهادت پدر بزرگوارش است.

و روز ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام که پنجم یا نهم ماه شعبان است یا نیمهٔ ماه جمادی الاولی یا غیر آن بنابر اختلاف، و روز وفات آن حضرت که دوازدهم یا هجدهم یا بیست و پنجم ماه محرّم است. و روز خلافت آن حضرت که روز شهادت امام حسین علیه السلام است.

و روز ولادت امام محمّد باقر علیه السلام که روز اوّل ماه رجب است، و روز وفات آن حضرت که هفتم ماه ذی الحجّه است، و روز خلافت آن حضرت که روز وفات امام زین العابدین علیه السلام است.

و روز ولادت امام جعفر صادق علیه السلام که هفدهم ماه ربیع الاول است، و روز وفات آن حضرت که پانزدهم رجب یا ماه شوّال است، و روز خلافت آن حضرت که روز وفات امام محمد باقر علیه السلام است.

---

۱. موته شهری است در کشور اردن از توابع شهر بلقاء، و در آنجا جنگ تبوک بین لشکر رومیان و مسلمانان واقع شده است.

فصل دوم

در کیفیّت زیارت ابراهیم علیه السلام فرزند نبی صلی الله علیه و آله و فاطمه بنت أسد است واشاره به قبور جمعی از بنی هاشم وغیره که در بقیع مدفون‌اند

شیخ مفید و سیّد و شهید ـ رضوان الله علیهم ـ فرموده‌اند که: چون از زیارت ائمّهٔ بقیع فارغ شدی پس برو به سوی مزار ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، همین که آن‌جا رسیدی بایست نزد قبر و بگو:

السَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ ٭ السَّلامُ عَلىٰ نَبِيِّ اللّٰهِ ٭ السَّلامُ عَلىٰ حَبيبِ اللّٰهِ ٭ السَّلامُ عَلىٰ صَفِيِّ اللّٰهِ ٭ السَّلامُ عَلىٰ نَجِيِّ اللّٰهِ ٭ السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ ٭ سَيِّدِ الْاَنْبِياءِ وَخاتَمِ الْمُرْسَلينَ ٭ وَخِيَرَةِ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ في أَرْضِهِ وَسَمائِهِ ٭ السَّلامُ عَلىٰ جَميعِ اَنْبِياءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ ٭ السَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ وَالسُّعَداءِ وَالصّالِحينَ ٭ السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ اللّٰهِ الصّالِحينَ ٭ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الرُّوحُ الزّاكِيَةُ ٭ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّريفَةُ ٭ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا السُّلالَةُ الطّاهِرَةُ ٭ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا النَّسَمَةُ الزّاكِيَةُ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَيْرِ الْوَرىٰ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبىٰ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْمَبْعُوثِ إِلىٰ كافَّةِ الْوَرىٰ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشيرِ النَّذيرِ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ السِّراجِ الْمُنيرِ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرآنِ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْاِنْسِ وَالْجانِّ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ صاحِبِ الرّايَةِ وَالْعَلامَةِ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ شَفيعِ يَوْمِ الْقِيامَةِ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مَنْ حَباهُ اللّٰهُ بِالْكَرامَةِ ٭ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ ٭ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدِ اخْتارَ اللّٰهُ لَكَ دارَ إِنْعامِهِ قَبْلَ اَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ اَحْكامَهُ اَوْ يُكَلِّفَكَ حَلالَهُ وَحَرامَهُ ٭ فَنَقَلَكَ اِلَيْهِ طَيِّباً زاكِياً مَرْضِيّاً ٭ طاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ ٭ مُقَدَّساً مِنْ

كُلَّ ذَنْبٍ وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوىٰ، وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجاتِ الْعُلىٰ، وَصَلّىٰ عَلَيْكَ صَلاةً يَقِرُّ بِها عَيْنَ رَسُولِهِ وَيُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَواتِكَ وَأَزْكاها، وَأَنْمىٰ بَرَكاتِكَ وَأَوْفاها عَلىٰ رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلىٰ ما نَسَلَ مِنْ أَوْلادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلىٰ ما خَلَّفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْراهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُوراً، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً، وَحَياتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَحَوائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَفْعالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً، اَللّٰهُمَّ وَأَحْسِنْ لِيَ التَّوْفِيقَ، وَنَفِّسْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي عِقابَكَ، وَامْنَحْنِي ثَوابَكَ، وَأَسْكِنِّي جِنانَكَ، وَارْزُقْنِي رِضْوانَكَ وَأَمانَكَ، وَأَشْرِكْ فِي صالِحِ دُعائِي والِدَيَّ وَوُلْدِي وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ الْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْباقِياتِ الصّالِحاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

پس حاجات خود را از خدا بخواه و دو رکعت نماز زیارت بجای آور.

مؤلّف گوید که: قبر جناب ابراهیم علیه السلام واقع است در بقعه‌ای قریب به بقعهٔ ائمه علیهم السلام، و جناب عثمان بن مظعون رضی الله عنه که یکی از اعاظم و اکابر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله است و جلالت شأنش بالاتر از آن است که ذکر شود و در زیارت شهدا که از ناحیهٔ مقدّسه رسیده اشاره به جلالت او شده در این فقره «اَلسَّلامُ عَلىٰ عُثْمانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَمِيِّ عُثْمانَ بْنِ مَظْعُونٍ» او نیز قبرش در همان بقعهٔ شریفه است و او اوّل کسی است که در بقیع مدفون گشت، و پیش از او بقیع مکان اشجار بود و به این سبب «بقیع غرقد» می‌گفتند، پس سزاوار است که زیارت آن بزرگوار نیز بشود[۱]. و صاحبان تاریخ مدینه ذکر نموده‌اند که علیا جناب رقیّه و امّ کلثوم علیهما السلام دو دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز در همین بقعه مدفون‌اند. و در روایات آن‌ها و روایت شیعه وارد شده که زمانی که رقیّهٔ مکرّمه از

---

۱. و اسعد بن زراره و ابن مسعود نیز در بقعهٔ عثمان بن مظعون مدفون‌اند. (منه رحمه الله).

دنیا رفت حضرت رسول ﷺ فرمود که: «ملحق شو به سلف صالح ما عثمان بن مظعون». و سیّد علی سمهودی گفته که ظاهر آن است که دختران پیغمبر جمعاً در نزد عثمان بن مظعون مدفون شده باشند به جهت آن‌که حضرت رسول ﷺ در وقتی که سنگی بالای سر قبر عثمان گذاشت فرمود: «به این سنگ نشان می‌کنم قبربرادرم را، و دفن می‌کنم در نزد او هر کدام که بمیرد از اولادم».

فقیر گوید که: زیارتی از برای دختران رسول ﷺ به نظرم نرسید تا بیان نمایم، و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *تحفه* فرموده و از جملهٔ زیارات مرغوبه زیارت ابراهیم علیه السلام فرزند رسول خدا است در بقیع و در روز ولادت آن حضرت که هجدهم ماه رجب است موافق مشهور انسب است، انتهی. و روز هجدهم ماه مذکور روز وفات آن حضرت است چنانچه خود علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *زادالمعاد* متعرّض شده، پس ذکر ولادت از اشتباهات نسّاخ است.

زیارت حضرت فاطمة بنت أسد رحمة الله علیها

و امّا کیفیّت زیارت فاطمه بنت اسد ـ رحمها الله ـ پس چنان است که سیّد و شیخ مفید و شهید رحمهم الله فرموده‌اند که: چون از زیارت ابراهیم علیه السلام فارغ شدی متوجّه شو به سوی زیارت فاطمه والدهٔ مکرّمهٔ امیر المؤمنین علیه السلام. پس هرگاه که به قبر آن مکرّمه رسیدی بگو:

السَّلامُ عَلىٰ نَبِيِّ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ، السَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ، السَّلامُ عَلىٰ مَنْ بَعَثَهُ اللّٰهُ رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ الْهاشِمِيَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا كافِلَةَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُها عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ تَرْبِيَتُها لِوَلِيِّ اللّٰهِ الْأَمِينِ، السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ الطّاهِرِ، السَّلامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ وَلَدِكِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَشْهَدُ اَنَّكِ اَحْسَنْتِ الْكَفالَةَ، وَاَدَّيْتِ الْاَمانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ في مَرْضاتِ اللّهِ، وَبالَغْتِ في حِفْظِ رَسُولِ اللّهِ، عارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كافِلَةً بِتَرْبِيَتِهِ، مُشْفِقَةً عَلىٰ نَفْسِهِ، واقِفَةً عَلىٰ خِدْمَتِهِ، مُخْتارَةً رِضاهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى الْإيمانِ، وَالتَّمَسُّكِ بِاَشْرَفِ الْاَدْيانِ، راضِيَةً مَرْضِيَّةً، طاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِيَ اللّهُ عَنْكِ وَاَرْضاكِ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَمَأْواكِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْني بِزِيارَتِها، وَثَبِّتْني عَلىٰ مَحَبَّتِها، وَلا تَحْرِمْني شَفاعَتَها وَشَفاعَةَ الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِها، وَارْزُقْني مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْني مَعَها وَمَعَ اَوْلادِهَا الطّاهِرينَ، اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي اِيّاها، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ اِلَيْها اَبَداً ما اَبْقَيْتَني، وَاِذا تَوَفَّيْتَني فَاحْشُرْني في زُمْرَتِها، وَاَدْخِلْني في شَفاعَتِها، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللّهُمَّ بِحَقِّها عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِها لَدَيْكَ اغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ.

پس دو رکعت نماز زیارت می‌کنی و می‌خوانی خدا را به آنچه می‌خواهی و بر می‌گردی.

مؤلّف گوید که: در مقام زیارت ائمهٔ بقیع علیهم‌السلام گفتیم که دو موضع است که منسوب است به فاطمه بنت اسد، یکی مزار معروف و دیگر در بقعهٔ ائمه علیهم‌السلام، پس سزاوار است که در هر دو جا زیارت آن معظّمه شود.

بيان بعضى قبور در مدينهٔ طيّبه

و بدان که علمای سِیَر و مؤلّفین تاریخ مدینه گفته‌اند که بیشتر اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بقیع مدفون گشته‌اند. و قاضی عیّاض در مدارک ده هزار گفته، ولکن غالب آن‌ها قبرشان مخفی است هم عیناً و هم جهتاً و سببش آن است که در زمان پیش، بنا و کتابت نمی‌کردند بر سر قبور تا نشانه باشد، به علاوه آن‌که تمادِ [و گذر] ایام هم موجب امتحا است. بلی کسانی که از بنی هاشم و غیره مدفن ایشان عیناً یا جهتاً معلوم است قبر جناب ابراهیم است که مذکور شد.

و دیگر قبر جناب عقیل‌ؑ برادر حضرت امیر المؤمنین‌ؑ است. و در قبّه عقیل است پسر برادرش عبد الله بن جعفر‌ؓ که به صفت جود مشهور آفاق است. و بعضی گفته‌اند که عقیل در خانهٔ خود مدفون است. و در نزدیکی قبر عقیل بقعه‌ای است منسوب به زن‌های پیغمبر‌ﷺ غیر از خدیجه که در مکّه است و غیر از میمونه که در «سَرِف» است که موضعی است ما بین مکّه و مدینه. و مالک بن أنس که یکی از ائمهٔ مذهب اهل سنّت است نیز در بقعهٔ زوجات رسول‌ﷺ مدفون است، و قبر صفیّه دختر عبد المطّلب عمّهٔ رسول خدا‌ﷺ در طرف چپ آن کسی است که از بقیع بیرون رود، و قبر جناب اسماعیل فرزند حضرت امام جعفر صادق‌ؑ در مشهد بزرگی در طرف غربی قبّهٔ عبّاس، خارج از بقیع است و آن بقعه رکن سور مدینه است از جهت قبله و مشرق، و درش از داخل مدینه مفتوح می‌شود و بنای آن بقعه پیش از سور مدینه شده، و ما در سابق در اعمال مسجد کوفه اشاره کردیم به این که قبر مقداد نیز در بقیع است نه در شهروان که فعلاً بین مردم مشهور است. و محتمل است که قبر شیخ جلیل معظّم فاضل مقداد باشد که یکی از علمای جلیل الشّأن شیعه و صاحب مؤلّفات نفیسه است، چنانچه سیّد جلیل ماهر آقا سیّد محمّد باقر مؤلّف *روضات الجنّات* در ترجمهٔ فاضل مقداد‌ؒ گفته، و از چیزهایی که نزد من احتمال قوی دارد آن است که بقعهٔ واقعه در شهروان که معروف به مقبرهٔ مقداد است، قبر این مرد جلیل الشّأن باشد بنابر آن‌که وفاتش در آن‌جا واقع شده، یا آن‌که وصیت کرده باشد که او را در آن‌جا دفن کنند به جهت بودن سر راه زوّار عتبات عالیات، والّا مقداد بن اسود کندی‌ؓ که از بزرگان صحابه است در زمین بقیع مدفون است. و اهل تاریخ گفته‌اند که در «جُرف» که یک فرسخی مدینه است از دنیا رحلت کرد، پس جنازهٔ او را به دوش حمل کردند و در بقیع دفن نمودند، انتهی.

و سیّد جلیل قاضی نورالله شوشتری‌ؒ در *مجالس المؤمنین* نقل نموده که جناب مالک اشتر که در حوالی قُلزم به سبب عسلی که به زهرآلوده بودند شهید شد جنازه‌اش را به مدینهٔ طیّبه نقل کردند و در آن‌جا دفن نمودند. و نیز فرموده که حضرت محمّد بن امیر المؤمنین‌ؑ که مشهور است به ابن الحنفیّه در سنهٔ هشتاد و سه رحلت نمود و در بقیع مدفون گشت. و در تواریخ مسطور است که محمّد بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علیّ بن ابی طالب‌ؑ که در ایّام منصور کشته شد، مدفون است در جوف مسجد بزرگی در مدینه که در شرقی سلع است.

فقیر گوید که: محمّد بن عبد الله همان است که پدرش برای او بیعت گرفت از مردم و از حضرت صادق‌ؑ می‌خواست بیعت بگیرد. حضرت خبر داد به کشته شدن او، و تمام نشد این کار برای او، و تفصیل آن را ابو الفرج و شیخ مفید‌ؒ ایراد فرموده‌اند. و سلع کوهی است معروف، و غیر ایشان که مقام را گنجایش ذکر نیست و موضع دفنشان نیز درست معلوم نیست.

مقام سوّم
در تکالیف زوّار در مدینهٔ طیّبه

و در آن سه امر است:

امر اوّل: آن‌که مادامی که در مدینه هستی فرصت غنیمت دانسته نماز بسیار کنی در مسجد نبوی ﷺ که نماز در آن‌جا مقابل ده هزار نمازی است که در جای دیگر کرده شود. و بهترین مکان‌های مسجد، روضه است که ما بین قبر و منبر است و در سابق اشاره شد به فضیلت آن، و در حدیث حسن از حضرمی منقول است که حضرت صادق ؑ مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا ﷺ تا توانم بسیار نماز کنم و فرمود که: «همیشه تو را میسّر نمی‌شود که به این مکان شریف بیایی...» الخ.

و شیخ طوسی ؒ در تهذیب به سند معتبر از مُرازِم نقل کرده که حضرت صادق ؑ فرمود که: «روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستون‌ها واجب نیست، بلکه واجب همان نماز پنجگانه و روزهٔ ماه رمضان است، ولکن هرکه خواهد روزه بدارد بهتر است از برای او» و فرمود: «بسیار نماز کنید در این مسجد شریف تا توانید که بهتر است از برای شما». و بدانید که آدمی گاه هست زیرک می‌باشد در کار دنیا، مردم او را مدح می‌کنند که چه بسیار زیرک است فلانی، پس چون باشد که کسی در امر آخرت زیرک باشد. و زیارت کن حضرت رسول ﷺ را در هر روز مکرّراً و همچنین ائمّهٔ بقیع را به اندازه‌ای که ممکن است تو را، و هر وقت که مشاهده کردی حجرهٔ حضرت رسول ﷺ را سلام بکن بر آن حضرت. و مادامی که در مدینه هستی مواظب خود باش و خود را حفظ کن از گناهان و مظالم، و تدبّر و تفکّر کن در شرافت آن‌جا، خصوص در مسجد که قدم‌های مبارک حضرت رسول ﷺ بر آن زمین‌ها گذاشته شده و آن حضرت در کوچه و بازار [آن شهر] تردّد فرموده و در مسجد نماز خوانده، و آن‌جا موضع وحی و تنزیل است و حضرت جبرئیل و ملائکهٔ مقرّبین آن‌جا فرود می‌آمدند، ولنعم ما قیل:

أَرْضٌ مَشَىٰ جِبْرِيلُ فِي عَرَصَاتِها وَاللّٰهُ شَرَّفَ أَرْضَها وَسَماءَها

و تا ممکن شود تو را تصدّق کن در مدینه، خصوص در مسجد و بخصوص به سادات و ذریّهٔ رسول ﷺ که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتّب است. و علّامهٔ مجلسی ؒ فرموده که: در روایت معتبر وارد شده است که درهمی که در آن‌جا تصدّق کنند برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدّق کنند. و اگر ممکن شود تو را اختیار کن مجاورت آن بلد طیّب را، که مجاورت در مدینه به اجماع علما مستحبّ است، و احادیث مستفیضه در فضیلت او وارد شده.

و مخفی نماند که از جمله اعمال مستحبّهٔ مؤکّده در مدینهٔ مشرّفه، روزه گرفتن سه روز است در آن مکان شریف، خواه قصد اقامهٔ عشره داشته باشد یا نه، و افضل اوقات این سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است و اگر اعتکاف نماید زیاده فضیلت خواهد داشت. و سنّت است که در شب چهارشنبه که روزش را می‌خواهد روزه دارد نماز کند در نزد ستون ابو لبابه که ستون توبه نیز نام دارد، بلکه در نزد آن ستون که محلّ اجابت است، در هر وقت که امکان نماز و دعا و مناجات با حضرت قاضی الحاجات [میسّر شود] بسیار مناسب است. و روز چهارشنبه را نیز در نزد آن ستون بگذارند، و در شب پنجشنبه که شب دوّم روزهٔ اوست نماز کند در پای ستون، که محاذی مقام و مصلّای پیغمبرﷺ است؛ و شب جمعه نماز کند در مقام آن حضرت. و به ترتیب دیگر نیز وارد شده و این ترتیب مضمون روایات صحیحه و معتبره و مختار کتاب دروس شهید و دیگر علما است.

علّامهٔ مجلسی‌ؒ در *تحفة الزّائر* فرموده: و در حدیث صحیح از آن حضرت یعنی حضرت صادقؑ منقول است که: «اگر اقامت در مدینه تو را میسّر شود سه روز روزه می‌داری و شب چهارشنبه نماز می‌کنی نزد ستون ابی لبابه که خود را بر آن ستون بست تا توبهٔ او از آسمان نازل شد، و روز چهارشنبه نزد آن ستون می‌نشینی، پس می‌روی شب پنجشنبه نزد ستونی که بعد از اوست و پهلوی مقام رسولﷺ است، پس می‌نشینی نزد آن ستون در آن شب و آن روز، و روزه می‌داری در روز پنجشنبه، پس می‌روی به نزد ستونی که متّصل به مقام پیغمبرﷺ است در شب جمعه و در آن شب و روز آن‌جا نماز می‌گذاری، و روز جمعه را روزه می‌داری، و اگر توانی در این سه روز سخن مگو مگر به قدر ضرورت، و از مسجد بیرون مرو مگر از برای حاجتی و در شب و روز خواب مکن، به درستی که این عمل فضیلت عظیم دارد، پس روز جمعه حمد و ثنای الهی بجا آور و صلوات بر رسول خدا و آلشﷺ بفرست و حاجت خود را سؤال کن، و باید که این دعا [را] بخوانی:

اَللّهُمَّ ما كانَتْ لي اِلَيْكَ مِنْ حاجَةٍ شَرَعْتُ اَنَا في طَلَبِها وَالْتِماسِها اَوْ لَمْ اَشْرَعْ، سَاَلْتُكَها اَوْ لَمْ اَسْاَلْكَها، فَاِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ في قَضاءِ حَوائِجي، صَغيرِها وَكَبيرِها.

اگر چنین کنی سزاوار است که حاجتت برآورده شود».

زیارت جناب حمزه و شهدای اُحد

امر دوّم: از تکالیف زوّار در مدینه رفتن به سوی اُحد و زیارت کردن جناب حمزه علیه السلام عمّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر شهدای اُحد است. همین که از زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و زیارت ائمّهٔ بقیع علیهم السلام فارغ شدی برو به سوی اُحد، که در یک فرسخی مدینه است، همین که آن‌جا رسیدی زیارت کن حضرت حمزه علیه السلام را و در زیارت او بگو آنچه را که از ائمه علیهم السلام رسیده:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمَّ رَسُولِ اللّهِ وَخَيْرَ الشُّهَداءِ ◆ السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَسَدَ اللّهِ وَاَسَدَ رَسُولِهِ ◆ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جاهَدْتَ فِي اللّهِ ◆ وَنَصَحْتَ لِرَسُولِ اللّهِ ◆ وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ وَطَلَبْتَ ما عِنْدَ اللّهِ ◆ وَرَغِبْتَ فيما وَعَدَ اللّهُ.

پس در روایت دارد که داخل شو و نماز بکن و در وقت نماز رو به قبر مکن، و چون از نماز فارغ شوی خود را بر روی قبر بینداز و بگو:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ ◆ اَللّهُمَّ اِنّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُوقي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ ◆ لِتُجيرَني مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ ◆ وَمِنَ الزَّلَلِ[1] في يَوْمٍ تَكْثُرُ فيهِ الْعَبَراتُ[2] وَالْاَصواتُ ◆ وَتَشْتَغِلُ كُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ ◆ وَتُجادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِها ◆ فَاِنْ تَرْحَمْني الْيَوْمَ فَلا خَوْفٌ عَلَيَّ وَلا حُزْنٌ ◆ وَاِنْ تُعاقِبْ فَمَوْلايَ لَهُ الْقُدْرَةُ عَلىٰ عَبْدِهِ ◆ اَللّهُمَّ فَلا تُخَيِّبْنِي الْيَوْمَ ◆ وَلا تَصْرِفْني بِغَيْرِ حاجَتي ◆ فَقَدْ لَزِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ ◆ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ ◆ اِبْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَرَجاءَ رَحْمَتِكَ ◆ فَتَقَبَّلْ مِنّي ◆ وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلي ◆ وَبِرَأْفَتِكَ عَلىٰ جِنايَةِ نَفْسي ◆ فَقَدْ عَظُمَ جُرْمي ◆ وَما اَخافُ اَنْ تَظْلِمَني وَلٰكِنْ اَخافُ سُوءَ الْحِسابِ ◆ فَانْظُرِ الْيَوْمَ اِلىٰ تَقَلُّبي عَلىٰ قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ ◆ صَلَواتُكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ ◆ فَبِهِمْ فُكَّني وَلا تُخَيِّبْ سَعْيي ◆ وَلا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهالي ◆ وَلا

---

۱. الْاَزلالِ خ ل.

۲. الْعَثَراتُ خ ل.

يَحْجُبُ عَنْكَ صَوْتي * وَلا تَقْلِبْني بِغَيْرِ قَضاءِ حَوائِجي * يا غِياثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ * يا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرانِ الْغَريبِ الْغَريقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ * صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ * وَانْظُرْ اِلَيَّ نَظْرَةً لا اَشْقى بَعْدَها اَبَداً * وَارْحَمْ تَضَرُّعي وَغُرْبَتي وَانْفِرادي * فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاكَ * وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذي لا يُعْطيهِ اَحَدٌ سِواكَ * وَلا تَرُدَّ اَمَلي.

سلام نزد قبرهای شهدای اُحد

و در روایت عقبه از حضرت صادق (ع) مذکور است که چون از نماز کردن در مسجد «فضیخ» فارغ شوی برو به جانب کوه اُحد و ابتدا کن به مسجدی که در پایین سنگستان است، و در آن نماز بکن. پس برو به سوی قبر حمزة بن عبد المطلب (ع) و سلام کن بر او. پس برو به سوی قبرهای شهدا، و بایست نزد آن قبرها و بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ الدِّيارِ * اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَاِنّا بِكُمْ لاحِقُونَ.

بدان که شیخ مفید و سیّد و شهید (ره) زیارت مبسوطی از برای حمزه سیّد الشّهداء (ع) و سایر شهدای اُحد نقل کرده‌اند، و بعد از زیارت شهدا گفته‌اند که بخوان سورهٔ «اِنّا أنزلناه» را هر قدر که ممکنت باشد، و از برای هر مزوری دو رکعت نماز زیارت کن. و حقیر چون بنابر اختصار داشتم به آن چه در حدیث رسیده بود اکتفا کردم. و اگر شهدای اُحد در روز شهادتشان زیارت شوند بسیار مناسب است، و روز شهادت ایشان یا نیمه یا هفدهم شوّال است. پس در آن مسجد نماز بکن که از آن موضع رسول خدا (ص) بیرون رفت به سوی اُحد در وقتی که با کفّار مکّه جنگ کرد، پس در آن‌جا نماز کرد و به جنگ رفت. پس باز گرد و نماز کن نزد قبر شهدا آنچه خدا برای تو مقرّر کرده باشد[1]... الخ.

و نیز در روایت *کامل الزیارة* است که آن حضرت فرمودند که: به ما رسیده است که پیغمبر (ص) چون نزد قبور شهدا می‌آید می‌گفت: «اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ».

وثقة الاسلام در *کافی* به سند صحیح از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: شنیدم که حضرت

---

۱. این عبارت ترجمه این فقره از روایت است «فتصلّي عند قبور الشّهداء ما كتب الله لك» و احتمال نیز می‌رود که مراد «صلاة مکتوبه» یعنی نماز واجب یومیّه باشد ولکن معنی متن أنسب است، چنانچه علامه مجلسی (ره) فهمیده‌اند. (منه (ره)).

صادق﷤ می‌فرمود که: «حضرت فاطمه بعد از رسول خدا﷌، هفتاد و پنج روز در دنیا زندگانی فرمود و در این مدّت هیچ کس آن مظلومه را خندان ندید، و در هر هفته روز دوشنبه و روز پنجشنبه می‌رفت به سوی قبور شهدای اُحد و می‌فرمود: در این‌جا بود مکان رسول خدا﷌ و این‌جا بود مکان مشرکین».

و در روایت دیگر: «حضرت فاطمه﷝ در آن‌جا نماز می‌خواند و دعا می‌کرد و پیوسته چنین بود کار آن حضرت تا از دنیا رحلت فرمود».

مؤلّف گوید که: علمای تاریخ مدینه گفته‌اند که عبد الله بن جحش که خواهر زادهٔ حمزه﷜ است نیز در بقعهٔ او مدفون است، و مادر خلیفه الناصر لدین اللّه در سال پانصد و هفتاد قبّه‌ای عالیه بر قبر آن‌ها بنا کرد. و گفته‌اند که در سمت قبله چسبیده به کوه احد مسجدی است که بنیانش منهدم شده، گفته شده که حضرت رسول﷌ در آن‌جا نماز ظهر و عصر را بجا آورد. و نیز در جهت قبلهٔ این مسجد موضعی است سوراخ در کوه به قدر سر آدمی، گفته شده که آن حضرت نشسته‌اند بر روی سنگی که در زیر او واقع است. و هم‌چنین در شمالِ مسجد غاری است در کوه که عوام النّاس می‌گویند پیغمبر داخل آن شده، و این مطلب صحّتی ندارد زیرا که چنین چیزی نقل نشده. و نیز گفته‌اند که باید زیارت کرد خود کوه اُحد را، و در اخبار بسیاری از آن‌ها مذکور است که فرمودند: «اُحد کوهی است که دوست می‌دارد ما را، و ما نیز او را».

و سمهودی شافعی در *خلاصة الوفا* روایت کرده از جابر که گفت که: حضرت موسی و هارون﷩ حج کردند، پس گذشتند به مدینهٔ طیّبه، از یهود آن‌جا خوف کرده مخفیّاً به سمت احد رفتند. همین که آن‌جا رسیدند حالت موت در حضرت هارون﷤ ظاهر شد. پس جناب موسی﷤ از برای او قبری حفر کرد و هارون داخل آن قبر شد و رحلت فرمود، پس جناب موسی خاک بر روی او ریخت و او را در آن‌جا دفن کرد. و شیخ جلیل علیّ بن ابراهیم قمّی﵀ در تفسیر خود از حضرت باقر﷤ روایت کرده که آن حضرت فرمود که: «موسی و هارون﷩ هر دو در تیه [و بیابان] رحلت نمودند و وفات هارون پیش از موسی﷤ بوده».

امر سوّم: از تکالیف زوّار در مدینه، رفتن به مساجد و اماکن مشرّفه آن‌جا است.

بدان که اماکن شریفه چند است در مدینه که اتیان [و رفتن] به آن‌ها و عبادت در آن‌ها مطلوب است.

اوّل: مسجد قبا است که گاهی تعبیر از آن به مسجد ذی القبلتین شده، وآن اوّل مسجدی است که رسول خداﷺ در آن نماز کردند بعد از هجرت از مکّه معظّمه به مدینه. و این مسجد مشهور است و بسیار شرافت دارد و اخبار کثیره در فضیلت او وارد شده از طریق شیعه و سنّی. و ابن قولویه از حضرت رسولﷺ روایت کرده که فرمود: «هرکه بیاید به سوی مسجد من، مسجد قبا، و دو رکعت در آن نماز بگذارد، برگردد با ثواب عمره». و به اسناد معتبر از معاویه بن عمّار منقول است که حضرت صادقؑ فرمود که: «ترک مکن رفتن به مشاهد مدینه را که یکی از آن‌ها مسجد قبا است و حق تعالی در شأن این مسجد فرستاده است این آیه را ﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾[1]».

دوّم: مشربهٔ اُمّ ابراهیم است، یعنی غرفهٔ مادر حضرت ابراهیمؑ فرزند رسول خداﷺ که رفتن به آن‌جا و عبادت و نماز در آن بسیار مرغوب و مندوب است. و شیخ جلیل جعفر بن قولویه به سند معتبر از عقبه روایت کرده که از حضرت صادقؑ سؤال نمودم که: من می‌روم به سوی مساجدی که در دور مدینه است به کدام ابتدا کنم؟ فرمود که: «ابتدا کن به مسجد قبا، پس بسیار نماز کن در آن، که آن اوّل مسجدی است که حضرت رسولﷺ در این عرصه در آن نماز کرده، پس برو به غرفهٔ مادر ابراهیم پس نماز کن در آن، که آن مسکن و محلّ نماز رسول خداﷺ بوده است...» الخ.

مؤلّف گوید که: در چند سال قبل که به مدینه طیّبه مشرّف شدم به جهت عتبه بوسی حضرت رسول خدا و فاطمهٔ زهرا و ائمهٔ بقیع ـصلوات الله علیهم اجمعین‌ـ چون وقت حج ضیق بود[2] لهذا مکث چندان در آن بلد شریف ننمودیم، به علاوه آن‌که حالم هم [مساعد] نبود و مساعدی هم نداشتم. از این جهت از فیض این امکنهٔ مشرّفه محروم ماندم و از حق تعالی سؤال می‌کنم مرتبهٔ دیگر را تا تدارک کنم. و بالجمله چون بصیرتی به این امکنه نداشتم به اجمال خویش آن‌ها را باقی گذاشتم. لکن جناب آقا سیّد محمّد باقر حجّة الاسلامؒ در مناسک حجّ خود فرموده: و امّا مشربهٔ اُمّ ابراهیم در این زمان معروف نیست. حقیر با جمعی از حاجّ که همراه بودند سعی بسیار کردیم، تا در میان نخلستان به دو مسجد خرابه رسیدیم. بعضی از اهالی آن‌جا گفتند که این مشربهٔ اُمّ ابراهیم است و در هر دو مسجد نماز کردیم.

---

۱. مضمون آیه شریفه که در سورهٔ برائت است آن‌که هر آینه مسجدی که بنا شده است بر پرهیزکاری در روز اول که مسجد قبا باشد سزاوارتر است به این‌که در آن بایستی به نماز و عبادت از مسجدی که منافقان به مکر و حیله بنا کرده‌اند. (منه رحمه الله).

۲. ضیق: تنگ، وقت کم بود.

سوّم: مسجد «فضیخ» است، به ضاد و خاء نقطه دار؛ و وجه تسمیهٔ این مسجد به خدمت معصومﷺ سؤال کرده شد، فرمودند: «چون که نخلی که در آن هست مسمّی به فضیخ است به این سبب این مسجد را فضیخ می‌نامند». و این مسجد قریب به مسجد قبا است و او را مسجد «ردّالشمس» نیز می‌گویند. و ما در باب به زیارت کاظمینﷺ اشاره به این مسجد نمودیم. و در ذیل روایت عقبه که سابق ذکر شد، مذکور است که حضرت صادقﷺ فرمود: «پس برو به مسجد فضیخ و دو رکعت نماز بکن که پیغمبرﷺ در آن نماز کرده است».

و شیخ کلینی به سند معتبر از عمّار ساباطی روایت کرده است گفت: با حضرت صادقﷺ رفتیم به سوی مسجد فضیخ، فرمود که: «ای عمّار می‌بینی این گودال را؟». عرض کردم: بلی. فرمود که: «اسماء زن جعفر بن ابی طالبﷺ که بعد از جعفر، امیر المؤمنینﷺ او را خواست و تزویج نمود، روزی در این موضع نشسته بود با دو پسرش که از جعفر داشت. پس گریست. پسرهایش از او پرسیدند که: چه چیز تو را به گریه در آورد ای مادر؟ گفت: گریستم از برای امیر المؤمنینﷺ. گفتند: از برای امیر المؤمنین گریه می‌کنی و برای جعفر پدر ما گریه نمی‌کنی؟ گفت: نه چنین است که از برای موت امیر المؤمنینﷺ گریه‌ام باشد، بلکه یاد آوردم حدیثی را که امیر المؤمنینﷺ در این مکان برای من نقل فرمود. و به این سبب گریستم. گفتند: آن حدیث چیست؟ گفت: روزی با آن حضرت در این مسجد نشسته بودم، فرمود که: می‌بینی این گودال را؟ گفتم: بلی. فرمود که: من با رسول خداﷺ در این موضع نشسته بودیم. ناگاه سر مبارک خود را در دامن من گذاشت و به خواب تشریف برد تا وقت نماز عصر شد، نخواستم که سر مبارک آن حضرت را از دامنم کنار کنم و به نماز برخیزم که مبادا آزار آن حضرت باشد. تا آن‌که وقت بیرون رفت و نماز من فوت شد، پس حضرت رسولﷺ از خواب بیدار شد و فرمود که: یا علی نماز کرده‌ای؟ عرض کردم: نه. فرمود: چرا؟ گفتم: نخواستم شما را آزار کنم. پس برخاست و رو به قبله کرد و دستها را بلند نمود و گفت: خداوندا برگردان آفتاب را به وقت نماز تا علی نماز کند. پس آفتاب برگشت به وقت نماز عصر تا من نماز کردم، پس به نهایت سرعت مانند شهاب فرو رفت».

چهارم: مسجد «فتح» است که مسجد احزاب نیز می‌گویند. و در روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادقﷺ مذکور است که «از چیزهایی که باید بگویی در مسجد فتح این دعا است:

يا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، اكْشِفْ عَنِّي هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ

فِي هٰذَا الْمَكَانِ[1]».

پنجم: رفتن به عُرَیض یک فرسخی مدینه است، به جهت زیارت سیّد جلیل القدر جناب علیّ بن جعفر عُرَیضی که فرزند بلا واسطهٔ حضرت صادق‌ﷺ است که جلالت مقام و عظمت شأن آن والامقام بالاتر از آن است که بیان شود. و در بلد قم اگر چه مزار آن جناب نیز معروف است لکن مظنون همین است. و ما إن شاء اللّه در باب زیارت امام زادگان [در صفحه ۴۴۲] اشاره به این مقام نماییم به آن‌جا رجوع شود.

در بیان مکانهای مشرّفهٔ مدینه

بدان که مکان‌های دیگر است در مدینه و اطراف آن‌که اتیان [و رفتن] به آن‌ها نیز مرغوب و نماز در آن‌جاها مطلوب است. اگر زائر متمکّن شد از اتیان به آن‌ها از فیض آن خود را محروم ننماید. و در *فقه الرّضا*ﷺ مذکور است که چون از اعمال مسجد فارغ شوی برو به نزد قبور ائمّه بقیع و برو به مسجد حضرت فاطمه‌ﷺ و دو رکعت نماز بگذار. شاید مراد از مسجد فاطمه‌ﷺ بیت الاحزان آن حضرت باشد که در بقیع است. و زیارت کن قبر حمزه و سایر شهدای اُحد را، و برو به مسجد فتح و مسجد قبا و مسجد سقیا که در آن‌ها فضیلت بسیار هست، و مسجد خلوت و خانهٔ امیر المؤمنین‌ﷺ و خانهٔ امام جعفر صادق‌ﷺ که در مسجد است و دو رکعت نماز در آن‌جا بکن. و شیخ محمّد بن المشهدی‌ﷺ فرموده است که: مستحبّ است نماز کند در خانهٔ حضرت امام زین العابدین‌ﷺ و خانهٔ امام جعفر صادق‌ﷺ و مسجد سلمان فارسی و مسجد امیر المؤمنین‌ﷺ که مُحاذی قبر حمزه است و مسجد مباهله. پس نماز کند در این موضع آن‌قدر که تواند و دعا کند به آنچه می‌خواهد. و من دعای این‌جا را در کتاب *بُغیة الطّالب* ذکر نمودم، انتهی.

و علّامهٔ مجلسی‌ﷺ در *بحار* و *تحفه* فرموده: و مستحبّ است زیارت جعفر بن ابی طالب‌ﷺ در موته، و زیارت شهدای بدر در بدر، و زیارت جناب ابوذرّ در رَبَذه که نزدیک به صفراء است از جانب راستِ راه، نسبت به کسی که از مکّه به مدینه رود.

---

۱. شیخ محمّد بن المشهدی گفته که: در این مسجد دو رکعت نماز قربةً إلی اللّه بجا آورد و این دعا بخواند: «یا صَریخ المَکروبین... تا: فُلّ عَدوّی»، و عوض «في هذا المکان» گفته: «و اکفني ما أهَمّني من أمر الدنیا و الآخرة یا أرحم الراحمین». (منهﷺ).

و شیخ شهید؛ در کتاب ذکری فرموده که: از جملهٔ مساجد شریفه مسجد غدیر است[1] که نزدیک به جحفه است. و آن مسجد در این زمان اثرش ظاهر و دیوارهایش باقی است و این مسجد مشهور است و غالباً کسی که از این راه به مکّه می‌رود این مسجد در آن [مسیر] است.

بدان که این مسجد شریف که در راه مکّه واقع است باعث ابتلای نواصب بوده به شدّت غیظ و غضب، و اقتحام مهاوی عطب و شجب، و موجب انسداد ابواب سرور، و سبب ارتعاد فرائص و اضطرام صدور، لهذا بعضی طاقت نیاورده نار نصب و عناد در کانون سینه‌اش مشتعل گشته، حدیث غدیر را کذب عظیم شمرده و در قصیدهٔ سراسر خسارت خود به بانگ بی‌هنگام سرائیده:

ثمّ مررنا بغدیرِ خُمّ...

کم قـائل فـیه بـزورٍ جَمّ   علی عـليٍّ والنّـبيّ الأُمّـيّ

و بحمد اللّه تعالی ابن جریر تشمیر ذیل فرموده و ظهر [و کمر] این ناصب معاند را شکسته، کتابی در طرق حدیث غدیر تصنیف فرموده چنانچه در *فیض القدیر* به تفصیل ذکر نموده‌ام. و نواصب به این مقدار اکتفا نکردند، آخر الامر از جهت اخفای فضیلت و نصّ بر امامت امیرالمؤمنین؛ این راه را گردانیدند و مسجد بر سر راه ایشان نیست، بلکه نزدیک است به راه و جحفه همان جایی است که در این زمان آن را «رابغ» گویند، و روایت کرده حسّان جمّال که گفت: حضرت صادق؛ را حمل نمودم که از مدینه به مکّه ببرم همین که بـه مسجد غـدیر رسیدیم حضرت نظری افکند به جانب چپ مسجد پس فرمود که: «این جای قدم رسول خدا؛ است در وقتی که می‌فرمود: **مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ، اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ**». پس آن حضرت به جانب دیگر مسجد نظر فرمود، و فرمود که: «این موضع خیمهٔ ابو فلان و فلان، و سالم مولای ابی حذیفه و ابو عبیدهٔ ابن الجرّاح است، در وقتی که دیدند کـه حـضرت رسول؛ دست خود را بلند کرده است، بعضی از ایشان گفتند که ببینید چشمهایش را که می‌گردد، گویا که دیده‌های مجنون است، پس جبرئیل؛ نازل شد و آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا**﴾ را آورد».

---

۱. مسجد غدیر را وهابی‌ها به صورت کامل نابود کرده‌اند و یافتن آثار و بازماندهٔ آن امروزه ناممکن است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: قطره‌ای از دریای غدیر، فصل جغرافیایی غدیر، از مؤسسه جهانی سبطین؛.

خاتمه

در مختصری از تکالیف حاجّ در مکّهٔ معظّمه زادها اللّه شرفاً

بدان که تفصیل این مقام از وظایف کُتبی است که در مناسک حج نوشته می‌شود نه مثل این رساله. لکن چون حقیر مأمورم که فی الجمله اشارتی کنم در این رساله به آنچه مقامات مشرّفه که در بلاد شریفه و طرق زائرین و حاجّ است، و هم‌چنین نقل کنم قبور اعاظم و زیارت آن‌ها را، و چون در مکّهٔ معظّمه واقع است از امثال این‌ها، لهذا مختصراً ذکر می‌کنم، پس گویم که از جملهٔ تکالیف حاجّ در مکّهٔ معظّمه مشرف شدن به زیارت حضرت ابو طالب و عبد المطّلب و عبد مناف و خدیجه ـ رضوان اللّه علیهم ـ است و عظمت شأن و جلالت این بزرگواران زیاده از آن است که ذکر شود، و اجماع شیعه منعقد است بر طهارت ایشان از دنس شرک و کفر، و خدمات جناب عبدالمطّلب و ابوطالب علیهما السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و حفظ و حراست آن‌ها از آن جناب به خصوص جناب ابوطالب علیه السلام در اخبار بسیار مذکور است، حتّی آن‌که وارد شده که جناب ابوطالب علیه السلام مَثَلش مثلِ اصحاب کهف بوده که در باطن ایمان آورده بود و اظهار شرک می‌نمود به جهت آن‌که متمکن باشد از حفظ و حراست رسول خدا صلی الله علیه و آله از شرّ کفّار مکّه؛ و لهذا حق تعالی اجر او را مضاعف فرموده.

و سیّد فخّار موسوی، استاد محقق حلّی رحمه الله در کتاب *حجّة الذّاهب* از حضرت باقر العلوم علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود که: «اگر ایمان ابو طالب گذاشته شود در کفّه ترازو و ایمان این خلق در کفّه دیگرش هر آینه ایمان ابو طالب بچربد بر ایمان آن‌ها.» و فرمود که: «آیا نمی‌دانید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات خود نایب می‌گرفت که حج کند از برای عبداللّه و آمنه و ابوطالب علیهم السلام، و در وصیّت خود هم این مطلب را وصیّت فرمود که بعد از او نایب از برای حج برای آن‌ها بگیرند». و ابن ابی الحدید نیز این حدیث را نقل نموده، و کافی است در این مقام آنچه نقل شده که بعد از فوت ابو طالب جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار محزون شد و شکایت حزن و همّ خود را به حضرت جبرئیل اظهار فرمود و وحی از جانب حق تعالی رسید که بیرون رو از قریه‌ای که اهل آن ظالمند و معینی و ناصری به جهت تو بعد از ابو طالب در آن بلد نمی‌باشد، و خدمات

حضرت خدیجه نسبت به آن حضرت و نصرت او در دین هم مشهورتر از آن است که گفته شود و جناب رسول خدا ﷺ احترام او را منظور می‌داشتند. و تمام اولاد آن حضرت غیر از ابراهیم ﷺ که از ماریهٔ قبطیّه است، باقی دیگر از حضرت خدیجه بوده، و نقل شده که تا خدیجه در دنیا بود، حضرت زن دیگر تزویج نفرمودند. و بعضی گفته‌اند که موت حضرت خدیجه ﷺ قبل از وفات جناب ابو طالب ﷺ بوده به سه روز. و قبور این بزرگواران در سمت راه منی در نزدیکی ابطح است، و ما بین قبر خدیجه و آن‌ها فی الجمله مسافتی است، و از برای آن‌ها علما زیارتی نقل نکرده‌اند.

علّامهٔ مجلسی ﷺ در *بحار* فرموده که: نمی‌دانم به چه سبب علما از برای این بزرگواران در کتب خود زیارت نقل نفرموده‌اند با آن‌که قبورشان در مکّه در نزدیکی ابطح معروف و جلالت شأن و فضل و کمال آن‌ها نزد شیعه مشهور و معلوم است. بعد می‌فرماید که: ذکر نکردن زیارت برای این‌ها از جهت تقیّه از مخالفین بوده. وفرموده که: مستحبّ است زیارتشان به خصوص در ایّام مختصّه به ایشان، مثل بیست و ششم ماه رجب که روز وفات ابوطالب ﷺ است؛ و دهم ماه ربیع الأوّل که روز وفات عبد المطّلب ﷺ است؛ و هفدهم محرّم که روز هلاک اصحاب فیل و ظهور کرامت عبد المطّلب ﷺ است؛ و روز تزویج خدیجه که پیش [از این] مذکور شد، انتهی.

مؤلّف گوید که: در مقابل بقعهٔ جناب خدیجه ﷺ به فاصلهٔ کمی بقعهٔ دیگری است با ضریح و بنای رفیع و اهل مکّه آن را نسبت به جناب آمنه ﷺ والدهٔ مکرّمهٔ حضرت رسول ﷺ می‌دهند. و حقیر در ایّام تشرّفم به بیت الله الحرام گاهی که مشرّف می‌شدم به زیارت این بزرگواران می‌دیدم که مزور آن‌جا، باسم جناب آمنه، اهل حاجّ را به آن‌جا می‌برد و برای آن‌ها زیارتی می‌خواند و دخلی کلّی از آن‌ها می‌کرد، و لکن بودن حضرت آمنه ﷺ در آن‌جا بعید است و مستندی از برای آن دیده نشده.

و علّامهٔ مجلسی ﷺ فرموده که قبر شریف آمنه و عبد الله ـ رضی الله عنهما ـ در این زمان معلوم نیست. و در *بحار* فرموده: و مطلّع نشدیم بر قبر این دو بزرگوار.

و بدان نیز آن‌که در مقابر عبد المطّلب و ابو طالب ﷺ جماعتی از بزرگان علمای شیعه و اکابر

دین مدفون‌اند که از فیض زیارت و فاتحه بر سر قبر آن‌ها نباید محروم گشت، مانند سیّد اجلّ کامل محدّث فقیه امیر زین العابدین کاشانی ـ رضوان اللّه علیه ـ که مجاورت مکّهٔ معظّمه را اختیار فرموده بود، و در آن وقعه سیلی که آمد و اساس کعبه شریفه را متهدم کرد، همین جناب اساس آن را بنا نهاد به تفصیلی که علما ذکر فرموده‌اند. و خود آن جناب دو رساله در این باب تألیف فرموده، یکی عربی و دیگری فارسی و اسم رساله *مفرحة الأنام فی تأسیس بیت اللّه الحرام* است. طالبین قضیّه رجوع به آن‌جا نمایند. و این سیّد را در آخر امر اهل سنّت شهید کردند و مدفون شد در همان قبری که خود در حال حیات مهیّا فرموده در مقابر ابی‌طالب و عبدالمطّلب نزد قبر استاد خود جناب المولی محمّد امین استرآبادی. و مانند عالم جلیل و محدّث و فقیه بی بدیل جناب شیخ محمّد سبط شهید ثانی رحمه الله ، و مانند فاضل ماهر خبیر و عالم کامل محقّق مولانا میرزا محمّد استرآبادی که تمام در نزدیکی هم مدفون‌اند و غیر ایشان ـ رضوان اللّه علیهم ـ که فعلاً مستحضر نیستم.

و از جملهٔ تکالیف حاجّ در مکّهٔ معظّمه مشرّف شدن به مکان‌هایی است که به شرف تولّد حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن‌جا یا سکنای آن بزرگوار در آن مشرف گردیده مراعات کند نماز و دعای در آن‌جاها را، و از فیض آن امکنه خود را محروم ننماید، و حدیث مطلقی در تعظیم مساکن و مشاهد شریفهٔ ایشان وارد شده است، و آن مواضع چند است:

اوّل: موضع تولّد آن سرور عالم و فخر کاینات حضرت رسالت مآب صلی الله علیه و آله است. نقل شده که آن جناب تولّد شریفش در خانه‌ای شد که آن خانه حسب الارث منتقل به آن حضرت شده بود. و آن جناب آن خانه را بخشیدند به عقیل بن ابی‌طالب. و آن خانه در تصرّف عقیل بود و بعد از فوت او منتقل شد به اولاد او و ایشان فروختند آن خانه را به محمّد بن یوسف که برادر حجّاج معروف است. و محمّد آن خانه را داخل قصر خود نمود و چنین بود تا دولت بنی امیّه منقرض شد. و چون مادر هارون الرّشید به مکّه مشرّف شد، آن خانه را از قصر بیرون کرد و در آن مسجدی ساخت.

دوّم: مشرّف شدن به خانهٔ خدیجه زوجهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله است. و این خانه در همان سمت است که موضع تولّد جناب رسول صلی الله علیه و آله است واقع است، و این نزدیک‌تر است به بازار مکّه. و در آن

خانه موضعی است گویند محراب عبادت رسول خدا ﷺ بوده. و موضعی دیگر هست بعضی گویند موضع تولد حسنین ﷺ است، و این توهّم محض است چه ولادت با سعادت آن دو قدوهٔ ارباب سعادت در مدینهٔ متبرّکه بوده، شاید این موضع مکان تولّد شریف حضرت سیّدة النّساء ـ علیها آلاف التّحیة والثّناء ـ بوده، چه تولّد آن معصومه در سال پنجم از بعثت فخر عالم در مکّهٔ معظّمه بوده.

سوّم: مشرّف شدن به غاری است که در جبل حرا واقع است، و آن موضعی است که جناب رسول ﷺ در اوایل نزول وحی در آن‌جا مشغول عبادت بودند، مناسب است که در آن مکان مشغول به مناجات با قاضی الحاجات شود.

چهارم: مشرّف شدن به غاری است که در جبل ثور واقع است، و آن غاری است که حضرت رسول ﷺ از ترس مشرکین در آن مخفی شدند. و غیر این مواضع از مکان‌های دیگر چون مسجد ارقم و غیره که مقام را گنجایش بسط نیست.

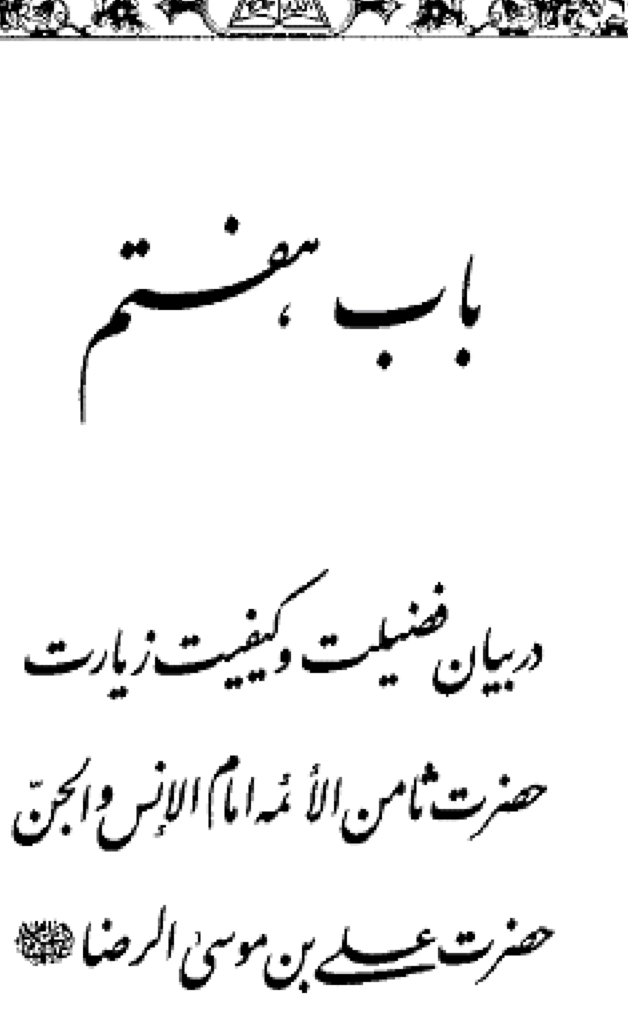
و از جملهٔ تکالیف حاجّ در مکّهٔ معظّمه ختم نمودن قرآن است. و وارد شده کسی که ختم قرآن در مکّه نماید نمیرد تا آن‌که ببیند جناب رسول ﷺ را، و منزل خود را در بهشت. و مناسب آن است که بنشیند نزدیک خانهٔ کعبه، ما بین رکن یمانی و حجر الأسود، زیرا که وارد شده که هفتاد پیغمبر در آن‌جا مدفون می‌باشند. و در آن‌جا مشغول تلاوت شود یا ما بین حجر الأسود و مقام حضرت ابراهیم ﷺ یا در حجر اسماعیل که مدفن آن حضرت و هاجر مادر اوست.

و در روایت بزنطی که در آخر *سرائر* است که اسماعیل مادر خود را در حجر دفن کرد و نخواست که قبرش پامال شود لهذا این دیوار را دور آن کشید. و در آن‌جا قبرهای [بسیاری از] پیغمبران است، یا در قرب مستجار هر یک از این مواضع که اختیار نماید خوب است، و اگر جمع ما بین همه نماید شاید اکمل بوده باشد. و هم چنین نماز کردن در این مواضع شریفه که وارد شده که نماز در مسجد الحرام مقابل هزار هزار نماز است که در جای دیگر شود. و معلوم است که نماز در این امکنه به خصوص در حطیم که افضل مکانهای مسجد است، چنانچه در خبر *ثواب الاعمال* است افضل است، و هم‌چنین ثواب ذکر نمودن در مسجد الحرام و بخصوص در این امکنهٔ شریفه از

حدّ و نهایت بیرون است.

از جناب علیّ بن الحسین ﷺ وارد است که یک تسبیح در مکّه افضل است از خراج عراقین که انفاق شود در رضای جناب باری تعالی، و هم‌چنین نگاه کردن به خانهٔ کعبه و استلام ارکان و حجر الأسود فضیلت بسیار دارد.

و چون معرفت این مواضع و ارکان مناسب است، گوییم مراد از مقام ابراهیم ﷺ آن سنگی است که حضرت ابراهیم ﷺ بر آن ایستاده و بنای کعبه می‌نمود، و در بعض اخبار است که بر روی آن نیز ایستاد و مردم را به آمدن به خانهٔ خدا ندا فرمود. و بر آن سنگ اثر قدم شریف آن حضرت می‌باشد، و در عصر حضرت ابراهیم ﷺ در جنب خانه بود، و در ایّام جاهلیّت آن سنگ را نقل نمودند، در مکانی که فعلاً واقع است، و در ایّام رسالت جناب پیغمبر آخر الزّمان ـ صلوات الله علیه و آله ـ آن سنگ را نقل نمودند در مکان اصلی خود قرار دادند و در آن مکان بود تا مجموع ایّام رسالت جناب رسول خدا ﷺ، و مجموع ایام خلافت مرد اوّلی و در بعضی از زمان خلافت دوّمی چنین تا آن‌که دوّمی صلاح دانست که ردّ شود به مکانی که در ایّام جاهلیّت بود. لهذا به امر او، آن سنگ شریف را نقل کردند و در آن‌جا گذاردند که الحال واقع است. و حطیم ما بین حجر الاسود و دَرِ خانهٔ کعبه است. و مستجار آن موضعی است که مقابل باب کعبه واقع است. از طرف دیگر قریب به رکن یمانی و رکن عراقی رکنی است که حجر الاسود در آن منصوب است، و بعد از آن‌که گذشت آن رکنی که متّصل است به اوّل حجر اسماعیل رکن شامی است، و بعد از آن که منتهی الیه حجر است، رکن مغربی است و از آن‌که گذشت منتهی می‌شود به رکن چهارم که رکن یمانی است، و افضل ارکان رکن عراقی و یمانی است. و چون تفاصیل این مقام از وظیفهٔ این کتاب نیست به همین قدر اکتفا می‌نماییم.



و در آن سه فصل است





فصل اوّل

در بیان فضیلت زیارت امام رضا

بدان که احادیثی که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده زیاده از آن است که در این مختصر توان ذکر نمود، و احادیث بسیار رسیده که حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و حضرت صادق و حضرت امام موسی و دیگر آباء آن حضرت حتّی خود آن بزرگوار خبر از شهادت او داده‌اند، و اشاره به غربت و مظلومیّت آن حضرت و ثواب زیارتش نموده‌اند، و ما به جهت تبرّک و تیمّن به ذکر چند حدیث اکتفا می‌نماییم.

شیخ صدوق در *امالی* و *عیون* روایت کرده به سند معتبر که رسول‌خدا فرمودند: «زود باشد که پاره‌ای از تن من در زمین خراسان مدفون گردد، و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آن‌که حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش را بر آتش جهنّم حرام کند». و در کتاب عیون به سند معتبر از ابو الصّلت هروی روایت کرده که گفت: در خدمت حضرت امام رضا بودم که جمعی از اهل قم به خدمت آن حضرت آمدند و سلام کردند. پس ایشان را جواب سلام فرمود و نزدیک خود طلبید و فرمود: «مرحبا، خوش آمدید شما شیعیان مایید به حقیقت و راستی، و خواهد آمد بر شما زمانی که در آن زمان به زیارت تربت من بیایید در طوس. هرکه مرا زیارت کند و با غسل باشد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده باشد». و نیز در عیون از جناب عبد العظیم حسنی روایت کرده که گفت: شنیدم که حضرت امام علیّ النّقی فرمود که: «اهل قم و اهل آبه گناهانشان آمرزیده است به جهت زیارت کردن ایشان جدّم حضرت رضا را» و فرمود: «آگاه باش هرکه زیارت کند آن حضرت را و در راه زیارت آن حضرت یک قطره بارشی از آسمان بر بدنش بچکد، حق تعالی حرام کند جسدش را بر آتش».

مؤلّف گوید که: ذکر اهل قم و اهل آبه در این حدیث از جهت تشیّع آن‌ها است قدیماً، امّا اهل قم که معلوم است حالشان در تشیّع و تصلّب در شیعه‌گی و امّا اهل آبه نیز چنان بوده‌اند.

علّامهٔ بحر العلوم در کتاب *رجال* در حال شیخ یوسف آبی تلمیذ محقّق و شارح نافع فرموده که: اهل آبه از زمان قدیم تا حال شیعه بوده‌اند و در مذهب خود متصلّب و متعصّب بودند و همیشه در آن‌ها بوده اهل علم و ادب به خلاف ساوه، و لهذا بین این دو قریه منافرت و عداوت مذهبی بوده، و به همین مطلب اشاره کرده قاضی ابو الطّیّب:

وَقـائِلَةٍ أتُبغِضُ أهـلَ آبَـه	وَهُـمْ أعْـلامُ نَـظْمٍ وَالْكِتابَه
فَقُلْتُ: إلَيكِ عَـنّي إنَّ مِـثْلي	يُعادي كُلَّ مَنْ عادَى الصَّحابَه

و آبه که گاهی آوه نیز گفته می‌شود، از نواحی قم طهران است و معروف است.

و نیز در *امالی* و *عیون* به سند معتبر منقول است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که: «هرکه زیارت کند قبر فرزند من علی را، او را نزد خدا ثواب هفتاد حجّ مقبول بوده باشد». راوی استبعاد کرد و گفت: هفتاد حجّ مقبول؟ حضرت فرمود که: «بلی هفتاد هزار حج». گفت: هفتاد هزار حجّ؟ فرمود که: «چه بسیار حجّی باشد که مقبول نباشد. هرکه آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن حضرت بماند، چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد». [گفت: چنان است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد؟!] فرمود: «بلی چون روز قیامت می‌شود بر عرش الهی چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان خواهند بود. امّا پیشینیان پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام اند، و امّا پسینیان پس محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام اند. پس ریسمانی می‌کشند در پای عرش، پس می‌نشینند با ما زیارت کنندگان قبرهای ائمّه، و به درستی که زیارت کنندگان قبر فرزندم علی درجهٔ ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود».

و به سند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «فرزند زادهٔ من شهید خواهد شد در زمین خراسان در شهری که آن را طوس گویند، هرکه او را در آن‌جا زیارت کند و حقّ او را شناسد، در روز قیامت دست او را بگیرم داخل بهشت گردانم هرچند از اهل کبایر باشد». راوی گفت: فدایت شوم شناختن حقّ او کدام است؟ فرمود: «آن است که بداند او امامی است که اطاعت او بر خلق واجب است و غریب و شهید است هرکه زیارت کند او را و عارف به حقّ او باشد، عطا فرماید حق تعالی به او ثواب هفتاد شهید». و در روایت دیگر: «هفتاد هزار شهید از آن‌ها که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله با حقیقت ایمان شهید شده باشد».

و به سند معتبر از خود آن حضرت منقول است که فرمود: «و اللّٰه که هیچ کس از ما نیست مگر آن‌که کشته و شهید می‌شود». پرسیدند که: چه کسی شما را خواهد کشت یابن رسول اللّٰه؟ فرمود که: «بدترین خلق خدا در زمان من، مرا به زهر خواهند کشت و مرا دفن خواهند کرد دور از یار و دیار در بلاد غربت، پس هرکه مرا در آن غربت زیارت کند بنویسد حق تعالی از برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدّیق و صد هزار حجّ و عمره کننده و صد هزار جهاد کننده، و محشور شود در روز قیامت در زمرهٔ ما، و در درجات عالیهٔ بهشت رفیق ما باشد».

و به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که گفت: خواندم نامهٔ حضرت امام رضا علیه السلام را که نوشته بود که: «برسانید به شیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حجّ». پس من این حدیث را به خدمت امام محمّد تقی علیه السلام عرض کردم و فرمود: «بلی و اللّٰه هزار هزار حج هست، از برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حقّ او را شناسد».

و به دو سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «هرکه مرا زیارت کند به این

دوری قبر، من بیایم به نزد او در سه موطن روز قیامت تا او را خلاصی بخشم از احوال آن‌ها، در وقتی‌که نامه‌های نیکو کاران در دست راست ایشان و نامه‌های بدکاران به دست چپ ایشان بدهند، و نزد صراط، و نزد ترازوی اعمال».

و در یکی از روایات است که آن حضرت فرمود: «سوگند می‌خورم به خدایی که محمّد را گرامی داشته است به پیغمبری و برگزیده است او را بر جمیع خلایق، که هرکه از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البتّه مستحقّ شود آمرزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت».

و به سند حسن منقول است که جناب عبد العظیم حسنی﷫ به حضرت امام محمّد تقی﷤ عرض کرد که: متحیّر شده‌ام میان زیارت قبر امام حسین﷤ و میان زیارت قبر پدرت در طوس پس چه می‌فرمایی؟ فرمود که: «در جای خود باش» پس داخل خانه شد و بیرون آمد و آب دیده‌های مبارکش بر رویش جاری بود پس فرمود: «زیارت کنندگان قبر امام حسین﷤ بسیارند و زیارت کنندگان قبر پدرم کم‌اند».

و در *عیون اخبار الرّضا* و *کامل الزّیارة* به سند معتبر منقول است که محمّد بن سلیمان از امام محمّد تقی﷤ پرسید که: شخصی حجّ واجب خود را کرده است به عنوان حجّ تمتّع پس به مدینه رفت و زیارت کرد حضرت رسولﷺ را، پس رفت به نجف و زیارت پدرت امیر المؤمنین﷤ کرد و حقّ او را می‌شناخت و می‌دانست که او حجّت خداست بر خلق و او درگاه خداست که از آن در به خدا باید رسید، پس سلام کرد بر آن حضرت، پس رفت به کربلا و حضرت امام حسین﷤ را زیارت کرد، پس رفت به بغداد و حضرت امام موسی کاظم﷤ را زیارت کرد، پس به شهر خود برگشت و در این وقت خدا آن‌قدر مال به او روزی کرده است که به حج می‌تواند رفت، کدام بهتر است از برای این مرد که حجّ واجب خود را کرده است که برگردد و باز حج کند، یا برود به خراسان و پدرت امام رضا﷤ را زیارت کند؟ فرمود که: «بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است، و باید که در ماه رجب باشد، و در این زمان مکنید که برما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست».

و نیز در آن دو کتاب از علیّ بن مهزیار روایت شده که گفت: به خدمت حضرت جواد﷤ عرض کردم: فدای تو شوم، زیارت امام رضا﷤ افضل است یا زیارت ابی عبد اللّه﷤؟ فرمود: «زیارت پدرم افضل است به سبب آن‌که حضرت ابی عبد اللّه﷤ را زیارت می‌کند همه کس، و پدرم را زیارت نمی‌کند مگر خواصّ از شیعه».

علّامهٔ مجلسی﷫ در ذیل این حدیث فرمود که: گویا مراد این باشد که چون فضیلت زیارت

امام حسین علیه السلام مشهور گردیده است اکثر شیعه به زیارت آن حضرت رغبت می‌کنند و فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام را کمتر شنیده‌اند و کمتر رغبت می‌کنند، پس این حکم مخصوص آن زمان خواهد بود، و بنابراین در هر عصری هر امام را کمتر زیارت کنند زیارت او افضل خواهد بود، و ممکن است که مراد این باشد که امام حسین علیه السلام را شیعه و سنّی زیارت می‌کنند و آن حضرت را به غیر از شیعه زیارت نمی‌کنند، یا آن‌که هرکه زیارت آن حضرت می‌کند با اعتقاد به امامت آن حضرت مخصوصان شیعه‌اند یعنی اثنی عشری، زیرا که هرکه اعتقاد به امامت آن حضرت دارد به همهٔ ائمه علیهم السلام اعتقاد دارد به خلاف حضرت امام حسین علیه السلام که همهٔ فرقهٔ شیعه[1] اعتقاد به امامت آن حضرت دارند.

و نیز در *تحفة الزائر* فرموده: و به سند معتبر ابن بابویه روایت کرده است که چون امام رضا علیه السلام به ده‌شرخ رسیده در وقتی که به نزد مأمون لعین می‌رفت، گفتند: یابن رسول الله ظهر شده است نماز نمی‌کنید؟ پس فرود آمد و آب طلبید، گفتند که: آب همراه نداریم، پس به دست مبارک خود زمین را کاوید، آن‌قدر آب جوشید که آن حضرت و هرکه با آن حضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقی است. و چون داخل سناباد شد پشت مبارک خود را گذاشت به کوهی که دیگ‌ها از آن می‌تراشند و فرمود که: «خداوندا نفع ببخش به این کوه، و برکت ده در هر چه، در ظرفی گذارند که از این کوه تراشند». و فرمود که از برای آن حضرت دیگ‌ها از سنگ تراشیدند و فرمود که طعام آن حضرت نپزند مگر در آن دیگ‌ها، پس از آن روز مردم دیگ‌ها و ظرف‌ها از آن تراشیدند و برکت یافتند، انتهی.

مؤلّف گوید که: در کتب معجزات به خصوص کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام تألیف شیخ صدوق رحمه الله کرامات و معجزات بسیار برای روضهٔ مقدّسهٔ رضویّه ـ علی مشرفها السّلام ـ ذکر شده که ایرادش در این مقام مناسب نیست با آن‌که در هر زمان آن‌قدر ظاهر می‌شود که کسی محتاج به نقل وقایع گذشته نیست.



فصل دوّم

در بیان کیفیّت زیارت حضرت امام رضا ـ علیه آلاف التحیّة و الثّنا ـ است

بدان که از برای آن حضرت زیارات چندی نقل شده، و زیارت مشهور آن بزرگوار زیارتی است که در کتب معتبره مذکور است و به محمّد بن الحسن بن الولید که از مشایخ جناب صدوق رحمه الله

۱. مانند: زیدی‌ها، اسماعیلی‌ها و...

است منسوب گردانیده‌اند. و از مزار ابن قولویه معلوم می‌شود که از ائمه مروی بوده باشد، و کیفیّت آن چنان است که فرموده‌اند که: چون اراده نمایی زیارت کنی امام رضا را در طوس، پس غسل کن پیش از آن‌که از خانه بیرون روی، و بگو در وقتی که غسل می‌کنی:

اللّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبي، وَاشْرَحْ لي صَدْري، وَأَجْرِ عَلىٰ لِساني مِدْحَتَكَ وَالثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، اللّهُمَّ اجْعَلْهُ لي طَهوراً وَشِفاءً.

و می‌گویی در وقت بیرون رفتن:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَإِلَى اللّهِ وَإِلَى ابْنِ رَسُولِ اللّهِ، حَسْبِيَ اللّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ، اللّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَما عِنْدَكَ أَرَدْتُ.

پس چون بیرون روی بر درِ خانهٔ خود بایست و بگو:

اللّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهي، وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلي وَمالي وَما خَوَّلْتَني، وَبِكَ وَثِقْتُ فَلا تُخَيِّبْني، يا مَنْ لا يُخَيِّبُ مَنْ أَرادَهُ، وَلا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْني بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَ.

پس هرگاه رسیدی به سلامت ـ إن شاء اللّه ـ پس هر گاه خواهی به زیارت بروی غسل بکن و بگو در وقتی که غسل می‌کنی:

اللّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبي، وَاشْرَحْ لي صَدْري، وَأَجْرِ عَلىٰ لِساني مِدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ[1] ديني التَّسْليمُ لِأَمْرِكَ وَالْاِتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَالشَّهادَةُ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ، اللّهُمَّ اجْعَلْهُ لي شِفاءً وَنُوراً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پس بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و برو با پای برهنه به آرامی و وقار و دلت به یاد خدا باشد، و «اللّهُ أَكْبَرُ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَسُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ» بگو، و گام‌های خود را کوتاه بردار، و چون داخل روضهٔ مقدّسه شوی بگو:

---

۱. قوام خ ل.

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ. وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ ﷺ. اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللّهِ.

پس برو به نزد ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبه‌روی آن حضرت بایست و بگو:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ اِحْصائِها غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طالِبٍ عَبْدِكَ وَاَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ. وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ. وَالدَّلِيلَ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِكَ. وَدَيّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ. وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ. وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَاُمِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ. الطُّهْرَةِ الطّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ. التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ. الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ. سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ وَاَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعِينَ. صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ اِحْصائِها غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ. وَسَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ. الْقائِمَيْنِ فِي خَلْقِكَ. وَالدَّلِيلَيْنِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالَتِكَ[1]. وَدَيّانَيِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصْلَيْ[2] قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ. الْقائِمِ فِي خَلْقِكَ. وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالَتِكَ[3]. وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ. وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعابِدِينَ.

---

۱. برسالاتك خ ل.
۲. فصل خ ل.
۳. برسالاتك خ ل.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ، وَخَليفَتِكَ في اَرْضِكَ، باقِرِ عِلْمِ النَّبِيّينَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ اَجْمَعينَ، الصّادِقِ الْبارِّ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَبْدِكَ الصّالِحِ، وَلِسانِكَ في خَلْقِكَ النّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ[1]، وَالْحُجَّةِ عَلىٰ بَرِيَّتِكَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا الْمُرْتَضىٰ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دينِكَ، الْقائِمِ بِعَدْلِكَ، وَالدّاعي اِلىٰ دينِكَ وَدينِ آبائِهِ الصّادِقينَ، صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ اِحْصائِها غَيْرُكَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، الْقائِمِ بِاَمْرِكَ، وَالدّاعي اِلىٰ سَبيلِكَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دينِكَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعامِلِ بِاَمْرِكَ، الْقائِمِ في خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدّي عَنْ نَبِيِّكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ بِكَرامَتِكَ، الدّاعي اِلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقائِمِ في خَلْقِكَ، صَلاةً[2] تامَّةً نامِيَةً باقِيَةً، تُعَجِّلُ بِها فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِها، وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، اللّهُمَّ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ، وَاُوالي وَلِيَّهُمْ، وَاُعادي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْني بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَاَهْوالَ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

زیارت بالای سر

پس می‌نشینی نزد سر آن حضرت و می‌گویی:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدّينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ

---

۱. بعلمك خ ل.
۲. دائِمَةً خ ل.

يا وَارِثَ آدَمَ صَفِيِّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إسْماعِيلَ ذَبِيحِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعالَمِينَ رَسُولِ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ أمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّٰهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعابِدِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلْمِ الْأوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ الْبارِّ الْأمِينِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أبي الْحَسَنِ مُوسىٰ بْنِ جَعْفَرٍ الْكاظِمِ الْحَلِيمِ. السَّلامُ عَلَيْكَ أيُّهَا الشَّهِيدُ السَّعِيدُ الْمَظْلُومُ الْمَقْتُولُ. السَّلامُ عَلَيْكَ أيُّهَا الصِّدِّيقُ الْوَصِيُّ الْبارُّ التَّقِيُّ. أشْهَدُ أنَّكَ قَدْ أقَمْتَ الصَّلاةَ. وَآتَيْتَ الزَّكاةَ. وَأمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ. وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أتاكَ الْيَقِينُ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. إنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ. و لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً أسَّسَتْ أساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَالْبِدْعَةِ عَلَيْكُمْ أهْلَ الْبَيْتِ.

پس خود را به ضریح می‌چسبانی و می‌گویی:

اللّٰهُمَّ إلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أرْضِي وَقَطَعْتُ الْبِلادَ رَجاءَ رَحْمَتِكَ. فَلا تُخَيِّبْنِي وَلا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضاءِ حَوائِجِي. وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلىٰ قَبْرِ ابْنِ أخِي رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بِأبِي أنْتَ وَأُمِّي أتَيْتُكَ زائِراً وافِداً عائِذاً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسِي. وَاحْتَطَبْتُ عَلىٰ ظَهْرِي. فَكُنْ لِي شافِعاً إلَى اللّٰهِ

تَعالىٰ يَوْمَ حاجَتي وَفَقْري وَفاقَتي ۞ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقاماً مَحْمُوداً وَأَنْتَ عِنْدَ اللّٰهِ وَجيهٌ.

پس دست راست را بلند می‌کنی و دست چپ را بر قبر می‌گشایی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَوِلايَتِهِمْ ۞ أَتَوَلّىٰ آخِرَهُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ ۞ وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ ۞ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ ۞ وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ ۞ وَجَحَدُوا آياتِكَ ۞ وَسَخِرُوا بِإِمامِكَ ۞ وَحَمَلُوا النّاسَ عَلىٰ أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ ۞ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَالْبَراءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس می‌گردی و به نزد پای آن حضرت می‌روی و می‌گویی:

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ ۞ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ ۞ صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصّادِقُ الْمُصَدَّقُ ۞ قَتَلَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدي وَالْأَلْسُنِ.

پس تضرّع و مبالغه کن در لعنت کردن بر کشندهٔ امیر المؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهما السلام و قاتلان جمیع اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله[1]، پس از پشت قبر برو و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکن. در رکعت اوّل سورهٔ «یٰس» و در رکعت دوّم سورهٔ «الرّحمٰن» بخوان و جهد کن در دعا و تضرّع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت بمان و باید که نمازهای خود را نزد قبر بکنی.

مؤلّف گوید که: این زیارت بهترین زیارت آن حضرت است، و شیخ محمّد بن المشهدی در مزارکبیر نیز این زیارت را نقل نموده، بعد از آن گفته: زیارت دیگر، از برای آن حضرت به این طریق که غسل می‌کنی و می‌ایستی در نزد قبر آن حضرت و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ ۞ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ وَأَبا حُجَجِهِ ۞ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقىٰ وَرَحْمَةُ

---

۱. بدان که لعنت کردن بر قاتلان ائمه علیهم السلام به هر زبانی که کرده شود خوب است، و اگر این عبارت را که از بعض ادعیه اخذ شده بخواند شاید انسب باشد: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَقَتَلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیهما السلام، وَقَتَلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَعْداءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتَلَتَهُم وَزِدْهُمْ عَذاباً فَوْقَ الْعَذابِ، وَهَواناً فَوقَ هَوانٍ، وَذُلّاً فَوقَ ذُلٍّ، وَخِزْياً فَوقَ خِزْيٍ. اَللّٰهُمَّ دُعَّهُمْ إِلَى النّارِ دَعّاً، وَأَرْكِسْهُمْ في أَليمِ عَذابِكَ رَكْساً، وَاحْشُرْهُمْ وَأَتْباعَهُمْ إِلىٰ جَهَنَّمَ زُمَراً. (منه رحمه الله).

اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضىٰ عَلَيْهِ آباؤُكَ الطّاهِرونَ عَلَيْهِمُ السَّلامَ. لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً. وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ اِلىٰ باطِلٍ وَاَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ. وَاَدَّيْتَ الْاَمانَةَ. فَجَزاكَ اللّٰهُ عَنِ الْاِسْلامِ وَاَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزاءِ. اَتَيْتُكَ بِاَبي وَاُمّي زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ. مُوالِياً لِاَوْلِيائِكَ مُعادِياً لِاَعْدائِكَ. فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ.

زيارت ديگر، زيارتی است كه ابن قولويه در *كامل الزيارة* از بعضی ائمه عليهم السلام روايت كرده كه فرمودند: چون به نزد قبر امام رضا عليه السلام بروی بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا الْمُرْتَضىٰ. الْاِمامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ. وَحُجَّتِكَ عَلىٰ مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرىٰ. الصِّدّيقِ الشَّهيدِ. صَلاةً كَثيرَةً تامَّةً. زاكِيَةً مُتَواصِلَةً. مُتَواتِرَةً مُتَرادِفَةً. كَاَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ.

بدان‌كه علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *بحار* از بعض مؤلّفات قدمای اصحاب، زيارتی نقل كرده كه متوهّم می‌شود از حضرت جواد عليه السلام باشد و آن همان زيارتی است كه بين مردم مشهور است به زيارت جواديّه، و لكن ظاهر آن است كه از امام عليه السلام مروی نباشد چنانچه سياق عباراتش نيز بر اين مطلب شهادت می‌دهد. لكن دعا بعد از نمازش را اگر كسی بعد از نماز زيارت آن حضرت بخواند بسيار خوب است، چنانچه علّامهٔ مجلسی از شيخ مفيد رحمه الله در تحفه استحباب آن دعا را بعد از نماز زيارت با دعای مذكور نقل نموده، و اگر بنا بر اختصار نبود آن زيارت را با دعايش ذكر می‌نموديم لكن چون مشهور است و نسخش بسيار است، كافی است ما را از ذكر.

مؤلّف گويد كه: علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *بحار* زياراتی چند ايراد فرموده و چون ثابت نبود كه منقول از ائمهٔ اطهار عليهم السلام باشد در اين‌جا ترک كردم. و زيارت جامعه را در اين روضهٔ شريفه و ساير روضات خواندن بسيار مناسب است. و اگر كسی در نماز زيارت آن حضرت و همچنين ائمهٔ ديگر نماز حضرت جعفر عليه السلام بخواند بسيار خوب است و اجر عظيم درک خواهد نمود، چنانچه علّامهٔ مذكور در *بحار* نقل كرده از خطّ شيخ جليل حسين بن عبد الصّمد والد شيخ بهائی رحمه الله كه شيخ ابوالطّيّب حسين بن احمد فقيه رازی رحمه الله ذكر نموده كه هر كس زيارت كند حضرت امام رضا يا ديگر از ائمه عليهم السلام را پس در نزد آن امام به جای آورد نماز جعفر را، برای او نوشته شود به هر ركعتی ثواب كسی كه هزار حج و هزار عمره به جا آورده باشد و هزار بنده در راه خدا آزاد كرده

باشد و هزار مرتبه به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل، و برای اوست به هر گامی که بر می‌دارد ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن در راه خدای تعالی، و نوشته شود برای او صد حسنه و محو شود از او صد سیّئه، و امّا کیفیّت نماز جعفر علیه السّلام پس در اعمال روز جمعه [صفحه ۶۳۷] بیاید إن شاء اللّه تعالی.

زیارت آن حضرت در ایّام و اوقات شریفه

بدان که زیارت آن حضرت در ایّام و اوقات شریفهٔ مختصّه به آن حضرت فضیلت بسیار دارد، خصوصاً در ماه مبارک رجب که سابق در یک حدیثی گذشت و مثل چند روز از ایّام شهر رمضان که به آن حضرت اختصاص دارد، چون روز اوّل آن ماه روزی است که با آن حضرت بیعت کردند یا روز ششم آن، و سیّد بن طاووس رحمه اللّه در *اقبال* برای شکرانهٔ این نعمت از برای روز ششم نمازی نقل کرده شاید إن شاء اللّه تعالی در مقامش ذکر شود، [در صفحه ۵۳۴] و روز وفات آن حضرت که روز آخر ماه صفر است یا هفدهم آن یا بیست و چهارم ماه رمضان، و روز ولادت شریف آن حضرت که موافق مشهور یازدهم ماه ذیقعده است، و روزی که آن حضرت به خلافت الهی فایز گردید که روز وفات والد بزرگوارش حضرت امام موسی علیه السّلام باشد و گذشت در باب زیارت آن حضرت، و غیر این روزها از ایّام دیگر که به آن حضرت اختصاص دارد.

در زیارت وداع

و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را پس بگو آنچه را که در وداع حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله می‌گفتی: «لا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ تَسْليمي عَلَيْكَ». و اگر خواستی بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلى خَلْقِكَ. وَاجْمَعْني وَإِيّاهُ في جَنَّتِكَ. وَاحْشُرْني مَعَهُ وَفي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفيقاً. وَأَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَأَسْتَرْعيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ. آمَنّا بِاللّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ.

و شیخ صدوق رحمه اللّه و دیگران وداع طویلی از برای آن حضرت نقل کرده‌اند و چون بنابر اختصار است، به همین وداع که شیخ کفعمی در *بلد الامین* ذکر نموده، اکتفا نمودیم و بعد از این نیز وداع طویلی نقل کنیم که در تمام روضات ائمه علیهم السّلام خوانده شود.



فصل سوّم

در بیان زیارات چند نفر از علمای کبار که در آن مشهد شریف مدفون‌اند

بدان‌که در ارض اقدس خراسان جمعی از اعاظم و مشایخ علما مدفون‌اند که یگّه و وحید دهر بودند، و سزاوار است که زائر به زیارت آن‌ها مشرّف و به فیض زیارت و فاتحه بر سر قبر آن‌ها نائل شود.

مانند شیخ عالم جلیل اعجوبه دهر و زینة عصره علّامة البشر و العقل الحادی عشر شیخنا البهائی محمّد بن الحسین بن عبد الصّمد الحارثی العاملی ـ قدّس اللّه روحه الشّریف ـ که جلالت و نباهت شأنش بر احدی مخفی نیست، و علمای رجال او را ستایش بلیغ نموده‌اند، و سیّد علیخان مدنی شیرازی در *سلافه* او را از مجدّدین مذهب در مائۀ حادی عشر شمرده[1]، و گفته که نسبتش با سابقین از افاضل و اعیان مثل ملت محمّدیّه ﷺ است بالنّسبة به سایر ملل و ادیان. و بالجمله قبر شریفش واقع است در بقعۀ بزرگی ما بین صحن نو و مسجد معروف به گوهرشاد، و مردم را اعتقاد تمامی است با قبر آن جناب، و نذورات بسیار به خصوص شمع و چراغ به آن بقعۀ شریفه برند، و فقیر در ایّام تشرّفم به ارض اقدس، هر وقت که از نزد قبر آن مرحوم می‌گذشتم، چه روز و چه شب می‌دیدم که شمع‌های بسیار بر سر قبر افروخته است.

و مانند شیخ عالم جلیل و محدّث و فقیه بی‌بدیل شیخ محمّد بن الحسن بن علیّ الحرّ العاملی المشغری صاحب کتاب *وسایل الشّیعه* که مدار احادیث فقهیّه است و الحق این شیخ بزرگوار با تألیف این کتاب شریف منّتی عظیم بر شیعه خصوص بر اهل علم نهاد، و لهذا بس سزاوار است از برای مردم سیّما سلسلۀ جلیلۀ اهل علم که ادای بعض حقوق او را نموده و روح پرفتوحش را به هدایا و تحف آیات و سور قرآنی و غیره یاد و شاد نمایند. قبر شریفش واقع است در صحن کهنه در یکی از ایوان حجرات آن، در حدود مدرسۀ معروفه به مدرسۀ میرزا جعفر.

و مانند شیخ فقیه و محدّث نبیه مولانا رضی الدّین ابی نصر حسن بن فضل الطّبرسی مؤلّف کتاب *مکارم الاخلاق* نجل امین الدّین ابو علی فضل بن حسن صاحب کتاب *مجمع البیان* و غیره وفاتش در سبزوار واقع شد. جنازۀ شریفش را نقل کرده به ارض اقدس آوردند، در موضع معروف به قتلگاه او را دفن نمودند رضوان اللّه علیه.

---

۱. به استناد روایتی مشهور، برای هر قرن یک نفر را به عنوان مجدّد می‌دانند و طی این چهارده قرن چهارده نفر را با این عنوان بر شمرده‌اند. مرحوم مؤلّف در اینجا می‌گوید که مرحوم شیخ بهایی مجدد قرن یازدهم است.

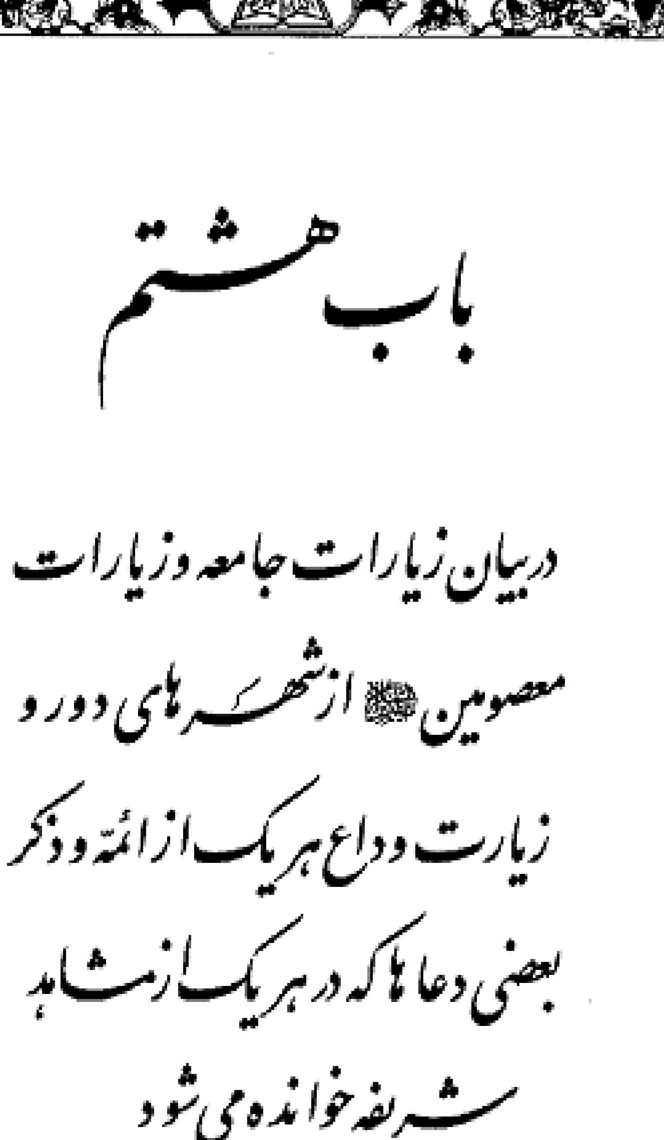
احوال خواجه ربیع که در مشهد مقدّس است

بدان که در یک فرسخی مشهد مقدّس موضعی است با نزاهت و صفا معروف به خواجه ربیع بواسطهٔ آن‌که قبر ربیع بن خُثَیْم در آن‌جا واقع است و از برای او بقعه و قبّه‌ای است و مردم به زیارت او بسیار می‌روند، و معروف به این اسم دو نفرند، یکی ربیع بن خُثَیْم به فتح خاء معجمه و تقدیم یاء ساکنه برثاء مثلّثهٔ مفتوحه و او از اصحاب حضرت صادق‌ﷺ می‌باشد چنانچه از باب طواف مریض کتاب تهذیب ظاهر می‌شود، و دیگری ربیع بن خُثَیْم بضمّ خاء معجمه و تقدیم مثلّثهٔ مفتوحه است بر یاء ساکنه و از تابعین و از اتباع ابن مسعود صحابی است. و شیخ کَشّی و دیگران فرموده‌اند که او یکی از آن هشت نفر زهّاد معروفین است[1]، و از کتاب *مطالب السؤول* ظاهر می‌شود که او معروف عموی همام بن عبادة بن خثیم معروف است که از حضرت امیر المؤمنینﷺ سؤال کرد که صفات متّقین را ذکر نماید و چون حضرت صفات متّقین ذکر نمود صیحه‌ای زد و مرغ روحش پرید. و این ربیع دوّم همان است که در خراسان مدفون است و کثیری او را مدح و ستایش نموده‌اند؛ بلکه بعضی گفته‌اند که او از جملهٔ اتقیا و اتباع امیر المؤمنینﷺ است، و از شیخ بهائیﷺ نقل شده که در بعض رسائل خود در جواب سؤال شاه عبّاس صفوی ماضی از حال این شخص فرموده به عرض می‌رساند که خواجه ربیعﷺ از اصحاب امیر المؤمنینﷺ است. و بسیار مقرب آن حضرت بود، و در کشتن عثمان داخل شد، و در وقتی که با لشکر اسلام به خراسان به جهاد کفّار آمده بود، این جا فوت شد، و از حضرت امام رضاﷺ منقول است که فرمود: «ما را از آمدن به خراسان فایدهٔ دیگر نرسید به غیر از زیارت خواجه ربیع» انتهی.

و قاضی نور الله شهیدﷺ در مجالس، در حال خواجه ربیع مذکور گفته که قبر شریفش در کنار رودخانهٔ طوس نزدیک به مشهد مقدّس واقع است، و از ثقات آن دیار شنیده شد که در وقتی که امام علی بن موسی الرّضاﷺ بامأمون عبّاسی در طوس می‌بودند، به زیارت خواجه ربیع توجّه می‌فرمودند ـ و کفاه هذا فضلاً و شرفاً ـ انتهی. و لکن عالم فاضل خبیر و ماهر در این صناعت جناب آقا میرزا عبد الله اصفهانیﷺ را اعتقادی بر این شخص نیست و مدائح او را محلّ نظر قرار داده و در کتاب *ریاض العلماء* کلام را در باب او بسط تمامی داده و چون مناسبت با این مقام ندارد، لهذا از ذکر کلمات اومی گذریم و به اجمال خود باقی بماند و الله تعالی العالم.

---

۱. و زهّاد ثمانیه چنانچه شیخ شهید اوّلﷺ در مجموعه خود ذکر فرموده این جماعتند: عامر بن عبد قیس، و أُویس قرنی، و هرمز بن حیّان، و ربیع بن خثیم، و أبو مسلم خولانی، و الأسود بن یزید، و مسروق الأجدع، و الحسن بن أبي الحسن. (منهﷺ).



و در آن چهار فصل است



در بیان زیارات جامعه که هر امامی را به آن زیارت می‌توان نمود

و آن‌ها بسیار است، و ما به ذکر چند زیارت از آن اکتفا می‌نماییم:

زیارت اوّل: شیخ جلیل رئیس المحدّثین در کتاب *من لا یحضره الفقیه* و *عیون اخبار الرّضا* علیه السلام روایت نموده که: از حضرت امام همام امام رضا علیه السلام سؤال نمودند در باب زیارت قبر امام موسی علیه السلام، فرمودند که: «نماز بگذارد در مسجدهایی که بر اطراف قبر آن حضرت است و مجزی است در همه مواضع[1] یعنی در زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام یا مطلق مزارهای شریفهٔ مقدّسه، مانند مراقد انبیاء و سایر اوصیاء علیهم السلام که در اوصاف مذکوره در متن زیارت با ذوات مقدّسهٔ ائمه علیهم السلام سهیم و شریک‌اند ـ هر چند در درجات مختلف باشد ـ این‌که بگویی:

زیارت جامعه برای انبیا و ائمه علیهم السلام

السَّلامُ عَلىٰ اَوْلِياءِ اللّٰهِ وَاَصْفِيائِهِ • السَّلامُ عَلىٰ اُمَناءِ اللّٰهِ وَاَحِبّائِهِ • السَّلامُ عَلىٰ اَنْصارِ اللّٰهِ وَخُلَفائِهِ • السَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلىٰ مَساكِنِ ذِكْرِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلىٰ مُظْهِرِي اَمْرِ اللّٰهِ وَنَهْيِهِ • السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَى الْمُسْتَقِرّينَ في مَرْضاةِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَى الْمُخْلِصينَ في طاعَةِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَى الْاَدِلّاءِ عَلَى اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَى الَّذينَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَى اللّٰهَ • وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَى اللّٰهَ • وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهَ • وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّٰهَ • وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ • وَمَنْ تَخَلّىٰ عَنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّىٰ عَنِ اللّٰهِ • اُشْهِدُ اللّٰهَ اَنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ • مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ • مُفَوِّضٌ في

---

۱. ظاهر معنی همه مواضع همان است که نوشته شد، خصوص به ملاحظه فقرهٔ اخیره بعد از زیارت که مجزی است این کلام در همه زیارتها. و امّا احتمال این معنی که مراد از همه مواضع، اطراف روضهٔ مقدّسه حضرت امام موسی علیه السلام باشد، خیلی بعید است. (منه رحمه الله).

ذٰلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ. لَعَنَ اللّٰهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ[۱] وَاَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ[۲].

و این زیارت در کتاب *کافی* و *تهذیب* و *کامل الزّیارة* نقل شده، و در همه کتب بعد از اتمام زیارت مذکور است که این ـ یعنی این کلماتی که ذکر شد ـ مجزی است در همه زیارت‌ها. و بسیار صلوات می‌فرستی بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله و نام می‌بری یک یک را به نام‌های ایشان و بیزاری می‌جویی از دشمنان ایشان و اختیار می‌نمایی هر دعایی را که خواهی از برای خود و مؤمنین و مؤمنات.

مؤلّف گوید که: ظاهر آن است که تتمّهٔ مذکوره جزء حدیث بوده باشد و بر تقدیری که عبارت بعضی از محدّثین باشد، چون اعاظم مشایخ حدیث چنین فهمیده‌اند که در همه زیارت‌ها کافی است، چنانچه ظاهر اوّل حدیث بر آن دلالت دارد و در باب زیارات جامعه نقل نموده‌اند، و الفاظ زیارت همه از صفات جامعه است که اختصاص به بعضی ندارد، بدین خاطر، از جامعه بودن این زیارتِ جمع، و خواندن آن در همه مشاهد حتّی در مشاهد انبیا و اوصیا علیهم السلام ـ چنانچه جمعی از علما در مشهد جناب یونس علیه السلام نقل کرده‌اند ـ مناسب است، و در فصل اعمال کوفه [صفحه ۲۶۰] به آن اشارتی شد و در باب زیارت انبیا علیهم السلام [صفحه ۴۴۰] نیز خواهد آمد.

صلوات در همه مشاهد مشرّفه

و چون در ذیل زیارت، امر به صلوات بر هر یک، به خصوص وارد شده است، اگر این صلوات منقول را بخوانند بعد از زیارت بسیار مناسب است و این صلوات در کتب غیبت با سندش مذکور است، و چون طولی دارد اکتفا می‌نماییم به آنچه شیخ الطّائفه رحمه الله در *مصباح کبیر* ذکر کرده است، فرموده: چنانچه در *تحفه* مذکور است که این صلواتی است که بیرون آمد [از حضرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه] به سوی ابوالحسن ضرّاب اصفهانی در مکّه و نسخه‌اش این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمِينَ. اَلْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثاقِ. اَلْمُصْطَفىٰ فِي الظِّلالِ. اَلْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ.

---

۱. مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ خ ل.
۲. الطّاهِرِينَ خ ل.

الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ • الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاةِ • الْمُرْتَجىٰ لِلشَّفاعَةِ • الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دينُ اللّٰهِ • اللّٰهُمَّ شَرِّفْ بُنْيانَهُ • وَعَظِّمْ بُرْهانَهُ • وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ • وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ • وَأَضِئْ نُورَهُ • وَبَيِّضْ وَجْهَهُ • وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ • وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ • وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ • وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

وَصَلِّ عَلىٰ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ إِمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ الْخَلَفِ الْقائِمِ الْهادِي الْمَهْدِيِّ، إمامِ الْمُؤْمِنينَ وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهادينَ الْمَهْدِيِّينَ، الْعُلَماءِ الصّادِقينَ، الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ، دَعائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكانِ تَوْحيدِكَ، وَتَراجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَخُلَفائِكَ في أَرْضِكَ، فَهُمُ الَّذينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ لِعِبادِكَ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدينِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَزَيَّنْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ، وَرَفَعْتَهُمْ في مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً كَثيرَةً طَيِّبَةً دائِمَةً، لا يُحيطُ بِها إلَّا أَنْتَ، وَلا يَسَعُها إلَّا عِلْمُكَ، وَلا يُحْصيها أَحَدٌ غَيْرُكَ.

اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ الْمُحْيِي لِسُنَّتِكَ، الْقائِمِ بِأَمْرِكَ، الدّاعي إلَيْكَ، الدَّليلِ عَلَيْكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَخَليفَتِكَ في أَرْضِكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ.

اللّٰهُمَّ اَعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدَّ في عُمْرِهِ، وَزَيِّنِ الْاَرْضَ بِطُولِ بَقائِهِ.

اللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الحاسِدينَ، وَاَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكائِدينَ، وَادْحَرْ عَنْهُ إرادَةَ الظّالِمينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ اَيْدي الْجَبّارينَ.

اللّٰهُمَّ اَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخاصَّتِهِ وَعامَّتِهِ، وَعَدُوِّهِ وَجَميعِ اَهْلِ الدُّنْيا ما تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ اَمَلِهِ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

اللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهِ ما مُحِيَ مِنْ دينِكَ، وَاَحْيِ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ كِتابِكَ، وَاَظْهِرْ بِهِ ما غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتّىٰ يَعُودَ دينُكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً خالِصاً مُخْلَصاً، لا شَكَّ فيهِ، وَلا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَلا باطِلَ عِنْدَهُ، وَلا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبّارٍ، وَاَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نارٍ، وَاَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جائِرٍ، وَاَجْرِ حُكْمَهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَاَذِلَّ بِسُلْطانِهِ كُلَّ سُلْطانٍ.

اللّٰهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ ناواهُ، وَاَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عاداهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَهُ، وَكِدْ مَنْ كادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهانَ بِاَمْرِهِ وَسَعىٰ في إطْفاءِ نُورِهِ وَاَرادَ إخْمادَ ذِكْرِهِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، وَعَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، وَفاطِمَةَ الزَّهْراءِ، وَالْحَسَنِ الرِّضا، وَالْحُسَيْنِ الْمُصَفّىٰ، وَجَميعِ الْاَوْصِياءِ مَصابيحِ الدُّجىٰ، وَاَعْلامِ الْهُدىٰ، وَمَنارِ التُّقىٰ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ، وَالْحَبْلِ الْمَتينِ، وَالصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ.

وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَوُلاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدَّ في أَعْمارِهِمْ، وَزِدْ في آجالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصىٰ آمالِهِمْ ديناً وَدُنْياً وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

زيارت جامعهٔ كبيرهٔ دوّم

زيارت دوّم: زيارتى است كه شيخ جليل نبيل شيخ ابراهيم كفعمى در كتاب *بلد الأمين* از امام علىّ النّقى عليه السلام روايت كرده كه بعد از ذكر صد تكبير، آن بزرگواران را چنين زيارت كنند:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَمَأْوَى السَّكينَةِ، وَأُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِياءَ النِّعَمِ، وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ وَدَعائِمَ الْأَخْيارِ، وَساسَةَ الْعِبادِ وَأَرْكانَ الْبِلادِ، وَأَبْوابَ الْإيمانِ وَأُمَناءَ الرَّحْمٰنِ، وَسُلالَةَ النَّبِيّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلينَ وَآلَ يس، وَعِتْرَةَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ الْهُدىٰ، وَمَصابيحَ الدُّجىٰ، وَأَعْلامَ التُّقىٰ، وَكُهُوفَ الْوَرىٰ، وَبُدُورَ الدُّنْيا، وَأَعْلامَ التُّقىٰ، وَذَوِي النُّهىٰ، وَأُولِي الْحِجىٰ، وَذُرِّيَّةَ الْأَنْبِياءِ، وَالْمَثَلَ الْأَعْلىٰ، وَالدَّعْوَةَ الْحُسْنىٰ، وَوَرَثَةَ الْأَنْبِياءِ، وَالْحُجَّةَ عَلىٰ مَنْ في الْأَرْضِ وَالسَّماءِ وَالْآخِرَةِ وَالْأُولىٰ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ، وَمَشاكِي نُورِ اللّٰهِ، وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللّٰهِ، وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللّٰهِ، وَخَزَنَةِ عِلْمِ اللّٰهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللّٰهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللّٰهِ، وَوَرَثَةِ رَسُولِ اللّٰهِ وَأَوْصِيائِهِ وَذُرِّيَّتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ إِلَى اللّهِ، وَالْأَدِلاَّءِ عَلى مَرْضاةِ اللّهِ، وَالْمُؤَدّينَ عَنِ اللّهِ، وَالْقائِمينَ بِحَقِّ اللّهِ، وَالنّاطِقينَ عَنِ اللّهِ، وَالْمُسْتَقِرّينَ في أَمْرِ اللّهِ، وَالْمُخْلِصينَ في تَوْحيدِ اللّهِ، وَالصّادِعينَ بِأَمْرِ اللّهِ، وَالثّابِتينَ في مَحَبَّةِ اللّهِ، وَالْمُظْهِرينَ لِأَمْرِ اللّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعاةِ، وَالْقادَةِ الْهُداةِ، وَالسّادَةِ الْوُلاةِ، وَالذّادَةِ الْحُماةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ، وَأُولِي الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللّهِ وَحِزْبِهِ، وَخِيَرَتِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَعَيْنِهِ وَجَنْبِهِ، وَصِراطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُجْتَبىٰ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَجىٰ، وَنَبِيُّهُ الْمُصْطَفىٰ، وَأَمينُهُ الْمُرْتَضىٰ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَصَدَعَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِ رَبِّهِ، وَبَلَّغَ ما حَمَّلَهُ، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ، وَجاهَدَ في سَبيلِ رَبِّهِ، وَدَعا إِلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَصَبَرَ عَلىٰ ما أَصابَهُ في جَنْبِهِ، وَعَبَدَهُ صادِقاً حَتّىٰ أَتاهُ الْيَقينُ، فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الدّينَ كَما شَرَعَ، وَالْكِتابَ كَما تَلا، وَالْحَلالَ كَما أَحَلَّ، وَالْحَرامَ كَما حَرَّمَ، وَالْفَصْلَ كَما قَضىٰ، وَالْحَقَّ ما قالَ، وَالرُّشْدَ ما أَمَرَ.

وَأَنَّ الَّذينَ كَذَّبُوهُ وَخالَفُوا عَلَيْهِ، وَجَحَدُوا حَقَّهُ وَأَنْكَرُوا فَضْلَهُ،

وَاتَّهَمُوهُ وَظَلَمُوا وَصِيَّهُ، وَحَلُّوا عَقْدَهُ، وَنَكَثُوا بَيْعَتَهُ، وَاعْتَدَوْا عَلَيْهِ، وَغَصَبُوا خِلافَتَهُ، وَنَبَذُوا أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَسَّسُوا الْجَوْرَ وَالْعُدْوانَ عَلىٰ أَهْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَتَلُوهُمْ وَتَوَلَّوْا غَيْرَهُمْ، ذائِقُو الْعَذابِ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنْ نارِ جَهَنَّمَ، لا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذابِها وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ مُتْعَبُونَ، ناكِسُوا رُؤُوسِهِمْ يُعايِنُونَ النَّدامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ مَعَ الْأَذَلِّينَ الْأَشْرارِ، وَقَدْ كُبُّوا عَلىٰ وُجُوهِهِمْ فِي النّارِ.

وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَصَدَّقُوهُ وَنَصَرُوهُ وَوَقَّرُوهُ وَعَزَّرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ، أُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ فِي جَنّاتِ النَّعِيمِ، وَالْفَوْزِ الْعَظِيمِ، وَالثَّوابِ الْمُقِيمِ الْكَرِيمِ، وَالْغِبْطَةِ وَالسُّرُورِ، وَالْفَوْزِ الْكَبِيرِ.

فَجَزاهُ اللّٰهُ عَنّا أَحْسَنَ الْجَزاءِ، وَخَيْرَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ، وَرَسُولاً عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ، وَخَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسَمِ الْفَضائِلِ، وَبَلَّغَهُ أَعْلىٰ مَحَلِّ شَرَفِ الْمُكَرَّمِينَ، مِنَ الدَّرَجاتِ الْعُلىٰ فِي أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ، فِي جَنّاتٍ وَنَهَرٍ، فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ، وَأَعْطاهُ حَتّىٰ يَرْضىٰ، وَزادَهُ بَعْدَ الرِّضا، وَجَعَلَهُ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مَجْلِساً، وَأَدْناهُمْ إِلَيْهِ مَنْزِلاً، وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جاهاً، وَأَعْلاهُمْ لَدَيْهِ كَعْباً، وَأَحْسَنَهُمْ أَتْباعاً، وَأَوْفَرَ الْخَلْقِ نَصِيباً، وَأَجْزَلَهُمْ حَظّاً فِي كُلِّ خَيْرِ اللّٰهِ قاسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَنَصِيباً، وَأَحْسِنِ اللّٰهُمَّ مُجازاتَهُ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ، الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ، الصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ، الْقَوّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ، اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَاصْطَنَعَكُمْ لِنَفْسِهِ، وَارْتَضاكُمْ

لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ فِي أَرْضِهِ، وَجَعَلَكُمْ حُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِحِكْمَتِهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاً لِسِرِّهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَأَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَسْباباً إِلَيْهِ، وَأَعْلاماً لِعِبادِهِ، وَمَناراً فِي بِلادِهِ، وَسَبِيلاً إِلىٰ جَنَّتِهِ، وَأَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ، عَصَمَكُمُ اللّٰهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ، وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ، وَجَنَّبَكُمُ الْآفاتِ، وَوَقاكُمْ مِنَ السَّيِّئاتِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَالزَّيْغِ، وَنَزَّهَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ وَالْخَطَإِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَاسْتَرْعاكُمُ الْأَنامَ، وَعَرَّفَكُمُ الْأَسْبابَ، وَأَوْرَثَكُمُ الْكِتابَ، وَأَعْطاكُمُ الْمَقالِيدَ، وَسَخَّرَ لَكُمْ ما خَلَقَ.

فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَهِبْتُمْ عَظَمَتَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عُقَدَ عُرىٰ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلىٰ ما أَصابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَصَدَعْتُمْ بِأَمْرِهِ، وَتَلَوْتُمْ كِتابَهُ، وَحَذَّرْتُمْ بَأْسَهُ، وَذَكَّرْتُمْ بِأَيّامِهِ، وَأَوْفَيْتُمْ بِعَهْدِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجادَلْتُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، وَجاهَدْتُمْ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَقَمَعْتُمْ عَدُوَّهُ، وَأَظْهَرْتُمْ دِينَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَشَرَعْتُمْ أَحْكامَهُ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ.

فَالرّاغِبُ عَنكُمْ مارِقٌ، وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ، وَالْمُقَصِّرُ عَنكُمْ زاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنكُمْ وَاِلَيْكُمْ، وَاَنْتُمْ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَميراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَاِيابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَكُمْ، وَآياتُ اللّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزائِمُهُ فيكُمْ، وَنُورُهُ مَعَكُمْ، وَبُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ، وَاَمْرُهُ نازِلٌ اِلَيْكُمْ.

مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللّهَ، وَمَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَى اللّهَ، وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللّهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّهِ.

اَنْتُمْ يا مَوالِيَّ نِعْمَ الْمَوالي لِعَبيدِهِمْ، اَنْتُمُ السَّبيلُ الْاَعْظَمُ، وَالصِّراطُ الْاَقْوَمُ، وَشُهَداءُ دارِ الْفَناءِ، وَشُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْاَمانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النّاسُ، مَنْ اَتاكُمْ فَقَدْ نَجا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، وَمَنْ اَباكُمْ هَوىٰ، اِلَى اللّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِاَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَاِلىٰ سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، وَاِلَيْهِ تُنيبُونَ، وَاِيّاهُ تُعَظِّمُونَ.

سَعِدَ وَاللّهِ بِكُمْ مَنْ والاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عاداكُمْ، وَخابَ مَنْ جَهِلَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ، وَفازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَاَمِنَ مَنْ لَجَأَ اِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْواهُ، وَمَنْ خالَفَكُمْ فَالنّارُ مَثْواهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كافِرٌ، وَمَنْ حارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَفي اَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحيمِ.

اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا سابِقٌ لَكُمْ فيما مَضىٰ، وَجارٍ لَكُمْ فيما بَقِيَ، وَاَنَّ اَنْوارَكُمْ وَاَشْباحَكُمْ وَسَناءَكُمْ وَظِلالَكُمْ وَاَرْواحَكُمْ وَطينَتَكُمْ واحِدَةٌ،

جَلَّتْ وَعَظُمَتْ وَبُورِكَتْ وَقُدِّسَتْ وَطابَتْ وَطَهُرَتْ، بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللّهِ وَعِنْدَهُ في مَلَكُوتِهِ أنْواراً تَأْمُرُونَ، وَلَهُ تَخافُونَ، وَإيّاهُ تُسَبِّحُونَ، وَبِعَرْشِهِ مُحْدِقُونَ، وَبِهِ حافُّونَ، حَتّىٰ مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أذِنَ اللّهُ أنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، تَوَلّىٰ عَزَّ ذِكْرُهُ تَطْهيرَها، وَرَضِيَ مِنْ خَلْقِهِ بِتَعْظيمِها، فَرَفَعَها عَلىٰ كُلِّ بَيْتٍ قَدَّسَهُ، وَأعْلاها عَلىٰ كُلِّ بَيْتٍ طَهَّرَهُ، في السَّماءِ لا يُوازيها خَطَرٌ، وَلا يَسْمُو إلىٰ سَمائِها النَّظَرُ، وَلا يَقَعُ عَلىٰ كُنْهِهَا الْفِكَرُ، وَلا يَطْمَحُ إلىٰ أرْضِهَا الْبَصَرُ، وَلا يُغادِرُ سُكّانَهَا الْبَشَرُ، يَتَمَنّىٰ كُلُّ أحَدٍ أنَّهُ مِنْكُمْ وَلا تَتَمَنَّوْنَ أنَّكُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ، إلَيْكُمْ انْتَهَتِ الْمَكارِمُ وَالشَّرَفُ، وَفيكُمْ اسْتَقَرَّتِ الْأنْوارُ وَالْعِزُّ وَالْمَجْدُ وَالسُّؤْدَدُ، فَما فَوْقَكُمْ أحَدٌ إلَّا اللّهُ، وَلا أقْرَبَ إلَيْهِ وَلا أخَصَّ لَدَيْهِ وَلا أكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْكُمْ.

أنْتُمْ سَكَنُ الْبِلادِ، وَنُورُ الْعِبادِ، وَعَلَيْكُمُ الْاعْتِمادُ يَوْمَ التَّنادِ، كُلَّما غابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ أوْ أفَلَ مِنْكُمْ عَلَمٌ أطْلَعَ اللّهُ لِخَلْقِهِ مِنْ عَقِبِ الْماضي خَلَفاً، إماماً وَنُوراً وَهادِياً، وَبُرهاناً مُبيناً نَيِّراً، داعِياً عَنْ داعٍ، وَهادِياً بَعْدَ هادٍ، وَخَزَنَةً وَحَفَظَةً، لا يَغيضُ بِكُمْ غَوْرُهُ، وَلا يَنْقَطِعُ عَنْكُمْ مَوادُّهُ، وَلا يُسْلَبُ مِنْكُمْ أريجُهُ، سَبَباً مَوْصُولاً مِنَ اللّهِ إلَيْكُمْ، وَرَحْمَةً مِنْهُ عَلَيْنا، يُرْشِدُنا إلَيْهِ، وَيُقَرِّبُنا مِنْهُ، وَيُزْلِفُنا لَدَيْهِ، وَجَعَلَ صَلَواتِنا عَلَيْكُمْ، وَذِكْرَنا لَكُمْ، وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَعَرَّفَناهُ مِنْ فَضْلِكُمْ طيباً لِخَلْقِنا، وَطَهارَةً لِأنْفُسِنا، وَتَزْكِيَةً لَنا، وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا، كُنّا عِنْدَهُ بِكُمْ مُؤْمِنينَ مُسَوَّمينَ، وَبِفَضْلِكُمْ مَعْرُوفينَ، وَبِتَصْديقِنا إيّاكُمْ مَشْكُورينَ، وَبِطاعَتِنا لَكُمْ

مَشْهُورِينَ.

فَبَلَغَ اللّهُ بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ. وَاَفْضَلَ شَرَفِ الْمُشَرَّفِينَ. وَاَعْلىٰ مَنازِلِ الْمُقَرَّبِينَ. وَاَرْفَعَ دَرَجاتِ الْمُرْسَلِينَ. حَيْثُ لا يَلْحَقُهُ لاحِقٌ. وَلا يَفُوقُهُ فائِقٌ. وَلا يَسْبِقُهُ سابِقٌ. وَلا يَطْمَعُ في اِدْراكِهِ طامِعٌ. حَتّىٰ لا يَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ. وَلا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. وَلا صِدّيقٌ وَلا شَهيدٌ. وَلا عالِمٌ وَلا جاهِلٌ. وَلا دَنِيٌّ وَلا فاضِلٌ. وَلا مُؤْمِنٌ صالِحٌ وَلا فاجِرٌ طالِحٌ. وَلا جَبّارٌ عَنيدٌ. وَلا شَيْطانٌ مَريدٌ وَلا خَلْقٌ فيما بَيْنَ ذٰلِكَ شَهيدٌ اِلّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ اَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ. وَتَمامَ نُورِكُمْ. وَصِدْقَ مَقالِكُمْ. وَثَباتَ مَقامِكُمْ. وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ. وَكَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ. وَخاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ. وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَاَهْلي وَمالي وَاُسْرَتي. يا سادَتي وَاَئِمَّتي اُشْهِدُ اللّهَ وَاُشْهِدُكُمْ. اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ. كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ. مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ. عارِفٌ بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ. مُوالٍ لَكُمْ وَلِاَوْلِيائِكُمْ. مُبْغِضٌ لِاَعْدائِكُمْ وَمُعادٍ لَهُمْ. سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ. وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ. مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ. مُبْطِلٌ لِما اَبْطَلْتُمْ. مُطيعٌ لَكُمْ. عارِفٌ بِحَقِّكُمْ. مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ. مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ. مُقْتَدٍ بِكُمْ. مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ. مُعْتَرِفٌ بِكُمْ. مُؤْمِنٌ بِاِيابِكُمْ. مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ. مُنْتَظِرٌ لِاَمْرِكُمْ. مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ. آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ. عامِلٌ بِاَمْرِكُمْ. مُسْتَجيرٌ بِكُمْ. زائِرٌ لَكُمْ. عائِذٌ بِكُمْ. لائِذٌ بِقُبُورِكُمْ. مُسْتَشْفِعٌ اِلَى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ. مُتَقَرِّبٌ اِلَيْهِ بِمَحَبَّتِكُمْ. وَمُقَدِّمُكُمْ اَمامَ طَلِبَتي وَمَسْأَلَتي وَحَوائِجي وَاِرادَتي. وَمُتَوَسِّلٌ

بِكُمْ اِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ في كُلِّ اَحْوالي وَاُمُوري، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَاَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ اِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَرَأْيي لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يُحْيِيَ اللّٰهُ دينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ في اَيّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنَكُمْ في اَرْضِهِ.

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ اِنْ شاءَ اللّٰهُ لا مَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوالَيْتُ آخِرَكُمْ، بِما تَوالَيْتُ بِهِ اَوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ اَعْدائِكُمْ، وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاَوْلِيائِهِمْ، وَالشَّياطينِ وَحِزْبِهِمْ، وَالظّالِمينَ لَكُمْ، وَالْجاحِدينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمارِقينَ مِنْ دينِكُمْ وَوِلايَتِكُمْ، وَالْغاصِبينَ لِاِرْثِكُمْ، وَالشّاكّينَ فيكُمْ، وَالْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ، وَمِنَ الْاَئِمَّةِ الَّذينَ يَدْعُونَ اِلَى النّارِ.

فَثَبَّتَنِيَ اللّٰهُ اَبَداً ما حَييتُ عَلىٰ مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ، وَوَفَّقَني لِطاعَتِكُمْ، وَرَزَقَني شَفاعَتَكُمْ، وَجَعَلَني مِنْ خِيارِ مَواليكُمُ التّابِعينَ اِلىٰ ما دَعَوْتُمْ اِلَيْهِ، وَجَعَلَني مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ، وَيَهْتَدي بِهُداكُمْ، وَيُحْشَرُ في زُمْرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ وَيُشَرَّفُ في عافِيَتِكُمْ، وَيُمَكَّنُ في وِلايَتِكُمْ، وَيَتَمَكَّنُ في اَيّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ.

بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَاَهْلي وَمالي وَاُسْرَتي، مَنْ اَرادَ اللّٰهَ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَواليَّ لا اُحْصي ثَناءَكُمْ، وَلا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَلا مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، لِاَنَّكُمْ نُورُ

الْاَنوارِ، وَخِيَرَةُ الْاَخْيارِ، وَهُداةُ الْاَبْرارِ، وَحُجَجُ الْجَبّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللّهُ، وَبِكُمْ خَتَمَ اللّهُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللّهُ الْغَيْثَ وَالرَّحْمَةَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلائِكَتُهُ، وَاِلى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمينُ[1] وَبِمِفْتاحِ مَنْطِقِكُمْ نَطَقَ كُلُّ لِسانٍ، وَبِكُمْ يُسَبِّحُ الْقُدُّوسُ السُّبُّوحُ، وَبِتَسْبيحِكُمْ جَرَتِ الْاَلْسُنُ بِالتَّسْبيحِ، وَاللّهُ بِمَنِّهِ آتاكُمْ ما لَمْ يُؤْتِ اَحَداً مِنَ الْعالَمينَ، تَطَأْطَاَ كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفازَ الْفائِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسْلَكُ اِلَى الرِّضْوانِ، وَعَلى مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمنِ.

بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَاَهْلي وَمالي ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرينَ، وَاَسْماؤُكُمْ فِي الْاَسْماءِ، وَاَجْسادُكُمْ فِي الْاَجْسادِ، وَاَرْواحُكُمْ فِي الْاَرْواحِ، وَاَنْفُسُكُمْ فِي الْاَنْفُسِ، وَآثارُكُمْ فِي الْآثارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَما اَحْلى اَسْماءَكُمْ وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ، وَاَعْظَمَ شَاْنَكُمْ، وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَاَوْفى عَهْدَكُمْ، وَاَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلامُكُمْ نُورٌ، وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوى، وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعادَتُكُمُ الْاِحْسانُ، وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ، وَشَاْنُكُمُ الْحَقُّ، وَكَلامُكُمُ الصِّدْقُ، وَطَبْعُكُمُ الرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَاْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَكَرَمٌ، وَاَمْرُكُمْ عَزْمٌ وَحَزْمٌ، اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَاْواهُ، وَاِلَيْكُمْ مُنْتَهاهُ.

---

۱. و اگر زیارت حضرت امیر المؤمنین ﷺ باشد به جای «وَاِلى جَدِّكُم» بگو «وَاِلى اَخيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمينُ»

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي. كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ. وَأُحْصي جَميلَ بَلائِكُمْ؟ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللّهُ مِنَ الذُّلِّ. وَأَطْلَقَ عَنّا رَهائِنَ الْغِلِّ. وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ. وَأَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ. وَمِنْ عَذابِ النّارِ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي. بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللّهُ مَعالِمَ دينِنا. وَأَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا. وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ. وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ. وَكَمُلَتِ الْمِنَّةُ. وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ. وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الْأَعْمالُ. وَلَكُمُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ. وَالْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ. وَالدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ. وَالْمَكانُ الْمَحْمُودُ. وَالْمَقامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَالْجاهُ الْعَظيمُ. وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ. وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ «رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ» «رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ» «سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً».

بعد از آن خود را بر ضریح بچسبان و ضریح را ببوس و بگو:

يا وَلِيَّ اللّهِ إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً كَثيرَةً. لا يَأْتي عَلَيْها إِلّا رِضَا اللّهِ وَرِضاكُمْ. فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ. وَاسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ. وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ. وَمُوالاتَكُمْ بِمُوالاتِهِ. لَمّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي وَكُنْتُمْ شُفَعائي إِلَى اللّهِ تَعالىٰ. فَإِنّي لَكُمْ مُطيعٌ. مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللّهَ. وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللّهَ. وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللّهَ. وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللّهَ.

بعد از آن دست‌هایت را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اللّهُمَّ إنّي لَوْ وَجَدْتُ وَسيلَةً أقْرَبَ إلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَيْتِهِ الأخْيارِ الأئِمَّةِ الأبْرارِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمِ السَّلامُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي إلَيْكَ ◆ اللّهُمَّ فَبِحَقِّهِمُ الَّذي أوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أسْألُكَ أنْ تُدْخِلَني في جُمْلَةِ الْعارِفينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ ◆ وَفي زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ بِشَفاعَتِهِمْ ◆ إنَّكَ أنْتَ أرْحَمُ الرّاحِمينَ.

زیارت دوم[1]

شیخ ابن بابویه و غیر او بسند معتبر روایت کرده‌اند که شخصی از امام علی النقی عليه السلام سؤال نمود که: ای فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله به من تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که آن را بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را، فرمود که: «چون به درگاه می‌رسی بایست و بگو: أشْهَدُ أنْ لا إلٰهَ إلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ ◆ وَأشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و باید که با غسل باشی، و چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست، سی مرتبه «اَللّهُ أكْبَرُ» بگو، پس چند قدم راه برو با آرام دل و آرام تن و گام‌ها را نزدیک به یکدیگر بگذار و پس بایست و سی مرتبه «اَللّهُ أكْبَرُ» بگو. پس به نزدیک قبر برو و چهل مرتبه «اَللّهُ أكْبَرُ» بگو که صد تکبیر تمام شود، پس بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ ◆ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ ◆ وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ ◆ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ ◆ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ ◆ وَخُزّانَ الْعِلْمِ ◆ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ ◆ وَأُصُولَ الْكَرَمِ ◆ وَقادَةَ الأُمَمِ ◆ وَأوْلِياءَ النِّعَمِ ◆ وَعَناصِرَ الأبْرارِ ◆ وَدَعائِمَ الأخْيارِ ◆ وَساسَةَ الْعِبادِ ◆ وَأرْكانَ الْبِلادِ ◆ وَأبْوابَ الإيمانِ ◆ وَأُمَناءَ

---

۱. این زیارت با همین عنوان در حاشیه نسخه سنگی درج شده است. و ما آن را بر پایه ردیف بندی زیارات در اینجا آورده‌ایم.

الرَّحْمنِ، وَ سُلالَةَ النَّبِيِّينَ، وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَ عِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَ مَصابيحِ الدُّجىٰ، وَ أَعْلامِ التُّقىٰ، وَ ذَوِي النُّهىٰ، وَ أُولِي الْحِجىٰ، وَ كَهْفِ الْوَرىٰ، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِياءِ، وَ الْمَثَلِ الْأَعْلىٰ، وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنىٰ، وَ حُجَجِ اللّهِ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولىٰ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّهِ، وَ مَساكِنِ بَرَكَةِ اللّهِ، وَ مَعادِنِ حِكْمَةِ اللّهِ، وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللّهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللّهِ، وَ أَوْصِياءِ نَبِيِّ اللّهِ، وَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ إِلَى اللّهِ، وَ الْأَدِلَّاءِ عَلىٰ مَرْضاةِ اللّهِ، وَ الْمُسْتَقِرِّينَ في أَمْرِ اللّهِ، وَ التّامّينَ في مَحَبَّةِ اللّهِ، وَالْمُخْلِصينَ في تَوْحيدِ اللّهِ، وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللّهِ وَ نَهْيِهِ، وَ عِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعاةِ، وَ الْقادَةِ الْهُداةِ، وَ السّادَةِ الْوُلاةِ، وَالذّادَةِ الْحُماةِ، وَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أُولِي الْأَمْرِ، وَ بَقِيَّةِ اللّهِ وَ خِيَرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِراطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهانِهِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللّهُ لِنَفْسِهِ، وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَ أُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضىٰ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَ أَشْهَدُ

أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلّهِ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ، اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَ ارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَ اخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَ أَعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ، وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَ رَضِيَكُمْ خُلَفاءَ فِي أَرْضِهِ، وَ حُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَ أَنْصاراً لِدِينِهِ، وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَ أَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَ شُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ أَعْلاماً لِعِبادِهِ، وَ مَناراً فِي بِلادِهِ، وَ أَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ، عَصَمَكُمُ اللّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً.

فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَ وَكَّدْتُمْ مِيثاقَهُ، وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، وَ دَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلىٰ ما أَصابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلاةَ، وَ آتَيْتُمُ الزَّكاةَ، وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَ بَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَ نَشَرْتُمْ شَرائِعَ أَحْكامِهِ، وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَ صِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضا، وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ، وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ، فَالرّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ، وَ اللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ، وَ الْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ، وَ مِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ، وَ مِيراثُ

النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَ إِيابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَ حِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَ فَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَكُمْ، وَ آياتُ اللّهِ لَدَيْكُمْ، وَ عَزائِمُهُ فيكُمْ، وَ نُورُهُ وَ بُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللّهَ، وَ مَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَى اللّهَ، وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللّهَ، وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّهِ.

أَنْتُمُ السَّبيلُ الْأَعْظَمُ، وَالصِّراطُ الْأَقْوَمُ، وَ شُهَداءُ دارِ الْفَناءِ، وَ شُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ، وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَ الْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَ الْأَمانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبابُ الْمُبْتَلىٰ بِهِ النّاسُ، مَنْ أَتاكُمْ فَقَدْ نَجا، وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ، إِلَى اللّهِ تَدْعُونَ، وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ، وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ، وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلىٰ سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعِدَ مَنْ والاكُمْ، وَ هَلَكَ مَنْ عاداكُمْ، وَ خابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَ ضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ، وَ فازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَ هُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْواهُ، وَ مَنْ خالَفَكُمْ فَالنّارُ مَثْواهُ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كافِرٌ، وَمَنْ حارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَهُوَ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هٰذا سابِقٌ لَكُمْ فيما مَضىٰ، وَ جارٍ لَكُمْ فيما بَقِيَ، وَ أَنَّ أَرْواحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَ طينَتَكُمْ واحِدَةٌ، طابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمُ اللّهُ أَنْواراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقينَ حَتّىٰ مَنَّ عَلَيْنا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَواتِنا عَلَيْكُمْ وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ طيباً لِخَلْقِنا، وَ طَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَتَزْكِيَةً لَنا، وَ كَفّارَةً لِذُنُوبِنا، فَكُنّا عِنْدَهُ مُسَلِّمينَ بِفَضْلِكُمْ، وَ مَعْرُوفينَ بِتَصْديقِنا إِيّاكُمْ، فَبَلَغَ اللّهُ بِكُمْ

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ، وَأَعْلىٰ مَنازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لا يَلْحَقُهُ لاحِقٌ، وَلا يَفُوقُهُ فائِقٌ، وَلا يَسْبِقُهُ سابِقٌ، وَلا يَطْمَعُ في إِدْراكِهِ طامِعٌ، حَتّىٰ لا يَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلا صِدِّيقٌ وَلا شَهيدٌ، وَلا عالِمٌ وَلا جاهِلٌ، وَلا دَنِيٌّ وَلا فاضِلٌ، وَلا مُؤْمِنٌ صالِحٌ، وَلا فاجِرٌ طالِحٌ، وَلاجَبّارٌ عَنيدٌ، وَلا شَيْطانٌ مَريدٌ، وَلا خَلْقٌ فيما بَيْنَ ذٰلِكَ شَهيدٌ إِلّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ مَقاعِدِكُمْ، وَثَباتَ مَقامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَأُسْرَتي، أُشْهِدُ اللّٰهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ، كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ، مُوالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدائِكُمْ وَمُعادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِما أَبْطَلْتُمْ، مُطيعٌ لَكُمْ، عارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجيرٌ بِكُمْ، زائِرٌ لَكُمْ، عائِذٌ بِكُمْ لائِذٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ أَمامَ طَلِبَتي وَحَوائِجي وَإِرادَتي في كُلِّ أَحْوالي وَأُمُوري، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيي لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ

يُحْيِيَ اللّهُ تَعالىٰ دينَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدَّكُمْ في أَيّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يُمَكِّنَكُمْ في أَرْضِهِ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ. آمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَ بَرِئْتُ إِلَى اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ الشَّياطينِ وَ حِزْبِهِمُ الظّالِمينَ لَكُمْ، الْجاحِدينَ لِحَقِّكُمْ، وَ الْمارِقينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَ الْغاصِبينَ لِإِرْثِكُمُ الشّاكّينَ فيكُمْ الْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ، وَ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ، وَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذينَ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ. فَثَبَّتَنِيَ اللّهُ أَبَداً ما حَيِيتُ عَلىٰ مُوالاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دينِكُمْ، وَ وَفَّقَني لِطاعَتِكُمْ، وَ رَزَقَني شَفاعَتَكُمْ، وَ جَعَلَني مِنْ خِيارِ مَواليكُمُ التّابِعينَ لِما دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَ جَعَلَني مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَ يَسْلُكُ سَبيلَكُمْ، وَ يَهْتَدي بِهُداكُمْ وَ يُحْشَرُ في زُمْرَتِكُمْ، وَ يَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ، وَ يُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ في عافِيَتِكُمْ، وَ يُمَكَّنُ في أَيّامِكُمْ، وَ تَقِرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي وَ نَفْسي وَ أَهْلي وَ مالي وَأُسْرَتي، مَنْ أَرادَ اللّهَ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوالِيَّ لا أُحْصي ثَناءَكُمْ وَ لا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيارِ وَ هُداةُ الْأَبْرارِ وَحُجَجُ الْجَبّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَبِكُمْ يَكْشِفُ الضُّرَّ، وَ عِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلائِكَتُهُ، وَ إِلىٰ جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمينُ[1]. آتاكُمُ اللّهُ ما

---

۱. و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد به جای «و إلى جَدِّكُمْ» بگو: «وَإِلىٰ أَخيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمينُ».

لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ، طَأْطَأَ كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ، وَ خَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَ فازَ الْفائِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوانِ، وَ عَلىٰ مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمٰنِ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي وَ نَفْسي وَ أَهْلي وَ مالي، ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرينَ، وَ أَسْماؤُكُمْ فِي الْأَسْماءِ، وَ أَجْسادُكُمْ فِي الْأَجْسادِ، وَ أَرْواحُكُمْ فِي الْأَرْواحِ، وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَ آثارُكُمْ فِي الْآثارِ، وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَما أَحْلىٰ أَسْماءَكُمْ، وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَ أَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَ أَوْفىٰ عَهْدَكُمْ، وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمُ التَّقْوىٰ، وَ فِعْلُكُمُ الْخَيْرُ، وَ عادَتُكُمُ الْإِحْسانُ، وَ سَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ، وَ شَأْنُكُمُ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ، وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ، وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْواهُ وَ مُنْتَهاهُ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي وَ نَفْسي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ، وَ أُحْصي جَميلَ بَلائِكُمْ؟، وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَ مِنَ النّارِ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَ أُمّي وَ نَفْسي بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعالِمَ دينِنا، وَ أَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا، وَ بِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَ بِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَ لَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَ الدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ، وَ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَ الْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ الْجاهُ الْعَظيمُ، وَ الشَّأْنُ الْكَبيرُ، وَ الشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنا آمَنّا

بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ ﴾ ﴿رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ ﴾ ﴿سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً﴾ يا وَلِيَّ اللّهِ إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها إِلاّ رِضاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ لَمَا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي وَكُنْتُمْ شُفَعائي فَإِنّي لَكُمْ مُطيعٌ مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللّهَ وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللّهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللّهَ اَللّهُمَّ إِنّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيارِ الْأَئِمَّةِ الْأَبْرارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي فَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَني في جُمْلَةِ الْعارِفينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفي زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ بِشَفاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً وَحَسْبُنَا اللّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

زیارت سوّم: زیارتی است که علّامهٔ مجلسی﵀ در *تحفة الزائر* آن را زیارت هشتم جوامع قرار داده و فرموده که: این زیارتی است که سیّد ابن طاووس در ضمن ادعیهٔ عرفه از حضرت صادق﵇ روایت کرده است و در هر وقت و هر جا که باشد می‌توان آن را خواند خصوصاً در روز عرفه[1]. و زیارت این است:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللّهِ مِنْ خَلْقِهِ وَبابَ عِلْمِهِ وَأَمينَهُ عَلىٰ وَحْيِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

---

۱. و این زیارت را علما در زیارات جامعه ذکر نکرده‌اند، بلکه سیّد ابن طاووس در کتاب اقبال ادعیه‌ای از حضرت صادق﵇ نقل فرموده که این تسلیمات نیز در ضمن آن‌ها مذکور است. و چون علّامهٔ مجلسی آن را از زیارات جامعه قرار داده در تحفه ما نیز به متابعت ایشان آن را در این جا درج کردیم، واگر کسی این زیارت را در بلاد بعیده بخواند بسیار خوب است. چنانچه علّامهٔ مجلسی در باب زیارات ائمّه در بلاد بعیده گفته: بدان که زیارت هشتم از زیارات جامعه ـ که مراد همین زیارت است ـ در خصوص بعید وارد شده است. (منه عفي عنه).

يا مَوْلايَ يا أميرَالْمُؤْمِنينَ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ أَنْتَ حُجَّةُ اللّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ۔ وَبابُ عِلْمِهِ وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ ۔ وَالْخَليفَةُ مِنْ بَعْدِهِ في اُمَّتِهِ ۔ لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ ۔ وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ ۔ وَأَنَا بَريءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ إِلَيْكَ.

السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ الْبَتُولُ ۔ السَّلامُ عَلَيْكِ يا زَيْنَ نِساءِ الْعالَمينَ ۔ السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْكِ وَعَلَيْهِ السَّلامُ ۔ السَّلامُ عَلَيْكِ يا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ۔ لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً غَصَبَتْكِ حَقَّكِ وَمَنَعَتْكِ ما جَعَلَهُ اللّهُ لَكِ حَلالاً ۔ أَنَا بَريءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ إِلَيْكِ.

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّكِيَّ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ ۔ لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبايَعَتْ في أَمْرِكَ وَشايَعَتْ ۔ أَنَا بَريءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ.

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ۔ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبيكَ وَجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۔ لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ ۔ وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَباحَتْ حَريمَكَ ۔ وَلَعَنَ اللّهُ أَشْياعَهُمْ ۔ وَلَعَنَ اللّهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ ۔ أَنَا بَريءٌ إِلَى اللّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ.

السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ۔ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبَا الْحَسَنِ

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْقاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ عِتْرَتِكَ الطّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ.

يا مَوالِيَّ كُونُوا شُفَعائي في حَطِّ وِزْري وَخَطايايَ. آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِما اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ. وَاَتَوالىٰ[1] آخِرَكُمْ بِما اَتَوالىٰ[2] اَوَّلَكُمْ. وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّىٰ. يا مَوالِيَّ اَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ. وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ. وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ. وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ اِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ. وَلَعَنَ اللّٰهُ ظالِميكُمْ وَغاصِبيكُمْ. وَلَعَنَ اللّٰهُ اَشْياعَهُمْ وَاَتْباعَهُمْ وَاَهْلَ مَذْهَبِهِمْ. وَاَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ.

زيارت جامعهٔ أئمّة الْمؤمنين

زیارت چهارم: زیارتی است که سیّد ابن طاووس و شیخ محمّد بن المشهدی از ائمه علیهم السلام روایت کرده‌اند، با مقدّماتی از دعا و نماز در وقت رفتن به سفر زیارت، و ذکر غسل زیارت و دعای آن، پس گفته‌اند: چون نزدیک شوی به باب مشهد، یعنی به درِ روضهٔ مقدّسه بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي وَفَّقَني لِقَصْدِ وَلِيِّهِ وَزِيارَةِ حُجَّتِهِ وَاَوْرَدَني حَرَمَهُ. وَلَمْ يَبْخَسْني حَظّي مِنْ زِيارَةِ قَبْرِهِ وَالنُّزُولِ بِعَقْوَةِ مُغَيَّبِهِ وَساحَةِ تُرْبَتِهِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَسِمْني بِحِرْمانِ ما اَمَّلْتُهُ. وَلا صَرَفَ عَنّي ما[3] رَجَوْتُهُ. وَلا قَطَعَ رَجائي فيما تَوَقَّعْتُهُ. بَلْ اَلْبَسَني عافِيَتَهُ. وَاَفادَني نِعْمَتَهُ. وَآتاني كَرامَتَهُ.

---

۱. اَتَوَلّیٰ خ ل.
۲. اَتَوَلّیٰ خ ل.
۳. عزمي عنّا خ ل.

پس چون داخل روضهٔ متبرّکه شوی نزد ضریح بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْمُؤْمِنينَ، وَسادَةَ الْمُتَّقينَ، وَكُبَراءَ الصِّدّيقينَ، وَاُمَراءَ الصّالِحينَ، وَقادَةَ الْمُحْسِنينَ، وَاَعْلامَ الْمُهْتَدينَ، وَاَنْوارَ الْعارِفينَ، وَوَرَثَةَ الْاَنْبِياءِ، وَصَفْوَةَ الْاَوْصِياءِ، وَشُمُوسَ الْاَتْقِياءِ، وَبُدُورَ الْخُلَفاءِ، وَعِبادَ الرَّحْمٰنِ، وَشُرَكاءَ الْقُرْآنِ، وَمَناهِجَ الْإيمانِ، وَمَعادِنَ الْحَقائِقِ، وَشُفَعاءَ الْخَلائِقِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَبْوابُ اللّٰهِ، وَمَفاتيحُ رَحْمَتِهِ، وَمَقاليدُ مَغْفِرَتِهِ، وَسَحائِبُ رِضْوانِهِ، وَمَصابيحُ جِنانِهِ، وَحَمَلَةُ فُرْقانِهِ، وَخَزَنَةُ عِلْمِهِ، وَحَفَظَةُ سِرِّهِ وَمَهْبَطُ وَحْيِهِ، وَعِنْدَكُمْ اَماناتُ النُّبُوَّةِ، وَوَدائِعُ الرِّسالَةِ، اَنْتُمْ اُمَناءُ اللّٰهِ وَاَحِبّاؤُهُ، وَعِبادُهُ وَاَصْفِياؤُهُ، وَاَنْصارُ تَوْحيدِهِ، وَاَرْكانُ تَمْجيدِهِ، وَدُعاتُهُ اِلىٰ كُتُبِهِ[1]، وَحَرَسَةُ خَلائِقِهِ وَحَفَظَةُ وَدائِعِهِ[2]، لا يَسْبِقُكُمْ ثَناءُ الْمَلائِكَةِ فِي الْإخْلاصِ وَالْخُشُوعِ، وَلا يُضادُّكُمْ ذُو ابْتِهالٍ وَخُضُوعٍ، اَنّىٰ وَلَكُمُ الْقُلُوبُ الَّتي تَوَلَّى اللّٰهُ رِياضَتَها بِالْخَوْفِ وَالرَّجاءِ، وَجَعَلَها اَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ وَالثَّناءِ وَآمَنَها مِنْ عَوارِضِ الْغَفْلَةِ، وَصَفّاها مِنْ شَواغِلِ الْفَتْرَةِ؟ بَلْ يَتَقَرَّبُ اَهْلُ السَّماءِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكُمْ، وَتَواتُرِ الْبُكاءِ عَلىٰ مُصابِكُمْ وَالْاِسْتِغْفارِ لِشيعَتِكُمْ وَمُحِبّيكُمْ.

فَاَنَا اُشْهِدُ اللّٰهَ خالِقي، وَاُشْهِدُ مَلائِكَتَهُ وَاَنْبِياءَهُ، وَاُشْهِدُكُمْ يا مَوالِيَّ، اَنّي مُؤْمِنٌ بِوِلايَتِكُمْ، مُعْتَقِدٌ لِاِمامَتِكُمْ، مُقِرٌّ بِخِلافَتِكُمْ، عارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ، مُؤْمِنٌ[3] بِعِصْمَتِكُمْ، خاضِعٌ لِوِلايَتِكُمْ، مُتَقَرِّبٌ اِلَى اللّٰهِ بِحُبِّكُمْ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ

---

۱. دينه خ ل. ۲. شرائعه خ ل.

۳. موقن خ ل.

اَعْدائِكُمْ. عالِمٌ بِاَنَّ اللّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ. وَمِنْ كُلِّ رِيبَةٍ وَنَجاسَةٍ وَدَنِيَّةٍ وَرِجاسَةٍ. وَمَنَحَكُمْ رايَةَ الْحَقِّ الَّتي. مَنْ تَقَدَّمَها ضَلَّ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْها زَلَّ. وَفَرَضَ طاعَتَكُمْ عَلىٰ كُلِّ اَسْوَدَ وَاَبْيَضَ.

وَاَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللّهِ وَذِمَّتِهِ وَبِكُلِّ ما اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ في كِتابِهِ. وَدَعَوْتُمْ اِلىٰ سَبيلِهِ. وَاَنْفَذْتُمْ طاقَتَكُمْ في مَرْضاتِهِ. وَحَمَلْتُمُ الْخَلائِقَ عَلىٰ مِنْهاجِ النُّبُوَّةِ وَمَسالِكِ الرِّسالَةِ. وَسِرْتُمْ فيهِ بِسيرَةِ الْاَنْبِياءِ وَمَذاهِبِ الْاَوْصِياءِ. فَلَمْ يُطَعْ لَكُمْ اَمْرٌ وَلَمْ تُصْغَ اِلَيْكُمْ اُذُنٌ. فَصَلَواتُ اللّهِ عَلىٰ اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ.

پس خود را به ضریح بچسبان و بگو:

بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يا حُجَّةَ اللّهِ لَقَدْ اُرْضِعْتَ بِثَدْيِ الْايمانِ. وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْاِسْلامِ. وَغُذّيتَ بِبَرْدِ الْيَقينِ. وَاُلْبِسْتَ حُلَلَ الْعِصْمَةِ. وَاصْطُفيتَ وَوُرِّثْتَ عِلْمَ الْكِتابِ. وَلُقِّنْتَ فَصْلَ الْخِطابِ. وَاُوضِحَ بِكَ مَعارِفُ التَّنْزيلِ وَغَوامِضُ التَّأْويلِ. وَسُلِّمَتْ اِلَيْكَ رايَةُ الْحَقِّ. وَكُلِّفْتَ هِدايَةَ الْخَلْقِ. وَنُبِذَ اِلَيْكَ عَهْدُ الْاِمامَةِ. وَاُلْزِمْتَ حِفْظَ الشَّريعَةِ. وَاَشْهَدُ يا مَوْلايَ اَنَّكَ وَفَيْتَ بِشَرائِطِ الْوَصِيَّةِ. وَقَضَيْتَ ما لَزِمَكَ مِنْ فَرْضِ الطّاعَةِ. وَنَهَضْتَ بِاَعْباءِ الْاِمامَةِ. وَاحْتَذَيْتَ مِثالَ النُّبُوَّةِ فِي الصَّبْرِ وَالْاِجْتِهادِ وَالنَّصيحَةِ لِلْعِبادِ. وَكَظْمِ الْغَيْظِ وَالْعَفْوِ عَنِ النّاسِ. وَعَزَمْتَ عَلَى الْعَدْلِ فِي الْبَرِيَّةِ وَالنَّصَفَةِ فِي الْقَضِيَّةِ. وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْاُمَّةِ بِالدَّلائِلِ الصّادِقَةِ وَالشَّواهِدِ النّاطِقَةِ. وَدَعَوْتَ اِلَى اللّهِ بِالْحِكْمَةِ الْبالِغَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ. فَمَنَعْتَ مِنْ تَقْويمِ الزَّيْغِ وَسَدِّ الثَّلْمِ وَاِصْلاحِ الْفاسِدِ وَكَسْرِ الْمُعانِدِ وَاِحْياءِ السُّنَنِ وَاِماتَةِ الْبِدَعِ. حَتّىٰ فارَقْتَ

الدُّنيا وَاَنْتَ شَهيدٌ، وَلَقِيْتَ رَسُولَ اللّهِ ﷺ وَاَنْتَ حَميدٌ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكَ تَتَرادَفُ وَتَزيدُ

پس برو به نزد پاها و بگو:

يا ساداتي[1] يا آلَ رَسُولِ اللّهِ اِنّي بِكُمْ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّهِ جَلَّ وَعَلا بِالْخِلافِ عَلَى الَّذينَ غَدَرُوا بِكُمْ، وَنَكَثُوا بَيْعَتَكُمْ، وَجَحَدُوا وِلايَتَكُمْ، وَاَنْكَرُوا مَنْزِلَتَكُمْ، وَخَلَعُوا رِبْقَةَ طاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا اَسْبابَ مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا اِلى فَراعِنَتِهِمْ بِالْبَراءَةِ مِنْكُمْ، وَالْاِعْراضِ عَنْكُمْ، وَمَنَعُوكُمْ مِنْ اِقامَةِ الْحُدُودِ، وَاسْتِئْصالِ الْجُحُودِ، وَشَعْبِ الصَّدْعِ، وَلَمِّ الشَّعْثِ، وَسَدِّ الْخَلَلِ، وَتَثْقيفِ الْاَوَدِ، وَاِمْضاءِ الْاَحْكامِ، وَتَهْذيبِ الْاِسْلامِ، وَقَمْعِ الْآثامِ، وَاَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَقْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ، وَاَنْحَوْا عَلَيْكُمْ سُيُوفَ الْاَحْقادِ، وَهَتَكُوا مِنْكُمُ السُّتُورَ، وَابْتاعُوا بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورَ، وَصَرَفُوا صَدَقاتِ الْمَساكينِ اِلَى الْمُضْحِكينَ وَالسّاخِرينَ، وَذلِكَ بِما طَرَّقَتْ لَهُمْ اِلَيْهِ الْفَسَقَةُ الْغُواةُ، وَالْحَسَدَةُ الْبُغاةُ، اَهْلُ النَّكْثِ وَالْغَدْرِ وَالْخِلافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُنْتِنَةِ مِنْ قَذَرِ الشِّرْكِ، وَالْاَجْسادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذينَ اَضَبُّوا عَلَى النِّفاقِ، وَاَكَبُّوا عَلى عَلائِقِ الشِّقاقِ.

فَلَمّا مَضَى الْمُصْطَفى صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْتَطَفُوا الْغِرَّةَ، وَانْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ، وَانْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ، وَغادَرُوهُ عَلى فِراشِ الْوَفاةِ، وَاَسْرَعُوا لِنَقْضِ الْبَيْعَةِ، وَمُخالَفَةِ الْمَواثيقِ الْمُؤَكَّدَةِ، وَخِيانَةِ الْاَمانَةِ الْمَعْرُوضَةِ عَلَى الْجِبالِ الرّاسِيَةِ، وَاَبَتْ اَنْ تَحْمِلَها وَحَمَلَهَا الْاِنْسانُ الظَّلُومُ الْجَهُولُ ذُو الشِّقاقِ

---

۱. يا ساداتي خ ل.

وَالْعِزَّةِ بِالْآثامِ الْمُؤْلِمَةِ، وَالْأَنَفَةِ عَنِ الْانْقِيادِ لِحَمِيدِ الْعاقِبَةِ، فَحَشَرَ سَفَلَةَ الْأَعْرابِ وَبَقايَا الْأَحْزابِ إِلىٰ دارِ النُّبُوَّةِ وَالرِّسالَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَالْمَلائِكَةِ، وَمُسْتَقَرِّ سُلْطانِ الْوِلايَةِ وَمَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ وَالْخِلافَةِ وَالْإِمامَةِ، حَتّىٰ نَقَضُوا عَهْدَ الْمُصْطَفىٰ فِي أَخِيهِ عَلَمِ الْهُدىٰ، وَالْمُبَيِّنِ طَرِيقَ النَّجاةِ مِنْ طُرُقِ الرَّدىٰ، وَجَرَحُوا كَبِدَ خَيْرِ الْوَرىٰ فِي ظُلْمِ ابْنَتِهِ، وَاضْطِهادِ حَبِيبَتِهِ، وَاهْتِضامِ عَزِيزَتِهِ، بَضْعَةِ لَحْمِهِ وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ، وَخَذَلُوا بَعْلَها، وَصَغَّرُوا قَدْرَهُ، وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَهُ، وَقَطَعُوا رَحِمَهُ، وَأَنْكَرُوا أُخُوَّتَهُ، وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ، وَنَقَضُوا بَيْعَتَهُ[1]، وَجَحَدُوا وِلايَتَهُ، وَأَطْمَعُوا الْعَبِيدَ فِي خِلافَتِهِ، وَقادُوهُ إِلىٰ بَيْعَتِهِمْ، مُصْلَتَةً سُيُوفُها، مُشْرَعَةً أَسِنَّتُها، وَهُوَ ساخِطُ الْقَلْبِ، هائِجُ الْغَضَبِ، شَدِيدُ الصَّبْرِ، كاظِمُ الْغَيْظِ، يَدْعُونَهُ إِلىٰ بَيْعَتِهِمُ الَّتِي عَمَّ شُؤْمُهَا الْإِسْلامَ، وَزَرَعَتْ فِي قُلُوبِ أَهْلِهَا الْآثامَ، وَعَنَّفَتْ سَلْمانَها، وَطَرَدَتْ مِقْدادَها، وَنَفَتْ جُنْدُبَها، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمّارِها، وَحَرَّفَتِ الْقُرْآنَ، وَبَدَّلَتِ الْأَحْكامَ، وَغَيَّرَتِ الْمَقامَ، وَأَباحَتِ الْخُمْسَ لِلطُّلَقاءِ، وَسَلَّطَتْ أَوْلادَ اللُّعَناءِ عَلَى الْفُرُوجِ وَالدِّماءِ، وَخَلَطَتِ الْحَلالَ بِالْحَرامِ، وَاسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمانِ وَالْإِسْلامِ، وَهَدَمَتِ الْكَعْبَةَ، وَأَغارَتْ عَلىٰ دارِ الْهِجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ، وَأَبْرَزَتْ بَناتِ الْمُهاجِرِينَ وَالْأَنْصارِ لِلنَّكالِ وَالسَّوْءَةِ، وَأَلْبَسَتْهُنَّ ثَوْبَ الْعارِ وَالْفَضِيحَةِ، وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ الشُّبْهَةِ فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ، وَإِبادَةِ نَسْلِهِ، وَاسْتِئْصالِ شَأْفَتِهِ، وَسَبْيِ حَرَمِهِ، وَقَتْلِ أَنْصارِهِ، وَكَسْرِ مِنْبَرِهِ، وَقَلْبِ مَفْخَرِهِ، وَإِخْفاءِ دِينِهِ، وَقَطْعِ ذِكْرِهِ.

---

۱. طاعته خ ل.

يا مَوالِيَّ فَلَو عايَنَكُمُ الْمُصْطَفىٰ وَسِهامُ الْأُمَّةِ مُغْرَقَةٌ فِي أَكْبادِكُمْ، وَرِماحُهُمْ مُشْرَعَةٌ في نُحُورِكُمْ، وَسُيُوفُهُمْ مُوْلَعَةٌ في دِمائِكُمْ، يَشْفي أَبْناءُ الْعَواهِرِ غَليلَ الْفِسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ، وَغَيْظَ الْكُفْرِ مِنْ إيمانِكُمْ، وَأَنْتُمْ بَيْنَ صَريعٍ فِي الْمِحْرابِ قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هامَتَهُ، وَشَهيدٍ فَوْقَ الْجَنازَةِ قَدْ شُبِّكَتْ بِالسِّهامِ أَكْفانُهُ، وَقَتيلٍ بِالْعَراءِ قَدْ رُفِعَ فَوْقَ الْقَناةِ رَأْسُهُ، وَمُكَبَّلٍ فِي السِّجْنِ قَدْ رُضَّتْ بِالْحَديدِ أَعْضاؤُهُ، وَمَسْمُومٍ قَدْ قُطِّعَتْ بِجُرَعِ السُّمِّ أَمْعاؤُهُ، وَشَمْلُكُمْ عَباديدُ تُفْنيهِمُ الْعَبيدُ وَأَبْناءُ الْعَبيدِ، فَهَلِ الْمِحَنُ يا سادَتي إِلَّا الَّتي لَزِمَتْكُمْ، وَالْمَصائِبُ إِلَّا الَّتي عَمَّتْكُمْ، وَالْفَجائِعُ إِلَّا الَّتي خَصَّتْكُمْ، وَالْقَوارِعُ إِلَّا الَّتي طَرَقَتْكُمْ؟ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس ببوس قبر را و بگو:

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي يا آلَ الْمُصْطَفىٰ، إِنّا لا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشاهِدِكُمْ، وَنُعَزِّيَ فيها أَرْواحَكُمْ عَلىٰ هٰذِهِ الْمَصائِبِ الْعَظيمَةِ الْحالَّةِ بِفِنائِكُمْ، وَالرَّزايَا الْجَليلَةِ النّازِلَةِ بِساحَتِكُمْ، الَّتي أَثْبَتَتْ[1] في قُلُوبِ شيعَتِكُمُ الْقُرُوحَ، وَأَوْرَثَتْ أَكْبادَهُمُ الْجُرُوحَ، وَزَرَعَتْ في صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ، وَنَحْنُ نُشْهِدُ اللّٰهَ أَنّا قَدْ شارَكْنا أَوْلِياءَكُمْ وَأَنْصارَكُمُ الْمُتَقَدِّمينَ في إِراقَةِ دِماءِ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَقَتَلَةِ أَبي عَبْدِاللّٰهِ سَيِّدِ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ السَّلامُ يَوْمَ كَرْبَلاءَ بِالنِّيّاتِ وَالْقُلُوبِ، وَالتَّأَسُّفِ عَلىٰ فَوْتِ تِلْكَ الْمَواقِفِ الَّتي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ، وَاللّٰهُ وَلِيُّنا يُبَلِّغُكُمْ مِنّا

---

۱. أَنْبَتَتْ خ ل.

السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس قبر را میان خود و قبله قرار ده، یعنی بایست در پشت سر و بگو:

اللّهُمَّ يا ذا القُدْرَةِ الَّتي صَدَرَ عَنها العالَمُ، مُكَوَّناً مَبْرُوءً عَلَيْها، مَفْطُوراً تَحْتَ ظِلِّ العَظَمَةِ، فَنَطَقَتْ شَواهِدُ صُنْعِكَ فيهِ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبارِؤُهُ وَفاطِرُهُ، ابْتَدَعْتَهُ لا مِنْ شَيْءٍ، وَلا عَلىٰ شَيْءٍ، وَلا في شَيْءٍ، وَلا لِوَحْشَةٍ دَخَلَتْ عَلَيْكَ إِذْ لا غَيْرُكَ، وَلا حاجَةٍ بَدَتْ لَكَ في تَكْوينِهِ، وَلا لاسْتِعانَةٍ مِنْكَ عَلىٰ ما تَخْلُقُ بَعْدَهُ، بَلْ أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَليلاً عَلَيْكَ بِأَنَّكَ بائِنٌ مِنَ الصُّنْعِ، فَلا يُطيقُ المُتَّصِفُ بِعَقْلِهِ إِنْكارَكَ، وَالمَوْسُومُ بِصِحَّةِ المَعْرِفَةِ جُحُودَكَ، أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ الإِخْلاصِ في تَوْحيدِكَ، وَحُرْمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتابِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ آدَمَ بَديعِ فِطْرَتِكَ، وَبِكْرِ حُجَّتِكَ، وَلِسانِ قُدْرَتِكَ، وَالخَليفَةِ في بَسيطَتِكَ، وَعَلىٰ مُحَمَّدٍ الخالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالفاحِصِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ، وَالغائِصِ المَأْمُونِ عَلىٰ مَكْنُونِ سَريرَتِكَ بِما أَوْلَيْتَهُ مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ، وَعَلىٰ مَنْ بَيْنَهُما مِنَ النَّبِيّينَ وَالمُكْرَمينَ وَالأَوْصِياءِ وَالصِّدّيقينَ، وَأَنْ تَهَبَني لِإِمامي هٰذا.

پس پهلوی روی خود را بر ضریح بگذار و بگو:

اللّهُمَّ بِمَحَلِّ هٰذَا السَّيِّدِ مِنْ طاعَتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ، لا تُمِتْني فُجْأَةً وَلا تَحْرِمْني تَوْبَةً، وَارْزُقْنِي الوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ دُنْياً وَديناً، وَاشْغَلْني بِالآخِرَةِ عَنْ طَلَبِ الأُولىٰ، وَوَفِّقْني لِما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ، وَجَنِّبْني اتِّباعَ الهَوىٰ، وَالاغْتِرارَ بِالأَباطيلِ وَالمُنىٰ.

اللّهُمَّ اجْعَلِ السَّدادَ في قَوْلي، وَالصَّوابَ في فِعْلي، وَالصِّدْقَ وَالوَفاءَ في

ضماني وَوَعدي، وَالحِفظَ وَالإيناسَ مَقرُونَينِ بِعَهدي وَعَقدي، وَالبِرَّ وَالإحسانَ مِنْ شأني وَخُلقي، وَاجْعَلِ السَّلامَةَ لي شامِلَةً، وَالعافِيَةَ بي مُحيطَةً مُلتَفَّةً، وَلَطيفَ صُنعِكَ وَعَونِكَ مَصرُوفاً إلَيَّ، وَحُسْنَ تَوفيقِكَ وَيُسْرِكَ مَوفُوراً عَلَيَّ، وَأحيِني يا رَبِّ سَعيداً، وَتَوَفَّني شَهيداً، وَطَهِّرني لِلمَوتِ وَما بَعدَهُ.

اللّهُمَّ وَاجْعَلِ الصِّحَّةَ وَالنُّورَ في سَمعي وَبَصَري، وَالجِدَةَ وَالخَيرَ في طُرُقي، وَالهُدىٰ وَالبَصيرَةَ في ديني وَمَذهَبي، وَالميزانَ أبَداً نَصبَ عَيني، وَالذِّكرَ وَالمَوعِظَةَ شِعاري وَدِثاري، وَالفِكرَةَ وَالعِبرَةَ اُنسي وَعِمادي، وَمَكِّنِ اليَقينَ في قَلبي، وَاجْعَلهُ أوثَقَ الأشياءِ في نَفسي، وَأغلِبهُ عَلىٰ رَأيي وَعَزمي، وَاجْعَلِ الرَّشادَ في عَمَلي، وَالتَّسليمَ لِأمرِكَ مِهادي وَسَندي، وَالرِّضا بِقَضائِكَ وَقَدَرِكَ أقصىٰ عَزمي وَنِهايَتي، وَأبعَدَ هَمّي وَغايَتي، حَتّىٰ لا أتَّقيَ أحَداً مِنْ خَلقِكَ بِديني، وَلا أطلُبَ بِهِ غَيرَ آخِرَتي، وَلا أستَدعِيَ مِنهُ إطرائي وَمَدحي، وَاجْعَلْ خَيرَ العَواقِبِ عاقِبَتي، وَخَيرَ المَصائِرِ مَصيري، وَأنعَمَ العَيشِ عَيشي، وَأفضَلَ الهُدىٰ هُدايَ، وَأوفَرَ الحُظُوظِ حَظّي، وَأجزَلَ الأقسامِ قِسمي وَنَصيبي، وَكُنْ لي يا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيّاً، وَإلىٰ كُلِّ خَيرٍ دَليلاً وَقائِداً، وَمِنْ كُلِّ باغٍ وَحَسُودٍ ظَهيراً وَمانِعاً.

اللّهُمَّ بِكَ اعْتِدادي وَعِصمَتي، وَثِقَتي وَتَوفيقي، وَحَولي وَقُوَّتي، وَلَكَ مَحيايَ وَمَماتي، وَفي قَبضَتِكَ سُكُوني وَحَرَكَتي، وَإنَّ بِعُروَتِكَ الوُثقىٰ استِمساكي وَوُصلَتي، وَعَلَيكَ فِي الاُمُورِ كُلِّها اعْتِمادي وَتَوَكُّلي، وَمِنْ عَذابِ

جَهَنَّمَ وَمَسَّ سَقَرَ نَجاتي وَخَلاصي • وَفي دارِ أَمْنِكَ وَكَرامَتِكَ مَثْوايَ وَمُنْقَلَبي • وَعَلىٰ أَيْدي ساداتي وَمَواليَّ آلِ الْمُصْطَفىٰ فَوْزي وَفَرَجي.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ • وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَما وَلَدا • وَأَهْلِ بَيْتي وَجيراني وَلِكُلِّ مَنْ قَلَّدَني يَداً مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظيمٍ • وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس سیّد ابن طاووس رحمه الله دعایی ذکر نموده و فرموده که این دعا را بعد از زیارت هر یک از ائمه بخوانند، و چون دعا مختصّ به این زیارت نیست بلکه عقب هر زیارتی خوانده می‌شود لذا ما در فصل آینده بعد از چند سطر دیگر ذکر می‌نماییم إن شاء اللّٰه.

و بدان که زیارت‌های جامعه بسیارند و ما به همین قدر اکتفا می‌نماییم و یکی از آن‌ها زیارت معروف به «امین اللّٰه» است که ما آن را در باب زیارت رجبیّه زیارت دوّم قرار دادیم و إن شاء اللّٰه در باب یازدهم، در اعمال ماه رجب ذکر خواهیم نمود، پس آنچه در این رسالهٔ شریفه از زیارت‌های جامعه ذکر شده، شش زیارت است.

زیارت جامعه

بدان که عالم جلیل شیخ شرف الدّین نجفی تلمیذ محقّق ثانی رحمه الله در کتاب شریف *تأویل الآیات الباهره* در سورهٔ مبارکه نحل در ذیل آیهٔ شریفه «وَأَوْحىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» این زیارت را از مزاری که در خزانهٔ عامرهٔ غرویّه دیده بود، نقل کرده و شیخ مرحوم ثقة الاسلام نوری ـطاب ثراهـ این زیارت را در زیارت‌های جامعه مستدرک *مزار بحار* و در *تحیّة الزائر* نقل نموده، و لفظ زیارت این است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْفِئَةِ[1] الْهاشِمِيَّةِ • وَالْمِشْكاةِ الْباهِرَةِ النَّبَوِيَّةِ •

---

۱. القبّة خ ل.

وَالدَّوْحَةِ الْمُبارَكَةِ الْاَحْمَدِيَّةِ. وَالشَّجَرَةِ الْمَيْمُونَةِ الرَّضِيَّةِ. الَّتي تَنْبَعُ[1] بِالنُّبُوَّةِ. وَتَفْرَعُ بِالرِّسالَةِ. وَتُثْمِرُ بِالْاِمامَةِ. وَتُغْذي يَنابيعَ الْحِكْمَةِ. وَتُسْقىٰ مِنْ مُصَفَّى الْعَسَلِ وَالْماءِ الْعَذْبِ الْغَدَقِ. الَّذي فيهِ حَياةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ الْاَبْصارِ. الْمُوحىٰ اِلَيْهِ بِاَكْلِ الثَّمَراتِ وَاتِّخاذِ الْبُيُوتاتِ مِنَ الْجِبالِ وَالشَّجَرِ وَمِمّا يَعْرِشُونَ. السّالِكِ سُبُلَ[2] رَبِّهِ الَّتي مَنْ رامَ غَيْرَها ضَلَّ. وَمَنْ سَلَكَ سِواها هَلَكَ. يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوانُهُ فيهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ. الْمُسْتَمِعِ الْواعِيَ الْقابِلِ الدّاعي.

زیارت جامعه المسمّیٰ باثنیٰ عشریّه

و حقیر نیز در بعض مجامیع معتبره دیدم نوشته بود: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ این زیارتی است مختصر که زیارت کرده می‌شود به آن هر یک از ائمه اثنی عشر، و جاری شد بر زبان این فقیر بهاء الدّین عاملی و نامیدم آن را به اثنی عشریّه به جهت آن که هر فقره‌ای از آن بدون حرف عطف دوازده حرف است و زیارت این است:

سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ بَيْتِ الْعِصْمَةِ وَمَفاتيحَ الرَّحْمَةِ. وَالْاَوْصِياءَ بِالْحَقِّ وَالْهادينَ لِلْخَلْقِ. سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ مَعالِمَ دينِ اللّٰهِ. وَمَظاهِرَ حِكَمِ اللّٰهِ. وَمَهابِطَ وَحْيِ اللّٰهِ. وَحَمَلَةَ كِتابِ اللّٰهِ. وَاَوْصِياءَ رَسُولِ اللّٰهِ. سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اَعْلامَ الْهِدايَةِ. وَاَقْطابَ الْوِلايَةِ. وَاَنْوارَ الْمَلَكُوتِ. وَاَسْرارَ اللّاهُوتِ. وَيَنابيعَ الْعُلُومِ عَنِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ مَصابيحَ الظَّلامِ. وَساداتِ الْاِسْلامِ. وَهُداةَ دارِ السَّلامِ. وَاَئِمَّةَ كُلِّ الْاَنامِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

---

۱. تنبغ خ ل.   ۲. سبیل خ ل.



فصل دوّم

در بیان بعضی از ادعیهٔ شریفه

که در هریک از مشاهد مشرّفه بعد از زیارت خوانده می‌شود

بدان که دعاهایی که بعد از زیارت ائمه‌ عليهم السلام خوانده شود بسیار است، و احسن آن‌ها به حسب مضامین و اعتبار، دعاهایی است که در این جا ذکر می‌شود، سزاوار است که زائرین غنیمت دانسته و در خواندن آن‌ها مسامحه نکنند. از جمله دعایی است که شیخ مفید رحمه الله آن را ایراد فرموده و سیّد ابن طاووس بعد از زیارت جامعهٔ سابقه ذکر نموده و فرموده‌اند که این دعا را بعد از زیارت هر یک از ائمه‌ عليهم السلام بخوانند:

اللّهُمَّ اِنّي زُرْتُ هٰذَا الْإِمامَ مُقِرّاً بِاِمامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ • فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبي وَعُيُوبي وَمُوبِقاتِ آثامي وَكَثْرَةِ سَيِّئاتي وَخَطايايَ وَما تَعْرِفُهُ مِنّي • مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ • مُسْتَعيذاً بِحِلْمِكَ • راجِياً رَحْمَتَكَ • لاجِئاً اِلىٰ رُكْنِكَ • عائِذاً بِرَأْفَتِكَ • مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَابْنِ[1] اَوْلِيائِكَ • وَصَفِيِّكَ وَابْنِ[2] اَصْفِيائِكَ • وَاَمينِكَ وَابْنِ[3] اُمَنائِكَ • وَخَليفَتِكَ وَابْنِ[4] خُلَفائِكَ • الَّذينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسيلَةَ اِلىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ • وَالذَّريعَةَ اِلىٰ رَأْفَتِكَ وَغُفْرانِكَ.

اللّهُمَّ وَاَوَّلُ حاجَتي اِلَيْكَ اَنْ تَغْفِرَ لي ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبي عَلىٰ كَثْرَتِها • وَاَنْ تَعْصِمَني فيما بَقِيَ مِنْ عُمْري • وَتُطَهِّرَ ديني مِمّا يُدَنِّسُهُ وَيَشينُهُ وَيُزْري بِهِ • وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسادِ وَالشِّرْكِ • وَتُثَبِّتَني عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ النُّجَباءِ السُّعَداءِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُكَ وَسَلامُكَ وَبَرَكاتُكَ • وَتُحْيِيَني ما اَحْيَيْتَني عَلىٰ طاعَتِهِمْ • وَتُميتَني اِذا اَمَتَّني

---

۱. ۴. اگر بعد از زیارت حضرت امیر المؤمنین عليه السلام باشد به جای «وابنِ» در فقرات اربعه «وأبي» بگوید.

عَلى طاعَتِهِمْ. وَأَنْ لا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدائِهِمْ وَمُرافَقَةَ أَوْلِيائِهِمْ وَبِرَّهُمْ.

وَأَسْأَلُكَ يا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذٰلِكَ مِنّي. وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ عِبادَتَكَ وَالْمُواظَبَةَ عَلَيْها وَتُنَشِّطَني لَها. وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعاصِيَكَ وَمَحارِمَكَ وَتَدْفَعَني عَنْها. وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصيرَ في صَلَواتي وَالْاِسْتِهانَةَ بِها وَالتَّراخِيَ عَنْها. وَتُوَفِّقَني لِتَأْدِيَتِها وَالْقِيامِ بِحَقِّها كَما فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلىٰ سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً. وَتَشْرَحَ صَدْري لِإيتاءِ الزَّكاةِ وَإِعْطاءِ الصَّدَقاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسانِ إِلىٰ شيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَمُواساتِهِمْ. وَلا تَتَوَفّاني إِلّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَزِيارَةَ قَبْرِ رَسُولِكَ وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.

وَأَسْأَلُكَ يا رَبِّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضاها. وَنِيَّةً خالِصَةً تَحْمَدُها. وَعَمَلاً صالِحاً تَقْبَلُهُ. وَأَنْ تَغْفِرَ لي وَتَرْحَمَني إِذا تَوَفَّيْتَني. وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ سَكَراتِ الْمَوْتِ. وَتَحْشُرَني في زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ. وَتَجْعَلَ دَمْعي غَزيراً في طاعَتِكَ. وَعَبْرَتي جارِيَةً فيما يُقَرِّبُني مِنْكَ. وَقَلْبي عَطُوفاً عَلىٰ أَوْلِيائِكَ. وَتَصُونَني في هٰذِهِ الدُّنْيا مِنَ الْعاهاتِ وَالْآفاتِ وَالْأَمْراضِ الشَّديدَةِ وَالْأَسْقامِ الْمُزْمِنَةِ وَجَميعِ أَنْواعِ الْبَلايا وَالْحَوادِثِ. وَتَصْرِفَ قَلْبي إِلىٰ مَحَبَّتِكَ. وَتُبَعِّدَني عَنِ الْحَرامِ. وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعاصِيَكَ. وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلالَ وَتَفْتَحَ لي أَبْوابَهُ. وَتُثَبِّتَ نِيَّتي وَفِعْلي عَلَيْهِ. وَتَمُدَّ في عُمْري. وَتُغْلِقَ أَبْوابَ الْمِحَنِ عَنّي. وَلا تَسْلُبَني ما مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ. وَلا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ. وَلا تَنْتَزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ. وَتَزيدَني فيما خَوَّلْتَني وَتُضاعِفَهُ أَضْعافاً مُضاعَفَةً.

وَتَرْزُقَني مالاً كَثيراً واسِعاً سائِغاً هَنيئاً نامِياً وافِياً، وَعِزّاً باقِياً كافِياً، وَجاهاً عَريضاً مَنيعاً، وَنِعْمَةً سابِغَةً عامَّةً، تُغْنيني بِذٰلِكَ عَنِ الْمَطالِبِ الْمُنَكَّدَةِ وَالْمَوارِدِ الصَّعْبَةِ، وَتُخَلِّصَني مِنْها مُعافىً في ديني و نَفْسي وَوُلْدي وَما أَعْطَيْتَني وَمَنَحْتَني، وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مالي وَجَميعَ ما خَوَّلْتَني، وَتَقْبِضَ عَنّي أَيْدِيَ الْجَبابِرَةِ، وَتَرُدَّني إِلىٰ وَطَني، وَتُبَلِّغَني نِهايَةَ أَمَلي في دُنْيايَ وَآخِرَتي، وَتَجْعَلَ عاقِبَةَ أَمْري مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَليمَةً، وَتَجْعَلَني رَحيبَ الصَّدْرِ واسِعَ الْحالِ، حَسَنَ الْخُلُقِ، بَعيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ وَالنِّفاقِ وَالْكِذْبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ، و تُرَسِّخَ في قَلْبي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَني يا رَبِّ في نَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَوُلْدي وَأَهْلِ حُزانَتي وَإِخْواني وَأَهْلِ مَوَدَّتي وَذُرِّيَّتي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ.

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ حاجاتي عِنْدَكَ وَقَدِ اسْتَكْثَرْتُها لِلُؤْمي وَشُحّي، وَهِيَ عِنْدَكَ صَغيرَةٌ حَقيرَةٌ، وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسيرَةٌ، فَأَسْأَلُكَ بِجاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِما أَوْجَبْتَ لَهُمْ، وَبِسائِرِ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَأَوْلِيائِكَ الْمُخْلِصينَ مِنْ عِبادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَما قَضَيْتَها كُلَّها، وَأَسْعَفْتَني بِها وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلي وَرَجائي.

اَللّٰهُمَّ وَشَفِّعْ صاحِبَ هٰذَا الْقَبْرِ فِيَّ، يا سَيِّدي يا وَلِيَّ اللّٰهِ يا أَمينَ اللّٰهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لي إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ في هٰذِهِ الْحاجاتِ كُلِّها، بِحَقِّ آبائِكَ الطّاهِرينَ وَبِحَقِّ أَوْلادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ ـ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُهُ ـ الْمَنْزِلَةَ الشَّريفَةَ وَالْمَرْتَبَةَ الْجَليلَةَ وَالْجاهَ الْعَريضَ وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ.

اَللّٰهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هٰذَا الْإِمامِ وَمِنْ آبائِهِ وَأَبْنائِهِ

الطّاهِرينَ عَلَيهِمُ السَّلامُ وَالصَّلاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي، وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامَ حاجاتي وَطَلِباتي هٰذِهِ، فَاسْمَعْ مِنّي، وَاسْتَجِبْ لي، وَافْعَلْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اَللّٰهُمَّ وَما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتي، وَعَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتي، وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتي مِنْ صالِحِ ديني وَدُنْيايَ وَآخِرَتي، فَامْنُنْ بِهِ عَلَيَّ، وَاحْفَظْني وَاحْرُسْني وَهَبْ لي وَاغْفِرْ لي، وَمَنْ اَرادَني بِسُوءٍ اَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيطانٍ مَريدٍ، اَوْ سُلْطانٍ عَنيدٍ اَوْ جَبّارٍ شَديدٍ، اَوْ مُخالِفٍ في دينٍ اَوْ مُنازِعٍ في دُنْيا، اَوْ حاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً، اَوْ ظالِمٍ اَوْ باغٍ فَاقْبِضْ عَنّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ وَاشْغَلْهُ عَنّي بِنَفْسِهِ، وَاكْفِني شَرَّهُ وَشَرَّ اَتْباعِهِ وَشَياطينِهِ[1]، وَاَجِرْني مِنْ كُلِّ ما يَضُرُّني وَيُجْحِفُ بي، وَاَعْطِني جَميعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمّا اَعْلَمُ وَمِمّا لا اَعْلَمُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَلِاِخْواني وَاَخَواتي، وَاَعْمامي وَعَمّاتي، وَاَخْوالي وَخالاتي، وَاَجْدادي وَجَدّاتي، وَاَوْلادِهِمْ وَذَراريهِمْ، وَاَزْواجي وَذُرِّيّاتي، وَاَقْرِبائي وَاَصْدِقائي وَجيراني، وَاِخْواني فيكَ مِنْ اَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، وَلِجَميعِ اَهْلِ مَوَدَّتي مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ، وَلِجَميعِ مَنْ عَلَّمَني خَيْراً اَوْ تَعَلَّمَ مِنّي عِلْماً.

اَللّٰهُمَّ اَشْرِكْهُمْ في صالِحِ دُعائي وَزِيارَتي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ، وَاَشْرِكْني في صالِحِ اَدْعِيَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

---

۱. وَاَشیاعه خ ل.

يا سَيِّدي يا مَوْلايَ يا فلانَ بنَ فلانٍ[1] صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. اَنْتَ وَسيلَتي اِلَى اللّٰهِ وَذَريعَتي اِلَيْهِ. وَلي حَقُّ مُوالاتي وَتَأْميلي. فَكُنْ شَفيعي اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلىٰ قَضاءِ حاجَتي هٰذِهِ. وَصَرْفي عَنْ مَوْقِفي هٰذا بِالنُّجْحِ بِما سَأَلْتُهُ كُلِّهِ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ.

اللّٰهُمَّ ارْزُقْني عَقلاً كامِلاً. وَلُبّاً راجِحاً. وَعِزّاً باقِياً. وَقَلْباً زَكِيّاً. وَعَمَلاً كَثيراً. وَاَدَباً بارِعاً. وَاجْعَلْ ذٰلِكَ كُلَّهُ لي وَلا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

دعای بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم‌السلام

و از جمله نیز دعایی است که سیّد و شیخ مفید رحمه‌الله ذکر نموده‌اند و فرموده‌اند که خواندن این دعا بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم‌السلام مستحب است:

اللّٰهُمَّ اِنْ كانَتْ ذُنُوبي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ. وَحَجَبَتْ دُعائي عَنْكَ. وَحالَتْ بَيْني وَبَيْنَكَ. فَاَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُقْبِلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ. وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ. وَتُنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكاتِكَ. وَاِنْ كانَتْ قَدْ مَنَعَتْ اَنْ تَرْفَعَ لي اِلَيْكَ صَوْتاً. اَوْ تَغْفِرَ لي ذَنْباً. اَوْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطيئَةٍ مُهْلِكَةٍ. فَها اَنَا ذا مُسْتَجيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلالِكَ. مُتَوَسِّلٌ اِلَيْكَ مُتَقَرِّبٌ اِلَيْكَ بِاَحَبِّ خَلْقِكَ اِلَيْكَ. وَاَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ. وَاَوْلاهُمْ بِكَ. وَاَطْوَعِهِمْ لَكَ. وَاَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً وَمَكاناً عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ. وَبِعِتْرَتِهِ الطّاهِرينَ الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ الَّذينَ فَرَضْتَ عَلىٰ خَلْقِكَ طاعَتَهُمْ. وَاَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ. وَجَعَلْتَهُمْ وُلاةَ الْاَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

---

۱. به جای «فلان بن فلان» نام امامی را که زیارت می‌کند و نام پدر بزرگوار او را ببرد.

وَآلِهِ، يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ، وَيا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ، بَلَغَ مَجْهُودي فَهَبْ لي نَفْسِيَ السّاعَةَ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ، تَمُنُّ بِها عَلَيَّ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس ضریح را ببوس و هر دو طرف رو را بر ضریح بگذار و بگو:

اللّهُمَّ إِنَّ هذا مَشْهَدٌ لا يَرْجُو مَنْ فاتَتْهُ فيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَنالَها في غَيْرِهِ، وَلا أَحَدٌ أَشْقىٰ مِنِ امْرِئٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلاً فَآبَ عَنْهُ خائِباً. اللّهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ[1] الْإِيابِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَالْمُناقَشَةِ عِنْدَ الْحِسابِ، وَحاشاكَ يا رَبِّ أَنْ تَقْرِنَ طاعَةَ وَلِيِّكَ بِطاعَتِكَ، وَمُوالاتَهُ بِمُوالاتِكَ، وَمَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِكَ، ثُمَّ تُؤْيِسَ زائِرَهُ وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبِلادِ إِلىٰ قَبْرِهِ، وَعِزَّتِكَ يا رَبِّ لا يَنْعَقِدُ عَلىٰ ذٰلِكَ ضَميري، إِذْ كانَتِ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ بِالْجَميلِ تُشيرُ.

و شیخ مفید گفته است که پس بگو: يا وَلِيَّ اللّهِ إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها إِلّا رِضاكَ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ، وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ، تَوَلَّ صَلاحَ حالي مَعَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظّي مِنْ زِيارَتِكَ تَخْليطي بِخالِصي زُوّارِكَ الَّذينَ تَسْأَلُ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ في عِتْقِ رِقابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِ في حُسْنِ ثَوابِهِمْ، وَها أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لائِذٌ، وَبِحُسْنِ دِفاعِكَ عَنّي عائِذٌ، فَتَلافَني يا مَوْلايَ وَأَدْرِكْني، وَاسْأَلِ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ في أَمْري، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّهِ مَقاماً كَريماً وَجاهاً عَظيماً، صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

و سیّد ابن طاووس گفته که پس از آن، نماز زیارت بگذار و هنگام وداع و بازگشت بگو: السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ... تا آخر زیارت وداع، که در همین باب [صفحه ۴۱۶] خواهد آمد إن شاء اللّه تعالی.

---

۱. سوء خ ل.

مؤلّف گوید که: شایسته است که زائر چون خواهد دعا کند در مشاهد مشرّفه، بلکه هر دعا کننده در هر کجا که باشد برای هر مطلبی و حاجتی، آن‌که مقدّم دارد بر دعای خود، دعا برای سلامتی وجود مقدّس حجّت عصر حضرت صاحب الامر ـ صلوات اللّه علیه و علی آبائه ـ را، و این مطلب، بسیار مهم و دارای فوائد مهمّه است که شرحش مناسب این جا نیست.

و شیخ مرحوم در باب دهم کتاب نجم ثاقب این مطلب را مشروحاً ذکر نموده و بعضی از ادعیهٔ مخصوصه به این مقام را ذکر نموده است، هرکه خواهد به آن‌جا رجوع کند[1]. و مختصرترین آن‌ها دعایی است که شیخ کلینی و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس و محمّد بن المشهدی و دیگران در اعمال شب بیست و سوّم ماه رمضان ذکر کرده‌اند، به این طریق که از ائمه علیهم السلام روایت شده که فرمودند: مکرّر می‌خوانی در شب بیست و سوّم ماه رمضان در حال سجود و در حال قیام و حال قعود و در هر حالی که باشی و در همهٔ آن ماه و هر جور که ممکنت باشد و در هر وقت از اوقات که باشد می‌گویی بعد از تحمید و تمجید حق تعالی و صلوات بر پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله:

اَللّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِي في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي كُلِّ ساعَةٍ مِنْ ساعاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَلِيّاً وَحافِظاً وَقائِداً وَناصِراً وَدَليلاً وَعَيْناً حَتّىٰ تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فيها طَويلاً.



فصل سوّم

در بیان زیارت‌های حجج طاهره علیهم السلام در شهرهای دور

بدان که از موارد سزاوار برای انسان، زیارت کردن رسول خدا و ائمه علیهم السلام است، اگر چه در شهرهای دور باشد و سزاوار است که در هر روز، بلکه در عقب هر نماز فریضه آن را انجام دهد و در باب زیارتِ پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله کیفیّت زیارت آن حضرت را در عقب نمازها ذکر کردیم، و شیخ شهید در کتاب دروس فرموده: که مستحب است زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام در هر روز جمعه اگرچه از دور باشد، و اگر بر مکان بلندی بالا رود و زیارت کند افضل است. انتهی.

و ابن بابویه رحمه اللّه از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله روایت کرده که فرمودند: «خدا را ملکی چند هست که در

---

۱. و ما در باب زیارت آن حضرت نیز اشاره به این مطلب نمودیم و دعایی نیز در آن‌جا نقل کردیم، به آن‌جا رجوع شود. (منه رحمه اللّه).

روی زمین سیاحت می‌کنند و هرکه از امّت من بر من سلام کند به من می‌رسانند» و در روایت دیگر فرمودند که: «هرکه در هر جای زمین بر من سلام کند به من می‌رسد، و هرکه نزد قبر من بر من سلام کند می‌شنوم». و به این مضامین اخبار وارد شده، و علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله جمله‌ای از آن را ذکر نموده و بعد از آن فرموده که: احادیث صلوات و سلام بر آن حضرت و زیارت آن حضرت در شهرهای دور بسیار است. و در *کامل الزیارة* به سند صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که: «کسی که [منطقه و] ناحیه‌اش بعید و خانه‌اش از ما دور باشد، پس بالا رود به بام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بگذارد و سلام کند به سوی قبرهای ما، که آن سلام به ما می‌رسد». و شیخ طوسی رحمه‌الله در *تهذیب* نیز این حدیث را از آن حضرت روایت کرده، پس از آن فرموده که: زیارت می‌توان کرد ائمه علیهم‌السلام را از دور، چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت می‌کنند امّا در جایی که «اَتَیْتُكَ زائِراً» باشد این را بگوید:

قَصَدْتُكَ بِقَلْبي زائِراً اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ • وَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ سَلامي لِعِلْمي اَنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ • فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ.

و دعا کن آن چه خواهی و نیز از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که به سدیر فرمود که: «بسیار زیارت می‌کنی قبر حسین بن علی را؟»، گفت: از بسیاری شغل مرا مقدور نمی‌شود. فرمود که: «می‌خواهی تو را چیزی تعلیم کنم که هرگاه [عمل] بکنی از برای تو زیارت آن حضرت نوشته شود؟» گفت: بلی فدای تو شوم. فرمود که: «غسل بکن در خانهٔ خود و بالا رو به بام خانهٔ خود و اشاره کن به جانب آن حضرت به سلام کردن تا نوشته شود از برای تو ثواب زیارت».

مؤلّف گوید که: از این حدیث و احادیث دیگر معلوم می‌شود که غسل زیارت از برای زیارت دور مستحبّ است و از بعضی هم مفهوم می‌شود که بی‌غسل نیز می‌توان کرد و نیز از احادیث پیش معلوم شد که نماز زیارت دور را پیش از زیارت باید انجام داد، امّا در حدیث طولانی حنّان بن سدیر که کیفیّت زیارت دور را از حضرت صادق علیه‌السلام آموخت، فرموده نماز زیارت بعد از زیارت است. و لهذا علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله قائل به تخییر شده. و تفصیل کلام در فصل زیارت عاشورا مذکور شد.

و علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در *تحفه* فرموده و در حدیث معتبر منقول است از سلیمان بن عیسی که گفت: عرض کرد پدرم به خدمت حضرت صادق علیه‌السلام که چگونه تو را زیارت کنم هرگاه قادر بر

آمدن نباشم. فرمود که: «ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو به بام خانه خود و دو رکعت نماز بگذار و متوجه شو به سوی من به درستی که هرکه مرا زیارت کند در حیات من، چنان است که مرا زیارت کند بعد از موت من، و کسی که مرا زیارت کند بعد از موت من چنان است که مرا زیارت کرده باشد در حیات من». پس آن مرحوم فرموده که: این حدیث دلالت می‌کند بر آن‌که در این زمان‌ها، حضرت صاحب الامر علیه السلام را در همه موضع، زیارت می‌توان کرد، و اگر روی به سامره کند در وقت زیارت بهتر است.

زیارت سید الشهداء علیه السلام از نزدیک و دور در همه اوقات

و نیز در تحفه فرموده که: بعضی از اکابر علما روایت کرده است از ابو الحسن فارسی رحمه الله که گفت: من بسیار به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می‌رفتم، پس چندی به سبب کمی مال و پیری توفیق زیارت آن حضرت نیافتم، پس شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آن حضرت بودند. چون به نزدیک ایشان رسیدم، امام حسین علیه السلام گفت: «یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت می‌کرد و اکنون ترک کرده است» حضرت رسول صلی الله علیه و آله متوجّه من شده و فرمود که: «آیا ترک زیارت مثل حسین علیه السلام می‌توان کرد؟» گفتم: یا رسول الله قلّت مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است. حضرت فرمود که: «هر شب بر بام خانهٔ خود بالا رو و با انگشت شهادت به سوی قبر آن حضرت اشاره کن و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ. السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أُمِّكَ وَأَخِيكَ. السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الدَّمْعَةِ السّاكِبَةِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ. لَقَدْ أَصْبَحَ كِتابُ اللّٰهِ فِيكَ مَهْجُوراً. وَرَسُولُ اللّٰهِ فِيكَ مَوْتُوراً. السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلىٰ أَنْصارِ اللّٰهِ وَخُلَفائِهِ. السَّلامُ عَلىٰ أُمَناءِ اللّٰهِ وَأَحِبّائِهِ. السَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللّٰهِ. وَحَفَظَةِ سِرِّ اللّٰهِ. وَحَمَلَةِ كِتابِ اللّٰهِ. وَأَوْصِياءِ نَبِيِّ اللّٰهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس هر حاجت که خواهی از خدا طلب کن، پس اگر چنین کنی زیارت تو از نزدیک و دور هر دو مقبول است. پس علّامهٔ مذکور فرموده: و بدان که زیارت هشتم از زیارت‌های جامعه که بعد از این مذکور می‌شود در خصوص بعید وارد شده است، انتهی.

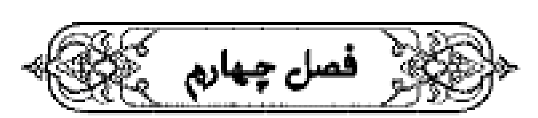
مؤلّف گوید که: ما نیز این زیارت را در زیارت‌های جامعه ذکر نمودیم و زیارت سوّم قرار دادیم، اگر خواستی به آن‌جا رجوع کن. و نیز در باب زیارات حضرت امام حسین علیه السّلام حدیثی در فضیلت و کیفیّت زیارت آن حضرت در بلاد بعیده ایراد نمودیم، در نظر باشد.

و سیّد ابن طاووس در کتاب *جمال الاسبوع* و شیخ طوسی در *مصباح متهجّد* فرموده‌اند که مستحبّ است زیارت حضرت رسول و ائمّه علیهم السّلام در روزهای جمعه. و از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده‌اند که فرمود: «هرکه خواهد زیارت کند قبر رسول خدا و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و سایر حجج طاهره علیهم السّلام را، و او در شهر خود باشد، پس در روز جمعه غسل کند و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود به صحرایی - و به روایت دیگر بر بام خانه رود - پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره‌ای که میسّر شود، پس چون سلام نماز دهد بر خیزد رو به قبله و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ. وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضىٰ. وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرىٰ. وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْراءُ. وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ[1]. وَالْاَوْلادُ الْاَعْلامُ وَالْاُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ. جِئْتُ انْقِطاعاً اِلَيْكُمْ وَاِلىٰ آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلىٰ بَرَكَةِ الْحَقِّ. فَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ. وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّٰهُ لِدينِهِ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ. اِنّي لَمِنَ الْقائِلينَ بِفَضْلِكُمْ. مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ. لا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلا اَزْعَمُ اِلّا ما شاءَ اللّٰهُ. سُبْحانَ اللّٰهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ. يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِاَسْمائِهِ جَميعُ خَلْقِهِ. وَالسَّلامُ عَلىٰ اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ».

---

۱. اَلْمُنْتَجَبانِ خ ل.



فصل چهارم

در ذکر زیارت وداع که هر یک از ائمه علیهم السلام به آن وداع کرده شوند

مستور نماند که از جمله آداب زیارت چنانچه در باب خود ذکر شد وداع کردن مزور است در وقت بیرون رفتن از بَلَد [و شهر] این بزرگوار به آن چه از ایشان رسیده، و نیز مخفی نماند که در غالب زیارت‌های مطلقه و مخصوصهٔ مأثوره، وداعی رسیده که ظاهراً مخصوص به همان زیارت باشد که متضمّن آن وداع است، مگر آن‌که برای زیارت جامعهٔ کبیره معروفه وداعی است که متضمّن است مضامین غالب زیارات وداع را، با زیادتی. و ظاهر کلمات علمای این فنّ آن است که این وداع مخصوص به آن جامعه نیست که اگر زائر زیارت جامعه را نخواند، نتواند به قصد ورود آن را بخواند، بلکه به آن هر امامی را که خواهد وداع کند، چه جامعه را خوانده یا نخوانده باشد و شاهد بر این مدّعی چند چیز است: یکی آن‌که شیخ محمّد بن المشهدی آن را در باب وداع مزارکبیر نقل کرده با آن‌که زیارت جامعه را در آن‌جا ذکر ننموده. دوّم آن‌که سیّد ابن طاووس این وداع را بعد از زیارت جامعهٔ معروفه به ائمّة المؤمنین بعد از نقل آن دعایی که عقب زیارات ائمه خوانده می‌شود نقل نموده با آن‌که آن زیارت جامعه را اصلاً در کتاب خود ایراد نفرموده، و عبارت سیّد را ما در اواخر فصل دوّم همین باب نقل نمودیم. سوّم آن‌که شیخ شهید نیز با آن‌که آن زیارت جامعه را در مزار خود نقل ننموده وداع آن را از برای زیارت وداع نقل کرده. چهارم آن‌که شیخ ما علّامهٔ نوری رحمه الله نیز متابعت ایشان نموده و وداع مذکور را در مقام وداع ائمه علیهم السلام در تحیه نقل نموده، به هر حال چون معلوم شد که این بزرگواران این وداع را عمل مستقلّ دانسته‌اند و جزو جامعه نیاورده‌اند ما نیز متابعت ایشان نماییم و در این مقام به همین زیارت وداع قناعت کنیم، و زیارت وداع این است:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ وَلا مالٍّ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ اِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرِ راغِبٍ

عَنكُمْ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ، وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ، وَلا مُنْحَرِفٍ عَنكُمْ، وَلا زاهِدٍ في قُرْبِكُمْ، وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قُبُورِكُمْ وَإِتْيانِ مَشاهِدِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ، وَحَشَرَنِيَ اللهُ في زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَني حَوْضَكُمْ، وَجَعَلَني مِنْ حِزْبِكُمْ، وَأَرْضاكُمْ عَنّي، وَمَكَّنَني مِنْ دَوْلَتِكُمْ، وَأَحْياني في رَجْعَتِكُمْ، وَمَلَّكَني في أَيّامِكُمْ، وَشَكَرَ سَعْيي بِكُمْ، وَغَفَرَ ذَنْبي بِشَفاعَتِكُمْ، وَأَقالَ عَثْرَتي بِمَحَبَّتِكُمْ، وَأَعْلىٰ كَعْبي بِمُوالاتِكُمْ، وَشَرَّفَني بِطاعَتِكُمْ، وَأَعَزَّني بِهُداكُمْ، وَجَعَلَني مِمَّنْ انْقَلَبَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً غانِماً سالِماً مُعافىً غَنِيّاً، فائِزاً بِرِضْوانِ اللهِ وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ، بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوّارِكُمْ وَمَوالِيكُمْ وَمُحِبِّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِيَ اللهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ أَبَداً ما أَبْقاني رَبّي بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ، وَإِيمانٍ وَتَقْوىً، وَإِخْباتٍ وَرِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ.

اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبْ لِيَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ وَالتَّقْوىٰ وَالْفَوْزَ وَالنُّورَ وَالْإِيمانَ وَحُسْنَ الْإِجابَةِ، كَما أَوْجَبْتَ لِأَوْلِيائِكَ الْعارِفينَ بِحَقِّهِمُ، الْمُوجِبينَ طاعَتَهُمْ، وَالرّاغِبينَ في زِيارَتِهِمْ، الْمُتَقَرِّبينَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي اجْعَلُوني في هَمِّكُمْ، وَصَيِّرُوني في حِزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُوني في شَفاعَتِكُمْ، وَاذْكُرُوني عِنْدَ رَبِّكُمْ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْ[1] أَرْواحَهُمْ وَأَجْسادَهُمْ مِنّي

---

۱. و در بعض نسخ چنین است: وَأَبْلِغْ أَرْواحَهُمْ وَأَجْسادَهُمْ عَنّي تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسليماً كَثيراً، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

چگونه بودن حال زائر در وقت وداع

بدان که سوز قلب زائر در وقت وداع و شدّت تلخی کامش در مقام فرقت و مهاجرت از آن روضهٔ مقدّسه به اندازهٔ شوق و انبساط و فرح و نشاط اوست در اوّل ورود، و درجات آن مختلف است به حسب درجات معرفت و محبّت که به آن ذوات مقدّسه و ارواح طیّبه دارد، اگر صادق است در آن دعوی و پست‌ترین مرتبهٔ آن، آن است که به راستی وجود مقدّس امام علیه السلام نزد او محبوب‌تر باشد از اهل و مال و اولاد و آن چه که به آن‌ها دل بسته و علاقه پیدا کرده، پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که می‌خواهد از عزیزترین خلق و محبوب‌ترین ایشان در نزد او مفارقت کند و از او جدا شود پس ناچار دلش بریان و اشکش ریزان و پایش لرزان خواهد بود، پس خدای را بر این نعمت عظمی شکر کند واگرنه در دعوی خویش کاذب و رجایش خائب.



باب نهم

در بیان کیفیّت صلوات فرستادن بر ائمّهٔ اطهار علیهم السلام و نماز هدیه به روح ایشان و کیفیّت استغاثه و توسّل و نوشتن عرایض به خدمت ایشان

و در آن دو فصل است





فصل اوّل

در بیان کیفیّت صلوات بر حجج طاهره علیهم السلام و نماز هدیّه به روح ایشان

امّا کیفیّت صلوات پس چنان است که شیخ طوسی رحمه الله به سند معتبر روایت کرده است که عبد الله بن محمّد گفت که: من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که املا نماید بر من کیفیّت صلوات فرستادن بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله و اوصیای آن حضرت را، و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را. پس بر من املا فرمود بی‌آن‌که از کتابی املا فرماید، به این نحو:

صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسالَتَكَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَعَلَّمَ كِتابَكَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَقامَ الصَّلاةَ وَآدَّی الزَّكاةَ وَدَعا اِلیٰ دينِكَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعيدِكَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما دَفَعْتَ بِهِ الشَّقاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمّاءَ وَاَجَبْتَ بِهِ الدُّعاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلاءِ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ بِهِ الْعِبادَ وَاَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَةَ وَاَهْلَكْتَ بِهِ الْفَراعِنَةَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَضْعَفْتَ بِهِ الْاَمْوالَ وَحَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الْاَهْوالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْاَصْنامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْاَنامَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْاَدْيانِ وَاَعْزَزْتَ بِهِ الْاِيمانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْاَوْثانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرامَ. وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ الْاَخْيارِ وَسَلِّمْ تَسْليماً.

صلوات بر امام علی علیه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أميرِالمُؤمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ أخي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبابِ حِكْمَتِهِ، وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدّاعي إلىٰ شَريعَتِهِ، وَخَليفَتِهِ في أُمَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، قاصِمِ الْكَفَرَةِ، وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ، وَالَّذي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ.

اللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأوَّلينَ وَالآخِرينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ أفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أحَدٍ مِنْ أوْصِياءِ أنْبِيائِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

صلوات بر حضرت فاطمه علیها السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الصِّدّيقَةِ فاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبيبَةِ حَبيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَأُمِّ أحِبّائِكَ وَأصْفِيائِكَ، الَّتي انْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرْتَها عَلىٰ نِساءِ الْعالَمينَ، اللّهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها، وَكُنِ الثّائِرَ اللّهُمَّ بِدَمِ أوْلادِها، اللّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَها أُمَّ أئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَحَليلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ، وَالْكَريمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأعْلىٰ، فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلىٰ أُمِّها صَلاةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ أبيها مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عليهِ وَآلِهِ، وَتُقِرُّ بِها أعْيُنَ ذُرِّيَّتِها، وَأبْلِغْهُمْ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

صلوات بر امام حسن علیه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ، وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبابِ أهْلِ الْجَنَّةِ، أفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أحَدٍ

مِنْ أَوْلادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرسَلِينَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أميرِالْمُؤْمِنِينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ أَميرِالْمُؤْمِنِينَ أَمينُ اللّهِ وَابْنُ أَمينِهِ. عِشْتَ مَظْلُوماً. وَمَضَيْتَ شَهيداً. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الإِمامُ الزَّكِيُّ الْهادِيُ الْمَهْدِيُّ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

صلوات بر امام حسین علیه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ. قَتيلِ الْكَفَرَةِ وَطَريحِ الْفَجَرَةِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَميرِالْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ مُوقِناً أَنَّكَ أَمينُ اللّهِ وَابْنُ أَمينِهِ. قُتِلْتَ مَظْلُوماً. وَمَضَيْتَ شَهيداً. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللّهَ تَعالَى الطّالِبُ[1] بِثَأْرِكَ. وَمُنْجِزُ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْييدِ في هَلاكِ عَدُوِّكَ وَإِظْهارِ دَعْوَتِكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّهِ. وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللّهِ. وَعَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً حَتّى أَتاكَ الْيَقينُ. لَعَنَ اللّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ. وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً أَلَّبَتْ عَلَيْكَ. وَأَبْرَأُ إِلَى اللّهِ تَعالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ. بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا أَبا عَبْدِاللّهِ لَعَنَ اللّهُ قاتِلَكَ. وَلَعَنَ اللّهُ خاذِلَكَ. وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ سَمِعَ واعِيَتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ. وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ سَبى نِساءَكَ. أَنَا إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ بَريءٌ وَمِمَّنْ والاهُمْ وَمالَأَهُمْ وَأَعانَهُمْ عَلَيْهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى. وَبابُ الْهُدى. وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى. وَالْحُجَّةُ عَلى أَهْلِ الدُّنْيا. وَأَشْهَدُ أَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ

---

۱. طالبٌ خ ل.

وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ بِذاتِ نَفْسي وَشَرايِعِ ديني وَخَواتِيمِ عَمَلي وَمُنْقَلَبي في دُنيايَ وَآخِرَتي.

صلوات بر علىّ بن الحسين عليه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعابِدينَ الَّذي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هادِياً مَهْدِيّاً. اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيائِكَ حَتّىٰ تَبْلُغَ بِهِ ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ إِنَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ.

صلوات بر محمّد بن علىّ عليه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ الْعِلْمِ، وَإِمامِ الْهُدىٰ، وَقائِدِ أَهْلِ التَّقْوىٰ، وَالْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبادِكَ. اللّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ عَلَماً لِعِبادِكَ، وَمَناراً لِبِلادِكَ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِكَ، وَمُتَرْجِماً لِوَحْيِكَ، وَأَمَرْتَ بِطاعَتِهِ، وَحَذَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا رَبِّ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيائِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأُمَنائِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

صلوات بر جعفر بن محمّد عليه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ، خازِنِ الْعِلْمِ، الدّاعي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ، النُّورِ الْمُبينِ. اللّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلامِكَ وَوَحْيِكَ، وَخازِنَ عِلْمِكَ، وَلِسانَ تَوْحيدِكَ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ، وَمُسْتَحْفِظَ دينِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ إِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ.

صلوات بر موسى بن جعفر عليه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الْأَمينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسىٰ بْنِ جَعْفَرٍ، الْبَرِّ الْوَفِيِّ، الطّاهِرِ الزَّكِيِّ، النُّورِ الْمُبينِ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ، الصّابِرِ عَلَى الْأَذىٰ فيكَ، اللّهُمَّ وَكَما بَلَّغَ عَنْ آبائِهِ مَا اسْتُوْدِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَحَمَلَ عَلىٰ الْمَحَجَّةِ، وَكابَدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ وَالشِّدَّةِ فيما كانَ يَلْقىٰ مِنْ جُهّالِ قَوْمِهِ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِمَّنْ أَطاعَكَ وَنَصَحَ لِعِبادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحيمٌ.

صلوات بر علىّ بن موسى عليه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضيتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، اللّهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ، وَقائِماً بِأَمْرِكَ، وَناصِراً لِدينِكَ، وَشاهِداً عَلىٰ عِبادِكَ، وَكَما نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، وَدَعا إِلىٰ سَبيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ.

صلوات بر محمّد بن علىّ الجواد عليه السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ عَلَمِ التُّقىٰ، وَنُورِ الْهُدىٰ، وَمَعْدِنِ الْوَفاءِ، وَفَرْعِ الْأَزْكِياءِ، وَخَليفَةِ الْأَوْصِياءِ، وَأَمينِكَ عَلىٰ وَحْيِكَ، اللّهُمَّ وَكَما هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلالَةِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ، وَأَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدىٰ، وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّىٰ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَبَقِيَّةِ أَوْصِيائِكَ إِنَّكَ عَزيزٌ حَكيمٌ.

صلوات بر امام علیّ النقیّ علیه‌السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِياءِ، وَإِمامِ الْأَتْقِياءِ، وَخَلَفِ أَئِمَّةِ الدِّينِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلائِقِ أَجْمَعِينَ، اللّهُمَّ كَما جَعَلْتَهُ نُوراً يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوابِكَ، وَأَنْذَرَ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقابِكَ، وَحَذَّرَ بَأْسَكَ، وَذَكَّرَ بِآياتِكَ، وَأَحَلَّ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَبَيَّنَ شَرائِعَكَ وَفَرائِضَكَ، وَحَضَّ عَلىٰ عِبادَتِكَ، وَأَمَرَ بِطاعَتِكَ، وَنَهىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيائِكَ يا إِلٰهَ الْعالَمِينَ.

صلوات بر امام حسن عسکری علیه‌السلام

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ، الصّادِقِ الْوَفِيِّ، النُّورِ الْمُضِيءِ، خازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمُذَكِّرِ بِتَوْحِيدِكَ، وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَخَلَفِ أَئِمَّةِ الدِّينِ الْهُداةِ الرّاشِدِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا رَبِّ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ وَأَوْلادِ رُسُلِكَ يا إِلٰهَ الْعالَمِينَ.

صلوات بر حجة بن الحسن امام عصر عجل الله تعالى فرجه

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، اللّهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِياءَكَ وَأَوْلِياءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصارَهُ وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ، اللّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ

اِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِريهِ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ، وَاقْصِمْ بِهِ الْجَبابِرَةَ الْكَفَرَةَ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفّارَ وَالْمُنافِقينَ وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ حَيْثُ كانُوا في مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَامْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلاً، وَاَظْهِرْ بِهِ دينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، وَاجْعَلْني اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصارِهِ وَاَعْوانِهِ وَاَتْباعِهِ وَشيعَتِهِ، وَاَرِني في آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ما يَاْمُلُونَ وَفي عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ اِلٰهَ الْحَقِّ آمينَ.

مستور نباشد که یک نوع دیگر از صلوات بر حجج طاهرین علیهم السلام را در آخر زیارت جامعه که اوّل زیارات جامعه قرار داده شده بود ذکر کردیم، پس از فیض خواندن آن محروم نشوند، إن شاء الله.

در کیفیّت هدیه کردن نماز به روح معصومین علیهم السلام

وامّا کیفیّت هدیّه کردن نماز به روح معصومین علیهم السلام نیز چنان است که شیخ طوسی رحمه الله در مصباح ذکر کرده، و گفته روایت شده از ائمه علیهم السلام که مستحبّ است آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید: چهار رکعت آن را هدیّهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله بگرداند، و چهار رکعت دیگر را هدیّهٔ حضرت فاطمه علیها السلام. و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیّهٔ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گرداند. و هم‌چنین هر روز از هفته را چهار رکعت و هدیّهٔ امامی کند به ترتیب آن‌ها تا آن‌که در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیّهٔ امام جعفر صادق علیه السلام گرداند، و باز در روز جمعه هشت رکعت کند، چهار رکعت آن را هدیّهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر را هدیّهٔ حضرت فاطمه علیها السلام گرداند، و در روز شنبه چهار رکعت هدیّهٔ حضرت امام موسی علیه السلام کند و همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و هدیّهٔ امامی نماید به ترتیب تا روز پنجشنبه، چهار رکعت را هدیّهٔ امام عصر عجّل الله فرجه گرداند، و ما بین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از این نمازها این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ، حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ

بِالسَّلامِ. اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعاتِ هَدِيَّةٌ مِنّي اِلىٰ وَلِيِّكَ فلان[1] فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْهُ اِيّاها وَاَعْطِني اَفْضَلَ اَمَلي وَرَجائي فيكَ وَفي رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفيهِ.

پس هر دعایی که می‌خواهد بکند.

نسبت ایام به حجج طاهرین علیهم السلام

مؤلّف گوید که: نسبت ایّام به حجج طاهرین علیهم السلام به حسب اعمال و اورادی که باید متوسّل شد به آن‌ها در نزد ایشان به جهت رسیدن به منافع داخلیّه و خارجیّه، دنیویّه و اُخرویّه و دفع کردن بلاهای آسمانی و زمینی و شرور شیاطین انسی و جنّی مختلف رسیده است. امّا در توسّل به حضرت رسول و ائمه علیهم السلام به وسیلهٔ نماز و هدیّهٔ کردن نماز به‌ایشان پس چنان است که مذکور شد. و امّا به وسیلهٔ زیارات و توسّل به سلام و ثنا گویی و مدحت سرایی، پس به نحوی که سیّد ابن طاووس در کتاب *جمال الأسبوع* ذکر نموده، شنبه منسوب است به حضرت رسول صلی الله علیه و آله، و یکشنبه به امیر المؤمنین علیه السلام، و دوشنبه به امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سه‌شنبه به حضرت امام زین العابدین و امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام، و چهار شنبه به حضرت امام موسی و امام رضا و امام محمّد تقی و امام علی نقی علیهم السلام، و پنجشنبه به امام حسن عسکری علیه السلام، و روز جمعه منسوب است به امام عصر حضرت حجة بن الحسن صاحب الزّمان ـ صلوات الله علیه ـ و به اسم اوست، و آن روزی است که ظاهر خواهد شد در آن، و برای هر روز زیارتی ذکر نموده و در هر یک از آن‌ها اشاره شده به این مطلب که امروز روز شما است و من در این روز میهمان شمایم و پناه به شما آوردم مرا ضیافت کنید و پناه دهید، و این ترتیب مطابق است با دو روایت که هر دو از حضرت هادی علیه السلام رسیده یکی را شیخ صدوق رحمه الله از صقر بن ابی دلف و دیگری را قطب راوندی رحمه الله از ابی سلمان بن اورمه نقل نموده‌اند، و ذکر خبر و زیارت منافات با اختصار دارد. طالبین از

---

۱. به جای «فلان» اسم آن امام را بگوید که نماز را هدیّهٔ او می‌کند، و اگر نماز هدیّهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد خوب است آن‌که بگوید: «اِلىٰ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ» و اگر از برای حضرت فاطمه علیها السلام باشد بگوید: «اِلىٰ بِنْتِ رَسُولِكَ فاطِمَةَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْها اِيّاها». (منه رحمه الله)

موضعش اخذ نمایند. و نیز مستور نماند که چنانچه از برای ایّام هفته و ساعات روز تقسیمی است نسبت به ائمه علیهم السلام از برای ایّام ماه نیز تقسیمی است منسوب به ایشان که در هر روز باید خوانده شود تسبیحی که مختصّ است به آن حجّت که آن روز منسوب به اوست. و طالبین رجوع به دعوات راوندی کنند.

فصل دوّم

در کیفیّت استغاثه و توسّل به ائمه علیهم السلام و نوشتن عرایض به خدمت ایشان

و در آن پنج مطلب است:

مطلب اوّل: دعای توسّل و استغاثه

علّامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده که: در بعضی از کتب معتبره نقل کرده‌اند از محمّد بن بابویه که این دعای توسّل را از ائمه روایت کرده است و گفته است که در هیچ امری نخواندم مگر آن‌که اثر اجابت را بزودی یافتم، این است دعا:

اَللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا أَبَا الْقاسِمِ يا رَسُولَ اللّهِ يا إِمامَ الرَّحْمَةِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا أَبَا الْحَسَنِ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ يا عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ[1]، يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا فاطِمَةَ الزَّهْراءِ يا بِنْتَ مُحَمَّدٍ[2]، يا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يا سَيِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكِ إِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكِ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهَةً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعي لَنا عِنْدَ اللّهِ.

---

۱. يا أَخَ الرَّسُولِ يا زَوْجَ الْبَتُولِ خ ل.　　۲. أَيَّتُهَا الْبَتُولُ خ ل.

يا أبا مُحَمَّدٍ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبىٰ، يا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا أبا عَبْدِاللّٰهِ يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهيدُ، يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا أبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يا زَيْنَ الْعابِدينَ[1]، يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا أبا جَعْفَرٍ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْباقِرُ، يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا أبا عَبْدِاللّٰهِ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصّادِقُ، يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللّٰهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّٰهِ.

يا أبَا الْحَسَنِ يا مُوسَىٰ بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا الْكاظِمُ، يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا

---

۱. أَيُّهَا السَّجادُ خ ل.

وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا. يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسى. اَيُّهَا الرِّضا. يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ. يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا. اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا. يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا اَبا جَعْفَرٍ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ. اَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوادُ. يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ. يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا. اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا. يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ. اَيُّهَا الْهادِي النَّقِيُّ. يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ. يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا. اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا. يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا اَبا مُحَمَّدٍ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. اَيُّهَا الزَّكِيُّ[1]. يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ. يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا. اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا. يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

يا وَصِيَّ الْحَسَنِ[2] وَالْخَلَفَ الْحُجَّةَ[3]. اَيُّهَا الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ[4]. يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ. يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ. ياسَيِّدَنا وَمَوْلانا. اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا. يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ

---

۱. العسكري خ ل.
۲. يا إمام زماننا خ ل.
۳. الصالح خ ل.
۴. المهدي خ ل.

اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ.

پس حاجت خود را بطلبد که بر آورده می‌شود إن شاء اللّه تعالی. و در روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید:

يا ساداتي وَمَوالِيَّ، إنّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أئِمَّتي وَعُدَّتي لِيَوْمِ فَقْري وَحاجَتي إلَى اللّهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إلَى اللّهِ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إلَى اللّهِ، فَاشْفَعُوا لي عِنْدَ اللّهِ وَاسْتَنْقِذُوني مِنْ ذُنُوبي عِنْدَ اللّهِ، فَإنَّكُمْ وَسيلَتي إلَى اللّهِ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أرْجُو نَجاةً مِنَ اللّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللّهِ رَجائي، يا ساداتي يا أوْلِياءَ اللّهِ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِمْ أجْمَعينَ، وَلَعَنَ اللّهُ أعْداءَ اللّهِ ظالِميهِمْ مِنَ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

مَطلب دوّم: طریق نوشتن رقعهٔ توسّل به حضرت حجة عصر عجل اللّه تعالی فرجه

شیخ کفعمی در *جنّة الواقیه* و محقق سبزواری در *مفاتیح النجاة* و علّامهٔ مجلسی در *تحفه* گفته‌اند که استغاثه‌ای است به حضرت مهدی صاحب الامر ـ صلوات اللّه علیه ـ به این طریق که می‌نویسی آن چه را که ذکر می‌شود در رقعه‌ای، و می‌اندازی آن را بر قبری از قبور ائمّه یا آن‌که رقعه را می‌بندی و مهر می‌کنی و در میان گل پاکیزه می‌گذاری و می‌اندازی آن را در نهر یا چاه عمیق یا در غدیر آبی. که آن رقعه می‌رسد به حضرت حجّة عصر و آن حضرت خود متکفّل بر آوردن حاجت تو می‌شود، و آن چه در رقعه می‌نویسی، این است:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

كَتَبْتُ يا مَوْلايَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكَ مُسْتَغيثاً، وَشَكَوْتُ ما نَزَلَ بي مُسْتَجيراً بِاللّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ، مِنْ أمْرٍ قَدْ دَهَمَني وَأشْغَلَ قَلْبي، وَأطالَ فِكْري، وَسَلَبَني بَعْضَ لُبّي، وَغَيَّرَ خَطيرَ نِعْمَةِ اللّهِ عِنْدي، أسْلَمَني عِنْدَ تَخَيُّلِ وُرُودِهِ الْخَليلُ، وَتَبَرَّأَ مِنّي عِنْدَ تَرائي إقْبالِهِ إلَيَّ الْحَميمُ، وَعَجَزَتْ عَنْ دِفاعِهِ حيلَتي، وَخانَني في تَحَمُّلِهِ صَبْري وَقُوَّتي، فَلَجَأْتُ فيهِ إلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْألَةِ لِلّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ في دِفاعِهِ عَنّي، عِلْماً

بِمَكانِكَ مِنَ اللّهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَلِيِّ التَّدْبيرِ وَمالِكِ الْأُمُورِ. واثِقاً بِكَ فِي الْمُسارَعَةِ فِي الشَّفاعَةِ اِلَيْهِ جَلَّ ثَناؤُهُ في اَمْري. مُتَيَقِّناً لِاِجابَتِهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ اِيّاكَ بِاِعْطاءِ سُؤْلي. وَاَنْتَ يا مَوْلايَ جَديرٌ بِتَحْقيقِ ظَنّي وَتَصْديقِ اَمَلي فيكَ في اَمْري كَذا وَكَذا[1]. فيما لا طاقَةَ لي بِحَمْلِهِ وَلا صَبْرَ لي عَلَيْهِ. وَاِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَلِاَضْعافِهِ بِقَبيحِ اَفْعالي وَتَفْريطي فِي الْواجِباتِ الَّتي لِلّهِ عَزَّ وَجَلَّ. فَاَغِثْني يا مَوْلايَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهَفِ. وَقَدِّمِ الْمَسْاَلَةَ لِلّهِ عَزَّ وَجَلَّ في اَمْري قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَماتَةِ الْأَعْداءِ. فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ. وَاسْاَلِ اللّهَ جَلَّ جَلالُهُ لي نَصْراً عَزيزاً وَفَتْحاً قَريباً. فيهِ بُلُوغُ الْآمالِ. وَخَيْرُ الْمَبادِئِ وَخَواتيمُ الْأَعْمالِ. وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخاوِفِ كُلِّها في كُلِّ حالٍ. اِنَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ لِما يَشاءُ فَعّالٌ. وَهُوَ حَسْبي وَنِعْمَ الْوَكيلُ فِي الْمَبْدَاِ وَالْمَآلِ.

پس می‌روی به نزد نهر یا غدیر آب و قصد می‌کنی یکی از نوّاب صاحب الأمر ـ صلوات اللّه علیه ـ را که عثمان بن سعید عمری یا پسر او محمّد بن عثمان یا حسین بن روح یا علیّ بن محمّد سمری ـ رضوان اللّه علیهم ـ را که این جماعت وکلا و نایبان [خاص] آن حضرت بودند در غیبت صغری. پس ندا می‌کنی یکی از ایشان را که:

يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ سَلامٌ عَلَيْكَ. اَشْهَدُ اَنَّ وَفاتَكَ في سَبيلِ اللّهِ. وَاَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللّهِ مَرْزُوقٌ. وَقَدْ خاطَبْتُكَ في حَياتِكَ الَّتي لَكَ عِنْدَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَهٰذِهِ رُقْعَتي وَحاجَتي اِلىٰ مَوْلانا عَلَيْهِ السَّلامُ فَسَلِّمْها اِلَيْهِ. فَاَنْتَ الثِّقَةُ الْأَمينُ.

ای فلان بن فلان سلام بر تو باد، گواهی می‌دهم که وفات تو در راه خداوند بود و تو زنده‌ای در نزد خدای ـ عزّوجلّ ـ که تو را روزی می‌دهد، و با تو مخاطبه می‌کنم در این زندگانی که داری در نزد خداوند ـ عزّوجلّ ـ و این رقعهٔ حاجت من است به سوی مولایمان حضرت حجّة عصر علیه السلام

---

۱. بجای «کذا و کذا» حاجت خود را بنویسید.

پس برسان و تسلیم کن آن را به آن جناب که تو ثقة و امینی. پس بیانداز آن رقعه را در نهر یا در چاه یا غدیر تا بر آورده شود حاجت تو، إن شاء اللّه تعالی.

مطلب سوّم: رقعهٔ توسّل

شیخ جلیل شیخ ابراهیم کفعمی، در کتاب *بلد الامین* فرموده که از حضرت صادق﷣ منقول است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا باشد یا از امری خائف و ترسان باشی، بنویس در کاغذی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِاَحَبِّ الْاَسْماءِ اِلَيْكَ وَاَعْظَمِها لَدَيْكَ، وَاَتَقَرَّبُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمَنْ اَوْجَبْتَ حَقَّهُ عَلَيْكَ، بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. و نام می‌بری یک یک از ائمه﷨ را پس می‌نویسی «اِكْفِني كذا و كذا» یعنی حاجت خود را ذکر می‌کنی، پس می‌پیچی رقعه را و می‌گذاری آن را در بندقه‌ای از گل و می‌اندازی آن را در آب جاری یا چاهی که خداوند تعالی فرج [و گشایش] کرامت می‌فرماید.

مؤلّف گوید که: نسخهٔ رقعهٔ استغاثه و حاجات، به انحاءِ کثیره رسیده، و بسیاری از آن را علّامهٔ مجلسی﵀ در *بحار* و *تحفة الزّائر* و دیگران نیز نقل کرده‌اند، ولکن نسخه‌ای به نظر رسیده که در کتب مجلسی﵀ و در کتب ادعیه متداوله ذکر نشده، لهذا نقل آن را در این جا مناسب دیدم، فاضل متبحّر محمّد بن محمّد الطیب که از علمای دولت صفویّه است در کتاب *انیس العابدین* که علّامهٔ مجلسی﵀ در بحار و فاضل خبیر میرزا عبداللّه اصفهانی در *صحیفهٔ ثالثه* از آن نقل می‌کنند این نسخه را از کتاب *سعادات* نقل کرده به این عبارت:

دعای توسّل برای هر امر مهمّی و حاجتی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

تَوَسَّلْتُ اِلَيْكَ يا اَبَا الْقاسِمِ يا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ اَلنَّبَاَ الْعَظيمِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ وَعِصْمَةَ اللّاجينَ، بِاُمِّكَ سَيِّدَةِ نِساءِ

الْعالَمينَ • وَبِآبائِكَ الطّاهِرينَ • وَبِاُمَّهاتِكَ الطّاهِراتِ • بِيٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْحَكيمِ • وَالْجَبَرُوتِ الْعَظيمِ • وَحَقيقَةِ الْإيمانِ • وَنُورِ النُّورِ • وَكِتابٍ مَسْطُورٍ • اَنْ تَكُونَ سَفيري اِلَى اللّٰهِ تَعالىٰ فِي الْحاجَةِ لِفُلانٍ اَوْ هَلاكِ فلان بن فلان.

و این رقعه را در گل پاکی گذار و در آب جاری یا در چاهی بینداز و در آن حال بگو: يا مُحَمَّدُ[1] بْنَ عُثْمانَ وَيا عُثْمانَ بْنَ سَعيدٍ اَوْصِلا قِصَّتي اِلىٰ صاحِبِ الزَّمانِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ.

مطلب چهارم: در بیان عملی برای قضای حوائج

ثقة الاسلام در کافی به سند معتبر روایت کرده از عبد الرّحیم قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق عليه السلام و عرض کردم: فدای تو شوم از پیش خود دعایی اختراع کرده‌ام. فرمود: «واگذار مرا از اختراع خود، هرگاه تو را حاجتی روی دهد. پس پناه بر به رسول خدا صلى الله عليه وآله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را به حضرت رسول صلى الله عليه وآله». عرض کردم: به چه نحو کنم این نماز را؟ فرمود: «غسل می‌کنی و دو رکعت می‌گذاری مثل نماز فریضه در افتتاح و اختتام[2]، و چون سلام گفتی می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ • وَمِنْكَ السَّلامُ • وَاِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ • اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنّي السَّلامَ • وَاَرْواحَ الْاَئِمَّةِ الصّادِقينَ سَلامي • وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ • وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ • اَللّٰهُمَّ اِنَّ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنّي اِلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله • فَاَثِبْني عَلَيْهِما ما اَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ فيكَ وَفي رَسُولِكَ ياوَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ.

پس به سجده می‌روی و چهل مرتبه می‌گویی:

---

۱. نسخه‌ای: سعید بن عثمان بود، ولکن چون مظنون بلکه معلوم بود که تحریف شده از محمّد به سعید، لذا محمّد بن عثمان نوشتم. (منه رحمه الله).

۲. علّامهٔ مجلسی رحمه الله در معنی عبارت فرموده: دو رکعت نماز بکنی و در اوّل نماز هفت تکبیر افتتاح با دعاهایی که در نمازهای واجب می‌خوانی بخوانی، و در تشهّد به نحوی که در نماز واجب خود می‌خوانی بخوانی. (منه رحمه الله).

يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا حَيّاً لا يَمُوتُ، يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس جانب روی راست بر زمین می‌گذاری و این دعا را چهل مرتبه می‌گویی، پس جانب چپ روی را بر زمین می‌گذاری و باز چهل مرتبه می‌گویی، پس سر از سجده بر می‌داری و دستها را بلند می‌کنی و چهل مرتبه می‌خوانی.

پس دستها را به گردن خود می‌گذاری و انگشت شهادت را به جانب راست و چپ حرکت می‌دهی و چهل مرتبه می‌خوانی، پس می‌گیری ریش خود را به دست چپ و گریه یا تباکی می‌کنی یعنی اگر گریه‌ات نیاید خود را به گریه می‌داری و می‌گویی:

يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللهِ أَشْكُو إِلَى اللهِ وَإِلَيْكَ حاجَتي، وَأَشْكُو إِلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الرّاشِدِينَ حاجَتي، وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللهِ في حاجَتي.

پس به سجده می‌روی و می‌گویی: **يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ** آن قدر که نفس منقطع شود، پس می‌گویی: صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا، و به جای وافعل بی کذا حاجت خود را می‌خواهی». پس حضرت صادق علیه السلام فرمود: «که من ضامنم بر خدای عزّ و جلّ که از جای خود حرکت نمی‌کنی مگر آن‌که حاجت تو برآورده شود».

مطلب پنجم: طریق نماز توسّل به حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ کفعمی در *بلد الامین* و شیخ جلیل ابو الحسن سلیمان بن الحسن صهرشتی که از مشاهیر تلامذهٔ شیخ طوسی است در کتاب *قبس المصباح* روایت کرده از مفضّل بن عمر که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه تو را حاجتی باشد به سوی حق تعالی و سینه‌ات از آن تنگ شده باشد، پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخوان، پس به سجده برو و بگو صد مرتبه: «يا مَوْلاتي يا فاطِمَةُ أَغيثيني» پس جانب راست رو را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو، پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو، پس باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن به درستی که خداوند بر می‌آورد آن را إن شاء الله».

مؤلّف گوید که: شیخ جلیل حسن بن فضل طبرسی در *مکارم الأخلاق* نیز این نماز را نقل نموده به همین طریق مگر آن‌که در لفظ استغاثه به کلمهٔ «يا فاطِمَةُ» اکتفا کرده، و بعد از صد و ده

مرتبه «یا فاطمةُ» در سجده گفته؛ و بگو:

يا آمِناً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شيءٍ مِنكَ خائِفٌ حَذِرٌ. أسْأَلُكَ بِأمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنكَ. أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأنْ تُعْطِيَنِي أماناً لِنَفْسِي وَأهْلِي وَمالِي وَوُلْدِي حَتّىٰ لا أخافَ أحَداً. وَلا أحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ أبَداً. إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نمازی از برای حاجت

و نیز در آن کتاب شریف از حضرت صادق(ع) روایت کرده که فرمودند: «هرگاه یکی از شماها خواهد استغاثه کند به سوی خداوند پس دو رکعت نماز کند پس به سجده رود و بگوید:

يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّٰهِ. يا عَلِيُّ. يا سَيِّدَيِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ. بِكُما أسْتَغِيثُ إلَى اللّٰهِ تَعالىٰ. يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ أسْتَغِيثُ بِكُما. يا غَوْثاهُ بِاللّٰهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ. و می‌شماری هر یک از امامان را، پس می‌گویی: بِكُمْ أتَوَسَّلُ إلَى اللّٰهِ تَعالىٰ. پس به درستی که در همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید إن شاء اللّٰه تعالی».

و شیخ معظّم جلیل احمد بن فهد حلّی در *عدّة الدّاعی* مرسلاً از سماعة روایت کرده، که حضرت ابوالحسن [امام کاظم](ع) به من فرمود که: «ای سماعة! هر وقت که از برای تو حاجتی باشد نزد خدای تعالی پس بگو: اللّٰهُمَّ إنِّي أسْألُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فَإنَّ لَهُما عِنْدَكَ شأناً مِنَ الشَّأنِ وَقَدْراً مِنَ الْقَدْرِ. فَبِحَقِّ ذٰلِكَ الشَّأنِ وَبِحَقِّ ذٰلِكَ الْقَدْرِ أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا.

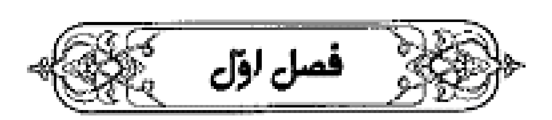
پس به درستی که چون روز قیامت بپا شود باقی نماند ملک مقرّبی و نه پیغمبر مرسلی و نه بندهٔ مؤمنی مگر آن‌که محتاج است به سوی رسول خدا و علیّ مرتضی ـ علیهما و علیٰ آلهما السلام ـ در آن روز».

باب دهم

در بیان زیارت انبیا علیهم السلام
و امامزادگان عالی مقام و قبور
مؤمنین و اصحاب ائمه علیهم السلام
و علما، و زیارت به نیابت
و آداب ملاقات زائرین

و مشتمل بر سه فصل و یک خاتمه است





فصل اوّل

در زیارت پیغمبران ﷺ است

بدان که تکریم و تعظیم و توقیر انبیای عظام ﷺ عقلاً و شرعاً لازم است ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ﴾ و زیارت ایشان راجح و پسندیده، و علما ـ رضوان الله علیهم ـ نیز تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت ایشان. و عدد آن بزرگواران اگرچه زیاده از صد هزار است لکن قبور معلومهٔ ایشان بسیار کم، و قبور آن‌هایی که نقداً [وفعلاً] مستحضر هستم از این قرار است: حضرت ابراهیم خلیل ﷺ در قدس خلیل که در نزدیک بیت المقدّس است، حضرت آدم و نوح ﷺ در مرقد منوّر حضرت امیرالمؤمنین ﷺ مدفون‌اند، و در کرک نوح ﷺ که یکی از قرای جبل عامل است نیز قبری است که مردم او را به حضرت نوح ﷺ نسبت می‌دهند ولکن این خلاف اخباری است که تصریح شده به آن‌که آن حضرت در نزد امیر المؤمنین ﷺ است.

بیان قبر جناب یونس ﷺ

از برای جناب یونس ﷺ در شریعهٔ کوفه بقعه و قبّه‌ای است معروف، و جناب سیّد ابن طاووس ﷺ و غیره در ضمن آداب آن‌جا زیارتی برای ایشان ذکر نموده‌اند. ونیز در شرقی دجله در مقابل شهر موصل در بالای تپه صحن زیبا و مسجدی هست که قبر و ضریح و قبّه‌ای با صفا در آن موجود است که منسوب است به آن جناب، و احتمال قوی در همان جاست، زیرا که آن حضرت مبعوث بر اهل نینویٰ بود که در قدیم شهر عظیمی بوده در نزدیکی موصل، به مسافت چند فرسخی و آثار آن موجود است. و در بیت المقدّس نیز قبّه و قبری است منسوب به آن حضرت. و شیخ مرحوم علامهٔ نوری ﷺ فرموده که: نقل کردن علما زیارت جناب یونس را، در مکان معروفی که در شریعهٔ کوفه است، چندان صراحتی ندارد که باید قبر شریفش در آن‌جا باشد، زیرا که از آن مکان تعبیر فرمودند به مشهد، و مشهد اگرچه ظهوری دارد در مرقد و محلّ دفن، ولکن مطلق مکانی که امتیاز مخصوص داشته به شخص شریف مزور از آن نیز تعبیر می‌کنند به مشهد، یعنی محلّ حضور او، چنانچه در دعای اذن دخول مسجد کوفه مذکور است:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَوْلانا اَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

وَبَرَكاتُهُ، وَعَلَى مَجالِسِهِ وَمَشاهِدِهِ وَمَقامِ حِكْمَتِهِ وَآثارِ آبائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ وَإبْرَاهيمَ عليهم السلام ... الىٰ آخره.

و مراد از مشاهد در این جا امکنهٔ مخصوصه‌ای است که امتیاز خاصّی داشت به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، مثل محراب آن‌جا که محلّ مناجات و عبادت و شهادت آن حضرت بود، و جـای منبر که محلّ بیرون آمدن دُرّهای غلطان بی‌بهای خُطب و حکمت و مواعظ و نـصیحت بـود از صدف با شرف دهان مبارکش. و بیت الطَّشت که موضع ظهور معجزهٔ غریبهٔ الٰهیّه بود، از آن نـبأ عظیم. و دکّة القضا که مجلس فصل خصومت و بسط معدلت بود، از آن علیّ حکـیم. و هکـذا و بنا براین احتمال قوی[1] می‌رود که در آن محل ماهی بیرون انداخته باشد جناب یونس را از دهان خود. و بروز آن همه آیات عجیبهٔ الٰهیّه در حفظ و حراست و تقویتش تا آن گاه که به قوم خود در نینویٰ مراجعت نمود، و البتّه چنین مکانی در نهایت شرافت خواهد بود. و نیز این امتیاز او را بس است که زیارتش مانند زیارت امام حسین علیه السلام است در مسجد حنانه، چنانکه پیش از این گذشت.

و نیز آن مرحوم [= علّامهٔ نوری] در تعیین قبر جناب هود و صالح علیهما السلام فرموده کـه: در اخـبار محلّ آن مختلف است و آنچه در قبرستان وادی السّلام نسبت می‌دهند به ایشان سند درستی ندارد، انتهیٰ.

و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در بحار بعد از نقل اخباری که در بیان موضع قبر امیر المؤمنین علیه السلام است گفته: و بدان که از این اخبار ظاهر شد که سر حضرت حسین علیه السلام و جسد آدم و نـوح و هـود و صالح علیهم السلام در نزد آن حضرت مدفون‌اند. پس سزاوار است که همهٔ آن‌ها زیارت شوند، انتهیٰ.

و مرقد حضرت ذی الکفل در کنار شطّ فرات در نزدیکی کوفه به مسافت چند فرسخ معروف و مشهور است.

و مرقد حضرت خلیل الرّحمٰن جناب ابراهیم علیه السلام در قدس خلیل که نزدیک به بیت المـقدّس است معروف و مشهور است، و مزاری است برای عامّهٔ مسلمین آن حدود، ولکن در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: «قبر نوح و ابراهیم و قبر سیصد و هـفتاد پـیغمبر و ششصد و صیّ پیغمبر و قبر بهترین اوصیای پیغمبران یعنی امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه است». و ما در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اشاره کردیم به بعض چیزهایی که مـناسب ایـن مـقام

---

۱. و تقویت می‌دهد این احتمال را آن چه در چند حدیث وارد شده که از اساس اوّل مسجد کوفه که در زمان حضرت آدم و نوح علیهما السلام بوده، دوازده هزار ذراع کم کرده‌اند به انضمام روایت دیگر در کافی از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام که درخت کدو برای حضرت یونس علیه السلام در آن مسجد روئید. پس محتمل است که مراد این جا اساس اوّل مسجد بوده باشد که این محلّ هم داخل در اوست.

است، و گفتیم که این احادیث چندان منافاتی ندارد با آن‌که این بزرگواران در جای دیگر مدفون شده باشند، زیرا که ممکن است مثل جناب آدم‌علیه‌السلام در جای دیگر دفن شده باشند و به جهت شرف مجاورت حضرت امیر المؤمنین‌علیه‌السلام ایشان را به آن محلّ شریف نقل کرده باشند.

و در شهر موصل قبر جرجیس پیغمبر است، و در بیرون شهر قبر شیث هبة اللّه است.

و در شوش که شش فرسخی شهر شوشتر است مدفن دانیال پیغمبر است و بارگاهی عظیم بر او ساخته‌اند مشرف بر نهر. صاحب *تاریخ قم* گفته که: بدن مبارک آن حضرت را، [حضرت] موسی حنوط و کفن کرده در میان جوی آب [به صورت] مخفی دفن کرد... الخ، و نیز در دو فرسخی شوشتر مزاری است که به حضرت شعیب‌علیه‌السلام نسبت دهند.

و در خارج حلّه قبری است منسوب به ایّوب نبی‌علیه‌السلام.

و قبر جناب اسماعیل‌علیه‌السلام در مسجد الحرام است با جماعتی از پیغمبران دیگرعلیهم‌السلام.

شیخ مرحوم فرموده که: قبر یوشع‌علیه‌السلام در خارج کاظمین‌علیهما‌السلام در قبلی مسجد براثا است.

و قبر جناب زکریّا در حلب است. و قبر جناب یحیی‌علیه‌السلام در بیروت.

فقیر گوید که: در شهر شام مسجدی است معروف به مسجد یحیی با بنای عالی و در آن مسجد، قبری است با ضریح معتبری منسوب به آن حضرت، و جمله‌ای از پیغمبران بنی اسرائیل در بیت المقدّس قبورشان در نزد اهل آن‌جا معلوم، و غیر اینها که بعض شواهد بر صدق [دلالت] دارند و بعضی مشتبه و مشکوک‌اند.

کیفیت زیارت پیامبران عظام

و امّا در باب کیفیّت زیارت ایشان: پس در اخبار زیارت مخصوصی برایشان به نظر نرسید، مگر زیارت حضرت آدم و نوح‌علیهما‌السلام که در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین‌علیه‌السلام به شرح رفت، ولکن از روایت زیارت جامعه که ما آن را اوّل زیارات جامعه قرار دادیم، ظاهر می‌شود که انبیاعلیهم‌السلام نیز به آن زیارت کرده می‌شوند و شاهد بر این آن‌که شیخ جلیل محمّد بن المشهدی در *مزار* و سیّد اجلّ علیّ بن طاووس در *مصباح الزّائر* و غیر ایشان ـ رضوان اللّه علیهم ـ در آداب دخول کوفه، همین زیارت شریفه را از برای مشهد حضرت یونس‌علیه‌السلام ذکر کرده‌اند، و مظنون آن است که نقل ایشان زیارت مذکوره را از روی همان کلّیّه باشد که از خبر ظاهر می‌شود.

به هر حال اگر کسی آن زیارت جامعه را در مراقد شریفهٔ انبیاعلیهم‌السلام بخواند مناسب است و چون زیارت در سابق مذکور شد محتاج به نقل آن در این جا نیستم. هرکه خواهد به زیارت اوّل زیارات جامعه [صفحه ۳۷۲] رجوع کند و از فیض عظیم آن خود را بهرمند نماید.



فصل دوّم

زیارت امام زادگان

در بیان زیارت امام زادگان عظام و شاهزادگان عالی مقام که قبورشان محلّ فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایات الهیّه است و علمای اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان، و بحمد اللّه تعالی در غالب بلاد شیعه قبورشان موجود، بلکه در قری و بریّه[۱] و اطراف کوه‌ها و درّه‌ها پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلّی دل‌های پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیام. و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده، و لکن مستور نماند که امامزاده‌ای که انسان با اطمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شدّ رحال کند به سمت قبر شریفش، باید دو مطلب را اوّل درست کرده، آنگاه قصد مقصد کند:

اوّل: جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد علاوه بر شرافتِ نسب و علاقهٔ بنوّت[۲] به حسب آن چه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم می‌شود.

دوّم: معلوم بودن قبر آن سیّد جلیل و صحّت نسبت آن قبر به آن جناب.

و جمع بین این دو بسیار کم است، چه بسیاری از قبوری که نسبت می‌دهند به آن بزرگواران، نه حال صاحبانش معلوم و نه مدفون بودن او در آن‌جا. و جمله‌ای دفنشان در آن‌جا معلوم و حالشان مجهول و پاره‌ای جلالت قدر آن امامزاده معیّن، و لکن مرقد شریفش مُشتبه.

اشاره به قبور امام زادگان عالی مقام

مثلاً سیّد اجلّ علیّ بن جعفر بن محمّد بن علیّ بن الحسین بن علیّ بن ابی طالب علیهم السلام که فرزند بلا واسطهٔ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است. جلالت شأن و بزرگی مقام او زیاده از آن است که در این مقام ذکر شود و بالاتر از آن است که بر کسی مخفی و پوشیده باشد. تربیت شده برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر است و از بزرگان راویان و صاحبان تصنیف است که تاکنون بحمد اللّه در دست است و چهار یا پنج امام را درک نموده و خدمت کرده، و لکن قبر شریفش غیر معلوم است و مُشتبه در سه موضع که به آن جناب نسبت می‌دهند:

---

۱. بیابان.
۲. علاقهٔ بنوّت: نسبت فرزندی.

اوّل: در بیرون قلعهٔ سمنان در میان باغچه با نضارت [و چشم نوازی و] با قبّه و بقعه و عمارت با نزاهتی. علاّمه مجلسی فرموده که بودن قبر آن حضرت در آن‌جا، معلوم نیست، بلکه خلافش مظنون است.

دوّم: در بلدهٔ طیّبهٔ قم در بیرون بلد مزاری است معروف به آن جناب و از برای اوست صحن وسیعی و قبّه و بقعه‌ای بسیار عالی و آثار قدیمه، که از آن جمله لوح قبر است که بسیار قدیم و بر روی آن کتابتی هست که ظاهراً تاریخش سنهٔ هفتصد و چهل هجری است به اسم آن حضرت و اسم والد بزرگوارش. و به این سبب اهل قم را اطمینان تامّ است بر بودن قبر شریفش در آن‌جا. و علاّمهٔ مجلسی رحمه الله در *بحار* فرموده که: از جمله کسانی که به جلالت و نبالت معروفند علیّ بن جعفر مدفون به قم است، و جلالتش مشهورتر است از آن‌که ذکر شود، و امّا بودنش مدفون به قم پس مذکور نیست در کتب معتبره لکن اثر قبر شریفش که موجود است قدیم است و بر آن اسمش نوشته است. و در *تحفه* فرموده که: مزاری در قم هست که قبر بزرگی در آن ساخته‌اند و بر روی قبر کتابتی هست که نوشته‌اند[1] قبر علیّ بن جعفر صادق عليه السلام و محمّد بن موسی، و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان نزدیک به چهار صد سال می‌شود. پس همان کلامی را که از *بحار* نقل شده فرموده تا آن‌که گفته: و چون از آن قبر قدیم و لوح آن چنین ظاهر می‌شود که در آن‌جا مدفون باشد، بهتر آن است که در آن‌جا زیارت آن حضرت بکنند.

سوّم: در یک فرسخی مدینهٔ طیّبه در قریهٔ عُرَیض که ملک آن جناب و محلّ شکنا به خودش و ذرّیّه‌اش بود، لهذا آن جناب و اولادش را نسبت به عریض دهند نیز از برایش قبر و قبّه‌ای است و ظاهر همین است چنانچه مختار شیخ ما علاّمهٔ نوری رحمه الله است و کلام را در این باب در *خاتمهٔ مستدرک* بسط به تمامی داده، و شاید مزاری که در قم است قبر احفاد و ذرّیّهٔ او باشند، به هر حال باقی ماند قلیلی که هر دو جهت آن مکشوف است.

مثل قبر اسماعیل پسر امام جعفر صادق عليه السلام که در بقیع نزدیک ائمّهٔ بقیع عليهم السلام معلوم است و در سابق اشاره به قبر آن جناب شد.

---

۱. و مجلسی اوّل در شرح فقیه در ترجمهٔ علیّ بن جعفر بعد از ذکر بندی از فضایل و جلالت او گفته: و بالجمله جلالت قدر علیّ بن جعفر بیشتر از آن است که ذکر شود و قبرش در قم مشهور است. و شنیدم آن‌که اهل کوفه خواهش کردند از آن جناب که از مدینه به کوفه تشریف آورد و آن بزرگوار قبول کرد و مدّتی در کوفه اقامت فرموده و اهل کوفه از آن حضرت اخبار حفظ کردند. پس از آن اهل قم استدعا کردند از جنابش که نزول اجلال در قم فرماید، پس استدعای ایشان را اجابت نموده به آن‌جا ورود کرد و بود تا آن‌که در قم از دنیا رفت و اولادش در عالم منتشرند، و در اصفهان قبر بعضی از آن‌ها است که یکی از آن‌ها سیّد کمال الدین است که در قریه سین بُرخوار است و قبرش زیارتگاه مردم است. (منه رحمه الله).

و مانند جمله‌ای از اولاد حضرت امام موسی کاظم﷣ مثل سیّد جلیل عظیم القدر و الشأن احمد معروف به شاه چراغ که در داخل شهر شیراز مدفون و در ظاهر نیز از جهت قبّه و صحن و ضریح و خدمه و موقوفات تعظیم و احترام تمام دارد.

و مثل برادر دیگرش قاسم که در هشت فرسخی حلّه مدفون است و مزار شریفش زیارتگاه عامّهٔ خلق است و پیوسته علما و اخیار به زیارت او روند و حدیثی در ألسنه معروف است، قریب به این مضمون که حضرت امام رضا﷣ فرمود: «هر کس قادر نیست بر زیارت من، پس زیارت کند برادرم قاسم را». و این خبر در جایی دیده نشده و تاکنون کسی از اصل آن نشانی نداده، ولکن بزرگی جلالت و علوّ مرتبت جناب قاسم اجلّ از آن است که برای ترغیب به زیارتش به این خبر بی‌اصل و نشان متمسّک شد چه آن‌که در *اصول کافی* خبری است که دلالت می‌کند بر عظمت شأن و بزرگی مقام او تا آن‌جا که عقل تصوّر نمی‌کند.

ثقة الاسلام در باب اشاره و نصّ بر حضرت علیّ بن موسی الرضا﷣ خبر طولانی نقل کرده از یزید بن سَلیط از حضرت کاظم﷣ در راه مکّه، و در آن خبر مذکور است که آن حضرت به او فرمود: «خبر دهم تو را ای ابا عماره بیرون آمدن از منزلم، پس وصی قرار دادم پسرم فلان را ـ یعنی جناب امام رضا﷣ را ـ و شریک کردم با او پسران خود را در ظاهر و وصیّت کردم با او در باطن، پس اراده کردم تنها او را و اگر امر راجع به سوی من بود، هر آئینه قرار می‌دادم امامت را در قاسم پسرم به جهت محبّت من او را و مهربانی من بر او، ولکن این امر راجع به سوی خداوند عزّ وجلّ است، و قرار دهد آن را هر کجا که می‌خواهد...» الخ.

و علّامهٔ مجلسی﵀ گفته که از جملهٔ امام زاده‌های مشهور امام زاده قاسم فرزند امام موسی﷣ است که در حوالی نجف اشرف مدفون است و قبرش معروف است، و سیّد ابن طاووس﵀ ترغیب به زیارت او نموده است، انتهی.

و مثل برادر دیگرش امام زاده حمزه که با شاه چراغ معروف از یک مادرند، و قبر شریفش در شهر ری نزدیک قبر حضرت عبد العظیم حسنی است، و جناب عبد العظیم پیوسته به زیارت او می‌رفت چنانچه بیاید در حکایت حال او. و این سیّد بزرگوار الان صاحب قبّه و بارگاه و ضریح و صحن و خدّام است، و هرکه به زیارت عبد العظیم مشرّف می‌شود قصد زیارت او را نیز می‌کند و به درک فیض زیارت او نایل می‌شود.

مؤلّف گوید که: در جزیره‌ای که در جنوب حلّه و بین دجله و فرات است، مزاری است مشهور به قبر حمزه پسر حضرت امام موسی﷣ و مردم او را زیارت می‌کنند و برای او کرامات

بسیار نقل می‌کنند ولکن این شهرت بی‌اصل است، بلکه آن جناب حمزة بن قاسم بن علیّ بن حمزة بن حسن بن عبد اللّه بن عبّاس بن علیّ بن ابی طالب‌ؑ ابو یعلی ثقة جلیل القدر است که شیخ نجاشی در رجال او را ذکر نموده، و در حکایت تشرّف سیّد العلماء و سناد الفقهاء وحید عصره جناب آقا سیّد مهدی قزوینی حلّاوی به خدمت حضرت صاحب الزّمان صلوات اللّه علیه نیز اشاره به این مطلب شده، چنانکه آن حضرت به سیّد فرمودند که: «این قبر ابی یعلی حمزة بن قاسم علوی عبّاسی است» که یکی از علمای اجازه و اهل حدیث است و اهل رجال او را ذکر نموده‌اند در کتب خود، و او را ثنا کرده‌اند به علم و ورع». و حقیر مجمل آن حکایت را در خاتمهٔ *تحیّة الزّائر* شیخ مرحوم که به دست این حقیر تمام شد ایراد نموده‌ام.

و بدان نیز که در بلد قم در وسط شهر امام زاده‌ای است مشهور به شاهزاده حمزه، و صاحب ضریح و قبّه و مزار است و بسیار معظّم و جلیل القدر و اهل بلد را اعتقاد تمامی است به او، و در احترام و اکرام او بسیار کوشند، و از کلام صاحب *تاریخ قم* ظاهر می‌شود که آن حضرت فرزند بی واسطهٔ حضرت امام موسی‌ؑ است، چنانچه در خلال تاریخ سادات حسنیّه از سادات رضائیّه که در قم بودند و در آن‌جا مدفون شدند، گفته که یحیی صوفی به قم اقامت کرد و به میدان زکریّا بن آدم به نزدیک مشهد حمزة بن امام موسی بن جعفر‌ؑ وطن و مقام گرفت و ساکن بود... الخ. و شاید امام زادهٔ مذکور از احفاد حضرت امام موسی باشد، چنانچه در باب علیّ بن جعفر گفته شده و اللّه العالم.

و مثل ابی حمزة امیر علیّ بن حمزة بن موسی الکاظم‌ؑ که در *عمدة الطّالب* و بعضی از مشجّرات، او را ذکر نموده‌اند و گفته‌اند که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصطخر است.

و مثل امام زاده محمّد فرزند امام جعفر صادق‌ؑ که در شهر بسطام مدفون است، و سیّد شهید قاضی نور اللّه‌ؒ در *مجالس* در ضمن احوال بایزید بسطامی گفته که در زمان سلطنت اولجایتوخان به امر او قبّه به سر تربت این امام زادهٔ عالی مقام بنا نمودند.

و از جمله قبر سیّد معظّم جلیل ابو جعفر محمد بن علیّ الهادی‌ؑ در نزدیکی بَلَد که اسم منزلی است معروف در طریق سامرّه، و جلالت و نبالت شأن آن بزرگوار بسیار است. و بس است در حقّ او که قابلیّت و صلاحیّت امامت را داشت و فرزند بزرگ حضرت هادی‌ؑ بود، و شیعه گمان می‌کردند که او امام خواهد بود بعد از هادی‌ؑ. چون از دنیا رحلت کرد حضرت هادی‌ؑ به امام حسن‌ؑ فرمودند: «یا بُنَیَّ اَحدِثْ لِلّهِ شُکْراً فَقَدْ اَحدَثَ فیكَ اَمْراً» ای پسر جان من، تازه کن شکر خدا را پس به تحقیق که حق تعالی تازه فرمود در حقّ تو امری را ــ که

مراد امر امامت باشد ـ و در روایتی فرمودند: «بَدا لِلّهِ في أَبي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلامُ بَعْدَ أَبي جَعْفَرٍ ما لَمْ يَكُنْ يُعْرَفُ لَهُ كَما بَدا لَهُ في مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلامُ بَعْدَ مُضِيِّ إِسماعيلَ ما كُشِفَ بِهِ عَنْ حالِهِ».

و احادیث به این مضمون که مراد «بداء» باشد در حق حضرت ابی محمّد عسکری علیه السلام بعد از ابی جعفر که مراد امام زاده سیّد محمّد باشد بسیار است، و جمله‌ای از آن‌ها را شیخ مفید رحمه الله در *ارشاد* ذکر فرموده، و نیز حدیثی در *ارشاد* روایت کرده که متضمّن است بر آن‌که حضرت عسکری علیه السلام در فوت سیّد محمّد گریبان خود را چاک فرموده بود و کفاه فضلاً و شرفاً. انتهی.

فضیلت وکیفیّت زیارت حضرت معصومه علیها السلام

و مثل سیّدهٔ جلیلهٔ معظّمه حضرت ستّی[1] فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام که در سال دویست و یک هجری به جهت اشتیاق ملاقات برادرش حضرت امام رضا علیه السلام از مدینه به جانب مرو بیرون آمد. زیرا که حضرت امام رضا علیه السلام در یک سال قبل از آن به امر مأمون به آن ولایت تشریف برده بودند. پس همین که آن مخدّره به ساوه رسید بیمار شد. سؤال فرمود که: «تا شهر قم چه مقدار مسافت است؟» عرض کردند که: ده فرسخ است. فرمود: «مرا به قم ببرید». همین که به سمت قم آمدند، طائفهٔ اشعریّین از آل سعد به استقبال آن حضرت رفتند، و موسی بن خزرج بن سعد که بزرگ آن‌ها بود از همه سبقت کرد و مهار ناقهٔ آن سیّدهٔ جلیله را گرفت و کشید تا وارد ساخت او را به قم در خانهٔ خود. پس آن مخدّره در آن خانه نزول اجلال نمودند و تا مدّت هفده روز مکث نموده، پس به رحمت ایزدی و به آباء طاهرین خود پیوست. پس او را دفن کردند در بابلان به تفصیلی که در *تاریخ قم* مذکور است و مقام را گنجایش همه نیست. و مزار آن حضرت در بابلان که اسم همان مکان دفن است که در آن زمان بستانی بوده، معروف و مشهور است. و دارای قبّهٔ عالیه و ضریح و صحن‌های متعدّد و خدمهٔ بسیار و موقوفات کثیره است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامّهٔ خلق است، و در هر سال جماعات بسیار از بلاد بعیده، شدّ رحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظّمه. و فضیلت و جلالت آن حضرت از اخبار بسیار ظاهر می‌شود. به علاوه آن‌که شیخ مفید در *ارشاد* فرموده که: از برای هر یک از اولاد حضرت ابو الحسن موسی علیه السلام فضیلت و منقبت مشهوره است و در خصوص فضل زیارت آن حضرت روایات

---

۱. سِتّی: مجازاً به‌معنی بانوی من می‌آید. ستّی در اصل به‌معنی شش جهت من بوده است، مخفف ستتی و به عنوان احترام و تکریم به‌زن گفته می‌شود.

بسیار وارد شده، از آن جمله شیخ فاضل خبیر ماهر حسن بن محمّد قمّی که معاصر ابن بابویه قمّی ﷺ هست در *تاریخ قم* که به جهت[1] کافی الکفاة صاحب ابن عباد نوشته است، روایت کرده که جماعتی از مردم ری در صحبت ابی عبد اللّه الصّادق ﷺ در آمدند و گفتند: که ما از مردم ری هستیم، حضرت فرمود: «مرحبا برادران مرا از اهل قم». آن‌ها عرض کردند که: ما از مردمان ری هستیم. دیگر مرتبه حضرت صادق ﷺ فرمود: «مرحبا برادران ما را از اهل قم». تا آن جماعت سه کرّت این سخن مکرّر کردند و امام ﷺ می‌فرمود: «مرحبا برادران قمیّین ما را». پس آن حضرت فرمود: «به درستی که از برای حق تعالی حرمی است و آن مکّه است، و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، و برای حضرت امیر المؤمنین ﷺ حرمی است و آن کوفه است، و از برای ما اهل بیت حرمی است و آن بلد قم است و بعد از این دفن شود در آن‌جا زنی از اولاد من که نامیده می‌شود به فاطمه، هرکه او را زیارت کند بهشت از برای او واجب شود» راوی گفت: وقتی که حضرت صادق ﷺ این فرمایش نمود هنوز حامله نشده بود مادر حضرت موسی ﷺ به آن امام بزرگوار. و به روایت دیگر منقول است که: «زیارت فاطمه ﷺ موازی و معادل با بهشت است».

و سیّد العلماء و الفقهاء و المحقّقین سیّد اجلّ جمال الدّین محمّد بن الحسین الخوانساری در مزار خود فرمود: بدان که احادیث منقوله در باب زیارت معصومه یعنی فاطمه بنت موسی ﷺ یکی آن است که به سند معتبر روایت شده که سعد بن سعد که راوی حدیث است، از حضرت امام رضا ﷺ سؤال نمود از [زیارت] فاطمه دختر موسی بن جعفر ﷺ، فرمود که: «هرکه او را زیارت کند از برای اوست بهشت». و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمّد تقی ﷺ منقول است که: «هرکه عمّهٔ مرا در قم زیارت کند پس از برای اوست بهشت». و در روایت معتبر دیگر نقل نموده‌اند که حضرت امام رضا ﷺ به سعد اشعری فرمود که: «ای سعد نزد شما قبری از ما هست». سعد گفت که: فدای تو شوم قبر فاطمه دختر امام موسی ﷺ را می‌فرمایی؟ فرمود که: «بلی هرکه او را زیارت کند و حقّ او را شناسد از برای اوست بهشت. پس چون به قبر آن حضرت برسی نزد سرش رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه بگو اللّهُ أکبَرُ و سی و سه مرتبه سبحانَ اللّهِ و سی و سه مرتبه الحمدُ للّهِ پس بگو:

---

۱. حدیثی که از تاریخ قم نقل شده به توسّط ترجمهٔ آن است زیراکه خود تاریخ نسخه‌اش بسیار کم، بلکه مفقود است و آنچه را در این باب از آن تاریخ نقل می‌کنیم از ترجمه‌ای است که قطعه‌ای از آن‌که مشتمل بر چهار باب آن است به نظر رسیده و صاحب ترجمهٔ شیخ حسن بن علیّ بن الحسن بن عبد الملک قمّی است که در عصر سلطان ابراهیم صفی که ظاهراً جدّ اعلای شاه طهماسب صفوی و والد سلطان شیخ جنید است به امر او تاریخ مذکور را ترجمه کرده و نسخهٔ ترجمه‌اش هم بسیار کم است. (منه ﷺ).

السَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلىٰ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلىٰ إبْراهيمَ خَليلِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلىٰ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلىٰ عيسى رُوحِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ خاتَمَ النَّبِيّينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا أميرَالْمُؤْمِنينَ عَلِيَّ بْنَ أبي طالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ • السَّلامُ عَلَيْكُما يا سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ[1] وَسَيِّدَيْ شَبابِ أهْلِ الْجَنَّةِ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعابِدينَ وَقُرَّةَ عَيْنِ النّاظِرينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ الْبارَّ الْأمينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسىٰ بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الطُّهْرَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ الرِّضا الْمُرْتَضىٰ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيَّ النّاصِحَ الْأمينَ • السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ • السَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ • اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نُورِكَ وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ • السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ • السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ وَخَديجَةَ • السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أميرِالْمُؤْمِنينَ • السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ الْحَسَنِ[2] وَالْحُسَيْنِ • السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ[3] • السَّلامُ عَلَيْكِ

---

۱. ظاهر آن است که مراد به رحمت، حضرت سیّد المرسلین صلی الله علیه و آله باشد که رحمة للعالمین است و از آن حضرت تعبیر به نبيّ الرّحمة نیز می‌شود. و ممکن است که معنی چنین باشد که سلام بر شما ای دو سبط. یعنی ای دو نبیرهٔ پیغمبر که خود عین رحمتید. و لکن معنی اوّل اظهر است. (منه رحمه الله).

۲. بدان که هرکه منسوب به حضرت امام محمّد باقر علیه السلام است، نسبت او به حضرت امام حسن علیه السلام می‌رسد، زیرا که مادر آن حضرت دختر حضرت مجتبی علیه السلام بود. به این جهت در زیارت حضرت فاطمهٔ معصومه وارد شده «السّلام علیك یا بنت الحسن» و ممکن است که نسبت مادر حضرت معصومه نیز منتهی به حضرت امام حسن علیه السلام شود و به این جهت نیز از اولاد آن حضرت باشد. (منه رحمه الله).

۳. «السَّلامُ عَلَيْكِ يا اُخْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ» این فقره از سلام در نسخهٔ مجلسی بود و در نسخهٔ مزار آقا جمال الدّین نبود. و در حاشیه مرقوم فرموده بود که مخفی نیست که در این زیارت «السَّلامُ عَلَيْكِ يا اُخْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ» نیز مناسب است و در چند نسخه که ملاحظ شد موجود نبود بعید نیست که از قلم ناسخین افتاده باشد. (منه رحمه الله).

يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ. السَّلامُ عَلَيْكِ عَرَّفَ اللّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَحَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللّهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرورَ وَالْفَرَجَ. وَأَنْ يَجْمَعَنا وَإِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنْ لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيٌّ قَديرٌ. أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّهِ بِحُبِّكُمْ. وَالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ. وَالتَّسْليمِ إِلَى اللّهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ وَعَلىٰ يَقينِ ما أَتىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ[1]. نَطْلُبُ[2] بِذٰلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدي اللّهُمَّ وَرِضاكَ وَالدّارَ الْآخِرَةَ. يا فاطِمَةُ اشْفَعي لي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكِ عِنْدَ اللّهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ. اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعادَةِ فَلا تَسْلُبْ مِنّي ما أَنَا فيهِ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. اللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعافِيَتِكَ. وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

سادات علویه که در جوار حضرت فاطمهٔ معصومه ؑ مدفون‌اند

مؤلّف گوید که: در قبّهٔ حضرت فاطمه ؑ جماعت بسیاری از بنات[3] فاطمیّه و سادات علویّه مدفون‌اند، مثل جمله‌ای از دختران [امام] جواد ؑ و بسیاری از دختران موسی مبرقع فرزند امام محمّد تقی ؑ مثل امّ محمّد و خواهرش میمونه و خواهر دیگرش بریهیه و خواهر محمّد بن موسی و غیر ایشان مثل امّ اسحاق جاریهٔ محمّدبن موسی و امّ حبیب جاریهٔ محمّد بن احمد الرّضا، چنانچه فاضل متقدّم در *تاریخ قم* ذکر فرموده.

پس از آن گفته که از جمله قبوری که در قم است قبر ابی جعفر موسی بن محمّد بن علی

---

۱. وَبِهِ راضٍ خ ل.

۲. در هنگام گفتن «نَطْلُبُ بِذٰلِكَ» تا «وَالدّارَ الآخِرَةَ» روی سخن و خطاب را با حق تعالی داشته باشد و همچنین در هر کلام که مشتمل بر خطاب الهی است، هر چند به حسب معنی خطاب الهی با خطاب مخلوقین ظاهر و ممتاز است، امّا اگر در ظاهرحال نیز به‌اشاره وایماء وتوجّه باطنی فصلی وامتیازی وهنر شود دلیل‌فهم معنی وبه ادب اقرب‌است.(منه عُفي عنه).

۳. دختران.

الرّضا﷣ است و او اوّل کسی است که از سادات رضویّه وارد به قم شد و پیوسته بر روی خود برقع گذاشته بود، پس بزرگان عرب او را از قم بیرون کردند، پس از آن پشیمان شده به خدمتش شتافتند و از او اعتذار خواسته، مکرّماً به قم واردش ساختند و گرامی داشتند او را، و از اموال خود برای او خانه و مزرعه‌ها خریدند و حال موسی در قم نیکو شد تا آن‌که از مال خود قریه‌ها و مزارعی خرید. پس از آن وارد شد بر او خواهرانش زینب[1] و امّ محمّد و میمونه دختران حضرت جواد﷣ پس بریهیه دختر موسی و تمام اینها مدفون شدند نزد فاطمه﷣، و موسی شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الآخر سنهٔ دویست و نود و شش از دار دنیا رفت و مدفون شد در موضعی که الحال معروف است قبرش. پس از آن ذکر نموده قبور جمع کثیری از سادات رضویّه و بسیاری از اولاد محمّد بن جعفر الصّادق﷣ و جمله‌ای از اولاد علیّ بن جعفر و قبور جمعی از سادات حسنیّه که محلّ ذکر آن‌ها در این جا نیست.

بیان حال موسی مبرقع که در قم مدفون است

بلی لازم است که جزئی اشاره شود به حال موسی مبرقع، علّامهٔ مجلسی﷫ در *تحفه* فرموده که: در قم قبور بسیار هست که منسوب است به اولاد ائمّهٔ الطّاهرین﷣، و بعضی از آن‌ها انتسابش معلوم نیست، و بعضی احوال ایشان معلوم نیست مثل موسی مبرقع فرزند امام محمّد تقی﷣ که از بعضی احادیث مذمّت او ظاهر می‌شود، و ظاهراً مراد جنابش از بعض احادیث، حدیثی است که شیخ مفید﷫ در کتاب *ارشاد* در باب نصوص و معجزات ابی الحسن هادی﷣ آن را از حسین بن حسن از یعقوب بن یاسر نقل می‌کند که دلالت دارد برآن‌که موسی در زمان عنفوان و غرور جوانی شرب نبیذ می‌کرده، ولکن آن خبر ضعیف است به جهات چند:

اوّلاً: جهالت در راوی آن خبر، بلکه یعقوب که راوی متن خبر است ظاهراً از بستگان متوکّل است، و خبر را اگرچه شیخ مفید ـطاب ثراهـ ذکر فرموده که مقدّم بر علما و شیخ محدّثین و متکلّمین و فقها است، بلکه غیر آن جناب از دیگران نیز، امّا در باب فضایل و مناقب و معجزات و امثال آن در نقل اخبار تسامح و تساهل است، بلکه اگر راوی از اعداد مخالفین باشد در ذکر آن بیشتر اعتنا است.

---

۱. این زینب همان است که بر قبر حضرت معصومه، قبّه بنا کرد پس از آن‌که سقفی بر قبرش بنا کرده بودند از بوریا و حصیر. (منه﷫).

و ثانیاً: آن‌که گوینده کلماتی که در عیب موسی است در آن خبر، مثل «موسی قصّاف عزّاف یأکل و یشرب... الخ». همه از فسّاق و اتباع متوکّل بودند که به شهادت تمام ایشان در شرع مطهّر ثابت نشد نه جرحی و نه تعدیلی.

و ثالثاً: معارض بودن آن با خبری که شیخ کلینی رحمه الله در *کافی* ذکر نموده که متضمّن است گواه گرفتن حضرت جواد علیه السلام موسی را بر نسخهٔ وصیّت، و در آن تصریح شده که موسی از جانب پدر بزرگوار، مستقلاً متولّی بود بر جمله‌ای از موقوفات آن حضرت بی مشارکت احدی، و تولیت اوقاف از جانب امام علیه السلام از شواهد عدالت و امانت و دیانت است، چنانچه مخفی نیست و غیر اینها که تفصیل آن در *بدر مشعشع* است، پس ظاهر شد که به مجرّد این خبر نتوان در موسی قدح کرد و متعرّض او شد به آن‌که نعوذ بالله موسی اهل شرب بوده و امثال آن، و چه نیک فرموده علّامهٔ مجلسی در *بحارالانوار* که: وارد شده بعضی اخبار در ذمّ موسی، لکن قدحی نمی‌رساند به ایشان مجرّد بعض خبرهای نادره، با وجود آن‌که رسیده در خبری نهی از قدح در آن‌ها و متعرّض شدن به آن‌ها به جهت این نوع چیزها، انتهی.

و شیخ مرحوم فرموده که: این موسی همان است که از کثرت فضایل و مناقب و تقوی و سکون نفس و حُسن رفتار، والی قم او را تشبیه به ائمه علیهم السلام کرده، قایل امامت می‌دانست او را، و إتقان و احکام محدّثین قم بر همه ظاهر و معلوم است که اگر شخصی از ضعیفی یا مجهول الحالی یا دروغگویی روایت می‌کرد او را طرد می‌کردند هر چند بزرگ و صاحب شأن و منزلت بود و دانستی احترام و اکرام ایشان آن سیّد را و او در طبقهٔ خود، مثل احمد بن محمّد بن عیسی الاشعری، و احمد بن اسحاق، و محمّد بن یحیی و امثال ایشان بوده که جمع کرده بودند میان ریاست دنیا و آخرت. و علما در کتب حدیث از او روایت می‌کنند چون ثقة الاسلام در *کافی* و شیخ الطّائفة در *تهذیب* در باب میراث خنثی و حسن بن علیّ بن شعبه در *تحف العقول* و غیر ایشان ـ رضوان الله علیهم ـ.

در فضایل و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

و مثل امام زادهٔ لازم التّعظیم جناب شاهزاده عبد العظیم که نسب شریفش به چهار واسطه به سبط جلیل حضرت خیر الوری امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می‌شود، و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور و ملاذ و معاذ عامّهٔ مخلوق است، و علوّ مقام و جلالت شأن آن حضرت اظهر من الشّمس است، چه آن جناب بعلاوه آن‌که از دودمان حضرت خاتم النّبیّین صلی الله علیه و آله است از اکابر

محدّثین و اعاظم علماء و زهّاد و عبّاد و صاحب ورع و تقوی است و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی علیه السلام است و نهایت توسّل و انقطاع به خدمت ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده، و اوست صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام، و اوست که دین خود را بر امام زمانش حضرت هادی علیه السلام عرض کرد و حضرت تصدیق او نمود و فرمود: «يا أَبَا القاسِمِ هٰذا وَاللّٰهِ دِينُ اللّٰهِ الَّذي ارتَضاهُ لِعِبادِهِ فَاثْبُتْ عليه، ثَبَّتَكَ اللّٰهُ بِالقولِ الثّابِتِ فِي الحياةِ الدُّنيا والآخِرَةِ».

و بالجمله فضایل و مناقب آن جناب بسیار است، و شیخ نجاشی در *رجال* حکایت آمدن او به ری و مدفون شدن او را در آن‌جا نقل فرموده، و قضیّه مشهور است و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *تحفه* نیز ذکر فرموده. ولکن فقیر یافتم نسخه‌ای از *نهایهٔ* شیخ طوسی رحمه الله به خطّ شیخ ابی المحاسن ابراهیم بن الحسین بن بابویه که به زیاده از هشتصد سال قبل نوشته شده بود، در آخر جزء اوّل آن نوشته بود بسیاری از فضایل و علوّ مقام و رتبه و علم و زهد و ورع و نسب جناب عبد العظیم را، از آن جمله در وصف علم او نوشته بود که روایت کرده ابو تراب رویانی که گفت: شنیدم از ابو حمّاد رازی که می‌گفت: وارد شدم بر حضرت امام علیّ نقی علیه السلام در سرّ من رأی، پس سؤال کردم از آن حضرت، جمله‌ای از مسائل حلال و حرام خود. پس جواب فرمود مسائل مرا تا آن‌که زمانی که خواستم بیرون آیم به وداع آن حضرت. رفتم. همین که آن حضرت را وداع کردم فرمود به من: «ای حمّاد، وقتی که مشکل شد چیزی از امور دینت در ناحیهٔ خود ـ یعنی در بلد ری ـ پس سؤال کن آن‌ها را از عبد العظیم بن عبد اللّه حسنی و سلام مرا به او برسان...» الخ.

و محقّق داماد رحمه الله در کتاب *رواشح* گفته که: احادیث بسیار در فضیلت و زیارت عبد العظیم روایت شده، و وارد شده که هرکه زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود.

و شیخ شهید ثانی رحمه الله در *حواشی خلاصه*، همین روایت را از بعض نسّابین نقل فرموده، و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده‌اند که: مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام رفت، حضرت از او پرسید که: «کجا بودی؟» عرض کرد که: به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم. فرمود: «که اگر زیارت می‌کردی قبر عبد العظیم را که نزد شما است هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین علیه السلام کرده باشد».

فقیر گوید که: علما از برای آن بزرگوار زیارتی نقل نکردند، مگر آن‌که فخر المحقّقین آقا جمال الدّین در *مزار* خود فرموده که زیارت آن حضرت به این نحو متناسب است:

السَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صَفْوَةِ اللّهِ، السَّلامُ عَلىٰ نُوحٍ نَبِيِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلىٰ إبراهيمَ خَليلِ اللّهِ، السَّلامُ عَلىٰ مُوسىٰ كَليمِ اللّهِ، السَّلامُ عَلىٰ عيسىٰ رُوحِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّهِ خاتَمَ النَّبِيّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أميرَالْمُؤْمِنينَ عَلِيَّ بْنَ أبي طالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ، السَّلامُ عَلَيْكُما يا سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبابِ أهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعابِدينَ وَقُرَّةَ عَيْنِ النّاظِرينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ الْبارَّ الْأمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسىٰ بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الطُّهْرَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ الرِّضا الْمُرْتَضىٰ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيَّ النّاصِحَ الْأمينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نُورِكَ وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ أيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ وَالطّاهِرُ الصَّفِيُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ السّادَةِ الْأطْهارِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأخْيارِ، السَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّهِ وَعَلىٰ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللّهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلَى الْعَبْدِ الصّالِحِ الْمُطيعِ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَلِرَسُولِهِ وَلِأميرِ الْمُؤْمِنينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبَا الْقاسِمِ بْنَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ الْمُجْتَبىٰ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بِزِيارَتِهِ ثَوابُ زِيارَةِ سَيِّدِ الشُّهَداءِ يُرْتَجىٰ، السَّلامُ عَلَيْكَ عَرَّفَ اللّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ، وَأوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكُمْ، أسْألُ اللّهَ أنْ يُرِيَنا فيكُمْ

السُّرورَ وَالْفَرَجَ. وَاَنْ يَجْمَعَنا وَاِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَاَنْ لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ اِنَّهُ وَلِيٌّ قَديرٌ. اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِحُبِّكُمْ. وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكُمْ. وَالتَّسْليمِ اِلَى اللهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ. وَعَلى يَقينِ ما اَتى بِهِ مُحَمَّدٌ. نَطْلُبُ بِذٰلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدي اللّٰهُمَّ وَرِضاكَ وَالدّارَ الْآخِرَةَ. يا سَيِّدي وَابْنَ سَيِّدي اشْفَعْ لي فِي الْجَنَّةِ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ. اللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعادَةِ فَلا تَسْلُبْ مِنّي ما اَنَا فيهِ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. اللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا وَتَقَبَّلْهُ بِرَحْمَتِكَ وَعافِيَتِكَ. وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

کیفیّت زیارت امام زادگان

پس سیّد مذکور فرموده که: در بعضی اخبار مذکور است که امام زاده عبد العظیم در اوقات توقّف در ری از منزل پنهان بیرون می‌آمد و قبری که در مقابل قبر اوست و راه در میان است، زیارت می‌کرد و می‌فرمود که: این قبر مردی از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام است. و الحال قبری در آن‌جاست که به امام زاده حمزه، فرزند حضرت امام موسی علیه السلام منسوب است، و ظاهر آن است که همان قبری باشد که امام زادهٔ عبدالعظیم زیارت آن می‌نموده، إن شاء اللّٰه او را نیز زیارت باید نمود، و همین زیارت را می‌توان خواند، و فقرهٔ «اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الْقاسِمِ» و فقرهٔ بعد از آن را نباید خواند، انتهی.

مخفی نماند که در صحن امام زادهٔ حمزه قبر شیخ جلیل سعید، قدوة المفسّرین جمال الدّین ابوالفتوح حسین بن علی خزاعی صاحب تفسیر معروف است، و بر روی قبر آن جناب اسم و نسب او به خطّ قدیم نوشته شده، و فرمایش قاضی نور اللّٰه در *مجالس* که قبرش در اصفهان است بعید است، باید آن جناب را زیارت نمود، و همچنین از زیارت جناب شیخ صدوق رئیس المحدّثین رحمه الله که معروف به ابن بابویه در نزدیکی بلد شاهزاده عبد العظیم است غفلت نباید نمود.

بدان که سیّد جلیل و عالم نبیل سیّد عبد اللّطیف بن ابو طالب الموسویّ الشوشتری که از دودمان جلیلهٔ سیّد نعمت اللّٰه جزائری رحمه الله است در کتاب *تحفة العالم* که از مؤلّفات اوست، در تاریخ

شوشتر و ذکر حال مرحوم سیّد نعمت اللّه و اولاد و احفاد و اقارب او و غیره است، در فصل فرستادن خلیفهٔ ثانی لشگر اسلام را به جهت تسخیر ملک عجم و تسلّط ایشان بر شوشتر و محاربهٔ ایشان با هرمزان گفته که: در محاربهٔ شوشتر محمّد بن جعفر الطیّار نیز زخم‌های منکر [و شدید] برداشته، در مراجعت به دزفول داعی حق را لبّیک اجابت گفته، در آن‌جا در خارج شهر مدفون شد، و الحال بارگاه آن شهید مجاهد در دزفول مطاف انام و زیارتگاه خاصّ و عام است، عمارتی عالی و باغچهٔ باصفایی دارد که در آن شهر نزهتگاهی از آن بهتر نیست، و اکثر مردم در فصل بهار به سیر و تفرّج به آن بقعهٔ شریفه روند و خالی از کیفیّتی نیست، و امّا ارباب سیَر مدفن محمّد بن جعفر را در شوشتر نوشته‌اند، و محتمل است که چون شوشتر اعظم بلاد خوزستان و دزفول از توابع آن است به این سبب مورّخین شوشتر نوشته باشند.

و هم در آن کتاب مسطور است که از جملهٔ بقاع مشهوره، بقعهٔ امام زاده عبداللّه است که درقبلی شهر، یعنی شهر شوشتر واقع است، و نسب آن جناب به سه واسطه به سیّد السّاجدین می‌پیوندد، بدین وجه: عبد اللّه بن الحسن الدّکّة بن الحسین الاصغر بن زین العابدین. روزهای پنجشنبه و جمعه عموماً و روز بیست و یکم ماه رمضان خصوصاً که روز وفات امیرالمؤمنین است. مردم به زیارت آن حضرت می‌روند و ازدحامی عظیم شود. و گفته [می‌شود] که بانی عمارت امام زاده عبد اللّه، المستنصر باللّه خلیفه عبّاسی است، و سادات کرام مرعشی شوشتر که در نسب برادر زادگان آن جناب‌اند بر عمارت آن افزودند و تولیت آن بقعهٔ مبارکه الی الآن با آن سلسلهٔ علیّه است و گویند پسر آن حضرت است که در شوشتر مدفون است، انتهی.

و قاضی نور اللّه شوشتری نیز در *مجالس المؤمنین* احوال این امام زاده را ذکر فرموده مجملاً و گفته که او از اکابر ذرّیّهٔ سیّد المرسلین و در فضل و طهارت مشابه جدّ خود امام زین العابدین بود. لهذا در دست اعادی دین شهید گردید.

مؤلّف گوید که: چون بنای ما بر اختصار است، لهذا در مقام ذکر امامزادگان به همین مقدار قناعت می‌کنیم، چه آن‌که استقصاء آن‌ها منافی با قصد ما است.

و امّا در باب زیارت آن‌ها، پس مخفی نماند که کلام خاصّی که از معصومین نقل شده باشد به جهت زیارت آن‌ها به نظر نرسیده مگر بعضی زیارات متعلّقه به شهدای کربلا که در کتاب‌های مزار مذکور و بعضی از آن‌ها منقول و بیشتر عباراتش مشتمل بر فضایل مختصّه به ایشان است، و مثل زیارت متعلّقه به حضرت معصومهٔ قم که ظاهرش آن است که منقول از معصوم است. پس اگر کسی همان زیارت را در زیارت سایر امامزادگان بخواند به این طریق که

بعضی فقرات که اختصاص به آن حضرت دارد بیندازد و فقره‌ای چند که مناسب بوده باشد اضافه نماید، فضیلت زیارت به عمل می‌آید چنانچه سیّد اجلّ آقا جمال الدّین فرموده و خود در باب زیارت حضرت عبد العظیم چنین نموده چنانکه دانستی، و نیز فرموده که آن چه در زیارت مؤمنین وارد شده، در هنگام زیارت امامزاده‌ها نیز مناسب است، انتهی.

ولکن سیّد اجلّ علیّ بن طاووس﵀ در *مصباح الزّائر* دو زیارت از برای امامزادگان نقل نموده که به آن زیارت کرده می‌شوند و نقلش در این جا مناسب است. فرموده که: چون قصد کردی زیارت کنی یکی از ایشان را مثل قاسم[1] فرزند حضرت کاظم﵇ یا عبّاس فرزند امیر المؤمنین﵇ یا علیّ بن الحسین﵉ که مقتول به طفّ است و هرکه جاری مجرای ایشان باشد در حکم، پس بایست بر سر قبرشان و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالدَّاعِي الْحَفِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقّاً وَنَطَقْتَ حَقّاً وَصِدْقاً، وَدَعَوْتَ إِلَىٰ مَوْلايَ وَمَوْلاكَ عَلانِيَةً وَسِرّاً، فازَ مُتَّبِعُكَ، وَنَجا مُصَدِّقُكَ، وَخابَ وَخَسِرَ مُكَذِّبُكَ وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ اشْهَدْ لِي بِهٰذِهِ الشَّهادَةِ عِنْدَكَ لِأَكُونَ مِنَ الْفائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَطاعَتِكَ وَتَصْدِيقِكَ وَاتِّباعِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، أَنْتَ بابُ اللّٰهِ الْمُؤْتىٰ مِنْهُ وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ، أَتَيْتُكَ زائِراً وَحاجاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعاً، وَها أَنَا ذا أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمانَتِي وَخَواتِيمَ عَمَلِي وَجَوامِعَ أَمَلِي إِلىٰ مُنْتَهىٰ أَجَلِي، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

زیارت دیگر اولاد ائمه﵇

می‌گویی: السَّلامُ عَلىٰ جَدِّكَ الْمُصْطَفىٰ، السَّلامُ عَلىٰ أَبِيكَ الْمُرْتَضَىٰ الرِّضا، السَّلامُ عَلَى السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلامُ عَلىٰ خَدِيجَةَ أُمِّ

---

۱. قاسم بن کاظم همان است که در سابق اشاره به مزار و به برخی از مقام علوّ او نمودیم، و این عبارت سیّد نیز دلالت تمام بر بزرگی او دارد. (منه﵀).

سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ اُمِّ الْاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ. اَلسَّلامُ عَلَى النُّفُوسِ الْفاخِرَةِ بُحُورِ الْعُلُومِ الزّاخِرَةِ. شُفَعائي فِي الْآخِرَةِ. وَاَوْلِيائي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ اِلَى الْعِظامِ النَّخِرَةِ. اَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَوُلاةِ الْحَقِّ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّريفُ الطّاهِرُ الْكَريمُ. اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ. وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَمُصْطَفاهُ. وَاَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّهُ وَمُجْتَباهُ. وَاَنَّ الْاِمامَةَ[1] في وُلْدِهِ اِلىٰ يَوْمِ الدّينِ. نَعْلَمُ ذٰلِكَ عِلْمَ الْيَقينِ وَنَحْنُ بِذٰلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَفي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ.

زیارت حضرت زینب بنت علیّ ﷺ در شام

و از جمله قبرهٔ زینبیّه و آن چنان است که در شام موضعی است که او را زینبیّه می‌گویند، و در آن‌جا بقعه و مقبره‌ای است با صحن بسیار با صفا، نسبت می‌دهند آن را به حضرت زینب کبری ﷺ دختر امیر المؤمنین ﷺ، و حجّاج راه شام پیوسته به زیارت آن حضرت می‌روند و در آن‌جا تجدید ماتم و عزاداری می‌کنند، و احقر هم به زیارت آن حضرت در آن‌جا مشرّف شده‌ام. ولکن در کتب مزاریّه و مقاتل معتبره ندیدم چیزی که دلالت کند بر آن‌که مزار آن حضرت در آن‌جا باشد، بلکه فاضل متتبّع ماهر خبیر میرزا عبّاس قلی خان سپهر مستوفی در کتاب *طراز المذهب مظفّری* گفته: آن چه صحیح می‌نماید این است که حضرت زینب ﷺ بعد از مراجعت به مدینهٔ طیّبه وفات کرده است و در مدینه مدفون شده است. دیگر وفاتش چه وقت بوده است خدا می‌داند، و این زینبیّه که در شام است گمان می‌رود که همان دختر امام حسین ﷺ باشد. و نیز می‌توان گفت زینبیّه شام، منسوب به یکی از دختران یا فرزند زادگان ایشان باشد، چنانچه در اغلب امامزادگان حالت بر این منوال است که اسامی آباء او را بر زبان نمی‌آورند و به آن جدّی که امام یا پسر امام است منسوب می‌دارند که وی مشهورتر است، انتهی.

مؤلّف گوید که: اگر گوییم این مزاری که در شام است البتّه از حضرت زینب کبری است، باید اعتماد کنیم به آن مطلبی که پاره‌ای از متتبّعین اهل خبر نوشته‌اند و حقیر نیز آن را از شیخ مرحوم

---

۱. الأئمّة خ ل.

ثقة الاسلام نوری ـطاب‌ثراه‌ـ شنیده‌ام؛ و حاصلش آن‌که هنگامی چنان افتاد که در مدینهٔ طیّبه حالت قحط و غلا روی داد. عبد الله بن جعفر زوج حضرت زینب علیها السلام با عیال خود روی به طرف شام نهاد تا در آن‌جا بماند، و بعد از قحطی به مدینة الرّسول صلّی الله علیه و آله باز شود. در آن ایّام که در شام توقّف داشت در ضیعه و قریه‌ای که اکنون مزار منوّر حضرت زینب علیها السلام در آن‌جا واقع است آن حضرت را حالتِ استقامت، از مزاجِ عصمتْ امتزاجْ بگشت و به آن رنج در گذشت[1] و در همانجا به خاک رفت و امّا آن چه را که جمله گفته‌اند که اهل بیت را دوباره اسیر کردند و به شام آوردند، در دفعهٔ دوّم، حضرت زینب علیها السلام وفات کرد و سبب وفات آن حضرت را نیز به طور مختلف ذکر کرده‌اند و اشاره به مصیبت‌های عظیم نموده‌اند، تمام از درجهٔ اعتبار ساقط و هابط است و محلّ اعتماد نشاید، چنانچه فاضل متقدّم در *طراز المذهب* به آن اشاره کرده و مقام را گنجایش تطویل نیست و الله اعلم.

و امّا کیفیّت زیارت آن حضرت علیها السلام مناسب است که به این کلمات زیارت کرده شود، پس چون به قبر آن حضرت برسی نزد سرش رو به قبله بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلیٰ آدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلیٰ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلیٰ إِبْراهیمَ خَلیلِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلیٰ مُوسیٰ کَلیمِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلیٰ عیسیٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَیْرَ خَلْقِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ خاتَمَ النَّبِیّینَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا أَمیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا فاطِمَةُ سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَسَیِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَ الْعابِدینَ وَ قُرَّةَ عَیْنِ النّاظِرینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقَ الْبارَّ الْأَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ الطّاهِرَ الطُّهْرَ،

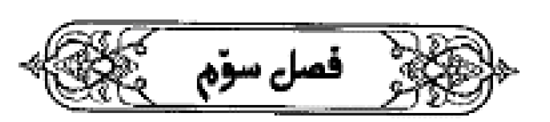
---

۱. یعنی آن حضرت استقامت و صبر را از دست داد. عصمتْ امتزاج در این‌جا صفت مزاج و روحیه است.

السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا الْمُرْتَضى. السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النّاصِحَ الْأَمينَ. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. السَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلى نُورِكَ وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلى خَلْقِكَ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ وَخَديجَةَ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا أُخْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللّهِ. السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلَيْكِ عَرَّفَ اللّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ. وَحَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ. وَأَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ. وَسَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللّهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ. وَأَنْ يَجْمَعَنا وَإِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنْ لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيٌّ قَديرٌ. أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّهِ بِحُبِّكُمْ. وَالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ. وَالتَّسْليمِ إِلَى اللّهِ راضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ. وَعَلى يَقينِ ما أَتى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ راضٍ. نَطْلُبُ بِذلِكَ وَجْهَكَ ياسَيِّدي اللّهُمَّ وَرِضاكَ وَالدّارَ الْآخِرَةَ. يا زَيْنَبُ اشْفَعي لي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكِ عِنْدَ اللّهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ. اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعادَةِ فَلا تَسْلُبْ مِنّي ما أَنَا فيهِ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. اللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعافِيَتِكَ. وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.





فصل سوّم

در فضیلت و کیفیت زیارت قبور مؤمنین
و اصحاب ائمه و علمای عظام رضوان الله علیهم

شیخ عالم کامل، جعفر بن قولویه، در *کامل* به سند معتبر از عمرو بن عثمان رازی، روایت کرده که گفت: شنیدم از حضرت ابی الحسن الاوّل، یعنی حضرت امام موسی؛ که می‌فرمود: «هرکه قادر نباشد بر زیارت ما، پس زیارت کند صلحا از موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما. و کسی که قادر نباشد بر صله و نیکی به ما، پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما، تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی به ما». و نیز به سند صحیح روایت کرده از محمّد ابن احمد بن یحییٰ الاشعری که گفت: من در فید ـ که اسم منزلی است در طریق مکّه ـ با علیّ بن بلال روانه شدیم سر قبر محمّد بن اسماعیل بن بزیع، پس علیّ بن بلال برای من گفت که: صاحب این قبر، برای من روایت کرد از حضرت امام رضا؛ که فرمودند: «هرکه بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد، و هفت مرتبه بخواند سورهٔ «اِنّا اَنْزَلْناهُ» را، ایمن گردد از فزع اکبر» یعنی ترس بزرگ، که روز قیامت. و در روایت دیگر، مثل همین را نقل کرده، مگر آن‌که دارد: «و رو به قبله کند».

فقیر گوید که: این ایمن بودن که حدیث دلالت بر آن دارد، ممکن است که از برای خواننده باشد، چنانچه ظاهر حدیث است، و محتمل است که از برای صاحب قبر باشد، چنانچه تأئید می‌کند آن را حدیثی که بعد از این از سیّد ابن طاووس نقل می‌شود.

و نیز در *کامل الزّیارة* به سند معتبر منقول است که: عبد الرّحمن بن ابی عبد الله به حضرت صادق؛ عرض کرد که: چگونه بگذارم دست خود را بر قبور مسلمین؟ پس حضرت به دست خود اشاره به زمین فرمود، و دست را بر زمین گذاشت و خود مقابل قبله بودند.

و نیز به سند صحیح منقول است که عبد الله بن سنان به حضرت صادق؛ عرض کرد که: چگونه سلام باید کرد بر اهل قبور؟ فرمود که: «می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ، اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْ شاءَ اللهُ بِکُمْ لاحِقُونَ».

و از حضرت امام حسین﴾ع﴿ روایت شده که: «هرکه داخل قبرستان شود و بگوید:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْواحِ الْفانِيَةِ وَالْاَجْسادِ الْبالِيَةِ وَالْعِظامِ النَّخِرَةِ الَّتي خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيا وَهِيَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ اَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ وَسَلاماً مِنّي»، بنویسد حق تعالیٰ از برای او حسنات به عدد خلق از زمان آدم تا قیام قیامت».

و از حضرت امیر المؤمنین﴾ع﴿ منقول است که هر که: «داخل قبرستان شود و بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ. يا اَهْلَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ. يا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ. وَاحْشُرْنا في زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللّٰهِ.

حق سُبحانه وتعالی ثواب پنجاه سال عبادت برای او بنویسد، و گناه پنجاه ساله را از او و از پدر و مادرش محو گرداند».

و در روایت دیگر وارد شده که: «بهتر سخنی که در قبرستان بگوئی چون از آن‌جا بگذری، آن است که بایستی، و بگویی: **اَللّٰهُمَّ وَلِّهِمْ ما تَوَلَّوْا، وَاحْشُرْهُمْ مَعَ مَنْ اَحَبُّوا**».

و سیّد ابن طاووس﴾ره﴿ در *مصباح الزائر* گفته که: چون قصد کنی زیارت مؤمنین را، سزاوار است که روز پنجشنبه باشد، و اگر نه هر وقت که خواستی، و کیفیّت زیارت ایشان چنین است که، رو به قبله کنی و بگذاری دست خود را بر قبر و بگویی: **اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ. وَصِلْ وَحْدَتَهُ. وَآنِسْ وَحْشَتَهُ. وَآمِنْ رَوْعَتَهُ. وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَغْني بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ. وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كانَ يَتَوَلّاهُ.** پس می‌خوانی سورهٔ «اِنّا اَنْزَلْناهُ» را هفت مرتبه.

و روایت شده در صفت زیارتشان و ثواب او حدیث دیگری از فضیل که گفت: هرکه بخواند سورهٔ «اِنّا اَنْزَلْناهُ» را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی، حق تعالی ملکی به سوی قبر او فرستد که عبادت کند خدا را نزد قبر او، و بنویسد حق تعالی از برای میّت، ثواب عمل این ملک را، پس چون از

قبرش مبعوث شود، به هیچ هولی از اهوال قیامت نگذرد مگر آن‌که حق تعالی بگرداند آن هول را از او، به سبب آن ملک، تا خدا او را داخل بهشت گرداند، و با هفت مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، سورهٔ «حمد» و دو سورهٔ «قُلْ أَعُوذُ» و «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» و «آيَةُ الْكُرْسِي» را، هر یک سه مرتبه بخواند.

و نیز روایت شده در صفت زیارت آن‌ها روایت دیگری از محمّد بن مسلم، که گفت: به خدمت حضرت صادق عليه السلام عرض کردم که: مردگان را زیارت بکنیم؟ فرمود: «بلی». گفتم: آیا آن‌ها می‌دانند که ما به زیارت آن‌ها رفته‌ایم؟ فرمود: «بلی، قسم به خدا می‌دانند و شاد می‌شوند و اُنس می‌گیرند به شما». عرض کردم که: چه بگوئیم وقتی که به زیارت ایشان برویم؟ فرمود: «بگو:

اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ، وَصَعِّدْ اِلَيْكَ اَرْواحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْواناً، وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ».

پس سیّد فرموده: و در وقتی که بوده باشی بین قبرها بخوان یازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» را و هدیّه کن آن را از برای ایشان به تحقیق که روایت شده که حق تعالی به عدد مردگان ثواب می‌دهد، انتهی.

و در *کامل الزیارة* از حضرت صادق عليه السلام روایت شده که فرمود: «مردگان را چون پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید، می‌شنوند و جواب می‌دهند شما را. و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید، می‌شنوند و جواب نمی‌دهند».

مؤلّف گوید که: مشهور این است که بر روی قبرها راه رفتن بی‌ضرورتی مکروه است. و در فقیه حدیث معتبری از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام منقول است که فرمودند: «چون به قبرستان روی بر روی قبرها راه رو که هرکه مؤمن است راحت می‌یابد و هرکه منافق است متألّم می‌شود». و اکثر این حدیث را حمل بر ضرورت کرده‌اند.

زیارت قبور مؤمنین

و بدان که زیارت قبور مسلمین ثواب بسیار و اجر بی شمار دارد و فواید عظیمه بر آن مترتّب است و باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی میلی به دنیا و رغبت در آخرت می‌شود، و در وقت اندوهِ بسیار و شادیِ بسیار باید به قبرستان رفت، و باید که انسان در قبرستان عبرت بگیرد از ایشان تا حلاوت دنیا از دلش بیرون رود و شهد کالای دنیوی در کامش تلخ شود، و تفکّر کند در

فنای دنیا و تقلّب احوال آن، و به خاطر بیاورد که او نیز عن قریب مثل ایشان خواهد گشت و دستش از عمل کوتاه، و باعث عبرت دیگران شود.

معروف است که هارون الرّشید، بهلول عاقل را در رهگذری دید بر اسب نی سوار شده با کودکان بازی می‌کرد. هارون پیش رفته و سلام کرد و التماس پندی نمود. بهلول گفت: «أیُّها الأمیرُ هٰذِهِ قُصُورُهُمْ وَهٰذِهِ قُبُورُهُمْ» یعنی مشاهدهٔ قصرها و عمارت‌های پادشاهان گذشته و ملاحظهٔ قبور ایشان، تو را از برای پند بس است، در آن‌ها نظر کن و از ایشان عبرت گیر، چه آن قوم که هم از ابنای جنس تو بوده‌اند عمری در این قصرها چون تو بساط عیش و نشاط گسترده، و اکنون در این گورهای پرمار و مور خفته و خاک حسرت بر سر کرده‌اند. فرداست که بر تو نیز همین ماجرا رود و آفتاب حیاتت به مغرب ممات رسد، تخت دولتت به تختهٔ تابوت مبدّل شود و بستر خاک جانشین جامهٔ خواب مخمل گردد. اندیشه کن که از آن همه حشمت و جاه چه در دستت خواهد ماند و آن همه عظمت و جبروت چه فایده بحالت خواهد رساند.

در کیفیّت زیارت اصحاب ائمه علیهم السلام

و امّا زیارت اصحاب ائمه علیهم السلام و زیارت علمای عظام، پس معلوم است فضیلت زیارت آن‌ها بالخصوص، و علما تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت آن‌ها. و سابقاً در باب اعمال مدینهٔ طیّبه تصریح شیخ شهید به استحباب زیارت منتجبین صحابه نقل شد، و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در بحار فرموده که: مستحبّ است زیارت هرکه معلوم باشد فضل و علوّ شأن و مرقد او از افاضل صحابهٔ پیغمبر صلی الله علیه و آله مثل سلمان و ابوذر و مقداد و عمّار و حذیفه و جابر انصاری. و هم‌چنین فضلای اصحابِ هر یک از ائمهٔ طاهرین علیهم السلام که معلوم باشد حالشان از کتب رجال شیعه، مثل میثم تمّار و رشید هَجَری و قنبر و حجر بن عدی و زراره و محمّد بن مسلم و بُرَید و ابوبصیر و فُضَیل بن یسار و امثال ایشان با دانستن موضع قبرشان.

و هم‌چنین مشاهیر از محدّثین شیعه و علمای ایشان که حافظ آثار ائمهٔ طاهرین علیهم السلام و علوم ایشانند مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و دو سیّد جلیل سیّد مرتضی و رضی و علّامهٔ حلّی ـ رضوان الله علیهم ـ و قبرستان قم پر است از افاضل و محدّثین. و تعظیم و اکرام ایشان مانند گرامی داشتن ائمه طاهرین علیهم السلام است. انتهی.

اشاره به قبور بعض علمایی که در قم مدفون‌اند

فقیر گوید که: چون صحابه و علما و فقها و محدّثین شیعه ـ رضوان الله علیهم ـ عددشان از حدّ حصر افزون است، و چون در اثنای کتاب اشاره کردیم به قبور بسیاری از آن‌ها که در مشاهد مشرّفه مدفون‌اند. پس اگر بخواهیم در این جا اشاره کنیم به ذکر سایرین که در بلاد دیگر مدفون‌اند از وضع کتاب بیرون رویم؛ پس مناسب آن‌که به اجمال خود باقی ماند و هرکه خواهد رجوع به احوال ایشان در کتب رجالیّه نماید با آن‌که بحمد الله هر یک از آن‌ها که درهر ناحیه و بلدی مدفون باشند، قبرشان معروف و معلوم و ملاذ و معاذ اهل آن‌جا است و شخص غریب همین که سؤال کند بر او معلوم شود. بلی، چون قبرستان بلدهٔ طیّبهٔ قم از علما و محدّثین مملوّ است، چنانچه علّامهٔ مجلسی‌؈ اشاره به آن فرموده، سزاوار است که این مقام را تزیین کنم به ذکر چند نفر از مشاهیر ایشان که مزارشان معروف و به کثرت فضیلت و علوّ شأن موصوف‌اند:

مانند: شیخ جلیل ابو جریر زکریّا بن ادریس که علمای رجال تصریح به جلالت و وثاقت او نموده و خدمت چند نفر از ائمه را درک نموده و از حضرت صادق و موسی بن جعفر و امام رضا؈ روایت نموده. و شیخ کشّی به سند صحیح از زکریّا بن آدم قمّی روایت کرده که گفت: داخل شدم بر حضرت امام رضا؈ در اوّل شب در اوایل زمان موت ابو جریر زکریّا بن ادریس پس حضرت مذاکره فرمود او را و از من از حال او سؤال می‌فرمود و رحمت فرستاد بر او و دائماً حدیث فرمود با من و من حکایت می‌کردم با آن حضرت تا فجر طالع شده. برخاست و نماز فجر گذارد. به هر حال جلالت شأن آن بزرگوار بسیار، و قبر شریفش در وسط قبرستان شهر، در میان شیخان بزرگ مشهور است و در جنب او قبور جمله‌ای از علما است.

و مانند: شیخ معظّم نبیل، ثقهٔ جلیل القدر زکریّا بن آدم بن عبد الله سعد اشعری قمّی که از خواصّ اصحاب حضرت امام رضا؈ است و درک خدمت چند نفر از ائمه؈ نموده و احادیث از ایشان روایت نموده، و اخبار بسیاری در فضیلت او روایت شده، و در سفر مکّه با حضرت امام رضا؈ هم کجاوه شده و حدیث «المأمون علی الدّین و الدّنیا» در حقّ او وارد شده. و شیخ کشّی به سند صحیح روایت نموده که زکریّا بن آدم، خدمت حضرت امام رضا؈ عرض کرد که: می‌خواهم از اهل بیت خود دور شوم، ـ یعنی از قم بیرون روم ـ به جهت آن‌که سفها در ایشان زیاد شده. حضرت فرمود: «این کار مکن به درستی که از اهل بیت تو بلا دفع می‌شود به سبب تو، هم‌چنان که بلا دفع می‌شود از اهل بغداد به سبب موسی بن جعفر؈».

و نیز از علیّ بن مسیّب همدانی روایت کرده که: خدمت حضرت امام رضا؈ عرض کردم که:

راه من به شما دور است و همیشه ممکن نیست مرا تشرّف به خدمت شما؛ پس از که بگیرم معالم دین[1] خود را؟ فرمود که: «یاد گیر معالم دین خود را از زکریّا بن آدم که مأمون است بر دین و دنیا». و غیر این اخبار از چیزهای دیگر که دلالت دارد بر نهایت و فخامت شأن آن معظّم، قبر شریفش در مکان معروف به شیخان بزرگ، و از برای اوست بقعهٔ بزرگی و در جنب او مدفون‌اند جماعتی از علما که از آن جمله است: عالم فاضل، خبیر ماهرآخوند ملّا محمّد طاهر قمّی، مؤلّف کتاب *اربعین* و کتاب *حکمة العین* و غیره.

و مانند: شیخ معظّم جلیل نبیه علیّ بن بابویه قمّی، صدوق اوّل، والدِ بزرگواررئیس المحدّثین شیخ ابو جعفر محمّد که تعبیر از او به صدوق مطلق می‌شود. جلالت و عظمت شأن این دو بزرگوار بر همه معلوم و ظاهر است.

و در *احتجاج* طبرسی مذکور است که حضرت عسکری علیه السلام نامه نوشتند به علیّ بن بابویه و در اوّل آن بعد از حمد و صلوات چنین مرقوم است:

«أمّا بعد، یا شیخي و معتمدي یا أبا الحسن عليّ بن الحسین القمّي وفّقك اللّٰه لمرضاته وجعل من صُلبك أولاداً صالحین برحمته...» تا آخر توقیع شریف که از جمله فقرات آخرش این است: «یا شیخي و أمُر جمیع شیعتي بالصّبر». زهی شرافت علم که صاحبش را به درجه‌ای رساند که امام علیه السلام به او چنین مخاطبه فرماید. قبر شریفش در قبرستان قم معروف است، و از برای اوست بقعهٔ بزرگی با قبّهٔ عالیه، و مزار نجل شریفش رئیس المحدّثین در ری در نزدیکی بلد شاهزاده عبدالعظیم، در وسط باغ با نضارتی با بقعه و قبّهٔ عالیه، و زیارتگاه عامّهٔ خلق آن جا است ـرضوان اللّٰه علیهماـ.

و مانند: شیخ جلیل محدِّث، محمّد بن قولویه قمّی که قبر شریفش در قبرستان قم معروف در میان محوّطه‌ای که تعبیر به شیخان صغیر می‌کنند. و این شیخ معظّم، والد شیخ ابو القاسم، جعفر بن قولویه، استاد شیخ مفید است که در کاظمین علیهما السلام مدفون است، چنانچه در سابق [صفحه ۵۹] به شرح رفت.

و مانند: شیخ فاضل سدید قطب الدّین سعید بن هبة اللّٰه راوندی که از مشاهیر علما و مؤلّف کتاب *خرایج* و *قصص الأنبیا* است، مزار شریفش در صحن جدید حضرت معصومه قم معروف است.

و مانند: خاتم الفقها و المجتهدین و افضل المدقّقین و المحقّقین، حاوی المفاخر و المکارم،

۱. معالم دین: اصول و مبانی دین.

جناب آقا میرزا ابو القاسم معروف به محقّق قمّی، صاحب *قوانین* و غیره که فعلاً مرجع درس و تدریس فضلا است. قبر شریفش در نزدیکی قبر زکریّا بن آدم در میان بقعه‌ای است با قبّهٔ عالیه، و در اطراف او قبور بسیاری از علما و فضلا است که مقام را گنجایش تعداد آن‌ها نیست.

و در نزدیکی دروازهٔ معصومهٔ[1] شهر در بازار، مقابل درِ مسجد[2] امام‌ؑ، قبری است با بقعهٔ عالیه و معروف است که قبر احمد بن اسحاق اشعری وکیل حضرت عسکری‌ؑ است. و این مطلب بعید است چه آن جناب به حسب آن چه از روایت مستفاد شده موتش در حلوان واقع شده، و کیفیّت آن چنان است که در کتاب *نجم الثاقب* مرقوم است، و شیخ ابو جعفر محمّد بن جریر طبری در *دلائل* خود گفته که: احمد بن اسحاق اشعری شیخ صدوق، وکیل ابو محمّدؑ بود، پس چون ابو محمّدؑ به کرامت خدای تعالی رسید مقیم بود بر وکالت خود از جانب مولای ما صاحب الزّمانؑ و می‌رسید به او توقیعات آن جناب، و حمل می‌شد به سوی او اموال از جمیع نواحی که در آن‌جا بود مال مولای ما، پس آن‌ها را تسلیم می‌گرفت، تا آن‌که رخصت خواست که به قم برود، پس اذن رسید که برود، و ذکر فرمود که او به قم نمی‌رسد و این که او مریض می‌شود و وفات می‌کند در راه، پس مریض شد در حُلوان و مرد و در آن‌جا دفن شد، و اقامه فرمود مولای ما بعد از فوت احمد بن اسحاق اشعری مدّتی در سرّ من رأی، آنگاه غایب شد...» الخ.

و شیخ مرحوم ثقة الإسلام نوری ـ طاب‌ثراه ـ در همان کتاب بعد از این فقره می‌فرماید: «احمد بن اسحاق اشعری از بزرگان اصحاب ائمهؑ و صاحب مراتب عالیه در نزد ایشان و از وکلای معروفین بود. و کیفیّت وفات او به نحو دیگر نیز ذکر شده که در حیات عسکریؑ بود و حضرت، کافور، خادم خود را با کفن برای او فرستاد در حُلوان و غسل و کفن او به دست کافور یا مانند او شد، بی‌اطلاع کسانی که با او بودند؛ چنانچه در خبر طولانی سعد بن عبد اللّٰه قمّی است که با او بود در آن سفر وفات، ولکن نجّاشی از بعضی نقل کرده تضعیف آن خبر را، و حُلوان همین «زهاب[3]» معروف است که در راه کرمانشاهان است به بغداد، و قبر آن معظّم در نزدیکی رودخانهٔ آن قریه است معروف به سرپل، به فاصلهٔ هزار قدم، تقریباً از طرف جنوب و بر آن قبر بنای

---

۱. نام دروازه‌ای در قم که پیش از این بدین نام مشهور است.

۲. در مرآت البلدان ناصری است که مسجد معروفه به مسجد امامؑ که در قم واقع است، احمد بن اسحاق اشعری که وکیل موقوفات حضرت امام حسن عسکریؑ بوده، به فرمودهٔ آن جناب بنا نموده. (منه عُفي عنه).

۳. زهاب = سر پل ذهاب؛ در نگارش پیشین گاه به‌خاطر تطابق لفظ با ملفوظ حروف عربی به‌فارسی تبدیل می‌شدند. مانند: تهران و طهران، زهاب و ذهاب.

محقّری است خراب. و از بی‌همّتی و بی معرفتی اهل ثروت آن اهالی بلکه اهـل کـرمانشاهان و متردّدین چنین بی‌نام و نشان مانده و از هزار نفر زوّار یکی به زیارت آن بزرگوار نمی‌رود، با آن‌که کسی را که امام علیه السلام خادم خود را به طیّ‌الأرض با کفن برای تجهیز او بفرستند و مسجد معروف قم را به امر آن جناب بنا کند، و سال‌ها وکیل در آن نواحی باشد، بیشتر و بهتر از این باید به او رفتار کرد و قبرش را مزار معتبری قرار باید داده که از برکت صاحب قبر و به توسّط او به فیض‌های الهیّه برسند، انتهی.

در زیارت علما رضوان الله علیهم

و امّا در باب زیارت آن‌ها پس چیزی به نظر نرسیده غیر از آن چه از برای اموات مؤمنین نقل شده، مگر آن‌که در بعضی از نسخ کتاب مزار شیخ شهید دیدم که این زیارت را از برای آن‌ها نقل فرموده و زیارت این است:

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْزَها، وَمُحْيِيَ الرُّسُومِ وَمُرَوِّجَها، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حافِظَ الدِّينِ وَعَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمُرَوِّجَ شَرِيعَةِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلاةِ الْمُصَلِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْعالِمُ الْعامِلُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزّاهِدُ الْكامِلُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصّالِحُ التَّقِيُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا عَضُدَ الْإِسْلامِ فَقِيهَ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلاةِ وَالسَّلامِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعارِفُ الْمُؤَيَّدُ وَالْعابِدُ الْمُسَدَّدُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِينُ عَلَى الدُّنْيا وَالدِّينِ، وَأَنَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِي إِحْياءِ الدِّينِ، وَاجْتَهَدْتَ فِي حِفْظِ شَرِيعَةِ أَشْرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَواتُ الْمُصَلِّينَ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ الْأَبْرارِ، وَرَوَيْتَ عَنْهُمُ الْأَخْبارَ، وَعَلِمْتَ بِما رَوَيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ وَأَبْطَلْتَ الْباطِلَ، وَسَهَّلْتَ السَّبِيلَ وَأَوْضَحْتَ الطَّرِيقَ وَنَصَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، فَجَزاكَ اللهُ عَنِ الإِيمانِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزاءِ التّابِعِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ

وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفيقاً. اَللّٰهُمَّ امْلَأْ قَبْرَهُ نُوراً وَرَوْحاً وَرَيْحاناً. وَاَسْكِنْهُ في بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النَّعيمِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

در کیفیّت نماز مسجد جمکران

که در یک فرسخی بلدهٔ طیّبهٔ قم می‌باشد. و چگونگی کیفیّت با شرافت مسجد در کتاب *نجم الثّاقب* مسطور است. آن چه محلّ حاجت است در این جا ثبت می‌شود، و به فرمودهٔ امام‌ـ عجّل الله فرجه ـ در این مسجد چهار رکعت نماز بگذارند: دو رکعت تحیّت مسجد در هر رکعتی یک بار «الحمد» و هفت بار «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند، و دو رکعت نماز امام صاحب الزّمان بگذارند بر این نسق، چون فاتحه خواند به «اِيّاكَ نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعينُ» رسد صد بار بگوید، و بعد از آن «فاتحه» را تا آخر بخواند، و در رکعت دوّم نیز به همین طریق بگذارد، و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید، و چون نماز تمام کرده باشد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمهٔ زهرا، و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش بفرستد، و این نقل از لفظ مبارک امام است که: «فَمَنْ صَلّاهُما فَكَاَنَّما صَلّىٰ فِي الْبَيْتِ الْعَتيقِ» یعنی هرکه این دو رکعت نماز را بگذارد و هم‌چنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد، انتهی.

خاتمه

در بیان آداب زیارت به نیابت و آداب ملاقات زائرین است

بدان که ثواب زیارت هر یک از رسول خدا و ائمه هدی را هدیّهٔ روح مقدّس هر یک از ایشان می‌توان کرد، و هم‌چنین به روح هر یک از مؤمنین و زیارت به نیابت ایشان می‌توان کرد؛ چنانچه شیخ طوسی در *تهذیب* به سند معتبر روایت کرده از داود صرمی که گفت: به حضرت امام علی نقی عرض کردم که: من زیارت کردم پدرت را و ثوابش را از برای شما قرار دادم. حضرت فرمود که: «از برای توست از جانب حق تعالی اجر و ثواب عظیم و از جانب ما حمد و ثنا».

فقیر گوید که: از این روایت مستفاد می‌شود که کسی که زیارت کند از برای امام عصر پدران بزرگوارانش را، ثواب عظیم و فیض عمیم خواهد یافت، پس البتّه زائرین و سایر مجاورین

این مطلب را در نظر داشته باشند، بلکه در دعوات و سایر قربات آن حضرت را فراموش نکنند، و از برای وجود مقدّس که جان عالم است دعا و تصدّقات کنند.

و شیخ محمّد بن المشهدی در *مزار کبیر* فرموده که روایت کردند اصحاب ما جمیعاً آن‌که: حضرت صادق علیه السلام طلبید یکی از شیعیان را و دراهمی نزد او آورد و فرمود: «این دراهم را بگیر و از جانب اسماعیل فرزند من حجّ کن تا بوده باشد از برای تو نُه قسمت از ثواب و از برای اسماعیل یک قسمت». و نیز در *مزار* خود گفته که: امام علی نقی علیه السلام فرستاد شخصی را به مشهد ابی عبدالله الحسین علیه السلام که از جانب او زیارت کند و فرمود: «به درستی که مکان هایی چند است که حق تعالی دوست می‌دارد که در آن‌ها خوانده شود و اجابت فرماید آن دعاها را، و به درستی که حایر امام حسین علیه السلام از جملهٔ آن مکان‌ها است...» الخ.

و شیخ شهید در *دروس* فرموده که مستحبّ است برای کسی که به زیارت مشرّف شود، آن‌که زیارت کند از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مؤمنان، پس بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ[1] اَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ، و دعا کند از برای او... الخ.

و ثقة الاسلام و شیخ الطّائفه به سند معتبر نقل کرده‌اند از ابراهیم حضرمی که گفت: چون از مکّه معظّمه مراجعت کردم، در مدینه شرف یاب شدم خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله، و آن حضرت در ما بین قبر و منبر نشسته بود. پس به حضور مبارکش عرضه داشتم که یابن رسول الله وقتی که من از ولایت خود به سمت مکّه بیرون آمدم، بسا گفت به من مردی که طواف کن از جانب من هفت شوط و دو رکعت نمازگذار، پس شد که من غفلت کردم از او، و بجا نیاوردم و الحال که مراجعت به بلد کنم ندانم چه گویم او را؟ آن حضرت فرمود: «وقتی که بروی به مکّه و نسک و اعمال خود را بجا آوردی پس هفت شوط طواف کن و دو رکعت نماز گذار و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الطَّوافَ وَهاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ اَبي وَاُمّي وَعَنْ زَوْجَتي وَعَنْ وُلْدي وَعَنْ حامَّتي وَعَنْ جَميعِ اَهْلِ بَلَدي حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَاَبْيَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ

---

۱. به جای فلان بن فلان اسم آن شخص و پدرش را ذکر نماید.

پس نمی‌گویی به مردی از اهل بلد خود که من از جانب تو طواف و دو رکعت نماز کردم، مگر آن‌که در گفتهٔ خود صادق و راستگو بوده‌ای، و هم‌چنین وقتی که به زیارت قبر مطهّر حضرت رسولﷺ مشرّف شوی، چون از اعمال زیارت خود فارغ شوی، پس دو رکعت نماز کن و بایست نزد سر آن حضرت پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اللّهِ مِنْ اَبي وَاُمّي وَزَوْجَتي وَوُلْدي وَحامَّتي وَمِنْ جَميعِ اَهْلِ بَلَدي حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَاَبْيَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ.

پس به هر کس از اهل بلد خود بگویی که من رسول خدا را از جانب تو زیارت کردم راست گفته‌ای».

و شیخ محمّد بن المشهدی در مزار گفته که: روایت شده که از بعض ائمهٔ صادقین‌ﷺ سؤال کردند از مردی که دو رکعت نماز می‌کند یا یک روز روزه می‌دارد یا حج یا عمره بجا بیاورد یا زیارت می‌کند رسول خدا یا یکی از ائمه‌ﷺ را و هر کدام را که به جا آورد ثواب او را از برای پدر و مادر خود یا برادر مؤمن خود قرار می‌دهد، آیا او را ثوابی هست؟ فرمودند: «به درستی که ثواب این عمل می‌رسد به کسی که از برای او قرار داده، بی آن‌که از ثواب قرار دهنده چیزی کم شود».

و شیخ طوسی‌﵀ در تهذیب فرموده: کسی که به نیابت برادر مؤمن خود به زیارت رود به اجرت، چون فارغ شود از غسل زیارت یا از عمل زیارت، چنانچه در بعض نسخ است بگوید:

اَللّهُمَّ ما اَصابَني مِنْ تَعَبٍ اَوْ نَصَبٍ اَوْ شَعَبٍ اَوْ لُغُوبٍ فَاْجُرْ فُلانَ بْنَ فُلانٍ فيهِ وَاْجُرْني في قَضائي عَنْهُ.

پس چون زیارت کند در آخر تسلیم زیارت بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ اَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ.

پس هر دعا که خواهد از برای او بکند، انتهی.

آداب ملاقات زائرین

و امّا آداب ملاقات زائرین پس و بدان که مشایعت و استقبال مؤمنان مستحب است، و وارد شده که از برای مشایعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر می‌توان کرد، و روزهٔ ماه مبارک رمضان را می‌توان خورد.

و شیخ شهید در دروس فرموده که: مستحبّ است زیارت اخوان فی اللّه به استحباب مؤکّد، پس چون به زیارت او رود نازل شود بر حکم او، و خدمت نفرماید او را، و به تکلّف او را وا ندارد، و مستحبّ است که استقبال کند برادرش راکه از زیارت آمده و مصافحه و معانقه کنند و ببوسد موضع سجود، یعنی پیشانی یکدیگر را، و اگر دست زائر را بوسه دهد جایز است و به خصوص دست علما و ذریّهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله به سبب فرمودهٔ حضرت صادق علیه السلام: «بوسه داده نشود دست احدی، مگر دست کسی که اراده شده باشد به او، رسول خدا صلی الله علیه و آله». و روایت شده بوسیدن حاجی را وقتی که از حجّ آمده، تا آن‌که فرموده روایت کرده شیخ کلینی از ابی حمزه از حضرت صادق علیه السلام که: «هرکه زیارت کند برادرش را برای حق تعالی، موکّل گرداند بر او حق تعالی هفتاد هزار ملک که ندا کنند او را که پاکیزه شدی و گوارا باد برای تو بهشت...» الخ، انتهی.

و علّامهٔ مجلسی رحمه الله در بحار فرموده که: روایت شده در بعض مؤلّفات اصحاب ما از معلّی بن خُنیس که حضرت صادق علیه السلام فرموده که: «هرگاه شخصی از برادران مؤمن شما برگردد از زیارت یا زیارت قبرهای ما پس او را استقبال کنید و بر او سلام نمایید و او را تهنیت و مبارک باد بگویید به آن کرامتی که حق تعالی به او عطا فرموده که اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود. و فرو می‌گیرد شما را رحمت الهی چنانچه او را فرو گرفته است. به درستی که هرکه زیارت کند ما را یا قبرهای ما را، البتّه رحمت الهی او را فروگیرد و گناهانش آمرزیده شود» انتهی.

و بدان که: سزاوار است از برای زائر که چون از سفر برگردد و مشغول کاری نشود تا آن‌که غسل کند و دو رکعت نماز گذارد و به سجده رود و صد مرتبه شکر الهی را بجا آورد و برادران مؤمن خود را به ضیافت بطلبد و از برای اهل خود تحفه بیاورد اگر چه سنگی باشد، و سزاوار است که مؤمنین با او معانقه کنند به خصوص اگر از مکّه آمده باشد، و وارد شده که: «هرکه دست در گردن حاجی بکند در وقتی که با گرد راه برسد چنان است که حجرالأسود را بوسیده است». و وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمود با کسی که از مکّه می‌آید: «قَبِلَ اللّهُ مِنْكَ وَاَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ».

تمام شد ابواب زیارات به‌دست احقر عبّاس بن محمّدرضا القمّی، غفرالله ذنوبهما

و بعد از این شروع می‌شود به اعمال شهور إن شاءالله

باب یازدهم

ذکر مختصری از اعمال شهور سنه
(ماه های سال)
و بیان ایام متبرکه

و محتوی بر ده فصل است



فصل اوّل

در عمل ماه رجب است

و در آن دو مقام است:

مقام اوّل: در اعمال مشترکهٔ این ماه شریف است، یعنی عملی که در تمام ماه باید بجای آورده شود.

بدان که این ماه از ماه‌های حرام است و در شرع مطهّر تعظیم او وارد شده، و در زمان جاهلیّت نیز محترم و معظّم بود، و از برای روزه داشتن و عبادت در آن ثواب بسیاری روایت شده و اعمال مشترکهٔ آن بسیار است، و ما به ذکر چند امر اکتفا می‌نماییم.

دعاهای هر روز ماه رجب

اوّل: خواندن این دعای شریف در هر روز، چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است:

خابَ الْوافِدُونَ عَلیٰ غَیْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلّا لَكَ، وَضاعَ الْمُلِمُّونَ اِلّا بِكَ، وَاَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ اِلّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ، بابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبینَ، وَخَیْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطّالِبینَ، وَفَضْلُكَ مُباحٌ لِلسّائِلینَ، وَنَیْلُكَ مُتاحٌ لِلْآمِلینَ، وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ، وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواكَ، عادَتُكَ الْإِحْسانُ اِلَی الْمُسیئینَ، وَسَبیلُكَ الْإِبْقاءُ عَلَی الْمُعْتَدینَ، اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنی هُدَی الْمُهْتَدینَ، وَارْزُقْنِی اجْتِهادَ الْمُجْتَهِدینَ، وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ الْمُبْعَدینَ، وَاغْفِرْ لی یَوْمَ الدّینِ.

دوّم: دعایی است که به سند معتبر نقل شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روز اوّل این ماه در مکّه در حجر خواندند، و شیخ طوسی رحمه الله در ادعیهٔ هر روز رجب ذکر فرموده، علما نیز متابعت شیخ را نموده و از ادعیهٔ مشترکه او را قرار داده‌اند، و دعا این است:

یا مَنْ یَمْلِكُ حَوائِجَ السّائِلینَ، وَیَعْلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ، لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حاضِرٌ وَجَوابٌ عَتیدٌ، اَللّٰهُمَّ وَمَواعیدُكَ الصّادِقَةُ وَاَیادیكَ

الْفاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ. فَأَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ حَوائِجي لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

سوّم: به سند معتبر منقول است که محمّد بن ذکوان به خدمت حضرت صادق عرض کرد: فدای تو شوم این ماه رجب است، مرا دعایی تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع بخشد. حضرت فرمود که: «در هر روز ماه رجب در صبح و پسین و بعد از همه نمازها در شب و روز این دعا را بخوان:

يا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَآمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ. يا مَنْ يُعْطِي الْكَثيرَ بِالْقَليلِ. يا مَنْ يُعْطي مَنْ سَأَلَهُ. يا مَنْ يُعْطي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً. اَعْطِني بِمَسْأَلَتي اِيّاكَ جَميعَ خَيْرِ الدُّنْيا وَجَميعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ. وَاصْرِفْ عَنّي بِمَسْأَلَتي اِيّاكَ جَميعَ شَرِّ الدُّنْيا وَشَرِّ الْآخِرَةِ. فَاِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَيْتَ. وَزِدْني مِنْ فَضْلِكَ يا كَريمُ».

پس[1] حضرت ریش مبارک خود را به دست چپ گرفت و انگشت سبّابه دست راست خود را به جانب راست و چپ حرکت می‌دادند و این دعا می‌خواندند: «يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا ذَا النَّعْماءِ وَالْجُودِ. يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ. حَرِّمْ شَيْبَتي عَلَى النّارِ». و دست بر نداشت تا از آب دیده‌اش پر شد.

چهارم: سیّد ابن طاووس از یونس بن ظبیان روایت کرده که گفت: در خدمت مولایم حضرت صادق بودم که معلّیٰ بن خنیس وارد شد و این در ماه رجب بود، پس مذاکرهٔ دعای در این ماه شد، معلّیٰ عرض کرد که: ای آقای من، مرا تعلیم فرما دعایی را که جامع باشد به جمیع آن چه که شیعه او را در کتاب‌های خود ذکر نموده‌اند. فرمود: «بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ صَبْرَ الشّاكِرينَ لَكَ. وَعَمَلَ الْخائِفينَ مِنْكَ. وَيَقينَ الْعابِدينَ لَكَ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ وَاَنَا عَبْدُكَ الْبائِسُ الْفَقيرُ. وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَميدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّليلُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ

---

۱. ترجمهٔ این حدیث بر وفق ترجمهٔ علّامهٔ مجلسی است، و عبارت حدیث احتمال دیگر دارد، ملاحظهٔ اقبال شود (منه).

بِغِناكَ عَلىٰ فَقْري، وَبِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلي، وَبِقُوَّتِكَ عَلىٰ ضَعْفي يا قَوِيُّ يا عَزيزُ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ، وَاكْفِني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ».

پس فرمود: «ای معلّی به خدا سوگند که در این دعا جمع شده آن چه که از زمان ابراهیم﵇ بوده تا زمان محمّدﷺ». و ظاهر آن است که این دعا مختصّ به ماه رجب نیست و در همه اوقات می‌توان خواند.

پنجم: شیخ طوسی و دیگران به سند معتبر از حضرت صاحب الأمر﵇ روایت کرده‌اند که: «سنّت است در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند:

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ في رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثّاني وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِما إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ، يا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفيما لَدَيْهِ رُغِبَ، أَسْأَلُكَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ عُيوبُهُ، وَطالَ[1] عَلَى الْخَطايا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزايا خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمّا في رِبْقَتِهِ، فَأَنْتَ يا مَوْلايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ، اللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسائِلِكَ الشَّريفَةِ، وَوَسائِلِكَ الْمُنيفَةِ، أَنْ تَتَغَمَّدَني في هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ واسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَةٍ، إِلىٰ نُزُولِ الْحافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَما هِيَ إِلَيْهِ صائِرَةٌ».

زیارت جامعه معروف به رجبیه

ششم: آن‌که منقول شده از جناب حسین بن روح﵁ که از نایبان حضرت صاحب الامر﵇ است که فرمود: «زیارت کن در هر روضه که باشی از روضه‌های ائمّه﵈ در ماه رجب به این زیارت، چون داخل شوی بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَشْهَدَنا مَشْهَدَ أَوْلِيائِهِ في رَجَبٍ،

---

۱. فَطالَ خ ل.

وَاَوْجَبَ عَلَيْنا مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَعَلىٰ اَوْصِيائِهِ الْحُجُبِ، اللّٰهُمَّ فَكَما اَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ فَاَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ، وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ مُحَلَّئينَ عَنْ وِرْدٍ في دارِ الْمُقامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ اِنّي قَدْ قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْاَلَتي وَحاجَتي، وَهِيَ فَكاكُ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ في دارِ الْقَرارِ مَعَ شيعَتِكُمُ الْاَبْرارِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ، اَنَا سائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فيما اِلَيْكُمُ التَّفْويضُ وَعَلَيْكُمُ التَّعْويضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهيضُ وَيُشْفَى الْمَريضُ، وَعِنْدَكُمْ ما تَزْدادُ الْاَرْحامُ وَما تَغيضُ، اِنّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللّٰهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ في رَجْعَتي بِحَوائِجي وَقَضائِها وَاِمْضائِها، وَاِنْجاحِها، وَاِبْراحِها وَبِشُؤُوني لَدَيْكُمْ وَصَلاحِها، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَلَكُمْ حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يَسْاَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ، وَسَعْيُهُ اِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَاَنْ يُرْجِعَني مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، اِلىٰ جَنابٍ مُمْرِعٍ، وَخَفْضٍ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ، وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ اِلىٰ حينِ الْاَجَلِ، وَخَيْرِ مَصيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعيمِ الْاَزَلِ، وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوامِ الْاُكُلِ وَشُرْبِ الرَّحيقِ وَالسَّلْسَلِ، وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لا سَاَمَ مِنْهُ وَلا مَلَلَ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعَوْدِ اِلىٰ حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ في كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ في زُمْرَتِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ».

هفتم: خواندن این دعای شریف است:

اَللّٰهُمَّ يا ذَا الْمِنَنِ السّابِغَةِ...» الخ. و این دعا تا به آخرش در عمل مسجد صعصعه در باب پنجم [صفحه ۲۹۲] ذکر شد، به آن‌جا رجوع شود.

و مستحب است نیز در هر روز خواندن این دعای شریف که از ناحیهٔ مقدّسه بیرون آمده:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِمَعاني جَميعِ ما يَدْعُوكَ...» الخ. و چون دعا طویل و مناقی با

اختصار بود او را ذکر ننمودیم.

علامهٔ مجلسی در زاد المعاد فرموده: از حضرت رسول منقول است که: «در جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. پس دست‌ها را به سوی آسمان بردارد و بگوید: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ». و این استغفار در جمیع ایّام سال سنّت است، و هزار مرتبه سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ» در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد، و در حدیث وارد شده است: «اگر خواهد در یک روز بخواند، و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد».

و منقول است که: «هر کس هزار مرتبه لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی در بهشت شهری برای او بنا کند».

و در هر شب از شب‌های ماه رجب هزار مرتبه «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ» وارد شده است، و صد مرتبه این استغفار نیز وارد شده است در جمیع ماه، و اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد: «أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که حضرت رسول فرمود که: «هرکه در هر شب و روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سورهٔ «حمد» و «آیة الکرسی» و «قل یا أیّها الکافرون» و «قل هو اللّه احد» و «قل أعوذ بربّ الفلق» و «قل أعوذ بربّ النّاس» را بخواند و سه مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و سه مرتبه «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و سه مرتبه «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ» و چهارصد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید، گناهانش را خدا بیامرزد اگرچه به عدد قطره‌های باران و برگ درختان و کف دریاها باشد، و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که به راستی تو دوست منی، و به هر حرفی تو را شفاعتی می‌دهم در برادران و خواهران مؤمن تو»، و حضرت فرمود که: «اگر در عمری یک بار این را به عمل آورد حق تعالی به هر حرفی هفتاد هزار حسنه به او عطا کند، که هر حسنهٔ او از جمیع کوه‌های دنیا سنگین‌تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت او

را در قبر و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر و مثل آن را در وقت پرواز کردن[1] نامه‌های اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط برآورد، و او را در سایهٔ عرش خود جا دهد و حساب کند او را حساب آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود، و به او عطا کند آن چه هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد» انتهی.

و شیخ بهایی؛ در *کشکول* و آخوند فیض در *خلاصه* گفته‌اند که: حق تعالی فرموده که: «هرکه در ماه رجب هزار مرتبه بگوید: «**اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ مِنْ جَميعِ الذُّنُوبِ وَالْآثامِ**» اگر نیامرزم او را، پس نیستم پروردگار شما».

و روزهٔ هر روز ماه رجب مستحب است و ثواب بسیاری برای هر روز آن ذکر شده و در خصوص این ماه از حضرت رسول ﷺ وارد شده است که به عوض روزه اگر بر آن قادر نباشد، هر روز این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد: «**سُبْحانَ الْاِلٰهِ الْجَليلِ * سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبيحُ إِلّا لَهُ * سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ**».

و از برای هر شب این ماه نماز مخصوصی علما در کتب خود ذکر نموده‌اند، چون سندش معتبر نبود ذکر ننمودیم.

مقام دوّم: در اعمال مختصّهٔ ماه رجب است

شب اوّل ماه غسل سنّت است، و در وقت دیدن ماه دعای هلال *صحیفه کامله* را بخواند، که بهترین دعاهاست، و هفت مرتبه سورهٔ «حمد» را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد، و در هر ماهی این سنّت است. و منقول است که چون ماه رجب را ببیند و بگوید: «**اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْاَمْنِ وَالْإيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْإِسْلامِ رَبّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ**».

و در این شب، و روز آن، زیارت حضرت سیّد الشهداء؛ فضیلت بسیار دارد، و زیارت مخصوصه را در سابق [در صفحه ۱۳۹] ذکر نمودیم.

---

۱. بالا بردن نامهٔ اعمال.

و احیای آن به دعا و تلاوت قرآن و نماز سنّت است.

و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که: «در شب اوّل رجب بعد از نماز عشا این دعا بخواند: اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَليكٌ وَأَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ ، وَأَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنْ ، اللّهُمَّ اِنّي أَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللهِ اِنّي أَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللهِ رَبّي لِيُنْجِحَ لي بِكَ طَلِبَتي ، اللّهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَبِالْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَنْجِحْ لي طَلِبَتي. پس حاجات خود را طلب کن».

و اعمال و ادعیهٔ این شب بسیار است.

روز اوّل: روزه‌اش فضیلت بسیار دارد، و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که: «در این روز حضرت نوح علیه السلام به کشتی سوار شد و امر کرد جمیع کسانی که با او بودند روزه بدارند». پس حضرت فرمود: «هرکه آن روز را روزه بدارد، آتش جهنّم یک ساله راه، از او دور گردد».

و زیارت امام حسین علیه السلام مستحبّ است در این روز چنانچه گذشت.

و در این روز باید شروع کرد در نماز سلمان علیه السلام به این طریق که، ده رکعت نماز بجا می‌آوری هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه سورهٔ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» و سه مرتبه سورهٔ «قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ» می‌خوانی، و بعد از هر سلام دست به سوی آسمان بلند کن و بگو: لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيي وَيُميتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ، اَللّهُمَّ لا مانِعَ لِما أَعْطَيْتَ ، وَلا مُعْطِيَ لِما مَنَعْتَ ، وَلا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ. پس دستهای خود را بر روی خود می‌کشی.

و از برای این نماز فضیلت بسیار روایت شده و از فواید آن غفلت نباید نمود و در این روز تولّد با سعادت حضرت باقر العلوم علیه السلام واقع شده و موجب زیادتی شرف این روز گردیده.

روز دوّم این ماه: به روایت ابن عیّاش ولادت حضرت امام علیّ النّقی علیه السلام واقع شده.

و در روز سوّم: وفات آن حضرت واقع شده.

و در روز ششم: شیخ کلینی فرموده که وفات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام واقع شده، و لکن مشهور آن است که در بیست و پنجم بوده.

و در دهم این ماه: ولادت امام محمّد تقی علیه السلام واقع گشته.

و از بعضی روایات فضیلت خصوص روز دهم این ماه و روز دهم سایر ماه‌های حرام ظاهر می‌شود.

و در فضیلت ایّام البیض ماه رجب یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم احادیث معتبره وارد شده است، و ثواب بسیاری برای روزهٔ این ایّام نقل شده.

بدان که: مستحب است در هر یک از ماه رجب و شعبان و ماه رمضان، آن‌که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از «حمد» این سوره‌ها را بخوانند: «یس» و «تَبارَكَ الّذي بِيَدِهِ الْمُلْك» و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحد»، و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز به دو سلام، و در هر رکعت بعد از «حمد» این سوره‌ها را بخوانند، و در شب پانزدهم، شش رکعت به سه سلام و در هر رکعت بعد از «حمد» این سوره‌ها را بخوانند؛ و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: «هرکه چنین کند جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود به غیر از شرک به خدا».

و روز سیزدهم: بنا بر مشهور ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در میان کعبهٔ معظّمه شده و باعث زیادتی فضل این روز گردیده.

و شب پانزدهم: از لیالی شریفه است غسل در آن مستحب است و احیای آن به عبادت فضیلت بسیار دارد، و در شب و روز زیارت امام حسین علیه السلام سنّت مؤکّد است، و ألفاظ زیارت در باب زیارات مذکور شد.

آداب نماز حضرت سلمان رضی الله عنه [در نیمهٔ رجب]

و روز نیمهٔ این ماه: نماز سلمان وارد است به این کیفیّت که ده رکعت نماز بجا می‌آوری، هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و سه مرتبه سورهٔ «توحید» و سه مرتبه سورهٔ «قل یا أیّها الکافرون» می‌خوانی، و بعد از هر سلام دست‌ها را به سوی آسمان برمی‌داری و می‌گویی:

«لا إلٰهَ إلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إلٰهاً واحِداً أحَداً صَمَداً فَرْداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً». پس دست‌ها را بر روی خود می‌کشی.

آداب نماز حضرت امیر﷣ [در نیمهٔ رجب]

و به روایت معتبر از حضرت صادق﷣ نقل شده که فرمود: «عدیّ بن ثابت انصاری داخل شد بر امیر المؤمنین﷣ در روز نیمهٔ رجب در حالی که آن حضرت مشغول نماز بود. همین که حضرت ملتفت او شد به دست مبارک به سوی او اشاره کرد که در پشت سر آن حضرت توقّف کند. عدیّ گفت: من به اشارهٔ آن حضرت ایستادم، پس چهار رکعت نماز بجای آورد که دیده نشد از احدی مثل آن نماز، نه پیش از آن حضرت و نه بعد او. پس چون سلام نماز داد، دست‌ها را گشود و گفت:

اَللّٰهُمَّ يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ، وَيا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ، اَنْتَ كَهْفي حينَ تُعْيينِي الْمَذاهِبُ، وَاَنْتَ بارِئُ خَلْقي رَحْمَةً بي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقي غَنِيّاً، وَلَوْلا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ، وَاَنْتَ مُؤَيِّدي بِالنَّصْرِ عَلىٰ اَعْدائي، وَلَوْلا نَصْرُكَ اِيّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ، يا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعادِنِها وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَواضِعِها، يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، يا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نيرَ الْمَذَلَّةِ عَلىٰ اَعْناقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، اَسْاَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَها مِنْ كِبْرِيائِكَ، وَاَسْاَلُكَ بِكِبْرِيائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِكَ، وَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِها عَلىٰ عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِها جَميعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ.

پس آن حضرت تکلّم فرمود به چیزی که مخفی گشت از من، پس روی مبارک به من نمود و فرمود: «ای عدیّ شنیدی؟» گفتم: بلی. فرمود: «حفظ کردی؟» گفتم: بلی. فرمود: «حفظ کن آن را، قسم به آن‌که دانه را شکافت، و کعبه را منصوب نمود، و مخلوق را خلق کرد، نیست این نماز و دعا نزد احدی از اهل زمین، و نمی‌خواند آن را کسی که مبتلا به شدّت و غمی گشته، مگر آن‌که حق تعالی کرب و شدّت او را زایل نماید».

و از عمدهٔ اعمال نیمهٔ رجب دعای امّ داود است که برای بر آمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجرّب است، و چون بنای ما بر اختصار است از ذکر آن [صرف نظر و] طیّ کشح نمودیم هرکه خواهد رجوع کند به کتب دیگر و از فیض آن عمل خود را محروم ننماید.

و غسل در این روز سنّت است، و همچنین زیارت امام حسین عليه السلام چنانچه گذشت.

و در این روز عقد حضرت فاطمه برای امیر المؤمنین عليه السلام واقع شده.

و در این روز تحویل قبله از بیت المقدّس به سوی کعبهٔ معظّمه گشت.

و بنا بر قول بعضی علما وفات حضرت صادق عليه السلام نیز در این روز واقع شده.

و در هیجدهم این ماه وفات ابراهیم فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله واقع گردید.

و در بیست و یکم به قول ابن‌عیّاش حضرت فاطمه عليها السلام به عالم قدس ارتحال فرموده، و این اگرچه خلاف مشهور است امّا لعن بر دشمنان و ظالمان آن جگر گوشهٔ حضرت رسالت پناه، مناسب است.

و در روز بیست و دوّم وفات معاویه واقع شده.

و در بیست و سوّم خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی عليه السلام زدند. زیارت آن حضرت و لعن بر قاتلان و ظالمان آن حضرت مناسب است.

و در بیست و چهارم فتح خیبر و قتل مرحب یهودی بر دست معجزنمای حضرت اسد الله الغالب علیّ بن ابی طالب ـ صلوات الله علیه ـ واقع شد.

و در بیست و پنجم شهادت حضرت موسی بن جعفر عليه السلام در بغداد واقع شد، به توسّط زهری که سندی بن شاهک ملعون به آن حضرت خورانید. واحادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه‌اش وارد شده است، و از حضرت امیر المؤمنین عليه السلام منقول است که «روزه‌اش کفّارهٔ دویست سال گناه است».

و در بیست و ششم به قول ابن‌عیّاش وفات جناب ابی‌طالب واقع شده، و روزه‌اش فضیلت بسیار دارد، و وارد شده که کفّاره هشتاد ساله گناه است.

در اعمال شب مبعث

شب بیست و هفتم شب مبعث است و از لیالی متبرّکه است، و روایت شده که: «آن شبی است که بهتر است از برای مردم از آن چه آفتاب بر آن می‌تابد، و عبادت در آن، اجر شصت سال عبادت دارد»، و از برای این شب نمازهای بسیار وارد شده، و از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر عليه السلام منقول است که: «در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد، دوازده رکعت نماز بجا آور، و در هر رکعت بعد از سورهٔ «حمد» چهار مرتبه «معوّذتین» و «توحید» بخوان، و چون

فارغ شدی از همه، در همان مکان چهار مرتبه بگو: «لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ»، پس هر حاجت که خواهی بطلب». و این نماز به طریق دیگر نیز روایت شده.

و علامهٔ مجلسی در *زادالمعاد* در بیان اعمال این شب فرموده که: شیخ طوسی گفته است که: غسل در این شب مستحب است و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین در این شب مناسب است، و این دعا نیز وارد شده است که در این شب بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِالتَّجَلِّي الْاَعْظَمِ، في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ، وَالْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَنْ تَغْفِرَ لَنا ما اَنْتَ بِهِ مِنّا اَعْلَمُ، يا مَنْ يَعْلَمُ وَلا يُعَلَّمُ.

اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا في لَيْلَتِنا هٰذِهِ الَّتي بِشَرَفِ الرِّسالَةِ فَضَّلْتَها، وَبِكَرامَتِكَ اَجْلَلْتَها، وَبِالْمَحَلِّ الشَّريفِ اَحْلَلْتَها. اَللّٰهُمَّ فَاِنّا نَسْاَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّريفِ وَالسَّيِّدِ اللَّطيفِ وَالْعُنْصُرِ الْعَفيفِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمالَنا في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي سائِرِ اللَّيالي مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنا مَغْفُورَةً، وَحَسَناتِنا مَشْكُورَةً، وَسَيِّئاتِنا مَسْتُورَةً، وَقُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً، وَاَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرىٰ وَلا تُرىٰ وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ، وَاَنَّ اِلَيْكَ الرُّجْعىٰ وَالْمُنْتَهىٰ، وَاَنَّ لَكَ الْمَماتَ وَالْمَحْيا، وَاَنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْاُولىٰ. اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نُذَلَّ وَنُخْزىٰ، وَاَنْ نَأْتِيَ ما عَنْهُ تَنْهىٰ.

اَللّٰهُمَّ اِنّا نَسْاَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَنَسْتَعيذُ بِكَ مِنَ النّارِ فَاَعِذْنا مِنْها بِقُدْرَتِكَ، وَنَسْاَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعينِ فَارْزُقْنا بِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ اَوْسَعَ اَرْزاقِنا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنا، وَاَحْسَنَ اَعْمالِنا عِنْدَ اقْتِرابِ آجالِنا، وَاَطِلْ في طاعَتِكَ وَما يُقَرِّبُ اِلَيْكَ وَيُحْظي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ اَعْمارَنا، وَاَحْسِنْ في جَميعِ اَحْوالِنا وَاُمُورِنا مَعْرِفَتَنا، وَلا تَكِلْنا اِلىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنا، وَتَفَضَّلْ عَلَيْنا

بِجَميعِ حوائِجِنا لِلدُّنيا وَالآخِرَةِ، وَابدَأ بِآبائِنا وَأَبنائِنا، وَجَميعِ إِخوانِنا الْمُؤْمِنينَ، في جَميعِ ما سَأَلْناكَ لِأَنفُسِنا يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اللّهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ وَمُلْكِكَ الْقَديمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظيمَ، إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظيمَ إِلاَّ الْعَظيمُ.

اللّهُمَّ وَهٰذا رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذي أَكْرَمْتَنا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ، أَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، فَأَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ، وَالْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ.

اللّهُمَّ اهْدِنا إِلىٰ سَواءِ السَّبيلِ، وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ، في ظِلٍّ ظَليلٍ وَمُلْكٍ جَزيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

اللّهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنا وَلا ضالّينَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِواجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ.

اللّهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ، وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ. اللّهُمَّ أَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجاءُ، وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعاءِ.

اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقينَ في قَلْبي، وَالنُّورَ في بَصَري، وَالنَّصيحَةَ في صَدْري، وَذِكْرَكَ في اللَّيْلِ وَالنَّهارِ عَلىٰ لِساني، وَرِزْقاً واسِعاً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلا مَحْظُورٍ، فَارْزُقْني وَبارِكْ لي فيما رَزَقْتَني،

وَاجْعَلْ غِناىَ في نَفْسي، وَرَغْبَتي فيما عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس به سجده برو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ، وَخَصَّنا بِوِلايَتِهِ، وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ. پس بگو: شُكْراً شُكْراً صد مرتبه. پس سر از سجده بردار و بگو:

اَللّهُمَّ اِنّي قَصَدْتُكَ بِحاجَتي، وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتي، وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِاَئِمَّتي وَسادَتي، اَللّهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ، وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ، وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ، وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ في زُمْرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

در اعمال روز مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و روز بیست و هفتم از جمله اعیاد عظیمه است و روزی است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز به رسالت بر امّت مبعوث گردید و جبرئیل علیه السلام به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد، و غسلش سنّت است، و روزه‌اش فضیلت بسیار دارد، و روزه‌اش برابر شده با روزهٔ هفتاد سال، و صلوات بر آن حضرت در این روز بسیار باید فرستاد، و زیارت آن حضرت و حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهما ـ در این روز منقول است، و نماز این روز به طرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته‌اند که پیش از زوال باید کرد، و ظاهر از بعضی احادیث اطلاق است، یعنی در هر وقت روز که بکنند خوب است.

و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس رحمه الله به سند معتبر از ریّان بن الصّلت روایت کرده‌اند که گفت: چون حضرت امام محمّد تقی علیه السلام به بغداد تشریف آوردند، در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم، روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند، و در هر یک دوازده رکعت نماز بکنند، هر دو رکعت به یک سلام، و هر رکعت را به «حمد» و هر سوره که خواهند بکنند، و چون از همه فارغ شوند سورهٔ «حمد» و «توحید» و «معوّذتین» را هر یک چهار مرتبه بخوانند. پس چهار مرتبه گویند: «لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ اَكْبَرُ وَسُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ».

پس چهار مرتبه بگویند: «اَللّهُ اَللّهُ رَبّي لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً».

پس چهار مرتبه بگویند: «لا اُشْرِكُ بِرَبّي اَحَداً».

و نماز دیگر در این روز از جناب ابو القاسم حسین بن روح نایب سوّم حضرت حجّت عصر ـ صلوات الله علیه ـ وارد شده و علّامهٔ مجلسی‌ﷺ آن را در *زاد المعاد* نقل کرده و چون در نزد آن مرحوم به صحّت پیوسته که آن چه از نوّاب اربعه رسیده، البتّه از جانب امام عصرﷺ است. چنانچه در سابق به این مطلب اشاره نمودیم. لهذا آن را به حضرت صاحب الأمرﷺ نسبت داده، و چون بنا بر اختصار است ما از ذکر آن اعراض نمودیم از فیض آن نباید غفلت نمود.

و روزهٔ روز بیست و هشتم و بیست و نهم و سی‌ام این ماه مستحب است و ثواب بسیاری از برای هر یک وارد شده.

نماز حضرت سلمانﷺ

و روز آخر ماه نماز جناب سلمان مستحب است، و کیفیّت آن چنین است که ده رکعت نماز کند هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و سه مرتبه سورهٔ «توحید» و سه مرتبه سورهٔ «قُلْ یا اَیُّها الکافرون» بخواند، و بعد از هر سلام دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید:

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

پس دست‌ها را بر روی خود بمالد و حاجت خود را بطلبد، و اعمال این ماه شریف بسیار است و این رساله را گنجایش ذکر تمام آن‌ها نیست.



فصل دوّم

در اعمال ماه مبارک شعبان

و در آن نیز دو مقام است:

مقام اوّل: در اعمال مشترکهٔ این ماه معظّم است

بدان که فضیلت ماه شعبان زیاده از ماه رجب است و منسوب است به حضرت خاتم الأنبیاءﷺ، و در روزه‌اش ثواب بسیاری روایت شده و از حضرت صادقﷺ منقول است که:

«چون حضرت رسول ﷺ ماه شعبان را مشاهده می‌نمودند امر می‌فرمودند نداکننده‌ای را که ندا کند در میان مردم که، ای اهل‌مدینه من رسولم از جانب رسول خدا به سوی شما. و می‌فرمودند که شعبان ماه من است، خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من. پس حضرت امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: از روزی که ندای منادی آن حضرت را شنیدم روزهٔ شعبان را ترک نکردم و تا زنده‌ام ترک نخواهم کرد إن شاء اللّٰه تعالی. و فرمود که: روزهٔ دو ماه متتابع، یعنی شعبان و ماه رمضان توبه است از جانب خداوند برای گناهان».

و به روایت عالی‌السّند از حضرت امام رضا ﷺ منقول است که: «هرکه یک روز شعبان را از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت گردد، و هرکه در هر روز از شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره [و جماعت] رسول خدا ﷺ محشور شود، و گرامی داشتن خداوند او را واجب گردد، و هرکه در شعبان تصدّق کند اگرچه به نصف دانهٔ خرما باشد، حق تعالی بدن او را به آتش جهنّم حرام گرداند... الخ».

و چون این ماه منسوب به حضرت رسول ﷺ است، صلوات بسیار باید بر آن حضرت فرستاده شود تا شفاعتِ آن حضرت شامل حال او شود. چنانچه در روایت وارد شده بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است. و بهتر آن که در هر روزی هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ». و به سندهای معتبر منقول است که: «هرکه در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**؛ حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد، و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاری است و قدح ها در کنار آن نهرها است به عدد ستاره‌های آسمان». و در بعضی از روایات «الحيّ القيّوم» پیش از «الرّحمن الرّحيم» است و هر دو خوب است.

صلوات هر روز ماه شعبان

و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس روایت کرده‌اند که حضرت امام زین العابدین ﷺ در هر روز ماه شعبان و در شب نیمهٔ آن، دعا می‌کرد و صلوات می‌فرستاد بر پیغمبر ﷺ به این صلوات:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلائِكَةِ، وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَها، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ، وَاللاَّزِمُ لَهُمْ لاحِقٌ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِياثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَمَلْجَإِ الْهارِبِينَ، وَمَنْجَا الْخائِفِينَ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضاً، وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَداءً وَقَضاءً، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يا رَبَّ الْعالَمِينَ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرارِ الْأَخْيارِ، الَّذِينَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوقَهُمْ، وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَوِلايَتَهُمْ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ، وَلا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَارْزُقْنِي مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِما وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ، وَهٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، شَعْبانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ، الَّذِي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيامِهِ وَقِيامِهِ فِي لَيالِيهِ وَأَيّامِهِ، بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرامِهِ وَإِعْظامِهِ إِلىٰ مَحَلِّ حِمامِهِ، اللّٰهُمَّ فَأَعِنّا عَلَى الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ، وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ لَدَيْهِ، اللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ[1] لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً، وَطَرِيقاً إِلَيْكَ مَهْيَعاً، وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتّىٰ أَلْقاكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَنِّي راضِياً، وَعَنْ ذُنُوبِي غاضِياً، وَقَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوانَ، وَأَنْزَلْتَنِي دارَ الْقَرارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيارِ.

و سیّد ابن طاووس در کتاب *اقبال* مناجاتی روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام از ذرّیهٔ او که آن بزرگواران در ماه شعبان می‌خواندند، اگر کسی خواسته باشد در این ماه با قاضی‌الحاجات مناجات کند آن را بخواند، و چون بنا بر اختصار است مقام را مناسب ذکرش نیست.

---

۱. فَاجْعَلْهُ خ ل.

سیّد ابن طاووس نقل کرده که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هرکه در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید: «لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَلا نَعْبُدُ اِلّا اِیّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» حق تعالی عبادت هزار ساله در نامهٔ عملش بنویسد، و گناه هزار ساله از او محو کند، و از قبر بیرون آید با روی نورانی که مانند ماه شب چهارده بدرخشد، و نوشته شود نزد خدا صدّیق».

و بدان که از برای هر شب از این ماه نمازی علما نقل فرموده‌اند، و از برای روزهٔ هر روزش ثوابی روایت کرده‌اند، طالبینِ عبادت رجوع به آن‌ها نموده و ایّام و لیالی این شهر شریف را غنیمت شمرده، از قیام و صیام آن خود را محروم ننمایند، و روزهٔ روزهای پنجشنبه‌اش نیز ثواب بسیاری دارد، و روایت شده که: «در هر روز پنجشنبه ماه شعبان زینت می‌کنند آسمان‌ها را، پس ملائکه عرض می‌کنند: خداوندا بیامرز روزه داران امروز را و دعای ایشان را مستجاب گردان».

مقام دوّم: در اعمال مختصّهٔ ماه شعبان

روز اوّل: روزه‌اش مستحب است و روایت شده که: هرکه آن روز روزه دارد، بهشت او را واجب گردد البتّه. و استحبابِ روزهٔ سه روزِ اوّل نیز ثابت است و از برای آن فضیلت بسیار نقل شده، و اگر کسی سه روز اوّل را روزه دارد و در شب‌های این سه روز دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد از «حمد» یازده مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه» بخواند، ثواب بسیاری درک خواهد نمود.

دعای روز ولادت امام حسین علیه السلام

روز سوم: موافق مشهور ولادت با سعادت حضرت امام حسین علیه السلام و روزه‌اش ثواب بسیار دارد، شیخ طوسی در مصباح از سیّد ابن طاووس در *اقبال* روایت کرده‌اند که: فرمانی بیرون آمد از ناحیهٔ مقدسه به سوی قاسم بن‌العلاء الهمدانی، وکیل حضرت عسکری علیه السلام که: «مولای ما امام حسین علیه السلام متولّد شد در روز پنجشنبه سوم ماه شعبان پس در آن روز روزه بدار و این دعا [را] بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ في هٰذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ، بَكَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فيها وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها وَلَمّا يَطَأْ لابَتَيْها، قَتيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ، الْمُعَوَّضِ

مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفاءَ في تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ في اَوْبَتِهِ، وَالْاَوْصِياءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ، حَتّىٰ يُدْرِكُوا الْاَوْتارَ وَيَثْأَرُوا الثّارَ وَيُرْضُوا الْجَبّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ اَنْصارٍ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ، اللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَيْكَ اَتَوَسَّلُ وَأَسْأَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسيءٍ اِلىٰ نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ في يَوْمِهِ وَاَمْسِهِ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلىٰ مَحَلِّ رَمْسِهِ، اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنا في زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنا مَعَهُ دارَ الْكَرامَةِ وَمَحَلَّ الْاِقامَةِ، اللّٰهُمَّ وَكَما اَكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَاَكْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِاَمْرِهِ، وَيُكْثِرُ الصَّلاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلىٰ جَميعِ اَوْصِيائِهِ وَاَهْلِ اَصْفِيائِهِ[1] الْمَمْدُودينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَي عَشَرَ، النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلىٰ جَميعِ الْبَشَرِ، اللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا في هٰذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ، وَاَنْجِحْ لَنا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَما وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

پس می‌خوانی بعد از این، دعای حضرت امام حسین؈ را، و این آخر دعایی است که آن حضرت خواند در روزی که مغلوب کافران گردیده بود:

اللّٰهُمَّ اَنْتَ مُتَعالِي الْمَكانِ، عَظيمُ الْجَبَرُوتِ، شَديدُ الْمِحالِ، غَنِيٌّ عَنِ الْخَلائِقِ، عَريضُ الْكِبْرِياءِ، قادِرٌ عَلىٰ ما يَشاءُ، قَريبُ الرَّحْمَةِ، صادِقُ الْوَعْدِ، سابِغُ النِّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلاءِ، قَريبٌ اِذا دُعيتَ، مُحيطٌ بِما خَلَقْتَ، قابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تابَ اِلَيْكَ، قادِرٌ عَلىٰ ما اَرَدْتَ، وَمُدْرِكٌ ما طَلَبْتَ،

---

۱. اِصطفائِهِ خ ل.

وَشَكُورٌ إِذا شُكِرْتَ، وَذَكُورٌ إِذا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتاجاً، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقيراً، وَأَفْزَعُ إِلَيْكَ خائِفاً، وَأَبْكي إِلَيْكَ مَكْرُوباً، وَأَسْتَعينُ بِكَ ضَعيفاً، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كافِياً، أُحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ، فَإِنَّهُمْ غَرُّونا وَخَدَعُونا وَخَذَلُونا وَغَدَرُوا بِنا وَقَتَلُونا وَنَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ وَوُلْدُ حَبيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسالَةِ وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ وَحْيِكَ، فَاجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ».

ابن عيّاش گفت که: شنیدم از حسین بن علی بزوفری که گفت: شنیدم از حضرت صادق عليه السلام که در این روز این دعا را می‌خواند و می‌فرمود که: از دعاهای روز سوّم ماه شعبان است که روز تولّد حضرت امام حسین عليه السلام است، انتهی.

علّامهٔ مجلسی فرموده که: اگر این دعا را در این روز در روضهٔ مقدّسهٔ آن حضرت بخوانند أنسب است و چون آخر دعای مخصوص آن حضرت و آن حالت است، باید کسی که این دعا را خواند تا «كافياً» بخواند، و بعد از آن حاجات خود را طلب نماید، تمام شد کلام آن مرحوم.

فقیر گوید که: دعاهای مأثوره از حضرت سیّد الشّهداء عليه السلام که در روز عاشورا خوانده‌اند بسیار است ولکن دعایی بسیار شریف به نظر رسیده که معروف نیست؛ ایرادش را در این جا مناسب دیدم. عالم کامل راوندی در کتاب *دعوات* روایت کرده از امام زین العابدین عليه السلام که فرمود: «پدرم مرا در برگرفت و به سینهٔ خود چسبانید در آن روز که کشته شد و «الدّماء تغلي» و خون‌ها در بدن مبارکش می‌جوشید، و فرمود: ای پسر من، حفظ کن از من دعایی را که تعلیم فرمود آن را به من فاطمه عليها السلام، و تعلیم فرمود به او رسول خدا صلى الله عليه وآله، و تعلیم نمود به آن حضرت جبرئیل عليه السلام از برای حاجت و مهمّ و اندوه و بلاهای سخت که نازل می‌شود و امر عظیم دشوار، و فرمود: بگو:

بِحَقِّ يٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْحَكيمِ، وَبِحَقِّ طٰهٰ وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ، يا مَنْ يَقْدِرُ عَلىٰ حَوائِجِ السّائِلينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ما فِي الضَّميرِ، يا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَكْرُوبينَ، يا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومينَ، يا راحِمَ الشَّيْخِ الْكَبيرِ، يا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ إِلَى التَّفْسيرِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا». به جای این کلمه [کذا وکذا] حاجات ذکر شود.

و در روز پنجم این ماه نیز روایت شده که ولادت حضرت سیّد الشّهداء﷣ گشته و سیّد ابن طاووس و بعضی دیگر نیز اختیار کرده‌اند. و اگر هر دو روز را حرمت بدارند و زیارت آن حضرت را در هر دو روز کنند بسیار مناسب است.

و روز هفتم به حسب بعضی روایات روز ولادت حضرت امیر المؤمنین﷣ است و مشهور همان است که در ماه رجب گذشته امّا بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیر را نیز در این روز به عمل آورند مناسب است.

و روز نهم میلاد حضرت سیّد سجّاد﷣ بوده به حسب فرمایش بعض علما. و روزهٔ ایّام‌البیض این ماه و نماز در شب‌های آن فضیلت بسیار دارد، و ما در اعمال ماه رجب نمازی از برای لیالی بیض آن نقل کردیم که در این ماه نیز خوانده می‌شود رجوع به آن‌جا شود [صفحه ۴۷۹].

اعمال شب نیمهٔ شعبان

و امّا شب پانزدهم پس فضیلت و اعمال آن زیاده از آن است که در این رساله احصا توان نمود و ما اکتفا می‌نماییم به آن چه اخصر و اصحّ است از حضرت امیر المؤمنین﷣ منقول است که حضرت رسولﷺ فرمود که: «چون نصف شعبان شود شبش را به عبادت بایستید و روزش را روزه بدارید، به درستی که از اوّل تا آخر این شب از جانب حق‌تعالی ندا می‌رسد که آیا استغفار کننده‌ای هست که از ما طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم؟ آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند و ما روزی او را فراخ گردانیم؟».

بدان که از جملهٔ اعمال این شب غسل است، و شیخ طوسی از حضرت صادق﷣ روایت کرده که فرمودند: «روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمهٔ آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما می‌شود».

و از جملهٔ اعمال زیارت حضرت سیّد الشّهداء﷣ است و فضیلت و کیفیت زیارت آن حضرت در این شب در باب چهارم کتاب [در صفحه ۱۴۹] به شرح رفت.

و شیخ مفید﷫ فرموده: و کسی که متمکّن نباشد از زیارت آن حضرت در این شب زیارت کند ائمّهٔ دیگر را اگر در زیارت او باشد. و اگر آن هم ممکن نشده اشاره کند به سوی آن حضرت و سلام کند بر آن جناب.

دعای شب نیمهٔ شعبان

و مخفی نماند که ولادت وافرالسّعادهٔ حضرت حجّت عصر ﷺ در این شب واقع شده و باعث مزید شرافت این شب گشته، و مستحبّ است در این شب این دعا را بخوانند که به منزلهٔ زیارت آن حضرت است، و ما دعا را از مصباح شیخ طوسی نقل کنیم:

اَللّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِها، الَّتي قَرَنْتَ إِلىٰ فَضْلِها فَضْلاً، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ وَلا مُعَقِّبَ لِآياتِكَ، نُورُكَ الْمُتَأَلِّقُ وَضِياؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ في طَخْياءِ الدَّيْجُورِ، الْغائِبُ الْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلائِكَةُ شُهَّدُهُ، وَاللّهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذا آنَ ميعادُهُ فَالْمَلائِكَةُ أَمْدادُهُ، سَيْفُ اللّهِ الَّذي لا يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذي لا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو، مَدارُ الدَّهْرِ، وَنَواميسُ الْعَصْرِ، وَوُلاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَما يَتَنَزَّلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَراجِمَةُ وَحْيِهِ، وَوُلاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ خاتِمِهِمْ وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ، وَأَدْرِكْ بِنا أَيّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْ أَنْصارِهِ، وَاقْرِنْ ثَأْرَنا بِثَأْرِهِ، وَاكْتُبْنا في أَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ، وَأَحْيِنا في دَوْلَتِهِ ناعِمينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غانِمينَ، وَبِحَقِّهِ قائِمينَ، وَمِنَ السُّوءِ سالِمينَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقينَ، وَالْعَنْ جَميعَ الظّالِمينَ، وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا أَحْكَمَ الْحاكِمينَ.

شیخ شهید اوّل در مجموعهٔ خود از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که فرمودند: «به درستی که آن شبی که حضرت قائم ﷺ در آن تولّد می‌شود هر کس که به دنیا بیاید مؤمن خواهد بود، و اگر تولّد شود در زمین شرک یعنی در بلد کفّار حق تعالی نقل فرماید او را به سوی ایمان به برکت امام ﷺ».

و از جملهٔ اعمال این شب احیای آن است به نماز و دعا و استغفار کردن، چنانچه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است. و نمازهای این شب بسیار است و بیشتر آن را حقیر در کتاب *صحائف النور* ایراد کرده‌ام، و در این جا قناعت می‌کنم به ذکر سه نماز:

اوّل: نماز جعفرطیّار است که کیفیّت آن در باب عمل [روز] جمعه [صفحه ۶۳۷] می‌آید إن شاء اللّه. و در روایت حسن بن فضّال از حضرت امام رضا علیه السلام مذکور است که آن حضرت فرمودند که: «اگر دوست داری در این شب نماز نافله کنی پس نماز جعفر بن ابی طالب را بجا آور و ذکر خدا و استغفار و دعا بسیار کن. به درستی که پدرم فرمود که: دعا در این شب مستجاب می‌شود».

نماز شب نیمهٔ شعبان

دوّم: نمازی است که شیخ طوسی در *مصباح کبیر* نقل فرموده به این طریق: روایت کرد ابویحیی صنعانی از حضرت امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام ، و روایت کرد نیز از آن دو امام همام سی نفر از اصحاب که همه ثقه بودند، که آن دو بزرگوار فرمودند: «همین که شب نیمهٔ شعبان شود، چهار رکعت نماز کن، در هر رکعت صد مرتبه سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» بخوان، و چون فارغ شوی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَمِنْ عَذابِكَ خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اَللّٰهُمَّ لا تُبَدِّلِ اسْمِي وَلا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلا تُجْهِدْ بَلائِي وَلا تُشْمِتْ بِي أَعْدائِي. أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَناؤُكَ، أَنْتَ كَما أَثْنَيْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائِلُونَ. رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذا وَكَذا.

سوّم: نمازی است که شیخ صدوق در کتاب *فضایل الأشهر الثلاثة* مسنداً از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نموده که آن حضرت فرمود: «در این شب حبیب من جبرئیل بر من نازل شد و گفت: یا محمّد امر فرما امّت خود را که چون شب نیمهٔ شعبان شود ده رکعت نماز کنند، هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» بخوانند، پس به سجده

روند و در سجده بگویند: اَللّهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوادي وَجَناني[1] وَبَياضي • يا عَظيمَ كُلِّ عَظيمٍ اغْفِرْ ذَنْبِيَ الْعَظيمَ فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ غَيْرُكَ يا عَظيمُ. پس چون کسی این عمل بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد هزار گناه را و مثل آن حسنات در نامهٔ عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه».

دعای دیگر در شب نیمهٔ شعبان

و از جملهٔ اعمال این شب خواندن این دعا است؛ چنانچه علّامهٔ مجلسی رحمه الله در *زاد المعاد* فرموده: و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب این دعا را می‌خواندند:

«اَللّهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحُولُ بَيْنَنا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ • وَمِنْ طاعَتِكَ ماتُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَكَ • وَمِنَ الْيَقينِ ما يَهُونُ عَلَيْنا بِهِ مُصيباتُ الدُّنْيا • اَللّهُمَّ أَمْتِعْنا بِأَسْماعِنا وَأَبْصارِنا وَقُوَّتِنا ما أَحْيَيْتَنا • وَاجْعَلْهَا الْوارِثَ مِنّا • وَاجْعَلْ ثارَنا عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنا • وَانْصُرْنا عَلىٰ مَنْ عادانا • وَلا تَجْعَلْ مُصيبَتَنا في دينِنا • وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا أَكْبَرَ هَمِّنا وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا • وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا • بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ».

و این دعای جامع کاملی است و متضمّن جمیع مطالب دنیا و آخرت است.

و از جمله دعاهای این شب دعای کمیل است و چون این دعای شریف در شب های جمعه نیز خوانده می‌شود لهذا مناسب دیدم که بعد از این در اعمال شب جمعه آن را [در صفحه ۶۱۹] ذکر کنم که عاملین آن شب از فیض خواندن آن محروم نشوند و فایده‌اش تمام تر باشد.

و بدان که روزهٔ سه روز آخر ماه شعبان فضیلت بسیار دارد، و شیخ صدوق روایت کرده از ابوالصّلت هروی که گفت: در جمعهٔ آخر ماه شعبان به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که: «ای ابوالصّلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعهٔ آخر آن است، پس تدارک و تلافی کن در آن چه از این ماه باقی مانده است تقصیرها، که در ایّام گذشتهٔ این ماه کرده‌ای، و بر تو باد که رو آری به آن چه نافع است برای تو در آخرت، و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید

---

۱. خیالي: نسخهٔ مصباح.



بسیار بکن و توبه کن به سوی حق تعالی از گناهان خود، تا آن که چون ماه رمضان درآید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا، و مگذار در گردن خود امانت و حقّ کسی را مگر آن که ادا کنی، و مگذار در دل خود کینهٔ کسی را مگر آن که بیرون کنی، و مگذار گناهی را که می‌کرده‌ای مگر آن که ترک کنی، و از خدا بترس و توکّل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود، و هرکه بر خدا توکّل کند بس است او را؛ و بسیار بخوان در بقیّهٔ این ماه این دعا را: «**اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنا فيما مَضىٰ مِنْ شَعْبانَ فَاغْفِرْ لَنا فيما بَقِيَ مِنْهُ.** به درستی که حق تعالی در این ماه آزاد می‌کند بنده‌های بسیاری را از آتش جهنّم برای حرمت ماه مبارک رمضان».

و شیخ طوسی و کفعمی دعایی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که در شب آخر ماه شعبان و شب اوّل ماه رمضان می‌خواند، هرکه خواهد رجوع کند به *زادالمعاد*.



فصل سوم

در مختصری از اعمال ماه مبارک رمضان است

و در آن چهار مقام است:

مقام اوّل: در اعمال مشترکهٔ این ماه شریف است

باید دانست که این ماه شریف بهترین ماه‌ها است و نسبت به حق تعالی دارد، اخبار بسیار در بیان فضیلت عبادت در این ماه و کثرت تلاوت قرآن و تصدّقات و افطار دادن به روزه داران وارد شده، و کافی است در این مقام همان خطبهٔ شریفهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در آخر ماه شعبان خواندند، و اگر بنابر اختصار نبود در اینجا ذکر می‌نمودم لکن مقام را گنجایش ذکر نیست، پس ذکر کنیم آن چه مناسب رساله است.

و بدان که اعمال مشترکهٔ این ماه شریف بر چهار قسم است:

قسم اوّل: اعمالی است که در هر شب و روز این ماه بجا آورده می‌شود

و آن‌ها چند امر است:

اوّل: سیّد ابن طاووس از حضرت صادق و کاظم علیهما السلام روایت کرده که فرمودند: «می‌خوانی در تمام شهر رمضان بعد از هر نماز فریضه:

اللّهُمّ ارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ في عامي هٰذا وَفي كُلِّ عامٍ ما أبْقَيْتَني في يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ، وَلا تُخْلِني مِنْ تِلْكَ الْمَواقِفِ الْكَريمَةِ وَالْمَشاهِدِ الشَّريفَةِ وَزِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفي جَميعِ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، فَكُنْ لي اللّهُمّ إنّي أسْألُكَ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ مِنَ الأمْرِ الْمَحْتُومِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذي لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، أنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، و الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ أنْ تُطيلَ عُمْري، وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقي، وَتُؤَدِّيَ عَنّي أمانَتي وَدَيْني، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ».

دعای بعد از هر نماز

دوّم: دعایی است که سیّد ابن طاووس بعد از روایت سابقه ذکر نموده، چنانچه گفته و می‌خوانی عقب هر نمازی در ماه رمضان در شب و روز این دعا را:

يا عَلِيُّ يا عَظيمُ، يا غَفُورُ يا رَحيمُ، أنْتَ الرَّبُّ الْعَظيمُ الَّذي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ، وَهٰذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ، وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذي فَرَضْتَ صِيامَهُ عَلَيَّ، وَهُوَ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ، وَجَعَلْتَ فيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَها خَيْراً مِنْ ألْفِ شَهْرٍ، فَيا ذَا الْمَنِّ وَلا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكاكِ رَقَبَتي مِنَ النّارِ فيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ، وَأدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ.

سوّم: دعایی است که شیخ کفعمی در بلد الامین و شیخ شهید در مجموعهٔ خود از حضرت رسول ﷺ نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «هرکه این دعا را در ماه رمضان بعد از هر

نماز واجبی بخواند حق تعالی بیامرزد گناهان او را تا روز قیامت، و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ عَلیٰ اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ. اَللّٰهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقيرٍ. اَللّٰهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جائِعٍ. اَللّٰهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيانٍ. اَللّٰهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدينٍ. اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ. اَللّٰهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَريبٍ. اَللّٰهُمَّ فُكَّ كُلَّ اَسيرٍ. اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فاسِدٍ مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمينَ. اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَريضٍ. اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنا بِغِناكَ. اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حالِنا بِحُسْنِ حالِكَ. اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاَغْنِنا مِنَ الْفَقْرِ اِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و بدان که بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان خواندن قرآن است و بسیار باید خواند چه آن‌که قرآن در این ماه نازل شده است، و وارد شده که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماه‌های دیگر ماهی یک ختم سنّت است و اقلّش شش روز است، و در ماه رمضان در هر سه روز یک ختم سنّت است و اگر روزی یک ختم تواند بکند خوب است، و در حدیث است که بعضی از ائمه ﷺ در این ماه چهل ختم قرآن و زیاده می‌کردند، و اگر ثواب هر ختم قرآنی را به روح مقدّس یکی از چهارده معصوم ﷺ هدیه کند، ثوابش مضاعف گردد، و از روایتی ظاهر می‌شود که اجر چنین کسی آن است که با ایشان باشد در روز قیامت. و در این ماه دعا و صلوات و استغفار بسیار باید نمود وَ«لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ» بسیار باید گفت و اهتمام به عبادت و نافله‌های شب و روز بسیار باید کرد.

اعمال هر شب ماه رمضان

قسم دوّم: اعمالی است که در شبهای ماه رمضان باید بجا آورد:

و آن ها چند چیز است:

اوّل: افطار است و مستحب است که افطار بعد از نماز شود مگر آن‌که ضعف غالب شده باشد یا جمعی منتظر او باشند، و سنّت است خواندن این دعا در وقت افطار: يا عَظيمُ يا عَظيمُ اَنْتَ اِلٰهي لا اِلٰهَ غَيْرُكَ. اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظيمَ. اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظيمَ اِلَّا الْعَظيمُ.

و خواندن این دعا نیز مستحب است: اللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلىٰ رِزْقِكَ اَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.

و روایت شده که هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستجابی هست، پس باید در لقمهٔ اوّل بگوید: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لي.

و خواندن سورهٔ «إنّا أنزلناه» در وقت افطار و در وقت سحر خوردن ثواب عظیم دارد، و باید آن چیزی که بر آن افطار می‌کنی پاکیزه باشد از محرّمات و شبهات و اگر خرما باشد بسیار خوب است، و حضرت رسول ﷺ افطار می‌فرمود بر خرما و آب، یا بر رطب و آب افطار می‌فرمود، و افطار بر آب نیم گرم نیز خوب است و از برای آن فوایدی ذکر شده است.

و سزاوار است آن که در وقت افطار تصدّق کنی و افطار دهی روزه داران را، اگرچه به چند دانه خرما یا شربتی آب باشد.

دوّم: در هر شب مستحب است خواندن هزار مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه» و خواندن صد مرتبه سورهٔ «حمٓ دخان» اگر میسّر شود.

سوّم: غسل کردن در شب‌های ماه رمضان است. علّامهٔ مجلسی فرموده: و در شب‌های طاق ماه مبارک، غسل سنّت است، خصوصاً شب اوّل و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوّم و در دههٔ آخر در شب‌های جفت نیز غسل سنّت است، خصوصاً شب آخر، و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است.

چهارم: خواندن این دعا است در هر شب. سیّد ابن طاووس به سند معتبر روایت کرده از بعض آل محمّد ﷺ که: «هرکه در هر شب این ماه مبارک این دعا را بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود: «اللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذي اَنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلىٰ عِبادِكَ فيهِ الصِّيامَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ في عامي هٰذا وَفي كُلِّ عامٍ، وَاغْفِرْ لي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَاِنَّهُ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا رَحْمٰنُ يا عَلّامُ».

دعای افتتاح

پنجم: خواندن دعای مشهور به افتتاح است، علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در *زاد المعاد* فرموده و به سند معتبر از حضرت صاحب الامر ؑ منقول است که به شیعیان نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا بخوانند که دعای این ماه را ملائکه می‌شنوند و برای صاحبش استغفار می‌کنند،

دعا این است:

اللّهُمّ اِنّي اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ، وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ، وَاَيْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ في مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَاَشَدُّ الْمُعاقِبينَ في مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ، وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ في مَوْضِعِ الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ، اللّهُمّ اَذِنْتَ لي في دُعائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ فَاسْمَعْ يا سَميعُ مِدْحَتي، وَاَجِبْ يا رَحيمُ دَعْوَتي، وَاَقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتي، فَكَمْ يا اِلهي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها، وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها، وَحَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها، اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، اَلْحَمْدُ لِلّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلى جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها، اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لا مُضادَّ لَهُ في مُلْكِهِ، وَلا مُنازِعَ لَهُ في اَمْرِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لا شَريكَ لَهُ في خَلْقِهِ، وَلا شَبيهَ لَهُ في عَظَمَتِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّهِ الْفاشي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ، الَّذي لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ، وَلا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا جُوداً وَكَرَماً، اِنَّهُ هُوَ الْعَزيزُ الْوَهّابُ.

اللّهُمّ اِنّي أَسْأَلُكَ قَليلاً مِنْ كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بي اِلَيْهِ عَظيمَةٍ، وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ، وَهُوَ عِنْدي كَثيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ، اللّهُمّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبي، وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطيئَتي، وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمي، وَسَتْرَكَ عَلى قَبيحِ عَمَلي، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثيرِ جُرْمي عِنْدَما كانَ مِنْ خَطَأي وَعَمْدي، اَطْمَعَني في اَنْ اَسْأَلَكَ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذي رَزَقْتَني مِنْ رَحْمَتِكَ، وَاَرَيْتَني مِنْ قُدْرَتِكَ، وَعَرَّفْتَني مِنْ اِجابَتِكَ، فَصِرْتُ اَدْعُوكَ آمِناً، وَأَسْأَلُكَ

مُسْتَأْنِساً، لا خائِفاً وَلا وَجِلاً، مُدِلاًّ عَلَيْكَ فيما قَصَدْتُ فيهِ اِلَيْكَ، فَاِنْ اَبْطَأَ عَنّي عَتَبْتُ بِجَهْلي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذي اَبْطَأَ عَنّي هُوَ خَيْرٌ لي لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ، فَلَمْ اَرَ مَوْلىً كَريماً اَصْبَرَ عَلىٰ عَبْدٍ لَئيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يا رَبِّ، اِنَّكَ تَدْعُوني فَاُوَلّي عَنْكَ، وَتَتَحَبَّبُ اِلَيَّ فَاَتَبَغَّضُ اِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلا اَقْبَلُ مِنْكَ، كَاَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذٰلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لي، وَالْاِحْسانِ اِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسانِكَ، اِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ، فالِقِ الْاِصْباحِ، دَيّانِ الدّينِ، رَبِّ الْعالَمينَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ طُولِ اَناتِهِ في غَضَبِهِ، وَهُوَ قادِرٌ عَلىٰ ما يُريدُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خالِقِ الْخَلْقِ، باسِطِ الرِّزْقِ، فالِقِ الْاِصْباحِ، ذِي الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ، اَلَّذي بَعُدَ فَلا يُرىٰ، وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوىٰ، تَبارَكَ وَتَعالىٰ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ، وَلا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ، وَلا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْاَعِزّاءَ، وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَماءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشاءُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُجيبُني حينَ اُناديهِ، وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَاَنَا اَعْصيهِ، وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلا اُجازيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَدْ اَعْطاني، وَعَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفاني، وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ اَراني، فَاُثْني عَلَيْهِ حامِداً، وَاَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا يُهْتَكُ حِجابُهُ، وَلا يُغْلَقُ بابُهُ، وَلا يُرَدُّ سائِلُهُ، وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُؤْمِنُ الْخائِفينَ، وَيُنَجِّي الصّالِحينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ،

وَيُهْلِكُ مُلُوكاً وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قاصِمِ الْجَبّارِينَ. مُبِيرِ الظّالِمِينَ. مُدْرِكِ الْهارِبِينَ. نَكالِ الظّالِمِينَ. صَرِيخِ الْمُسْتَصْرِخِينَ. مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبِينَ. مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنِينَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّماءُ وَسُكّانُها. وَتَرْجُفُ الْاَرْضُ وَعُمّارُها. وَتَمُوجُ الْبِحارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَراتِها. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّٰهُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ. وَيَرْزُقُ وَلا يُرْزَقُ. وَيُطْعِمُ وَلا يُطْعَمُ. وَيُمِيتُ الْاَحْياءَ وَيُحْيِي الْمَوْتىٰ. وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ. وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. وَحافِظِ سِرِّكَ. وَمُبَلِّغِ رِسالاتِكَ. اَفْضَلَ وَاَحْسَنَ. وَاَجْمَلَ وَاَكْمَلَ. وَاَزْكىٰ وَاَنْمىٰ. وَاَطْيَبَ وَاَطْهَرَ. وَاَسْنىٰ وَاَكْثَرَ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ عِبادِكَ وَاَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَاَهْلِ الْكَرامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ. عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ. وَاَخِي رَسُولِكَ. وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ. وَآيَتِكَ الْكُبْرىٰ وَالنَّبَاِ الْعَظِيمِ. وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ. وَصَلِّ عَلىٰ سِبْطَيِ [نَبِيِّ] الرَّحْمَةِ وَاِمامَيِ الْهُدىٰ اَلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلِّ عَلىٰ اَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ. عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ. وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ. وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ. وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. وَالْخَلَفِ الْهادِي الْمَهْدِيِّ. حُجَجِكَ عَلىٰ عِبادِكَ.

وَاُمَنائِكَ في بِلادِكَ، صَلاةً كَثيرَةً دائِمَةً.

اَللّهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَاَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يارَبَّ الْعالَمينَ.

اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ الدّاعِيَ اِلىٰ كِتابِكَ، وَالْقائِمَ بِدينِكَ، اسْتَخْلِفْهُ فِي الْاَرْضِ كَما اسْتَخْلَفْتَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْناً يَعْبُدُكَ لا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً.

اَللّهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعْزِزْ بِهِ، وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً. اَللّهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دينَكَ، وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتّىٰ لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اَللّهُمَّ اِنّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ في دَوْلَةٍ كَريمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَاَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَاَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ اِلىٰ طاعَتِكَ، وَالْقادَةِ اِلىٰ سَبيلِكَ، وَتَرْزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

اَللّهُمَّ ما عَرَّفْتَنا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْناهُ، وَما قَصُرْنا عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ.

اَللّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنا، وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا، وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنا، وَاَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا، وَاَغْنِ بِهِ عائِلَنا، وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنا، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنا، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنا، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنا، وَفُكَّ بِهِ اَسْرَنا، وَاَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا، وَاَنْجِزْ بِهِ مَواعيدَنا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنا، وَاَعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا، وَبَلِّغْنا بِهِ مِنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ آمالَنا، وَاَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا، يا خَيْرَ الْمَسْؤُولينَ وَاَوْسَعَ الْمُعْطينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنا، وَاَذْهِبْ بِهِ

غَيْظَ قُلُوبِنا، وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدي مَنْ تَشاءُ إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَانْصُرْنا بِهِ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنا إِلٰهَ الْحَقِّ آمينَ.

اللّٰهُمَّ إِنّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَقِلَّةَ عَدَدِنا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنّا عَلىٰ ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها، وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و به سند معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق؈ منقول است که در هر شب این ماه مبارک این دعا را بخوانند:

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْأَمْرِ الْحَكيمِ، مِنَ الْقَضاءِ الَّذي لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ، الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئاتِهِمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطيلَ عُمْري في خَيْرٍ وَعافِيَةٍ، وَتُوَسِّعَ في رِزْقي، وَتَجْعَلَني مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بي غَيْري.

و این دعای عالیة المضامین نیز در هر شب وارد شده است:

اللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصّالِحينَ فَأَدْخِلْنا، وَفي عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا، وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبيلٍ فَاسْقِنا، وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا، وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنا، وَمِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنا، وَمِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنا،

وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَقَتْلاً في سَبيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنا، وَصالِحَ الدُّعاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا، وَاِذا جَمَعْتَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَارْحَمْنا، وبَراءَةً مِنَ النّارِ فَاكْتُبْ لَنا، وَفي جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا، وَفي عَذابِكَ وَهَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا، وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا تُطْعِمْنا، وَمَعَ الشَّياطينِ فَلا تَجْعَلْنا، وَفِي النّارِ عَلىٰ وُجُوهِنا فَلا تَكْبُبْنا، وَمِنْ ثِيابِ النّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا، وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ فَنَجِّنا.

کیفیّت هزار رکعت نماز نافلهٔ ماه رمضان المبارک

بدان که از جملهٔ چیزهایی که در شبهای ماه مبارک رمضان مستحب است بجا آورده شود هزار رکعت نماز است در تمام این ماه به ترتیبی که مذکور خواهد شد إن شاء اللّه. و این هزار رکعت نماز نافله را روایت کرده‌اند مشایخ و اعاظم علما در کتب خود و کمتر کتابی است که در فقه یا عبادات نوشته شده باشد و این نمازها در آن مذکور نباشد و استحباب آن مشهور، بلکه اجماع بر آن نقل شده، و حقیر تعجّب می‌کنم از علّامهٔ مجلسی‌ رحمه‌الله که چگونه در *زادالمعاد* ایراد نفرموده، با آن که از برای شب‌های ماه رمضان نمازهای دیگر نقل فرموده که به اعتقاد خود آن مرحوم غیر معتبر و از طریق عامّه است، و به این جهت فقیر به ذکر همین هزار رکعت در این مختصر قناعت می‌کنم.

و امّا کیفیّت بجا آوردن آن: پس احادیث در این باب مختلف است و آن چه موافق روایت ابن ابی قرّة است از حضرت جواد علیه‌السلام و مختار شیخ مفید در کتاب *غریّه* و *اشراف* بلکه مختار مشهور است، آن است که: در دههٔ اوّل و دههٔ دوّم ماه رمضان در هر شبی بیست رکعت خوانده شود، هر دو رکعت به یک سلام، به این طریق که هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده رکعت دیگر را بعد از عشا، و در دههٔ آخر در هر شب سی‌رکعت بخواند، باز هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشا و مجموع این نمازها هفتصد رکعت می‌شود، و باقی‌مانده را که سیصد رکعت باشد در شب‌های قدر بخواند یعنی شب نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سوّم نیز صد رکعت، پس مجموع هزار

رکعت شود. و به ترتیب دیگر نیز روایت شده و تفصیل کلام در صحائف النور است و این مقام را گنجایش بسط نیست، و امید که اهل خیر در عمل به این هزار رکعت نماز مسامحه و سهل انگاری نکرده، از فیض آن خود را بهره‌مند نمایند.

ادعیهٔ سحر ماه مبارک

قسم سوّم: آداب سحرهای ماه مبارک رمضان است

بدان که از جملهٔ آداب ماه رمضان برخاستن در اوقات سحر و سحور خوردن است. و از حضرت رسولﷺ روایت شده که: «ترک نکند امت من سحور خوردن را، اگرچه به یک دانهٔ خرمای زبون باشد» و نیز فرموده که: «حق تعالی و ملائکه صلوات می‌فرستند بر آن‌ها که استغفار می‌کنند در سحرها و سحور می‌خورند». پس سحور بخورید اگرچه به یک شربت آب باشد، و بهترین سحور قاووت[1] است و خرما، و روایت شده که: «هرکه سورهٔ ﴿إنّا أنزلناه﴾ در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد». و علما گفته‌اند که اگر نیّت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است، و از اوّل شب تا آخر شب نیّت می‌توان کرد، و همین که می‌داند و قصد دارد که فردا روزه می‌گیرد و از برای خدا می‌گیرد بس است.

دعای سحور

و از برای سحر دعاهای بسیار روایت شده از آن جمله دعای حضرت ابی جعفرؑ است، چنانچه سیّد ابن طاووس به سند معتبر روایت کرده که: حضرت امام رضاؑ نوشت به ایّوب بن یقطین که: «این دعایی است که حضرت امام محمّد باقرؑ در سحرهای ماه رمضان می‌خواندند و پدرم فرمود که: حضرت امام محمّد باقرؑ فرمودند که: اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد حق تعالی و سرعت اجابت آن را هر آینه به شمشیرها با یکدیگر مقاتله کنند برای طلب این دعا، و اگر سوگند یاد کنم که اسم الله اعظم در این دعاست راست گفته‌ام».

پس چون این دعا را بخوانید به اهتمام و تضرّع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و منافقان و مکذّبین و جاحدین اهلیّت آن را ندارند، از آن ها پنهان دارید و این دعا همان دعای مباهله

---

۱. قاووت: نوعی خوراکی مقوی است که در منطقه کرمان آن را به صورت آرد مصرف می‌کنند. اصل این خوراک عربی است.

است، و دعا این است:

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهائِكَ بِأَبْهاهُ، وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِيٌّ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِأَجْمَلِهِ، وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِأَجَلِّهِ، وَكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِها، وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ، وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِها، وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِأَتَمِّها، وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِأَكْمَلِهِ، وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِأَكْبَرِها، وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمائِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّها، وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ، اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ مَشيئَتِكَ بِأمْضاها، وَكُلُّ مَشيئَتِكَ ماضِيَةٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِمَشيئَتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِها عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأنْفَذِهِ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأرْضاهُ، وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِأحَبِّها إلَيْكَ، وَكُلُّها[1] إلَيْكَ حَبيبَةٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأشْرَفِهِ، وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِأدْوَمِهِ، وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأفْخَرِهِ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأعْلاهُ، وَكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ.

اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأقْدَمِهِ، وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ، اللّهُمَّ إنّي أسألُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ.

---

۱. وَكُلُّ مَسائِلِكَ در زاد المعاد خ ل.

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ آياتِكَ بِأَكْرَمِها، وَكُلُّ آياتِكَ كَرِيمَةٌ، اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها.

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِما أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها، اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِما تُجِيبُني حِينَ أَسْأَلُكَ، فَأَجِبْني يا اللّهُ، فَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا.

و بجای فافعل بی کذا و کذا حاجت خود را ذکر می‌کنی که عطا می‌شوی إن شاء اللّه تعالی.

دعای ابوحمزهٔ ثمالی

و از جمله ادعیهٔ مشهورهٔ سحر، دعایی است که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده‌اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شب‌های ماه رمضان اکثر شب‌ها را نماز می‌کردند و چون سحر می‌شد این دعا را می‌خواندند:

اللّهُمَّ لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ، وَلا تَمْكُرْ بي في حِيلَتِكَ، مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ إِلّا مِنْ عِنْدِكَ؟ وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النَّجاةُ وَلا تُسْتَطاعُ إِلّا بِكَ؟ لَا الَّذي أَحْسَنَ اسْتَغْنىٰ عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَلَا الَّذي أَساءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ (آنقدر بگوید که نفس منقطع شود) بِكَ عَرَفْتُكَ، وَأَنْتَ دَلَلْتَني عَلَيْكَ وَدَعَوْتَني إِلَيْكَ، وَلَوْلا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ ما أَنْتَ.

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُني وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُوني، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِيني وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حِينَ يَسْتَقْرِضُني، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي أُنادِيهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضي لي حاجَتي، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي أَدْعُوهُ وَلا أَدْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لي دُعائي، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي أَرْجُوهُ وَلا

اَرْجُو غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَاَخْلَفَ رَجائي، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي وَكَلَني اِلَيْهِ فَاَكْرَمَني، وَلَمْ يَكِلْني اِلَى النّاسِ فَيُهينُوني، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنّي، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي حَتّىٰ كَاَنّي لا ذَنْبَ لي، فَرَبّي اَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي وَاَحَقُّ بِحَمْدي.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمَناهِلَ الرَّجاءِ اِلَيْكَ مُتْرَعَةً، وَالْاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ اَمَّلَكَ مُباحَةً، وَاَبْوابَ الدُّعاءِ اِلَيْكَ لِلصّارِخينَ مَفْتُوحَةً، وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِلرّاجينَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ، وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ، وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلىٰ جُودِكَ وَالرِّضا بِقَضائِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ، وَاَنَّ الرّاحِلَ اِلَيْكَ قَريبُ الْمَسافَةِ، وَاَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلّا اَنْ[1] تَحْجُبَهُمُ الْآمالُ[2] دُونَكَ، وَقَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِطَلِبَتي، وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحاجَتي، وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتي[3]، وَبِدُعائِكَ تَوَسُّلي، مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاقٍ لِاسْتِماعِكَ مِنّي وَلَا اسْتيجابٍ لِعَفْوِكَ عَنّي، بَلْ لِثِقَتي بِكَرَمِكَ، وَسُكُوني اِلىٰ صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلَجَئي اِلَى الْاِيمانِ بِتَوْحيدِكَ، وَيَقيني[4] بِمَعْرِفَتِكَ مِنّي اَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ، وَلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ.

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ: «وَاسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً»، وَلَيْسَ مِنْ صِفاتِكَ يا سَيِّدي اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ، وَاَنْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطِيّاتِ[5] عَلىٰ اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ، اِلٰهي رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَاِحْسانِكَ صَغيراً وَنَوَّهْتَ

---

۱. وَلٰكِنْ تَحْجُبُهُمْ خ ل.
۲. الْأَعْمالُ السَّيِّئَةُ خ ل.
۳. اِسْتِعانَتي خ ل.
۴. وَثِقَتي خ ل.
۵. بِالْعَطايا خ ل.

بِاسْمي كَبيراً. فَيا مَنْ رَبّاني فِي الدُّنْيا بِإحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ. وَأشارَ لي فِي الآخِرَةِ إِلىٰ جُودِهِ[1] وَكَرَمِهِ. مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَلَّتْني[2] عَلَيْكَ. وَحُبّي لَكَ شَفيعي إِلَيْكَ. وَأنَا واثِقٌ مِنْ دَليلي بِدَلالَتِكَ. وَساكِنٌ مِنْ شَفيعي إِلىٰ شَفاعَتِكَ.

أَدْعُوكَ يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ. رَبِّ أُناجيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ. أَدْعُوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِياً خائِفاً. إِذا رَأَيْتُ مَوْلايَ ذُنُوبي فَزِعْتُ. وَإِذا رَأَيْتُ كَرَمَكَ[3] طَمِعْتُ. فَإِنْ عَفَوْتَ[4] فَخَيْرُ راحِمٍ. وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظالِمٍ. حُجَّتي يا أَللهُ في جُرْأَتي عَلىٰ مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِتْياني[5] ما تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ. وَعُدَّتي في شِدَّتي مَعَ قِلَّةِ حَيائي[6] رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ. وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لا تُخَيِّبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتي[7]. فَحَقِّقْ رَجائي وَاسْمَعْ دُعائي. يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ. وَأَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ. عَظُمَ يا سَيِّدي أَمَلي وَساءَ عَمَلي فَأَعْطِني مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدارِ أَمَلي. وَلا تُؤاخِذْني بِسُوءِ عَمَلي. فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ الْمُذْنِبينَ. وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ. وَأَنَا يا سَيِّدي عائِذٌ بِفَضْلِكَ. هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً. وَما أَنَا يا رَبِّ وَما خَطَري. هَبْني بِفَضْلِكَ. وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ. أَيْ رَبِّ جَلِّلْني بِسِتْرِكَ. وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ. فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلىٰ ذَنْبي غَيْرُكَ ما فَعَلْتُهُ. وَلَوْ خِفْتُ تَعْجيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ. لا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النّاظِرينَ إِلَيَّ. وَأَخَفُّ الْمُطَّلِعينَ

---

۱. عَفْوِهِ خ ل. ۲. دَليلي خ ل.
۳. عَفْوَكَ خ ل. ۴. غَفَرْتَ خ ل.
۵. إِيتاني خ ل. ۶. حيلَتي خ ل.
۷. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَقِّقْ نسخة البال.

عَلَيَّ • بَلْ لِأَنَّكَ يا رَبِّ خَيْرُ السّاتِرينَ وَأَحْكَمُ الْحاكِمينَ[1] وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمينَ • سَتّارُ الْعُيُوبِ غَفّارُ الذُّنُوبِ عَلّامُ الْغُيُوبِ • تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ • وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ • فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ • وَعَلىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُني وَيُجَرِّئُني عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنّي • وَيَدْعُوني إِلىٰ قِلَّةِ الْحَياءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ • وَيُسْرِعُني إِلَى التَّوَثُّبِ عَلىٰ مَحارِمِكَ مَعْرِفَتي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظيمِ عَفْوِكَ • ياحَليمُ ياكَريمُ • يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا غافِرَ الذَّنْبِ يا قابِلَ التَّوْبِ • يا عَظيمَ الْمَنِّ • يا قَديمَ[2] الْإِحْسانِ • أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَميلُ؟ أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَليلُ؟ أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَريبُ؟ أَيْنَ غِياثُكَ السَّريعُ؟ أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ؟ أَيْنَ عَطاياكَ الْفاضِلَةُ؟ أَيْنَ مَواهِبُكَ الْهَنيئَةُ؟ أَيْنَ صَنائِعُكَ السَّنِيَّةُ؟ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظيمُ؟ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسيمُ؟ أَيْنَ إِحْسانُكَ الْقَديمُ؟ أَيْنَ كَرَمُكَ ياكَريمُ؟ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَاسْتَنْقِذْني • وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْني • يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ • يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ[3] • لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجاةِ مِنْ عِقابِكَ عَلىٰ أَعْمالِنا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا • لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ • تُبْدِئُ[4] بِالْإِحْسانِ نِعَماً • وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً • فَما نَدْري ما نَشْكُرُ؟ أَجَميلَ ما تَنْشُرُ • أَمْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ • أَمْ عَظيمَ ما أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ • أَمْ كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعافَيْتَ؟ ياحَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ[5] وَيا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَ بِكَ[6] وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ[7] • أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسيؤُونَ • فَتَجاوَزْ يارَبِّ عَنْ قَبيحِ ما عِنْدَنا بِجَميلِ ما عِنْدَكَ • وَأَيُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ؟ أَوْ أَيُّ زَمانٍ

---

۱. وَأَعْلَمُ الْأَعْلَمينَ خ ل.
۲. يا مَوْصُوفاً بِالْإِحْسانِ خ ل.
۳. يا مُتَفَضِّلُ خ ل.
۴. تَبْتَدِئُ خ ل.
۵. إِلَيْهِ خ ل.
۶. بِهِ خ ل.
۷. إِلَيْهِ خ ل.

أَطْوَلُ مِنْ أَناتِكَ؟ وَما قَدْرُ أَعْمالِنا في جَنْبِ نِعَمِكَ؟ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ؟ بَلْ كَيْفَ يَضيقُ عَلَى الْمُذْنِبينَ ما وَسِعَهُمْ[1] مِنْ رَحْمَتِكَ؟ ياواسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، فَوَعِزَّتِكَ ياسَيِّدي لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِمَا انْتَهىٰ إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَنْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ، وَلا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلا تُنازَعُ في مُلْكِكَ، وَلا تُشارَكُ في أَمْرِكَ، وَلا تُضادُّ في حُكْمِكَ، وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ في تَدْبيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ[2]، تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ.

يا رَبِّ هٰذا مَقامُ مَنْ لاذَ بِكَ وَاسْتَجارَ بِكَرَمِكَ وَأَلِفَ إِحْسانَكَ وَنِعَمَكَ، وَأَنْتَ الْجَوادُ الَّذي لا يَضيقُ عَفْوُكَ، وَلا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ وَالْفَضْلِ الْعَظيمِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، أَفَتُراكَ يارَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا أَوْ تُخَيِّبُ آمالَنا؟ كَلّا ياكَريمُ، فَلَيْسَ هٰذا ظَنُّنا بِكَ، وَلا هٰذا طَمَعُنا فيكَ، يا رَبِّ إِنَّ لَنا فيكَ أَمَلاً طَويلاً كَثيراً، إِنَّ لَنا فيكَ رَجاءً عَظيماً، عَصَيْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنا، وَدَعَوْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجيبَ لَنا، فَحَقِّقْ رَجاءَنا يا مَوْلانا، فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمالِنا، وَلٰكِنْ عِلْمُكَ فينا، وَعِلْمُنا بِأَنَّكَ لا تَصْرِفُنا عَنْكَ، حَثَّنا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَإِنْ كُنّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنا وَعَلَى الْمُذْنِبينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، فَامْنُنْ عَلَيْنا بِما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَجُدْ عَلَيْنا فَإِنّا مُحْتاجُونَ إِلىٰ نَيْلِكَ.

---

۱. ما وَسِعَتْهُ خ ل.
۲. تَبارَكْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخالِقينَ وَرَبُّ الْعالَمينَ. نسخهٔ اقبال.

يا غَفّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنا، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنا، وَبِنِعْمَتِكَ[1] اَصْبَحْنا وَاَمْسَيْنا، ذُنُوبُنا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ مِنْها وَنَتُوبُ اِلَيْكَ، تَتَحَبَّبُ اِلَيْنا بِالنِّعَمِ وَنُعارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ اِلَيْنا نازِلٌ وَشَرُّنا اِلَيْكَ صاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَلا يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأْتيكَ عَنّا في كُلِّ يَوْمٍ بِعَمَلٍ قَبيحٍ، فَلا يَمْنَعُكَ ذٰلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوطَنا بِنِعَمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ، فَسُبْحانَكَ ما اَحْلَمَكَ وَاَعْظَمَكَ وَاَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعيداً، تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ، وَكَرُمَ[2] صَنائِعُكَ وَفِعالُكَ، اَنْتَ اِلٰهي اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ تُقايِسَني بِفِعْلي وَخَطيئَتي، فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي.

اَللّٰهُمَّ اشْغَلْنا بِذِكْرِكَ، وَاَعِذْنا مِنْ سَخَطِكَ، وَاَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ، وَارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ، وَاَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ، وَارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ وَرِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ اِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ، وَارْزُقْنا عَمَلاً بِطاعَتِكَ، وَتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ[3] وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَارْحَمْهُما كَما رَبَّياني صَغيراً، وَاجْزِهِما بِالْإِحْسانِ اِحْساناً وَبِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ، الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ، تابِعْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْراتِ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنا وَمَيِّتِنا، وَشاهِدِنا وَغائِبِنا، ذَكَرِنا وَاُنْثانا، صَغيرِنا وَكَبيرِنا، حُرِّنا وَمَمْلُوكِنا[4]، كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللّٰهِ وَضَلُّوا ضَلالاً بَعيداً

---

۱. وَفي نِعْمَتِكَ خ ل.
۲. وَاَكْرَمَ خ ل.
۳. وَآلِهِ خ ل.
۴. وَعَبْدِنا خ ل.

وَخَسِرُوا خُسْراناً مُبيناً.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لي بِخَيْرٍ، وَاكْفِني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتي، وَلا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لا يَرْحَمُني، وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جُنَّةً واقِيَةً باقِيَةً، وَلا تَسْلُبْني صالِحَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَارْزُقْني مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً.

اللّهُمَّ وَاحْرُسْني بِحَراسَتِكَ، وَاحْفَظْني بِحِفْظِكَ، وَاكْلَأْني بِكَلائَتِكَ، وارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ في عامِنا هذا وَفي كُلِّ عامٍ ما أَبْقَيْتَنا، وَارْزُقْني زِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَئِمَّةِ عليهمُ السّلامُ ، وَلا تُخْلِني يا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشاهِدِ الشَّريفَةِ وَالْمَواقِفِ الْكَريمَةِ. اللّهُمَّ وَتُبْ عَلَيَّ حَتّىٰ لا أَعْصِيَكَ، وَأَلْهِمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ أَبَداً ما أَبْقَيْتَني يا رَبَّ الْعالَمينَ.

اللّهُمَّ[1] إِنّي كُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَناجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعاساً إِذا أَنَا صَلَّيْتُ، وَسَلَبْتَني مُناجاتَكَ إِذا أَنَا ناجَيْتُكَ، وَمالي كُلَّما قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَريرَتي، وَقَرُبَ مِنْ مَجالِسِ التَّوّابينَ مَجْلِسي، عَرَضَتْ لي بَلِيَّةٌ أَزالَتْ قَدَمي وَحالَتْ بَيْني وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ؟! ، سَيِّدي لَعَلَّكَ عَنْ بابِكَ طَرَدْتَني، وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَني في مَقامِ الْكاذِبينَ فَرَفَضْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني غَيْرَ شاكِرٍ لِنَعْمائِكَ فَحَرَمْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَني مِنْ مَجالِسِ الْعُلَماءِ فَخَذَلْتَني، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَني مُعْرِضاً في الْغافِلينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَني، أَوْ

---

۱. إلهي مالي كلّما خ ل.

لَعَلَّكَ رَأَيْتَني آلِفَ مَجالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْني وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَني. أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعائي فَباعَدْتَني. أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمي[1] وَجَريرَتي كافَيْتَني. أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيائي مِنْكَ جازَيْتَني. فَإِنْ عَفَوْتَ يا رَبِّ فَطالَما عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبينَ قَبْلي. لِأَنَّ كَرَمَكَ ـ أَيْ رَبِّ ـ يَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ الْمُذْنِبينَ. وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكافاةِ الْمُقَصِّرينَ. وَأَنَا عائِذٌ بِفَضْلِكَ. هارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ. مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً.

إِلٰهي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقايِسَني بِعَمَلي. أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّني بِخَطيئَتي. وَما أَنَا يا سَيِّدي وَما خَطَري. هَبْني بِفَضْلِكَ يا سَيِّدي. وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ. وَجَلِّلْني بِسِتْرِكَ. وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ. سَيِّدي أَنَا الصَّغيرُ الَّذي رَبَّيْتَهُ. وَأَنَا الْجاهِلُ الَّذي عَلَّمْتَهُ. وَأَنَا الضّالُّ الَّذي هَدَيْتَهُ. وَأَنَا الْوَضيعُ الَّذي رَفَعْتَهُ. وَأَنَا الْخائِفُ الَّذي آمَنْتَهُ. وَأَنَا الْجائِعُ الَّذي أَشْبَعْتَهُ. وَالْعَطْشانُ الَّذي أَرْوَيْتَهُ. وَالْعاري الَّذي كَسَوْتَهُ. وَالْفَقيرُ الَّذي أَغْنَيْتَهُ. وَالضَّعيفُ الَّذي قَوَّيْتَهُ. وَالذَّليلُ الَّذي أَعْزَزْتَهُ. وَالسَّقيمُ الَّذي شَفَيْتَهُ. وَالسّائِلُ الَّذي أَعْطَيْتَهُ. وَالْمُذْنِبُ الَّذي سَتَرْتَهُ. وَالْخاطِئُ الَّذي أَقَلْتَهُ. وَأَنَا الْقَليلُ الَّذي كَثَّرْتَهُ. وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذي نَصَرْتَهُ. وَأَنَا الطَّريدُ الَّذي آوَيْتَهُ. فَلَكَ الْحَمْدُ.

وَأَنَا يا رَبِّ الَّذي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلاءِ. وَلَمْ أُراقِبْكَ فِي الْمَلَإِ. وَأَنَا صاحِبُ الدَّواهِي الْعُظْمىٰ. أَنَا الَّذي عَلىٰ سَيِّدِهِ اجْتَرىٰ. أَنَا الَّذي عَصَيْتُ جَبّارَ السَّماءِ. أَنَا الَّذي أَعْطَيْتُ عَلىٰ مَعاصِي الْجَليلِ الرُّشىٰ. أَنَا الَّذي حينَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ إِلَيْها أَسْعىٰ. أَنَا الَّذي أَمْهَلْتَني فَما ارْعَوَيْتُ. وَسَتَرْتَ

---

۱. بِجُرْمي ع ل.

عَلَيَّ فَما اَسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصي فَتَعَدَّيْتُ، وَاَسْقَطْتَني مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ، فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَني، وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَني، حَتّىٰ كَاَنَّكَ اَغْفَلْتَني، وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصي جَنَّبْتَني، حَتّىٰ كَاَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَني.

اِلٰهي لَمْ اَعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ[1]، وَلا بِاَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ، وَلٰكِنْ خَطيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لي نَفْسي، وَغَلَبَني هَوايَ، وَاَعانَني عَلَيْها شِقْوَتي، وَغَرَّني سِتْرُكَ الْمُرْخىٰ عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخالَفْتُكَ بِجُهْدي، فَالْآنَ مِنْ عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُني؟ وَمِنْ اَيْدِي الْخُصَماءِ غَداً مَنْ يُخَلِّصُني؟ وَبِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّي؟ فَواسَوْأَتاهُ عَلىٰ ما اَحْصىٰ كِتابُكَ مِنْ عَمَلِيَ، الَّذي لَوْلا ما اَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ اِيّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ عِنْدَما اَتَذَكَّرُها، يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَاَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ.

اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ الْاِسْلامِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِحُبِّي لِلنَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التِّهامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ اَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلا تُوحِشِ اسْتيناسَ ايماني، وَلا تَجْعَلْ ثَوابي ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ، فَاِنَّ قَوْماً آمَنُوا بِاَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِماءَهُمْ فَاَدْرَكُوا ما اَمَّلُوا، وَاِنّا آمَنّا بِكَ بِاَلْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنّا، فَاَدْرِكْ[2] بِنا ما اَمَّلْنا، وَثَبِّتْ رَجاءَكَ في صُدُورِنا، وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ، فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِما اُلْهِمَ قَلْبي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ، اِلىٰ مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ اِلّا اِلىٰ مَوْلاهُ، وَاِلىٰ مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلّا

---

۱. جاهل خ ل. ۲. فَاَدْرِكْنا خ ل.

اِلىٰ خالِقِهِ.

اِلٰهي لَوْ قَرَنْتَني بِالْاَصْفادِ، وَمَنَعْتَني سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْاَشْهادِ، وَدَلَلْتَ عَلىٰ فَضائِحي عُيُونَ الْعِبادِ، وَاَمَرْتَ بي اِلَى النّارِ، وَحُلْتَ بَيْني وَبَيْنَ الْاَبْرارِ، ما قَطَعْتُ رَجائي مِنْكَ، وَما[1] صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْميلي لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَلا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبي، اَنَا لا اَنْسىٰ اَيادِيَكَ عِنْدي وَسَتْرَكَ عَلَيَّ في دارِ الدُّنْيا.

يا سَيِّدي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبي، وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ الْمُصْطَفىٰ وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخاتَمِ النَّبِيّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانْقُلْني اِلىٰ دَرَجَةِ التَّوْبَةِ اِلَيْكَ، وَاَعِنّي بِالْبُكاءِ عَلىٰ نَفْسي فَقَدْ اَفْنَيْتُ بِالتَّسْويفِ وَالْآمالِ عُمْري، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسينَ مِنْ خَيْري، فَمَنْ يَكُونُ اَسْوَأَ حالاً مِنّي اِنْ اَنَا نُقِلْتُ عَلىٰ مِثْلِ حالي اِلىٰ قَبْرٍ لَمْ اُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتي، وَلَمْ اَفْرِشْهُ بِالْعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجْعَتي؟ وَما لِيَ لا اَبْكي وَلا اَدْري اِلىٰ ما يَكُونُ مَصيري؟ وَاَرىٰ نَفْسي تُخادِعُني، وَاَيّامي تُخاتِلُني، وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسي اَجْنِحَةُ الْمَوْتِ، فَما لِيَ لا اَبْكي؟ اَبْكي لِخُرُوجِ نَفْسي، اَبْكي لِظُلْمَةِ قَبْري، اَبْكي لِضيقِ لَحْدي، اَبْكي لِسُؤالِ مُنْكَرٍ وَنَكيرٍ اِيّايَ، اَبْكي لِخُرُوجي مِنْ قَبْري عُرْياناً ذَليلاً، حامِلاً ثِقْلي عَلىٰ ظَهْري، اَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَميني وَاُخْرىٰ عَنْ شِمالي، اِذِ الْخَلائِقُ في شَأْنٍ غَيْرِ شَأْني، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ، وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ، تَرْهَقُها قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ.

سَيِّدي عَلَيْكَ مُعَوَّلي وَمُعْتَمَدي وَرَجائي وَتَوَكُّلي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي،

---

۱. ولا خ ل.

تُصيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشاءُ، وَتَهْدي بِكَرامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ما نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ بَسْطِ لِساني، اَفَبِلِساني هٰذَا الْكالِّ اَشْكُرُكَ، اَمْ بِغايَةِ جُهْدي في عَمَلي اُرْضيكَ؟ وَما قَدْرُ لِساني يا رَبِّ في جَنْبِ شُكْرِكَ؟، وَما قَدْرُ عَمَلي في جَنْبِ نِعَمِكَ وَاِحْسانِكَ اِلَيَّ؟، اِلّا اَنَّ جُودَكَ بَسَطَ اَمَلي، وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلي.

سَيِّدي اِلَيْكَ رَغْبَتي، وَمِنْكَ رَهْبَتي، وَاِلَيْكَ تَأْميلي، وَقَدْ ساقَني اِلَيْكَ اَمَلي، وَعَلَيْكَ يا واحِدي[1] عَكَفَتْ هِمَّتي، وَفيما عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتي، وَلَكَ خالِصُ رَجائي وَخَوْفي، وَبِكَ اَنِسَتْ مَحَبَّتي، وَاِلَيْكَ اَلْقَيْتُ بِيَدي، وَبِحَبْلِ طاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتي.

يا مَوْلايَ بِذِكْرِكَ عاشَ قَلْبي، وَبِمُناجاتِكَ بَرَّدْتُ اَلَمَ الْخَوْفِ عَنّي، فَيا مَوْلايَ وَيا مُؤَمَّلي وَيا مُنْتَهىٰ سُؤْلي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَ ذَنْبِيَ الْمانِعِ لي مِنْ لُزُومِ طاعَتِكَ، فَاِنَّما اَسْاَلُكَ لِقَديمِ رَجاءٍ[2] فيكَ[3] وَخَوْفي اِلَيْكَ، وَعَظيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ، الَّذي اَوْجَبْتَهُ عَلىٰ نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَالْاَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيالُكَ[4] وَفي قَبْضَتِكَ، وَكُلُّ شَيْءٍ خاضِعٌ لَكَ، تَبارَكْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

اِلٰهي ارْحَمْني اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتي، وَكَلَّ عَنْ جَوابِكَ لِساني، وَطاشَ عِنْدَ سُؤالِكَ اِيّايَ لُبّي، فَيا عَظيمَ رَجائي لا تُخَيِّبْني اِذَا اشْتَدَّتْ فاقَتي[5] اِلَيْكَ، وَلا تَرُدَّني بِجَهْلي، وَلا تَمْنَعْني لِقِلَّةِ صَبْري، وَاَعْطِني لِفَقْري، وَارْحَمْني لِضَعْفي.

---

۱. يا واجِدي خ ل.
۲. الرَّجاءِ خ ل.
۳. لَكَ خ ل.
۴. عِبادُكَ خ ل.
۵. ضِياقَتي خ ل.

سَيِّدي عَلَيْكَ مُعْتَمَدي وَمُعَوَّلي وَرَجائي وَتَوَكُّلي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقي، وَبِفِنائِكَ اَحُطُّ رَحْلي، وَبِجُودِكَ اَقْصُدُ طَلِبَتي، وَبِكَرَمِكَ اَيْ رَبِّ اَسْتَفْتِحُ دُعائي، وَلَدَيْكَ اَرْجُو فاقَتي وَبِغِناكَ[1] اَجْبُرُ عَيْلَتي، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيامي، وَاِلىٰ جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَرْفَعُ بَصَري، وَاِلىٰ مَعْرُوفِكَ اُديمُ نَظَري، فَلا تُحْرِقْني بِالنّارِ وَاَنْتَ مَوْضِعُ اَمَلي، وَلا تُسْكِنّي الْهاوِيَةَ فَاِنَّكَ قُرَّةُ عَيْني، يا سَيِّدي لا تُكَذِّبْ ظَنّي بِاِحْسانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَاِنَّكَ ثِقَتي وَرَجائي، وَلا تَحْرِمْني ثَوابَكَ فَاِنَّكَ الْعارِفُ بِفَقْري، اِلٰهي اِنْ كانَ قَدْ دَنا اَجَلي وَلَمْ يُقَرِّبْني مِنْكَ عَمَلي فَقَدْ جَعَلْتُ الْاِعْتِرافَ اِلَيْكَ بِذَنْبي وَسائِلَ عِلَلي، اِلٰهي اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ؟ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ اَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ؟

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ في هٰذِهِ الدُّنْيا غُرْبَتي، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتي، وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتي، وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتي، وَاِذا نُشِرْتُ لِلْحِسابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفي، وَاغْفِرْ لي ما خَفِيَ عَلَى الْآدَمِيّينَ مِنْ عَمَلي، وَاَدِمْ لي ما بِهِ سَتَرْتَني، وَارْحَمْني صَريعاً عَلَى الْفِراشِ تُقَلِّبُني اَيْدي اَحِبَّتي، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُني صالِحُ جيرَتي، وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ الْاَقْرِباءُ اَطْرافَ جِنازَتي، وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحيداً في حُفْرَتي، وَارْحَمْ في ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْجَديدِ غُرْبَتي حَتّىٰ لا اَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ، يا سَيِّدي فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَني اِلىٰ نَفْسي هَلَكْتُ، سَيِّدي فَبِمَنْ اَسْتَغيثُ اِنْ لَمْ تُقِلْني عَثْرَتي؟ وَاِلىٰ مَنْ اَفْزَعُ اِنْ فَقَدْتُ عِنايَتَكَ في ضَجْعَتي؟ وَاِلىٰ مَنْ اَلْتَجِئُ اِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتي؟، سَيِّدي مَنْ لي وَمَنْ يَرْحَمُني اِنْ لَمْ تَرْحَمْني؟ وَفَضْلَ مَنْ اُؤَمِّلُ اِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فاقَتي؟ وَاِلىٰ مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ

---

۱. وبعنايتك خ ل.

اِذَا انْقَضىٰ اَجَلي؟

سَيِّدي لا تُعَذِّبْني وَاَنَا اَرْجُوكَ. اِلٰهي حَقِّقْ رَجائي وَآمِنْ خَوْفي. فَاِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبي لا اَرْجُو فيها اِلّا عَفْوَكَ. سَيِّدي اَنَا اَسْأَلُكَ ما لا اَسْتَحِقُّ وَاَنْتَ اَهْلُ التَّقْوىٰ وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لي. وَاَلْبِسْني مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً يُغَطّي عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعاتِ وَتَغْفِرُها لي وَلا اُطالَبُ بِها. اِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَديمٍ وَصَفْحٍ عَظيمٍ وَتَجاوُزٍ كَريمٍ.

اِلٰهي اَنْتَ الَّذي تُفيضُ سَيْبَكَ عَلىٰ مَنْ لا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ. فَكَيْفَ سَيِّدي بِمَنْ سَأَلَكَ وَاَيْقَنَ اَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْاَمْرَ اِلَيْكَ؟ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

اِلٰهي وَسَيِّدي. عَبْدُكَ بِبابِكَ. اَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ. يَقْرَعُ بابَ اِحْسانِكَ بِدُعائِهِ. وَيَسْتَعْطِفُ جَميلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ. فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ عَنّي. وَاقْبَلْ مِنّي ما اَقُولُ. فَقَدْ دَعَوْتُ بِهٰذَا الدُّعاءِ. وَاَنَا اَرْجُو اَنْ لا تَرُدَّني. مَعْرِفَةً مِنّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ. اِلٰهي اَنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ. اَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ صَبْراً جَميلاً. وَفَرَجاً قَريباً. وَقَوْلاً صادِقاً. وَاَجْراً عَظيماً. اَسْأَلُكَ يا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ اَعْلَمْ. اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ ما سَأَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ. يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَاَجْوَدَ مَنْ اَعْطىٰ. اَعْطِني سُؤْلي في نَفْسي وَاَهْلي وَوالِدَيَّ وَاَهْلِ حُزانَتي وَاِخْواني فيكَ. وَاَرْغِدْ عَيْشي. وَاَظْهِرْ مُرُوَّتي. وَاَصْلِحْ جَميعَ اَحْوالي. وَاجْعَلْني مِمَّنْ اَطَلْتَ عُمْرَهُ. وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ. وَاَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضيتَ عَنْهُ. وَاَحْيَيْتَهُ حَياةً طَيِّبَةً في اَدْوَمِ السُّرُورِ. وَاَسْبَغِ الْكَرامَةِ. وَاَتَمِّ الْعَيْشِ. اِنَّكَ

تَفْعَلُ ما تَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُكَ.

اللّهُمَّ وَخُصَّني مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَلا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمّا أَتَقَرَّبُ بِهِ في آناءِ اللَّيْلِ وَأَطْرافِ النَّهارِ رِياءً وَلا سُمْعَةً وَلا أَشَراً وَلا بَطَراً، وَاجْعَلْني لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ.

اللّهُمَّ أَعْطِني السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ، وَالْمُقامَ في نِعَمِكَ[۱] عِنْدي، وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ، وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلامَةَ فِي الدّينِ، وَاسْتَعْمِلْني بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَني، وَاجْعَلْني مِنْ أَوْفَرِ عِبادِكَ عِنْدَكَ نَصيباً في كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ[۲] في شَهْرِ رَمَضانَ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَما أَنْتَ مُنْزِلُهُ في كُلِّ سَنَةٍ، مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها، وَعافِيَةٍ تُلْبِسُها وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُها، وَحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنْهاوَارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ في عامِنا هٰذا وَفي كُلِّ عامٍ، وَارْزُقْني رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ، وَاصْرِفْ عَنّي يا سَيِّدِي الْأَسْواءَ، وَاقْضِ عَنِّا الدَّيْنَ وَالظُّلاماتِ حَتّىٰ لا أَتَأَذّىٰ بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنّي بِأَسْماعِ أَضْدادي، وَأَبْصارِ أَعْدائي وَحُسّادي، وَالْباغينَ عَلَيَّ وَانْصُرْني عَلَيْهِمْ، وَأَقِرَّ عَيْني، وَحَقِّقْ ظَنّي وَفَرِّجْ قَلْبي، وَاجْعَلْ لي مِنْ هَمّي وَكَرْبي فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَاجْعَلْ مَنْ أَرادَني بِسُوءٍ مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ، وَاكْفِني شَرَّ الشَّيْطانِ وَشَرَّ السُّلْطانِ وَسَيِّئاتِ عَمَلي، وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّها، وَأَجِرْني مِنَ النّارِ بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْني مِنَ الْحُورِ الْعينِ بِفَضْلِكَ، وَأَلْحِقْني بِأَوْلِيائِكَ الصّالِحينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرارِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْأَخْيارِ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِمْ

---

۱. بِفَضْلِكَ خ ل. ۲. وَأَنْتَ مُنْزِلُهُ خ ل.

وَعَلىٰ أرْواحِهِمْ وَأجْسادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

إلٰهي وَسَيِّدي، وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ لَئِنْ طالَبْتَني بِذُنُوبي[1] لَاُطالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَئِنْ طالَبْتَني بِلُؤْمي لَاُطالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَلَئِنْ أدْخَلْتَنِي النّارَ لَاُخْبِرَنَّ أهْلَ النّارِ بِحُبّي لَكَ[2].

إلٰهي وَسَيِّدي، إنْ كُنْتَ لا تَغْفِرُ إلّا لِأوْلِيائِكَ وَأهْلِ طاعَتِكَ فَإلىٰ مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ؟! وَإنْ كُنْتَ لا تُكْرِمُ إلّا أهْلَ الْوَفاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ الْمُسيؤُونَ؟! إلٰهي إنْ أدْخَلْتَنِي النّارَ فَفي ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ، وَإنْ أدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفي ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ، وَأنَا وَاللّٰهِ أعْلَمُ أنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أحَبُّ إلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ.

اللّٰهُمَّ إنّي أسْألُكَ أنْ تَمْلَأَ قَلْبي حُبّاً لَكَ، وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصْديقاً بِكِتابِكَ، وَإيماناً بِكَ، وَفَرَقاً مِنْكَ، وَشَوْقاً إلَيْكَ، ياذَا الْجَلالِ وَالْإكْرامِ، حَبِّبْ إلَيَّ لِقاءَكَ وَأحْبِبْ لِقائي، وَاجْعَلْ لي في لِقائِكَ الرّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرامَةَ.

اللّٰهُمَّ ألْحِقْني بِصالِحِ مَنْ مَضىٰ، وَاجْعَلْني مِنْ صالِحِ مَنْ بَقِيَ، وَخُذْ بي سَبيلَ الصّالِحينَ، وَأعِنّي عَلىٰ نَفْسي بِما تُعينُ بِهِ الصّالِحينَ عَلىٰ أنْفُسِهِمْ وَلا تَرُدَّني في سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَني مِنْهُ أبَداً، وَاخْتِمْ عَمَلي بِأحْسَنِهِ، وَاجْعَلْ ثَوابي مِنْهُ[3] الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ، وَأعِنّي عَلىٰ صالِحِ ما أعْطَيْتَني وَثَبِّتْني وَلا تَرُدَّني في سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَني مِنْهُ.

اللّٰهُمَّ إنّي أسْألُكَ إيماناً لا أجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِكَ، أحْيِني ما أحْيَيْتَني

---

۱. بِجُرمي خ ل. ۲. اِيّاك خ ل.
۳. عليه خ ل.

عَلَيْهِ. وَتَوَفَّني إذا تَوَفَّيْتَني عَلَيْهِ. وَابْعَثْني[1] إذا بَعَثْتَني عَلَيْهِ. وَاَبْرِئْ قَلْبي مِنَ الرِّياءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ في دينِكَ. حَتّىٰ يَكُونَ عَمَلي خالِصاً لَكَ.

اَللّٰهُمَّ اَعْطِني بَصيرَةً في دينِكَ. وَفَهْماً في حُكْمِكَ. وَفِقْهاً في عِلْمِكَ. وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ. وَوَرَعاً يَحْجُزُني عَنْ مَعْصِيَتِكَ. وَبَيِّضْ وَجْهي بِنُورِكَ. وَاجْعَلْ رَغْبَتي فيما عِنْدَكَ. وَتَوَفَّني في سَبيلِكَ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اَللّٰهُمَّ إنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ. وَالْهَمِّ وَالْحُزْنِ. وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ. وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ. وَالذِّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ. وَالْفَقْرِ وَالْفاقَةِ. وَكُلِّ بَلِيَّةٍ. وَالْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ. وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ. وَبَطْنٍ لا تَشْبَعُ. وَقَلْبٍ لا يَخْشَعُ. وَدُعاءٍ لا يُسْمَعُ. وَعَمَلٍ لا يَنْفَعُ. وَصَلاةٍ لا تُرْفَعُ. وَاَعُوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلىٰ نَفْسي وَوُلْدي وَديني وَمالي وَعَلىٰ جَميعِ ما رَزَقْتَني مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ. إنَّكَ اَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ.

اَللّٰهُمَّ إنَّهُ لا يُجيرُني مِنْكَ اَحَدٌ. وَلا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً. فَلا تَجْعَلْ نَفْسي في شَيْءٍ مِنْ عَذابِكَ. وَلا تَرُدَّني بِهَلَكَةٍ. وَلا تَرُدَّني بِعَذابٍ اَليمٍ.

اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي. وَاَعْلِ ذِكْري. وَارْفَعْ دَرَجَتي. وَحُطَّ وِزْري. وَلا تَذْكُرْني بِخَطيئَتي. وَاجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسي وَثَوابَ مَنْطِقي وَثَوابَ دُعائي رِضاكَ عَنّي وَالْجَنَّةَ. وَاَعْطِني يا رَبِّ جَميعَ ما سَاَلْتُكَ. وَزِدْني مِنْ فَضْلِكَ إنّي اِلَيْكَ راغِبٌ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

اَللّٰهُمَّ إنَّكَ اَنْزَلْتَ في كِتابِكَ الْعَفْوَ. وَاَمَرْتَنا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا. وَقَدْ

---

۱. وَابْعَثْني خ ل.

ظَلَمْنا اَنْفُسَنا • فَاعْفُ عَنّا فَاِنَّكَ اَوْلىٰ بِذٰلِكَ مِنّا • وَاَمَرْتَنا اَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً عَنْ اَبْوابِنا • وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً فَلا تَرُدَّني اِلّا بِقَضاءِ حاجَتي • وَاَمَرْتَنا بِالْاِحْسانِ اِلىٰ ما مَلَكَتْ اَيْمانُنا • وَنَحْنُ اَرِقّاؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النّارِ.

يا مَفْزَعي عِنْدَ كُرْبَتي • وَيا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي • اِلَيْكَ فَزِعْتُ • وَبِكَ اسْتَغَثْتُ • وَبِكَ لُذْتُ • لا اَلُوذُ بِسِواكَ • وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلّا مِنْكَ • فَاَغِثْني وَفَرِّجْ عَنّي • يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ • اِقْبَلْ مِنّي الْيَسيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثيرَ • اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي • وَيَقيناً صادِقاً حَتّىٰ اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَني اِلّا ما كَتَبْتَ لي • وَرَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

قسم چهارم: دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان است

بدان که از برای روزهای این ماه شریف دو نوع دعا روایت شده:

نوع اوّل: دعاهایی است که مکرّر می‌شود در هر روز، یعنی در هر روز ماه رمضان همان دعای معیّن خوانده می‌شود، و این نوع دعا بسیار است و چون مقام را گنجایش ذکر آن ها نیست قناعت می‌کنم به ذکر چند دعای مختصر معتبر.

بدان که سیّد ابن طاووس در کتاب *اقبال* از کلینی نقل نموده دعای امام زین العابدین علیه السلام را، و فرموده که روایات این دعا مختلف است به زیادتی و کمی و ذکر نموده لفظ دعا را به بعض روایات و در آن روایت دعا طولانی است، و همچنین علّامهٔ مجلسی نقل نموده در *زاد المعاد* دعا را با اختلاف کثیری با نسخهٔ *اقبال* و ما در اینجا نقل کردیم از نسخهٔ مصحّح *فروع کافی* که فعلاً در دست هست و در این نسخه دعا چنان است که در متن ذکر کردیم.

شیخ محدّث جلیل *عمدة المحدّثین* ثقة الاسلام محمّد بن یعقوب کلینی رحمه الله در کتاب شریف *کافی* از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در هر روز ماه رمضان این دعا را می‌خواندند: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ • وَهٰذا شَهْرُ الصِّيامِ • وَهٰذا شَهْرُ

الْإِنابَةِ. وَهٰذا شَهْرُ التَّوْبَةِ. وَهٰذا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ. وَهٰذا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ. اَللّٰهُمَّ فَسَلِّمْهُ لي وَتَسَلَّمْهُ مِنّي. وَاَعِنّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ. وَوَفِّقْني فيهِ لِطاعَتِكَ. وَفَرِّغْني فيهِ لِعِبادَتِكَ وَدُعائِكَ وَتِلاوَةِ كِتابِكَ. وَاَعْظِمْ لي فيهِ الْبَرَكَةَ. وَاَحْسِنْ لي فيهِ الْعافِيَةَ. وَاَصِحَّ لي فيهِ بَدَني. وَاَوْسِعْ فيهِ رِزْقي. وَاكْفِني فيهِ ما اَهَمَّني. وَاسْتَجِبْ لي فيهِ دُعائي. وَبَلِّغْني فيهِ رَجائي.

اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ فيهِ عَنِّي النُّعاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّأْمَةَ وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ. اَللّٰهُمَّ جَنِّبْني فيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسْقامَ. وَالْغُمُومَ[1] وَالْاَحْزانَ. وَالْاَعْراضَ وَالْاَمْراضَ. وَالْخَطايا وَالذُّنُوبَ. وَاصْرِفْ عَنّي فيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشاءَ. وَالْجُهْدَ وَالْبَلاءَ. وَالتَّعَبَ وَالْعَناءَ. اِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ.

اَللّٰهُمَّ اَعِذْني فيهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ. وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ. وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ. وَوَسْواسِهِ وَكَيْدِهِ. وَمَكْرِهِ وَحِيَلِهِ. وَاَمانِيِّهِ وَخُدَعِهِ. وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ. وَرَجْلِهِ وَشَرَكِهِ. وَاَعْوانِهِ وَاَتْباعِهِ. وَاَخْدانِهِ[2] وَاَشْياعِهِ. وَاَوْلِيائِهِ وَشُرَكائِهِ. وَجَميعِ كَيْدِهِمْ.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ تَمامَ صِيامِهِ. وَبُلُوغَ الْاَمَلِ في قِيامِهِ. وَاسْتِكْمالَ ما يُرْضيكَ فيهِ. صَبْراً وَاِيماناً وَيَقيناً وَاحْتِساباً. ثُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنّا بِالْاَضْعافِ الْكَثيرَةِ وَالْاَجْرِ الْعَظيمِ.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ الْجِدَّ وَالْاِجْتِهادَ. وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ. وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ. وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ. وَالْجَزَعَ وَالرِّقَّةَ. وَصِدْقَ اللِّسانِ. وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجاءَ

---

۱. وَالْهُمُومَ وَالْغُمُومَ خ ل.

۲. إِخْوانِهِ خ ل.

لَكَ، وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ، وَالثِّقَةَ بِكَ، وَالْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ بِصالِحِ الْقَوْلِ، وَمَقْبُولِ السَّعْيِ، وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ، وَمُسْتَجابِ الدُّعاءِ، وَلا تَحُلْ بَيْني وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ بِعَرَضٍ وَلا مَرَضٍ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و شیخ کفعمی این دعا را از برای هر روز ماه مبارک نقل کرده:

يا ذَا الَّذي كانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ، ثُمَّ يَبْقىٰ وَيَفْنىٰ كُلُّ شَيْءٍ، يا ذَا الَّذي لَيْسَ فِي السَّماواتِ الْعُلىٰ وَلا فِي الْأَرَضينَ السُّفْلىٰ وَلا فَوْقَهُنَّ وَلا بَيْنَهُنَّ وَلا تَحْتَهُنَّ إِلٰهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِهِ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها إِلَّا أَنْتَ.

و محدّث کاشانی ملّا محسن فیض از برای ایّام ماه رمضان این دعا را در *خلاصة الاذکار* ایراد نموده که روزی صد مرتبه خوانده شود: سُبْحانَ الضّارِّ النّافِعِ، سُبْحانَ الْقاضي بِالْحَقِّ، سُبْحانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ، سُبْحانَهُ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ.

دعای دیگر هر روز ماه مبارک رمضان

و نیز مستحب است در هر روز از ماه رمضان خواندن این دعا را که مشتمل است بر مضامین عالیه و شیخ طوسی رحمه الله آن را در مصباح روایت کرده است:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عامٌّ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطائِكَ بِأَهْنَئِهِ، وَكُلُّ عَطائِكَ هَنيءٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعَطائِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ إِنّي

اَسْأَلُكَ مِنْ اِحْسانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ اِحْسانِكَ حَسَنٌ. اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِاِحْسانِكَ كُلِّهِ. اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِما تُجيبُني بِهِ حينَ اَسْأَلُكَ فَاَجِبْني يا اَللّهُ. وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضىٰ. وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفىٰ. وَاَمينِكَ وَنَجِيِّكَ دُونَ خَلْقِكَ و نَجيبِكَ مِنْ عِبادِكَ. وَنَبِيِّكَ بِالصِّدْقِ وَحَبيبِكَ. وَصَلِّ عَلىٰ رَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنَ الْعالَمينَ. الْبَشيرِ النَّذيرِ. السِّراجِ الْمُنيرِ. وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَبْرارِ الطّاهِرينَ. وَعَلىٰ مَلائِكَتِكَ الَّذينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ. وَعَلىٰ اَنْبِيائِكَ الَّذينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ. و عَلىٰ رُسُلِكَ الَّذينَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ. وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ بِرِسالاتِكَ. وَعَلىٰ عِبادِكَ الصّالِحينَ الَّذينَ اَدْخَلْتَهُمْ في رَحْمَتِكَ. الْاَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ[1] الرّاشِدينَ. وَاَوْلِيائِكَ الْمُطَهَّرينَ. وَعَلىٰ جَبْرَئيلَ و ميكائيلَ وَاِسْرافيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ. وَمالِكٍ خازِنِ النّارِ. وَرِضْوانَ خازِنِ الْجِنانِ. وَرُوحِ الْقُدُسِ. وَالرُّوحِ الْاَمينِ. وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبينَ. وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلاةِ الَّتي تُحِبُّ اَنْ يُصَلّي بِها عَلَيْهِمْ اَهْلُ السَّماواتِ و اَهْلُ الْاَرَضينَ. صَلاةً طَيِّبَةً كَثيرَةً مُبارَكَةً زاكِيَةً نامِيَةً ظاهِرَةً باطِنَةً شَريفَةً فاضِلَةً تُبَيِّنُ بِها فَضْلَهُمْ عَلَى الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ.

اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ. وَاجْزِهِ عَنّا خَيْرَ ما جَزَيْتَ نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ. اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً. وَمَعَ كُلِّ وَسيلَةٍ وَسيلَةً. وَمَعَ كُلِّ فَضيلَةٍ فَضيلَةً. وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً. حَتّىٰ تُعْطِيَ مُحَمَّداً و آلَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ اَفْضَلَ ما اَعْطَيْتَ اَحَداً مِنَ الْاَوَّلينَ و الْآخِرينَ. اَللّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَدْنَى

---

۱. المُهْتَدينَ خ ل.

الْمُرْسَلينَ مِنْكَ مَجْلِساً، وَاَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلاً، وَأَقْرَبَهُمْ إِلَيْكَ وَسِيلَةً، وَاجْعَلْهُ اَوَّلَ شافِعٍ وَاَوَّلَ مُشَفَّعٍ وَاَوَّلَ قائِلٍ وَاَنْجَحَ سائِلٍ، وَابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحمودَ الَّذي يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرونَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَأَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَسْمَعَ صَوْتي وَتُجيبَ دَعْوَتي، وَتَجاوَزَ عَنْ خَطيئَتي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمي، وَتُنْجِحَ طَلِبَتي وَتَقْضيَ حاجَتي، وَتُنْجِزَ لي ما وَعَدْتَني، وَتُقيلَ عَثْرَتي وَتَغْفِرَ لي ذُنوبي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمي، وَتُقْبِلَ عَلَيَّ وَلا تُعْرِضَ بِوَجْهِكَ عَنّي، وَتَرْحَمَني وَلا تُعَذِّبَني، وَتُعافِيَني وَلا تَبْتَليَني، وَتَرْزُقَني مِنَ الرِّزْقِ أَطْيَبَهُ وَاَوْسَعَهُ، وَلا تَحْرِمْني يا رَبِّ خَيْرَكَ، وَاقْضِ عَنّي دَيني، وَضَعْ عَنّي وِزْري، وَلا تُحَمِّلْني ما لا طاقَةَ لي بِهِ يا مَولايَ، وَاَدْخِلْني في كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَاَخْرِجْني مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَليهِ وَعَلَيْهِم، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وَعَلَيهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس سه مرتبه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنّي أَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني.

پس می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسأَلُكَ قَليلاً مِنْ كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بي اِلَيهِ عَظيمَةٍ وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ، وَهُوَ عِنْدي كَثيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ، فَامْنُنْ عَلَيَّ بِهِ، اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

نوع دوم: دعاهای مخصوصهٔ هر روز است

علّامهٔ مجلسی‌رحمه‌الله در *زاد المعاد* گفته که از ابن عبّاس روایت کرده‌اند که: حضرت رسول‌صلى‌الله‌عليه‌وآله فضیلت بسیار از برای روزهٔ هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرموده، و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعاها ذکر کرده، و ما به اصل دعاها اکتفا نمایيم.

دعای روز اوّل

اللّهُمَّ اجْعَلْ صِيامي فيهِ صِيامَ الصّائِمينَ، وَقِيامي فيهِ قِيامَ الْقائِمينَ، وَنَبِّهْني فيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغافِلينَ، وَهَبْ لي جُرْمي فيهِ يا إِلٰهَ الْعالَمينَ، وَاعْفُ عَنّي يا عافِياً عَنِ الْمُجْرِمينَ.

دعای روز دوّم

اللّهُمَّ قَرِّبْني فيهِ إِلىٰ مَرْضاتِكَ، وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِماتِكَ، وَوَفِّقْني فيهِ لِقِراءَةِ آياتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

دعای روز سوّم

اللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبيهَ، وَباعِدْني فيهِ مِنَ السَّفاهَةِ وَالتَّمْويهِ، وَاجْعَلْ لي نَصيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فيهِ، بِجُودِكَ يا أَجْوَدَ الْأَجْوَدينَ.

دعای روز چهارم

اللّهُمَّ قَوِّني فيهِ عَلىٰ إِقامَةِ أَمْرِكَ، وَأَذِقْني فيهِ حَلاوَةَ ذِكْرِكَ، وَأَوْزِعْني فيهِ لِأَداءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ، وَاحْفَظْني فيهِ بِحِفْظِكَ وَسَتْرِكَ، يا أَبْصَرَ النّاظِرينَ.

دعای روز پنجم

اللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ، وَاجْعَلْني فيهِ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحينَ الْقانِتينَ، وَاجْعَلْني فيهِ مِنْ أَوْليائِكَ الْمُقَرَّبينَ، بِرَأْفَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

دعای روز ششم

اللّهُمَّ لا تَخْذُلْني فيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ، وَلا تَضْرِبْني بِسِياطِ نَقِمَتِكَ،

وَزَحْزِحْني فيهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ، بِمَنِّكَ وَاَيادِيكَ يا مُنْتَهىٰ رَغْبَةِ الرّاغِبينَ.

دعای روز هفتم

اَللّٰهُمَّ اَعِنّي عَلىٰ صِيامِهِ وَقِيامِهِ، وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ، وَارْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ، بِتَوْفيقِكَ يا هادِيَ الْمُضِلّينَ.

دعای روز هشتم

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتامِ، وَاِطْعامَ الطَّعامِ، وَاِفْشاءَ السَّلامِ، وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ، وَصُحْبَةَ الْكِرامِ، بِطَوْلِكَ يا مَلْجَأَ الْآمِلينَ.

دعای روز نهم

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ، وَاهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ، وَخُذْ بِناصِيَتي اِلىٰ مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يا اَمَلَ الْمُشْتاقينَ.

دعای روز دهم

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ، وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ الْفائِزينَ لَدَيْكَ، وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُقَرَّبينَ اِلَيْكَ، بِاِحْسانِكَ يا غايَةَ الطّالِبينَ.

دعای روز یازدهم

اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فيهِ الْاِحْسانَ، وَكَرِّهْ اِلَيَّ فيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ، وَحَرِّمْ عَلَيَّ فيهِ السَّخَطَ وَالنّيرانَ، بِعَوْنِكَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ.

دعای روز دوازدهم

اَللّٰهُمَّ زَيِّنّي فيهِ بِالسِّتْرِ وَالْعَفافِ، وَاسْتُرْني فيهِ بِلِباسِ الصَّبْرِ وَالْقُنُوعِ وَالْكَفافِ، وَاحْمِلْني فيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْاِنْصافِ، وَآمِنّي فيهِ مِنْ كُلِّ ما

اَحْذَرُ وَاَخافُ، بِعِصْمَتِكَ يا عِصْمَةَ الْخائِفينَ.

دعای روز سیزدهم

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْني فيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذارِ، وَصَبِّرْني فيهِ عَلىٰ كائِناتِ الْاَقْدارِ، وَوَفِّقْني فيهِ لِلتُّقىٰ وَصُحْبَةِ الْاَبْرارِ، بِعَوْنِكَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَساكينِ.

دعای روز چهاردهم

اَللّٰهُمَّ لا تُؤاخِذْني فيهِ بِالْعَثَراتِ، وَاَقِلْني فيهِ مِنَ الْخَطايا وَالْهَفَواتِ، وَلا تَجْعَلْني فيهِ غَرَضاً لِلْبَلايا وَالْآفاتِ، بِعِزَّتِكَ يا عِزَّ الْمُسْلِمينَ.

دعای روز پانزدهم

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ طاعَةَ الْخاشِعينَ، وَاشْرَحْ فيهِ صَدْري بِاِنابَةِ الْمُخْبِتينَ، بِاَمانِكَ يا اَمانَ الْخائِفينَ.

دعای روز شانزدهم

اَللّٰهُمَّ وَفِّقْني فيهِ لِمُوافَقَةِ الْاَبْرارِ، وَجَنِّبْني فيهِ مُرافَقَةَ الْاَشْرارِ، وَآوِني فيهِ بِرَحْمَتِكَ دارَ الْقَرارِ، بِاِلٰهِيَّتِكَ يا اِلٰهَ الْعالَمينَ.

دعای روز هفدهم

اَللّٰهُمَّ اهْدِني فيهِ لِصالِحِ الْاَعْمالِ، وَاقْضِ لي فيهِ الْحَوائِجَ وَالْآمالَ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ اِلَى التَّفْسيرِ وَالسُّؤالِ، يا عالِماً بِما في صُدُورِ الْعالَمينَ.

دعای روز هجدهم

اَللّٰهُمَّ نَبِّهْني فيهِ لِبَرَكاتِ اَسْحارِهِ، وَنَوِّرْ فيهِ قَلْبي بِضِياءِ اَنْوارِهِ، وَخُذْ بِكُلِّ اَعْضائي اِلَى اتِّباعِ آثارِهِ، بِنُورِكَ يا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعارِفينَ.

دعای روز نوزدهم

اللّهُمَّ وَفِّرْ فيهِ حَظّي مِنْ بَرَكاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبيلي اِلىٰ خَيْراتِهِ، وَلا تَحْرِمْني قَبُولَ حَسَناتِهِ، يا هادِياً اِلَى الْحَقِّ الْمُبينِ.

دعای روز بیستم

اللّهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ اَبْوابَ الْجِنانِ، وَاَغْلِقْ عَنّي اَبْوابَ النّيرانِ، وَوَفِّقْني فيهِ لِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ، يامُنْزِلَ السَّكينَةِ في قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ.

دعای روز بیست و یکم

اللّهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ اِلىٰ مَرْضاتِكَ دَليلاً، وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ عَلَيَّ سَبيلاً، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لي مَنْزِلاً وَمَقيلاً، يا قاضِيَ حَوائِجِ الطّالِبينَ.

دعای روز بیست و دوم

اللّهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ اَبْوابَ فَضْلِكَ، وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فيهِ بَرَكاتِكَ، وَوَفِّقْني لِمُوجِباتِ مَرْضاتِكَ، وَاَسْكِنّي فيهِ بُحْبُوحاتِ جَنّاتِكَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ.

دعای روز بیست و سوم

اللّهُمَّ اغْسِلْني فيهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَطَهِّرْني فيهِ مِنَ الْعُيُوبِ، وَامْتَحِنْ قَلْبي فيهِ لِتَقْوَى الْقُلُوبِ، يا مُقيلَ عَثَراتِ الْمُذْنِبينَ.

دعای روز بیست و چهارم

اللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ فيهِ ما يُرْضيكَ، وَاَعُوذُ بِكَ فيهِ مِمّا يُؤْذيكَ، وَاَسْأَلُكَ التَّوْفيقَ فيهِ لِاَنْ اُطيعَكَ وَلا اَعْصيكَ، يا جَوادَ السّائِلينَ.

دعای روز بیست و پنجم

اللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مُحِبّاً لِأَوْليائِكَ، وَمُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ أَنْبِيائِكَ، ياعاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيّينَ.

دعای روز بیست و ششم

اللّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيي فيهِ مَشْكُوراً، وَذَنْبي فيهِ مَغْفُوراً، وَعَمَلي فيهِ مَقْبُولاً، وَعَيْبي فيهِ مَسْتُوراً، وَأَغْنِني فيهِ بِجُودِكَ، يا أَسْمَعَ السّامِعينَ.

دعای روز بیست و هفتم

اللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَصَيِّرْ أُمُوري فيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ، وَاقْبَلْ مَعاذيري وَحُطَّ عَنّي الْوِزْرَ، يا رَؤُوفاً بِعِبادِهِ الصّالِحينَ.

دعای روز بیست و هشتم

اللّهُمَّ وَفِّرْ حَظّي فيهِ مِنَ النَّوافِلِ، وَأَكْرِمْني فيهِ بِإِحْضارِ الْمَسائِلِ، وَقَرِّبْ فيهِ وَسيلَتي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسائِلِ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّينَ.

دعای روز بیست و نهم

اللّهُمَّ غَشِّني فيهِ بِالرَّحْمَةِ، وَارْزُقْني فيهِ التَّوْفيقَ وَالْعِصْمَةَ، وَطَهِّرْ قَلْبي مِنْ غَياهِبِ التُّهْمَةِ، يا رَحيماً بِعِبادِهِ الْمُؤْمِنينَ.

دعای روز سی‌ام

اللّهُمَّ اجْعَلْ صِيامي فيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلىٰ ما تَرْضاهُ وَيَرْضاهُ الرَّسُولُ، مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ، بِحَقِّ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

مؤلّف گوید که: در تقدیم و تأخیر دعاها و عبارات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده‌اند و چون روایتش را معتبر نمی‌دانم متعرّض ذکر آن‌ها نشدم؛ و دعای بیست و هفتم را کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده است، و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سوّم خواندن دور نیست که آن انسب باشد. تمام شد کلام علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله.

مقام دوّم: در اعمال مخصوصهٔ شب و روز اوّل است تا شب نوزدهم

سنّت است در وقت دخول ماه مبارک رمضان، طلب هلال نمودن و بعضی واجب دانسته‌اند، و از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت شده چنانچه در *هدایهٔ* شیخ صدوق است که: «چون هلال شهر رمضان را دیدی اشاره به هلال مکن بلکه رو به قبله کن و دست‌ها را به سوی آسمان بلند کن و خطاب با هلال کن و بگو:

رَبّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ. اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ وَالْإيمانِ. وَالسَّلامَةِ وَالْإِسْلامِ. وَالْمُسارَعَةِ إِلىٰ ما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ. اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا في شَهْرِنا هٰذا. وَارْزُقْنا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ. وَاصْرِفْ عَنّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلاءَهُ وَفِتْنَتَهُ».

و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس روایت کرده‌اند از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام و آن حضرت از پدر و جدّ خود حضرت باقر علیه‌السلام که فرمود: «با پدرم حضرت زین العابدین علیه‌السلام در راهی می‌گذشتیم که ناگاه پدرم نظرش به هلال ماه رمضان افتاد پس ایستاد و گفت: أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطيعُ الدّائِبُ...» تا آخر دعا که در *صحیفهٔ سجّادیّه* مذکور است و بهترین دعاهای هلال است.

و در شب اوّل، جماع با حلالِ خود سنّت است، و غسل شب اوّل نیز سنّت است، و مستحبّ است که در شب اوّل ماه رمضان در نهر جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد، و زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام مستحب است چنانچه سابقاً گذشت.

و نیز مستحب است در این شب و سایر شب‌های ماه رمضان خواندن سورهٔ «إنّا فتحنا» در نماز نافله؛ و نیز سنّت است در این شب بجا آوردن دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از «حمد» بخواند سورهٔ «انعام» و سؤال کند که حق تعالی از او کفایت شرور بکند، و در این شب باید ابتدا کرد به نوافل لیلیّهٔ ماه رمضان و آن هزار رکعت است به ترتیبی که در مقام اوّل [صفحه ۵۰۴] به شرح رفت. و اگر در شب اوّل ماه نیّت روزهٔ تمام ماه را بکند و باز هر شب نیّت بکند بهتر است.

و در روز اوّل ماه رمضان مستحب است چند امر:

اوّل: غسل کردن در آب جاری و ریختن سی کف آب بر سر، که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماری‌ها است در تمام سال.

دوّم: آن که کفی از گلاب به رو بزنند.

سوّم: بجا آوردن دو رکعت نماز اوّل ماه و تصدّق کردن بعد از آن است و این نماز در اوّل هر ماه خوانده می‌شود و کیفیّت آن در باب دوازدهم [صفحه ۶۰۰] خواهد آمد إن شاء اللّٰه تعالی.

چهارم: خواندن دو رکعت نماز در رکعت اوّل بعد از «حمد» سورهٔ «إنّا فتحنا» و در رکعت دوّم هر سوره که خواهد.

دعای روز اوّل ماه مبارک

پنجم: خواندن دعایی که شیخ مفید در کتاب مقنعه ذکر نموده و سیّد ابن طاووس آن را از آن کتاب در *اقبال* ایراد نموده به این کیفیّت که: چون طالع شود فجر روز اوّل ماه رمضان این دعا را بخوان: **اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا صِيامَهُ ◆ وَاَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ ◆ اَللّٰهُمَّ اَعِنّا عَلىٰ صِيامِهِ ◆ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا ◆ وَتَسَلَّمْهُ مِنّا ◆ وَسَلِّمْهُ لَنا في يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ ◆ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.**

ششم: خواندن این دعا که حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده:

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ ◆ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ ◆ اَللّٰهُمَّ فَبارِكْ لَنا في شَهْرِ رَمَضانَ ◆ وَاَعِنّا عَلىٰ صِيامِهِ وَصَلَواتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا.

هفتم: خواندن این دعای شریف اگر در شب نخوانده باشی: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِحَمْدِهِ**... تا آخر دعا که دعای چهل و چهارم صحیفهٔ سجّادیّه است؛ و غیر این دعا از دعاهای دیگر که ذکرش منافات با اختصار دارد.

روز سوّم این ماه: در روایتی وارد شده که انجیل در آن روز بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد، و به روایت دیگر در ششم و در روایت دیگر در دوازدهم.

روز ششم: شیخ مفید در مسارّ الشیعه نقل کرده که در این روز مأمون ملعون با حضرت امام رضاعليه‌السلام بیعت کرد و روز شریفی است و صدقه دادن، و شکر الهی بجا آوردن بسیار مناسب است.

و سیّد ابن طاووس فرموده که روایت شده از برای این روز دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از «حمد» بیست و پنج مرتبه سورهٔ «توحید» به جهت شکر نعمت ظاهر شدن حقوق مولای ما حضرت امام رضاعليه‌السلام.

روز دهم: شیخ مفید نقل کرده که وفات امّ المؤمنین حضرت خدیجهعليها‌السلام واقع شده.

و از برای شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم نمازی از حضرت صادقعليه‌السلام مروی است که ما آن را در فصل اعمال رجب [صفحه ۴۷۹] ذکر نمودیم، از فواید آن محروم نباید شد.

و شب پانزدهم از لیالی متبرّکه است، غسل و زیارت امام حسینعليه‌السلام در آن مستحبّ است، و مستحب است در این شب بجا آوردن صد رکعت نماز و در هر رکعت بعد از «حمد» ده مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه احد» و از برای آن فضیلت بسیار نقل شده؛ و کسی که در این شب نزد قبر امام حسینعليه‌السلام باشد مستحبّ است که بعد از نماز عشا ده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از «حمد» ده مرتبه سورهٔ «توحید» بخواند و از خدا پناه جوید از آتش جهنّم.

روز پانزدهم تولّد با سعادت حضرت امام حسن مجتبیعليه‌السلام [واقع] شده، و شیخ مفید نقل کرده که تولّد حضرت امام محمّد تقیعليه‌السلام نیز در این روز شده؛ به هر حال روز بسیار شریفی است و صدقات و مبرّات در آن فضیلت بسیار دارد.

شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکی است، و مستحبّ است غسل در آن شب، و آن شبی است که لشکر حضرت رسولصلى‌الله‌عليه‌وآله در آن شب با لشکر کفّار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر واقع شد و حق تعالی لشکران حضرت را بر آن مشرکین غلبه و ظفر داد و آن اعظم فتوحات بود.

و روز هجدهم زبور بر حضرت داودعليه‌السلام نازل شد.

مقام سوّم: در بیان اعمال شب‌های قدر است

یعنی شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سوّم که به اجماع علمای شیعه شب قدر در یکی از این سه شب است؛ و شب قدر را فضیلت بسیار است و شبی بهتر از آن نیست و عمل در آن بهتر است از عمل کردن در هزار ماه، و در شب قدر تقدیر امورات سال می‌شود، و ملائکه و روح که اعظم ملائکه است در آن شب به اذن پروردگارشان به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امامعليه‌السلام مشرّف می‌شوند و آن چه برای هر کس مقدّر شده است بر امامعليه‌السلام عرض می‌کنند و از

برای مخفی بودن آن شب حکمت‌های بسیار، و فواید عبادت کردن در آن شب بی‌شمار است.

و اعمال این سه شب بر دو نوع است: یکی آن‌که در هر سه شب باید کرد و دیگر آن‌که مخصوص است به هر شبی.

اعمال مشترکهٔ شب‌های قدر

امّا اوّل: از حضرت رسول ﷺ منقول است که هرکه در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی بعد از «حمد» هفت مرتبه «قل هو اللّه احد» بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفار بکند یعنی بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ از جای خود بر نخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد، و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده، و ملکی چند بفرستد به سوی بهشت که درخت‌ها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری کنند، و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید.

و غسل در این سه شب سنّت مؤکّد است، و غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل کند.

و سیّد ابن طاووس از حضرت امام باقر ﷺ روایت کرده که فرمود که: در این سه شب قرآن مجید را به دست بگیر و بگشا و بگذار آن را در مقابل خود و بگو: **اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فيهِ، وَفيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْماؤُكَ الْحُسْنىٰ وَما يُخافُ وَيُرْجىٰ، أَنْ تَجْعَلَني مِنْ عُتَقائِكَ مِنَ النّارِ.** پس بطلب آن‌چه حاجت داری.

و نیز از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که فرمود: مصحف شریف را بگیر و بر سر گذار و بگو:

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فيهِ، وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلا أَحَدَ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ.

پس بگو ده مرتبه: «**بِكَ يا اَللّٰهُ**» و ده مرتبه: «**بِمُحَمَّدٍ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِعَلِيٍّ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِفاطِمَةَ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِالْحَسَنِ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِالْحُسَيْنِ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ** ﷺ» و ده مرتبه: «**بِعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ** ﷺ» و ده

مرتبه: «بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ» و ده مرتبه: «بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ» و ده مرتبه: «بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ» و ده مرتبه: «بِالْحُجَّةِ» پس حاجت خود را از حق تعالی بخواه».

و زیارت امام حسین در هر یک از این سه شب سنّت است، و کیفیّت و فضیلت زیارت آن حضرت در این شب‌ها در سابق [در صفحه ۱۵۲] گذشت.

و سنّت است در هر یک از این سه شب، صد رکعت نماز، و احادیث در کیفیّت و فضیلت این صد رکعت نماز در این سه شب به بخصوص در شب بیست و یکم و شب بیست و سوّم بسیار وارد شده و این صد رکعت نماز غیر از نافلهٔ شب است.

و بهترین اعمال در این شب‌ها طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مردهٔ ایشان است و اذکار و صلوات بر محمّد و آل محمّد آن چه مقدور شود.

و خواندن دعای جوشن کبیر که از دعاهای معتبره است در این سه شب نیک است.

اعمال مخصوصهٔ شب‌های قدر

و امّا نوع دوّم: پس اعمال مخصوصهٔ شب نوزدهم آن است که صد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و صد مرتبه: «اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ» و بخواند دعای: يا ذَا الَّذِي كانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ... الخ که در مقام اوّل [صفحه ۵۲۶] مذکور شد؛ و نیز بخواند:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيما تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَفِيما تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضاءِ الَّذِي لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فِيما تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَتَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا. بجای «وتفعل بی کذا» حاجت خود را بخواه.

و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب نوزدهم است و غسل و اعمال سابقه همه را باید به عمل آورد. و بدان که در این شب حضرت رسول ﷺ به معراج رفت، و حضرت عیسی ﷺ در این شب به آسمان بالا برده شد، و در این شب حضرت موسی ﷺ و حضرت یوشع‌بن نون وصیّ آن حضرت از دنیا رحلت فرمودند. و در این شب واقع شد شهادت مولای ما امیر المؤمنین ﷺ؛ و در روز این شب زیارت آن حضرت مناسب است، و کلمات حضرت خضر در روز شهادت آن حضرت که به منزلهٔ زیارت آن حضرت است در باب زیارت آن حضرت مذکور شد.

و در این دهه اعتکاف در مساجد جامعه سنّت است، و بهترین اوقات اعتکاف است، و در روایت دعائم الاسلام است که حضرت رسول ﷺ فرمودند که: «اعتکاف در دههٔ آخر ماه رمضان مقابل دو حجّه و دو عمره است». و غسل و احیا و صد رکعت نماز در این شب ترک نشود، و از این شب شروع می‌شود به دعاهای شب‌های دههٔ آخر که بعد از این اشاره خواهیم کرد به او إن شاء اللّٰه تعالی.

و شب بیست و سوّم: از دو شب سابق افضل است، و از احادیث بسیار مستفاد می‌شود که شب قدر همین شب است و از *خصال* شیخ صدوق نقل شده که فرموده: اتّفاق مشایخ ما در باب لیلة القدر به این شب شده، و بدان که در این شب دو غسل سنّت است: یکی در اوّل شب و دیگری در آخر شب.

و از حضرت صادق ﷺ روایت شده که «شب بیست و سوّم شب جهنی[1] است، و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدّر می‌گردد، و در آن شب مقدّر می‌گردد مرگ‌ها و بلاها و اجل‌ها و روزی‌ها و قضاها و آن چه در آن سال واقع می‌شود تا شب قدر آینده، پس خوشا حال بنده‌ای که احیا کند آن شب را و بیدار باشد به عبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیده‌های خود [مجسّم و] متمثّل گرداند و بر آن‌ها بگرید، چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد إن شاء اللّٰه...» الخ.

و خواندن سورهٔ «عنکبوت» و «روم» در این شب فضیلت بسیار دارد، و حضرت صادق ﷺ

---

۱. در تاریخ آمده است که یکی از صحابهٔ حضرت رسول ﷺ که در بیرون مدینه به کار چوپانی مشغول است خدمت ایشان آمد و پرسید که در چه شب‌هایی به مدینه بیایم تا شب قدر را درک کنم؟ حضرت برای او شب‌های نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم را بر شمرد، ولی او اعلام کرد که نمی‌تواند هر سه شب را به مدینه بیاید. بار دیگر پیامبر ﷺ دو شب بیست و یکم و بیست و سوم را بر شمرد ولی آن شخص که جهنی نام دارد گفت که نمی‌تواند هر دو شب به مدینه بیاید. پیامبر ﷺ به او گفت که فقط شب بیست و سوم را به مدینه بیاید.
از آن پس مردم مدینه با دیدن جهنی در شب بیست و سوم، می‌دانستند که این شب بیش از هر شب دیگری احتمال دارد که شب قدر باشد.

بدون تعلیق بر مشیّت قسم یاد فرموده که: «خوانندهٔ این دو سوره از اهل بهشت است» و خواندن سورهٔ مبارکهٔ «قدر» هزار مرتبه در این شب مستحبّ است، و خواندن سورهٔ «حٰمٓ دخان» نیز مستحب است، و در خصوص زیارت امام حسین علیه السلام در این شب فضیلت بسیار ذکر شده، و احیای این شب و خواندن صد رکعت نماز بسیار فضیلت دارد.

دعا برای وجود مقدّس امام زمان علیه السلام در تمام اوقات

و مستحب است در این شب بلکه در تمام اوقات مکرّر کردن این دعا که برای وجود مقدّس امام عصر علیه السلام وارد شده در کتب بسیار معتبره: **اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّكَ** فلان بن فلان[1] **فِي هٰذِهِ السّاعَةِ وَفِي کُلِّ ساعَةٍ مِنْ ساعاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، وَلِیّاً وَحافِظاً، وَقائِداً وَناصِراً، وَدَلیلاً وَعَیْناً، حَتّیٰ تُسْکِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً.**

دعای شب بیست و سوّم

و سیّد ابن طاووس رحمه الله این دعا را از برای این شب نقل کرده:

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لي في عُمْري، وَاَوْسِعْ لي في رِزْقي، وَبَلِّغْني اَمَلي، وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیاءِ فَامْحُني مِنَ الْاَشْقِیاءِ وَاکْتُبْني مِنَ السُّعَداءِ، فَاِنَّكَ قُلْتَ في کِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلیٰ نَبِیِّكَ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ «یَمْحُو اللّٰهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتابِ».

علامهٔ مجلسی فرموده که: هر مقدار قرآن که ممکن باشد در این شب بخوانند و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخوانند، خصوصاً دعای مکارم الأخلاق و دعای توبه و روزهای این شب‌ها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سر آورد؛ زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت، مثل شب قدر است، انتهی.

---

۱. به جای فلان بن فلان نام مبارک حضرت حجّة علیه السلام و پدر بزرگوار آن‌حضرت را ببرد، حُجَّةِ بن الحسن علیه السلام (منه رحمه الله).

مقام چهارم: در بیان دعاهای شب‌های دهۀ آخر و سایر اعمال این دهه تا آخر ماه

بدان که دعاهای این دهه بر دو قسم است:

قسم اوّل: دعاهایی است که در هر شب مکرّر می‌شود، چنانچه سیّد ابن طاووس‌ رحمه‌الله در *اقبال* از مرازم روایت کرده که حضرت صادق علیه‌السلام در هر شب از شب‌های دهۀ آخر ماه رمضان این دعا می‌خواندند: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي اُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ» فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ بِما اَنْزَلْتَ فيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، وَخَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَها خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ.

اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ، وَلَياليهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ، وَقَدْ صِرْتُ يا اِلٰهي مِنْهُ اِلىٰ ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّي وَاَحْصىٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعينَ، فَاَسْاَلُكَ بِما سَاَلَكَ بِهِ مَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِياؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبادُكَ الصّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَفُكَّ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَاَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَكَرَمِكَ، وَتَقَبَّلَ تَقَرُّبي، وَتَسْتَجيبَ دُعائي، وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْاَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ، اِلٰهي وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَبِجَلالِكَ الْعَظيمِ اَنْ تَنْقَضِيَ اَيّامُ شَهْرِ رَمَضانَ وَلَياليهِ وَلَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُؤاخِذُني بِهِ، اَوْ خَطيئَةٌ تُريدُ اَنْ تَقْتَصَّها مِنّي لَمْ تَغْفِرْها لي، سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي، اَسْاَلُكَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضيتَ عَنّي في هٰذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ عَنّي رِضاً، وَاِنْ لَمْ تَكُنْ رَضيتَ عَنّي فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنّي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا اَللّٰهُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ.

وبسیار می‌گویی: يا مُلَيِّنَ الْحَديدِ لِداوُدَ عَلَيْهِ السَّلامُ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظامِ عَنْ اَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلامُ، اَيْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ

السَّلامُ • اَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلامُ • صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَنْتَ اَهْلُهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ • وَافْعَلْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بي ما اَنَا اَهْلُهُ.

و در روایت دیگر از ابن ابی عمیر منقول است که حضرت صادق عليه السلام فرمود که: «می‌گویی در هر شب از دهۀ آخر ماه رمضان:

اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَريمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنّي شَهْرُ رَمَضانَ اَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتي هٰذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُني عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقاكَ».

قسم دوّم: دعاهای مخصوصهٔ[1] هر شب است که در کتب معتبره روایت شده، و مشتمل است بر مطالب دنیا و آخرت.

دعای شب بیست و یکم، شب اوّل از این دهه:

يا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهارِ وَيا مُولِجَ النَّهارِ فِي اللَّيْلِ • وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ • يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ • يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ • يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ • يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ • يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ • يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ • لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ • وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا • وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ • اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ[2] • وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ • وَاِحْساني في عِلِّيّينَ • وَاِساءَتي مَغْفُورَةً • وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي • وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي • وَتُرْضِيَني[3] بِما قَسَمْتَ

---

۱. بدان که این دعاها مطابق نسخهٔ زاد المعاد علّامهٔ مجلسی است و امّا در *اقبال* سیّد ابن طاووس دعاها مبسوط‌تر است از این نسخه. طالبین به آن رجوع نمایند. (منه رحمه الله).

۲. وعلى أهل بَيْتِهِ خ ل. و در دعای شب بیست و دوّم همین کلمه را می‌گویی و در ما بقی شب‌ها «و آل محمد» می‌گویی. (منه رحمه الله).

۳. و در دعای شب بیست و چهارم و بیست و پنجم «وَرِضاً بِما قَسَمْتَ لي» می‌گویی. (منه رحمه الله).

لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ • وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و دوم

يا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ • وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها بِتَقْديرِكَ ياعَزيزُ يا عَليمُ • وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّىٰ عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَديمِ • يا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ • يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ • يا اَللّٰهُ يا قُدُّوسُ • يا أَحَدُ يا واحِدُ يا فَرْدُ • يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ • لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ • وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا • وَالْكِبْرِياءُ وَالآلاءُ • أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ [وَ عَلىٰ أهل بيته] • وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ • وَإِحْساني في عِلِّيّينَ • وَإِساءَتي مَغْفُورَةً • وَأَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي • وَإِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي • وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ • وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و سوم

يا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجاعِلَها خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ • وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ • وَالْجِبالِ وَالْبِحارِ • وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوارِ • وَالْأَرْضِ وَالسَّماءِ • يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ • يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ • يا اَللّٰهُ يا قَيُّومُ • يا اَللّٰهُ يا بَديعُ •

يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ. لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا. وَالْكِبْرِياءِ وَالْآلاءُ. أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ. وَاِحْساني في عِلِّيّينَ. وَاِساءَتي مَغْفُورَةً. وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي. وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي. وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ. وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و چهارم

يا فالِقَ الْاِصْباحِ وَجاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً. وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْباناً. يا عَزيزُ يا عَليمُ. ياذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ. وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ وَالْجَلالِ وَالْاِكْرامِ. يا اَللّهُ يا رَحْمٰنُ. يا اَللّهُ يا فَرْدُ يا وَتْرُ. يا اَللّهُ يا ظاهِرُ ياباطِنُ. يا حَيُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا. وَالْكِبْرِياءِ وَالْآلاءُ. أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ. وَاِحْساني في عِلِّيّينَ. وَاِساءَتي مَغْفُورَةً. وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي. وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي. [وَ رِضاً] بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ. وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و پنجم

يـا جـاعِلَ اللَّيْلِ لِباساً، وَالنَّهارِ مَعاشاً، وَالْاَرْضِ مِهاداً، وَالْجِبالِ اَوْتاداً يا اَللّهُ يا قاهِرُ، يا اَللّهُ يا جَبّارُ، يا اَللّهُ يا سَميعُ، يا اَللّهُ يا قَريبُ، يا اَللّهُ يا مُجيبُ، يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ، لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ، وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ، أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ، وَاِحْساني في عِلِّيّينَ، وَاِساءَتي مَغْفُورَةً، وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي، وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي، [وَ رِضاً] بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ، وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و ششم

يا جاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ آيَتَيْنِ، يا مَنْ مَحا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَرِضْواناً، يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصيلاً، يا اَللّهُ يا ماجِدُ، يا اَللّهُ يا اَللّهُ، يا اَللّهُ يا اَحَدُ، يا اَللّهُ يا وَهّابُ، يا اَللّهُ يا جَوادُ، يا اَللّهُ يا اَللّهُ، لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ، وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا، وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ، أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ، وَاِحْساني في عِلِّيّينَ، وَاِساءَتي مَغْفُورَةً، وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي، وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي، وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ، وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و هفتم

يا مادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ ساكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ اِلَيْكَ قَبْضاً يَسيراً. يا ذَا الْجُودِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِياءِ وَالْآلاءِ. لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ. لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يا قُدُّوسُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا عَزيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ. يا اَللّٰهُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ. يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ. لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا. وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ. أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ. وَاِحْساني في عِلِّيّينَ. وَاِساءَتي مَغْفُورَةً. وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي. وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي. وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ. وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شب بیست و هشتم

يا خازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَواءِ. وَخازِنَ النُّورِ فِي السَّماءِ. وَمانِعَ السَّماءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ وَحابِسَهُما اَنْ تَزُولا. يا عَليمُ يا غَفُورُ. يا دائِمُ يا اَللّٰهُ. يا وارِثُ يا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ. يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ. لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ. وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا. وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ. أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ • وَاِحْساني في عِلِّيّينَ • وَاِساءَتي مَغْفُورَةً • وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي • وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي • وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ • وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ

دعای شب بیست و نهم

يا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهارِ وَمُكَوِّرَ النَّهارِ عَلَى اللَّيْلِ • يا عَليمُ يا حَكيمُ • يا رَبَّ الْاَرْبابِ وَسَيِّدَ السّاداتِ • لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ • يا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ • يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ • لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ • وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا • وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ • أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ • وَاِحْساني في عِلِّيّينَ • وَاِساءَتي مَغْفُورَةً • وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي • وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي • وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ • وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ

دعای شب آخر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لا شَريكَ لَهُ • اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ • يا قُدُّوسُ يا نُورُ • يا نُورُ يا نُورُ • يا نُورَ الْقُدْسِ •

يا سُبُّوحُ يا مُنْتَهَىٰ التَّسْبيحِ. يا رَحْمٰنُ يا فاعِلَ الرَّحْمَةِ. يا اَللّٰهُ يا عَليمُ يا كَبيرُ. يا اَللّٰهُ يا لَطيفُ يا جَليلُ. يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ. يا سَميعُ يا بَصيرُ. يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ. لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ. وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا. وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ. أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ. وَاِحْساني في عِلِّيّينَ. وَاِساءَتي مَغْفُورَةً. وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي. وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي. وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ. وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

و امّا سایر اعمال دههٔ آخر ماه رمضان

پس دانستی که در شب‌های دههٔ آخر غسل سنّت است. و در شب بیست و چهارم و بیست و پنجم نیز بالخصوص غسل وارد شده، و احادیث معتبره در استحباب غسل شب بیست و پنجم وارد شده، و از دعوات راوندی منقول است که خدای عزّوجلّ دفع می‌کند در این شب بدی‌ها و گناهان و همه انواع بلا را از روزه‌داران ماه رمضان پس عطا می‌کند حق تعالی به ایشان نوری در گوش‌ها و دیده‌های ایشان.

دعای شب بیست و هفتم

و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است، و منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در این شب مکرّر این دعا را می‌خواندند از اوّل شب تا آخر شب:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجافِيَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ. وَالْاِنابَةَ اِلىٰ دارِ الْخُلُودِ. وَالْاِسْتِعْدادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ.

و در شب بیست و نهم نیز بخصوص غسل وارد شده است، و همچنین در شب آخر، غسل و زیارت امام حسین علیه السلام سنّت است.

دعای وداع شب آخر ماه مبارک

و وداع ماه رمضان سنّت مؤکّد است برای اظهار آن که روزه و عبادات این ماه مبارک بر ما دشوار و گران نبود، ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم؛ و دعاهای وداع را در شب آخر خواندن سنّت است، و اگر روز آخر بخوانند خوب است، و اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطاً بخوانند. و دعای وداع بسیار است و بهترین آن ها دعای وداع *صحیفهٔ کامله* است و سیّد ابن طاووس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «هرکه شب آخر ماه رمضان، وداع کند آن ماه شریف را و بگوید: **اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيامي لِشَهْرِ رَمَضانَ، وَاَعُوذُ بِكَ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اِلّا وَقَدْ غَفَرْتَ لي**؛ بیامرزد حق تعالی او را پیش از آن که صبح کند، و روزی فرماید او را توبه و انابه».

دعای وداع دیگر

و نیز سیّد فرموده که این وداع را در نسخهٔ عتیقه به خطّ سیّد رضی رحمه الله یافتم:

اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِاَحَبِّ ما دُعيتَ بِهِ وَاَرْضىٰ ما رَضيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَلا تَجْعَلَ وَداعَ شَهْري هٰذا وَداعَ خُرُوجي مِنَ الدُّنْيا، وَلا وَداعَ آخِرِ عِبادَتِكَ، وَوَفِّقْني فيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْها لي خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ، مَعَ تَضاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ.

دعای وداع در جمعه آخر

و سیّد ابن طاووس از برای شب آخر ده رکعت نماز نقل کرده به کیفیّتی که در *اقبال* مذکور است، و در جمعهٔ آخر ماه رمضان وداع جمعه‌ها بد نیست. شیخ صدوق و سیّد ابن طاووس روایت کرده‌اند از جابر بن عبد الله انصاری که گفت: رفتم به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جمعه آخر ماه

رمضان چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود که: «ای جابر این آخر جمعه‌ای است از ماه رمضان، پس آن را وداع کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيامِنا اِيّاهُ، فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْني مَرْحُوماً وَلا تَجْعَلْني مَحْرُوماً.

پس به درستی که هرکه این دعا را در این روز بخواند به یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد، یا به رسیدن به ماه رمضان آینده یا به آمرزش خدا و رحمت بی‌انتها».

و شیخ مفید فرموده در کتاب *مسارّ الشیعه* که در شب آخر ماه رمضان ختم می‌شود نوافل ماه رمضان یعنی آن هزار رکعت، به ترتیبی که سابقاً [در صفحه ۵۰۴] به شرح رفت، و مستحب است در آن شب ختم کردن قرآن و خوانده می‌شود در آن شب دعای وداع و آن شب شبِ بسیار با برکتی است.

مؤلّف گوید که: سزاوار است از برای کسی که قرآن ختم کند آن که بخواند دعای حضرت علیّ بن الحسین ؑ را که اوّل آن دعا این است: **اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعَنْتَني علی خَتْمِ كِتابِكَ..** تا آخر دعا که در *صحیفهٔ کامله* است و دعای چهل و دوّم آن است.

دعای بعد از ختم قرآن

و اگر خواستی بخوان این دعای مختصر را که شیخ طوسی در مصباح نقل کرده از حضرت امیر المؤمنین ؑ که آن حضرت این دعا خواند چون قرآن ختم نمود:

اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْري، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَني، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَري، وَاَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِساني، وَاَعِنّي عَلَيْهِ ما اَبْقَيْتَني، فَاِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِكَ.

و سیّد ابن طاووس فرموده که: روایت شده که در شب آخر ماه رمضان بخوانند سورهٔ «انعام» و «کهف» و «یٰس» و صد مرتبه بگویند: **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ**، و از چیزهایی که در شب آخر ماه رمضان سنّت است آزاد کردن بنده‌ها است و معاملهٔ حضرت علیّ بن الحسین ؑ با کنیزان و عبید خود در این شب و آزاد نمودن آن‌ها را از قید رقّیت مشهور است واللّٰه الموفق.



فصل چهارم

در بیان عمل ماه شوّال است

بدان ـ ایّدك اللّه تعالىٰ ـ که از جمله ایّام متبرّکهٔ ماه شوّال روز اوّل ماه است که عید فطر نامیده می‌شود و شبش از جمله لیالی شریفه است، و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده، و روایت شده که آن شب کمتر از شب قدر نیست، و از برای آن شب وظایف چند است که از فیض آن ها غفلت نباید نمود:

اوّل: غسل است در وقت غروب کردن آفتاب.

دوّم: احیای آن شب است به نماز و دعا و سؤال از حق تعالى. چنانچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌کرد، و می‌فرمود: مزد کارگر را در این شب می‌دهند.

تکبیرات در عقب نماز

سوّم: آن که بخواند در عقب نماز مغرب و هم‌چنین عقب نماز عشای آن شب و عقب نماز صبح و عقب نماز عید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ، لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلىٰ ما هَدانا، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلىٰ ما اَوْلانا.

چهارم آن که چون نماز مغرب و نافله آن را خواند دست‌ها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يا ذَا الْجُودِ، يا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ وَناصِرَهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي كُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ في كِتابٍ مُبينٍ. پس به سجده رود و صد مرتبه در سجده بگوید: «اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ» پس هر حاجت که دارد از حق تعالى بخواهد که إن شاء اللّه تعالى بر آورده خواهد شد.

پنجم: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است وفضیلت زیارت آن حضرت و کیفیّت آن در این شب در باب چهارم [صفحه ۱۵۵] مذکور شد به آن جا رجوع شود.

طریق نماز حضرت امیر علیه السلام در شب عید فطر

ششم: بجا آوردن نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است چنانچه سیّد ابن طاووس رحمه الله روایت

کرده از حارث اعور که گفت: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز می‌کرد، و در رکعت اوّل بعد از «حمد» هزار مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه احد» و در رکعت دوّم یک مرتبه می‌خواند پس به رکوع و سجود می‌رفت و بعد از سلام نماز، سر به سجده می‌گذاشت و صد مرتبه می‌گفت «أَتُوبُ إِلَى اللّهِ» پس می‌گفت:

يا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ، ياذَالْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا. یعنی به جای «وافعل بی کذا» حاجات خود را می‌طلبید. پس سر از سجده بر می‌داشت و می‌فرمود: «به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست هرکه این نماز را بکند هر حاجت از حق تعالی بطلبد البتّه عطا کند، و اگر به عدد ریگ‌های بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد» و در روایت دیگر به جای هزار مرتبه «قل هو اللّه» صد مرتبه نیز وارد شده است، و شیخ طوسی و شیخ مفید نیز این نماز هزار مرتبه «توحید» را نقل کرده.

دعای بعد از نماز شب عید

و سیّد ابن طاووس و شیخ طوسی این دعا را از برای بعد از نماز نقل نموده‌اند، و حقیر دعا را از کتاب *اقبال* نقل می‌کنم، و آن دعا این است:

يا اَللّهُ يا اَللّهُ، يا اَللّهُ يا رَحْمٰنُ، يا اَللّهُ يا رَحيمُ، يا اَللّهُ يا مَلِكُ، يا اَللّهُ يا قُدُّوسُ، يا اَللّهُ يا سَلامُ، يا اَللّهُ يا مُؤْمِنُ، يا اَللّهُ يا مُهَيْمِنُ، يا اَللّهُ يا عَزيزُ، يا اَللّهُ يا جَبّارُ، يا اَللّهُ يا مُتَكَبِّرُ، يا اَللّهُ يا خالِقُ، يا اَللّهُ يا بارِئُ، يا اَللّهُ يا مُصَوِّرُ، يا اَللّهُ يا عالِمُ، يا اَللّهُ يا عَظيمُ، يا اَللّهُ يا كَريمُ، يا اَللّهُ يا حَليمُ، يا اَللّهُ يا حَكيمُ، يا اَللّهُ يا سَميعُ، يا اَللّهُ يا بَصيرُ، يا اَللّهُ يا قَريبُ، يا اَللّهُ يا مُجيبُ، يا اَللّهُ يا جَوادُ، يا اَللّهُ يا واجِدُ، يا اَللّهُ يا وَلِيُّ، يا اَللّهُ يا وَفِيُّ، يا اَللّهُ يا مَوْلىٰ، يا اَللّهُ يا قاضي، يا اَللّهُ يا سَريعُ، يا اَللّهُ يا شَديدُ، يا اَللّهُ يا رَؤُوفُ، يا اَللّهُ يا قَريبُ، يا اَللّهُ يا مُجيبُ، يا اَللّهُ يا جَوادُ، يا اَللّهُ يا ماجِدُ، يا اَللّهُ يا عَلِيُّ، يا اَللّهُ يا حَفيظُ، يا اَللّهُ

يا مُحيطُ • يا اَللّهُ يا سَيِّدَ السّاداتِ • يا اَللّهُ يا اَوَّلُ • يا اَللّهُ يا آخِرُ • يا اَللّهُ
يا ظاهِرُ • يا اَللّهُ يا باطِنُ • يا اَللّهُ يا فاخِرُ • يا اَللّهُ يا قاهِرُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ •
يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ
يا وَدُودُ • يا اَللّهُ يا نُورُ • يا اَللّهُ يا دافِعُ • يا اَللّهُ يا مانِعُ • يا اَللّهُ يا فاتِحُ •
يا اَللّهُ يا نَفّاعُ • يا اَللّهُ يا جَليلُ • يا اَللّهُ يا جَميلُ • يا اَللّهُ يا شَهيدُ • يا اَللّهُ
يا شاهِدُ • يا اَللّهُ يا حَبيبُ • يا اَللّهُ يا فاطِرُ • يا اَللّهُ يا مُطَهِّرُ • يا اَللّهُ يا مالِكُ •
يا اَللّهُ يا مُقْتَدِرُ • يا اَللّهُ يا قابِضُ • يا اَللّهُ يا باسِطُ • يا اَللّهُ يا مُحيي • يا اَللّهُ
يا مُميتُ • يا اَللّهُ يا مُجيبُ • يا اَللّهُ يا باعِثُ • يا اَللّهُ يا مُعْطي • يا اَللّهُ
يا مُفَضِّلُ • يا اَللّهُ يا مُنْعِمُ • يا اَللّهُ يا حَقُّ • يا اَللّهُ يا مُبينُ • يا اَللّهُ ياطَيِّبُ •
يا اَللّهُ يا مُحْسِنُ • يا اَللّهُ يا مُبْدِئُ • يا اَللّهُ يا مُعيدُ • يا اَللّهُ يا بادِئُ[1] • يا اَللّهُ
يا بَديعُ • يا اَللّهُ يا هادي • يا اَللّهُ يا كافي • يا اَللّهُ يا شافي • يا اَللّهُ يا عَلِيُّ •
يا اَللّهُ يا حَنّانُ • يا اَللّهُ يا مَنّانُ • يا اَللّهُ يا ذَا الطَّوْلِ • يا اَللّهُ يا مُتَعالي • يا اَللّهُ
يا عَدْلُ • يا اَللّهُ يا ذَا الْمَعارِجِ • يا اَللّهُ يا صادِقُ • يا اَللّهُ يا دَيّانُ • يا اَللّهُ
يا باقي • يا اَللّهُ يا ذَا الْجَلالِ • يا اَللّهُ يا ذَا الْاِكْرامِ • يا اَللّهُ يا مَعْبُودُ • يا اَللّهُ
يا مَحْمُودُ • يا اَللّهُ يا صانِعُ • يا اَللّهُ يا مُعينُ • يا اَللّهُ يا مُكَوِّنُ • يا اَللّهُ يا فَعّالُ •
يا اَللّهُ يا لَطيفُ • يا اَللّهُ يا جَليلُ • يا اَللّهُ يا غَفُورُ • يا اَللّهُ يا شَكُورُ • يا اَللّهُ
يا نُورُ • يا اَللّهُ يا حَنّانُ • يا اَللّهُ يا قَديرُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ
يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ يا رَبّاهُ • يا اَللّهُ
يا اَللّهُ • أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِرِضاكَ • وَتَعْفُوَ عَنّي
بِحِلْمِكَ • وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

---

۱. يا بارئ، خ ل.

لا اَحْتَسِبُ. فَاِنّي عَبْدُكَ لَيْسَ لي اَحَدٌ سِواكَ. وَلا اَجِدُ اَحَداً اَسْأَلُهُ غَيْرَكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ. ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

پس به سجده می‌روی و می‌گویی:

يا اَللّهُ يا اَللّهُ. يا رَبِّ يا اَللّهُ. يا رَبِّ يا اَللّهُ. يا رَبِّ يا اَللّهُ. يا مُنْزِلَ الْبَرَكاتِ. بِكَ تُنْزَلُ كُلُّ حاجَةٍ. اَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ في مَخْزُونِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَالْاَسْماءِ الْمَشْهُوراتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلىٰ سُرادِقِ عَرْشِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْبَلَ مِنّي شَهْرَ رَمَضانَ. وَتَكْتُبَني فِي الْوافِدينَ اِلىٰ بَيْتِكَ الْحَرامِ. وَتَصْفَحَ لي عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ. وَتَسْتَخْرِجَ يا رَبِّ كُنُوزَكَ يا رَحْمٰنُ.

و از برای این شب نماز دیگر نیز با فضیلت بسیار نقل شده هر کس اقبال به آن نماز داشته باشد رجوع کند به *اقبال*.

و امّا اعمال روز عید فطر

پس چند چیز است:

اوّل: بیرون کردن زکات فطره است به تفصیلی که در کتب فقهیّه مذکور است.

دوّم: غسل است و از حضرت صادق عليه السلام روایت شده که غسل را در زیر سقفی بکن و چون خواستی غسل کنی بگو:

اَللّٰهُمَّ اِيماناً بِكَ وَتَصْديقاً بِكِتابِكَ وَاتِّباعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

پس «بسم اللّه» بگو و غسل کن و چون فارغ شدی از غسل بگو:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفّارَةً لِذُنُوبي وَطَهِّرْ ديني. اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ.

سوّم: آن که پیش از نماز عید در اوّل روز افطار کنی و بهتر است که به خرما یا به شیرینی مثل شکر و غیره باشد، و شیخ مفید فرموده که مستحبّ است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیّد الشهداء عليه السلام که شفا است از برای هر دردی.

چهارم: آن که بخواند بعد از نماز صبح و بعد از نماز عید آن تکبیراتی که در شب بعد از نماز می‌خواند.

پنجم: زیارت کردن امام حسین علیه السلام است و زیارت مخصوصهٔ آن حضرت در این روز در باب چهارم [صفحه ۱۵۶] به شرح رفت.

ششم: خواندن دعای ندبه است که در اعمال روز جمعه [صفحه ۶۴۰] ذکر خواهد شد إن شاء الله تعالی.

کیفیت نماز عید

و کیفیّت نماز عید چنین است که شروع کند به نماز و آن دو رکعت است، در رکعت اوّل بعد از «حمد» سورهٔ «سبّح اسم ربّك الأعلی» بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ، وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَاَهْلَ التَّقْوىٰ وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمينَ عيداً، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكَرامَةً وَمَزيداً، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُدْخِلَني في كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُخْرِجَني مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ خَيْرَ ما سَأَلَكَ بِهِ عِبادُكَ الصّالِحُونَ، وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُكَ الْمُخْلَصُونَ.

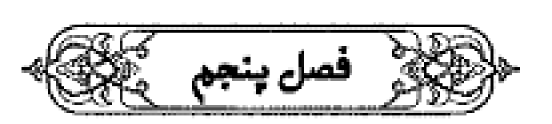
پس بعد از این پنج قنوت تکبیر می‌گویی به رکوع می‌روی و بعد به سجده، تا آن که بر می‌خیزی به جهت رکعت دوّم، در این رکعت بعد از «حمد» سورهٔ «والشّمس وضحاها» می‌خوانی پس چهار تکبیر می‌گویی و بعد از هر تکبیری همان قنوت را می‌خوانی و بعد از چهار قنوت تکبیر می‌گویی و می‌روی به رکوع و بقیّهٔ نماز را تمام می‌کنی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌فرستی و دعا می‌خوانی به آن چه ممکن است تو را، و بعد از نماز عید دعاهای بسیار وارد شده است و بهترین دعاها دعای حضرت علیّ بن الحسین علیه السلام است که در *صحیفهٔ کامله* است و دعاهای امروز بسیار است، بعضی بعد از نماز صبح خوانده می‌شود و بعضی در آن هنگام که به جهت رفتن به

نماز عید مهیّا شده‌اند خوانده می‌شود. و مقام را گنجایش نقل نیست و شیخ مفید در *تاریخ* گفته که در روز اوّل ماه شوّال در سنهٔ چهل و یکم از هجرت هلاکت عمروعاص واقع شد و باعث زیادتی مسرّت این روز گشت.

مؤلّف گوید که: بدان ای عزیز من که روز عید فطر اگرچه از اعیاد عظیمه و روز عید و سرور مؤمنین است به جهت قبولی اعمالشان و آمرزش گناهان آن‌ها و رسیدنشان به آن جوایز و عطاهای سنیّه که از برای روزهٔ ماه رمضان آن‌ها مهیّا شده است، لکن سزاوار است از برای تو که در این روز دلت مضطرب و معلّق باشد ما بین خوف و رجا، زیرا که نمی‌دانی که روزه‌ات قبول شده و از آن عطاها که حق تعالی در این روز به بندگان خود مرحمت می‌فرماید به تو هم خواهد داد که در حقّ تو نیز عید باشد یا آن که روزه و عملت مردود خواهد شد و از جملهٔ اشقیا و بد عاقبت‌ها شده که از رحمت الهی محروم شده‌اند. پس باید که محزون و مغموم باشی و تضرّع و زاری و مسألت کنی از حق تعالی که رحمتش را شامل حالت کند و تو را دست خالی از باب رحمت خویش بر نگرداند و حدیث حضرت مجتبی عليه السلام در این روز مشهور است و این مطلب اختصاص به روز عید فطر ندارد، بلکه عقب هر عبادتی باید حالت چنین باشد؛ و نیز سزاوار است که محزون باشی در این روز به جهت غیبت امام زمان عليه السلام و ممنوع بودن آن حضرت از تصرّف در امور رعیّت خود و فوت شدن نماز عید با آن حضرت، به علاوه آن‌که حزن تو باعث تأسّی بر حزن اهل بیت عصمت و طهارت سلام اللّٰه علیهم است، زیرا که اندوه آن بزرگواران در این روز تازه و تجدید می‌شود؛ چنانچه از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام منقول است که به عبد اللّٰه بن دینار فرمود که: «ای عبد اللّٰه نمی‌شود عیدی از برای مسلمین مثل عید قربان و عید فطر، مگر آن‌که تازه می‌شود اندوه و غصّه از برای آل محمّد صلى الله عليه وآله در آن روز». عبد اللّٰه گفت: به چه جهت؟ فرمود: «به جهت آن که می‌بینند حقّ خود را در دست غیر خودشان». و معلوم است که حزن و اندوه آن ها نه از جهت حبّ جاه و ریاست است؛ بلکه از جهت شفقت و محبّت بر امّت و رعیّت است که آن‌ها را در حیرت و ضلالت می‌بینند، و ممکن نیست ایشان را هدایت آن‌ها.

و در نیمهٔ شوال در سال سوّم از هجرت وقعه اُحد بوده و در آن روز شهادت سیّد شهدای زمان خود حضرت حمزه عمّ بزرگوار پیغمبر صلى الله عليه وآله واقع شد. شیخ مفید فرموده که: مؤمنین در این روز ترک کنند لذایذ را به جهت مصیبت حضرت رسول صلى الله عليه وآله به عموی خود حمزه و اصحاب با اخلاص خویش که در این روز شهید شدند و به جهت آن صدماتی که بر وجود مبارک آن حضرت در این روز از مشرکین رسید، انتهی.

و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز مناسب است، چه آن که فتوّت و مواسات او با حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این روز بر همه عالمیان ظاهر شد، و جبرئیل در شأن آن حضرت در آسمان ندا کرد: «لا سَیْفَ إلّا ذو الفقار ولا فتیٰ إلّا عليّ علیه السلام».



فصل پنجم

در بیان اعمال ماه ذی القعده است

بدان که این ماه اوّل ماه‌های حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آن‌ها ذوالقعده و ذو الحجّه و محرّم و رجب است، که در جاهلیّت و اسلام معظّم و مکرّم بوده‌اند. و روایت شده که: «هرکه در یکی از ماه‌های حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد، ثواب نه صد سال عبادت برای او نوشته شود».

و در روز یکشنبهٔ این ماه نمازی با فضیلت و ثواب بسیاری وارد شده طالبین رجوع به کتاب *اقبال* کنند.

و روز یازدهم این ماه روز مبارکی است و به قول بعضی تولّد حضرت امام رضا علیه السلام در آن شده.

و شب نیمه از لیالی شریفه است و عبادت در آن شب فضیلت بسیار دارد.

و روز بیست و سوّم این ماه به قول شیخ مفید و غیره وفات حضرت امام رضا علیه السلام واقع شده و مستحب است زیارت آن حضرت از دور و نزدیک.

و شب بیست و پنجم از لیالی متبرّکه است و روز آن روز دحو الارض است یعنی زمین پهن شد از زیر کعبه و روز بسیار مبارکی است، و از برای عبادت در آن شب، و روزهٔ روزش ثواب بسیاری ذکر شده است، و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که چنین کند از برای اوست عبادت صد سال که روزهایش را روزه و شبهایش را به عبادت به سر آورده باشد».

شیخ صدوق رحمه الله روایت کرده است از حسن وشّا که گفت: من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعده پس فرمود که: «امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولّد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است، پس هرکه روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد، و حضرت قائم علیه السلام در این روز ظاهر خواهد شد». و روایت شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله که: «روزهٔ این روز مثل روزهٔ هفتاد سال است». و شیخ

کلینی از محمّد بن عبدالله صیقل روایت کرده است که حضرت إمام رضاؑ در شهر مرو در روز بیست و پنجم ماه ذی القعده به سوی ما بیرون آمد و فرمود که: «امروز را روزه بدارید که من نیز روزه‌ام». گفتیم که: فدای تو شویم امروز چه روزی است؟ فرمود: «روزی است که رحمت در این روز منتشر گردیده است، و زمین در این روز پهن شده است، و در این روز کعبه نصب شده است، و حضرت آدمؑ در این روز به زمین فرود آمده است». و در روایتی وارد شده که: «هرکه در این روز روزه بگیرد هر چه در ما بین آسمان و زمین است برای او طلب آمرزش و استغفار کنند». واحادیث در فضیلت روزهٔ این روز بسیار است و این روز یکی از آن چهار روز است که در سال است و روزه‌شان مستحب مؤکّد است.

دو رکعت نماز و دعای روز بیست و پنجم

و سید ابن طاووس از برای این روز [دحو الأرض] نمازی نقل کرده از کتب قمّیین بـه ایـن کیفیت که، در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت بعد از «حمد» پنج مرتبه سورهٔ «والشمس» بخوانند و بعد از سلام بگویند: **لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.** پس دعا کنند و بگویند:

يا مُقيلَ الْعَثَراتِ اَقِلْني عَثْرَتي ۔ يا مُجيبَ الدَّعَواتِ اَجِبْ دَعْوَتي ۔ يا سامِعَ الدَّعَواتِ اسْمَعْ صَوْتي وَارْحَمْني ۔ وَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتي وَما عِنْدي ۔ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.

و شیخ طوسیؒ در مصباح گفته که مستحب است در این روز این دعا بخوانند:

اَللّٰهُمَّ داحِيَ الْكَعْبَةِ وَفالِقَ الْحَبَّةِ وَصارِفَ اللَّزْبَةِ وَكاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ ۔ اَسْاَلُكَ في هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ اَيّامِكَ الَّتي اَعْظَمْتَ حَقَّها ۔ وَاَقْدَمْتَ سَبْقَها ۔ وَجَعَلْتَها عِنْدَ الْمُؤْمِنينَ وَديعَةً ۔ وَاِلَيْكَ ذَريعَةً ۔ وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسيعَةِ ۔ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْميثاقِ ۔ الْقَريبِ يَوْمَ التَّلاقِ ۔ فاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ ۔ وَداعٍ اِلىٰ كُلِّ حَقٍّ ۔ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَطْهارِ الْهُداةِ الْمَنارِ ۔ دَعائِمِ الْجَبّارِ ۔ وَوُلاةِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ ۔ وَاَعْطِنا في يَوْمِنا هٰذا مِنْ عَطائِكَ الْمَخْزُونِ ۔

غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلا مَمْنُونٍ[1] . تَجْمَعُ لَنا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ . يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ . يا كَفِيُّ يا وَفِيُّ . يا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ . اُلْطُفْ لي بِلُطْفِكَ . وَاَسْعِدْني بِعَفْوِكَ . وَاَيِّدْني بِنَصْرِكَ . وَلا تُنْسِني كَريمَ ذِكْرِكَ بِوُلاةِ اَمْرِكَ . وَحَفَظَةِ سِرِّكَ . احْفَظْني مِنْ شَوائِبِ الدَّهْرِ اِلىٰ يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ . وَاَشْهِدْني اَوْلِياءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسي وَحُلُولِ رَمْسي وَانْقِطاعِ عَمَلي وَانْقِضاءِ اَجَلي.

اَللّٰهُمَّ وَاذْكُرْني عَلىٰ طُولِ الْبِلىٰ إذا حَلَلْتُ بَيْنَ اَطْباقِ الثَّرىٰ . وَنَسِيَني النّاسُونَ مِنَ الْوَرىٰ . وَاَحْلِلْني دارَ الْمُقامَةِ . وَبَوِّئْني مَنْزِلَ الْكَرامَةِ وَاجْعَلْني مِنْ مُرافِقي اَوْلِيائِكَ وَاَهْلِ اجْتِبائِكَ وَاَصْفِيائِكَ[2] . وَبارِكْ لي في لِقائِكَ . وَارْزُقْني حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْاَجَلِ . بَريئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ.

اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْني حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَاسْقِني مِنْهُ مَشْرَباً رَوِيّاً سائِغاً هَنيئاً لا اَظْمأُ بَعْدَهُ وَلا اُحَلَّأُ وِرْدَهُ . وَلا عَنْهُ اُذادُ وَاجْعَلْهُ لي خَيْرَ زادٍ . وَاَوْفىٰ ميعادٍ . يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ.

اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبابِرَةَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَبِحُقُوقِ اَوْلِيائِكَ الْمُسْتَأْثِرينَ.

اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعائِمَهُمْ وَاَهْلِكْ اَشْياعَهُمْ وَعامِلَهُمْ[3] وَعَجِّلْ مَهالِكَهُمْ . وَاسْلُبْهُمْ مَمالِكَهُمْ . وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسالِكَهُمْ . وَالْعَنْ مُساهِمَهُمْ وَمُشارِكَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيائِكَ . وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظالِمَهُمْ . وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قائِمَهُمْ . وَاجْعَلْهُ لِدينِكَ مُنْتَصِراً . وَبِاَمْرِكَ في اَعْدائِكَ مُؤْتَمِراً . اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلائِكَةِ النَّصْرِ . وَبِما اَلْقَيْتَ اِلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ . مُنْتَقِماً لَكَ حَتّىٰ تَرْضىٰ .

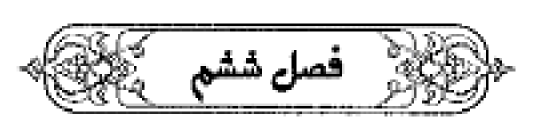
---

۱. مَمْنوعٍ، در مفاتيح چاپ شده.
۲. وَاَصْطِفائِكَ خ ل.
۳. وَعالِمَهُمْ خ ل.

وَيَعُودَ دينُكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ جَديداً غَضّاً، وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضاً، وَيَرْفُضَ الْباطِلَ رَفْضاً.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلىٰ جَميعِ آبائِهِ، وَاجْعَلْنا مِنْ صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنا في كَرَّتِهِ حَتّىٰ نَكُونَ في زَمانِهِ مِنْ اَعْوانِهِ، اَللّٰهُمَّ اَدْرِكْ بِنا قِيامَهُ، وَاَشْهِدْنا اَيّامَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامَ وَارْدُدْ اِلَيْنا سَلامَهُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

و شیخ طوسی در تهذیب ذکر فرموده وفات حضرت امام محمّد تقی؈ را در روز آخر این ماه.



فصل ششم

در اعمال ماه ذی الحجّه است

و در آن سه مقام است:

مقام اول: در بیان اعمال مشترکهٔ دههٔ اوّل است.

بدان که ایّام این دهه، همه در نهایت فضیلت و برکتند و در احادیث معتبره وارد شده است که ایّام معلومات که در آیهٔ شریفهٔ «وَاذْكُرُوا اللّٰهَ في اَيّامٍ مَعْلُوماتٍ» است ده روز اوّل ماه ذی‌الحجّه است؛ چنانچه ایّام معدودات روز دهم این ماه و سه روز بعد از آن است. و از حضرت رسول؈ منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایّامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از این دهه و از برای این دهه اعمال چند است:

دو رکعت نماز و دعای دههٔ اوّل

اوّل: خواندن دو رکعت نماز ما بین نماز شام و خفتن در تمام شب‌های این دهه، در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و یک مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه احد» و این آیهٔ شریفه «وَواعَدْنا مُوسىٰ ثَلٰثينَ لَيْلَةً وَاَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ ميقاتُ رَبِّهِ اَرْبَعينَ لَيْلَةً وَقالَ مُوسىٰ لِاَخيهِ هٰرُونَ اخْلُفْني في قَوْمي وَاَصْلِحْ وَلا تَتَّبِعْ سَبيلَ الْمُفْسِدينَ».

و وارد شده که چون چنین کنی در ثواب حاجیان شریک خواهی بود هر چند به حج نروی.

دوّم: به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آن حضرت از روز اوّل ذی الحجّه تا روز عرفه در عقب نماز صبح و پیش از مغرب این دعا را می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْاَیّامُ الَّتی فَضَّلْتَها عَلیٰ غَیْرِها مِنَ الْاَیّامِ وَشَرَّفْتَها، وَقَدْ بَلَّغْتَنیها بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ، فَاَنْزِلْ عَلَیْنا فیها مِنْ بَرَکاتِكَ، وَاَسْبِغْ عَلَیْنا فیها مِنْ نَعْمائِكَ.

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فیها، وَاَنْ تَهْدِیَنا فیها سَبیلَ الْهُدیٰ، وَتَرْزُقَنا فیهَا التَّقْویٰ وَالْعَفافَ وَالْغِنیٰ، وَالْعَمَلَ فیها بِما تُحِبُّ وَتَرْضیٰ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْویٰ، وَیا سامِعَ کُلِّ نَجْویٰ، وَیا شاهِدَ کُلِّ مَلَاٍ، وَیا عالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَکْشِفَ عَنّا فیهَا الْبَلاءَ، وَتَسْتَجیبَ لَنا فیهَا الدُّعاءَ، وَتُقَوِّیَنا فیها وَتُعینَنا وَتُوَفِّقَنا فیها لِما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضیٰ، وَعَلیٰ ما افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنْ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَاَهْلِ وِلایَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهَبَ لَنا فیهَا الرِّضا اِنَّكَ سَمیعُ الدُّعاءِ، وَلا تَحْرِمْنا فیها خَیْرَما نَزَّلَ فیها مِنَ السَّماءِ، وَطَهِّرْنا فیها مِنَ الذُّنُوبِ یا عَلّامَ الْغُیُوبِ، وَاَوْجِبْ لَنا فیها دارَ الْخُلُودِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَتْرُكْ لَنا فیها ذَنْباً اِلّا غَفَرْتَهُ وَلا هَمّاً اِلّا فَرَّجْتَهُ، وَلا دَیْناً اِلّا قَضَیْتَهُ، وَلا غائِباً اِلّا اَدَّیْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِلّا سَهَّلْتَها وَیَسَّرْتَها، اِنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَيْءٍ قَدیرٌ.

اَللّٰهُمَّ یا عالِمَ الْخَفِیّاتِ، یا راحِمَ الْعَبَراتِ، یا مُجیبَ الدَّعَواتِ، یا رَبَّ الْاَرَضینَ وَالسَّماواتِ، یا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَیْهِ الْاَصْواتُ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنا فيها مِنْ عُتَقائِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ، وَالْفائِزينَ بِجَنَّتِكَ، وَالنّاجينَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

پنج دعای حضرت عیسی عليه السلام در این دهه

سوّم: خواندن پنج دعایی است که جبرئیل عليه السلام برای حضرت عیسی عليه السلام هدیّه آورد که در این دهه بخواند و حضرت عیسی عليه السلام از برای حواریّین شرح داد فضیلت خواندن هر یک از آن پنج دعا را روزی صد مرتبه. و حدیثش طویل است و فضیلت آن‌ها بسیار است و ما به اصل دعا اکتفا می‌نماییم.

دعای اوّل: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

دوّم: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، اَحَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً.

سوّم: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، اَحَداً صَمَداً، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ.

چهارم: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيي وَيُميتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پنجم: حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفىٰ، سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعا، لَيْسَ وَراءَ اللّٰهِ مُنْتَهىٰ، اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِما دَعا، وَاَنَّهُ بَريءٌ مِمَّنْ تَبَرَّاَ وَاَنَّ لِلّٰهِ الْآخِرَةَ وَالْاُولىٰ.

تهلیلات از حضرت امیر عليه السلام

چهارم: خواندن این تهلیلات مبارکه است، در هر روز از این دهه واگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است، و از برای آن فضیلت بسیاری ذکر شده، و منسوب است به امیر المؤمنین عليه السلام :

لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيالي وَالدُّهُورِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ أَمْواجِ الْبُحُورِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمّا يَجْمَعُونَ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِي الْبَراري وَالصُّخُورِ. لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلىٰ يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.

و روزهٔ این دهه به غیر از روز عید که روزه‌اش حرام است فضیلت بسیار دارد، و از حضرت امام موسی ﷺ روایت شده که هرکه این نه روز را روزه بگیرد حق تعالی ثواب روزهٔ تمام عمر از برای او بنویسد.

مقام دوّم: در بیان اعمال مختصّهٔ دههٔ اوّل ذی الحجّة است

روز اوّل ماه: روز بسیار مبارکی است و روزه‌اش فضیلت بسیار دارد. شیخ طوسی روایت کرده از حضرت امام موسی ﷺ که: «هرکه روز اوّل ذی الحجّه را روزه بگیرد حق تعالی برای او بنویسد ثواب هشتاد ماه روزه». و آن روزی است که تولّد حضرت ابراهیم ﷺ شده و در آن روز حق تعالی او را خلیل خود گردانیده. و شیخ مفید گفته که در این روز حضرت رسول ﷺ حضرت فاطمه را به امیر المؤمنین ـ صلوات اللّه علیهما ـ تزویج نمود. و شیخ طوسی نیز همین را اختیار کرده؛ لکن گفته و روایت شده که وقعهٔ تزویج در ششم این ماه بوده. و در این روز حضرت رسول ﷺ روانه کرد ابوبکر را به سمت مکّه که سورهٔ «برائت» را بر کفّار مکّه بخواند. پس جبرئیل ﷺ از جانب حق تعالی نازل شد که ادای این امر باید به دست تو یا به دست مردی که از تو باشد، بشود. پس حضرت رسول ﷺ حضرت امیر المؤمنین ﷺ را که به منزلهٔ جان خود بود از برای این امر اختیار فرموده، به عقب او روانه کرد، و مرد اوّلی را از این امر معزول کرد. پس حضرت امیر المؤمنین ﷺ روز سوّم این ماه به او رسیده و سوره را از او گرفته و روانه شد، به تفصیلی که در مقام خود به شرح رفته. و شیخ مفید فرموده که جبرئیل از برای این امر در روز دوّم

این ماه نازل شد به هر حال از برای روز اوّل ذی الحجّه فضیلت بسیاری است و از برای او به غیر از اعمال مشترکه ـ که سابق گذشت ـ عمل مختصّه‌ای است و آن خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السلام.

نماز حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ طوسی فرموده که روایت شده است که آن نماز چهار رکعت است، مثل نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به دو سلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ «حمد» پنجاه مرتبه «سورهٔ قل هو اللّه احد» می‌خواند و بعد از سلام تسبیح می‌کند به تسبیح زهرا علیها السلام و می‌گوید:

سُبْحانَ اللّٰهِ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالَ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا وَلا هٰكَذا غَيْرُهُ.

و سیّد ابن طاووس رحمه الله نماز دیگری از کتب قمّیین نقل کرده از برای روز اوّل ذی الحجّه به این طریق که پیش از زوال به نیم ساعت بر خیزد، دو رکعت بجا آورد در هر رکعت «حمد» را یک مرتبه و هر یک از «قل هو اللّه» و «آیة الکرسی» و «انّا انزلناه» را ده مرتبه بخواند.

و نیز نقل کرده که هرکه از ظالمی بترسد در این روز بگوید: «**حَسْبي حَسْبي حَسْبي مِنْ سُؤالي عِلْمُكَ بِحالي.**» حق تعالی کفایت کند شرّ آن ظالم را از او.

و در روز هفتم این ماه، به قول کفعمی و شهید وفات حضرت باقر العلوم محمّد بن علی علیهما السلام واقع شده، و در *تقویم المحسنین* است که در این روز حضرت موسی بر ساحران غلبه فرمود.

روز هشتم: روز ترویه است در این روز حجّاج نیّت حجّ تمتّع کنند و محرم شده از مکّه به سمت منی و عرفات روند، ودر این روز حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه ظاهر شده و از مردم بیعت گرفت؛ و روزه‌اش فضیلت بسیار دارد و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که روزه‌اش کفّارهٔ شصت سال است.

و شب نهم: از لیالی متبرّکه است و از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله منقول است که در این شب دعا

مستجاب است و کسی که آن شب را به عبادت به سر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب شبِ مناجات با قاضی الحاجات است، و توبهٔ توبه کننده در این شب قبول است. و از برای این شب دعایی از حضرت صادق علیه السلام مروی است که اوّلش: «اَللّهُمَّ یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوىٰ» است از فیض خواندن آن محروم نباید شد.

دعای شب عرفه

و سیّد ابن طاووس روایت کرده از اُمّ‌الفیض کنیز عبد الملک مروان که گفت: شنیدم از ابن مسعود که می‌گفت: هر غلام و کنیزی که در شب عرفه این دعا را بخواند، و هر چه خواهد از حق تعالی بخواهد، خداوند به او عطا فرماید به شرط آن‌که [آن حاجت و] سؤال قطع رحم و گناهی نباشد. و این دعا ده کلمه، یعنی ده جمله از تسبیح است به این طریق:

سُبْحانَ مَنْ فِي السَّماءِ عَرْشُهُ. سُبْحانَ الَّذي فِي الْأَرْضِ سَطْوَتُهُ. سُبْحانَ الَّذي فِي الْبَحْرِ سَبيلُهُ. سُبْحانَ الَّذي فِي النّارِ سُلْطانُهُ. سُبْحانَ الَّذي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ. سُبْحانَ الَّذي فِي الْقُبُورِ قَضاؤُهُ. سُبْحانَ الَّذي فِي الْهَواءِ اَمْرُهُ. سُبْحانَ الَّذي رَفَعَ السَّماءَ. سُبْحانَ الَّذي وَضَعَ الْاَرْضَ. سُبْحانَ الَّذي لا مَنْجا مِنْهُ اِلّا اِلَيْهِ.

امّ الفیض گفت: به ابن مسعود گفتم: این که گفتی از پیغمبر است؟ گفت: بلی.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است که: «هرکه شب عرفه زیارت کند زمین کربلا را و در آن‌جا بماند تا روز عید شود پس اگر خواهد برود حق تعالی او را از شرّ آن سال نگاه دارد».

و مستحب است نیز در این شب و روز آن خواندن دعای «اَللّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَتَهَيَّأَ... إلیٰ آخره». و ما این دعا را در اعمال شب جمعه [صفحه ۶۱۷] ایراد می‌نماییم، به آن‌جا رجوع شود.

در فضیلت روز عرفه

و روز نهم، روز عرفه است و از اعیاد عظیمه؛ اگرچه به اسم عید نامیده نشده است، و روزی است بسیار مبارک و میمون و روزی است که حق تعالی بندگان خود را به عبادت و اطاعت خویش خوانده است و موائد جود و احسان خود را از برای ایشان گسترانیده و وعده فرموده ایشان را به آمرزش گناهشان و پوشانیدن عیب‌های ایشان. پس سزاوار است این‌که شناخته شود عظمت

و قدر این روز، و بپا داشته شود از برای عبادت و دعا و حمد و شکر باری تعالی. شیخ مفید ﷺ فرموده که در روز عرفه حق تعالی قبول فرموده توبهٔ حضرت آدم ﷺ را، در این روز متولد شد حضرت ابراهیم ﷺ و در این روز «توبة»[1] بر داود ﷺ نازل شد، و در این روز حضرت عیسی ﷺ متولّد شد، و در این روز است دعا به موقف عرفات بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب. بنابر آنچه ثابت شده از سنّت حضرت رسول ﷺ و در این روز حضرت مسلم بن عقیل ﷺ شهید شد. و بالجمله کسی که توفیق یابد در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد.

و بهترین اعمال در این روز دعا است. حتّی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اوّل وقت، و نافله و اذان عصر ساقط می‌شود، و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام، و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد، چنانچه به سند صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که من عبد الله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچ کس را از او بهتر ندیدم. پیوسته دست‌های خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده‌اش به رویش جاری بود تا به زمین می‌رسید. چون مردم فارغ شدند گفتم: وقوف هیچ کس را بهتر از وقوف تو ندیدم. گفت: به خدا سوگند که دعا نکردم مگر برادران مؤمن خود را، زیرا که از حضرت امام موسی ﷺ شنیدم که «هرکه دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا به او رسد که از برای تو صد هزار برابر او باد». پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البتّه مستجاب است برای یک دعای خود که نمی‌دانم مستجاب خواهد شد یا نه.

و اگر کسی توفیق یابد که در روزعرفه در تحت قبّهٔ مقدّسهٔ حضرت امام حسین ﷺ باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است، چنانچه در باب چهارم با زیارت مخصوصهٔ آن حضرت به شرح رفت، و کسی که در سایر بلاد باشد و توفیق هیچ یک را نیافته باشد، غسل کند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آن حضرت بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است و زیارت بعیده [در صفحه ۴۱۴] در سابق گذشت.

و زیارت سوّم از زیارات جامعهٔ این رساله [در صفحه ۳۹۴ گذشت] در این روز خواندنش بسیار مناسب است، و چون زیارت کرد مشغول ذکر و دعا شود تا در ثواب آن‌ها شریک گردد. و از حضرت صادق ﷺ منقول است که: «هرکه در روز عرفه پیش از آن‌که متوجّه دعا شود دو رکعت نماز به جا آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدای تعالی به گناهان خود، و اقرار کند به

---

۱. زبور.

خطاهای خود، فایز گردد به ثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده گردد». و شیخ مفید﴿ره﴾ این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند.

و غسل در این روز مستحب است، و احادیث در باب روزهٔ روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث به این طریق کرده‌اند که اگر در ماه اشتباه نباشد و روزه نیز او را از دعا کردن ضعیف نگرداند سنّت است و الّا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است.

و از حضرت صادق﴿ع﴾ منقول است: «چون خواستی مشغول دعا شوی اوّل صد مرتبه «اَللّٰهُ اَکْبَرُ» و صد مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» و صد مرتبه «سُبْحانَ اللّٰهِ» و صد مرتبه «لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ» و صد مرتبه «قل هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» بخواند، و اگر زیاده بر این دوست داشته باشی صد مرتبه سورهٔ «انّا انزلناه» نیز بخوان». و در روایت دیگر: «صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او﴿ص﴾ بگو؛ پس مشغول دعا شو».

و دعاهای امروز بسیار است و بهترین دعاهای *صحیفه کامله* است که دعای چهل و هفتم و اوّلش «اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بدیع السّمٰوات» پس آن را به خشوع و رقّت بخوان که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت.

دعای روز عرفه

و سیّد ابن طاووس از شیخ طوسی جدّ بزرگوار خود روایت کرده و او به سند معتبر از حضرت صادق﴿ع﴾ که فرمودند که: «حضرت رسول﴿ص﴾ به حضرت امیر المؤمنین﴿ع﴾ فرمود: «می‌خواهی تو را تعلیم کنم دعای روزعرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است؛ پس فرمود که می‌گویی:

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيي وَيُميتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذي تَقُولُ وَخَيْراً مِمّا نَقُولُ وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائِلُونَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلاتي وَنُسُكي وَمَحْيايَ وَمَماتي، وَلَكَ بَراءَتي وَبِكَ حَوْلي وَمِنْكَ قُوَّتي، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ وَسْواسِ الصَّدْرِ، وَمِنْ شَتاتِ الْاَمْرِ، وَمِنْ عَذابِ الْقَبْرِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ الرِّياحِ،

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَجيءُ بِهِ الرِّياحُ. وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهارِ. اللّٰهُمَّ اجْعَلْ في قَلْبي نُوراً. وَفي سَمْعي نُوراً. وَفي بَصَري نُوراً. وَفي لَحْمي نُوراً. وَفي دَمي وَعِظامي وَعُرُوقي وَمَقْعَدي وَمَقامي وَمَدْخَلي وَمَخْرَجي نُوراً. وَاَعْظِمْ لي نُوراً يا رَبِّ يَوْمَ اَلْقاكَ. اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و از حضرت عليّ بن موسى الرّضا عليه السلام اين دعا را از براى اين روز روايت شده:

اللّٰهُمَّ كَما سَتَرْتَ عَلَيَّ ما لَمْ اَعْلَمْ فَاغْفِرْ لي ما تَعْلَمُ. وَكَما وَسِعَني عِلْمُكَ فَلْيَسَعْني عَفْوُكَ. وَكَما بَدَأْتَني بِالْاِحْسانِ فَاَتِمَّ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرانِ. وَكَما اَكْرَمْتَني بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْها بِمَغْفِرَتِكَ. وَكَما عَرَّفْتَني وَحْدانِيَّتَكَ فَاَكْرِمْني بِطاعَتِكَ. وَكَما عَصَمْتَني مِمّا لَمْ اَكُنْ اَعْتَصِمُ مِنْهُ اِلّا بِعِصْمَتِكَ فَاغْفِرْ لي ما لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَني مِنْهُ. يا جَوادُ يا كَريمُ. يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ.

و از حمّاد بن عبد اللّه مروى است كه گفت: من در موقف عرفات نزديک حضرت امام موسى عليه السلام بودم همين كه مى‌خواست آفتاب غروب كند آن حضرت به دست چپ خود مجامع جامه خود را گرفت پس گفت: اللّٰهُمَّ اِنّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ اِنْ تُعَذِّبْني فَبِاُمُورٍ قَدْ سَلَفَتْ مِنّي وَاَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ بِرُمَّتي. وَاِنْ تَعْفُو عَنّي فَاَهْلُ الْعَفْوِ اَنْتَ. يا اَهْلَ الْعَفْوِ يا اَحَقَّ مَنْ عَفا اغْفِرْ لي وَلِاَصْحابي وَلِاِخْواني.

پس مركوب خود را حركت داد و گذشت، يعنى از عرفات رفت به سمت مشعر.

و از جملهٔ دعاهاى مشهورهٔ روز عرفه دعاى حضرت سيّد الشّهداء عليه السلام است و چون دعا طولانى است ذكر نكردم طالبين رجوع به كتب ديگر كنند.

و در اين روز اصحاب رسول خدا صلى الله عليه و آله مأمور شدند كه درهاى خانه‌هاى خود را كه به مسجد آن حضرت باز مى‌شد ببندند، مگر حضرت امير المؤمنين عليه السلام. و عمل استفتاح نيز در اين روز به عمل آوردن نيكوست.

و شب دهم این ماه از لیالی متبرّکه و از جمله چهار شبی است که احیای آن‌ها سنّت است و درهای آسمان در این شب بسته نمی‌شود برای بالا رفتن صداهای مؤمنین و دعاهای حاجیان. و زیارت حضرت امام حسین(ع) در این شب سنّت است و اخبار فضیلت و زیارت مخصوصهٔ این شب را در باب چهارم نقل نمودیم به [صفحه ۱۵۵] رجوع کن. و هر که حاجتی داشته باشد بخواند در آن شب نماز حاجتی را که در این شب و شب‌های جمعه خوانده می‌شود و ما آن را در اعمال شب جمعه [صفحه ۶۳۱] ذکر می‌نماییم إن شاء اللّه تعالی.

در اعمال عید اضحی

و روز دهم، روز عید اضحی است و بسیار روز شریفی است و از برای آن چند عمل است:

اوّل: غسل است که سنّت مؤکّد است و بعضی واجب دانسته‌اند.

دوّم: نماز عید است به همان کیفیّت که در عید فطر [صفحه ۵۵۵] به شرح رفت، ولکن در این روز مستحبّ است که طعام را بعد از نماز تناول کند و نیکو است که از گوشت قربانی باشد.

سوّم: خواندن دعاهایی که وارد شده برای پیش از نماز و بعد از نماز که این رساله را گنجایش ذکر آن‌ها نیست. و بهترین دعاهای این روز دعای چهل و هشتم *صحیفهٔ کامله* است که اوّلش این است: «اَللّهُمَّ هذا یَوْمٌ مُبارَکٌ». و اگر دعای چهل و ششم را که اوّلش: «یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لا یَرْحَمُهُ الْعِبادُ» است نیز بخوانند خوب است، و دعای ندبه بهترین دعاها است در این روز، و بعد از این إن شاء اللّه تعالی در ضمن اعمال روز جمعه [صفحه ۶۴۰] مذکور خواهد شد.

چهارم: قربانی است، و آن سنّت مؤکّد است و بعضی واجب دانسته‌اند، و از امّ سلمه مروی است که به حضرت رسول(ص) عرض کرد که: عید قربان می‌شود و من قیمت اضحیّه ندارم آیا قرض کنم و قربانی کنم؟ حضرت فرمودند که: «قرض کن که دین او ادا می‌شود». و قربانی کردن از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند خوب است. و حضرت امیر المؤمنین(ع) دو قربانی می‌کرد یکی از برای حضرت رسول(ص) و یکی از برای خود. و اگر جمعی قادر نباشند که هر یک جدا قربانی کنند با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و قربانی کنند.

پنجم: خواندن تکبیرات است بعد از نماز ظهر و عصر، چنانچه از ائمّهٔ اطهار روایت شده در تفسیر آیهٔ شریفه ﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾ که مراد تکبیر گفتن است در ایّام تشریق، پس هر که در منی باشد، عقب پانزده نماز بگوید که اوّلش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز سیزدهم، و در سایر شهرها عقب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم.

و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته‌اند. واقلش بعد از این نمازها یک مرتبه است؛ و علّامۀ مجلسی فرموده که اگر مکرّر گوید و بعد از نافله نیز اگر بگوید بهتر است. و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح این است:

اَللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، لا إلٰهَ إِلاَّ اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ وَلِلهِ الْحَمْدُ، اللهُ أَكْبَرُ عَلىٰ ما هَدانا، اللهُ أَكْبَرُ عَلىٰ ما رَزَقَنا مِنْ بَهيمَةِ الْأَنْعامِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ عَلىٰ ما أَبْلانا.

و بدان که روز نیمۀ این ماه به قول مشهور ولادت باسعادت حضرت امام علیّ النقی علیه‌السلام است. و روزی است که خلیفۀ سوّم اهل سنّت را محاصره کردند و کار بر او تنگ شد که مشرف به هلاکت شد.

مقام سوّم: در فضایل و اعمال روز عید غدیر و سایر ایّام این ماه است

عید غدیر در هیجدهم این ماه است و عظیم‌ترین اعیاد است، و احادیث بسیار از طرفین در فضیلت و اعمال آن وارد شده است. شبش نیز شب شریفی است و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام در آن مناسب است، و سیّد ابن طاووس رحمه‌الله نماز و دعایی از برای آن شب نقل کرده، چون سند معتبر نداشت نقل نکردم. شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس رحمه‌الله از فیّاض بن محمّد نقل کرده‌اند که گفت: روز عید غدیر در مرو خدمت حضرت امام رضا علیه‌السلام بودم و آن حضرت در آن روز مخصوصاً خویشان و اصحاب خود را جمع کرده و ایشان را نگاه داشته بود که در شب با آن حضرت افطار کنند و به خانه‌های ایشان طعام و زرها و خلعت‌ها فرستاد، حتّی انگشتر و کفش نیز فرستاد، و ملازمان و خدمت‌کاران خود را جامه‌های نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای مردم نقل می‌فرمود، از جملۀ آن‌ها آن‌که فرمود که: «در بعض از سال‌های خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام روز جمعه با روز غدیر جمع شده بود، پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشته بر منبر بالا رفت و خطبه‌ای طولانی خواند و نام‌های بسیار از برای آن روز ذکر کرد، تا آن که حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام به مردم فرمود آن چه حاصلش این است که: «بعد از انقضای این مجمع برگردید به خانه‌های خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت به برادران مؤمن خود، و در خانه‌های خود برادران مؤمن خود را جمع کنید و نیکویی کنید نسبت به ایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارک باد بگویید، و نیکی و احسان کردن در این روز، سال و عمر را

زیاد می‌کند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب مزید رحمت الهی است، و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید، و هرکه امید احسان از شما دارد در حقّ او تقصیر نکنید، ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید، به درستی که دادن یک درهم در این روز برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا می‌کند. و روزهٔ این روز را حق تعالی سنّت گردانیده، و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اوّل دنیا تا آخر دنیا عبادت کند، به آن که روزها روزه بدارد و شبها به عبادت بایستد. و کسی که برآورد حاجت برادر مؤمنی را پیش از آن که او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد، و هرکه در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدّیق و شهید را افطار فرموده باشد، پس چگونه باشد ثواب کسی که متکفّل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بشود و هرگاه چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن. و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون آن که کبیرهٔ بسیار بدی بکند البتّه آمرزیده است. و هرکه قرضی بکند در این روز برای برادران خود ضامنم بر خدا که اگر او را زنده بدارد تا بمیراند، آن قرض را از او متحمل شود، و از دوش او بردارد. و چون ملاقات کنید با یکدیگر مصافحه کنید و به زبان‌ها یکدیگر را تهنیت بگویید و آن چه گفتم حاضران به غایبان بگویند. و توانگران رعایت کنند فقیران را و اقویا دستگیری کنند ضعیفان را. حضرت رسول ﷺ مرا به همهٔ این‌ها امر فرموده».

و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده از حضرت صادق ﷺ پرسیدند که: آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی و فطر؟ فرمود: «بلی، عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است». راوی گفت: کدام عید است؟ فرمود که: «آن روزی است که نصب کرد رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین ﷺ را به خلافت خود و فرمود که: «هرکه من مولی و آقای اویم علی ﷺ مولی و آقا و پیشوای اوست، و آن روز هیجدهم ذی الحجّه است». راوی گفت: چه کار باید کرد در آن روز؟ فرمود که: «باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمّد ﷺ و آل محمّد ﷺ را یاد کنید و برایشان صلوات بفرستید. و وصیّت کرد رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین ﷺ را که در این روز را عید گرداند، و هر پیغمبری وصیّ خود را وصیّت می‌کرد که این روز را عید گردانند». و به روایت دیگر فرمود که: «روزهٔ روز غدیر کفّارهٔ شصت ساله گناه است». و به روایت دیگر منقول است که مفضّل از حضرت صادق ﷺ پرسید که: امر می‌کنی مرا که روز غدیر را روزه بگیرم؟ فرمود: «آری واللّه، آری واللّه، آری واللّه، به درستی که در این روز خدا توبهٔ حضرت آدم را قبول کرد و به شکر آن این روز را

روزه داشت، و در این روز خدا ابراهیمعليه السلام را از آتش نجات داد و [به] شکر آن این روز را روزه داشت، و در این روز حضرت موسی، هارون را وصی خود گردانید و این روز را به شکر این نعمت روزه داشت، و در این روز حضرت عیسیعليه السلام وصیّت وصیّ خود شمعون الصّفا را ظاهر گردانید و این روز را به شکر حق تعالی روزه داشت، و در ایـن روز حـضرت رسـولصلى الله عليه وآله حـضرت امـیر المؤمنینعليه السلام را خلیفه و جانشین خود گردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر گردانید و این روز را به شکر این نعمت‌ها روزه داشت، و این روز، روز روزه داشتن و روز عبادت است و روز طعام دادن و نیکی کردن با برادران مؤمن است و روزی است کـه خـدا از مـؤمنان خشـنود می‌گردد و بینی شیطان بر خاک مالیده می‌شود».

اثبات حدیث غدیر

مؤلّف گوید که: حدیث شریف غدیر خم که نصّ صریح است بر امامت و خلافت جناب امیر المؤمنینعليه السلام از متواترات است و به طرق متعدّده، و اسانید متکثّره در کتب فریقین از جمعی کثیر از صحابهٔ عظام، مروی گردیده و اضعاف مضاعفهٔ شرط تواتر در آن محقق گشته و کسی که انکار آن نماید، مثل آن است که انکار تواتر مکّه و مدینه نماید، و بس است از برای اثبات این معنی کتبی که علمای اهل سنّت در این باب تصنیف نموده‌اند، چنانچه حافظ ابو العباس ابن عقده کوفی که در عصر خود بی‌بدیل و به تصریح *دارقطنی* ـ که حافظ‌تر از او از زمان ابن مسعود تا زمان او دیده نشده ـ کتابی مستقل در جمع طرق این حدیث شریف تصنیف کرده و به اسانید خود، متجاوز از صد کس از صحابه این حدیث را نقل کرده که از جمله آنهایند عشرهٔ مبشّره و ابو جعفر محمد بن جریر طبری که از اکابر محدثین و ائمه مجتهدین اهل سنت است، نیز کتابی در طرق حدیث غدیر تصنیف کرده و او را مسمّی نموده به *کتاب الولایه* و آن حدیث را به هفتاد و پنج طریق ذکر نموده.

ذهبی گفته که: من واقف شدم بر آن کتاب و مدهوش گشتم از کثرت طرق آن. و عـبید اللّـه حسکانی و ابو سعید سجستانی و محمد بن احمد ذهبی نیز، هر یک کتاب خاصّی در اثبات این حدیث و کثرت طرق آن تصنیف نموده‌اند؛ و بالاتر از این‌ها آن که بعضی علما در جمع طرق این حدیث بیست و هشت مجلد یا زیاده تصنیف کرده، و حکایت این مطلب از ابو المعالی جوینی به شهرت پیوسته. زیاده از این چه خواهد بود؟ هرگز خبری به این مرتبه نرسیده و لهذا چون کثرت طرق آن به غایت قصوی و تعدد اسانید آن به مرتبه نهایت رسیده علمای کبار و محققین عـالی فخار حضرات سُنّیه، نصوص صریحه که هیچ مساغی برای تأویل آن نیست بر تواتر این حـدیث

افاده کرده‌اند، مانند: ذهبی و علّامه سیوطی و ملّاعلی متّقی و محدّث نیشابوری و ملّا علی هروی و علّامه مقبلی و غیر ایشان که عبارات کُتبشان را در *فیض القدیر* ایراد نموده‌ام، و شمس الدین قاضی القضاة معروف به ابن الجزری در کتاب *اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*ؑ حدیث غدیر را روایت کرده، پس از آن گفته که حدیث غدیر صحیح است به وجوه کثیری و متواتره است از جانب امیر المؤمنینؑ و از رسول خداﷺ روایت کرده است آن را جمع کثیر از جمّ غفیر، پس گفته: «لا عبرة بمن حاول تضعیفه ممّن لا اطّلاع له في هذا العلم، فقد ورد مرفوعاً عن أبي بكر الصدّيق و عمر بن الخطاب و طلحة بن عبيد اللّه... الیٰ آخره». یعنی اعتنایی نیست به قول کسی که قصد کرده تضعیف این حدیث شریف را از کسانی که اطّلاع نیست ایشان را در این علم، چه این حدیث وارد شده مرفوعاً از ابی بکر و عمر ـ و قریب سی نفر از صحابه را اسم برده ـ پس گفته: و غیر ایشان از سایر صحابه، و صحیح شده است این حدیث از جماعتی از آن‌ها که قطع حاصل می‌شود به خبرشان، انتهیٰ.

و نیز باید دانست که جمع بسیاری از ائمه و اساطین فخام و محقّقین عظام از اهل سنّت که زیاده از صد و شصت نفرند این حدیث شریف را در کتب و اسفار خود نقل و اخراج نموده‌اند که از جمله آنهایند جماعتی از مشایخ بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابو داود و مالک، ارباب صحاح ستّه؛ و از جملهٔ آن ها است: ابن راهویه و احمد بن حنبل و پسر او عبد اللّه و محمّد بن بشّار و دهلی و ابن ماجه و بلاذری و ابن قتیبة ومحمّد بن عیسی بن سوره و بزار و احمد بن شعیب و ابو یعلی و بغوی و قرطبی و محاملی و طبرانی و دارقطنی و ابن بطّة و حاکم و خرگوشی و ابن مردویه و ابن بشکُویه و ثعلبی و ابو نعیم و ابن السّلمان و بیهقی و ابن عبد البرّ و خطیب و واحدی و غزالی و زمخشری و سمعانی و موفّق بن احمد و ابن عساکر و ابنی اثیر و ابن طلحة و سبط ابن الجوزی و گنجی و نووی و محبّ طبری و وصّابی و حموینی و زرندی و یافعی و ابن کثیر و علی همدانی و مقریزی و ابن حجر عسقلانی وابن صباغ و سَمهُودی و ابن حجر هَیثمی و مناوی و حلبی و غیر ایشان که اسامی و روایات آن ها را در *فیض القدیر* ذکر کرده‌ام.

واقعهٔ غدیر خم

و امّا مجمل واقعهٔ غدیر که از روایات و احادیث اهل سنّت ملخّص می‌شود این است که: اوّلاً، حق تعالی وحی فرستاد به حضرت رسالت‌مآب ﷺ که مولائیّت جناب امیر المؤمنینؑ را به خلق رساند، و آن حضرت از تبلیغ آن خوف نمود که مبادا مردم فتنه و فساد آغاز نهند و از تنهایی

خود به جهت قلّت مخلصین تنگدل گردیده به علم الیقین دانست که مردم او را تکذیب خواهند کرد. پس به پروردگار خود عرض کرد که: «چگونه من این رسالت را برسانم و حال آن‌که تنها هستم؟» پس از حق تعالی فرمان رسید که: «ای رسول من برسان آن چه نازل کرده شد به سوی تو و اگر نرساندی پس تبلیغ نکردی رسالت را و خدا حفظ خواهد کرد تو را از مردم». و چون این فرمان هدایت بنیاد که غرض از آن اظهار نهایت جلالت و عظمت این رسالت بوده نازل شد، آن جناب به حکم الهی توقّف فرموده در غدیر خم که آن موضعی بوده که قابل نزول و توقّف در آن نبوده و هوا هم در غایت گرمی و حرارت بوده که مردم استظلال به دواب[1] می‌نمودند، و بعضی از شدّت حرارت زمین نصف ردای خود را در سر و نصف دیگر آن را در زیر پا فرش نمودند و نیز این موضع مشتمل بوده بر کثرت اشواک[2] و خس و خاشاک؛ پس آن حضرت حکم به صاف کردن آن موضع فرموده و منبری از جهاز شتر یا کجاوه‌ها ترتیب دادند و صحابه که در این وقت حاضر بودند، حسب بعضی روایات یک لک[3] و بیست هزار بودند ومعلوم بود که مثل این اجتماع بعد از این نخواهد شد که حجّ آخرین بود؛ و زمان زمانِ قرب ارتحال حضرت نبوی ﷺ از دار دنیا بود؛ پس آن جناب حکم به اجتماع مردم داد. چون مردم جمع شدند بر آن منبر تشریف برد و حَسَب بعضی از روایات خطبهٔ طویلهٔ بلیغه انشا فرمود، پس حضرت امیرالمؤمنین ؑ را بلند کرد به حدّی که بیاض زیر بغل اقدسش نمایان گردید و آن حضرت را همهٔ مردم دیدند.

پس حضرت رسالت پناه ﷺ فرمود که: «ای مردم به تحقیق که خبر داد مرا خدای تعالی که عمر نمی‌کند هیچ پیغمبری مگر نصف عمر آن پیغمبر که پیش از او بوده و من گمان دارم که عن قریب خوانده شوم پس اجابت دعوت حق تعالی نمایم و من سؤال کرده خواهم شد و شما نیز سؤال کرده خواهید شد، پس شما چه خواهید گفت؟»

مردمان عرض کردند که: گواهی می‌دهیم به آن که تو تبلیغ کردی و کوشش فرمودی و نصیحت نمودی حق تعالی تو را جزای خیر دهد. چون به این معنی اعتراف کردند آن حضرت فرمود که: «آیا گواهی نمی‌دهید که خدایی نیست سوای خدای بر حق و محمّد ﷺ بنده و رسول اوست و جنّت و نار حقّ است و موت و بعث حق است و روز قیامت آمدنی است شکّی در آن نیست و پروردگار مبعوث خواهد فرمود مردگان را از قبور؟»

مردم گفتند که: بلی گواهی می‌دهیم به این‌ها. و هرگاه که بر این امور که مشتمل بر اصول دینیّه

---

۱. استظلال = سایه گزیتی، از گرما پناه جستن به سایه. دواب: چهارپایان مانند شتر، اسب، قاطر، الاغ.

۲. اشواک: جمع شوک، خارها.

۳. لک معادل صد هزار.

جز امامت بود اعتراف و اقرار از مردم گرفت حق تعالی را مخاطب خود ساخت و عرض کرد که: «بار الها گواه باش».

و باز خطاب به مردم کرده فرمود که: «ای مردم به تحقیق که من اولی به شما از نفس‌های شما نیستم[۱]؟» عرض کردند: بلی.

پس حضرت فرمود که: «به تحقیق که حق تعالی مولای من است و من مولای مؤمنان هستم و اولی هستم از ایشان، پس کسی که من مولای او هستم پس علی مولای اوست».

پس دعا در حقّ موالیان و معادیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به موالات و معادات[۲] نمود و باز به تمسّک ثقلین یعنی قرآن شریف و اهل بیت خود حکم فرمود و اظهار نمود که ایشان به حکم الهی از هم جدا نخواهند شد تا روز قیامت، و چون جناب رسالت مآب صلی الله علیه و آله این رسالت رسانید آیهٔ شریفهٔ:

«اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ
وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً»

نازل شد؛ یعنی به جهت ابلاغ این رسالت حق تعالی فرمود که: «امروز کامل کردم برای شما دین شما را، و اتمام نمودم بر شما نعمت خود را، و پسندیدم برای شما دین اسلام را».

پس مولائیّت جناب امیر المؤمنین علیه السلام را موجب کمال دین و تمام نعمت و پسندیدن دین اسلام قرار داد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد نزول این آیه فرمود: «اللّٰه اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و راضی شدن پروردگار به رسالت من و ولایت علیّ بن ابی طالب علیه السلام بعد از من».

پس حسّان بن ثابت به استجازت حضرت سیّد البشر، اشعاری چند در واقعهٔ غدیر انشاد کرد که از آن جمله این بیت است:

فَقالَ لَهُ قُمْ يا عَلِيُّ فَإِنَّني رَضِيتُكَ مِنْ بَعدي إماماً وَهادياً

پس حضرت او را استحسان فرمود. پس خلیفه ثانی، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را به حصول مرتبت مولائیّت تهنیت نمود و گفت: هَنيئاً لَكَ يابنَ أبي طالب أصبحتَ مَولى كُلِّ مُؤمِنٍ وَمُؤمِنَة. و به حسب بعضی روایات: أَصْبحتَ مَولايَ وَمولى كُلِّ مُؤمِنٍ و مُؤمِنَة. و به روایت دارقطنی و عاصمی

---

۱. ای مردم، آیا من بر شما حتی از خود شما سزاوارتر نیستم؟
۲. برای پیروان امیرمؤمنان علی علیه السلام به نیکی و خیر، و برای دشمنان او به بدی و ناکامی، دعا فرمود.

خلیفهٔ اوّل نیز شریک ثانی گردید در ادای تهنیت.

در اعمال روز غدیر

و امّا اعمال این روز شریف پس چند چیز است:

اوّل: روزه داشتن است.

دوّم: غسل کردن است.

سوّم: زیارت حضرت امیر المؤمنین ﷺ است و زیارات مخصوصهٔ آن حضرت در این روز در باب پنجم به شرح رفت.

چهارم: مسرّت و شادی و شاد کردن مؤمنان و شکر الهی بجا آوردن به جهت این نعمت عظیم که اشاره شد به آن و صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد ﷺ و اکثار در عبادات و طاعات و افطار دادن روزه داران و توسعه دادن بر عیال، و تهنیت و مبارک باد گفتن به این کلمات:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلايَةِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ وَالْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ

پنجم: خواندن نماز این روز، و کیفیّت مشهورش آن است که نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت بجا آورد و در هر رکعت سورهٔ «حمد» یک مرتبه و «قل هو اللّه» و «انّا انزلناه» و «آیة الکرسی» هر یک را ده مرتبه بخواند و بهتر آن که دعای معروف را که اوّلش این است: «رَبَّنا اِنَّنا سمعنا منادیاً... الیٰ آخِره»، بعد از نماز بخواند و اگر این عمل دشوار باشد، به این روایت عمل کند که شیخ مفید و محمّد بن المشهدی و دیگران از حضرت صادق ﷺ روایت کرده‌اند که: «هرکه در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک به زوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول ﷺ حضرت امیر المؤمنین ﷺ را در غدیر خم برای مردم به امامت و خلافت نصب کرد بهتر است، یعنی به هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اوّل «اِنّا أنزلناه» و در رکعت دوّم «قل هو اللّه» بخواند ــ چنانچه در روایت معتبره دیگر وارد شده است ــ بهتر است؛ پس به سجده رو و صد مرتبه «شُكْراً لِلّٰهِ» یا «شُكْراً» بگوید وچون سر از سجده بردارد این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، وَاَنَّكَ واحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ[1] كُفُواً اَحَدٌ، وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ

---

۱. لَكَ ط.

وَرَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۞ يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ كَما كانَ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِاَنْ جَعَلْتَني مِنْ اَهْلِ اِجابَتِكَ وَاَهْلِ دينِكَ وَاَهْلِ دَعْوَتِكَ ۞ وَوَفَّقْتَني لِذلِكَ في مُبْتَدَءِ خَلْقي تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكَرَماً وَجُوداً ۞ ثُمَّ اَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً وَالْجُودَ جُوداً وَالْكَرَمَ كَرَماً رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً ۞ اِلىٰ اَنْ جَدَّدْتَ ذٰلِكَ الْعَهْدَ لي تَجْديداً بَعْدَ تَجْديدِكَ خَلْقي ۞ وَكُنْتُ نَسْياً مَنْسِياً ناسِياً ساهِياً غافِلاً فَاَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِاَنْ ذَكَّرْتَني ذٰلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَني لَهُ ۞ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يا اِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ اَنْ تُتِمَّ لي ذٰلِكَ وَلا تَسْلُبَنيهِ حَتّىٰ تَتَوَفّاني عَلىٰ ذٰلِكَ وَاَنْتَ عَنّي راضٍ ۞ فَاِنَّكَ اَحَقُّ الْمُنْعِمينَ اَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ.

اللّٰهُمَّ سَمِعْنا وَاَطَعْنا وَاَجَبْنا داعِيَكَ بِمَنِّكَ ۞ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا وَاِلَيْكَ الْمَصيرُ ۞ آمَنّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَصَدَّقْنا وَاَجَبْنا داعِيَ اللّٰهِ ۞ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ في مُوالاةِ مَوْلانا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنينَ اَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ عَبْدِاللّٰهِ وَاَخي رَسُولِهِ وَالصِّدّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْحُجَّةِ عَلىٰ بَرِيَّتِهِ ۞ الْمُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيُّهُ وَدينُهُ الْحَقُّ الْمُبينُ ۞ عَلَماً لِدينِ اللّٰهِ ۞ وَخازِناً لِعِلْمِهِ ۞ وَعَيْبَةَ غَيْبِ اللّٰهِ ۞ وَمَوْضِعَ سِرِّ اللّٰهِ ۞ وَاَمينَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ۞ وَشاهِدَهُ في بَرِيَّتِهِ.

اللّٰهُمَّ ﴿رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادي لِلْاِيمانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا ۞ رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ ۞ رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلىٰ رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ﴾ ۞ فَاِنّا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ اَجَبْنا داعِيَكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ وَصَدَّقْنا مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ وَكَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ ۞ فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا ۞ وَاحْشُرْنا مَعَ

اَئِمَّتِنا. فَاِنّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ. آمَنّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ. وَرَضِينا بِهِمْ اَئِمَّةً وَقادَةً وَسادَةً. وَحَسْبُنا بِهِمْ بَيْنَنا وَبَيْنَ اللّهِ دُونَ خَلْقِهِ. لا نَبْتَغي بِهِمْ بَدَلاً. وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً. وَبَرِئْنا اِلَى اللّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرِينَ. وَكَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالْاَوْثانِ الْاَرْبَعَةِ وَاَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ. وَكُلِّ مَنْ والاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلى آخِرِهِ.

اَللّهُمَّ اِنّا نُشْهِدُكَ اَنّا نَدينُ بِما دانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. وَقَوْلُنا ما قالُوا. وَدينُنا ما دانُوا بِهِ. ما قالُوا بِهِ قُلْنا. وَما دانُوا بِهِ دِنّا. وَما اَنْكَرُوا اَنْكَرْنا. وَمَنْ والَوْا والَيْنا. وَمَنْ عادَوْا عادَيْنا. وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنّا. وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنا مِنْهُ. وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنا عَلَيْهِ. آمَنّا وَسَلَّمْنا وَرَضِينا وَاتَّبَعْنا مَوالِيَنا صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِمْ.

اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنا ذلِكَ وَلا تَسْلُبْناهُ. وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً. وَاَحْيِنا ما اَحْيَيْتَنا عَلَيْهِ. وَاَمِتْنا اِذا اَمَتَّنا عَلَيْهِ. آلُ مُحَمَّدٍ اَئِمَّتُنا. فَبِهِمْ نَأْتَمُّ. وَاِيّاهُمْ نُوالي. وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللّهِ نُعادي. فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ فَاِنّا بِذلِكَ راضُونَ. يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس باز به سجده رود و صد مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّهِ» و صد مرتبه «شُكْراً لِلّهِ» بگوید. پس حضرت فرمود: «هر کس این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله حاضر شده و با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر ولایت آن حضرت بیعت کرده باشد، و درجهٔ او در بهشت با درجهٔ راست‌گویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول صلی الله علیه و آله در آن روز از روی اخلاص کردند، مانند: سلمان و ابوذر و مقداد، وماتند

کسی باشد که شهید شده با حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر المؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام، و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الأمر علیه السلام و در زیر خیمهٔ آن حضرت از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان بوده باشد».

دعای روز عید غدیر خم

و ایضاً شیخ مفید رحمه الله روایت کرده که سنّت است این دعا را در روز عید غدیر بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ، وَالشَّأْنِ وَالْقَدْرِ الَّذي خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَاَنْ تَبْدَأَ بِهِما في كُلِّ خَيْرٍ عاجِلٍ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقادَةِ، وَالدُّعاةِ السّادَةِ، وَالنُّجُومِ الزّاهِرَةِ، وَالْاَعْلامِ الْباهِرَةِ، وَساسَةِ الْعِبادِ، وَاَرْكانِ الْبِلادِ، وَالنّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ، وَالسَّفينَةِ النّاجِيَةِ الْجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغامِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزّانِ عِلْمِكَ، وَاَرْكانِ تَوْحيدِكَ، وَدَعائِمِ دينِكَ، وَمَعادِنِ كَرامَتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، الْاَتْقِياءِ الْاَنْقِياءِ، النُّجَباءِ الْاَبْرارِ، وَالْبابِ الْمُبْتَلىٰ بِهِ النّاسُ، مَنْ اَتاهُ نَجا، وَمَنْ اَباهُ هَوىٰ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّكْرِ الَّذينَ اَمَرْتَ بِمَسْاَلَتِهِمْ، وَذَوِي الْقُرْبىٰ الَّذينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ آثارَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَمَرُوا بِطاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَدَلُّوا عِبادَكَ عَلىٰ وَحْدانِيَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَاَمينِكَ وَرَسُولِكَ اِلىٰ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ

أميرِالْمُؤْمِنينَ وَيَعْسُوبِ الدّينِ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدّيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالشّاهِدِ لَكَ، وَالدّالِّ عَلَيْكَ، وَالصّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالْمُجاهِدِ في سَبيلِكَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَني في هٰذَا الْيَوْمِ الَّذي عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ في أَعْناقِ خَلْقِكَ وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ مِنَ الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقِرّينَ بِفَضْلِهِ، وَمِنْ عُتَقائِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ، وَلا تُشْمِتْ بي حاسِدي النِّعَمِ.

اللّٰهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ عيدَكَ الْأَكْبَرَ، وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّماءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْميثاقِ الْمَأْخُوذِ، وَالْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنا، وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا، وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، وَاجْعَلْنا لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشّاكِرينَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي عَرَّفَنا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ، وَبَصَّرَنا حُرْمَتَهُ، وَكَرَّمَنا بِهِ، وَشَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدانا بِنُورِهِ.

يا رَسُولَ اللّٰهِ، يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ، عَلَيْكُما وَعَلىٰ عِتْرَتِكُما وَعَلىٰ مُحِبّيكُما مِنّي أَفْضَلُ السَّلامِ ما بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَبِكُما أَتَوَجَّهُ إِلَى اللّٰهِ رَبّي وَرَبِّكُما في نَجاحِ طَلِبَتي وَقَضاءِ حَوائِجي وَتَيْسيرِ أُمُوري.

اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هٰذَا الْيَوْمِ وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ سَبيلِكَ لِإِطْفاءِ نُورِكَ، فَأَبَى اللّٰهُ إِلّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ.

اللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَاكْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنينَ الْكُرُباتِ، اللّٰهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، وَأَنْجِزْ لَهُمْ ما وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.

در فضیلت و اعمال روز مباهله

روز بیست و چهارم این ماه [ذی‌الحجة] بنا بر اشهر روز مباهله است، و بعضی روز بیست و پنجم، و بعضی بیست و هفتم این ماه گفته‌اند. و اگر در هر یک از این دو روز بلکه در روز بیست و سوّم نیز اعمال این روز را بجا آورند نیک است.

و سبب فضیلت روز مباهله به طور اختصار آن است که: چون حضرت رسول‌ﷺ رسولان فرستاد به سوی نصارای نجران که اعظم‌تر سایان عرب بودند و ایشان به کتب خود رجوع کردند و اوصاف آن حضرت را در جمیع کتب انبیا مشاهده کردند، حبّ دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عُظَمای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت رسول‌ﷺ دیده‌اند مشاهده نمایند و به مدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول‌ﷺ حجّت‌های شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان به سبب حبّ ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن. و حق تعالی آیهٔ مباهله را فرستاد؛ پس حضرت رسول‌ﷺ عبا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین‌ﷺ را در زیر عبا داخل کرد و گفت: «پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص‌ترین خلق بوده‌اند به او؛ خداوندا اینها اهل بیت من هستند، پس از ایشان بر طرف کن شکّ و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی[1]». پس جبرئیل نازل شد و آیهٔ تطهیر را در شأن ایشان آورد. پس حضرت رسول‌ﷺ این چهار بزرگوار را بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقّیت آن حضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد، و عالم بزرگ ایشان گفت: به خدا قسم که من روی چندی می‌بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جای خود کنده شود، هر آینه کنده خواهد شد. جرأت مباهله نکردند و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و بنا شد که هر سال جزیه دهند. پس حضرت به امر الهی قبول فرموده، نفرین نکرده و جزیه قرار داد.

این مختصر قضیّه است وعلمای شیعه و سنّی آن را ضبط نموده‌اند و فواید بی‌شمار و فضایل بسیار از برای اهل بیت آن حضرت به خصوص برای امیر المؤمنین‌ﷺ از این واقعه استنباط نموده‌اند. و زمخشری در *کشّاف* و محمّد بن طلحهٔ شافعی در *مطالب السّئول* به بسیاری از آن اشاره نموده‌اند و [این] رساله را گنجایش ذکر آن‌ها نیست.

---

۱. پاک پاکشان کن.

و نیز از جمله اموری که در این روز واقع شده و باعث مزید فضل آن گشته، آن است که حضرت امیر المؤمنین﷣ در این روز انگشتر خود را به سائل بخشید در حال نماز و آیهٔ کریمهٔ ﴿إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ﴾ که نصّ صریح بر امامت اوست نازل شد، و امامت آن حضرت بر اصحاب بصیرت هویدا گردید.

در اعمال روز مباهله

و از برای این روز چند عمل است:

اوّل: غسل است.

دوّم: دو رکعت نماز پیش از زوال به نیم ساعت، و در هر رکعت بعد از «حمد» هر یک از سورهٔ «توحید» و «آیة الکرسی» و «انّا انزلناه» ده مرتبه خوانده شود؛ و روایت شده که این عمل برابر است با صد هزار حجّ و صد هزار عمره و عامل به آن هر حاجتی از حاجت‌های دنیا و آخرت که از حق تعالی سؤال کند بر آورده شود، هر چند عظیم باشد.

سوّم: خواندن دعای مباهله است که اوّلش این است: «اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهائِكَ بِأَبْهاهُ» و این دعا شبیه است به دعای سحرهای ماه مبارک رمضان [در صفحه ۵۰۶] و دعای روزهای آن و دعای بسیار شریفی است.

چهارم: عملی است که شیخ طوسی و دیگران روایت کرده‌اند و گفته‌اند که: روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجّه است، و در این روز آن چه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگو، پس می‌ایستی و به موضع سجود خود نظر می‌کنی و این دعا می‌خوانی و باید که با غسل باشی. و به روایت دیگر این روز را روزه بدار برای شکر خدای تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود بپوش و به آن چه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن، و باید که به آرام دل و به آرام تن باشی، و اگر در یکی از مشاهد مُشرّفه باشی نزد آن ضریح مقدّس حاضر شوی و الّا به جای خلوتی بروی یا بر کوهی بلند یا به صحرایی بروی. و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامه‌های خود را بپوشد و چون به محلّ دعا خواندن داخل شود، دو رکعت نماز کند با آداب و شرایط و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و به جانب آسمان نظر کند و این دعا بخواند، و بعد از آن فرمود که: پس هر دعایی که خواهی بکنی، پس دو رکعت نماز بکن و دعا بکن و دعا این است:

دعای روز مباهله

الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ. الْحَمْدُ لِلّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَما فِي الْاَرْضِ. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُماتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي عَرَّفَني ما كُنْتُ بِهِ جاهِلاً وَلَوْلا تَعْريفُهُ اِيّايَ لَكُنْتُ هالِكاً. اِذْ قالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ: «قُلْ لا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْراً اِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» فَبَيَّنَ لِيَ الْقَرابَةَ. وَقالَ سُبْحانَهُ: «اِنَّما يُريدُ اللّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً» فَبَيَّنَ لي اَهْلَ الْبَيْتِ بَعْدَ الْقَرابَةِ. ثُمَّ قالَ تَعالى مُبَيِّناً عَنِ الصّادِقينَ الَّذينَ اَمَرَنا بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ وَالرَّدِّ اِلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ سُبْحانَهُ: «يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقينَ». فَاَوْضَحَ عَنْهُمْ وَاَبانَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَناؤُهُ: «فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ اَبْناءَنا وَاَبْناءَكُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَكُمْ وَاَنْفُسَنا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّهِ عَلَى الْكاذِبينَ». فَلَكَ الشُّكْرُ يا رَبِّ وَلَكَ الْمَنُّ حَيْثُ هَدَيْتَني وَاَرْشَدْتَني حَتّى لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ الْاَهْلُ وَالْبَيْتُ وَالْقَرابَةُ. فَعَرَّفْتَني نِساءَهُمْ وَاَوْلادَهُمْ وَرِجالَهُمْ.

اللّهُمَّ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذلِكَ الْمَقامِ الَّذي لا يَكُونُ اَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلاً لِلْمُؤْمِنينَ وَلا اَكْثَرَ رَحْمَةً لَهُمْ. بِتَعْريفِكَ اِيّاهُمْ شَأْنَهُ وَاِبانَتِكَ فَضْلَ اَهْلِهِ. الَّذينَ بِهِمْ اَدْحَضْتَ باطِلَ اَعْدائِكَ وَثَبَّتَّ بِهِمْ قَواعِدَ دينِكَ. وَلَوْلا هذَا الْمَقامُ الْمَحْمُودُ الَّذي اَنْقَذْتَنا بِهِ وَدَلَلْتَنا عَلَى اتِّباعِ الْمُحِقّينَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الصّادِقينَ عَنْكَ. الَّذينَ عَصَمْتَهُمْ مِنْ لَغْوِ الْمَقالِ وَمَدانِسِ الْاَفْعالِ لَخَصِمَ اَهْلُ الْاِسْلامِ. وَظَهَرَتْ كَلِمَةُ اَهْلِ الْاِلْحادِ وَفِعْلُ اُولِي الْعِنادِ. فَلَكَ

الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلىٰ نَعْمائِكَ وَأَيادِيكَ. اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذينَ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا طاعَتَهُمْ. وَعَقَدْتَ في رِقابِنا وِلايَتَهُمْ. وَأَكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِمْ. وَشَرَّفْتَنا بِاتِّباعِ آثارِهِمْ. وَثَبَّتَّنا بِالْقَوْلِ الثّابِتِ الَّذي عَرَّفُوناهُ. فَأَعِنّا عَلَى الْأَخْذِ بِما بَصَّرُونا. وَاجْزِ مُحَمَّداً عَنّا أَفْضَلَ الْجَزاءِ بِما نَصَحَ لِخَلْقِكَ. وَبَذَلَ وُسْعَهُ في إِبْلاغِ رِسالاتِكَ. وَأَخْطَرَ بِنَفْسِهِ في إِقامَةِ دينِكَ. وَعَلىٰ أَخيهِ وَوَصِيِّهِ. وَالْهادي مِنْ بَعْدِهِ إِلىٰ دينِهِ. وَالْمُقيمِ سُنَّتَهُ. عَلِيٍّ أَميرِالْمُؤْمِنينَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ. وَصَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ أَبْنائِهِ الصّادِقينَ الَّذينَ وَصَلْتَ طاعَتَهُمْ بِطاعَتِكَ. وَأَدْخِلْنا بِشَفاعَتِهِمْ دارَ الْكَرامَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اللّهُمَّ هٰؤُلاءِ أَصْحابُ الْكِساءِ وَالْعَباءِ يَوْمَ الْمُباهَلَةِ. اللّهُمَّ اجْعَلْهُمْ شُفَعاءَنا. وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذٰلِكَ الْمَقامِ الْمَحْمُودِ وَالْيَوْمِ الْمَشْهُودِ أَنْ تَغْفِرَ لي وَتَتُوبَ عَلَيَّ. إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

اللّهُمَّ إِنّي أَشْهَدُ أَنَّ أَرْواحَهُمْ وَأَجْسادَهُمْ وَطينَتَهُمْ واحِدَةٌ. وَهِيَ الشَّجَرَةُ الَّتي طابَ أَصْلُها وَفَرْعُها وَأَغْصانُها وَأَوْراقُها. اللّهُمَّ ارْحَمْنا بِحَقِّهِمْ. وَأَجِرْنا مِنْ مَواقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ بِوِلايَتِهِمْ. وَأَوْرِدْنا مَوْرِدَ الْأَمْنِ مِنْ أَهْوالِ يَوْمِ الْقِيامَةِ بِحُبِّهِمْ. وَإِقْرارِنا بِفَضْلِهِمْ. وَاتِّباعِنا آثارَهُمْ. وَاهْتِدائِنا بِهُداهُمْ. وَاعْتِقادِنا ما عَرَّفُوناهُ مِنْ تَوْحيدِكَ. وَوَقَّفُونا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظيمِ شَأْنِكَ وَتَقْديسِ أَسْمائِكَ وَشُكْرِ آلائِكَ. وَنَفْيِ الصِّفاتِ أَنْ تَحُلَّكَ. وَالْعِلْمِ أَنْ يُحيطَ بِكَ. وَالْوَهْمِ أَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ. فَإِنَّكَ أَقَمْتَهُمْ حُجَجاً عَلىٰ خَلْقِكَ وَدَلائِلَ عَلىٰ تَوْحيدِكَ. وَهُداةً تُنَبِّهُ عَلىٰ أَمْرِكَ. وَتَهْدي إِلىٰ دينِكَ. وَتُوضِحُ ما أَشْكَلَ عَلىٰ عِبادِكَ. وَباباً لِلْمُعْجِزاتِ الَّتي يَعْجِزُ عَنْها غَيْرُكَ. وَبِها تُبَيِّنُ

حُجَّتَكَ وَتَدْعُو إِلَىٰ تَعْظِيمِ السَّفِيرِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ، وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ غَوامِضَ تَأْوِيلِكَ، رَحْمَةً لِخَلْقِكَ، وَلُطْفاً بِعِبادِكَ، وَحَناناً عَلىٰ بَرِيَّتِكَ، وَعِلْماً بِما تَنْطَوِي عَلَيْهِ ضَمائِرُ أُمَنائِكَ وَما يَكُونُ مِنْ شَأْنِ صَفْوَتِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ في مَنْشَئِهِمْ وَمُبْتَدَئِهِمْ، وَحَرَسْتَهُمْ مِنْ نَفْثِ نافِثٍ إِلَيْهِمْ، وَأَرَيْتَهُمْ بُرْهاناً عَلىٰ مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ، فَاسْتَجابُوا لِأَمْرِكَ، وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطاعَتِكَ، وَمَلَؤُوا أَجْزاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ، وَعَمَّرُوا قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ، وَجَزَّؤُوا أَوْقاتَهُمْ فِيما يُرْضِيكَ، وَأَخْلَوْا دَخائِلَهُمْ مِنْ مَعارِيضِ الْخَطَراتِ الشّاغِلَةِ عَنْكَ، فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكامِنَ لِإِرادَتِكَ، وَعُقُولَهُمْ مَناصِبَ لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَأَلْسِنَتَهُمْ تَراجِمَةً لِسُنَّتِكَ، ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ، حَتّىٰ فَضَّلْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِ زَمانِهِمْ وَالْأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ، فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ كِتابَكَ، وَأَمَرْتَنا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ، وَالرَّدِّ إِلَيْهِمْ، وَالْاسْتِنْباطِ مِنْهُمْ.

اللّٰهُمَّ فَإِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِكِتابِكَ، وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ، الَّذِينَ أَقَمْتَهُمْ لَنا دَلِيلاً وَعَلَماً، وَأَمَرْتَنا بِاتِّباعِهِمْ.

اللّٰهُمَّ فَإِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِهِمْ فَارْزُقْنا شَفاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخائِبُونَ: ﴿فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾، وَاجْعَلْنا مِنَ الصّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمُ الْمُنْتَظِرِينَ لِأَيّامِهِمْ، النّاظِرِينَ إِلىٰ شَفاعَتِهِمْ، وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَعَلىٰ أَخِيهِ وَصِنْوِهِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَقِبْلَةِ الْعارِفِينَ، وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ، وَثانِي الْخَمْسَةِ الْمَيامِينِ الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْأَمِينُ، وَباهَلَ اللّٰهُ تَعالىٰ بِهِمُ الْمُباهِلِينَ، فَقالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقائِلِينَ: ﴿فَمَنْ

حاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَكُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَكُمْ وَأَنْفُسَنا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّهِ عَلَى الْكاذِبِينَ» • ذٰلِكَ الْإِمامُ الْمَخْصُوصُ بِمُوالاتِهِ[1] يَوْمَ الْإِخاءِ • وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ الطَّوىٰ • وَمَنْ شَكَرَ اللّهُ سَعْيَهُ في هَلْ أَتىٰ • وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعادُوهُ • وَأَقَرَّ بِمَناقِبِهِ جاحِدُوهُ • مَوْلَى الْأَنامِ • وَمُكَسِّرُ الْأَصْنامِ • وَمَنْ لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ • صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهارِ • وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجارُ • وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ • وَالْحُجَجِ الْواضِحاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ.

و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز مباهله مناسب است، و علّامهٔ مجلسی فرموده که خواندن زیارت جامعه مناسب است.

اعمال روزهای آخر ذی الحجّه

روز بیست و پنجم این ماه نیز از ایّام متبرّکه است، و مشهور آن است که سورهٔ مبارکه «هل اتی» در شأن حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام در این روز نازل شده به سبب آن که حسنین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله به عیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام نذر کنند که اگر خدا ایشان [حسنین علیهما السلام] را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند. و چون حق تعالی عافیت کرامت فرمودند، پس آن چهار بزرگوار با فضّه ـ خادمهٔ ایشان ـ روزه گرفتند و نداشتند چیزی که به آن افطار نمایند. پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه علیها السلام هر روز ثلث آن پشم را بریسد و یک صاع از آن جو را به مزد خود بردارد، پس حضرت فاطمه علیها السلام در روز اوّل ثلث آن پشم را رشت و صاعی به مزد برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول صلی الله علیه و آله نماز شام کرد و به خانه برگشت و حضرت فاطمه علیها السلام پنج گرده نان را حاضر کرد، و خواستند که افطار نمایند. مسکینی بر در خانه ندا کرد: السّلام علیکم ای اهل

---

۱. بِمُؤاخاتِهِ خ ل.

بیت محمّدﷺ من مسکینم از مساکین مسلمانان مرا اطعام دهید تا خدا شما را از مائده‌های بهشت طعام دهد. پس حضرت امیرؑ ابتدا کرد و فرمود: «من نان خود را به مسکین می‌دهم» و سایر اهل بیتؑ با فضّه با آن حضرت موافقت کرده نان‌های خود را به سائل دادند و به آب افطار کردند.

و روز دیگر را روزه داشتند باز حضرت فاطمهؑ ثلث پشم را رشته و یک صاع جو را نان کرده و شب خواستند افطار کنند، یتیمی از اولاد مهاجرین در خانه آمد و همگی نان‌های خود را به او دادند و به آب افطار کردند.

و در روز سوّم نیز روزه داشتند وحضرت فاطمهؑ بقیهٔ پشم را رشته و یک صاع جو را به مزد برداشته و آرد کرده و نان نموده، تا وقت شب که خواستند افطار کنند، اسیری از اسیران کافران بر در خانه آمده و سؤال کرده آن بزرگواران به نحو شب‌های سابق، گرده‌های نان را به سائل دادند و به آب افطار کردند. و چون صبح شد حق تعالی سورهٔ کریمهٔ «هَل أتیٰ» را در شأن ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره به این قصّه فرموده که ﴿یُوفُونَ بِالنَّذْرِ﴾ پس حضرت رسولﷺ به خانهٔ اهل بیت طاهرهٔ خود آمد و ایشان را با آن شدّت گرسنگی و آن حالت غریب مشاهده نمود، گریست و فرمود که: «این چه حالت است که در شما می‌بینم و حسنین خود را دید که از نقاهت بیماری و گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید می‌لرزند و حضرت فاطمهؑ در محراب عبادت ایستاده بود از گرسنگی شکم مبارکش به پشت چسبیده بود و چشم‌هایش فرو رفته بود. چون از نماز فارغ شد، حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمهؑ فرستاد که در آن کاسه بود و گوشت و ترید گرم در آن میان بود که می‌جوشید و بویی بهتر از مشک از آن ساطع بود. پس حضرت فاطمهؑ آن خوان را به نزد حضرت رسولﷺ آورد، حضرت فرمود: «ای فاطمه این را از کجا آوردی؟» گفت: «از جانب خدا آمده است خدا هرکه را خواهد، بی‌حساب روزی می‌دهد». حضرت فرمود که: «الحمد للّه از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم». پس از آن تناول نمودند و تا هفت روز از آن طعام می‌خوردند و آخر نمی‌شد. و سنّیان نیز این قضیّه را قبول دارند و به طرق بسیار نقل کرده‌اند.

و مناسب است که شیعیان اهل بیتؑ در این ایّام تأسّی کنند به موالیان خود در تصدّق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان؛ و اعمال روز مباهله در این روز نیز مناسب است؛ و شیخ مفید گفته است که مستحبّ است که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول «هل أتی» در شأن آل عباؑ.

و روز بیست و ششم، بنابر مشهور روزی است که ابو لؤلؤه بر خلیفهٔ دوّم اهل سنّت زخم زده.

و روز بیست و هفتم، مروان که آخر خلفای بنی امیّه است هلاک شده، و دولت بنی امیّه بر طرف شده. و بعضی گفته‌اند که این روز روز ولادت امام علی نقی عليه السلام بوده. پس روز بسیار شریفی است و شکر الهی را بجا باید آورد.

و روز بیست و نهم، خلیفهٔ ثانی از دنیا رفته بنابر مشهور بین اهل تاریخ.

نماز و دعای آخر ماه ذی الحجّه

و روز آخر ذی الحجّه، که آخر سال عرب است وارد شده که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و ده مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه احد» و ده مرتبه «آیة الکرسی» بخواند و بعد از سلام این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ ما عَمِلْتُ في هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَني عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ، وَنَسيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَني اِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائي عَلَيْكَ، اَللّٰهُمَّ فَاِنّي اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لي، وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُني اِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنّي، وَلا تَقْطَعْ رَجائي مِنْكَ ياكَريمُ.



در بیان اعمال ماه محرّم است

از حضرت امام رضا عليه السلام مروی است که: «حضرت رسول صلى الله عليه وآله در روز اوّل ماه محرّم دو رکعت نماز می‌کردند، و چون از نماز فارغ می‌شدند دست به دعا بر می‌داشتند و سه مرتبه این دعا را می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَديمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَديدَةٌ، فَاَسْاَلُكَ فيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطانِ، وَالْقُوَّةَ عَلىٰ هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمّارَةِ بِالسُّوءِ، وَالْاِشْتِغالَ بِما يُقَرِّبُني اِلَيْكَ ياكَريمُ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ، يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، يا ذَخيرَةَ

مَنْ لا ذَخیرَةَ لَهُ. یا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ. یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ لَهُ. یا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ. یاکَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ لَهُ. یا حَسَنَ الْبَلاءِ. یا عَظیمَ الرَّجاءِ. یا عِزَّ الضُّعَفاءِ. یا مُنْقِذَ الْغَرْقیٰ. یا مُنْجِيَ الْهَلْکیٰ. یا مُنْعِمُ یا مُجْمِلُ یا مُفْضِلُ یا مُحْسِنُ. اَنْتَ الَّذي سَجَدَ لَكَ سَوادُ اللَّیْلِ وَنُورُ النَّهارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْماءِ وَحَفیفُ الشَّجَرِ. یا اَللهُ لا شَریكَ لَكَ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا خَیْراً مِمّا یَظُنُّونَ. وَاغْفِرْ لَنا ما لا یَعْلَمُونَ. وَلا تُؤاخِذْنا بِما یَقُولُونَ. حَسْبِيَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ. آمَنّا بِهِ. کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا. وَما یَذَّکَّرُ اِلّا اُولُوا الْاَلْبابِ. رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ.

و چون حضرت سیّد الشّهدا در دهم این ماه به سعادت شهادت فایز گردیده و در اکثر این دهه محزون و غمگین بوده‌اند و اخبار موحشه به ایشان می‌رسیده، باید که شیعیان ایشان در مجموع این دهه به لوازم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و محزون باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند. و بعضی از علما گفته‌اند که ترک بعضی از لذاید بکنند. و از حضرت امام رضا منقول است که فرمودند: «ماه محرّم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام می‌دانستند و منافقان این امّت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه‌های ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسول را در باب ما رعایت نکردند، به درستی که مصیبت امام حسین چشم‌های ما را مجروح گردانید و آب دیده‌های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل گردانید، و واقعهٔ کربلا کرب و بلا از برای ما مهیّا کرد تا روز قیامت، پس باید که بر مصیبت آن حضرت گریه کنندگان بگریند. به درستی که گریه بر آن حضرت گناهان بزرگ را بر طرف می‌کند». پس فرمود که: «پدرم امام موسی چون ماه محرّم داخل می‌شد کسی آن حضرت را خندان نمی‌دید و اثر حزن و اندوه بر آن حضرت ظاهر می‌شد در مجموع دههٔ اوّل ماه، و چون روز دهم می‌شد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود، و می‌گفت: امروز روز شهادت امام

حسین ﷺ است».

و حدیث ابن شبیب که مناسب این مقام است در باب چهارم [صفحه ۱۶۹] گذشت.

روز اوّل، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریّا را دربارهٔ اولاد مستجاب فرمود و حضرت یحیی را به او عطا کرد، چنانچه از حضرت امام رضا ﷺ روایت شده و فرمودند که: «هرکه این روز را روزه دارد و دعا کند حق تعالی دعای او را نیز مستجاب کند».

روز سوّم محرّم، روز مبارکی است، روزی است که حضرت یوسف از چاه بیرون آمده، و بعضی گفته‌اند که روزه‌اش برای آسانی کارهای صعب و زایل کردن غم‌ها نافع است.

روز پنجم، حضرت موسی بن عمران ﷺ از دریا عبور کرده.

روز هفتم، شیخ طوسی گفته که حق تعالی حضرت یونس را از شکم ماهی بیرون آورده و به قول شیخ مفید در روز نهم ماه بوده؛ و علّامهٔ مجلسی فرموده که بهتر آن است که روز نهم و دهم را روزه ندارد؛ زیرا که بنی امیّه این دو روز را از برای برکت و شماتت بر قتل آن حضرت روزه می‌داشته‌اند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزهٔ آن ها بر حضرت رسول ﷺ بسته‌اند؛ و از طریق اهل بیت ﷺ احادیث بسیار در مذمت روزهٔ این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده است.

شب دهم، باید احیا کرد به گریه و اندوه و حزن برای تأسّی به حضرت امام حسین ﷺ و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بی‌حیا تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیهٔ سعادت شهادت می‌کردند.

روز دهم، روز عاشوراست، باید که شیعیان مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند بلکه مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند و تعزیت حضرت امام حسین ﷺ را اقامه نمایند و به ماتم اشتغال نمایند؛ چنانچه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود اشتغال می‌نمایند، و از برای منزل خود چیزی ذخیره نکنند، و قاتلان حضرت امام حسین ﷺ را هزار مرتبه لعنت کنند؛ و از برای خواندن هزار مرتبه «قل هو اللّه احد» در آن روز فضیلت بسیار وارد شده. و در آن روز امساک کنند از خوردن و آشامیدن بی‌آن‌که قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از عصر افطار کنند به غذایی که اهل مصیبت می‌خورند، مثل ماست یا شیر و مثل این‌ها؛ نه آن‌که غذاهای لذیذه بخورند.

و امّا کیفیّت و فضیلت زیارت امام حسین ﷺ در این روز به تفصیل در باب چهارم [صفحه ۱۷۰] این رساله به شرح رفت.

روز دوازدهم، به قول شیخ شهید، وفات حضرت سجّاد ﷺ بوده.

روز هفدهم این ماه اصحاب فیل که به جهت خراب کردن کعبهٔ معظّمه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل شد؛ چنانچه شیخ طوسی فرموده.

و در هجدهم، بنا بر قول بعضی علما وفات حضرت امام زین العابدین ؑ بوده.

و در شب بیست و یکم، بنا بر قول شیخ مفید، زفاف حضرت فاطمه و حضرت امیر ؑ شده، و روز آن را باید روزه داشت برای شکر این نعمت عظمی.

روز بیست و پنجم این ماه بنا بر مشهور حضرت امام زین العابدین ؑ به عالم اعلی ارتحال فرموده.



فصل هشتم

در اعمال ماه صفر است

بدان که این ماه مشهور است به نحوست، و سبب نحوست آن یا به جهت آن است که وفات حضرت خاتم الأنبیا ﷺ در آن واقع شده، یا به جهت آن است که در این ماه شروع به قتال می‌شده، بعد از آن‌که در سه ماه متوالی قبل قتال حرام بوده، یا به جهت آن است که در این ماه وبایی واقع شده بوده که رنگ‌ها را زرد کرده بود و به این سبب آن را صفر نیز گفتند چنانچه بعضی متعرّض شده‌اند؛ به هر حال از برای دفع نحوست آن باید تصدّق و سایر اعمال خیریّه نمود.

و محدّث کاشانی در *خلاصة الاذکار* گفته که: کسی که خواهد از بلیّات این ماه محفوظ بماند روزی ده مرتبه این دعا را بخواند:

یا شَدیدَ الْقُویٰ وَیا شَدیدَ الْمِحالِ، یا عَزیزُ یا عَزیزُ یا عَزیزُ، ذَلَّتْ بِعَظَمَتِكَ[1] جَمیعُ خَلْقِكَ فَاكْفِني شَرَّ خَلْقِكَ، یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، یا لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ، فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنینَ، وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ.

روز اول ماه روز شهادت زید بن علی بن الحسین ؑ است، و در آن روز سر مبارک

---

۱. بِقُدْرَتِكَ خ ل.

حضرت امام حسین(ع) را وارد دمشق کردند.

نماز روز سوّم ماه صفر

روز سوّم، روزی است که مسلم بن عقبه آتش در خانهٔ کعبه زد به امر یزید بن معاویه لعنه اللّه، و سیّد ابن طاووس از بعضی از کتب معتبره نقل کرده که در این روز مستحبّ است که دو رکعت نماز بجا آورند، و در رکعت اوّل بعد از «حمد» سورهٔ «انّا فتحنا» بخوانند و در دوّم سوره «قل هو اللّه احد» و بعد از سلام صد مرتبه «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و صد مرتبه «اَللّٰهُمَّ الْعَنْ آلَ اَبي سُفْيانَ» و صد مرتبه «اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ» بگویند؛ و در این روز به قول جمعی از علما تولّد حضرت امام محمّد باقر(ع) بوده.

روز هفتم این ماه به قول بعضی وفات حضرت امام حسن مجتبی(ع) واقع شده.

روز شانزدهم، شهادت حضرت یحیی بن زکریّا واقع شده.

روز بیستم این ماه روز اربعین است؛ یعنی روز چهلم شهادت حضرت امام حسین(ع). شیخ مفید(ره) گفته که در این روز حرم حضرت ابی عبد اللّه الحسین(ع) از شام به سمت مدینه مراجعت کردند، و در همان روز جابر بن عبد اللّه انصاری که از صحابهٔ حضرت رسول(ص) است به کربلا آمد به جهت زیارت امام حسین(ع)؛ و او بود اوّل کسی که آن حضرت را زیارت کرده، انتهی.

و از برای امروز زیارتی وارد شده و حقیر در باب چهارم کتاب [صفحه ۱۹۲] نقل کردم به آن جا رجوع شود.

روز بیست و هشتم، بنابر مشهور روز وفات حضرت سیّد الأنبیا(ص) بوده، و شیخ طوسی و مفید و جمعی دیگر گفته‌اند که شهادت امام حسن مجتبی(ع) نیز در این روز واقع شده؛ پس قیام به مراسم تعزیهٔ این دو بزرگوار و زیارت از نزدیک و دور مناسب است.

و روز چهارشنبه آخر این ماه به نحوست مشهور است و اصلی از برای آن در احادیث به دست نیامده، مگر آن احادیث که در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصاً چهارشنبهٔ آخر ماه وارد شده. بلی چون این ماه حسب آن چه گذشت به نحوست شهرت گرفته، شاید که چهارشنبهٔ آخر آن از چهارشنبه‌های دیگر نحوستش بیشتر باشد. اگر در آن روز از قبیل احتراز از طیره[1] استدفاع بلایا به تصدّقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه(ع) وارد شده است بکنند و توکّل کنند بر جناب

---

۱. طِیَره، به فال بد گرفتن.

مقدّس الهی که آن کفّارهٔ طیره است مناسب است و اگر بلایی متوجّه باشد به این ها دفع می‌شود إن شاء اللّه، نه آن که به روش جهّال متابعت مجوسان کنند و به لهو و لعب و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربّانی گردد.



فصل نهم

در بیان اعمال ماه ربیع الاوّل است

در شب اوّل ماه، حضرت رسولﷺ هجرت فرمود از مکّهٔ معظّمه به سوی مدینه، و در آن شب در غار ثور پنهان شد، و حضرت امیر المؤمنینؑ جان شریف خود را فدای جان مقدّس برادر و پسر عمّ خود حضرت رسولﷺ نموده و در فراش آن حضرت خوابیده، از شمشیرهای قبایل مشرکین پروا نکرده و فضل خود و مواسات و برادری بر جمیع عالم ظاهر گردانید و شرافت دنیا و آخرت را خرید، و حق تعالی با ملائکهٔ سماوات به آن حضرت مباهات فرمود و مدح او در آیهٔ کریمه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ﴾ نازل شده است. و چون حق تعالی آن دو جان مقدّس را از کید کافران حفظ کرد گفته‌اند که روزش که روز اوّل ماه است مستحب است که برای شکر این نعم عظیمه روزه بدارند، و هر چند علما در این روز زیارت ذکر نکرده‌اند امّا زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنینؑ در این روز مناسب است.

و شیخ طوسی و کفعمی گفته‌اند که روز اوّل این ماه حضرت امام حسن عسکریؑ به عالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الأمرؑ به منصب جلیل امامت فایز گردید، پس زیارت این دو بزرگوار نیز مناسب است در این روز.

و شیخ مفید در چهارم این ماه وفات آن حضرت را متعرّض شده و شیخ کلینی و سیّد ابن طاووس و شهید و ابن شهرآشوب و دیگران در هشتم ماه گفته‌اند، پس در آن روز نیز زیارت این دو امامؑ مناسب است.

و شب چهارم، شبی است که حضرت رسولﷺ از غار بیرون آمده و به مدینه تشریف بردند، و در روز دوازدهم نزدیک زوال شمس به مدینه رسیدند.

روز نهم، روز سرور شیعه و عید بزرگ آن ها است. شیخ مفید در *مسار الشیعه* گفته که این روز

عید بزرگ است و روز عید بَقْر یعنی شکافتن است، و از برای آن شرح بزرگی است که در غیر این موضع ذکر شده. و حضرت رسولﷺ این روز را عید فرموده و امر کرده که مردم نیز آن را عید قرار دهند و ترید درست کنند. و بالجمله شرافت این روز بسیار است و مقام را گنجایش بسط نیست و آن چه مناسب این مقام است حقیر در کتابی مستقل که مسمّی است به *ذخیرة العقبی فی مثالب اعداء الزهراء*ﷺ ایراد نموده‌ام. طالبین به آن‌جا رجوع کنند و از غیر اهلش پنهان نمایند.

روز دهم، این ماه حضرت رسولﷺ خدیجهٔ کبری را تزویج فرموده، و در این روز ـ در سال هشتم مولد حضرت رسولﷺ ـ وفات حضرت عبد المطّلب واقع شده.

روز دوازدهم، این ماه حضرت رسولﷺ وارد مدینهٔ طیّبه شد و از شرّ دشمنان ایمن گردید، و در این روز دولت بنی‌مروان که از بقیّهٔ بنی امیّه و دشمنان اهل بیتﷺ بودند به نهایت رسید. پس به این دو سبب روز بسیار مبارکی است و اکثر سنّیان و جمعی از علمای ما مانند شیخ کلینی و مسعودی و آقا رضی قزوینی گفته‌اند که ولادت با سعادت حضرت خاتم الأنبیاﷺ در این روز واقع شده و اگرچه مشهور روز ولادت هفدهم این ماه است، امّا اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال آن روز را در این روز نیز به عمل آورند بسیار خوب و به احتیاط اقرب است، و سیّد ابن طاووس از برای این روز نمازی نقل کرده به این کیفیّت که دو رکعت بجا آورند: در رکعت اوّل بعد از حمد سه مرتبه «قل یا أیها الکافرون» و در رکعت دوّم سه مرتبه «قل هو اللّه احد» بخوانند.

روز چهاردهم، شیخ طوسی و مفید فرموده‌اند که یزید در آن روز به جهنّم پیوسته و بسیار روز شریفی است و شکر باید کرد حق تعالی را بر این نعمت عظمی.

در اعمال روز ولادت حضرت رسولﷺ

روز هفدهم این ماه، روز بسیار مبارکی است، و مشهور بین علمای شیعه آن است که ولادت کثیر السّعادهٔ حضرت رسالت پناهﷺ در روز جمعه، هفدهم این ماه، وقت طلوع فجر واقع شده، و آن سال عام الفیل بوده؛ و در بعضی از روایات وارد شده که عروج آن حضرت به آسمان‌ها نیز در شب هفدهم این ماه شده. شب و روز هر دو مبارکند و در هر دو زیارت آن حضرت و حضرت امیر المؤمنینﷺ مناسب است، و علما ذکر کرده‌اند که روزهٔ این روز فضیلت بسیار دارد، شیخ مفید فرموده که: این روز شریفی است و پیوسته صالحان از آل محمدﷺ از قدیم ایّام تعظیم آن

می‌نموده و حرمت آن را مراعات می‌کردند و در روزه‌اش فضل بسیار و ثواب بی‌شمار است. از ائمهٔ هدی‌ علیهم السلام روایت شده که هرکه این روز را روزه دارد، حق تعالیٰ ثواب روزهٔ یک سال برای او بنویسد؛ و مستحب است در این روز تصدّق کردن و به زیارت مشاهد مشرّفه مشرّف گشتن و خیرات کردن [و] مؤمنان را شاد نمودن.

مؤلّف گوید که: غسل در این روز سنّت است، و زیارت حضرت رسول‌ صلی الله علیه و آله از نزدیک و دور مناسب است. و شیخ مفید و سیّد ابن طاووس و شهید، زیارتی از برای آن حضرت نقل نموده‌اند که در بلاد بعیده به آن زیارت شود، و چون ما در باب ششم [صفحه ۴۱۵] زیارات نزدیک و دور آن حضرت را نقل نمودیم از ذکر آن زیارت مستغنی هستیم.

و زیارت مخصوصهٔ حضرت امیر المؤمنین‌ علیه السلام در این روز که حضرت صادق‌ علیه السلام تعلیم محمّد ابن مسلم فرموده، در باب پنجم [صفحه ۲۴۳] نقل شده به آن‌جا رجوع کن و از خواندن آن خود را بهره‌مند کن. و سیّد ابن طاووس از برای این روز نماز و دعایی نقل کرده، اگر حالت اقبال کرد رجوع به *اقبال* کن. و بدان که در این روز به روایت جمعی، ولادت حضرت امام جعفر صادق‌ علیه السلام نیز گشته و باعث مزید فضل این روز شده.

و در روز آخر ماه، به قول شیخ شهید، ولادت حضرت امام حسین‌ علیه السلام واقع شده، ولکن مشهور آن است که در ماه شعبان گذشت.



فصل دهم

در اعمال ماه ربیع الثّانی و جمادی الأُولی و جمادی الآخره است

سید ابن طاووس دعایی از برای روز اوّل ماه ربیع الثانی و دعایی از برای روز اوّل ماه جمادی الأُولی نقل کرده چون طولانی بود نقل نکردم.

روز چهارم ربیع الثّانی، به قول کفعمی و *تقویم‌المحسنین* تولّد حضرت عسکری‌ علیه السلام واقع شده، و بعضی [آن‌را] هشتم گفته‌اند.

و در روز پنجم آن بعضی گفته‌اند، هلاک متوکّل عبّاسی واقع شده.

و شیخ مفید و طوسی گفته‌اند که در دهم ماه ربیع الثانی حضرت امام حسن عسکری‌ علیه السلام تولّد

شده است، و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که به شکر این نعمت عظمی روزه بدارند، و علّامهٔ مجلسی گفته که زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیریه در این روز بابرکت مناسب است.

و در روز دوازدهم ماه ربیع الآخر در سال اوّل هجرت نماز فریضهٔ حَضَر و سفر مستقر شد[1].

اعمال ماه جمادی الأولیٰ

و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الأولی که احتمال می‌رود در یکی از این سه روز وفات حضرت فاطمه علیها السلام واقع شده باشد، زیارت آن حضرت مناسب است خصوصاً در چهاردهم، و لعن بر ظالمان آن حضرت و اقامهٔ ماتم آن مظلومه در هر یک از این سه روز مناسب است. و بودن وفات آن حضرت در یکی از این سه روز از روی روایت صحیحه هفتاد و پنج روز بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله است.

و روز پانزدهم جمادی الأُولی به قول جمعی از علما ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام بوده، و روز بسیار شریفی است و گفته‌اند که روزهٔ آن و تصدّق و سایر اعمال خیریّه در آن روز مستحب است؛

و شیخ طوسی گفته که در این روز فتح بصره برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شده. و رضی الدّین علیّ بن یوسف حلّی برادر آیة الله علّامه در کتاب عدد گفته که در این روز محمّد بن ابی بکر در مصر شهید شده.

مؤلّف گوید که: در این روز زیارت حضرت فاطمه و امیر المؤمنین و امام زین العابدین علیهم السلام هر یک مناسب است. و علّامهٔ مجلسی گفته که: اگر زیارت جامعه در این قسم ایّام بخوانند إن شاء الله تعالی بهتر است.

---

۱. مستقر شد = از طریق وحی تثبیت شد.

و امّا اعمال ماه جمادی الآخره

پس بدان که سیّد ابن طاووس‌ رحمه‌الله روایت کرده است که در این ماه در هر روز که خواهد سنّت است که چهار رکعت نماز بکند، یعنی به دو سلام، و در رکعت اوّل بعد از سورهٔ فاتحه یک مرتبه «آیة الکرسی» بخواند و بیست و پنج مرتبه «انّا أنزلناه»، و در رکعت دوّم یک مرتبه «الهیکم التّکاثر» و بیست و پنج مرتبه «قل هو اللّه احد»، و در رکعت سوّم یک مرتبه «قل یا أیّها الکافرون» و بیست و پنج مرتبه «قل اعوذ بربّ الفلق»، و در رکعت چهارم یک مرتبه «اذا جاء نصر اللّه» وبیست و پنج مرتبه «قل اعوذ بربّ النّاس»، و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلٰهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ أَکْبَرُ» و هفتاد مرتبه: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» پس سه مرتبه بگوید: «اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ» پس سر به سجده بگذارد و سه مرتبه بگوید: «یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ یا أَللّهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ» پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید. هرکه چنین کند خدا خودش را ومالش را و زنان و فرزندان او و دین و دنیای او را حفظ کند. و اگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد.

و در روز سوّم این ماه بنا بر قول شیخ طوسی و مفید و سیّد ابن طاووس و کفعمی و بعضی دیگر وفات حضرت فاطمه‌ علیهاالسلام واقع شده؛ و شیخ بزرگوار محمّد بن جریر طبری امامی در کتاب *دلائل الامامه* به سند معتبر از ابی بصیر از حضرت صادق‌ علیه‌السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود که: «فاطمه‌ علیهاالسلام در روز بیستم جمادی الآخره متولّد گشته و هشت سال در مکّه اقامه کرده و ده سال در مدینه، و در روز سه‌شنبه سوّم جمادی الآخره سال یازدهم هجرت به رحمت ایزدی پیوست».

مؤلّف گوید که: اصحّ همین است در باب تاریخ روز وفات آن مظلومه و از برای او شواهدی است که مقام راگنجایش ذکر آن نیست. و این، اگرچه در ظاهر منافی است با روایت هفتاد و پنج روز؛ لکن ممکن است که روایت نود و پنج [صحیح] باشد و تصحیف شده باشد، چه سبعین با

تسعين مشابهت بسيار دارد[1]. و به خصوص در خطوط قديمه كه تفصيل آن موجب تطويل است. پس بايد شيعيان به مراسم تعزيت آن حضرت قيام نمايند و زيارت آن مظلومه و نفرين بر ظالمان و غاصبان حقّ او كنند.

و در روز نيمهٔ جمادي الآخره، مقتل عبد اللّه بن الزّبير بن العوام بوده، چنانچه شيخ مفيد و طوسى گفته‌اند. و در *تقويم المحسنين* است كه در اين روز، عبد اللّه زبير، كعبه را خراب كرده و دو در از براى آن قرار داد، كه از يكى داخل مى‌شدند و از در ديگر بيرون مى‌رفتند، تا زمان عبدالملك [بن] مروان كه خانهٔ كعبه را به صورت اوّل خود برگردانيد.

و در روز بيستم، ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا عليها السلام واقع شده و روز بسيار شريفى است. شيخ مفيد گفته است: اظهار سرور و خوشحالى بكنند و روزه بدارند و تصدّقات و اعمال خير بكنند، و فقير در مقام زيارت آن مظلومه نماز آن حضرت و زيارتش را كه در اين روز بايد بجا آورد نقل كردم به آن‌جا رجوع شود.

و در روز بيست و هفتم، چنانچه كلينى در *كافى* و مسعودى در *مروج الذّهب* گفته‌اند، وفات حضرت امام على نقى عليه السلام واقع شده، و وفات بعضى از خلفاى جور نيز در اين روز واقع شده.

---

۱. در كتابت سده‌هاى نخستين كه با خط كوفى صورت مى‌گرفت، نقطه به كار نمى‌رفت و چون خمس و سبعين با خمس و تسعين بدون نقطه گذارى كاملاً شبيه است. لذا باعث دوگانگى برداشت شده است و برخى شهادت آن حضرت را هفتاد و پنج (خمس و سبعين) روز پس از رحلت پيامبر صلى الله عليه و آله دانسته‌اند و برخى نود و پنج (خمس و تسعين) روز.

باب دوازدهم

در اعمال هر ماه
و
عمل عید نوروز

و در آن دو فصل است



فصل اوّل

در اعمال هر ماه است

ادعية اوّل هر ماه

بدان که مستحب است در وقت دیدن هلال در هر ماه خواندن دعاهای منقوله از اهل بیت‌علیهم‌السلام، و بهترین آن‌ها دعای هلال *صحیفهٔ کامله* است که دعای چهل و سوّم است، و شیخ طوسی از حضرت امام محمّد باقرعلیه‌السلام این دعا را از برای رؤیت هلال نقل کرده، و این دعایی است که حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله چون ماه نو می‌دیدند می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِيُمْنٍ وَاِيمانٍ، وَسَلامَةٍ وَاِسْلامٍ، وَهُدىً وَمَغْفِرَةٍ، وَعافِيَةٍ مُجَلِّلَةٍ وَرِزْقٍ واسِعٍ، اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

این دعا را پس از آن‌که تکبیر می‌گفتند می‌خواندند، و خواندن هفت مرتبه سورهٔ «حمد» برای دفع درد چشم منقول است، و گفته‌اند اندکی پنیر خوردن مستحبّ است. سیّد ابن طاووس در کتاب *دروع الواقیه* از حضرت صادق‌علیه‌السلام روایت کرده که فرمودند: «نیکو لقمه‌ای است پنیر؛ دهان را شیرین و خوشبو می‌کند و اشتهای طعام می‌آورد و باعث هضم می‌شود، و هر کس مقیّد کند خود را به خوردن آن در اوّل هر ماه، امید است که حاجتش در آن ماه رد نشود».

نماز اوّل هر ماه

و نیز از آن حضرت روایت کرده که: «هرکه در شب اوّل ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از «حمد» سورهٔ «انعام» بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و درد ایمن گرداند، حق تعالی ایمن کند او را در آن ماه از امری که مکروه او باشد». و نیز سیّد در دروع از حضرت جوادعلیه‌السلام نقل کرده که: «چون ماه نو داخل شد، در روز اوّل آن دو رکعت نماز بکن؛ و در رکعت اوّل بعد از «حمد» سی مرتبه سورهٔ «قل هو اللّٰه احد» و در رکعت دوّم سی مرتبه سورهٔ «انّا انزلناه» بخواند و بعد از نماز تصدّق بکن به آنچه ممکن می‌شود تو را، چون چنین کنی سلامتی آن ماه را برای خود خریده باشی»، و در روایت دیگر وارد شده که: «بعد از نماز بخوان:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ ﴿وَما مِنْ دابَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُها وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَمُسْتَوْدَعَها كُلٌّ في كِتابٍ مُبينٍ﴾.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ ﴿وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ اِلّا

هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً» • «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» • «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» • «وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ» • «لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» • «رَبِّ إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» • «رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ».

فضیلت و کیفیّت روزه گرفتن در هر ماه

و بدان که از جملهٔ سنّت‌های مؤکّده که حضرت رسولﷺ بر آن مواظبت نمود تا از دنیا رفت، روزهٔ سه روز در هر ماه است؛ و آن موافق مشهور، پنجشنبهٔ اوّل ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ وسط ماه، یعنی چهارشنبهٔ اوّل از دههٔ میان ماه است؛ و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است، یعنی چهارشنبهٔ اوّل و آخر ماه و پنجشنبهٔ وسط ماه، و طریق اوّل اشهر است. و سنن آن حضرت تالی واجبات[1] است در فضیلت و تأکید، و آن حضرت نماز سنّت را دو برابر نماز واجب مقرّر فرموده: هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر، و هشت رکعت پیش از نماز عصر، و چهار رکعت بعد از نماز مغرب، و دو رکعت نشسته که به منزلهٔ یک رکعت است بعد از نماز عشاء، و یازده رکعت نماز شب، و دو رکعت پیش از نماز صبح، که مجموع سی و چهار رکعت، دو مقابل[2] نماز یومیّهٔ واجب و متمّم آن است؛ و تأکید زیاده دربارهٔ این نمازها شده، و نزد اولیا به منزلهٔ واجب است و مانند فریضه اگر ترک کنند سنّت است که قضا کنند.

و همچنین روزهٔ سنّت دو برابر روزهٔ واجب است، که تمام ماه شعبان است و در ده ماه دیگر هر ماه سه روز، و اگر فوت شود به سبب عارضه‌ای سنّت است قضا کردن آن‌ها؛ و اگر در تابستان دشوار باشد، سنّت است که در زمستان قضا کنند؛ ولکن باید در مثل این ایّام قضا نشود و بعضی تعجیلش را - یعنی تقدیم آن‌ها را - بر اوقات خود جایز دانسته‌اند، و اگر دشوار باشد روزه به سبب پیری و نحو آن، بدل هر روز یک درهم یا یک مدّ گندم تصدّق کند.

و شیخ کلینی به سند صحیح از حضرت صادقﷺ روایت کرده که: «کسی که در هر ماه این سه

---

۱. چنان مهم‌اند که پس از واجبات از هر چیزی مهم‌ترند.

۲. دو برابر.

روز را روزه دارد باید که با هیچ کس مجادله نکند و سفاهت و تندخوئی و بی‌خردی و مبادرت به سوگند خوردن به خدا را ترک کند، و اگر کسی با او سفاهت و بی‌خردی کند در گذرد و معارضه نکند.

و امّا فضیلت این سه روز روزه، بسیار است. و در این باب اخبار بسیاری وارد شده [است]. ثقة الاسلام در *کافی* و برقی در *محاسن* از حمّاد بن عثمان روایت کرده‌اند که گفت: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن قدر روزهٔ سنّت گرفت که مردم گفتند دیگر آن حضرت افطار نخواهد کرد، و مدّتی افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزهٔ سنّت نخواهد گرفت. پس مدّتی روزهٔ حضرت داود علیه السلام گرفت که یک روز روزه می‌داشت و یک روز افطار می‌کرد. و در آخر عمر اختیار فرموده روزهٔ سه روز از هر ماه را و با آن حال بود تا از دنیا رحلت فرمود. و می‌فرمود که: این سه روز روزه، ثوابش برابر است با روزهٔ دهر، و وسوسهٔ شیطانی را از سینه برطرف می‌کند». حمّاد گفت: گفتم که این سه روز کدام است؟ فرمود که: «پنجشنبه اوّل ماه و چهارشنبهٔ اوّل بعد از دههٔ اوّل و پنجشنبهٔ آخر». پس پرسیدم که: برای چه خصوص این روزها را روزه باید داشت؟ فرمود: «برای آن‌که بر امّت‌های سابقه عذاب در این روزها نازل می‌شده است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله این روزها را روزه گرفت، برای آن‌که ایّام مخوفه[1] بود».

و در روایت دیگر وارد شده که: «پنجشنبه را برای این روزه می‌دارند که اعمال بندگان را بر حق تعالی عرضه می‌کنند، و چهارشنبه میان ماه را برای آن روزه می‌دارند که آتش جهنّم در روز چهارشنبه خلق شده است، و روزه سپر است از برای آتش». و نیز در کتاب *علل* از آن حضرت مروی است که: «حق تعالی عذاب نفرموده امّت‌های سابقه را مگر در چهارشنبهٔ میان ماه». پس مستحبّ شد روزه گرفتن در این روز.

و علّامهٔ مجلسی فرموده که: اگر در این ایّام روزه باشد و به خانهٔ برادر مؤمن وارد شود و او تکلیف کند افطار کردن [را، و او افطار کند،] بهتر است از روزه داشتن به هفتاد برابر، یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است. و در حدیث دیگر فرموده که: «هرکه داخل شود به خانهٔ برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه‌ام، که بر او منّت گذارد حق تعالی ثواب روزهٔ یکسال برای او بنویسد» انتهی.

و از جملهٔ روزه‌های سنّت هر ماه روزهٔ ایّام البیض است، یعنی: سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم [هر] ماه. واحادیث بسیار در فضیلت این سه روز از طرق عامّه و خاصّه وارد شده؛ و از شیخ صدوق منقول است که گفته: روزهٔ دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایّام البیض مقرّر شده است و

---

۱. مخوفه = ترسناک.

منافات ندارد که هر دو سنّت باشد؛ و دو پنجشنبه اوّل و آخر و چهارشنبهٔ میان بهتر باشد. امّا اکثر احادیث ایّام البیض از طرق عامّه است، و سیّد ابن طاووس از حضرت رسولﷺ روایت کرده است که: «جبرئیل بر من نازل شد و گفت: بگو به علیﷺ که روزه بدار از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو به سبب روزهٔ روز اوّل، روزهٔ ده هزار سال، و به روزهٔ روز دوّم سی هزار سال، و به روزهٔ روز سوّم صد هزار سال. حضرت امیر المؤمنینﷺ گفت: یا رسول اللّٰه این مخصوص من است یا برای همه کس است؟ حضرت فرمود: که هرکه از شیعیان تو این روزها را روزه بدارند این ثواب برای او خواهد بود. گفت: کدام روزها؟ فرمود که: آن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است».

و از جمله روزه‌های مرغوب، روزهٔ روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته باشد، و شاید ما إن شاء اللّٰه در باب آینده به آن اشاره کنیم. علّامهٔ مجلسی فرموده: مشهور میان علما آن است که هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنّت است؛ مگر آن‌که موافق یکی از ایّام محرّمه یا مکروهه واقع شود.

به سند صحیح از حضرت صادقﷺ منقول است که: «کسی که اراده عمل خیر داشته باشد مانند تصدّق کردن و روزه داشتن و مثل این‌ها باید که در روز جمعه به عمل آورد؛ زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است».

و ابن جنیدﷺ گفته که: مستحبّ نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد به این یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است، و گفته است استحباب روزهٔ روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است؛ و روزهٔ شنبه نهی از آن وارد شده است. پس علّامهٔ مجلسی گفته که: اکثر آنچه ابن جنید گفته، خلاف مشهور میان علما است. و شیخ طوسی در مصباح گفته است که: ترغیب در روزهٔ روز جمعه وارد شده است و بهتر آن است که آن را تنها روزه ندارد؛ مگر آن‌که یک روز بیشتر روزه بدارد، و گمان فقیر آن است که نهی از تنها گرفتن روزهٔ روز جمعه محمول بر تقیّه است؛ زیرا که سنّیان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده‌اند، و بعضی از علما نهی از روز جمعه را حمل کرده‌اند بر آن‌که کراهت آن در صورتی که او را ضعیف گرداند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه، و این حمل بد نیست.

و امّا روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزهٔ آن واقع شده است و بهتر ترک است، خصوصاً هرگاه به قصد برکت روز دوشنبه باشد، مگر [آن‌که] با روز متبرّکی از روزهای ماه موافق شود، مثل غدیر و مبعث و مولود و امثال این‌ها، و نهی از روزهٔ شنبه به نظر فقیر نرسیده؛ امّا فضیلتی هم در روزهٔ آن به خاطر ندارم، مگر آنچه شیخ مفیدﷺ روایت کرده است که هرکه در یکی از ماه‌های حرام، یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجّه و محرّم، پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد، انتهی.



فصل دوّم

در فضایل و اعمال روز نوروز است

بدان اوّلاً: آن‌که کلمات علما در تعیین این روز مبارک مختلف است؛ و شیخ طوسی اعمال متعلّقه این روز را در مصباح ذکر کرده بدون تعیین آن، و ابن ادریس گفته که آنچه بعض اهل حساب و علمای هیئت و اهل این صنعت در کتاب خود تحقیق آن کرده‌اند آن است که روز نوروز روز دهم ایّار است، و ماه ایّار سی و یک روز است همین که نه روز از آن گذشت عید نوروز می‌شود، انتهی.

و شیخ شهید، نوروز را تفسیر کرده به یکی از سه چیز: یا اوّل سال فرس[1]، یا وقت دخول آفتاب به برج حمل، یا دهم ایّار.

و شیخ احمد بن فهد حلّی در مهذّب خود گفته که: روز نوروز روز جلیل القدری است و تعیین آن مشکل است با آن‌که دانستن آن مهمّ است از جهت آن‌که تعلّق گرفته به او عبادتی که مطلوب شارع است، و امتثال آن موقوف است بر شناختن آن روز و علمای ما هیچ کدام متعرّض آن نشده‌اند، مگر آنچه ابن ادریس گفته. پس کلام او را نقل کرده، پس از آن گفته که: روز نهم شباط روز نیروز است، پس اعمال آن را با خبر معلّی بن خنیس نقل کرده. ولکن آنچه در این زمان مشهور و معمول به مردم است، آن است که نوروز روز انتقال شمس به برج حمل است و این تفسیر مختار جمعی از علما است که یکی از آن‌ها علّامهٔ مجلسی است، و در بحار کلام را بسط تمام داده، و در *زاد المعاد* بعد از آن‌که اختلاف اقوال را در این باب ایراد نموده گفته: و به گمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب است به صواب و اضبط است در حساب اگر بنای اعمال را بر این بگذارند، ظاهراً بد نیست، پس فرموده: امّا فضایل و اعمال این روز به اسانید معتبره از معلّی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق بوده است منقول است که گفت: در روز نوروز به خدمت حضرت امام جعفر صادق رفتم، فرمود: «آیا می‌شناسی این روز را؟» گفتم: فدای تو شوم این روزی است که عجم آن را تعظیم می‌کند، و در این روز تحفه‌ها و هدیه‌ها برای یکدیگر می‌فرستند. حضرت فرمود که: «سوگند یاد می‌کنم به حقّ خانهٔ کعبه ـ که در مکّهٔ معظّمه است ـ که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر می‌کنم از برای تو تا بفهمی آن را». گفتم: ای سیّد و آقای من دانستن این را به برکت شما محبوب‌تر است نزد من از آن که مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند. حضرت فرمود که: «ای معلّی، به درستی که روز نوروز روزی است که حق تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز اَلَستُ[2] که او را به

---

۱. پارسیان، ایرانیان.

۲. اشاره به آیهٔ شریفه ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾، که در ادبیات فارسی به روز ازل، الست، ذر و جز این‌ها معروف است.

یگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجّت‌های او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین، و این اوّل روزی است که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای آبستن کنندهٔ درختان وزیده است و گل‌ها و شکوفه‌های زمین آفریده شده است، و در این روز کشتی نوح بعد از طوفان برکوه جودی قرار گرفته است، و این روزی است که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون، و به یک دفعه خداوند قهّار همه را میراند، پس بعد از مدّت‌ها که استخوان شده بودند، پیغمبری از پیغمبران خدا بر این استخوان‌ها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که به او بنماید که چگونه این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌گرداند، حق تعالی وحی فرستاد به سوی او که آب ریزد بر استخوان‌های ایشان در همان جاهای خود که هستند، پس چنین کرد، همه به قدرت الهی زنده شدند؛ و این اوّل سال فرس و عجم است و به این سبب سنّت شده که در این روز آب بر یکدیگر بریزند، یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره به این قصّه نموده است، در آن‌جا که فرموده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْياهُمْ». و مفسّران گفته‌اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل بود؛ و حضرت فرمود که: «ایشان سی هزار کس بودند» و فرمود که: «در این روز جبرئیل بر حضرت رسول خدا به وحی نازل شده» یعنی روز نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه رجب است.

و فرمود که: «این روزی است که حضرت رسالت پناه بت‌های کفّار قریش را در مکّه شکست، و حضرت ابراهیم نیز در این روز بت‌های کافران را شکست» و اوّل اشاره است به آن‌که سنّی و شیعه روایت کرده‌اند به طرق بسیار که شبی حضرت رسالت حضرت امیر المؤمنین را با خود به مسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آن حضرت بالا رفت و بت‌های کافران را به زیر آورد و شکست. پس مراد این است که در شب این روز بود.

و فرمود که: «در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است» یعنی روز غدیر این روز بوده؛ یا این روز که سرکرده‌های صحابه را گفت بروید بر علی سلام کنید و بگویید: «السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ» این روز بوده؛

و فرمود که: «در این روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد به وادی جنّیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد»

و فرمود که: «در این روز حقّ خلافت به امیر المؤمنین برگشت بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان، با آن حضرت بیعت کردند، و در این روز حضرت امیر المؤمنین با خارجیان نهروان

جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت، و سر کردهٔ ایشان را که ذوالثّدیه می‌گفتند، کُشت. و در نوروز قائم آل محمّد صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد، و در این روز امامان دیگر به دنیا رجعت خواهند کرد، و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجّال، و در کناسه که محلّه‌ای است[1] از محلّات کوفه او را بردار خواهند کشید؛ و در هیچ روز نوروز نیست مگر آن‌که ما انتظار فرج می‌کشیم زیرا که آن از روزهای شیعیان ما است، آن روز را عجم‌ها حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عرب‌ها آن را ضایع کردید».

نماز و دعای روز عید نوروز

پس حضرت فرمود به معلّی که: «چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان، و در آن روز، روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی، چهار رکعت نماز بگذار، یعنی هر دو رکعت به یک سلام، و در رکعت اوّل بعد از «حمد» ده مرتبه سورهٔ «إنّا انزلناه» بخوان، و در رکعت دوّم بعد از «حمد» ده مرتبه سورهٔ «قل یا أیّها الکافرون»، و در رکعت سوّم بعد از «حمد» ده مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه أحد»، و در رکعت چهارم بعد از «حمد» ده مرتبه «قل اعوذ بربّ الفلق» و «قل اعوذ بربّ النّاس» بخوان، و بعد از نماز به سجدهٔ شکر برو و این دعا را بخوان:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلىٰ جَمِيعِ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ ◆ وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ ◆ وَصَلِّ عَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَأَجْسادِهِمْ ◆ اللّهُمَّ بارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ◆ وَبارِكْ لَنا فِي يَوْمِنا هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ ◆ اللّهُمَّ بارِكْ لِي فِيما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّىٰ لا أَشْكُرَ أَحَداً غَيْرَكَ ◆ وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ ◆ اللّهُمَّ ما غابَ عَنِّي فَلا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ ◆ وَما فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلا يَفْقِدْنِي عَوْنُكَ عَلَيْهِ حَتّىٰ لا أَتَكَلَّفَ ما لا أَحْتاجُ إِلَيْهِ ◆ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.

چون چنین کنی گناهان پنجاه سالهٔ تو آمرزیده شود.

و بسیار بگو: **یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ**».

---

۱. محلّیست ع ل.

دعای روز نوروز

و در کتب غیر مشهور، روایت کرده‌اند که: «در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند». و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته‌اند:

یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوالِ حَوِّلْ حالَنا اِلىٰ اَحْسَنِ الْحالِ.

و به روایت دیگر: «یا مُقَلِّبَ الْقُلوبِ وَالْاَبْصارِ. یا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ. یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوالِ. حَوِّلْ حالَنا اِلىٰ اَحْسَنِ الْحالِ».

وایضاً بعضی روایت کرده‌اند که این دعا را نیز در روز نوروز به عدد ایّام سال بخوانند:

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سَنَةٌ جَدیدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ قَدیمٌ. اَسْأَلُكَ خَیْرَها وَخَیْرَ ما فیها. وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها وَشَرِّ ما فیها. وَاَسْتَكْفیكَ مَؤُونَتَها وَشُغْلَها یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ.

و اگرچه منعی در دعا نیست امّا دعای اوّل را خواندن هر چند تمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است. تمام شد آن چه از *زاد المعاد* نقل شده.

نوشتن رقعه در وقت تحویل

و علّامهٔ حلّی‌ؒ در *منهاج الصّلاح* و کفعمی در *بلد الأمین* در اعمال عید نوروز دعایی از حضرت امام رضا ؑ نقل کرده‌اند که در وقت تحویل نوشته می‌شود و بر گریبان آویزان کنند که پناه از هر چیزی است، و عبارت ایشان چنین است:

رقعة الجیب عوذة لكلّ شيءٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ[1] اخْسَؤُوا فیها وَلا تُكَلِّمُونِ. اِنّي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِیّاً. اَخَذْتُ بِسَمْعِ اللّٰهِ وَبَصَرِهِ عَلىٰ اَسْماعِكُمْ وَاَبْصارِكُمْ. وَبِقُوَّةِ اللّٰهِ عَلىٰ قُوَّتِكُمْ. لا سُلْطانَ لَكُمْ عَلىٰ فلان بن فلانة[2] وَلا عَلىٰ ذُرِّیَّتِهِ وَلا عَلىٰ اَهْلِهِ وَلا عَلىٰ اَهْلِ بَیْتِهِ. سَتَرْتُ بَیْنَهُ وَبَیْنَكُمْ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّتي اسْتَتَرُوا بِها مِنْ سَطَواتِ الْفَراعِنَةِ. جِبْرَئیلُ عَنْ اَیْمانِكُمْ.

---

۱. بسم الله غ.

۲. به جای فلان بن فلانه نام ونام مادر نوشته شود.

وَميكائيلُ عَنْ يَسارِكُمْ، وَمُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله اَمامَكُمْ، وَاللّٰهُ مُظِلٌّ عَلَيْكُمْ، يَمْنَعُهُ نَبِيُّ اللّٰهِ وَيَمْنَعُ ذُرِّيَّتَهُ وَاَهْلَ بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَمِنَ الشَّياطينِ، ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا يَبْلُغُ حِلْمُنا اَناتَكَ فَلا تَبْتَلِهِ وَلا يَبْلُغُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ نِعْمَ الْوَلِيُّ وَنِعْمَ الْوَكيلُ، حَرَسَكَ اللّٰهُ يا فلان بن فلان[1] وَذُرِّيَّتَكَ مِمّا يَخافُ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

و می‌نویسی آیة الکرسی را به آن طریقی که نازل شده پس از آن می‌نویسی:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ، لا مَلْجَأَ مِنَ اللّٰهِ إِلَّا اِلَيْهِ، حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ، واسلم في رأس الشهناليها طلسلسبيلا، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ وَسَلَّمَ كَثيراً، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَالصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ.

مؤلّف گوید که: آیةالکرسی به طوری که نازل شده همین آیة الکرسی است که در قرآن خوانده می‌شود؛ مگر آن‌که الّم در اوّلش و بعد از «وما في الأرض» این زیادتی را دارد: «وَما بَيْنَهُما وَما تَحْتَ الثَّرىٰ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ».

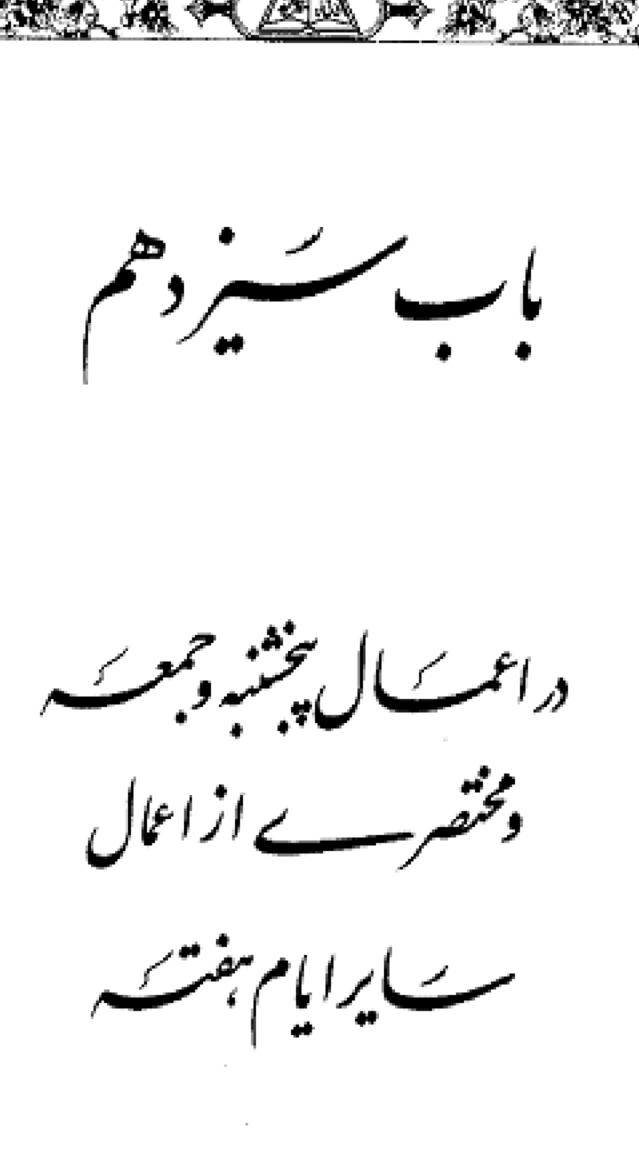
و خود کفعمی در حاشیه *بلدالأمین* به این مطلب اشاره کرده و گفته که حضرت امام رضا علیه السلام چنین قرائت فرموده، انتهی.

و شیخ جلیل علیّ بن ابراهیم قمّی در تفسیر به سند خود روایت کرده که حضرت امام رضا علیه السلام قرائت فرموده، آیة الکرسی را به این طور:

«الٓمٓ، اَللّٰهُ لا اِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ ـ اَيْ لا نُعاسٌ ـ وَلا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّمٰواتِ وَما فِي الْاَرْضِ وَما بَيْنَهُما وَما تَحْتَ الثَّرىٰ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ مَنْ ذَا الَّذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ... تا: هُمْ فيها خالِدُونَ» بعد فرمود: «وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ». پس حضرت فرمود که: «این آیه چنین نازل شده».

---

۱. به جای فلان بن فلان نام ونام پدر نوشته شود.



و در آن چهار فصل است



فصل اوّل

در مختصری از فضایل شب و روز جمعه است

بدان که شب و روز جمعه را امتیاز تامّ است از سایر لیالی و ایّام به مزید رفعت و شرافت و نباهت.

از رسول خدا ﷺ روایت شده که: «شب جمعه و روز جمعه بیست و چهار ساعت است، و در هر ساعت حق تعالی شش صد هزار کس را از جهنّم آزاد کند». و از حضرت صادق ﷺ وارد شده که: «هرکه بمیرد ما بین زوال روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه، خدا پناه دهد او را از فشار قبر». و نیز از آن حضرت منقول است که: «جمعه را حقّی و حرمتی عظیم هست، پس زنهار که ضایع نگردانی حرمت آن را و تقصیر مکن در چیزی از عبادت حق تعالی در آن روز و تقرّب جو به سوی خدا به عمل‌های شایسته، و ترک نما جمیع محرمات خدا را؛ زیرا که خدا ثواب طاعات را مضاعف می‌گرداند و عقوبت گناهان را محو می‌نماید، و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی بلند می‌گرداند و شبش در فضیلت مانند روز است، اگر توانی که شب جمعه را زنده داری به نماز و دعا تا صبح بکن. به درستی که خداوند عالم در شب جمعه ملائکه را برای مزید کرامت مؤمنان به آسمان اوّل می‌فرستد که حسنات ایشان را زیاده گردانند و گناهان ایشان را محو کنند و حق تعالی واسع العطا وکریم است».

و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت مروی است که گاه هست که: «مؤمن دعا می‌کند برای حاجتی و حق تعالی قضای حاجت او را تأخیر می‌کند تا آن‌که در روز جمعه حاجت او را برآورد و برای فضیلت جمعه مضاعف گرداند». و فرمود که: «چون برادران یوسف ﷺ از حضرت یعقوب ﷺ استدعای طلب آمرزش گناهان خود کردند گفت: ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾ یعنی بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود. حضرت فرمود که: تأخیر کرد که در سحر شب جمعه دعا کند تا مستجاب گردد».

و نیز از آن حضرت مروی است که: «چون شب جمعه می‌آید ماهیان دریا سر از آب بیرون می‌آورند و وحشیان صحرا گردن می‌کشند و حق تعالی را ندا می‌کنند که: پروردگارا، ما را عذاب مکن به گناهان آدمیان».

و از حضرت امام محمّد باقر ﷺ منقول است که: «حق سبحانه و تعالی امر می‌نماید ملکی را

که در هر شب جمعه از بالای عرش ندا می‌کند، از اوّل شب تا آخر شب از جانب ربّ اعلی که: آیا بندهٔ مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای آخرت و دنیای خود مرا بخواند تا من دعای او را مستجاب کنم؟

آیا بندهٔ مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناه خود توبه کند پس من توبهٔ او را قبول کنم؟

آیا بندهٔ مؤمنی هست که من روزی او را تنگ کرده باشم و از من سؤال کند که روزی او را زیاد گردانم پیش از طلوع صبح، پس روزی او را گشاده گردانم؟

آیا بندهٔ مؤمن بیماری هست که از من سؤال کند پیش از طلوع صبح که او را شفا دهم، تا او را عافیت کرامت کنم؟

آیا بندهٔ مؤمن غمگین محبوسی هست که پیش از طلوع صبح از من سؤال کند که او را از زندان رها کنم، و غمش را فرج دهم پس دعایش را مستجاب کنم؟

آیا بندهٔ مؤمن مظلومی هست که از من سؤال کند، پیش از صبح برای دفع ستم ظالم تا من از برای او انتقام بکشم و حقّش را به او برگردانم؟ پیوسته این ندا می‌کند تا طلوع صبح».

و از حضرت امیر المؤمنین عليه السلام منقول است که: «حق تعالی جمعه را از همه روزها برگزیده، و روزش را عید گردانیده، و شبش را مثل روزش گردانیده».

و از جملهٔ فضیلت روز جمعه آن است که هر حاجت که در آن روز از خدا سؤال کنند برآورده می‌شود، و اگر جماعتی مستحقّ عذاب شوند، چون شب جمعه و روز جمعه را دریابند و دعا کنند خدا آن عذاب را از ایشان برمی‌گرداند، و امور مقدّره را حق تعالی در شب جمعه مبرم و محکم می‌گرداند، پس شب جمعه بهترین شب‌ها و روزش بهترین روزها است.

و از حضرت صادق عليه السلام روایت شده که: «بپرهیزید از گناه در شب جمعه که عقوبت گناهان در آن شب، مضاعف است، چنانچه ثواب حسنات مضاعف است. و هرکه معصیت خدا را در شب جمعه ترک کند حق تعالی گناهان گذشتهٔ او را بیامرزد. و هرکه در شب جمعه معصیتی را علانیه [و به طور آشکار] بکند، حق تعالی او را به گناهان جمیع عمرش عذاب کند و عذاب این گناه را بر او مضاعف کند».

و به سندهای بسیار معتبر از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام منقول است که: «آفتاب طالع نگردیده است در روزی که بهتر از روز جمعه باشد، و چون مرغان در روز جمعه به یکدیگر بر می‌خورند، سلام می‌کنند و می‌گویند: امروز روز شایسته‌ای است».

و به سند معتبر از حضرت صادق﷣ منقول است که: «هرکه روز جمعه را دریابد، باید که به کاری به غیر از عبادت مشغول نگردد، زیرا که در آن روز خدا گناه بندگان را می‌آمرزد و رحمت خود را بر ایشان نازل می‌گرداند». و فضایل شب و روز جمعه زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود.



فصل دوّم

در بیان اعمال روز پنجشنبه و شب جمعه است

اعمال روز پنج شنبه

بدان که روز پنجشنبه به مشتری تعلّق دارد و ملاقات قضات و علما و اکابر در آن روز نیکو است، و روز مبارکی است به خصوص از برای طلب حاجات. و روزهٔ پنجشنبه اوّل ماه و آخر ماه، از مستحبّات مؤکّد است، چنانچه در سابق به آن اشاره شد، و مستحب است که آدمی در نماز فجر این روز و روز دوشنبه سورهٔ «هل أتیٰ» بخواند. و اگر کسی حاجتی داشته باشد، اوّل صبح آن، در پی حاجت خود رود، و چون متوجّه حاجت خود شود، بخواند سورهٔ «حمد» و دو «قل اعوذ» و «قل هو اللّه احد» و «انّا انزلناه» و «آیة الکرسی» و پنج آیهٔ آخر سورهٔ «آل عمران» را، پس بگوید: **مَوْلايَ انْقَطَعَ الرَّجاءُ إِلّا مِنْكَ، وَخابَتِ الآمالُ إِلّا فيكَ، أَسْأَلُكَ إِلٰهي بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ واجِبٌ عَلَيْكَ مِمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ الْحَقَّ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حاجَتي.**

و مستحب است طلب کردن علم در این روز، و خواندن سورهٔ مائده در آن، و زیارت قبور شهدا و مؤمنان در آن، و مکروه است در این روز از مشاهد مشرّفه بیرون رفتن تا آن‌که جمعه بگذرد. و حجامت در این روز مستحب است. و دوا خوردن نیک نیست. و مستحب است که در این روز مهیّای جمعه شوند به گرفتن ناخن‌ها و گذاشتن یکی از آن‌ها را برای روز جمعه که در جمعه گرفته شود، و گرفتن شارب، و غسل جمعه کنند اگر ترس آن باشد که در جمعه ممکن نشود غسلش. و مستحب است صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او﷩ در روز پنجشنبه هزار مرتبه. و مستحب است این که بگوید: **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ.**

دعای روز پنجشنبه

و از برای روز پنجشنبه دعا و تسبیح و تعویذ بسیار نقل شده و مختصرترین دعاهای آن دعای حضرت فاطمه علیها السلام است به روایت کفعمی:

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْهُدىٰ وَالتُّقىٰ وَالْعَفافَ وَالْغِنىٰ وَالْعَمَلَ بِما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ ✦ اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنا ✦ وَمِنْ غِناكَ لِفَقْرِنا وَفاقَتِنا ✦ وَمِنْ حِلْمِكَ وَعِلْمِكَ لِجَهْلِنا ✦ اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنّا عَلىٰ شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَطاعَتِكَ وَعِبادَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

تعویذ روز پنجشنبه

وعوذهٔ این روز به روایات مشایخ این است:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ ✦ أُعيذُ نَفْسي بِقُدْرَةِ اللّهِ وَعِزَّةِ اللّهِ وَعَظَمَةِ اللّهِ وَسُلْطانِ اللّهِ وَجَلالِ اللّهِ وَكَمالِ اللّهِ وَبِجَمْعِ اللّهِ وَبِرَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ وَبِوُلاةِ أَمْرِ اللّهِ مِنْ شَرِّ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ ✦ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللّهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ✦ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ ✦ وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً ✦ وَحَسْبُنَا اللّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

و نمازهای وارده این روز بسیار است، از آن جمله نمازی است که از حضرت صادق علیه السلام با ثواب بسیاری روایت شده و آن دو رکعت است: در رکعت اوّل بعد از «حمد» سیصد مرتبه «قل هو اللّه احد»، و در رکعت دوّم دویست مرتبه.

نماز حوائج بعد از چاشت پنجشنبه

نماز دیگر: کفعمی به سندهای معتبر از مفضّل بن عمر روایت کرده است که: با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم، ناگاه اسماعیل بن قیس موصلی داخل شد. حضرت فرمود که: «ای اسماعیل، این غم شدید و تنفّس متواتر که از تو مشاهده می‌کنم سببش چیست؟»

گفت: به حق تو سوگند که سینه‌ام تنگ شده است و [گرفتاری و] شدّتم به نهایت رسیده است. حضرت فرمود که: «چرا نماز حوایج را نمی‌کنی؟» گفت: فدای تو شوم چگونه بکنم؟ فرمود که: «چون روز پنجشنبه شود، بعد از چاشت غسل بکن و به جای نماز خود برو، و چهار رکعت نماز بکن در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه ده مرتبه سورهٔ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخوان و بعد از سلام از رکعت چهارم صد مرتبه بگو: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» پس دست‌هایت را به سوی آسمان بلند کن و ده مرتبه بگو «يا اَللّٰهُ» پس انگشت شهادت دست راست را به جانب راست و چپ و انگشت شهادت چپ را به بالا و پایین حرکت بده و بگو «يا رَبِّ» آن قدر که یک نَفَس وفا کند به آن، پس دست‌ها را در برابر روی خود به جانب قبله بکش، و ده مرتبه «يا اَللّٰهُ» بگو، پس این دعا را بخوان:

يا اَفْضَلَ مَنْ رُجِيَ ، وَيا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ ، وَيا اَجْوَدَ مَنْ سَمِعَ وَأَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ ، يا مَنْ لا يَعُزُّ عَلَيْهِ ما يَفْعَلُهُ ، يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ اَجابَ ، أَسْأَلُكَ بِمُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِاَسْمائِكَ الْعِظامِ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ عَظيمٌ ، وَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَبِفَضْلِكَ الْعَظيمِ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْعَظيمِ دَيّانَ يَوْمِ الدّينِ ، مُحْيِي الْعِظامِ وَهِيَ رَميمٌ ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ حاجَتي ، وَتُيَسِّرَ لي مِنْ اَمْري وَلا تُعَسِّرَ عَلَيَّ ، وَتُسَهِّلَ لي مَطْلَبَ رِزْقي مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ يا قاضِيَ الْحاجاتِ ، يا قَديراً عَلىٰ ما لا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَأَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ».

پس حضرت فرمود که: «چند مرتبه این نماز را بکن». راوی گفت که: در سال دیگر در خدمت آن حضرت بودیم باز اسماعیل آمد و از آستین خود کیسه‌ای بیرون آورد و گفت: این پانصد اشرفی است که به برکت شما و برکت دعا و نمازی که تعلیم من فرمودید، از خمس بر من واجب شده است؛ و چون این نماز را سه مرتبه کردم، مردی که مال بسیاری از من منکر شده بود و در مجلس قاضی سوگند یاد کرده بود، آن مال را برای من آورد و از من حلّیت طلب کرد. حضرت فرمود که: «خدا را حمد کن و عبادت پروردگار خود را ترک مکن و تفقّد احوال برادران مؤمن خود بکن».

و مستحب است که بسیار صلوات فرستند بر محمّد و آل او صلوات اللّه علیهم بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه.

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون عصر روز پنجشنبه می‌شود، ملائکه از آسمان به زیر می‌آیند با قلم‌های طلا و صحیفه‌های نقره و نمی‌نویسند در پسین پنجشنبه و شب جمعه، و روز جمعه تا آفتاب غروب کند به غیر از صلوات بر محمّد و آل محمّد صلوات اللّه علیهم».

استغفار آخر روز پنجشنبه

و شیخ طوسی فرموده: مستحب است که در آخر روز پنجشنبه استغفار کنند به این نحو:

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ خاضِعٍ مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ لا يَسْتَطيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَلا عَدْلاً وَلا نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا حَياةً وَلا مَوْتاً وَلا نُشُوراً. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

در اعمال شب جمعه

و امّا اعمال شب جمعه پس زیاده از آن است که ذکر شود، و در این‌جا اکتفا می‌کنیم به ذکر مختصری از آن. از جمله اعمال این شب صلوات فرستادن است، و وارد شده که جمعه شبش بسیار نورانی است و روزش بسیار روشن. پس بسیار بگویید: «**سُبْحانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ**» و بسیار صلوات بفرستید بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله؛ و در روایت دیگر اقل صلوات در این شب صد مرتبه است و آنچه زیاده کنی بهتر است؛ و از جمله خواندن این سوره‌هاست در شب جمعه که از برای هر یک فواید و ثواب بسیار روایت شده: «بنی اسرائیل» و «کهف» و سه «طس»[1] و «یس» و «الم سجده» و «ص» و «احقاف» و «واقعه» و «لقمان» و «طور» و «حم دخان» و «اقترب» و «جمعه» و غیرها، و اگر همه ممکن نباشد خواندنش، هر کدام را که تواند بخواند، و اگر اختیار کند چهارتای اوّل و سورهٔ «ص» و «احقاف» و «واقعه» را بهتر است.

---

۱. سوره‌های: «(۲۶) الشعراء» و «(۲۷) النمل» و «(۲۸) القصص» می‌باشند.

و مستحب است در شب جمعه خواندن سورۀ «جمعه» در رکعت اوّلِ نماز مغرب و نماز عشا، و خواندن «توحید» در رکعت دوّمِ مغرب، و خواندن سورۀ «سبّح اسم ربّك الأعلىٰ» در رکعت دوّمِ عشا؛ چنانچه از ابو الصّباح کنانی روایت شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «در شب جمعه در نماز مغرب سورۀ «جمعه» و «توحید» بخوان، و در نماز عشا «جمعه» و «سبّح اسم ربّك الأعلىٰ» بخوان، و در فجر روز جمعه «جمعه» و «توحید»، و در ظهرش «جمعه» و «منافقین»، و در عصرش «جمعه» و «توحید» بخوان».

و طریق دیگر هم روایت شده است و از جمله دعا کردن در حقّ مؤمنین، چنانچه مروی است که حضرت فاطمه علیها السلام در شب جمعه از اوّل شب تا صبح در محراب خود مشغول عبادت بود و پیوسته برای مؤمنین و مؤمنات دعا می‌کرد.

و در روایتی منقول است که هرکه برای ده نفر از برادران مؤمن خود که مرده باشند در شب جمعه طلب آمرزش کند، بهشت برای او واجب گردد.

و از جمله تناول کردن انار و جماع کردن با عیال خود است که از برای هر کدام فواید و فضایلی است.

و از جمله خواندن نمازهای وارده در آن شب است و آن‌ها بسیار است از آن جمله نماز حاجتی است که سیّد رحمه الله روایت کرده است. فرمود که: در شب جمعه و در شب عید اضحی دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سورۀ «فاتحه» بخوان و آیۀ «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**» را صد مرتبه بگوید، پس حمد را تمام کن و بعد از حمد بخوان دویست مرتبه سوره «توحید» را، و چون سلام گفتی هفتاد مرتبه بگو: «**لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» پس به سجده برو و دویست مرتبه بگو: «یا رَبِّ» پس هر حاجت که داری بطلب که إن شاء اللّٰه برآورده است.

نماز حضرت خضر علیه السلام

نماز دیگر در این شب نماز خضر علیه السلام است که سیّد روایت کرده است نیز؛ و آن چهار رکعت است به دو سلام، و در هر رکعت سورۀ فاتحه یک مرتبه می‌خوانی و صد مرتبه می‌خوانی:

«**وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ**» را، چون از نماز فارغ شوی صد مرتبه بگو:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، پس حاجت خود را بطلب كه برآورده است إن شاء الله.

دعای شب و روز جمعه

از جمله اعمال شب جمعه خواندن دعاهای وارده در آن است و آن‌ها بسیار است و ما به ذكر قلیلی از آن‌ها اكتفا می‌نماییم.

به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است كه: «هركه در سجدهٔ آخر نافله شام هفت مرتبه این دعا بخواند چون فارغ شود آمرزیده شده باشد و اگر در هر شب چنین كند بهتر است»، و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ إنّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَاسْمِكَ الْعَظيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لي ذَنْبِي الْعَظيمَ.

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است كه: « هركه هفت مرتبه این دعا را بخواند در شب یا روز جمعه اگر در آن شب یا در آن روز بمیرد داخل بهشت شود» و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ رَبّي لا إلٰهَ إلّا أَنْتَ خَلَقْتَني وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ أَمَتِكَ وَفي قَبْضَتِكَ وَناصِيَتي بِيَدِكَ ٭ أَمْسَيْتُ عَلىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ٭ أَعُوذُ بِرِضاكَ[1] مِنْ شَرِّ ما صَنَعْتُ ٭ أَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ[2] وَأَبُوءُ بِذَنْبي ٭ فَاغْفِرْ لي ذُنُوبي إنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلّا أَنْتَ».

دعای شب و روز جمعه و عرفه

و شیخ طوسی و سیّد و كفعمی و سیّد ابن باقی گفته‌اند كه مستحبّ است در شب جمعه و روز آن و شب عرفه و روز آن این دعا بخوانند و ما دعا را از مصباح شیخ نقل می‌كنیم و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَتَهَيَّأَ ٭ وَأَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إلىٰ مَخْلُوقٍ ٭ رَجاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نائِلِهِ وَجائِزَتِهِ ٭ فَإلَيْكَ يا رَبِّ تَعْبِئَتي وَاسْتِعْدادي رَجاءَ عَفْوِكَ

---

۱. بِكَ خ ل.
۲. بِعلمي خ ل.

وَطَلَبَ نائِلِكَ وَجائِزَتِكَ. فَلا تُخَيِّبْ دُعائي. يا مَنْ لا يَخيبُ عَلَيْهِ سائِلٌ
ولا يَنْقُصُهُ نائِلٌ. فَإِنّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صالِحٍ عَمِلْتُهُ. وَلا لِوِفادَةِ مَخْلُوقٍ
رَجَوْتُهُ. اَتَيْتُكَ مُقِرّاً عَلىٰ نَفْسي بِالْإِساءَةِ وَالظُّلْمِ. مُعْتَرِفاً بِاَنْ لا حُجَّةَ لي
وَلا عُذْرَ. اَتَيْتُكَ اَرْجُو عَظيمَ عَفْوِكَ الَّذي عَفَوْتَ بِهِ عَلىٰ الْخاطِئينَ فَلَمْ
يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلىٰ عَظيمِ الْجُرْمِ اَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ. فَيامَنْ
رَحْمَتُهُ واسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظيمٌ. يا عَظيمُ يا عَظيمُ يا عَظيمُ. لا يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلّا
حِلْمُكَ. وَلا يُنْجي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ. فَهَبْ لي يا إِلٰهي فَرَجاً
بِالْقُدْرَةِ الَّتي تُحْيي بِها مَيْتَ الْبِلادِ. وَلا تُهْلِكْني غَمّاً حَتّىٰ تَسْتَجيبَ لي
وَتُعَرِّفَني الْإِجابَةَ في دُعائي. وَاَذِقْني طَعْمَ الْعافِيَةِ إِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي. وَلا
تُشْمِتْ بي عَدُوّي. وَلا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ. وَلا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقي.

اَللّٰهُمَّ إِنْ وَضَعْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يَرْفَعُني؟ وَإِنْ رَفَعْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي
يَضَعُني؟ وَإِنْ اَهْلَكْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يَعْرِضُ لَكَ في عَبْدِكَ اَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ
اَمْرِهِ؟ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّهُ لَيْسَ في حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلا في نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ. وَإِنَّما
يَعْجَلُ مَنْ يَخافُ الْفَوْتَ. وَإِنَّما يَحْتاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعيفُ. وَقَدْ تَعالَيْتَ
يا إِلٰهي عَنْ ذٰلِكَ عُلُوّاً كَبيراً.

اَللّٰهُمَّ إِنّي اَعُوذُ بِكَ فَاَعِذْني. وَاَسْتَجيرُ بِكَ فَاَجِرْني. وَاَسْتَرْزِقُكَ
فَارْزُقْني. وَاَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِني. وَاَسْتَنْصِرُكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ[1] فَانْصُرْني.
وَاَسْتَعينُ بِكَ فَاَعِنّي. وَاَسْتَغْفِرُكَ يا إِلٰهي فَاغْفِرْلي. آمينَ آمينَ آمينَ.

---

۱. عدوّي خ ل.

دعاي كميل

از جمله دعاهای مشهوره كه در شب‌هاى جمعه و در شب نيمهٔ شعبان [خوانده مى‌شود] دعاى خضر﵇ است كه معروف است به دعاى كميل، و از حضرت امير المؤمنين﵇ روايت شده، و دعا اين است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ • اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ • وَبِقُوَّتِكَ الَّتي قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ • وَخَضَعَ لَها كُلُّ شَيْءٍ • وَذَلَّ لَها كُلُّ شَيْءٍ • وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتي غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ • وَبِعِزَّتِكَ الَّتي لا يَقُومُ لَها شَيْءٌ • وَبِعَظَمَتِكَ الَّتي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ • وَبِسُلْطانِكَ الَّذي عَلا كُلَّ شَيْءٍ • وَبِوَجْهِكَ الْباقي بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَيْءٍ • وَبِأَسْمائِكَ الَّتي مَلَأَتْ أَرْكانَ كُلِّ شَيْءٍ • وَبِعِلْمِكَ الَّذي أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ • وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي أَضاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ • يا نُورُ يا قُدُّوسُ • يا أَوَّلَ الْأَوَّلينَ وَيا آخِرَ الْآخِرينَ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ • اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ النِّقَمَ • اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ • اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ الدُّعاءَ • اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ الْبَلاءَ • اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَقْطَعُ الرَّجاءَ • اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطيئَةٍ اَخْطَأْتُها.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ • وَاَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلىٰ نَفْسِكَ • وَاَسْأَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَني مِنْ قُرْبِكَ • وَاَنْ تُوزِعَني شُكْرَكَ • وَاَنْ تُلْهِمَني ذِكْرَكَ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ سُؤالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ اَنْ تُسامِحَني وَتَرْحَمَني • وَتَجْعَلَني بِقِسْمِكَ راضِياً قانِعاً • وَفي جَميعِ الْأَحْوالِ مُتَواضِعاً.

اَللّٰهُمَّ وَاَسْأَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ • وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدائِدِ حاجَتَهُ • وَعَظُمَ فيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ.

اللّهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ، وَعَلا مَكانُكَ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ، وَظَهَرَ اَمْرُكَ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ[1]، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ.

اللّهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبي غافِراً، وَلا لِقَبائِحي ساتِراً، وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ، لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلي، وَسَكَنْتُ اِلى قَديمِ ذِكْرِكَ[2] لي وَمَنِّكَ عَلَيَّ.

اللّهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَميلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ.

اللّهُمَّ عَظُمَ بَلائي، وَاَفْرَطَ بي سُوءُ حالي، وَقَصُرَتْ بي اَعْمالي، وَقَعَدَتْ بي اَغْلالي، وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ آمالي، وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها وَنَفْسي بِخِيانَتِها[3] وَمِطالي يا سَيِّدي فَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائي سُوءُ عَمَلي وَفِعالي، وَلا تَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّي، وَلا تُعاجِلْني بِالْعُقُوبَةِ عَلى ما فَعَلْتُهُ في خَلَواتي مِنْ سُوءِ فِعْلي وَاِساءَتي، وَدَوامِ تَفْريطي وَجَهالَتي، وَكَثْرَةِ شَهَواتي وَغَفْلَتي، وَكُنِ اللّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لي فِي الْاَحْوالِ كُلِّها رَؤُوفاً، وَعَلَيَّ في جَميعِ الْاُمُورِ عَطُوفاً.

اِلهي وَرَبّي مَنْ لي غَيْرُكَ اَسْاَلُهُ كَشْفَ ضُرّي، وَالنَّظَرَ في اَمْري؟ اِلهي وَمَوْلايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فيهِ هَوى نَفْسي، وَلَمْ اَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ تَزْيينِ عَدُوّي، فَغَرَّني بِما اَهْوى، وَاَسْعَدَهُ عَلى ذلِكَ الْقَضاءُ، فَتَجاوَزْتُ بِما جَرى عَلَيَّ مِنْ ذلِكَ بَعْضَ[4] حُدُودِكَ، وَخالَفْتُ بَعْضَ اَوامِرِكَ، فَلَكَ

---

۱. جَنَدُكَ خ ل.
۲. بِرِّكَ خ ل.
۳. بجنايتها خ ل.
۴. مِن نَقْضِ خ ل.

الْحَمْدُ[1] عَلَيَّ في جَميعِ ذٰلِكَ. وَلا حُجَّةَ لي فيما جَرىٰ عَلَيَّ فيهِ قَضاؤُكَ. وَأَلْزَمَني حُكْمُكَ وَبَلاؤُكَ. وَقَدْ أَتَيْتُكَ يا إِلٰهي بَعْدَ تَقْصيري وَإِسْرافي عَلىٰ نَفْسي مُعْتَذِراً نادِماً مُنْكَسِراً. مُسْتَقيلاً مُسْتَغْفِراً مُنيباً. مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً. لا أَجِدُ مَفَرّاً مِمّا كانَ مِنّي. وَلا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ في أَمْري غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْري. وَإِدْخالِكَ إِيّايَ في سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ.

اللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْري. وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرّي. وَفُكَّني مِنْ شَدِّ وَثاقي. يا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَني. وَرِقَّةَ جِلْدي. وَدِقَّةَ عَظْمي. يا مَنْ بَدَأَ خَلْقي وَذِكْري وَتَرْبِيَتي وَبِرّي وَتَغْذِيَتي هَبْني لِابْتِداءِ كَرَمِكَ. وَسالِفِ بِرِّكَ بي.

يا إِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبّي أَتُراكَ مُعَذِّبي بِنارِكَ[2] بَعْدَ تَوْحيدِكَ. وَبَعْدَ مَا انْطَوىٰ عَلَيْهِ قَلْبي مِنْ مَعْرِفَتِكَ. وَلَهِجَ بِهِ لِساني مِنْ ذِكْرِكَ. وَاعْتَقَدَهُ ضَميري مِنْ حُبِّكَ. وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافي وَدُعائي خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ؟ هَيْهاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ. أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ. أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ. أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ. وَلَيْتَ شِعْري يا سَيِّدي وَإِلٰهي وَمَوْلايَ أَتُسَلِّطُ النّارَ عَلىٰ وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ ساجِدَةً. وَعَلىٰ أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحيدِكَ صادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مادِحَةً. وَعَلىٰ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً. وَعَلىٰ ضَمائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّىٰ صارَتْ خاشِعَةً. وَعَلىٰ جَوارِحَ سَعَتْ إِلىٰ أَوْطانِ تَعَبُّدِكَ طائِعَةً. وَأَشارَتْ بِاسْتِغْفارِكَ مُذْعِنَةً؟ ما هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ. وَلا أُخْبِرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ. يا كَريمُ يا رَبِّ. وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفي عَنْ قَليلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَعُقُوباتِها وَما يَجْري فيها مِنَ الْمَكارِهِ عَلىٰ أَهْلِها. عَلىٰ أَنَّ ذٰلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَليلٌ مَكْثُهُ. يَسيرٌ بَقاؤُهُ. قَصيرٌ مُدَّتُهُ.

---

۱. الحمّة خ ل.

۲. بالنّار خ ل.

فَكَيْفَ احتمالي لِبَلاءِ الآخِرَةِ وَجَليلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها؟ وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقامُهُ، وَلا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ، لِاَنَّهُ لا يَكُونُ اِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهٰذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّماواتُ وَالْاَرْضُ، يا سَيِّدي فَكَيْفَ بي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ؟

يا اِلٰهي وَرَبّي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو؟ وَلِما مِنْها اَضِجُّ وَاَبْكي؟ لِاَليمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ اَمْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ؟ فَلَئِنْ صَيَّرْتَني فِي الْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ وَاَوْلِيائِكَ، فَهَبْني يا اِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبّي صَبَرْتُ عَلىٰ عَذابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلىٰ فِراقِكَ؟! وَهَبْني صَبَرْتُ عَلىٰ حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلىٰ كَرامَتِكَ؟! اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائي عَفْوُكَ؟! فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدي وَمَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً، لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها ضَجيجَ الْآمِلينَ، وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكاءَ الْفاقِدينَ، وَلَاُنادِيَنَّكَ اَيْنَ كُنْتَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ، يا غايَةَ آمالِ الْعارِفينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا حَبيبَ قُلُوبِ الصّادِقينَ، وَيا اِلٰهَ الْعالَمينَ، اَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا اِلٰهي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُسْجَنُ[1] فيها بِمُخالَفَتِهِ، وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُناديكَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ.

يا مَوْلايَ فَكَيْفَ يَبْقىٰ فِي الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ؟! اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟!

---

۱. يَسْجُنُ خ ل.

اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُها وَاَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرىٰ مَكانَهُ؟! اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفيرُها وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟! اَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ[1] بَيْنَ اَطْباقِها وَاَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟! اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها وَهُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ؟! اَمْ كَيْفَ[2] يَرْجُو فَضْلَكَ في عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُكُهُ فيها؟! هَيْهاتَ ما ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ مِنْ بِرِّكَ وَاِحْسانِكَ، فَبِالْيَقينِ اَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ مُعانِديكَ، لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً، وَما كانَ لِاَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا مَقاماً، لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَأَها مِنَ الْكافِرينَ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ، وَاَنْ تُخَلِّدَ فيهَا الْمُعانِدينَ، وَاَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً وَتَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعامِ مُتَكَرِّماً: «اَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ».

اِلٰهي وَسَيِّدي فَاَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي قَدَّرْتَها، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتي حَتَمْتَها وَحَكَمْتَها، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اَجْرَيْتَها، اَنْ تَهَبَ لي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هٰذِهِ السّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبيحٍ اَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ، اَخْفَيْتُهُ اَمْ اَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتَ بِاِثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبينَ الَّذينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوارِحي، وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرائِهِمْ، وَالشّاهِدَ لِما خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَاَنْ تُوَفِّرَ حَظّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ[3]، اَوْ اِحْسانٍ فَضَّلْتَهُ[4]، اَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ[5]، اَوْ رِزْقٍ

---

۱. يَتَقَلْقَلُ خ ل.
۲. تَتْرُكُهُ فيها وَهَوَ خ ل.
۳. تُنْزِلُهُ خ ل.
۴. تُفَضِّلُهُ خ ل.
۵. تَنْشُرُهُ خ ل.

بَسَطْتَهُ[1]، اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، اَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ.

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، يا اِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَمالِكَ رِقّي، يا مَنْ بِيَدِهِ ناصِيَتي، يا عَليماً بِفَقْري[2] وَفاقَتي، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، اَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَاَعْظَمِ صِفاتِكَ وَاَسْمائِكَ، اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَاَعْمالي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتّىٰ تَكُونَ اَعْمالي وَاَوْرادي[3] كُلُّها وِرْداً واحِداً، وَحالي في خِدْمَتِكَ سَرْمَداً.

يا سَيِّدي يا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلي، يا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ اَحْوالي، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، قَوِّ عَلىٰ خِدْمَتِكَ جَوارِحي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ جَوانِحي، وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِكَ، وَالدَّوامَ فِي الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتّىٰ اَسْرَحَ اِلَيْكَ في مَيادينِ السّابِقينَ، وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ فِي الْمُبادِرينَ، وَاَشْتاقَ اِلىٰ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقينَ، وَاَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصينَ، وَاَخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنينَ، وَاَجْتَمِعَ في جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنينَ.

اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرادَني بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ، وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ، وَاجْعَلْني مِنْ اَحْسَنِ عَبيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ، وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَاِنَّهُ لا يُنالُ ذٰلِكَ اِلّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لي بِجُودِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْني بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِساني بِذِكْرِكَ لَهِجاً، وَقَلْبي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً، وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجابَتِكَ، وَاَقِلْني عَثْرَتي، وَاغْفِرْ لي زَلَّتي، فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلىٰ عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ، وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجابَةَ، فَاِلَيْكَ يا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهي، وَاِلَيْكَ يا رَبِّ مَدَدْتُ يَدي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لي دُعائي وَبَلِّغْني

---

۱. تَبْسُطُهُ خ ل. ۲. بِضُرّي خ ل.

۳. إِرادَتي خ ل.

مُنايَ، وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائي، وَاكْفِني شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدائي.

يا سَريعَ الرِّضا اغْفِرْ لِمَنْ لا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعاءَ، فَإِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ، يا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ، وَذِكْرُهُ شِفاءٌ، وَطاعَتُهُ غِنىً، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ، وَسِلاحُهُ الْبُكاءُ.

يا سابِغَ النِّعَمِ، يا دافِعَ النِّقَمِ، يا نُورَ الْمُسْتَوْحِشينَ فِي الظُّلَمِ، يا عالِماً لا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَالْأَئِمَّةِ الْمَيامينَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.



فصل سوم

در بیان اعمال روز جمعه است

بدان ـ ایدك الله تعالی ـ که روز جمعه سیّد ایّام است و از برای آن فضایل و اعمال بسیار است، و ما در فصل اوّل به جزئی از فضایل آن اشاره کردیم و در این‌جا به ذکر مجملی از اعمال آن اکتفا می‌کنیم.

شیخ جلیل معظّم ابی محمّد جعفر بن احمد قمّی در کتاب عروس از حضرت امام محمّد باقر؈ روایت کرده که: «رسول خدا ﷺ فرمود که: جبرئیل آینه‌ای برای من آورد و در میانش نکته سیاهی بود. گفتم: یا جبرئیل این آینه چیست؟ گفت: روز جمعه است. گفتم: جمعه چیست؟ گفت: شما را در آن خیر بسیار هست. گفتم: خیر بسیار چیست؟ گفت: عیدی است برای تو و برای امّت تو، بعد از تو. گفتم: دیگر برای ما چه خیر درآن هست؟ گفت: در آن روز ساعتی هست که هر مسلمانی در آن ساعت حاجتی بطلبد که روا شدنی باشد البتّه روا می‌شود و اگر در دنیا مصلحت نباشد در آخرت، خدا بهتر از آن حاجت را به او عوض می‌دهد و اگر از بلایی پناه برد حق تعالی از بلاهای بدتر از آن، او را در آخرت نجات دهد».

شیخ طوسی؏ فرموده که: از حضرت رسول ﷺ روایت شده که: «کارهای خوب و بد در روز جمعه مضاعف می‌شود». پس سزاوار است از برای انسان که در روز جمعه اعمال خیر بسیار کند و از کار بد اجتناب کند.

و حجامت در آن روز مکروه است، و روایت شده جواز آن.

و از سنّت‌های مؤکّده در روز جمعه غسل جمعه است، و وقت آن از بعد طلوع فجر است تا زوال آفتاب و هر چه نزدیک شود به زوال بهتر است.

دعای غسل جمعه

و چون خواست غسل کند، پس بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني مِنَ التَّوّابينَ، وَاجْعَلْني مِنَ الْمُتَطَهِّرينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

دعای ناخن گرفتن

و مستحب است که ناخن بگیرد و بگوید در وقت ناخن گرفتن:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ سُنَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای شارب گرفتن

و بگیرد شارب خویش را و بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِلَّةِ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَالْأَوْصِياءِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ.

دعای رفتن به نماز

و سزاوار است که چیزی از بوی خوش بکار برد و بپوشد پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را، و چون مهیّا شود به جهت رفتن به نماز بگوید: **اللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ في هٰذَا الْيَوْمِ...** تا آخر دعا.

مؤلّف گوید که: تأکید بسیاری شده در باب بوی خوش و غسل جمعه و شستن سر به خطمی و گرفتن ناخن و شارب و غیره که تفصیل آن را در رساله *سنن و آداب* خود ایراد نموده‌ام.

اعمال دیگر روز جمعه

و احادیث در باب نوره کشیدن در روز جمعه مختلف است، و اکثر احادیث دلالت بر استحباب می‌کند، و در روایتی وارد شده است که مورث پیسی است، و علّامهٔ مجلسی فرموده که: ظاهراً موافق روایت عامّه وارد شده است و اوّل اقوی است.

و از چیزهایی‌که در روز جمعه سزاوار است به‌جا آوردنش، تصدّق کردن است که در روایتی هزار برابر اوقات دیگر است. و روایت شده که در جمعه حضرت امام زین العابدین﷣ کنیز خود را فرمود که: «باید هر سائلی که امروز بیاید او را طعام بدهید و رد نکنید که روز جمعه است».

و از حضرت رسول﷌ منقول است که: «باید در هر جمعه چیز نیکوی تازه از میوه و گوشت برای اهل و عیال خود ببرید تا آن که شاد شوند به آمدن جمعه».

و در حدیث دیگر مروی است که آن حضرت به یکی از اصحاب خود فرمود در روز جمعه که: «امروز روزه داشته‌ای؟» گفت: نه. فرمود که: «تصدّق کرده‌ای» گفت: نه. فرمود که: «برو با زن خود جماع کن که آن تصدّقی است از تو بر او».

و احادیث در فضیلت خوردن انار در روز جمعه در وقت ناشتا بودن، و خوردن آن در شبش، و خوردن هفت برگ کاسنی در روز جمعه پیش از زوال وارد شده.

و روایت شده که حضرت رسول﷌ در تابستان برای خوابیدن بیرون خـانه، روز پـنجشنبه بیرون می‌آمد، و چون در زمستان داخل خانه می‌شد در روز جمعه بود.

و به سند صحیح از حضرت صادق﷣ مروی است که: «اُفّ باد بر مسلمانی که در هفته روز جمعه را صرف آموختن مسایل دین خود نگرداند، و برای این امر خود را از کارهای دیگر فارغ نگرداند، و باید در روز جمعه احتراز کرد از سفر کردن در پیش از زوال از جهت فوت شدن نماز جمعه».

و از حضرت صادق﷣ منقول است که: «مکروه است روایت شعر برای روزه دار و مُحرم و در حرم و در روز جمعه و در شبها». راوی گفت: هر چند شعرحقّی باشد؟ فرمود: «هر چند شعر حق باشد».

و از حضرت رسول﷌ منقول است که فرمود: «هرگاه ببینید که در روز جـمعه مـرد پـیری تواریخ جاهلیّت و کفر را برای مردم نقل می‌کند سنگریزه بر سرش بزنید».

و هیچ عبادتی در روز جمعه محبوب‌تر از صلوات نیست و از حضرت صادق﷣ مروی است که: «سنّت است در هر جمعه هزار مرتبه صلوات بر محمّد و اهل بیت او بفرستی؛ و در سایر روزها

صد مرتبه». و نیز از آن حضرت منقول است که: «هرکه بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. نمیرد تا حضرت قائم را دریابد، و اگر صد مرتبه این صلوات را بخواند حق تعالی شصت حاجت او را برآورد: سی از حاجات دنیا و سی از حاجات آخرت».

و شیخ طوسی در مصباح در سیاق اعمال جمعه، صلوات مرویّه از امام زمان که به سوی ابوالحسن ضرّاب اصفهانی بیرون آمده نقل کرده و ما آن صلوات را در باب زیارات جامعه بعد از زیارت اوّل [صفحه ۳۷۳] نقل کردیم طالبین به آن‌جا رجوع کنند.

و مستحب است زیارت حضرت رسول و ائمه طاهرین در روز جمعه و زیارت این روز را ما در باب زیارات بعیده [صفحه ۴۱۵] ذکر کردیم.

و مستحب است در روز جمعه زیارت کردن اموات و زیارت قبر مادر و پدر یا یکی از ایشان و از برای آن فضیلت بسیاری است.

و مستحب است خواندن سورهٔ «جمعه» در رکعت اوّل نماز صبح روز جمعه و خواندن «توحید» در رکعت دوّم.

و شیخ طوسی گفته است که: سنّت است بعد از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه سورهٔ «توحید» و صد مرتبه «صلوات بر محمّد و آل محمّد» بفرستد و صد مرتبه «استغفار» بکند و هر یک از این سوره‌ها را بخواند: «نساء» و «هود» و «کهف» و «صافّات» و «الرّحمن». و احادیث نیز در فضیلت خواندن این سوره‌ها و سورهٔ «احقاف» در روز جمعه وارد شده.

و از حضرت صادق منقول است که: «هر که سورهٔ «مؤمنین» را در هر جمعه مداومت نماید خدا ختم اعمال او را به سعادت بکند و منزل او در فردوس اعلی با پیغمبران و مرسلین باشد».

و به سند صحیح از آن حضرت مروی است که مستحب است بعد از نماز صبح روز جمعه سورهٔ «رحمن» را بخواند و هرگاه بخواند: ﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ﴾ بگوید: لا بِشَيْءٍ مِنْ آلاءِ رَبّي اُكَذِّبُ.

و از برای خواندن «آیة الکرسی» در روز جمعه فضیلت بسیاری وارد شده، و اگر آیة الکرسی [را] علیَ التّنزیل به آن نحوی که در باب سابق [صفحه ۶۰۸] بیان آن شد بخواند نیز خوب است.

چنانچه در روایت وارد شده و سیّد ابن طاووس از حضرت رسول روایت کرده است که: «هرکه بعد از نماز صبح در روز جمعه بنشیند و مشغول تعقیب باشد تا آفتاب طالع گردد، در

فردوس اعلیٰ هفتاد درجه برای او بلند گرداند که از هر درجه تا درجهٔ دیگر هفتاد سال راه باشد، به دویدن اسبی که برای دویدن فربه کرده باشند».

دعای بعد از نماز صبح روز جمعه

و نیز به سندهای معتبره از حضرت صادق ﷺ روایت کرده است که: [هر که] بعد از نماز صبح روز جمعه پیش از آن‌که سخن بگوید این دعا [را] بخواند، کفّارهٔ گناهان او باشد از جمعه تا جمعهٔ دیگر، و دعا این است:

اللّهُمَّ ما قُلْتُ في جُمُعَتي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ، اَوْ حَلَفْتُ فيها مِنْ حَلْفٍ، اَوْ نَذَرْتُ فيها مِنْ نَذْرٍ، فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ، فَما شِئْتَ مِنْهُ اَنْ يَكُونَ كانَ وَما لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، اللّهُمَّ اغْفِرْ لي وَتَجاوَزْ عَنّي، اللّهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلاتي عَلَيْهِ، وَمَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتي عَلَيْهِ.

و در روایت دیگر: اگر در هر ماهی یك بار یا در هر سالی یك بار بخواند کفّارهٔ ما بین باشد.

و کفعمی روایت کرده که: هرکه سورهٔ «جحد» یعنی «قل یا أیّها الکافرون» را پیش از طلوع آفتاب روز جمعه ده مرتبه بخواند و دعا کند دعایش مستجاب گردد.

دعای حضرت فاطمه ﷺ در روز جمعه

و از برای روز جمعه ادعیهٔ بسیاری وارد شده، و مختصرترین آن‌ها دعای حضرت فاطمه ﷺ است به روایت کفعمی در *بلد الأمین*، و دعا این است:

اللّهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ اَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ اِلَيْكَ، وَاَوْجَهِ مَنْ تَوَجَّهَ اِلَيْكَ، وَاَنْجَحِ مَنْ سَأَلَكَ وَتَضَرَّعَ اِلَيْكَ، اللّهُمَّ اجْعَلْنا مِمَّنْ كَاَنَّهُ يَراكَ اِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ الَّذي فيهِ يَلْقاكَ، وَلا تُمِتْنا اِلّا عَلىٰ رِضاكَ، اللّهُمَّ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ اَخْلَصَ لَكَ بِعَمَلِهِ، وَاَحَبَّكَ في جَميعِ خَلْقِكَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنا مَغْفِرَةً جَزْماً حَتْماً، لا نَقْتَرِفُ بَعْدَها ذَنْباً، وَلا

نَكْتَسِبُ خَطيئَةً وَلا إِثْماً. اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً نامِيَةً دائِمَةً زاكِيَةً مُتَتابِعَةً مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

نماز کامله در روز جمعه

واز برای روز جمعه نمازهای بسیار نقل شده، ذکر بعضی از آن‌ها در این‌جا مناسب است از جملهٔ آن‌ها: نماز کامله است که شیخ و سیّد و شهید و علّامه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق‌علیه‌السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که: «در روز جمعه پیش از زوال چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سورهٔ «حمد» را ده مرتبه و هر یک از «قل أعوذ بربّ النّاس» و «قل أعوذ بربّ الفلق» و «قل هو اللّه أحد» و «قل یا أیّها الکافرون» و «آیة الکرسی» را ده مرتبه ـ و به روایت دیگر «إنّا أنزلناه» و آیهٔ «شهد اللّه»[1] را نیز هر یک ده مرتبه بخواند ـ و چون از چهار رکعت نماز فارغ شود صد مرتبه استغفار کند و صد مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ». پس صد مرتبه صلوات بفرستد. پس هرکه این عمل را بجا آورد حق تعالی دفع کند از او شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان جائر را...» تا آخر خبر که تمامش در ذکر فضیلت این نماز است.

نماز دیگر: حارث همدانی از حضرت امیر المؤمنین‌علیه‌السلام روایت کرده است که: «اگر توانی در روز جمعه ده رکعت نماز بکن و رکوع و سجودش را تمام بجا آور و بعد از هر دو رکعت صد مرتبه بگو: «سُبْحانَ اللّهِ وَبِحَمْدِهِ» که فضیلت بسیار دارد».

نماز دیگر: به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه‌السلام منقول است که: «هرکه سورهٔ «ابراهیم» و سورهٔ «حجر» در دو رکعت در روز جمعه بخواند هرگز پریشانی و دیوانگی و بلایی به او نرسد».

و از جمله نمازهای مشهوره نماز اعرابی است[2].

---

۱. آل عمران (۳)، آیهٔ ۱۸.

۲. برای دسترسی آسان برادران وخواهران مؤمن به‌این نماز کیفیّت آن را در اینجا نقل کرده‌ایم: سیّد بن طاووس در جمال الأسبوع گفته که، حضرت رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که: «چون روز بلند شود دو رکعت نماز بکن در رکعت اوّل بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ «قُل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و در رکعت دوم بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ «قُل أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» بخوان و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخوان پس برخیز و هشت رکعت دیگر بکن به دو سلام و بنشین بعد از هر دو رکعت از ⇐

و از جمله نمازهای روز جمعه نماز هدیه است که در باب نهم [صفحه ۴۲۶] به شرح رفت.

و سیّد ابن طاووس از برای روز جمعه از حضرت رسولﷺ نمازی روایت کرده با فضیلت و آن نماز مثل نماز حضرت امیر المؤمنینؑ است که بعد ذکر می‌شود إن شاء اللّه.

و نوافل روز جمعه، بیست رکعت است. و از برای آن‌ها دعاهایی وارد شده که بیان تفصیل آن منافی با این مقام است.

نماز حاجت در روز جمعه

و نیز نمازهای بسیار از برای حوایج در روز جمعه وارد شده است که معتبرترین آن‌ها این نماز است که جماعت بسیاری از علما آن را ایراد فرموده‌اند، و امّا آن نماز را به طریقی که از مختار شیخ و طوسی و سیّد ابن طاووس رسیده است نقل می‌کنم:

از حضرت صادقؑ منقول است که فرمودند: «هرگاه تو را حاجت مهمّی روی دهد به سوی خدای عزّ وجلّ، پس سه روز متوالی که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد روزه بگیر، و چون روز جمعه شد غسل کن و جامهٔ نو و نظیف بپوش، پس بالا رو به بامی که بلندترین بام‌های خانه‌ات باشد و دو رکعت نماز بجا آور و دست‌ها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّي حَلَلْتُ بِساحَتِكَ لِمَعْرِفَتي بِوَحْدانِيَّتِكَ وَصَمَدانِيَّتِكَ. وَاَنَّهُ لا قادِرَ عَلىٰ قَضاءِ حاجَتي غَيْرُكَ. وَقَدْ عَلِمْتُ يا رَبِّ اَنَّهُ كُلَّما تَظاهَرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فاقَتي اِلَيْكَ. وَقَدْ طَرَقَني يا رَبِّ هَمُّ كَذا وَكَذا[1]

و آن و تشهّد بخوان و سلام مگو و چون چهار رکعت را تمام کردی سلام بگو و چهار رکعت دیگر نیز بدین طریق بجای آور و بخوان در هر رکعتی «حمد» یک مرتبه و سورهٔ «اِذا جاءَ نَصْرُ اللّٰهِ» یک مرتبه و سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» بیست و پنج مرتبه و چون از تشهّد و سلام فارغ شدی هفت مرتبه بخوان این دعا را: يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ يا إِلٰهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُما يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰه يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْلي پس حاجت خود را ذکر کن و هفتاد مرتبه بگو: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بگو سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ پس حضرت فرمود بحق آن خداوندی که مرا براستی فرستاده سوگند که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بکند در روز جمعه من ضامنم بهشت را برای او و از جای خود برنخیزد تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود... ».

۱. به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند.

وَأَنْتَ بِكَشْفِهِ عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ، واسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ، فَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبالِ فَنُسِفَتْ، وَوَضَعْتَهُ عَلَى السَّماواتِ فَانْشَقَّتْ، وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ[1]، وَعَلَى الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ، وَأَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِنْدَ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَقْضِيَ لي حاجَتي، وَتُيَسِّرَ لي عَسيرَها، وَتَكْفِيَني مُهِمَّها، فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ، غَيْرُ جائِرٍ في حُكْمِكَ وَلا مُتَّهَمٍ في قَضائِكَ، وَلا حائِفٍ في عَدْلِكَ.

پس رخسار خود را می‌چسبانی به زمین و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتّىٰ عَبْدُكَ دَعاكَ في بَطْنِ الْحوتِ وَهُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَنَا عَبْدُكَ أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لي.

حضرت صادق‌ؑ فرمود: «بسا حاجتی از برای من پیدا می‌شود و من می‌خوانم این دعا را پس مراجعت می‌کنم و حاجتم برآورده شده است».

نماز دیگر از برای حاجت

شیخ طوسی و کفعمی از حضرت صادق‌ؑ روایت کرده‌اند که فرمودند: «روزه بگیر روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را، پس چون عصر پنجشنبه شود تصدّق کن بر ده مسکین هر مسکینی یک مدّ از طعام، و چون روز جمعه شود غسل کن و برو به سوی صحرایی و نماز جعفر بجا آور پس زانوهای خود را برهنه کرده و به زمین بچسبان و بگو:

يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَميلَ وَسَتَرَ عَلَى الْقَبيحِ، يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ، يا عَظيمَ الْعَفْوِ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ،

---

۱. فانتثرت خ ل.

یا مُقیلَ الْعَثَراتِ ◆ یا کَریمَ الصَّفْحِ ◆ یا عَظیمَ الْمَنِّ ◆ یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها پس ده مرتبه بگو: **یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ ◆** و ده مرتبه: **یا اَللّهُ یا اَللّهُ ◆** و ده مرتبه: **یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ**، و ده مرتبه: **یا مَوْلاهُ یا مَوْلاهُ**، و ده مرتبه: **یا رَجاءاهُ**، و ده مرتبه: «**یا غِیاثاهُ ◆** و ده مرتبه: **یا غایَةَ رَغْبَتاهُ**، و ده مرتبه: **یا رَحْمنُ ◆** و ده مرتبه: **یا رَحیمُ ◆** و ده مرتبه: **یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ**، وده مرتبه: **صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَثیراً طَیِّباً مُبارَکاً ◆ کَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ**، پس حاجت خود را بخواه».

و بدان‌که نمازهایی چند است منسوب به مکرّمین ـ علیهم السلام ـ که اختصاصی به روز جمعه ندارد ولکن [ادا] کردن آن‌ها در روز جمعه افضل است، و لهذا علما در اعمال جمعه آن‌ها را ذکر نموده‌اند ما نیز متابعت ایشان نموده و در این مختصر ذکر نماییم.

نماز حضرت رسول ﷺ در روز جمعه

از جملهٔ آن‌ها: نماز حضرت رسول ﷺ است. سیّد ابن طاووس به سند معتبر از حضرت امام رضا ﷺ روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز حضرت جعفر طیّار، حضرت فرمود که: «چرا غافلی از نماز حضرت رسول ﷺ ؟! شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد، و شاید جعفر نماز آن حضرت را نکرده باشد». راوی گفت: پس تعلیم کن آن نماز را به من. حضرت فرمود که: «دو رکعت نماز می‌کنی در هر رکعت یک مرتبه «فاتحه» و پانزده مرتبه سورهٔ «اِنّا اَنزلناه» می‌خوانی. پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجدهٔ اوّل و سر برداشتن و در سجدهٔ دوّم و سر برداشتن، هر یک پانزده مرتبه سوره «قدر» را می‌خوانی، پس تشهّد می‌خوانی و سلام می‌گویی، و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی‌ماند، مگر آن که آمرزیده شده است و هر حاجت که بطلبی رواست، و بعد از آن این دعا را می‌خوانی:

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْاَوَّلینَ ◆ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ اِلٰهاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ◆ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ لا نَعْبُدُ اِلَّا اِیّاهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ وَلَوْ

كَرِهَ الْكافِرُونَ. لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ[1]. اَنْجَزَ وَعْدَهُ. وَنَصَرَ عَبْدَهُ. وَاَعَزَّ جُنْدَهُ. وَهَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ. فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ. وَاَنْتَ قِيامُ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ. وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ[2]. وَاِنْجازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنّارُ حَقٌّ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ. وَبِكَ آمَنْتُ. وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. وَبِكَ خاصَمْتُ. وَاِلَيْكَ حاكَمْتُ. يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ. اغْفِرْ لي ما قَدَّمْتُ وَما اَخَّرْتُ وَما اَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ. اَنْتَ اِلٰهي لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

علّامهٔ مجلسی گفته که: این نماز از نمازهای مشهوره است و عامّه و خاصّه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند، و از روایت، اختصاصی معلوم نمی‌شود و ظاهراً در سایر ایّام می‌توان کرد، انتهیٰ.

نماز امیرالمؤمنین

و از جملهٔ آن نمازها نماز حضرت امیر المؤمنین است، شیخ صدوق و عیاشی و کلینی و شیخ و دیگران به سندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار، از حضرت صادق روایت کرده‌اند که: «هرکه چهار رکعت بگذارد، یعنی به دو سلام، و در هر رکعت بعد از سورهٔ «فاتحه» پنجاه مرتبه سورهٔ «قل هو اللّه احد» بخواند، چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آن‌که آمرزیده شده باشد».

و سیّد و شیخ از حضرت صادق روایت کرده‌اند که: «هرکه چهار رکعت نماز امیر المؤمنین را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده باشد و حاجت‌های او برآورده شود، و در هر رکعت سورهٔ «حمد» و پنجاه مرتبه سورهٔ «توحید» بخواند،

---

۱. وَحْدَهُ خ ل.
۲. حَقٌّ خ ل.

و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است:

سُبْحانَ مَنْ لا تَبيدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ مَنْ لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ، سُبْحانَ مَنْ لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبْحانَ مَنْ لا انْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يُشارِكُ اَحَداً في اَمْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا اِلٰهَ غَيْرُهُ.

پس دعا کند بعد از این و بگوید:

يا مَنْ عَفا عَنِ السَّيِّئاتِ وَلَمْ يُجازِ بِها ارْحَمْ عَبْدَكَ، يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، نَفْسي نَفْسي، اَنَا عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ، اَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، يا رَبّاهُ بِكَ بِكَ، اِلٰهي بِكَيْنُونِيَّتِكَ، يا اَمَلاهُ يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ يا غايَتاهُ، عَبْدُكَ عَبْدُكَ لا حيلَةَ لَهُ، يا مُنْتَهىٰ رَغْبَتاهُ، يا مُجْرِيَ الدَّمِ في عُرُوقي، عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ، يا مالِكاهُ، اَيا هُوَ اَيا هُوَ اَيا هُوَ، يا رَبّاهُ عَبْدُكَ لا حيلَةَ لي وَلا غِنىً بي عَنْ نَفْسي، وَلا اَسْتَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً، وَلا اَجِدُ مَنْ اُصانِعُهُ، تَقَطَّعَتْ اَسْبابُ الْخَدائِعِ عَنّي، وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنّي، اَفْرَدَني الدَّهْرُ اِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقامَ، يا اِلٰهي بِعِلْمِكَ هٰذا كانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ اَنْتَ صانِعٌ بي؟ وَلَيْتَ شِعْري كَيْفَ تَقُولُ لِدُعائي؟ اَتَقُولُ: نَعَمْ اَمْ تَقُولُ: لا؟ فَاِنْ قُلْتَ: لا، فَيا وَيْلي يا وَيْلي يا وَيْلي، يا عَوْلي يا عَوْلي يا عَوْلي، يا شِقْوَتي يا شِقْوَتي يا شِقْوَتي، يا ذُلّي يا ذُلّي يا ذُلّي، اِلىٰ مَنْ وَمِمَّنْ، اَوْ عِنْدَ مَنْ، اَوْ كَيْفَ، اَوْ ماذا، اَوْ اِلىٰ اَيِّ شَيْءٍ اَلْجَاُ؟ وَمَنْ اَرْجُو؟ وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حينَ تَرْفُضُني يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ؟ وَاِنْ قُلْتَ: نَعَمْ كَما هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَالرَّجاءُ لَكَ، فَطُوبىٰ لي اَنَا السَّعيدُ وَاَنَا الْمَسْعُودُ، فَطُوبىٰ لي وَاَنَا الْمَرْحُومُ، يا مُتَرَحِّمُ يا مُتَرَئِّفُ، يا مُتَعَطِّفُ، يا مُتَجَبِّرُ يا مُتَمَلِّكُ يا مُقْسِطُ، لا عَمَلَ لي مَعَ نَجاحِ حاجَتي، اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي جَعَلْتَهُ في مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلا

يَخْرُجُ مِنكَ إِلىٰ شَيْءٍ سِواكَ. أَسْأَلُكَ بِهِ وَبِكَ. وَبِكَ وَبِهِ. فَإِنَّهُ أَجَلُّ وَأَشْرَفُ أَسْمائِكَ. لا شَيْءَ لي غَيْرُ هٰذا. وَلا أَجِدُ أَعْوَدَ عَلَيَّ مِنكَ. يا كَيْنُونُ. يا مُكَوِّنُ. يا مَنْ عَرَّفَنِي نَفْسَهُ. يا مَنْ أَمَرَنِي بِطاعَتِهِ. يا مَنْ نَهانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ. وَيا مَدْعُوُّ. وَيا مَسْؤُولُ. يا مَطْلُوباً إِلَيْهِ. رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي أَوْصَيْتَنِي بِها وَلَمْ أُطِعْكَ. وَلَوْ أَطَعْتُكَ فِيما أَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي ما قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ. وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ راجٍ. فَلا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ ما رَجَوْتُ. يا مُتَرَحِّماً لِي أَعِذْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهاتِ الْإِحاطَةِ بِي.

اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي و بِعَلِيٍّ وَلِيِّي وَبِالْأَئِمَّةِ الرّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ اجْعَلْ عَلَيْنا صَلَواتِكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ. وَأَوْسِعْ عَلَيْنا مِنْ رِزْقِكَ. وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوائِجِنا. يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ. إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس حضرت فرمود که: «هرکه این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند؛ مگر آن‌که آمرزیده شود».

نماز حضرت فاطمه عليها السلام

و از جملهٔ آن نمازها نماز حضرت طاهره، فاطمهٔ زهرا عليها السلام است، سیّد ابن طاووس به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمود: «مادرم حضرت فاطمه عليها السلام دو رکعت نماز می‌کرد، که جبرئیل عليه السلام تعلیم او کرده بود، در رکعت اوّل بعد از سورهٔ «حمد»، صد مرتبه سورهٔ «قدر»، و در رکعت دوّم صد مرتبه سورهٔ «توحید»، می‌خواند؛ و چون سلام می‌گفت این دعا را می‌خواند:

سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنِيفِ. سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظِيمِ. سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَدِيمِ. سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالَ.

سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا وَلا هٰكَذا غَيْرُهُ».

و سیّد گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که، بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده می‌شود بخواند، و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام بفرستد و بدان که علما رحمهم الله از برای هر یک ائمه علیهم السلام نمازی ذکر نموده‌اند و چون سندهای آن‌ها چندان معتبر نبود و هم ذکرش منافات با اختصار داشت، آن‌ها را ایراد ننمودیم، طالبین رجوع به مآخذ آن‌ها نمایند.

و نماز حضرت صاحب الأمر علیه السلام را در باب اعمال سامرا [صفحه ۹۵] نقل کردیم.

کیفیّت نماز حضرت جعفر طیّار علیه السلام

و از جملهٔ نمازها نماز جعفر بن ابی طالب علیه السلام است که به سندهای بسیار معتبره وارد شده است، و افضل اوقات آن صدر نماز[۱] جمعه است، سیّد ابن طاووس به سند معتبر روایت کرده است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید نماز تسبیح یعنی نماز جعفر را؟ حضرت فرمود که: «آن حبوت» یعنی بخششی بوده از رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر، پس فرمود: «حدیث کرد مرا پدرم از جدّم حضرت امام زین العابدین علیه السلام که چون جعفر طیّار برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از هجرت حبشه مراجعت نمود، در روزی آمد که فتح خیبر به دست امیر المؤمنین علیه السلام شده بود، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به قدر مسافت یک تیر پرتاب، به استقبال او شتافت، چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آن حضرت افتاد، مشتاقانه به جانب آن حضرت دوید، حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقهٔ عضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت، و چون ناقه به راه افتاد حضرت فرمود که: «ای جعفر، ای برادر، می‌خواهی بخشش بزرگی کنم نسبت به تو؟ می‌خواهی تو را عطیهٔ گران‌بهایی بدهم؟ می‌خواهی تو را برگزینم؟» مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر به او عطا خواهد فرمود. جعفر گفت: بلی پدر و مادرم فدای تو باد؛

---

۱. به نظر می‌رسد که کلمهٔ نماز تصحیفی است از نهار، چون مرحوم شیخ در مفاتیح الجنان همین تعبیر را به صورت نهار آورده‌اند نه نماز؛ دیگر آنکه وقت نماز جمعه مضیّق است و فرصتی برای خواندن نماز جعفر ـ که طولانی است ـ نمی‌ماند بنابراین صدر نهار که اوّل روز می‌باشد صحیح است.

پس حضرت نماز تسبیح را به او تعلیم فرمود».

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «صفتش این است که آن چهار رکعت است به دو تشهّد و به دو سلام، و در رکعت اوّل بعد از سورۀ حمد «اذا زلزلت» می‌خواند، و در رکعت دوّم سورۀ «والعادیات»، و در رکعت سوّم «اذا جاء نصر اللّه»، و در رکعت چهارم «قل هو اللّه احد»، و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه می‌گوید: «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلٰهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَكْبَرُ» و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه می‌گوید، و چون سر از رکوع بر می‌دارد ده مرتبه، و در سجدۀ اوّل ده مرتبه، وبعد از سر بر داشتن ده مرتبه، و در سجدۀ دوّم ده مرتبه، و بعد از سر برداشتن پیش از آن‌که برخیزد ده مرتبه، و در هر چهار رکعت چنین می‌کند، که مجموع سیصد مرتبه می‌شود، و هزار و دویست تسبیح بوده باشد».

و به روایات معتبرۀ دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: «اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در او هست، و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده[ای] آمرزیده شود، و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بکنی، هر گناهی که در میان آن‌ها کرده[ای] آمرزیده شود». و به روایات معتبرۀ دیگر اگر به قدر کف دریاها و به عدد ریگ بیابان و برگ درختان و ستاره‌های آسمان گناه بر تو باشد خدا [آن را] بیامرزد؛ و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهان است خدا تو را بیامرزد. و از این نحو روایات در فضیلت این نماز بسیار وارد شده است.

و امّا دعایی که در این نماز مستحب است، شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: «در سجدۀ آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو:

سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ. سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ. سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلاَّ لَهُ. سُبْحانَ مَنْ اَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ. سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ. سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ. وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ. وَاسْمِكَ الْاَعْظَمِ. وَكَلِماتِكَ التّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ».

و شیخ طوسی در مصباح این دعا را روایت کرده است با این زیادتی، چنان‌که بعد از پنج تسبیح

گفته:

سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ، سُبْحانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ، سُبْحانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ، اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ... تا آخر دعا، پس حاجات خود را ذکر کند.

و شیخ و سیّد از مفضّل بن عمر روایت کرده‌اند که گفت: دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را که نماز جعفر بجا آوردند، پس دست‌ها را بلند کردند و این دعا خواندند: «یا رَبِّ یا رَبِّ» به قدری که یک نفس وفا کند «یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ» به قدر یک نفس «رَبِّ رَبِّ» باز به قدر یک نفس «یا اللّهُ یا اللّهُ» باز به قدر یک نفس «یا حَيُّ یا حَيُّ» به قدر یک نفس «یا رَحیمُ یا رَحیمُ» باز به قدر یک نفس «یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ» به قدر یک نفس «یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ» هفت مرتبه. پس خواندند:

«اللّهُمَّ إِنّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ، وَأُمَجِّدُكَ وَلا غايَةَ لِمَدْحِكَ[1]، وَأُثْني عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غايَةَ ثَنائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ، وَأَنّىٰ لِخَليقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ؟ وَأَيُّ[2] زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ، مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ، عَوّاداً عَلَى الْمُذْنِبينَ بِحِلْمِكَ؟ تَخَلَّفَ سُكّانُ أَرْضِكَ عَنْ طاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ، جَواداً بِفَضْلِكَ، عَوّاداً بِكَرَمِكَ، يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْمَنّانُ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ».

پس حضرت فرمود که: «ای مفضّل هرگاه تو را حاجتی ضروری بوده باشد، نماز جعفر را [ادا] بکن و این دعا را بخوان و حوایج خود را از خدا طلب کن که برآورده می‌شود، إن شاء اللّه تعالی».

مؤلّف گوید که: نماز جعفر به روایات مستفیضه بلکه متواتره وارد شده است و عامّه و خاصّه به طرق بسیار آن را نقل نموده‌اند؛ و اجماع مسلمین بر استحباب آن جز نادری از عامّه و اکثر عامّه به ملاحظهٔ بعضی امور این نماز را به عبّاس عمّ پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند، و در روایات اهل بیت علیهم السلام منسوب است به جعفر، و شک نیست که روایات شیعه که از اهل بیت علیهم السلام منقول است اصحّ و اوثق است، چه آن‌که «أهل البیت أدری بما في البیت» و ممکن است که همین نماز را

---

۱. لِمَجْدِكَ خ ل.
۲. وأنّی ط.

حضرت رسول ﷺ به عمّ خود عبّاس نیز تعلیم فرموده باشد، چنانچه به جعفر ؑ تعلیم فرموده. به هر حال نمازی به حسب صحّت سند و کثرت ثواب بعد از نوافل شبانه‌روزی مثل نماز جعفر نقل نشده، و اگر کسی خواسته باشد که او را به جای نوافل بکند می‌تواند و بهر دو حساب شود. و بعض علما گفته‌اند که: اگر کسی مستعجل باشد می‌تواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند.

و در محکی ذکری شیخ شهید است که کسی که دو رکعت از نماز جعفر بجا آورد پس او را عارضی رو داد می‌تواند که پی آن کار رود و دو رکعت دیگر را بعد از زوال [آن] عارض بکند. و در تعیین سوره‌های این نماز خلاف است، و مشهور آن است که ذکر شد، و صدوقین گفته‌اند که اگر در هر رکعت سورهٔ «قل هو اللّه» خواستی بخوانی می‌توانی، و علّامهٔ مجلسی فرموده که: در روایت صحیح وارد شده است که در هر رکعت «قل یا ایّها الکافرون» و «قل هو اللّه احد» هر دو را بخواند، و در روایتی وارد شده است که هر سوره را که خواهد بخواند، انتهی.

و احکام این نماز بسیار است و مقام را گنجایش زیاده بر این نیست.

دعای ندبه در عیدهای چهارگانه

بدان که از جملهٔ اعمال روز جمعه خواندن دعای ندبه است که مشتمل است بر عقاید حقّه و تأسّف بر غیبت حضرت صاحب الأمر ـصلوات اللّه علیهـ و آن دعا را سیّد ابن طاووس و شیخ محمّد بن المشهدی به روایت محمّد بن علیّ بن ابی قرّه روایت کرده‌اند و ابن ابی قرّه گفته که نقل کردم من دعا را، از کتاب محمّد بن الحسین بن سفیان بزوفری و او گفته که این دعایی است از برای حضرت صاحب ؑ و مستحب است که در عیدهای چهارگانه یعنی عید فطر و اضحی و عید غدیر و روز جمعه بخوانند، و دعا این است:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ما جَرىٰ بِهِ قَضاؤُكَ في اَوْلِيائِكَ الَّذينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدينِكَ. اِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ النَّعيمِ الْمُقيمِ الَّذي لا زَوالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ. بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ في دَرَجاتِ هٰذِهِ الدُّنْيا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها. فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ. وَعَلِمْتَ

مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ ◆ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالثَّناءَ الْجَلِيَّ وَاَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ ◆ وَاَكْرَمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ ◆ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّريعَةَ اِلَيْكَ وَالْوَسيلَةَ اِلىٰ رِضْوانِكَ ◆ فَبَعْضٌ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ اِلىٰ اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْها ◆ وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ في فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ ◆ وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَليلاً وَسَأَلَكَ لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرينَ فَاَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً ◆ وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْليماً وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخيهِ رِدْءاً وَوَزيراً ◆ وَبَعْضٌ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ اَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ وَاَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ◆ وَكُلاًّ شَرَعْتَ لَهُ شَريعَةً ◆ وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً ◆ وَتَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِياءَ ◆ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ ◆ مِنْ مُدَّةٍ اِلىٰ مُدَّةٍ ◆ اِقامَةً لِدينِكَ وَحُجَّةً عَلىٰ عِبادِكَ ◆ وَلِئَلاّ يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ◆ وَيَغْلِبَ الْباطِلُ عَلىٰ اَهْلِهِ ◆ وَلا يَقُولَ اَحَدٌ لَوْلا اَرْسَلْتَ اِلَيْنا رَسُولاً مُنْذِراً وَاَقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِياً فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ ◆ اِلىٰ اَنِ انْتَهَيْتَ بِالْاَمْرِ اِلىٰ حَبيبِكَ وَنَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ◆ فَكانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ ◆ وَاَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ ◆ وَاَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ عَلىٰ اَنْبِيائِكَ ◆ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبادِكَ ◆ وَاَوْطَأْتَهُ مَشارِقَكَ وَمَغارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ ◆ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ[1] اِلىٰ سَمائِكَ ◆ وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما كانَ وَما يَكُونُ اِلَى انْقِضاءِ خَلْقِكَ ◆ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ ◆ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَالْمُسَوِّمينَ مِنْ مَلائِكَتِكَ ◆ وَوَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دينَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ◆ وَذٰلِكَ بَعْدَ اَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّءَ صِدْقٍ مِنْ اَهْلِهِ ◆ وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمينَ ◆ فيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ

---

۱. به خ ل.

مَقامُ اِبْراهيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً. وَقُلْتَ: «اِنَّما يُريدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً». ثُمَّ جَعَلْتَ اَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ في كِتابِكَ فَقُلْتَ. «قُلْ لا اَسْاَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ». وَقُلْتَ: «ما سَاَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ». وَقُلْتَ: «ما اَسْاَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَنْ شاءَ اَنْ يَتَّخِذَ اِلىٰ رَبِّهِ سَبيلاً»، فَكانُوا هُمُ السَّبيلَ اِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ اِلىٰ رِضْوانِكَ.

فَلَمَّا انْقَضَتْ اَيّامُهُ اَقامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ بْنَ اَبي طالِبٍ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِما وَعَلىٰ آلِهِما هادِياً، اِذْ كانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ. فَقالَ وَالْمَلَأُ اَمامَهُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَهٰذا عَلِيٌّ مَوْلاهُ. اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ. وَعادِ مَنْ عاداهُ. وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ. وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ». وَقالَ: «مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ اَميرُهُ». وَقالَ: «اَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ وَسائِرُ النّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّىٰ». وَاَحَلَّهُ مَحَلَّ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ فَقالَ: «اَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ اِلَّا اَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدي». وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ. وَاَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ. وَسَدَّ الْاَبْوابَ اِلَّا بابَهُ. ثُمَّ اَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ. فَقالَ: «اَنَا مَدينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بابُها. فَمَنْ اَرادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَاْتِها مِنْ بابِها». ثُمَّ قالَ لَهُ: «اَنْتَ اَخي وَوَصِيّي وَوارِثي. لَحْمُكَ مِنْ لَحْمي. وَدَمُكَ مِنْ دَمي. وَسِلْمُكَ سِلْمي. وَحَرْبُكَ حَرْبي. وَالْايمانُ مُخالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ كَما خالَطَ لَحْمي وَدَمي. وَاَنْتَ غَداً عَلَى الْحَوْضِ خَليفَتي. وَاَنْتَ تَقْضي دَيْني وَتُنْجِزُ عِداتي. وَشيعَتُكَ عَلىٰ مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ حَوْلي فِي الْجَنَّةِ. وَهُمْ جيراني. وَلَوْ لا اَنْتَ يا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدي». وَكانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلالِ وَنُوراً مِنَ الْعَمىٰ. وَحَبْلَ اللّٰهِ الْمَتينَ. وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ. لا

يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ في رَحِمٍ، وَلا بِسابِقَةٍ في دينٍ، وَلا يُلْحَقُ في مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللّهُ عليهما وَآلهما، وَيُقاتِلُ عَلَى التَّأْويلِ، وَلا تَأْخُذُهُ فِي اللّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، قَدْ وَتَرَ فيهِ صَناديدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ، وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ عَلىٰ عَداوَتِهِ، وَأَكَبَّتْ عَلىٰ مُبارَزَتِهِ[1]، حَتّىٰ قَتَلَ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ.

وَلَمّا قَضىٰ نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْأَشْقِياءِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ يَتْبَعُ أَشْقَى الْأَوَّلينَ لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللّهِ ﷺ فِي الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلىٰ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلىٰ قَطيعَةِ رَحِمِهِ وَإِقْصاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَليلَ مِمَّنْ وَفىٰ لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ بِما يُرْجىٰ لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كانَتِ الْأَرْضُ لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ، وَسُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، وَلَنْ يُخْلِفَ اللّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ.

فَعَلَى الْأَطائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما فَلْيَبْكِ الْباكُونَ، وَإِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ[2] الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ، وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ، وَيَعِجَّ الْعاجُّونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ وَأَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْناءُ الْحُسَيْنِ، صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ، وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ؟ وَأَيْنَ السَّبيلُ بَعْدَ السَّبيلِ؟ أَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ؟ وَأَيْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمارُ الْمُنيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلامُ الدّينِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللّهِ الَّتي لا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الطّاهِرَةِ؟ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ

---

۱. مُنابَذَتِهِ خ ل. ۲. فَلْتَذْرِ خ ل.

الظُّلْمَةِ؟ اَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقامَةِ الْاَمْتِ وَالْعِوَجِ؟ اَيْنَ الْمُرْتَجى لِإِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ؟ اَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْديدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ؟ اَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِاِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّريعَةِ؟ اَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْياءِ الْكِتابِ وَحُدُودِهِ؟ اَيْنَ مُحْيي مَعالِمِ الدّينِ وَاَهْلِهِ؟ اَيْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدينَ؟ اَيْنَ هادِمُ اَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ؟ اَيْنَ مُبيدُ اَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ وَالطُّغْيانِ؟ اَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقاقِ؟ اَيْنَ طامِسُ آثارِ الزَّيْغِ وَالْاَهْواءِ؟ اَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ وَالْاِفْتِراءِ؟ اَيْنَ مُبيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ؟ اَيْنَ مُسْتَأْصِلُ اَهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْليلِ وَالْاِلْحادِ؟ اَيْنَ مُعِزُّ الْاَوْلِياءِ وَمُذِلُّ الْاَعْداءِ؟ اَيْنَ جامِعُ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوى؟ اَيْنَ بابُ اللّٰهِ الَّذي مِنْهُ يُؤْتى؟ اَيْنَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذي اِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْاَوْلِياءُ؟ اَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ اَهْلِ الْاَرْضِ وَالسَّماءِ؟ اَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ الْهُدى؟ اَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ وَالرِّضا؟ اَيْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الْاَنْبِياءِ وَاَبْناءِ الْاَنْبِياءِ؟ اَيْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلاءَ؟ اَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلى مَنِ اعْتَدى عَلَيْهِ وَافْتَرى؟ اَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذي يُجابُ اِذا دَعا؟ اَيْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوى؟ اَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى وَابْنُ خَديجَةَ الْغَرّاءِ وَابْنُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ الْكُبْرى؟

بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي وَنَفْسي لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمى ۔ يَابْنَ السّادَةِ الْمُقَرَّبينَ ۔ يَابْنَ النُّجَباءِ الْاَكْرَمينَ ۔ يَابْنَ الْهُداةِ الْمُهْتَدينَ ۔ يَابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبينَ ۔ يَابْنَ الْغَطارِفَةِ الْاَنْجَبينَ ۔ يَابْنَ الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبينَ ۔ يَابْنَ الْقَماقِمَةِ الْاَكْرَمينَ ۔ يَابْنَ الْاَطائِبِ الْمُعَظَّمينَ الْمُطَهَّرينَ ۔ يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُنيرَةِ ۔ يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضيئَةِ ۔ يَابْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَةِ ۔ يَابْنَ الْاَنْجُمِ الزّاهِرَةِ ۔ يَابْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ ۔ يَابْنَ الْاَعْلامِ اللّائِحَةِ ۔ يَابْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ ۔ يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ ۔ يَابْنَ

الْمَعالِمِ الْمَأْثُورَةِ • يَابْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ • يَابْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ • يَابْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ • يَابْنَ النَّبَأِ الْعَظيمِ • يَابْنَ مَنْ هُوَ في أُمِّ الْكِتابِ لَدَى اللّهِ لَعَلِيٌّ حَكيمٌ • يَابْنَ الآياتِ وَالْبَيِّناتِ • يَابْنَ الدَّلائِلِ الظّاهِراتِ • يَابْنَ الْبَراهينِ الْواضِحاتِ الْباهِراتِ • يَابْنَ الْحُجَجِ الْبالِغاتِ • يَابْنَ النِّعَمِ السّابِغاتِ • يَابْنَ طه وَالْمُحْكَماتِ • يَابْنَ يس وَالذّارِياتِ • يَابْنَ الطُّورِ وَالْعادِياتِ • يَابْنَ مَنْ دَنا فَتَدَلّىٰ فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنىٰ دُنُوّاً وَاقْتِراباً مِنَ الْعَلِيِّ الْاَعْلىٰ.

لَيْتَ شِعْري اَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوىٰ؟ بَلْ اَيُّ اَرْضٍ تُقِلُّكَ اَوْ ثَرىٰ؟ اَبِرَضْوىٰ اَمْ غَيْرِها اَمْ ذي طُوىٰ؟ عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَلا تُرىٰ • وَلا اَسْمَعُ لَكَ حَسيساً وَلا نَجْوىٰ • عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ لا يُحيطَ بي دُونَكَ الْبَلْوىٰ وَلا يَنالُكَ مِنّي ضَجيجٌ وَلا شَكْوىٰ • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنّا • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ نازِحٍ يَنْزَحُ عَنّا • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ اُمْنِيَّةِ شائِقٍ تَمَنّىٰ • مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرا فَحَنّا • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ عَقيدِ عِزٍّ لا يُسامىٰ • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ اَثيلِ مَجْدٍ لا يُجازىٰ • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ لا تُضاهىٰ • بِنَفْسي اَنْتَ مِنْ نَصيفِ شَرَفٍ لا يُساوىٰ.

اِلىٰ مَتىٰ اَحارُ[1] فيكَ يا مَوْلايَ وَاِلىٰ مَتىٰ؟ وَاَيَّ خِطابٍ اَصِفُ فيكَ وَاَيَّ نَجْوىٰ؟ عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجابَ دُونَكَ وَاُناغىٰ • عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرىٰ • عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ ما جَرىٰ • هَلْ مِنْ مُعينٍ فَاُطيلَ مَعَهُ الْعَويلَ وَالْبُكاءَ؟ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاُساعِدَ جَزَعَهُ اِذا خَلا؟ هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَتُسْعِدَها عَيْني عَلَى الْقَذىٰ؟ هَلْ اِلَيْكَ يَابْنَ اَحْمَدَ سَبيلٌ فَتُلْقىٰ؟ هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا مِنْكَ بِعِدَةٍ فَنَحْظىٰ؟ مَتىٰ نَرِدُ مَناهِلَكَ

---

۱. اُجارُ ع ل.

الرُّؤيَةَ فَنَرویٰ؟ مَتیٰ نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مائِكَ فَقَدْ طالَ الصَّدیٰ؟ مَتیٰ نُغاديكَ وَنُراوِحُكَ فَتَقَرَّ عُيُونُنا؟ مَتیٰ تَرانا وَنَراكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النَّصْرِ؟ تُریٰ اَتَرانا نَحُفُّ بِكَ وَاَنْتَ تَؤُمُّ الْمَلاَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْاَرْضَ عَدْلاً وَاَذَقْتَ اَعْداءَكَ هَواناً وَعِقاباً. وَاَبَرْتَ الْعُتاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ. وَقَطَعْتَ دابِرَ الْمُتَكَبِّرينَ. وَاجْتَثَثْتَ اُصُولَ الظّالِمينَ. وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ؟

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ كَشّافُ الْكُرَبِ وَالْبَلْویٰ. وَاِلَيْكَ اَسْتَعْدي فَعِنْدَكَ الْعَدْویٰ. وَاَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْاُولیٰ. فَاَغِثْ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلیٰ. وَاَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَديدَ الْقُویٰ. وَاَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْاَسیٰ وَالْجَویٰ. وَبَرِّدْ غَليلَهُ يا مَنْ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَویٰ. وَمَنْ اِلَيْهِ الرُّجْعیٰ وَالْمُنْتَهیٰ.

اَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبيدُكَ الشّائِقُونَ اِلیٰ وَلِيِّكَ. الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ. خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً. وَاَقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً. وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنينَ مِنّا اِماماً. فَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً. وَزِدْنا بِذٰلِكَ يا رَبِّ اِكْراماً. وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً. وَاَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْديمِكَ اِيّاهُ اَمامَنا حَتّیٰ تُورِدَنا جِنانَكَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ. وَصَلِّ عَلیٰ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ. وَصَلِّ عَلیٰ عَلِيٍّ اَبيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ. وَحامِلِ اللِّواءِ فِي الْمَحْشَرِ. وَساقي اَوْلِيائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ. وَالْاَميرِ عَلیٰ سائِرِ الْبَشَرِ. الَّذي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ. وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ.

صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلیٰ اَخيهِ وَعَلیٰ نَجْلِهِمَا الْمَيامينِ الْغُرَرِ. ما طَلَعَتْ شَمْسٌ وَما اَضاءَ قَمَرٌ. وَعَلیٰ جَدَّتِهِ الصِّدّيقَةِ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفیٰ. وَعَلیٰ مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبائِهِ الْبَرَرَةِ. وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ وَاَتَمَّ

وَاَدْوَمَ وَاَكْثَرَ وَاَوْفَرَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً لا غايَةَ لِعَدَدِها. وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها. وَلا نَفادَ لِاَمَدِها.

اَللّٰهُمَّ وَاَقِمْ بِهِ الْحَقَّ. وَاَدْحِضْ بِهِ الْباطِلَ. وَاَدِلْ بِهِ اَوْلِياءَكَ. وَاَذْلِلْ بِهِ اَعْداءَكَ. وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدّي اِلىٰ مُرافَقَةِ سَلَفِهِ. وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ. وَيُمَكِّنُ في ظِلِّهِمْ. وَاَعِنّا عَلىٰ تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ اِلَيْهِ. وَالْاِجْتِهادِ في طاعَتِهِ. وَالْاِجْتِنابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ. وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ. وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعاءَهُ وَخَيْرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ. وَفَوْزاً عِنْدَكَ. وَاجْعَلْ صَلَواتِنا بِهِ مَقْبُولَةً. وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً. وَدُعاءَنا بِهِ مُسْتَجاباً. وَاجْعَلْ اَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً. وَهُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً. وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً. وَاَقْبِلْ اِلَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَريمِ. وَاَقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَيْكَ. وَانْظُرْ اِلَيْنا نَظْرَةً رَحيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ. ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ. وَاَسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنيئاً سائِغاً لا نَظْمأُ بَعْدَهُ اَبَداً. يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

مؤلّف گويد كه: اگر بعضی[۱] از كسانی كه مبتلا به امراض قلبيّه و عقايد فاسده هستند، عبارت دعای ندبه را كه در نسخ علّامهٔ مجلسی‌ﷺ ضبط شده «و عرجت بروحه الی سمائك» خوانند و دليل و متمسّک خود گردانند و معراج جسمانی را كه از جملهٔ ضروريّات دين است انكار نمايد، مُهر سكوت بر لب او زده و رشتهٔ اعتصام او را گسيخته نماييم به آن‌كه اوّلاً:

اين عبارت تحريف شده در اصل نسخه كه علّامهٔ مرحوم از آن نقل فرموده و اصل آن

۱. مخفی نماند كه عبارت خود دعا «و سخّرت له البراق» دافع اين احتمال وشبهه، و نقل صريحی است در معراج جسمانی، چنانچه در قضيهٔ حضرت ابراهيم‌ﷺ و نقل آن بزرگوار هاجر و حضرت اسماعيل را از شام به مكّه براق آوردن جبرئيل‌ﷺ هم وارد است، زيرا كه در معراج روحانی احتياج به مركب نخواهد شد، اين مطلب بر واضح است بايد از اين غفلت نشود.

«وعرجت به إلى سمائك» است. بیان این مطلب آن‌که دعای ندبه در سه کتاب مزار نقل شده و علّامهٔ مجلسی نیز از بعض آن‌ها نقل نموده و آن سه مزار یکی، مزار محمّد بن المشهدی است که علّامهٔ مذکور از او تعبیر به *مزار کبیر* می‌فرماید و دیگر مزار ابن طاووس است که *مصباح الزائر* نام دارد و دیگر *مزار قدیم* است که ظاهراً از مؤلّفات قطب راوندی است، و در این سه مزار دعای ندبه از کتاب ابن ابی قرّة نقل شده است و مستندی غیر آن نیست و در *مزار قدیم* و نسخ کتاب مزار محمّد بن المشهدی تمام «و عرجت به» است، و بعضی از نسخ *مصباح الزائر* نیز چنین است، و لکن در جمله از نسخ *مصباح* «و عرجت بروحه» است و نسخهٔ علّامهٔ مجلسی رحمه الله که از او، در کتب خود این دعا را نقل فرموده نیز چنین بوده، و آن مرحوم دعا را به همان قسم نقل فرموده و به جهت کثرت اشتغال و نوشتن کتاب ادعیه و احادیث طولانی در نسخ اصل تألیف، چنانچه از مشاهدهٔ جمله‌ای از آن‌ها معلوم شده، التفات به این اختلاف نفرموده، و از آن‌جا که ملاذ و مرجع کافّهٔ مردم در امثال این مقامات مؤلّفات شریفهٔ آن مرحوم است، و به مآخذ کتب آن بزرگوار گاهی مراجعه نکنند، لهذا این فقره شایع و منتشر شده و سبب شبهه شده در بعض قلوب مریضه و نفوس ضعیفه، و الحمد للّٰه که اساس شبهه از بیخ منهدم و خراب شد.

و ثانیاً: علی تسلیم صحّت این فقره نیز دلالت بر صحّت آن عقیده فاسده که معراج به روح بوده نه به جسم، نکند؛ چه آن‌که مراد از روح در این جا همان جسم است به بیانی که بر اهل بصیرت پوشیده نیست و ذکر آن در این جا شایسته نیست.

بعض ادعیهٔ روز جمعه

بدان که ادعیهٔ زوال جمعه و آداب توجّه به نماز جمعه و دعاهای آن و ادعیه و نمازها که بعد از نماز جمعه مستحب است، بسیار است و مقام را گنجایش ذکر آن‌ها نیست؛ طالبین رجوع کنند به فصل دوازدهم از کتاب *ربیع الأسابیع*.

و شیخ و سیّد روایت کرده‌اند از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله که در روز جمعه در ساعت استجابت این دعا را بخوانند:

سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا بَدِيعَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ» پس حاجت خود را بطلبند.

و نیز آن دو بزرگوار گفته‌اند که چون زوال شمس شود بخواند دعایی را که محمّد بن مسلم از

حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است:

«لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.

پس بگوید: يا سابِغَ النِّعَمِ، يا دافِعَ النِّقَمِ، يا بارِئَ النَّسَمِ، يا عَلِيَّ الْهِمَمِ، يا مُغْشِيَ الظُّلَمِ، يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يا مُؤْنِسَ الْمُسْتَوْحِشينَ فِي الظُّلَمِ، يا عالِماً لا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، يا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ، وَذِكْرُهُ شِفاءٌ، وَطاعَتُهُ غِنىً، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ الدُّعاءُ[1]، سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا بَديعَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.

و امّا آداب نماز جمعه: سنّت است که بامداد به مسجد بیاید، و هرکه زودتر به مسجد بیاید ثوابش بیشتر است، امّا بعد از آن که غسل کرده باشد و ناخن و شارب گرفته باشد و سر را تراشیده، و به خطمی و سدر شسته باشد و خود را خوشبو کرده باشد و ریش را شانه زده باشد، چنانچه در باب هر یک، احادیث بسیار وارد شده و باید که پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوشد و عمامه بر [سر] گذارد، خصوصاً پیش نماز؛ و در هنگام رفتن به مسجد تند نرود، مگر آن که وقت تنگ شده باشد، بلکه به آرام تن و آرام دل برود و دلش بیاد خدا باشد، و مشهور آن است که بعد از ظهر با وجوب جمعه سفر کردن حرام است، و خریدن و فروختن بعد از اذان جمعه برای کسی که بر او جمعه واجب باشد حرام است، و غیر این‌ها از آداب و کیفیّت نماز جمعه که تفصیل آن وظیفهٔ کتب فقهیّه است و ذکر آن‌ها در این مختصر با وجود آن‌که نماز جمعه منعقد نمی‌شود مناسب نیست.

و مستحب است چنانکه در کتاب عروس و مصباح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، خواندن سورهٔ جمعه در رکعت اوّل نماز ظهر و عصر جمعه، و خواندن منافقین در رکعت دوّم نماز ظهر، و توحید در رکعت دوّم نماز عصر.

---

۱. البكاء خ ل.

و در کتاب *اعلام الدّین* از حضرت صادق‌ﷺ روایت کرده است که: «هرکه بعد از ظهر روز جمعه سه مرتبه بگوید: **اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلاتَكَ وَصَلاةَ مَلائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** برای او امان باشد از بلاها تا جمعهٔ دیگر، و هرکه بعد از نماز جمعه هفت مرتبه بگوید: **اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ** از اصحاب حضرت قائم‌ﷺ باشد».

نماز و دعای روز جمعه جهت فرزند

و شیخ و سیّد به سند معتبر از حضرت باقرﷺ روایت کرده‌اند که: «هرکه خواهد خدا او را فرزند کرامت فرماید بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بجا آورد، و رکوع و سجود آن را طول دهد و بعد از نماز بگوید:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِما سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيّا عَلَيْهِ السَّلامُ إِذْ ناداكَ ﴿رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ﴾ اللّٰهُمَّ فَهَبْ لِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُها وَفِي أَمانَتِكَ أَخَذْتُها فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِها وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلاماً مُبارَكاً زَكِيّاً وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فِيهِ نَصِيباً وَلا شِرْكاً».

و از حضرت صادق‌ﷺ منقول است که: «هرکه روز جمعه بعد از سلام از نماز ظهر، بخواند هفت مرتبه سورهٔ حمد و هر یک از چهار قُل را نیز هفت مرتبه و بخواند آخر سورهٔ برائت **﴿لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾**[1] تا آخر سوره، و آخر سورهٔ حشر **﴿لَوْ أَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرْآنَ﴾**[2] تا آخر سوره، و پنج آیه از آل عمران **﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ﴾** تا **﴿إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ﴾**[3] را، از این جمعه تا جمعهٔ دیگر، کفایت شرّ دشمنان و بلاها از او بشود».

و شیخ و سید از ائمه‌ﷺ روایت کرده‌اند که: «هرکه بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ «قل هو اللّٰه أحد» بخواند و بعد از فراغ از

---

۱. سوره (۹) آیه‌های ۱۲۸ و ۱۲۹.
۲. سوره (۵۹) آیه‌های ۲۱ تا ۲۴.
۳. سوره (۳) آیه‌های ۱۹۰ تا ۱۹۴.

نماز بگوید: اللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشْوُها بَرَكَةٌ وَعُمّارُها الْمَلائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَبِينا[1] إِبْراهِيمَ عليه السلام، تا جمعه دیگر بلایی و فتنه‌ای به او نرسد و حق تعالی او را با محمّد و ابراهیم عليهما السلام در بهشت مجتمع گرداند».

و از جامع بزنطی نقل شده که روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که: «هرکه میان دو نماز روز جمعه صلوات بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه وآله بفرستد، ثوابش معادل هفتاد رکعت نماز باشد».

و شیخ طوسی از آن حضرت روایت کرده که: «هرکه بعد از نماز فجر یا بعد از نماز ظهر روز جمعه بگوید: اللّهُمَّ اجْعَلْ صَلاتَكَ وَصَلاةَ مَلائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا یک سال گناه او نوشته نشود». و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «اگر در این دو وقت به این طریق صلوات بفرستد: اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ از دنیا بیرون نرود تا آن‌که حضرت قائم علیه السلام را درک کند».

و اعمال و ادعیه بعد از نماز جمعه یا ظهر روز جمعه زیاده بر این است و ما به همین مقدار قناعت می‌کنیم.

طریق صلوات در روز جمعه

و امّا اعمال و ادعیهٔ بعد از نماز عصر روز جمعه پس بسیار است. از جمله صلوات است [که] ابن ادریس در *سرائر* از *جامع* بزنطی نقل کرده و او از حضرت صادق علیه السلام که: «هرکه بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند مثل ثواب عمل جنّ و انس در این روز به او عطا کنند، و صلوات این است:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَأَجْسادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ».

مؤلّف گوید که: این صلوات را جماعت بسیاری از علما با فضیلت بسیار روایت کرده‌اند با اختلاف جزئی، و در روایت سیّد ده مرتبه، و به روایت دیگر هفت مرتبه وارد شده و عوض

---

۱. اگر غیر سیّد بخواند بجای وأبینا و ابیه بگوید.

«والسَّلامُ علیهم» دارد «وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ»، و در کافی و ثواب الاعمال: «وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ» است، و در روایتی وارد شده که بهترین اوقات صلوات در روز جمعه بعد از عصر است و صد مرتبه می‌گویی: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

و سیّد ابن طاووس به سند بسیار معتبر از حضرت صادق‌عليه‌السلام روایت کرده است که در صلوات بر پیغمبرصلى‌الله‌عليه‌وآله بعد از عصر روز جمعه می‌گویی: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ الَّذينَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً».

و مستحب است خواندن صلوات کبیر که اوّلش این است: «اللّٰهُمَّ إنَّ مُحَمَّداًصلى‌الله‌عليه‌وآله كَما وَصَفْتَهُ في كِتابِكَ... تا آخر» بعد از عصر روز جمعه؛ و چون طولانی بود ذکر نکردم رجوع به کتاب دیگر شود.

اعمال عصر روز جمعه

و از جملهٔ اعمال، هفتاد مرتبه استغفار است؛ چنانچه سیّد به سند معتبر از حضرت صادق‌عليه‌السلام روایت کرده است که: «هرکه در روز جمعه بعد از عصر هفتاد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ حق تعالی گناه گذشتهٔ او را بیامرزد و در بقیّهٔ عمر او را نگاه دارد و اگر او گناه نداشته باشد، گناهان پدر و مادر او را بیامرزد».

و از جمله خواندن سورهٔ قدر، صد مرتبه یا ده مرتبه است؛ چنانچه در مجالس صدوق از امام موسی‌عليه‌السلام مروی است که: «خدا را در روز جمعه هزار نسیم رحمت است که هر بنده را آنچه خواهد از آن رحمت‌ها عطا فرماید». پس هرکه بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سورهٔ «إِنّا أَنْزَلْناه» بخواند حق تعالی آن هزار رحمت را به او عطا فرماید.

و در فقه الرضاعليه‌السلام مذکور است که: ده مرتبه سورهٔ قدر بعد از عصر خواندن موجب ثواب عظیم است.

و از جمله خواندن دو رکعت نماز است به این کیفیّت که شیخ و سید از حضرت رسول‌صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده‌اند که: هرکه بعد از نماز عصر روز جمعه دو رکعت نماز بکند و در رکعت اوّل سورهٔ

حمد و آیة الکرسی و بیست و پنج مرتبه قل أعوذ بربّ الفلق و در رکعت دوّم سورهٔ حمد و توحید، و بیست وپنج مرتبه قل أعوذ بربّ النّاس بخواند، و بعد از سلام پنج مرتبه بگوید: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ» از دنیا بیرون نرود تا خدای تعالی در خواب جای او را در بهشت به او بنماید.

دعای عشرات در عصر روز جمعه

و از جملهٔ اعمال عصرجمعه خواندن دعای عشرات است که به سندهای بسیار معتبر روایت شده است با فضیلت و ثواب بسیاری و ما به اصل دعا اکتفا کنیم؛ و در روایت او چنین است که باید در هنگام خواندن دعا با وضو و رو به قبله باشی و اگر روز جمعه بعد از نماز عصر بخوانی بهتر است، و دعا این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ ٭ [بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ][1] ٭ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ٭ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ سُبْحانَ اللّٰهِ آناءَ اللَّيْلِ وَاَطْرافَ النَّهارِ ٭ سُبْحانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ ٭ سُبْحانَ اللّٰهِ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكارِ «سُبْحانَ اللّٰهِ حينَ تُمْسُونَ وَحينَ تُصْبِحُونَ» «وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيّاً وَحينَ تُظْهِرُونَ» «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ» سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ ٭ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ ٭ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ [٭ سُبْحانَ الَّذي لَهُ الْعِزَّةُ وَالْكَرَمُ ٭ سُبْحانَ الَّذي لا يَنْبَغِي التَّسْبيحُ اِلّا لَهُ ٭ سُبْحانَ مَنْ اَعْطىٰ كُلَّ يَوْمٍ عِلْمَهُ ٭ سُبْحانَ ذِي الطَّوْلِ وَالْفَضْلِ ٭ سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ ٭ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ] ٭ سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ

---

۱. افزودگی‌های درون کروشه [ ] از نسخه چاپ سنگی است.

وَالْمَلَكُوتِ. سُبْحانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجَبَرُوتِ. [سُبْحانَ ذِي الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ]. سُبْحانَ الْمَلِكِ الْحَقِّ [الْمُبِينِ الْمُهَيْمِنِ] الْقُدُّوسِ. سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ. [سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ. سُبْحانَ اللّٰهِ] الْقائِمِ الدّائِمِ. [سُبْحانَ الدّائِمِ الْقائِمِ. سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ. سُبْحانَ رَبِّيَ الْأَعْلىٰ]. سُبْحانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. سُبْحانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ. سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ. سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنا وَرَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ. سُبْحانَ الدّائِمِ غَيْرِ الْغافِلِ. سُبْحانَ الْعالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ. سُبْحانَ خالِقِ ما يُرىٰ وَما لا يُرىٰ. سُبْحانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصارَ وَلا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ [وَخَيْرٍ وَبَرَكَةٍ] وَعافِيَةٍ. [فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ] وَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ [وَخَيْرَكَ وَبَرَكاتِكَ] وَعافِيَتَكَ وَنَجاةً مِنَ النّارِ. وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَعافِيَتَكَ وَفَضْلَكَ وَكَرامَتَكَ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي.

اللّٰهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ. [وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْتُ]. وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفىٰ بِكَ شَهِيداً. وَأُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَأَنْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكّانَ سَمٰواتِكَ وَأَرْضِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ. وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ. وَأَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. تُحْيِي وَتُمِيتُ وَتُمِيتُ وَتُحْيِي. وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ. وَأَنَّ النّارَ حَقٌّ. [وَالنُّشُورَ] حَقٌّ. وَالسّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقّاً حَقّاً. وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ الْحَسَنَ

وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَىٰ بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْخَلَفَ الصَّالِحَ الْحُجَّةَ الْقائِمَ الْمُنْتَظَرَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ هُمُ الْأَئِمَّةُ الْهُداةُ الْمَهْدِيُّونَ. غَيْرُ الضّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ. وَأَنَّهُمْ أَوْلِياؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ وَحِزْبُكَ الْغالِبُونَ. وَصَفْوَتُكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ. وَنُجَباؤُكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ. وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ. وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَىٰ عِبادِكَ وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعالَمِينَ. صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَالسَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْتُبْ لِي هٰذِهِ الشَّهادَةَ عِنْدَكَ حَتّىٰ تُلَقِّنِيها يَوْمَ الْقِيامَةِ وَأَنْتَ عَنِّي راضٍ إِنَّكَ عَلىٰ ما تَشاءُ قَدِيرٌ.

اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً يَضَعُ لَكَ السَّماءُ أَكْنافَها. وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها. اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلا يَنْفَدُ. وَحَمْداً يَزِيدُ وَلا يَبِيدُ آخِرُهُ.

[اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً] سَرْمَداً أَبَداً لَا انْقِطاعَ لَهُ وَلا نَفادَ. وَلَكَ يَنْبَغِي وَإِلَيْكَ يَنْتَهِي.

اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِيَّ وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ وَمَعِي وَقَبْلِي وَبَعْدِي وَأَمامِي وَخَلْفِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي وَإِذا مِتُّ وَفَنِيتُ وَبَقِيتُ. وَلَكَ الْحَمْدُ إِذا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يا مَوْلايَ.

اللّٰهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحامِدِكَ كُلِّها. عَلىٰ جَمِيعِ نَعْمائِكَ كُلِّها حَتّىٰ [يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلىٰ ما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضاهُ].

اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ عِرْقٍ ساكِنٍ، وَعَلىٰ كُلِّ عِرْقٍ ضارِبٍ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ وَحَرَكَةٍ وَنَوْمَةٍ وَيَقْظَةٍ وَلَحْظَةٍ وَطَرْفَةٍ وَنَفَسٍ وَفي كُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَةٍ.

اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْمَنُّ كُلُّهُ، وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْأَمْرُ كُلُّهُ، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، عَلانِيَتُهُ وَسِرُّهُ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلِّهِ.

[اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا مُنْتَهىٰ لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا أَجْرَ لِقائِلِهِ إِلّا رِضاكَ]، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ فِيَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ عَلَيَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ باعِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وارِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَديعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ قَديمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صادِقَ الْوَعْدِ، وَفِيَّ الْحَمْدِ، عَزيزَ الْجُنْدِ، قائِمَ[1] الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفيعَ الدَّرَجاتِ، مُجيبَ الدَّعَواتِ، مُنَزِّلَ الْآياتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَماواتٍ، [عَظيمَ الْبَرَكاتِ]، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُماتِ، [وَمُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ]، مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ حَسَناتٍ، وَجاعِلَ الْحَسَناتِ دَرَجاتٍ.

اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غافِرَ الذَّنْبِ وَقابِلَ التَّوْبِ، شَديدَ الْعِقابِ، ذَا الطَّوْلِ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصيرُ.

اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشىٰ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهارِ إِذا

---

۱. قديم خ ل.

تَجَلّیٰ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الآخِرَةِ وَالأُولىٰ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِي السَّماءِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرىٰ وَالْحَصىٰ وَالنَّوىٰ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما فِي جَوِّ السَّماءِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما فِي جَوْفِ الْأَرْضِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزانِ مِياهِ الْبِحارِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْراقِ الْأَشْجارِ وَقَطْرِ الْأَمْطارِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَالْهَوامِّ وَالطَّيْرِ وَالْبَهائِمِ وَالسِّباعِ. حَمْداً كَثِيراً طَيِّباً مُبارَكاً فِيهِ كَما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضىٰ. وَكَما يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلالِكَ.

[پس ده مرتبه می‌گویی: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ].

ده مرتبه می‌گویی: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ده مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

ده مرتبه: «يا أَللّٰهُ» ده مرتبه «يا رَحْمٰنُ» ده مرتبه «يا رَحِيمُ» ده مرتبه «يا بَدِيعَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ» ده مرتبه «يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ» ده مرتبه «يا حَنّانُ يا مَنّانُ» ده مرتبه «يا حَيُّ يا قَيُّومُ» ده مرتبه «يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ» ده مرتبه «يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ» ده مرتبه «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» ده مرتبه «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ده مرتبه «اللّٰهُمَّ افْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ» ده مرتبه «آمِينَ» ده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» بخوان.

پس می‌گویی: [اَللّٰهُمَّ اصْنَعْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلا تَصْنَعْ بي ما اَنَا اَهْلُهُ، فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوىٰ وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَاَنَا اَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطايا، فَارْحَمْني يا مَوْلايَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ.

پس ده مرتبه بگو: لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً].

دعای سمات

و از جملهٔ اعمال بعد از [ظهر و] عصر روز جمعه خواندن دعای جلیل القدر «سمات» است که از ادعیهٔ مشهوره و معتبره است، و گفته شده که اکثر علمای سلف بر آن مواظبت می‌نموده‌اند، و در مصباح شیخ و کتب کفعمی و سیّد ابن طاووس به سندهای معتبره از محمّد بن عثمان عمروی که از نوّاب حضرت صاحب الأمر﷣ است و از حضرت امام محمّد باقر و امام جعفر صادق﷨ روایت کرده‌اند، و حضرت باقر﷣ فرموده‌اند که: «اگر مردم بدانند آنچه ما می‌دانیم از عظمت شأن این نام‌ها که در این دعا مذکور است نزد خدا و سرعت اجابت حق تعالی، کسی را که او را به این نام‌ها بخواند به آن ثواب‌های بسیار که در آخرت برای او ذخیره می‌نماید، هر آینه برای تحصیل این دعا مقاتله نمایند به شمشیرها و لکن حق تعالی مخصوص می‌گرداند به رحمت خود، هرکه را که خواهد». و فرموده که: «اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا هست، هر آینه سوگند دروغ یاد نکرده‌ام». پس هرگاه این دعا را بخوانید سعی کنید که دعای شما برای امور باقیهٔ آخرت باشد نه لذّات فانیهٔ دنیا. پس فرموده که این از علم‌های مکنون مخزون ماست و از دعاهای لازم الاجابت است؛ و در روایت کفعمی است که مستحبّ است در نزد غروب آفتاب از هر روز جمعه و در شب شنبه خوانده شود و هرکه این دعا را در وقتی که متوجّه حاجتی گردد و یا نزد دشمنی و یا پادشاه جبّاری رود بخواند، البتّه حاجتش برآورده شود و ضرر دشمن به او نرسد و کسی که نتواند خواند، بنویسد بر کاغذی و بر بازوی خود بندد، یا در بغل گذارد باز همان تاثیر می‌کند، و این دعا را دعای شُبور می‌نامند برای آن‌که بنی اسرائیل در میان بوق خواندند، و شبّور در لغت به معنی

بوق است. دعا این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَىٰ مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَىٰ مَضَايِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ بِالرَّحْمَةِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَىٰ كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ الْوُجُوهِ، وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ، وَتُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، [وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ][1]، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلاً، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَناً، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَاراً، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَمَسَابِحَ، وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً، وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا،

---

۱. افزودگی‌های درون کروشه [ ] از نسخهٔ چاپ سنگی است.

وَسَخَّرْتَها بِسُلْطانِ اللَّيلِ وَسُلْطانِ النَّهارِ وَالسّاعاتِ وَعَدَدِ السِّنينَ وَالْحِسابِ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَها لِجَميعِ النّاسِ مَرْأىً واحِداً.

وَأَسْأَلُكَ اللّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَىٰ بْنَ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الْمُقَدَّسينَ. فَوْقَ إِحْساسِ الْكَرُوبِيّينَ. فَوْقَ غَمائِمِ النُّورِ فَوْقَ تابُوتِ الشَّهادَةِ في عَمُودِ النّارِ[1]. وَفي طُورِ سَيْناءَ. وَفي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ. وَفي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آياتٍ بَيِّناتٍ. وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَني إِسْرائيلَ الْبَحْرَ. وَفِي الْمُنْبَجِساتِ الَّتي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ في بَحْرِ سُوفٍ. وَعَقَدْتَ ماءَ الْبَحْرِ في قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجارَةِ. وَجاوَزْتَ بِبَني إِسْرائيلَ الْبَحْرَ. وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنىٰ عَلَيْهِمْ بِما صَبَرُوا. وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَهَا الَّتي بارَكْتَ فيها لِلْعالَمينَ. وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَراكِبَهُ[2] فِي الْيَمِّ.

وَبِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ. الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ. وَبِمَجْدِكَ الَّذي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسىٰ كَليمِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ في طُورِ سَيْناءَ. وَلِإِبْراهيمَ خَليلِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ مِنْ قَبْلُ في مَسْجِدِ الْخَيْفِ. وَلِإِسْحاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ في بِئْرِ شِيَعٍ[3]. وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلامُ في بَيْتِ إيلَ وَأَوْفَيْتَ لِإِبْراهيمَ عَلَيْهِ السَّلامُ بِميثاقِكَ. وَلِإِسْحاقَ عَلَيْهِ السَّلامُ بِحَلْفِكَ. وَلِيَعْقُوبَ بِشَهادَتِكَ. وَلِلْمُؤْمِنينَ بِوَعْدِكَ. وَلِلدّاعينَ بِأَسْمائِكَ. فَأَجَبْتَ. وَبِمَجْدِكَ الَّذي ظَهَرَ لِمُوسىٰ بْنِ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ عَلىٰ قُبَّةِ الرُّمّانِ[4]. وَبِآياتِكَ الَّتي

---

۱. النور خ ل.
۲. وَمراكِبَهُ خ ل.
۳. سبع خ ل.
۴. الرُّمّانِ خ ل.

وَقَعَتْ عَلىٰ أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ بِآياتٍ عَزيزَةٍ، وَبِسُلْطانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التّامَّةِ، وَبِكَلِماتِكَ الَّتي تَفَضَّلْتَ بِها عَلىٰ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَأَهْلِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتي مَنَنْتَ بِها عَلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطاعَتِكَ الَّتي أَقَمْتَ بِهَا الْعالَمينَ، وَبِنُورِكَ الَّذي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْناءَ، وَبِعِلْمِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَلالِكَ وَكِبْرِيائِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّماواتُ، وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحارُ وَالْأَنْهارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبالُ، وَسَكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَناكِبِها، وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلائِقُ كُلُّها، وَخَفَقَتْ[1] لَهَا الرِّياحُ في جَرَيانِها، وَخَمَدَتْ لَهَا النّيرانُ في أَوْطانِها، وَبِسُلْطانِكَ الَّذي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلَبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمِدْتَ بِهِ فِي السَّماواتِ وَالْأَرَضينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ الصِّدْقِ الَّتي سَبَقَتْ لِأَبينا آدَمَ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ.

وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسىٰ صَعِقاً، وَبِمَجْدِكَ الَّذي ظَهَرَ عَلىٰ طُورِ سَيْناءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ، وَبِطَلْعَتِكَ في ساعيرَ، وَظُهُورِكَ في جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ الْمُقَدَّسينَ، وَجُنُودِ الْمَلائِكَةِ الصّافّينَ وَخُشُوعِ الْمَلائِكَةِ الْمُسَبِّحينَ، وَبِبَرَكاتِكَ الَّتي بارَكْتَ فيها عَلىٰ إِبْراهيمَ خَليلِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ في أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبارَكْتَ لِإِسْحاقَ صَفِيِّكَ في أُمَّةِ عيسىٰ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَبارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرائيلِكَ في أُمَّةِ مُوسىٰ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَبارَكْتَ لِحَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفي عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ.

---

۱. وَخَضَعَتْ خ ل.

اللّهُمَّ وَكَما غِبْنا عَنْ ذٰلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ، وَآمَنّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلاً، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُبارِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَاَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلىٰ إبْراهيمَ وَآلِ إبْراهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، فَعّالٌ لِما تُريدُ، وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پس هر حاجت كه داری ذكر كن و بگو:

يا اَللّهُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا بَديعَ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإكْرامِ، اللّهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْماءِ الَّتي لا يَعْلَمُ تَفْسيرَها [وَلا تَأْويلَها وَلا ظاهِرَها] وَلا يَعْلَمُ باطِنَها غَيْرُكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس باز حاجت خود را ذكر كن و دفع شرّ هركه را كه خواهی ياد نما و بگو:

وَانْتَقِمْ لي مِنْ فلانِ بن فلانٍ، وَاغْفِرْ لي ذُنُوبي ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَاَخَّرَ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِني مَؤُونَةَ إنْسانِ سَوْءٍ وَجارِ سَوْءٍ وَسُلْطانِ سَوْءٍ، اِنَّكَ عَلىٰ ما تَشاءُ قَديرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

و ابن فهد در عدة الداعی گفته كه مستحب است خواندن اين دعا بعد از دعای سمات.

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هٰذَا الدُّعاءِ وَبِما فاتَ مِنْهُ مِنَ الْاَسْماءِ وَبِما يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسيرِ وَالتَّدْبيرِ الَّذي لا يُحيطُ بِهِ اِلّا اَنْتَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا.





فصل چهارم

در اعمال ساير ايّام هفته است

اعمال روز شنبه

روز شنبه متعلّق است به زحل، محمود است از براى اعمال فلاحت [و زراعت] و قضاى حاجات، و گرفتن و عطا كردن، و ابتدا كردن به تعليم، به جهت قول پيغمبرﷺ: «مبارك شده از براى امّت من شنبه و پنجشنبه و سفر كردن در روز شنبه بسيار خوب است».

و شيخ طوسى از براى شب و روز آن، نمازى روايت كرده با ثواب بسيار. از براى شب شنبه چهار ركعت، در هر ركعت بعد از حمد سه مرتبه «آية الكرسى» و يک مرتبه «توحيد» و در عقب نماز سه مرتبه «آية الكرسى». و از براى روزش چهار ركعت است در هر ركعت بعد از «حمد» سه مرتبه «قل يا أيّها الكافرون» و بعد از فراغ يک مرتبه «آية الكرسى».

و از جمله دعاهاى اين روز دعاى حضرت فاطمهؑ است به روايت كفعمى.

اللّهُمَّ افْتَحْ لَنا خَزائِنَ رَحْمَتِكَ ♦ وَهَبْ لَنا اللّهُمَّ رَحْمَةً لا تُعَذِّبُنا بَعْدَها فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ ♦ وَارْزُقْنا مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ رِزْقاً حَلالاً طَيِّباً ♦ وَلا تُحْوِجْنا وَلا تُفْقِرْنا إِلىٰ أَحَدٍ سِواكَ ♦ وَزِدْنا لَكَ شُكْراً وَإِلَيْكَ فَقْراً وَفاقَةً ♦ وَبِكَ عَمَّنْ سِواكَ غِنىً وَتَعَفُّفاً ♦ اللّهُمَّ وَسِّعْ عَلَيْنا فِي الدُّنْيا ♦ اللّهُمَّ إِنّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ تَزْوِيَ وَجْهَكَ عَنّا فِي حالٍ وَنَحْنُ نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيهِ ♦ اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنا ما تُحِبُّ وَاجْعَلْهُ لَنا قُوَّةً فِيما تُحِبُّ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و شيخ در مصباح اين تعويذ را از براى روز شنبه نقل كرده:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ[1] ♦ اللّهُمَّ رَبَّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَقاهِرَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَالْأَرَضِينَ ♦ كُفَّ عَنِّي بَأْسَ الْأَشْرارِ ♦

---

۱. لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خ.

وَأَغمِ أبصارَهُمْ وَقُلُوبَهُمْ. وَاجْعَلْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ حِجاباً. إنَّكَ رَبُّنا. وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ تَوَكُّلَ عائِذٍ بِهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها. وَمِنْ شَرِّ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ. وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ. وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

اعمال روز یکشنبه

روز یکشنبه متعلّق به شمس است، محمود است از برای ملاقات سلاطین و ارباب دولت و روزی است که حق تعالی ابتدا فرمود در آن به خلقت آسمان‌ها و زمین‌ها. و نیکو است در این روز بنا کردن و غرس نمودن اشجار. از برای شبش چهار رکعت نماز نقل شده در [هر] رکعتی بعد از حمد یک مرتبه «آیة الکرسی» و «سبّح اسم» و «توحید»؛ و از برای روز یکشنبه نیز چهار رکعت است در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ ﴿آمن الرّسول﴾... تا آخر.

از جمله دعاهای این روز دعای حضرت فاطمه علیها السلام است به روایت کفعمی:

اللّهُمَّ اجْعَلْ أوَّلَ يَوْمي هٰذا فَلاحاً. وَآخِرَهُ نَجاحاً. وَأوْسَطَهُ صَلاحاً. اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ أنابَ إلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ. وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ. وَتَضَرَّعَ إلَيْكَ فَرَحِمْتَهُ.

و این تسبیحات را جمع کثیری از علما برای روز یکشنبه نقل کرده‌اند:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. سُبْحانَ مَنْ مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ. سُبْحانَ مَنْ يُغْشِي الأبَدَ نُورُهُ. سُبْحانَ مَنْ أشْرَقَ كُلَّ شَيْءٍ ضَوْؤُهُ. سُبْحانَ مَنْ دانَ بِدينِهِ كُلُّ دينٍ وَلا يُدانُ بِغَيْرِ دينِهِ. سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ بِقُدْرَتِهِ كُلَّ قَدْرٍ وَلا يَقْدُرُ أحَدٌ قَدْرَهُ. سُبْحانَ مَنْ لا يُوصَفُ عِلْمُهُ. سُبْحانَ مَنْ لا يَعْتَدي عَلىٰ أهْلِ مَمْلَكَتِهِ. سُبْحانَ مَنْ لا يَأْخُذُ أهْلَ الأرْضِ بِألْوانِ الْعَذابِ. سُبْحانَ الرَّؤُوفِ الرَّحيمِ. سُبْحانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلىٰ خَزائِنِ الْقُلُوبِ. سُبْحانَ مَنْ يُحْصي عَدَدَ الذُّنُوبِ. سُبْحانَ مَنْ لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ فِي الأرْضِ وَلا في

السَّماءِ. سُبْحانَ رَبِّي الْوَدُودِ. سُبْحانَ الْفَرْدِ الْوِتْرِ. سُبْحانَ الْعَظيمِ الْاَعْظَمِ.

تعويذ روز يكشنبه از امام محمّد جوادعليه السلام به روايات علما:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ. اسْتَوىٰ الرَّبُّ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَقامَتِ السَّماواتُ وَالْاَرْضُ بِحِكْمَتِهِ. وَزَهَرَتِ النُّجُومُ بِاَمْرِهِ. وَرَسَتِ الْجِبالُ بِاِذْنِهِ. لا يُجاوِزُ اسْمَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَالْاَرْضِ. الَّذي دانَتْ لَهُ الْجِبالُ وَهِيَ طائِعَةٌ. وَانْبَعَثَتْ لَهُ الْاَجْسادُ وَهِيَ بالِيَةٌ. وَبِهِ اَحْتَجِبُ عَنْ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَجَبّارٍ وَحاسِدٍ. وَبِسْمِ اللّٰهِ الَّذي جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حاجِزاً. وَاَحْتَجِبُ بِاللّٰهِ الَّذي جَعَلَ فِي السَّماءِ بُرُوجاً. وَجَعَلَ فيها سِراجاً وَقَمَراً مُنيراً. وَزَيَّنَها لِلنّاظِرينَ. وَحَفِظَها مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ رَجيمٍ. وَجَعَلَ فِي الْاَرْضِ رَواسِيَ وَجِبالاً اَوْتاداً. اَنْ يُوصَلَ اِلَيَّ سُوءٌ اَوْ فاحِشَةٌ اَوْبَلِيَّةٌ. حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ تَنْزيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ عٓسٓقٓ كَذٰلِكَ يُوحي اِلَيْكَ وَاِلَىٰ الَّذينَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزيزُ الْحَكيمُ. وَصَلَّىٰ اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

اعمال روز دوشنبه

روز دوشنبه به قمر تعلّق دارد، از براى تجارت و معاش شايسته است و طلب حاجات و سفر در آن روز نشايد. و شيخ طوسىرحمه الله از براى شب دوشنبه و روز آن نمازى با فضيلت بسيار روايت كرده و كيفيّت آن چهار ركعت است؛ در هر ركعت سورهٔ «حمد» هفت مرتبه و سورهٔ «اِنّا اَنزلناه» يک مرتبه و بعد از فارغ شدن از نماز صد مرتبه بگويد: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و صد مرتبه: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جِبْرَئيلَ».

از جملهٔ دعاهاى اين روز دعاى حضرت فاطمهعليها السلام است: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ قُوَّةً في عِبادَتِكَ. وَتَبَصُّراً في كِتابِكَ. وَفَهْماً في حُكْمِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَجْعَلِ الْقُرْآنَ بِنا ماحِلاً، وَالصِّراطَ زائِلاً، وَمُحَمَّداً صَلَّىٰ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنّا مُوَلِّياً.

تعویذ روز دوشنبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ، اسْتَوىٰ الرَّبُّ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَقامَتِ السَّماواتُ وَالْأَرْضُ بِحِكْمَتِهِ، وَمُدَّتِ النُّجُومُ[1] بِأَمْرِهِ، وَسُيِّرَتِ الْجِبالُ[2] وَهِيَ طائِعَةٌ، وَنُصِبَتْ لَهُ الْأَجْسادُ وَهِيَ بالِيَةٌ، وَقَدِ احْتَجَبْتُ مِنْ ظُلْمِ كُلِّ باغٍ، وَاحْتَجَبْتُ بِالَّذي جَعَلَ فِي السَّماءِ بُرُوجاً، وَجَعَلَ فيها سِراجاً وَقَمَراً مُنيراً، وَزَيَّنَها لِلنّاظِرينَ وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ رَجيمٍ، وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ أَوْتاداً، أَنْ يُوصَلَ إِلَيَّ وَإِلىٰ أَحَدٍ مِنْ إِخْواني[3] بِسُوءٍ أَوْ فاحِشَةٍ أَوْ بِكَيْدٍ، حٰم حٰم حٰم تَنْزيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، وَصَلَّىٰ اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

اعمال روز سه شنبه

روز سه شنبه تعلّق به مرّیخ دارد، محمود است از برای ملاقات دشمنان و جهاد و سفر کردن و روز سهل و آسانی است و روزی است که حق تعالی آهن را برای حضرت داود ﷺ نرم فرموده و حجامت در آن نیک است؛ و از برای شبش دو رکعت نماز وارد شده است در هر رکعت بعد از حمد «آیة الکرسی» و سورهٔ «توحید» و آیهٔ ﴿شهد اللّٰه﴾ هر یک، یک مرتبه.

و از برای روز سه شنبه بیست رکعت نماز نقل شده است در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه «آیة الکرسی» و سه مرتبه «توحید».

و از جملهٔ دعاهای این روز دعای حضرت فاطمه ﷺ است به روایت کفعمی:

---

۱. العارج ل.
۲. بإذنه الّذي دانت له الجبال خ.
۳. أو أخواتي خ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النّاسِ لَنا ذِكْراً، وَاجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنا شُكْراً، وَاجْعَلْ صالِحَ ما نَقُولُ بِأَلْسِنَتِنا نِيَّةً في قُلُوبِنا. اَللّٰهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِنا، وَرَحْمَتَكَ أَرْجىٰ عِنْدَنا مِنْ أَعْمالِنا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنا لِصالِحِ الْأَعْمالِ وَالصَّوابِ مِنَ الْفِعالِ.

تعویذ روز سه‌شنبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. أُعيذُ نَفْسي بِرَبِّيَ الْأَكْبَرِ مِمّا يُخافُ[1] وَيَظْهَرُ[2]، مِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثىٰ وَذَكَرٍ، وَمِنْ شَرِّ ما رَأَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ. أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ إِنْ كُنْتُمْ سامِعينَ[3]، وَأَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْإِنْسُ وَالْجِنُّ بِاللّٰهِ الَّذي دانَتْ لَهُ الْخَلائِقُ أَجْمَعُونَ، وَخَتَمْتُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَبِجَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَإِسْرافيلَ وَخاتَمِ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ عَلَيْهِ السَّلامُ وَخاتَمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ.

اعمال روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به عطارد تعلق دارد. محمود است از برای علوم و حکمت و کتابت و ابتدا کردن به هر کاری؛ و در حدیث نبوی ﷺ است که: «هیچ امری ابتدا کرده نمی‌شود به آن در روز چهارشنبه مگر آن‌که تمام خواهد شد». و شرب دوا در این روز پسندیده است. از برای شبش دو رکعت نماز وارد شده است در هر رکعت بعد از حمد هر یک از «آیة الکرسی» و «توحید» و «قدر» یک مرتبه؛ و از برای روزش دوازده رکعت نماز است در هر رکعت بعد از حمد هر یک از

---

۱. یخفی خ ل.
۲. یُحْذَرُ خ ل.
۳. مطیعین خ ل.

«توحید» و سورهٔ «فلق» و سورهٔ «ناس» سه مرتبه.

از جمله دعاهای این روز دعای حضرت فاطمه عليها السلام است:

اللّهُمَّ احْرُسْنا بِعَيْنِكَ الَّتي لا تَنامُ، وَرُكْنِكَ الَّذي لا يُرامُ، وَبِأَسْمائِكَ الْعِظامِ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْ عَلَيْنا ما لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ ضاعَ، وَاسْتُرْ عَلَيْنا ما لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ شاعَ، وَاجْعَلْ كُلَّ ذٰلِكَ لَنا مِطْواعاً، إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ قَريبٌ مُجيبٌ.

تعویذ روز چهارشنبه

از حضرت ابی جعفر جواد عليه السلام به روایت علما:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، أُعيذُ نَفْسي بِالْأَحَدِ الصَّمَدِ، مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِي الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ ابْنِ قَتْرَةٍ وَما وَلَدَ، اسْتَعيذُ بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الْأَعْلىٰ مِنْ شَرِّ ما رَأَتْ عَيْني وَما لَمْ تَرَهُ، أَسْتَعيذُ بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْفَرْدِ الْكَبيرِ الْأَعْلىٰ مِنْ شَرِّ مَنْ أَرادَني بِأَمْرٍ عَسيرٍ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني في جِوارِكَ وَحِصْنِكَ الْحَصينِ، أَنْتَ اللّٰهُ الْعَزيزُ الْجَبّارُ، الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْقَهّارُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْغَفّارُ، عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الْكَبيرُ الْمُتَعالِ، هُوَ اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ لا شَريكَ لَهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً دائِماً.

و دعای روز پنجشنبه و جمعه در مقام خودش نقل شد، واللّٰه المستعان.

باب چهاردهم

در آداب و اعمال هر روز و هر شب

و در آن چهار فصل است





فصل اول

در اعمالی که متعلّق به مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب است

بدان که از جملهٔ اوقات شریفه، وقت بین‌الطّلوعین است و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت این وقت و تحریض بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن روایت شده است؛ و در بعض اخبار تعبیر شده از این وقت به ساعت غفلت، چنانچه از حضرت باقر علیه السلام منقول است که: «ابلیس لعین لشکرهای خودش را متفرّق و پهن می‌کند در دو وقت: در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن، پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت که هر دو ساعت غفلت است و پناه بجویید به خدا از شرّ ابلیس و لشکرش و در پناه خدا در آورید کودکان خود را در این دو ساعت؛ زیرا که آن دو ساعت غفلت است».

و بدان که خواب در این وقت مکروه است. و نیز از حضرت باقر علیه السلام مروی است که: «خواب در وقت صبح، شوم است و روزی را منع می‌کند و رنگ را زرد و متغیّر می‌کند. و این خواب هر [انسان] شومی است، به درستی که حق تعالی روزی‌ها را در مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند، پس بپرهیزید از خواب کردن در این وقت».

دعای طلوع فجر صادق

و شیخ طوسی در مصباح این دعا را نقل کرده که در وقت طلوع فجر صادق بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ صاحِبُنا فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَفْضِلْ عَلَيْنا ٭ اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تُتِمُّ الصّالِحاتِ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَتْمِمْها عَلَيْنا ٭ عائِذاً بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ ٭ عائِذاً بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ ٭ عائِذاً بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ.

پس می‌گویی: **يا فالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لا اَرىٰ وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ اَرىٰ ٭ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِنا هٰذا صَلاحاً وَاَوْسَطَهُ فَلاحاً وَآخِرَهُ نَجاحاً.**

پس ده مرتبه می‌گویی: **اَللّٰهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنَّهُ ما اَصْبَحَ بي مِنْ نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ**

فِي دِينٍ اَوْدُنْياً فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِها عَلَيَّ حَتّىٰ تَرْضىٰ وَبَعْدَ الرِّضا.

و اذکار وارده در این وقت غیر آن چه ذکر شد بسیار است و بهترین آن ها ذکر: سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ اَكْبَرُ است که تعبیر شده از آن به باقیات الصالحات.

و نیز خواندن این دعا است: لا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و چون ندای اذان صبح را شنیدی می‌گویی:

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِاِقْبالِ نَهارِكَ وَاِدْبارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَواتِكَ وَاَصْواتِ دُعاتِكَ وَتَسْبِيحِ مَلائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ.

در بیان ادعیه و آداب بیت الخَلا[1]

و چون خواستی متوجّه به نماز شوی، و حاجت داری به رفتن بیت الخلا، پس ابتدا کن به آن، و آداب بیت الخلا بسیار است و جمله از آن بطور اختصار آن است که: مقدّم داری در وقت داخل شدن پای چپ را و بگویی: بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ.

و چون کشف کردی «بِسْمِ اللّهِ» می‌گویی و واجب است در این حال بلکه در تمام حالات مستور کردن عورت را از ناظر محترم؛ و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن.

و مستحب است آن‌که بگویی در حال قضای حاجت: اَللّهُمَّ اَطْعِمْني طَيِّباً في عافِيَةٍ وَاَخْرِجْهُ خَبِيثاً مِنّي في عافِيَةٍ.

---

۱. دستشویی، مستراح.

و وقتی که نظرت افتاد بر آنچه از تو دفع شده می‌گویی: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرامَ.

و چون خواستی استنجا[۱] کنی، اوّل استبرا[۲] می‌کنی پس دعـای رؤیت آب را مـی‌خوانـی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ الْماءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً.

و در وقت استنجا مـی‌گویی: اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَـرْجِي وَأَعِفَّهُ، وَاسْـتُرْ عَـوْرَتِي، وَحَرِّمْنِي عَلَى النّارِ.

و چون از جای خود برخاستی دست راست بر شکم می‌کشی و می‌گویی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَماطَ عَنِّي الْأَذىٰ، وَهَنّانِي طَعامي وَشَرابي، وَعافانِي مِنَ الْبَلْوىٰ.

پس بیرون می‌آیی و مقدّم می‌داری پای راست را بر پای چپ و این دعا را می‌خوانی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَأَبْقىٰ في جَسَدي قُوَّتَهُ وَأَخْرَجَ مِنِّي أَذاهُ، يا لَها نِعْمَةً يا لَها نِعْمَةً يا لَها نِعْمَةً لا يَقْدِرُ الْقادِرُونَ قَدْرَها[۳].

در آداب و ادعیهٔ وضو

و چون خواستی وضو بگیری ابتدا می‌کنی به مسواک نمودن، که دهان را پاکیزه می‌کند و بلغم را برطرف وحفظ را زیاد می‌کند و باعث زیادتی حسنات و خشنودی حق تعالی است، و دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت به غـیر از مسـواک، و اگـر مسـواک نـباشد انگشت مجزی[۴] است از آن، و در وقت وضو گرفتن رو به قبله می‌نشینی و ظرف آب را در جانب راست خود می‌گذاری، و چون نگاهت بر آب افتاد این دعا [را] می‌خوانی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ الْماءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً.

---

۱. استنجا نوعی طهارت از مدفوع و ادرار است که در مواقعی که برای طهارت به‌آب دسترسی نیست با آداب خاصی از سنگ وکلوخ استفاده می‌شود.

۲. استبرا، خالی کردن آلت از ادرار با آدابی که در کتب فقهی آمده است.

۳. عدّها خ ل.

۴. مجزی است: کفایت می‌کند.

پس می‌شویی دست خود را پیش از آن‌که داخل ظرف آب کنی و می‌گویی در وقت داخل کردن دست در ظرف: بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، اللّهُمَّ اجْعَلْني مِنَ التَّوّابينَ وَاجْعَلْني مِنَ الْمُتَطَهِّرينَ.

پس سه دفعه مضمضه[1] می‌کنی با سه کف آب و می‌گویی: اللّهُمَّ لَقِّني حُجَّتي يَوْمَ أَلْقاكَ، وَأَطْلِقْ لِساني بِذِكْرِكَ.

پس سه دفعه استنشاق[2] می‌کنی و می‌گویی: اللّهُمَّ لا تُحَرِّمْ عَلَيَّ ريحَ الْجَنَّةِ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَشُمُّ ريحَها وَرَوْحَها وَطيبَها.

پس شروع کن به شستن صورت و می‌گویی بعد از بِسْمِ اللّهِ: اللّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهي يَوْمَ تَسْوَدُّ فيهِ الْوُجوهُ، وَلا تُسَوِّدْ وَجْهي يَوْمَ تَبْيَضُّ فيهِ الْوُجوهُ.

پس بردار یک مشت آب به جهت شستن دست راست و در وقت شستن می‌گویی:

اللّهُمَّ أَعْطِني كِتابي بِيَميني، وَالْخُلْدَ فِي الْجِنانِ بِيَساري، وَحاسِبْني حِساباً يَسيراً.

پس دست چپ را بشوی و در آن وقت می‌گویی: اللّهُمَّ لا تُعْطِني كِتابي بِشِمالي وَلا مِنْ وَراءِ ظَهْري وَلا تَجْعَلْها مَغْلُولَةً إِلىٰ عُنُقي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّيرانِ.

پس مسح کن جلو سر را با رطوبت دست راست خود و در این حال می‌گویی: اللّهُمَّ غَشِّني بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكاتِكَ.

پس مسح کن پاهای خود را و می‌خوانی در این حال: اللّهُمَّ ثَبِّتْني عَلَى الصِّراطِ يَوْمَ تَزِلُّ فيهِ الْأَقْدامُ، وَاجْعَلْ سَعْيي فيما يُرْضيكَ عَنّي يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.

و چون فارغ شدی از وضو می‌گویی: اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ تَمامَ الْوُضُوءِ وَتَمامَ الصَّلاةِ وَتَمامَ رِضْوانِكَ وَالْجَنَّةَ. و می‌گویی نیز: اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

---

۱. آب را در دهان گرداندن.

۲. آب را در بینی نهادن و با بازدم تا درون آن بردن.

و می‌خوانی سورهٔ «قدر» را سه مرتبه.

و سایر آداب تخلّی و وضو و اسرار آن‌ها را در مقالید النّجاح ذکر نموده‌ام و این مقام را گنجایش زیاده بر این نیست.

در آداب رفتن به مسجد

پس بعد از فراغ از وضو بوی خوش به کار می‌بری؛ پس روانه می‌شوی به جانب مسجد با حالت سکینه و وقار و می‌گویی در وقت بیرون شدن از خانه به جهت رفتن به مسجد:

بِسْمِ اللّهِ الَّذي خَلَقَني فَهُوَ يَهْديني • وَالَّذي هُوَ يُطْعِمُني وَيَسْقيني • وَإِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفيني • وَالَّذي يُميتُني ثُمَّ يُحْيِيني • وَالَّذي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لي خَطيئَتي يَوْمَ الدّينِ • رَبِّ هَبْ لي حُكْماً وَأَلْحِقْني بِالصّالِحينَ • وَاجْعَلْ لي لِسانَ صِدْقٍ فِي الآخِرينَ • وَاجْعَلْني مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعيمِ وَاغْفِرْ لِأَبي.

و چون خواستی داخل مسجد شوی اوّل ملاحظهٔ تهِ کفش خود نما، که نجاستی با آن نباشد. پس پای راست را مقدّم دار پس می‌خوانی این دعا را:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَمِنَ اللّهِ وَإِلَى اللّهِ • وَخَيْرُ الْأَسْماءِ كُلُّها لِلّهِ • تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ • وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ • اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ • وَأَغْلِقْ عَنّي أَبْوابَ مَعْصِيَتِكَ • وَاجْعَلْني مِنْ زُوّارِكَ وَعُمّارِ مَساجِدِكَ وَمِمَّنْ يُناجيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَمِنَ الَّذينَ هُمْ في صَلَواتِهِمْ خاشِعُونَ • وَادْحَرْ عَنّي الشَّيْطانَ الرَّجيمَ وَجُنُودَ إِبْليسَ أَجْمَعينَ.

و چون اراده کردی که نماز کنی می‌گویی:

اللّهُمَّ إِنّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَيْ حاجَتي • وَأَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ • فَاجْعَلْني بِهِ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ • وَاجْعَلْ صَلَواتي بِهِ مَقْبُولَةً • وَذَنْبي بِهِ مَغْفُوراً • وَدُعائي بِهِ مُسْتَجاباً • إِنَّكَ

أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

پس اذان و اقامه می‌گویی به جهت نماز و ما بین اذان و اقامه فاصله می‌کنی به یک سجده یا نشستنی و این دعا را می‌خوانی: **اللّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبي بارّاً وَعَيْشي قارّاً وَرِزْقي دارّاًوَاجْعَلْ لي عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ ﷺ مُسْتَقَرّاً وَقَراراً.**

و آنچه خواهی دعا می‌کنی و حاجت خود را از حق تعالی طلب می‌کنی؛ زیرا که دعا در بین اذان و اقامه رد نمی‌شود و بعد از گفتن اقامه می‌خوانی:

اللّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ ♦ وَمَرْضاتَكَ طَلَبْتُ ♦ وَثَوابَكَ ابْتَغَيْتُ ♦ وَبِكَ آمَنْتُ ♦ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ ♦ اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ مَسامِعَ قَلْبي لِذِكْرِكَ ♦ وَثَبِّتْني عَلىٰ دينِكَ وَدينِ نَبِيِّكَ ♦ وَلا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنيوَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ.

پس مهیّا می‌شوی به جهت نماز و حاضر می‌کنی قلب خود را و ملاحظه می‌کنی ذلّت مقام خود را و عظمت و جلالت مولای خود را که در مقام مناجات با او در آمده و چنان می‌باشی که گویا او را می‌بینی و حیا می‌کنی از آن‌که با او تکلّم کنی و [مبادا] دلت به جانب دیگر متوجّه باشد، پس می‌ایستی با وقار و خشوع در حالتی که دست‌هایت را بر ران‌های خود مقابل سر زانو گذاشته باشی و ما بین قدم‌هایت به قدر سه انگشت باز کرده، فرجه می‌گذاری و نظرت را به موضع سجده می‌افکنی، پس نیّت فریضهٔ صبح بکن قربةً إلی اللّٰه و «تکبیرة الاحرام» بگو.

دعای تکبیرات

و مستحب است که شش تکبیر دیگر بر او اضافه کنی و در هر تکبیری دست‌ها را بلند کنی تا محاذی نرمهٔ گوش در حالی‌که کف دست‌ها رو به قبله باشد و انگشت‌ها غیر از انگشت بزرگ به هم چسبیده باشد و بخوانی دعاهای تکبیرات را به این طریق که بعد از تکبیر سوّم بگویی:

اللّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ ♦ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ[1] إِنّي ظَلَمْتُ نَفْسي ♦ فَاغْفِرْ لي ذَنْبي ♦ إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ.

---

۱. وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسي خ ل.

و بعد از تکبیر پنجم می‌گویی: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ • وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ • وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ • وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ • عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ ذَلِيلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ • مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ وَإِلَيْكَ • لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا وَلا مَفَرَّ عَنْكَ إِلاّ إِلَيْكَ • سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ • تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ • سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ.

و بعد از تکبیر هفتم می‌گویی:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذي فَطَرَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ حَنيفاً مُسْلِماً وَما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ • إِنَّ صَلاتي وَنُسُكي وَمَحْيايَ وَمَماتي لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ لا شَريكَ لَهُ • وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمينَ.

و چون خواهی شروع کنی به قرائت، کلمهٔ استعاذه را آهسته می‌گویی پس بخوان سورهٔ حمد را با آداب تمام، و حضور قلب و تفکّر در معانی آن و بعد از فراغ به قدر یک نفس ساکت می‌شوی پس بخوان سوره‌ای از قرآن، و خوب است که امثال[1] سورهٔ «عمّ» و «هل أتی» و «لا أُقسم» بوده باشد. پس از آن نیز به قدر یک نفس ساکت می‌ایستی، پس دست‌ها را بلند می‌کنی به جهت گفتن تکبیر به طریقی که سابق ذکر شد.

دعای رکوع

پس برو به رکوع؛ و می‌گذاری دست راست را بر سر زانوی راست، پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ، و انگشتان کف دست را از هم باز می‌کنی و کمر را خم نموده و گردن را کشیده، مساوی با کمر و نظر را به مابین قدم‌ها می‌افکنی و بگو: «سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظيمِ وَبِحَمْدِهِ» و سزاوار است که این ذکر را هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بگویی، و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:

اللّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبّي خَشَعَ لَكَ سَمْعي وَبَصَري وَشَعْري وَلَحْمي وَدَمي وَمُخّي وَعَصَبي

۱. مانند.

وَعِظامي وَما اَقَلَّتْهُ قَدَمايَ، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ وَلا مُسْتَحْسِرٍ.

دعای سجود

پس برخیز از رکوع و بایست و در این حال می‌گویی: «سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» پس تکبیر می‌گویی و برو به سجده با نهایت خضوع و خشوع و کف‌ها را پهن کرده پیش از زانوها بر زمین می‌گذاری و سجده می‌کنی بر تربت امام حسین عليه السلام و ذکر سجود را بگو و بهتر آن‌که هفت یا پنج یا سه مرتبه بگویی، و پیش از ذکر این دعا را بخوانی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبّي، سَجَدَ وَجْهي لِلَّذي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، تَبارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخالِقينَ.

پس ذکر را بگو و سر از سجده بردار و بنشین و مستحبّ است که تکبیر بگویی و متورّکاً[1] بنشینی و بگویی: «اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ» ونیز می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَاَجِرْني[2] وَادْفَعْ عَنّي وَعافِني، اِنّي لِما اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقيرٌ، تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ.

پس تکبیر می‌گویی و برو به سجدهٔ دوّم و به عمل می‌آوری آنچه در سجدهٔ اوّل بجا می‌آوردی، پس سر از سجده بردار و جلسهٔ استراحت را بجا می‌آوری، پس برخیز و در حال برخاستن می‌گویی: بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ. و چون قرار گرفتی بخوان «حمد» و سورهٔ را و بهتر آن‌که سورهٔ «توحید» بخوانی. و مستحبّ است گفتن سه مرتبه «كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبّي».

بعد از فراغ از سورهٔ توحید پس تکبیر می‌گویی و دست‌ها را به جهت قنوت بلند می‌کنی تا به مقابل صورت و شکم کف دست‌ها را به سوی آسمان می‌کنی و انگشتان را به هم می‌چسبانی، سوای انگشت بزرگ.

---

۱. دو زانو نشستن.

۲. وَاجْبُرْني خ ل.

دعای قنوت

و خوب است آن‌که اختیار کنی به جهت قنوت، خواندن کلمات فرج[۱] را و بخوانی بعد از آن:

اللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا وَعافِنا وَاعْفُ عَنّا فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پس می‌گویی: **اللّهُمَّ مَنْ كانَ أَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْرَجاءٌ غَيْرُكَ فَأَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي، يا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَيا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ ضَعْفي وَمَسْكَنَتي وَقِلَّةَ حيلَتي، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ طَوْلاً مِنْكَ، وَفُكَّ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَعافِني في نَفْسي وَفي جَميعِ أُموري، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.**

و سزاوار است طول دادن در قنوت. و دعاهایی که در قنوت خوانده می‌شود بسیار است پس تکبیر می‌گویی و رکوع و سجود را بجا بیاور به همان نحو که مذکور شد؛ و بعد از فراغ از دو سجده بنشین از برای تشهّد و سلام، و مستحبّ است آن‌که متورّکاً بنشینی و پیش از تشهّد بگویی: **بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ، وَخَيْرُ الأَسْماءِ كُلُّها لِلّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّهُ...** تا آخر.

در تعقیب نماز صبح

و چون فارغ شدی از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب که بهترین چیزها است از برای زیادتی در روزی، بلکه دعا خواندن بعد از نماز فریضه افضل است از خواندن نماز نافله، و افضل تعقیبات «تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام» است که خواندن آن در تعقیب نمازهای یومیّه محبوب‌تر است نزد حضرت صادق علیه السلام از هزار رکعت نماز در هر روز، و از خاصیّت آن این است که هرکه مواظبت نماید به خواندن آن، شقی و بدعاقبت نمی‌شود و آنچه در فضیلت این تسبیح شریف وارد شده زیاده از آن است که ذکر شود، و باید که تعقیب نماز متّصل باشد به فراغ از نماز به همان هیئت که نشسته است رو به قبله و متورّکاً، و سزاوار است که در اثنای آن با کسی حرف نزند و

---

۱. مراد: «لا إله إلاّ اللّه الحليم الكريم، لا إله إلاّ اللّه العليّ العظيم،...» می‌باشد.

التفات و اشتغال به چیز دیگر ننماید و آنچه در تعقیب خوانده می‌شود بسیار است و ما به جزئی از آن در این‌جا اکتفا می‌نماییم، پس گوییم:

چون سلام نماز گفتی سه تکبیر می‌گویی و در هر تکبیر دست‌ها را بلند کرده مقابل صورت می‌کنی و این تکبیرات اوّل تعقیبات است پس می‌گویی:

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لا نَعْبُدُ اِلَّا اِيّاهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْاَوَّلينَ. لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. اَنْجَزَ وَعْدَهُ. وَنَصَرَ عَبْدَهُ. وَاَعَزَّ جُنْدَهُ. وَغَلَبَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ. فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. يُحْيي وَيُميتُ وَيُميتُ وَيُحْيي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ. وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اهْدِني مِنْ عِنْدِكَ. وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ. وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ. وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكاتِكَ. سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لي ذُنُوبي كُلَّها جَميعاً. فَاِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّها جَميعاً اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ. وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ[1] اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ عافِيَتَكَ في اُمُوري كُلِّها. وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَعَذابِ الْآخِرَةِ. وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَسُلْطانِكَ الْقَديمِ وَعِزَّتِكَ الَّتي لا تُرامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَشَرِّ الْاَوْجاعِ كُلِّها. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.

---

۱. شرورخ ل.

دعای بعد از نماز صبح

پس تسبیح زهرا علیها السلام می‌فرستی. و مستحب است آن‌که تسبیحی که به آن ذکر می‌کنی از تربت امام حسین علیه السلام باشد و رنگ ریسمان آن کبود باشد، پس می‌گویی:

سُبْحانَ مَنْ لا يَعْتَدي عَلىٰ اَهْلِ مَمْلَكَتِهِ. سُبْحانَ مَنْ لا يَأْخُذُ اَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوانِ الْعَذابِ. سُبْحانَ الرَّؤُوفِ الرَّحيمِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي في قَلْبي نُوراً وَبَصَراً وَفَهْماً وَعِلْماً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ الصّادِقَ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ إِنَّكَ قُلْتَ: ما تَرَدَّدْتُ في شَيْءٍ اَنَا فاعِلُهُ كَتَرَدُّدي في قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَاَنَا أَكْرَهُ مَساءَتَهُ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِأَوْلِيائِكَ الْفَرَجَ وَالْعافِيَةَ وَالنَّصْرَ. وَلا تَسُؤْني في نَفْسي وَلا في اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتي.

پس ده مرتبه این تعقیب را می‌خوانی که مختصّ نماز صبح است: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. يُحْيي وَيُميتُ وَيُميتُ وَيُحْيي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ. وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و ده مرتبه می‌گویی: سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظيمِ وَبِحَمْدِهِ. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. و این دعا نیز مختصّ به تعقیب نماز صبح است.

پس می‌گویی صد مرتبه: ما شاءَ اللّٰهُ كانَ. لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

و صد مرتبه: اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّي وَاَتُوبُ إِلَيْهِ.

و صد مرتبه: اَسْتَجيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ وَاَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ.

و صد مرتبه: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و ده مرتبه: أَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، اِلٰهاً واحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً.

و سی مرتبه: سُبْحانَ اللّٰهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَلا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَاللّٰهُ اَكْبَرُ.

پس می‌خوانی: أُعِيذُ نَفْسي وَديني وَاَهْلي وَمالي وَوَلَدي وَاِخْواني وَما رَزَقَني رَبّي وَجَميعَ مَنْ يَعْنيني اَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ... تا آخر سورهٔ توحید. پس می‌گویی: وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ... تا آخر سوره. وَبِرَبِّ النّاسِ مَلِكِ النّاسِ... تا آخر سوره.

پس می‌خوانی از قرآن سورهٔ مبارکهٔ «فاتحه» و «آیة الکرسی»[1] و «شهد اللّٰه» تا «فَإنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسابِ»[2] و آیهٔ «قل اللّهمّ»[3] و آیهٔ «سخره»[4] و آخر «کهف» آیهٔ «قل لو کان البحر»[5] را، و می‌خوانی از اوّل سورهٔ «والصّافّات» تا «شهابٌ ثاقب»[6]، و سه آیهٔ آخر آن را[7]، و سه آیه از سورهٔ «رحمٰن»[8] که اوّلش این است «یا معشرَ الجنّ و الإنس»، و چهار آیه از سورهٔ «حشر»، که اوّلش این است «لو انزلنا هذا القرآن»[9] پس دوازده مرتبه سورهٔ «توحید» می‌خوانی، پس دست‌ها را پهن می‌کنی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطُّهْرِ الطّاهِرِ الْمُبارَكِ، وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ وَسُلْطانِكَ الْقَديمِ، يا واهِبَ الْعَطايا وَيا مُطْلِقَ الْاُسارىٰ وَيا فَكّاكَ[10] الرِّقابِ مِنَ النّارِ، اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَعْتِقَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَاَنْ تُخْرِجَني مِنَ الدُّنْيا سالِماً، وَاَنْ تُدْخِلَني الْجَنَّةَ آمِناً، وَاَنْ تَجْعَلَ دُعائي اَوَّلَهُ فَلاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجاحاً

---

۱. بقره (۲)، آیه ۲۵۵.
۲. آل عمران (۳)، آیه‌های ۱۸ و ۱۹.
۳. آل عمران (۳)، آیه ۲۶.
۴. اعراف (۷)، آیه‌های ۵۴ تا ۵۶.
۵. کهف (۱۸)، آیه ۱۰۹.
۶. الصافات (۳۷)، آیه‌های ۱ تا ۱۰.
۷. الصافات (۳۷)، آیه‌های ۱۸۰ تا ۱۸۲.
۸. الرحمن (۵۵)، آیه‌های ۳۳ تا ۳۵.
۹. حشر (۵۹)، آیه‌های ۲۱ تا ۲۴.
۱۰. یا فکّاک خ ل.

وَآخِرَهُ صَلاحاً. إِنَّكَ أَنْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ.

پس می‌گویی: سُبْحانَ اللّهِ كُلَّما سَبَّحَ اللّهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَكَما هُوَ أَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ. وَالْحَمْدُ لِلّهِ كُلَّما حَمِدَ اللّهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَكَما هُوَ أَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ. وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ كُلَّما هَلَّلَ اللّهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَكَما هُوَ أَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ. وَاللّهُ أَكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللّهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَكَما هُوَ أَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ. سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّهُ وَاللّهُ أَكْبَرُ عَلىٰ عَدَدِ كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِها عَلَيَّ وَعَلىٰ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كانَ أَوْ يَكُونُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ ما أَرْجُو وَخَيْرِ ما لا أَرْجُو. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ ما لا أَحْذَرُ.

پس می‌خوانی این دعا را و این مختصّ به تعقیب نماز صبح است:

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَصَلَّى اللّهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ «وَأُفَوِّضُ أَمْري إِلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ بَصيرٌ بِالْعِبادِ. فَوَقاهُ اللّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا». «لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنينَ». «حَسْبُنَا اللّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ». «ما شاءَ اللّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ». ما شاءَ اللّهُ لا ما شاءَ النّاسُ. ما شاءَ اللّهُ وَإِنْ كَرِهَ النّاسُ. حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبينَ. حَسْبِيَ الْخالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقينَ. حَسْبِيَ الرّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقينَ. حَسْبِيَ اللّهُ الَّذي لَمْ يَزَلْ حَسْبي. حَسْبي مَنْ كانَ مُذْ كُنْتُ حَسْبي.

حَسْبِيَ اللّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

پس می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اَصْبَحَ ظُلْمي مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ، وَاَصْبَحَتْ ذُنُوبي مُسْتَجيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَاَصْبَحَ خَوْفي مُسْتَجيراً بِاَمانِكَ، وَاَصْبَحَ فَقْري مُسْتَجيراً بِغِناكَ، وَاَصْبَحَ ذُلّي مُسْتَجيراً بِعِزَّتِكَ، وَاَصْبَحَ ضَعْفي مُسْتَجيراً بِقُوَّتِكَ، وَاَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفاني مُسْتَجيراً بِوَجْهِكَ الْباقي، يا كائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيا كائِناً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لي مِنْ اَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَسِبُ.

پس می‌گیری محاسن خود را به دست راست و دست چپ را می‌کشی و باطنش را به سمت آسمان می‌کنی و هفت مرتبه می‌گویی: يا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و هفت مرتبه نیز می‌گویی: يا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْتِقْ رَقَبَتي مِنَ النّارِ.

پس می‌گویی: يا اَللّهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغيثُ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتي في كُلِّ كُرْبَةٍ، وَاَنْتَ رَجائي في كُلِّ شِدَّةٍ، وَاَنْتَ لي في كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، فَاغْفِرْ لي ذُنُوبي كُلَّها وَاكْشِفْ هَمّي وَفَرِّجْ غَمّي. اَللّٰهُمَّ اَغْنِني بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ.

پس می‌خوانی این دعا را واین دعایی است که در تعقیب فریضهٔ شب نیز خوانده می‌شود:

اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ[1] مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ الْمَنيعِ الَّذي لا يُحاوَلُ وَلا يُطاوَلُ[2] مِنْ شَرِّ كُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ، مِنْ سائِرِ ما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصّامِتِ

۱. اگر در شب بخوانی می‌گویی: اَمْسَيْتُ اللّٰهُمَّ. ۲. لا يُطاوَلُ وَلا يُحاوَلُ خ ل.

وَالنّاطِقِ ◆ في جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وَلاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ◆ مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قاصِدٍ لي بِـأَذِيَّةٍ بِـجِدارٍ حَصينِ الْإِخْلاصِ في الْاعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ ◆ مُوقِناً بِأَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفيهِمْ وَبِهِمْ ◆ أُوالي مَنْ والَوْا[1] وَأُجانِبُ مَنْ جانَبُوا ◆ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْني اللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ ما أَتَّقيهِ[2] ◆ يا عَظيمُ حَجَزْتَ الْأَعادِيَ عَنّي بِبَديعِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ ◆ ﴿إِنّا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرونَ﴾.

پس می‌خوانی دعای صباح حضرت امام زین العابدین علیه السلام را و آن دعای ششم صحیفه است.

و سزاوار است خواندن سورهٔ «یٰس» بعد از تعقیب صبح.

دعای صباح

و از جملهٔ دعاهای مشهوره دعای صباح است از کلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که بعد از نماز صبح خوانده می‌شود. و دعا را از نسخهٔ صحیحه ذکر نمودیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ ◆ يا مَنْ دَلَعَ لِسانَ الصَّباحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ ◆ وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَياهِبِ تَلَجْلُجِهِ ◆ وَأَتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوّارِ في مَقاديرِ تَبَرُّجِهِ ◆ وَشَعْشَعَ ضِياءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ ◆ يا مَنْ دَلَّ عَلىٰ ذاتِهِ بِذاتِهِ ◆ وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجانَسَةِ مَخْلُوقاتِهِ ◆ وَجَلَّ عَنْ مُلائَمَةِ كَيْفِيّاتِهِ ◆ يا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَواطِرِ الظُّنُونِ وَبَعُدَ عَنْ مُلاحَظَةِ الْعُيُونِ وَعَلِمَ بِما كانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ ◆ يا مَنْ أَرْقَدَني في مِهادِ أَمْنِهِ وَأَمانِهِ ◆ وَأَيْقَظَني إِلىٰ ما مَنَحَني بِهِ مِنْ مِنَنِهِ وَإِحْسانِهِ ◆ وَكَفَّ أَكُفَّ السُّوءِ عَنّي بِيَدِهِ وَسُلْطانِهِ ◆ صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلىٰ الدَّليلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ ◆ وَالْماسِكِ مِنْ أَسْبابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ ◆

---

۱. وَأُعادي مَنْ عاداوا ع.

۲. كُلِّ ما أَتَّقيهِ خ ل.

وَالنّاصِعِ الْحَسَبِ في ذِرْوَةِ الْكاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثّابِتِ الْقَدَمِ عَلىٰ زَحاليفِها فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلىٰ آلِهِ الْأَخْيارِ الْمُصْطَفَينَ الْأَبْرارِ.

وَافْتَحِ اللّٰهُمَّ لَنا مَصاريعَ الصَّباحِ بِمَفاتيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلاحِ، وَأَلْبِسْنا اللّٰهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الْهِدايَةِ وَالصَّلاحِ، وَاغْرِسِ اللّٰهُمَّ لِعَظَمَتِكَ في شِرْبِ جَناني يَنابيعَ الْخُشوعِ، وَأَجْرِ اللّٰهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ آماقي زَفَراتِ الدُّموعِ، وَأَدِّبِ اللّٰهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنّي بِأَزِمَّةِ الْقُنوعِ.

إِلٰهي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفيقِ فَمَنِ السّالِكُ بي إِلَيْكَ في واضِحِ الطَّريقِ؟ وَإِنْ أَسْلَمَتْني أَناتُكَ لِقائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنىٰ فَمَنِ الْمُقيلُ عَثَراتي مِنْ كَبَواتِ الْهَوىٰ؟ وَإِنْ خَذَلَني نَصْرُكَ عِنْدَ مُحارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطانِ فَقَدْ وَكَلَني خِذْلانُكَ إِلىٰ حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمانِ.

إِلٰهي أَتَراني ما أَتَيْتُكَ إِلّا مِنْ حَيْثُ الْآمالِ أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرافِ حِبالِكَ إِلّا حينَ باعَدَتْني ذُنوبي عَنْ دارِ الْوِصالِ؟ فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَأَتْ نَفْسي مِنْ هَواها، فَواهاً لِما سَوَّلَتْ لَها ظُنونُها وَمُناها، وَتَبّاً [لَها] لِجُرْأَتِها عَلىٰ سَيِّدِها وَمَوْلاها.

إِلٰهي قَرَعْتُ بابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجائي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لاجِئاً مِنْ فَرْطِ أَهْوائي، وَعَلَّقْتُ بِأَطْرافِ حِبالِكَ أَنامِلَ وِلائي، فَاصْفَحِ اللّٰهُمَّ عَمّا أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلي وَخَطائي، وَأَقِلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ صَرْعَةِ رِدائي، فَإِنَّكَ سَيِّدي وَمَوْلايَ وَمُعْتَمَدي وَرَجائي، وَغايَةُ مُنايَ في مُنْقَلَبي وَمَثْوايَ.

إِلٰهي كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكيناً الْتَجَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنوبِ هارِباً؟ أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِداً قَصَدَ إِلىٰ جَنابِكَ ساعِياً؟ أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْآناً وَرَدَ إِلىٰ حِياضِكَ شارِباً؟ كَلّا وَحِياضُكَ مُتْرَعَةٌ في ضَنْكِ الْمُحولِ، وَبابُكَ مَفْتوحٌ

لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ، وَاَنْتَ غايَةُ الْمَسْؤُولِ وَنِهايَةُ الْمَأْمُولِ.

اِلٰهي هٰذِهِ اَزِمَّةُ نَفْسي عَقَلْتُها بِعِقالِ مَشِيَّتِكَ، وَهٰذِهِ اَعْباءُ ذُنُوبي دَرَأْتُها بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَهٰذِهِ اَهْوائِيَ الْمُضِلَّةُ وَكَلْتُها اِلىٰ جَنابِ لُطْفِكَ، فَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ صَباحيَ هٰذا نازِلاً عَلَيَّ بِضِياءِ الْهُدىٰ، وَالسَّلامَةِ فِي الدّينِ وَالدُّنْيا، وَمَسائي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعِدىٰ، وَوِقايَةً مِنْ مُرْدِياتِ الْهَوىٰ، اِنَّكَ قادِرٌ عَلىٰ ما تَشاءُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ.

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، مَنْ ذا يَعْلَمُ قُدْرَتَكَ فَلا يَخافُكَ؟ وَمَنْ ذا يَعْلَمُ ما اَنْتَ فَلا يَهابُكَ؟ اَلَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ، وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ، وَاَنَرْتَ بِكَرَمِكَ دَياجِيَ الْغَسَقِ، وَاَنْهَرْتَ الْمِياهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّياخيدِ عَذْباً وَاُجاجاً، وَاَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِراتِ ماءً ثَجّاجاً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِراجاً [وَهّاجاً]، مِنْ غَيْرِ اَنْ تُمارِسَ فيما ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوباً وَلا عِلاجاً، فَيا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقاءِ، وَقَهَرَ عِبادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَناءِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَتْقِياءِ، وَاسْتَمِعْ نِدائي، وَاسْتَجِبْ دُعائي، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ اَمَلي وَرَجائي.

يا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَالْمَأْمُولِ، لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ اَنْزَلْتُ حاجَتي، فَلا تَرُدَّني مِنْ سَنِيِّ مَواهِبِكَ خائِباً، يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ.

بعد از آن این مناجات را بخواند: إلٰهي قَلْبي مَحْجُوبٌ، وَنَفْسي مَعْيُوبٌ، وَعَقْلي مَغْلُوبٌ، وَهَوائي غالِبٌ، وَطاعَتي قَليلَةٌ، وَمَعْصِيَتي كَثيرَةٌ، وَلِساني مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ، فَكَيْفَ حيلَتي يا عَلّامَ الغيوبِ ويا سَتّارَ العيوب ويا غَفّارَ الذنوب؟ اغفِر لي ذُنُوبي كُلَّها، يا غَفّارُ يا غَفّارُ يا غَفّارُ، يا شَديدَ الْعِقابِ، يا غَفُورُ يا رَحيمُ، يا حَليمُ ياكَريمُ، اِقْضِ حاجَتي بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَالنَّبِيِّ الْكَريمِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أجْمَعينَ[۱].

سجدهٔ شکر

و چون از تعقیب فارغ شدی پس سجدهٔ شکر بجای‌آور و نیکو است آن که در سجدهٔ شکر به عمل آوری آنچه شیخ طوسی از حضرت ابی ابراهیم موسی بن جعفر ﷺ روایت نموده پس در سجدهٔ اوّل از آن می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إنّي اُشْهِدُكَ وَاُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَأنْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَميعَ خَلْقِكَ بِأنَّكَ أنْتَ اللّٰهُ رَبّي وَالْإسْلامَ ديني وَمُحَمَّداً نَبِيّي وَعَلِيّاً وَلِيّي وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسىٰ وَعَلِيّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِيّاً وَالْحَسَنَ وَالْخَلَفَ[۲] الصّالِحَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أئِمَّتي، بِهِمْ أتَوَلّىٰ وَمِنْ أعْدائِهِمْ أتَبَرَّأُ.

پس سه مرتبه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ إنّي أنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ.

بعد از آن می‌گویی سه مرتبه: اَللّٰهُمَّ إنّي أنْشُدُكَ بِإيوائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِأوْلِيائِكَ لَتُظْهِرَنَّهُمْ[۳] عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

و نیز سه مرتبه می‌گویی: اَللّٰهُمَّ إنّي أنْشُدُكَ بِإيوائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِأعْدائِكَ

---

۱. الطاهرین خ ل.
۲. وَمُحَمَّداً سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ خ ل.
۳. لِتُظْفِرَنَّهُمْ خ ل.

لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَلَتُخْزِيَنَّهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس سه مرتبه می‌گویی: اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ.

پس جانب راست روی را بر زمین می‌گذاری و سه مرتبه می‌گویی:

ياكَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ. وَيا بارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَكانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

پس جانب چپ رو را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی سه مرتبه: يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ وَيا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي فَفَرِّجْ عَنِّي.

پس سه مرتبه می‌گویی: يا حَنّانُ يا مَنّانُ ياكاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ.

پس برمی‌گردی به سجود و جبهه را بر زمین می‌گذاری، و صد مرتبه: شُكْراً شُكْراً می‌گویی.

پس سه مرتبه می‌گویی: يا سامِعَ الصَّوْتِ. يا سابِقَ الْفَوْتِ. يا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس حاجت خود را می‌طلبی و چون سر از سجده برداشتی می‌مالی دست خود را بر موضع سجود، پس مسح می‌کنی به آن صورت خود را از جانب چپ صورت، پس جبین پس جانب راست رو را سه مرتبه، و در هر مرتبه می‌گویی: اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ. اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْغَمَّ[1] وَالْحَزَنَ وَالْغِيَرَ وَالْفِتَنَ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ.

---

۱. الهمّ خ ل.



فصل دوم

در مختصری از اعمالی که متعلّق به مابین طلوع آفتاب و غروب آن است

چون آفتاب خواهد طلوع کند در آن وقت ده مرتبه می‌گویی:

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

وسزاوار است آن‌که در ابتدای روز تصدّق دهی اگرچه چیز کمی باشد و چیزهایی‌که در روز واقع می‌شود مانند پوشیدن لباس و بیرون رفتن از منزل و داخل شدن و خوردن و آشامیدن و مصاحبت کردن و سایر چیزها آداب آن‌ها بسیار است، مراعات آن لازم است و مقام را گنجایش ذکر آن‌ها نیست، هرکه خواهد رجوع کند به کتاب *سنن و آداب* یا *مقالید النجاح* که فقیر تفصیل آداب هر یک را در آن دو کتاب متعرّض شده‌ام و در این جا قناعت می‌کنم به همان آداب نمازها.

و سزاوار آن است که پیش از ظهر مهیّا شوی برای نماز ظهر و مقدّم داری خواب قیلوله[1] را و خواب قیلوله معین است برای عبادت در شب و روزهٔ روز و جدّ و جهد می‌کنی که برای ظهر بیدار شوی، پس وضو می‌گیری و می‌روی به جانب مسجد و نماز تحیّت مسجد را بجا می‌آوری و منتظر دخول وقت می‌شوی اگر وقت داخل نشده؛ و مستحبّ است آن‌که نماز در اوّل وقت خوانده شود و چون زوال محقّق شد اوّل کاری که می‌کنی آن است که می‌گویی:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَلا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً.

و اگر با وضو نیستی مبادرت کن به وضو گرفتن و آدابی که در سابق ذکر شد به عمل می‌آوری.

در نوافل ظهر است

پس شروع می‌کنی به خواندن نوافل ظهریّه و آن‌ها هشت رکعت است، پس نیّت می‌کنی از برای دو رکعت اوّل و هفت تکبیری که در سابق ذکر شد با دعاهایش بجا می‌آوری و کلمهٔ استعاذه

---

۱. خواب کوتاهی که هنگام ظهر یا پیش از آن صورت می‌گیرد، قیلوله نام دارد.

را می‌گویی و می‌خوانی سورهٔ «حمد» و «توحید» در رکعت اوّل، و سورهٔ «حمد» و «قل یا أیّـها الکافرون» در رکعت دوّم، و بعد از فراغ از این دو رکعت سه تکبیری که اوّل تعقیبات ذکر شد یا تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام می‌گویی پس می‌خوانی:

اللّٰهُمَّ إِنِّي ضعيفٌ فَقَوِّ في رِضاكَ ضَعْفي، وَخُذْ إِلَى الْخَيْرِ بِناصِيَتي، وَاجْعَلِ الْإِيمانَ مُنْتَهىٰ رِضايَ، وَبارِكْ لي فيما قَسَمْتَ لي، وَبَلِّغْني بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذي أَرْجُو مِنْكَ، وَاجْعَلْ لي وُدّاً وَسُروراً لِلْمُؤْمِنينَ وَعَهْداً عِنْدَكَ.

پس بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری به همین طریق؛ مگر آن‌که شش تکبیر افتتاح را نمی‌گویی؛ و نیز بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر به همین کیفیّت بجا می‌آوری و تسبیح و دعای مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز می‌خوانی و دو رکعت دیگر از این نوافل را ما بَیْنَ اذان و اقامه می‌کنی و بعد از اقامهٔ نماز می‌گویی:

اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التّامَّةِ، وَالصَّلاةِ الْقائِمَةِ، بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسيلَةَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضيلَةَ، بِاللّٰهِ أَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني بِهِمْ عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ.

در تعقیب نماز ظهر است

پس مشغول شو به خواندن نماز ظهر و مراعات می‌کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و در این‌جا در ما سوای بسم الله آهسته بخوان، و بهتر آن‌که بخوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «إنّا أنزلناه» را و در رکعت دوّم سورهٔ «توحید» را.

و چون دو رکعت از آن را خواندی و از تشهّد فارغ شدی می‌گویی بعد از صلوات تشهّد: «وَتَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ» پس برخیز و بخوان تسبیحات اربع را سه مرتبه، و اگر اضافه کنی استغفاری، قربة الی الله نیز خوب است. پس رکوع و سجود را بجا آور به همان آدابی که در سابق به شرح رفت، پس بر خیز از رکعت سوّم و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیّت بکن.

پس تشهّد و سلام بخوان، پس از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری که اوّل تعقیبات بود می‌گویی، پس می‌خوانی: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهاً واحِداً... تا آخر دعا» که [در صفحه ۶۷۹] مذکور شد. پس تسبیح زهرا علیها السلام را می‌گویی و می‌خوانی آن‌چه خواهی از تعقیبات مشترکه که بعد از نماز صبح می‌خواندی.

دعای نجاح

پس می‌خوانی دعاهایی را که مختصّ به نماز ظهر است و آن‌ها دعاهایی چند است از جمله این دعا است که معروف است به دعای نجاح:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَالْأَرَضينَ السَّبْعِ وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ ٭ وَرَبَّ جِبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَإِسْرافيلَ ٭ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثاني وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ ٭ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ ٭ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ[1] وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذي تَقُومُ بِهِ السَّماءُ وَالْأَرْضُ ٭ وَبِهِ تُحْيِي الْمَوْتىٰ وَتَرْزُقُ الْأَحْياءَ وَتُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ[2] وَتَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ ٭ وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الْآجالِ وَوَزْنَ الْجِبالِ[3] وَكَيْلَ الْبِحارِ ٭ أَسْأَلُكَ يا مَنْ هُوَ كَذٰلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ[4]. پس حاجت خود را از حق تعالی طلب می‌کنی.

دعای بیت معمور در تعقیب نماز ظهر

از جملهٔ تعقیبات مختصّه به نماز ظهر این دعای شریف است که جبرئیل علیه السلام از جانب خدای تعالی هدیّه آورده به پیغمبر صلی الله علیه و آله با شرح آن و در قنوت نمازها هم خوانده می‌شود و موسوم است به دعای اهل البیت المعمور:

يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَميلَ وَسَتَرَ الْقَبيحَ ٭ يا مَنْ لَمْ[5] يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ وَلَمْ

---

۱. وَآلِ مُحَمَّدٍ خ ل.
۲. الْمُجْتَمِعِ خ ل.
۳. الرِّمالِ خ ل.
۴. وَآلِهِ خ ل.
۵. لا خ ل.

يَهْتِكِ السَّتْرَ. يا كَرِيمَ الصَّفْحِ يا عَظيمَ الْعَفْوِ[1] يا حَسَنَ التَّجاوُزِ. يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ. يا صاحِبَ كُلِّ حاجَةٍ[2]. يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ. يا فارِجَ الْهَمِّ. يا مُفَرِّجَ كُلِّ كُرْبَةٍ. يا مُقيلَ الْعَثَراتِ. يا كَرِيمَ الصَّفْحِ. يا عَظيمَ الْمَنِّ. يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها. يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ يا غايَةَ رَغْبَتاهُ. أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْقائِمِ الْمَهْدِيِّ. الْأَئِمَّةِ الْهادِيَةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَسْأَلُكَ يا أَللّهُ يا أَللّهُ يا أَللّهُ أَنْ لا تُشَوِّهَ خَلْقي بِالنّارِ. وَأَنْ تَفْعَلَ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ.

دعای بعد از نماز ظهر

و از جمله، این دعای عالیة‌المضامین است که شیخ طوسی در مصباح ایراد فرموده:

لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ الْعَظيمُ الْحَليمُ. لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَريمِ. الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ. اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ. وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ. وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ. وَالسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ. اللّهُمَّ لا تَدَعْ لي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ. وَلا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ. وَلا كَرْباً إِلَّا كَشَفْتَهُ. وَلا سُقْماً إِلَّا شَفَيْتَهُ. وَلا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ. وَلا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ. وَلا دَيْناً إِلَّا قَضَيْتَهُ. وَلا خَوْفاً إِلَّا آمَنْتَهُ. وَلا سُوءاً إِلَّا صَرَفْتَهُ. وَلا حاجَةً هِيَ لَكَ رِضاً وَلِيَ فيها صَلاحٌ إِلَّا قَضَيْتَها يا رَبَّ الْعالَمينَ.

پس می‌گویی: اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَراءَةً مِنَ النّارِ.

---

۱. الْمَنّ خ ل.

۲. نَجوی خ ل.

فَاكْتُبْ لَنا بَراءَتَنا مِنَ النّارِ. وَفي جَهَنَّمَ فَلا تَجْعَلْنا. وَفي عَذابِكَ وَهَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا. وَمِنَ الضَّريعِ وَالزَّقُّومِ فَلا تُطْعِمْنا. وَمَعَ الشَّياطينِ فِي النّارِ فَلا تَجْمَعْنا. وَعَلىٰ وُجُوهِنا فِي النّارِ فَلا تَكْبُبْنا. وَمِنْ ثِيابِ النّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا. وَمِنْ كُلِّ سوءٍ يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَنَجِّنا. وَبِرَحْمَتِكَ فِي الصّالِحينَ فَأَدْخِلْنا. وَفي عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا. وَمِنْ كُلِّ كَأْسٍ مَعينٍ وَسَلْسَبيلٍ فَاسْقِنا. وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا. وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنا. وَمِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنا. وَمِنْ ثِيابِ الْحَريرِ وَالسُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنا[1]. وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ[2] فَارْحَمْنا. وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ فَارْزُقْنا. وَسَدِّدْنا وَقَرِّبْنا إِلَيْكَ زُلْفىٰ. وَصالِحَ الدُّعاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا. يا خالِقَنا اسْمَعْ لَنا وَاسْتَجِبْ مِنّا. وَإِذا جَمَعْتَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَارْحَمْنا. يا رَبِّ عَزَّ جارُكَ. وَجَلَّ ثَناؤُكَ. وَلا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

پس ده مرتبه می‌گویی: بِاللّٰهِ اعْتَصَمْتُ وَبِاللّٰهِ أَثِقُ وَعَلَى اللّٰهِ أَتَوَكَّلُ.

پس می‌گویی: اللّٰهُمَّ إِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبي فَأَنْتَ أَعْظَمُ. وَإِنْ كَبُرَ تَفْريطي فَأَنْتَ أَكْبَرُ. وَإِنْ دامَ بُخْلي فَأَنْتَ أَجْوَدُ. اللّٰهُمَّ اغْفِرْ عَظيمَ ذُنُوبي بِعَظيمِ عَفْوِكَ وَكَبيرَ[3] تَفْريطي بِظاهِرِ كَرَمِكَ[4] وَاقْمَعْ بُخْلي بِفَضْلِ جُودِكَ. اللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ. لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

پس سجده شکر بجا می‌آوری و می‌گویی در سجده و بعد از سجده آنچه را که در آخر فصل اوّل [صفحه ۶۸۷] ذکر نمودیم.

---

۱. فَأَكْسُنا خ ل.
۲. الْقَبْرِ خ ل.
۳. وكثير خ ل.
۴. حلمك خ ل.

آداب نوافل و تعقیب نماز عصر

و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مهیّا می‌شوی به جهت نماز عصر، پس بر می‌خیزی به جهت نافله عصر و آن هشت رکعت است، پس دو رکعت از آن را بجا می‌آوری بدون شش تکبیرات افتتاحیّه و می‌خوانی در آن بعد از حمد هر سوره‌ای که خواستی، و بعد از سلام این دعا را می‌خوانی:

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. الْعَلِيُّ الْعَظيمُ. الْحَليمُ الْكَريمُ. الْخالِقُ الرّازِقُ. الْمُحْيي الْمُميتُ. الْمُبْدِئُ الْبَديعُ. لَكَ الْحَمْدُ. وَلَكَ الْكَرَمُ. وَلَكَ الْمَنُّ. وَلَكَ الْجُودُ. وَلَكَ الْاَمْرُ. وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ. يا واحِدُ يا اَحَدُ. يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ. وَلَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا ـ بجای «وافعل بي كذا» حاجت خود را می‌خواهی ـ پس می‌گویی:

يا عُدَّتي في كُرْبَتي. وَيا صاحِبي في غُرْبَتي[1]. وَيا مُؤْنِسي في وَحْدَتي. وَيا وَلِيّي في نِعْمَتي. وَيا اِلٰهي وَاِلٰهَ آبائي اِبْراهيمَ وَاِسْماعيلَ وَاِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْباطِ وَرَبَّ مُوسىٰ وَعيسىٰ وَمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس باز حاجت خود را می‌طلبی.

پس بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری، و می‌خوانی بعد از آن دعای نجاح را که در تعقیب ظهر می‌خواندی، پس بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری، و می‌خوانی بعد از آن این دعا را:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ ذُوالنُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ. فَنادىٰ فِي الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ

---

۱. شدّتي خ ل.

مِنَ الظّالِمينَ. فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ. فَإِنَّهُ دَعاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ. وَسَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا أَسْأَلُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ. اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تَسْتَجيبَ لي كَما اسْتَجَبْتَ لَهُ.

وَاَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ اَيُّوبُ اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ فَدَعاكَ: اَنّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ. فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ. فَإِنَّهُ دَعاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ. وَسَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا أَسْأَلُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ. اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ. وَاَنْ تَسْتَجيبَ لي كَما اسْتَجَبْتَ لَهُ.

وَاَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ يُوسُفُ اِذْ فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اَهْلِهِ اِذْ هُوَ فِي السِّجْنِ. فَإِنَّهُ دَعاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ. وَسَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا أَسْأَلُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ. اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ. وَاَنْ تَسْتَجيبَ لي كَما اسْتَجَبْتَ لَهُ. وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا. پس حاجت خود را از حق تعالی می‌خواهی.

پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر از نافلهٔ عصر را بجا می‌آوری و بعد از آن دعای اهل بیت معمور[1] را می‌خوانی، و بعد از فراغ از نوافل اذان می‌گویی از برای نماز عصر و فاصله مـی‌کنی میان اذان و اقامه به سجده یا نشستنی و می‌خوانی دعایی را که در بین اذان و اقامهٔ نـماز صـبح می‌خواندی، پس بر خیز و نماز عصر را بجا بیاور به همان آداب که مذکور شد، و سـزاوار است آن‌که بخوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «اذا جاء» یا سورهٔ «ألهاكم التّكاثر» یا امثال آن را،

---

۱. دعای أهل بیت معمور دعاء یا من أظهر الجميل است که در تعقیب نماز ظهر گذشت (منه ﷺ).

و در رکعت دوّم می‌خوانی سورهٔ «توحید» را و بعد از فراغ از نماز می‌خوانی آن تعقیباتی را که در عقب نماز ظهر می‌خواندی به غیر آن چه که مختصّ به ظهر بود.

در تعقیب نماز عصر

پس به عمل می‌آوری آن‌چه را که مختصّ به نماز عصر است که از جمله: هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه» است، و از جمله مختصّات به نماز عصر آن است که در تعقیب آن می‌خوانی این استغفار را:

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ، ذُو الجلالِ وَالْإِكْرامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَليلٍ خاضِعٍ فَقيرٍ، بائِسٍ مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ مُسْتَجيرٍ، لا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا مَوْتاً، وَلا حَياةً وَلا نُشُوراً.

پس می‌گویی: اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلاةٍ لا تُرْفَعُ، وَمِنْ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ. اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَالرَّخاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ. اللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری به همان نحو که بعد از نماز صبح مذکور شد و چون خواستی از مسجد بیرون بیایی این دعا را می‌خوانی:

اللّٰهُمَّ دَعَوْتَني فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ، وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ، وَانْتَشَرْتُ في أَرْضِكَ كَما أَمَرْتَني، فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطاعَتِكَ، وَاجْتِنابَ مَعْصِيَتِكَ، وَالْكَفافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.





فصل سوّم

در اعمالی است که متعلّق به ما بین غروب آفتاب تا وقت خواب است

بدان که آنچه سزاوار است از برای تو در نزدیکی غروب آن است که تعجیل کنی به رفتن به جانب مسجد و آن‌که در وقت زردی آفتاب بگویی:

اَمسىٰ ظُلْمي مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ. وَاَمْسَتْ ذُنُوبي مُسْتَجيرةً بِمَغْفِرَتِكَ. وَاَمسىٰ خَوْفي مُسْتَجيراً بِاَمانِكَ. وَاَمسىٰ ذُلّي مُسْتَجيراً بِعِزِّكَ. وَاَمسىٰ فَقْري مُسْتَجيراً بِغِناكَ. وَاَمسىٰ وَجْهِيَ الْبالي مُسْتَجيراً بِوَجْهِكَ الدّائِمِ الْباقي.

اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْني عافِيَتَكَ. وَغَشِّني بِرَحْمَتِكَ. وَجَلِّلْني كَرامَتَكَ. وَقِني شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ. يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ.

و سزاوار است که در این وقت مشغول باشی به تسبیح کردن و استغفار نمودن؛ زیرا که فضیلت این وقت مثل فضیلت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده: **﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾.**

و می‌گویی در وقت غروب: **يا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْتِمْ لي يَوْمي هٰذا بِخَيْرٍ. وَشَهْري بِخَيْرٍ. وَسَنَتي بِخَيْرٍ. وَعُمْري بِخَيْرٍ.**

و چون یقین کردی به داخل شدن وقت، ده مرتبه می‌گویی: **اَللّٰهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنَّهُ ما اَمسىٰ بي مِنْ نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ في دينٍ اَوْ دُنْياً فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ. لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِها عَلَيَّ حَتّىٰ تَرْضىٰ وَبَعْدَ الرِّضا.**

پس ده مرتبه می‌گویی: **لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. يُحْيي وَيُميتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.**

و ده مرتبه می‌گویی: أَعُوذُ بِاللّهِ السَّمِيعِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ * وَأَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اللّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

پس می‌گذاری دست خود را بر بالای سرت و می‌کشی بر صورت خود پس می‌گیری محاسن خود را به دست و می‌گویی:

أَحَطْتُ عَلىٰ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوَلَدِي مِنْ غائِبٍ وَشاهِدٍ بِاللّهِ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ * الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ... می‌خوانی تا آخر «آیة الکرسی» پس مبادرت می‌کنی به خواندن نماز مغرب، و سزاوار نیست تأخیر افکندن نماز مغرب را از اوّل وقت آن، و در احادیث کثیره تاکید بسیار شده به تأخیر نباید انداختن از اوّل وقتش؛ و چون خواستی مشغول نماز شوی اذان و اقامه می‌گویی به همان آدابی که در سابق گذشت، و نیز در ما بین اذان و اقامه می‌گویی:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبالِ لَيْلِكَ وَإِدْبارِ نَهارِكَ * وَحُضُورِ صَلَواتِكَ * وَأَصْواتِ دُعاتِكَ * وَتَسْبِيحِ مَلائِكَتِكَ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ * وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ.

پس بر می‌خیزی و نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می‌آوری و بعد از فراغ از نماز سه تکبیر، و تسبیح زهرا ؑ را می‌گویی، پس می‌خوانی:

إِنَّ اللّهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً * اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِهِ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ.

و هفت مرتبه می‌گویی: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

پس سه مرتبه می‌گویی: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُهُ.

و اگر دوست داشته باشی که تعقیب بیشتر از این بخوانی افضل آن است که بعد از نافلهٔ مغرب بخوانی پس برمی‌خیزی به جهت خواندن نافله و مکروه است تکلّم ما بین نماز مغرب و نافلهٔ آن؛ و مستحب است که در رکعت اوّل نافلهٔ مغرب بخوانی سورهٔ «حمد» یک مرتبه و «توحید» سه مرتبه، و در رکعت دوّم بعد از «حمد» یک مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه» و اگر به حمد تنها بخواهی اکتفا کنی جایز است، مثل سایر نوافل.

و سزاوار است بلند خواندن قرائت در آن و هم‌چنین در سایر نافله‌های شب، و می‌گویی بعد از فراغ از این دو رکعت:

اللّهُمَّ إنَّكَ تَرىٰ وَلا تُرىٰ وَأنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأعْلىٰ، وَأنَّ إلَيْكَ الرُّجْعىٰ وَالمُنْتَهىٰ، وَأنَّ لَكَ الْمَماتَ وَالْمَحيا، وَأنَّ لَكَ الآخِرَةَ وَالْأُولىٰ، اللّهُمَّ إنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أنْ نَذِلَّ وَنَخزىٰ، وَأنْ نَأْتِيَ ما أنْتَ تَنْهىٰ، اللّهُمَّ إنّي أسْألُكَ أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ، وَأسْألُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأسْتَعيذُ بِكَ مِنَ النّارِ بِقُدْرَتِكَ، وَأسْألُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ أوْسَعَ رِزْقِي عِنْدَ كِبَرِ سِنّي، وَأحْسِنْ عَمَلي عِنْدَ اقْتِرابِ أجَلي، وَأطِلْ في طاعَتِكَ وَما يُقَرِّبُ مِنْكَ وَيُحْظي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ عُمْري، وَأحْسِنْ في جَميعِ أحْوالي وَاُمُوري مَعُونَتي، وَلا تَكِلْني إلىٰ أحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِقَضاءِ جَميعِ حَوائِجي لِلدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَابْدَأْ بِوالِدَيَّ وَجَميعِ إخْوانِيَ الْمُؤْمِنينَ في جَميعِ ما سَألْتُكَ لِنَفْسي بِرَحْمَتِكَ يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر نافلهٔ مغرب را بجا می‌آوری به هر سوره‌ای که خواستی بعد از فراغ می‌گویی:

اللّهُمَّ إنّي أسْألُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالرِّضْوانِ في دارِ السَّلامِ، وَجِوارَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، اللّهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لا إلٰهَ إلّا

أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

پس می‌گویی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَرِّفْ بُنْيانَنا، وَثَقِّلْ مِيزانَنا، وَأَفْلِجْ حُجَّتَنا، وَاسْتُرْ عَوْراتِنا، وَطَهِّرْ قُلُوبَنا، وَحَسِّنْ أَخْلاقَنا، وَأَدِرَّ أَرْزاقَنا، وَاحْفَظْ أَماناتِنا، وَتَقَبَّلْ مِنْ مُحْسِنِنا، وَتَجاوَزْ عَنْ مُسِيئِنا، وَأَصْلِحْ ذاتَ بَيْنِنا، وَارْفَعْ دَرَجاتِنا، وَحَصِّنْ فُرُوجَنا، وَاحْفَظْ دِينَنا، وَلا تَجْعَلْ فِيهِ مُصابَنا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ جَنَّاتٍ وَأَنْهاراً وَنَعِيماً دائِماً مُبارَكاً، وَصُحْبَةَ الْأَبْرارِ وَمُرافَقَتَهُمْ، وَلا تَحْرِمْنا ذٰلِكَ، اللَّهُمَّ أَخْرِجْنا مِنَ الدُّنْيا سالِمِينَ فِي دِينِنا، وَأَدْخِلْنا الْجَنَّةَ آمِنِينَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَصِحَّ لَنا أَبْدانَنا يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس چون از چهار رکعت نافلهٔ مغرب فارغ شدی پس مانعی نیست از آن‌که بخوانی از تعقیبات مشترکه آنچه که بخواهی پس سجده شکر می‌کنی به همان نحو که سابق به شرح رفت و اگر خواستی در سجدهٔ شکر می‌گویی:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئاتِي حَسَناتٍ وَحاسَبْتَنِي حِساباً يَسِيراً.

پس جانب راست رو را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَؤُونَةَ الدُّنْيا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ.

پس جانب چپ را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا غَفَرْتَ لِيَ الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْقَلِيلَ وَقَبِلْتَ مِنْ عَمَلِيَ الْيَسِيرَ.

پس برمی‌گردی به سجده و می‌گویی: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِها، وَلَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفَعاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس سر از سجده برمی‌داری و موضع سجود را مسح می‌کنی و می‌گویی: بِسْمِ اللّهِ الَّذي لا اِلَهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ. اللّهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحَزَنَ.

و اقلّ چیزی که در سجدهٔ شکر مجزی است آن است که بگویی: شُكْراً شُكْراً.

آداب نماز غفیله

و بعد از فراغ از این اعمال برمی‌خیزی به جهت خواندن دو رکعت نماز غفیله و در رکعت اوّل بعد از حمد می‌خوانی آیهٔ: ﴿وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادىٰ فِي الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلَهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنينَ﴾.

و در رکعت دوّم می‌خوانی آیهٔ:

﴿وَعِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها اِلّا هُوَ وَيَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلّا يَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ وَلا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ اِلّا في كِتابٍ مُبينٍ﴾.

و در قنوت می‌خوانی این دعا را:

اللّهُمَّ اِنّي أَسْأَلُكَ بِمَفاتِحِ الْغَيْبِ الَّتي لا يَعْلَمُها اِلّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا[1].

پس می‌گویی: اللّهُمَّ اَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتي، وَالْقادِرُ عَلىٰ طَلِبَتي، تَعْلَمُ حاجَتي فَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ لَمّا قَضَيْتَها لي.

و حاجت خود را می‌طلبی.

و روایت شده که هرکه این دو رکعت نماز را ما بین مغرب و عشا بخواند، و بخواند این دعا را

---

۱. به جای و ان تفعل بي كذا حاجت می‌خوانی.

و بخواهد حاجت خود را حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که خواهد.

و چون شفق پنهان شود اذان و اقامه می‌گویی از برای نماز عشا به همان آدابی که در سابق گذشت. پس شروع کن به خواندن فریضهٔ عشا با آداب و شرایط، و سزاوار است آن‌که طول دهی قنوت را و تعقیب آن را، زیرا که وقت وسعت دارد، پس می‌خوانی در تعقیب، دعاهای مشترکه بین صبح و شام را.

در تعقیب نماز عشاء

پس از آن می‌خوانی دعاهای مختصه به شام را و آن‌ها بسیار است از جمله دعایی است که برای طلب روزی وارد شده و دعا چنانچه در مصباح متهجّد است این است:

اللّهُمَّ اِنَّهُ لَيْسَ لي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقي، وَاِنَّما اَطْلُبُهُ بِخَطَراتٍ تَخْطُرُ عَلىٰ قَلْبي، فَاَجُولُ في طَلَبِهِ الْبُلْدانَ، فَاَنَا فيما اَنَا طالِبٌ كَالْحَيْرانِ، لا اَدْري اَفي سَهْلٍ هُوَ اَمْ في جَبَلٍ، اَمْ في اَرْضٍ اَمْ في سَماءٍ، اَمْ في بَرٍّ اَمْ في بَحْرٍ، اَمْ عَلىٰ يَدَيْ مَنْ وَمِنْ قِبَلِ مَنْ؟ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ، وَاَسْبابَهُ بِيَدِكَ، وَاَنْتَ الَّذي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ، اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ يا رَبِّ رِزْقَكَ لي واسِعاً، وَمَطْلَبَهُ سَهْلاً، وَمَأْخَذَهُ قَريباً، وَلا تُعَنِّني بِطَلَبِ ما لَمْ تُقَدِّرْ لي فيهِ رِزْقاً فَاِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذابي وَاَنَا فَقيرٌ اِلىٰ رَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجُدْ عَلىٰ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ اِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظيمٍ.

و مستحب است آن که بخوانی هفت مرتبه سورهٔ «قدر» را پس می‌گویی:

اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَما اَظَلَّتْ، وَرَبَّ الْاَرَضينَ السَّبْعِ وَما اَقَلَّتْ، وَرَبَّ الشَّياطينِ وَما اَضَلَّتْ، وَرَبَّ الرِّياحِ وَما ذَرَتْ، وَرَبَّ الْبِحارِ وَما جَرَتْ، اللّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَليكَ كُلِّ شَيْءٍ، اَنْتَ اللّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ، اَنْتَ اللّهُ الْاَوَّلُ فَلا شَيْءَ قَبْلَكَ، وَاَنْتَ اللّهُ

الْباطِنُ فَلا شَيْءَ دُونَكَ • رَبَّ جِبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَاسْرافيلَ • وَإِلٰهَ إِبْراهيمَ وَإِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ • أَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتَوَلّاني بِرَحْمَتِكَ • وَلا تُسَلِّطْ عَلَيَّ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لا طاقَةَ لي بِهِ • اَللّٰهُمَّ إِنّي اَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ فَحَبِّبْني • وَفِي النّاسِ فَعَزِّزْني • وَمِنْ شَرِّ شَياطينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْني • يا رَبَّ الْعالَمينَ • وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

پس دعا می‌کنی به آنچه دوست می‌داری.

و از جملهٔ دعاهای مختصه به تعقیب نماز عشا این دعا است:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَلا تُؤْمِنّا مَكْرَكَ • وَلا تُنْسِنا ذِكْرَكَ • وَلا تَكْشِفْ عَنّا سِتْرَكَ • وَلا تَحْرِمْنا فَضْلَكَ وَلا تُحِلَّ عَلَيْنا غَضَبَكَ • وَلا تُباعِدْنا مِنْ جِوارِكَ • وَلا تُنْقِصْنا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلا تَنْزِعْ مِنّا بَرَكَتَكَ • وَلا تَمْنَعْنا عافِيَتَكَ • وَاَصْلِحْ لَنا ما اَعْطَيْتَنا • وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبارَكِ الطَّيِّبِ الْجَميلِ • وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَتِكَ • وَلا تُؤْيِسْنا مِنْ رَوْحِكَ • وَلا تُهِنّا بَعْدَ كَرامَتِكَ • وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا • وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ • اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قُلُوبَنا سالِمَةً • وَاَرْواحَنا طَيِّبَةً • وَاَزْواجَنا مُطَهَّرَةً • وَاَلْسِنَتَنا صادِقَةً • وَإِيمانَنا دائِماً • وَيَقينَنا صادِقاً وَتِجارَتَنا لا تَبُورُ • اَللّٰهُمَّ آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ

پس می‌خوانی هر یک از «فاتحه» و «توحید» و دو سورهٔ «قل أعوذ» را ده مرتبه،

پس ده مرتبه می‌گویی: «سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ».

و ده مرتبه صلوات می‌فرستی، پس می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لي اَبْوابَ رَحْمَتِكَ • وَاَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ • وَمَتِّعْني

بِالْعافِيَةِ ما أَبْقَيْتَني في سَمعي وَبَصَري وَجَميعِ جَوارِحِ بَدَني. اللَّهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

پس سجده شکر به جا می‌آوری و می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ. انْقَطَعَ الرَّجاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ مِنْكَ. يا أَحَدَ مَنْ لا أَحَدَ لَهُ. يا أَحَدَ مَنْ لا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ. يا مَنْ لا يَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ[1] إِلَّا كَرَماً وَجُوداً. يا مَنْ لا يَزْدادُ عَلىٰ كَثْرَةِ الْعَطاءِ إِلَّا كَرَماً وَجُوداً. يا مَنْ لا يَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ إِلَّا كَرَماً وَجُوداً. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

پس حاجت خود را می‌طلبی و سر از سجده برداشته جانب راست رو را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی همین دعا را، پس جانب چپ را می‌گذاری و همین دعا را می‌خوانی، پس مرتبهٔ دیگر سر به سجده می‌گذاری و می‌خوانی دعای مذکور را، و سزاوار است آن‌که بخوانی پس از اینها این دعا را که از دعاهایی است که دفع می‌شود سختی‌ها به خواندن آن و دعا این است:

يا سابِغَ النِّعَمِ. يا دافِعَ النِّقَمِ. يا بارِئَ النَّسَمِ. يا مُجْلِيَ الْهِمَمِ. يا مُغْشِيَ الظُّلَمِ. يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ. يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ. يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ. يا مُحْيِيَ الْعِظامِ وَهِيَ رَميمٌ وَمُنْشِئَها بَعْدَ الْمَوْتِ. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لي مِنْ أَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.

در نماز وتیره

پس نماز وتیره را بجا می‌آوری و آن دو رکعت نماز نشسته است و وقتش کشیده می‌شود تا وقت نماز عشاء، و در نماز وتیره می‌آوری آن هفت تکبیرات افتتاحیه را با دعاهای آن‌ها.

و مستحب است آن‌که در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن، و خوب است آن‌که در رکعت

---

۱. الدعاء خ ل.

اوّل بعد از «حمد» خوانده شود سوره «واقعه» یا «تبارک» و در رکعت دوّم سوره «توحید» و می‌خوانی بعد از سلام هر دعایی را که خواستی و افضل آن است که بخوانی دعایی را که شیخ طوسی در مصباح ایراد فرموده و اوّلش این است: «أَمْسَينا وَأَمْسَى الْحَمْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِياءُ... ».



فصل چهارم

در اعمالی است که متعلّق است به وقت خواب تا طلوع فجر

بدان ـ أيّدَكَ اللّه تعالى ـ كه خواب مثل مرگ است و شاید همین که در خواب رفتی قابض‌الأرواح روح تو را قبض نماید پس سزاوار آن است که چون خواستی بخوابی، مهیّای موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان نمایی و قلب خود را از همومات دنیا فارغ سازی، و یاد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لحد را تنها و بی کس و وصیّت خود را نوشته در زیر وسادهٔ خود گذاری و عازم باشی بر آن‌که برای نماز شب بر خیزی زیرا که فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب است.

و می‌خوانی در وقت خوابیدن سورهٔ «قل هو اللّه احد» و سورهٔ «أَلهاكُمُ التَّكاثُر» و«آیة الكرسی» را، پس سه دفعه می‌خوانی:

أَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي عَلا فَقَهَرَ. وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي بَطَنَ فَخَبَرَ. وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي مَلَكَ فَقَدَرَ. وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَيُميتُ الْأَحْياءَ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پس می‌گویی تسبیح حضرت زهرا عليها السلام را و می‌خوابی بر طرف راست به هیئت میّت که در قبر گذاشته می‌شود. و اگر خواستی آن‌که بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بترسی از غلبهٔ خواب، می‌خوانی آخر سوره «کهف» را که این آیه است: ﴿قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحىٰ إِلَيَّ أَنَّما إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ واحِدٌ فَمَنْ كانَ يَرْجُو لِقاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَلا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَداً﴾.

و روایت شده از حضرت صادق عليه السلام که هیچ کس نمی‌خواند این آیه را در وقت خوابیدن؛ مگر آن‌که بیدار می‌شود در آن ساعتی که می‌خواهد بیدار شود.

در تعویذ عقرب

و اگر از عقرب و جانوران دیگر می‌ترسی بخوان این دعا را که حضرت امام محمّد باقر؈ ضامن شده سلامتی خوانندهٔ آن را از شرّ عقرب و هوام تا وقت صبح، و دعا این است:

اَعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ ما بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ

در تعویذ رفع احتلام

و اگر از احتلام ترسی این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلامِ، وَمِنْ سُوءِ[1] الْاَحْلامِ، وَمِنْ اَنْ يَتَلاعَبَ بِيَ الشَّيْطانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ

در تعویذ خراب نشدن خانه

و اگر بترسی از خراب شدن خانه و مکانی که در آن‌جا می‌خوابی پس می‌خوانی این آیه را:

﴿اِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَلَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَكَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً﴾.

در تعویذ دفع دزد

اگر از دزد ترسی، آخر سورهٔ «بنی اسرائیل[2]» را بخوان که اوّلش این است: ﴿قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ﴾.

دعای سرمه کشیدن

و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل، چهار میل، در چشم راست و سه میل در چشم چپ؛ و در وقت سرمه کشیدن می‌خوانی این دعا را:

---

۱. شَوْخ ل.

۲. مراد سورهٔ (۱۷) الإسراء است، آیه‌های ۱۱۰ و ۱۱۱.

اللّهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ في بَصَري، وَالْبَصيرَةَ في ديني، وَالْيَقينَ في قَلْبي، وَالْإِخْلاصَ في عَمَلي، وَالسَّلامَةَ في نَفْسي، وَالسَّعَةَ في رِزْقي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً ما أَبْقَيْتَني، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و سزاوار است آن‌که ترک کنی خواب بین الطّلوعین و خواب بعد از عصر را و چون خواستی بخوابی، چراغ را خاموش می‌کنی و رو به قبله می‌خوابی، و در بامی که اطرافش دیوار نداشته باشد نمی‌خوابی، و خوابی که دیدی برای هر کس نقل مکن؛ مگر آن‌که عالم و ناصح و مهربان باشد، و تفاصیل این مقام در کتب دیگر خود ذکر نموده‌ام و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست.

در فضیلت نماز شب

بدان که روایاتی که در فضیلت نماز شب وارد شده زیاده از آن است که در این‌جا ذکر شود و از جمله وصایای حضرت رسول ﷺ به امیر المؤمنین ﷺ آن است که فرمود: «و علیك بصلاة اللّیل، و علیك بصلاة اللّیل، و علیك بصلاة اللّیل» سه دفعه حضرت رسول ﷺ به امیر المؤمنین ﷺ فرمود که: «بر تو باد به خواندن نماز شب» و این نهایت تأکید است در امر آن، پس سزاوار است که خود را از این فیض عظیم محروم ننموده، و بعد از نصف شب از برای خواندن نماز از خواب برخیزی و چون بیدار شدی اوّل کاری که می‌کنی آن است که به سجده می‌روی و می‌گویی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَحْياني بَعْدَ ما أَماتَني وَإِلَيْهِ النُّشُورُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي رَدَّ عَلَيَّ رُوحي لِأَحْمِدَهُ وَأَعْبُدَهُ.

و چون بر خاستی و نشستی می‌گویی:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبادِ، حَسْبِيَ الَّذي هُوَ حَسْبي مُنْذُ كُنْتُ، حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

و چون برخاستی و ایستادی می‌گویی:

اللّهُمَّ أَعِنّي عَلىٰ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ، وَارْزُقْني خَيْرَ ما

بَعْدَ الْمَوْتِ.

و چون صدای خروس شنیدی می‌گویی:

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسي، فَاغْفِرْ لي إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

پس مهیّا می‌شوی از برای عبادت به آن‌که می‌روی به جهت قضای حاجت به بیت‌الخلا اگر محتاج به آن باشی و چون بیرون آیی مسواک می‌کنی، پس وضو می‌گیری و در هر یک از این‌ها آدابش را بجا می‌آوری، پس بوی خوش بکار می‌بری و می‌نشینی رو به قبله و می‌خوانی مناجات حضرت امام زین العابدین علیه السلام را که در نیمه‌های شب می‌خواند که اوّلش این است: «إِلٰهي غارَتْ نُجُومُ سَمائِكَ...» پس برمی‌خیزی به جهت خواندن نماز شب.

و سزاوار است آن‌که بخوانی دو رکعت نماز در رکعت اوّل «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم قل «یا أیّها الکافرون»، چنانچه از حضرت سجّاد علیه السلام نقل شده که آن حضرت پیش از نماز شب دو رکعت نماز به این طریق می‌خواند.

شیخ بهایی فرموده که: نیکو است آن‌که بخوانی بعد از این دو رکعت این مناجات را که ابوالدّرداء از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را شنیده است:

إِلٰهي كَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقابَلَتِها بِنِقْمَتِكَ، وَكَمْ مِنْ جَريرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِها بِكَرَمِكَ، إِلٰهي إِنْ طالَ في عِصْيانِكَ عُمْري وَعَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبي فَما أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ غُفْرانِكَ، وَلا أَنَا بِراجٍ غَيْرَ رِضْوانِكَ، إِلٰهي أُفَكِّرُ في عَفْوِكَ فَتَهُونُ عَلَيَّ خَطيئَتي، ثُمَّ أَذْكُرُ الْعَظيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتي، آهِ إِنْ قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ سَيِّئَةً أَنَا ناسيها وَأَنْتَ مُحْصيها فَتَقُولُ: خُذُوهُ، فَيا لَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ لا تُنْجيهِ عَشيرَتُهُ وَلا تَنْفَعُهُ قَبيلَتُهُ، آهِ مِنْ نارٍ تُنْضِجُ الْأَكْبادَ وَالْكُلىٰ، آهِ مِنْ نارٍ نَزّاعَةٍ لِلشَّوىٰ، آهِ مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ لَهَباتِ لَظىٰ.

پس گریه می‌کنی و می‌خوانی بعد از آن هر چه خواستی، و برمی‌خیزی به جهت خواندن نماز شب و علما فرموده‌اند که اوّل وقت آن نصف شب است و هر چه به فجر نزدیک‌تر باشد افضل است.

و جایز است تقدیمش بر وقتش از برای صاحبان عذر، و لکن قضا کردنش از تقدیم افضل است، پس نیّت می‌کنی دو رکعت از نافلهٔ شب را و می‌گویی آن هفت تکبیر را با دعاهایش که در سابق [صفحه ۶۷۵] مذکور شد.

و می‌خوانی در رکعت اوّل بعد از حمد «قل هو اللّه احد» و در رکعت دوّم «قل یا أیّها الکافرون» و در شش رکعت دیگر می‌خوانی هر سوره که خواستی، و بهتر آن است که اگر وقت وسعت داشته باشد از سوره‌های طوال مانند: «أنعام» و «کهف» و «أنبیاء» و «یٰس» و «آل حم[1]» بخوانی و اگر وقت تنگ باشد اکتفا می‌کنی بر حمد و توحید و نمازهای شب را بلند می‌خوانی.

و مستحب است آن‌که خوانده شود عقب این دو رکعت و همچنین عقب شش رکعت دیگر از نماز شب این دعا:

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ. اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السّائِلينَ. وَمُنْتَهىٰ رَغْبَةِ الرّاغِبينَ. وَاَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ. وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلىٰ مِثْلِكَ. اَنْتَ مُجيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ وَاَرْحَمُ الرّاحِمينَ. اَسْأَلُكَ بِاَفْضَلِ الْمَسائِلِ وَاَنْجَحِها وَاَعْظَمِها. يا اَللّهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ. وَبِاَسْمائِكَ الْحُسْنىٰ. وَاَمْثالِكَ الْعُلْيا. وَنِعَمِكَ الَّتي لا تُحْصىٰ. وَبِاَكْرَمِ اَسْمائِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّها اِلَيْكَ. وَاَقْرَبِها مِنْكَ وَسيلَةً. وَاَشْرَفِها عِنْدَكَ مَنْزِلَةً. وَاَجْزَلِها لَدَيْكَ ثَواباً. وَاَسْرَعِها فِي الْاُمُورِ اِجابَةً. وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَكْرَمِ الَّذي تُحِبُّهُ وَتَهْواهُ وَتَرْضىٰ بِهِ عَمَّنْ دَعاكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ. وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لا تَحْرِمَ سائِلَكَ وَلا تَرُدَّهُ. وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْراةِ وَالْاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ. وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ

---

۱. مراد سوره‌هایی است که با حروف مقطعه «حم» آغاز می‌شود. و اول آنها سورهٔ «غافر» و آخرشان سورهٔ «الأحقاف» است. وجمعاً هفت سوره‌اند.

عَرْشِكَ وَمَلائِكَتُكَ وَاَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ وَاَهْلُ طاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ◆ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ◆ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ اَعْدائِهِ.

و می‌خوانی هر دعایی که خواسته باشی پس تسبیح زهرا عليها السلام می‌فرستی و سجدهٔ شکر بجا می‌آوری و در سجده می‌گویی: «یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ» ده مرتبه، پس می‌گویی:

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني ◆ وَثَبِّتْني عَلىٰ دينِكَ وَدينِ نَبِيِّكَ ◆ وَلا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَني ◆ وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ.

و چون از این دو رکعت فارغ شدی برمی‌خیزی به جهت دو رکعت دیگر و در آن دو رکعت می‌خوانی هر سوره‌ای که خواستی، و بهتر آن است که در رکعت اوّل سورهٔ «یا اَیُّها الْمزمّل» و در دوّم «عمّ یتساءلون» بخوانی و چون سلام گفتی تسبیح زهرا عليها السلام و دعای سابق را می‌خوانی، پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری و صد مرتبه می‌گویی در آن «ما شاءَ اللّٰهُ»، پس می‌گویی بعد از آن:

یا رَبِّ اَنْتَ اللّٰهُ ما شِئْتَ مِنْ اَمْرٍ یَكُونُ ◆ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لي فيما تَشاءُ اَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتَجْعَلَ فَرَجي وَفَرَجَ اِخْواني مَقْرُوناً بِفَرَجِهِمْ ◆ وَتَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا. و می‌خوانی خدا را به آنچه می‌خواهی.

پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری و بعد از سلام تسبیح زهرا عليها السلام و دعای سابق را می‌خوانی، پس سجدهٔ شکر می‌کنی و در سجده دوازده مرتبه می‌گویی: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْراً».
پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر از نافلهٔ شب می‌خوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «تبارک» و در دوّم «هل أتیٰ» می‌خوانی، و در سجدهٔ آخر این دو رکعت می‌گویی:

یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ ◆ وَیا خَیْرَ مَسْؤُولٍ ◆ وَیا اَوْسَعَ مَنْ اَعْطىٰ ◆ وَیا خَیْرَ

مُرْتَجىً. اُرْزُقْني وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ. وَسَبِّبْ لي رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ. اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

پس چون سلام نماز را گفتی تسبیح زهرا عليها السلام و دعای سابق را می‌خوانی.

و بعد از آن می‌خوانی این دعا را که از حضرت امام رضا عليه السلام روایت شده:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عاذَ بِكَ مِنْكَ. وَلَجَاَ اِلىٰ عِزِّكَ. وَاسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ. وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ. وَلَمْ يَثِقْ اِلّا بِكَ. يا جَزيلَ الْعَطايا. يا مُطْلِقَ الْأُساریٰ. يا مَنْ سَمّىٰ نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهّاباً. اَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً. وَخَوْفاً وَطَمَعاً. وَاِلْحاحاً وَاِلْحافاً. وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً. وَقائِماً وَقاعِداً. وَراكِعاًوَساجِداً. وَراكِباً وَماشِياً. وَذاهِباً وَجائِياً. وَفي كُلِّ حالاتي. وَاَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا. پس حاجت خود را می‌خواهی، پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری.

آداب نماز شفع

و چون از این هشت رکعت نماز فارغ شدی برمی‌خیزی به جهت دو رکعت شفع و یک رکعت وتر، و افضل اوقات این سه رکعت نماز ما بین دو فجر است.

و شیخ طوسی فرموده، که: در رکعت اوّل نماز شفع سورهٔ «حمد» و «قل أعوذ بربّ النّاس» و در رکعت دوّم «حمد» و «قل أعوذ بربّ الفلق» می‌خوانی و بعد از دو رکعت سلام می‌دهی.

و افضل آن است که بی‌ضرورت از مصلّای خود برنخیزی تا نماز وتر را بجا آوری.

و مستحب است خواندن این دعا را در عقب نماز شفع:

اِلٰهي تَعَرَّضَ لَكَ في هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ. وَقَصَدَكَ فيهِ الْقاصِدُونَ. وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطّالِبُونَ. وَلَكَ في هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحاتٌ وَجَوائِزُ وَعَطايا وَمَواهِبُ. تَمُنُّ بِها عَلىٰ مَنْ تَشاءُ مِنْ عِبادِكَ. وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنايَةُ مِنْكَ. وَها اَنَا ذا عَبْدُكَ الْفَقيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ.

فَإنْ كُنْتَ يا مَوْلايَ تَفَضَّلْتَ في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلىٰ أحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْخَيِّرينَ الْفاضِلينَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ[1] وَمَعْرُوفِكَ وَكَرَمِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ، وَصَلِّ اللّهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْخَيِّرينَ الْفاضِلينَ، الَّذينَ أذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً، إنَّ اللّهَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللّهُمَّ إنّي أدْعُوكَ كَما أمَرْتَني، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ، فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَني، إنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.

آداب نماز وَتر

و چون فارغ شدی از دو رکعت شفع برمی‌خیزی به جهت مفردهٔ وتر و هفت تکبیر سابق را با دعاهای آن‌ها می‌گویی و می‌خوانی بعد از «حمد» سورهٔ «توحید» را سه مرتبه و دو سورهٔ «قل أعوذ» را می‌خوانی، پس دست را به جهت دعا بلند می‌کنی و آنچه خواهی دعا می‌خوانی و دعاهایی که در این حال خوانده می‌شود بسیار است لکن ذکرش مناسب با وضع رساله نیست.

و سزاوار است آن که گریه کنی از خوف خدا یا خود را شبیه کنی به گریه کنندگان و بخوانی این دعا را که شیخ طوسی در مصباح متهجّد ذکر فرموده:

لا إلٰهَ إلّا اللّهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لا إلٰهَ إلّا اللّهُ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ، لا إلٰهَ إلّا اللّهُ رَبُّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْأرَضينَ السَّبْعِ وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ وَما فَوْقَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، يا اَللّهُ الَّذي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعافِني مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطانٍ مَريدٍ، وَمِنْ شَرِّ شَياطينِ الْجِنِّ وَالْإنْسِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ صَغيرَةٍ أوْ كَبيرَةٍ بِلَيْلٍ أوْ نَهارٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَديدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَضَعيفٍ،

---

۱. بطَوْلِكَ خ ل.

وَمِنْ شَرِّ الصَّواعِقِ وَالْبَرَدِ • وَمِنْ شَرِّ الْهامَّةِ وَالْعامَّةِ وَاللّامَّةِ وَالْخاصَّةِ.

اَللّٰهُمَّ مَنْ كانَ اَمْسىٰ وَاَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجاءٌ غَيْرُكَ • فَاِنّي اَصْبَحْتُ وَاَمْسَيْتُ وَاَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي فِي الْاُمُورِ كُلِّها • فَاقْضِ لي خَيْرَ كُلِّ عافِيَةٍ • يا اَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ • وَيا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطىٰ • وَيا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ • صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفي وَقِلَّةَ حيلَتي • وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ • وَفُكَّ رَقَبَتي مِنَ النّارِ • وَعافِني في نَفْسي وَفي جَميعِ اُمُوري كُلِّها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرىٰ وَلا تُرىٰ وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ • وَاِلَيْكَ الرُّجْعىٰ وَالْمُنْتَهىٰ • وَلَكَ الْمَماتُ وَالْمَحْيا • وَاَنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْاُولىٰ • اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ.

اَللّٰهُمَّ اهْدِني فيمَنْ هَدَيْتَ • وَعافِني فيمَنْ عافَيْتَ • وَتَوَلَّني فيمَنْ تَوَلَّيْتَ • وَنَجِّني مِنَ النّارِ فيمَنْ اَنْجَيْتَ • اِنَّكَ تَقْضي وَلا يُقْضىٰ عَلَيْكَ • وَتُجيرُ وَلا يُجارُ عَلَيْكَ • وَتَسْتَغْني وَيُفْتَقَرُ اِلَيْكَ • وَالْمَصيرُ وَالْمَعادُ اِلَيْكَ • وَتُعِزُّ مَنْ والَيْتَ • وَلا تُعِزُّ مَنْ عادَيْتَ • وَلا تُذِلُّ مَنْ والَيْتَ • تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ • آمَنْتُ بِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ • وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ جُهْدِ الْبَلاءِ • وَمِنْ سُوءِ الْقَضاءِ • وَدَرَكِ الشَّقاءِ وَتَتابُعِ الْفَناءِ • وَشَماتَةِ الْاَعْداءِ • وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْاَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ وَالْاَحِبّاءِ وَالْاِخْوانِ وَالْاَوْلِياءِ • وَعِنْدَ مُعايَنَةِ الْمَوْتِ • وَعِنْدَ مَواقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ • هٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ • التّائِبِ الطّالِبِ الرّاغِبِ اِلَى اللّٰهِ.

و سه مرتبه می‌گویی: «أَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ» پس دعا می‌کنی از برای برادران مؤمن خود.

و سزاوار است آن‌که بشماری چهل نفر را، پس دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی، پس هفتاد مرتبه استغفار می‌کنی، و اگر صد مرتبه استغفار کنی افضل است، و سزاوار است آن‌که عدد استغفار را به دست راست بشماری و دست چپ را به دعا بلند کرده باشی.

پس هفت مرتبه می‌گویی: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لِجَميعِ ظُلْمي وَجُرْمي وَإِسْرافي عَلىٰ نَفْسي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

پس می‌گویی: رَبِّ أَسَأْتُ وَظَلَمْتُ نَفْسي وَبِئْسَ ما صَنَعْتُ، وَهٰذِهِ يَدايَ يا رَبِّ جَزاءً بِما كَسَبَتْ، وَهٰذِهِ رَقَبَتي خاضِعَةً لِما أَتَيْتُ، وَها أَنَا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ، فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيَ الرِّضا حَتّىٰ تَرْضىٰ، لَكَ الْعُتْبىٰ لا أَعُودُ.

پس می‌گویی «اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ» تا سیصد مرتبه. و می‌گویی بعد از آن: رَبِّ اغْفِرْ لي وَارْحَمْني وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.

و سزاوار است آن‌که طول بدهی قنوت خود را، و اگر وقت وسعت داشته باشد می‌خوانی در قنوت این مناجات را که از حضرت عليّ بن الحسين(ع) روایت شده:

سَيِّدي سَيِّدي هٰذِهِ يَدايَ قَدْ مَدَدْتُهُما إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً، وَعَيْنايَ بِالرَّجاءِ مَمْدُودَةً، وَحَقٌّ لِمَنْ دَعاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً أَنْ تُجيبَهُ بِالْكَرَمِ تَفَضُّلاً، سَيِّدي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقاءِ خَلَقْتَني فَأُطيلَ بُكائي، أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعادَةِ خَلَقْتَني فَأُبَشِّرَ رَجائي؟ سَيِّدي أَلِضَرْبِ الْمَقامِعِ خَلَقْتَ أَعْضائي، أَمْ لِشُرْبِ الْحَميمِ خَلَقْتَ أَمْعائي؟ سَيِّدي لَوْ أَنَّ عَبْداً اسْتَطاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهارِبينَ مِنْكَ لٰكِنّي أَعْلَمُ أَنّي لا أَفُوتُكَ، سَيِّدي لَوْ أَنَّ عَذابي مِمّا يَزيدُ في مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ، غَيْرَ أَنّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لا يَزيدُ في مُلْكِكَ

طاعَةُ الْمُطيعينَ، وَلا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعاصينَ، سَيِّدي ما أَنا وَما خَطَري، هَبْ لي بِفَضْلِكَ، وَجَلِّلْني بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخي بِكَرَمِ وَجْهِكَ، إِلٰهي وَسَيِّدي ارْحَمْني مَصْرُوعاً عَلَى الْفِراشِ تُقَلِّبُني أَيْدي أَحِبَّتي، وَارْحَمْني مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُني صالِحُ جيرَتي، وَارْحَمْني مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ الْأَقْرِباءُ أَطْرافَ جِنازَتي، وَارْحَمْ في ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتي وَغُرْبَتي وَوَحْدَتي.

و چون از قنوت فارغ شدی به رکوع می‌روی و چون سر از رکوع برداشتی می‌گویی:

هٰذا مَقامُ مَنْ حَسَناتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ، وَسَيِّئاتُهُ بِعَمَلِهِ، وَذَنْبُهُ عَظيمٌ، وَشُكْرُهُ قَليلٌ، وَلَيْسَ لِذٰلِكَ إِلَّا رِفْقُكَ وَرَحْمَتُكَ، إِلٰهي طُمُوحُ الْآمالِ قَدْ خابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ، وَمَعاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ[۱] إِلَّا عَلَيْكَ، وَمَذاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ[۲] إِلَّا إِلَيْكَ، فَأَنْتَ الرَّجاءُ وَإِلَيْكَ الْمُلْتَجَأُ، يا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَيا أَجْوَدَ مَسْؤُولٍ، هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسي يا مَلْجَأَ الْهارِبينَ بِأَثْقالِ الذُّنُوبِ أَحْمِلُها عَلىٰ ظَهْري، وَلا أَجِدُ لي إِلَيْكَ شافِعاً سِوىٰ مَعْرِفَتي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ، وَأَمَّلَ ما لَدَيْهِ الرّاغِبُونَ.

يا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَأَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ، وَجَعَلَ ما امْتَنَّ بِهِ عَلىٰ عِبادِهِ في كِفاءٍ[۳] أَنالُ بِهِ حَقَّهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلىٰ عَقْلي سَبيلاً، وَلا لِلْباطِلِ عَلىٰ عَمَلي دَليلاً.

اللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ في مُحْكَمِ كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ: «كانُوا قَليلاً مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ، وَبِالْأَسْحارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»

---

۱. تعطّلت خ ل.
۲. سدّت خ ل.
۳. كِفاءٍ لتأدية حقّه خ ل.

طالَ هُجُوعي وَقَلَّ قِيامي. وَهٰذا السَّحَرُ وَاَنَا اَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبي اسْتِغْفارَ مَنْ لا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا حَياةً وَلا مَوْتاً وَلا نُشُوراً.

پس به سجده می‌روی و تشهّد و سلام می‌گویی و بعد از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌فرستی و سه مرتبه می‌گویی:

سُبْحانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزيزِ الْحَكيمِ. يا حَيُّ يا قَيُّومُ. يا بَرُّ يا رَحيمُ. يا غَنِيُّ يا كَريمُ. ارْزُقْني مِنَ التِّجارَةِ اَعْظَمَها فَضْلاً. وَاَوْسَعَها رِزْقاً. وَخَيْرَها لي عاقِبَةً. فَاِنَّهُ لا خَيْرَ فيما لا عاقِبَةَ لَهُ.

پس می‌خوانی «دعای حزین» را و دعا این است:

اُناجيكَ يا مَوْجُودُ في كُلِّ مَكانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدائي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمي وَقَلَّ حَيائي. مَوْلايَ يا مَوْلايَ اَيَّ الْاَهْوالِ اَتَذَكَّرُ وَاَيَّها اَنْسىٰ؟ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ اِلَّا الْمَوْتُ لَكَفىٰ. كَيْفَ وَما بَعْدَ الْمَوْتِ اَعْظَمُ وَاَدْهىٰ؟! يا مَوْلايَ يا مَوْلايَ حَتّىٰ مَتىٰ وَاِلىٰ مَتىٰ اَقُولُ لَكَ الْعُتْبىٰ مَرَّةً بَعْدَ اُخْرىٰ ثُمَّ لا تَجِدُ عِنْدي صِدْقاً وَلا وَفاءً؟! فَياغَوْثاهُ ثُمَّ وَاغَوْثاهُ بِكَ يا اَللهُ مِنْ هَوىً قَدْ غَلَبَني. وَمِنْ عَدُوٍّ قَدِ اسْتَكْلَبَ عَلَيَّ. وَمِنْ دُنْياً قَدْ تَزَيَّنَتْ لي. وَمِنْ نَفْسٍ اَمّارَةٍ بِالسُّوءِ اِلّا ما رَحِمَ رَبّي. مَوْلايَ مَوْلايَ يا مَوْلايَ اِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ مِثْلي فَارْحَمْني. وَاِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلي فَاقْبَلْني. يا قابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْني. يا مَنْ لَمْ اَزَلْ اَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنىٰ. يا مَنْ يُغَذّيني بِالنِّعَمِ صَباحاً وَمَساءً. ارْحَمْني يَوْمَ آتيكَ فَرْداً. شاخِصاً اِلَيْكَ بَصَري. مُقَلَّداً عَمَلي. قَدْ تَبَرَّأَ جَميعُ الْخَلْقِ مِنّي. نَعَمْ. وَاَبي وَاُمّي وَمَنْ كانَ لَهُ كَدّي وَسَعْيي. فَاِنْ لَمْ تَرْحَمْني فَمَنْ يَرْحَمُني؟ وَمَنْ يُؤْنِسُ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتي؟ وَمَنْ يُنْطِقُ لِساني اِذا خَلَوْتُ

بِعَمَلِي وَساءَلْتَني[1] عَمّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي؟ فَإِنْ قُلْتُ: نَعَمْ فَأَيْنَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ؟! وَإِنْ قُلْتُ: لَمْ أَفْعَلْ قُلْتَ: أَلَمْ أَكُنِ الشّاهِدَ عَلَيْكَ؟! فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ يا مَوْلايَ قَبْلَ أَنْ تَلْبَسَ الْأَبْدانُ سَرابيلَ الْقَطِرانِ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ يا مَوْلايَ قَبْلَ أَنْ تُغَلَّ الْأَيْدي إِلَى الْأَعْناقِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَخَيْرَ الْغافِرينَ.

و کفعمی گفته که بعد از این دعا دو سجده بجا می‌آوری، و در سجدهٔ اوّل می‌گویی پنج مرتبه: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ» پس می‌نشینی و می‌خوانی «آیة الکرسی» را، پس به سجدهٔ دوّم می‌روی و باز پنج مرتبه ذکر سابق را می‌گویی، پس گفته که هرکه این دو سجده را به این نحو بجا آورد اجر عظیمی درک خواهد نمود. انتهی.

آداب نافلهٔ صبح

و چون از نماز وتر فارغ شدی برمی‌خیزی به جهت دو رکعت نافلهٔ نماز صبح و وقت آن پیش از فجر دوّم بعد از فارغ از نماز شب است و اگر فجر دوّم طالع گشته و نخواندی باز وقت آن باقی است تا حمره در افق ظاهر شود، و اگر وقتش گذشت و نخوانده‌ای آن را پس تأخیر میاندازی آن را از نماز فریضه و می‌خوانی در رکعت اوّل آن بعد از «حمد» سورهٔ «قل یا أیّها الکافرون»، و در رکعت دوّم بعد از «حمد» «قل هو اللّه احد» و چون سلام گفتی می‌خوابی به طرف راست رو به قبله مثل میّت که در لحد گذاشته می‌شود و می‌گذاری گونهٔ راست خود را بر روی دست راست پس این دعا را می‌خوانی:

اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّٰهِ الْوُثْقَى الَّتي لَا انْفِصامَ لَها، وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللّٰهِ الْمَتينِ، وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، رَبِّيَ اللّٰهُ رَبِّيَ اللّٰهُ رَبِّيَ اللّٰهُ، آمَنْتُ بِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللّٰهَ

---

۱. وَسَئَلْتَني غ ل.

بالِغُ اَمْرِهِ. قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً. حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.

اللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ وَلَهُ حاجَةٌ اِلىٰ مَخْلُوقٍ فَاِنَّ حاجَتي وَرَغْبَتي اِلَيْكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ. لَكَ الْحَمْدُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الصَّباحِ. اَلْحَمْدُ لِفالِقِ[1] الْاِصْباحِ. اَلْحَمْدُ لِناشِرِ[2] الْاَرْواحِ. اَلْحَمْدُ لِقاسِمِ الْمَعاشِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ جاعِلِ اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْباناً. ذٰلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاجْعَلْ في قَلْبي نُوراً. وَفي بَصَري نُوراً. وَعَلىٰ لِساني نُوراً. وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُوراً. وَمِنْ خَلْفي نُوراً. وَعَنْ يَميني نُوراً. وَعَنْ شِمالي نُوراً. وَمِنْ فَوْقي نُوراً. وَمِنْ تَحْتي نُوراً. وَعَظِّمْ[3] لِيَ النُّورَ. وَاجْعَلْ لي نُوراً اَمْشي بِهِ فِي النّاسِ. وَلا تَحْرِمْني نُورَكَ يَوْمَ اَلْقاكَ[4].

پس می‌خوانی «آیة الکرسی» و دو سورهٔ «قل أعوذ» و پنج آیه از «آل عمران»[5] که اوّلش این است: ﴿اِنَّ في خَلْقِ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ﴾ و آخرش ﴿اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ﴾ است. پس برمی‌خیزی و می‌نشینی و تسبیح زهرا ﷺ می‌فرستی، و مستحب است آن که صد مرتبه می‌گویی: «سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظيمِ وَبِحَمْدِهِ. اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ». پس هفت مرتبه می‌گویی: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ. لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ». پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری و می‌خوانی در آن، آنچه به خاطرت می‌رسد از آن دعاهایی که در سابق [صفحه ۶۸۷] به جهت سجدهٔ شکر ذکر شد.

---

۱. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فالِقِ خ ل.
۲. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ناشِرِ خ ل.
۳. أَعْظِمْ خ ل.
۴. اَلْقاهُ خ ل.
۵. سوره (۳)، آیه‌های ۱۹۰ تا ۱۹۴.

و سزاوار است آن‌که در این سجده دعا کنی از برای برادران مؤمن خود و بگویی:

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيالِي الْعَشْرِ، وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ إِذا يَسْرِ، وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَإِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَمَليكَ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي وَبِفُلان و فلان[1] ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بِنا ما نَحْنُ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

و مستحب است نیز آن‌که خوانده شود بعد از فراغ از نمازهای شب، سورهٔ «قدر» سه مرتبه، و صلوات بر پیغمبر ده مرتبه و سورهٔ «توحید» سه مرتبه، و سه مرتبه: «**كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنا**» و سه مرتبه: «**يا رَبّاهُ**» پس می‌گویی:

مُحَمَّدٌ بَيْنَ يَدَيَّ، وَعَلِيٌّ وَرائي، وَفاطِمَةُ فَوْقَ رَأْسي، وَالْحَسَنُ عَنْ يَميني، وَالْحُسَيْنُ عَنْ شِمالي، وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسىٰ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلامُ حَوْلي.

پس می‌گویی: **يا رَبِّ ما خَلَقْتَ خَلْقاً خَيْراً مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلاتي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَدُعائي بِهِمْ مُسْتَجاباً، وَحاجاتي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَذُنُوبي بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَرِزْقي بِهِمْ مَبْسُوطاً.**

پس صلوات می‌فرستی بر پیغمبر و آل آن حضرت و حاجت خود را ذکر می‌کنی.

و سزاوار است آن‌که بخوانی بعد از فراغ نماز شب، دعای سی و دوّم *صحیفهٔ کامله* را که اوّلش این است: «**اللّٰهُمَّ يا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ...**».

---

۱. به جای فلان و فلان نام برادرهای مؤمنین خود را ذکر می‌کنی.

تمام شد

آنچه حق تعالی تقدیر فرموده

جمع آن را در این رسالهٔ شریفه

ملتمس از برادران ایمانی آن است که

هرکه از این رساله منتفع گردد در حال حیات یا بعد از وفات

این غریق بحر سیّئات را به دعای رحمت و مغفرت یاد نمایند.

وخُتِمَ بفضل الله سبحانه وكرمه

في يوم الخميس الثالث من شهر ربيع المولود

من سنة اثنتين وعشرين بعد ثلاثمائة وألف من الهجرة المقدّسة

على هاجرها ألف سلام وتحية، على يد مؤلّفه الراجي عفوَ ربّه الغنيّ عبّاس بن محمّد رضا القمّي

في أرض كربلاء في جوار مولانا المظلوم أبي عبد الله الحسين صلوات الله و سلامه عليه

مع تراكم الهموم و اختلال الأحوال و توزّع البال

والحمد لله أوّلاً وآخراً

و صلّى الله على سيّدنا محمّدٍ و آله الأطهرين

واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين

* * *

خاتمه کتاب

مخفی و مستور نماند برادران دینی اثنی عشریه را که بندهٔ درگاه، العبد المذنب مشهدی عباسعلی خیام تبریزی ولد کربلایی محمد عاب شراه مدتها بود در این خیال بودم که کتابی جامع از مآخذ معتبر، که ابتلا و محل حاجت مؤمنین است و کافی در هر موقع باشد در دست نبود در فراهم آوردن آن عاجز و متفکر بودم در اثنای ناامیدی توکلت علی الله، قریب به سه سال و نیم قبل یک عنوانی که منسوب به این کتاب مستطاب باشد به اندازهٔ فهم قاصر خود نوشته ارسال نجف اشرف خدمت جناب سید العلماء والفضلاء آقا سید محمد آقا خامنه‌ای سلمه الله تعالی نمودم و مستدعی شدم کسی که در این فن بصیر و خبیر باشد پیدا نموده این امر را رجوع به جنابش نمایند. لهذا جناب آقای بزرگوار قربةً الی الله بعد از سعی بسیار، مقصود بنده را به جناب مستطاب العالم العامل، غواص بحار اخبار الائمة الأطهار

حاج شیخ عباس قمی ادام الله تأییده و توفیقه

رسانیده و جناب ایشان به ملاحظهٔ ذخیرهٔ «یوم لاینفع مال ولابنون» و تقرّباً الی الله تعالی قبول این زحمت فرموده و به دستیاری آقای بزرگوار آقای سید محسن آقا، نواده جناب مستطاب

خاتم العلما و الفقها حاجی میرزا حسین نوری الطبرسی اعلی الله مقامهما و در کتابخانه آن مرحوم مشغول

تالیف و درجمع آوری آن اهتمام بلیغ فرمودند که الحق مطبوع طباع خاص و عام شده، امید که ان شاء الله

شکر آن را غنیمت شمرده درحق مؤلف و جناب آقایان باوالدین بانی و کاتب و حقیر درحال حیات

و بعد ازممات به دعای خیر یاد فرموده وطلب رحمت و مغفرت نمایند . و متمنی از مؤمنین آن که

هرکس خیال چاپ دوم این کتاب شریف را داشته باشد، اسم این عاصی را از کتاب

هدیة الزائرین وبهجة الناظرین

محو نفرموده به همین طراز از اول الی آخر، به طبع برسانند و آنچه لازمهٔ تصحیح بود با جناب مستطاب عمدة العلماء

وملاذ الاتقیا فخر الافاضل وکنز الفضائل آقای شریعتمدار، آقامیرزا ابراهیم آقا زید عمره و توفیقه

به عمل آمده که ان شاء الله به صحت مقرون خواهد شد.

چون نسخهٔ اول این کتاب مستطاب با وجود این که مقابله نموده بودند باز اغلاط بسیار سهوا

درکلمات و اعراب گذاشته بود، لهذا وقتی که جناب مستطاب عمدة الأخیار و التجار حاجی محمود آقا توتونچی

عزم طبع ثانوی را نمودند، محض من باب خدمت به آستان ملائک پاسبان حضرت اهل بیت

رسالت علیهم السلام از حضرت مستطاب قدوة العلماء المتبحرین المحققین آقای آقامیرزا ابوالقاسم

آقا کرکی دامت برکاته التجا و استدعا نمودیم که اغلاط نسخه سابقه را تصحیح فرمایند تا از روی آن

استنساخ شود حضرت معظم له با وجودی که مشغله کثیره علمیه داشتند باز مسؤول این روسیاه را اجابت

فرموده و با کمال دقت مطبوع اول را تصحیح فرموده بعداً به کاتب داده شد و بعد از استنساخ مجدداً

در محضر مبارک ایشان اغلب به مباشرت خود احقر مقابله و تصحیح شد.

امید است که ان شاء الله تعالی غلطی نداشته باشد الّا ما زاغ عنه البصر، از حضرت زوّار و سایر مؤمنین که از

این کتاب مستفیض خواهند شد استدعای دعای خیر داریم.

اقلّ الخلائق

یوسف التوتونچی تبریزی

